نشر شاهد

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

وصیت نامه کامل شهدا (۲۹)

استان اردبیل

دفتر ششم

صبی- عمو

صبحی، دلاور- عمویی الوریق، محمد

به کوشش:

دکتر منوچهر اکبری

استاد دانشگاه تهران

اداره کل اسناد و انتشارات

پاییز ۱۳۹۵

سرشناسه: اکبری، منوچهر ۱۳۳۵، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: وصیت‌نامهٔ کامل شهدای استان اردبیل/ دفتر ششم صبـ‌عم(صبحی-عمویی ایوریق)/ منوچهر اکبری
مشخصات نشر: تهران، بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور اجتماعی،اداره کل اسناد و انتشارات نشر شاهد، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۱۰ج، عکس،نمونه، نقشه
فروست: آثار و اسناد شهدا و ایثارگران؛ ۰۳۳،۳۲،۳۱،۳۰،۲۹،۲۸،۲۷،۲۶،۲۵،۲٤
شابک:۳۰۰۰۰۰ریال ۳-۵۸۹-۳۹٤-۹٦٤-۹۷۸ شابک دوره:۷-۵۹٤-۳۹٤-۹٦٤-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا یادداشت:ج.۲-٤ و ٦-۱۰(چاپ اول:۱۳۹۵)(فیپا). یادداشت: کتابنامه
مندرجات: ج.٦. صبـ عم (صبحی-عمویی ایوریق)
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- شهیدان- وصیت‌نامه ◈ موضوع: Iran-Iraq War . 1980-1988--Ardebil(Province)--Martys--Wills:
موضوع: شهیدان--ایران--اردبیل(استان)--وصیت نامه ها ◈ موضوع:-Martys--Iran--Ardebil(Province) –Wills
شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران-مرکز اسناد و آثار فرهنگی شهدا و ایثارگران
رده‌بندی کنگره: **۱۳۹۵ ۶و۷الف/۱۶۲۵ DSR**
رده‌بندی دیویی: **۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲**
شماره کتابشناسی ملی: **۴۳۱۰۸۸۷**

اداره کل اسناد و انتشارات

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۲۹)

وصیت‌نامهٔ کامل شهدای استان اردبیل ◈ دفترششم صبـ عم (صبحی- عمویی ایوریق)

به کوشش: **دکتر منوچهر اکبری (استاد دانشگاه تهران)**
نوبت چاپ: چاپ اول پاییز ۱۳۹۵ ◈ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
مدیر تولید: محبوب شهبازی◈ناظر فنی: رضا حاجی آبادی
مستند سازی اسناد: یوسف قدیانی◈هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند
حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: مینا صفری ◈هماهنگی فنی: نسترن حاجی‌زاده‌سابق
امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر
قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال ◈ قیمت دوره:۳۰۰۰۰۰۰ریال
شابک: ۳-۵۸۹-۳۹٤-۹٦٤-۹۷۸ ◈ شابک دوره:۷-۵۹٤-۳۹٤-۹٦٤-۹۷۸

نشانی: **تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی- شمارهٔ ۵ معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۳۰۸۰۸۹- ۸۸۳۰۹۲۴۹ ◈**توزیع: **مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ◈ مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱؛ فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر**
www.navideshahed.com

فهرست

سخن ناشر ۱۱
صبحی، دلاور ۱۵
صبورآقجه‌کند، اصغر ۲۲
صبورآقجه‌کندی، حسین ۲۷
صحبت‌زاده لنبر، لشگر ۳۳
صداقت، عطامعلی ۳۸
صدری، نوروز ۴۷
صدساله، ودود ۵۰
صدق‌زاده، نادر ۵۴
صدقی کوهساره، فضائیل ۶۴
صدیق، اکبر ۷۴
صدیق‌طهارم، عین‌الله ۸۰
صدیقی، مجدالله ۸۷
صفرزاده، اسکندر ۹۱
صفرزاده گندیشمین، علی ۹۶
صفری، حسینعلی ۱۰۱
صفوی کوهساره، میرفاضل ۱۰۹
صفیاری فکور، قربانعلی ۱۱۴
صلواتی، حمید ۱۱۸
صلواتی‌زاده، حجت ۱۲۲
صمدی، داماد ۱۲۶
صوری، رسول ۱۳۲
صیامی، امین ۱۳۵
ضعیف‌زاده، کاظم ۱۳۸
طایف‌نژادسادات، علی ۱۴۲
طاعتی، اژدر ۱۴۴
طالب‌العلم، محمدرضا ۱۴۷
طالبی، برات ۱۵۰
طالبی، خوشنویس ۱۵۵
طالبی ساقصلو، بهاالدین ۱۶۳
طالعی، پرویز ۱۶۷
طالعی، کلام‌الله ۱۷۲
طاهری، احمد ۱۷۷
طاهری الله‌لو، میرابراهیم ۱۸۵
طریقی، غلامرضا ۱۸۸
طهماسبی، بایرام ۱۹۶
طهماسبی، یعقوب ۲۰۲
طهماسبی‌نژاد، عادل ۲۰۹
طهماس‌پور، جعفر ۲۱۴
طوفانی، اصغر ۲۲۲
ظاهری مرحوم، کریم ۲۲۶
ظهوری، قدرت ۲۳۸
عابدی بفراجرد، جانعلی ۲۴۱
عالش‌زاده، اسد ۲۴۴

عالشی، اسحاق ۲۴۷
عالمراثی قلی‌درق، صابر ۲۵۲
عالی‌زاده، اکبر ۲۵۷
عبادی، بقیةالله ۲۶۶
عبادی، ظهیر ۲۶۹
عبادی، میرخاص ۲۷۴
عبادی قشلاق، عظیم ۲۷۷
عبادی قلنج‌خانلو، حسین ۲۸۱
عباس‌پور قورتلو، حسن ۲۸۸
عباس‌زاده‌سین، امانت ۲۹۱
عباس‌زاده‌سین، جهانبخش ۲۹۶
عباس‌نیا اختری، طاهر ۳۰۳
عباسی منعم، جهانگیر ۳۰۹
عباسی، بخشایش ۳۲۵
عباسی، ناصر ۳۳۹
عباسی گیلانده، غلامرضا ۳۴۳
عباسی، میرسلیمان ۳۴۷
عبدالعظیمی‌شام‌اسبی، مقدس ۳۵۱
عبدالله‌زاده، جعفرآقا ۳۵۶
عبدالّهی، ذوالفقار ۳۵۹
عبدالّهی، رزاق ۳۶۲
عبدالّهی، عظیم ۳۶۸
عبدالّهی لگرانی، محمد ۳۷۲
عبدلی موئیلی، الله‌شکر ۳۷۹
عبدلی نیاری، موسی ۳۸۳
عبدی، علی ۳۹۰
عبدی، محمود ۴۰۳
عبدی، یوسف ۴۱۰
عبدی خانقاه، حسین ۴۱۶
عبدی میراشرف، شمس‌الدین ۴۲۰
عیدی هشتجین، عباد ۴۲۳
عدلی ساری نصیرلو، رجب ۴۳۱
عرش‌نشین، عقیل ۴۳۵
عزتی نصیرآباد، سیاوش ۴۵۶
عزیزی، سخاوت ۴۶۷
عزیزی، سیدمسعود ۴۷۲
عزیزی، عطا ۴۷۷
عزیزی زاویه، سیدعلوم ۴۸۱
عزیزی نیاری، حیدر ۵۰۴
عزیزی‌وند گیگلو، علی ۵۰۷
عسگری، علی ۵۱۰
عصائی جدید، بایرام ۵۱۹
عطایی، هاشم ۵۲۳
عطایی آتشگاه، محمدعلی ۵۲۶

عظیم‌پور نیاری، پرویز ۵۳۳
عظیم‌پور نیاری، نظرعلی ۵۳۷
عظیمی ججین، محمد ۵۴۴
عقلمندی، حضرتقلی ۵۴۹
علائی‌زاده اردبیلی، غفور ۵۵۲
علفیان، حسن ۵۵۶
علمی میزان، بهروز ۵۶۱
علوی، میرناصر ۵۶۶
علوی مجدر، سیدعلی‌اصغر ۵۷۸
علی‌اوغلی، احمد ۵۸۴
علی‌پور، بصیر ۵۹۲
علی‌پور، حسین ۵۹۸
علی‌پور، صاحب ۶۰۱
علی‌پور جغناب، سلطانعلی ۶۱۷
علی‌پور دوکش، اسدالله ۶۲۳
علی‌پور عموقین، نادر ۶۳۳
علیخانی، علی ۶۳۸
علی‌خواه مغانلو، حمدالله ۶۴۱
علی‌زاده، اصلان ۶۴۶
علی‌زاده، قدمعلی ۶۴۹
علی‌زاده، کیان ۶۵۳
علی‌زاده‌شال، عبدالرسول ۶۵۹
علی‌زاده کریم‌کندی، علی ۶۶۵
علی‌زاده کوزه تپراقی، یاور ۶۶۸
علی‌محمدی احمدآباد، سلیم ۶۷۱
علی‌محمدی سلطان‌آبادی، علی ۶۷۹
علی‌محمدیان، رئوف ۶۸۴
علی‌نژاد، اکبر ۶۹۹
علی‌نژاد، الله‌شکر ۷۰۵
علی‌نژاد، ولی ۷۰۹
عمرانی، پرویز ۷۱۴
عموزاده، شیرالله ۷۱۸
عمویی ایوریق، آقامحمد ۷۲۴
تعلیقات ۷۲۹

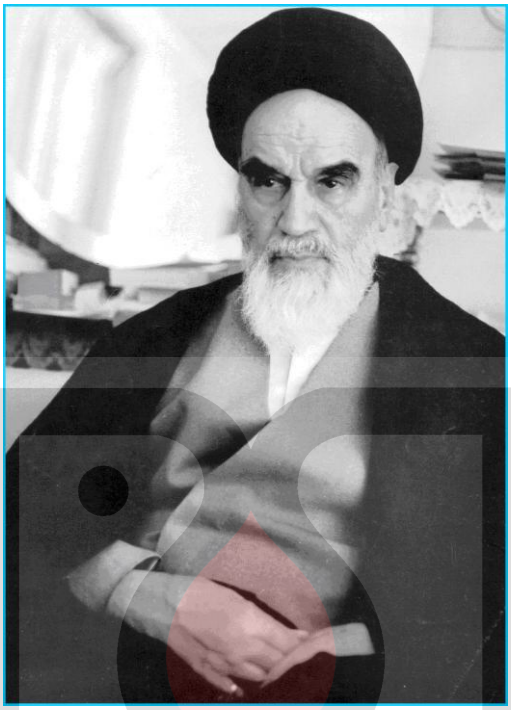

«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»

امام خمینی(ره)- صحیفه نور- جلد ۱۵ ص۳۲

نشر شاهد

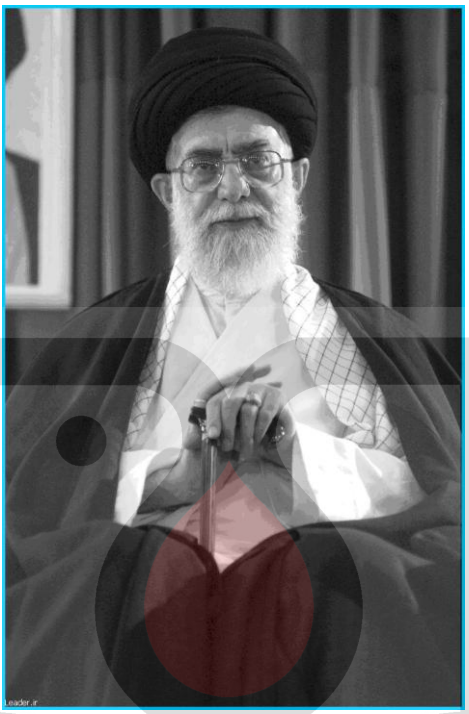

منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همهٔ چیزهایی که برای ادارهٔ امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامهٔ امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعهٔ فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری- نماز جمعه تهران- آذرماه ۱۳۸۱

سخن ناشر

تاریخ و فرهنگ یکی ازمهمترین مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری در تمدن بشری به آن مباهات می‌کنند. شکی نیست که کشور ایران به علت برخورداری از تاریخ کهن و فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی در صف مدعیان این عرصه قرار داشته و آداب، رسوم و فرهنگ این مرز و بوم که سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، به نسل های بعدی منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباهات این ملت می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌های مختلف اجتماع، به ویژه کسانی که توفیق لمس و درک فرهنگ و شرایط ویژه دوران تأثیرگذار آن اجتماع را نداشته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همت مراکز اسنادی و آرشیوی صرف گردآوری، محافظت، نگهداری و مراقبت از این گنجینه‌های گرانقدر فرهنگی می‌شود.

اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر به فرد و ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان می‌نماید. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضمن ایفای

نقش اطلاع‌رسانی که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجد یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلّغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند.

گردآوری، حفظ و دسترس پذیری اسناد شهدا و ایثارگران به مثابه‌ی حافظه تاریخی و میراث معنوی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس یک رسالت تاریخی است. حفظ و نگهداری این اسناد سبب خواهد شد تا آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

پس از فرایند گردآوری و مستند سازی اسناد و وصایای شهدا و ایثارگران ، انتشار اسناد دست اول شهدا جزو اولویت های نشر شاهد بشمار می رود. به باور اندیشمندان و صاحبنظران فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام(ﷺ) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکارتر می‌سازد.

این کتاب[۱] حاوی ۱۲۰ وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان اردبیل (دفتر ششم) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسانه همکاران محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اردبیل و اداره کل اسناد و انتشارات است. در اینجا شایسته است که از تلاش و کوشش وافر همکاران محترم در استان بویژه آقایان : یوسف دلخون و جواد انزابی و در ستاد مرکز آقایان: سعید گنجی ، یوسف قدیانی و خانم زهرا شیرکوند قدردانی شود و نیز از آقای دکتر منوچهر اکبری استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و

[۱] . کل وصایای بدست آمده از شهدای استان اردبیل در ده مجلد فراهم آمده است و در مجلد دهم نمایه های ده مجلد درج شده است.

همکارانشان که تلاش بی‌وقفه‌ای در تصحیح و تنقیح مجموعه داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌کنیم.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحبنظران گرانقدر آقایان: دکتر محسن میرانصاری، حجج الاسلام احمد مازنی و سید حسن موذنی، دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ وتمامی کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه ما را یاری رساندند صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحبنظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گیرد.

محبوب شهبازی
مدیر مسئول نشر شاهد
پاییز ۱۳۹۵

نشر شاهد

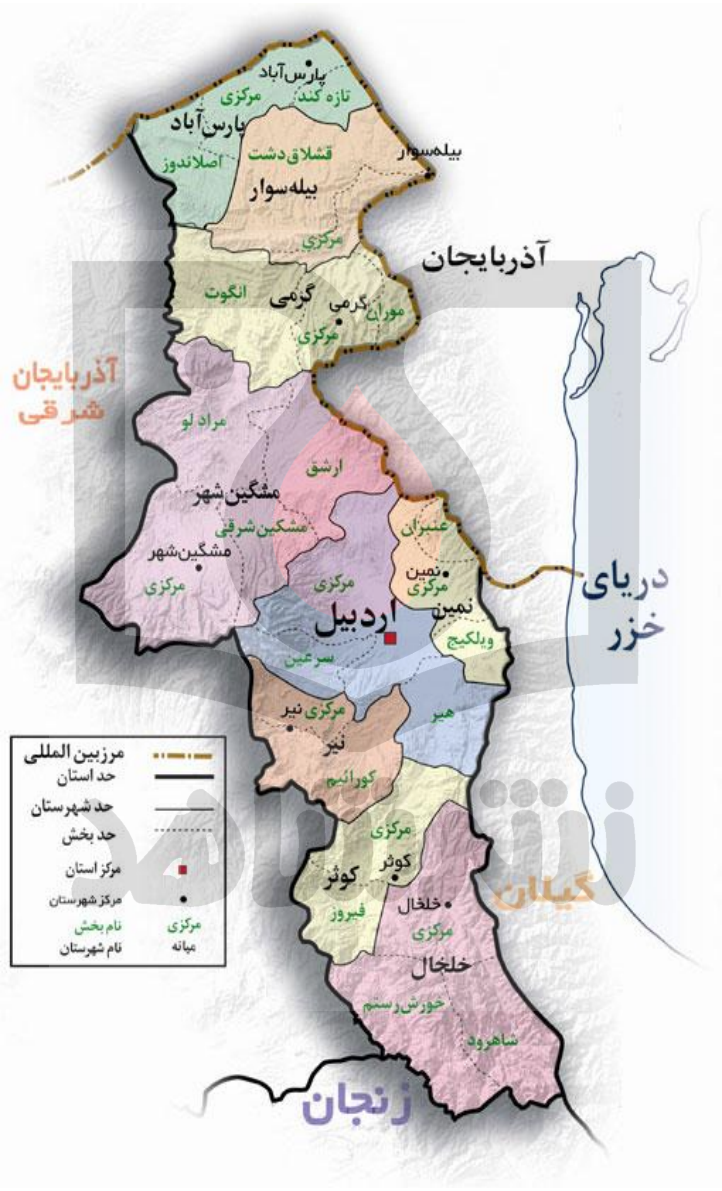
پارس‌آباد
مرکزی
تازه کند
پارس آباد
اصلاندوز
قشلاق دشت
بیله‌سوار
بیله‌سوار
مرکزی
آذربایجان
انگوت
گرمی
گرمی
مورا
مرکزی
آذربایجان
شرقی
مراد لو
ارشق
مشگین‌شهر
مشکین‌شرقی
مشگین‌شهر
مرکزی
عنبران
نمین
مرکزی
مرکزی
نمین
اردبیل
ویلکیج
سرعین
دریای
خزر
مرکزی نیر
هیر
نیر
کورائیم
مرکزی
کوثر
کوثر
خلخال
فیروز
مرکزی
خلخال
خورش رستم
شاهرود
گیلان
زنجان
مرزبین المللی
حد استان
حد شهرستان
حد بخش
مرکز استان
مرکز شهرستان
مرکزی
نام بخش
نام شهرستان
میانه

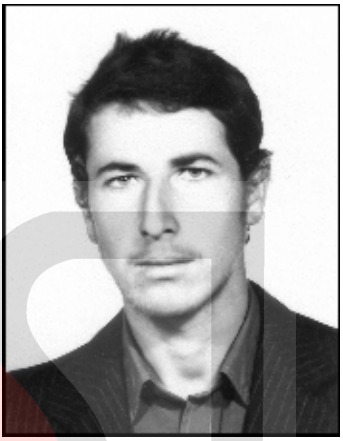

نام: **دلاور**
نام خانوادگی: **صبحی**
نام پدر: **نوبرعلی**
نام مادر: **نجیبه**
تاریخ تولد: **یکم شهریور** 1343
محل تولد: **روستای کله‌سر از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهفتم بهمن** 1361
محل شهادت: **پیرانشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مانند پروانه به دور امام بگردید و لحظه‌ای از یاری او و انقلاب دست برندارید.
- ای کاش خدا به من بیشتر جان می‌داد تا نثار راه یاری انقلاب و مهدی زهرا(عج) و نایبش کنم.
- کاری نکنید که خون شهدا به هدر برود.
- امت شهیدپرور در این انقلاب کوتاهی نکنند و هر نوع توطئه را سرکوب کنند.
- مانند اهل کوفه نشوید با تمام وجودتان لبیک گفته و یاریش دهید.
- پدر و مادر عزیزم من با اجازه شما به مدرسه خودسازی (جبهه) رفتم.
- اگر من شهید شدم به آرزوی خود رسیده، به‌دیدار خدا رفته‌ام.
- تربیت خواهرانم و برادرانم با شماست سعی کنید که با تعالیم اسلامی و با حجاب تربیت کنید.

دلاور صبحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهدا والصدیقین

«فَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَأُوذُوا فِی سَبِیلِی وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»

«وَمَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَی اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اللَّهِ وَکَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِیمًا»[1]

«پس آنانکه مهاجرت کردند و بیرون رفتند از دیارشان و رنجانیده شدند در راه من و کارزار کردند و کشته شدند از بدی‌های ایشان [درمی‌گذرم][2] و در بهشت‌هایی‌که نهرها در آن جاری است داخلشان می‌کنم» (قرآن کریم، آل عمران بخشی از آیه 195)[3]

خدایا امیدوارم توانسته باشم با خون خود جزء خونهایی که چون سیل درخت پاینده اسلام را آبیاری می‌کنند شده باشم. خدایا از تو می‌خواهم که به مادران امین یعنی مادرانی که امانت تو را به خودت تحویل داده‌اند، صبر و شکیبایی عطا کنی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیتی برای خودم که شما مانند پروانه به دور امام بگردید و لحظه‌ای از یاری او و انقلاب دست برندارید و دعا کنید که تا خدا فرج آقا امام زمان(عج) را نزدیک کند و ای کاش خدا به من بیشتر جان می‌داد تا نثار راه یاری انقلاب و مهدی زهرا(عج) و نایبش کنم. امیدوارم که خدا این جان ناقابل را از من روسیاه گنه‌کار قبول کند. کاری نکنید که خون شهداء به هدر برود که فردای قیامت شهدای صدر اسلام و حال جلویتان می‌ایستند و پدر و مادر شهیدان و آن بچه‌ای که بابایش را از دست داده می‌گوید: بابای من خون خود را ریخته

1- نسا/ 100.

2- در اصل وصیت «درمی‌گذارم».

3- در اصل وصیت «آل‌عمران آیه 194».

است آن وقت شما توجهی نداشتید که آنروز سخت روزی است کـه ایـن راه را بـا آگـاهی انتخاب کردم. امت شهیدپرور در این انقلاب کوتاهی نکنند و هـر نـوع توطئـه را سـرکوب کنند و امام را تنها نگذارند و حسین زمان «هـل مـن ناصـر ینـصرنی»[1] گفتـه اسـت. مـردم بشتابید مانند اهل کوفه[2] نشوید با تمام وجودتان لبیک گفته و یـاریش دهیـد و بـرای فـرج ولی عصر(عج) هر شب و روز دعا کنید.

خطاب به پدر: پدر و مادر عزیزم شما که خود می‌دانید هـر کـس کـه در ایـن راه قـدم برمی‌دارد، برای خدا می‌آید و اگر انشاءالله شهادت نصیب من شد حقیرانـه تقاضـا مـی‌کـنم خونسردی خود را حفظ کنید. مبادا با گریه و شیون راه به ستون پنجم[3] دشمن بدهید و آنها را خوشحال کنید خواهر، مادرم و پدرم شما که به من هر چقدر زحمت کـشیده‌ایـد حـلال کنید.

پدر و مادر عزیزم من با اجازه شما به مدرسه خودسازی (جبهه) رفـتم و چنـد نکتـه را بهتر دیدم که به شما تذکر بدهم. پدر و مادر عزیـز و گرامـی مبـادا کـه هنگـام نبـودن مـن درخانه ایجاد ناراحتی نمایید صبور باشید، امام و تمام رزمندگان را دعا کنید و یار و یاور او باشید.

پدر و مادرم و خواهرانم و برادرانم از اینکه من شهید شدم به‌هیچ وجه ناراحت نـشوید چون اگر مـن شـهید شـدم بـه آرزوی خـود رسـیده، بـه‌دیـدار خـدا رفتـه‌ام و مـن پـیش حسین(**7**) رفتم. من زنده و شاهد و ناظر هستم. تربیت خواهرانم و برادرانم با شماسـت سعی کنید که با تعالیم اسلامی و با حجاب تربیتشان کنید این را هم بدانید تا خدا را داریـد غم و غصه‌ای ندارید. پدر و مادر می‌دانم که من برای شما پسر خوبی نبودم، اما مـرا حـلال کنید.

خداحافظ

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

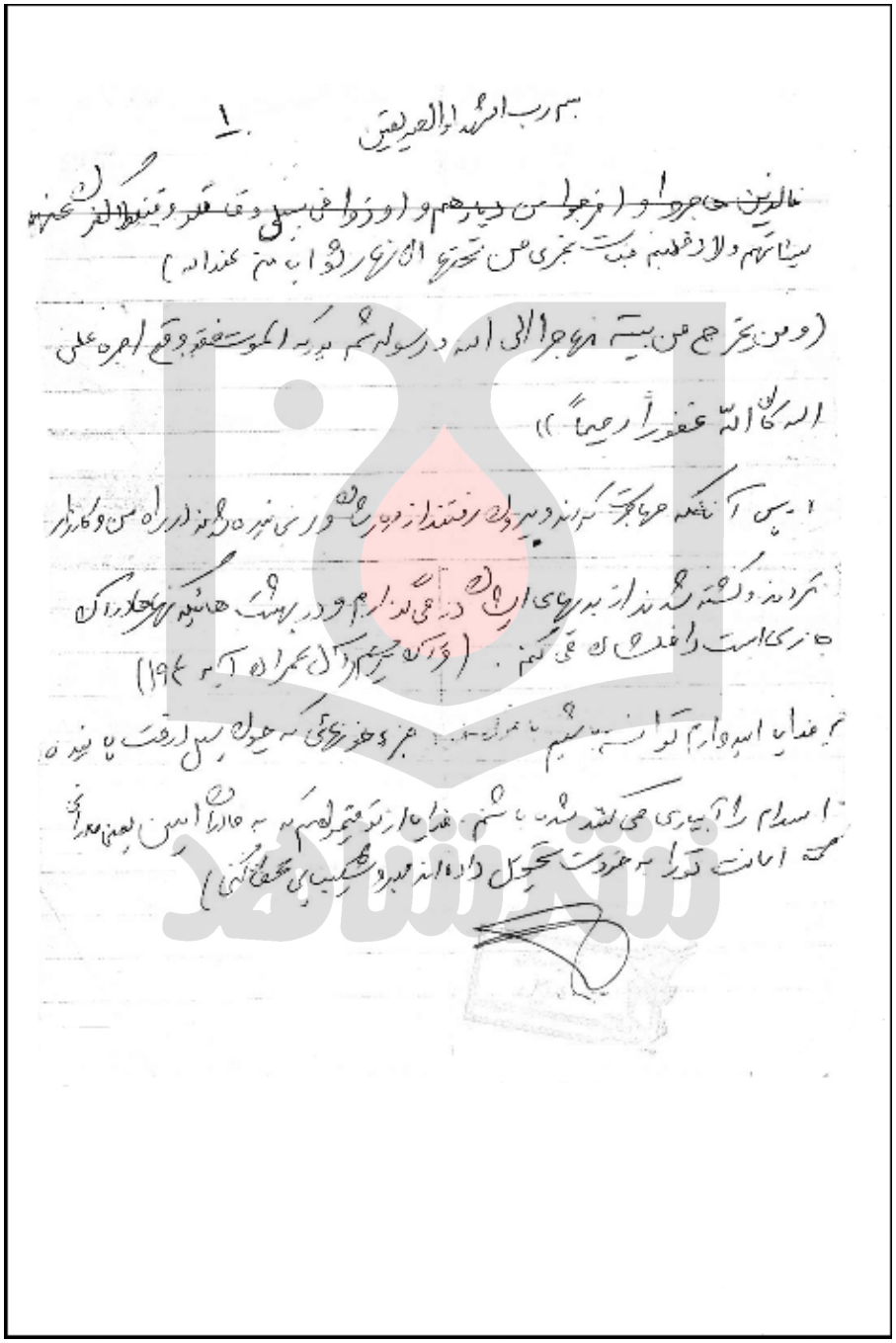

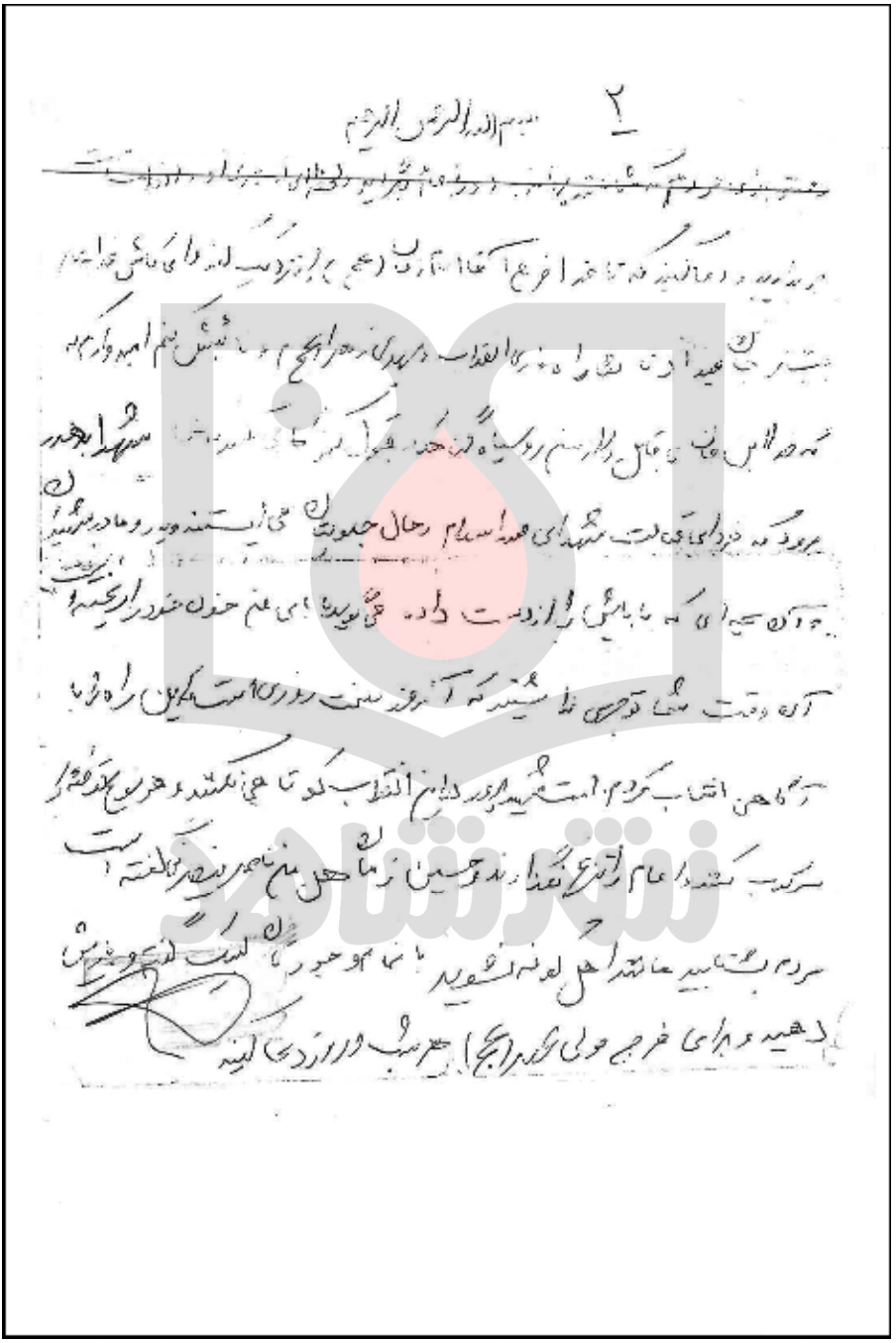

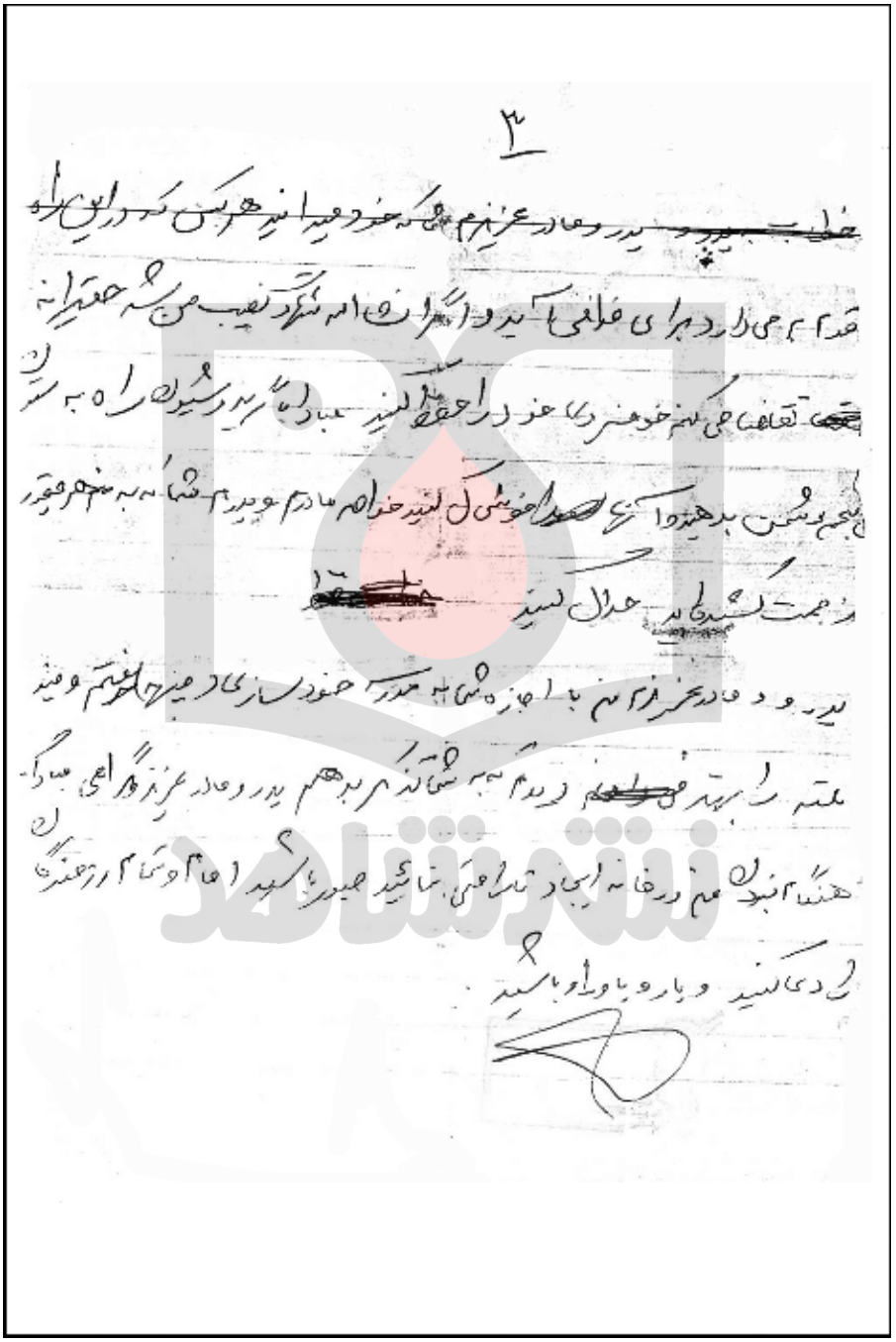

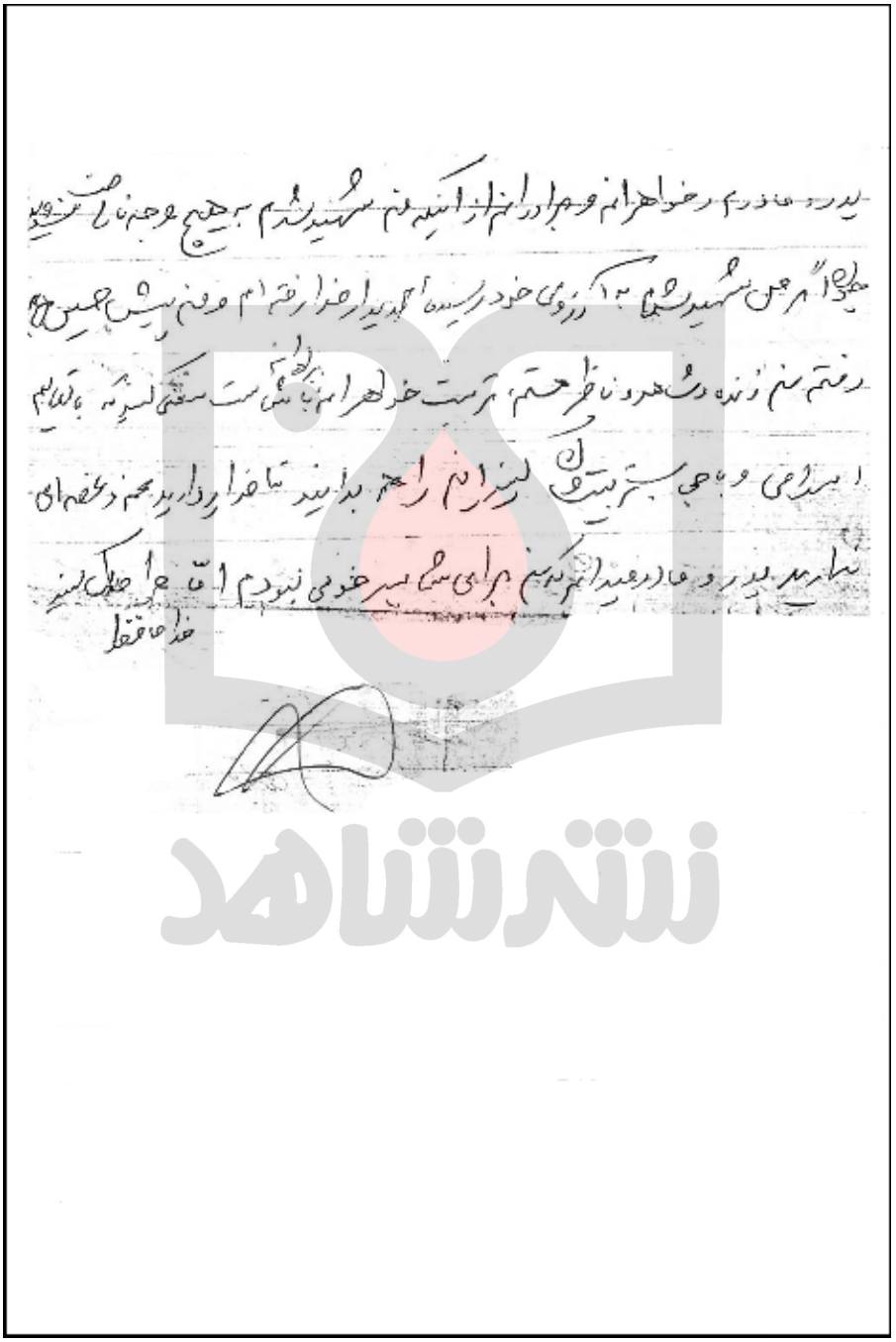

نام: **اصغر**
نام خانوادگی: **صبور آقجه‌کند**
نام پدر: **یدالله**
نام مادر: **زینب**
تاریخ تولد: **سوم اردیبهشت 1341**
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم اردیبهشت 1361**
محل شهادت: **امرالرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- همه درمقابل خون پاک شهداء رسالت داریم که راه خونین آنها را ادامه دهیم.
- ملت مسلمان ایران باید پیام شهیدان را که با آگاهی و عشق به دیدار محبوب شتافتند به گوش جهانیان برسانند.
- ملت مسلمان ایران در صدور انقلاب کوشا باشید.
- بر اساس رسالت و مسئولیت سنگینی که داشتم به جبهه حق علیه باطل آمدم تا به یاری خدا و برای خدا و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی بجنگم.
- من کشته شدن در این راه را سعادت و افتخار می‌دانم.
- خواهرانم درس پایداری و مقاومت در مقابل سختی مصائب را از حضرت زینب(**3**) بگیرید.
- خواهرانم همیشه به یاد خدا باشید و از او یاری بخواهید.
- برادرانم پیام‌رسان خون شهیدان باشید.
- امام را دعا کنید. پیرو ولایت فقیه باشید.

اصغر صبور آقجه‌کند[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ»[2]

«به‌درستی‌که خدا خریدار مومنین جان و مالشان را و در عوض به ایشان بهشت را ارزانی داشت».

با درود به رهبرکبیر انقلاب اسلامی امام خمینی.

سالیان درازی در ظلمت و تاریکی و غرق در لجنزار و مادیّات بودیم که درهای رحمت الهی باز شد و فرشته رحمت فرود آمد، امام آمد و روح مسیحائیش را برکالبد مرده‌مان دمید دوباره زنده شدیم و روح گرفتیم به برکت وجود امام عزیز از ظلمت به نور وارد شدیم. ملت مسلمان اسلام را بعد از قرن‌ها دوباره باز یافتند. انقلاب اسلامی پیروز شد به قول امام «این انقلاب معجزه الهی بود»[3] که به وقوع پیوست، توطئه‌ها از هر طرف برای شکستن انقلاب شروع شد. اما این امت [با][4] لطف و نظر خدا باز به حرکت خود ادامه داد، از جمله توطئه‌ها جنگ تحمیلی ابرقدرت‌ها بود که به وسیله نوکر حلقه به گوششان صدام[5] انجام شد ولی باز هم از این توطئه نتیجه‌ای نگرفتند و لشکریان اسلام با امدادهای غیبی الهی و روحیه شهادت‌طلبی امان دشمن زبون را بریدند، امروز بر هر فرد مسلمان واجب است که به امر الهی عمل کنند و به قتال با کفار برخیزند که می‌فرماید «**قَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَکُمْ**»[6] با آنان که با شما می‌جنگند بجنگید در راه خدا. ما هم [با] ایمان در

1- بالای نسخه تایپی وصیت‌نامه بخشی از اعلام شهید به قرار زیر آمده است: نام و نام‌خانوادگی اصغر صبور، محل تولد اردبیل، تاریخ تولد 1341، شغل محصل، میزان تحصیلات سوم نظری، تاریخ شهادت 61/2/10، محل شهادت خونین‌شهر.

2- بخشی از آیه 111/ سوره توبه.

3- صحیفه امام، ج 9، ص 385.

4- در اصل وصیت «را...».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- بخشی از آیه 190 سوره بقره.

مقابل خون پاک شهداء رسالت داریم که راه خونین آنها را ادامه دهیم. بر ملت مسلمان است که پیام شهیدان و خونین‌کفنان ایران را که با آگاهی و عشق به دیدار محبوب شتافتند به گوش جهانیان برسانند و در صدور انقلاب کوشا باشید. من هم بر اساس رسالت و مسئولیت سنگینی که حس کردم به جبهه حق علیه باطل‌آمدم تا به یاری خدا و برای خدا و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی بجنگم، من کشته شدن در این راه را سعادت و افتخار می‌دانم احساس می‌کنم که تازه به دنیا آمده‌ام، احساس می‌کنم سبک شده‌ام و بال و پر پیدا کرده‌ام تا پروازکنم و به جمع شهداء بپیوندم. پدر و مادر عزیزم درود خدا وسلام پیامبر اکرم(**6**) و ائمه اطهار(**8**) بر شما باد که فرزندی تربیت کردید و آن را در راه اسلام قربانی دادید. پس اصلاً جای نگرانی نیست، بلکه باید افتخار کنید که حتما می‌دانم می‌کنید. در فقدانم گریه نکنید و در عوض شیرینی و میوه پخش کنید. هر وقت دلتان گرفت به یاد شهیدان کربلا و کنار قبور شهدای کربلای ایران بروید و دلتان را تسکین دهید. خواهرانم درس پایداری و مقاومت در مقابل سختی مصائب را از حضرت زینب(**3**) بگیرید و همیشه به یاد خدا باشید و از او یاری بخواهید، برادرانم معلم زندگیم بوده‌اند تکلیف خود را می‌دانند اما به‌عنوان یادآوری عرض می‌کنم که پیام‌رسان خون شهیدان باشید همه‌یتان حلالم کنید و امام را دعا کنید. از دوستان و آشنایانم می‌خواهم که پیرو ولایت فقیه باشند و حلالم کنند.

لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی‌ولی الله، خمینی روح الله

«والسلام»

اصغر صبور[1]

1361/1/1

1- ذیل وصیت این جمله از شهید را با خط نسخ نوشته‌اند: «به برکت وجود امام عزیز از ظلمت به نور وارد شدیم و ملت مسلمان اسلام را بعد از قرن‌ها دوباره باز یافتند.»

بسم الله الرحمن الرحیم

نام و نام خانوادگی اصغر صبور محل تولد اردبیل

تاریخ تولد ۱۳۴۱ شغل محصل

میزان تحصیلات سوم نظری تاریخ شهادت ۱۰/ ۲/ ۶۱

محل شهادت خونین شهر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه

بدرستیکه خدا خرید از مومنین جان و مالشان را و در عوض به ایشان بهشت را ارزانی داشت

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی .

سالیان درازی در ظلمت و تاریکی و فرق در لجنزار مادیات بودیم که درهای رحمت الهی باز شد و فرشته رحمت فرود آمد امد و روح مسیحائیش را بر کالبد مرده ما دمید و دوباره زنده شدیم و روح گرفتیم به برکت وجود امام عزیز از ظلمت به نور وارد شدیم ملت مسلمان اسلام را بعد از قرنها دوباره باز یافتند . انقلاب اسلامی پیروز شد به قول امام این انقلاب معجزه الهی بود که به وقوع پیوست ، توطئه‌ها از هر طرف برای شکستن انقلاب شروع شد اما این امت را لطف و نظر خدا باز به حرکت خود ادامه داد ، از جمله توطئه ها جنگ تحمیلی ابر قدرتها بود که بوسیله نوکر حلقه به گوششان صدام انجام شد ولی باز هم از این توطئه نتیجه‌ای نگرفتند و لشکریان اسلام با امدادهای غیبی الهی و روحیه شهادت طلبی امان دشمن زبون را بریدند ، امروز بر هر فرد مسلمان واجب است که به امر الهی عمل کند و به قتال با کفار برخیزند که می فرماید (قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم) با آنان که با شما میجنگند بجنگید در راه خدا . ما هم ایمان در مقابل خون پاک شهداء رسالت داریم که راه خونین آنها را ادامه دهیم بر ملت مسلمان است که پیام شهیدان و خونین کفنان ایران را که با آگاهی و هشق به دیگر از محبوب شتافتند به گوش جهانیان برسانند و در صدور

انقلاب کوشا باشید من هم بر اساس رسالت و مسئولیت سنگینی که حس کردم به جبهه حق علیه باطل آمدم تا بیاری خدا و برای خدا و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی بجنگم من کشته شدن در این راه را سعادت و افتخار میدانم احساس میکنم که تازه بدنیا آمده‌ام احساس میکنم سبک شده‌ام و بال و پر پیدا کرده‌ام تا پرواز کنم و به جمع شهداء بپیوندم پدر و مادر عزیزم درود خدا و سلام پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بر شما باد که فرزندی تربیت کرده‌اید و آنرا در راه اسلام قربانی داده‌اید پس اصلا" جای نگرانی نیست بلکه باید افتخار کنید که حتما" میدانم میکنید در فقدانم گریه نکنید و در هوش شیرینی و میوه پخش کنید هر وقت دلتان گرفت به یاد شهیدان کربلا و کنار قبور شهدای کربلای ایران بروید و دلتان را تسکین دهید خواهرانم در بردباری، و مقاومت را در مقابل سختی و مصائب را از حضرت زینب (س) بگیرید و همیشه یاد خدا باشید و از او یاری بخواهید، برادرانم معلم زندگیم بوده‌اند و تکلیف خود را میدانند اما بعنوان یادآوری عرض کنم که پیام رسان خون شهیدان باشید همه ایشان حلالم کنید و امام را دعا کنید از دوستان و آشنایانم میخواهم که پیرو ولایت فقیه باشند و حلالم کنند.

لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله خمینی روح الله والسلام اصغر میور

۱۳۶۱/۱/۱

به برکت وجود امام عزیز از ظلمت به نور

وارد شدیم و ملت مسلمان اسلام را بعد از قرنها

دوباره باز یافتند.

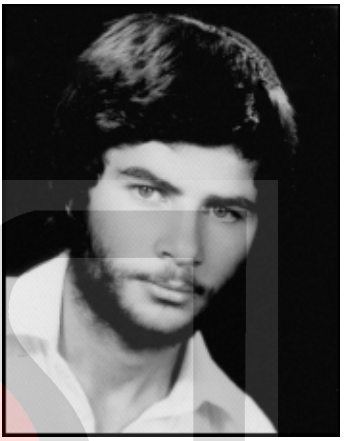

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **صبور آقجه‌کندی**
نام پدر: **غلام**
نام مادر: **عالمه‌خانم**
تاریخ تولد: **هفتم بهمن** 1338
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **هشتم مهر** 1360
محل شهادت: **هرگینه عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من این راه را آگاهانه انتخاب کردم و در صف لشکریان اسلام قرار گرفتم.
- ما اصلاً هیچ حقی نسبت به انقلاب نداریم.
- اگر همه‌مان نیز در این راه شهید شویم باز مدیون انقلاب هستیم.
- این دنیا فانی و زودگذر است و باید طی کنیم.
- چـه بهترکه این یک دفعه مردنمان در راه خـدا و برای دین خدا باشد.
- زکات فرزندانتان به حساب آورید و در راه خدا بدهید.
- اگر به مرگ طبیعی بمیریم درآن دنیا چه جوابی به امام حسین(**7**) خواهیم داشت.
- خدایا این خون ناچیز مرا در این راه مقدس بریز تا نهال اسلام آبیاری گردد.
- از تمام برادرانم می‌خواهم اصل ولایت فقیه را سرلوحه زندگی خود قرار دهند.
- همیشه در صحنه باشید و امام را تنها نگذارید.

حسین صبور آقجه‌کندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«اَللّهم اجعَلنی مِن جُندِکَ فَانَّ جُندکَ هُم الغالِبونَ وَاجعَلنی مِن حِزبِکَ فَانَّ حِزبَکَ هُم المُفلِحون»[1]

سلام بر پدر و مادر عزیزم که فرزندی تربیت کرده و به جبهه حق [علیه][2] باطل فرستاده‌اند شاید این نامه به دست شما برسدکه من دیگر در این جهان مادی نباشم. نمی‌دانم چطور از زحماتی که دربارهٔ من کشیده‌اید تشکر کنم فقط امیدوارم خداوند به شما اجر دهد.

پدر و مادر عزیزم من این راه را آگاهانه انتخاب کردم و در صف لشکریان اسلام قرار گرفتم، اگر لیاقت‌آن را داشتم انشاءالله در این راه نیز شربت شهادت را خواهم نوشید. پدر و مادر عزیزم اصلاً برای من ناراحت نباشید و برایم گریه نکنید و صبر را پیشه خود کنید و این را آزمایش الهی بدانید که برای امتحان بندگانش قرار داده است. ما اصلاً هیچ حقی نسبت به انقلاب نداریم و اگر همه‌مان نیز در این راه شهید شویم باز مدیون انقلاب هستیم. پدر و مادرم من به این سخن امام حسین(**7**) لبیک گفتم که مدام در گوش‌هایم طنین افکند. «آیا کسی هست مرا یاری کند»[3] و من نیز مثل دیگر شهیدان لبیکش‌گفتم. این دنیا فانی و زودگذر است و باید طی کنیم و مرگ شتری است که در خانه هر کسی خواهد خوابید پس چه بهترکه این یک دفعه مردنمان در راه خدا و برای دین خدا باشد و انشاءالله زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی(عج) خواهد بود. پس اصلاً ناراحتی ندارد. مرا خمس و زکات فرزندانتان به حساب آورید و در راه خدا بدهید. بالاخره یک نفر هم باید از خانواده ما در این راه شهید شود و من دوست دارم اولینش من باشم. ما اگر به مرگ طبیعی بمیریم درآن دنیا چه جوابی به امام حسین(**7**) خواهیم داشت.

خدایا این خون ناچیز مرا در این راه مقدس بریز تا نهال اسلام آبیاری گردد، خدایا

1- دعای روز 3شنبه. ر.ک. مفاتیح‌الجنان.

2- در اصل وصیت «و».

3- ترجمه این سخن حضرت امام حسین(**7**) است؛ «هل من ناصر ینصرنی». ر.ک. تعلیقات.

نهایت و عاقبتم را به شهادت ختم کن. از تمام برادرانم می‌خواهم تفنگم را به دست گیرند و راهم را ادامه بدهند و به دامن اسلام برگردند و پیرو امام و خط امام باشند هر چه بیشتر مطالعه کنند و اصل ولایت فقیه را سرلوحه زندگی خود قرار دهند و همیشه یار و یاور امام باشند. اسلام را بهتر بشناسند و به قوانین آن عمل کنند. از مادر و خواهرانم می‌خواهم زینب‌وار صبر داشته باشند و مثل کوه در مقابل سختی‌ها بایستند و پیام‌رسان خون شهیدان باشند.

21 روز روزه دارم که به علت در جبهه بودن نتوانستم بگیرم. در این مورد اقدام شود وهمچنین برایم یک سال نماز خوانده شود. تمام پول‌هایم را به شمار ه حساب مستضعفین بریزید. از همه شما حلالی می‌طلبم و در روز قیامت فاطمه زهرا(**3**) و حسین بن علی(**7**) را به شفاعت می‌طلبم. اصلاً برایم ناراحت نباشید که به کام خود رسیدم. برای رستگاری بهتر از این موقعیت نمی‌شود. مثل شب دامادیم برایم شیرینی و میوه پخش کنید. و همیشه در صحنه باشید و امام را تنها نگذارید و پیرو ولایت فقیه باشید و برایم سرود شهیدم من را بگذارید وهمه‌تان حلالم کنید، دیگر عرضی ندارم. «اللهم اجعلنا فی زمرة الشهدا» خدایا مرا در زمره شهدا قرار بده. با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب که حق بزرگی بر گردن همه‌مان دارد.

فرزند شما حسین

60/7/8

متن وصیت نامه سرباز شهید حسین

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم اجعلنی من عبدک فان عبدک هم الغالبون و اجعلنی من حزبک فان حزبک هم المفلحون

سلام بر پدر و مادر عزیزم که فرزندی برایشان کمتر از حد متعارف نبوده و نخواهد بود شاید این نامه وقتی برسد که من دیگر در این جهان نباشم. می دانم چقدر از خدائی که درباره من کشیده اند ناراحت شوید فقط امیدوارم خداوند به شما اجر دهد. پدر و مادر عزیزم من این راه را آگاهانه انتخاب کردم و در صف لشکر [illegible] سلام فرزندم آیت الله خمینی را بگوئید که ما تا آخرین قطره خون در راه اسلام و شما ایستاده ایم. پدر و مادر عزیزم، صبر برای من بسیار سخت است ولی چه کنم که این خواست خداوند است. برادران و خواهران عزیزم، از خداوند بخواهید که برای ما صبر عنایت فرماید. ما امیدوار هستیم که انقلاب نیمه کاره نماند و اگر ما نیز در این راه شهید شویم باز هم انقلاب هستیم. پدر و مادرم من با این سخنان هیچ وقت گریه نکنید که سلام در

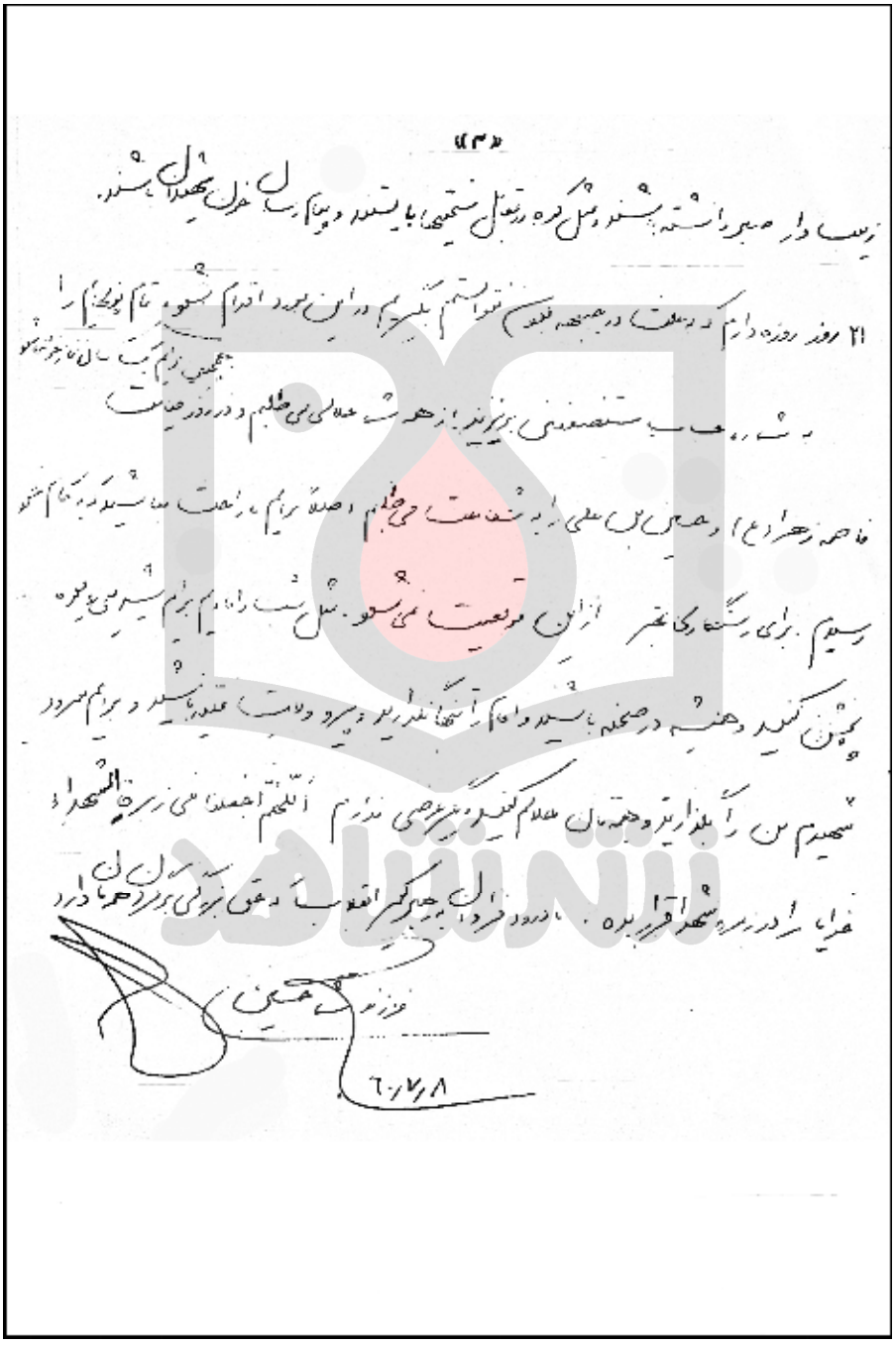

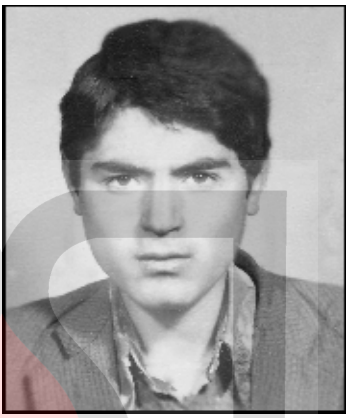

نام: **لشگر**
نام خانوادگی: **صحبت‌زاده لنبر**
نام پدر: **هرمز**
نام مادر: **نازی**
تاریخ تولد: **ششم مرداد** 1346
محل تولد: **روستای لنبر ازتوابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نهم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- دست‌های کثیف قدرت‌های بزرگ از آستین این بعثی‌ها درآمده است.
- بعد از این‌که صدام را به جهنم فرستادیم، یک به یک شیطان‌ها را به جهنم می‌فرستیم.
- خواهش می‌کنم که راه شهیدان را ادامه بدهید.
- از شما خواهش می‌کنم که تمام نیرویی که خداوند بـه شـما عطـا کـرده در راه خـدا و قـرآن قربانی کنید.
- جبهه‌ها را از یاد نبرید.
- همیشه «مسئله اصلی را جنگ» قرار دهید.
- اگر در این جنگ ما شکست بخوریم خون شهدا و تمام زحمات مردمان مسلمان کـه از صـدر اسلام تا به حال کشیده‌اند به هدر می‌رود.
- همیشه صبر نمایید و مشت محکمی با این حرکاتتان به دهان یاوه‌سرایان و دغلبازان بزنید.
- مسجدها را که سنگر است خالی نگذارید و در خط روحانیت اصیل که همان اسـلام اصـیل در آن است باشید.

نیترشاهد

لشگر صحبت‌زاده لنبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«بکشید آنها را در هر جایی که می‌یابیدشان و خارج گردانید آنها را از جاهایی که شما را خارج کرده‌اند و فتنه‌شان از قتل بدتر است.»[1]

صدامیان[2] بعثی که الان با شما جنگ می‌کنند و دست‌های کثیف قدرت‌های بزرگ ازآستین این بعثی‌ها درآمده است. باید ما با آنها به جنگ برخیزیم و آنهایی که ملت ایران و عراق را از دیارشان خارج کرده‌اند باید آنها را خارج نمود و این ابلهان و بی‌خردها را باید نابود کرد و به جهنم فرستاد و بعد از این‌که صدام را به جهنم فرستادیم، یک به یک شیطان‌ها را به جهنم می‌فرستیم.

برادران و خواهران غیور مسلمان از شما خواهش می‌کنم که راه شهیدان را ادامه بدهید و نگذارید اسلحه آنها به زمین [بیفتد][3] و از شما خواهش می‌کنم که تمام نیرویی که خداوند به شما عطا گرده در راه خدا و قرآن قربانی کنید.

سلام و درود به رزمندگان جمهوری اسلامی ایران و سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران. جبهه‌ها را ازیاد نبرید و همیشه «مسئله اصلی را جنگ»[4] قرار دهید و متوجه باشید که اگر در این جنگ ما شکست بخوریم خون شهدا و تمام زحمات مردمان مسلمان که از صدر اسلام تا به حال کشیده‌اند به هدر می‌رود و پیام شهدا و پیام رزمندگان مقاومت و ایستادگی در مقابل تمامی مشکلات است و هیچ‌وقت در مقابل کمبودها و بی‌ثباتی را بخود راه ندهید و همیشه صبر نمایید و مشت محکمی با این حرکاتتان به دهان یاوه‌سرایان و دغلبازان بزنید.

1- ترجمه‌آی از بخشی از آیه 191 سورهٔ بقره است: «واقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در متن وصیت «بیافتد».

4- عبارت از امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 19، ص 148).

در آخر وصیت من، امام را از یاد نبرید و مسجدها را که سنگر است[1] خالی نگذارید و در خط روحانیت اصیل که همان اسلام اصیل در آن است باشید و نماز جمعه‌ها و دعای کمیل که در شب‌های جمعه و روز جمعه برقرار است فراموش نکنید و امام را دعا کنید.

در آخر به خانواده‌ام و پدر و مادرم و خواهران و برادرانم و تمامی اهل محل و اهالی [«لنبر»][2] می‌گویم هیچوقت بی‌صبری ننمایید و اگر برای من دعا کردید دعا کنید که من در زمرهٔ اولیاالله قرار خواهم گرفت.

پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران و فامیل‌ها و اهل محله‌ام، تمام رفتارها و بی‌ادبی‌های که از من نسبت به شما به‌خاطر ناآگاه بودنم سر زده است مرا به بزرگواریتان و به‌خاطر خدای بزرگ از انسان با گذشت خوشش می‌آید، ببخشید و مرا از دعای خیر فراموش نفرمایید و برای من گریه نکنید اگر گریه می‌کنید برای امام حسین(**7**) و ابوالفضل(**7**) پرچمدار رشید اسلام گریه کنید.

دیگر سلام خودم را به پدرم و مادرم و برادران و خواهران، عموها و دایی‌ها و جمیع فامیل‌ها و اهالی محل می‌رسانم.

پیروزی نزدیک است.

ارادتمند پاسدار قرآن و اسلام - لشگر صحبت‌زاده

نشر شاهد

1- عبارت از امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 12، ص 393).

2- در متن وصیت «انبر».

وصیّت نامه ی شهید لشکر صحبت‌زاده

بسم الله الرَّحمن الرَّحیم

بکشید آنها را در هر جایی که می یابید شان و خارج گردانید آنها را از جاهایی که شما را خارج کرده اند و فتنه شان از قتل بدتر است.

صدامیان بعثی که الان با شما جنگ می کنند و دست های کثیف قدرت های بزرگ از آستین این بعثی ها درآمده است باید ما با آنها بـه جنـگ برخیزیم وآن هایی که ملّت ایران و عراق را از دیارشان خارج کرده اند باید آنها را خارج نمود و این ابلهان و بی خرد ها را باید نابود کرد و به جهنم فرستاد و بعد از این که صدام را به جهنم فرستادیم ، یک به یک شیطان ها را به جهنم می فرستیم.

برادران و خواهران غیـور مـسلمان از شـما خـواهش مـی‌کـنم کـه راه شهیدان را ادامه بدهید و نگذارید اسلحه آنها به زمین بیافتـد و از شـما خواهش می‌کنم که تمام نیرویی که خداوند به شـما عطـا کـرده در راه خدا و قرآن قربانی کنید.

سلام و درود به رزمندگان جمهوری اسلامی ایران و سـلام و درود بـه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران جبهه ها را از یاد نبرید و همیشه مسأله اصلی را جنگ قرار دهید و متوجّه باشـید کـه اگـر در ایـن جنـگ مـا شکست بخوریم خون شهدا و تمـام زحمـات مردمـان مـسلمان کـه از

صدر اسلام تا به حال کشیده‌اند به هدر می‌رود و پیام شهدا و پیام رزمندگان مقاومت و ایستادگی در مقابل تمامی مشکلات است و هیچ وقت در مقابل کمبودها و بی‌ثباتی را به خود راه ندهید و همیشه صبر نمایید و مشت محکمی با این حرکاتتان به دهان یاوه سرایان و دغل بازان بزنید.

در آخر وصیّت من[این است که] امام را از یاد نبرید و مسجدها را که سنگر است خالی نگذارید و در خط روحانیّت اصیل که همان اسلام اصیل در آن است باشید و نماز جمعه ها و دعای کمیل که در شب های جمعه و روز جمعه برقرار است فراموش نکنید و امام را دعا کنید.

در آخر به خانواده ام و پدر و مادرم و خواهران و برادرانم و تمامی اهل محل و اهالی « انبر » می گویم هیچ وقت بی صبری ننمایید و اگر برای من دعا کردید دعا کنید که من در زمره ی اولیا الله قرار خواهم گرفت

پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران و فامیل ها و اهل محلّه ام تمام رفتارها و بی ادبی های که از من نسبت به شما به خاطر ناآگاه بودنم سر زده است مرا به بزرگواریتان و به خاطر خدای بزرگ [که] از انسان با گذشت خوشش می آید به بخشید و مرا از دعای خیر فراموش نفرمایید و برای من گریه نکنید اگر گریه می کنید برای امام حسین(ع) و ابوالفضل(ع) پرچمدار رشید اسلام گریه کنید.

دیگر سلام خودم را به پدرم و مادرم و برادران و خواهران عموها و دایی ها و جمیع فامیل ها و اهالی محل می رسانم.

پیروزی نزدیک است.

ارادتمند پاسدار قرآن و اسلام – لشگر صحبت زاده

نام: **عطامعلی**
نام خانوادگی: **صداقت**
نام پدر: **داود آقا**
نام مادر: **آسیه خانم**
تاریخ تولد: **نهم خرداد** 1341
محل تولد: **روستای شکرلو ازتوابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم تیر** 1361
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امام حسین شهرستان گرمی**

عبارت‌های کلیدی

- بنا به وظیفه شرعی و انسانی و وجدانی این راه را که سبیل‌الله نام دارد در پیش گرفتم.
- آی انسانهای خداجوی من عاشق این راه (شهادت ـ جهاد) بودم.
- آی انسان‌های مؤمن خدا را از یاد نبرید.
- به اعمال مستحبی زیاد اهمیت بدهند، زیرا که اعمال مستحبی تکامل دهنده انسان است.
- خودپسندی و تکبر و خودستایی را بکشید.
- درکارها خودتان را از مرحله وظیفه خارج و به ایثار و ایثارگری وارد کنید.
- جوانان و دانش‌آموزان مؤمن و متقی با یکدیگر دوستی و الفت اسلامی را رعایت کنند.
- با همه مهربان باشید و خودتان را از کینه، حسد، دروغ، ریا و تکبر برکنار کنید.
- ای پدر و مادرم فرزند شما آگاهانه و عاشقانه این راه را که سبیل‌الله می‌باشد برگزید.
- من هم جهت رسیدن به لقاءالله شهادت را برگزیدم.

عطامعلی صداقت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهدا و الصدیقین

به‌نام آن خدایی سخنم را آغاز می‌کنم که این برنامه را بر من واجب گردانید. به‌نام آن خداوندی که اصول دین و فروع دین را بر من واجب کرد که از جمله آن جهاد می‌باشد. به‌نام آن خدای سخنم را آغاز می‌کنم که انسان را آزاد از هرقید و بندی آفرید و راه رشد و گمراهی را برای انسان‌ها نمایان ساخت. آی انسانهای مؤمن، آی جوانان، آی پشتیبانان اسلام و مسلمین، اینجانب عطامعلی صداقت بنا به وظیفه شرعی و انسانی و وجدانی این راه را که سبیل‌الله نام دارد در پیش گرفتم. آی انسانهای خداجوی من عاشق این راه (شهادت- جهاد) بودم از خداوند قادر و رحمانم می‌خواهم که اولاً مرا ببخشاید، ثانیاً مرا دیدار و لقاءالله نصیب نماید.

آی انسان‌های مؤمن خدا را از یاد نبرید. زیرا «یاد او مایه آرامش زوج‌هاست، مایه آرامش دل‌هاست»[1]، مایه نجات مؤمنین است، مایه نجات و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین جهان می‌باشد. چند مورد تذکر به آنهایی که می‌خواهند راه شهدا را بروند بگویید:

1- به اعمال مستحبی زیاد اهمیت بدهند، زیرا که اعمال مستحبی تکامل دهنده انسان است.

2- تزکیه را عملاً انجام دهند از قبیل از خودگذشتگی، ایثار، عفو، مبارزه با نفس و مخالفت با هواهای نفسانی و شیطانی.

3- هرگز غرض خود را در سخن‌گفتن و دیگر کارها بر عقیده و مکتب حاکم نسازید اگر سخنت غلط از آب درآمد باید اعتراف کنی، زیرا این عمل انسان را بزرگ می‌کند تا حقیر.

4- خودپسندی و تکبر و خودستایی را بکشید زیرا خودپسندی بدتر از ریا و دروغ

1- عبارت شهید ترجمهٔ این آیه است «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» رعد، آیه 28.

است همانطوری‌که امام صادق(7) می‌فرماید (اگر اشتباه نکنم) اگر خودپسندی نباشد همه گناهان بخشیده می‌شود.

5ـ احترام دوستان و خویشاوندان را در همه حال و در هر مکان که این قسمتش یعنی بعد مکانی مهمتراست به نظر می‌رسد حفظ کنید.

6ـ پیام شهدا را به دیگران برسانید تا درسی باشد برای دیگران.

7ـ درکارها خودتان را از مرحله وظیفه خارج و به ایثار و ایثارگری وارد کنید، زیرا اجر ایثارگی ماورای اجر انجام وظیفه می‌باشد.

8ـ بر انجمن‌های اسلامی است که با تبلیغات در دهات و شهرستان‌ها و دیگر مناطق جنگی سطح آگاهی‌مردم را بالاتر ببرند تا دیگر اسلام را به آنطوری‌که هست بشناسیم تا بتوانیم دشمنان اسلام را بشناسیم و علیه همه آنها همه در همه حال در حالت قیام و مبارزه باشیم. اگر خداوند مرا نیز قبول کرد دعا کنید مرا تا اینکه خداوند درجات بهشتم را زیاد کند.

جوانان و دانش‌آموزان مؤمن و متقی با یکدیگر دوستی و الفت اسلامی را رعایت کنند و مثل یک جان و یک روح با یکدیگر رفتار و عمل کنند یا الله قبولم کن. خداحافظ.

تمام خوانندگان این وصیت، همگی برای تعجیل فرج امام مهدی(عج) و طول عمر امام خمینی و نابودی کفر جهانی و جهانی شدن حکومت اسلام دعا کنیم.

آمین یا رب العالمین

- مالتان را اگر خدای نکرده حرام داشته باشد با دادن صدقه، خمس، زکات به حلال تبدیل کنید.

- سعی کنید که اخلاقتان مطابق اسلام باشد، با همه مهربان باشید و خودتان را از کینه، حسد، دروغ، ریا و تکبر برکنار کنید.

- پدر اگر شهید شدم باید افتخار کنی که پدر شهید هستی نه غرور به خود راه دهی و فخر بفروشی.

- برایم گریه نکنید، خرج نکنید، به فقرا برسید.

الله یارتان خمینی رهبرتان

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«اشرَفَ الموتُ قَتل الشَهادَة»[1]. (پیامبر اکرم(6))

«بهترین مرگ، مرگِ شهادت است».

وصیت‌نامه عطامعلی صداقت از گردان جندالله گروهان یاسر گروه 2، اعزامی از بسیج سپاه پاسداران شهرستان گرمی (آذربایجان شرقی).

تاریخ تولد 1341، شماره شناسنامه 206، دانش‌آموز سال چهارم تجربی از دبیرستان دکتر بهشتی، شهرستان گرمی، «بسم رب الشهدا و الصدیقین»

سلام بر محمد(6)، سلام بر ائمه(:)، سلام به رهبر عزیز و عظیم‌الشأن انقلاب، منجی مستضعفان عالم امام خمینی، درود بر شهیدان به‌خون خفته، سلام بر رزمندگان جبهه‌های جنگ حق علیه باطل و درود و سلام به ملت حق‌شناس ایران. سلام بر پدر و مادر شهیدپرورم. سلام بر آخرین فرزند علی‌ابن‌ابیطالب (مهدی موعود) و آخرین سلام، نثار دانش‌آموزان مبارز و مکتبی ایران باد.

پدر و مادرم فرزند شما آگاهانه و عاشقانه این راه را که سبیل‌الله می‌باشد برگزید. پدرم هدف الله از آفرینش انسان دو چیز است، یکی عبادت خود و دیگر تکامل انسان و باز می‌دانیم که تکامل جز در سایه جهاد و شهادت میسّر نیست و می‌دانیم که حد نهایی این تکامل شهادت است، پس من هم جهت رسیدن به لقاءالله شهادت را برگزیدم. خداوند می‌فرماید: «ای گروه ایمان‌آورندگان مبادا به این زندگی چند روزهٔ دنیا دل بندید و آن را عوض آخرت محکم بگیرید. آگاه باشید که اگر از جمله چنین افرادی باشید از زیانکاران محسوب خواهید شد.»[2]

بعد سفارش من این است که مبادا ناراحتی به خود راه بدهی و از اجر خود و اجر من بکاهی. صبور باشید و مقاوم و بدانید آن کس که خدا دارد دیگر نیاز به چیزی دیگر چون فرزند ندارد. داشتن خدا، داشتن همه‌چیز است. پدر دعا کنید که خداوند این امانت

1- بحارالانوار، ج 97، ص 8.

2- ترجمه فرازهایی از آیه 5 سورهٔ مائده است.

جنابعالی را قبول بفرماید تا اینکه در آن دنیا از جمله شفاعت کنندگان برایتان باشم. پدر برایم هرگز گریه نکنید تا می‌توانید عبادت کنید زیرا که برای مهمانی خدا رفتن [...][1] برادران منتظر شما هستم در دنیای بهتر. خداحافظ. فدای مکتب شماها.

عطامعلی صداقت

60 / [....]

نشر شاهد

1- خوانا نیست.

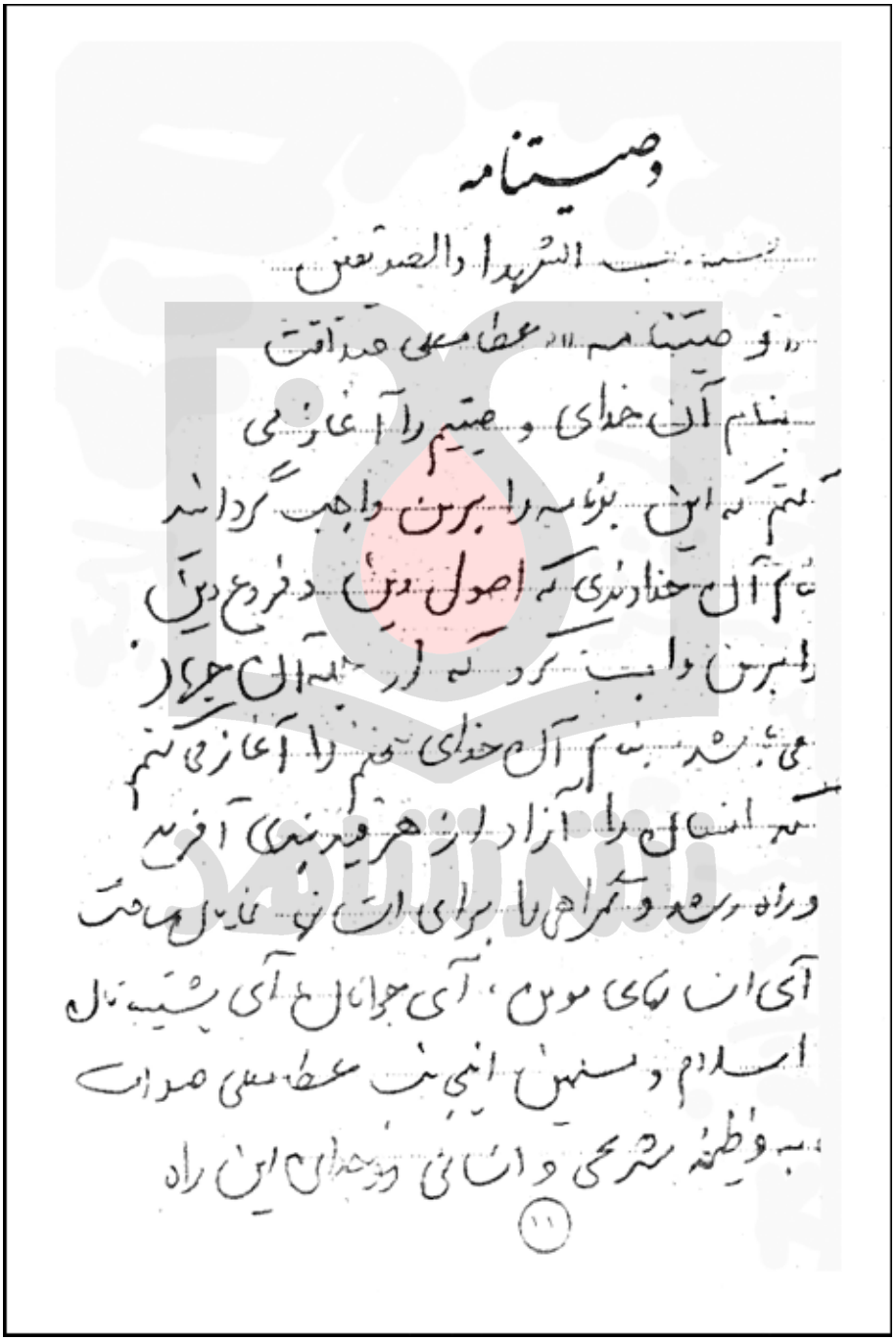

وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

من وصیتنامه ام عطامعلی صداقت

فرزند آن خدای وصیتم را آغاز می

کنم که این برنامه را بر من واجب گردانده

است آن خداوندی که اصول دین و فروع دین

را بر من واجب کرده که از جمله آن جهاد

می باشد بنابراین آن خدای تعالی را آغاز می کنم

که انسان را آزاد آفریده و هرگز نمی خواهد

و راه رشد و تکامل را برای او فراهم ساخت

ای ای نهای مومن، ای جوانان و ای پشتیبان

اسلام و مسلمین اینجانب عطامعلی صداقت

به وظیفه شرعی و انسانی و وجدانی این راه

(۱۱)

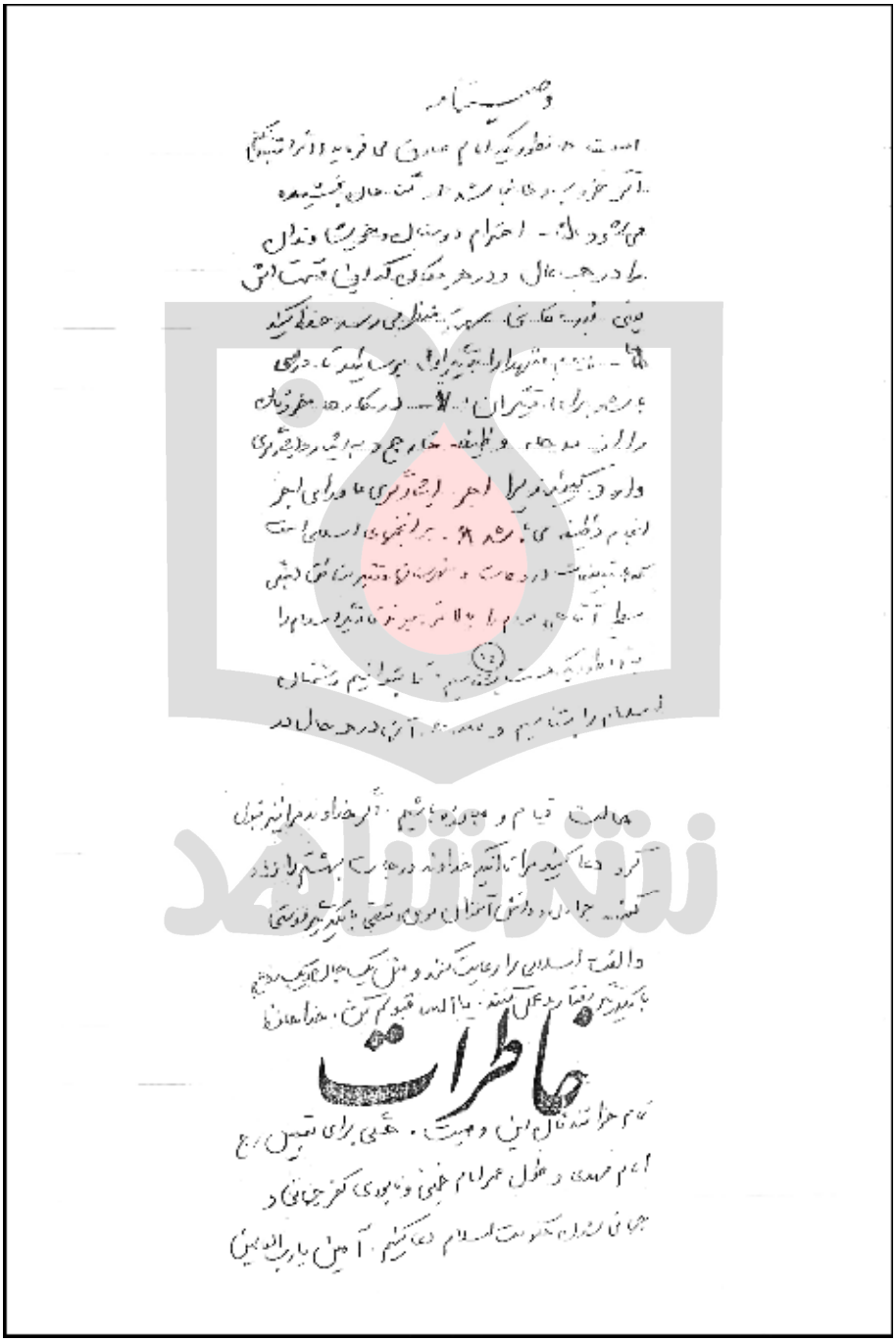

وصیت‌نامه

خاطرات

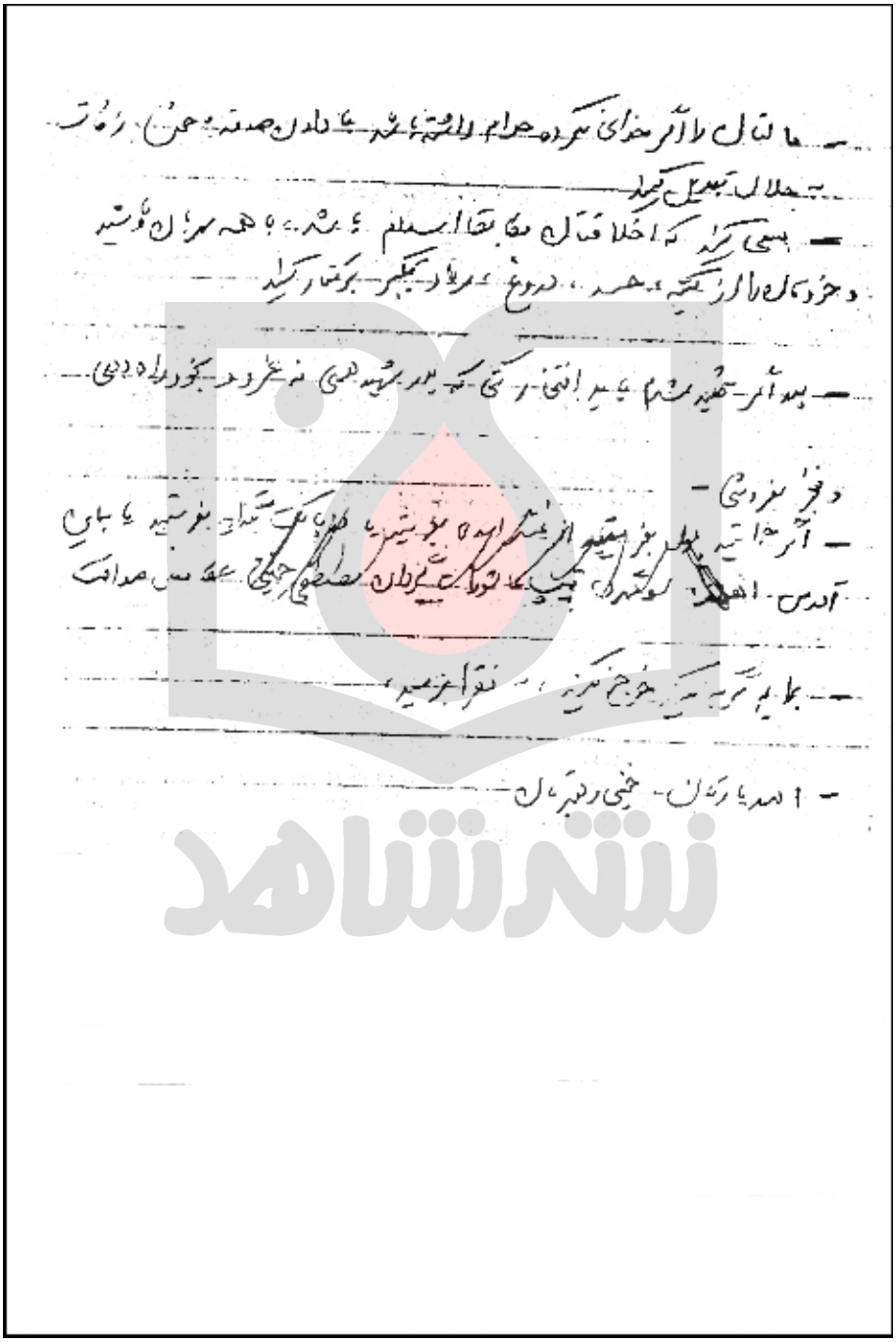

نام: **نوروز**
نام خانوادگی: **صدری**
نام پدر: **عبدالعلی**
نام مادر: **صغری**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1347
محل تولد: **روستای موئیل ازتوابع شهرستان مشگین‌شهر**
تحصیلات: **خواندن و نوشتن نمی‌دانست**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام بهمن** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای کربلای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- هدف بنده این است که [از] راه دین و قرآن و ناموس‌مان دفاع کنیم.
- وظیفه شرعی دانستم که به جبهه بیایم و نگذارم که به دین و ناموسمان این مزدوران آمریکا تجاوز بکنند.

نشر شاهد

نوروز صدری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[1]

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا»[2]

با درود فراوان به امام زمان(عج) تعالی فرجه[3]الشریف و نایب برحقش امام خمینی و با درود فراوان بر شهیدان گلگون کفن ایران به‌خصوص شهدای کربلا، علی‌اکبر[4](**7**) و قاسم[5](**7**).

«گر خبر آلسالار اوغلون آنا جان ده ودا ادی بالام گیامدی، حضرت قاسم(**7**) داماده قوناق گیدی بالام.»[6] باری پدر جان و عموی عزیزم، و برادرانم وخواهرانم سلام تازه نفسم را از راه دور بپذیرید وقبول بفرمایید، چون که حتماً زنده نفس بنده خوشتان بیاید و باری مادر جان هدف بنده این است که [از][7] راه دین و قرآن و ناموس‌مان دفاع کنیم. من آن را هم برای خودم وظیفه شرعی دانستم که به جبهه بیایم و نگذارم که به دین و ناموسمان این مزدوران آمریکا تجاوز بکنند و خاک ما را بگیرند.

«گیدون آناما دیون آه وای اِیلَمه که بلکه من قایده بیلمدیم، یولومی گوزدمسین تای اوشمده آنا جان طوی ایلمسین داخی منگیدیم.»[8]

و باری قرضی بنده به کسی ندارم فقط لطفعلی سلیمان‌آذر به من 1000 تومان بدهکار است آن را بگیرید.

متشکرم

1- فرازی از آیه 156 سورهٔ بقره.
2- فرازی از آیه 169 سوره آل‌عمران.
3- در اصل وصیت «فرج الشریف».
4- ر.ک. تلیقات.
5- ر.ک. تلیقات.
6- ترجمه عبارت آذری «اگر خبر گرفتند مادر جان از پسرت که چرا نیامده است به آنها بگو پسرم مهمان حضرت قاسم(**7**) داماد است.»
7- در اصل وصیت «از» از قلم افتاده است.
8- ترجمه عبارت آذری: «بروید به مادرم بگویید آه و وای نکند از اینکه من نتوانستم برگردم و منتظر برگشتن من و چشم به راه من نباشد مادرجان نتوانستی عروسی برایم بگیری زیرا که من رفتم و برنمی‌گردم».

(وصیتنامه برادر شهید تیمور صدری)

انا الله و انا الیه راجعون و لا تحسبن الذین تقتلوا فی سبیل الله امواتا

باد درود فراوان به امام زمان (عج) تعالی فرج الشریف و نایب بر حقش امام خمینی

و با درود فراوان بر شهیدان گلگون کفن ایران بخصوص شهدای کربلای البرز و قاسم

گرمسیر آلسالار ارغلمن آنانستان ده بدا ادی، سلام گامدی، حضرت قاسم دامادی قوناق گدی، سلام

باری پدر جان و عموی عزیزم، برادرانم و خواهرانم سلام تازه تقدیم را از راه دور پذیرید و تبول

بفرمائید، چونکه حتما زنده نخواهید شنید باید وصیتتان بیاید و باری مادر جان چند نصیحت این است که راه دین

و قرآن و ناموس ما ن دفاع کنیم من آن را هم برای خودم وظیفه شرعی دانستم که به جبهه بیایم و نگذارم

که به دین و ناموسمان این مزدوران امریکا تجاوز بکنند و خاک ما را بگیرند،

گیدن آنامادیون آه وای ایامه که باکه من تایده بیامدیم بیامی گزدسین نای اوخمده آنامان

اوی اپامسین داخی من گیدیم !!!

و باری قرضی بنده به کسی ندارم فقط از اتحادیه سلیمان آذربه من ۱۰۰۰/ تومان بدهکار است آن

را بگیرید . متشکرم لا

شاهد

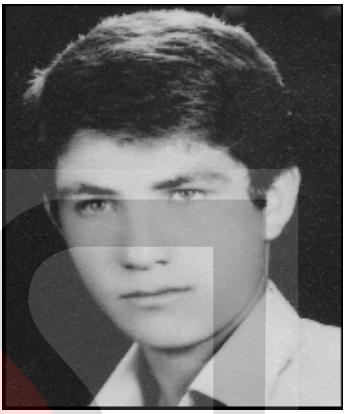

نام: **ودود**
نام خانوادگی: **صدساله**
نام پدر: **قربان**
نام مادر: **ثمرخ**
تاریخ تولد: **هفتم شهریور** 1349
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم بهمن** 1364
محل شهادت: **هورالعظیم عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت می‌دهم به حقانیت جمیع ما جاء به نبینا محمد صلی الله علیه وآله.
- اگر من به درجه رفیع شهادت نایل شوم در فقدان و مصیبتم صبر را شیوهٔ خود قرار داده و بسیار ناراحت نشوند.
- عاقبت حیات موت است.
- همه شربت مرگ را خواهید چشید.
- از خدای بزرگ برای خودم شهادت خواسته‌ام.
- راه شهدا ادامه دهند و خون شهدا را محترم شمارند.

ودود صدساله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»[1]

وصیت‌نامه ودود صدساله

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»[2]

و قال علیه السلام: «الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه»[3]

شهادت می‌دهم به وحدانیت خدای بزرگ و نبوت جمیع پیامبران خاصه نبوت خاتم‌الانبیا(**6**) و به ولایت علی‌بن‌ابیطالب(**7**) و یازده نفر از اولاد بزرگوارش که آخر آنها حضرت ولی عصر عجل الله تعالی و فرجه شریف است و شهادت می‌دهم به حقانیت جمیع ما جاء به نبینا محمد صلی الله علیه و [آله][4] و توجه می‌کنم پدر و مادر و جمیع منسوبین و متعلقین خود را که دائماً باز که خدا بوده و پیوسته پشتیبانی خود را از رهبر کبیر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران خمینی بت‌شکن اعلان کرده و در اجرای قوانین الهی جدیّت نمایند و اگر من به درجه رفیع شهادت نایل شوم در فقدان و مصیبتم صبر را شیوهٔ خود قرار و بسیار ناراحت نشوند چون که عاقبت [حیات][5] موت است و بالاخره همه شربت مرگ را خواهید چشید و من از خدای بزرگ برای خودم شهادت خواسته‌ام و عزاداری مرا مختصر بدارند و به راه شهدا ادامه دهند و خون شهدا را محترم شمارند.

64-11-1

ودود صدساله

1- فرازی از آیه 156 سورهٔ بقره.

2- 169/ آل‌عمران.

3- نخستین جمله از خطبه 27 نهج‌البلاغه موسوم به خطبه جهاد ص 27 نهج‌البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی.

4- در اصل وصیت «الله».

5- در اصل وصیت «حیاط».

بسم الله الرحمن الرحیم

(۲۹) انا لله و انا الیه راجعون

وصیت نامه و دردد صد سالم: ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا

بل احیاء عند ربهم یرزقون و قال علیه السلام: الجهاد باب من ابواب

الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه که شهادت می دهم بوحدانیت خدای

بزرگ و نبوت جمیع پیامبران خاصه نبی ما خاتم الانبیاء و ولایت

علی ابن ابیطالب و یازده نفر از اولاد بزرگوارش که آخر آنها حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه واسطین است و شهادت می دهم

بحقانیت جمیع ما جاء به پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سوگند جز می کنم به راه

مادر و جمیع مسلمین و متعلقین خود را که ما تنها پاسدار مکتب خدا بوده و پیرو

پشتیبان خود از [illegible] و نایب بر حق امام امت بزرگوار جمهوری اسلامی ایران خمینی

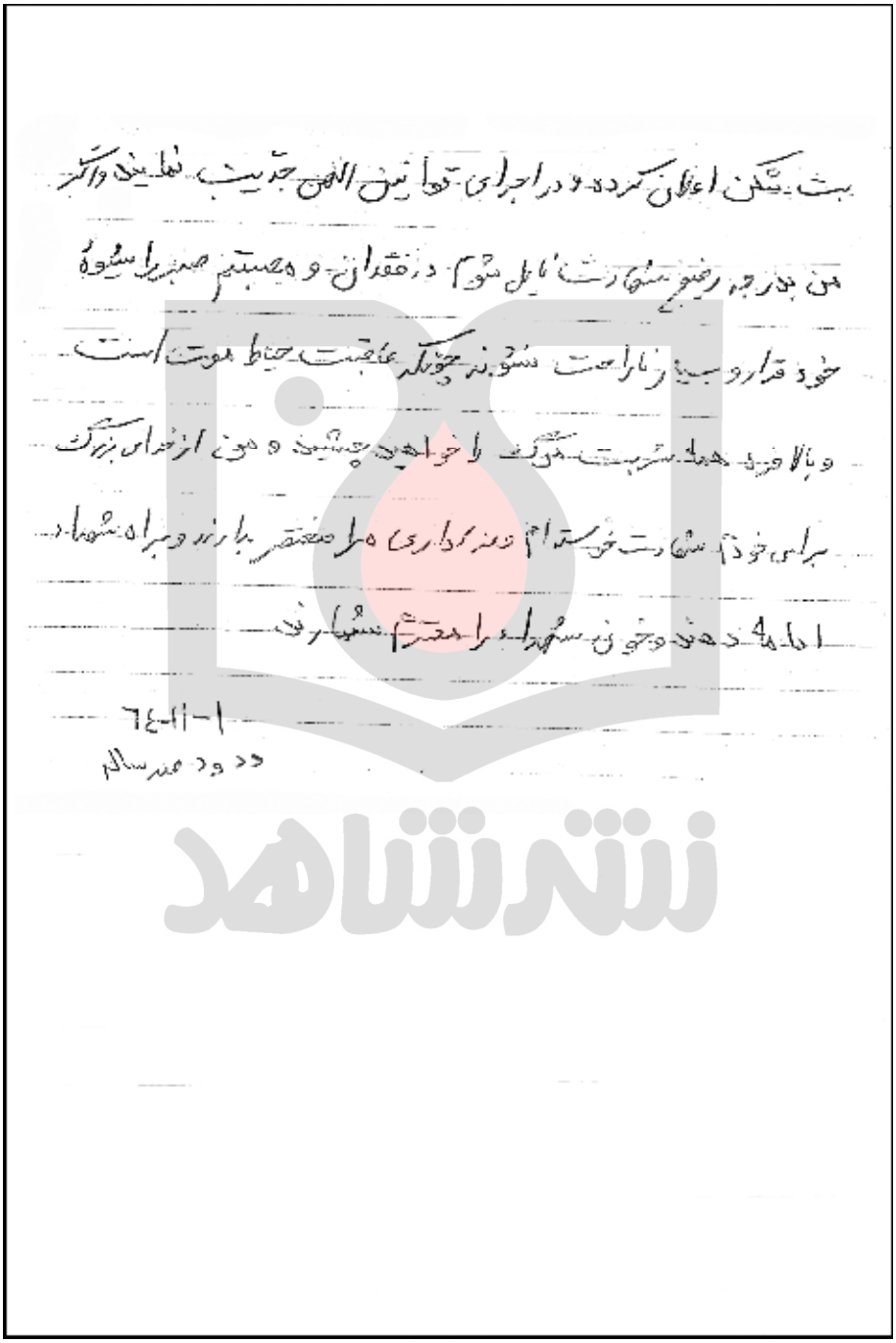

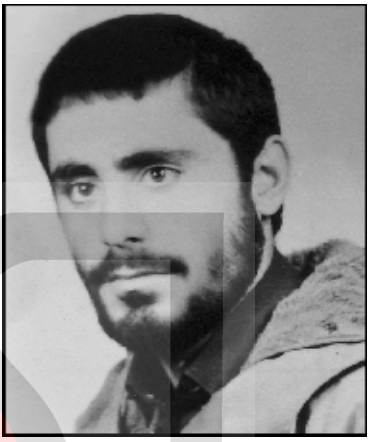

نام: **نادر**
نام خانوادگی: **صدق‌زاده**
نام پدر: **عبدالصمد**
نام مادر: **گلناز**
تاریخ تولد: **نهم خرداد** 1343
محل تولد: **روستای گیلارلو از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سلام بر امام خمینی ولی‌فقیه این قامت ایستاده.
- سلام بر امت شهیدپرور و نمونه که با حضور همیشگی خود در همهٔ صحنه‌های حق و باطل قدرت نفس کشیدن و خواب راحت را از دشمن سلب کرده است.
- جنگ ما با لشگر کفر صدام جنگ سلاح با سلاح نیست، جنگ معنویت با سلاح است.
- شهادت این واژه بزرگ که هیچ چیز را نمی‌توان با آن مقایسه کرد.
- شهادت بالاترین مردن‌هاست. شهادت سلاحی است که هیچ قدرتی و ابرقدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند.
- بدانید که زندگی با ننگ و مذلت مرگی منحوس و ملعون است.
- یک لحظه امام خمینی رهبر آگاه و بیدار انقلاب اسلامی را تنها نگذارید.
- دست از روحانیت اصیل و مبارز برندارید.
- رسالت ما درمقابل اسلام و این همه شهید و کیفیت ادامه دادن راه آنها و رساندن پیام آنها به همه جهانیان بس سنگین است.
- ما وارث عزیزترین امانت‌هایی هستیم که با جهادها و ثروت‌ها و یا ارزش‌های بزرگ انسانی در تاریخ اسلام فراهم آمده است.

سندشاهد

نادر صدق‌زاده[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«قَاتِلُوهُمْ یُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَیْدِیکُمْ وَیُخْزِهِمْ وَیَنْصُرْکُمْ عَلَیْهِمْ وَیَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ»

«شما ای اهل ایمان با آن کافران به قتال و کارزار برخیزید تا خدا آنان را به‌دست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را بر آنها منصور و غالب نماید و دل‌های اهل ایمان را به فتح وظیفه بر کافران شفا بخشد.» (سوره توبه آیه 14)[2]

«الَّذِینَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ»

«آنان که ایمان آوردند از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان [...][3] رستگاران و سعادتمندان دو عالمند.» (سوره توبه آیه 20)[4]

سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی نایب الامام خمینی اسوه و الگوی همهٔ انسان‌ها بعد از پیامبران و امامان بر روی زمین که با هر پیامش به مستضعفین جهان عشق و شور و ایمان به خدا و درس آزادگی می‌دهد و لرزه و ترس و وحشت در وجود مستکبران جهان می‌اندازد. سلام بر امام خمینی ولی‌فقیه این قامت ایستاده که مانند جدش حسین(**7**) در برابر ظلم و ستم مستکبران بزرگ ایستاده و یک قدم به عقب برنمی‌گردد.

سلام بر امت شهیدپرور و نمونه که با حضور همیشگی خود در همهٔ صحنه‌های حق و باطل اسلام و امام را یاری کرده و قدرت نفس کشیدن و خواب راحت را از دشمن سلب کرده است.

1- بالای وصیت‌نامه (نسخه تایپی) آمده است: «وصیت‌نامه برادر شهید نادر صدق‌زاده».

2- در اصل وصیت «سوره توبه آیه 13».

3- در اصل وصیت «بالخصوص».

4- در اصل وصیت «سوره توبه آیه 19».

امت اسلام امروز در دو جبهه می‌جنگند که با عنایت خداوند در هر دو جبهه پیروز بوده و هست. یکی جبهه داخلی متشکل از منافقین[1] لیبرال[2]ها، کمونیست[3]ها، ملی‌گرا[4]ها که همگی‌در نهایت یک خط را دنبال می‌کنند که همان خط «شیطان بزرگ آمریکاست»[5] و از خیانت این گروهک‌ها ملت ما کاملاً آگاه است. جبهه دوم: جبهه نبرد با نیروهای خارجی که یکی از آنها صدام افلق[6] کافر است که بوسیله اربابش آمریکا به حریم کشور ما تجاوز نموده است آمریکا باید این را تا بحال فهمیده باشد که با این حرکات مذبوحانه و آشکار، «بنا به فرمایش امام عزیز هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»[7] و صدام باید این سخن امام برایش درس عبرت باشد و ما به همه دنیا اعلام می‌کنیم به همه دولت‌ها و به همه ملت‌ها که بدانند جنگ ما با لشگر کفر صدام جنگ سلاح با سلاح نیست، جنگ معنویت با سلاح است. جنگ ایمان با سلاح است و این عیناً در تمامی جبهه‌ها قابل حس است و آن طرف لشگر فاسق و کافر که توسط صدام، خواری و ذلت را به جان و دل خریده‌اند و از کفر طرفداری می‌کنند و هیچ آرامش قلبی ندارند و با ترس و لرزه می‌جنگند، اما لشگر اسلام و لشگر امام زمان(عج) در این طرف انسان‌هایی با ایمان، با خلوص سرشار از شور و عشق و ایثار به خدا که فقط برای اجرای احکام اسلام بپا خاسته‌اند خالی از هرگونه منیت‌ها خودبینی‌ها، و خودمحوری‌ها، و مادیات، انسانهایی که از روستاهای دوردست و از شهرها همه به فرمان امام بسیج شده‌اند که در میان آن‌ها بگردی. به قول امام عزیز یک بچه سرمایه‌دار پیدا نمی‌کنی، انسان‌های عاشق شهادت، عاشق حسین(**7**) عاشق کربلا و عاشق امام زمان(عج) که هر لحظه این آرزوها در دل آنها اوج بیشتری دارد و با همین سلاح ایمان و شهادت است که مشتاقانه بر سنگرهای کافران بعثی یورش برده و آن‌ها را

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- تعبیر شیطان بزرگ نخستین‌بار توسط امام برای امریکا بکار برده شد. (صحیفه امام، ج 10، ص 489).

6- ر.ک. تعلیقات.

7- تعبیر «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» از آن امام خمینی است (صحیفه امام، ج 10، ص 515).

کشته یا اسیر می‌کنند.

شهادت این واژه بزرگ که هیچ چیز را نمی‌توان با آن مقایسه کرد «الشهادة افضل الموت».[1]

شهادت بالاترین مردن‌هاست. علی(7) و شهادت سلاحی است که هیچ قدرتی و ابرقدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند، این رمز پیروزی ماست که ابرقدرت‌های شرق[2] و غرب[3] را به لرزه و وحشت انداخته و بر سلاح‌های پیچیده آنها که هر لحظه مدرن‌تر می‌شود پیروز می‌گرداند. می‌بینیم امام عزیز می‌فرماید «پیروزی را اسلحه نمی‌آورد پیروزی را خون می‌آورد»[4] و شهید یعنی حاضر. کسانی که مرگ سرخ را به‌دست خویش به عنوان نشان دادن عشق خویش به حقیقتی که دارد می‌برد و به‌عنوان تنها سلاح برای جهاد در راه ارزش‌های بزرگی که مسخ می‌شود انتخاب می‌کنند، شهیدند حتی و حاضر و شاهد و ناظرند تنها در پیشگاه خدا که در پیشگاه امت و در هر عصری و قرنی و زمانی و زمینی و آنها که تن به هر ذلتی می‌دهند تا زنده بمانند، مرده‌های خاموش و پلیدکار ریختند و ببینید آیا کسانی که سخاوتمندانه با حسین(7) به قتلگاه خویش آمده‌اند و مرگ خویش را انتخاب کرده‌اند درحالی که صدها [گریزگا][5] آبرومندانه برای ماندنشان بود و صدها شرعی و دینی برای زنده ماندنشان بود توجیه و [تاویل][6] نکردند و شهید شدند. اینها زنده‌اند یا آنها که برای ماندنشان ذلت و پستی و رها کردن حسین(7) و تحمل کردن یزید دارند؟

کدام هنوز زنده‌اند؟ باید بدانید که زندگی با ننگ و مذلت مرگی منحوس و ملعون است و مردن در راه عظمت و مجد زندگی شرافتمندانه و جاوید «علی(7) نهج البلاغه»

1- آنچه در نهج‌البلاغه از حضرت علی(7) آمده است «افضل الموت القتل» است. البته بسیاری در ترجمه فارسی واژه قتل را معادل شهادت و کشته شدن در راه خدا می‌دانند.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- عبارت مشابه این در سخنان امام این است «دیدیم که چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد» (تبیان ایثار و شهادت، دفتر یازدهم ص 280).

5- در اصل وصیت «گریزگان».

6- در اصل وصیت «تاوین».

پیام‌من به شما امت مسلمان و شهید پرور و قهرمان این است که در همه لحظه‌های زندگی خود قرآن و دستورات اسلام و ائمه اطهار و شهیدان را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهید یک لحظه امام خمینی رهبر آگاه و بیدار انقلاب اسلامی را تنها نگذارید و دست از روحانیت اصیل و مبارز برندارید و این اصل را فراموش نکنید که آن‌ها بودند که به ما آگاهی و حرکت در همه مسائل دادند و به همین منظور است که قدرتها و ابرقدرت‌های شیطانی توسط عوامل داخلی و خارجی در صدد توطئه هستند که به هر طریق که شده بین روحانیت و مردم جدائی و تفرقه [بیاندازنند][1].

دانش‌آموزان متعهد و مسئول سعی کنند درس خود را ادامه دهند و تخصص‌های لازم را پیدا کنند که ما دیگر به متخصصین خارجی احتیاج نداشته باشیم.

برادران و خواهران عزیز رسالت ما درمقابل اسلام و این همه شهید و کیفیت ادامه دادن راه آنها و رساندن پیام آنها به همه جهانیان بس سنگین است. ما وارث عزیزترین امانت‌هایی هستیم که با جهادها و ثروت‌ها و یا ارزش‌های بزرگ انسانی‌در تاریخ اسلام فراهم آمده است. ما مسئول این هستیم که با این میراث عزیز شهداء و مجاهدانمان و امامان و رهبران‌مان و ایمان‌مان و کتاب‌هایمان امتی نمونه بسازیم تا برای مردم جهان شاهد باشیم و شهید باشیم و نمونه باشیم و این را بدانید که ما مدافع انسان‌های مظلوم در طول تاریخ هستیم و پیروزی ما پشتوانه پیروزی مستضعفان جهان بر مستکبران می‌باشد.

به یاد دارم که هدف مقدس خویش را بالاتر از هر چیز عزیزتر از هر کس می‌شمردم و از همه می‌خواستم که جهانی در راه مکتب و عقیده‌ام قربانی شود. ایمان ما استوار و قلب ما مطمئن بود ما را گریه مادران داغدیده و زاری خواهران بی برادر و اشک سالخوردگان و آن خردسالان از راه راست خویش باز نمی‌گرداند و این همه موانع در جریان تصمیم ما تأثیر نداشت گرسنه بودیم، برهنه بودیم، پیاده بودیم و راه ما دور و پای ما خسته بود زخم داشتیم و خون ما اندک و بار ما سنگین بود معهذا می‌رفتم و پیش می‌رفتم.

و در اینجا سخنی با پدر و مادر عزیزم:

پدر و مادر عزیزی که عمر عزیزتان را صرف بزرگ نمودن یکایک ما کردید شما اجری

1- در اصل وصیت «بیاندازنند».

عظیم پیش خداوند دارید پدر جان شما مانند همه کارگران از صبح زود تا آخر شب زحمت کشیدید و این را بدانید که امام صادق(7) می‌فرماید کسی که برای آرامش خانواده‌اش تلاش می‌کند مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد می‌کند[1]. پدر جان عشق و علاقه خاصی نسبت به اسلام و قرآن و ائمه اطهار داشتی و همیشه ما را به این راه و این خط راهنمایی می‌کردی به امام خمینی و روحانیت مبارز علاقه خاصی داشتی. پدر جان اجر شما در نزد خداوند محفوظ است و در اینجا من از شما می‌خواهم که صبر کنی و این را شما بهتر از من می‌دانید که خداوند با صابران است پدر عزیز من از شما خیلی راضی و خوشنودم از شما خواهش می‌کنم اگر به فیض شهادت نائل شدم از شما می‌خواهم که خودت را ناراحت نکنی چون این راهی بود که خودم آگاهانه انتخاب کردم.

و تو ای مادر عزیز، شما هم رنج و سختی زیادی متحمل شدی اما عیبی ندارد زیرا همه‌اش برای اسلام است این خوب است همیشه نسبت به مسائل شرعی اسلام حساسیت خاصی داشتی و به ما گوشزد و نصیحت می‌نمودی و توسط شما پدر مادرعزیز بود که ما هم به این راه کشیده شدیم نمازت ، دعاهایت در سحر و صبح زود و بعدازظهرها، عشق و علاقه خاصی در ما بوجود می‌آورد. شما مادرخیلی خوبی برای ما هستی، مادر اگر در دوران زندگی شما را اذیت و آزار کردم از شما می‌خواهم از این لحاظ مرا ببخش از تو می‌خواهم در دعاهایت امام و شهیدان و رزمندگان را همیشه به یاد داشته باشی اگر شهید شدم خودت را برای من ناراحت نکن زیرا ناراحتی تو ناراحتی من است. مادر امروز آنقدر مادرها فرزندانشان روح تنشان و همه هستی‌شان را با عشق فدای حق ساختند که شمارشان از حد بیرون است.

اینان همه عاشق فرزندان خود بودند، اما همچنان با نشاط و اکنون می‌بینم که با از دست دادن جگر گوشه‌هایشان همچنان با نشاط‌اند چون اینان به خدا می‌اندیشند و عشق به خدا بالاترین عشق‌هاست. شیر مادر از تو می‌خواهم که اینچنین باشی و مادر بزرگم از تو هم می‌خواهم که شما همین‌طور که گفته باشی و اصلاً برای من گریه و زاری نکنی بلکه افتخار که فرزندت شهید شده است. خدمت برادران عزیزم پس از سلام عرض می‌کنم که تا آخرین لحظه عمرتان از امام خمینی و روحانیت خط امام جدا نشوید و همیشه خاری

-1

باشید در چشم دشمنان اسلام، الحمدالله که هستید و این را می‌دانم کـه اسـلحه مـرا زمـین نخواهید گذاشت. تقوا، تقوا را پیشه خود سازید، الگو باشید برای فرزنـدان خـود، فرزنـدان خود را مفید برای جامعه بسازید.

و شما ای خواهر عزیزم شما هم رسالتی زینب‌وار دارید که همانا رساندن پیـام شـهیدان زنده اما خاموش است، فرزندان خود را مـسلح بـه ایمـان و تقـوا کنیـد و ادامـه دهنـده راه شهیدان و در خط امام تربیت کنید که در آینده برای جامعه ما مفید واقع شـوند و بـه همـه دوستان فامیل و آشنایان که به نحوی من نتوانستم از آنها خداحافظی کنم سلام مرا برسـانید و حلالیت بطلبید. با درود بر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی، درود بـه آیـت‌الله ... منتظـری[1]، درود به آیت‌الله مشکینی[2]، درود به برادر رفسنجانی[3] درود بـه بـرادر خامنـه‌ای[4] و درود بـه تمام پویندگان راه حسین(7)، درود به تمام شهیدان تاریخ از هابیل[5] تا حسین(7) و از حسین(7) تا امام خمینی و از امام خمینی تا ظهورحضرت مهدی(عج)، درود و سلام بـر شهیدان 7 تیر[6]، رأس همه‌شان بر شهید مظلوم آیت الله بهشتی[7] و درود و سلام بـر شـهیدان 8 شهریور، شهید بـاهنر[8] و شـهید رجـائی[9] ننـگ و نفـرت همیـشگی بـر آمریکـا و عمـال داخلیش.

نشر شاهد

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- ر.ک. تعلیقات.
6- ر.ک. تعلیقات.
7- ر.ک. تعلیقات.
8- ر.ک. تعلیقات.
9- ر.ک. تعلیقات.

(وصیت‌نامه شهید برادر نادر صدقزاده)

((قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مومنین))

شما ای اهل ایمان با آن کافران بقتال و کارزار برخیزید تا خدا آنانرا بدست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را بر آنها ظهور و غلبه نماید و دلهای اهل ایمان را به فتح وظفه بر کافران شفا بخشد (سوره توبه آیه ۱۳))

((الذین آمنو و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عندالله و اولئک هم الفائزون))

آنانکه ایمان آوردند و از وطن هجرت کردند و در راه خدا به مال و جان‌شان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان دو عالمند ((سوره توبه آیه ۱۹))

سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی نایب‌الامام الامام خمینی اسوه و الگوی همه انسانها بعد از پیامبران و امامان بر روی زمین که با شریعت‌اش به مستضعفین جهان عشق و شور و ایمان به خدا و درس آزادگی می‌دهد و لرزه و ترس و وحشت در وجود مستکبران جهان می‌اندازد سلام بر امام خمینی ولی فقیه این قامت ایستاده که مانند جد شهیدش حسین (ع) در برابر ظلم و ستم مستکبران بزرگ ایستاده و یک قدم به عقب برنمی گردد .

سلام بر امت شهید پرور و نمونه که با حضور همیشگی خود در همه صحنه های حق و باطل اسلام و امام را یاری کرده و قدرت‌نمائی کشور و خواب راحت را از دشمن سلب کرده است .

امت اسلام امروز در دو جبهه می جنگد که با عنایت خداوند در خود و جبهه پیروز بوده و هست یکی جبهه داخلی متشکل از منافقین لیبرالها کمونیست ها ملی‌گراها که همگی در نهایت یک خط را دنبال می کنند که همان خط شیطان بزرگ امریکاست و از خیانت این گروهکها علیها کاملا آگاه است جبهه دوم : جبهه نبرد با نیروهای خارجی که یکی از آنها عمدا طلق کافر است که بوسیله ارباب آمریکا به خرم‌شهر تجاوز نموده است آمریکا باید این را با چه فهمیده باشد که با این حرکات وحشیانه و آدمکشانه و بنا به فرمایش امام حزب هیچ غلطی نمی تواند بکند و عمدا باید این سخن امام برایش دیر عبرت باشد و یا به همه دنیا اعلام می کنیم به همه دولتها و به همه ملتها که بدانند جنگ ما با تمام کفر عمدا جنگ سازش با سلاح نیست جنگ صلیبیت با سلاح است جنگ ایمان با سلاح است و این بنا بر تمامی جمعه ها تاکید امام خمینی [illegible] و دل که تجسم عدالت و [illegible] و نیروهای جنگ ما تمام سلاح [illegible] و با تمام وجود می جنگند تا پرچم اسلام و پیشوای امام در سراسر جهان به اهتزاز درآید و این جنگ از طرف انسانهای با ایمان با خاطری سرشار از شور و عشق و ایثار به خدا که فقط برای اجرای احکام اسلام پا گذاشته اند خالی از عیوب مثبتا خود بمنها و وحشیگریها و برادرکشی‌ها و انسانهائی که از ریشه کن کردن و از بین بردن امام پیچ شده اند که در میان آنها نیز و بقول امام خونها بیجه سرمایه دار بیدا می کنی و انسانهای عاشق شهادت و داشتن حسین از داشتن گربلا و داشتن امام زمان (ع) که در بیشتر این [illegible] در میان آنها اوج بیشتری دارد و در بین سلاح ایمان و شهادت است که متاسفانه بیشتر آن کاران بعلل پیش‌بینی نشده و ما را از همین پا انداخته است .

شهادت در این واژه بزرگ که هیچ چیز را نمی توان با آن مقایسه کرد ((الشهادة افضل الهبات))

شهادت بالاترین مردن هاست علی (ع) و شهادت سلاحی است که هیچ قدرتی و ابرقدرتی نمی تواند با آن مقابله کند ، این رمز پیروزی ماست که ابرقدرتهای شرق و غرب را به لرزه و وحشت انداخته و بر سلاحهای پیچیده آنها که خرابکاری می شود پیروز می گرداند می بینیم امام عزیز می فرماید ((پیروزی را اسلحه نمی آورد پیروزی را خون می آورد)) و شهید یعنی حاضر کسانیکه مرگ سرخ را بدست خویش به عنوان نشان دادن عشق خویش به حقیقتی که دارند می برد و به عنوان تنها سلاح برای جهاد در راه ارزشهای بزرگی که مطرح میشود انتخاب می کنند شهید شاهد حق و حاضر و شاهد و ناظرند تنها در پیشگاه خدا که در پیشگاه است و در هر عصری و قرنی و زمانی و زمینی و آنها که تن به خواری و ذلتی می دهند تا زنده بمانند مرده های خاموش و بلید کار بخشند و ببینید آیا کسانیکه سخاوتمند انه با عزیزترین به لقاء خویش امدهاند و مرگ خویش را انتخاب کرده اند در حالی که صدها گریزگان ابرومندانه برای ماندن نشان بود و صدها شرعی و دینی برای زنده ماندن نشان بود توجیه و تاویل نکردند و شهید شدند آیا آنها زنده اند یا آنها که برای ماندن نشان ذلت و پستی و رها کردن حسین (ع) و تحمل کردن یزید دارند ؟

کدام هنوز زنده اند ؟ باید بدانید که زندگی با ننگ و مذلت مرگی محسوس و ملموس است و مردن در راه عظمت و مجد زندگی شرافتمندانه و جاوید الی (ع) نهج البلاغ ((پیام من به شما امت مسلمان و شهید پرور و قهرمان این است که در همه لحظه های زندگی خود قرآن و دستورات اسلام و ائمه اطهار و شهداء را الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهید یک لحظه امام خمینی رهبر آگاه و بیدار انقلاب اسلامی را تنها نگذارید و دست از روحانیت اصیل و مبارز برندارید و این اصل را فراموش نکنید که آنها بودند که به ما آگاهی و حرکت در همه مسائل دادند و به همین منظور است که قدرتها و ابرقدرتهای شیطانی توسط عوامل داخلی و خارجی در صدد توطئه هستند که به هرطریق که شده بین روحانیت و مردم جدائی و تفرقه بیاندازند :

دانش آموزان متعهد و مسئول سعی کنند درس خود را ادامه دهند و تخصصهای لازم را پیدا کنند که ما دیگر به متخصصین خارجی احتیاج نداشته باشیم :

برادران و خواهران عزیز رسالت ما در مقابل اسلام و این همه شهید و کیفیت ادامه دادن راه آنها و رساندن پیام آنها به همه جهانیان بس سنگین است .

ما وارث عزیزترین امانتهای هستیم که با جهادها و خونها و ارزشها ی بزرگ انسانی در تاریخ اسلام فراهم آمده است مسئول این هستیم که با این میراث عزیز شهداء و مجاهدان و امامان و رهبرانه و ایمان ملی و کتاب و سایمان امتی تعهد بیابیم تا برای مردم جهان شاهد و شهید باشیم و تعهد باشیم و این را بدانید که ما مدافع انسانهای مظلوم در طول تاریخ هستیم و پیروزی ما پشتوانه پیروزی مستضعفان جهان بر مستکبران می باشد :

یاد داریم که هدف مقدس خویش را بالاتر از هر چیز عزیزتر از هرکس می شمردم و همه می خواستیم که جهانی در راه مکتب و عقیده ما دگرگون شود ایمان ما استوار و قلب ما مطمئن بود ما و تربیه مادران آزاده و ایثارگر خواهران بلکه برای راه اسلام بالغزیدند گان آن خرسالان از راه راست خویش باز نمی گرداند و این همه مرانع در جریان تصمیم ما تاثیر نداشت گرفته بودیم برفته بودیم ، پیاده بودیم و راه ما دور و پای ما خسته بود برفتیم و خون ما آلوده و بار ما سنگین بود میرفتیم و

بیش می رفتم و در اینجا کمی با پدر و مادر حرف زدم :

پدر و مادر عزیزی که عمر عزیزتان را صرف بزرگ نمودن یک یک ما کردید شما اجری عظیم پیش خداوند دارید پدرجان شما مانند همه کارگران از صبح زود تا آخر شب زحمت کشیدید و این را می دانید که امام صادق (ع) می فرماید کسی که برای آرامش خانواده اش تلاش می کند مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد می کند ؟

پدرجان عشق و علاقه خاصی نسبت به اسلام و قرآن و ائمه اطهار داشتی و همیشه ما را به این راه و به این خط و احکام می کردی به امام خمینی و روحانیت مبارز علاقه خاصی داشتی پدرجان اجر شما در نزد خداوند محفوظ است و در اینجا من از شما می خواهم که صبر کنی و این را شما بهتر از من می دانید که خداوند با صابران است پدر عزیز من از شما خیلی راضی و خوشنود م از شما خواهش می کنم اگر به فیض شهادت نائل شدم از شما می خواهم که خودت را ناراحت نکنی چون این راهی بود که خود آگاهانه انتخاب کردم .

و تو ای مادر عزیز و شما هم ضجه و گریه و سختی زیادی متحمل شدی اما چیزی ندارد زیرا همه اش برای اسلام است و این خوب است همیشه نسبت به مسائل شرعی اسلام حساسیت خاص داشتی و به ما گوشزد و نصیحت می نمودی و توسط شما پدر و مادر عزیز بود که ما هم به این راه کشیده شدیم نماز و دعا هایت در سحرو صبح زود و بعد از ظهرها و عشق و علاقه خاصی در ما بوجود می آورد شما مادر خیلی خوبی برای ما هستی و مادر اگر دردوران زندگی شما را اذیت و آزار کردم از شما می خواهم از این لحاظ مرا ببخشی و از تو می خواهم در دعا هایت امام و شهیدان و رزمندگان را همیشه بیاد داشته باشی اگر شهید شدم خودت را برای من ناراحت نکن زیرا ناراحتی تو ناراحتی من است . مادر امروز آنقدر مادران فرزندانشان روح تپیان و همه هستی شان را با عشق فدای حق ساختند که نمونه شان از حد بیرون است .

اینان همه عاشق فرزندان خود بودند اما همچنان با نشاط و اکنون می بینم که با از دست دادن جگر گوشه ها یشان همچنان با نشاطند چون اینان به خدا می اندیشند و عشق به خدا بالا ترین عشق هاست و شیر مادر را تو می خواهم که اینچنین باشی و مادر بزرگم از تو هم می خواهم که شما همینطور که گفته باشی و اصلاً برای من گریه زاری نکنی بلکه افتخار کنی که فرزندت شهید شده است خدمت برادران فرزندم پس از سلام عرض می کنم که تا آخرین لحظه عمرتان از امام خمینی و روحانیت خط امام جدا نشوید و همیشه خاری باشید در چشم دشمنان اسلام الحمدالله که هستید و این را می دانم که اسلحه مرا زمین نخواهید گذاشت . تا توانی و تا زمانی که خود میتوانید الگو باشید برای فرزندان خود فرزندان خود را مفید برای جامعه بسازید .

در شهادت خواهر عزیزم شما هم رسالتی سنگین بر دوش دارید که حتماً برسانید پیام شهیدان زنده است خانواده شهیدان خود را مسئله بدانند و تقویت کنید و ادامه دهندهٔ راه شهیدان و در خط امام باشید گلید که در آینده برای جامعه مفید واقع شوید و به همه دوستان فامیل و آشنایان که نتوانستم از آنها خداحافظی کنم سلام مرا برسانید و حتماً بخوانید ۱ درود بر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی [illegible] نمیتوانستم به آنها [illegible] درود بر برادر رشیدش درود به برادر مهربانم [illegible] درود به تمام پیشمرگان راه حسین (ع) درود به تمام شهیدان تاریخ از هابیل تا حسین (ع) و از حسین (ع) تا امام خمینی و از امام خمینی تا ظهور حضرت مهدی (عج) درود و سلام بر شهیدان ۱۷ شهریور یادم همه شان بر شهید مظلوم آیت الله بهشتی و درود و سلام بر شهیدان ۸ شهریور شهید باهنر و شهید رجائی نفت و نفرت همیشگی بر آمریکا و عمال داخلیش :

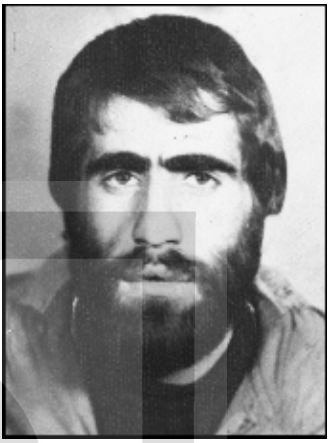

نام: **فضائیل**
نام خانوادگی: **صدقی کوهساره**
نام پدر: **شاهمار**
نام مادر: **عارفه**
تاریخ تولد: **هجدهم اردیبهشت** 1337
محل تولد: **روستای کوهساره از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین** 1362
محل شهادت: **ابوقریب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای علی‌آباد شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- آخرالامر هم پرچم اسلامی را با یاری الله در سرتاسر جهان به اهتزاز درخواهیم آورد.
- کار اسلام مبارزه و جهاد است در [فی] سبیل‌الله.
- آمریکا و شوروی و هر جنایتکار دیگر هم ما را راحت نخواهد گذاشت.
- ما همیشه در مبارزه با کفر خواهیم بود.
- امام عزیزمان و این قلب تپنده امتمان را دعا کنید.
- در دعای کمیل و نماز جمعه‌ها شرکت کنید.
- بچه‌هایم را طوری پرورش دهید که هر یک خدمتگزار به اسلام باشند.
- دخترانم را همچون زینب(**3**) پرورش دهید.
- از پدر و مادر عزیزم می‌خواهم که همچون علی(**7**) و فاطمه(**3**) زندگی کنند.
- از تمام امت حزب‌اللهی خواستارم که پرچم خونین مرا بر زمین نگذاشته و راه مرا که همان راه حسین(**7**) را بر خود گزیده بودم، ادامه دهند.

فضائیل صدقی کوهساره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهدا و الصدیقین

«إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیَانٌ مَرْصُوصٌ»[1] **(قرآن کریم)**

«به‌راستی پروردگار دوست می‌دارد آن کسانی را که در راه او جهاد می‌کنند، در صف‌های منظم گویا بنیان آنان از سنگهای فشرده است.

با سلام بر حضور حضرت مهدی(عج) و یگانه نایب برحقش حضرت امام خمینی و درود و سلام بی‌پایان بر پدران و مادران صبور و مقاوم و همچنین فرزندان سلحشور و غیور و دلاوران و پاسداران رشید انقلاب حسینیمان که تداوم آن خط سرخ کربلا را امام عزیز و گرامی‌مان روح می‌بخشد. سخنانی چند با امت عزیز اسلامی‌مان دارم گرچه من لیاقت چنین کاری را که برای شما تکلیف معین کنم، ندارم. ولی می‌توانم از تجربه‌ها و پیشامدها و از این همه جریانات چند سالهٔ انقلابمان را که در مغز خود فشرده‌ام، برای شما مختصراً عرض می‌نمایم و شاید یاور و راهنمای شما عزیزان محترم باشم. با وجود پربرکت امام عزیزمان دست این ابرقدرتان که در حقیقت ابرجنایتکاران که یک آن از جنایتشان در دنیا دست برنمی‌دارند و همیشه کارشان استعمار و استثمار مظلومان ومستضعفان می‌باشد و در هر کجای دنیا که دست شیطانیشان را بند می‌کنند. درآنجا جز غارت و چپاول و تجاوز چیزی به ارث نمی‌گذارند، از ایران زدوده شد و یک سرشکستگی که برای ما به ارث گذاشته بودند با یاری الله و با پشتیبانی این امت و با رهبری‌های کفرشکن اماممان، طلسمش در هم شکسته شد و بنیان حکومتی را که بنام اسلام که دین حقیقی خدا و کتابی به‌نام قرآن که بوسیلهٔ رسولش بر ما فرستاده شده بود، مردی از تبار سیدان و از اولاد پیامبر در ایران شکفته ساخت. «**جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ**»[2] و با آمدن حق باطل شکست که در حقیقت جز سخن حق چیزی بر زبان جاری ندارد. با عنایت خدای

1- صف/ 4.

2- بخشی از آیه 81 سوره اسرا. در اصل وصیت

متعال اسلام و اوامر قرآن را برقانون‌های ذلیل و پست غالب کرد و چشم مستضعفان جهان را که همیشه به یک سیاهی می‌نگریستند به سفیدی تبدیل کرد و راه امیدی برای آنان باز کرد که در عوض کمر این یاوه‌گویان را شکسته و شادیشان را به یأس و ناامیدی مبدل ساخت و با تحقق این آیهٔ شریفهٔ قرآن «**وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ**»[1] پوزهٔ ابرجانیان بر زمین مالیده شد و حالا ای امت اسلام در تاریخ ما همیشه دیده افسوس و محمد(**6**) و حسین(**7**) گذشته تا این جدال حق با باطل بر ما رسیده و خیال نکنید که این جنگی که ما با کفر در پیش گرفته‌ایم صریح راه [...][2] و ویرانگی و کشتار چیزی بیش نیست، نه، بلکه این همیشه دیده شود و دیده خواهد شد که با وجود حق و باطل در جای خود بنشیند و سخن به اعتراض باز نکند، هرگز امکان ندارد و این جنگ ما جنگ خاک و سرزمین نیست بلکه ما می‌خواهیم امام عزیز بر عوض این طاغوتیان جایگزین باشد. ولی این‌ها برعکس ما عمل می‌کنند و آخرالامر هم پرچم اسلامی را با یاری الله در سرتاسر جهان به اهتزاز درخواهیم آورد و کفر را از بین خواهیم برد و شما اگر مشاهده کنید که در ایران هیچ خبری از مبارزه، چه با منافقین[3] یعنی مخالفان داخلی و چه با مخالفان خارجی نیست بدانید که آمریکا در ایران حاکمیت دارد، کار اسلام مبارزه و جهاد است در [فی] سبیل‌الله. و این آتش خونین هیچ‌وقت خاموش نخواهد شد و این را هم بدانید که آمریکا و شوروی و هر جنایتکار دیگر هم ما را راحت نخواهد گذاشت و ما همیشه در مبارزه با کفر خواهیم بود، تا آنکه پرچم مستضعفان و این مظلومان چشم به انتظار راه ما را در واشنگتن و در مسکو و در پاریس و آخرالامر در بالای بیت‌المقدس عزیزمان به اهتزاز[4] درآوریم و اسلام را بر همه این طاغوتیان با یاری الله متعال غالب سازیم به امید آن روز عزیز و در قرآن صریحاً هم می‌فرماید «**وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ**»[5] «ما اراده کردیم بر آنان آن کسانی که در روی

1- شعرا/ 227. در اصل وصیت «سیعلمو و ظلمو».

2- خوانا نیست.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «احتزاز».

5- قصص/ 5.

زمین مظلوم واقع شده بودند قرار دهیم آنها را صاحب‌نظر وارثین اصلی زمین».

از همهٔ شما برادران حزب‌الله التماس دارم که امام عزیزمان و این قلب تپنده امتمان را دعا کنید و از رهنمود و اوامر ایشان پیروی کنید و نگذارید قلب نارنینش آزرده شود و در دعای کمیل و نماز جمعه‌ها شرکت کنید که [نور][1] به قلبتان فرو بتابد تا خدای را از یاد نبرید و همیشه گناهانتان در یادتان باشد و از خدا آمرزش آن خطاها را [طلب][2] بکنید.

پدر و مادر عزیزم از شما نهایت تشکر را دارم و خیلی از شماها عذر [می‌خواهم][3] که نتوانستم خدمتی در حقتان بکنم. جداً از این جهت شرمنده می‌باشم ولی قول این را می‌دهم که اجر شما پیش خداست و اگر خدا توفیق شهادت را به ما داد انشاالله عوض این رنج‌هایی که شما کشیده‌اید در آخرت تلافی می‌کنیم و اگر خدا لیاقت شفاعت را به ما داد بر هر دوی شما قول شفاعت می‌دهم. از بچه‌هایم، مادر عزیز مواظب باش و آنها را طوری پرورش دهید که هر یک خدمتگزار به اسلام باشند و عشق خمینی را همیشه بر سر داشته باشند و زنم را هم خودش آزاد است که هر طوری مایل باشد راه برای خود انتخاب کند. پسرم را طوری تربیت کنید که همچون علی‌اکبر رشید(7) جانباز و غیور باشد و همیشه بر دیگر پسران الگویی باشد، عاشق به انقلاب مبارز و در خواندن درس یاریش دهید و دخترانم را همچون زینب(3) پرورش دهید که پیام‌رسان من بر تمامی خواهران عزیز و گرامیمان باشد و چگونه زیستن و سخنگویی و پیام‌رسانی را همچو زینب(3) دارا باشد و از پدر و مادر عزیزم می‌خواهم که همچون علی(7) و فاطمه(3) زندگی کنند و در زندگی‌شان صبور و مقاوم باشند و از شما خانوادهٔ عزیز و گرامیمان و از تمام امت حزب‌اللهی خواستارم که پرچم خونین مرا بر زمین نگذاشته و راه مرا که همان راه حسین(7) را بر خود گزیده بودم، ادامه دهند و هیچگاه همچون حسین(7) تسلیم زور و ستم که می‌فرماید «انّی لا اری الموت الا سعاده و الحیاة مع الظالمین الّا برما»[4]

1- در اصل وصیت «نور» از قلم افتاده است.

2- در اصل وصیت «طلب» از قلم افتاده است.

3- در اصل وصیت «می‌خواهیم».

4- در اصل وصیت «و لا الحیاة».

نباشید. همچون کافران و ملحدان.

به امید روزی که پرچم خونین انقلاب حسینمان را در نقطه به نقطهٔ جهان و در پایگاه اصلیمان بیت‌المقدس[1] به اهتزاز درآوریم و پوزهٔ تمام ابرجنایتکاران اسلام را بر زمین بمالیم و اسلام را با عدالتش به امید خدا بر همهٔ مکتب‌های الحادی[2] و التقاطی غالب گردانیم. من دیگر عرضی ندارم. شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

اجرکم عندالله
بندهٔ حقیر خدا،
فضائیل صدقی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم
بسم رب الشهدا والصدیقین

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»
«ما همه از خدائیم و بازگشتمان نیز به سوی اوست».

با سپاس فراوان از خداوند عالمیان و با سلام و درود بر محمد(6) و آل‌محمد(6) و با سلام بر مهدی موعود(عج) و نایب برحقش خمینی کبیر.

با سپاس و تشکر فراوان بر خداوند عالمیان که زندگیم برای اوست و جهاد کردنم برای اوست و حتی نفس کشیدنم برای اوست از آنجا که جهاد برای همه مسلمانان واجب است و من نیز به نوبه خود به فرمان امام لبیک گفته و برای یاری از دین خدا به جبهه آمده و این راه را خودم انتخاب کرده‌ام و کسی مرا مجبور به این کار نکرده است، فعلاً که من در جبهه‌های حق علیه باطل مشغول مبارزه هستم، خیلی خوشحال هستم سفارش می‌کنم (همسر و فرزندانم که آنها را خیلی ناراحت کرده‌ام) بچه‌هایم را همان‌طوری که اسلام دستور می‌دهد تربیت کنید و دخترانم صغری و فریبا را زینب‌وار تربیت کنید و به جامعهٔ اسلامی تحویل دهید. من متعلق به شما نیستم و امانتی بودم پیش شما. همهٔ ما یک روز از

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «الهادی».

این دنیا می‌رویم. همهٔ ما از خدا هستیم و بازگشتمان نیز به‌سوی اوست پس چه بهتر که رفتنمان نیز در راه خدا باشد. اگر شهید شدم به امامم سلام برسانید و همان‌طوری که گفتم فرزندانم را [به طریق] زینب‌وار تربیت کنید و از پدر و مادرم کمال تشکر را دارم. شما را خیلی اذیت کرده‌ام و خیلی به شما زحمت داده‌ام. به هیچ کس قرضی ندارم و به کسی هم بدهکار نیستم و هرچه از مال دنیا داشته باشم به پسرم علی می‌رسد و در ضمن یک ماه نماز قضا دارم و یک ماه روزه قضا دارم که بجای آورید. برای امامم دعا کنید و برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا کنید و در ضمن آن روزی که خبر شهادت من به گوش شما برسد به بچه‌هایم لباس قرمز بپوشانید و در عزای من لباس سیاه نپوشید و در سوگ من لازم نیست خرج کنید و روی قبر من هرگز ناکام ننویسید و آخرین وصیت من همیشه خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار یادتان نرود و این وصیت مرا همه‌جا بخوانید.

فضائیل صدیقی
1361/1/28

تاریخ شهادت 62/4/22[1]

1- در بخش اعلام شهید آمده «تاریخ شهادت 62/1/22».

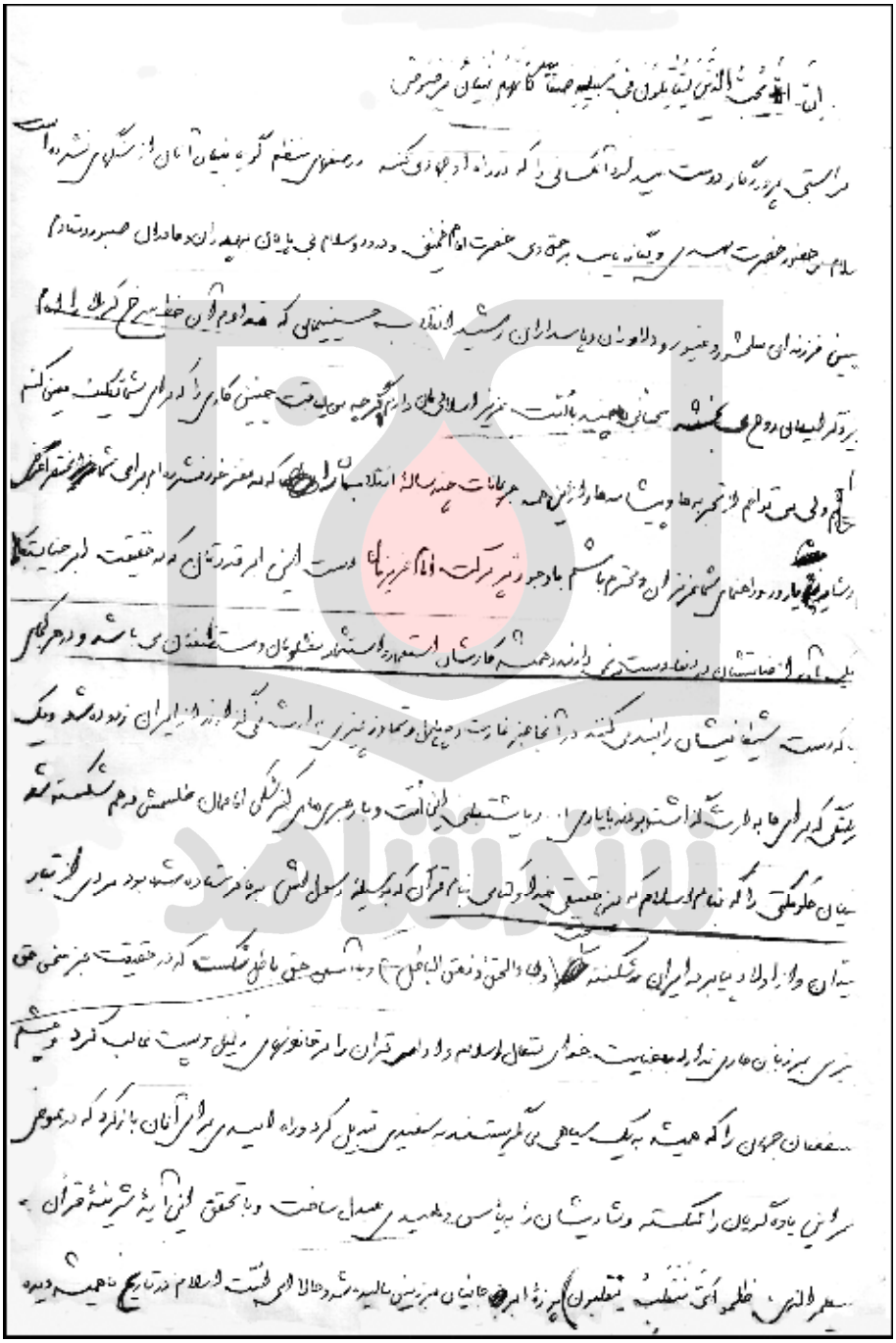

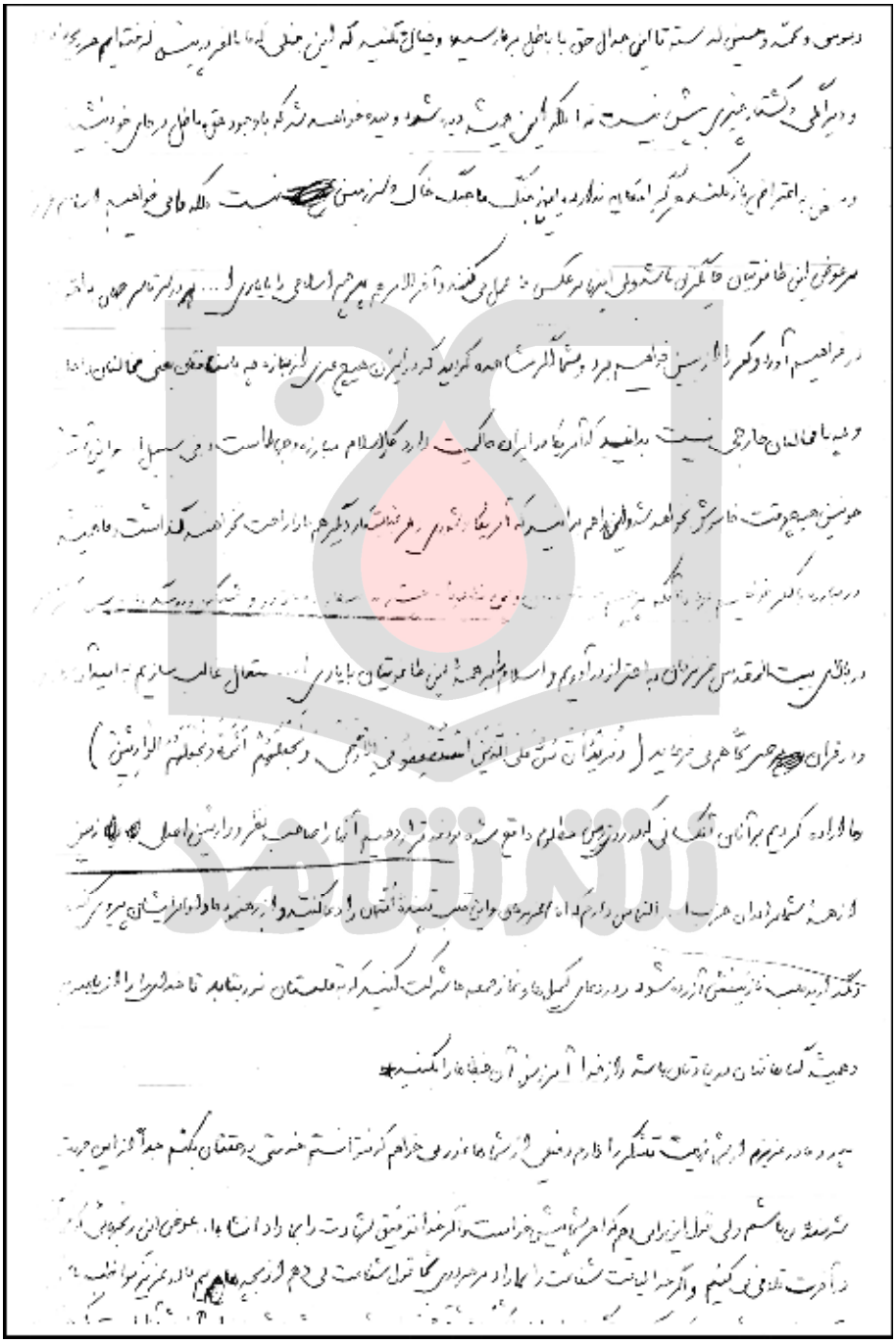

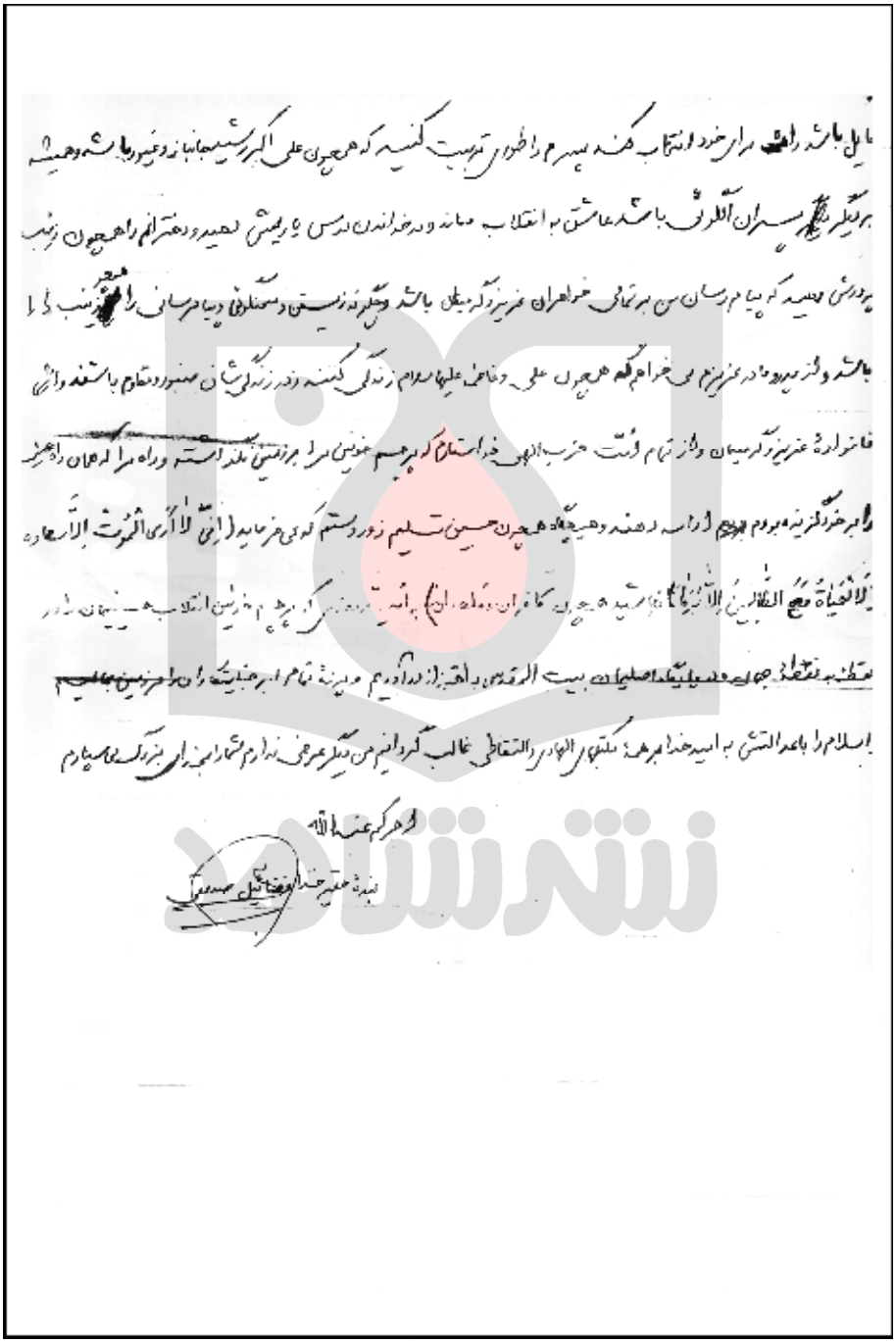

وصیت نامه بسیجی شهید فضائل صدقی

بسم رب الشهداء والصدیقین

انا لله وانا الیه راجعون

نامه از خدائیم و بازگشتمان نیز به سوی اوست

با سلام فراوان از خداوند عالمیان و با سلام و درود بر محمد(ص) و آل محمد(ص) و با سلام بر مهدی موعود(عج) و نائب برحقش خمینی کبیر

با سلام و تشکر فراوان بر خداوند عالمیان که زندگیم برای اوست و جهاد کردنم برای اوست و حتی نفس ـــــ کشیدنم برای اوست از آنجا که جهاد بر ای همه مسلمانان واجب است و من نیز به نوبه خود به فرمان امام لبیک گفته و برای یاری از دین خدا به جبهه آمده و این راه را خودم انتخاب کرده ام و کسی مرا مجبور به این کار ـــ نکرده است فعلا" که من در جبهه های حق علیه باطل مشغول مبارزه هستم خیلی خوشحال هستم سفارش می کنم (همسر و فرزندانم که آنها را خیلی ناراحت کرده ام) بچه هایم را همانطوریکه اسلام دستور میدهد تربیت کنید ـ پدر احترام صغری و فریبا را زینب وار تربیت کنید و به جامعه اسلامی تحویل دهید من متعلق به شما نیستم و امانتی ـ بودم پیش شما نامه مایت روز از این دنیای رویم همه ما از خدا هستیم و بازگشتمان نیز به سوی اوست پس چه ـــ بهتر که رفتنمان نیز در راه خدا باشد اگر شهید شدم به امام سلام برسانید و همانطوریکه کفتم فرزندانم را به ـــ طریق زینب وار تربیت کنید و از پدر و مادرم که از تشکر را دارم شرا خیلی اذیت کرده ام و خیلی به شما ـــــ زحمت داده ام به هیچ کس قرضی ندارم و به کسی هم بدهکار نیستم و هرچه از مال دنیا داشته باشم به پسرم علی می رسد و در ضمن یک ماه نماز قضا دارم و یک ماه روزه قضا دارم که بجای آوردنش را امام دعا کنید و برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا کنید و در ضمن آن روزی که خبر شهادت من به گوش شما برسد به بچه هایم لباس قرمز بپوشانید و در عزای من لباس سیاه نپوشید و در سوگ من لازم نیست خرج کنید و روی قبر من مرکز نام ننویسید و آخرین وصیت من همیشه خدا یاد خدا یاد انقلاب مهدی خمینی را فراموش نکنید و یادتان نرود و این وصیت نامه جاپ خواهید!

فضائل صدیقی

تاریخ شهادت: ۶۲/۲/۲۲ ۱۳۶۱/۱/۲۸

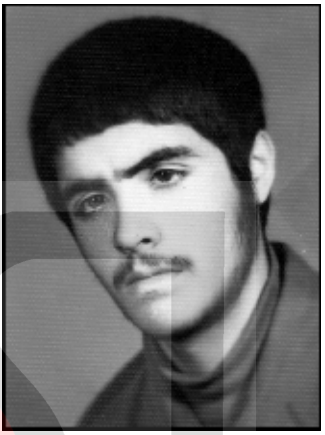

نام: **اکبر**
نام خانوادگی: **صدیق**
نام پدر: **محمدحسین**
نام مادر: **پروین**
تاریخ تولد: **سی‌ویکم فروردین** 1346
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و سوختگی**
مزار: **گلزار شهدای علی‌آباد شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به امید آن روزی که پرچم لااله الا الله محمّد رسول الله در جهان طنین افکند.
- در این دنیا شهادت را به همه چیز ترجیح داده و راه حسین‌بن [علی](**7**) انتخاب کردم.
- دنیا بدانند که ما عاشق حسینیم و در این راه جان می‌دهیم.
- ما درموقعیتی حساس قرار گرفتیم بر ماست که با ادامه خون شهداء مکتب امام را نگهداریم.
- بیایید تا ظلم ابرقدرت‌ها را نابود کنیم و حکومت اسلامی‌را برپا داریم.
- شما هم راه اسلام را پیشه خود کنید و سنگر شهداء را خالی مگذارید.
- از شما ملت حزب‌الله می‌خواهم که همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند.
- وحدت خودشان را حفظ کنند.
- به امام بیشتر خیره شوید و سعی [کنید] عظمت ایشان را بیابید. زیرا ما همه مدیون امام هستیم که اسلام را دوباره باز گردانید.
- آنقدر در جبهه می‌مانم تا به آرزوی خود شهادت- که کمال اوج بشریت [است]- برسم.

اکبر صدیق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«فَلْیُقَاتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یَشْرُونَ الْحَیَاةَ الدُّنْیَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ یُقَاتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْرًا عَظِیمًا»[1]

«مؤمنان باید در راه خدا با آنکه حیات مادی دنیا را به آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را در بهشتی ابدی عظیم دهیم.»

با درود و سلام بر سرور شهیدان امام حسین(7) و با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی نایب برحق آقا امام زمان(عج) و با درود بر تمامی رزمندگان جان بر کف انقلاب اسلامی که در جبهه‌های غرب و جنوب کشور با شیاطین دنیا در حال جنگ و ستیزند. و با درود به تمامی شهیدان گلگون کفن تاریخ به خصوص به شهدای عملیات‌های غرب و جنوب کشور که با دادن خون خود درخت اسلام را آبیاری کردند، تا انشاءالله به امید آن روزی که پرچم لااله الا الله محمّد رسول الله در جهان طنین افکند و درود بی‌کران بر پدران و مادران حزب‌اللهی که با فرستادن پسران خود وظیفه‌ای که در درگاه خداوند متعال و شهیدانمان دارند به نحو احسن انجام می‌دهند، حتی از دادن تمام فرزندان خود در راه الله دریغ نمی‌کنند. باشد خداوند آنها را در بهشتی ابدی جای دهد. من این وصیت‌نامه را هنگامی‌می‌نویسم که هیچ فکری لیاقتی از شهید شدن خود را ندارم. اما باشد مصلحت خداوندن متعال که توبه این بنده را که سرتا پا آلوده از گناه است به احترام خون شهدای اسلام مورد عفو درگاهش قرار دهد. من در این دنیا شهادت را به همه چیز ترجیح داده و راه حسین‌بن[علی](7) انتخاب کردم تا دنیا بدانند که ما عاشق حسینیم و در این راه جان می‌دهیم. باری ای امت اسلامی می‌دانید که ما درموقعیتی حساس قرار گرفتیم بر ماست که با ادامه خون شهداء مکتب امام را نگهداریم و حالا درخت اسلام خون می‌خواهد با عمل نثار خون خود ادامه دهنده راه حسین(7) باشیم. و آری ای جوانان عزیز حزب‌اللهی مبادا در رختخواب ذلت بمیرید. علی‌وار جنگ کنیم و ادامه دهنده راه شهدا باشیم. می‌دانید

1- نساء/ 74.

هنوز ندای «هل من ناصر» حسین(7) در جبهه‌ها به گوش می‌رسد. حسین(7) تنهاست و حسین(7) منتظر شماست. هنوز ظلم در جهان حکومت می‌کند و هنوز مسلمین مظلوم واقع شده‌اند بیایید تا ظلم ابرقدرت‌ها را نابود کنیم و حکومت اسلامی‌را برپا داریم و پیروزی حکومت اسلامی در سایه دعا و نیازهای شبانگاهی شماست. با شرکت در جبهه‌ها دعای کمیل، نماز جمعه، دعای توسل و ... از خداوند متعال پیروزی اسلام بر کفر را بخواهیم و پیروزی ما بستگی به یاری شماها دارد. و چند کلمه‌ای با پدر و مادرم:

اول امیدوارم مرا حلال کنید و خوشحال باشید که شما هم فرزندی در راه اسلام قربانی داده‌اید و برای من گریه نکنید و اگر گریه کردید به خاطر مظلومیت حسین(7) در صحراهای کربلا باشد وصبر را پیشه خود قرار دهید و پدرم از اینکه نتوانستم خدمت پیری کنم مرا حلال کنید.

ای برادران وخواهرانم اسلحه مرا در زمین نگذارید. شما هم راه اسلام را پیشه خود کنید و سنگر شهداء را خالی مگذارید و در آخر از شما اقوام و خویشان و دوستان می‌خواهم که سنگر شهیدانمان را خالی نگذارید و هر چه از من بدی دیده‌اید به بزرگی خود حلال کنید و من همه را حلال می‌کنم. در آخر از شما ملت حزب‌الله می‌خواهم که همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند و وحدت خودشان را حفظ کنند و هرکس هرجا کار می‌کند برای رضای خدا باشد، خداناکرده تخلفی کنند، نمی‌تواند جواب خدا و شهیدانمان را دهند و هرکس به ولایت فقیه اعتقاد ندارد در تشییع جنازه و مجلس ترحیم شرکت نکنند. زیرا آنها خداوند به قلبشان مهر زده و آنها کورانند و کرانند. خداوند همه ما را به نور یقین و نور ایمان کامل گرداند و همیشه سلامتی امام و پیروزی رزمندگان از یادتان نرود و به امام بیشتر خیره شوید و سعی [کنید][1] عظمت ایشان را بیابید. زیرا ما همه مدیون امام هستیم که اسلام را دوباره باز گردانید.

«والسلام»

1- در اصل وصیت «کنید» از قلم افتاده است.

خدایا خدیا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار؛ یا فتح یا شهادت

آنقدر در جبهه می‌مانم تا به آرزوی- خود شهادت، کـه کمـال اوج بـشریت [اسـت][1]- برسم به امید پروردگار که صبر را پیشه خود کنیم.

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «است» از قلم افتاده است.

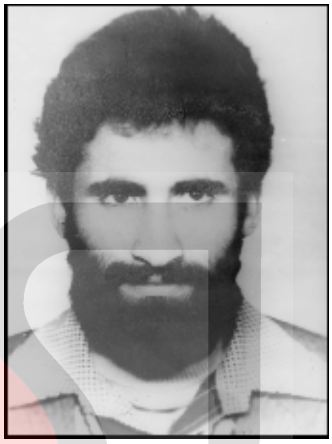

نام: **عین‌الله**
نام خانوادگی: **صدیق طهارم**
نام پدر: **عزیزالله**
نام مادر: **گرجی خانم**
تاریخ تولد: **هشتم دی** 1332
محل تولد: **روستای طهارم‌دشت از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم تیر** 1362
محل شهادت: **سقز**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ایمان دارم که مهدی(**7**) می‌آید و دنیا را پر از عدل می‌کند.
- سراسر وجودم همه و همه را در یک جمله و آن هم یک وظیفه شرعی و دینی و اطاعت از امام معاوضه می‌نماییم.
- بر سر سنگ قبرم بنویسید که حسین(**7**) جان آروز داشتم قبر شش گوشهٔ تو را زیارت کنم.
- خدایا شهادت را نصیب ما کن زیرا مشتاق دیدار حسینم.
- از کانال شهادت است که راه حسین(**7**) تداوم می‌یابد.
- خدایا بجز رضای تو هیچ کاری نخواهم کرد.
- باید صبر خدایی و زینبی داشته باشید.

عین‌الله صدیق طهارم[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

عین‌الله صدیق طهارم. مورخه تاریخ 62/2/23 [...][2] در جبهه کردستان [...][3]

الله اکبر- الله اکبر- الله اکبر- الله اکبر خدا بزرگتر از همه‌کس و همه‌چیز است.

اشهد ان لا اله الا الله گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.

اشهد ان محمداً رسول‌الله، گواهی می‌دهم که محمد(6) رسول و فرستاده خداست

اشهد ان علیاً ولی‌الله، گواهی می‌دهم که علی ولی خدا و حجت خدا است.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[4]

«مپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا روزی می‌خورند».

من به 114 هزار پیغمبر و 12 امام و 14 معصوم که اولین آنها حضرت آدم(7) وآخرین آنها حضرت محمد(6) می‌باشد و عادل بودن خدا و اعتقاد به روز قیامت ایمان دارم. و ایمان دارم که مهدی(7) می‌آید و دنیا را پر از عدل می‌کند. و اعتقاد به قرآن کتاب آسمانی و کلام پروردگار و قانون اساسی اسلام [...][5] اسلام و اقرار بر [...][6] ولایت فقیه مهدی(عج) و نایب برحق ایشان امام خمینی است که تا ظهور مهدی(عج) و [...][7] باشند برای اسلام انشاءالله [...][8] و سلام درود بر نایب برحق ایشان امام عزیز خمینی بت‌شکن [...][9]

1- بالای وصیت آمده است «بنام الله پاسدار حرمت...».

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- آل‌عمران/ 169.

5- خوانا نیست.

6- خوانا نیست.

7- خوانا نیست.

8- خوانا نیست.

9- خوانا نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

دنبالهٔوصیت‌نامه با آیهٔ شریفهٔ قرآن مجید شروع[1] می‌کنم.

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (سوره مبارکه فتح آیه 29)

«[...][2]»

خوشحالم که جانم را نثار اسلام وقرآن و مکتب حضرت محمد خاتم انبیا(**6**) و خانواده اطهرش امام علی(**7**) و یازده فرزندش می‌کنم. خوشحالم نیز با همه [...][3] و خانواده‌ام که سراسر وجودم در [...] همه و همه را در یک جمله و آن هم یک وظیفه شرعی و دینی و اطاعت از امام معاوضه می‌نماییم و بعد [..] مسلمانان و مستضعفان جهان و به‌خصوص مردم محروم و حزب‌الله ایران این اسلام همیشه در حال جنگ بوده است و انقلاب با رهبری امام امت این نایب برحق امام زمان عج تعالی و فرجه الشریف خمینی بت‌شکن انجام گرفت و اسلام عزیزی که از جور ظلم ستم ابرقدرت‌های جنایتکار امریکا و شوروی می‌خواست به [...] سپرده شود این انقلاب به رهبری امام [...] اسلامی خود ادامه دهد تا ظهور حضرت مهدی(عج‌الله تعالی فرجه شریفه) انشاءالله که شهید شدم جنازه‌ام را به زادگاهم ببرید و هر کجا که صلاح دانستید دفن کنید. بر سر سنگ قبرم بنویسید که حسین(**7**) جان آروز داشتم قبر شش گوشهٔ تو را زیارت کنم. در کربلا [...] پیش رسول خدا(**6**) شما را زیارت کنم. اگر لیاقت داشته باشم [...] امام حسین(**7**) می‌دانم. خدایا توفیق بده تا بتوانیم [...] انجام دهم [...] همانگونه که هر [...] فکر می‌کنم که تنهاترین [...] شما هستیم. [....] خود حساب کرد تا [...]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

«ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید ویکدیگر را به بردباری و استقامت دعوت کنید. و

1- در اصل وصیت «شروح».

2- ترجمه آیه خوانا نیست.

3- تا پایان وصیت هر جا [...] آمده در اصل وصیت خوانا نیست.

مراقب کار دشمن بوده و از خدا بترسید. باشد که پیروز شوید». (آل‌عمران/ 200)[1]

خدایا مرا ببخش. خدایا شهادت را نصیب ما کن زیرا مشتاق دیدار حسینم از کانال شهادت است که راه حسین(7) تداوم می‌یابد. خدایا بجز رضای تو هیچ کاری نخواهم کرد. هرچه خواست تو باشد همان را خواهم کرد.

ضمن سلام بر پدر و مادرم که حق بسیاری که در گردن بنده دارند و امیدوارم که به‌خاطر خدا بنده ببخشند. خدا برای من آمرزش تقاضا نمایید از شما پدرم ومادرم معذرت می‌خواهم که نتوانستم از شماها خداحافظی کنم و اما مادر جان برایم گریه نکن زیرا اگر گریه کردید برای امام حسین(7) شهید کربلا گریه کن. زیرا اوست کشتی نجات ماها در روز قیامت و انشاءالله هرکاری می‌کند برای خدا بکنید. عبادت برای خدا خوبی به مردم و همسایه برای خدا کار کردن [...] نقد برای خدا باشد و باید صبر خدایی و زینبی داشته باشید زیرا باید بدانیم زهرا(3) [...] رسول الله چه سختی شکنجه کشید و باید از مادران این شهدا انقلاب اسلامی ما که در سال 1342 و 15 خرداد[2] و از سال 57 تا سال 62 چقدر شهید به خون خفته داریم و درود بر مادران قهرمان شهید پرور ایران. باید برای مادرانی که راضی نیستند فرزندانشان برای دین خدا به جبهه‌های حق برعلیه باطل بروند. [...] مادری که 7 فرزندش شهید شد و خدا صبر کننده و صابران را دوست دارد.

[...]

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «آل‌عمران/ 199».
2- ر.ک. تعلیقات.

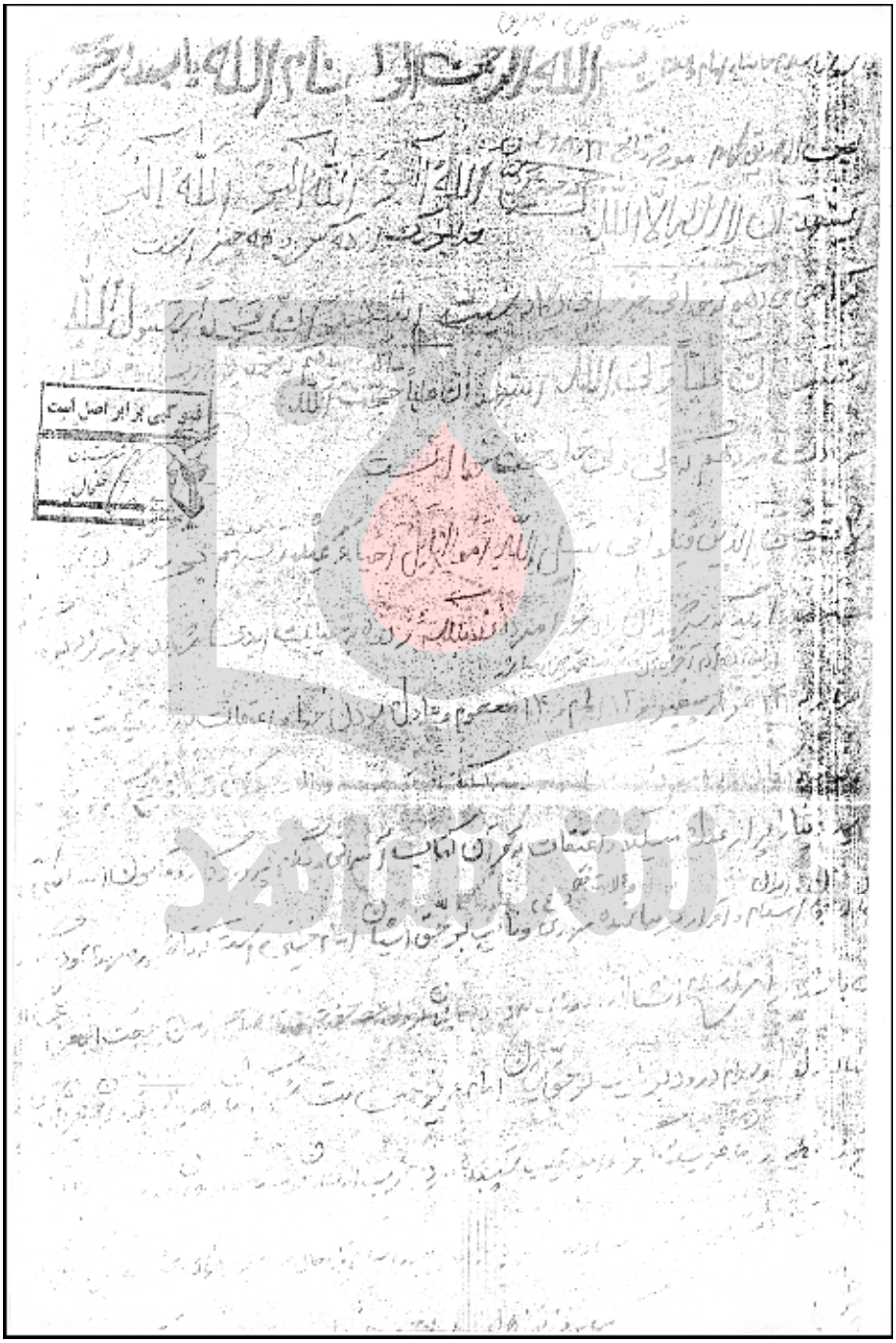

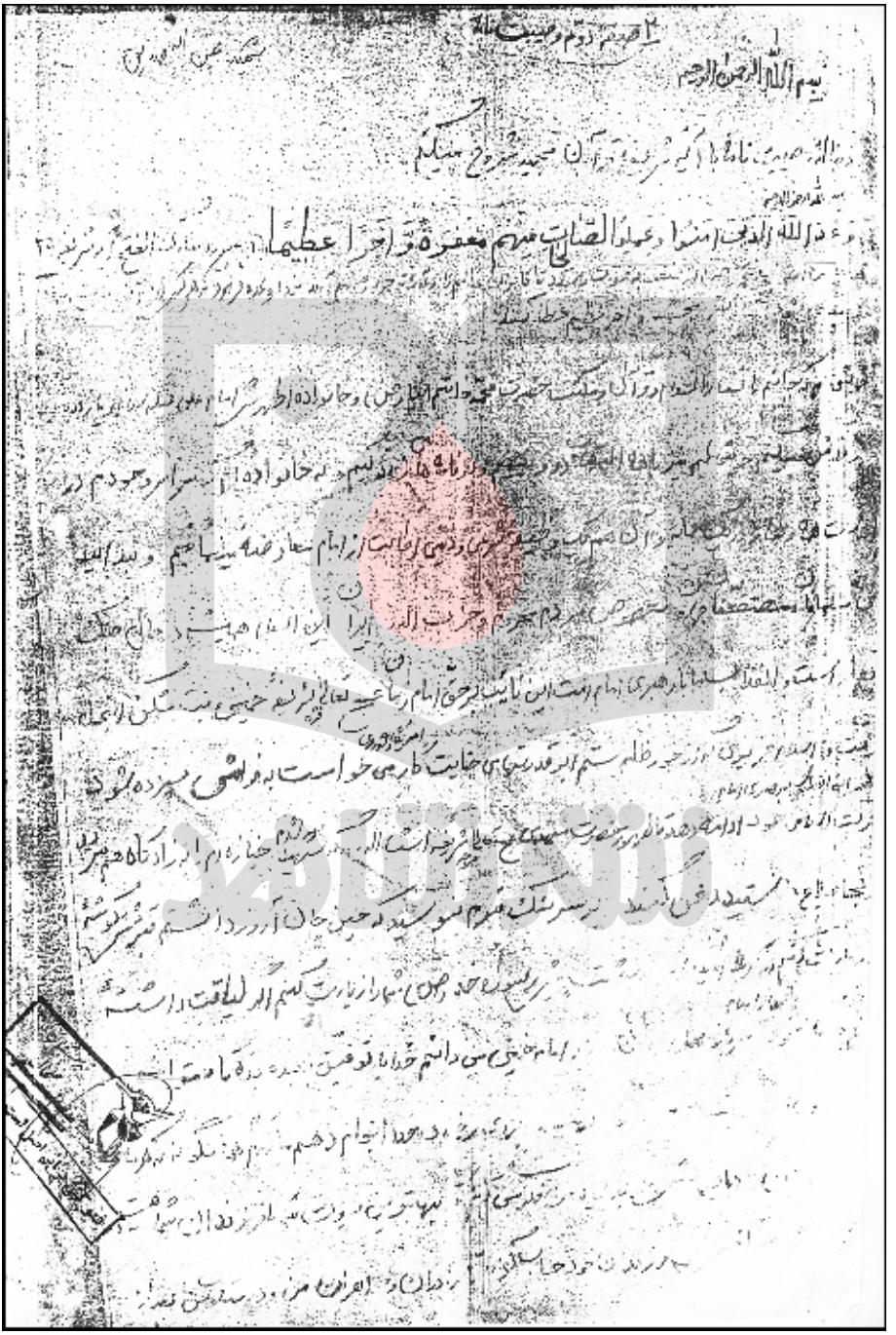

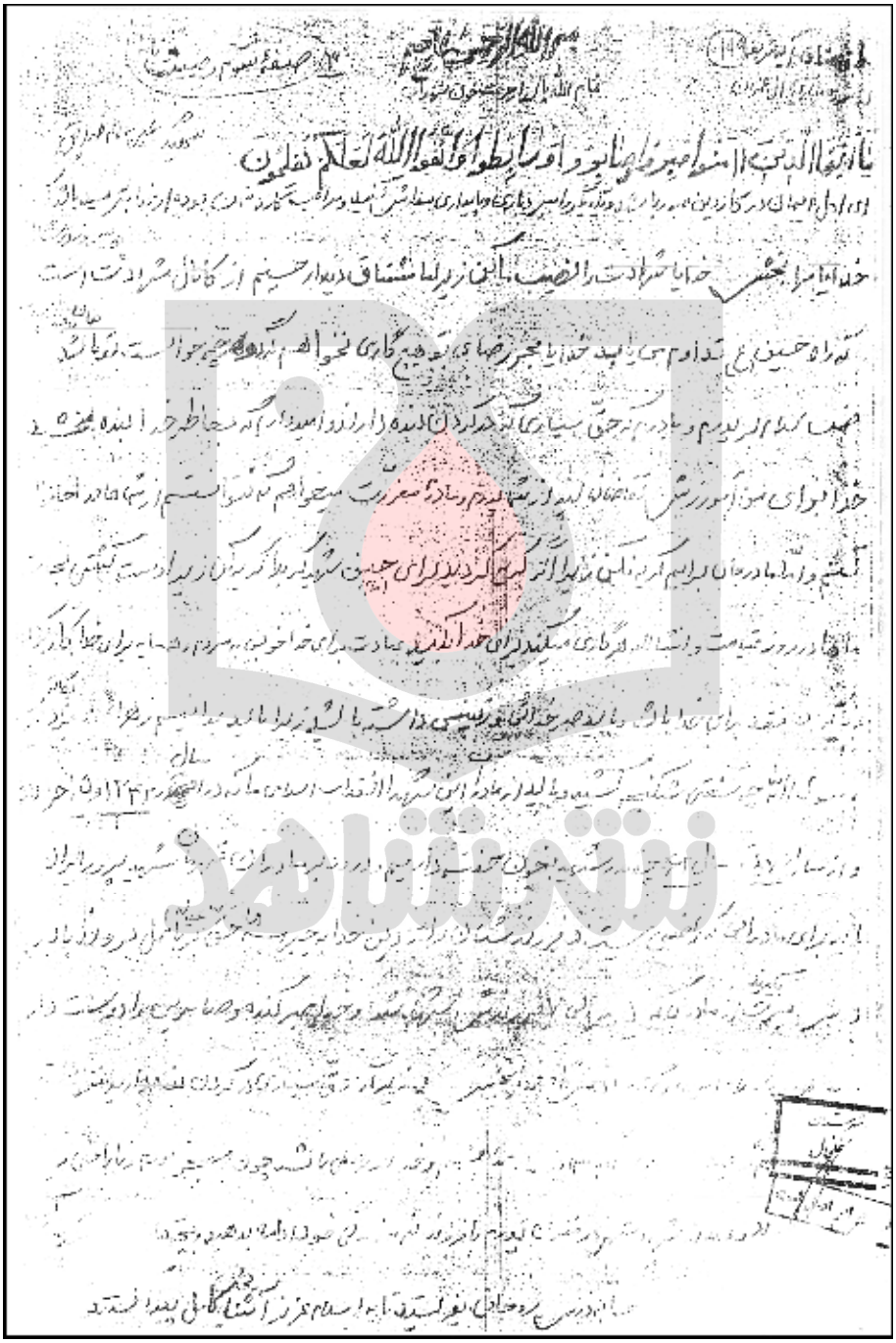

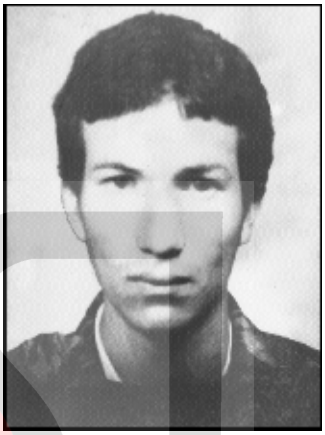

نام: **مجدالله**
نام خانوادگی: **صدیقی**
نام پدر:
نام مادر:
تاریخ تولد:
محل تولد:
تحصیلات:
ارگان اعزام‌کننده:
تاریخ شهادت:
محل شهادت:
نحوهٔ شهادت:
مزار:

عبارت‌های کلیدی

نشر شاهد

مجدالله صدیقی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

یازیرام رزم جان بهارنامه هم آتاما و هم مادریمه/ نه‌نه جان یار اَلیمَه یوخونگلیپ یاتمارام/ نه‌نه جان گلوله دگوب قانه بویانمیشام/ خمپاره دیب سنگریمَ اما حیف نه‌نه جان یاتمیشام اویانمامیشام/ یتیشیب آخر نفسیم، سنگریم، منیم چون هم بوراقندی هم دوشک/ شهادت غانیم منیم چون غسل ور لباسیم کفنیم/ نه‌نه جان علی‌اکبر(**7**) [...][2] دو غراندی/ حق یولون تاپدی بیرق اسلام [...] وصیت الیرم پدر و مادریمه/ اما ذکر ایلیرم وصیتمی ایلسون عمل بر مکتوبه/ مثل مادر علی‌اکبر(**7**) که استقامتون اولسون/ صبر ایلسون ارتوق [...] وطنه/ بیرده وصیت ایدورم [...] سوزمه/ آتامه یتورسون [...]/ نعشیم گله وطنم مادریم[...]/ که اول قبول السون بوکلامی حقیرین اجابت.

1- حتی‌الامکان سعی شده است قسمت‌هایی از وصیت‌نامه که خواناست به فارسی ترجمه گردد. هرجا که ناخواناست با علامت [...] مشخص شده است. برای جلوگیری از تکرار از ذکر همه موارد با علامت [...] خودداری می‌گردد. «می‌نویسم رزم جان بهارنامه هم برای مادرم هم برای پدرم/ مادر جان دست یار به من نزدیک شده دیگر نمی‌توانم بخوابم/ دوباره تحمل می‌کنم دوری یار را/ چون خمپاره آمده و به سنگرم خورده ولی من خواب بودم بیدار نشدم/ ای خدایا به آخر نفس رسیده‌ام دلیل بیدار نشدنم شاید گرمی جای خوابم بود که زیرم تشک و رویم لحاف بود/ آب غسلم خونم است و کفنم لباس رزمم/ ولی مادر جان علی‌اکبر(**7**) در نبرد بدنش تکه‌تکه در راه حق شد تا این که پرچم اسلام برافراشته شد/ پدر و مادرم وصیتی دارم می‌نویسم مکتوب تا به آن عمل کنید: مادر مثل مادر علی‌اکبر(**7**) باش و بیشتراستقامت و صبر داشته باش صبر بیشتر به‌خاطر وطن/ اینجا وصیت می‌کنم حرف‌هایم را به مادرم و پدرم برسانید/ جنازه‌ام را به وطنم و به دست مادرم برسانید [مابقی وصیت«نامه خوانا نیست]. از خداوند می‌خواهم که دعاهایم و حرف‌هایم مورد اجابت واقع شود: جنگ در جبهه با پیروزی رزمندگان اسلام خاتمه پیدا کند، خدایا لطف خود را شامل حال من کن و مادرم شب اول قبر در تاریکی قبر در کنار من و همراه من باشد. در خاتمه کلام سلام من به علمای بزرگوار، فرمانده سپاه و هم مسئولان بزرگ ما، وصیت‌نامهاین جانب شهید عبادالله صدیقی حضور مبارک عالم بزرگوار آقای مروّجی اردبیلی.

2- ر.ک. تعلیقات.

جبهه ختمه [...]/ [...] لطف مادریم شب تاریک گلوب قبریم اوسته الماسون خوف منه/ ختمی لن سلام اولسون علمای اعلایه/ چه فرمانده پاسداره و هم مسئولان کِبریایه «وصیت‌نامه از طرف عبادالله صدیقی شهید اسلام به حضور مبارک علمای اعظم اقای مروّجی اردبیلی عزالعالی.» [...][1]

نشر شاهد

1- مابقی وصیت خوانده نمی‌شود.

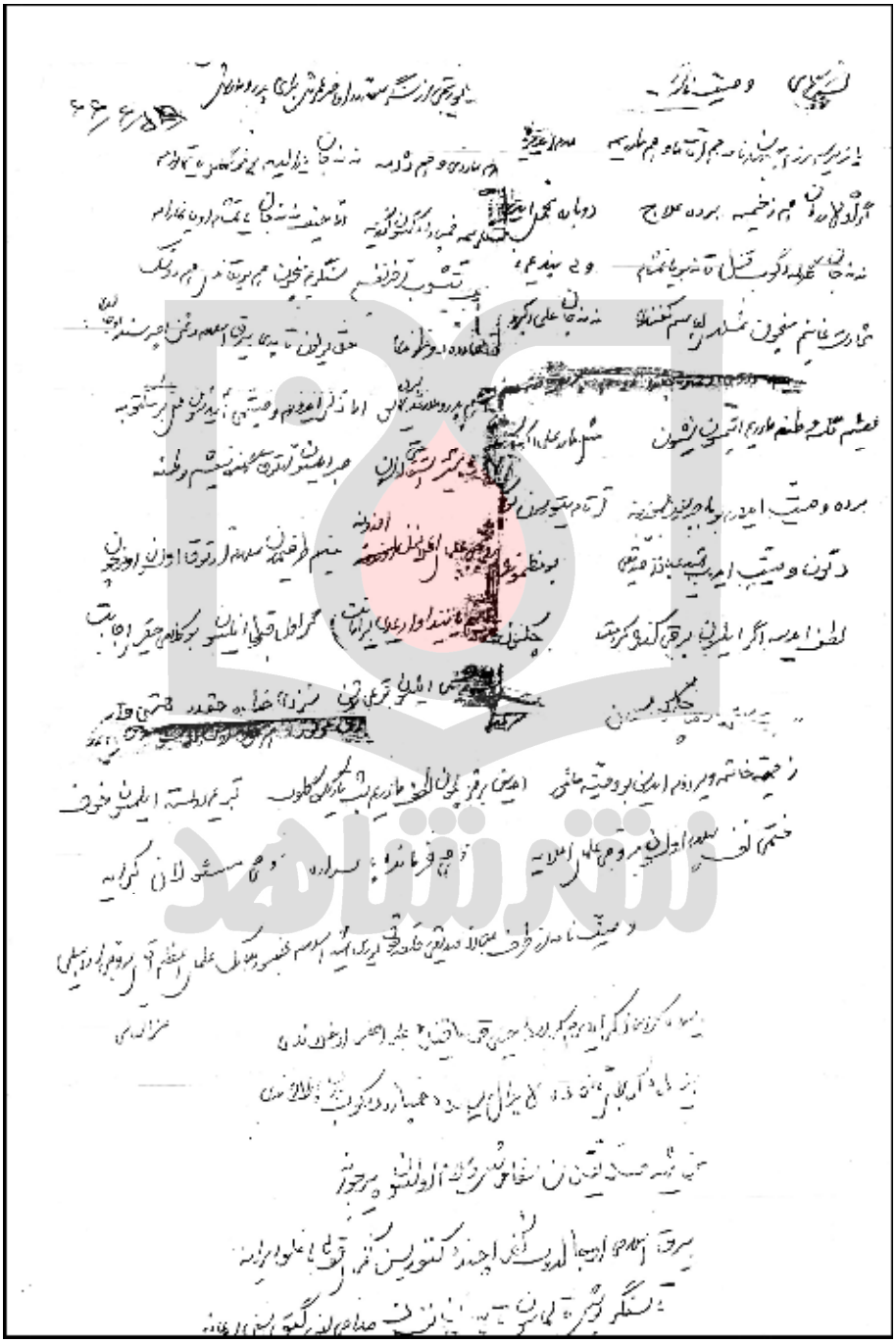

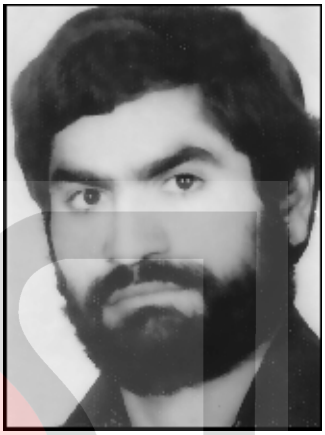

نام: **اسکندر**
نام خانوادگی: **صفرزاده**
نام پدر: **زین‌العابدین**
نام مادر: **تابس**
تاریخ تولد: **دهم دی** 1336
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **یازدهم بهمن** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بنده به یگانگی خداوند متعال و رسولش و تمام پیغمبران و امامان شهادت می‌دهم.
- سپاس خدایی را که عمر مرا به زمانی انداخت که موفق شدم در راه او جهاد کنم.
- سپاس خدایی را که شهادت را بر من نصیب گردانید.
- هیچ وقت بخاطر دنیا گناه مکن.
- وقتی که انقلاب شد و من به طرف اسلام سوق داده شدم.

نشر شاهد

اسکندر صفرزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ»[1]

با درود فراوان به رهبر عظیم‌الشأن انقلاب امام خمینی و درود بر شهیدان و سلام بر یاران صادق امام و مردم شهیدپرور ایران بنده به یگانگی خداوند متعال و رسولش و تمام پیغمبران و امامان شهادت می‌دهم و سپاس خدایی را که عمر مرا به زمانی انداخت که موفق شدم در راه او جهاد کنم و سپاس خدایی را که شهادت را بر من نصیب گردانید. وصیتم به مردم شهیدپرور ایران و تمام مسلمانان جهان. ای مردم همانا یک روزی خواهی مُرد چه بخواهی و چه نخواهی همه خواهند مرد، کو پدرت کو مادرت و کو پدر پدرت و مادر مادرت همه رفتند و تو هم خواهی رفت. پس چون خواهی رفت گناه و کبر و غرور و ظلم و ستم و خیانت به همدیگر یعنی چه؟ بنده قابلیت[2] وصیت کردن شما را ندارم. این برای این است که من الان بعد از ساعتی از این دنیا می‌روم، فکر می‌کنم اصلاً در این دنیا نبودم 27 سال عمر کردم انگار دو روز است. پس تقوای را پیشه کن و بیزاری از دنیای فریبنده که از آب گندیده و آخرش مردار گندیده پس در این وسط طغیان معنی ندارد. هیچ وقت بخاطر دنیا گناه مکن هر کس مرا می‌شناخت و با من برخورد داشت هر چه از من دیده فقط بخاطر خدا مرا حلال کند. من هیچ ندارم و به قبر دست خالی رفتم از این دنیا هیچی نبردم و در آخرت از من حق خودت را نخواه چون دستم خیلی خالی است، فقط بخاطر خدا نمی‌خواهی ـ وصیت به پدر و مادرم:

از اینکه مرا بزرگ کردید و زحمت فراوانی را کشیدید و من شما را اذیت کردم و به حرف شما گوش‌ندادم مرا می‌بخشید. پدرم اگر یادت باشد زمانی به حرف تو گوش نمی‌دادم که در آن زمان طاغوت بر ما حکمران بود ولی وقتی که انقلاب شد و من به طرف

1- توبه/ 20.

2- در اصل وصیت «قابل».

اسلام سوق داده شدم آنوقت فهمیدم عاق[1] والدین چقدر در آخرت عذاب دارد و همین که فهمیدم توبه کرده بودم شاید هم بعد از انقلاب دیدی که من چقدر سر بـه راه شـده بـودم، مرا به‌خاطر خدا می‌بخشید و حلال می‌کنید. خداحافظ

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «آق».

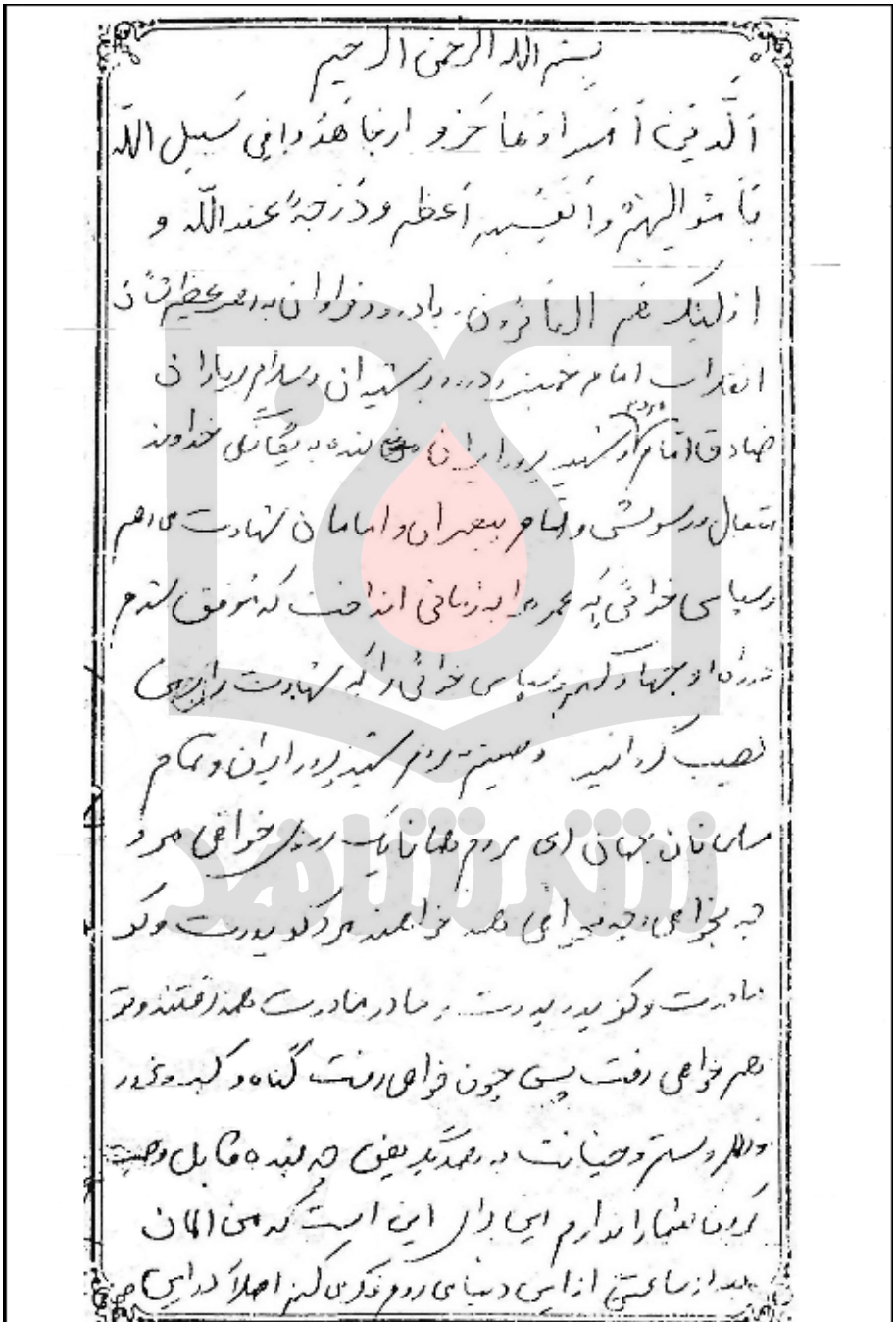

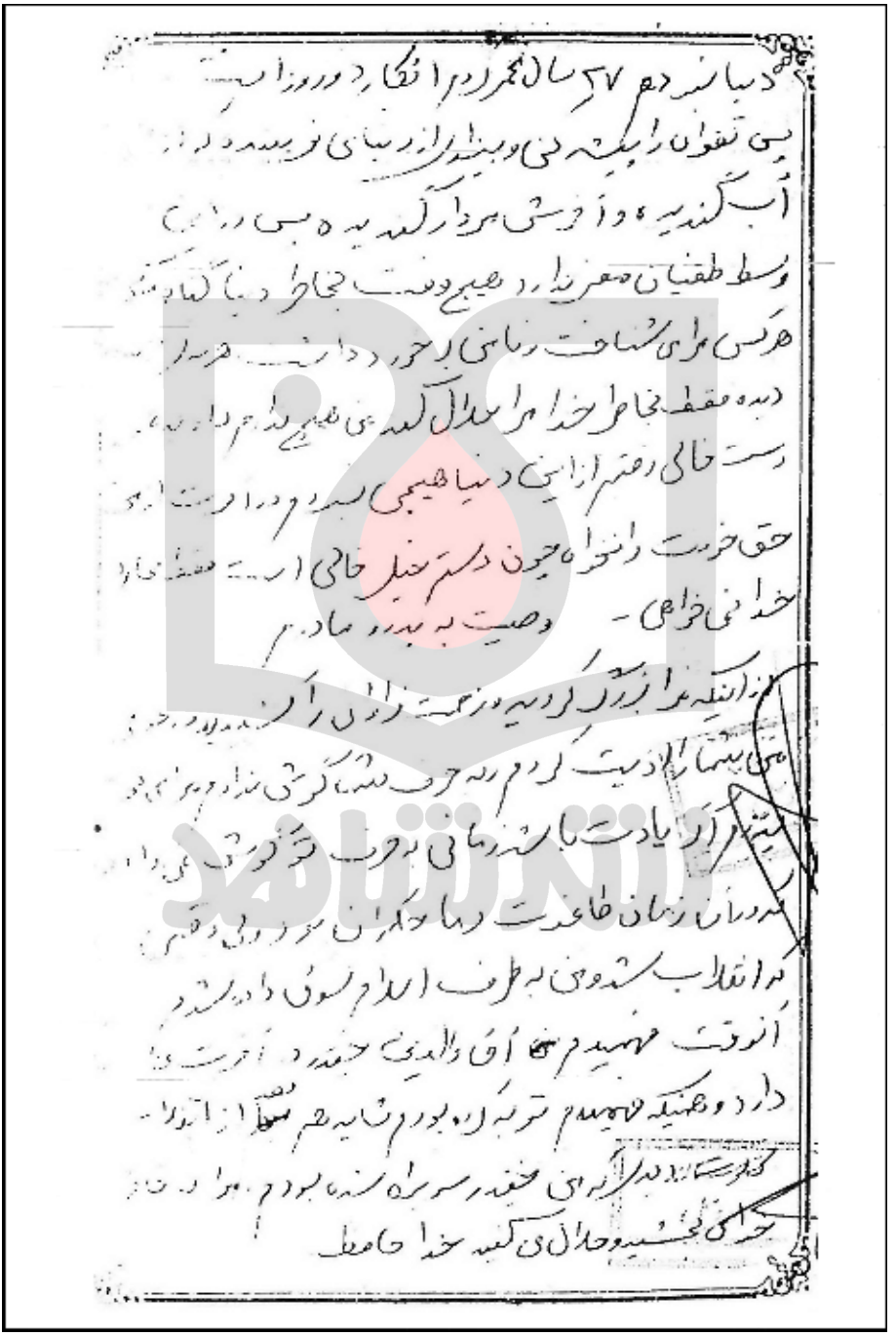

نام: **علی**
نام خانوادگی: **صفرزاده گندیشمین**
نام پدر: **علی‌صدا**
نام مادر: **حلیمه**
تاریخ تولد: **نوزدهم خرداد** 1349
محل تولد: **روستای گندیشمین از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- می‌روم تا به کاروان شهدا که آرام آرام بر تجلی‌گاه حق در حرکت است بپیوندم.
- شما ملت ایران باید حافظ ولایت فقیه باشید.
- رهبرمان را همچون نگین انگشتری در میان خود نگه‌دارید.
- نگذارید که اسلام مورد تعدی و تجاوز دشمنان قرار گیرد.
- اجازه ندهید که کتاب آسمانی به‌دست کفار بیافتد.
- نگذارید که شرق و غرب دست تجاوز به خاک مقدس‌مان دراز کنند.
- بهترین دانشگاه که از خون هزاران شهید تهیه شده است همان جبهه است.
- راه شهیدان همان راه حسین(**7**) است هدف اسلام است مقصد کربلا و بعد قدس عزیزاست.

علی صفرزاده گندیشمین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«اللهم اسئلک ان تجعل وفاتی قتلاً فی سبیلک تحت رایه نبیک مع اولیائک و اسئلک ان تقتل بی اعدائک و اعداء رسولک»[1]

«بارالها، ازتو می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خودت قرار دهی شهادتی تحت لوای پیامبرت ودرکنار اولیا و دوستانت از تو می‌خواهم که نابودی دشمنانت و دشمنان پیامبرت را نصیبم فرمایی.»

هم اکنون در میعادگاه عشق و شهادت و در حجله‌گاه خون عروس سرخ شهادت را در [بر][2] می‌گیرم و به دنبال خط سرخی که در لابه‌لای گونی‌های سنگرم و اثر بیابان‌های تفیدهٔ دزفول گذشته، می‌روم تا به کاروان شهدا که آرام آرام بر تجلی‌گاه حق در حرکت است بپیوندم. اما قبل از حرکت چند سفارش به ملت شهیدپرور ایران دارم.

سفارش اول من این است که شما ملت ایران باید حافظ ولایت فقیه باشید و رهبرمان را همچون نگین انگشتری در میان خود نگه‌دارید و نگذارید که اسلام مورد تعدی و تجاوز دشمنان قرار گیرد و اجازه ندهید که کتاب آسمانی به‌دست کفار بیافتد و نگذارید که شرق[3] و غرب[4] دست تجاوز به خاک مقدس‌مان دراز کنند.

سفارش دوم من این است که ملت ما الان باید خود[5] را بسازند تا فردا [...][6] یک مربی شوند و اول از خودمان شروع کنیم. الان بهترین دانشگاه که از خون هزاران هزار شهید تهیه شده است همان جبهه است و باید حداکثر استفاده را ازاین دانشگاه ببریم و نگذاریم خون این همه شهید بی‌ثمر بماند.

1- از جمله ادعیه امام صادق(**7**). (وسائل الشیعه، ج 10، ص 325).
2- در اصل وصیت «بر» از قلم افتاده است.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «خون».
6- خوانا نیست.

سفارش دیگری که برای ملت ایران دارم این است که نگذارید خون شهیدان بخشکد باید هرچه سریعتر و با سرعت هرچه تمامتر راهشان را ادامه دهید. راه شهیدان همان راه حسین(**7**) است هدف اسلام است مقصد کربلا و بعد قدس[1] عزیزاست.

اما سفارشم به فرماندهان و رزمندگان درجبهه‌ها این است که برادران ما باید به هر نحو که شده حقمان را از رژیم متجاوز عراق بگیریم و باید متجاوز را تنبیه کنیم تا دیگران خیال تجاوز به خاک ایران عزیز نکنند.

سفارش آخرم این است که از پدر و مادرم خواهش می‌کنم که اگر رفتم و دیگر برنگشتم بر من گریه نکنید که فقط جسم من از میان شما رفته، ولی روحم در میان شماست و من نمرده‌ام که خدا در قرآن می‌فرماید «کسانی که در راه حق به شهادت می‌رسند مرده نپندارید بلکه آنها زنده هستند و از نعمت‌های بی‌پایان خداوند بهره‌مند می‌شوند.»[2]

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

نشر شاهد

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ترجمه آیه 169 آل‌عمران است. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

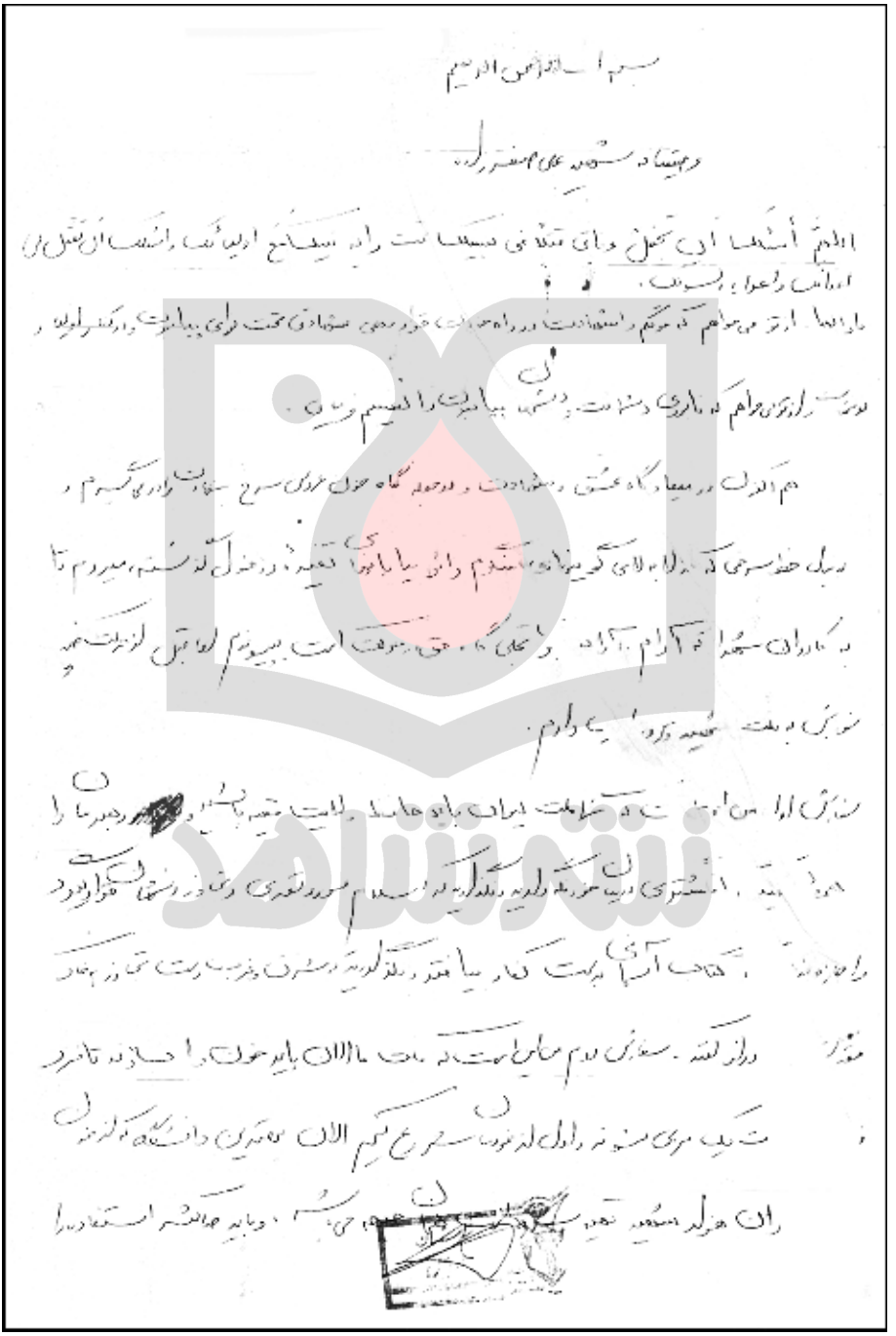

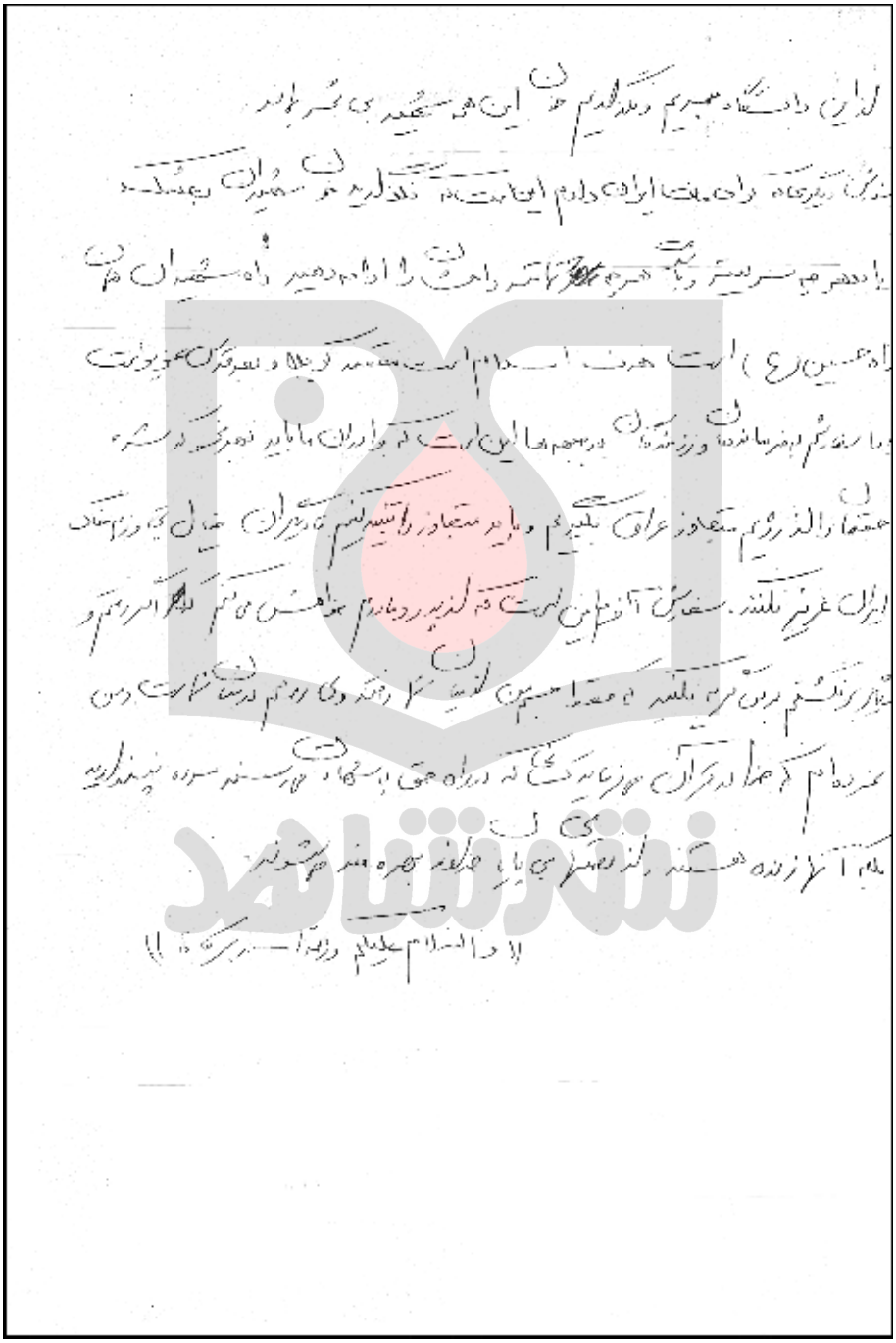

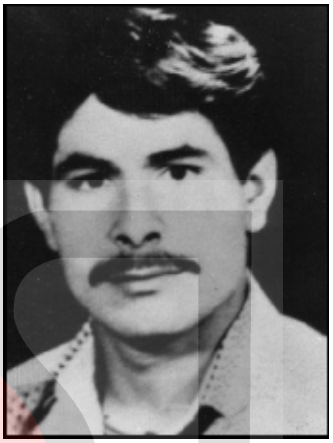

نام: **حسینعلی**
نام خانوادگی: **صفری**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **پنجم اردیبهشت** 1339
محل تولد: **شهرستان مشگین شهر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سیزدهم آذر** 1361
محل شهادت: **پیرانشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای غریبان شهرستان اردبیل**

عبارت‌های کلیدی

- بارها و بارها گفته‌ام جان دادن در راه اسلام و میهن عزیز برای من چقدر مقدس است.
- با سلاح برنده خود که سلاح ایمان است به کارزار دشمن خواهم رفت.
- این لباس را پوشیده‌ام که در مقابل هجوم دشمن از شرف، حیثیت، ناموس، دین و وطن خود دفاع کنم تا پای جان.
- بگذارید با ریختن خون من آیندگان بیدار دل‌تر و مصمم‌تر از حالا باشند.
- بگذارید با ریختن خون من ریشه استعمار و استثمار و ظلم در جهان بخشکد. بگذارید خون من بجوشد و بخروشد و چون سرب داغ بشود و بریزد و به قلب دشمنان اسلام.
- به برادرانم توصیه می‌کنم که در دنیا جوانمرد باشند، بلند همت باشند.

حسینعلی صفری[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی.

و با درود و سلام به شهیدان به خون خفته بدین وسیله من سرباز وظیفه حسین‌علی صفری به شماره شناسنامه 40 فرزند حسین آقا صادره از اردبیل وصیت‌نامه خود را در مورخه 61/6/2 می‌نویسم. من این وصیت‌نامه را با آگاهی کامل می‌نویسم که بارها و بارها گفته‌ام جان دادن در راه اسلام و میهن عزیز برای من چقدر مقدس است. حالا من به خداوند بخشنده این لباس مقدس سربازی را که در حکم کفن سربازی است به تن پوشیده‌ام و پوتینم را پایم کرده‌ام و بند آن را به نام خدا گره زده‌ام و با سلاح برنده خود که سلاح ایمان است به کارزار دشمن خواهم رفت تا دشمن زبون و پست را از پای در بیاورم دشمنی که به قصد تهدید استقلال و موقعیت وطن من است. من این لباس را پوشیده‌ام تا به اهداف خود جامه[2] عمل بپوشانم تا با ریختن خون من اسلام که دینی آسمانی و حق است جاودانه شود و این لباس را پوشیده‌ام که در مقابل هجوم دشمن از شرف، حیثیت، ناموس، دین و وطن خود دفاع کنم تا پای جان.

و ای حضّاری[3] که سر قبر من تشریف آورده‌اید به شهادت من گریه نکنید و با پخش خرما و شیرینی شادی کنید که سعادتی بزرگتر از این نیست واین را خوب بدانید که «آنها که در راه خدا رفته‌اند نمرده‌اند بلکه زنده‌اند در پیش خدایشان روزی می‌خورند.»[4] بگذارید با ریختن خون من آیندگان بیدار دل‌تر و مصمم‌تر از حالا باشند[5] و راه ما سرمشق و فرا راهشان باشد بگذارید با ریختن خون من ریشه استعمار واستثمار و ظلم در جهان بخشکد. بگذارید خون من بجوشد و بخروشد و چون سرب داغ بشود و بریزد و به قلب دشمنان

1- بالای دست‌نوشته شهید آمده است: «61/6/2 وصیت‌نامه».

2- در اصل وصیت «جامع».

3- در اصل وصیت «حظاری».

4- ترجمه آیه 169 آل‌عمران است «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ».

5- در اصل وصیت «حالا باشد».

اسلام، آری من در راه اعتلای اسلام عزیز تن به امر مقدس دادم.

و حالا چند پیام و سفارش به خانواده عزیزم دارم. سلام پدر گرامیم و سلام ای نور امید در ظلمت تاریکیم سلام. ای پدر مهربانم سلام ای پدری که در طول عمرم با مصیبت[1] و بدبختی مرا بزرگ کردی و با دست‌های پینه بسته‌ات نان شبم را فراهم کردی. پدر گرامی در اینجا چند سفارشی به شما دارم. پدر عزیز من از مال دنیا هیچ چیزی ندارم که تکلیفش را روشن کنم و به دائیم صد تومان قرض دارم به اسم عظیم شیخ‌زاده که انشاءالله امید است بعد از من آن را بدهید و از پدر زنم به اسم برات 7000 ریال طلبکار هستم که باز آن را هم که در آخر تکلیفش را روشن می‌کنید. در ضمن پدر جان اگر بچه‌های من حاضر شدن در پیش مادرشان بمانند مانعی[2] ندارد و اگرنه در پیش مادرشان بمانند و جسد من را در قبرستان اردبیل دفن کنید و عکسم را بر بالای سر قبرم نصب[3] کنید. در ضمن پدر جان درست است در صورت فقدان من مادرم خودش را به در و دیوار خواهد کوبید. ولی تو را به روح من نگذار بی‌قراری کند و دلداری بده و بگو که از گروه صابرین بندگان خداوند باشد و تو را قسم به فاطمه زهرا(**3**) هیچ خودت را ناراحت نکن. مرگ حق است ولکن[4] برای همه است و حال مادر دلسوزم سوره به اعصابت تسلط داشته باش و در بچگی[5] خیلی به تو اذیت داده‌ام ولکن[6] این تو بودی که صدای تیک تیک قلبت تو لالایی من در آغوشت بود. مادر جان در این آخرین لحظه عمر که از دنیا می‌روم مرا ببخش و شیرت را برای من حلال کن و مرا ببخش. مادر عزیزم از بچه‌های من خوب مواظبت کن و فکر کن که من زنده هستم و مثل آن موقع آنها را دوست داشته باش، تا هیچ فکر و غصه‌ای نکنند. در پایان به خواهران و برادران گرامیم سلام می‌رسانم و سفارش می‌کنم که در صورت مرگ من هیچ ناراحت نباشند و اتکا به خدا داشته باشد و به برادرانم توصیه

1- در اصل وصیت «مصیبتی».

2- در اصل وصیت «مانعه‌ای».

3- در اصل وصیت «نسب».

4- در اصل وصیت «ولاکن».

5- در اصل وصیت «بچه‌گی».

6- در اصل وصیت «ولاکن».

می‌کنم که در دنیا جوانمرد[1] باشند، بلند همت باشند، به عزیز از دست‌دادگان دلداری بدهند که چون قدر برادر از دست داده را برادر داند در موقع بچگی[2] من آنها را زده‌ام و اذیت کرده‌ام. مرا ببخشید و در زندگی دست به دست هم بدهند تا موفق باشند و در اینجا به خدمت پسر عمه‌ام عرض سلام دارم و در پایان عمرم از او می‌خواهم که مرا ببخشد و به خواهرم هم بگویید که او را هم خیلی اذیت داده‌ام که مرا هم ببخشد. در پایان همگی شما یاران و دوستان و آشنایان را به خدای بزرگ می‌سپارم. در اینجا از بچه‌ها می‌خواهم که مرا ببخشید که در طول زندگیشان اذیتشان کردم زده‌ام.

خداحافظ

درود بر شهیدان

سرباز حسینعلی صفری

1- در اصل وصیت «جوانمراد».

2- در اصل وصیت «بچه‌گی».

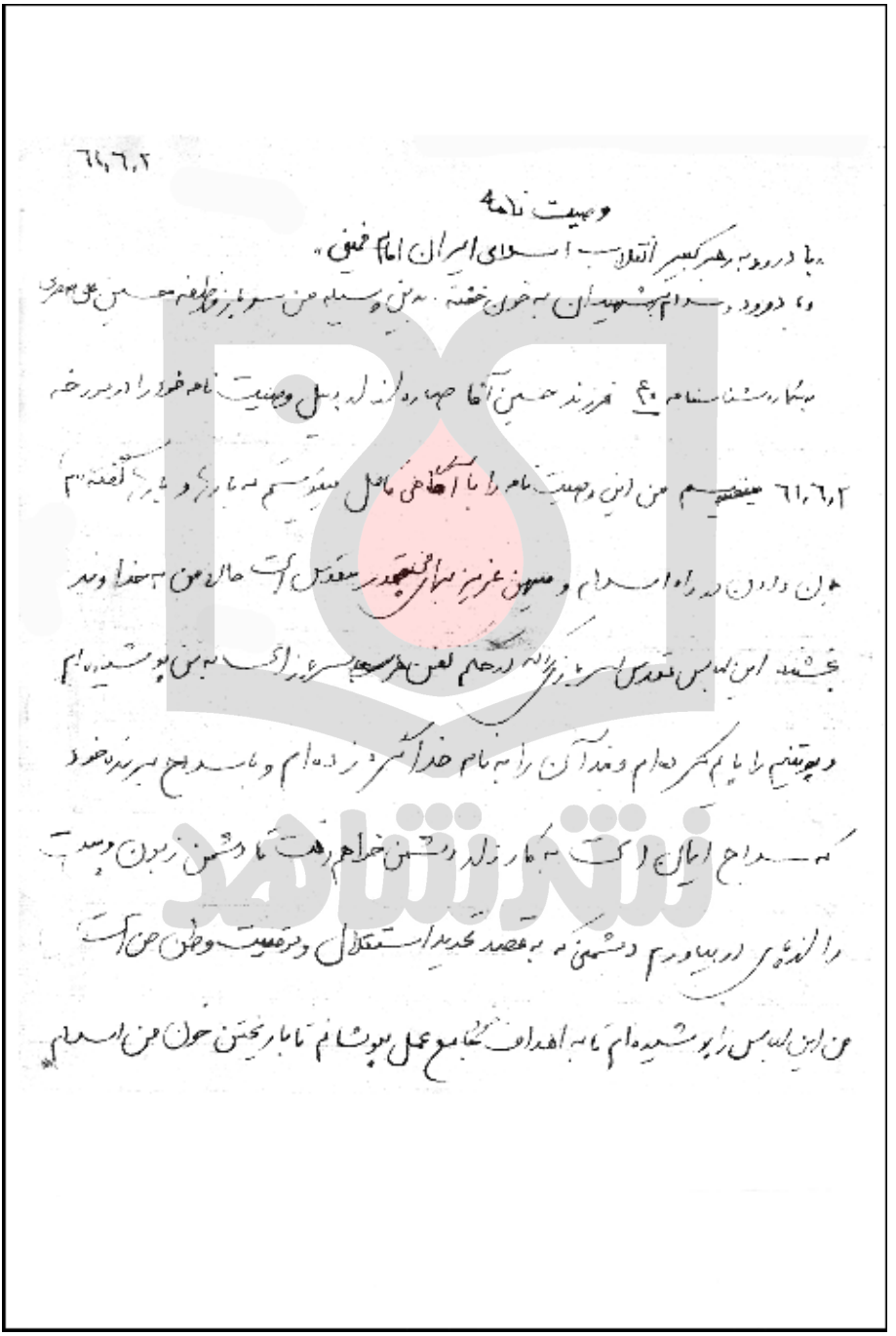

۶۱،۶،۲

وصیت نامه

بنا در رود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی

و، درود و سلام بر شهیدان به خون خفته راه و سیله من سرباز فداکار حضرت علی امیر

بیکار هشتاد سالم ۴۰ فرزند حسین آقا جهارده سال دارد بسل وصیت نامه خود را در سه برگه

۶۱،۶،۲ مینویسم من این وصیت نامه را با آگاهی کامل مینویسم که بارزی و یا آرزوی آنچه

جان دادن در راه اسلام و میهن عزیز برای همه مقدس است حال من هم خداوند

بخشنده این لباس مقدس سربازی را به رحم لطف خود بر من پوشانیده ام

و پوتین را پایم کرده ام و مدت آن را به نام خدا گذرانده ام و با سلاح سربازی خود

که سلاح ایمان است به کار دشمن خدا رفته تا دشمن زبون و پست

را لگدمال کرده و با دشمنی که به قصد تجدید استقلال و حیثیت وطن من است

من این لباس را پوشیده ام تا به اهداف مقدس عمل بپوشانم تا بارنجتن خون من اسلام

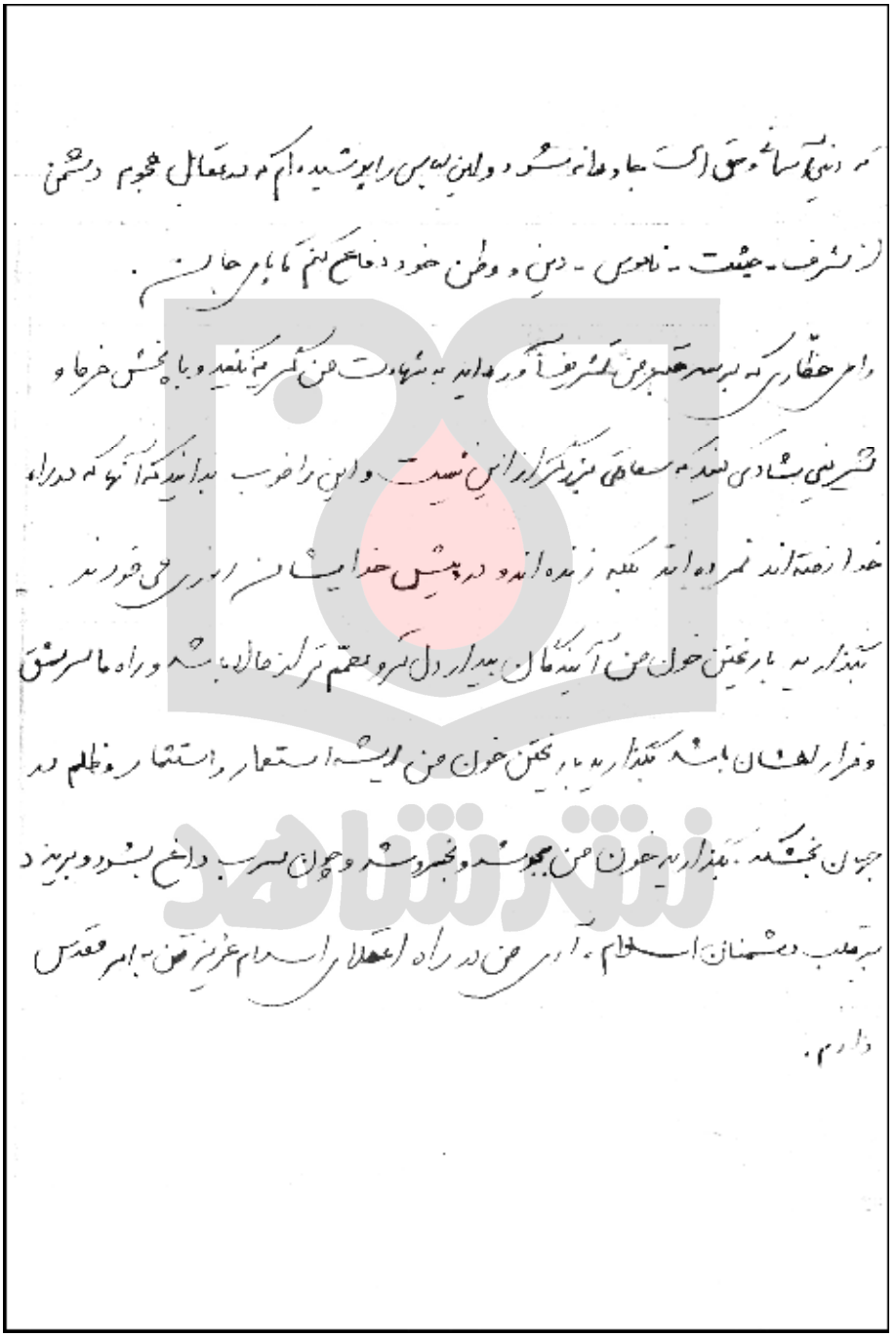

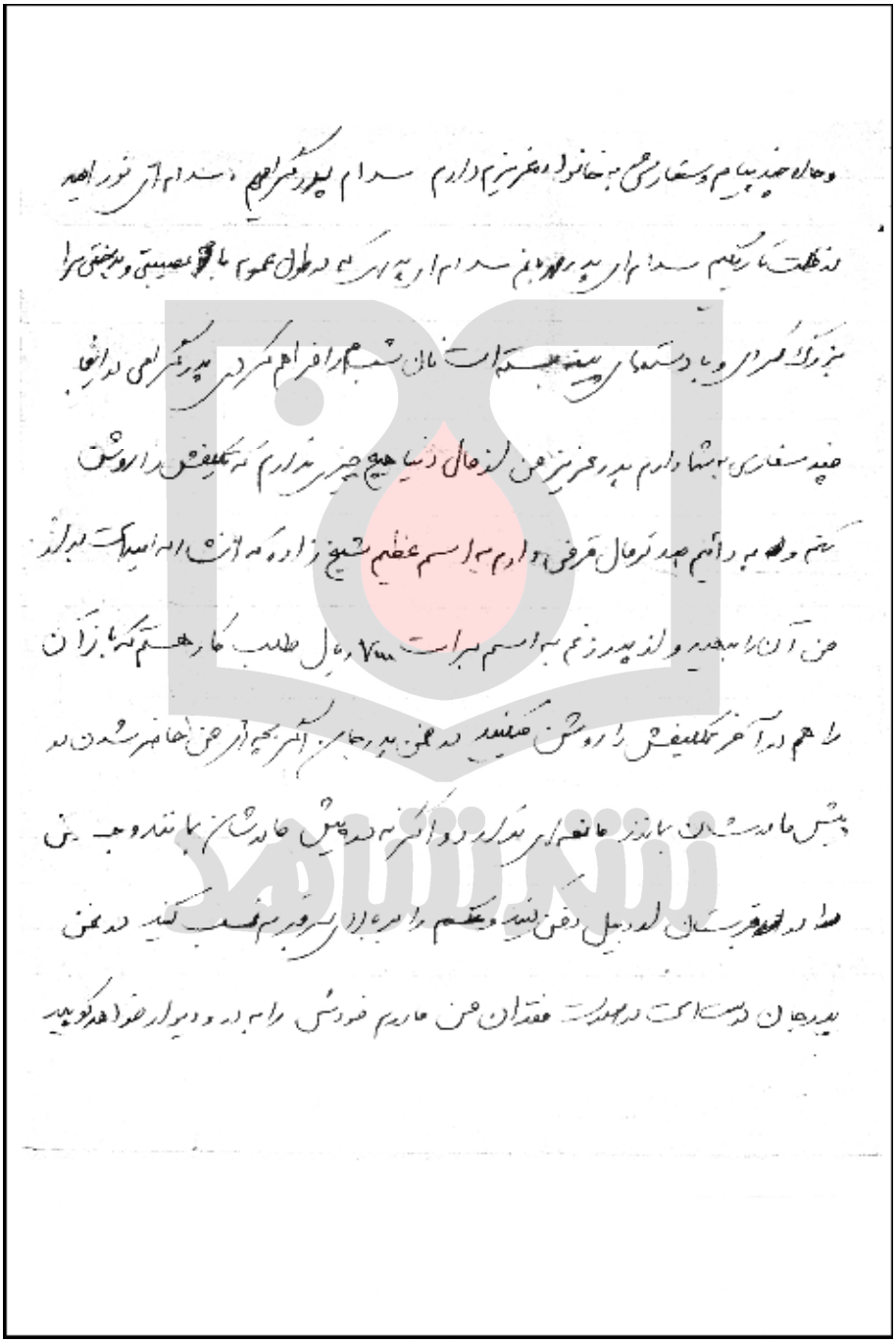

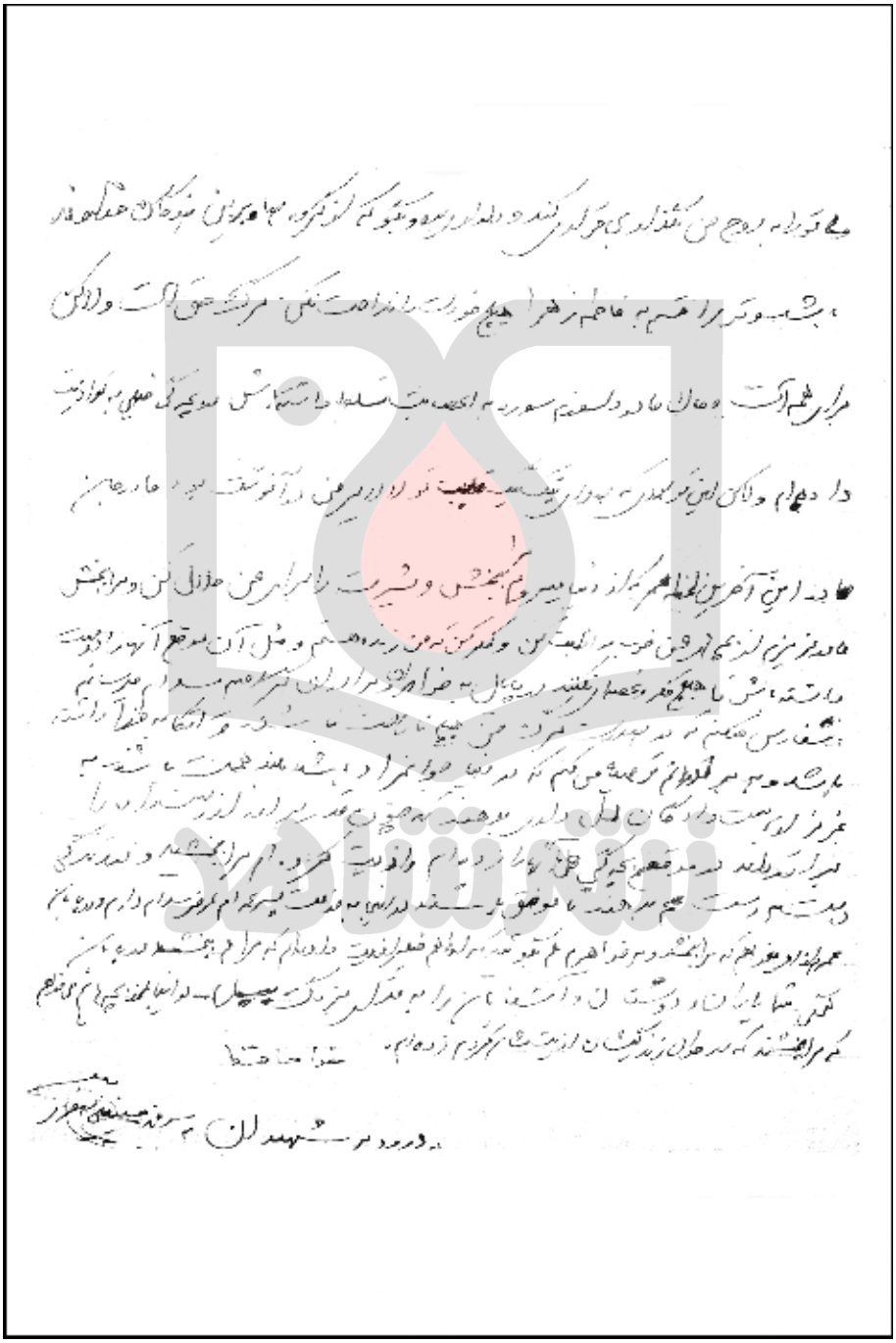

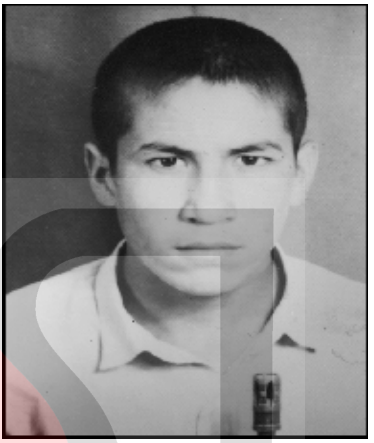

نام: **میرفاضل**
نام خانوادگی: **صفوی کوهساره**
نام پدر: **میرمصطفی**
نام مادر: **پروین**
تاریخ تولد: **اول شهریور** 1346
محل تولد: **روستای کوهساره از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **سوختگی**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شما باید از هر بُعد و هر راه برای اسلام کار کنید.
- هدف من اسلام و شهید شدن در این راه است.
- ما باید در راه قرآن خود را بسازیم.
- من از شما عاجزانه می‌خواهم که به سخنان رهبر کبیر انقلاب قلب تپیده ملت گوش دهید و عمل کنید.
- این فریب‌خورده‌ها و منافقین را نگذارید بر علیه انقلاب کاری کنند.
- برای رضای خدا کار کنید و هیچ وقت خدا را از یاد نبرید.
- خواهران گرامی در سوگ همچون زینب(**3**)، صبوروار و استقامت و صبر داشته باشید.
- هیچ وقت راهی جز راه الله و شهادت خداگونه شدن نپذیرید.
- امام و رزمندگان را دعا کنید.

میرفاضل صفوی کوهساره[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

ما عاشق شهادتیم.

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با سلام بر شهیدانی که خون خود را نثار اسلام و قرآن کردند و سلام بر پاسداران و رزمندگان که از جان‌هایشان می‌گذرند تا اسلام زنده بماند. وصیتی برای ملت و پدر و مادرم می‌کنم. وصیتی از شهید است که در راه خدا انشاءالله تعالی جان به جانان تسلیم می‌کنم. ای ملت و امت شهیدپرور ایران و بخصوص شهر اردبیل شما یک امتی هستید بپا خاسته با معیارهای اسلام که با عظمی راسخ در برابر شیاطین شرقی و غربی ایستاده و با مزدوران آنها منافقان[2] در ستیزند. شما باید هوشیارانه نقشه‌های شوم آنها را بر هم بریزید و آنها را نابود سازید و نگذارید که آنها با اسلام و حیثیت و شرف و دین شما بازی کنند. ما خدا را داریم و یقیناً خدا شما را یاری خواهد کرد، این را که می‌گویم به اسلام ضربه نزنید. این است که شما باید از هر بُعد و هر راه برای اسلام کار کنید و در همان کار باید از آن دفاع کرد. هدف من اسلام و شهید شدن در این راه است. ما باید در راه قرآن خود را بسازیم و از پیامبران و اولیاء معصومین و اولی‌الامر و سایر افراد با ایمان پند گرفته و شروع به خودسازی نماییم تا به جایی چون بهشت برویم. من از شما عاجزانه می‌خواهم که به سخنان رهبر کبیر انقلاب قلب تپیده ملت گوش دهید و عمل کنید و این فریب‌خورده‌ها و منافقین را نگذارید بر علیه انقلاب کاری کنند. پدر مهربانم امیدوارم که برای از دست دادن پسرت غصه و افسوس نخورید که شهادت هدف‌های تکامل یک انسان است و هیچ وقت ناراحت نباشید چون خداوند متعال به شما یک امانتی‌سپرده بود و حالا ازشما گرفت و از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و ببخشید. پدرجان من 10 روز روزه دارم از شما می‌خواهم که آن را بگیرید. مادرجان بعد از شنیدن خبر مرگم خواهش می‌کنم اشک نریزید و صبر داشته باشی و همچون فاطمه

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «ما عاشق شهادتیم- وصیت‌نامه شهید میرفاضل صفوی».

2- ر.ک. تعلیقات.

زهرا(3) قوی باشی تا دیگران از تو عبرت و درس بگیرند و برای رضای خدا کار کنید و هیچ وقت خدا را از یاد نبرید و در هر شب جمعه و روزهای دیگر رزمندگان را دعا کنید و به‌خاطر داشته باشید که پسرتان فقط برای رضای خدا به جبهه رفته است و مقداری پول که در بانک یا در خانه دارم به رزمندگان یا به مناطق اختصاص می‌دهید. و شما ای برادران عزیزم به مردمان حزب اللهی[1] پیوسته و در راه اعتلای اسلام عزیز کوشا و تمامی فرامین امام را از دل و جان بپذیرید و خواهران گرامی‌در سوگ من اشک نریزید. همچون زینب(3)، صبوروار و استقامت و صبر داشته باشید.

در پایان پیام من به شما این است که هیچ وقت راهی جز راه الله و شهادت خداگونه شدن نپذیرید.

«والسلام»

امام و رزمندگان را دعا کنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگهدار ـ رزمندگان ما را پیروزشان بفرما.

65/4/25

شهید میرفاضل صفوی

1- در اصل وصیت «حزب‌الهی».

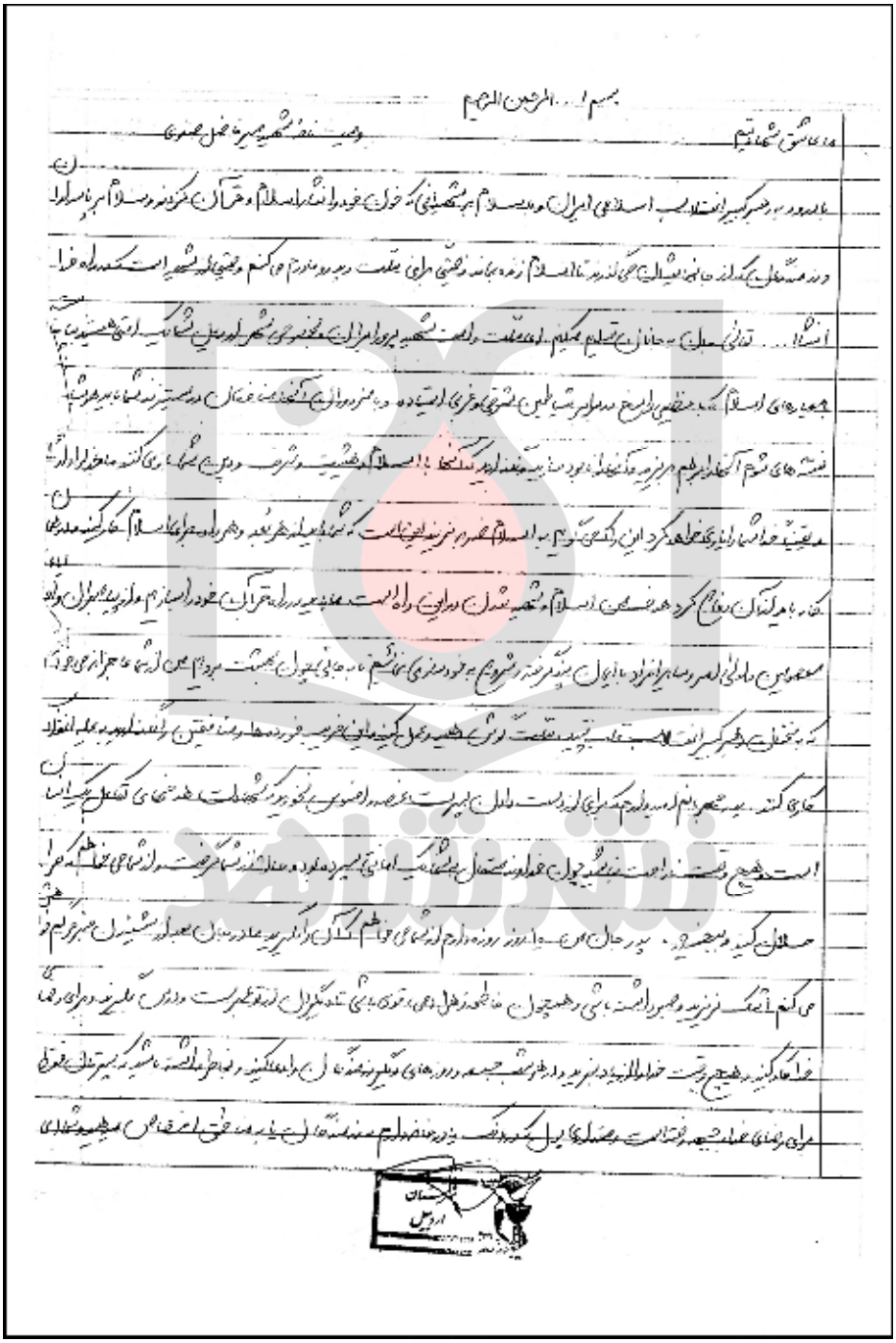

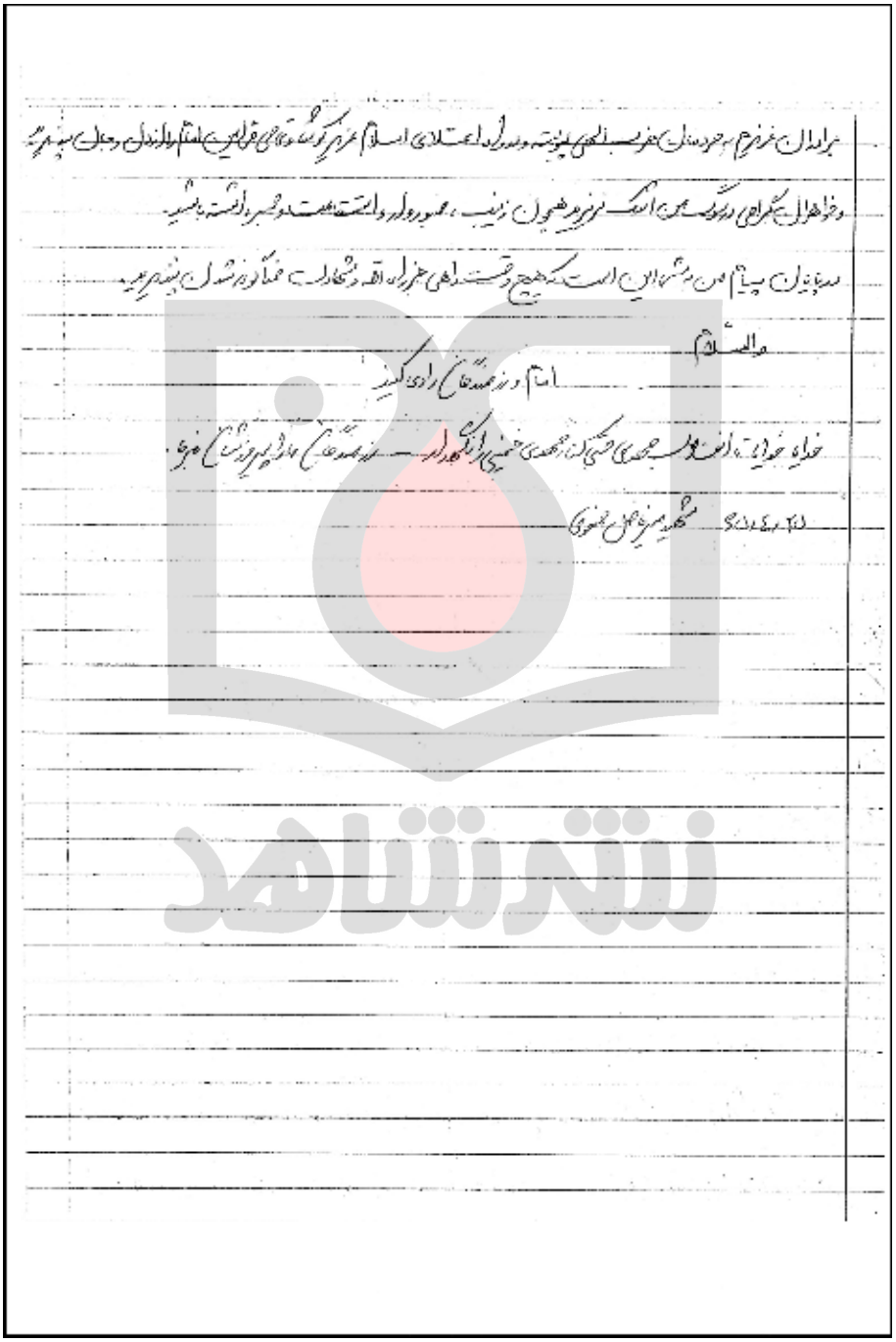

نام: **قربانعلی**
نام خانوادگی: **صفیاری فکور**
نام پدر: **حیات‌الله**
نام مادر: **محبوبه**
تاریخ تولد: **چهارم تیر** 1348
محل تولد: **روستای کلور از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهاردهم اسفند** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- همیشه برای برپایی اسلام مبارزانی بوده‌اند که جان و مالشان را در راه خدا فدا می‌کنند.
- همچون پیامبران و امامان و شهادت یکی از اهداف مؤمن می‌باشد.
- فلسفه شهادت را باید از حسین(**7**) یاد گرفت.
- به رهبری امام امت خمینی بت‌شکن برای برپایی قوانین و دستورات اسلام در تمامی جهان با تمامی کافران و ستمگران نبرد خواهیم کرد.
- انشاءالله دین مبین اسلام را در تمامی جهان گسترش می‌دهیم.
- پیام من این است که همیشه برای پیروزی رزمندگان اسلام و برای طول عمر رهبر انقلاب دعا کنید.
- همیشه راه حق را ادامه دهید و نگذارید جبهه‌ها خالی بماند.

قربانعلی صفیاری فکور[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ»[2]

به‌نام خداوندی که انسان‌ها را خلق کرد و به صراط مستقیم فراخواند و این انسان‌ها هستند که راه حق و کفر را باید از هم تشخیص دهند. فلسفه جنگ از آغاز خلقت تا به حال وجود داشته است و خواهد داشت. در نخستین خلقت، جنگ بین حق و باطل بوده همان زمان بین هابیل[3] و قابیل[4] تا به امروز که برای برپا شدن دستورات اسلام رزمندگان بر علیه کفر در صحنه های پیکار جهاد می‌کنند. در همهٔ زمان‌ها و ایام‌ها بین حق و باطل نزاع و جنگ بوده است. در زمان موسی(7) و عیسی(7) و ابراهیم(7) جنایتکارانی مانند فرعون[5] و نمرود[6] و دیگر ستمگران بوده‌اند تا رسیده به پیامبر اسلام(6) که ابوسفیان[7]ها در برابر اسلام قد علم کرده‌اند. همیشه برای برپایی اسلام مبارزانی بوده‌اند که جان و مالشان را در راه خدا فدا می‌کنند. همچون پیامبران و امامان و شهادت یکی از اهداف مؤمن می‌باشد.

فلسفه شهادت را باید از حسین(7) یاد گرفت. سلام بر یگانه منجی عالم بشریت امام عصر مهدی موعود(عج) که امیدواریم خداوند متعال ظهورش را هرچه زودتر تعجیل بفرماید.

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی که در این زمان بت‌شکن زمان است و ما

1- بالای وصیت‌نامه تایپی این جمله از وصیت‌نامهٔ شهید آمده است: «بسمه تعالی ما به رهبری امام امت، خمینی بت‌شکن برای برپایی قوانین و دستورات اسلام در تمام جهان با تمامی کافران و ستمگران نبرد خواهیم کرد (شهید قربانعلی صف‌یاری گلو) وصیت‌نامه شهید قربانعلی صفیاری».

2- محمد/7 ترجمه: «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را مستحکم می‌گرداند.»

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

به رهبری امام امت خمینی بت شکن بـرای برپـایی قـوانین و دسـتورات اسـلام در تمـامی جهان با تمامی کافران و ستمگران نبرد خواهیم کرد و انشاالله دین مبین اسلام را در تمـامی جهان گسترش می‌دهیم.

با سلام بر پدر بزرگوارم جناب آقای حیات‌الله صفیاری، از شما خواهـشمندم کـه مـا را حلال بفرمایید. من می‌دانم که شما چطور ما را از کودکی تا این اندازه بـزرگ کردیـد و مـا همیشه شما را ناراحت کردیم.. از این‌که همیشه سبب ناراحتی شما شدیم و زحمـت‌هـایی که برای من کشیدید امیدواریم ما را ببخشید و من از شما راضی هستم و امیدوارم که شـما هم از من راضی باشید. البته من کسی نیستم که از شما راضـی باشـم خـدا از شـما راضـی باشد. امیدوارم که مرا حلال کنید.

با سلام بر مادر گرامی‌تر از جانم محبوبه فرهادی که امیدوارم موفق و مؤید بوده باشـید. مادرجان امیدوارم آن شیر پاکی را که به من داده‌اید حلالم کنید. چون مـن خیلـی ناراحـت هستم از این‌که همیشه اسباب اذیت و آزار شما شده‌ام از شما خواهشمندم که از من راضی باشید و مرا حلال کنید.

از برادر عزیز جناب آقای علی صفیاری خواهـشمندم کـه مـرا حـلال کنـد و همچنـین خواهران گرامیم حبیبه و نزاکت و رعنا امیدوارم که ما را حلال کنند. اگر نـاراحتی و اذیـت و آزار از ما دیدید ما را مورد عفو و بخشش قرار دهید.

از عموهایم ثروت و مشهدی نصرت صفیاری و دایی من یگان‌پور فرهادی و همـه‌شـان با خانواده و آزادعلی ایمانی امیدوارم ما را حلال کنند.

در آخر پیام من این است که همیشه برای پیروزی رزمندگان اسلام و بـرای طـول عمـر رهبر انقلاب دعا کنید همیشه راه حق را ادامه دهید و نگذارید جبهه‌ها خالی بماند.

از مادرم و پدرم و دیگران خواهشمندم برایم گریه نکنند بلکه برای امام حسین(7) و اصحاب و انصارش گریه کنند که چطور به‌دست کفار و یزیدیان به شهادت رسیدند.

«والسلام»

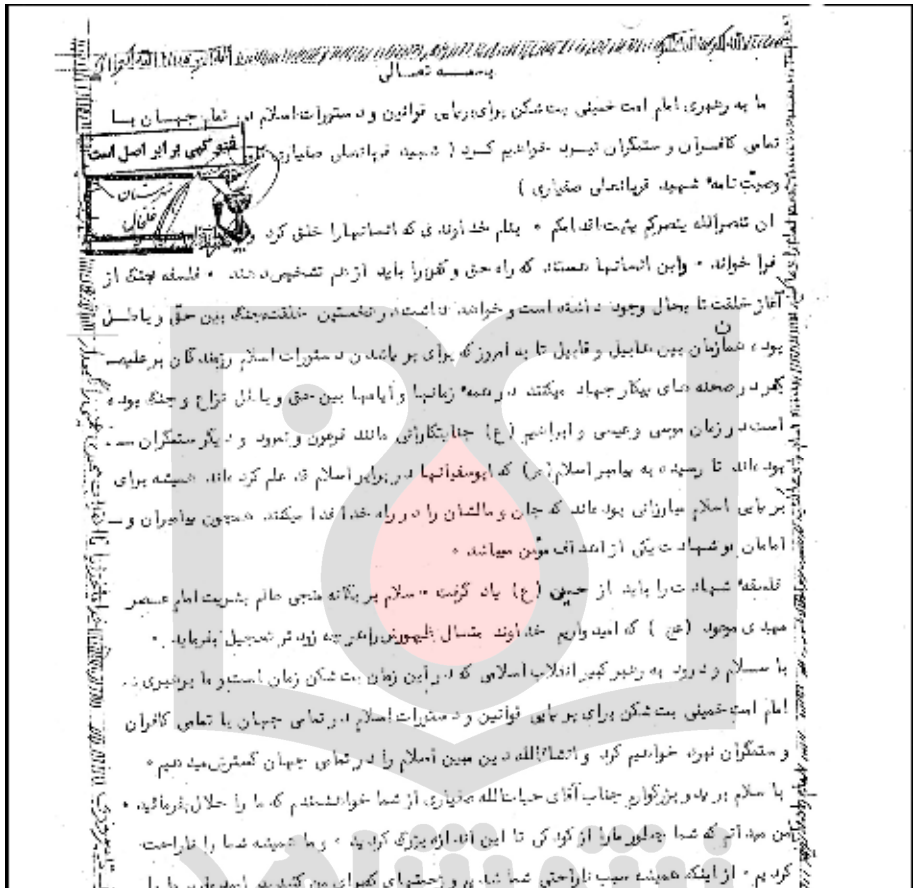

بسمه تعالی

ما به رهبری امام امت خمینی بت شکن برای برپایی قوانین و دستورات اسلام در تمام جهان با تمامی کافران و مشکران نبرد خواهیم کرد (شهید قربانعلی صفیاری)

وصیت نامه شهید قربانعلی صفیاری)

ان تنصروالله ینصرکم ویثبت اقدامکم • پیام خداوند ی که انسانها را خلق کرد و فرا خواند • واین انسانها هستند که راه حق و کفر را باید از هم تشخیص دهند • فلسفه بحث از آغاز خلقت تا بحال وجود داشته است و خواهد داشت در نخستین خلقت جنگ بین حق و باطل بود ، همانطور بین هابیل و قابیل تا به امروز که برای برپا شدن دستورات اسلام رهبران بر علیه کفر در صحنه های پیکار جهاد میکنند در همه زمانها و آیامها بین حق و باطل نزاع و جنگ بوده است در زمان موسی و عیسی و ابراهیم (ع) جبارینکاراتی مانند نمرود و دیگر مستکران بوده اند تا رسیده به جاهلیت اسلام (ص) که ابوسفیانها در برابر اسلام قد علم کرده اند همیشه برای برپایی اسلام یارانی بوده اند که جان و مالشان را در راه خدا فدا میکنند همچون پیامبران و امامان و شهادت یکی از اهداف مؤمن میباشد •

فلسفه شهادت را باید از حسین (ع) یاد گرفت • اسلام بر یگانه منجی عالم بشریت امام عصر مهدی موعود (عج) که امیدواریم خداوند بشتاب ظهورش را هرچه زودتر تحویل بفرماید •

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی که در این زمان بت شکن زمان است و ما پیروی از امام امت خمینی بت شکن برای برپایی قوانین و دستورات اسلام در تمامی جهان با تمامی کافران و مشکران نبرد خواهیم کرد و انشاءالله دین مبین اسلام را در تمامی جهان گسترش میدهیم •

با سلام بر پدر و بزرگوار جناب آقای حیات‌الله صفیاری از شما خواهشمندم که ما را حلال فرمائید • همین مدت آنم که شما چطور ما را کودکی تا این اندازه بزرگ کردید • و ما همیشه شما را ناراحت کردیم • از اینکه همیشه سبب ناراحتی شما شدیم و زحمتهای کمبودی من کشیدید امیدواریم ما را ببخشید و من از شما راضی هستم و امیدوارم که شما هم از من راضی باشید البته من کسی نیستم که از شما راضی باشم خدا از شما راضی باشد امیدوارم که مرا حلال کنید •

با سلام بر مادر گرامیتر از جانم همیشه فرمانبردار و مطیع بودید امیدوارم که مادر جان امیدوارم آن شیر پاکی را که به من داده اید حلالم کنید • چون من خیلی ناراحت هستم از اینکه همیشه اسباب اذیت و آزار شما شدم از شما خواهشمندم که از من راضی باشید • و مرا حلال کنید

از برادر عزیزم جناب آقای علی صفیاری خواهشمندم که مرا حلال کنید و بجنبش خواهرانم آزادیم جمهوری اسلامی و رهنما امیدوارم که مرا حلال کنند اگر ناراحتی را دیدید مارا مورد عفو و بخشش قرار دهید از عموضایم ثروتو مشید بخصوص عمو اکبر صفیاری جوانی من پگان بود فرزندان عموهایم را حلال کنید و آقای علی آبادی امیدوارم مارا حلال کنند و آخر پیام این است که همیشه پیرو رهبری زنده تا اسلام و برای اجرای دستورات انقلاب داکنید همیشه راه حق را ادامه دهید و نگذارید جبهه ها خالی بماند از مادر و پدرم و دیگران خواهشمندم برایم گریه نکنند بلکه برای امام حسین (ع) و اصحاب و انصارش گریه کنند که چطور بستمکاران یزید با بیرحمی شهید نمودند و اسلام را تکه تکه از امویان و یزید امانده

فتوکپی برابر اصل است

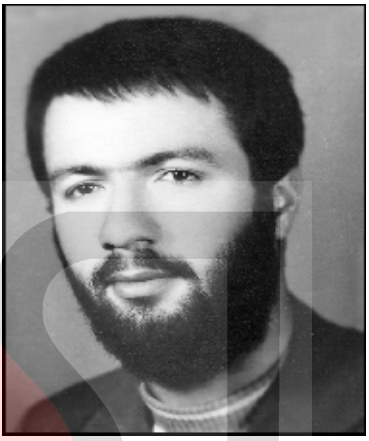

نام: **حمید**
نام خانوادگی: **صلواتی**
نام پدر: **محمدجعفر**
نام مادر: **لطیفه**
تاریخ تولد: **دوم فروردین** 1340
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم مرداد** 1361
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- در پیشبرد اهداف عالیه انقلاب اسلامی کوشا باشید و لحظه‌ای غفلت ننمایید.
- اوقات خود را با دعا و مناجات پُر کنید و امام را همیشه دعا کنید.
- چون ما هرچه داریم از امام داریم.
- با قدرت تمام در مقابل منافقان و چپ‌گرایان مقاومت کنید و به آنان فرصت و مجال مناسب ندهید.
- جبهه‌های جنگ حق علیه باطل را در هر کجای جهان که باشد خالی نگذارید.
- همیشه گوش به فرمان امام باشید و فرامین عالیه امام را مخصوصاً اوامر خودسازی امام را اجرا نمایید.
- دل‌های خود را به سوی خدا برگردانید و تمام کارهای خود را الهی سازید.

حمید صلواتی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«ان کانَ دین مُحمداً لایستقم الاّ بقتلی یا سیوف خذینی»[2]

«و اگر دین و عقیده و هدف محمد(6) با کشته شدن ما زنده و پایدار می‌ماند پس ای شمشیرها فرود آیید». امام حسین(7)

با سلام و درود بر نایب امام زمان(عج) و امت قهرمان و شهیدان و رزمندگان ایثارگر ایران عزیز، وصیت‌نامهٔ خود را بطور مختصر به استحضار امت حزب‌الله ایران عزیزمان می‌رسانم.

هموطنان عزیز، در پیشبرد اهداف عالیه انقلاب اسلامی کوشا باشید و لحظه‌ای غفلت ننمایید.

- اوقات خود را با دعا و مناجات پُر کنید و امام را همیشه دعا کنید چون ما هرچه داریم از امام داریم.

- به درس و تحصیل اهمیت بیشتر بدهید چون مملکت ما نیاز به علم و عالم دارد.

- با قدرت تمام در مقابل منافقان3 و چپ‌گرایان4 مقاومت کنید و به آنان فرصت و مجال مناسب ندهید.

- جبهه‌های جنگ حق علیه باطل را در هر کجای جهان که باشد خالی نگذارید.

- همیشه گوش به فرمان امام باشید و فرامین عالیه امام را مخصوصاً اوامر خودسازی امام را اجرا نمایید.

- دل‌های خود را به‌سوی خدا برگردانید و تمام کارهای خود را الهی سازید.

- مساجد را پر کنید و در سنگر مساجد ضربات سهمگین خود را بر پیکر منافقان ضدانقلاب‌ها فرود آورید.

1- بالای وصیت‌نامه آمده است: «61/4/19» خط شلمچه.

2- ر.ک. تعلیقات. ذیل «ان کان دین محمد...».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

- کودکان و خردسالان را درس اسلام و تربیت اسلامی دهید چون آنان آینده‌سازان این‌ها مانند [...]1

- و اما جنازهٔ مرا در هر کجا خانواده‌ام صلاح دانستند دفن کنید و بر روی قبرم گل نپاشید چون به قبر امام حسین(**7**) گل نپاشیدند.

- در سوگ من گریه نکنید و اگر گریه کردید به‌یاد امام حسین(**7**) گریه کنید.

- مادر و خواهرانم در سوگ من لباس عزا بر تن مکنید چون دشمن شاد و خوشحال می‌شود.

- پدر عزیزم، برادرانم را تربیت اسلامی بدهید تا سلاحم را بر زمین نگذارند و اما دوستان عزیز در تشییع جنازه من لباس رزم بر تن کنید و الله اکبر گویان مرا دفن کنید و راهم را ادامه دهید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حمید صلواتی

نشر شاهد

1- ر.ک. تعلیقات.

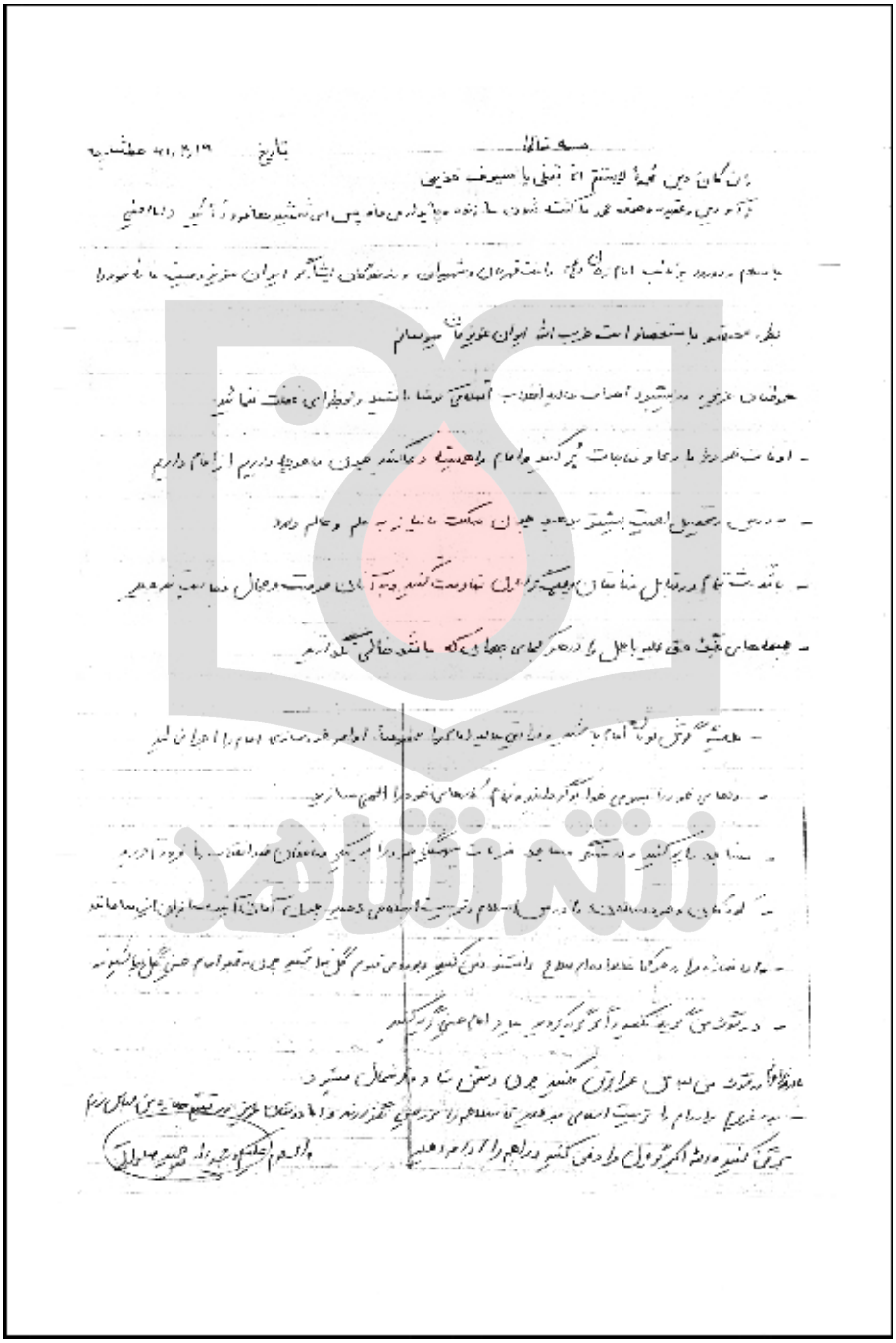

نام: **حجت**
نام خانوادگی: **صلواتی‌زاده**
نام پدر: **لطیف**
نام مادر: **ملائکه**
تاریخ تولد: **دوم شهریور** 1347
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من هم اینک عازم جبهه حق علیه باطل می‌شوم تا دین خود را به دینم ادا نمایم.
- هر چه می‌خواهید این رهبر کبیر انقلاب را این پیر جماران را.
- مادرم می‌خواهم حلالم کنی و مانند زینب(**3**) این شیر زن کربلا در مقابل دشمنان استقامت داشته باشی.
- اگر لیاقت شهادت را داشته باشم بر من گریه و زاری نکنید.
- فقط افسردگی شما از برای خاطره حسین(**7**) و حسینیان در سرزمین کربلا و کربلاهای ایران باشد.
- ای برادرم به تو سفارش می‌کنم که نماز را از یاد نبری.

حجت صلواتی‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهدا

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

پس از عرض سلام، اینک که امام امت «مسئله اصلی را جنگ»[2] اعلام نموده است پس من هم اینک عازم جبهه حق علیه باطل می‌شوم تا دین خود را به دینم ادا نمایم و در بیرون راندن ایادی غرب[3] و شرق[4] که از آستین صدام[5] کافر بیرون آمده سهمی داشته باشم و از شما هموطنم در به ثمر رسانیدن این نهضت که چشم تمامی مستضعفین جهان به آن دوخته کوشا باشید و از هیچ کوششی فروگذاری نکنید و هر چه می‌خواهید این رهبر کبیر انقلاب را این پیر جماران[6] را این نصر الهی را که نایب برحق امام عصر(عج) می‌باشند دعا کنید تا حکومت اسلامی آنطوری که خواست خون شهیدان گلگون کفن است در دنیا پا بگیرد تا این حکومت بر صاحب برحقش امام عصر(عج) تحویل داده شود. و اما سخنی چند با خانواده عزیزخود دارم، مادرم زحمت زیادی در بزرگ کردنم کشیده‌ای و شب‌های زیادی را برای من بی‌خوابی تحمل نموده‌ای. می‌خواهم حلالم کنی و مانند زینب(**3**) این شیر زن کربلا در مقابل دشمنان استقامت داشته باشی، واما پدر عزیزم در به رشد رسیدن من زیاد رنج متحمل شده‌ای لذا از تو می‌خواهم مرا حلال کنی و در هجران من مانند حضرت یعقوب(**7**) باشی. پدرم می‌دانستم که تو همیشه خوشبختی مرا در زندگی می‌خواستی ولی من این خوشبختی را در آن دیدم که به ندای امام امت لبیک گفته و در جبهه حق علیه باطل شرکت نمایم، تا شاید خوشبختی نهایی که شهادت باشد نایل شوم و

1- آل‌عمران/ 169.
2- صحیفه امام، ج 19، ص 148.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- ر.ک. تعلیقات.
6- ر.ک. تعلیقات.

اگر لیاقت شهادت را داشته باشم بر من گریه و زاری نکنید و فقط افسردگی شما از برای خاطره حسین(**7**) و حسینیان در سرزمین کربلا و کربلاهای ایران باشد. و ای برادرم به تو سفارش می‌کنم که نماز را از یاد نبری و در پیشرفت این نهضت جهانی به هر صورتی که از دستت برمی‌آید از خدمت فروگذاری نفرمایی. و اما سفارش کوچک دیگر بر پدرم دارم، کتاب‌هایی که داشتم آنها را به کتابخانه ابوذر تحویل و لباس‌هایم را به جنگ زده‌گان اهداء نمایید. و در پایان موفقیت همه شما را در خدمت به دین مقدس اسلام آرزو دارم و از خداوند متعال خواهان عمر طولانی به رهبر کبیر انقلاب و پیروزی عاجل رزمندگان اسلام و استقرار کامل حکومت عدل داد و جهان خواهانم.

«والسلام»

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

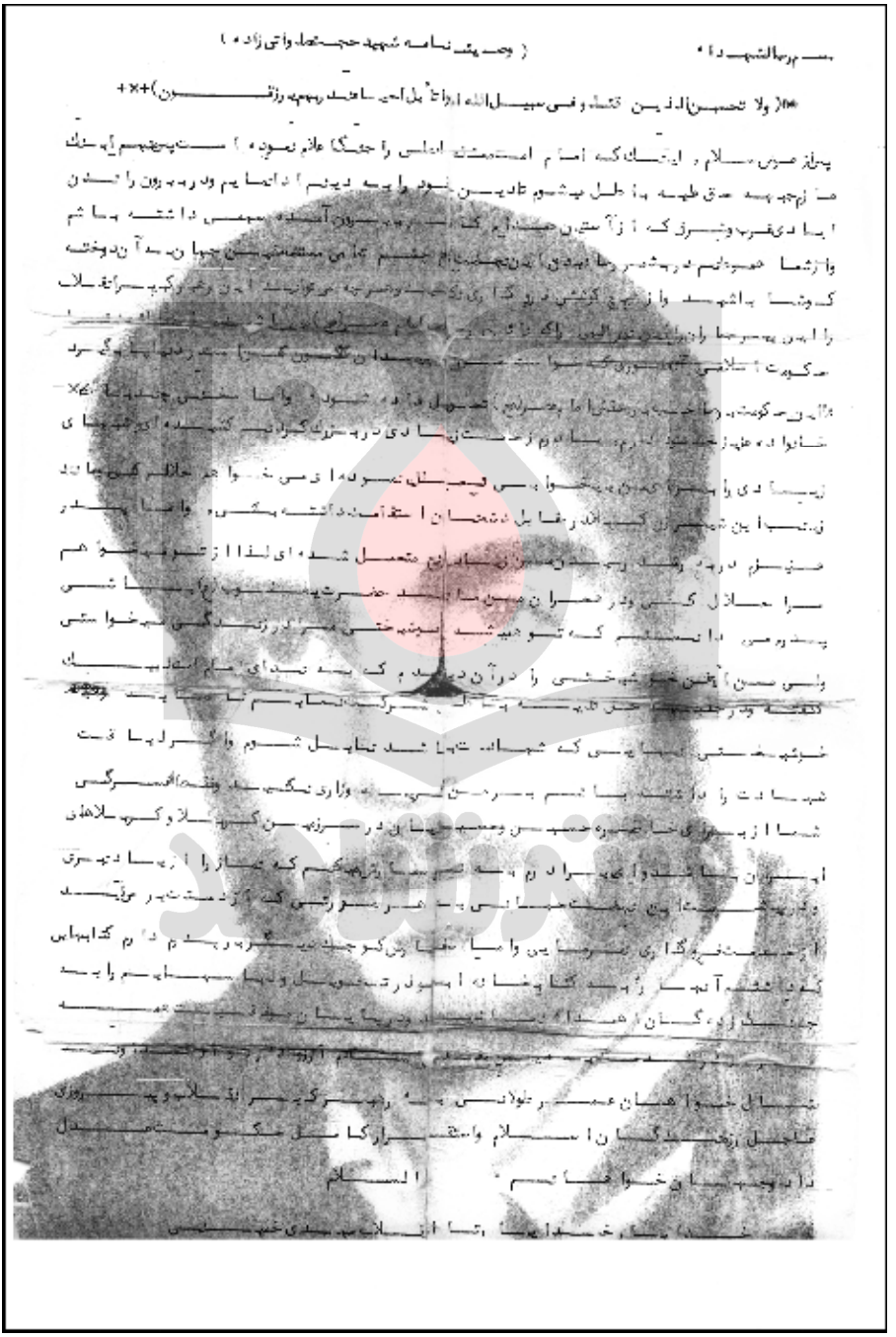

نام: **داماد**
نام خانوادگی: **صمدی**
نام پدر: **ذبیح‌الله**
نام مادر: **اشرف**
تاریخ تولد: **سوم فروردین** 1345
محل تولد: **روستای بیرق از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم فروردین** 1362
محل شهادت: **ابوقریب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و سوختگی**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پروردگارا اینک برای رضای تو و برای خشنودی تو و به امر امام خمینی که نایب امام زمان(عج) نیز می‌باشد قدم به صحنه جهاد بر علیه کفر جهانی می‌گذارم.
- خداوندا به محمدت(**6**) و به حسینت(**7**) و به خمینی‌ات سوگند که گرانبهاتر از خونم متاعی ندارم که بدهم.
- اینک این خون من و این جان بی‌مقدار من تقدیم به تو و هدیه به روح تو ای خمینی کبیر.
- صبور باشید و افتخار کنید که فرزند کوچکتان را فدای اسلام و خاک پای امام کرده‌اید.
- خدایا این قطره خون ناچیز و جان ناقابل مرا برای گسترش اسلام در حضور بپذیر.
- اگر جان من آن ارزش را دارد که برای اسلام فدا شود و اسلام پیش برود و خداوند صدها بار به من جان بدهد تا مبارزه کنم و شهید بشوم.
- اگر هم کشته شوم چه سعادتی بهتر از آنکه در نزد خدایم.
- من یک امانت هستم پیش تو. وقتی صاحب امانت صاحب را خواسته باید امانت را به او بدهید.

داماد صمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

خداوند تو خود می‌دانی عملکرد ما نه برای آن است که به ریاست و سلطنت دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه‌توزی سخن بگوییم. لیکن پیکار ما برای این که پرچم آئین تو را برافراشته گردانیم (حضرت امام حسین(7))[1]

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ»[2]

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[3] (قرآن کریم)

«مپندارید آنان‌که در راه خدا کشته شدند[4] مرده‌اند[5] بلکه ایشان زنده‌اند[6] و در نزد خدای خود روزی می‌بینند».

«انَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَی رَبِّهِمْ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ»[7] (سوره هود)

«آنان که ایمان آوردند[8] و به اعمال شایسته پرداختند و به درگاه خدای خود خاضع و خاشع شدند همانا آنان اهل بهشت جاوید اند و تا ابد در آنجا از نعمت‌های الهی برخوردارند...»

با درود فراوان بر امام زمان(عج) و نایب برحقش موسی زمان و ابراهیم خلیل الله(7) خمینی بت‌شکن یار و یاور ضعیفان و دشمن مستکبران و با سلام و درود بر شهیدان از اول صدر اسلام تا[9] این زمان و سلام و درود بر خانواده شهدا و سلام و درود بر ملت شهیدپرور ایران ما. پروردگارا اینک برای رضای تو و برای خشنودی تو و به امر امام خمینی که نایب امام زمان(عج) نیز می‌باشد قدم به صحنه جهاد بر علیه کفر جهانی

1- در اصل وصیت در ادامه آمده است: «قسمت از وصیت‌نامه داماد صمدی در تاریخ 62/1/10».
2- آل‌عمران/ 7.
3- آل‌عمران/ 169.
4- در اصل وصیت «کشته شدن».
5- در اصل وصیت «مردن».
6- در اصل وصیت «زندند».
7- هود/ 23.
8- در اصل وصیت «ایمان آوردن».
9- در اصل وصیت «در».

می‌گذارم. بدان امید که مرا به فیض شهادت برسانی تا شاید که کفاره‌ای باشد برای محو گناهان و ادای دینی در قبال جمهوری اسلامی و یا مرا بیامرزی و توبه‌ام را بپذیری که در هر حال به تو نیازمندیم.

خداوندا به محمدت(6) و به حسینت(7) و به خمینی‌ات سوگند که گرانبهاتر از خونم متاعی ندارم که بدهم و اینک این خون من و این جان بی‌مقدار من تقدیم به تو و هدیه به روح تو ای خمینی کبیر.

و ضمن پدر جان و مادر جان عزیزم مرا ببخشید و از من راضی باشید تا خدا هم از ما خشنود گردد و مرا بیامرزد. پدر و مادرم امیدوارم بتوانم با تقدیم خون ناچیز و جسم ضعیف خود برای دفاع از اسلام و قرآن و برای رضایت خدا و هدیه به اسلام و قرآن نمایم. صبور باشید و افتخار کنید که فرزند کوچکتان را فدای اسلام و خاک پای امام کرده‌اید.

خدایا این قطره خون ناچیز و جان ناقابل مرا برای گسترش اسلام در حضور بپذیر و اگر جان من آن ارزش را دارد که برای اسلام فدا شود و اسلام پیش برود و خداوند صدها بار به من جان بدهد تا مبارزه کنم و شهید بشوم.

حال که به جبهه می‌روم و پا در چکمه می‌کنم و سینه دشمن را نشانه می‌روم نه بخاطر کینه و دشمنی بلکه احیای دینم و صدور انقلاب اسلامی است و از خدای بزرگ می‌خواهم که مرا یاری کند تا در راه او گام بردارم و تمام وجودم را در راه او باشد و در این راه که می‌روم هر گلوله‌ای که به تنم می‌خورد به یاد خدا تحمل می‌کنم و از او می‌خواهم تا قدرت صبر و طاقت به من عنایت کند و اگر هم کشته شوم چه سعادتی بهتر از آنکه در نزد خدایم و دوش به دوش شهدای سرخ علوی و ایران در دنیای دیگر خواهم بود. مسلماً کسانی دیگر همان راه را ادامه خواهند داد.

پدر و مادر عزیزم مبادا در سوگ من ناراحت کنید. اگر ناراحت شدید بروید نزد پدر و مادر بقیه شهدا و از آنها درس صبر بگیرید.

پدر و مادر عزیزمان هر وقتی که من[1] شهید شدم [و به] ناراحت نباشید برای اینکه من یک امانت هستم پیش تو. وقتی صاحب امانت صاحب را خواسته باید امانت را به او

1- در اصل وصیت «ما».

بدهید. پدر جان اگر من شهید شدم ناراحت نباشید برای اینکه در بعضی خانواده هستی که 5 تا شهید داده و با این وضع حال ناراحت نمی‌شود. پدر و مادرم وقتی من شهید شدم در هر روز جمعه بیاید به سر قبر ما را یاد کنید.

50 تومان به سخاوت قرض[1] دارم. 30 تومان هم به زیارت‌علی احسانی روستای یلوجه قرض[2] دارم.

وصیت‌نامه داماد صمدی

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «قرز».
2- در اصل وصیت «قرز».

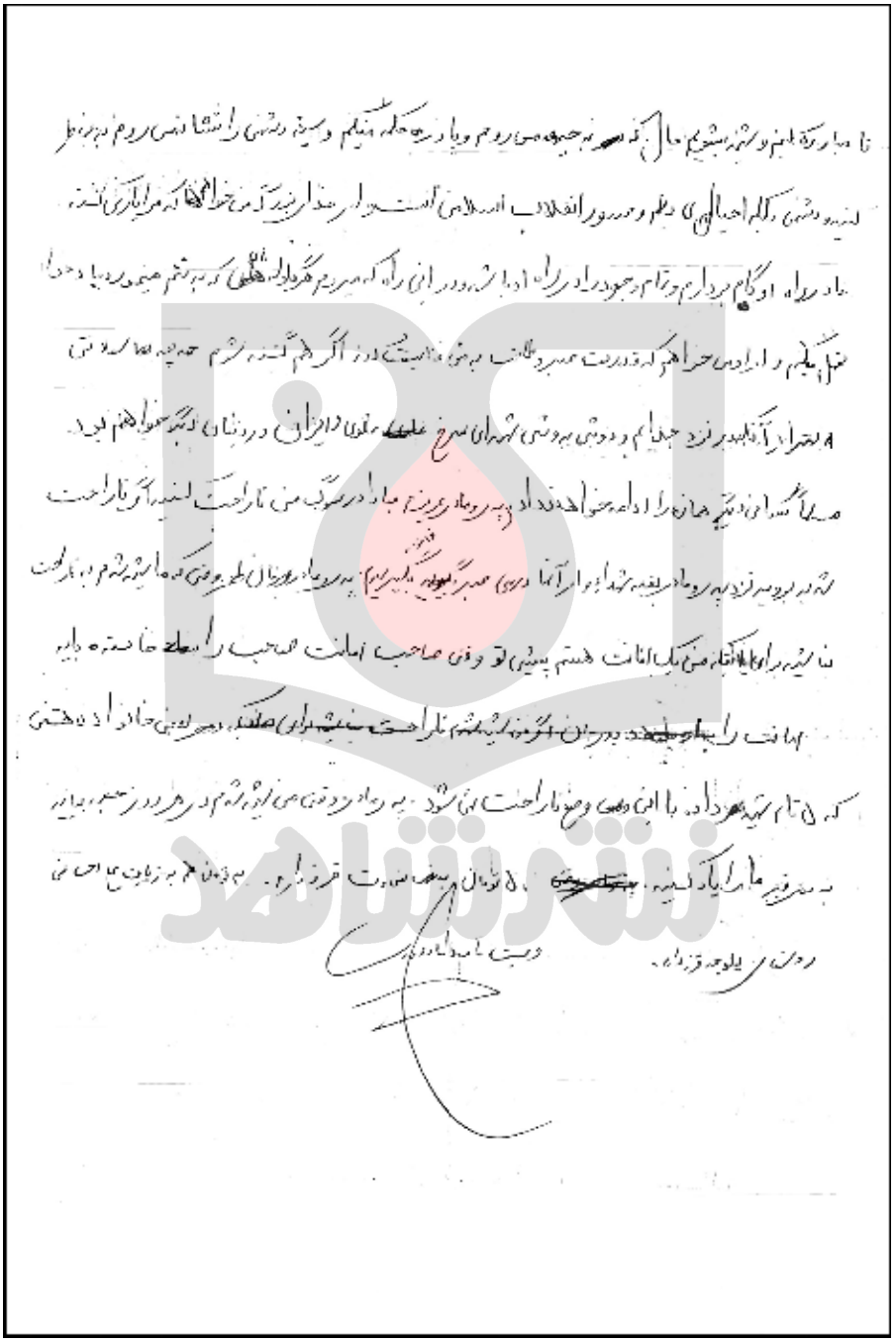

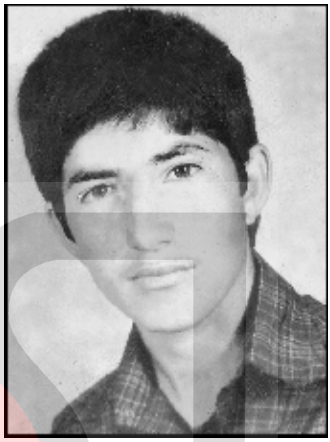

نام: **رسول**
نام خانوادگی: **صوری**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **بیست‌ودوم آذر 1345**
محل تولد: **شهرستان پارس‌آباد**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام بهمن 1364**
محل شهادت: **اروند رود**
نحوهٔ شهادت: **بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای آل‌یاسین بخش اصلاندوز از توابع زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از خداوند متعال خواهش می‌کنم تا بنده را نیامرزیده از دنیا نبرد.

نشرشاهد

رسول صوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

وصیت‌نامه بنده گنهکار رسول صوری

یا الله یا الله یا الله

اینجانب با این مورد شروع می‌کنم که اگر خداوند متعال توفیقی در حال بنده بکند و مرا در درگه خویش به نوکری قبول کند از خداوند متعال خواهش دارم که گناهان بنده روسیاه را بیامرزد و نیامرزیده بنده را از دنیا نبرد و امید دارم که مورد اجابت قرار گیرد.

رسول صوری

64/11/18

نشر شاهد

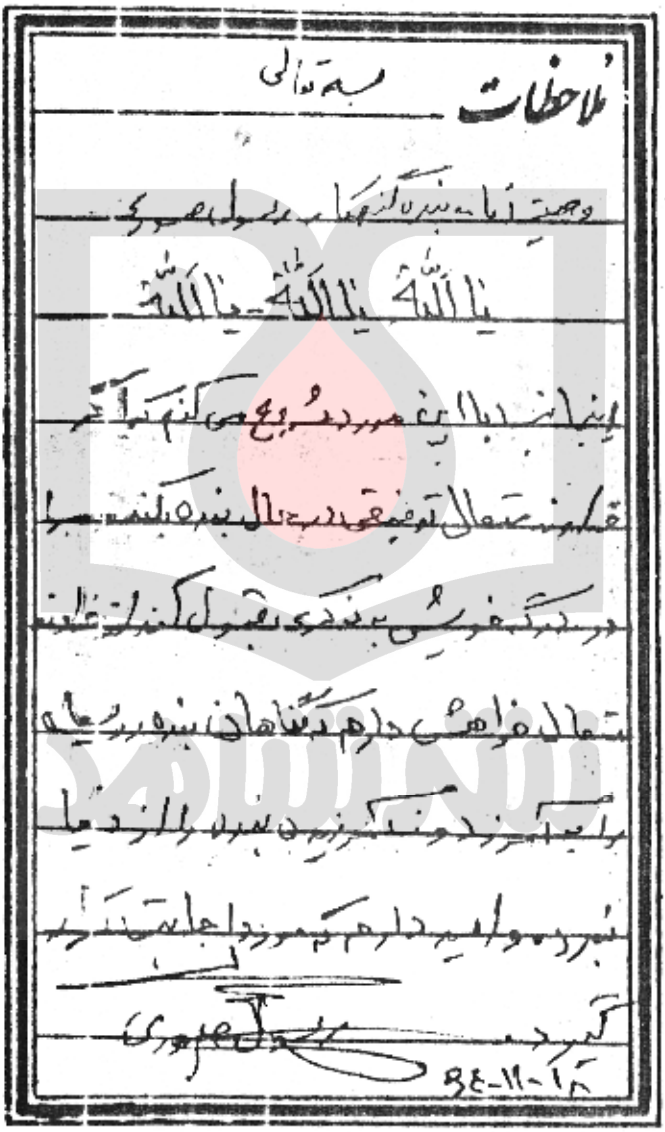

ملاحظات بسمه تعالی

وصیت نامه بنده گنهکار رسول صفری

یا الله یا الله یا الله

اینجانب با این سرد دعوی می کنم با آنکه

قلم نتوانست توصیف حال بنده بکند مرا

در دیگر فرشی بنده ی بقبول کند ولی

نتوانم فراموش دارم گناهان بنده را

را بیامرزد و بنده را از دنیا

ببرد و امید دارم که مورد اجابت قرار

گیرد

۹۴-۱۱-۱۸

نام: **امین**
نام خانوادگی: **صیامی**
نام پدر: **بیوک**
نام مادر: **قزبس**
تاریخ تولد: **ششم شهریور** 1335
محل تولد: **روستای ایوانلو از توابع شهرستان پارس‌آباد**
تحصیلات: **خواندن و نوشتن نمی‌دانست**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سوم دی** 1359
محل شهادت: **روستای کلینه سر پل ذهاب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **روستای تازه‌کند از توابع شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- راه ما راه انبیاء است.
- جنگ جنگ اسلام با کفر و وظیفه شرعی اسلامی و انسانی ماست که در مقابل این کفر و الحاد بایستیم.
- از امام اطاعت کنید چون حرکت او حرکت انبیاست.
- در مقابل چنین رهبری که خدا به ما عطا فرمود شکرگزاری نمایید.
- نگهداری این خون‌ها بر عهده ماست و کوشش نمایید خدای نکرده هیچ آسیبی به آن نرسد.

شهرشاهد

امین صیامی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

راه ما راه انبیاء است. جنگ جنگ اسلام با کفر است و وظیفه شرعی اسلامی و انسانی ماست که در مقابل این کفر و الحاد بایستیم. از امام اطاعت کنید چون حرکت او حرکت انبیاست. در مقابل چنین رهبری که خدا به ما عطا فرمود شکرگزاری نمایید.

این حکومت، حکومت اسلامی است که بعد از هفتاد هزار شهید، یکصد هزار معلول با تکبیر الله اکبر و یا لا اله الا الله که جام شهادت نوشیدند بدست آمده.

[...][2] نگهداری این خون‌ها بر عهده ماست و کوشش نمایید خدای نکرده هیچ آسیبی به آن نرسد و من برای این کار دوباره اطاعت از امام را برای شما برادران توصیه می‌کنم.

«والسلام»[3]

نشر شاهد

1- بالای برگه وصیت آمده است: «وصیت‌نامه شهید امین صیامی».

2- خوانا نیست.

3- وصیت‌نامه را «عالیه برزگر» که احتمالاً همسر شهید است امضاء کرده است.

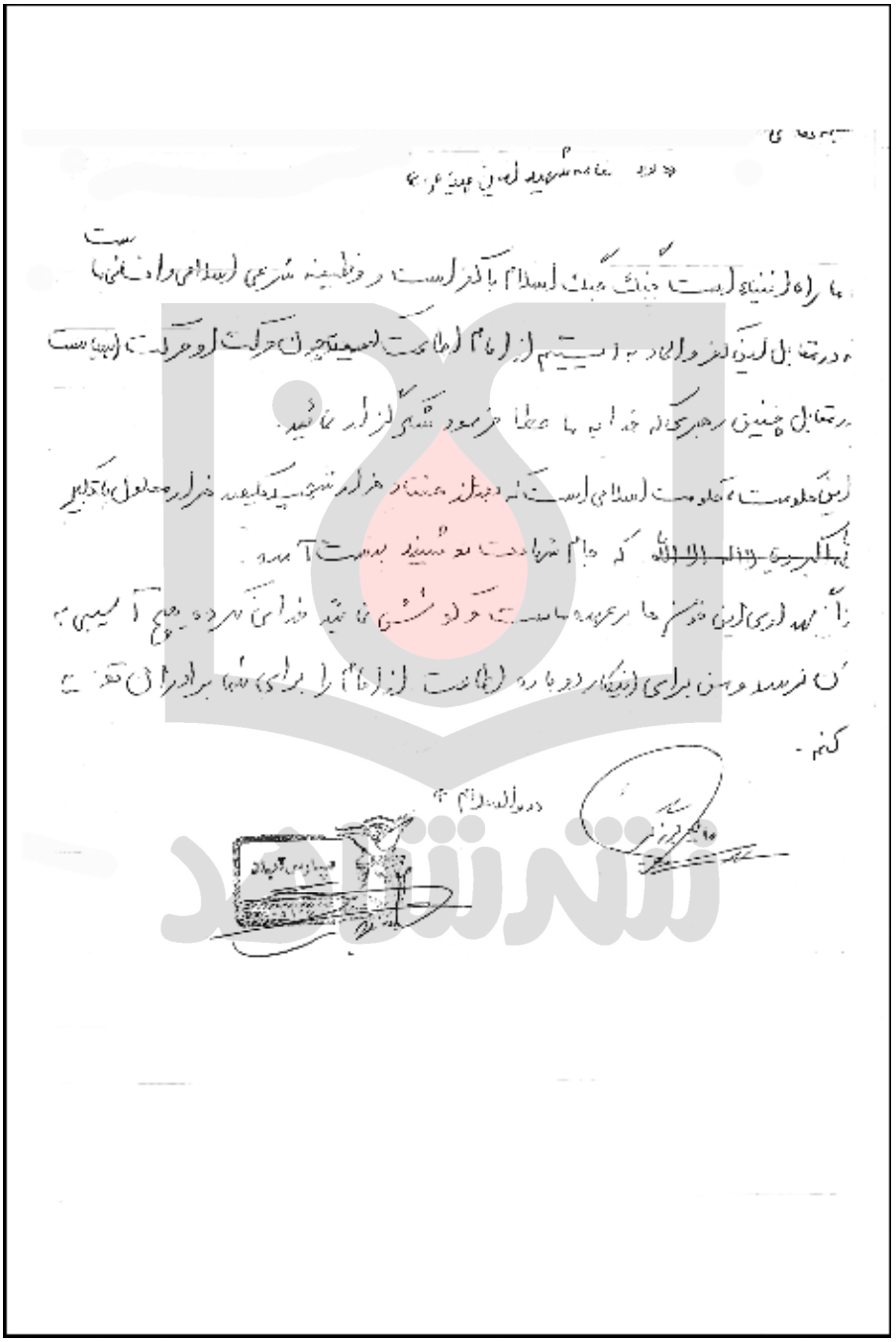

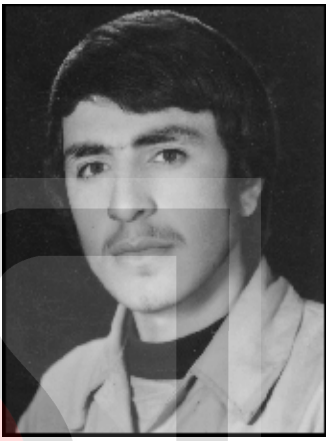

نام: **کاظم**
نام خانوادگی: **ضعیف‌زاده**
نام پدر: **بهمن**
نام مادر: **گلتاج**
تاریخ تولد: **سوم مرداد 1345**
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن 1364**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سلام به خانواده‌های محترم و معظم شهدا که با اهداء عزیزترین عزیزانشان دین خدا و انقلاب خدایی را یاری کردند.
- خداوندا به درگاهت شکر می‌کنم که فرصتی برای من عطا فرمودی که در راه تو جهاد کرده و دین خود را اداء نمایم.
- در تمامی لحظات زندگی خود به یاد خدا باشید تا عنایت خود را بیشتر کند.
- از امام عزیز پیروی کنید و دستوراتش را مو به مو اجرا کنید.
- مواظب خون‌هایی که در راه خدا ریخته شده باشید.
- این خون‌ها کلید درهای بسته کربلا و قدس عزیز است.
- وقتی که لب به‌دعا می‌گشایید رزمندگان مجروحین و معلولین جنگی و اسرا را از یاد مبرید.

کاظم ضعیف‌زاده[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»[2] (207 بقره)

به‌نام خدایی که خلق کرد انسان را از لجن، دمید از روح خویش در آن پیکر و جان داد آن پیکر را و سپس نعمت‌های بی‌شماری را خلق کرد تا این حیوان ناطق را با وجود آنها مورد آزمایش قرار دهد. به‌نام خدایی که فکر بخشید به انسان از برای ادراک و عمل. به‌نام خدایی که بر انسان چشم عنایت کرد تا از طریق آن واقعیت را بنگرد و بعد بر روی آن عمل کند.

با عرض ادب به محضر مبارک بقیة الله الاعظم ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء و با درود و سلام به نایب برحقش امام خمینی‌این قلب تپنده امت مسلمان جهان که با راهنمایی‌های پیامبرگونه‌اش ما را به راه سعادت و رستگاری سوق داد و با آرزوی پیروزی نهایی برای رزمندگان کفر ستیز اسلام که با رزم دلیرانه خود پوزه آمریکا و نوکر حلقه به گوشش صدام[3] را به خاک مالیدند و با آرزوی آزادی و زیارت کربلا و با درود و سلام بیکران به ارواح طیبه شهداء و جنگ تحمیلی که با نثار خون خود نهال انقلاب اسلامی را آبیاری کردند و با سلام به خانواده‌های محترم و معظم شهدا که با اهداء عزیزترین عزیزانشان دین خدا و انقلاب خدایی را یاری کردند.

خداوندا به درگاهت شکر می‌کنم که فرصتی برای من عطا فرمودی که در راه تو جهاد کرده و دین خود را اداء نمایم. اینک چند نکته به عنوان وصیت به برادرانم عرض می‌کنم به این امید که عمل کنند. در تمامی لحظات زندگی خود به یاد خدا باشید تا عنایت خود را بیشتر کند سپس از امام عزیز پیروی کنید و دستوراتش را مو به مو اجرا کنید. مواظب

1- بالای برگه چاپی که وصیت‌نامه در آن نوشته شده آمده است «بسم الله الرحمن الرحیم تاریخ 64/11/12. إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیَانٌ مَرْصُوصٌ، بدرستی که خدا دوست می‌دارد آنان را ه کارزار کنند در راهش صف‌زده، گویا که ایشانند بنایی استوار ساخته شده».

2- در اصل وصیت «بقره/ 201».

3- ر.ک. تعلیقات.

خون‌هایی که در راه خدا ریخته شده باشید که این خون‌ها کلید درهای بسته کربلا و قدس عزیز است. وقتی که لب به‌دعا می‌گشایید رزمندگان مجروحین و معلولین جنگی و اسرا را از یاد مبرید از همه افرادی که با من آشنائی دارند درخواست می‌کنم که برای من از پیشگاه خدای تعالی طلب آمرزش کنند شاید که به خاطردعای مؤمنین خداوند از تقصیراتم بگذرد زیرا که احساس می‌کنم بار گناهانم بر دوشم سنگینی می‌کند.

پدر گرامی امیدوارم که مرا ببخشید و مرا حلال کنید که موقع رفتن نتوانستم شما را زیارت کنم. و مادر عزیزم امیدوارم که مرا به این سن رسانیده‌ای و زحماتی برایم کشیدی و من نتوانستم آن زحمات‌ات را جبران‌کنم. امیدوارم مرا حلال کنی. دیگر آشنایان هم مرا حلال کنید من هم که یک بنده حقیر هستم همه شما را حلال می‌کنم و شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

(بار الها به جز این خون ناقابل چیز دیگری ندارم که تقدیمت کنم).

ضمناً 35 روز روزه دارم و کفاره‌اش را دادم.

«والسلام»

J-E-M-B

نشر شاهد

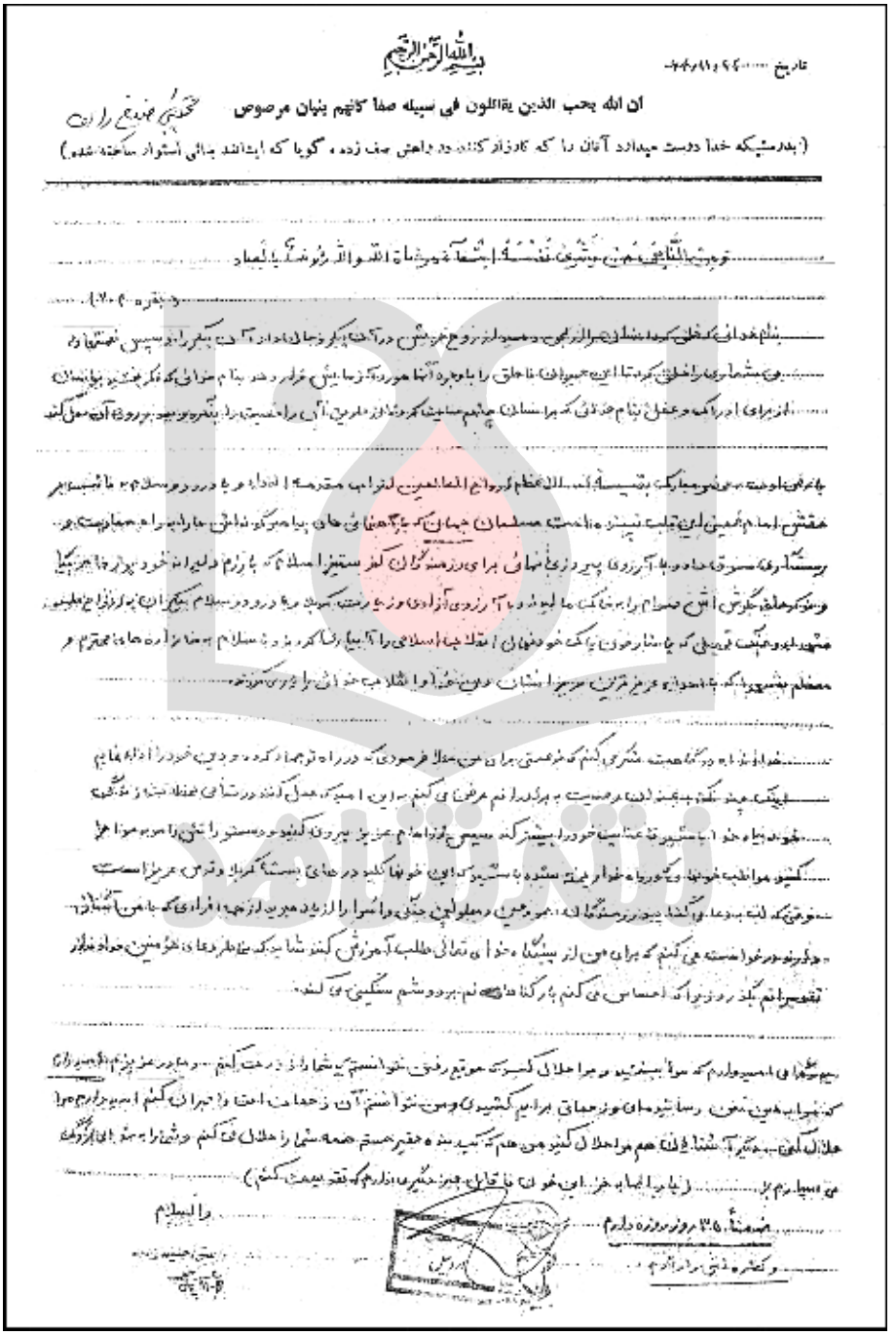

نام: **علی**
نام خانوادگی: **طایف‌نژاد سادات**
نام پدر: **حنیفه**
نام مادر: **هوا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1341
محل تولد: **روستای سیاب کنـدی از توابـع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفدهم آبان** 1362
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای برادرانم مثل برادران شهید راه من را ادامه بدهید.
- مگذارید اسلحه من به زمین بیافتد.
- سنگر من را خالی مگذارید.
- مادرجان آن یک خواهر مـرا چنـان نـصیحت کـن کـه مثـل دیگـر خـواهران ادامـه‌دهنـده راه حسین(**7**) باشد.

نشر شاهد

علی طایف‌نژاد سادات[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

و ای مادر و پدرمهربان بعد از شهید شدن من هیچ ناراحت نباشید و مانند حضرت زینب(**3**) صبور باشید ای مادر مهربان درست است که 20 سال از من مواظبت کردی و با رنج و زحمت که در راه من کشیدی خیلی از شما تشکر می‌کنم. مادر عزیزم از شما خواهش می‌کنم که مرا ببخشید که موقع آمدن به جبهه شما را ندیده‌ام و از شما خداحافظی نکردم. امیدوارم که مرا به بزرگی خود ببخشید و پدرجان ازشما هم خواهش می‌کنم که به مادرم دلداری بدهید، چون قلب مادر خیلی ضعیف و مهربان است. هر وقت بخواهد گریه کند مگذار چون وقتی که مادرم گریه می‌کند من خیلی ناراحت می‌شوم و ای برادرانم از شماها هم می‌خواهم که مثل برادران شهید راه من را ادامه بدهید و اسلحه مرا گرفته با کفاریان بجنگید. مگذارید اسلحه من به زمین بیافتد و سنگر من را خالی مگذارید و مادرجان آن یک خواهر مرا چنان نصیحت کن که مثل دیگر خواهران ادامه دهنده راه حسین(**7**) باشد. چنانچه که کوچک است ولی بعدها بزرگ می‌شود پدرجان من به چند نفر بدهی دارم از شما خواهش می‌کنم که آنها را بپردازید ـ به حبیب تقی پور 150 تومان به قربانعلی علیزاده 110 تومان و به اسحق اسلامی اهل قصابه که چند سال پیش به من 100 تومان داده بود 30 تومان به عباس میزبان آن هم اهل‌قصابه است آنها را بپردازید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»[2]

قربان شماها علی طائفه‌نژاد

1- از شهید علی طایف‌نژاد تصویر نسخه تایپی وصیت‌نامه موجود است. از آنجایی که این قبیل وصایا از نظر ادارهٔ کل بنیاد شهید استان و یا بنیاد شهید شهرستان مورد تأیید و مستند است عین وصیت را منظور کرده و مانند سایر وصایا روی آن گویاسازی صورت می‌پذیرد.

2- در اصل وصیت «و سلام علیکم و رحمت الله و برکاته».

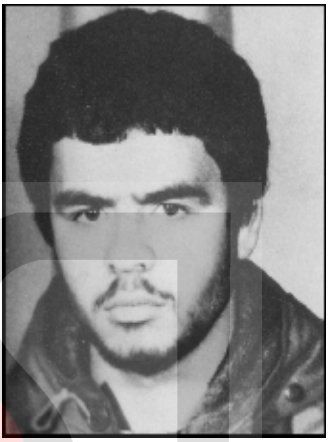

نام: **اژدر**
نام خانوادگی: **طاعتی**
نام پدر: **عسگر**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم دی** 1349
محل تولد: **شهرستان نیر**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نوزدهم مرداد** 1366
محل شهادت: **ابوالفتح عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای چهارده معصوم زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- با خداوند به تجارت برخیزید.
- در مقابل حوادث چون کوه استوار تا لشکریان دشمن نابود نشده آسوده نخواهم بود.
- بدانید که من این راه را کورکورانه و از روی جهل و نادانی انتخاب نکرده‌ام.
- ای کاش در کربلا سجده می‌کردم و خاک پاک کربلا را می‌بوسیدم.
- ای همسنگران پایگاهیم پاسداری از حرمت خون شهدا و گرم نگهداشتن جبهه‌ها از وظایف خطیر شماست.

شهرشاهد

اژدر طاعتی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با خداوند به تجارت برخیزید، به خدا قسم من تا آخرین لحظه مقاوم و استوار خواهم ایستاد در مقابل حوادث چون کوه استوار تا لشکریان دشمن نابود نشده آسوده نخواهم بود تا به شهادت برسم، دست بر نخواهم داشت.

بدانید که من این راه را کورکورانه و از روی جهل و نادانی انتخاب نکرده‌ام، بلکه برای رضای خدا و احیای اسلام ناب محمدی(**6**) و جاری نمودن احکام شرع اسلام انتخاب کرده‌ام و ای کاش در کربلا سجده می‌کردم و خاک پاک کربلا را می‌بوسیدم و اما ای همسنگران پایگاهیم مسئولیت مشکل و دشواری به دوش دارید و پاسداری از حرمت خون شهدا و گرم نگهداشتن جبهه‌ها از وظایف خطیر شماست و چنانچه در این راه شهید شدم جنازه‌ام را از پایگاه تشییع کنید، ما چون هر چه داریم از این جوانان و از این پایگاه‌ها است.

«والسلام»

1- بالای وصیت‌نامه تایپی شهید زندگی‌نامه‌ای کوتاه از شهید آمده است.

بسمه تعالی والصدیقین

زندگینامه وصیتی شهید [redacted]

شهید [redacted] در [redacted] در یک خانواده مستضعف و مذهبی چشم بدنیا گشود و در سن ۶ سالگی راهی مدرسه شد بعد از چند دوره دبستان ابتدائی را با پشت سر گذاشت دوره راهنمائی را شروع شد و در کلاس اول راهنمائی بسوی حلقه مبارزه علیه رژیم ستمشاهی گام برداشت و در جمع اسلامی بدین پیوست از دیگر به امامت بنشین در می آمد — پنجاه‌ین تظاهرات در سال ۱۳۴۲ به خاطر بسیج نیرو در آمد و در ایثار بازداشت شهید بازداده مشغول بسته [redacted] مدت فعالیت قبل از انقلاب را با جمعه را با [redacted] ولی بعلت کم سن مانع از ایشان میشدند خانواده [redacted] از بدو فعالیت‌هایش جبهه شد و در [redacted] در کردستان آغاز و عملیات مشغول خدمت گردید [redacted] در [redacted] در رجالی که مسئول انقلاب و عملیات کردستان حضرت علی اکبر را بعهده داشت در تاریخ نوزدهم مرداد [redacted] در منطقه پرواقع عمران بعد از (۶) ماه خدمت به آرزوی دیرینه اش که همان شهادت در راه خدا بود نائل گردید.

وصیت شهید [redacted]

با [redacted] شما برادر عزیز بدانید که تا قسم من تا آخرین لحظه مقاوم و استوار خواهم ایستاد در مقابل حوادث [redacted] سوار تا لشکریان دشمن نابود نشده آرزو نخواهم بود تا به شهادت برسم به دست پر نخواهم داشت [redacted] این راه را خود و خانواده ام از روی جهل و نادانی انتخاب نکرده ام بلکه برای رضای خدا و پیروی از [redacted] محمدی (ص) و جاری نمودن احکام نوع اسلام را انتخاب کرده ام و با کمال در کربلا سجده میکردم و [redacted] را میبوسیدم و با ان همسنگران پاکباختم مشکل و دشواری به دور دارید و پاسداری از [redacted] خون شهدا و کم نگذاشتن جبهه ها از وظائف خطیر شماست و بنابراین در این راه شهید شدم جنازه ام را از پایگاه [redacted] بدون هیچ [redacted] دلیل باز این بنوانان و از این پایگاه ها است.

((والسلام [redacted]))

((پایگاه [redacted] پاسداران [redacted] سالروز پیروزی خون بر شمشیر و [redacted] را [redacted]))

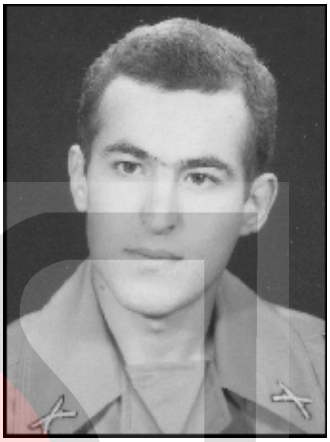

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **طالب‌العلم**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **نرگس**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت** 1335
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **دوم خرداد** 1361
محل شهادت: **جاده خرمشهر - اهواز**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای ججین زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- در مکتبم اسلام مردن در خون یک افتخار است.
- مردن بدون آه، مردن با لبی خندان، این قانون اسلام است.
- اگر صدایی از من [آید] آن بانگ الله اکبر است که اندامتان را خواهد لرزاند.
- ما دیرگاهی است که با الله پیمان بسته‌ایم.
- سال‌ها است که بی‌پروا بر مرگ آغوش گشوده‌ایم.
- در دفتر ایام زمان این مرگ (شهادت) را با حماسه می‌آویزم.

سند شاهد

محمدرضا طالب‌العلم[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

من اگر تنم بر خاک افتد، خون و جراحت به بدنم هزاران شکوفه زند، گام‌هایم همه از راه خسته شوند، اگر غلت بر خاک و سنگ قتلگاه زنم و از درد جراحت چشم بر هم نهم دائم زیر مشت و لگدهای کثیفتان از درد بر خود بپیچم، داغ حسرت یک آه را بر دلشان خواهم گذاشت، چون که در مکتبم اسلام مردن در خون یک افتخار است. مردن بدون آه، مردن با لبی خندان، این قانون اسلام است و تنها شما مزدوران باید شاهد مرگم باشید و اگر صدایی از من [آید][2] آن بانگ الله اکبر است که اندامتان را خواهد لرزاند.

ما دیرگاهی است که با الله پیمان بسته‌ایم. دیرگاهی است که عاشقانه سر به تیغ شما سائیده‌ایم. سال‌ها است که بی‌پروا بر مرگ آغوش گشوده‌ایم و اگر خونم را ریزی بر خاک و سنگ کشورم پیمان جاودانه عشق را ثبت خواهم کرد. و در دفتر ایام زمان این مرگ (شهادت) را با حماسه می‌آویزم.

ای مزدوران عراقی از مرگ من شاد مباش زیرا عشق من والاتر از پول تو، مرگم شریفتر از زندگیت، روحم عزیزتر از جسمت، خونم گویاتر از تیرت و سرخ‌تر از جام شرابت، بانگم برنده‌تر از هر سلاح و رساتر از هر صدای توپ، مشت من سخت‌تر از قلب توست. آری ای مزدور این نه تنها پیام من به توست، بلکه فریاد هزاران رزمندهٔ اسلام است.

1- بالای وصیت‌نامهٔ تایپی برخی از اعلام شهید آمده است.

2- در اصل وصیت «آید» از قلم افتاده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

نام و نام خانوادگی : محمد رضا طالب العلم

تاریخ تولد : ۱۳۴۵ محل تولد : اردبیل

میزان تحصیلات : لیسانس

شغل : سربان نگاور تاریخ شهادت : ۶۱/۳/۲

محل شهادت : خرمشهر

بسم الله الرحمن الرحیم

متن وصیت نامه شهید محمد رضا طالب العلم

من اگر تنم بر خاک افتد ، خون و جراحت به بدنم هزاران شکوفه زند گامهایم همه از راه خسته شوند ، اگر فلت بر خاک و سنگ قتلگاه زنم و از درد و جراحت چشم بر هم نهم دائم زیر مشت و لگد های کثیفان از درد بر خود بپیچم داغ حضرت یک آه را بسرد لشان خواهم گذاشت چونکه در مکتبم اسلام مردن در خون یک افتخار است مردن بدون آه ، مردن با لبی خندان این قانون اسلام است و تنها شما مزدوران باید شاهد مرگم باشید و اگر صدائی از من آن بانگ الله اکبر است که اندامتان را خواهد لرزانید .

ما در پرگاهیم این است که با الله پیمان بستهایم در پرگاهی است که عاشقانه سر بسجده نهاده ایم سالها است که بی پروا بر مرگ آغوش گشوده ایم و اگر خونم را ریزی بر خاک و سنگ کشور اسلام پیمان جاودانه عشق را ثبت خواهم کرد و در دفتر ایام زمان این مرگ (شهادت) را با حماسه می آویزم .

ای مزدوران عراقی از مرگ من شاد مباشید زیرا عشق من والاتر از پرل تو ، مرگم شریفتر از زندگیت روحم عزیزتر از جسمت . خونم گویاتر از تیوت سرخ تر از جام شرابت ، بانگم بریده تر از هر سلاح و رساتر از هر صدای توپ ، مشت من سخت از قلب توست . آری ای مزدوران نه تنها پیام من به توست بلکه فریاد هزاران رزمنده اسلام است . . . .

نام: **برات**
نام خانوادگی: **طالبی**
نام پدر: **ابوطالب**
نام مادر: **زبیده**
تاریخ تولد: **نهم تیر** 1328
محل تولد: **روستای ساقصلو از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **خواندن و نوشتن نمی‌دانست**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به‌طور داوطلب به‌خاطرخدا، قرآن، دین، ایمان، برای حفظ ناموس وطن به جبهه اعزام می‌شوم.
- اسلام همیشه پیروز است (انشاء الله).
- به گفته امام خمینی اگر دشمن را بکشیم پیروز هستیم و اگر هم شهید بشویم باز هم پیروز هستیم.
- امام حسین(7) که شهید شد و دین اسلام را زنده کرد.
- اگر ما هم شهید بشویم دین اسلام را زنده‌تر می‌کنیم.
- شهید به معنای شاهد و زنده است ما زنده‌ایم و جان خود را برای اسلام وقرآن و برای امام حسین(7)، علی‌اکبر(7)، علی اصغر(7) و قاسم(7) فدا کردیم.
- نماز انسان‌ساز است. شیطان‌ها از نماز می‌ترسند.
- با دشمن دین بجنگید و شهید بشوید تا نماز زنده بماند.
- بنده هیچ چیز و هیچ راهی را واجب‌تر از آن ندانستم که باید به جبهه بروم.

برات طالبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

اینجانب برات طالبی، فرزند ابوطالب به شناسنامه شماره 314 متولد 1328 در تاریخ 1362/10/18 وصیت‌نامه‌ام را می‌نویسم. بنده به‌طور داوطلب به‌خاطرخدا، قرآن، دین، ایمان، برای حفظ ناموس وطن به جبهه اعزام می‌شوم که با دشمن دینمان صدام کافر نه تنها صدام بلکه با آنهایی که به هر نحوی برایش کمک می‌کنند. بجنگم، تا پیروزی نهایی. و اسلام همیشه پیروز است (انشاء الله). به گفته امام خمینی اگر دشمن را بکشیم پیروز هستیم و اگر هم شهید بشویم باز هم پیروز هستیم[1] همچون امام حسین(7) که شهید شد و دین اسلام را زنده کرد و اگر ما هم شهید بشویم دین‌اسلام را زنده‌تر می‌کنیم. ما این درس را از امام حسین(7) آموخته‌ایم و اگر شهید شدم خوشحال بشوید. مادر عزیزم، برادرانم، فامیل‌هایم، فرزندانم و همسرم اگر شهید شدم برای بنده حقیرگریه نکنید گریه برای مرده‌هاست و بس، نه برای شهیدان. شهید به معنای شاهد و زنده است ما زنده‌ایم و جان خود را برای اسلام وقرآن و برای امام حسین(7)، علی‌اکبر[2](7)، علی اصغر[3](7) و قاسم[4](7) فدا کردیم تا اسلام به قیام محمد(6) زنده بماند و شما هم در خط امام حسین(7) و در خط رهبر امام‌خمینی باشید. سنگرهای ما را خالی نگذارید و به گفتهٔ رهبرمان امام خمینی نمازهای جمعه و نمازهای غیر جمعه را هرچه باشکوهتر بجا بیاورید چون نماز انسان‌ساز است. شیطان‌ها از نماز می‌ترسند اولین شرطشان مسلمان بودن واقعی آن است که نماز بخوانید و با دشمن دین بجنگید و شهید بشوید تا نماز زنده بماند. من از علما شنیده‌ام که گفته‌اند محمد(6) خاتم الانبیا بر روی زمین در سه جهت خطهایی رسم کرد یکی به سمت چپ ودیگری به سمت راست و سومی

1- صحیفه امام، ج 4، ص 492.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.

به‌طور مستقیم و فرمود راه شما نه از راه چپ است و نه از راه راست بلکه راه شما همین راه مستقیم است و راه اسلام همان (صراط مستقیم) که در نماز هم آمده است. بنده هیچ چیز و هیچ راهی را واجب‌تر از آن ندانستم که باید به جبهه بروم و با این دفعه سومین بار است که به جبهه می‌روم و اگر قابلیت شهادت داشته باشم و شهید شدم بنده راه امام حسین(7) را رفتم و همیشه آرزو داشتم و با خودم می‌گفتم «یا امام حسین(7) کاش من هم درکربلا بودم و شهید می‌شدم»[1] این همان آرزوی قلبی من است که برای بنده نصیب شده است.

اگر شهید شدم بنده را در شهر اردبیل و در قبرستان بهشت فاطمه در جوار هم‌سنگرانم دفن کنید اگر ممکن است مجلس ترحیم بنده را به اسم خودم نباشد، بلکه به نام یکی از هفتاد و دو تن از شهدای کربلا و به نام هفتاد و دو تن از شهیدان ایران (بهشتی)[2] برگزار شود و در روزهای پنجشنبه و جمعه به بیمارستان‌ها و قبرستان‌ها بروید و دعا کنید که بگویید خدایا شهیدان ما را هم از شهیدان هفتاد و دو تن کربلا حساب کنید که منظور من این نبود که شهیدان ایران از شهیدان کربلا نیست فقط مقام و زمان فرق دارد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

خدا حافظ شما

«والسلام»

اینجانب قربان دین اسلام هستم.

برات طالبی

امضاء برات طالبی

1- اشاره دارد به فرازهایی از زیارت ششم امام حسین(7). «یا کنتی کنت معکم و فافوز فوزاً عظیماً». (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 511).

2- ر.ک. تعلیقات.

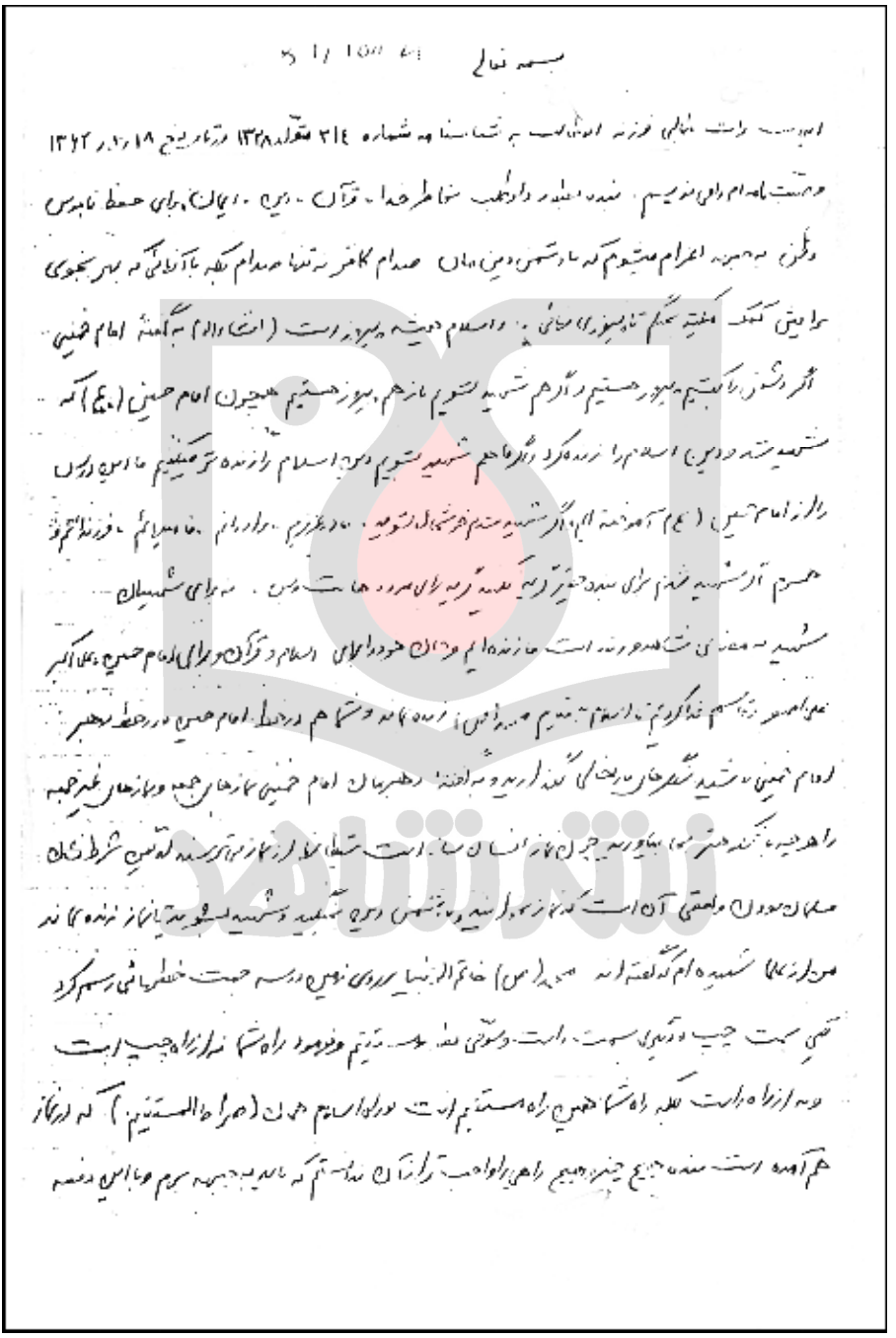

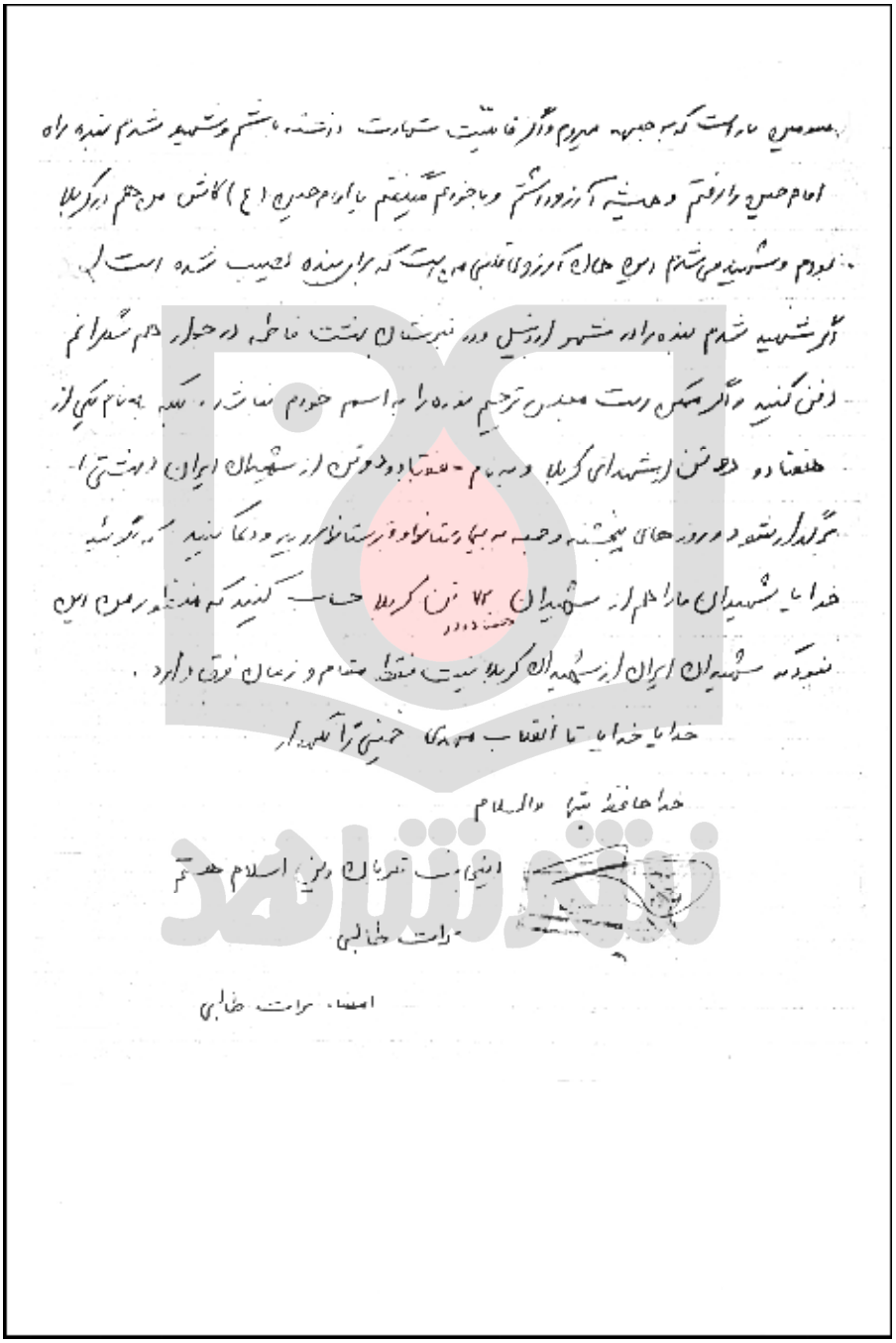

بسمه تعالی وصیت نامه من است که هر جبهه میروم و اگر فائق شدم باشم و شهید شدم بنده راه امام حسین را رفتم و همیشه آرزو داشتم و میخواستم میتوانم با امام حسین (ع) کاش من هم در کربلا بودم و شهید میشدم امروز همان آرزوی قلبی من است که برآورده نصیب شده است اگر شهید شدم بنده را در مشهد اردهال در قبرستان تخت فاطمه در حوار دختر شهرانم دفن کنید و اگر ممکن نیست بدن ترکیم بنده را به اسم خودم نداشت، کلیه وسایل که از هفتاد و دو تن از شهدای کربلا و سیدالشهدا - هفتاد و دو تن از شهیدان ایران (دوستی) برگردانده شود و در روزهای پنجشنبه و جمعه بر سر مزار بنده و دیگر کنید که شهید خدایا شهیدان ما را هم از شهیدان ۷۲ تن کربلا حساب کنید که هفتاد و دو تن این شهید که شهیدان ایران از شهیدان کربلا نیست فقط مقام و زمان فرق دارد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

خدا حافظ شما والسلام

وصیت نامه قربان دین اسلام هستم

رامت طالبی

امضاء رامت طالبی

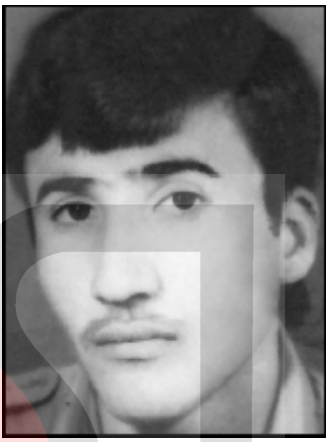

نام: **خوشنویس**
نام خانوادگی: **طالبی**
نام پدر: **بیرامعلی**
نام مادر: **خانم‌بالا**
تاریخ تولد: **یکم مرداد** 1342
محل تولد: **روستای بلوکانلو از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ژاندارمری**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم بهمن** 1362
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بار پروردگارا، آرزویم تنها شهادت در راه تو است.
- معبودا به یگانگی‌ات و رحمت بی‌کرانت قسم می‌دهم شهادت در طریقت را بر این بنده نیز ارزانی بدار.
- باور کنید من آگاهانه خود این راه را انتخاب کردم.
- من آرزویم این است که خدا شهادتم را بپذیرد.
- شهادت در راه خدا از همه چیز بهتر است.
- این بهترین راهی بود که انتخاب کردم.
- به دیگران بزرگی نفروشید همیشه خود را از دیگران کوچک بشمارید.
- همیشه صبور باشید چون خدا با صابران است.
- کوردلان بدانند که من این راه را کورکورانه انتخاب نکرده‌ام.
- هدفم زنده نگه داشتن اسلام مقدس است.

خوشنویس طالبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

«كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»[1] (قرآن کریم)

بار پروردگارا، آرزویم تنها شهادت در راه تو است زیرا کشته شدن در راهت برایم از هر چیزی لذتبخش‌تر می‌باشد. معبودا به یگانگی‌ات و رحمت بی‌کرانت قسم می‌دهم شهادت در طریقت را بر این بنده نیز ارزانی بدار.

مادرم مهربانم: سفارشم بر شما این است که بعد از شهادت من ناراحت نباشید. می‌دانم تحمل نبودنم برایتان سخت است ولی باور کنید من آگاهانه[2] خود این راه را انتخاب کردم و تنها آرزویم هم همان شهادت در راه خداست.

[پدر عزیزم][3] می‌دانم برای بزرگ کردنم هزاران رنج و زحمت را متحمل شدی. از اینکه نتوانستم جبران محبت‌های تو را به‌جای آورم [...][4] را دارم.

برادرم: از شما می‌خواهم بعد از شهادتم اسلحه مرا برداری و سنگرم را خالی نگذاری[5] و همیشه به دیگران و بزرگترها احترام بگذارید.

سفارشم این است موقع تشییع جنازه من دست‌های مرا از تابوت بیرون بگذارید تا دنیا دوستان و زراندوزان بدانند که من از دنیا دست خالی می‌روم و این دنیا ارزش دل بستن به آن را ندارد.

نمی‌میرد شهید پهنه عشق [...][6] نباشد هر که می ترسد ز میدان

ای شهیدان: شما بر بال کدام ملک نشستید که بی‌امان و شتابان به‌سوی معبود شتافتید؟

1- بقره/ 28. ترجمه «چگونه کافر می‌شوید به خدا و حال آنکه مرده بودید و زنده کرد شما را و دیگر بار بمیراند و باز زنده کند و عاقبت به‌سوی او بازخواهید گشت».

2- در اصل وصیت «آگاهان».

3- تعبیر «مادر عزیزم» در اصل وصیت خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «نکذری».

6- خوانا نیست.

شما جریان خون سرخ کدام شهیدان را در وجودتان احساس کردید که رگهایتان را تحمل آن خون نبود؟

شما نام پاکتان را بر لوح کدامین پیامبر دیدید که بر «براق» شهادت نشستید و از ماند توان تحمل را گرفتید؟

شما در نماز شب‌هایتان با خدا چه گفتید که معبود اینگونه زود پذیرفتتان؟

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه شهید خوشنویس طالبی در جبهه کردستان (منطقه سردشت) در مورخه 62/10/16

من آرزویم این است که خدا شهادتم را بپذیرد، چون هدف و آرمانم تنها خداست شهادت در راه خدا از همه چیز بهتر است. تنها آرزویی که دارم این است که خداوند شهادت را نصیبم کند و از کلیه دوستان و فامیلان تقاضایم این است که بعد از شهادت من ناراحت نشوند و این بهترین راهی بود که انتخاب کردم.

مادرم بعد از من ناراحت نباش و گریه و زاری نکن. شیرت را حلالم کن زیرا که زیاد زحمتم را کشیدی گر چه من نتوانستم در زندگی دست‌گیری برای شما باشم، شاید بار سنگینی بر دوش شما بودم مرا ببخش و شیرت را در این آخرین دم حیات حلالم کن، چون می‌دانم داغ پسر بر دل سخت است، ولی تحمل کن اصلاً گریه و زاری به وجودت راه مده و پدرم شما که با هزاران زحمت مرا بزرگ کردی و به این سن رساندی باید مرا ببخشی که نتوانستم عوض این زحمات جبران کنم که شاید روزی در کنار پسرت به راحتی به زندگی بپردازی با هر چه آرزوی بیشتر من آرزویم این است که با این اخلاق [بد] و ناشایسته‌ام مورد پوزش قرار دهید.

برادرم اصلاً ناراحت نباشید. بعد از من گریه و زاری نکنید، چون خود می‌دانم داغ برادر سخت است، تحمل کردنی نیست ولی خدا این وعده را داده است و شاید اخلاقی ناشایسته داشتم مرا مورد پوزش قرار دهید.

خواهرم: پدر و مادرم و برادرانم را دلداری دهید، نگذارید گریه وزاری کنند و نگذارید

اسلحه من بر زمین بیفتد. بعد از من سنگرم را پر کنید. گذشته از اینها برادر کوچکم را اذیت نکنید چون داغ برادر خیلی سخت است و همیشه او را دلداری دهید و به دیگران بزرگی نفروشید همیشه خود را از دیگران کوچک بشمارید و نگویید که چون شهید داده‌ام باید بر دیگران بزرگی بفروشم. همیشه صبور باشید چون خدا با صابران است. در ضمن ای هموطنان اگر از من اذیت به شما رسیده باشد حلالم کنید و موقع تشییع جنازه من دست‌های مرا از تابوت بیرون بگذارید تا دنیا پرستان بدانند که من دست خالی از این دنیا می‌روم و چشم‌های مرا باز بگذارید تا کوردلان بدانند که من این راه را کورکورانه انتخاب نکرده‌ام بلکه هدفم زنده نگه داشتن اسلام مقدس است و تنها خواهشی که از شما دارم مرا در قبرستان روستای بلوکانلو دفن کنید و بر سر مزارم این شعر را بنویسید:

ای خدا آنکه تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند[1]
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

شعری به رهبرم امام خمینی

ای خمینی ای امام امت زمان افتخار مسلمین و یار شیعیان
ای رهبرم تاج سرم زنده باشی جاویدان زنده باشی جاویدان

شعری به پدر بزرگوارم

من سرباز نهضتم تاروح و جان دارم چون امتحان دارم
من آرزوی دیدن صاحب زمان دارم درد نهان دارم
در دل نشان از عشق پاک شهیدان دارم عالی نشان دارم
بر راه قرآن می روم من پی اسلام می روم
بابا خداحافظ بابا خداحافظ

شعری به مادرم

1- شعر از خواجه عبدالله انصاری است.

شـــــده مـــــادر دم هجـــــران مـــــی‌روم پـــــیش شـــــهیدان
ای وفـــــــاپرور مـــــــن مهربـــــان مـــــادر مـــــن
پیـــــرو خمینـــــی گـــــشتم بـــــر دیـــــن ز جـــــان گذشـــــتم
بـــــا خـــــون دل نوشـــــتم زنـــــده بـــــاد رهبـــــر مـــــن
مهربـــــان مـــــادر مـــــن مهربـــــان مـــــادر مـــــن

شعری به برادرم

ای برادر دین خود بر دین ادا باید نمود جان فشانی در ره دین خدا باید نمود
انقلاب کربلا سرمشق هر نهضت بود حفظ خط انقلاب کربلا باید نمود
این ندا آید ز مظلومان عاشورا[1] به گوش بر شهادت هر زمان خود را رضا باید نمود

«والسلام»
خوشنویس طالبی
62/10/16

1- در اصل وصیت «آشورا».

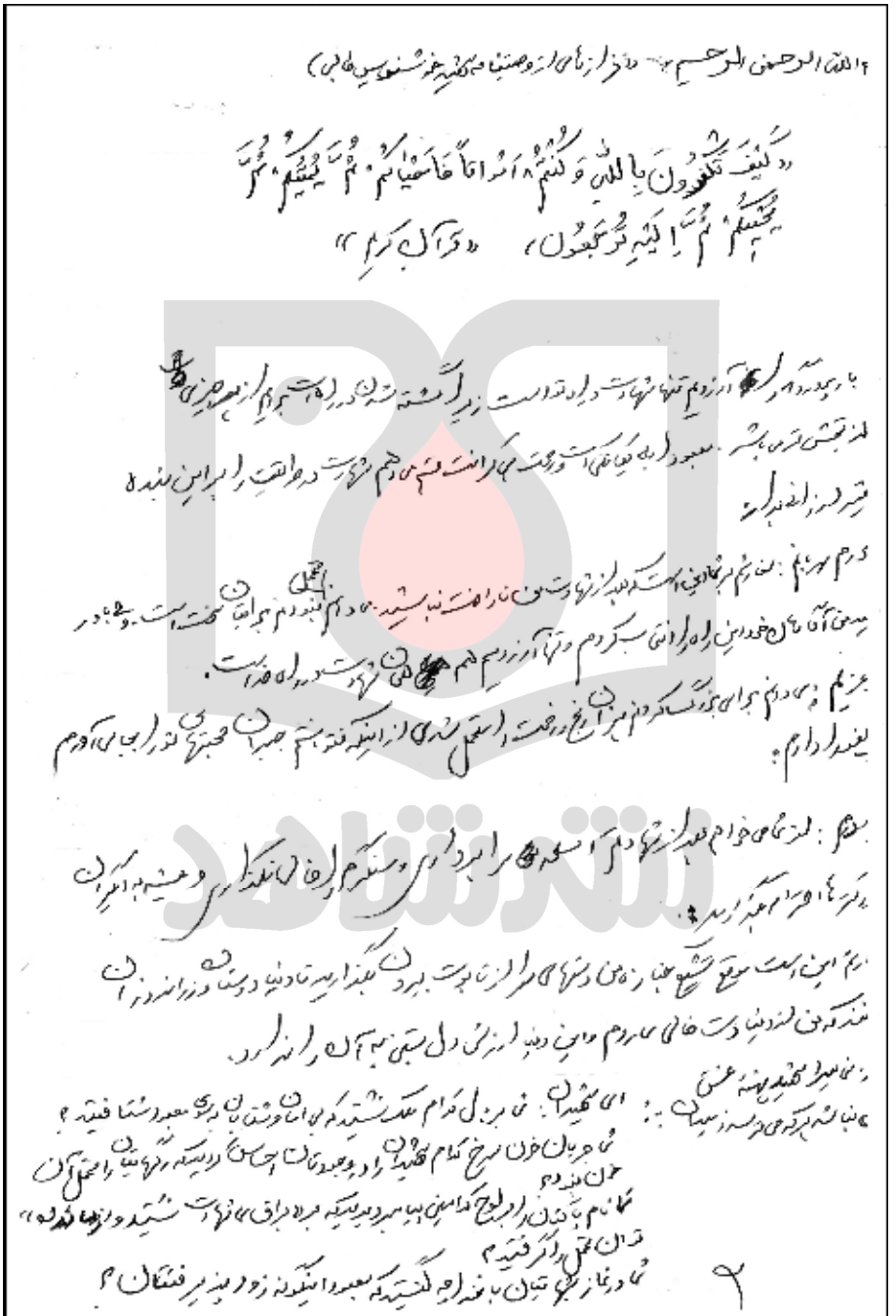

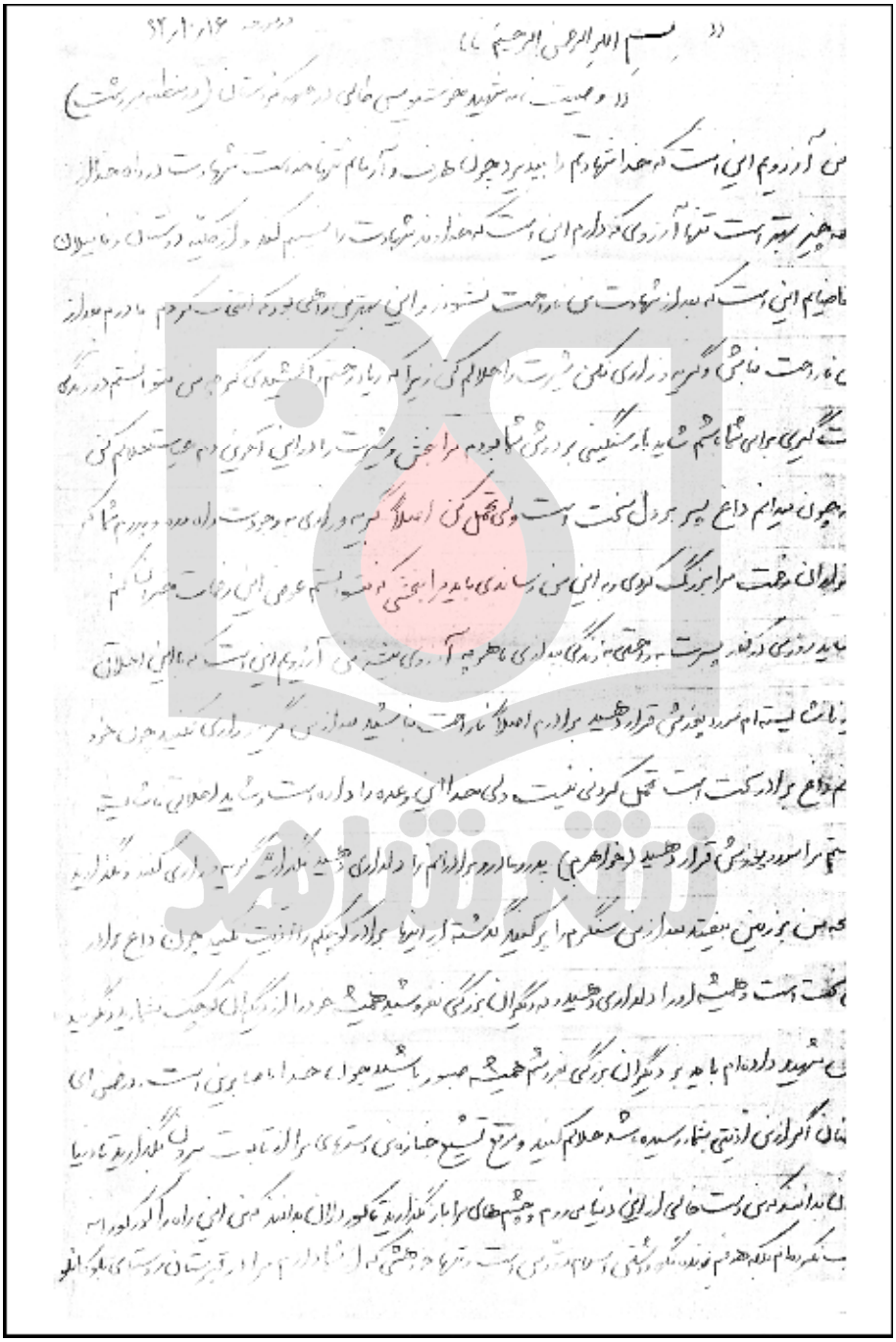

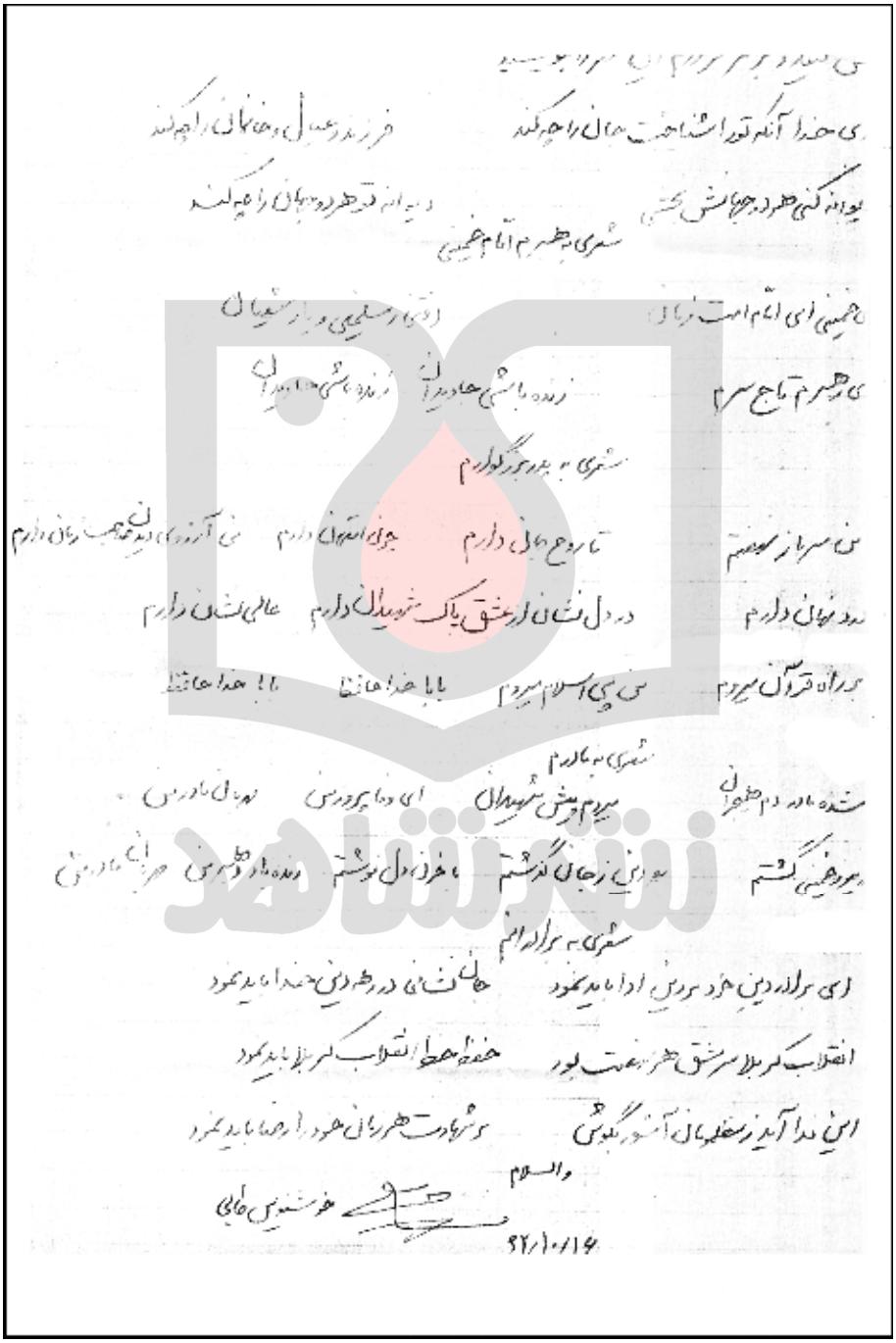

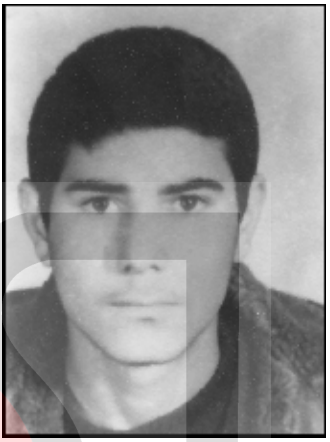

نام: **بهاالدین**
نام خانوادگی: **طالبی ساقصلو**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **لاله‌زار**
تاریخ تولد: **سوم آذر** 1349
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم تیر** 1365
محل شهادت: **پیرانشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از شما می‌خواهم که از ادامه‌دهندگان راه شهیدان و پشتیبان حضرت امام خمینی باشید.
- استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست.
- همیشه به یاد خدا باشید، در راه خدا باشید.
- هرگز نگذارید دشمنان بین شما و روحانیت متعهد تفرقه بیندازند.
- که صداقت و اخلاص خود را نسبت به امام حفظ کنید و سعی کنید عظمت او را دریابید.
- نماز و روزه را از یاد نبرید که بهترین وسیله برای نزدیکی به خداوند بخشنده هستند.

نسترن شاهد

بهاالدین طالبی ساقصلو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

«گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی می‌بینند».

با سلام و درود به پیشگاه باعظمت ولی‌عصر(عج) و حضرت امام خمینی نایب برحقش وصیت‌نامه خود را در حالی‌که به ما آماده باش داده‌اند و ما خود را آماده نبرد می‌کنیم می‌نویسم. البته من کوچکتر از آنم که به شما عزیزان و بزرگواران وصیتی داشته باشم، ولی به حکم وظیفه شرعی و به‌عنوان رزمنده‌ای کوچک از شما پدر و مادر و برادران و خواهران عزیز و بزرگوارم می‌خواهم که از ادامه‌دهندگان راه شهیدان و پشتیبان حضرت امام خمینی باشید و استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست. همیشه به یاد خدا باشید، در راه خدا باشید و هرگز نگذارید دشمنان بین شما و روحانیت متعهد تفرقه بیندازند که اگر چنین کنند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست و صداقت و اخلاص خود را نسبت به امام حفظ کنید و سعی کنید عظمت او را دریابید. اگر فیض شهادت نصیبم گشت نگذارید آنان‌که پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند بر من بگریند و بر جنازه من حاضر شوند. نماز و روزه را از یاد نبرید که بهترین وسیله برای نزدیکی به خداوند بخشنده هستند.

من که از مال دنیا چیزی ندارم که دربارهٔ آنها تعیین تکلیف کنم فقط از شما می‌خواهم که من را دعا کنید و از ادامه دهندگان راه شهیدان باشید و اگر خواستید بر من گریه کنید به امام حسین(**7**) و یاران او بگریید که از پیشوایان نقل شده است که گریستن بر امام حسین(**7**) حزن و اندوه را در روز قیامت از چشمان او می‌گیرد.

پدر و مادرم از زحماتی که برای من کشیده‌اید قدردانی و تشکر می‌کنم و از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و حلالم کنید و همچنین از شما برادران و خواهرانم و تمام

1- آل‌عمران/ 169.

دوستان و آشنایان طلب حلالیت دارم. همه شما را به خداوند منان می‌سپارم. امیدوارم که در جهان آخرت خداوند ما را با انبیاء و اولیاء و بندگان محبوب خود محشور گرداند.

در پی دیدار خدا می‌روم عاشقم و به کربلا می‌روم
همره جمع شهدا می‌روم فدائی راه علی اکبر[1]م

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

نویسنده: بهاءالدین طالبی

نشر شاهد

1- ر.ک. تعلیقات.

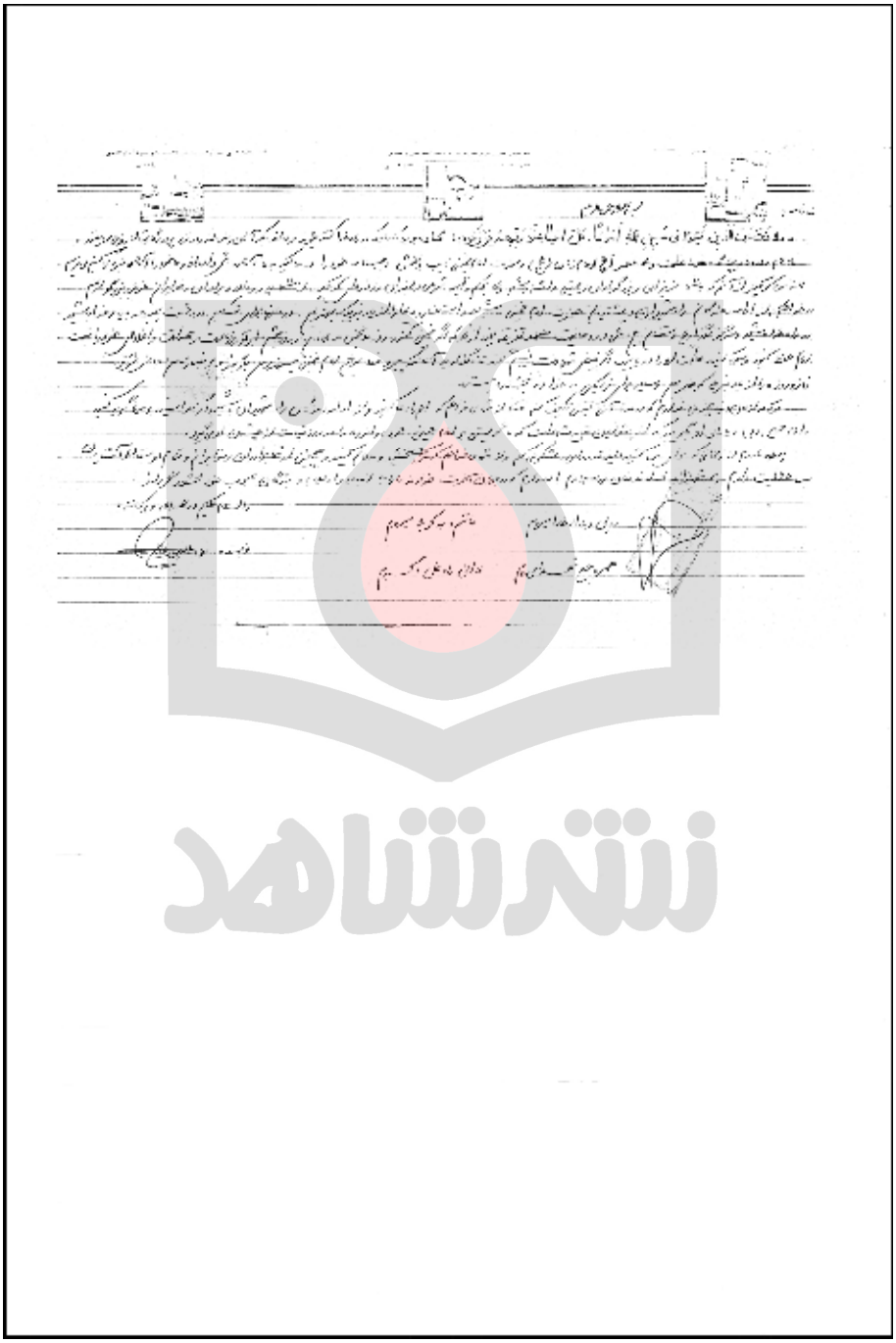

نام: **پرویز**
نام خانوادگی: **طالعی**
نام پدر: **آقا سلطان**
نام مادر: **بهجت**
تاریخ تولد: **چهاردهم تیر** 1344
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای قاسمیه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- راه پیامبران، راه راستگویان، راه شهیدان همان است که قرآن ما را به آن دعوت می‌کند.
- امروزه همهٔ ما باید در میدان‌های حق علیه باطل شرکت کنیم.
- نگذاریم خون آن همه شهیدان که در راه خدا ریخته شده است پایمال شود.
- خدا را شکر می‌کنم که جهاد کردن در میدان‌های حق علیه باطل را نصیبم گردانید.
- پروردگارا به ما طول عمر بده تا در عملیات‌های بیشتری شرکت کنیم.
- شخص مؤمن دائماً به یاد خداوند بر نعمت‌ها شکرگزار و در بلاها صبرکننده است.

شاهد

پرویز طالعی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ»[2]

[...][3] بستری بیماری بمیرم (حضرت [...] سرمشق قرار دهیم طبق آیهٔ شریفهٔ قرآن عبارتند [...] راه صالحین، راه پیامبران، راه راستگویان، راه شهیدان و راه نیکوکارن، [...] این راهی که بندهٔ حقیر [...] همان است که قرآن ما را به آن دعوت می‌کند. (جهاد در راه خدا) [...]

امروزه همهٔ ما باید در میدان‌های حق علیه باطل شرکت کنیم و نگذاریم خون آن همه شهیدان که در راه خدا ریخته شده است پایمال شود. وظیفهٔ همهٔ ما نگهداری دین اسلام می‌باشد. «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیة»[4]. «همه ما در برابرخداوند مسئول هستیم» هر کس احساس مسئولیت نکند، مخصوصاً دراین برهه از زمان، در روز قیامت مؤاخذه می‌شود و نمی‌تواند جوابگو باشد.

بندهٔ حقیر طبق فرمان امام که «جبهه احتیاج به نیرو دارد وهرکس ازتوانش بیاید باید به جبهه برود»[5] بنده هم تکلیف دیده و به جبهه آمده‌ام تا باشد خدا همهٔ ما را قبول نموده و از جملهٔ مخلصین قرار دهد.

خدا را شکر می‌کنم که جهاد کردن در میدان‌های حق علیه باطل را نصیبم گردانید. اگرانسان بخواهد هم در این دنیا و هم درآخرت به سعادت و خوشبختی می‌رسد. [...]

بنابراین ما باید بدانیم که برای چه به دنیا آمده‌ایم. آیا فقط برای خوردن و آشامیدن و

1- بالای وصیت نوشته شده «وصیت‌نامهٔ شهید پرویزطالعی».

2- توبه/ 20.

3- قسمت‌های متعددی از اصل وصیت خوانا نیست. برای جلوگیری از تکرار پانویس‌های یکسان این مشکل را با [...] مشخص کردیم.

4- حدیث نبوی است. «بحارالانوار، ج 72، ص 308، باب الانصاف و العدل».

5- ر.ک. تعلیقات.

خوابیدن آمده‌ایم. [...] عظمت پیامبر اکرم(6) قسم که برای اینها خلق نشده‌ایم بلکه برای تحقق [...] اسلامی و انسانی [...]شده‌ایم و در این راه باید حسین‌وار [...]

بارالها تورا به عظمتت قسم می‌دهم که گناهان مرا ببخش تا در روز قیامت [...] پروردگارا به ما طول عمر بده تا در عملیات‌های بیشتری شرکت کنیم و [...] قرار بده.

و در آخر از همهٔ شما می‌خواهم که همیشه پیرو خط امام خمینی باشید و تمام اوامر ایشان را اطاعت کنید. شخص مؤمن دائماً به یاد خداوند متعال [...] زیاد، بر نعمت‌ها شکرگزار و در بلاها صبرکننده است. در پایان از همهٔ دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم.

«**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**»[1]

پرویزطالعی

65/9/30

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

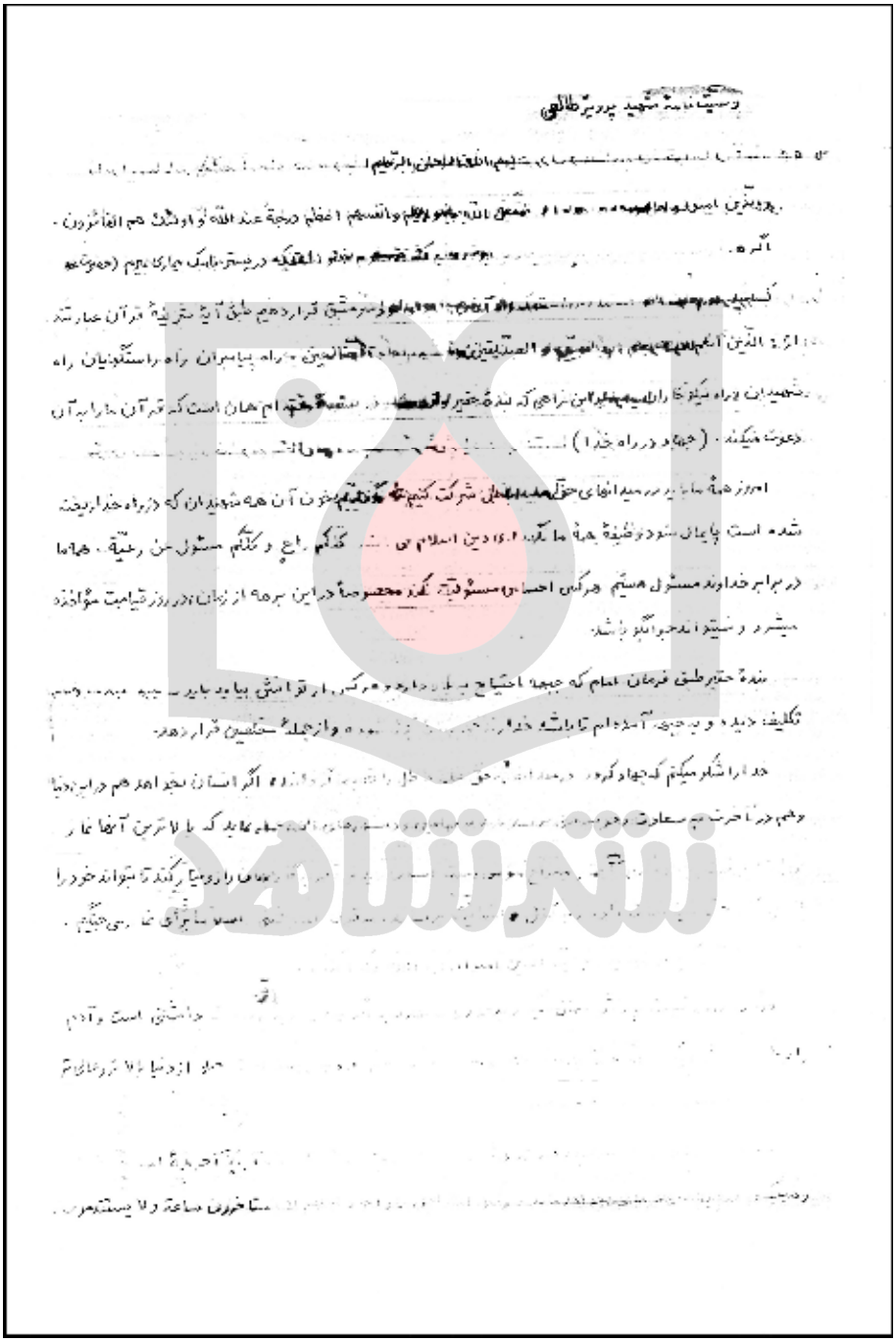

وصیت‌نامه شهید پرویز طالقی

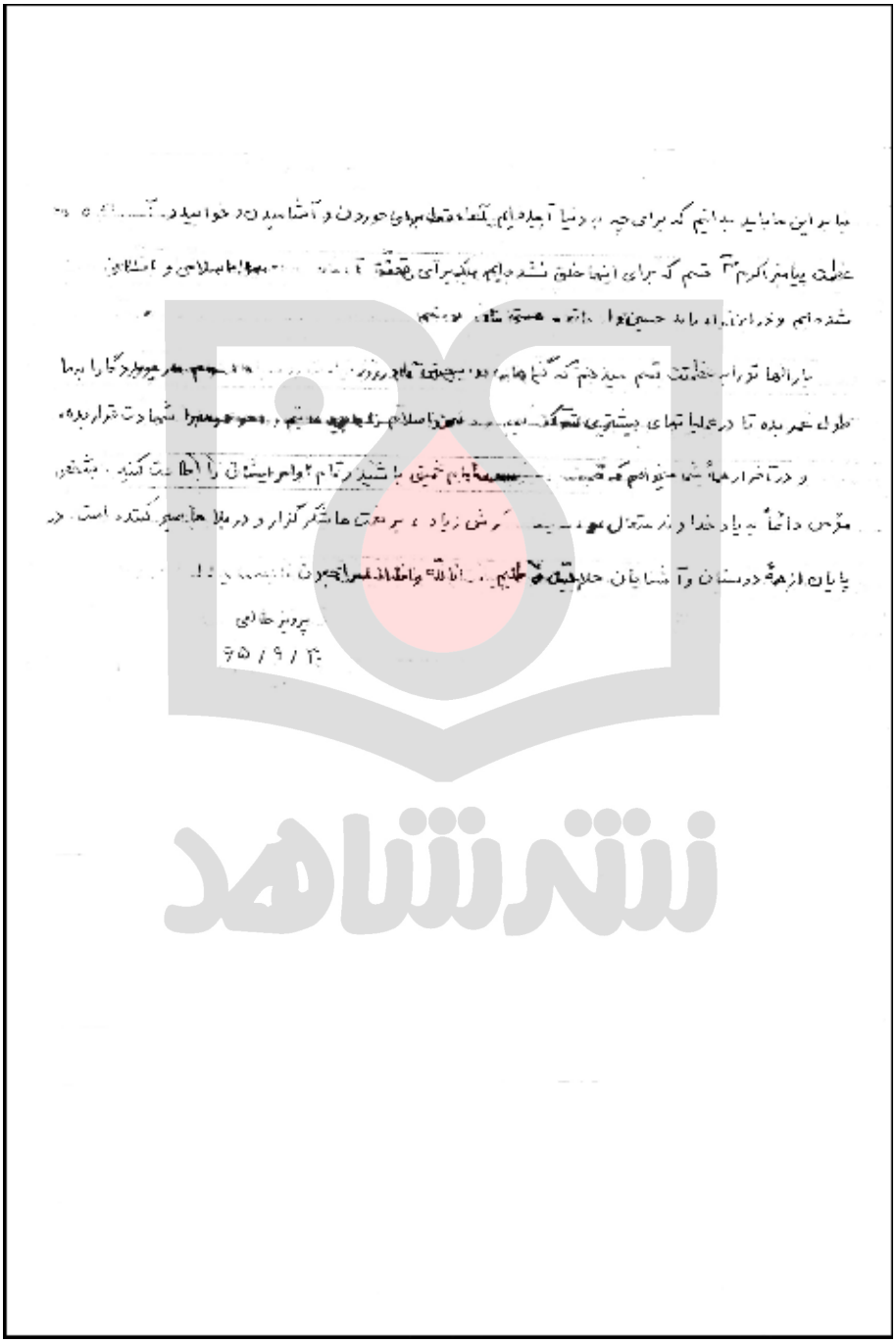

نام: **کلام‌الله**
نام خانوادگی: **طالعی**
نام پدر: **آقا سلطان**
نام مادر: **بهجت**
تاریخ تولد: **دوازدهم مرداد** 1337
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم مهر** 1362
محل شهادت: **محور بانه- مریوان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای قاسمیه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جامعه‌ای که می‌خواهد حکومت الله را حکمفرما کند باید خون بدهد.
- کربلا یک نمونه از ایثار و شهادت برای ماست.
- می‌روم تا با مرگ خود در میدان حق و باطل دین خود را ادا کرده باشم.
- عزیزان، دنیا محل آزمایش انسان‌هاست.
- تنها سخنم این است که این پرچمدار راستین اسلام، امام خمینی را یاری نمایید.
- در راه خدا قربانی دادن هیچ‌گونه ناراحتی ندارد.
- همیشه یاد خدا باشید تا دلتان آرام بگیرد.

کلام‌الله طالعی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

اگر با کشتن من دین محمد(6) باقی می‌ماند، پس ای شمشیرهایِ بُرّان مرا در بر بگیرید.[2] (امام حسین (7)) لبیک یا حسین

جامعه‌ای که می‌خواهد حکومت الله را حکمفرما کند و بر علیه ظلم و ستم قیام نماید و دین انسان‌ساز اسلام را جایگزین مکاتب پوچ و توخالی نماید، باید خون بدهد و عزیزترین عزیزانش را قربانی نماید که اسلام همیشه این چنین بوده است و کربلا یک نمونه از ایثار و شهادت برای ماست. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»[3]

بنابراین من بنده گناهکار و حقیر می‌روم تا با مرگ خود در میدان حق و باطل دین خود را ادا کرده باشم. تا باشد خداوند ما را ببخشد و در جوار رحمت خود قرار دهد.

عزیزان، دنیا محل آزمایش انسان‌هاست و هر شخصی به این مرحله کشیده می‌شود. ای خدای مهربان تو را قسمت می‌دهم به مقرّبین درگاهت مرا در این آزمایش پیروز گردان. نفس اماره‌ام را نابود نما تا در درون خویش راه یابم.

من نالایق‌تر و کوچکتر از آن هستم که پیامی برای شما ملت شهیدپرور داشته باشم، تنها سخنم این است که این پرچمدار راستین اسلام، امام خمینی را یاری نمایید.

برای خانواده‌ام:

پدر، مادر، برادر و خواهر می‌دانم تحمل[4] مرگ من برایتان مشکل است ولی در راه خدا قربانی دادن هیچ‌گونه ناراحتی ندارد. اسلام در طول تاریخ بسیار تشنگی کشیده است و

1- بالای وصیت نوشته شده «وصیت‌نامه طالعی و در برگه چاپی هم این جمله را از امام خمینی آورده‌اند «افتخار بر رزمندگانی که جبهه‌های نبرد را با مناجات خویش عطرآگین نموده‌اند».

2- ترجمه «ان کان دین محمد...» ر.ک. تعلیقات. البته آنچه به‌عنوان حدیث به امام حسین(7) منسوب است چندان معتبر نیست.

3- از شعارهایی است که پس از نهضت امام حسین(7) در کربلا مشهور شده است.

4- در اصل وصیت «تحمیل».

احتیاج به خون دارد و باید خانواده‌ها در این راه از همدیگر جلوتر بیفتند. خداوند صابران را دوست دارد. «**إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**»[1] به اکبر داداش بگوید که مرا ببخشد که زیاد درباره من زحمت کشیده است و نتوانستم جواب نامه‌اش را بدهم.

مقدار 20 هزار تومان در بانک دارم که خرج تشییع جنازه‌ام نمایید. مبلغ 3800 تومان به سپاه بدهی دارم که سه ماه این‌جا بوده هیچ‌گونه پولی دریافت نکردم باید سپاه تسویه حساب نماید. قرار است دایر شود. به جای من پدرم وکیل است و هر کاری که می‌خواهد بکند.

و چنانکه جنازه‌ام به‌دست شما رسید در کنار قبر مادرم دفن نمایید و یک ماه روز و یک سال نماز قضا برایم بخوانید. و در صورتی که جنازه‌ام پیدا نشد پرچم لا اله الا الله در کنار قبر مادرم بزنید و یاد شهدا نمایید. در پایان از تمام دوستان و آشنایان بخواهید که مرا حلال نمایند. همیشه یاد خدا باشید تا دلتان آرام بگیرد.[2]

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

کلام‌الله طالعی

62/7/1

نشر شاهد

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

2- ترجمه بخشی از آیه 28 سورهٔ رعد است. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

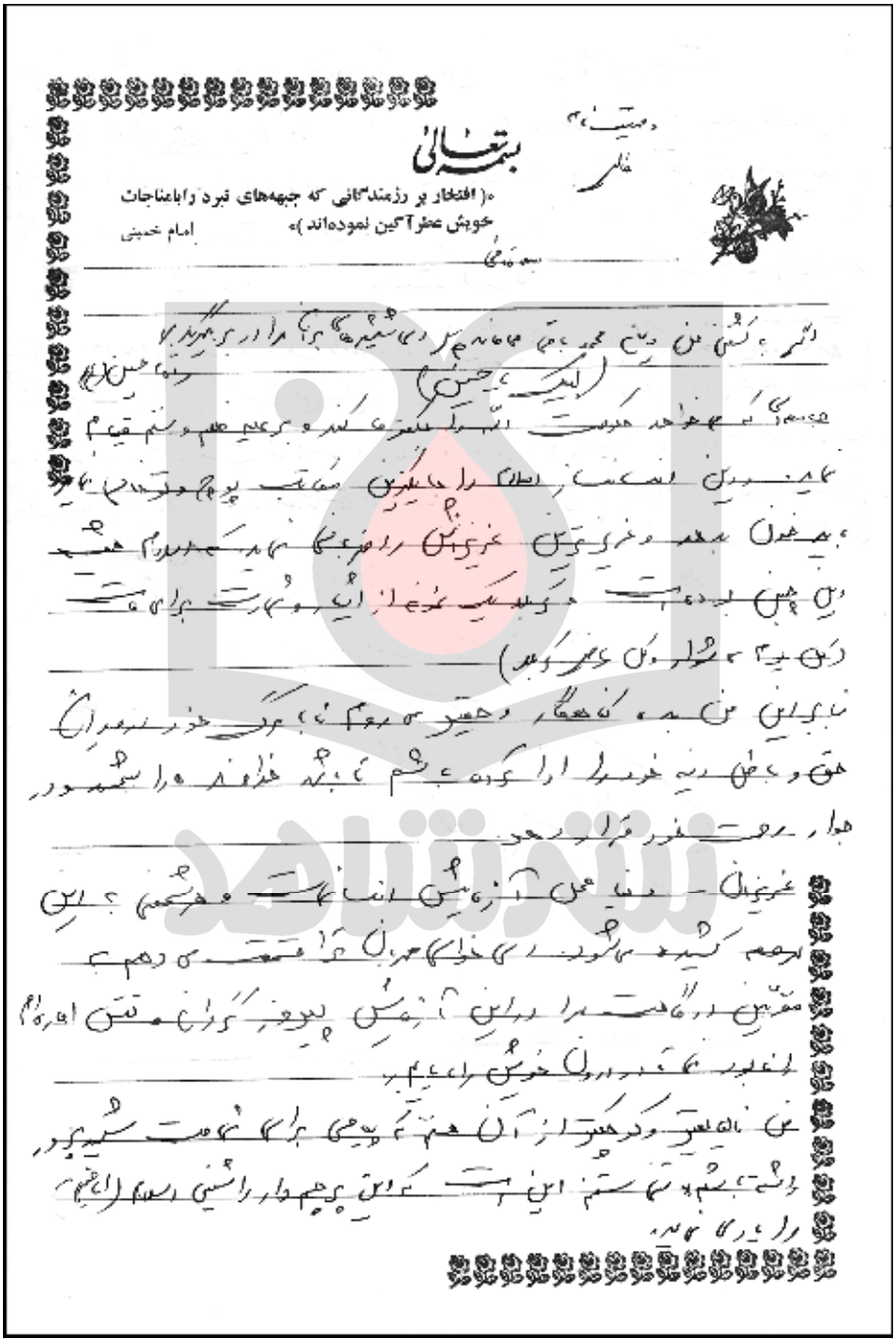

بسمه تعالی

«افتخار بر رزمندگانی که جبهه‌های نبرد را با عناجات خویش عطرآگین نموده‌اند» امام خمینی

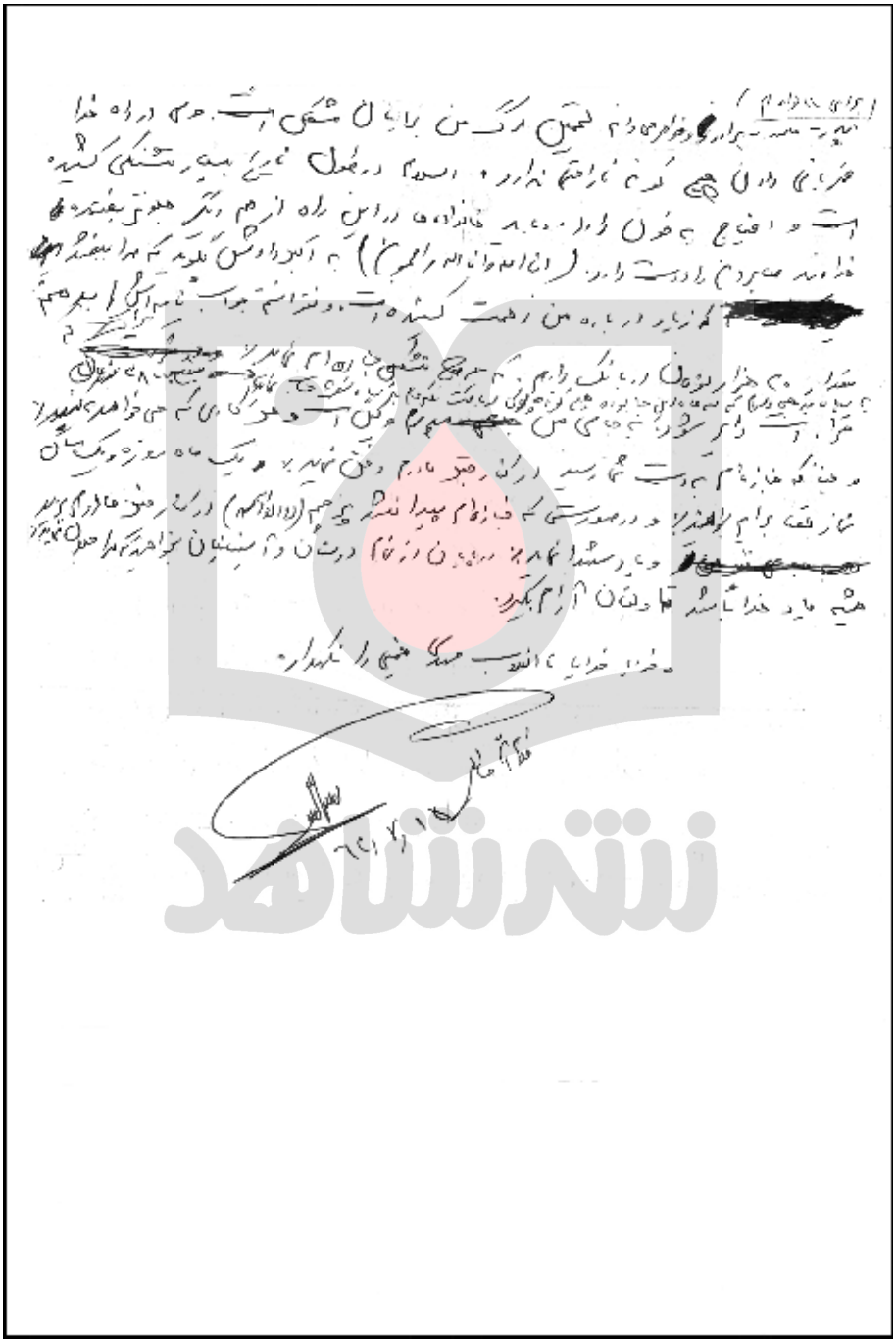

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **طاهری**
نام پدر: **ابوذر**
نام مادر: **خورشید**
تاریخ تولد: **دوازدهم آبان** 1344
محل تولد: **روستای برنـدق از توابـع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نهم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ما رفتیم و مانند امام حسین(**7**) جان خود را فدای قرآن کردیم و شما ماندیـد، زینـب‌وار در پشت جبهه‌ها تلاش کنید.
- شهادت زندگی است که ما خودمان آن را انتخاب کرده‌ایم.
- خدا اگر کسی امام را بشناسد خودش را فدای راه او می‌کند.
- دانش‌آموزان عزیز همیشه نماز را در مدارس بپا دارند و مسجدها را پر کنند.
- اگر سخنان رهبر را در زندگی سرمشق قرار دهید، هیچ‌وقت شکست نمی‌خورید.
- مدرسه را به دانشگاه تبدیل کنید.
- در انتخابات و راهپیمایی‌ها و مجالس عزاداری و غیره شرکت کنید.
- دوستان و جوانان عزیز با هوای نفس مبارزه کنید.
- خواهران عزیز سخن تمامی شهدا و رزمندگان اسلام این است که حجاب را رعایت کنید.
- اگر حجاب را رعایت نکنید از شهدا شرمنده خواهید شد.
- خواهرم حجاب تو افتخار اسلام است و خار چشم دشمنان است.
- با مردم از کوچک به بزرگ با اخلاق اسلامی رفتار کنند.

احمد طاهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهدا و الصدیقین

«وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

«و گمان نکنید آنهایی که در راه خداوند کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

من از ملت شهیدپرور عاجزانه می‌خواهم که راه شهدا را ادامه دهند و همیشه در صحنه‌ها حضور پیدا کنند. ما رفتیم و مانند امام حسین(**7**) جان خود را فدای قرآن کردیم و شما ماندید، زینب‌وار در پشت جبهه‌ها تلاش کنید و صدای ما را به گوش همهٔ جهانیان برسانید. ما رفتیم و راه حسین(**7**) را ادامه دادیم و شما ماندید راه زینب(**3**) را در پیش گیرید و هیچ‌وقت در تشییع جنازهٔ من ناراحت نباشید و چه‌طور که در عروسی من باید شادی می‌کردید در تشییع جنازه من نیز همانگونه شادی کنید و بدانید شهادت زندگی است که ما خودمان آن را انتخاب کرده‌ایم و هیچ‌کس ما را وادار به این کار نکرده است و دیگر خواسته‌های بنده از ملت شهیدپرور این است که امام را دعا کنند و این را هم بدانند به خدا اگر کسی امام را بشناسد خودش را فدای راه او می‌کند.

و خواهش بنده از دانش آموزان عزیز این است که در درس‌هایشان دقت کنند و همیشه نماز را در مدارس بپا دارند و مسجدها را پر کنند. ای دانش‌آموزان عزیز از فساد و فحشا در سنگر مدارس جلوگیری کنید و اگر خوب به وظیفه خود عمل کنید مانند یک سرباز در جبهه هستید، به‌طوری که شهید رجایی[2] می‌فرمایند: دانش‌آموزان در مدارس حکم سرباز در جبهه را دارند. و شما دانش‌آموزان اگر وظیفه‌هایتان را به خوبی انجام ندهید در قیامت در برابر شهدا مسئول هستید. و امام عزیز می‌فرمایند: شما دانش‌آموزان امید من هستید و چشم امید من به شماست. و گفته‌های رهبر را خوب گوش کنید و به آن عمل کنید. شما اگر

1- آل‌عمران/ 169. در اصل وصیت «قتلو».

2- ر.ک. تعلیقات.

سخنان رهبر را در زندگی سرمشق قرار دهید، هیچ‌وقت شکست نمی‌خورید و در انجمن‌های اسلامی خوب فعالیت کنید و به منافقین[1] مهلت ندهید. مدرسه را به دانشگاه تبدیل کنید و مانند یک دانشجو عمل کنید و شما امید امام و آینده‌ساز مملکت هستید و برادرها در انتخابات و راهپیمایی‌ها و مجالس عزاداری و غیره شرکت کنید.

و ای دوستان و جوانان عزیز با هوای نفس مبارزه کنید و اسلحه‌ها را برگیرید و راهمان را ادامه بدهید و بدانید تمامی شهدا در راه حفظ ناموس و آبرو و حیثیت و شرف خود جان نثار کرده و در راه خدا به شهادت نایل گردیدند و ای برادران در خواب غفلت و فراموشی فرو نروید که بسیار خطرناک است و این سخن حضرت علی(**7**) را در یاد داشته باشید که می‌فرماید: اگر در میدان جنگ با دشمن متجاوز با هزاران ضربه شمشیر کشته شوم بهتر از آن است که در بستر بمیرم و به گفته‌های رهبر گوش کنید و راه او را در پیش گیرید که یک راه مستقیم است.

و ای خواهران عزیز سخن تمامی شهیدان و رزمندگان اسلام این است که حجاب را رعایت کنید. اگر حجاب را رعایت نکنید از شهدا شرمنده خواهید شد و نکند خواهری چادر خود را در کوچه و بازار در بغل بگیرد و در مسجد یا مدرسه خود را بپوشاند. اگر برای خدا حجاب می‌پوشید، خدا شما را در هر جا و هر نقطه می‌بیند و ناظر اعمال شماست پس در هر جا حجاب را رعایت کنید و اگر برای ظاهرسازی می‌پوشید اشتباه است و در برابر خدا مسئول هستید. و از خواهران دانش‌آموز خواهشمندم که حجاب را به‌طور کامل رعایت کرده و دیگران را نیز به این کار وادار سازند. خواهرم حجاب تو افتخار اسلام است و خار چشم دشمنان است و سفارش شهدا است و سنگر است. باید این سنگرها را حفظ کنید.

از اعضای پایگاه خواهشمندم که در پایگاه خوب فعالیت کنند و کسانی را عضو بکنند که صلاحیت عضو بودن در آنجا را داشته باشد و پایگاه را به یک مدرسه تبدیل کنند و در آنجا برنامه آموزش قرآن بگذارند و دعای کمیل را در شب‌های جمعه برگزار کرده و مزار شهدا را از یاد نبرند و مردم را به آنجا جذب کنند و با مردم از کوچک به بزرگ با اخلاق

1- ر.ک. تعلیقات.

اسلامی رفتار کنند. و به دوستان و آشنایان بگویید مرا ببخشند اگر دربارهٔ کسی به گناهی مرتکب شده باشم امیدوارم مرا ببخشند و به پدر و مادرم بگویید گریه نکنند و مرا حلال کنند که دشمن از این گریه استفاده می‌کند. و به برادرانم بگویید مرا حلال کنند و هیچ‌گونه ناراحت نباشند، اسلحه مرا گرفته و راهم را دنبال کنند.

دعای همیشگی، خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار(3).

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

پاسدار شهید احمد طاهری

«اجرکم عند الله»

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

61/11/30

ضمن سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود[1] فراوان به برادران رزمندگان[2] اسلامی ایران و سلام تمام جبهه‌های حق علیه[3] باطل.

به خدمت برادر عزیزم جناب آقای محمدعلی کیانی سلام. ضمن سلام پس از تقدیم عرض سلام و سلامتی شما را از درگاه خداوند بزرگ متعال خواهان و خواستارم. امیدوارم[4] که انشاءالله در زیر سایهٔ خداوند بزرگ پیروز و موفق است. سلام مرا به تمام دوستان و آشنایان برسد. برادر خدایار اخوارن به شما سلام می‌رسید.

1- در اصل وصیت «دور».

2- در اصل وصیت «زمنده‌گان».

3- در اصل وصیت «عیله».

4- در اصل وصیت «امیدارم».

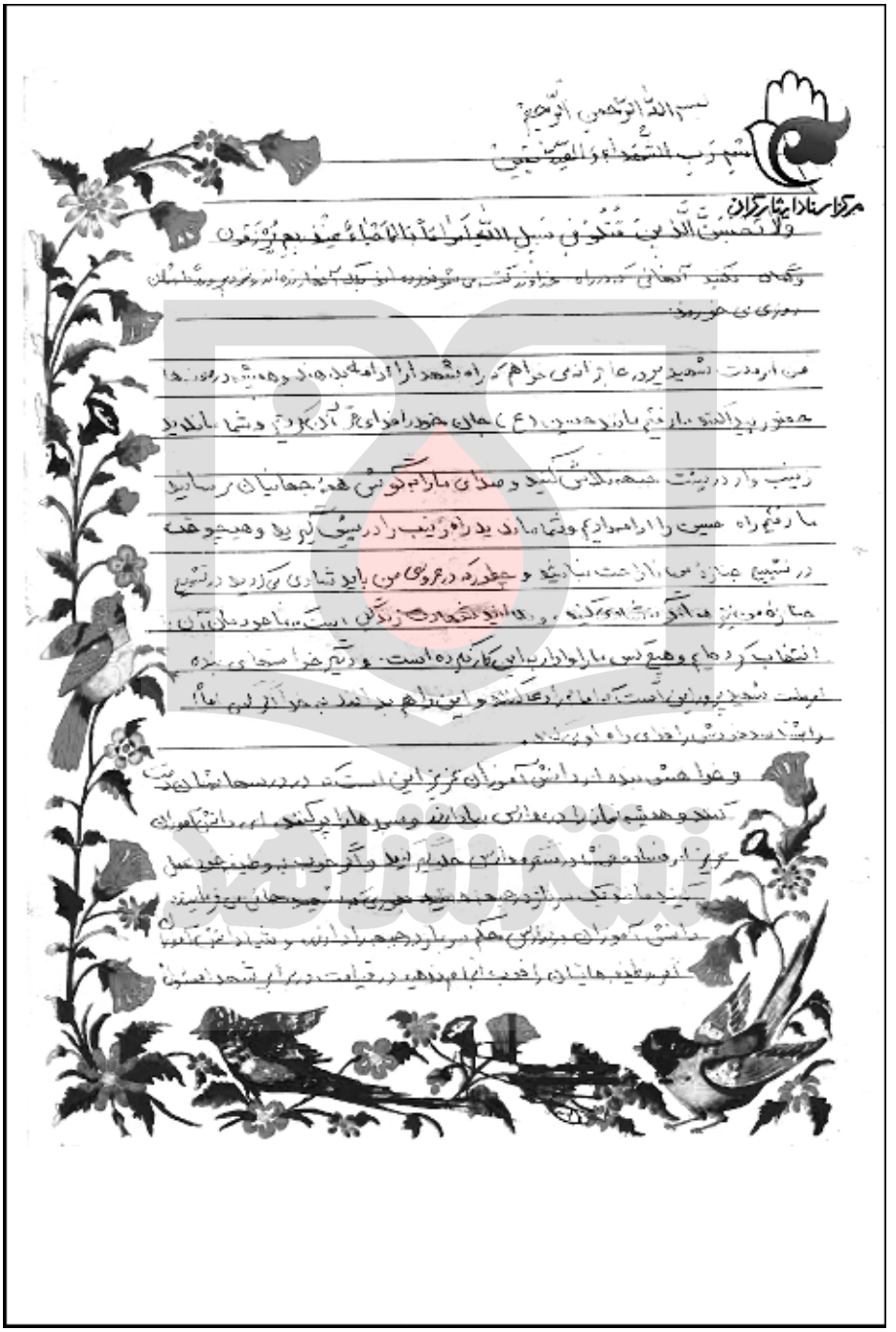

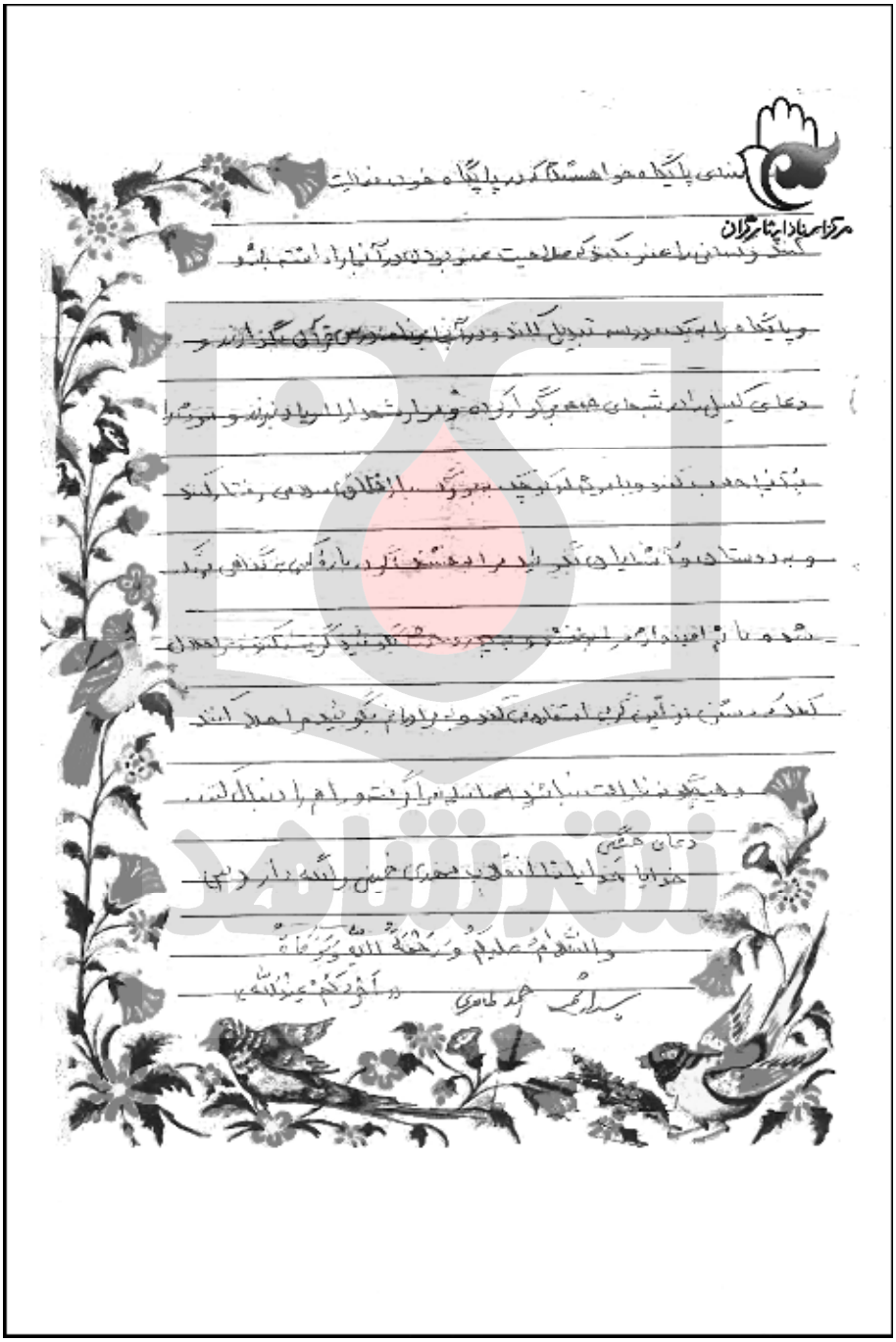

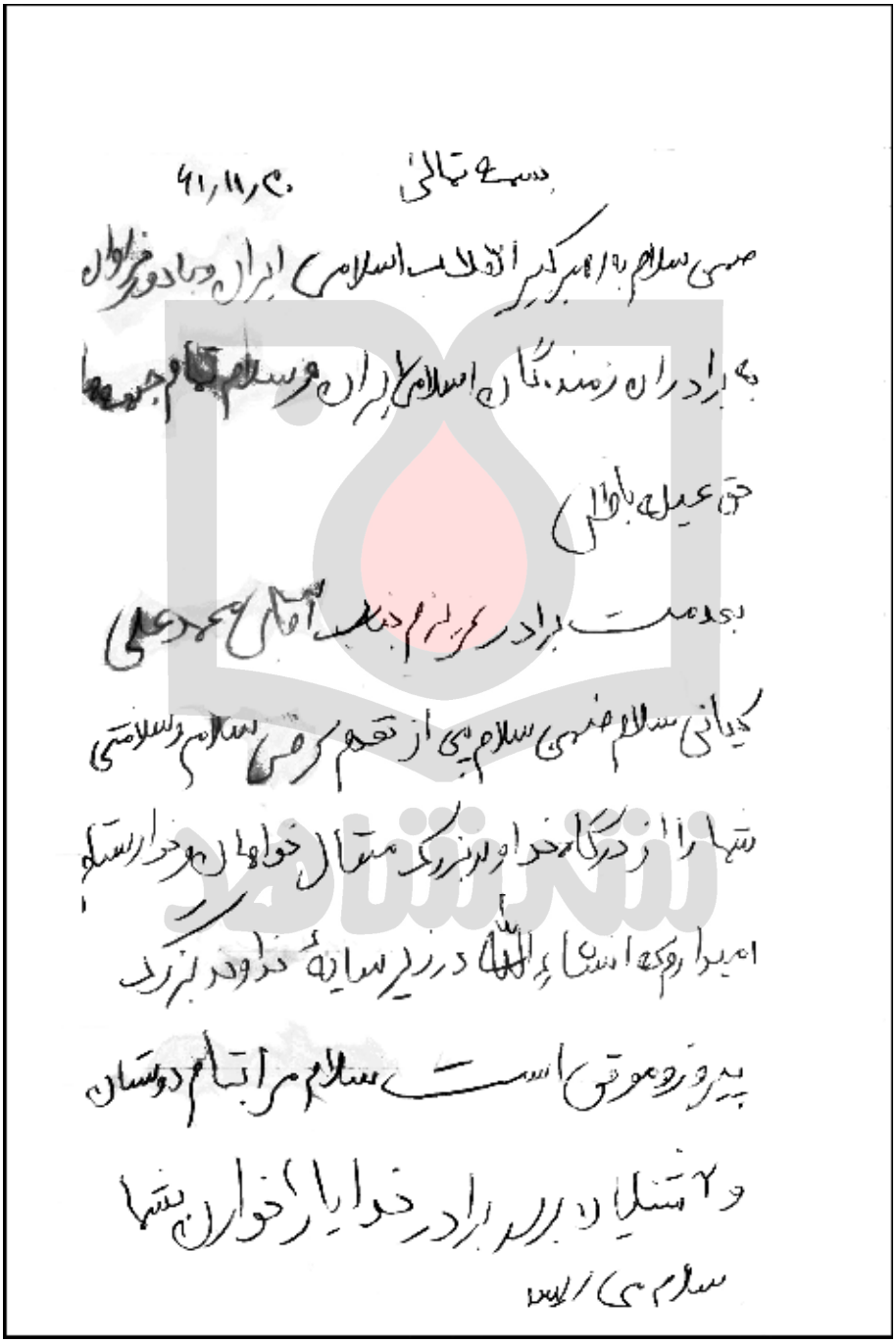

بسمه تعالی

۴۱/۱۱/۲۰

صبحی سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و یاور مظلومان

به برادران رشید و دلاور ارتش اسلام ایران و سلام بر تمام جبهه‌ها

حق علیه باطل

بعد مت برادر گرامی جناب آقای محمد علی

کیانی سلام فنهی سلام پی از تقدیم کرمی سلام و سلامتی

شما را از درگاه خداوند بزرگ متعال خواهان و خواستار

امیدوارم که انشاء الله در زیر سایهٔ خداوند بزرگ

پیروز و موفق است سلام مرا تمام دوستان

و آشنایان برسانید از خواهر و برادر خواهان شما

سلام می رسد

نام: **میرابراهیم**
نام خانوادگی: **طاهری الله‌لو**
نام پدر: **میرقابیل**
نام مادر: **اینجی بیگم**
تاریخ تولد: **پنجم خرداد** 1346
محل تولد: **روستای شه‌لـو از توابـع شهرستان مشگین‌شهر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هشتم اسفند** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا تو را سپاس که به لطف تو چنین انقلاب در این سرزمین به وقوع پیوست.
- خون جوانان مخلص و مؤمن به پای درخت نوپای جمهوری اسلامی روان است.
- عده‌ای روسیاه و خائن، قدر این نعمت را نمی‌دانند.
- خدایا تو را شکر که به این بنده حقیر توفیق شهادت دادی.
- از خداونـد آفرینـنده جهـان خواهـانم کـه مـسئولین ادامـه دهنـده راه امـام خمینـی رهبـر و معصومین(**8**) باشند.

سنجش شاهد

میرابراهیم طاهری اللهلو[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

خدایا تو را سپاس که به لطف تو چنین انقلابی در این سرزمین به وقوع پیوست و پیروز شد تا ما راه واقعی خود را که سعادت دنیا و آخرت در آن است یافتم. پروردگارا تو ناظری در وقتی که جوی‌های خون جوانان مخلص و مؤمن به پای درخت نوپای جمهوری اسلامی روان است، چگونه عده‌ای روسیاه و خائن، قدر این نعمت را نمی‌دانند. ثمره خون این ستاره‌های پاک را پایمال می‌کنند و به این انقلاب و مردم مسلمان خیانت می‌کنند. دشمن خدا و اسلام را یاری می‌کند. خداوندا تو را شکر که به این بنده حقیر توفیق شهادت دادی چون می‌دانم که با کرامت خودت گناهانم را بخشیدی آنگاه شهادت را نصیبم نمودی. [از][2] خداوند آفریننده[3] جهان خواهانم که[4] مسئولین ادامه دهنده راه امام خمینی رهبر و معصومین(**8**) باشند.

و من الله التوفیق

سید ابراهیم طاهری

65/6/25

با دست خط برادر کوچک شهید سید احمد طاهری جانباز جنگ تحمیلی[5]

سید طاهری

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «قسمتی از وصیت‌نامه شهید پاسدار اسلام سید ابراهیم طاهری از اردبیل. محل شهادت ماووت غرب کشور در عملیات بیت‌المقدس سوم».

2- در اصل وصیت «از» از قلم افتاده است.

3- در اصل وصیت «آفرنده».

4- در اصل وصیت «که».

5- وصیت‌نامه شهید ابراهیم طاهری توسط برادرشان (احمد طاهری) بازنویسی شده است.

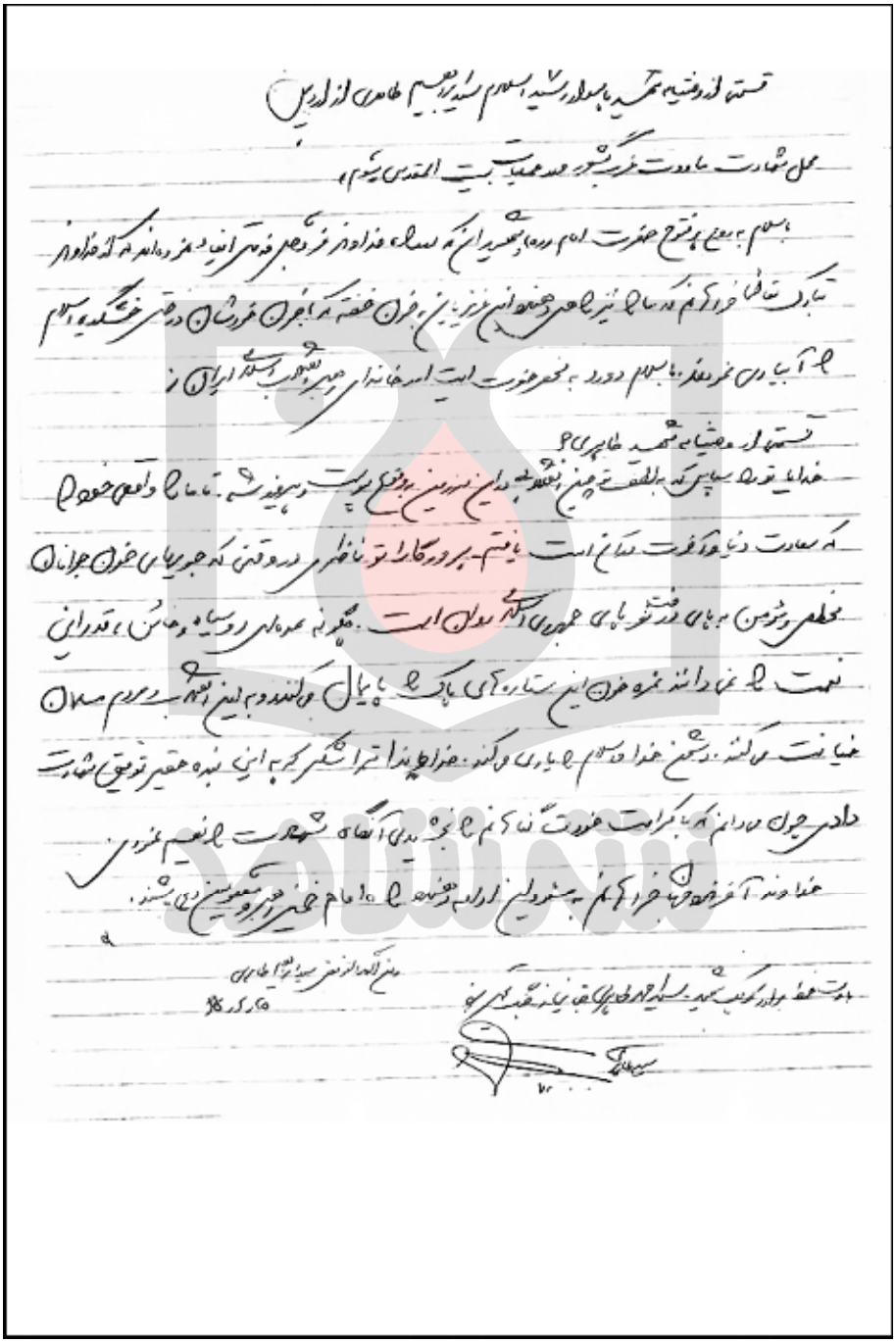

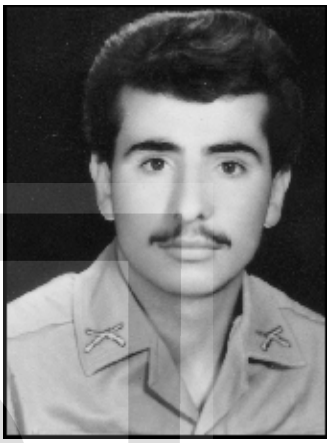

نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **طریقی**
نام پدر: **مطلب**
نام مادر: **صیاد خانم**
تاریخ تولد: **نوزدهم اردیبهشت** 1342
محل تولد: **روستای انزاب پایین از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم خرداد** 1364
محل شهادت: **ارتفاعات کله‌قندی**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شکر خداوند را که مردم ایران را ما از دست آتش هولناک بی‌بندوباری‌های طاغوت رهانید.
- واقعاً ما باید سپاسگزاری کنیم از اینکه جوانان ما، در پی حق و حقیقتند.
- شکر آنکه این‌چنین مادران وپدرانی داریم که خودشان فرزندانشان را به جبهه‌های حق علیه باطل می فرستند.
- دعای امام را از یاد نبرید احتیاج زیادی به این پیر دارید.
- اگرهم شهید شدم انشاءالله که ناراحت نمی‌شوید و افتخار می‌کنید.
- به شما یادآوری می‌کنم که پشتیبان امام و ولایت باشید.

غلامرضا طریقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب امام امت خمینی بت شکن و پیر و رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل و با شادی عرایضم[1] را آغاز می‌کنم.

با سلام به تک تک همهٔ شما مادر و پدر و برادرانم و نیز عمو و عزت و قارداشعلی[2]. همچنین برادرانم[3] در امور داوطلبین جهاد ایزدی و قبادی ودوستان عزیزم که برای من سلام رسانده بودند.

به امید اینکه انشاءالله روزی رسد اگر زنده ماندیم و به بیت‌الله الحرام مرقد مطهر امام حسین(7) به همراه مادران به خدمت این حضرت دربیاییم و قبرش را زیارت کنیم. انشاءالله. کربلا به روی مسلمانان جهان به‌خصوص ایران رزمندگان اسلام و راهی دیار قدس شویم و قدس[4] عزیز را ازدست یهودیان شیطان‌صفت است، آزاد کنیم انشاءالله.

و امیدواریم انشاءالله به فضل خداوند با سلامتی امام امت و ما ناقابلان را به صاحب انقلاب یعنی امام زمان(عج) متصل کند.

شکر خداوند را که مردم ایران را از دست آتش هولناک بی‌بندوباری‌های طاغوت رهانید و آنچنان تغییر و دگرگونی‌هایی و ضوابطها و رابطها را عوض شد وجوانان ما به اسلام و قرآن [روی آوردند][5] به جای آنکه به دنبال شهوت و عیش و نوش بروند. (مانند سابق) و معشوقهٔ اصلی را پیدا کردند، و در پی این عشق و ایمانشان است که نه زبان قابل توصیفش را دارد و نه قلم. وخواهران نیز این‌طور زنده‌اند کوچکترین کارشان به نامه

1- در اصل وصیت «عراعظم».
2- در اصل وصیت «برادارنم».
3- در اصل وصیت «عراعظم».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «روی آوردند» از قلم افتاده است.

نوشتن روحیه دادن به [رزمندگان][1] است و قول دادن به آنها درپشت جبهه حجابشان را رعایت در هرجبهه داشتند و روحیه بس ناگفتنی به رزمندگان ما می‌دهند واقعاً ما باید سپاسگزاری[2] کنیم از اینکه جوانان ما، در پی حق و حقیقتند و معیارشان معیار اسلام است و این چنین عاشقانه در هر جا در پشت جبهه، مانند شما برادران در جبهه مانند رزمندگان ایثار می‌کنند و پیوستن[3] به الله را پیشهٔ دنیوی وزندگانی مادی می‌دانند و شکر آنکه این‌چنین مادران و پدرانی داریم که خودشان فرزندانشان را به جبهه‌های حق علیه باطل می‌فرستند و هیچ ناراحت نمی‌باشند. ومی‌گویند که به حسین(**7**) اسلام عزیز و امام قربانی داده‌ایم. اشکرلله که زمانه اینچنین شده و معیارهای طرز تفکر هم عوض شده است.

ا واقعاً چقدر وجود پدر و مادر بر اسلام مایه پیروزی است [...][4] که پیروزی را در [...][5] اسلام دین خداست و به‌طوری که همه این [...][6] اسلام را پیروزی اسلام با خرد اوست و اینجا وسیله هستند. بالاخره این پیر نستوه که چقدر شکنجه‌ها دیده، چقدر ناراحتی‌ها خورده، تبعید شده شهید داده آواره و زندان رفته و بی‌خوابی کشیده و [...][7] در راه اسلام چقدر در پیروزی اسلام به اینجا رسیده که حالا هم شب‌ها نمی‌خوابد.و دعا می‌کند رزمندگان اسلام را و نماز شب می‌خواند و با دعا کمک به اسلام می‌کند، با گریه در شب دعای می‌خواند و صورتش را به دیوار می‌گذارد و می‌گرید و آن وعده‌ای که برای پیروزی رزمندگان داده‌ای دیر شد.

غرض از این حرف‌ها می‌خواهم یادآوری کنم که دعای امام را از یاد نبرید، که احتیاج زیادی به این پیر دارید. امام را دعا کنید و از خداوند منان بخواهید رزمندگان را با سلامتی رزمندگان اعطا کند و به امام آنقدر عمر دهد تا این انقلاب را به صاحب اصلی انقلاب حضرت امام زمان(عج) متصل کنیم.

1- در اصل وصیت «رزمندگان» از قلم افتاده است.
2- در اصل وصیت «سپاسگذاری».
3- در اصل وصیت «پیوسته».
4- تا آخر وصیت‌نامه هر کجا علامت [...] دیده شود، به این معنی است که: خوانا نیست.
5- خوانا نیست.
6- خوانا نیست.
7- خوانا نیست.

من از این سرزمین دورکوهستانی از این راه دوردست مادر عزیزم را می‌بوسم و به این بوسه افتخار می‌کنم. و از مادر عزیزم نورچشمم می‌خواهم که ما را ببخشد و از خداوند منان خواستارم که انشاءالله شما را سلامت کند، تا من از جبهه برگردم. حالا این برگشتنم بهرصورت و شکل باشد.

مادر جان من تنها از این‌که هم [...] ولی ناراحت نباشی که [...] در زمان پیامبر اکرم(**6**) رادر راه اسلام از [...] ناراحت نبود و از [...]. مادر عزیزم سلامی می‌رسانم و امیدوارم انشاالله هرچه زودتر کربلا را [...] کنیم وبیاییم [...] را داده‌اند و در حالی که سیره بزرگان به آن [...] که آنها را به کربلا می‌برند و [...] فرزندان [...] . به امید آن روز اگر ...

و باز به پدرعزیزم افتخارمی‌کنم که چنین فرزندانی دارد و خود و فرزندان [...] در اختیار اسلام گذارده است و خود نیز در نبرد و کارزار با دشمنان اسلام به‌سر می‌برد.

اگرهم شهید شدم انشاءالله که ناراحت نمی‌شوید و افتخار می‌کنید ومن هم افتخار می‌کنم و سلامتی‌اش را از خداوند منان و از او حلالیت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم که شما را در هدفتان پیروز گرداند. و به شما یادآوری می‌کنم که پشتیبان امام و ولایت باشید از طرف من هیچگونه ناراحتی نداشته باشید.

من یکدفعه از گیلانغرب به رضا تلفن کردم ولی متاسفانه گوشی را برنداشت. از مطلب شنیدم که پدرم نیز به جبهه آمد. رفتم نگاه کردم ولی پیدا نکردم. وقتی دوستانش را دیدم که سلام او را به من رساندند که پدرت از تبریز به تهران دفتر پادگان به عمران[1] اعزام شده است. بعد از خارج شدن من از شهر گیلانغرب آمدم.

نامه زیاد بنویسید. من ا گر عملیات نباشند بزودی زود خواهم آمد. خداحافظ خداحافظ

به همه سلام برسانید و به خانواده نیز سلام برسانید و از او بخواهید مرا حلال کند. و به همه سلام برسانید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

62/5/25

1- غرض منطقه عملیاتی «حاج عمران» است.

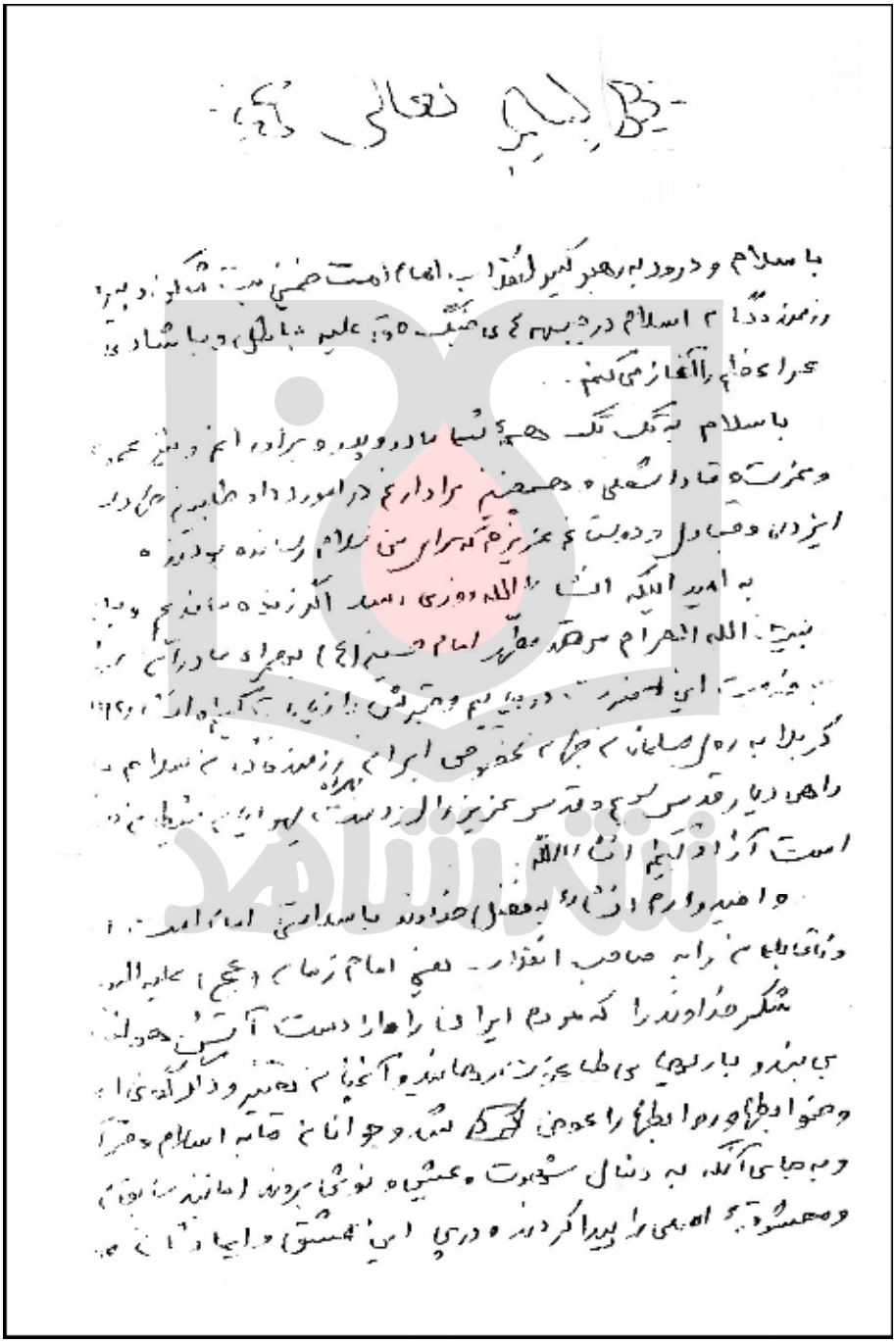

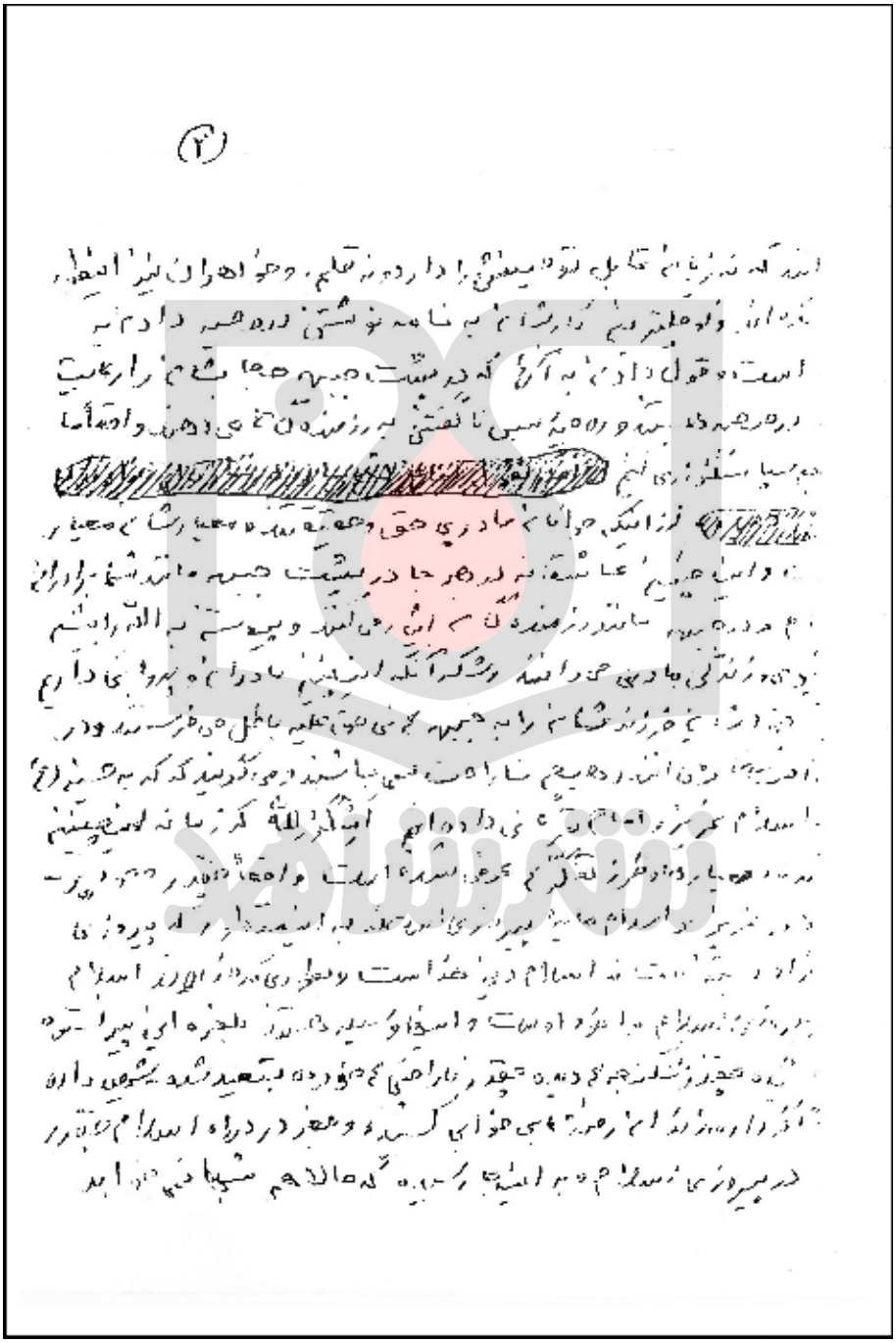

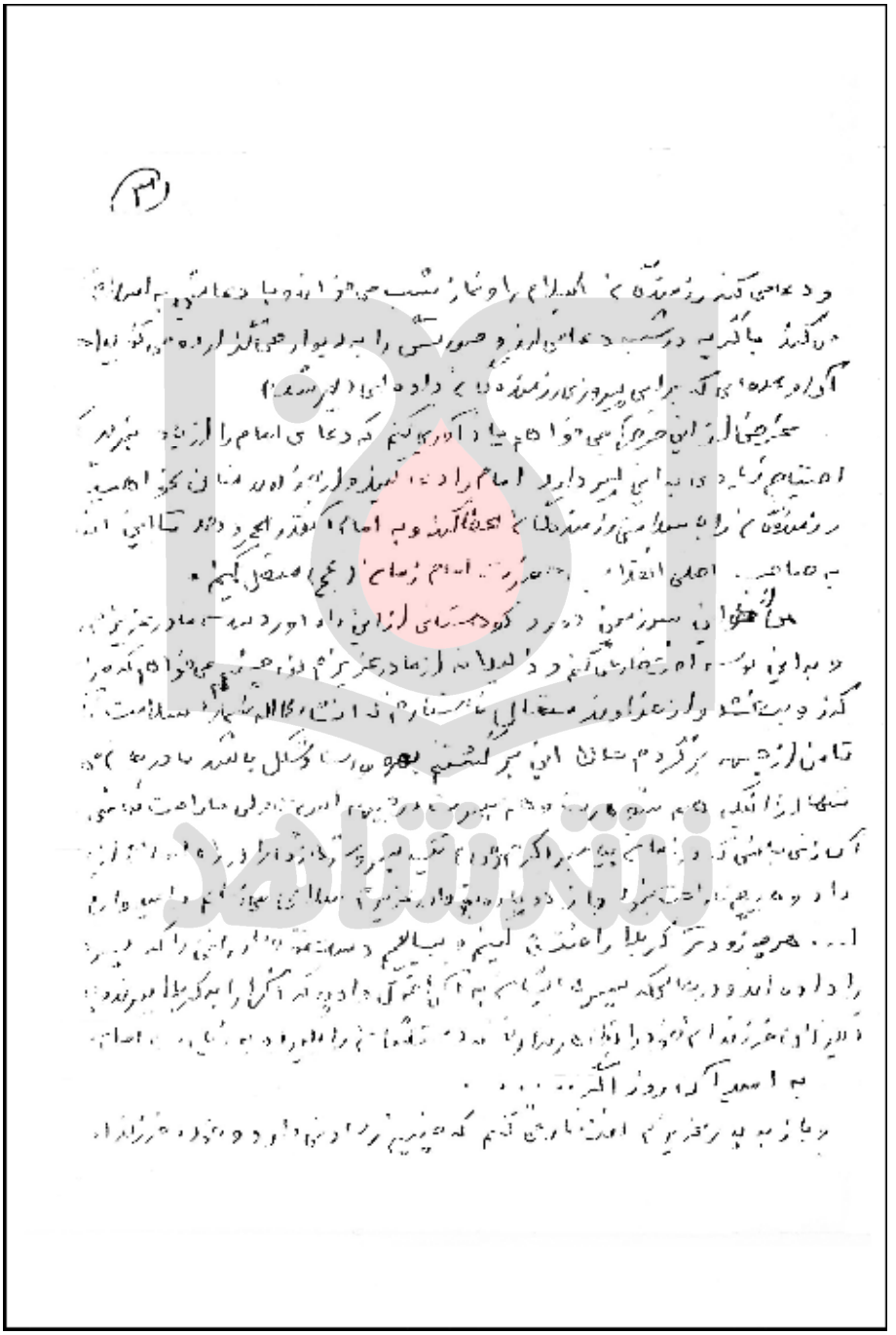

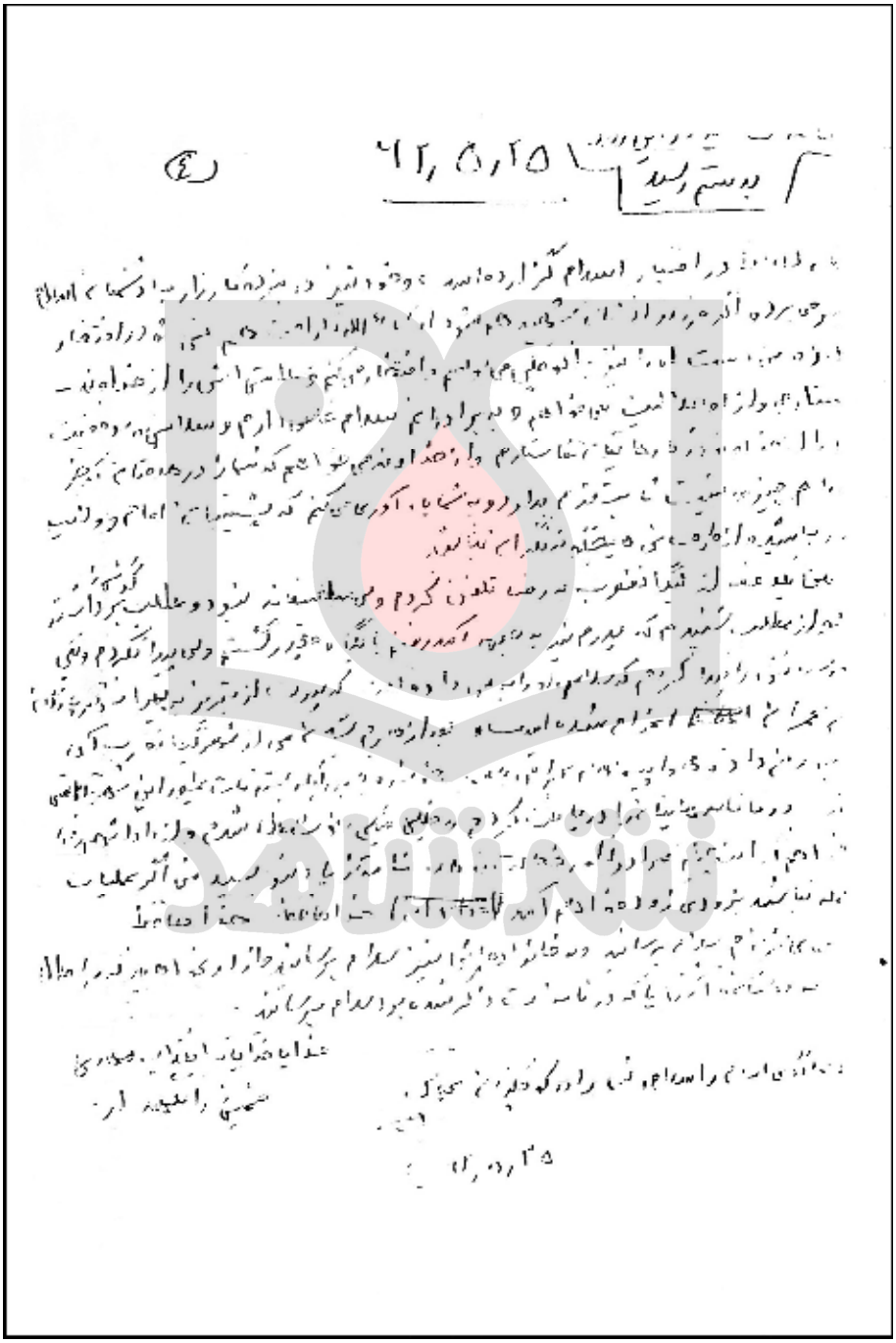

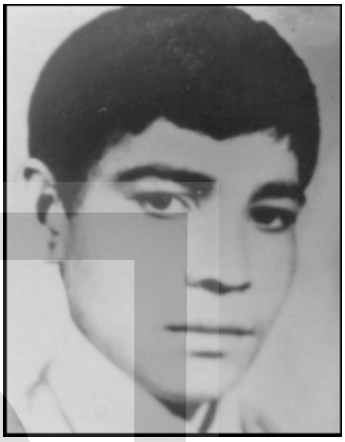

نام: **بایرام**
نام خانوادگی: **طهماسبی**
نام پدر: **تازه‌خان**
نام مادر: **اسما نساء**
تاریخ تولد: **یکم شهریور** 1346
محل تولد: **روستای برانعلیا از توابع شهرستان پارس‌آباد**
تحصیلات: **خواندن و نوشتن نمی‌دانست**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان** 1362
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای وادی رحمت شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- درود بر ملت قهرمان ایران که تا آخرین قطره خون خود می‌جنگد.
- ملت ایران که ایثارگرانه و فداکارانه عزیزانش را به جبهه‌ها می‌فرستد یقیناً پیروز است.
- امروز وظیفه است که به جبهه برویم و شربت شهادت را بنوشیم.
- استوار و صبور باشید و افتخار کنید که پسری در راه خدا هدیه کرده‌اید.

نشر شاهد

بایرام طهماسبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

این وصیت‌نامه من، بایرام طهماسبی است.

سلام و درود بر رهبر آزادگان سالار شهیدان حضرت حسین بن علی(**7**) و امام مهدی(عج) منجی انسان‌ها و درود بر نایب برحقش خمینی کبیر و سلام و درود بر ملت قهرمان ایران که با ایثارگری تمام در مقابل همه ابرقدرت‌های جنایتکار به فرمان خمینی بزرگ ایستاده است و تا آخرین قطره خون خود می‌جنگد.

ملت ایران که ایثارگرانه و فداکارانه عزیزانش را به جبهه‌ها می‌فرستد یقیناً پیروز است و با تأییدات خداوند به فتح بزرگ خواهد رسید. امروز وظیفه است که به جبهه برویم و شربت شهادت را بنوشیم.

پدر عزیزم و مادر گرامیم و برادرانم و خواهرانم مرا حلال کنید به همه شما درود می‌فرستم و دست شما را از دور می‌بوسم. امیدوارم همگی مرا حلال کنید. برای من ناراحت نباشید و استوار و صبور باشید و افتخار کنید که پسری در راه خدا هدیه کرده‌اید. خداوند به شما اجر و پاداش می‌دهد. از همه حلالیت بخواهید و همگی مرا حلال کنید.

بایرام طهماسبی
62/6/21

1- آل‌عمران/ 169.

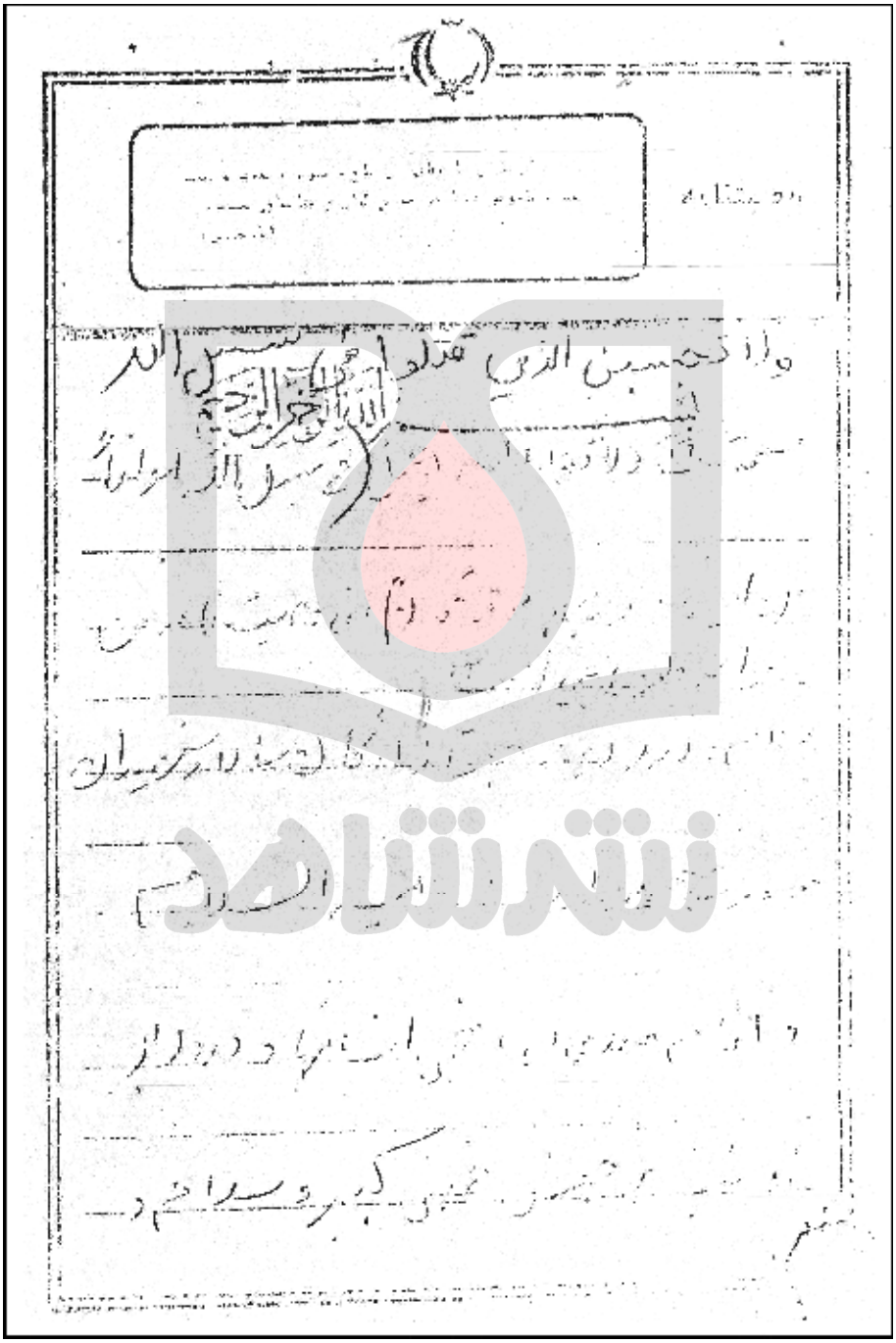

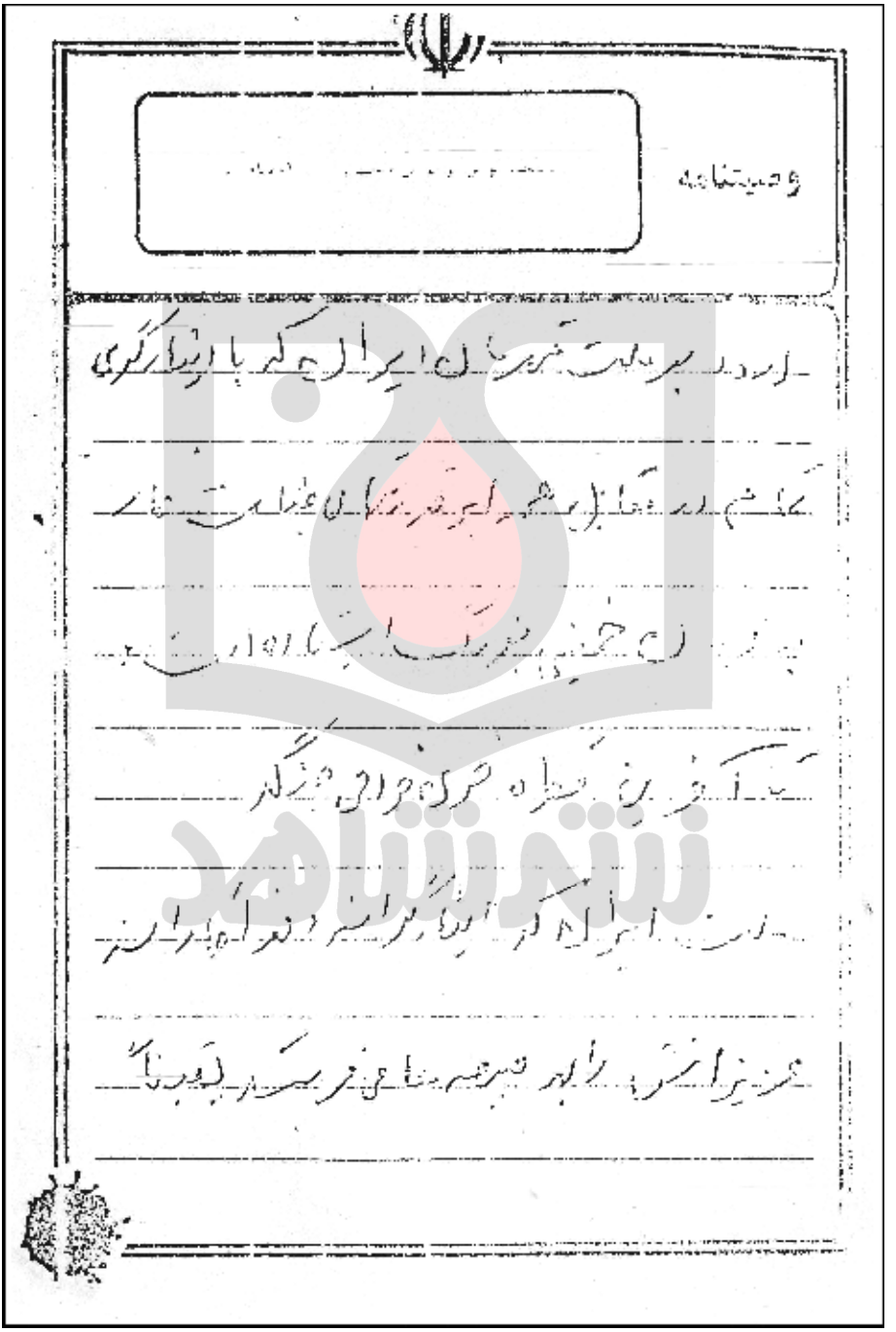

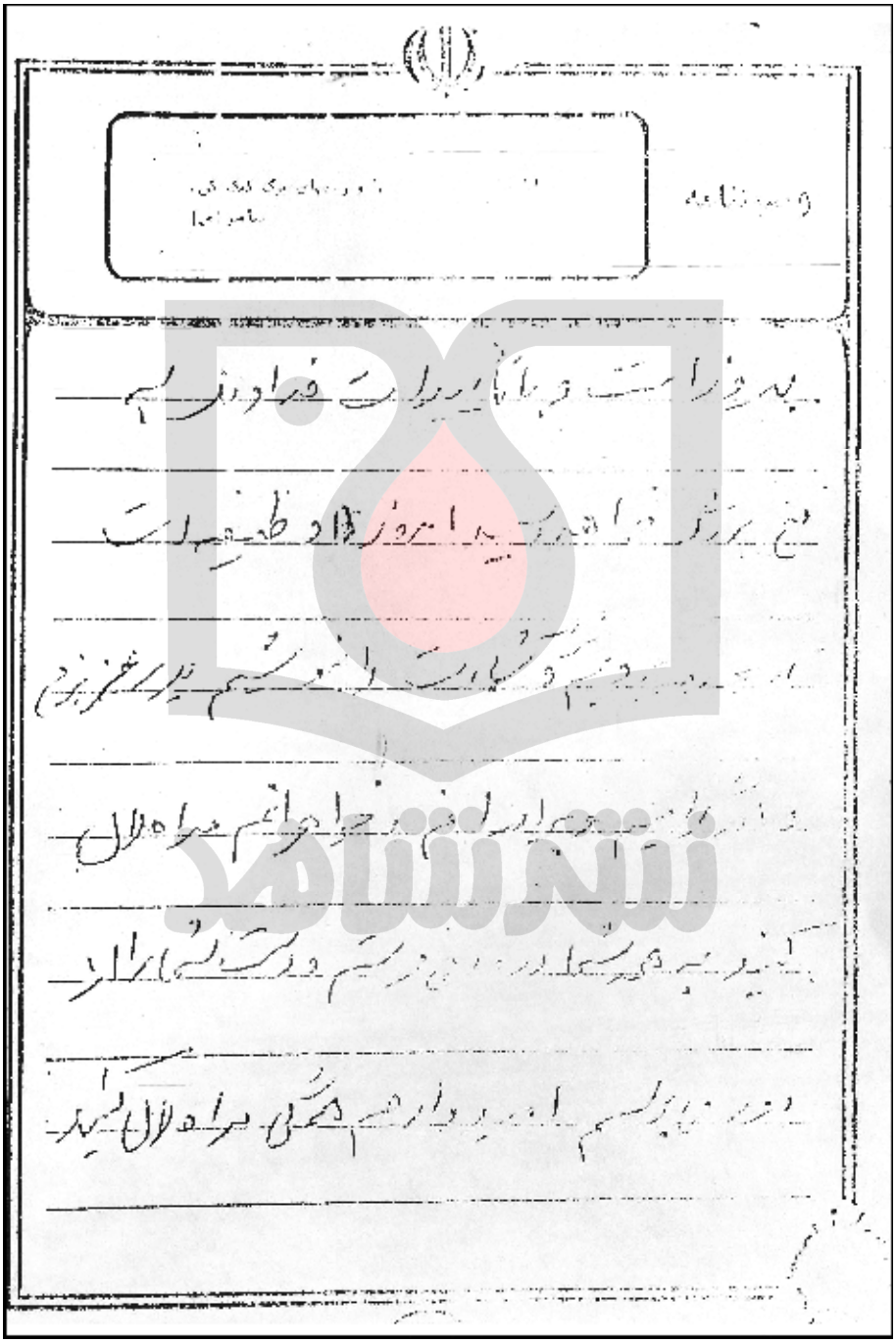

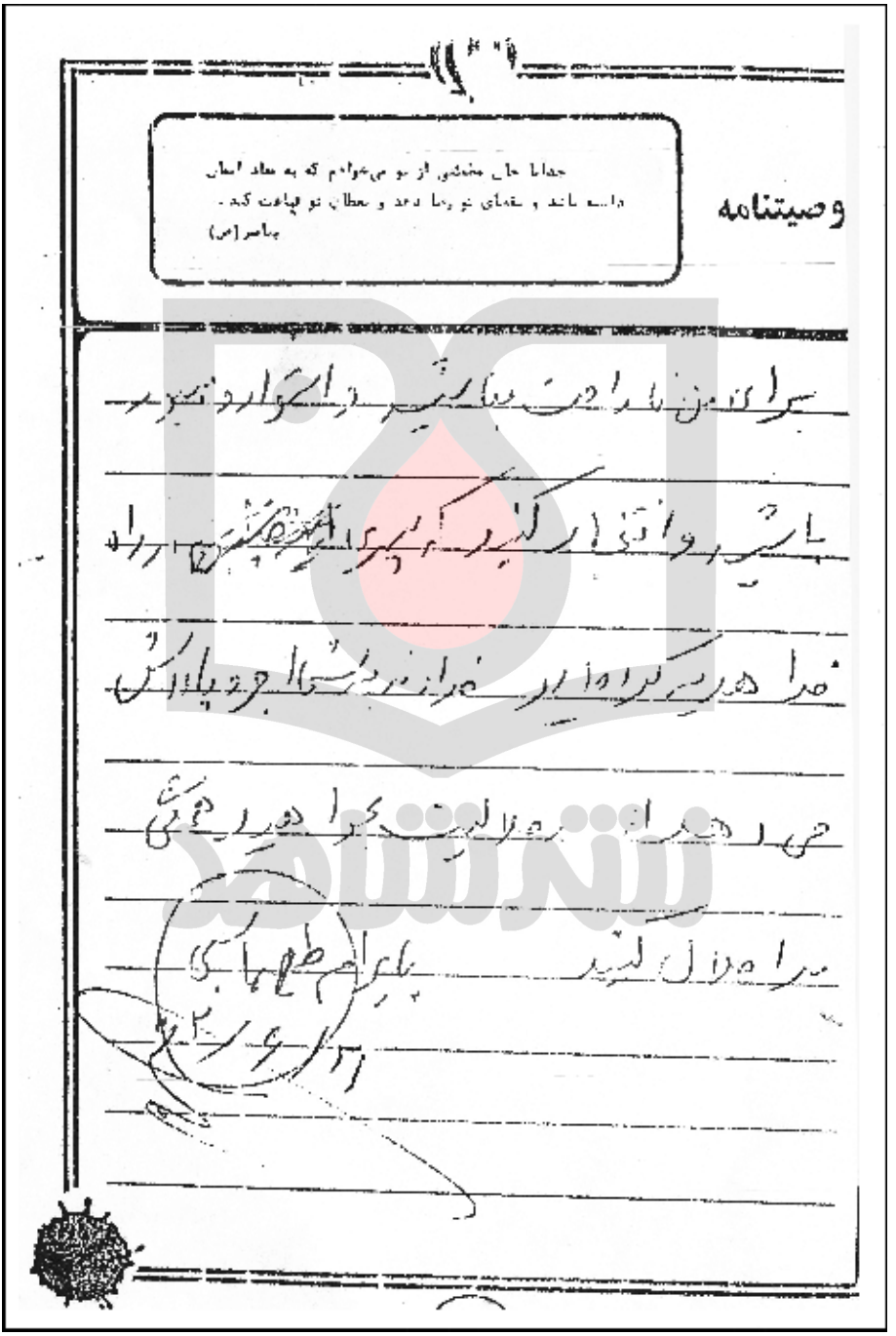

وصیتنامه

خدایا جان مشتاق از تو می‌خواهم که به معاد ایمان
راسخ باشد و بقضای تو رضا دهد و بعطای تو قناعت کند.
پیامبر(ص)

سرای من با دست بیاشیر را بگزارد نیرو
باشیر و اتی از کلید کپی [illegible] را
خدا هدیه کرده از خدا نیرو شما جزء پاک
خدا هدیه از خدا نیرو هدیه
سرا دل لنید بایرام طهماسبی
۲۰/۶/۲۱

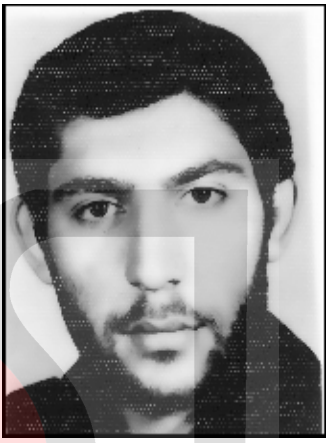

نام: **یعقوب**
نام خانوادگی: **طهماسبی**
نام پدر: **علی‌صاحب**
نام مادر: **جواهر**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت 1342**
محل تولد: **شهرستان پارس‌آباد**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند 1363**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای آل‌یاسین بخش اصلاندوز از توابع شهرستان**

عبارت‌های کلیدی

- بیدار باشید امروز پیر جماران خمینی بت‌شکن نایب برحق امام دوازدهم آمده شما را راهنمایی می‌کند.
- راه این پیر راهی همانا امام حسین(**7**) است.
- جوانان ایران آگاهانه و عاشقانه می‌روند و شهادت را طلب می‌کنند.
- بروید به جبهه‌ها و با مشتی محکمی به دهان یزیدیان جهان بزنید.
- این جهان تنها و تنها تقوا و جهاد در راه خدا و زندگی که خداوند از آن خوشش می‌آید.
- ای ملت ایران بیایید جبهه‌ها و از اسلام عزیز دفاع کنید.
- مادر اگر شهید شدم افتخار کن که مادر شهیدی شده.
- به بهشتی و رجائی و باهنر و سایر شهدای اسلام می‌گویم ملت ایران جوانان مؤمن و قهرمان ایران شما را به‌دست گرفته و راهتان را می‌روند.
- بزرگترین سخاوت بخشش می‌باشد و بزرگترین شجاعت صبر.

یعقوب طهماسبی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

تاریخ 63/4/11 برادر یعقوب طهماسبی

«إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیَانٌ مَرْصُوصٌ»[2]

«خداوند دوست می‌دارد مؤمنانی را که در صف باشند چون سد آهنین در راه او نبرد می‌کنند».

با درود سلام بی‌کران به امام امت خمینی بت‌شکن و با درود سلام به ملت شهیدپرور ایران و با سلام به شهیدان راه الله که با خون خود اسلام را زنده نگه می‌دارند و با آرزوی پیروزی نهایی رزمندگان اسلام:

هر چند که عاجزم به شما وصیتی بکنم، اما می‌خواهم چند جمله از خود برای شما به‌عنوان وصیت یادگار بگذارم: امیدوارم مؤثر باشد. ای ملت شهیدپرور ایران ای ملت قهرمان و مؤمن و ای آن که سال‌هایی متمادی در زیر سلطه طاغوت از بیشترین نعمت‌های الهی در محرومیت و در روزهای ظلمانی زندگی‌کنان بپاخیزید اسلام آمده و طاغوتیان را به لرزه انداخته [...][3] به روشنایی بکشد می‌خواهد زندگی [...][4] به اسلام رو آورید و وحدت کلمه را حفظ کنید که پیروزیتان بر علیه کفر جهانی حتمی است. بیدار باشید امروز پیر جماران[5] خمینی بت‌شکن نایب برحق امام دوازدهم آمده شما را راهنمایی می‌کند به صراط مستقیم، در خط او باشید و راهی را که به شما نشان می‌دهد بروید که همان راهی انبیاءست راه این پیر راهی همانا امام حسین(**7**) است که با هفتاد و دو تن از یارانش در برابر کفار همچون کوه استوار ماند و مقاومت کرد و در روز عاشورا معشوق خود که همان خدای جهانیان است که این نظم آفریده و نگه می‌دارد پیدا کرده و به سویش رفتند. این

1- بالای و صیت‌نامه آمده است « وصیت [...] تاریخ نوشتن 63/4/11 ساعت 12/30 بعدازظهر»

2- صف/4.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- ر.ک. تعلیقات.

همان راه پیامبر اکرم(6) است که جوانان ایران آگاهانه و عاشقانه می‌روند و شهادت را طلب می‌کنند. ای جوانان ایران به کمک برادران خود در جبهه حق علیه باطل بشتابید و آنها را یاری کنید بروید به جبهه‌ها و با مشتی محکمی به دهان یزیدیان جهان بزنید بروید به جبهه‌ها به خون‌خواران و جهان‌خواران بگویید و نشان دهید که عاشقان الله هیچ‌وقت لباس ذلت نخواهند پوشید و بر روی ایمان خود همچنان کوه استوار خواهند ماند. ای پدران و مادران جوانان را برای جنگ و مبارزه با کفار و استکبار جهانی به جبهه‌ها روانه کنید امروزه بر هر مسلمان و مؤمن وظیفه شرعی است تا آنجا که توان دارد از اسلام و قرآن دفاع و همچنین از ناموس و میهن خود. ای پدران و مادران همچنان [...] خود فدایی اسلام کنید آیا شما و جوانانتان نخواهید مرد. آیا برای همیشه در این جهان باقی خواهید ماند، یا اینکه این جهان بی‌وفا بر شما و جوانانتان خواهد ماند یا اینکه جوانانتان برای همیشه در کنار شما خواهد ماند. هیچ‌وقت نباید فکر روز آخرت باشید و روز قیامت کبرا به فکر همان روزی باشید که هیچ چیز ارزشی نخواهد داشت نه پول و نه سایر چیزهای این جهان تنها و تنها تقوا و جهاد در راه خدا و زندگی که خداوند از آن خوشش می‌آید. تنها آنهایی که در آخرت [...] خواهند یافت آنچه را خدا فرمود انجام داده و آنهایی که مورد رحمت و بخشش خدا خواهد شد.

ای پدران و مادران بیایید به جبهه‌ها نگاه کنید و ببینید که جوانانتان چگونه و عاشقانه در راهی خدایی خود جنگ می‌کنند. ای ملت ایران بیایید جبهه‌ها و از اسلام عزیز دفاع کنید بیایید که فردا دیر است و دشمن در کمین.

مادرم و خواهرم و برادران من برایم گریه‌هایتان را پنهان سازید که دشمن داخلی از دیدن گریه شما خوشحال می‌شود. مادر اگر شهید شدم افتخار کن که مادر شهیدی شده همچنین تو ای خواهرم افتخار کن که خواهری شهیدی شده‌ای و هم تو ای برادر من افتخار کن که برادری شهیدی شده‌ای برادرم اگرخواهی از شما بیشتر راضی باشم نگذار خونم در زمین بی‌صاحب ماند. راهم را ادامه بده، دوستان من می‌روم به نزد برادری خورشیدیم رسول عوض و مقصود می‌روم و سلام پرمحبت برادری شما را به آنها می‌رسانم.

برادران می‌روم و سلام و جان‌نثاری شماها را به بهشتی[1] و رجایی[2] و باهنر[3] می‌رسانم. برادران می‌روم و به بهشتی و رجائی و باهنر و سایر شهدای اسلام می‌گویم ملت ایران جوانان مؤمن و قهرمان ایران شما را به‌دست گرفته و راهتان را می‌روند. در آخر از ملت مؤمن و مسلمان اصلاندوز می‌خواهم هرچه بدی ازمن دیده باشند مرا ببخشند چون بزرگترین سخاوت بخشش می‌باشد و بزرگترین شجاعت صبر.

«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»

خداحافظ خدا نگهداری همگی شماها باشد.

63/7/17

یعقوب طهماسبی

نشر شاهد

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.

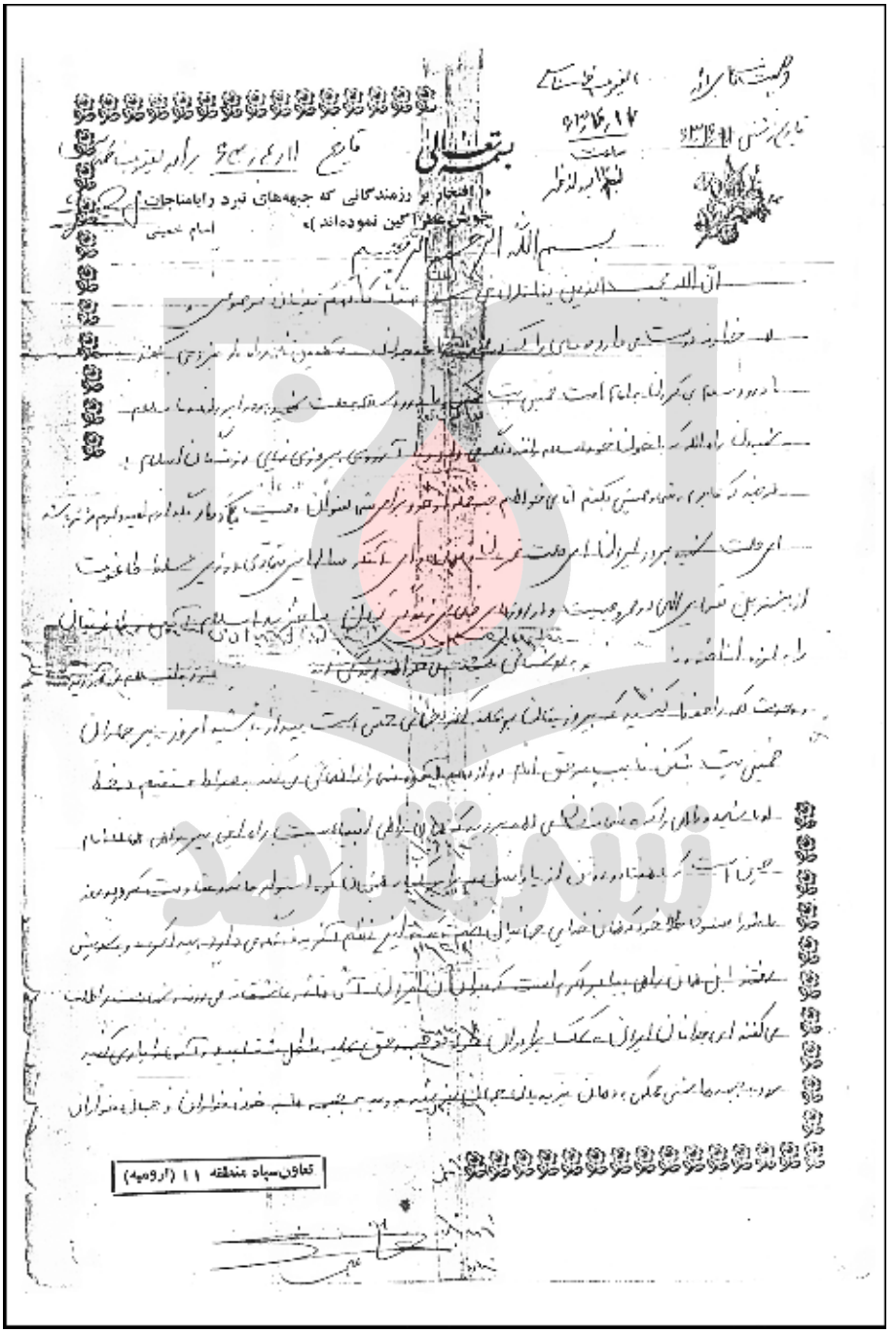

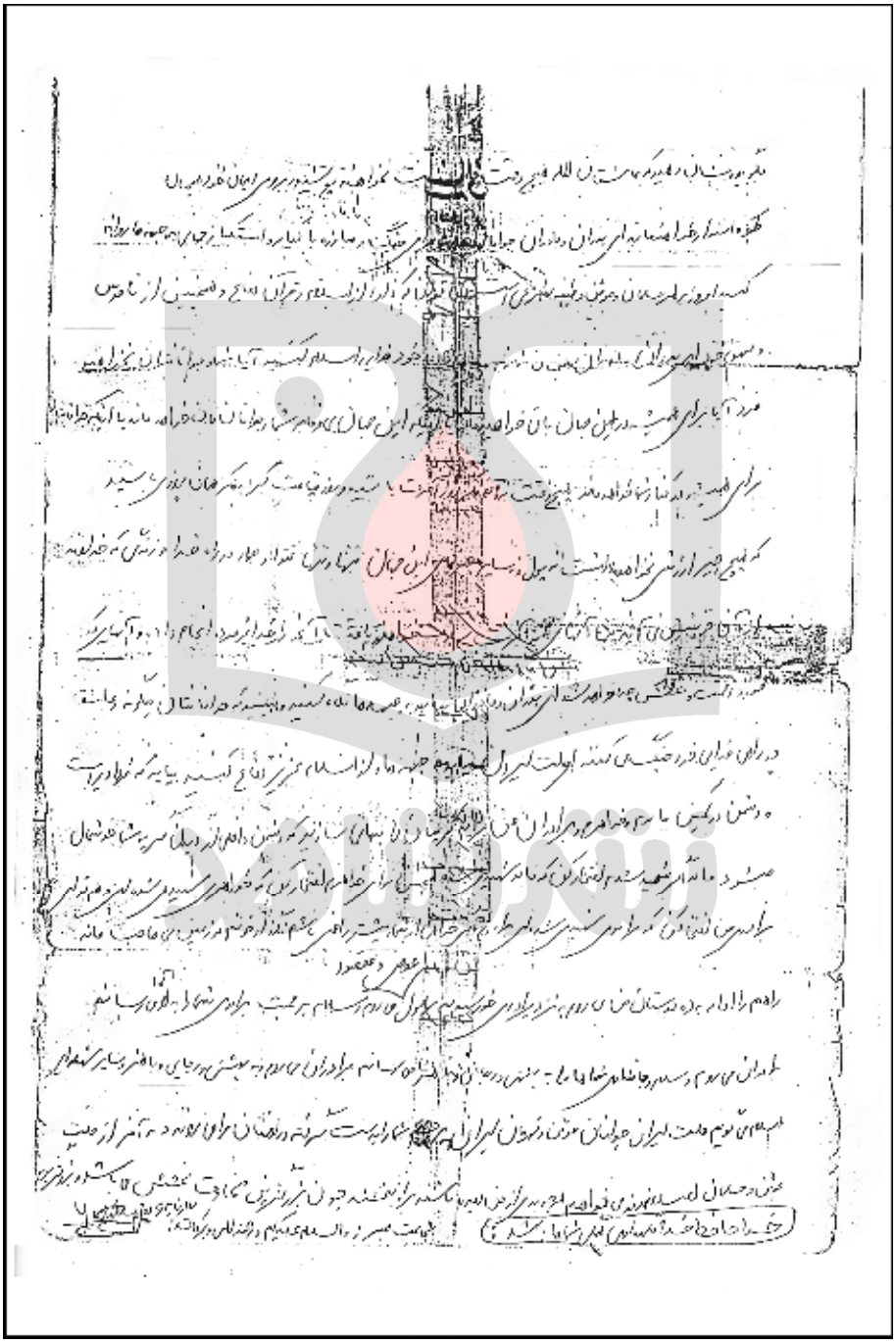

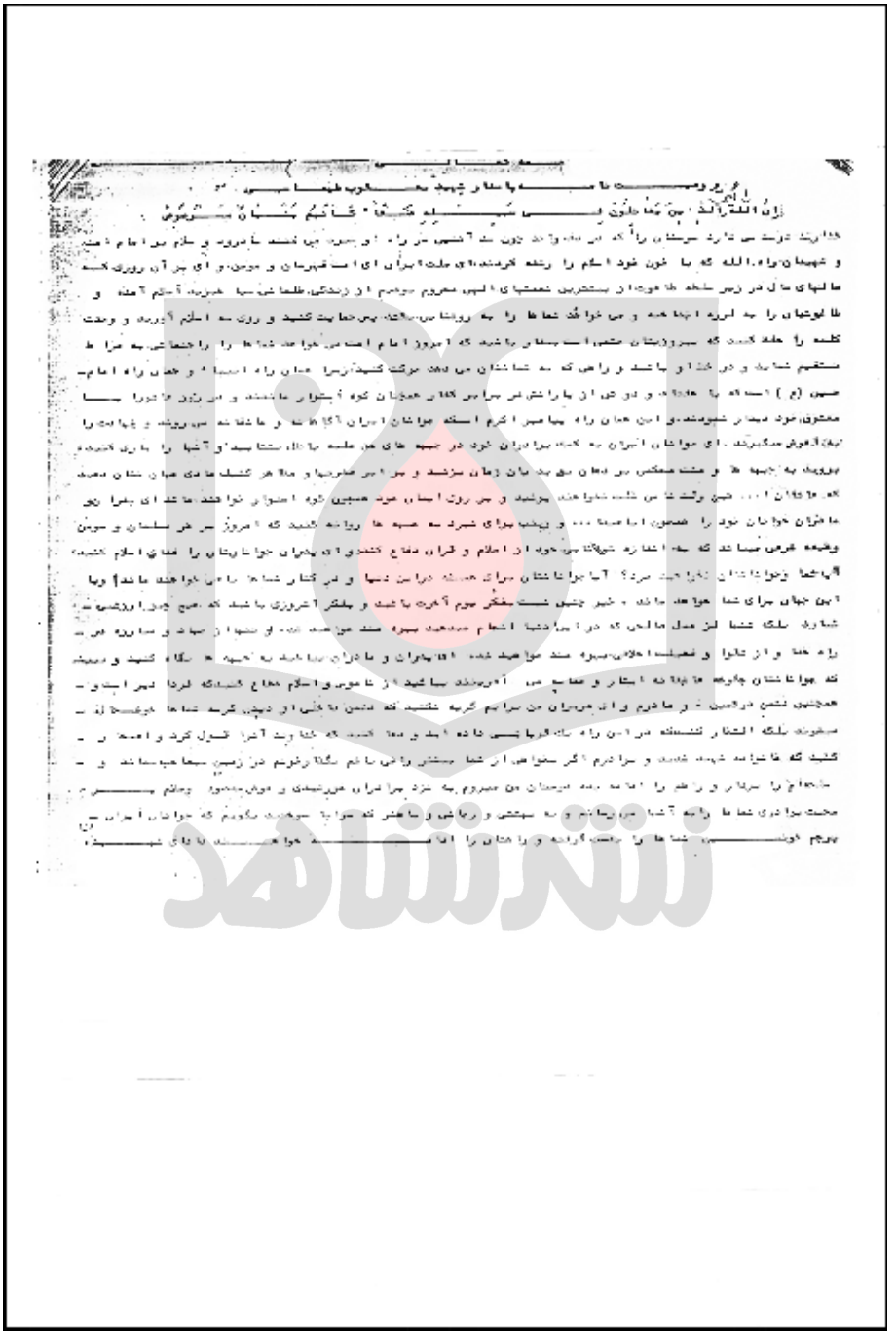

نام: **عادل**
نام خانوادگی: **طهماسبی‌نژاد**
نام پدر: **نوروز**
نام مادر: **تماره**
تاریخ تولد: **یکم مرداد** 1343
محل تولد: **شهرستان مشگین‌شهر**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم فروردین** 1362
محل شهادت: **فکه**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای غریبان شهرستان اردبیل**

عبارت‌های کلیدی

- ادب و احترام و اخلاق اسلامی بر هر فرد مسلمان واجب است.
- جبهه‌ها را گرم نگهدارید.
- آنچه از دستتان می آید جاناً ومالاً به جبهه‌ها کمک کنید این خدمت شما.
- مؤمن از مسئولیت که برای حفظ احکام الهی به شما واگذار می‌شود شانه خالی نکنید.
- برای مادیات دنیوی حریص نباشید.
- برای کسب شهرت دنبال مقام نروید.
- من با الهامی‌که دریافت کرده‌ام به لقاءالله خواهم پیوست.

عادل طهماسبی‌نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

درود به خداوند متعال که به من جان و حیات داد تا ستایش و سپاس نعمت‌هایش‌را تا آخرین دم حیات به‌جا آورم و از درگاه احدیت‌اش خواستارم، این بنده روسیاه خود را به صراط مستقیم هدایت و از بندگان صالح قرار ده تا بتوانم در پیشگاه پروردگارم معبودم و بندگانش و والدینم و همسایگانم و برادران مسلمانم انسان مفید و برای انقلاب اسلامی و پاسداری از کلام‌الله‌اش پیرو صدیق به رهبر کبیر و عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت امام امت ابراهیم زمان خمینی (صلوات الله علیه) بتشکن ایثارگر در حدّ قبول و لیاقت درگاهش باشم.

من در عین صحت و عافیت و سرشار از مسرت اعزام به جبهه در روز 61/11/29 تحریر و با نهایت ادب و احترام و اخلاق اسلامی که بر هر فرد مسلمان واجب است چندین مطلب را سفارش می‌کنم و امیدوارم پروردگار همه شما را در اجرای سفارشات این بنده حقیر یاری نموده و تأیید فرماید.

1- در اجرای فرمان حضرت امام من روز تاسوعای حسینی(7) در مرکز خون سیّار اردبیل حاضر و مقداری ازخون ناقابل خود را به رزمندگان عزیز جبهه تقدیم نمودم. آرزو دارم خانواده‌ام و سایردوستان و آشنایان در چنین عمل خیر شرکت شاید خون شما جان عزیز رزمنده اسلام را نجات دهد.

2- جبهه‌ها را گرم نگهدارید و آنچه از دستتان می آید جاناً ومالاً به جبهه‌ها کمک کنید این خدمت شما. قرآن و اسلام و شریعت رسول اکرم(6) را همیشه زنده نگاه خواهد داشت.

3- به مقام و مال دنیا مؤمنین صدیق خداوند توجه ندارند ولی از مسئولیت که برای حفظ احکام الهی به شما واگذار می‌شود شانه خالی نکنید و برای مادیات دنیوی حریص نباشید و برای کسب شهرت دنبال مقام نروید این مقام جزئی بر ایمان شما به‌طور حتم لطمه خواهد زد همان طوری که به آهن سوهان بکشند.

4- من با الهامی‌که دریافت کرده‌ام به لقاءالله خواهم پیوست در صورتی که جنازهٔ من به

دست خانواده‌ام نرسد. پدر عزیزم با نهایت صبر و حوصله، مادر و خواهران و برادرانم را به آرامش دعوت بنماید.

5- اگرخداوند متعال سعادت شهادت را آنطوری که خواب دیده‌ام نصیبم فرمود و جنازه‌ام به‌دست نیامد و زیارت کربلا که نصیب شما شد جسد و روح من در منطقه شهادتم انتظار دیدار شما را خواهد کشید. مسیر خود را از همان منطقه بیندازید[1] تا شما را زیارت نمایم دلم پر و حرف‌هایم زیاد است ولی کاروان راهیان کربلا درحال حرکت انشاءالله بقیه حرف‌هایم را در صورت مراجعت حضوراً عرض خواهم نمود و این چند خط را به‌عنوان یادبود در ظهر قرآنم تحریر نمودم از مادرم خوب مراقبت نمایید. اگر برادرم علیرضا از تهران آمد سلام مرا برسانید و از طرف من خداحافظی نمایید. همهٔ شما را به امام بزرگوار و امام عزیزم را به خداوند متعال می‌سپارم و از درگاهش خواستارم تا ظهور آقا حضرت قائم آل محمد(عج) تعالی به امام عزیزمان طول عمر عطا فرماید. وقت تنگ موقع حرکت است.

«والسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته»

ساعت یک بعدازظهر مورخ 1361/11/29

عادل طهماسبی نژاد

1- در اصل «باندازید».

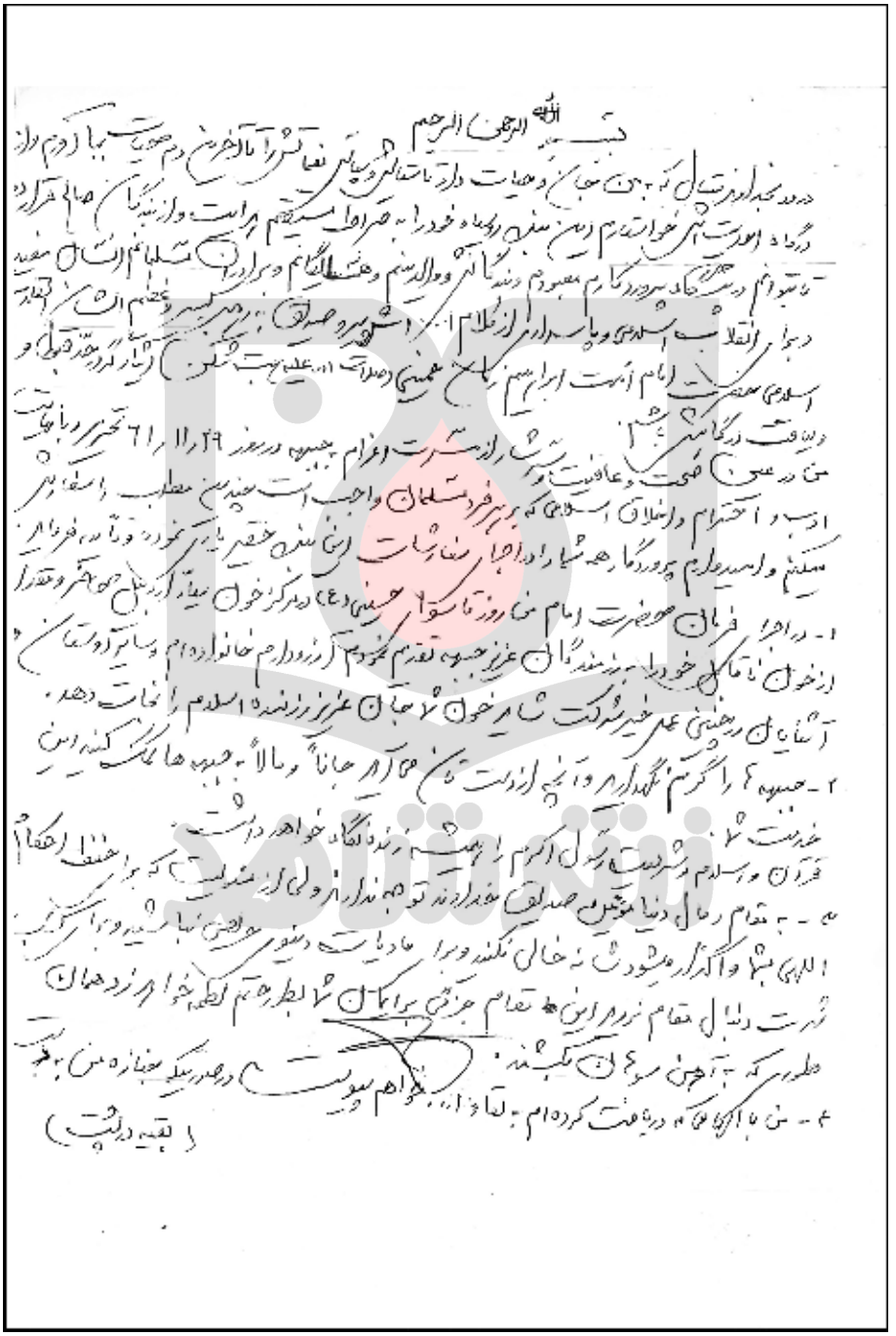

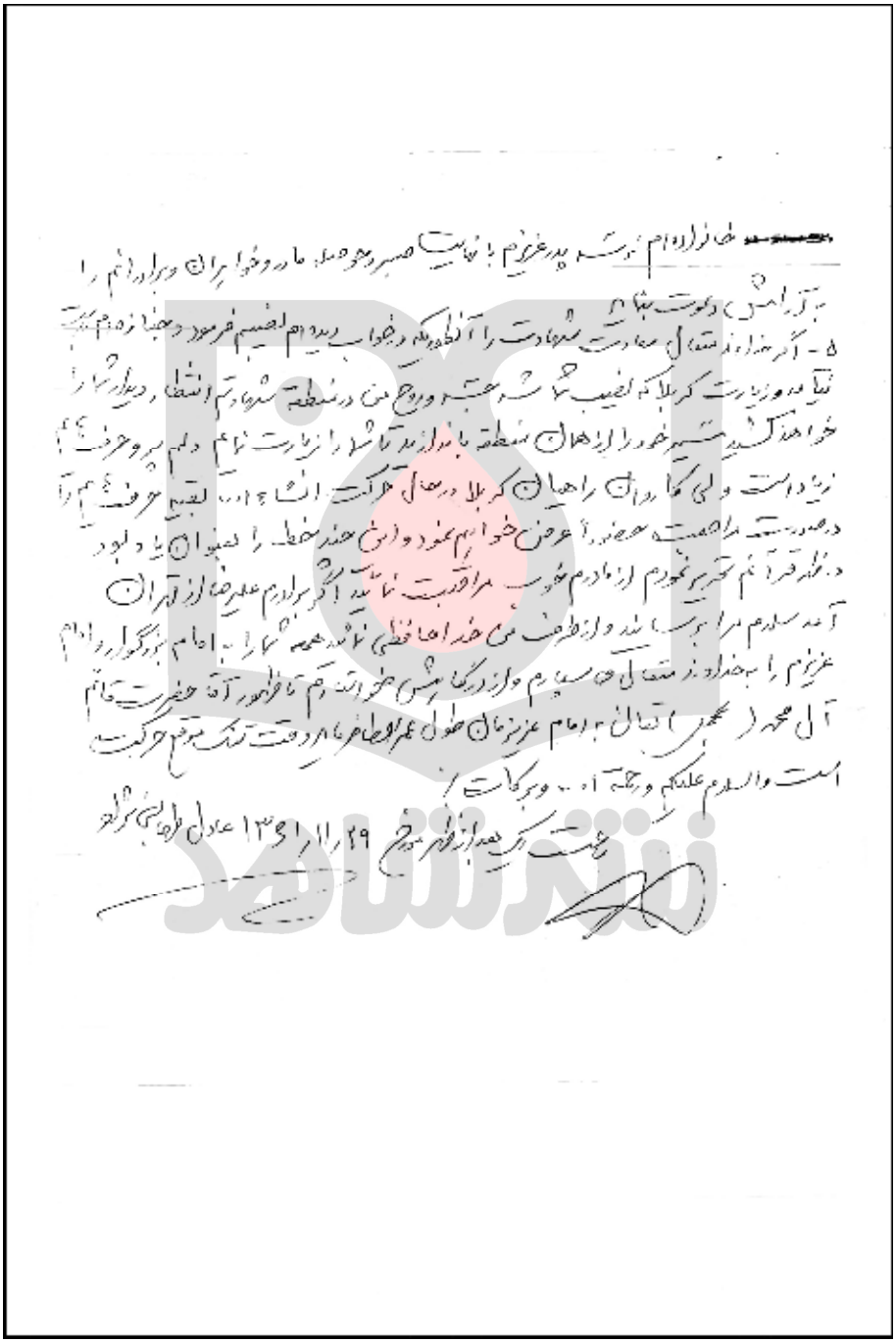

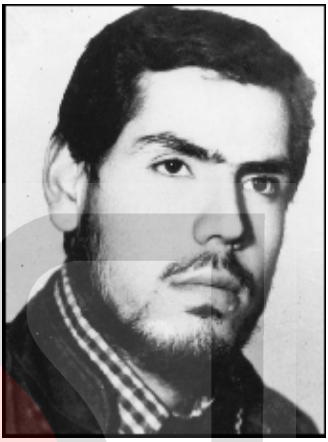

نام: **جعفر**
نام خانوادگی: **طهماس‌پور**
نام پدر: **علی‌اصغر**
نام مادر: **خانم‌ناز**
تاریخ تولد: **یکم بهمن** 1342
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **اثری از پیکرش به‌دست نیامد**

عبارت‌های کلیدی

- یا ربّی ببخشای گناهانم را. رحمنا گنه‌کارم، مستحقم تنها امیدم به توست.
- خداوندا عبادت شایستهٔ توست.
- بهشت آخرین نعمت و بزرگترین مکان است و مقدسترین مکان، ولی آن بخشش توست.
- بهشت نعمت توست و شایسته ستایش و عبادت نیست.
- فقط می‌خواهم که همیشه به اوامر امام گوش دهید.
- امام را دعا کنید و همیشه در راه اسلام باشید. نماز را ساده نگیرید.

تندشاهد

جعفر طهماس‌پور[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

«ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ»[2]

پس خداوند من آمدم در راهت و تو هم استجابت گفته‌های حقیر و بندهٔ ناچیز را.

یا ربّی ببخشای گناهانم را. رحمنا گنه‌کارم، مستحقم تنها امیدم به توست. جز تو هیچ کمک و امیدی ندارم. خداوندا عبادت شایستهٔ توست و عبادت ناقص من نیز فقط به‌خاطر توست و دیگر هیچ، درست است که بهشت آخرین نعمت و بزرگترین مکان است و مقدسترین مکان، ولی آن بخشش توست نه عبادت به‌خاطر آنست ما عبادت را تنها به‌خاطر اینکه عبادت شایستهٔ توست. لذا عبادت ما به‌خاطر توست نه به‌خاطر بهشت، بهشت نعمت توست و شایسته ستایش و عبادت نیست.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر][3]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

بسمه تعالی

بعد از حمد و ثنا بر درگاه احدیت به پدر و مادرم سلام. پدر و مادرم ای عزیزانم امیدوارم که مرا ببخشید. من زحمت زیادی به شما راضی نیستم بدهم فقط می‌خواهم چند تا حساب کوچک دارم آن را حل کنید. یکی اینکه به دایی اباذر شهبازی 5صد تومان غرض دارم یعنی از [...][4] نمی‌داند از پولش برداشته بود و مقداری حدود 300 تومان از پول بابایم (علی‌آقا) برداشته بود که جمعاً هشتصد تومان است آن را از پولم می‌پردازیم دویست تومان [خط خوردگی دارد] و سایر فامیل بخواهید که مرا حلال کنند چون من نتوانستم حق

1- بالای وصیت‌نامه آمده است «وصیت یک پاسدار حقیر و گنه‌کار».

2- غافر/ 60.

3- بخش‌های وصیت‌نامه را خط زده‌اند. احتمالاً کسی از روی وصیت‌نامه رونویسی کرده است یا پس از تایپ وصیت آن را خط زده‌اند.

4- در قسمتهایی از وصیت که علامت [...] آمده است نشانگر این است که آن قسمت خوانا نیست.

فامیلی را در مورد آنها ادا کنم. امیدوارم که حلال کنند و خدا از گناهانم درگذرد.

دیگر زحمتی نمی‌دهم فقط می‌خواهم که همیشه به اوامر امام گوش دهید و بـه غیـر از امام توجه نکنید. امام را دعا کنید و همیـشه در راه اسـلام باشـید. نمـاز را سـاده نگیریـد و بچه‌ها را خوب تربیت کنید و محمود را سعی کنید که به درس علوم اسلامی بگذارید چون لیاقت دارد از کتاب‌هایم آنهایی را که قابل استفاده اسـت بـرای او بـه او بدهیـد و بـه یـک کوره‌پزخانه مقروضم که موقعی که در آنجا کار می‌کردم دویست تومـان آنهـا در مـن مانـد ندادم تداوم آن را به سپهدار قنادی می‌دهید تا به شخصی به‌نام میرخاص دهد تا مـرا حـلال کند و نیز از بقیه حامیان کوره‌پزخانه‌ها که به‌نحوی در آنهـا کـار کـرده‌ام بخواهنـد کـه مـرا حلال کنند و پانصد تومان اکبر سونی به من بـدهکار اسـت آن را مـی‌گیریـد و بـه قرضـم می‌دهید و از اهل کوچه و برادران بخواهید که مرا حلال کنند از بقالی‌ها و غیره.

و فامیل‌ها بخواهید از جمله از قصه و لاله‌زار بقیه را بفروشید و بـه قـرض‌هـایم بدهیـد اگر باقی ماند در راه اسلام خرج کنید بار دیگر از شما طلب عفو می‌کـنم. خـداحافظ. شـما مرا دعا کنید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

و نیز از مادربزرگم [...] بخواهید تا مرا حلال کند و زیاد روز جمعه از پول او برداشـتم و خرج کرده‌ام، خودش باخبر نبود از او بخواهید که مرا حلال کند.

جعفر طهماس‌پور

61/3/؟

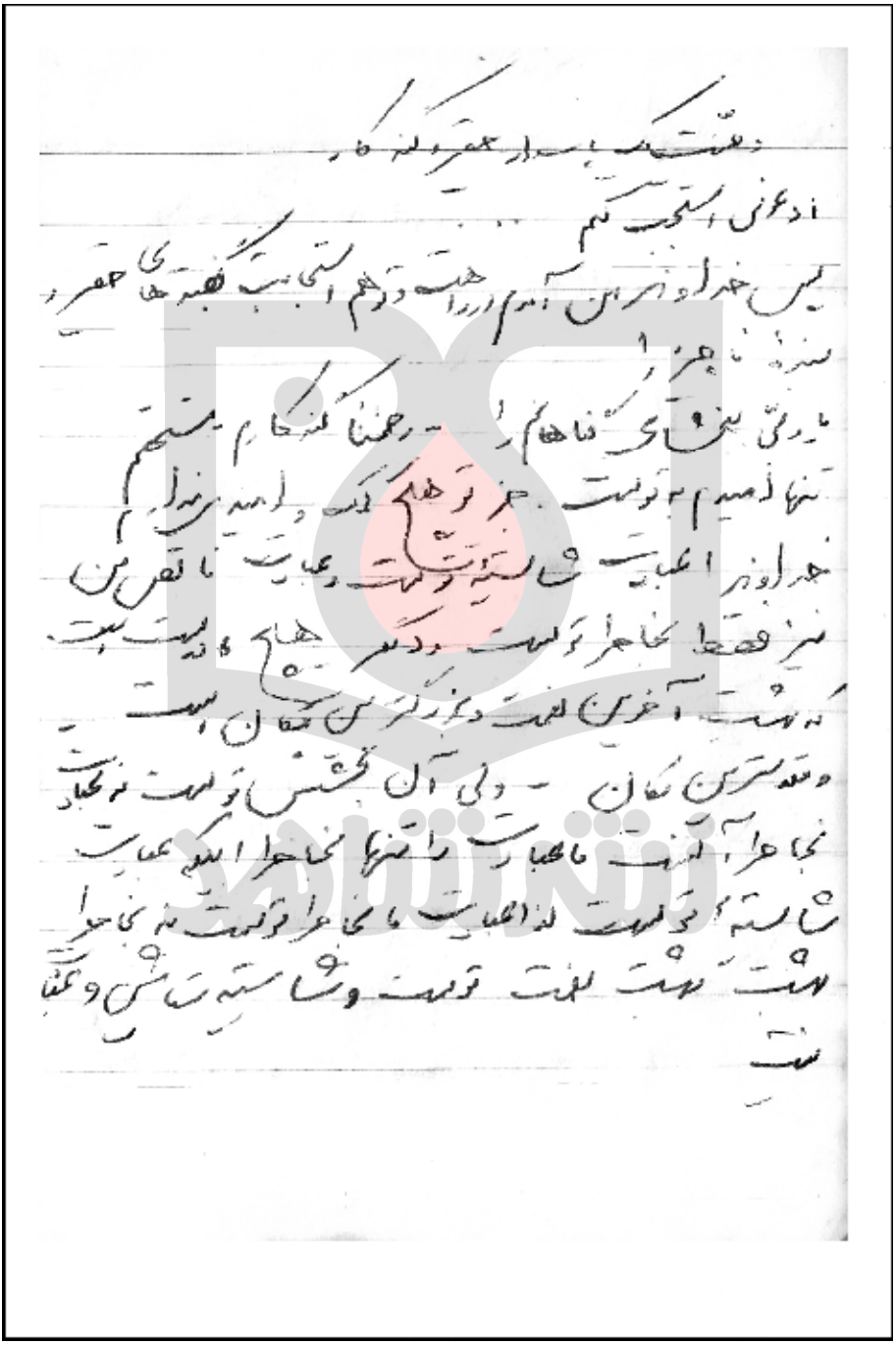

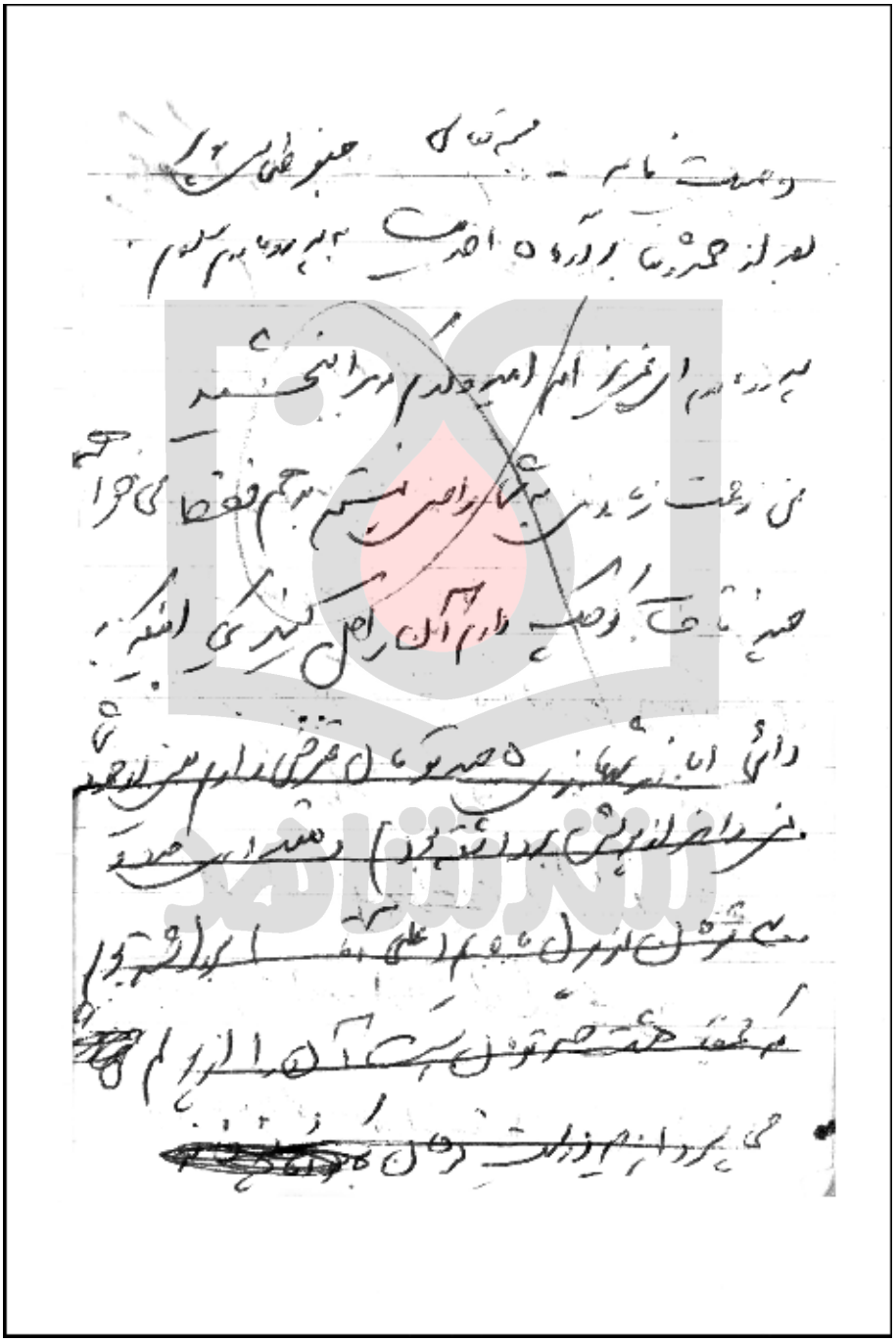

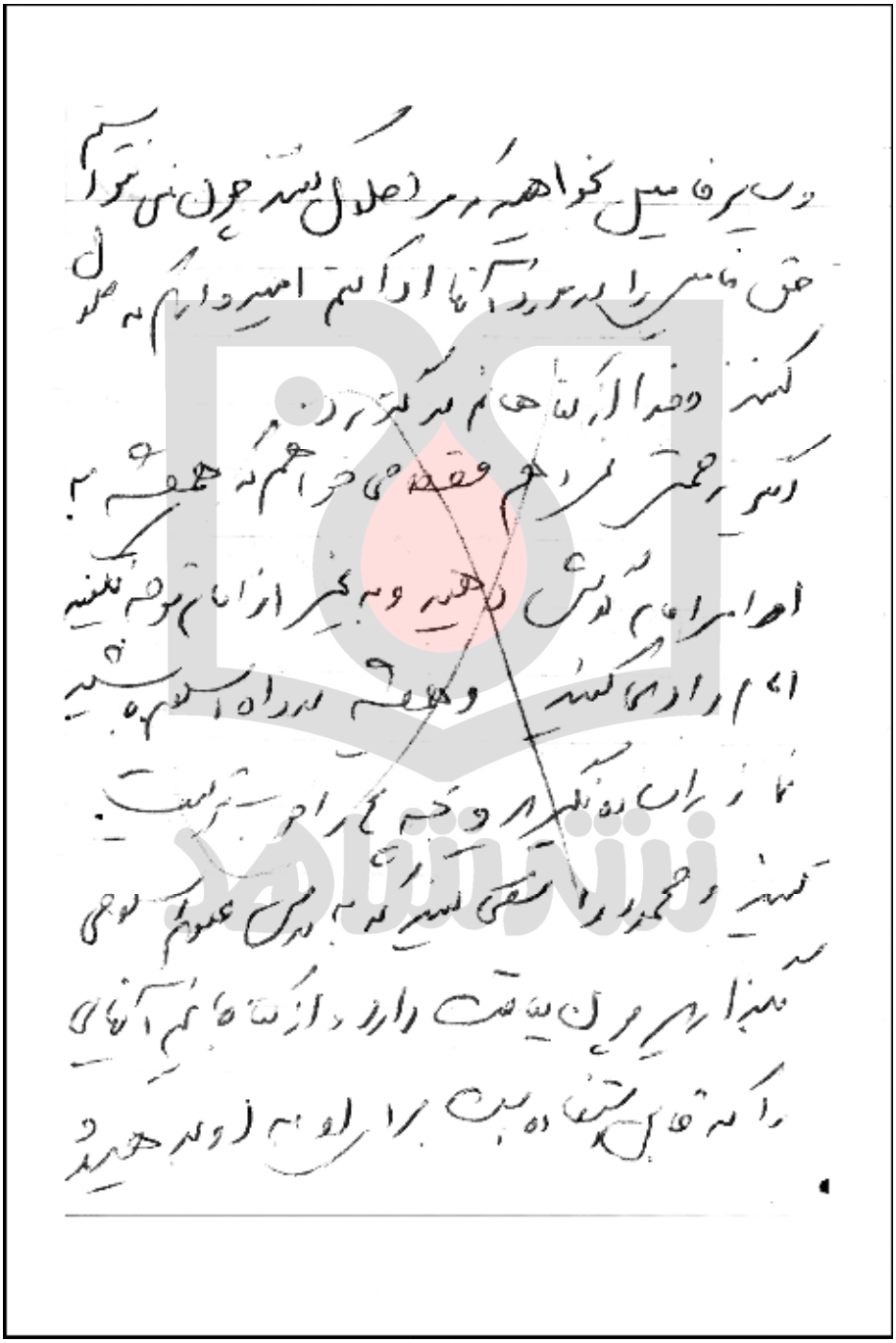

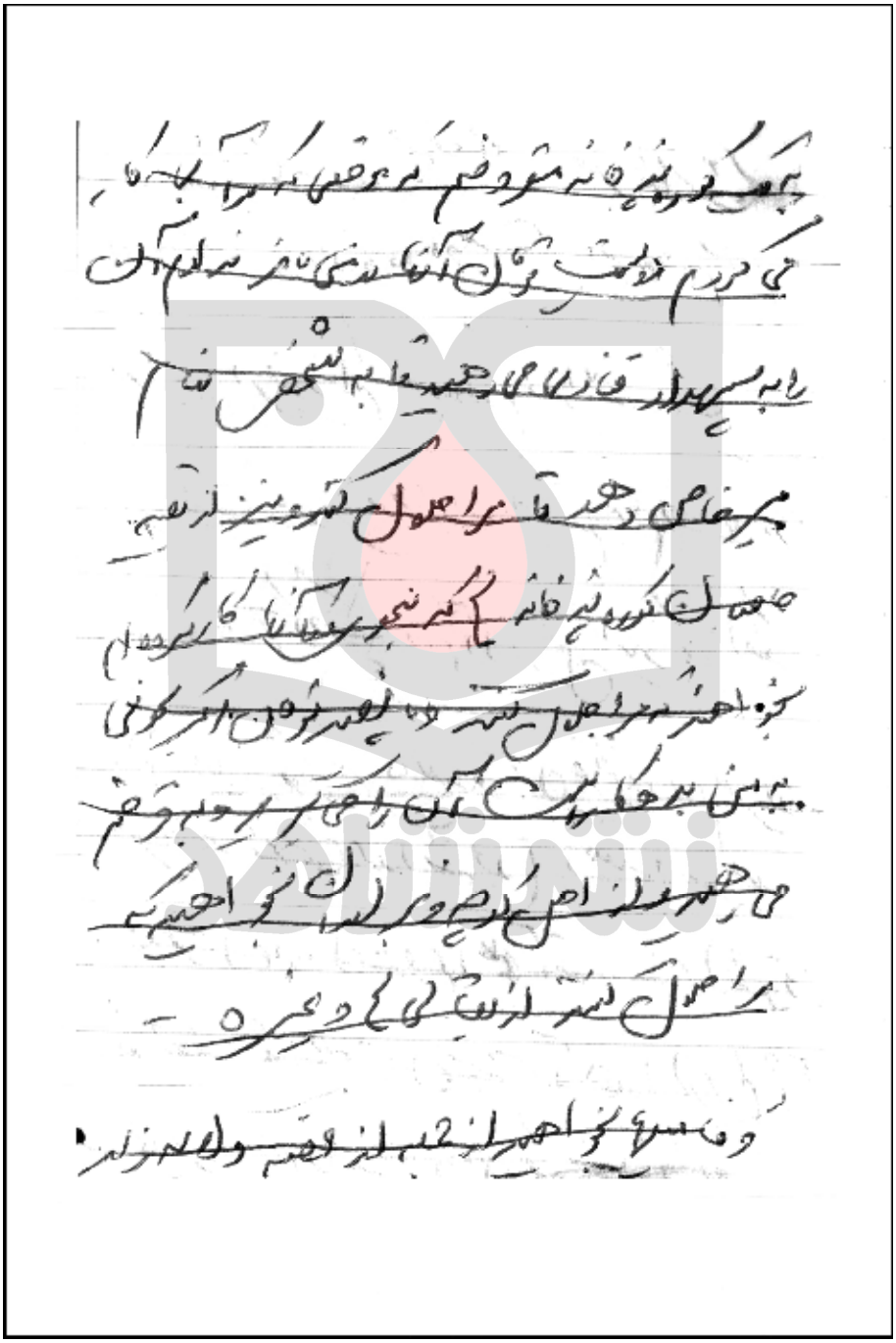

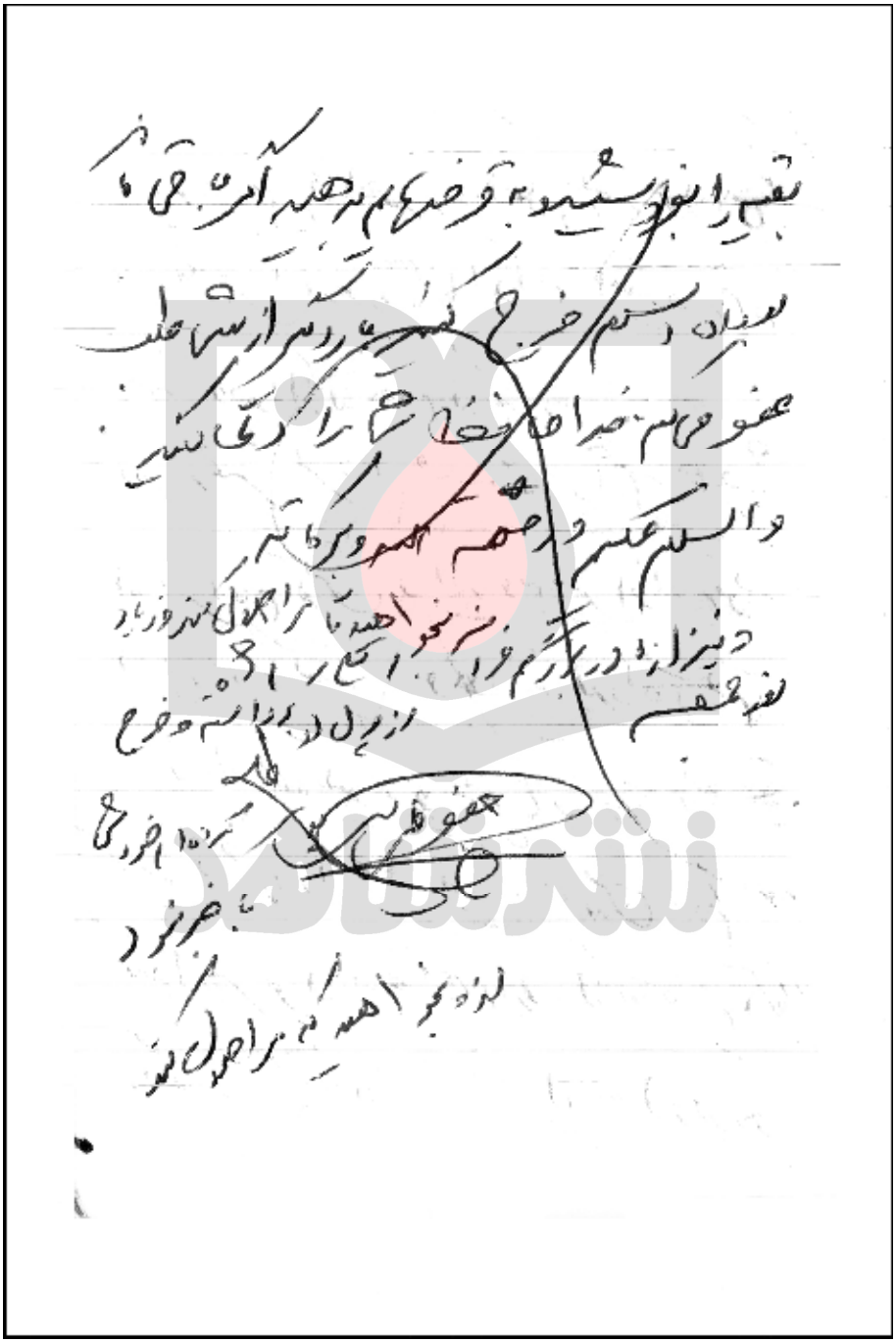

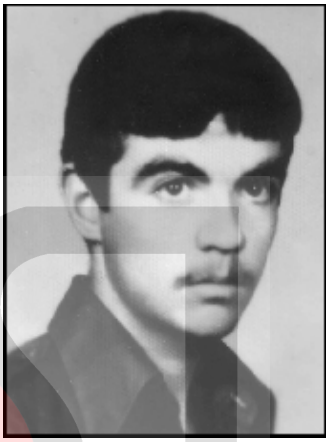

نام: **اصغر**
نام خانوادگی: **طوفانی**
نام پدر: **اکبر**
نام مادر: **محبوبه**
تاریخ تولد: **هجدهم مرداد** 1343
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم آذر** 1360
محل شهادت: **سر پل ذهاب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خداوندا تو را به یگانگی‌ات قسم می‌دهم شهادت در راه اسلام را نصیبم کن.
- عازم جبههٔ جنگ هستیم تا به شرق و غرب بفهمانیم که ایران تنها کشوری است که رسماً با آمریکا می‌جنگد.
- ما مرد جنگیم و برای کشته شدن حاضریم.
- با خدای خویش عهد کرده‌ایم که دنباله‌رو راه امام خود سیدالشهداء(**7**) باشیم.
- اکنون راهی را می‌روم که مولایم علی(**7**) آن را به من آموخت.
- زندگی یک کلاس درس بیش نیست انسان باید دیر یا زود باید امتحان پس بدهد.

اصغر طوفانی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهداء

«اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمداً رسول الله»

شهیدان زنده‌اند و پیش خدا زنده‌اند آنجا رزق می‌خورند و ابدی هستند آنها و ما هم از خداوند می‌خواهیم که موفق به شهادت شویم. یک آن است و سعادت همیشگی، (امام خمینی)[2]. خداوندا تو را به یگانگی‌ات قسم می‌دهم شهادت در راه اسلام را نصیبم کن و این قطرهٔ خون ناقابل مرا از من بپذیر. خداوندا من لیاقت این را ندارم ولی می‌دانم که هرچه تو بخواهی می‌کنی. پس مرا در صف شهدا قرار بده. پروردگارا گناهانم را ببخش و مرا زبانی عطا فرما که بتوانم سپاسگزار[3] نعمت‌های بیشمار تو باشم. من و دیگر برادرانم اکنون عازم جبههٔ جنگ هستیم تا به شرق[4] و غرب[5] بفهمانیم که ایران تنها کشوری است که رسماً با آمریکا می‌جنگد. ما مرد جنگیم و برای کشته شدن حاضریم. و با خدای خویش عهد کرده‌ایم که دنباله‌رو راه امام خود سید الشهداء(**7**) باشیم. ما ایرانی‌ها مانند مردم کوفه[6] هرگز حسین زمان را تنها نخواهیم گذاشت. اکنون وقت آن رسیده است که به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[7] حسین زمانه لبیک گوییم. با پیام خمینی کبیر دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و برای احیای اسلام و صدور انقلاب داوطلبانه به جبهه رفتم. و اکنون راهی را می‌روم که مولایم علی(**7**) آن را به من آموخت. راهی را می‌روم که سرورم حسین بن

1- بالای وصیت آمده است «وصیت‌نامه اصغر طوفانی».

2- صحیفه امام، ج 6، ص 311. عین عبارت امام این است که اندکی با آنچه شهید نوشته است تفاوت دارد: «لکن شهیدان ما زنده‌اند، آنجا رزق می‌خورند، ابدی هستند آنها و ما هم از خدا می‌خواهیم که موفق به شهادت بشویم. یک آن است و سعادت همیشگی و...».

3- در اصل وصیت «سپاسگذار».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

علی(7) آن را پیمود که خوب و دلنشین است این راه، کوتاهترین راه و پرسودترین راه.

مادر گرامی که بعد از خدا مهربان‌ترین و عزیزترین موجودها نزد من هستی. من به وجود تو مادر گرامی افتخار می‌کنم و تو ای مادر عزیز افتخار کن که چنین فرزندی را تربیت کرده‌ای و حالا او را مانند ابراهیم(7) در راه خدا قربانی می‌دهی. مادر اگر من شهید شدم برای من گریه نکن چون من می‌خواهم قبل از اینکه خدا جان مرا بگیرد خودم جانم را تقدیم کنم. زندگی یک کلاس درس بیش نیست انسان باید دیر یا زود باید امتحان پس بدهد و اگر من داوطلب به جبهه برای حق و اسلام عازم شده‌ام شاید موقع امتحان من فرا رسیده باشد امیدوارم به خوبی از عهدهٔ این امتحان بیایم.

وصیت من به دوستانم این است که بعد از من سنگر مرا خالی نگذارند و راهم را ادامه دهند.

با درود و سلام به امام امت خمینی بت‌شکن و با سلام بر شهیدان راه حق از هابیل[1] گرفته تا به امروز.

اصغر طوفانی

1- ر.ک. تعلیقات.

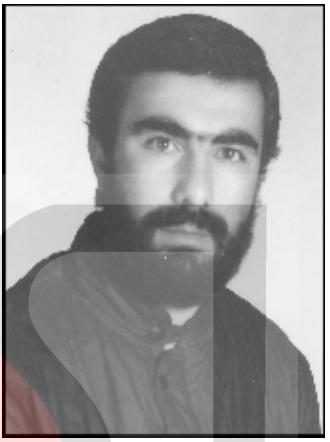

نام: **کریم**
نام خانوادگی: **ظاهری مرحوم**
نام پدر: **رسول**
نام مادر: **محبوبه**
تاریخ تولد: **شانزدهم خرداد** 1338
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **جراحات وارده**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خوشا به‌حال آنانی که بتوانند از این آزمایش الهی سالم بیرون بیایند.
- از این امت قیام کرده می‌خواهم که نایب اماممان و رهبر عظیم‌الشأنمان را تنها نگذارند.
- همیشه از دستورات الهام‌بخش او پیروی کنند و در صحنه حاضر باشند.
- از پدر و مادرم و برادران و خواهرانم می‌خواهم که همیشه گوش به فرمان امام باشند.
- از همهٔ دوستانم می‌خواهم که تا جایی که در توان دارند در راه اسلام و برای اسلام خدمتگزار باشند.
- من این راه را آگاهانه انتخاب کرده‌ام.
- شهادت آرزوی دیرینه من است.
- برادرانم تفنگم را بر دست بگیرند و از اسلام و قرآن دفاع بکنند.

کریم ظاهری مرحوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با سلام به آقا امام زمان و نایب برحق او امام خمینی.

و آنگاه که معلم مکتبمان و سرور شهیدانمان حسین‌بن علی(7) در صحرای کربلا اندازد. «هل من ناصر ینصرنی»[1]، «آیا کسی هست یاری کند دین خدا را»، بعد از گذشت سالیان سال این امت حزب‌الله به ندای معلم شهادت و سرور آزادگان لبیک گفتند و من نیز به این ندا لبیک گفته و خود را وقف دین خدا کرده‌ام که انشاءالله در این راه، خدا از گناهانمان بگذرد و ما را لایق شهادت قرار بدهد.

من از خداوند یکتای بی‌همتا می‌خواهم که ظهور آقایمان و مولایمان و یاور درماندگانمان مهدی موعودمان(عج) را هرچه زودتر تحقق بخشد تا جهان را با عدل و داد پر کند و عمر رهبر عظیم‌الشأن مستضعفان جهان را تا ظهور آقا امام زمان(عج) طولانی کند و شهادت آن راه تکامل بشریت را در راه خودش و در را ه اسلام و قرآن نصیب ما بکند و دین برحق اسلام را بر سراسر جهان حکمفرما بنماید و رزمندگان پرتوان قرآن را در سراسر جهان به پیروزی نهایی برساند.

و اما امروز که اسلام عزیز به قول رهبرمان مظلوم واقع شده و تمام ابرجنایتکاران جهان هر ضربه‌ای را می‌خواهند بر پیکر استوار اسلام وارد بیاورند، اما همه این پست‌فطرتان کور خوانده‌اند چرا که خداوند خودش وعده داده است. و این تنها آزمایش الهی است که مسلمین در قرآن وعده داده شده‌اند:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ»[2]

«و هر آینه شما را به چیزی چون ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود زراعت‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت بده بر استقامت‌کنندگان».

1- ر.ک. تعلیقات.

2- بقره/ 155.

آری خوشا به‌حال آنانی که بتوانند از این آزمایش الهی سالم بیرون بیایند و موقعی که عزیزان خودشان را در راه الله قربانی می‌دهند شکر خدای را به‌جا بیاورند.

من از این امت قیام کرده و خون داده در راه خدا می‌خواهم که نایب امامان و رهبر عظیم‌الشأنمان را تنها نگذارند و همیشه از دستورات الهام‌بخش او پیروی کنند و در صحنه حاضر باشند.

و از پدر و مادرم و برادران و خواهرانم می‌خواهم که همیشه گوش به فرمان امام باشند و نیز از خانواده‌ام و از همهٔ دوستانم می‌خواهم که تا جایی که در توان دارند در راه اسلام و برای اسلام خدمتگزار باشند و سعی کنند خودشان را وقف دین خدا بکنند تا انشاءالله خدا از گناهانشان بگذرد.

و از پدر و مادرم و برادران و خواهرانم می‌خواهم که انشاءالله هر موقع به شهادت رسیدم اصلاً گریه نکنند و شکر خدای را به‌جا آورند و همچون زینب(**3**) صبر داشته باشند و برایم شیرینی و میوه پخش کنند چرا که من این راه را آگاهانه انتخاب کرده‌ام و شهادت آرزوی دیرینه من است و من امیدوارم که انشاءالله بعد از شهادت من برادرانم تفنگم را بر دست بگیرند و از اسلام و قرآن دفاع بکنند.

از طرف من به جبهه‌های جنگ و جنگ‌زدگان و بازسازی‌ها کمک کنید و دعاگو برای اسلام و مسلمین باشید و نیز دعا کنید که انشاءالله خداوند متعال از گناهانمان بگذرد.

«والسلام علی عبادالله الصالحین»

کریم ظاهری

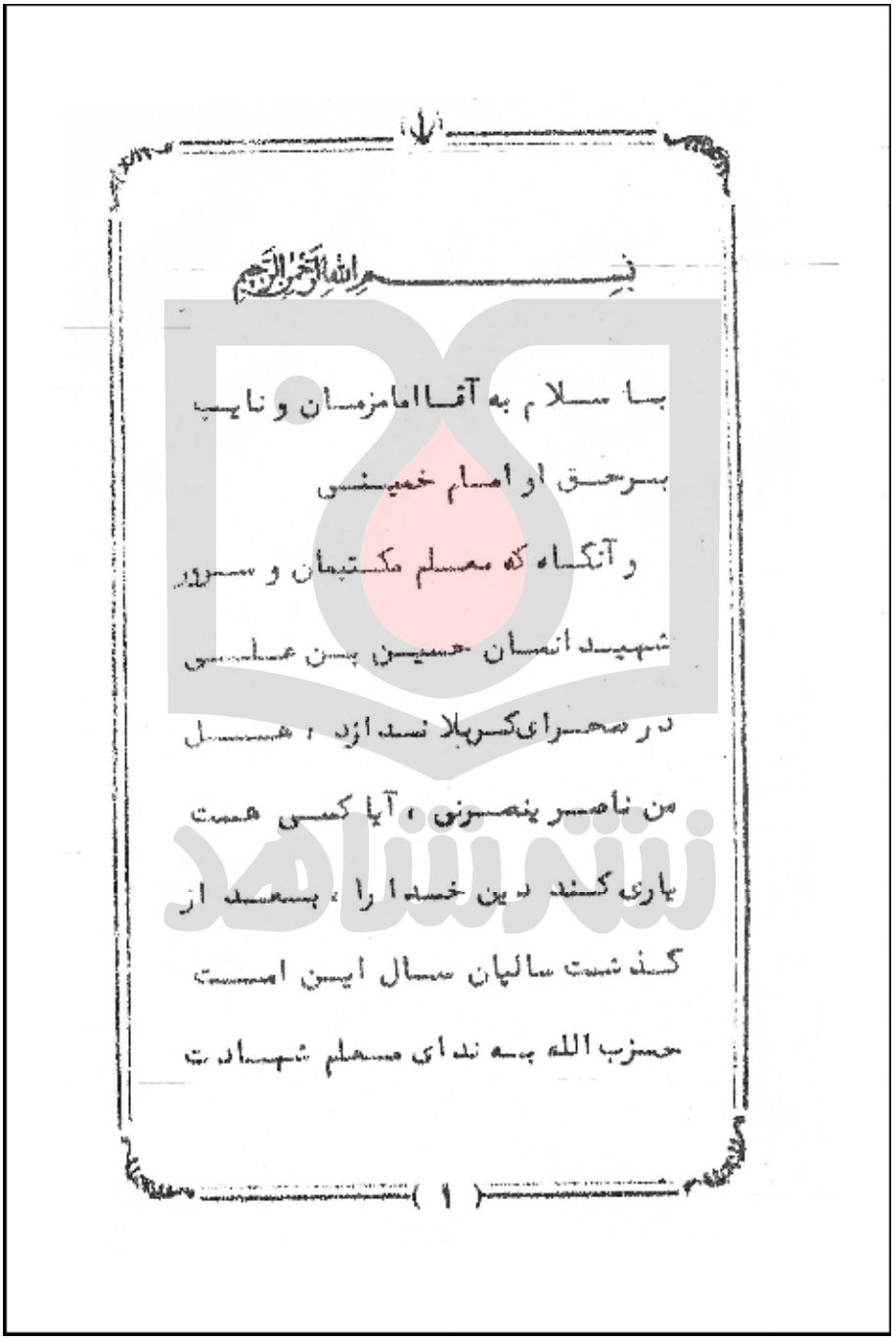

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام به آقا امامزمان و نایب
برحق او امام خمینی
و آنگاه که معلم مکتبمان و سرور
شهیدانمان حسین بن علی
در صحرای کربلا ندا داد : هست
من ناصر ینصرنی ، آیا کسی هست
یاری کند دین خدا را ، بسعد از
گذشت سالیان سال اینک امت
حزب الله به ندای معلم شهادت

(۱)

و سرور آزادگان لبیک گفتند . و
من نیز به این ندا لبیک گفته
و خود را وقف دین خدا کرده‌ام
که انشاء الله در این راه ، خدا از
گناهانمان بگذرد و ما را لایق
شهادت قرار بدهد .
من از خداوند یکتای بی همتا
میخواهم که ظهور آقایمان و
مولایمان و یاور درماندگانمان
مهدی موعودمان را هر چه زودتر
تحقق بخشد تا جهان را با عدل

و داد پر کند و عصر رهبر عظیم
الشأن مستضعفان جهان را تا
ظهور آقا امام زمان طولانی کند
و شهادت آن راه تکامل بشریت
را در راه خود ش و در راه اسلام و
قرآن نصیب ما بکند و دین بر
حق اسلام را بر سراسر جهان
حکمفرما بنماید و رزمندگان پیر
توان قرآن را در سراسر جهان به
پیروزی نهایی برسانند .
و اما امروز که اسلام عزیز

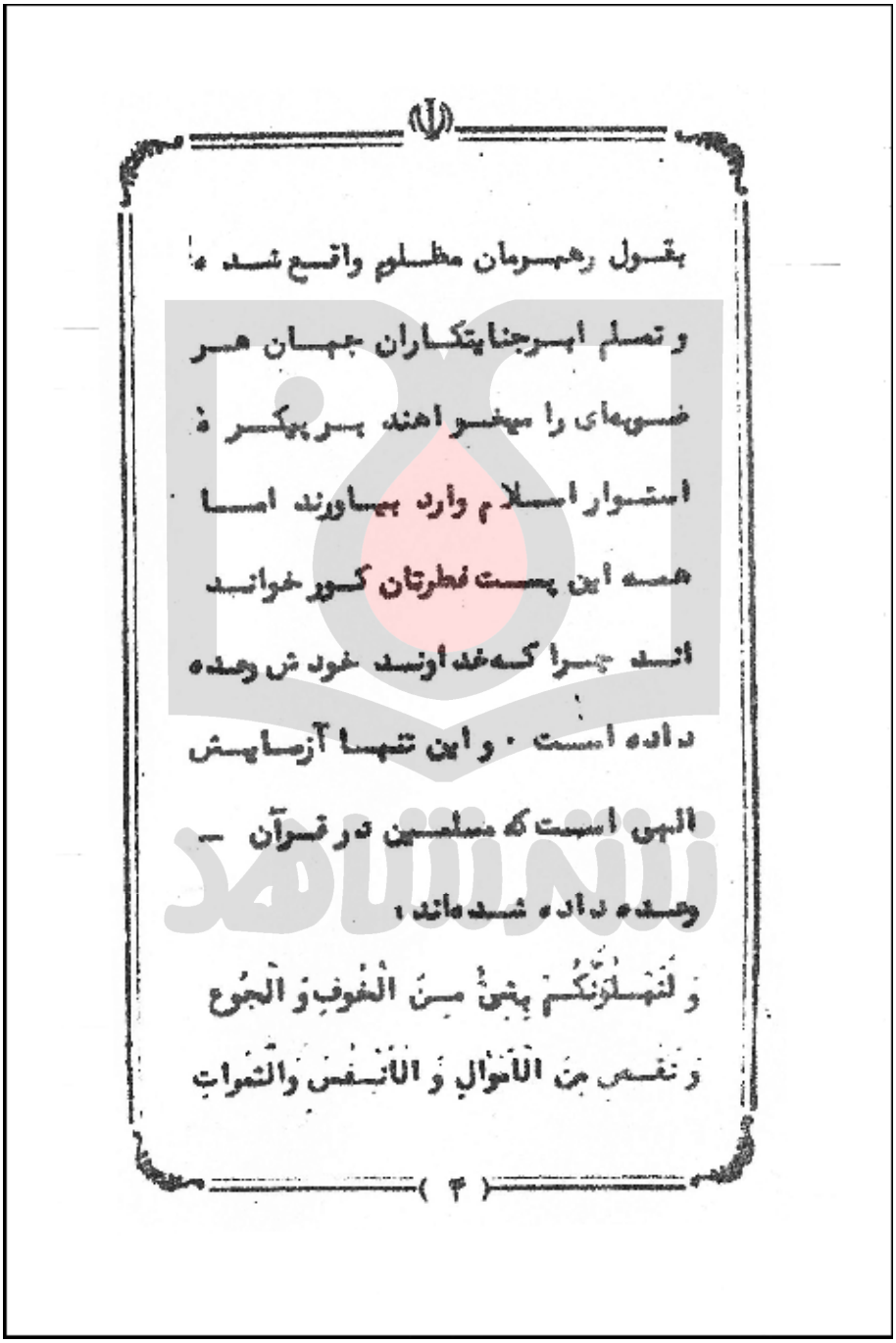

بقول رهبرمان مظلوم واقع شد ه
و تعلم ابرجنایتکاران جهان هر
ضربه‌ای را میخواهند بر پیکر ه
استوار اسلام وارد بیاورند اما
همه این پست فطرتان کور خوانند
اند چرا که خداوند خودش وعده
داده است . و این تنها آزمایش
الهی است که مسلمین در قرآن
وعده داده شده‌اند :
وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ
وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَالثَّمَراتِ

(۴)

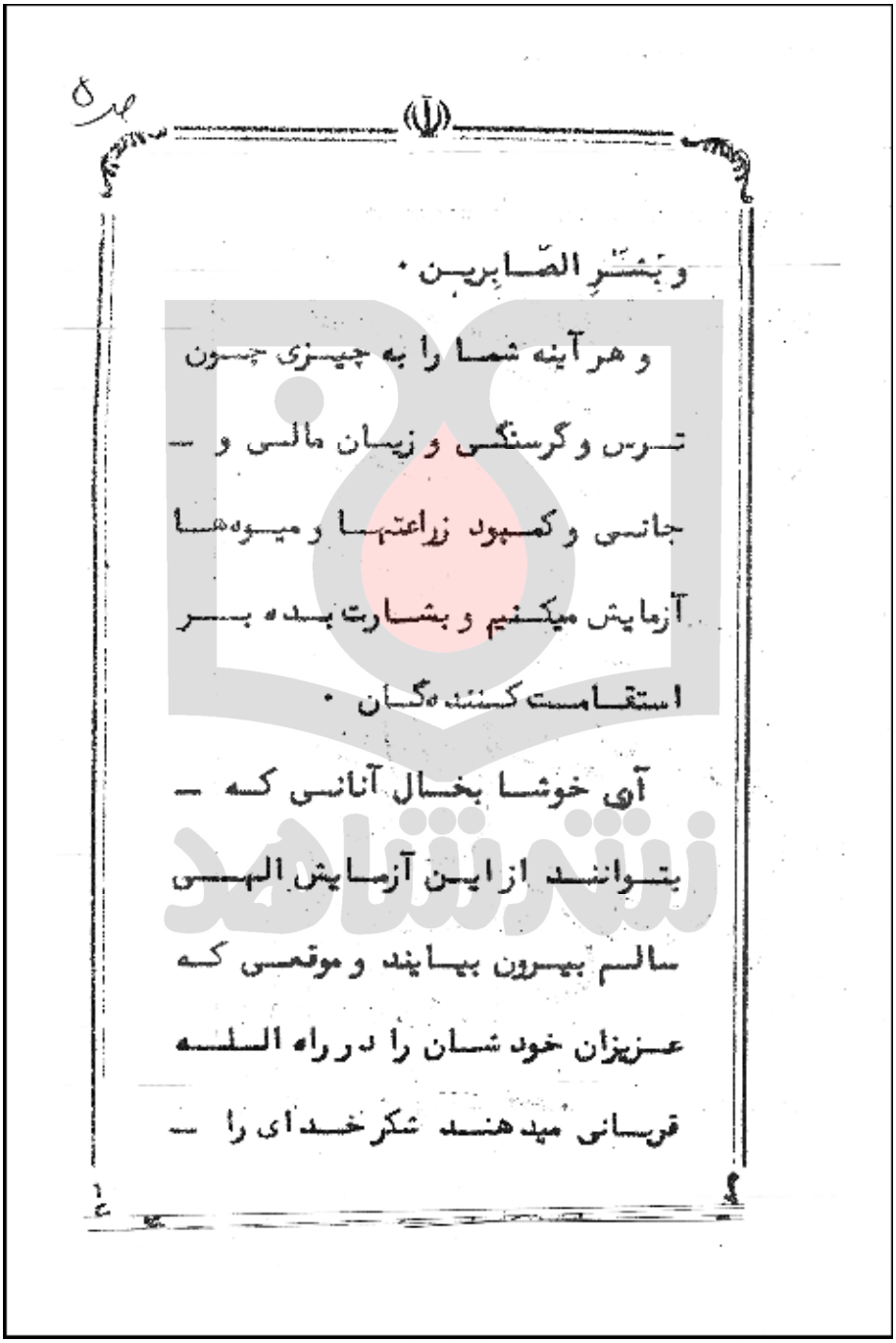

وبشّرِ الصّابرین ۰

و هر آینه شما را به چیزی چون
ترس و گرسنگی و زیان مالی و
جانی و کمبود زراعتها و میوه‌ها
آزمایش میکنیم و بشارت بده بر
استقامت کنندگان ۰

آی خوشا بحال آنانی که
بتوانند از این آزمایش الهی
سالم بیرون بیایند و موقعی که
عزیزان خود شان را در راه الله
قربانی میدهند شکر خدای را

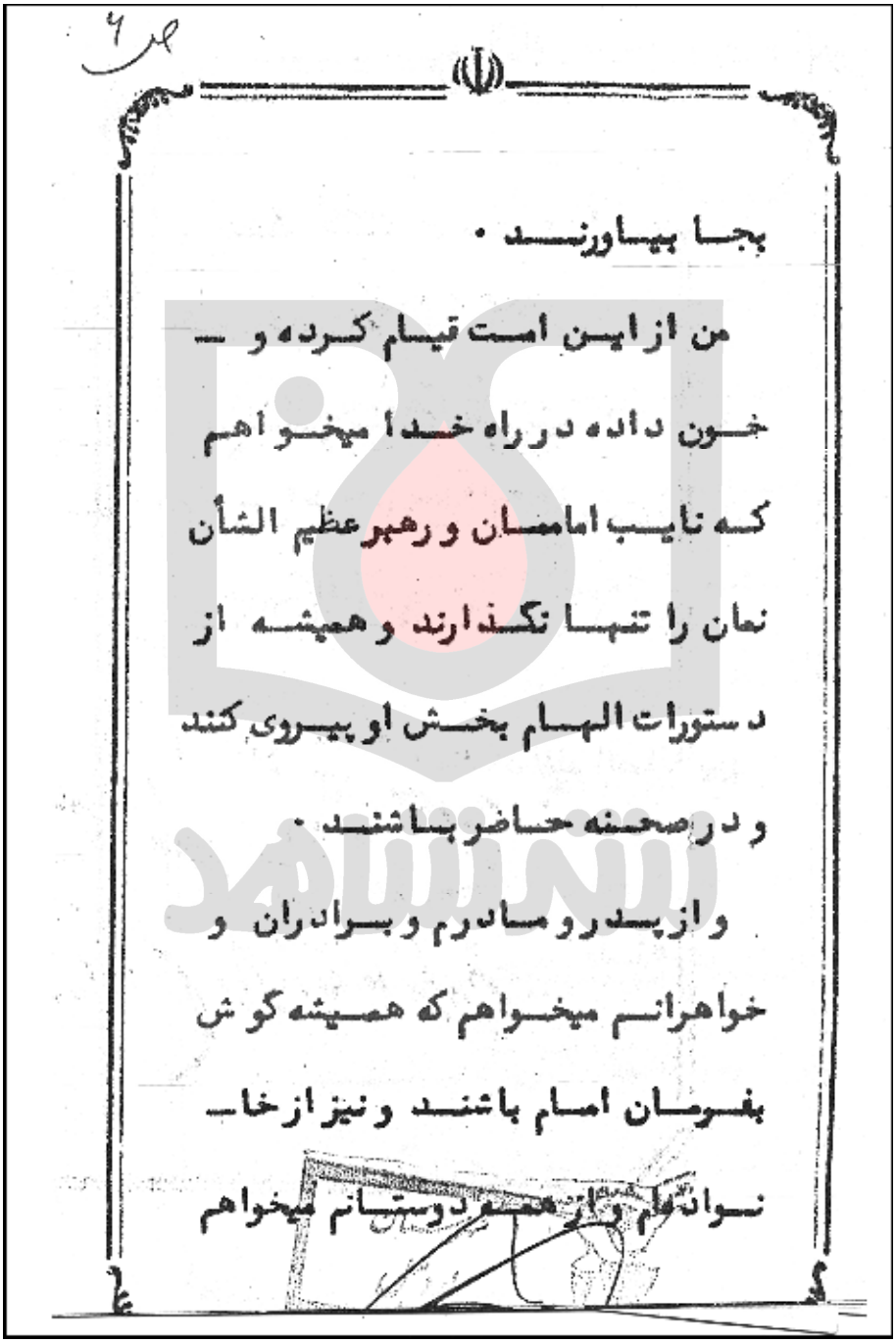

بجا بیاورند .

من از این امت قیام کرده و خون داده در راه خدا میخواهم که نایب امامان و رهبر عظیم الشأن نمان را تنها نگذارند و همیشه از دستورات الهام بخش او پیروی کنند و در صحنه حاضر باشند .

و از پدر و مادرم و برادران و خواهرانم میخواهم که همیشه گوش بفرمان امام باشند و نیز از خانواده‌ام و از همه دوستانم میخواهم

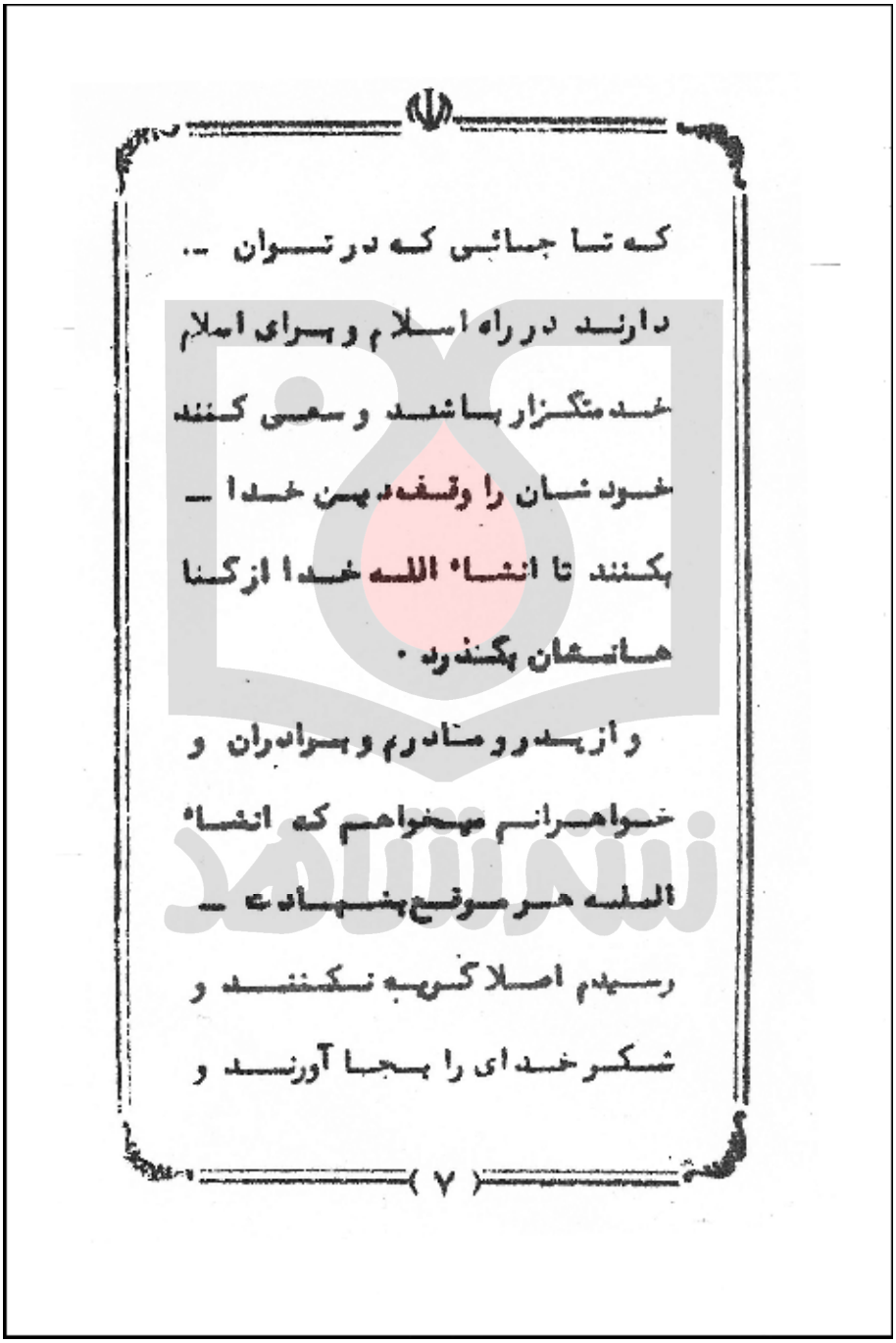

که تا جائی که در توان ..
دارند در راه اسلام و برای اسلام
خدمتگزار باشند و سعی کنند
خود شان را وقف دین خدا ـ
بکنند تا انشاء الله خدا از گنا
هانشان بگذرد .
و از پدر و مادرم و برادران و
خواهرانم میخواهم که انشاء
الله هر موقع بشهادت ـ
رسیدم اصلا گریه نکنند و
شکر خدای را بجا آورند و

(۷)

همچون زینب صبر داشته
باشند و بوایم شیرینی و
میوه پخش کنند چرا که
من این راه را آگاهانه انتخاب
کرده‌ام و شهادت آرزوی دیرینه
من است و من امیدوارم که
انشاء الله بعد از شهادت
من برادرانم تفنگم را
بر دست بگیرند و از اسلام
و قرآن دفاع بکنند.
از طرف من به جبهه های جنگ

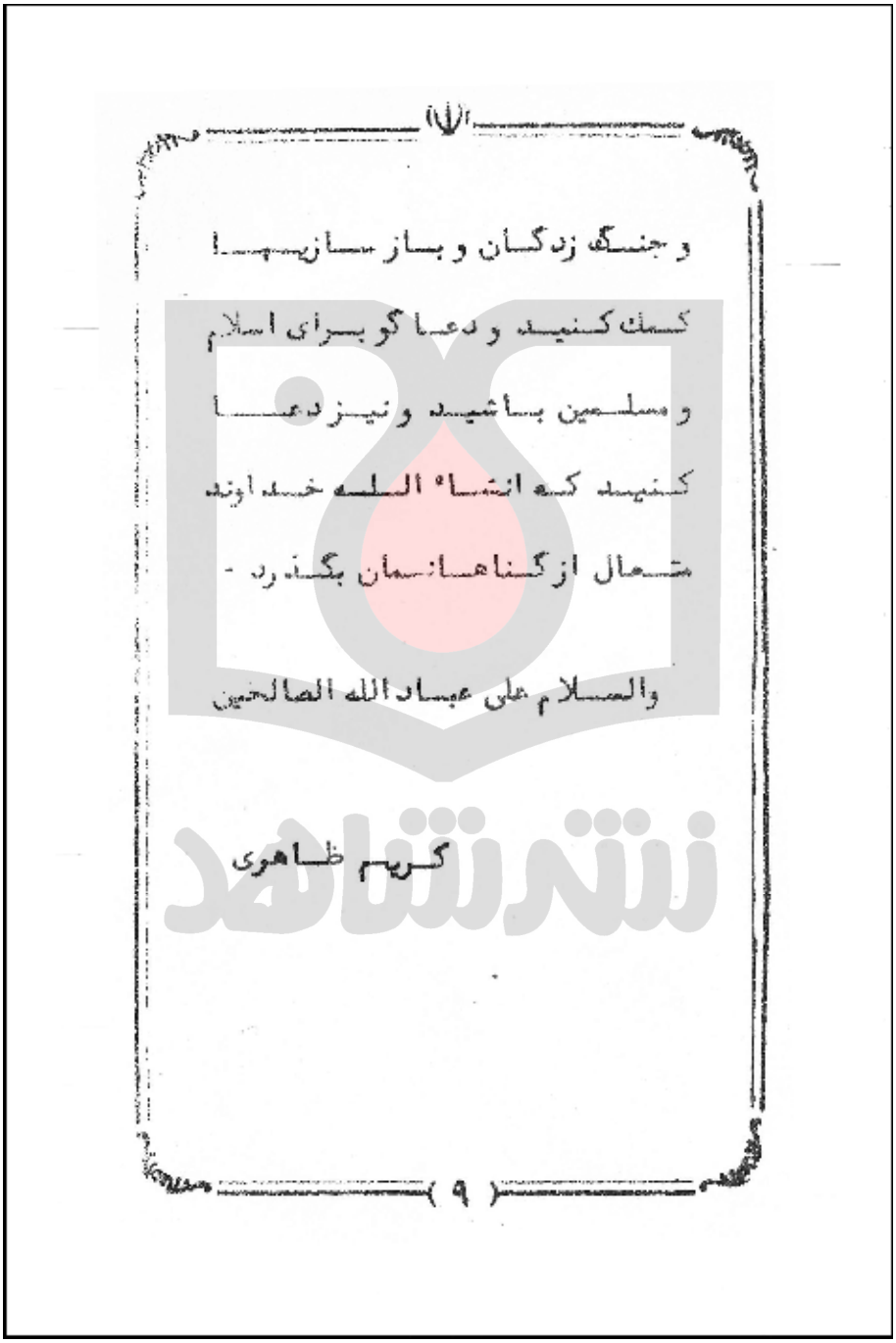

و جنگ زدگان و باز سازیها
کمک کنید و دعا گو برای اسلام
و مسلمین باشید و نیز دعا
کنید که انشاء الله خداوند
متعال از گناهانتان بگذرد -

والسلام علی عباد الله الصالحین

کریم ظاهری

نام: **قدرت**
نام خانوادگی: **ظهوری**
نام پدر: **حبیب**
نام مادر: **خاور**
تاریخ تولد: **دوم فروردین** 1315
محل تولد: **روستای قره‌درویش از توابع شهرستان مشگین‌شهر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ژاندارمری**
تاریخ شهادت: **دوم دی** 1361
محل شهادت: **تکاب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- زندگی شخصی دست خدای بزرگ می‌باشد.
- عمر مقرره از طرف الهی سپری خواهد شد چه بهتر راه شرافت‌مندانه را در پیش گرفته باشد.

نشر شاهد

قدرت ظهوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

چون کشور عزیز ما دچار ناامنی شده است و من در نوار مرز شوروی مشغول خدمت و دفاع از آب و خاک و ناموس و به‌خصوص دین مسلمانان ایرانی می‌باشم، احتمال دارد در این راه کشته شوم. بنابراین به خانواده و فرزندان خودم توصیه[1] می‌کنم که به مرگ من ناراحت نباشند ولی من نگران زندگی آنها هستم آن هم خدا کریم است و زندگی هر شخصی دست خدای بزرگ می‌باشد و عمر مقرره از طرف الهی سپری خواهد شد چه بهتر راه شرافت‌مندانه را در پیش گرفته باشد و اگر ناراحت نباشید روح من در آرامش خواهد بود. خدای بزرگ یارو مددکار شما باد.

قدرت ظهوری

1- در اصل وصیت «توسعه».

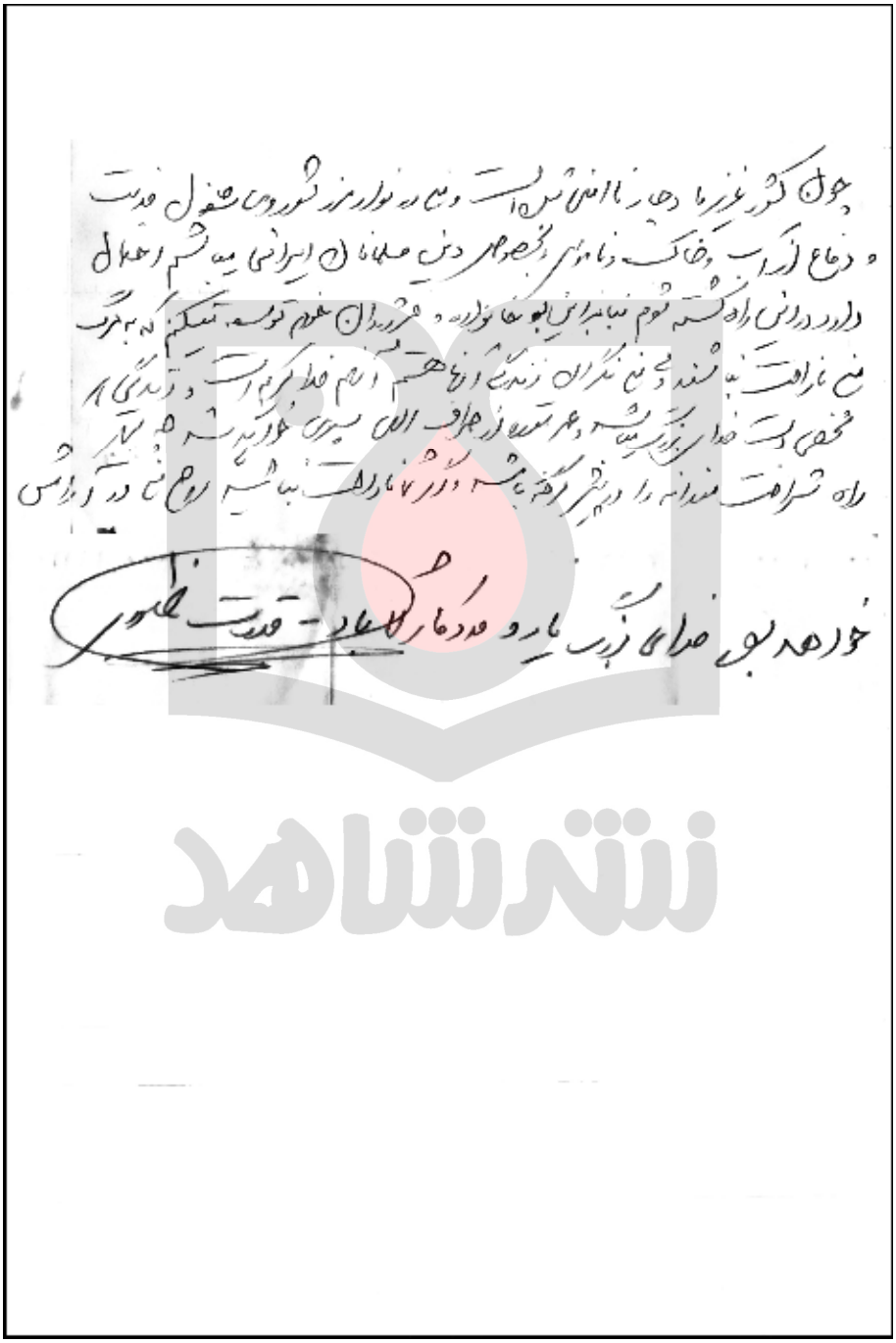

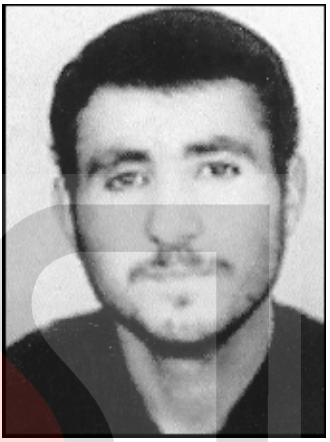

نام: **جانعلی**
نام خانوادگی: **عابدی بفراجرد**
نام پدر: **گلعلی**
نام مادر: **شیرین**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1343
محل تولـد: **روستای بفراجرد از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هفدهم تیر** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- تا قطره‌ای خون خود می‌جنگیم.
- ما جبهه‌ها را خالی نمی‌گذاریم.

نشر شاهد

جانعلی عابدی بفراجرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«السلام‌علیک یابن‌رسول‌الله‌السلام‌علیک یابن‌امیرالمومنین‌السلام‌علیک یابن‌سیدةنساءالعالمین»

با سلام درود به آقا امام زمان(عج) و نایب برحقش امام امت وامت شهیدپرور ایران. بخصوص خانواده‌های مفقودین و اسراء و جانبازان جمهوری اسلامی ایران و با سلام و درود به پدر بزرگوارم جناب آقای گلعلی عابدی امیدوارم که حالتون خوب و سلامت بوده باشد و به دعاگوئی امام و رزمندگان و امت شهیدپرور ایران بوده باشد. باری پدر بزرگوار شما از طرف ما نگران نباشید. من و بایرام در یک گردان با هم هستیم به یاری خداوند متعال و نابودی دشمنان داخلی وخارجی کشور تا قطره‌ای خون[1] خود می‌جنگیم با یاری خداوند تا به دشمنان جمهوری اسلامی ایران بفهمانم که ما جبهه‌ها را خالی نمی‌گذاریم. به امید خداوند و به یاری الله و به امید زیارت کربلا انشاءالله.

در ضمن پدر جان الان موقع حلالیت است از شماها حلالیت می‌طلبم مرا ببخشید که به شما اذیت کردم مرا به بزرگی خودتان ببخشی چون که خودم می‌دانم برای شما پسر خوبی نبودن. شما پدر جان برای ما خیلی زحمت کشیده خداوند گناهانت را بخشید انشاءالله پدر جان از طرف خانوده من و قدرت ناراحت نباشید من از تاریخ 66/1/4 تا تاریخ 66/1/14 تهران بودم الحمدالله خوب هستند. از طرف من به تمامی فامیل‌ها و دوستان حزب‌الله سلام برسانید. خدمت عزیزالله و بالاخانم صفره خانم سلام می رسانم خدمت الله ورد با خانواده سلام می‌رسانم خدمت فرهاد با خانواده سلام می‌رسانم خدمت مشهدی میرزاعلی با خانواده سلام می‌رسانم خدمت عمه کوکب عابدی با خانواده سلام می‌رسانم. دیگر قابل عرض نیست شما را می‌سپاریم به خدا. خداحافظ منتظر جواب نامه شما هستیم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

جانعلی عابدی[2] 66/1/17

1- در اصل وصیت «خونی».

2- ذیل وصیت‌نامه آمده است «66/12656-/ش» احتمالاً شماره پرونده است یا شماره پرسنلی یا کد شناسایی شهید در پادگان محل خدمت.

نام: **اسد**
نام خانوادگی: **عالش‌زاده**
نام پدر: **باب‌الله**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **سوم خرداد** 1346
محل تولد: **روستای کوجنق از توابع شهرستان مشگین‌شهر**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **ششم آذر** 1367
محل شهادت: **پاسگاه هنگ‌آباد پیرانشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت سهوی گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- حمایت کنید از انقلاب.
- دفاع کنید از اسلام و قرآن.
- رزمندگان را دعا کنید.
- برادران و دوستانم اکنون نوبت شماست که از آبرو و شرف خود دفاع کنید.

شهرشاهد

اسد عالش‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

درود و سلام بر شهیدان و امام شهیدان.

پدر و مادر عزیزم اکنون که توفیق الهی شامل حال ما شده است و توانسته‌ام در این دفاع مقدس شرکت کنم خداوند را شکرگزارم[1]. حمایت کنید از انقلاب دفاع کنید از اسلام و قرآن صبر داشته باشید رزمندگان را دعا کنید «جنگ جنگ است وعزت وشرف وآبروی ما در گرو همین جنگ است»[2]. اگر خداوند توفیقی عطا کرد وشهید شدم حلالم کنید من از برادران و دوستانم می خواهم که اکنون نوبت شماست که از آبرو و شرف خود دفاع کنید و نگذارید دشمن این دستاورد با ارزش را از بین ببرد.

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «شکرگذارم».

2- این عبارت شهید عین سخن حضرت امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 13، ص 242).

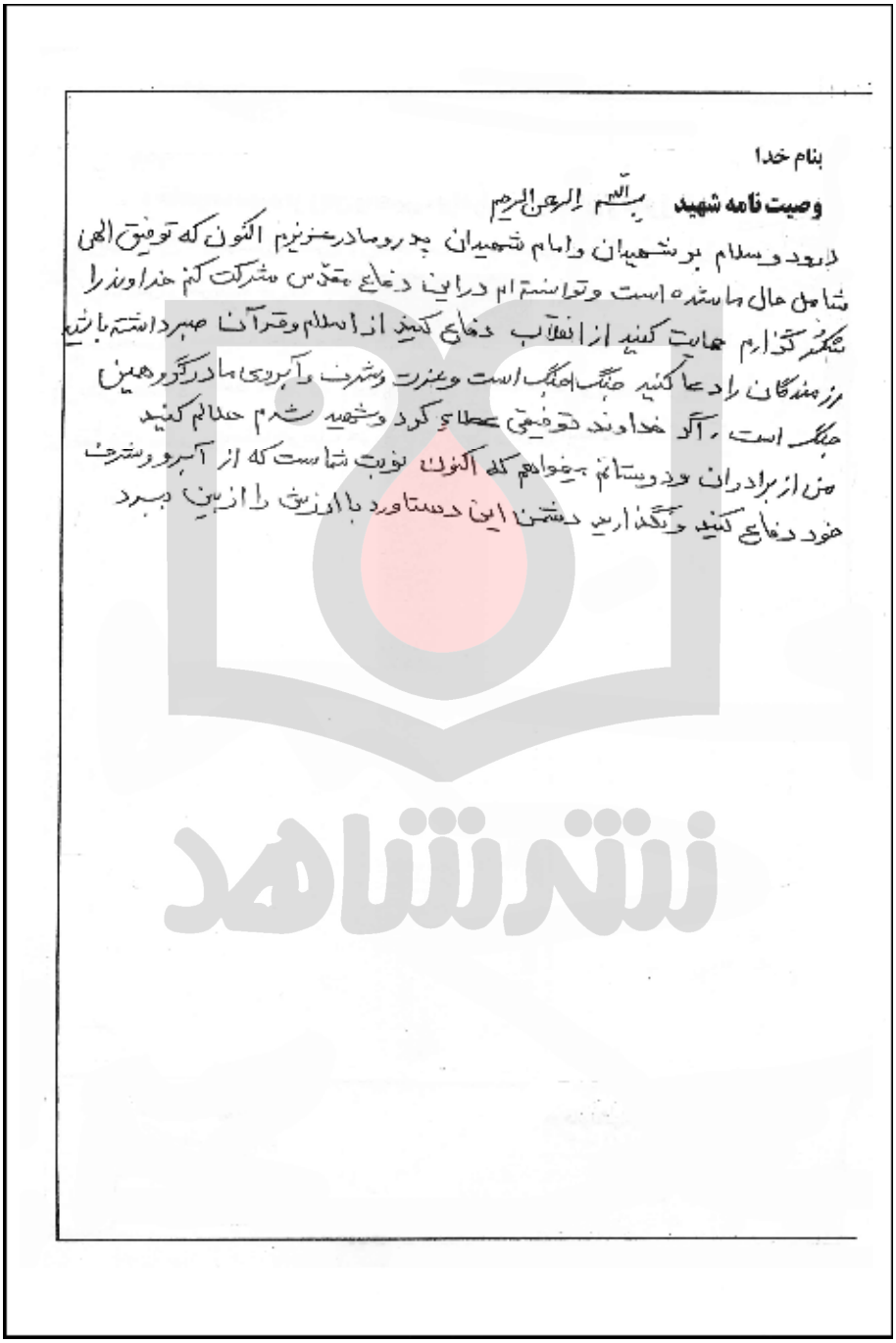

بنام خدا

وصیت نامه شهید بسم الله الرحمن الرحیم

درود و سلام بر شهیدان و امام شهیدان پدر و مادر عزیزم اکنون که توفیق الهی شامل حال ما شده است و توانسته ام در این دفاع مقدس شرکت کنم خداوند را شکر گذارم حمایت کنید از انقلاب دفاع کنید از اسلام و قرآن صبر داشته باشید رزمندگان را دعا کنید جنگ جنگ است و آگر خداوند توفیق عطا کرد و شهید شدم جدالم کنید جنگ است. من از برادران و دوستانم میخواهم که اکنون نوبت شماست که از آبرو و شرف خود دفاع کنید و نگذارید دشمن این دستاورد با ارزش را از بین ببرد

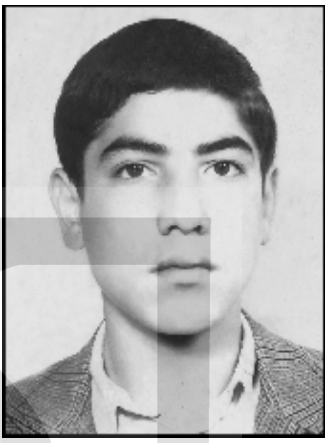

نام: **اسحاق**
نام خانوادگی: **عالشی**
نام پدر: **اشرف**
نام مادر: **عظمت**
تاریخ تولد: **یکم دی** 1340
محل تولد: **روستای آلیله از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **پنجم شهریور** 1362
محل شهادت: **بوکان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای امام حسین شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- چه بهتر مرگ با شرافت و آن هم توأم با شهادت در راه خدا باشد.
- مرگ مانند دری است که انسان از روزنه شفاعت و دنیای فساد به خانه و عالم روحانی و مدینه فاضله وارد می‌شود.
- ای امت حزب‌الله اسلام خون می‌خواهد.
- تا ریشه فقر و مستضعف در دنیا هست مبارزه کنید.

شهرشاهد

اسحاق عالشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه 61/2/14

«سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی»[1]

اماما و رهبرا سلام و رحمت خدا بر شما باد.

سلام بر شما ملت که نور الهی بر سرتان تابیده، سلام مخصوص به پدران و مادرانی که پسری پرورش می‌دهند و آن را در راه خدا قربانی می‌کنند. ای برادران از روحانیّت مبارز و متعهد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که دو بال رهبر عظیم، و ولایت فقیه هستند حراست و حفاظت کنید و الّا مورد هجوم اجنبیان و خارجیان مزدور و کثیف واقع خواهید شد و آن موقع هست که شرف خودتان دستبرد آنان می‌شود. مسئله مرگ سخت نیست چون اگر یک دمی فکر کنیم فوراً می‌فهمیم که کسی در دنیا پیدا نمی‌شود از چنگال مرگ در امان باشد، بنابراین چه بهتر مرگ با شرافت و آن هم توأم با شهادت در راه خدا باشد. مرگ برای مبارزان و مجاهدان در راه اسلام و قرآن همانند آب سرد در تابستان است. از نظرم مرگ مانند دری است که انسان از روزنه جهالت و دنیای فساد به خانه و عالم روحانی و مدینه فاضله وارد می‌شود، ولی افسوس می‌خورم که در عمرم نتوانستم از دور هم که شده دریای معرفت قرآن ونهج‌البلاغه مشاهده کنم تا اینکه برسد از آن به اندازه استفاده کنم. روایتی از رسول اکرم(**6**): مرکب قلم علما به خون شهید ترجیح می‌شود. حال چه جالبتر و شیرین‌تر است که انسان آگاه دانا باشد و در راه خدا هم شهید شود و اجر شهید و اجر مرکب قلم علمای اسلام زمانی که با هم باشد.

ای امت حزب‌الله اسلام خون می‌خواهد و خون انسان‌ها و آدم‌ها مورد قبول می‌باشد نه خون هر موجود. وصیتم برایتان اینست که تا ریشه فقر و مستضعف در دنیا هست مبارزه کنید و فعلاً در خانه ماندن و در آسایش زندگی کردن ارزش ندارد چون افرادی داریم که در یک زاغه با حیوانش زندگی می‌کند. این انقلاب اسلامی که بخشش خداوندی است بعد

1- آیات 1 و 2 سوره اعلی.

هم به امام زمان(عج).

در آخر پدرم امیدوارم که افتخار کنید به اینکه جزء پدران شهیدان شدید و استدعا عاجزانه دارم که مرا با آن لطفی که داشتید بخشوده باشید. مادر مهربان می‌دانم چه زحمت‌ها در کودکیم کشیدید و رنج‌ها دیدید و عاقبت شهید شدم و هیچ خدمتی نتوانستم به نوبه خود برایت بکنم. خلاصه از حضور شما طلب آمرزش می‌خواهم.

«والسلام علیکم»

ای مادر «**انّ اللّهُ یُحِبُّ الصّابِرینَ**»[1]

اسحق عالشی- نام پدر اشرف عالشی، تاریخ تولد 1340

محل تولد آلیله «گرمی»

پدرم یک چهارم حقوقم را به فقیران و تنگدستان و در راه خیر خرج کنید.

برادر آقامعلی غفارزاده حدود چهار یا پنج ماه نماز دارم. وصیت می‌کنم برایت که آن را ادا کنید. و کتاب‌های غیر درسی‌ام در خانه از لحاظ اسلامی و غیراسلامی جدا کنید و غیر اسلامی‌های آن را بسوزانید. متشکرم از زحمات[2] شما. به همکلاسم بدهید.

نشر شاهد

1- آل‌عمران/ 146.

2- در اصل وصیت «زحمتایت».

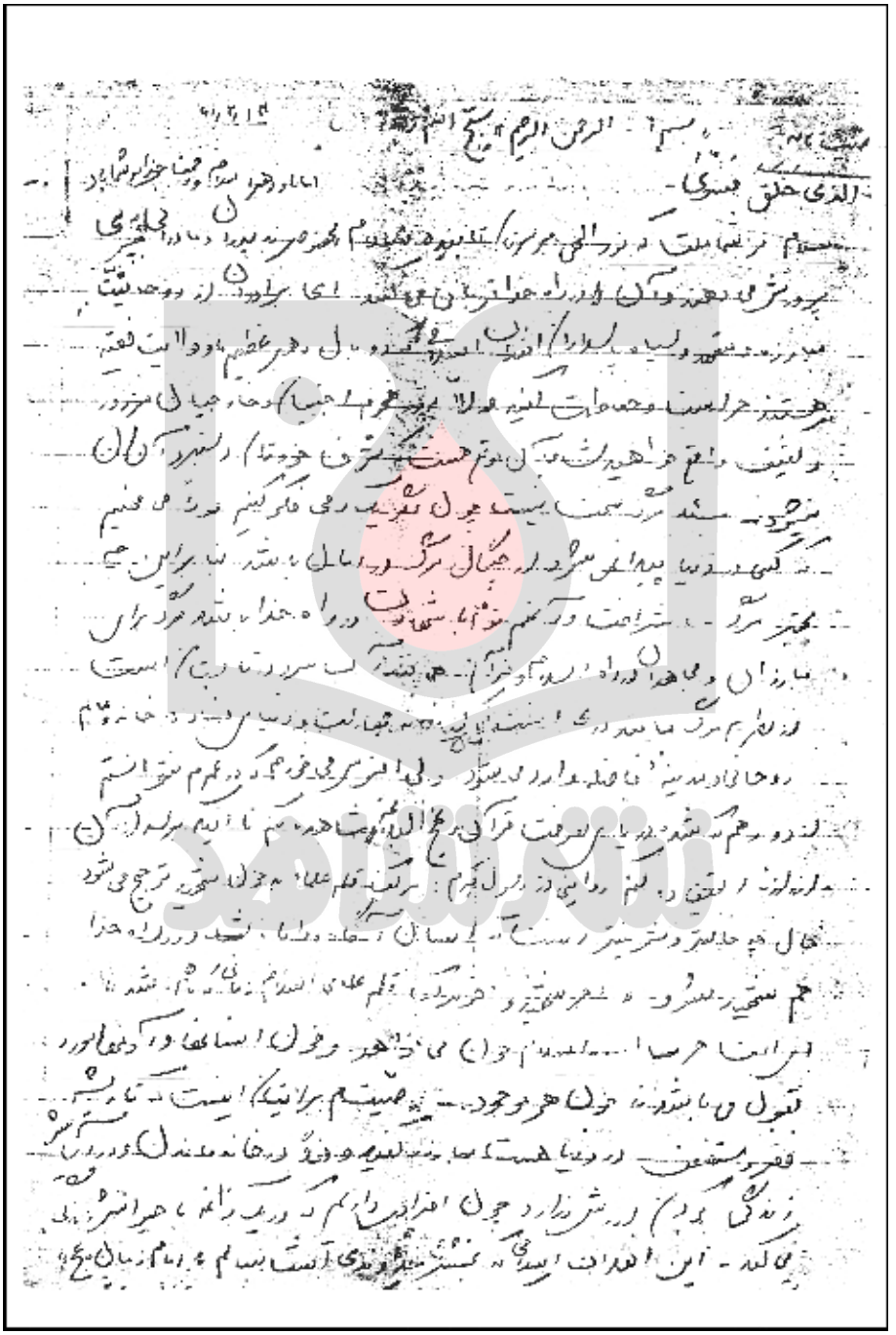

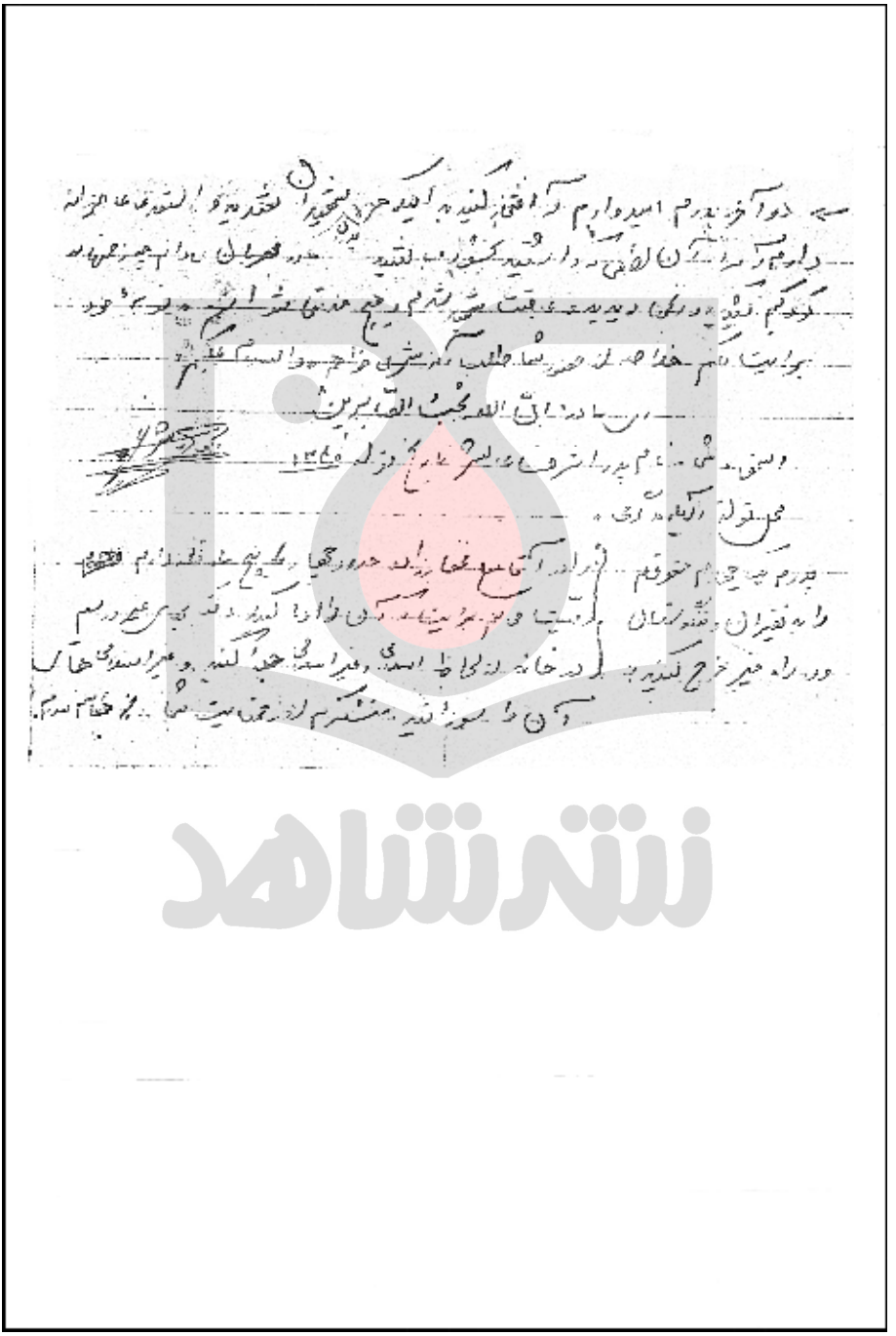

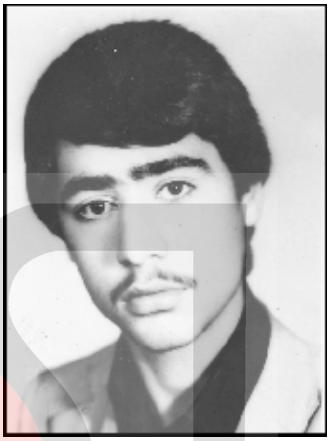

نام: **صابر**
نام خانوادگی: **عالمراثی قلی‌درق**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **خدیجه**
تاریخ تولد: **سی‌ام شهریور** 1348
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی**
نحوهٔ شهادت: **سوختگی**
مـزار: **گلـزار شـهدای بهـشت فاطمـه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- هر چیزی که دارم یا به جنگ‌زدگان بدهید یا به حساب 100 امام واریز کنید.
- خدایا این قطره خون ناچیز و جان ناقابل مرا برای گسترش اسلام در حضور بپذیر.
- هر گلوله‌ای که در این راه به تنم می‌خورد به‌خاطر خدا تحمل می‌کنم.
- راه امام کبیرمان اسطوره مقاومت و فضیلت را ادامه دهند.
- همیشه در صحنه حاضر باشند تا با یاری الله و رهبری امامان انقلاب را به سر منـزل مقـصود برسانیم.
- بر روی قبر من اسم ناکام را ننویسید چون من به بهترین و آخرین آرزویم که همان کشته شدن در راه خدا می‌باشد نائل آمده‌ام.
- بنده حقیر را با لباس دفن کنید چون می‌خواهم سند لیاقت شهید شدنم را بـا خـود بـه آن دنیـا ببرم.

صابر عالمراثی قلی‌درق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

به‌نام خداوندی که تمامی رویدادها به ارادهٔ او می‌باشد. قبل از همه چیز پدر و مادر مهربان از شما می‌خواهم مرا حلال کنید زیرا تا حال نتوانسته‌ام وظیفه‌ای که از طرف خدا در قبال شما برایم معین شده بود انجام دهم و می‌دانم از این جهت گناهکارم. در ضمن به هیچ کس بدهکار نیستم و هیچ کس هم از من طلبی ندارد فقط چند سال قبل که من با دکان‌دارانی که با آنها معامله می‌کردم می‌دانم حق زیادی بر گردن من دارند و از شما تقاضای عاجزانه می‌کنم تا حقوقی که در سپاه دارم بگیرید و هرچه‌قدر که آنها بخواهند از طرف من از آنها بخواهید که مرا حلال کنند و اگر هم پولی نخواستند از آنها بخواهید تا مرا حلال کنند. این کار را می‌توانید به گردن مسعود و ناصر بگذارید که آنها بهتر از شما و دیگران آنها را می‌شناسند.

در ضمن هر چیزی که دارم یا به جنگ‌زدگان بدهید یا به حساب 100 امام واریز کنید. خلاصه تمام کسانی که مرا می‌شناسند از همه‌شان می‌خواهم تا مرا حلال کنند.

در آخر از شما می‌خواهم بعد از من ناراحت نباشید چون من مال شما نیستم من امانتی بودم در دست شما و بایستی این امانت را یک روزی به صاحبش پس داد.

خدایا خدایا تو را به حق مهدی تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

الاحقر صابر عالمراثی

62/1/17

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَ

1- آل‌عمران/ 169. در اصل وصیت «قتلو».

يُقْتَلُونَ»[1]

خدایا این قطره خون ناچیز و جان ناقابل مرا برای گسترش اسلام در حضور بپذیر.

حال که به جبهه می‌روم و پا در چکمه می‌کنم و سینه دشمن را نشانه می‌روم نه بخاطر کینه و دشمنی بلکه احیای دینم و صدور انقلاب است و در این راه از خدایم یاری می‌خواهم و هر گلوله‌ای که در این راه به تنم می‌خورد به‌خاطر خدا تحمل می‌کنم و از خدا می‌خواهم قدرت صبر و طاقت برایم عنایت کند و اگر هم کشته شوم چه سعادتی بهتر از آنکه در نزد خدایم ودوش به دوش شهدای سرخ علوی وایرانی در دنیای دیگر خواهم بود.

در این برهه از زمان که کفار وجهانخواران شرق[2] و غرب[3] به مقابله با اسلام و نظام اسلامی شتافتند ما نیز باید به این وظیفه و فریضه اسلامی عمل کنیم وبه مقابله با کفار برویم و امانتی که نزد ما است نیز ادا نماییم واما پیام من به ملت ایران این است که راه امام کبیرمان آن اسطوره مقاومت و فضیلت را ادامه دهند و هر لحظه گوش به فرمان امام باشند و همیشه در صحنه حاضر باشند تا با یاری الله و رهبری امامان انقلاب را به سر منزل مقصود برسانیم.

و شما پدر و مادر مهربانم که هر لحظه به فکر امام و انقلاب هستید از شما تقاضا دارم که بعد از من ناراحت نباشید و بر روی قبر من اسم ناکام را ننویسید چون من به بهترین و آخرین آرزویم که همان کشته شدن در راه خدا می‌باشد نائل آمده‌ام و به کام خود رسیده‌ام و مرا در نزد مزار شهدا دفن کنید تا خدا به‌خاطر آنها از گناهان من هم بگذرد.

و از شما می‌خواهم بنده حقیر را با لباس دفن کنید چون می‌خواهم سند لیاقت شهید شدنم را با خود به آن دنیا ببرم. در آخر پیروزی انقلاب اسلامی را در تمام جهان به رهبری حضرت امام خمینی مدظلّه العالی از خدای تبارک وتعالی می‌خواهم.

وصیت‌نامه صابر عالمراثی

1- توبه/ 111.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۳۶۲/ / ۱۱

...تو خود میدانی عملکرد ما، نه برای آن است که به ریاست و سلطنت
...دشمنی و کینه توزی، سخن بگوئیم، لیکن، پیکار ما برای این است که
پرچم آئین نور را بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

(امام خمینی)

بسم الله الرحمن الرحیم

...

و السلام علیکم و الرحمة الله و برکاته

تعاون سپاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۳۶۰ / /

خداوندا... تو خود میدانی عملکرد ما، نه برای آن است که بر ریاست و سلطنت

دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه توزی، سخن بگوئیم، لیکن، پیکار ما برای این است که

پرچم آئین تو را بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

(امام خمینی)

و السلام علیکم و الرحمة الله و برکاته

تعاون سپاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا

نام: **اکبر**
نام خانوادگی: **عالی‌زاده**
نام پدر: **توکل**
نام مادر: **گل‌جنت**
تاریخ تولد: **هفدهم اردیبهشت** 1344
محل تولد: **روستای پرچین سفلا از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ژاندارمری**
تاریخ شهادت: **دوازدهم اردیبهشت** 1363
محل شهادت: **بوکان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت سهوی گلوله**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- افتخار می‌کنم که شهادت نصیب من شده است.
- به هم‌دوره‌هایمان وصیت کرده‌ایم که سنگر من را خالی نکنند.
- وصیت به همه دوستان کرده‌ایم که پاسدار خون شهیدان باشیم.
- مادر عزیزم و پدر مهربانم اگر اینکه به شهید شدن من ناراحت باشید انصاف نمی‌کنید به یاد حسین‌بن‌علی(**7**) باشید.

شترشاهد

اکبر عالی‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با سلام به شهدای کربلا حسینی وشهدای کربلای خمینی وبا سلام به رزمندگان اسلام که بر علیه کفر می‌جنگند، امید است که با گفتار امام امت ما پیروز وموفق خواهیم شد انشاءالله و بازگشت همه به‌سوی خداست. اگر در این کردستان شهید شده‌ام افتخار می‌کنم که شهادت نصیب من شده است.

و به هم‌دوره‌هایمان وصیت کرده‌ایم که سنگر من را خالی نکند و من شهید خواهیم شد و بعد از اینکه از عملیات برگشتند حتماً برای عرض تسلیت به پدر و مادر من به سر قبر من بیایید و من عکسی که بزرگ کرده‌ایم در منطقه جنگی همین به‌خاطر اینکه شهید خواهیم شد.

و چنانکه همان روزی که من سرباز جندالله در سپاه بوده‌ام وصیت به همه دوستان کرده‌ایم که پاسدار خون شهیدان باشیم. و به لقاءا.. پیوستم و حتماً در راه ندای «هل من ناصر»[1] حسینی لبیک یا خمینی شهید خواهم شد و درود بر امام زمان(عج) سلام بر شهدای کربلا حسینی و سلام بر خمینی بت‌شکن و سلام به رزمندگان اسلام و هم‌سنگران من.

در آخر عرایض که شهید باید در وصیت‌نامه خویش بنویسد. به پدر و مادر حتماً بگویید کسی گریه نکنند و برود پیش مادران شهید شریک غم و درد آنها شود؟

مادر جان و پدر جان به برادرانم وخواهرانم بگویید که هم‌سنگران من را زیارت کنند و بیشتر گریه نکنید همانطوری‌که به امام حسین(**7**) گریه می‌کنند، برایم همان‌طور گریه کنید که باعث خوشحال شدن دشمن نگردد. با یاد خدا و شما را به خدا می‌سپارم و خدا نگهدارتان باشد. امیدوارم در قیامت همدیگر را ملاقات نماییم.

1- ر.ک. تعلیقات.

شعر شهید:

بیـــا مـــادر حلالـــم کـــن وطـــن در مـــوج طوفـــان اســـت
ســـکوت مـــوج‌هـــا مـــادر بـــه خـــون ایـــن شـــهیدان اســـت

مادر عزیزم و پدر مهربانم اگر اینکه به شهید شدن من ناراحت باشید انصاف نمی‌کنید به یاد حسین‌بن‌علی(**7**) باشید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

«والسلام»

اکبر عالیزاده

نشر شاهد

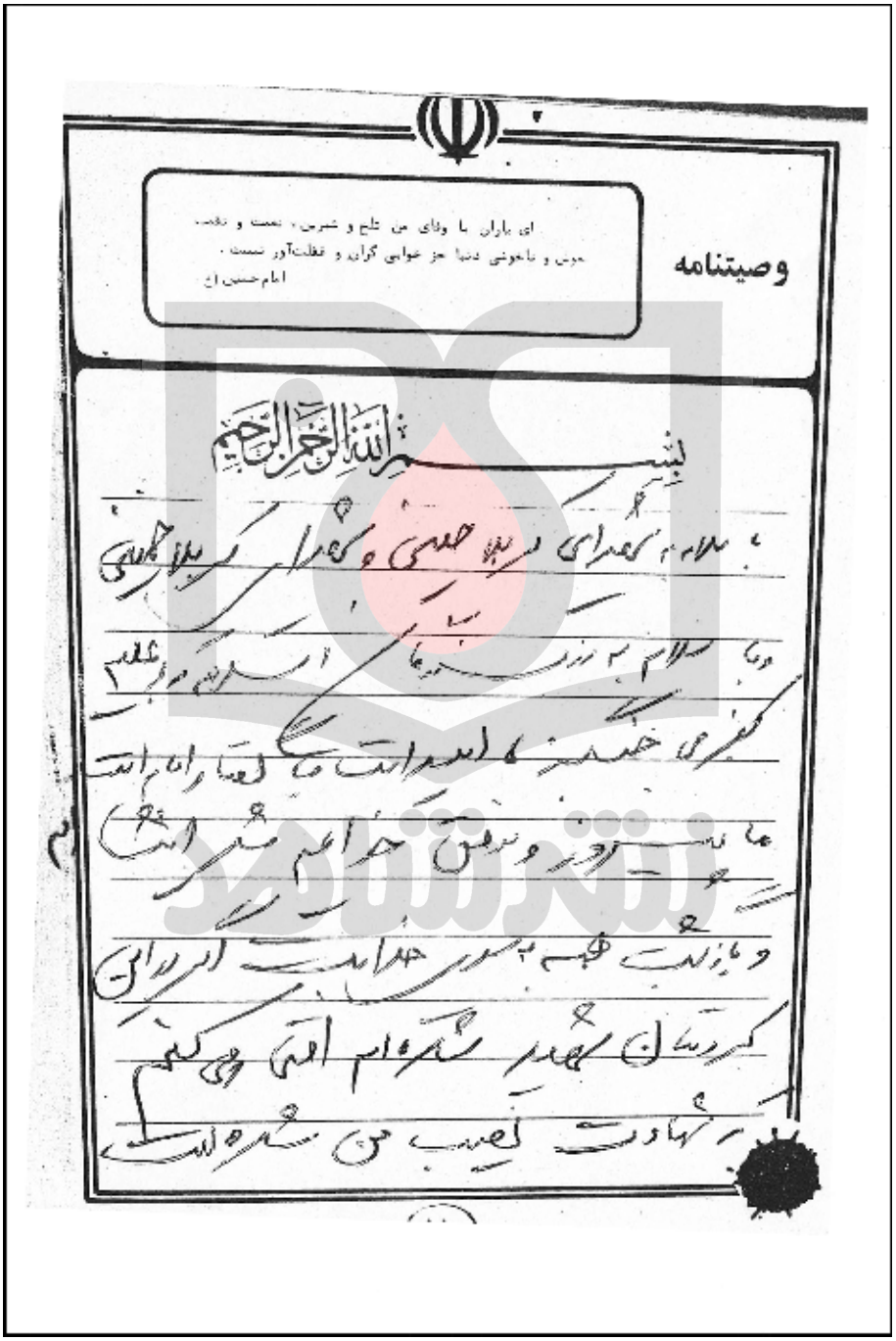

ای یاران با وفای من تلخ و شیرین، نعمت و نقمت،
همین و باهوشی دنیا جز خوابی گران و غفلت‌آور نیست.
امام حسین (ع)

وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

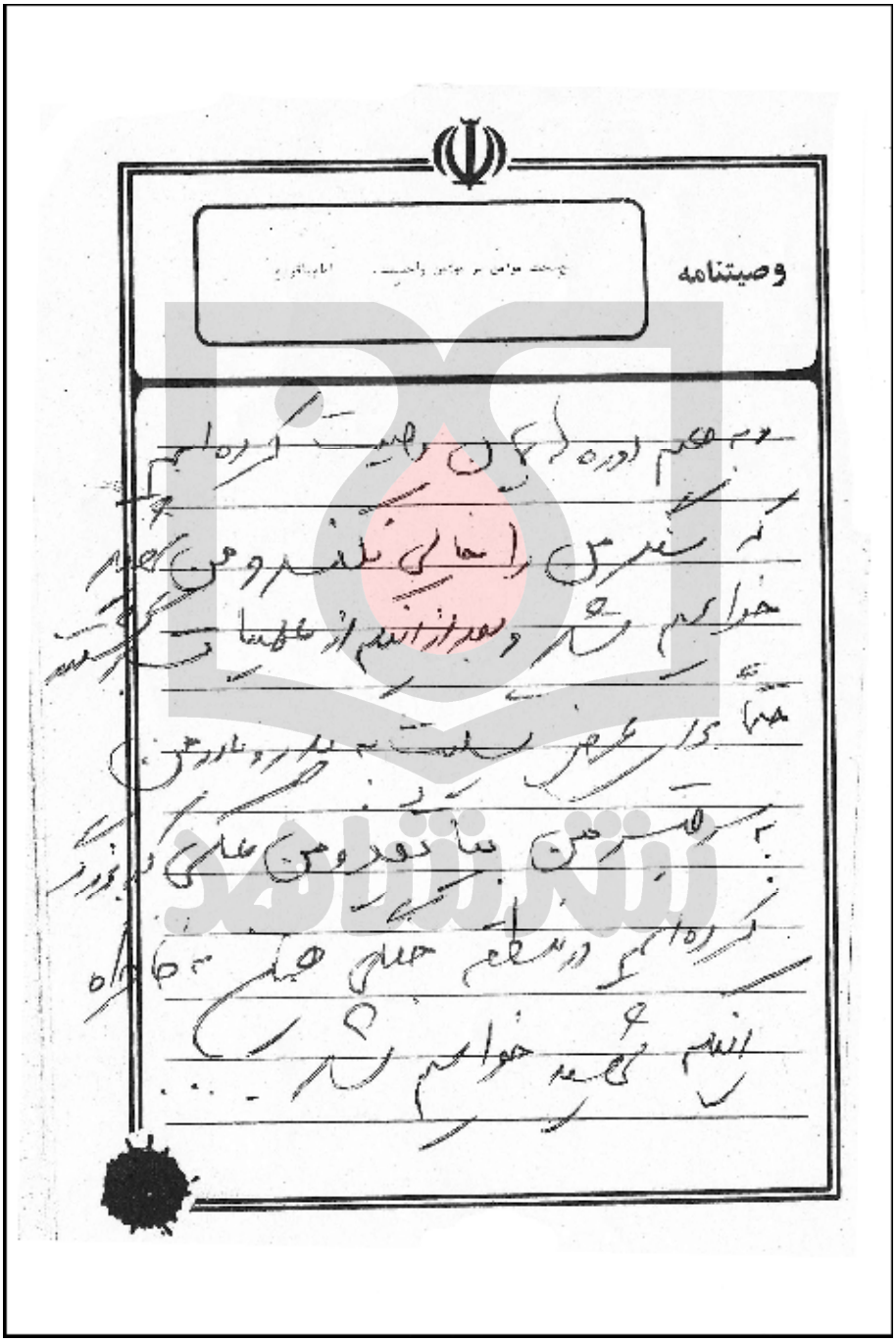
وصیتنامه

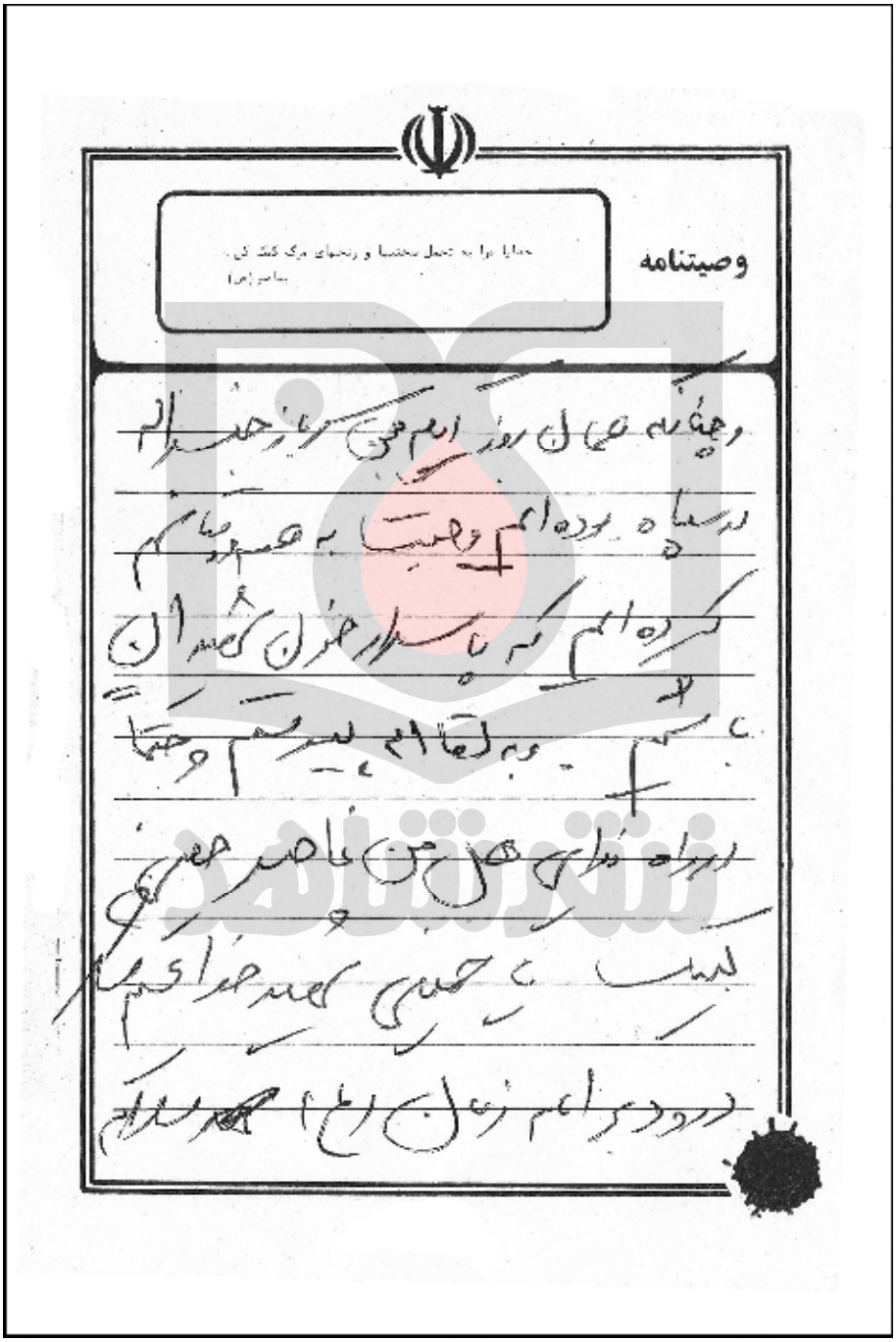

وصیتنامه

خدایا تو را به تحمل مختصات و رنجهای مرگ قسم می‌دهم
بسم الله

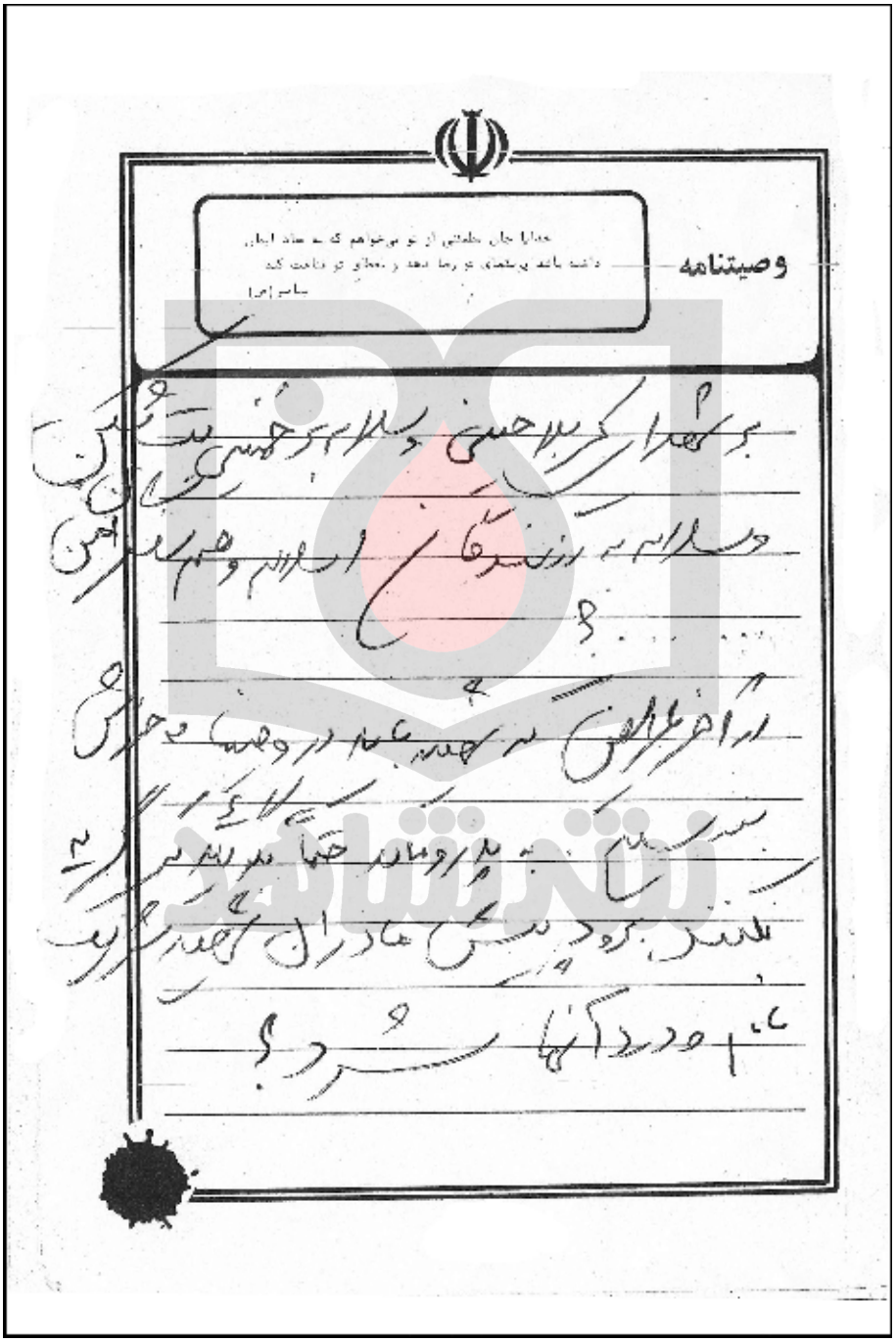

وصیتنامه

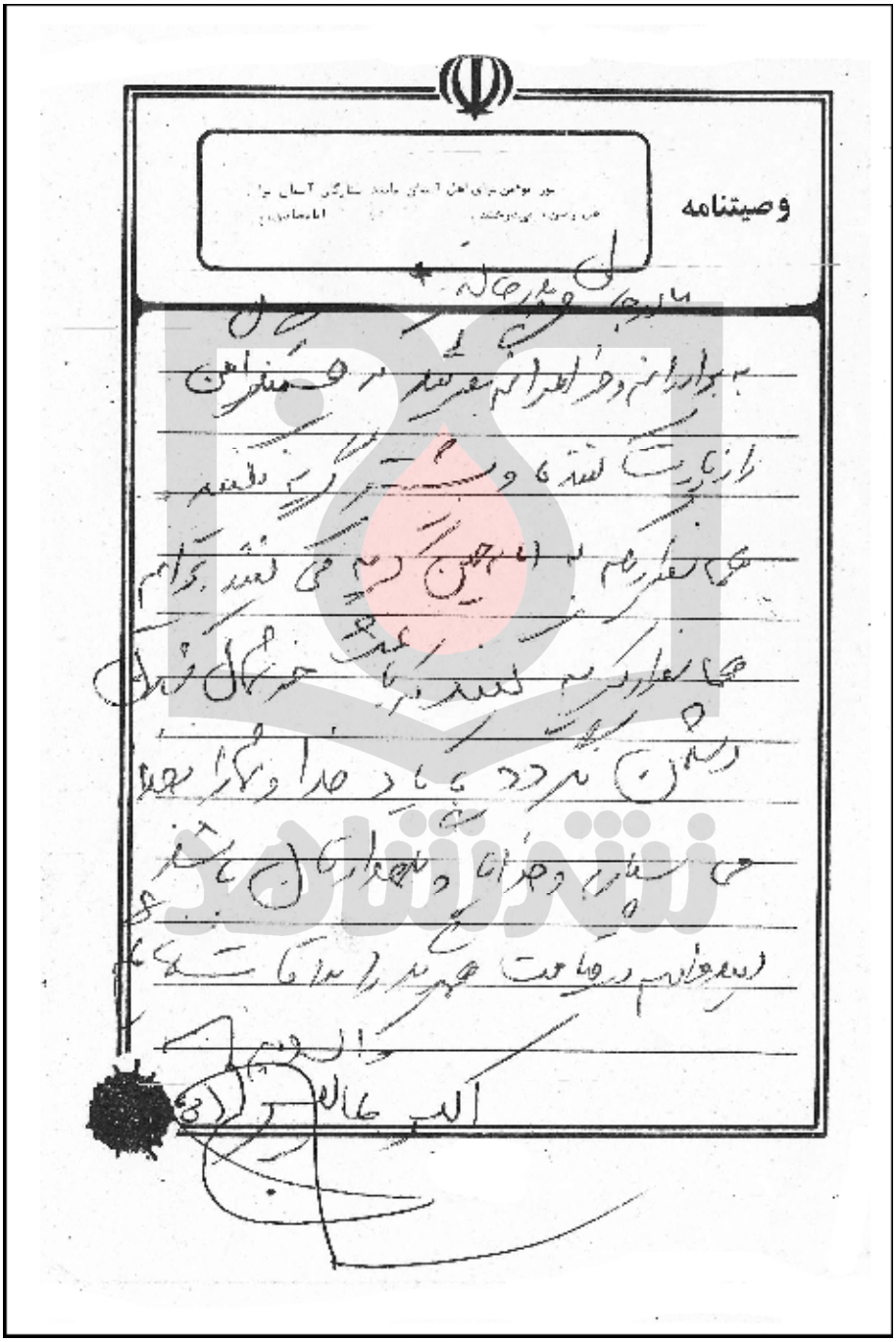

وصیتنامه

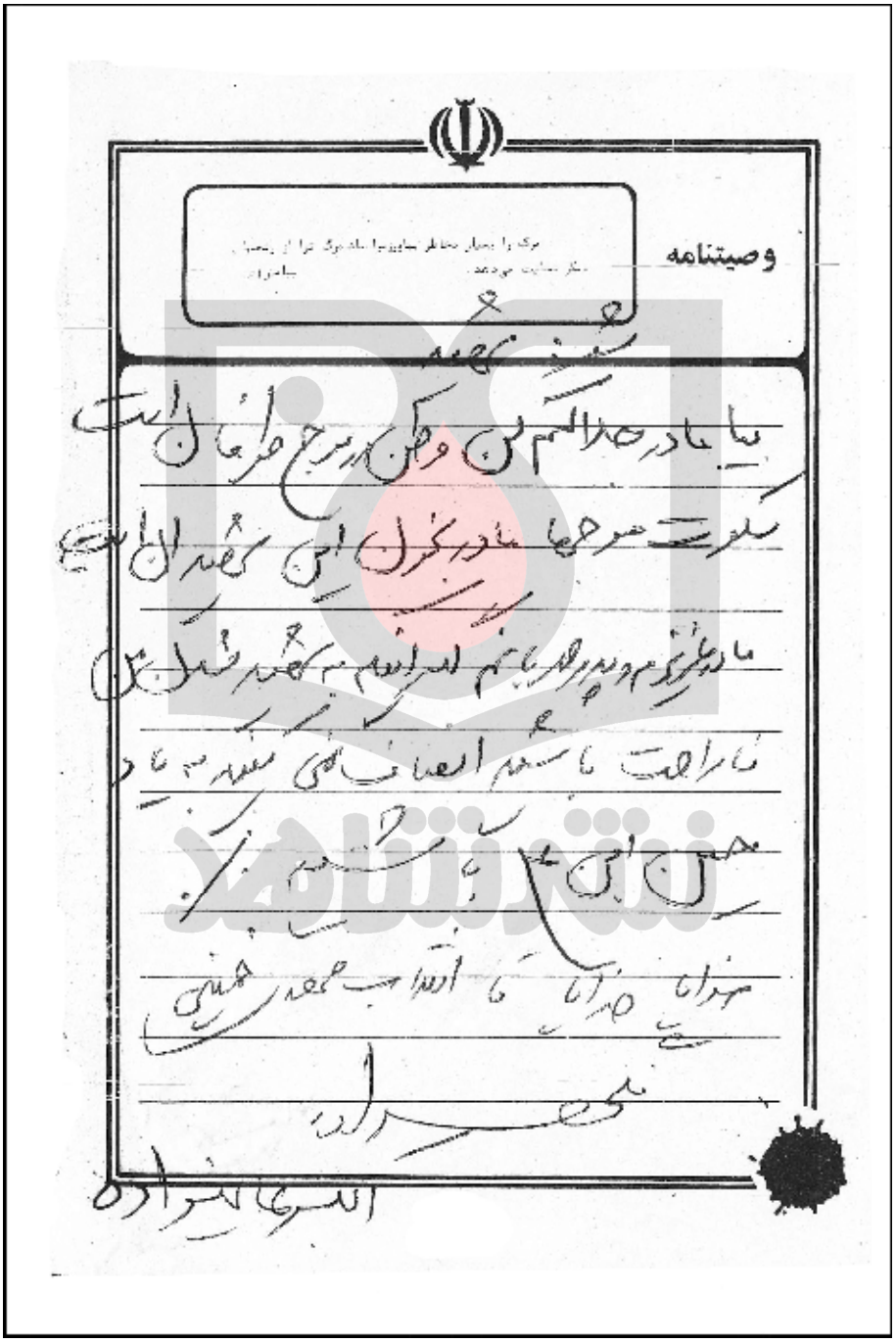
وصیتنامه

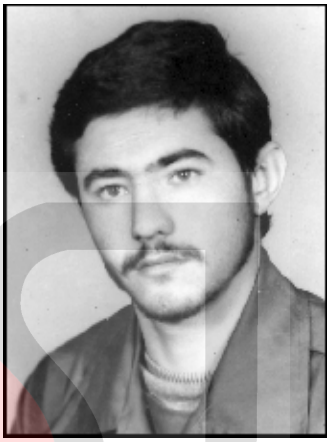

نام: **بقیةالله**
نام خانوادگی: **عبادی**
نام پدر: **یعقوب**
نام مادر: **مه‌جبین**
تاریخ تولد: **چهارم فروردین** 1342
محل تولد: **روستای منامین از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم مهر** 1362
محل شهادت: **بانه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- تمام کارتان بخاطر خدا باشد.
- کسی به معاد وعدل اعتقاد دارد مرگ برای او هیچ ارزشی ندارد.
- ما اینجا آمده‌ایم جهاد اصغر کرده‌ایم.
- هر کس جهاد نفس می‌کند حتماً ایمانش کامل است.
- «جهاد با نفس» آنقدر ارزش دارد در پیش خدا که حدّی ندارد.

بقیةالله عبادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

«بگویید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند وپایمال شده‌اند بلکه آنان زنده‌اند در پیش پروردگارشان روزی می‌خورند.»

به خدمت برادرارجمندم محمدرضا شاد رسیده ملاحظه فرمایید.

سلام. ضمن تقدیم عرض سلام سلامتی شما را از درگاه خداوند عزّوجل خواهان و خواستارم و از خداوند متعال آرزوی صحت و سلامتی شما را درخواست می‌کنم و امیدوارم انشاءالله[2] در زیر سایه خداوند زندگی را با عطوفت و مهربانی و همه‌گونه اخلاق اسلامی ترویج دهی و تمام کارتان بخاطر خدا باشد و در طول زندگی مست خدا باشی و چنان بخود باشی که هر حرفی که می‌خواهی بزنی خدا بگویی چون آیه شریفه **«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»**[3]، یعنی «ما که از طرف خدا آمده‌ایم و بازگشت به‌سوی اوست» دیگر زندگی یعنی چه، دیگر خور و خواب یعنی چه، دیگر ثروت یعنی چه، دیگرهوسرانی یعنی چه، دیگر زنده ماندن در موقع مورد هجوم قرارگرفتن یعنی چه، یعنی کسی به معاد وعدل اعتقاد دارد مرگ برای او هیچ ارزشی ندارد. حالا که ما اینجا آمده‌ایم جهاد اصغر[4] کرده‌ایم این چیزی نیست چون جهاد اصلی جهاد با نفس است. هر کس جهاد نفس می‌کند حتماً ایمانش کامل است یعنی «جهاد با نفس»[5] آنقدر ارزش دارد در پیش خدا که حدّی ندارد. در زمان حضرت موسی‌بن جعفر(**7**) یک نفر بود جهاد با نفس می‌کرد، هز چیز را از خدا می‌خواست خداوند عطا می‌کرد.

1- آل‌عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «ایشالا».

3- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات. ذیل جهاد اکبر.

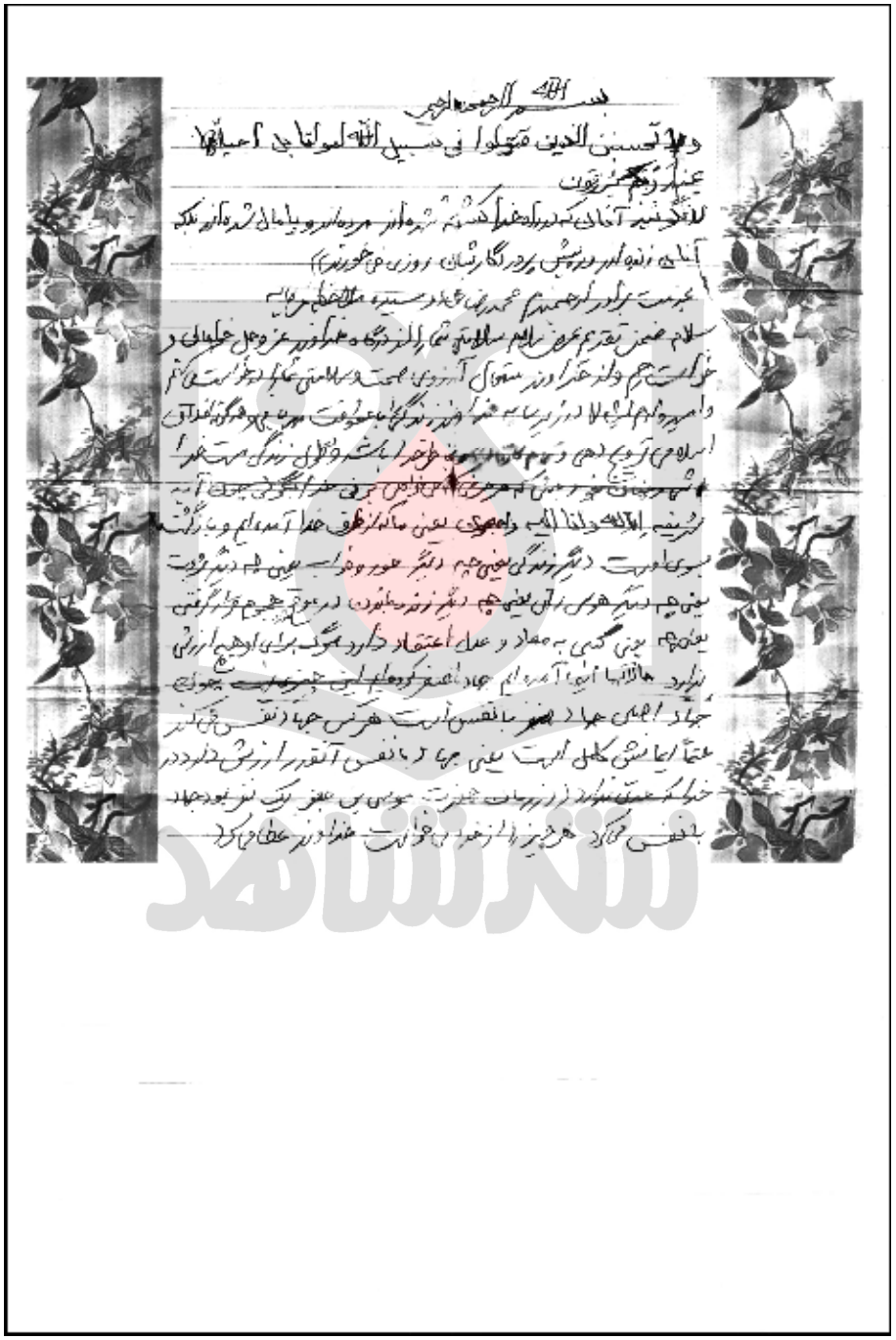

نام: **ظهیر**
نام خانوادگی: **عبادی**
نام پدر: **عبادالله**
نام مادر:**گل‌آور**
تاریخ تولد: **پنجم خرداد** 1345
محل تولد: **روستای قورت‌تپه از توابع شهرستان اهر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای میراشرف شهرستان اردبیل**

عبارت‌های کلیدی

- مادر جانم شما بدانید که پیش حضرت زهرا(**3**) روسفید هستید اگر من شهید شوم.
- من آرزو دارم شهادت را اگر خداوند نصیبم کند.
- پدر جانم این جنگ یک جنگ اسلام است.
- باید همهٔ مسلمانان در این جنگ جهاد کند.
- اتاق عروسیم سنگرم است و آرزویم شهادت.
- می‌خواهم راهم را ادامه دهید.
- نگذارید سنگرم را خالی بماند.
- باید صدام را نابود کنید راه کربلا را آزاد کنید.

ظهیر عبادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه[1] 63/12/11

اینجانب ظهیر عبادی اول پدرم و مادرم و برادرانم سلام می‌رسانم و خواهرانم سلام می‌رسانم.

پدرجانم از طرف من ناراحت نباشید من هنوز پشت[2] جبهه هستیم. پدر جانم اگر من شهید شدم شما برای من گریه[3] نکنید. اگر می‌خواهید گریه[4] بکنید، برای علی‌اکبر[5](7) گریه[6] کنید و مادر جانم شما بدانید که پیش حضرت زهرا(3) روسفید هستید اگر من شهید شوم شما غم[7] نخوردید من آرزو دارم شهادت را اگر خداوند نصیبم[8] کند شما هزار بار به خداوند شکر کنید و صبری داشته باشید و اگر من بمیرم این [را][9] بدانید که هیچ‌کس از[10] من طلبکار نیست و من هم به هیچ‌کس طلبکار نیستم و پدر جانم این جنگ یک جنگ اسلام است باید همهٔ مسلمانان در این جنگ جهاد کند به علیه کفر همه نیروی ما یا زهرا(3) یا حسین(7) می‌گویند از زبانشان یا مهدی(عج) نمی‌افتد[11]. همهٔ نیروی ما آرزوی شهادت دارند، باید خانواده‌ی[12] شهیدان صبر و افتخار کنند پسرهاشان را خداوند به شهادت قبول کردی و پدر جانم و برادرانم مادر من غریب[13] است پدر ندارد و برادر ندارد هیچ‌کس ندارد به غیر[14] از خدا. من از طرف مادرم ناراحت هستم. شما از طرف من

1- در اصل دست‌نوشته «وسیعت‌نامه».
2- در اصل وصیت «پوشت».
3- در اصل وصیت «گیره».
4- در اصل وصیت «گیره».
5- ر.ک. تعلیقات.
6- در اصل وصیت «گیره».
7- در اصل وصیت «قم».
8- در اصل وصیت «نسیبم».
9- در اصل وصیت «را» از قلم افتاده است.
10- در اصل وصیت «به».
11- در اصل وصیت «نمی‌افرد».
12- در اصل وصیت «خوانوادی».
13- در اصل وصیت «قریب».
14- در اصل وصیت «به قیر».

طرف مادرم ناراحت هستم. شما از طرف من ناراحت نباشید وقتی[1] کـه مـی‌خواهیـد[2] روح من راحت شود به مادرم احترام بگذارید. مواظب[3] مادرم باشید. قلب مادرم شکـسته اسـت[4] باید مادرم را روی چشم‌هایتان نگهدارید و بار دیگر برای من آرزوی عروسی نکنیـد بـرای من آرزوی شهادت لازم است بایـد عـوض حنـا بـدنم را خـونی کـنم در راه اسـلام اتـاق عروسیم سنگرم است و آرزویم شهادت. فقط من می‌خواهم[5] راهم را ادامه دهیـد نگذاریـد سنگرم را خالی بماند باید صدام[6] را نابود کنید راه کربلا را آزاد کنید من نتوانـستم کـربلا را ببینم ولی شما انشاءالله به زودی می‌بینید.

و باید دشمن را نابود کنید و رهبر پیر جمـاران[7] را شـاد کنیـد و امیـدوارم رهبـر مـا را خداوند عمر بیشتری بدهد تا [انتقام][8] ملت ایران را از چنگ جنایتکاران بگیـرد. مـن دیگـر شما را نمی‌بینم می‌خواهم[9] آخرین سلام را به شما برسـانم. اول پـدرم سـلام مـی‌رسـانم و مادرم سلام می‌رسانم. برادرانم یک به یک سلام می‌رسانم و خواهرانم[10] سلام مـی‌رسـانم و مادربزرگم سلام می‌رسانم و عمویم مشهد آدگزل و عبیل سلام می‌رسانم و عموزاده‌هایم را سلام می‌رسانم و آخرین سلام من است برای همهٔ شما می‌رسانم و تمام رزمنـدگان اسـلام سلام می‌رسانم و رهبرم امام خمینی سلام می‌رسانم.

خداحافظ[11] همهٔ شما دیگر هم‌دیگر را نمی‌بینیم خداحافظ خداحافظ من از این دنیا دست کشیدم

وصیت[12]نامه ظهیر عبادی

به‌دست عبادالله عبادی برسد.

1- در اصل وصیت «وقت که».
2- در اصل وصیت «می‌خاهید».
3- در اصل وصیت «مواجب».
4- در اصل وصیت «مادرم قلبی شکسته است».
5- در اصل وصیت «می‌خاهم».
6- ر.ک. تعلیقات.
7- ر.ک. تعلیقات.
8- در اصل وصیت واژه «انتقام» از قلم افتاده است.
9- در اصل وصیت «می‌خاهم».
10- در اصل وصیت «خاهرانم».
11- در اصل وصیت «خداحافظی».
12- در اصل وصیت «وسیعت».

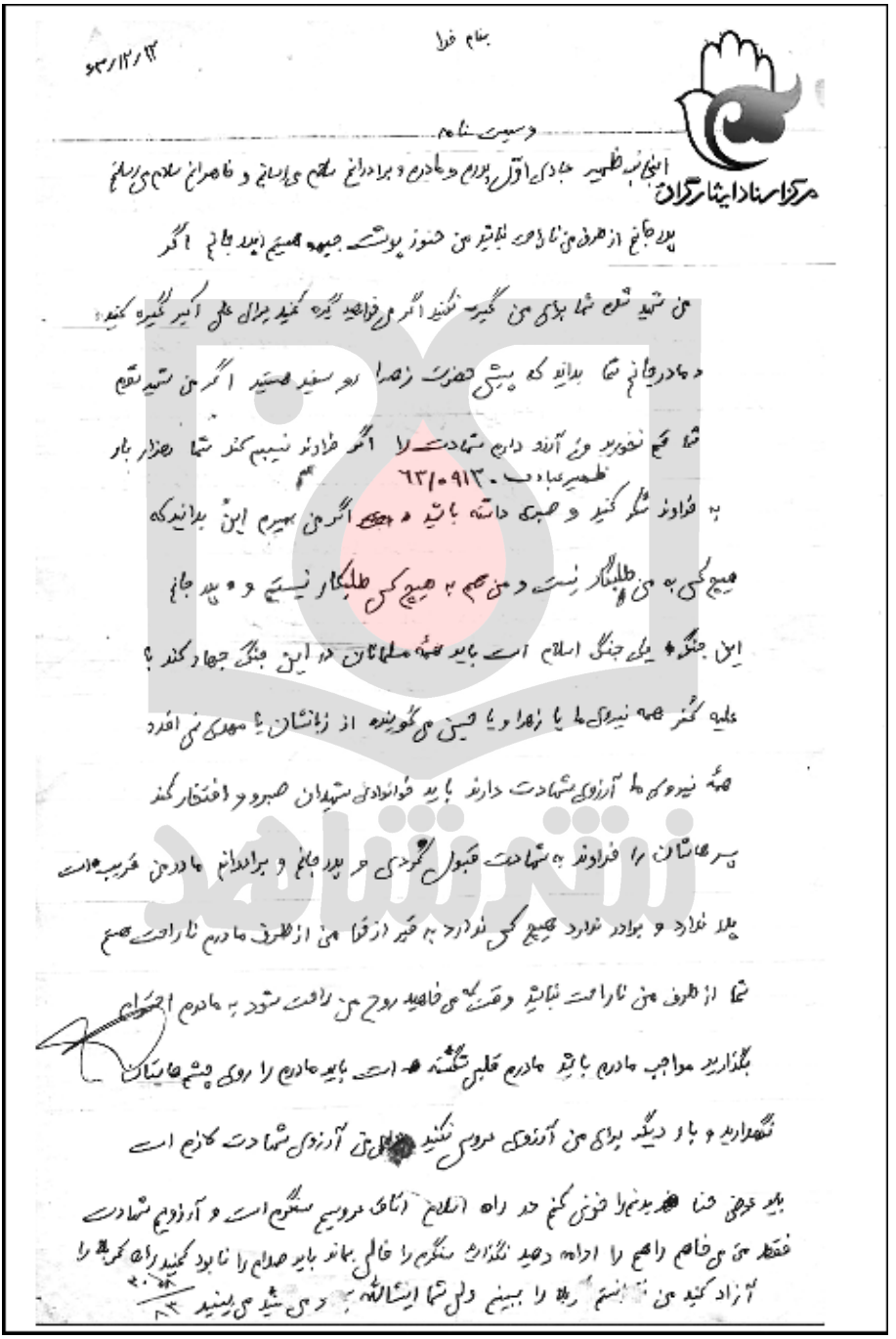

بسم الله

۶۳/۱۲/۱۲

وصیت نامه

مرکز اسناد ایثارگران

اینجانب ظهیر جادری اول پدرم و مادرم و برادرانم سلام و خاصرانم سلام می رسانم

پدر جانم از طرف من ناراحت نباشید من هنوز پوشک جیبه همیشه ایدر جانم اگر

می شنید شب شما برای من گریه نکنید اگر می خواهید گریه کنید برای علی اکبر گریه کنید

و مادر جانم شما بدانید که پیش حضرت زهرا (س) سفید هستید اگر می شنید تقدم

شما نخورید ولی آرزو دارم شهادت را اگر خداوند نصیب کند شما هزار بار

ظهیرعبادت ۶۳/۰۹۱۲

به خداوند شکر کنید و صبری داشته باشید و همچنین اگر من بمیرم این بدانید که

هیچ کس به من طلبکار نیست و من هم به هیچ کس طلبکار نیستم و پدر جانم

این جنگ یک جنگ اسلام است باید همه مسلمانان در این جنگ جهاد کنند با

علیه کفر همه نیروی ما یا زهرا و یا حسین می گوییم از زبانشان یا مهدی می افتد

همه نیروی ما آرزوی شهادت دارند باید خانواده شهیدان صبور و افتخار کند

پسرهایشان را فرزند به شهادت قبول کردی و پدر جانم و برادرانم مادرم غریب است

پدر ندارد و برادر ندارد هیچ کس ندارد به غیر از خدا من از طرف مادرم ناراحت هستم

شما از طرف من ناراحت نباشید وقتی که خاهید روح من راحت شود به مادرم احترام

بگذارید مواجب مادرم باشید مادرم قلب شکسته است باید مادرم را روی چشم هایتان

نگهدارید و با او دیگه برای من آرزوی مرگ نکنید آرزوی شهادت کارم است

باید عرض شما خدمتتان را قبول کنم در راه اسلام انسان مرگ سعادتمند است و آرزوم شهادت

فقط می خاهم راهم را ادامه دهید نگذارید سنگرم را خالی بماند باید حرام را نابود کنید راه کربلا را

آزاد کنید من نمی دانستم زینب را ببینم دلم شما ایشاالله [illegible] می شنید می بینید

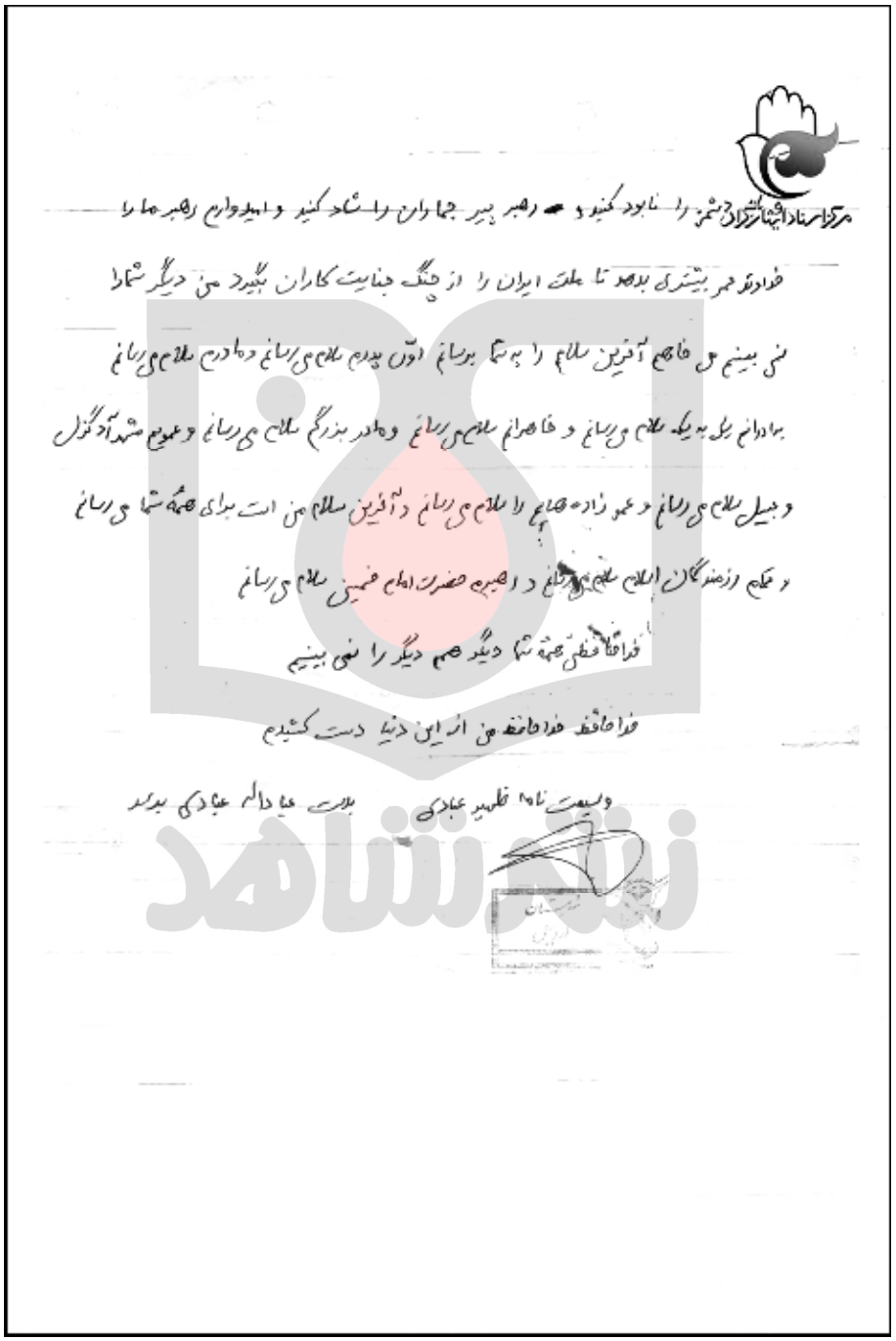

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

خداوند همه بیشتری بدهد تا ملت ایران را از چنگ جنایت کاران بگیرد من دیگر شما را

نمی بینم ولی فاطمه آفرین سلام را به شما برسانم اولین پیام سلام می رسانم و مادرم سلام می رسانم

برادرانم یک به یک سلام می رسانم و خواهرانم سلام می رسانم و مادر بزرگ سلام می رسانم و عمویم شهد آدگزل

و فامیل سلام می رسانم و عمو زاده هایم را سلام می رسانم و آفرین سلام من است برای همه شما می رسانم

و تمام رزمندگان اسلام سلام می رسانم و از طرف حضرت امام خمینی سلام می رسانم

خداحافظ همه شما دیگر هم دیگر را نمی بینیم

خداحافظ خداحافظ من از این دنیا دست کشیدم

وصیت نامه ظهیر عبادی بدست عیادالله عبادی بدهید

زیتون شاهد

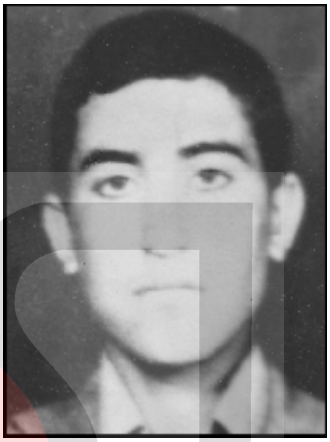

نام: **میرخاص**
نام خانوادگی: **عبادی**
نام پدر: **روشن**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **سیزدهم اردیبهشت** 1342
محل تولد: **روستای عبابیگلو از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم مهر** 1362
محل شهادت: **بانه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- براساس وظیفه دینی و زنده نگهداشتن اسلام و قرآن به جبهه نور علیه ظلمت و حق بر باطل آمدم.
- من یک سرباز جزء اسلام هستم و اگرخداوند تائید نماید خود را وابسته به حزب‌الله می‌دانم.
- هوشیار و آگاه باشید راه پاک شهیدان را دنبال کنید.
- از یاد خدا غافل نشوید.
- ما هم در نوبت خود به‌طرف معبودمان باز خواهیم گشت.
- شهادت حرکتی شتابدار است و به‌سوی معشوق و این شتاب لازم به خلوص نیت دارد.
- شهید عاشقی است که به معبودش می‌پیوندد.

میرخاص عبادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

سلام فراوان به پیشگاه امام زمان(عج) و نایب بزرگوارش امام خمینی و با سلام به پیامبرگرامی اسلام حضرت محمد(**6**).

ای خواهران و برادران مؤمن، من درشرایطی وصیت‌نامه خود را می‌نویسم حس می‌کنم که به دانشگاه وارد شدم که مکتب آن شهادت است. خدا را شاهد می‌گیرم که براساس وظیفه دینی و زنده نگهداشتن اسلام و قرآن به جبهه نور علیه ظلمت و حق بر باطل‌آمدم تا خون حسین(**7**) و یارانش را زنده کنیم من یک سرباز جزء اسلام هستم و اگرخداوند تائید نماید خود را وابسته به حزب‌الله می‌دانم، تا آخرین قطرهٔ خون سعی می‌کنم‌تا همدوش سایر رزمندگان دین خود را نسبت به اسلام و انقلاب و ولایت فقیه ادا نمایم. هوشیار و آگاه باشید راه پاک شهیدان را دنبال کنید. نگذارید خونشان پایمال بشود. از یاد خدا غافل نشوید.

مادرمهربان دنیا، دنیای فانی است که همه به‌طرف خداوند باز خواهند گشت و ما هم در نوبت خود به‌طرف معبودمان باز خواهیم گشت. مادرم اسلام به خون‌ها عاشق است که ریشه اسلام را آبیاری کند. مادرم اگر جسد فرزندت را نیافتی ناراحت نباش که افتخار بزرگتری نصیب فرزندت شده است. او نیز همانند هزاران شهید دیگر گمنام بوده و در صورت یافتن جسد هر کجا که مادرم شما مایل باشید، مرا در همان‌جا خاک کنید. به هر حال روحم همیشه به فکر شما مادر مهربان و زحمت‌کش خواهد بود. آنهایی که لایق آن هستند به سعادتی دست می‌یابند که نصیب هر کسی نمی‌شود. چرا که شهادت حرکتی شتابدار است و به‌سوی معشوق و این شتاب لازم به خلوص نیت دارد پاکی است و تقوا و شهید عاشقی است که به معبودش می‌پیوندد. و انتخاب این راه آگاهانه و برحسب وظیفه الهی.[2]

1- آل‌عمران/ 169. در اصل وصیت «الذی قتلو...».

2- حسب ظاهر وصیت‌نامه نیمه تمام است.

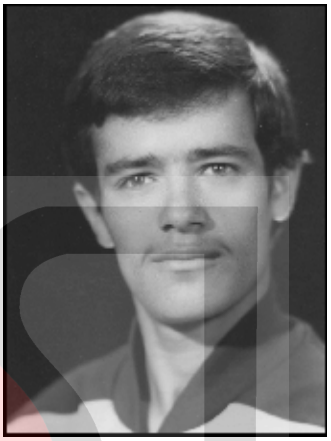

نام: **عظیم**
نام خانوادگی: **عبادی قشلاق**
نام پدر: **رسول**
نام مادر:**گل‌زاده**
تاریخ تولد: **یکم شهریور** 1348
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن** 1364
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای ججین زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت مرتبه‌ای نیست که لایق همه شود.
- زمانی که انسان خالصانه به‌سوی خدا می‌رود و جان خود را با خدا در میدان نبرد معامله می‌کند خداوند گناهان او را می‌بخشد.
- شهادت است که انسان را به کمال می‌رساند.
- ایمانتان را استوار و قوی گردانید.
- امیدوارم که با اشک گریه خودتان گرد و غبار قبر امام حسین(**7**) را تمیز کنید.
- مانند مردم اهل کوفه خدا نکرده نباشید تا امام را تنها بگذارید.

عظیم عبادی قشلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»[1]

وصیت‌نامه‌ام را با نام خداوند لایزال شروع می‌کنم. با نام خداوندی که جان عالم و آدم در دست اوست. شهادت مرتبه‌ای نیست که لایق همه شود و من هم آن لیاقت را در خودم نمی‌بینم و آن را برای خودم بعید می‌دانم. ولی وصیت برای انسان مخصوصاً یک جوان عیب نیست. هر چند که انسانی گناهکار هستم و نتوانسته‌ام دوره مقدماتی آن راه را محکم کنم. ولی خدا زمانی که انسان خالصانه به‌سوی خدا می‌رود و جان خود را با خدا در میدان نبرد معامله می‌کند خداوند گناهان او را می‌بخشد. بنابراین نباید ناامید باشیم.

و آنچه که مرا بیشتر به وحشت می‌اندازد زیادی گناهانم است که امید رهایی از آتش دوزخ و عذاب قیامت و حقی که شهیدان در گردن[2] ما دارند نیست. اما شهادت است که انسان را به کمال می‌رساند[3] و شهیدی که اولین قطرهٔ خونش به زمین ریخته می‌شود خداوند تبارک و تعالی تمام گناهانش را می‌بخشد.

پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهرم امیدوارم که از مردن من گریان[4] نباشد، بلکه صبر و شکیبایی خودتان را از دست ندهید و ایمانتان را استوار و قوی گردانید. مبادا برایم گریه کنید تا دشمن احساس خوشحالی کند. امیدوارم که با اشک گریه خودتان گرد و غبار قبر امام حسین(7) را تمیز کنید. امامی که مدتی هیچ‌کس به زیارتش نمی‌رود.

پدر و مادر عزیزم من فرزند خوبی برای شما نبودم و همیشه بهترین روزها زندگی شما را تلخ کرده‌ام. امیدوارم که خداوند به شما توفیق عنایت فرماید و جزیی از انسان‌ها صالح و شایسته قرار دهد چرا که فرزندی را بزرگ کرده و در راه خدا قربانی داده‌اید.

و پیامی که به شما خانواده عزیزم و امت شهیدپرور ایران دارم این است که مانند مردم

1- بخشی از آیه 111 سورهٔ توبه.

2- در اصل وصیت «گردان».

3- در اصل وصیت «می‌رسند».

4- در اصل وصیت «گریبان».

اهل کوفه[1] خدا نکرده نباشید تا امام را تنها بگذارید. امامی که همه ملت ایران را از نادانی و جهالت بیدار کرد و زنجیر استعمار و بردگی و اسارت را شکست و ما را نجات داد.

من در آخر از کلیه دوستان و فامیل‌ها و آشنایان عاجزانه می‌خواهم که اگر شماها را اذیتی یا در پشت سر شما غیبتی کرده‌ام مرا حلال کنید و تمام گناهانم را ببخشید و از خداوند متعال می‌خواهم که تا زمانی که از من راضی نشده مرا از این دنیا نبرد.

64/11/19

خداحافظ شما

عظیم (نادر) عبادی

نشر شاهد

1- ر.ک. تعلیقات.

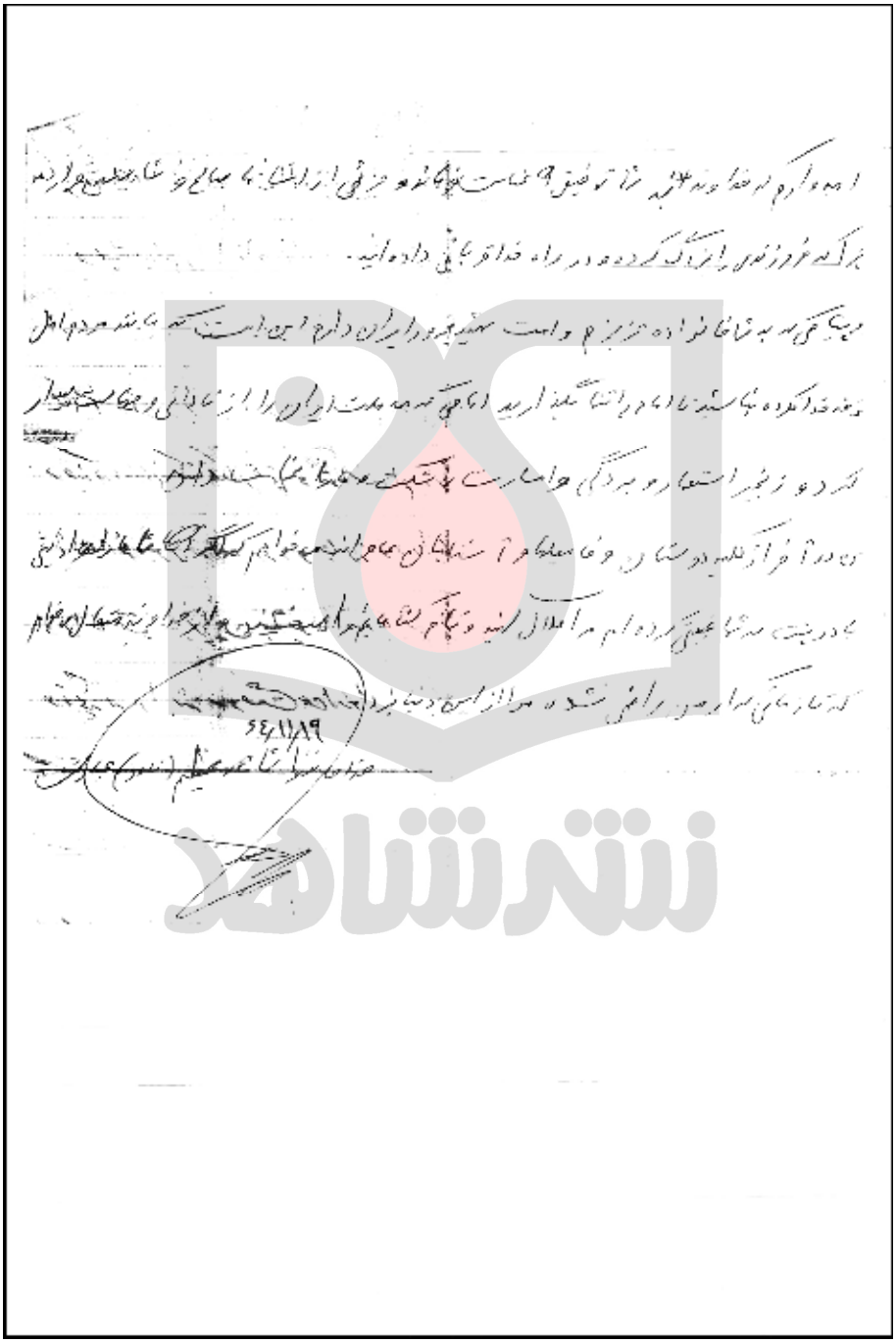

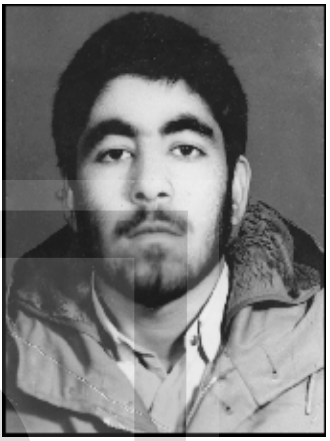

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **عبادی قلنج‌خانلو**
نام پدر: **کرامت**
نام مادر: **گل‌تازه**
تاریخ تولد: **بیست‌وهفتم شهریور** 1343
محل تولد: **روستای قلنج خانلو از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم مهر** 1362
محل شهادت: **بانه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه شهرستان اردبیل**

عبارت‌های کلیدی

- ای خدا که با همه چیزم به‌یادت هستم به‌یادم باشی که بی تو هیچ و پوچ خواهم بود.
- پروردگارا من با چشمانی باز و با آگاهی بدین راه آمدم.
- برای مبارزه با نفس و کامل کردن ایمان خود این راه را انتخاب کردم.
- امام را تنها نگذاشته و در راه‌پیمایی‌هایتان با امام امت تجدید عهد و پیمان نمایید.
- وصیتم عمل به قرآن و نهج‌البلاغه و دیگر سخنان امامان است.
- جبهه دانشگاهی است به ریاست خدا با استادانی چون هابیل(**7**)، ابراهیم(**7**)، محمد(**6**)، علی(**7**)، حسین(**7**)، مهدی(عج) و نایب الامام خمینی.
- اگر انسان باور کند که قیامت به کلیهٔ حساب‌ها رسیدگی می‌شود لحظه‌ای از یاد خدا غافل نمی‌گردد.
- به قول امام امت لازمهٔ یک انقلاب شهادت و مهیا شدن برای شهادت است.
- شماها باید افتخار کنید که ما هم یک نفر و یک قربانی در راه خدا دادیم.
- شهادت یک تولدی است برای زندگی جاودانه.
- ای کاش که جان‌ها داشتیم و بارها برای پیروزی اسلام بر کفر می‌جنگیدیم.

حسین عبادی قلنج‌خانلو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1] (قرآن کریم)

«انَّ الجهادَ بابٌ من اَبوابَ الجَنة فَتَحَه اللهُ لِخاصَّة أولیائه»[2]

«همانا جهاد دری از درهای بهشت است، دری است که خداوند این در بهشتی را به روی همه‌کس نگشوده است» (نهج‌البلاغه)

«ما برحسب حکم اسلام و قرآن و عقل نمی‌توانیم که دفاع نکنیم، آنها هر روز بر شهرهای ایران و بر روی مردم بی‌دفاع، بمب و موشک می‌اندازند.»[3] (امام خمینی)

به‌نام الله یار و و یاور مستضعفان و درهم کوبندهٔ مستکبران. به‌نام خدا که همه‌چیزم از اوست. به‌نام او که زندگیم در جهت اوست. به‌نام او که زنده به او و از اویم. به‌نام او که زندگیم به‌خاطر اوست. به‌نام او که شدنم در جهت اوست. بودنم از اوست و رفتنم به اوست. مقصود و مرادم اوست. احساسش می‌کنم با قلبم. با ذره ذرهٔ وجودم. احساس می‌کنم، اما بیانش نتوانم کرد. ای خدا که با همه چیزم به‌یادت هستم به‌یادم باشی که بی تو هیچ و پوچ خواهم بود.

و با درود به تمام شهدای راه اسلام، اول رو به خدا کرده و می‌گویم که پروردگارا من با چشمانی باز و با آگاهی بر اینکه چه راهی را می‌روم و با ایمان به تو و طرفداری از حق و مبارزه با کفر بدین راه آمدم، نه به‌خاطر ریا و تکبر و خود نمائی و برای مبارزه با نفس و کامل‌کردن ایمان خود این راه را انتخاب کردم. پس پروردگارا تو خود مرا بیامرز و از شرگناهانم درگذر و جزء اولیاء خودت قرار ده.

و اما سخنی با ملت قهرمان و شهیدپرور ایران عزیز که به‌عنوان تذکر می‌باشد نه به‌عنوان پیام چون که ما لیاقت پیام دادن را نداریم. پیام را شهیدان و جوانان عزیز شما دادند

1- آل‌عمران/ 169.

2- نهج‌البلاغه، خطبه 27 موسوم به خطبه جهاد. ص 27، ترجمه سیدجعفر شهیدی.

3-صحیفه امام، ج 16، ص 489. در اصل وصیت‌نامه عبارت شهید این است «ما برحسب حکم قرآن و عقل نمی‌توانیم دفاع نکنیم که هر روز شهرهای ایران را با بمب و موشک تجاوز کنند».

و در واقع پیام را شهدای هویزه[1] و شلمچه[2] و خرمشهر و شهدای رمضان[3] و فتح‌المبین[4] و طریق‌القدس[5] و بالاخره شهدای والفجر[6] دادند و به جوار حق تعالی پیوستند و این سخنان پیام آنها هستند وآن اینکه امام را تنها نگذاشته و در راه‌پیمایی‌هایتان با امام امت تجدید عهد و پیمان نمایید و جنگ را به قول «امام مسئلهٔ اصلی و در رأس تمام مسائل بدانید»[7] و دیگر وصیتم عمل به قرآن و نهج‌البلاغه و دیگر سخنان امامان است. «آن کسانی‌که ایمان آورده‌اند پیکار می‌کنند در راه خدا و آن کسانی‌که کفر ورزیده‌اند پیکار در راه طاغوت»[8]، چرا که پیکارها به امر خداست و پیکار طاغوتیان به امر هوای نفس و شیطان است پس ای برادران جهاد کنید در راه خدا با جان و مال.

جبهه دانشگاهی است به ریاست خدا با استادانی چون هابیل[9](7)، ابراهیم(7)، محمد(6)، علی(7)، حسین(7)، مهدی(عج) و نایب الامام خمینی، کتاب آن قرآن و درسش جهاد و ایثار که عصاره توحید، عدل و نبوت و امامت و معاد است. فقط تعدادی از این دانشگاه مدرک قبولی می‌گیرند مدرکی که با خون نوشته می‌شود.

برادران و خواهران من، هر چند وقت یک بار اعمال خود را با ملاک‌های اسلامی منطبق کنید ببینید چقدر از اعمال ما اسلامی است. ما تحمل عذاب الهی را نداریم. اگر انسان باور کند که قیامت به کلیهٔ حساب‌ها رسیدگی می‌شود لحظه‌ای از یاد خدا غافل نمی‌گردد.

و بعد سخنی چند با پدر و مادر عزیزم، من می‌دانم که شما عزیزان در بزرگ کردن و تربیت نمودن من زحمات زیادی تحمل کرده‌اید و بیشتر اوقات گرانبهای خود را در بزرگ کردن صرف کرده‌اید و امید دارم که آن زحماتی که کشیده‌اید در راه بنده حلال کنید و اگر

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- ر.ک. تعلیقات.
6- ر.ک. تعلیقات.
7- صحیفه امام، ج 19، ص 148.
8- ترجمه بخشی از آیه 76، سورهٔ نساء است: «الَّذِینَ آمَنُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ».
9- ر.ک. تعلیقات.

خدا به این بندهٔ حقیر و گناهکارش توفیق داد و شهادت را نصیب ما هم کرد، مبادا ناراحت باشید. بلکه خوشحال شوید و شیرینی پخش کنید و به قول امام امت لازمهٔ یک انقلاب شهادت و مهیا شدن برای شهادت است.

شماها باید افتخار کنید که ما هم یک نفر و یک قربانی در راه خدا دادیم و برای خانوادهٔ شهدا دلگرمی بدهید. و آقا مادر عزیز شما بنده را به‌عنوان برادر و پسر بزرگ می‌پنداشتی. امیدوارم که اصلاً هیچ‌گونه ناراحتی به خود راه ندهی و برادران دیگرم برای شما برادر و پسر هستند و آنها را هم درراه اسلام تربیت نموده و در راه جهاد و شهادت سوق دهی، تا راه شهدای اسلام و انقلاب را ادامه دهند و شما باید مثل دیگرخانواده‌های شهدا با استقامت و صبور باشید و خدا می‌داند شهادت هزار مرتبه بهتر از داماد یا عروس شدن و شهادت یک تولدی است برای زندگی جاودانه و ای کاش که جان‌ها داشتیم و بارها برای پیروزی اسلام بر کفر می‌جنگیدیم. اگر شهادت نصیب ما شد حتماً بنده را در قبرستان بهشت فاطمه(3) دفن فرمایید.

درآخر امام و پیروزی رزمندگان و آزادی کربلا و قدس[1] عزیز را دعا کنید و امیدوارم همهٔ دوستان وآشنایان و آنهایی که اسم بنده را شنیده‌اند و می‌شناسند و یا از بنده بدی و خوبی دیده‌اند حلالم کنند. بار خدایا خمینی را حفظ کن. او را نصرت ده تا خون شهیدان این مملکت را به ثمر برساند با گسترش حکومت عدل جمهوری اسلامی زمینه‌های ظهور امام عصر(عج) را [فراهم سازد]. خدایا راه جهاد را بر عاشقان مشتاقت بنما تا هرچه زودتر از این عذاب فراق و [دوری] خلاصی یابند.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

«اجرکم عندالله»

حسین عبادی[2] **- H-E**

مورخه 1362/7/1

1- ر.ک. تعلیقات.

2- برخی از واژه‌ها و تاریخ ذیل وصیت‌نامه از روی نسخه تایپی وصیت‌نامه که در پرونده شهید موجود است تایپ و کامل شده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

«وصیت نامه»

«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون» (قرآن کریم)

ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه

«جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند این دریچه را به روی خواص بندگان خود گشوده است» (نهج البلاغه)

ما بر حسب حکم قرآن و عقل نمی توانیم دفاع نکنیم که هر روز شهرهای ایران را بمباران وحشیانه تجاوزکاران، (امام خمینی)

بنام الله یاور مستضعفان و در هم کوبنده ستمگران. بنام خدا که هر چه هست از اوست. بنام او که زندگی در جهت اوست. بنام او که انسان را آفرید. بنام او که زندگی بخاطر اوست. بنام او که شدن در جهت اوست. بود و نبود از اوست و برگشت همه به اوست. خصوصیم و مرادم اوست. اما حس میکنم با قلم

با زبده ذره وجودم. اما حس میکنم اما بینش قوامم کرد. ای خدا که با هر چیزم بیاد هستم بیادم باش که بی تو هیچم و هیچ خواهم بود.

و با درود به تمام شهدای راه اسلام. اول رو به خدا کرده و می گویم که پروردگارا من با چشمانی باز و با آگاهی برایکه به راهی رای دم و با ایمان به تو و خواندن ذکر حق و همبازه با کفر بدین راه آمدم، نه بخاطر دنیا و تکبر و خودخواهی و برای همبازه با نفس زکاس کردن ایمان خود این راه را انتخاب کردم. پس پروردگارا تو خود مرا بیامرز و از لشکر گنهکارانم در گذر و جزء اولیاء خودت قرار ده.

و اما سخنی با ملت قهرمان و شهیدپرور ایران عزیزیکه به عنوان تذکر می باشد نه به عنوان پیام چونکه ها لیاقت پیام دادن را نداریم. پیام را شهیدان و جوانان عزیز شهادت دادند و در واقع پیام را شهدای هویزه و شلمچه و خرمشهر و شهدای رمضان و مرصاد و بیت المقدس و والفجر و شهدای والفجر دادند و به جوار حق تعالی پیوستند و این سخنان پیام آنها هستند و آن اینکه امام را تنها

نگذاشتم و در راهپیمایی‌هایتان با امام امت تجدید عهد و پیمان نمایید و شب را تحت الشعاع امام مستضعفان اصلی و در رأس تمام مسائل بدانید و وصیتم عمل به قرآن و نهج البلاغه و دیگر سخنان امامان است آن قانونیکه ایران آورده انبیاء می کنند در راه خدا و آن قانونیکه کفر و زورگویان پیشه کرده راه طاغوت، چرا که پیکارها را امر خدا است و پیکار طاغوتیان به امر هوای نفس و شیطان است پس ای برادران جهاد کنید در راه خدا با جان و مال.

خدایا تو شاهد باش که ما را برای حفظ اسلام، ابراهیم، محمد، علی، حسین

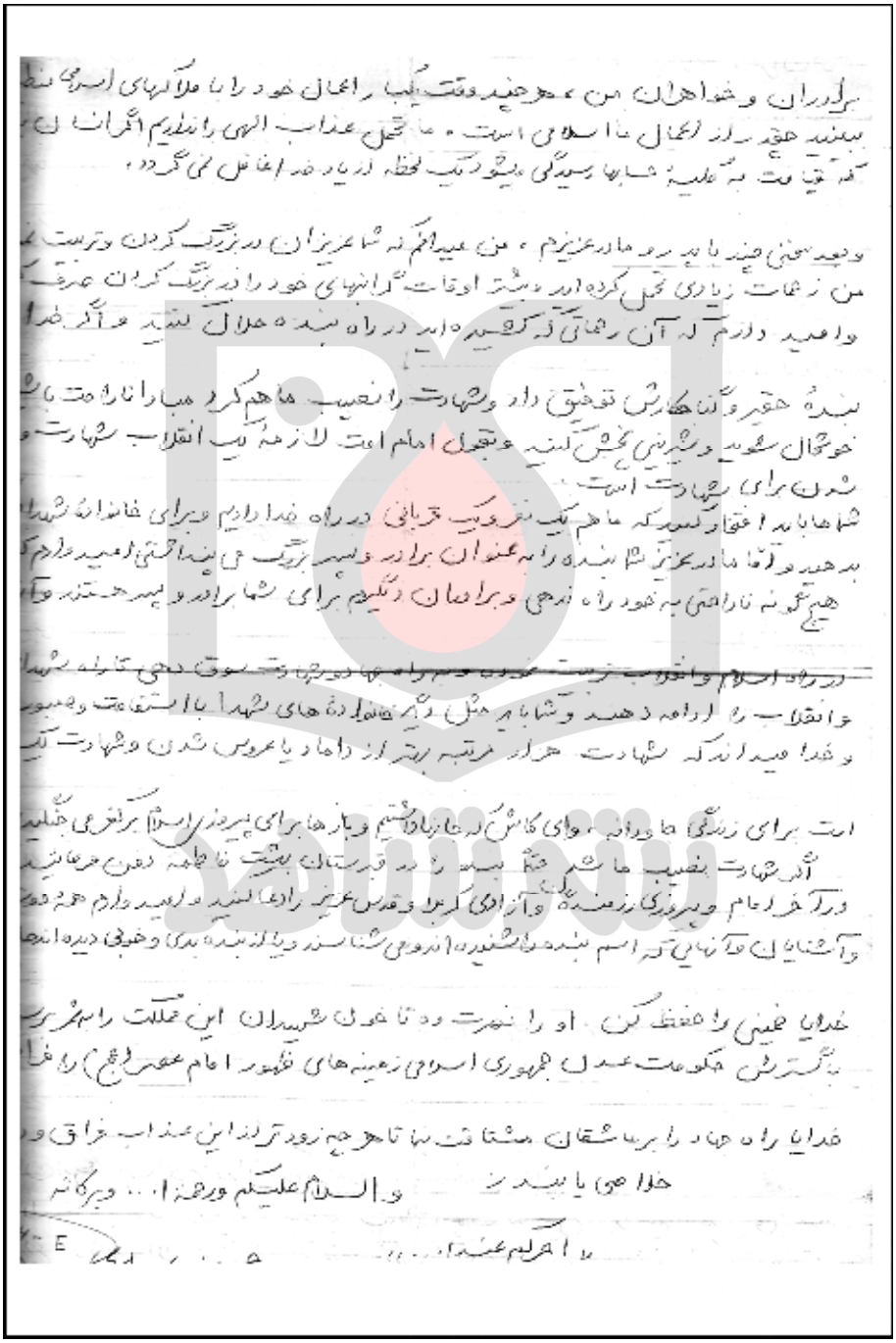

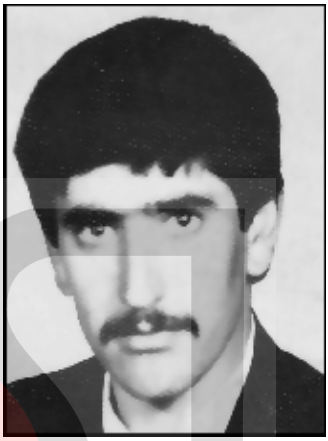

نام: **حسن**
نام خانوادگی: **عباس‌پور قورتلو**
نام پدر: **حضرتقلی**
نام مادر: **زیور**
تاریخ تولد: **بیستم شهریور** 1347
محل تولد: **شهرستان مشگین‌شهر**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **نهم خرداد** 1367
محل شهادت: **اربیل عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای عاشورای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جهت رضایت پروردگار و ادای دین خود به اسلام لباس رزم به تن کرده‌ام.
- جهت دفاع از ناموس و مملکت جمهوری اسلامی ایران سلاح جنگی به دست می‌گیرم.
- پدر و مادر مهربان برادرانم اگر چنانچه در این راه شهید شدم حتماً راه شهدا را ادامه دهید.
- امام را دعا کنید، رزمندگان را یاری نمایید.

نشر شاهد

حسن عباس‌پور قورتلو[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

[...][2] جهت جلب رضایت پروردگـار و ادای دیـن خـود بـه اسـلام و اسـلامیان و دفـاع از ناموس و مملکت جمهوری اسلامی ایران بنا بـه تکلیـف شـرعی و عرفـی هـم‌دوش سـایر برادران رزمنده به پروردگار و به رهبر عظیم‌الشأن امام خمینی لبیک گفته، لباس رزم به تـن پوشیده سلاح جنگی به‌دست می‌گیرم. تا شاید ذره‌ای باشیم در کنار دریـا و دریـادلان ایـن دشمنان قسم خورده به خاک و خون بکشیم و شرّشـان را از سـر ایـن مملکـت جمهـوری اسلامی دفع نماییم. پدر و مادر عزیز و مهربان برادرانم اگر چنانچه در این راه شـهید شـدم حتماً راه شهدا را ادامه و ملالی به دل راه ندهید و امام را دعا و رزمنـدگان را یـاری نماییـد تا دشمن در خاک ماست آرام ننشینید و به فرمان امام لبیک بگویید که رضای پروردگـار در آن است.

حسن عباس‌پور

نشر شاهد

1- بالای برگه وصیت آمده است (وصیت‌نامه 67/2/9).
2- خوانا نیست.

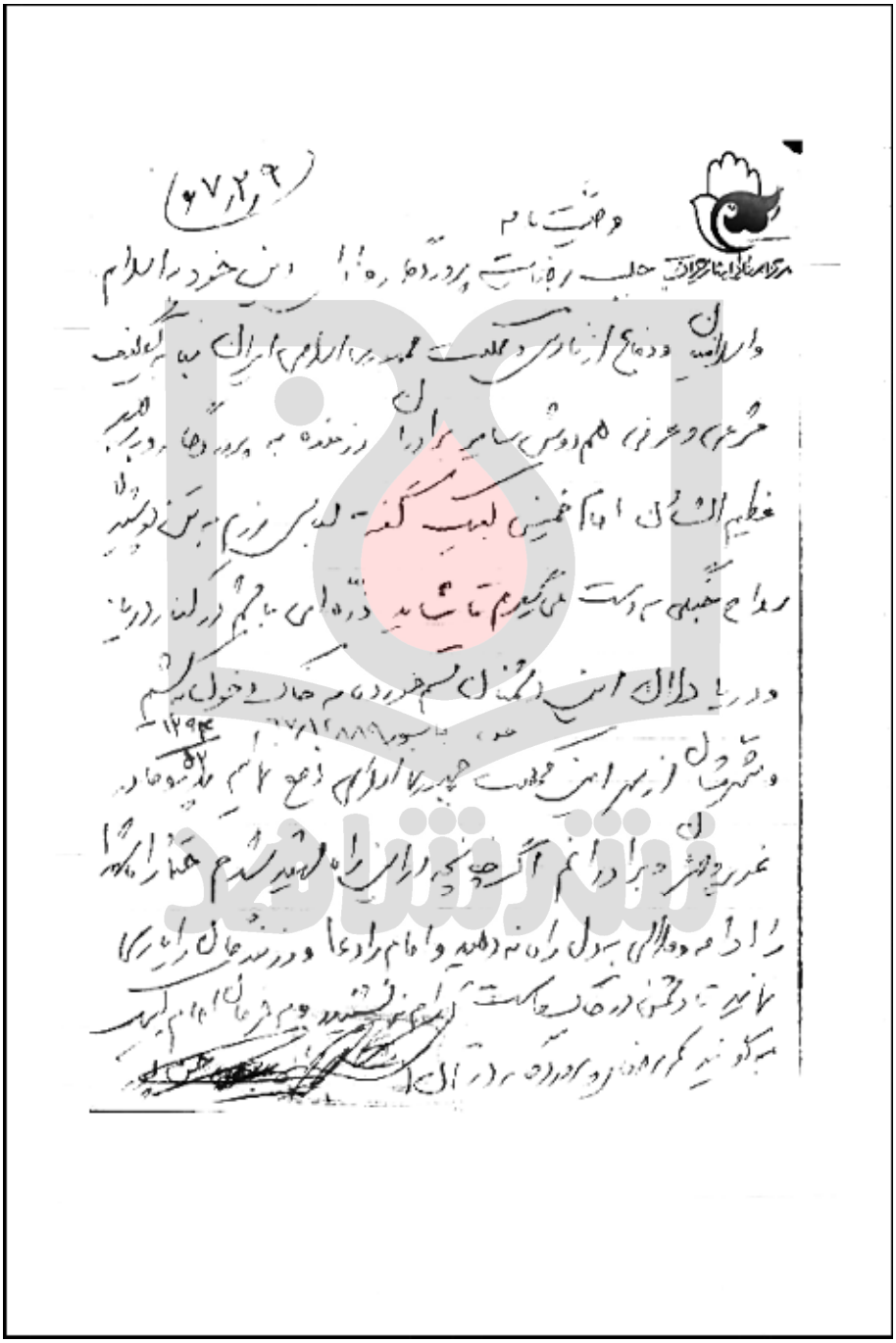

نام: **امانت**
نام خانوادگی: **عباس‌زاده سین**
نام پدر: **حیدرقلی**
نام مادر: **حکیمه**
تاریخ تولد: **دوم مهر** 1306
محل تولد: **شهرستان اردبیل روستای سین سرعین**
تحصیلات: **بیسواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم آبان** 1365
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله خودی (سهوی)**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- در نمازهای جمعه و جماعت و دعای کمیل و مراسم شهدا شرکت فعالی داشته باشید.
- حتماً نمازهای یومیه را از یاد نبرید.

نشر شاهد

امانت عباس‌زاده سین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام به رزمندگان غیور در جبهه‌های حق علیه باطل و با سلام به ارواح طیبه شهدای اسلام به‌خصوص شهدای جنگ تحمیلی ایران.

این وصیت‌نامه‌را در اعزام به خط می‌نویسم و وصیت‌نامه دیگری نیز در خانه قبلاً نوشته بودم و این را به همسر خودم حاج حکیمه خانم طالعی می‌نویسم و امیدوارم که مرا حلال نمایند، چون با سه فرزند (2 پسر و یک دختر) که داریم در 3 جا سهمیه املاک دارند اگر من شهید شوم خواهش دارم که در قسمت شرقی قبر «فرزند شهید»[1] جهانبخش عباس‌زاده دفنم کنید.

من به مقدار 5000 پنج هزارتومان به حاج غلام طالعی بدهی داریم و مقدار یادشده را نیز درخانه گذاشته‌ام که به حاج غلام طالعی بدهیمان را بدهید و غیر از آن هیچ حساب و کتابی ندارم و در وصیت اولی که به زیارت خانه خدا می‌رفتیم نوشته بودم که به مقدار 13000 سیزده هزارتومان به آقای عوض باقری بدهی داریم آن را پرداخت نموده‌ام و هیچ بدهی به برادر یاد شده ندارم.

اگر همسرم سرپرست خانه شدید 3 برادر می‌شوند و یک خواهر اما اگر شوهر کردید به غیر از هشت یک سهم دیگری در آن خانه ندارید و به مدت یک سال نیز صاحب‌خانه خودم می‌باشم و بعد از یک سال اختیار به دست شما سپرده می‌شود و به مقدار 20000 هزار تومان برای خرج دفن و کفن و احسان برای خودم جدا کنید و بقیه آن برای شما می‌باشد و به مدت یکسال لحاف و تشک و وسایل خودم را نیز تقسیم نکنید و سلام مرا به تمام آشنایان ودوستان و هم محله‌ها برسانید و خواهشمند که هر چه بدی از من دیده‌اند که حلال نمایند و در نمازهای جمعه و جماعت و دعای کمیل و مراسم شهدا شرکت فعالی داشته باشید و حتماً نمازهای یومیه را از یاد نبرید و به عالِم (روحانی) میرزا مطلب

1- امانت عباس‌زاده پدر شهید است. زیرا در وصیت‌نامه تکلیف کرده است که او را کنار مزار فرزند شهیدش جهانبخش به‌خاک بسپارند. فرزندشان در تاریخ 1361/8/13 در منطقه عملیاتی سومار به شهادت رسیده است.

عالمی که یه مقدار فکر می‌کنم چهار یا پنج‌هـزار تومـان از بابـت زکـات بـرایش پرداخـت نمایید و چون سواد ندارم نمی‌توانم وصیت‌نامه خوبی بنویـسم و حتمـاً بـه وصـیت پـسرم جهانبخش عمل نمایید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگهدار.

بنده گناهکارت

حاج امانت عباس‌زاده

65/8/18

نشر شاهد

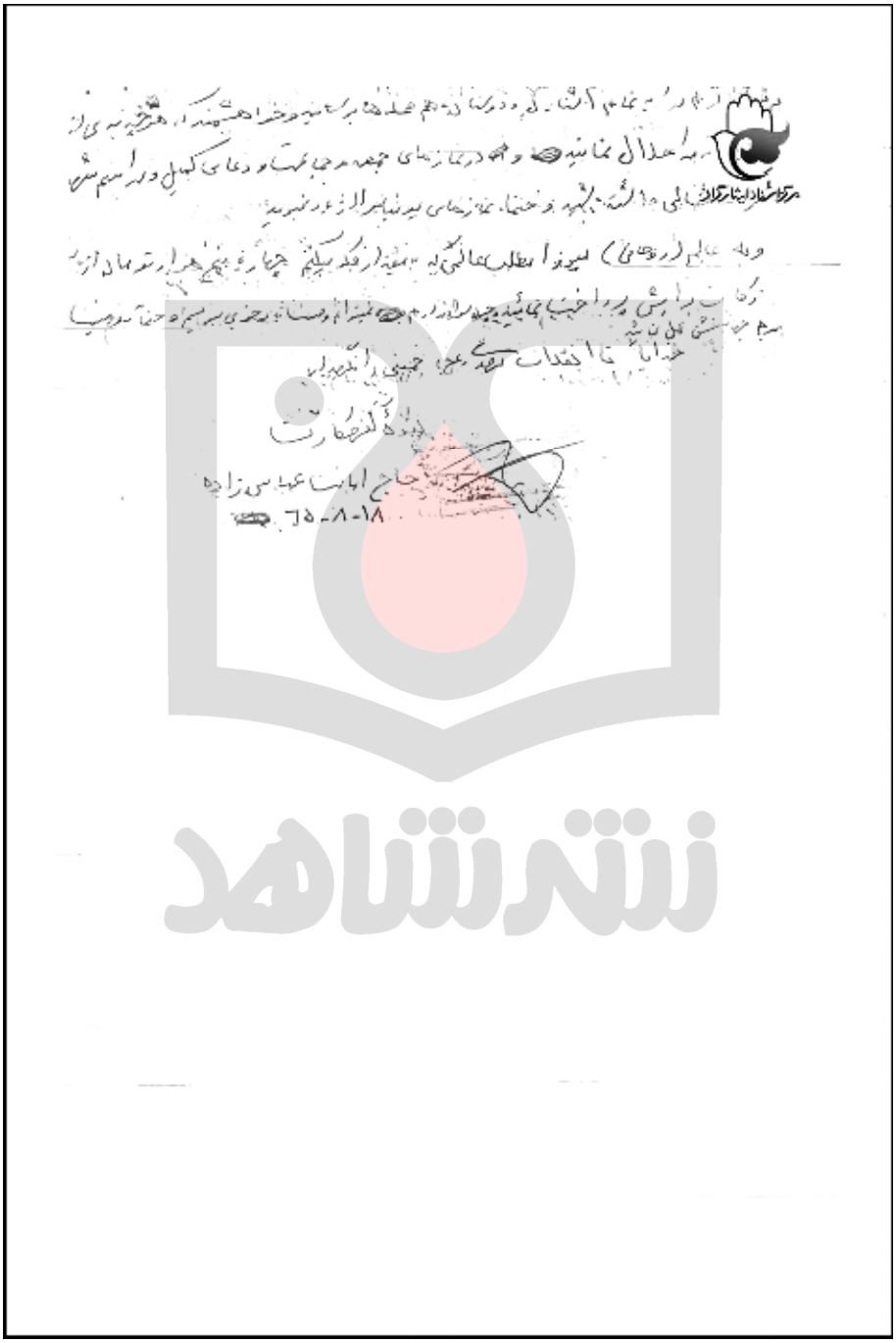

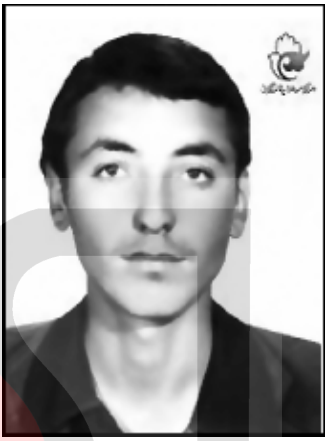

نام: **جهانبخش**
نام خانوادگی: **عباس‌زاده سین**
نام پدر: **امانت**
نام مادر: **حکیمه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1341
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سیزدهم آبان** 1361
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به جهاد پرداختن در صورتی صحیح است که در راه خدا باشد و بس.
- از حدود و مقررات الهی تعدی نکنید چون خداوند تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.
- جنگ در راه خدا فقط برای خداست.
- هدف جنگ در راه خدا برچیده شدن ظلم و ستم در روی زمین و جایگزینی عدل و قسط می‌باشد.
- هیچگاه کمک و یاری به رهبر انقلاب را فراموش نکنید.
- همیشه او و روحانیت عزیز اسلام را سرمشق قرار دهید که او نیز از تبار پاک رسولان و امامان است.
- روز عروسی من روز شهادت من است پس برای من عزاداری نکنید.
- نماز جمعه، دعای کمیل و سایر خیرات به‌ویژه واجبات را فراموش نکنید.
- با وحدت بیشتر در راه اهداف جمهوری اسلامی پیش روید.

جهانبخش عباس‌زاده سین[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«**وَقَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَکُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ**»[2] (قرآن مجید)

«در راه خدا با آنانکه به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید لیکن ستمکار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد».

هدفم: «**وَقَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ**»، جنگ کردن در راه خدا جنگ در راه خدا انتقام گرفتن از دیگران، ریاست طلبی، پول دوستی، دنیا دوستی و کشورگشائی نیست بلکه این قبیل اعمال از نظر اسلام محکوم است و به جهاد پرداختن در صورتی صحیح است که در راه خدا باشد و بس. «**الَّذِینَ یُقَاتِلُونَکُمْ**» نبرد کنید با کسانی که با شما نبرد می‌کنند در این مواقع مسلمین نباید پیش‌دستی کنند چون حضرت امیرالمومنین(**7**) فرموده حمله نکنید تا دشمن حمله کند. چون شما پیرو حق هستید آغاز به جنگ نکردن شما نیز دلیل دیگر بر حقانیت شماست. «**وَلَا تَعْتَدُوا**» (تعدی نکنید) از حدود و مقررات الهی تعدی نکنید چون خداوند تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. باز حضرت علی(**7**) می‌فرماید هنگامی که دشمن را شکست دادید فراریان را نکشید مجروحان جنگی را نیازارید، کودکان زنان و پیران را مورد تجاوز قرار ندهید. درختان را نسوزانید آب‌های آشامیدنی آنها را مسموم نکنید. از فرمان آسمانی الهی چنین نتیجه می‌گیریم جنگ در راه خدا فقط برای خداست و هدف جنگ در راه خدا برچیده شدن ظلم و ستم در روی زمین و جایگزینی عدل و قسط می‌باشد. خلاصه هدفم این آیه قرآنی است که می‌گوید: «با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برچیده شود و همه آیین دین خدا باشد.»[3]

1- جهابخش عباس‌زاده، فرزند شهید امانت عباس‌زاده است. پدرشان در 1365/8/22 در منطقه عملیاتی مهران به شهادت رسیده است.

2- بقره/ 190.

3- ترجمه بخشی از آیه 193 سوره بقره: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلّهِ فَإِنِ انتَهَواْ فَلاَ عُدْوَانَ إِلاَّ عَلَى الظَّالِمِينَ».

پدر ارجمندم از زحماتی که در طول 19 سال برایم کشیده‌ای تشکر و قدردانی می‌کنم زبان و قلم قاصر است از تو تشکر می‌کنم خداوند هم از تو راضی باشد.

پدر ارجمندم حیف که نتوانستم برایت خدمتی کنم به خدا سوگند اگر شهید شدم هیچ و اگر نشدم عوض خدمتت را خواهم کرد. مادر مهربانم و دلسوزم نمی‌دانم چگونه بنویسم و چگونه بگویم تا توانسته باشم از مقام والای تو تمجید کنم. مادر خوش به‌حالت که فرزندی مانند من پرورش داده و در راه اسلام فدا کردی اگر فداکاری شما مادر عزیز نبود من نمی‌توانستم در راه خدا شهید شوم پس هر چه دارم از شماست تصور می‌کنم ارزش تو در پیشگاه خدا بیش از من باشد.

پدر و مادرم من علاقه داشتم درس علوم دینیه بخوانم اگر شهید شدم برادرم حسین را بعد از اتمام کلاس پنجم ابتدایی به درس علوم دینیه بگذارید تا بیشتر بتواند در خدمت اسلام و مسلمین باشد. برادر دیگرم را نیز بگذارید در شغلش باقی بماند ولی به ایشان تذکر دهید که کار تو نیز باید فقط برای خدا باشد.

پدر، مادر، برادر و خواهر عزیزم هیچگاه کمک و یاری به رهبر انقلاب را فراموش نکنید و همیشه او و روحانیت عزیز اسلام را سرمشق قرار دهید که او نیز از تبار پاک رسولان و امامان است همیشه گوشتان به سخنان گوهربار او باشد و سعی کنید سخنان او را در زندگی مو به مو پیاده کنید و پیروی از او پیروی از خداست.

پدر و مادرم اگر شهید شدم برایم گریه نکنید که باعث خوشحالی دشمن شود بلکه به حرف قرآن مجید عمل کنید که سخن شیوا و رسایش می‌گوید: وقتی مصیبتی وارد گردید صبرکنید و بگویید از خداییم و به‌سوی او باز می‌گردیم.

روز عروسی من روز شهادت من است پس برای من عزاداری نکنید بلکه جشن بگیرید و تسلیت را پذیرا مباشید و به مردم شهیدپرور اردبیل هم بگویید نه به شما چون بنده علاقه زیادی به برادران سپاه داشته و دارم به همین جهت تمام کتاب‌ها و قفسه کتابخانه‌ام را بدون دریافت یک تومان پول به سپاه اردبیل تحویل داده و بگویید شما را به خدا به برادران توصیه کنید که این کتاب‌ها را مطالعه کنید.

در مجلس ترحیم من به هیچ‌وجه خرج ندهید اگر مؤمنین به خدا خواستند تسلیت گویند یک چای صرف کنند و امام را دعا کنند.

پدر و مادرم عزیزم شما را به خدا مرا حلال کنید و رضایتم بدهید چون رضایت شما موجب رضایت خدا خواهد بود. نماز جمعه دعای کمیل و سایر خیرات به‌ویژه واجبات را فراموش نکنید و برای امام عزیزمان همیشه این دعا را کنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه بر عمر او بیفزا به جان مهدی الهی امین

روی سنگ قبرم بنویسید امام عین اسلام بود.

سخنی با برادران و دوستان و آشنایان بویژه: به راه پاک روح‌الله ایمان داشته باشید و با وحدت بیشتر در راه اهداف جمهوری اسلامی پیش روید. دست‌های مرا از تابوت بیرون بگذارید تا دنیاپرستان بدانند که دست خالی از این دنیا می‌روم و چشم‌هایم را باز بگذارند تا کوردلان بدانند که کورکورانه این راه را انتخاب نکرده‌ام. مرا در گورستان غریبان بغل قبر صالح نوری دفن کنید اگر قبر برادر شهید نوری هم نباشد در بغل قبر یکی از شهدا دفن کنید.

«والسلام»

جهانبخش عباس‌زاده

نشر شاهد

بسم الله الرحمن الرحیم

نام و نام خانوادگی : جهانبخش عباس‌زاده تاریخ تولد : ۱۳۴۱

شماره شناسنامه : ۳۶۹۱ محل صدور : اردبیل

میزان تحصیلات : دیپلم نظری تاریخ شهادت : ۱۳۶۱/۸/۱۱

محل شهادت : سومار

بسم الله الرحمن الرحیم

و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین

(قرآن مجید)

در راه خدا با آنانکه به جنگ با شما برخیزند و جهاد کنید لیکن متکبر نباشید که خدا متکبر را دوست ندارد . هدف ما قاتلوا فی سبیل الله ، جنگ کردن در راه خدا جنگ در راه خدا انتقام گرفتن از دیگران ، ریاست طلبی ، پول دوستی ، دنیا دوستی و کشور گشائی نیست بنابراین قبیل اعمال از نظر اسلام محکوم است و به جهاد پرداختن در صورتی صحیح است که در راه خدا باشد و بس . الذین یقاتلونکم نبرد کنید با کسانی که با شما نبرد میکنند در این مواقع مسلمین نباید پیشدستی کنند چون حضرت امیر المومنین (ع) فرموده‌اند شما شروع کننده جنگ نباشید چون شما پیرو حق هستید آغاز به جنگ نکردن شما نیز دلیل دیگر بر حقانیت شماست . و لا تعتدوا تعدی نکنید یا از حدود و مقررات الهی تعدی نکنید چون خداوند متعدی کنندگان را دوست نمی دارد . یا از حضرت علی (ع) می فرمایند هنگامی که دشمن را شکست دادید فراریان را نکشید مجروحان جنگی را نیازارید ، کودکان و زنان را مورد تجاوز قرار ندهید . درختان را نسوزانید آبهای آشامیدنی آنها را مسموم نکنید . ارزشهای انسانی الهی چنین ایجاب میکند جنگ در راه خدا فقط برای خدا است و هدف جنگ در راه خدا برچیده شدن ظلم و ستم در روی زمین و جای گزین عدل و قسط میباشد . خلاصه هدف این آیه قرآن است که میگوید ، با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد ریشه‌کن شود و همه دین خدا باشد .

پدر ارجمندم از زحماتی که در طول ۱۹ سال برایم کشیده‌ای تشکر و قدردانی میکنم زبان و قلم قاصر است از تو تشکر میکنم خداوند هم از تو راضی باشد .

پدر ارجمندم حیف که نتوانستم برایت خدمتی بکنم بخدا سوگند اگر شهید شدم هیچ و اگر نشدم عوض خدمتت را خواهم کرد . مادر مهربانم و دلسوزم نمی دانم چگونه بنویسم و چگونه بگویم تا توانسته باشم از مقام والای تو تشکر کنم . مادر خوبم در حالت که در زندگی مانند من پرورش داده و در راه اسلام فداکردی اگر در اثر کار شما مادر عزیز نبود من نمی توانستم در راه خدا شهید شوم پس هر چیزی که دارم از شماست تصور میکنم ارزش تو در پیشگاه خدا بیش از من باشد .

پدر و مادرم من علاقه داشتم درس بخوانم دیپلم بگیرم اگر شهید شدم برادرم حسین را بعد از اتمام کلاس پنجم ابتدائی به درس و علوم دینی بگذارید تا بیشتر بتوانند در خدمت اسلام و مسلمین باشد برادر دیگرم را نیز بگذارید در شغلش باقی بماند ولی به ایشان تذکر دهید که کار تو نیز باید خالصانه برای خدا باشد .

پدر و مادر برادر و خواهر عزیزم هیچگاه گذارید از رهبر انقلاب را فراموش نکنید و همیشه او و روحانیت عزیز اسلام را سرمشق قرار دهید که از نیاز از تبار پاک رسولان و امامان است همیشه گوشتان به سخنان گوهربار او باشد و سعی کنید سخنان او را در زندگی خود پیاده کنید و پیرو راه او پیروی از خط امت .

پدر و مادرم اگر شهید شدم برایم گریه نکنید که باعث خوشحالی دشمن شود بلکه به حرف قرآن مجید عمل کنید که سخن شیرا و رسایش میگوید : وقتی مرد پیش وارد گردید صبر کنید و بگوئید از خدائیم و بسوی او باز میگردیم .

روز عروسی من روز شهادت من است پس برای من عزاداری نکنید بلکه جشن بگیرید و تسلیت را پذیرا باشید و به مردم شهید پرور اردبیل هم بگوئید نه به شما چون بنده علاقه زیادی به برادران سپاه داشته و دارم به همین جهت تمام کتابها و قفسه کتابخانه ام را بدون دریافت یک تومان پول به سپاه اردبیل تحویل داده و بگوئید [illegible] برادران توصیه کنید که این کتابها را مطالعه کنید .

در مجلس ترحیم من به هیچ وجه خرج نکنید اگر میتوانید بخدا خواستند تسلیت گویند یک جای صرف کنند و امام را دعا کنند .

نزدیک رو مادرم عزیزم شما را بخدا مرا حلال کنید و رضایتم بدهید چون رضایت شما موجب رضایت خدا خواهد بود . نماز جمعه دعای کمیل و سایر خیرات بویژه واجبات را فراموش نکنید و برای امام عزیزمان همیشه این دعا را کنید .

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی
خمینی را نگهدار

از صمیم قلب و بیقرار بجان مهدی الهی آمین

روی سنگ قبرم بنویسید امام عین اسلام بود .

سخنی با برادران و دوستان و آشنایان بویژه :

برادران روح الله ایمان داشته باشید و با وحدت بیشتر در راه اهداف جمهوری اسلامی پیش روید دستهای مرا از تابوت بیرون بگذارید تا دنیاپرستان بدانند که دست خالی از این دنیا می روم و چشمهایم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند که کورکورانه این راه را انتخاب نکرده‌ام . مرا در گورستان غریبان بغل قبر صالح نوری دفن کنید اگر قبر برادر شهید نوری هم نباشد در بغل قبر یکی از شهداء دفن کنید .

والسلام

[illegible]

روی سنگ قبرم بنویسید امام
عین اسلام بود

نام: **طاهر**
نام خانوادگی: **عباس‌نیا اختری**
نام پدر: **جلال**
نام مادر: **ثریا**
تاریخ تولد: **یکم آذر** 1340
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **جراحات وارده**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا این قطره خون ناچیز و جان ناقابل مرا در راه گسترش اسلام از حقیر بپذیر.
- خوشا به حال آنانکه از این راه توشه برداشتند و به جهان رحمت حق شتافتند.
- می‌روم جبهه تا بلکه با ریخته شدن خونم در راه خدا گناهانم آمرزیده شود.
- قدر امام را بدانید چون اگر ندانید در اثر کفران نعمت دچار بلاهای عظیم خواهید شد.
- سفارش می‌کنم که جز راه خدا نروید و به فرمان امام خمینی عزیز باشید.

نشر شاهد

طاهر عباس‌نیا اختری[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

قال علی(7) دنیا جای ماندن نیست بلکه پلی است که باید از آن گذشت و به‌سرای ابدیت پیوست.[2]

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی. با درود به روان پاک شهیدان صدر اسلام از کربلا تا کربلاهای ایران. بار خدایا این قطره خون ناچیز و جان ناقابل مرا در راه گسترش اسلام از حقیر بپذیر و اگر جان ما آن ارزش را دارد که برای اسلام فدا شود و اسلام پیش برود صدها بار به ما جان بده تا مبارزه کنیم و شهید شویم. خوشا به حال آنانکه از این راه توشه برداشتند و به جهان رحمت حق شتافتند نه مثل من بیچاره که عمرم را به بیهودگی گذراندم و حیف و صد حیف که از این فرصت خدادادی آنچنان‌که می‌بایست استفاده نکردم و جز مصیبت و گناه توشه‌ای برنگرفتم ولی می‌روم جبهه تا بلکه با ریخته شدن خونم در راه خدا گناهانم آمرزیده شود و مورد عفو و رحمت خدا قرار گیرم.

پدر و برادر گرامی، امروز زمان امتحان است. دو جبهه وجود دارد حسینی و یزیدی از فرصت استفاده کنید و به جبهه حسینی بپیوندید. قدر امام را بدانید چون اگر ندانید اثر کفران نعمت دچار بلاهای عظیم خواهید شد. امروز روز یاری به همنوعان است. روز اتفاق است. روز جهاد است جهاد در همه جبهه‌ها وجود دارد.

مادر و خواهران گرامی هیچ وقت برای من خدای ناکرده ناراحت نباش که دیر یا زود همهٔ ما رفتنی هستیم ولی خوشا به سعادت کسی که با کوچ کردن و رفتن از این دنیای[3] فانی سرنوشتی به این تحقق یابد. «کسانی را که در راه خدا کارزار و جهاد می‌کنند و کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنها زنده‌اند و در نزد پروردگار خویش روزه می‌دهد.»[4]

1- بالای وصیت آمده است «وصیت‌نامه طاهر عباس‌نیا».

2- ترجمه این حدیث است «انها جسرٌ فاعتبروها و لاتعمروها».

3- در اصل وصیت «دنیا». (الاخلاق، ج 1، ص 183».

4- ترجمه آیه 169، سوره آل‌عمران است.

شما دوستان و خویشان سفارش می‌کنم که جز راه خدا نروید و به فرمان امـام خمینـی عزیز باشید چون اگر نباشید یا بی‌تفاوت باشید زمانی بیدار مـی‌شـوید کـه دیگـر کـاری از دستتان برنمی‌آید. امیدوارم اگر کسی برای فاتحه بر سر قبرم می آید ابتدا برای طول عمـر و سلامتی امام دعا کند و برای ظهور امام زمان(عج) و پیروزی نهایی انقلاب اسلامی و سـپس مرا نیز از دعای خیر و فاتحه بی‌نصیب نگذارد. که آنچه بیشتر روح مرا شاد خواهد کرد.

بنابراین با توجه به مطلبی که اشاره کردم خوشحال باش و خداوند را سـپاس گـوی تـا انشاءالله این برادر شما گنهکار تو نیز جز قطره‌ای از دریای شهیدان شود.

پدر و مادرم نتوانستم برای شما فرزند شایسته‌ای باشم مرا ببخشید و حلال کنیـد چـون نتوانستم برای جامعه خود مفید باشم.

برادرم و خواهرانم و تمام خانواده‌ام و تمام دوستان و آشنایان و محلـه میـرزا بخـشعلی من گنهکار را حلال کنید که شما را خیلی خیلی ناراحت کرد.

به امید پیروزی و برقراری پرچم اسـلام در سراسـر جهـان و نـابودی کفـار، منافقـان و مشرکان.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

ما همه سرباز تو خمینی گوش به فرمان تو خمینی

63/9/7

طاهر عباسی‌نیا

وصیت‌نامه طاهر عباس‌نیا

مورخه 63/9/7

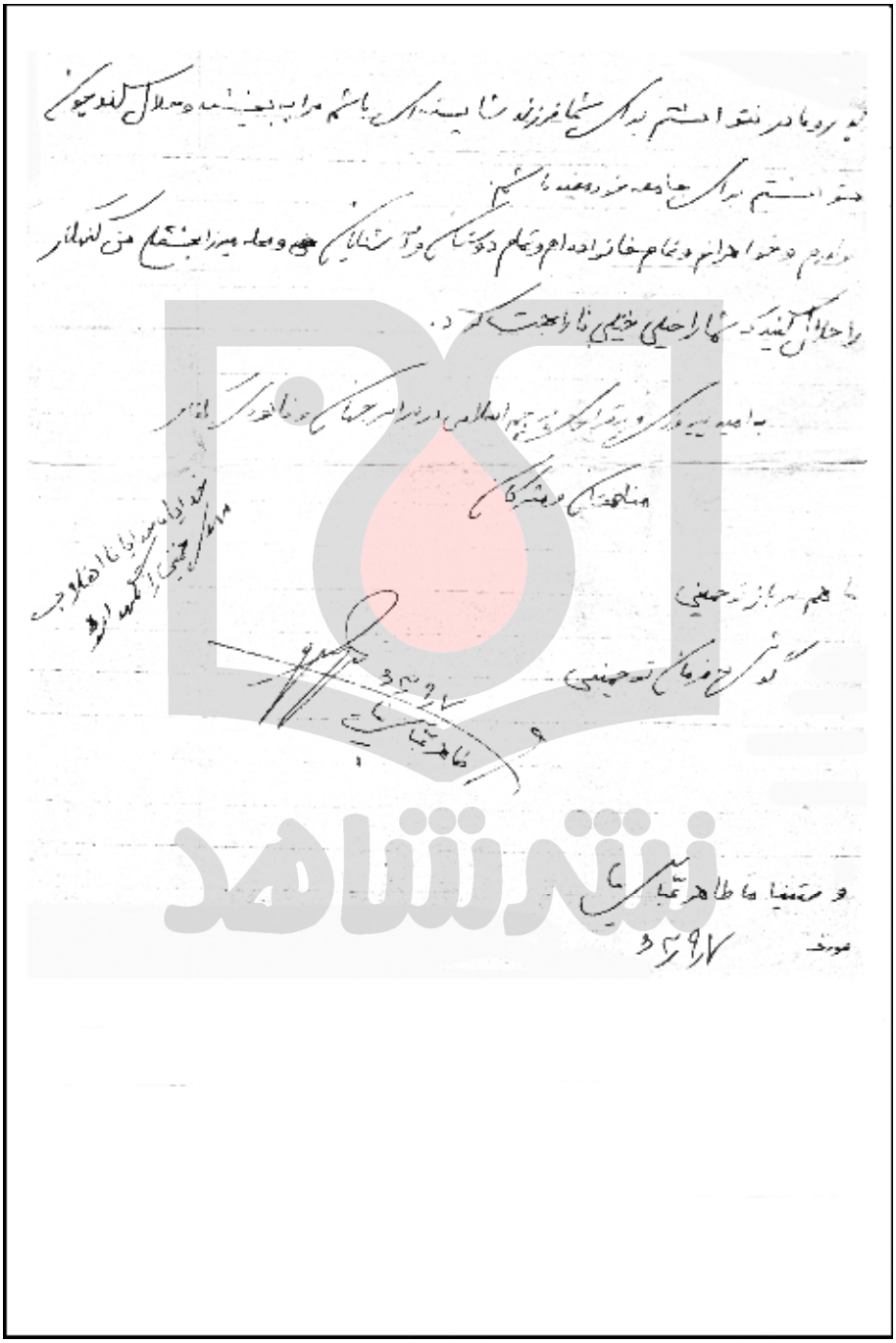

نام: **جهانگیر**
نام خانوادگی: **عباسی‌منعم**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **معظمه**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت** 1344
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سیزدهم آبان** 1362
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای ججین زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای امت اسلامی ایران قدر این رهبر را بدانید.
- همیشه از دستورات و فرمان‌های او تبعیت کنید.
- ما باید به این شعار (تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست) پای‌بند و استوار باشیم.
- خدایا تو خود شاهدی که به‌خاطر شهیدشدن و گریز از دنیا به جنگ کفار نیامده‌ام، بلکه برای ادای وظیفه شرعی و گریز از دنیا به جنگ کفار نیامده‌ام، بلکه برای ادای وظیفه شرعی و دفاع از دین مقدس اسلام به جهاد آمده‌ام.
- ملت مسلمان ایران باید در هر برهه از زمان از انقلاب دفاع نمایند.
- همیشه در صحنه باقی بمانند و سنگرهای مسجد را پر کنند.
- بپاخیزیم و از تاریکی‌ها عبور کنیم و حماسه‌ای جاودانه بسراییم.
- خط امام خطی است اصیل و راستین که رسالت گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای مظلومین و مستضعفین را بر عهده خویش گرفته.
- برای اینکه انحراف پیدا نکنید از روحانیت مبارز و همیشه در صحنه کمک بگیرید.
- باید از شعله‌های عشق و عرفان گذاخت تا به‌سوی میعادگاه عشق معراج نمود.
- برای دیدن پرده‌های تاریکی و ظلمات باید بدن‌ها و سرها داد و دست و پا نثار کرد.

جهانگیر عباسی‌منعم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1]

مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد. (امام خمینی)[2]

اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان امیرالمؤمنین علیاً ولی الله و شهادت می‌دهم که حضرت علی(7) و یازده فرزند معصوم او امامان بر حق می‌باشند.

به‌نام خدایی که با راهنمایی خود انسان را به راه راست هدایت فرموده و او را از سقوط در پرتگاه ضلالت بازمی‌دارد، خدایا تو را به بزرگیت می‌ستایم و تو را به‌خاطر همه نعمت بی‌شمارت شکرگزارم.

خدایا چه زبانی گویای لطف و کرم تو برای هدایت بشر می‌باشد، این انسان سرگشته و وامانده که از خود حقیقی خویش باز مانده چه کسی تواند باز به‌سویت بازگرداند.

خدایا تو را به‌خاطر رسولانت در زمین برای هدایت و اینکه بندگانت هرگز بی‌سرپرست نمانند سپاس می‌گویم، ای امت اسلامی ایران قدر این رهبر را بدانید و همیشه از دستورات و فرمان‌های او تبعیت کنید که به قول مرحوم طالقانی[3] اگر قدر این رهبر را ندانید به عذاب الهی دچار خواهید شد.

باید از او متشکر باشیم که ما را از خواب غفلت بیرون آورد و ما را وارد وادی عشق نمود او که چون نوح(7) ناخدای کشتی توحید در دریای ظلمت این دوران و همچون ابراهیم(7) بت‌شکن و همچون عیسی(7) دارای رحمت و عطوفت، همچون داوود(7) دارای خشیت الهی و همچون علی(7) پرصلابت و سازش‌ناپذیر است. و ما باید به این شعار (تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست) پای‌بند و استوار باشیم.

1- آل‌عمران/ 169.

2- این عبارت در سخنان امام خمینی یافت نشد اما عبارتی مشابه این دارد «ملتی که شهادت برای او سعادت است، پیروز است».

3- ر.ک. تعلیقات.

خدایا تو خود شاهدی که به‌خاطر شهیدشدن و گریز از دنیا به جنگ کفار نیامده‌ام، بلکه برای ادای وظیفه شرعی و دفاع از دین مقدس اسلام به جهاد آمده‌ام.

خدایا، این بندهٔ ضعیف را به‌خاطر گناهانش مؤاخذه نفرما و این نوکری را در راه خودت قبول بفرما.

ای خدای بزرگ، این بنده درمانده و ضعیف را حال که به‌سوی تو آمده او را از درگاهت مران و ناامیدش مگردان.

ای خدای من بسیار در تلاش بوده‌ام تا به راه تو باشم و برای تو بنده‌ای مخلص باشم و هرچند که لطف تو شامل حالم بوده ولی شرمنده و سرافکنده‌ام و امید بخشش دارم.

خداوندا من از اعمال خود بسیار می‌ترسم — نمی‌ترسم زکس از زشتی کردار می‌ترسم
هزاران بار کردم توبه وز جهل بشکستم — پشیمانم، پشیمانم من از این گفتار می‌ترسم
تو فرمودی که شیطان دشمن نوع بشر باشد — خداوندا من از این دشمن مکار می‌ترسم
من اندر خواب و دیو نفس بیدار و خطر نزدیک — به قلبی مرتعش زین فتنه بیدار می‌ترسم
تو فرمودی که باشد مجرمین را جای در آتش — نما عفوم، نما عفوم که من از نار می‌ترسم
ریا کردم عبادت را غلط خواندم عبادت را — کنون از این عبادت‌ها، از این انکار می‌ترسم
بود بازار گرم دین‌فروشان بر سر راهم — خداوندا من از این گرمی بازار می‌ترسم
وفا کردی جفا کردم عطا کردی خطا کردم — نمی‌گویم چها کردم ولی بسیار می‌ترسم

ملت مسلمان ایران باید در هر برهه از زمان از انقلاب دفاع نمایند و همیشه در صحنه باقی بمانند و سنگرهای مسجد را پر کنند و در مراسم مذهبی و راهپیمایی‌ها و دعاها شرکت نمایند.

ما وارث برادرانی هستیم که بار مسئولیت سنگینشان و تفنگ رزمشان و نماز و دعای عاشقانه‌شان را به امانت سپرده‌اندو رفته‌اند، ولی روحشان نظاره‌گر رزم جاودانه ایمان می‌باشد، هم‌اینک میدان رزم، به وسعت تمامی ارض و مسئولیتی بسیار سنگین و کوله‌باری از درد و رنج محرومان را بر دوش داریم، بپاخیزیم و از تاریکی‌ها عبور کنیم و حماسه‌ای جاودانه بسراییم و مسئولیتمان را به پایان برسانیم، ای امت حزب‌الله من حقیر از شما تمنا دارم که همیشه در خط امام حرکت کنید خط امام خطی است اصیل و راستین که رسالت

گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای مظلومین و مستضعفین را بر عهده خویش گرفته خطی که پاسدار و حافظ خون رزمندگان دلیر و شهیدان به خون خفته است و از آدم آغاز شده و تداوم سرخ خویش با دست‌های پاک ابراهیم(7) و محمد(7) و علی(7) و به‌دست نیرومند اماممان و قلبمان رسیده، تا زحمتکشان و دربند شده‌ها را از جور حکومت یزیدیان برهاند.

برادران کوچکترین انحراف از این راه مستقیم به هلاکت و ضلالت شما خواهد انجامید برای اینکه انحراف پیدا نکنید از روحانیت مبارز و همیشه در صحنه کمک بگیرید که واقعاً بازوان اسلام و امامند.

بدانید که اگر این روحانیون و علما که در راس آنها امام هستند نبودند، اسلام به این سادگی‌ها به دستمان نمی‌رسید و شاید اسلام به‌طور کلی منزوی شده و از بین می‌رفت، پس قدر این روحانیون را بدانید و آنها را گرامی بدارید، دشمنان اسلام بهشتی[1]ها و مطهری[2]ها و صدوقی[3]ها و مدنی[4]ها و قاضی طباطبایی[5]ها و اشرفی اصفهانی[6]ها و دستغیب[7]ها و دیگر روحانیون را شهید می‌کنند زیرا می‌دانند که اگر این آگاهان به اسلام را از بین ببرند اسلام از بین رفته است، در صورتی که بس خیال باطل کرده‌اند، از هر قطره خون بهشتی هزاران بهشتی بوجود خواهد آمد.

خدایا توفیقم بده جزء سربازان امام زمانت باشم و با سرافرازی و سربلندی با ساختن خود در این محل منزه‌ایم. خدایا بیش از این مرا در گرداب گناه و فساد و آلودگی‌ها گرفتار مساز. خدایا ماندن دشوار است، یاران همگی یکی پس از دیگری پرواز کرده و پیش تو می‌آیند ما از نبودن آنها رنج نمی‌بریم ولی از بودن خویش در رنجیم، زیرا می‌دانیم که آنها

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- ر.ک. تعلیقات.
6- ر.ک. تعلیقات.
7- ر.ک. تعلیقات.

هستند و مای زنده مرده‌ایم، خدایا از هجر گداخته می‌شویم، یاران و برادران برای وصال باید پروانه‌وار در اشتیاق شمع سوختند تا به ملکوت اعلا عروج نمایند، باید از شعله‌های عشق و عرفان گذاخت تا به‌سوی میعادگاه عشق معراج نمود، و برای دیدن پرده‌های تاریکی و ظلمات باید بدن‌ها و سرها داد و دست و پا نثار کرد.

ای خوشا با فرق خونین در لقای یار رفتن — سر جدا پیکر جدا در محفل دلدار رفتن
غوطه در خون جبین خوردن پی‌غسل شهادت — در نماز عشق دور از صحبت اغیار رفتن
یاد هفتاد و دو خونین جامه را در دل نهفتن — در بیابان اسارت با تن تب دار رفتن
عاشقان را عشق فرمان می‌دهد منزل به منزل — گه به خاک تیره گاهی[1] بر فراز دار رفتن

برادران و عزیزان برایم دعا کنید تا شاید خداوند من حقیر را در جوار رحمت خویش قرار دهد، از تمامی برادران می‌خواهم که در مورد آمرزش گناهانم طلب مغفرت نمایید و اگر این پیروزی عظیم برایم میسر شد به آرزویم رسیده‌ام ولی آرزوی اولم پیروزی اسلام و رزمندگان است که بجای خود.

و آخرین تذکرات و سفارشاتی که قبلاً نیز متذکر شده‌ام این است که ای برادران قدر این اماممان و این قلب تپنده امت را بدانید، ما هرچه داریم از اوست و راهنمایی‌هایش.

سفارشی که نسبت به محصلان و برادران هم‌سن و سال خود دارم این که ای برادران حتماً به فرمان امام لبیک گفته و جبهه‌ها را پر کنید و اگر برای شما امکان رفتن به جبهه‌ها وجود ندارد سعی کنید در سنگر مدارس با بهتر درس خواندن و ریشه‌کن کردن جهل و بی‌سوادی با آمریکا و عمال او جنگ کنید و از پدر و مادرم می‌خواهم که مانع رفتن فرزندانت به جبهه جنگ نباشند که اگر این‌طور باشد در روز قیامت باید جوابگوی امام حسین(7) و حضرت زینب(3) و خداوند متعال باشند.

برادران و خواهران عزیز از تهمت زدن به دیگران بیزاری جویید و سعی نمایید که همیشه حقیقت را بر زبان جاری نمایید دعا زیاد بخوانید و سعی نمایید قرآن را حتماً یاد بگیرید.

باید به این بازاریان و محتکران هشدار داد که بترسید از روزی که شمشیر قهر و غضب

1- در اصل وصیت «گه».

الهی، همانطوری که منافقان[1] و توده‌ای‌های پلید را فرا گرفت انشاءالله به زودی شما را نیز دربرگیرد اما شما ای پدر و مادر عزیزم که زیاد رنج و زحمتتان داده‌ام، امیدوارم که مرا ببخشید من امانتی هستم نزد شما از طرف خداوند متعال و بالاخره روزی باید این امانت را تحویل خالقش بدهید و چه بهتر که در راه خدا امانت خود را بدهید.

«**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**»[2]، «همه ما از خداییم و بازگشتمان به‌سوی اوست» و چه بهتر که این بازگشتمان برای رضای او باشد. پدر عزیزم امیدوارم که در سوگ من مادرم را تسکین دهی و نگذاری بیش از حد ناراحت بشود. مادر عزیزم من می‌دانم تا چه حد تو را آزار و اذیت داده‌ام و چقدر زحمت مرا کشیده‌ای. ای مادر و پدر عزیزم امیدوارم که از خطاها و تقصیرات من درگذشته و مرا حلال کنید.

مادر عزیزم امیدوارم که در فراق من زیاد غمگین نباشید و همیشه حضرت زینب(**3**) و زینب‌های زمانه را برای خود الگو قرار دهی، که وقتی سه فرزند خود را از دست می‌دهد، آرزو می‌کند که ای کاش فرزند چهارمی هم داشتم که در راه خدا قربانی دهم بالاخره زیاد غمگین نباش.

و باز امیدوارم که همه کسانی که مرا می‌شناسند حلالم نمایند. می‌خواهم که یک تذکر دیگر بدهم، که روی قبر من ننویسید ناکام، چون [از نظر][3] من بهترین و شیرین‌ترین کام برای هر فرد مسلمان شهادت در راه خداست.

بار خدایا، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران این قلب تپنده امت و امید مظلومان جهان را عمر طولانی همراه با صحت و سلامتی عنایت فرما.

معبودا، شیرینی عبادت و اطاعت را بر ما بچشان و قلب‌های ما را با نور ایمان و قرآن منور بگردان.

بار خدایا، امام زمان را از ما راضی بگردان، خمینی را تا ظهورش باقی انقلاب اسلامی را جهانی و دولت اسلامی را پایداری عنایت فرما.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- بخشی از آیه 156 سوره بقره است.

3- در اصل وصیت «از نظر» از قلم افتاده است.

بار پروردگارا به خانواده‌های عزیز داده و شهید داده صبر و استقامت عنایت فرما.

جـان چـه باشـد کـه نثـار قـدم دوسـت کـنم این متاعی است کـه هـر بـی سـر و پـایی دارد

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

تپه امام موسی صدر

62/5/26

جهانگیر عباس منعم

19 روز، روزهٔ قضا و 12 روز نماز ظهر و شام قضا دارم که می‌توانید از پـول خـودم بـه کسی بدهید که آنها را ادا[1] کند.

بار خدایا رهبر کبیر انقلاب اسلامی این قلب طپنده امت و امید مظلومان جهـان را عمـر طولانی همراه با صحت و سلامتی عنایت فرما. بار معبودا شرینی جنگیدن در راهـت را بـر ما بچشان و قلب‌های ما را با نور ایمان و قرآن منور گردان بـار خـدایا امـام امـت را از مـا راضی. خمینی را تا ظهور امام عصر(عج) یاور باش، انقـلاب اسـلامی را جهـانی و دولـت اسلامی را پایداری عنایت فرما. بار پروردگارا به خانواده‌های عزیز داده و شهید داده صبر و استقامت عنایت فرما.

جـان چـه باشـد کـه نثـار قـدم دوسـت کـنم وین متاعی است که هـر بـی سـر و پـائی دارد

«والسلام علیکم و رحمة و برکاته»

«وصیت‌نامه بندهٔ حقیر جهانگیر عباس منعم»

مکان تپه امام موسی صدر عراق 62/5/26

1- در اصل وصیت «اعدا».

بسم الله الرحمن الرحیم

نام و نام خانوادگی جهانگیر عباس‌منعم تاریخ تولد : ۱۳۴۴

محل تولد : اردبیل شغل : محصل

تاریخ شهادت : ۱۳/ ۸/ ۶۲ محل شهادت : خاک عراق

وصیتنامه یادگار شهید جهانگیر عباس‌منعم

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا "بل احیاء" عند ربهم یرزقون

مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد . (امام خمینی)

اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا "رسول الله"

و اشهد ان امیرالمومنین علیا "ولی الله" و شهادت میدهم که

حضرت علی (ع) و یازده فرزندش معصوم و امامان برحق میباشند .

بنام خدائی که با راهنمائی خود انسان را براه راست هدایت فرموده و او را

از سقوط در پرتگاه ضلالت باز میدارد ، خدایا تورا به بزرگیت می ستایم و تو را

به خاطر همه نعمت بیشمارت شکر گزارم .

خدایا چه زیباست گویای لطف و کرم تو برای هدایت بشر میباشد ، این انسان

سرگشته و وامانده ، که از خود حقیقی خویش باز مانده ، چه کسی توانند

بسویت باز گردانند .

خدایا تورا بخاطر رسولانت در زمین برای هدایت و اینکه بندگانت هرگز بی

سرپرست نمانند سپاس میگویم ، ای امت اسلامی ایران قدر این رهبر را بدانید

و همیشه از دستورات و فرمانهای او تبعیت کنید که بقول مرحوم طالقانی اگر

قدر این رهبر را ندانید به عذاب الهی دچار خواهید شد .

باید از تمام تشکر باشم که ما را از خواب غفلت بیرون آورد و ما را وارد وادی عشق

نمود و به جهاد تشویق نمود تا خدای کشتی توحید در دریای ظلمت این دوران

و همچون ابراهیم بت شکن و همچون موسی دارای رحمت و محبوبیت ، همچون داوود دارای خشیت الهی و همچون عیسی (ع) پر صلابت و سازش ناپذیر است .
و ما باید به این شعار (تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست) پای بفشاریم و استوار باشیم

خدایا تو خود شاهدی که بخاطر شهید شدن و گریز از دنیا بسته جنگ کنار نیامده ام ، بلکه برای ادای وظیفه شرعی و دفاع از دین مقدس اسلام به جهاد آمده ام .

خدایا ، این بنده ضعیف را بخاطر گناهانش مواخذه نفرما و این نوکری را در راه خودت قبول بفرما .

ای خدای بزرگ ، این بنده درمانده و ضعیف را حال که بسوی تو آمده او را از درگاهت مران و نا امید برمگردان .

ای خدای من بسیار در تلاش بوده ام تا برای تو باشم و برای تو بنده ای مخلص باشم و هر چند که لطف تو شامل حالم بوده ولی شرمنده و سرافکنده ام و امید بخشش دارم .

خداوندا من از اعمال خود بسیار می ترسم
نفس ترسم ز کبر از زشتی کردار می ترسم
هزاران بار کردم توبه و ز جهل بشکستم
پشیمانم ، پشیمانم من از این گفتار می ترسم
تو فرمودی که شیطان دشمن نوع بشر باشد
خداوندا من از این دشمن مکار می ترسم
من اندر خواب و دیو نفس بیدار و خطر نزدیک
به قلبی مرتعش زین فتنه بیدار می ترسم
تو مسجودی که باشد مجرمین را جای در آتش
نماندم ، نماندم که من از نار می ترسم
ریا کردم عبادت را غلط خواندم عبادت را
کنون از این عبادتها ، از این انکار می ترسم
بود بازار گرم دین فروشان بر سر راهم
خداوندا من از این گرمی بازار می ترسم

وفا کردی جفا کردم عطا کردی خطا کردم

نمی گویم چیها کردم ولی بسیار می ترسم

ملت مسلمان ایران باید در هر برهه از زمان از انقلاب دفاع نمایند و همیشه در صحنه باقی بمانند و سنگرهای مساجد را پر کنند و در مراسم مذهبی و راهپیمائیها و دعاها شرکت نمایند .

ما وارث برادرانی هستیم که بار مسئولیت سنگینشان و تفنگ رزمشان و نماز و دعای عاشقانه‌شان را به امانت سپرده‌اند و رفته‌اند ولی روحشان نظاره‌گر رزم جاودانه ایمان میباشد ، هم اینک میدان رزم ، به وسعت تمامی ارض و مسئولیتی بسیار سنگین و کوله باری از درد و رنج محرومان را بر دوش داریم ، بپا خیزیم و از تاریکیها عبور کنیم و حماسه‌ای جاودانه بسرائیم و مسئولیتمان را بپایان برسانیم .

ای امت حزب الله من حقیر از شما تمنا دارم که همیشه در خط امام حرکت کنید خط امام خطی است اصیل و راستین که رسالت گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای مظلومین و مستضعفین را برعهده دارد ، خونین‌ترین خط که پاسدار و حافظ خون رزمندگان دلیر و شهیدان بخون خفته است و از آدم آغاز شده و تداوم سرخ خونینش دستهای پاک ابراهیم و محمد و علی و بدست نیرومند امامتان و قلبهای رسیده ، تا زحمتکشان و دربند شده‌ها را از جور حاکمیت یزید پاک برهانند .

برادران کوچکترین انحراف از این راه مستقیم به هلاکت و ضلالت شما خواهد انجامید برای اینکه انحراف پیدا نکنید از روحانیت مبارز و همیشه در صحنه کمک بگیرید که واقعاً "بازوان اسلام و امامتند .

بدانید که اگر این روحانیون و علما که در راس آنها امام همیشه بودند اسلام به این سادگی ها به دستمان نمی رسید و شاید اسلام بطور کلی منزوی شده و از بین میرفت ، پس قدر این روحانیون را بدانید و آنها را گرامی بدارید ، دشمنان اسلام بهشتی ها و مطهری ها و صدوقی ها و مدنی ها و قاضی طباطبائیها و اشرفی اصفهانیها و دستغیبیها و دیگر روحانیون را شهید کردند زیرا میدانستند که اگر این آگاهان به اسلام را از بین ببرند اسلام از

بین رفته است ، در سوریـــی که پیرخیان باطل کرده انـــد ، از هر قطره خـــــون
بهشتـــی هزاران بهشتی بوجـــود خـــواهـــد آمـــد .
خـــدایا توفیقم بـــده جزء سربازان امام زمانت باشم و با سرافرازی و سربلنـــدی
با ساختن خـــود در این محـــل منزه ایم . خـــدایا بیش از این مرا در گرداب گناه و فساد
و آلودگی ها گرفتار مساز . خـــدایا ماندن دشوار است ، یاران همگی یکی پس از دیگری
پرواز کرده و پیوستند به ما از نبودن انها رنج نمی بریم ولی از بودن خـــویش در
رنجیم زیرا میدانیم که انها هستند و مای زنده مرده ایم ، خـــدایا از هجر گـــداخته
میشویم ، یاران و برادران برای وصال بایـــد پروانـــه وار در اتشیاش شمع سوختنـــد
تا به ملکوت اعلا عروج نمایـــنـــد ، بایـــد از شعلـــه های عشق و عرفان گـــداخت
تا بسوی میعادگاه عشق معراج نمـــود ، و برای دیدن پرده های تاریک و ظلمـــات
بایـــد بدنها و سرها داد و دستو پا نثار کـــرد .

ای خـــوشا با فـــرق خـــونین در لقای یار رفتـــن
سر جـــدا پیکر جـــدا در محفل یار رفتـــن
قوطه در خـــون جبین خورد ن بی فصل شهادت
در نماز عشق دور از صحبت اغیـــار رفتـــن
یاد هفتاد و دو خونین جامـــه را در دل نهفتن
در بیابان اسارت با تن تب دار رفتـــن
عاشقان را عشق فرمان میدهـــد منزل به منزل
کـــه به خـــاک تیـــره کـــه فراز دار رفتـــن

برادران و عزیزان برایم دعا کنیـــد تا شاید خـــداونـــد من حقیـــر را در جوار
رحمت خـــویش قرار دهـــد ، از تمامـــی برادران میخواهم که در مـــورد آمرزش
گناهانم طلب مغفرت نمائیـــد و اگـــر این پیروزی عظیم برایم میسر شد به ارزوم
رسیده ام ولـــی آرزوی اولم پیروزی اسلام و رزمنـــدگان است که بجای خـــود .
و اخـــرین تـــذکرات و سفارشاتـــی که قبلا نیز متذکر شده ام این است که ای برادران
قـــدر این امامان و این قلب تپنـــده امت را بـــدانیـــد ، ما هـــر چـــه داریم از اوست
و راهنمائیهایش .

شعارشان که نسبت به محصلان و برادران هم سن و سال خود دارم این که آن برادران حتما" به فرمان امام لبیک گفته و جبهه ها را پر کنید و اگر برای شما امکان رفتن به جبهه ها وجود ندارد سعی کنید در سنگر مدارس با بهتر درس خواندن و ریشه کن کردن جهل و بیسوادی با امریکا و عمال او جنگ کنید و از پدر و مادرم میخواهم که مانع رفتن عزیزانشان به جبهه جنگ نباشند که اگر این طور باشند در روز قیامت پاسخگوی امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) و خداوند متعال باشند .

برادران و خواهران عزیز از تهمت زدن به دیگران بپرهیزید و سعی نمائید که همیشه حقیقت را بر زبان جاری نمائید دعا زیاد بخوانید و سعی نمائید قرآن را حتما" یاد بگیرید باشید .

باید به این بازاریان و محتکران هشدار داد که بترسید از روزی که شمشیر قهر و غضب الهی همانطوریکه منافقان و تودهایهای پلید را فراگرفت انشاء الله بزودی شما را نیز در بر گیرد اما شما ای پدر و مادر عزیزم که زیاد رنج و زحمتتان دادم ، امیدوارم که مرا ببخشید من امانتی همتم نزد شما از طرف خداوند متعال و بالاخره روزی باید این امانت را تحویل خالقش دهید و چه بهتر که در راه خدا امانت خود را پس دهید .

انا لله و انا الیه راجعون ، همه ما از خدائیم و بازگشتمان بسوی اوست و چه بهتر که این بازگشتمان برای رضای او باشد . پدر عزیزم امید وارم که در سوگ من صادرم را تسکین دهی و نگذاری بیش از حد تا راحت بشود مادر عزیزم من میدانم تا چه حد تو را آزار و اذیت دادم ، و چقدر زحمت زحمت مرا کشیده ای ای مادر و پدر عزیزم امیدوارم که از خطاها و تقصیرات من در گذشته و مرا حلال کنید .

مادر عزیزم امیدوارم که در فراق من زیاد غمگین نباشید و همیشه حضرت زینب و زنهای زمانه را برای خود الگو قرار دهی ، که وقتی سه فرزند خود را از دست میدهد ، اروز میکند که ای کاش فرزند چهارمی هم داشتم

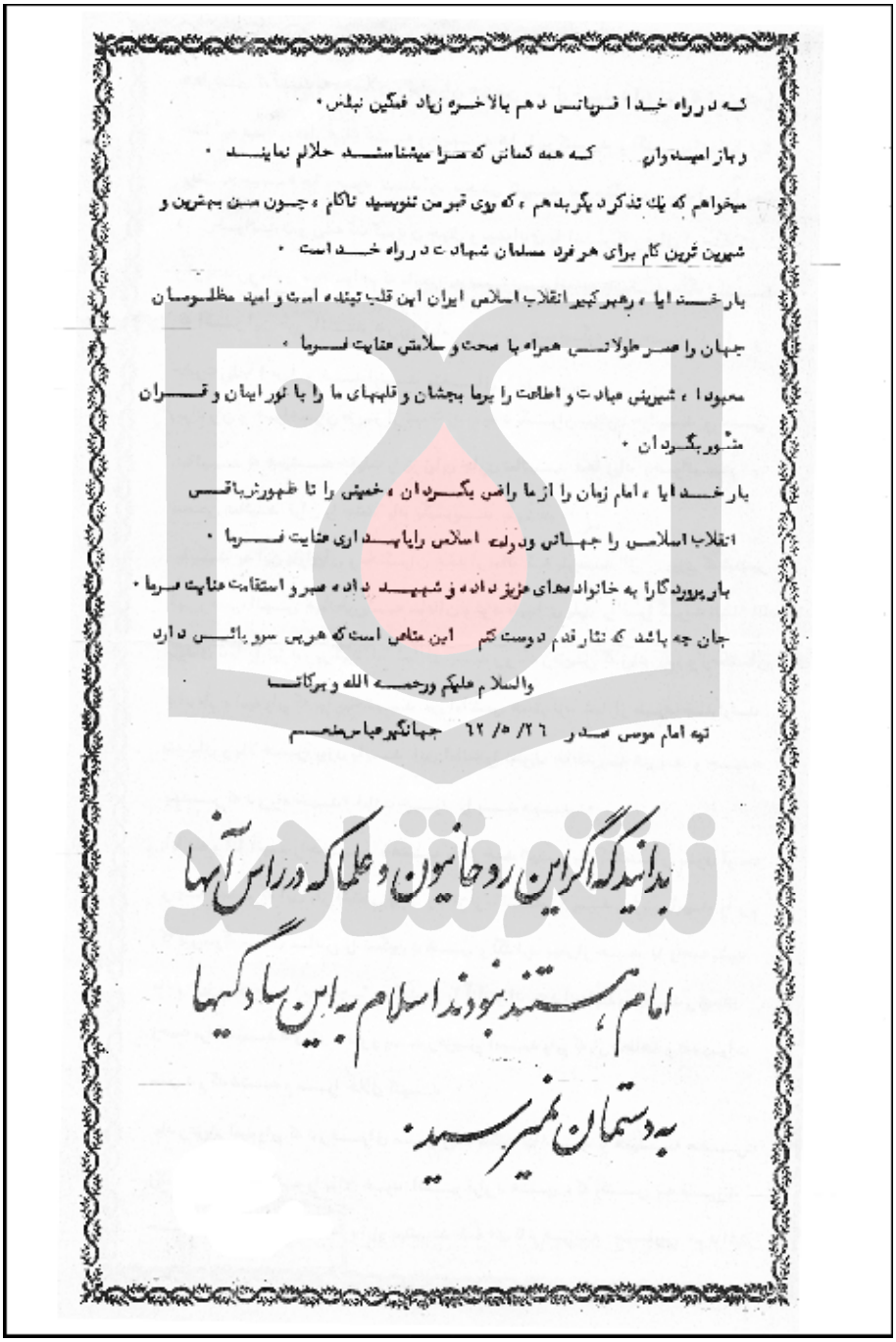

که در راه خدا قربانی دهم بالاخره زیاد فکرین نباش.

و باز امیدوارم که همه کسانی که مرا میشناسند حلالم نمایند.

میخواهم که یک تذکر بگویم، که روی قبرم ننویسید ناکام، چون من بدبخت و شرمین ترین کام برای هر فرد مسلمان شهادت در راه خدا است.

بار خدایا، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران این قلب تپنده امت و امید مظلومان جهان را صد سال همراه با صحت و سلامتی عنایت فرما.

معبودا، شیرینی عبادت و اطاعت را بما بچشان و قلبهای ما را با نور ایمان و قرآن منور بگردان.

بار خدایا، امام زمان را از ما راضی بگردان، خمینی را تا ظهور حضرت انقلاب اسلامی را جهانی و دولت اسلامی را برپا بداری عنایت فرما.

بار پروردگارا به خانواده های عزیز داده و شهید داده، صبر و استقامت عنایت فرما.

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم این متاعی است که هر بی سروپائی دارد

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قم امام موسی صدر ۶۲/۵/۲۶ جهانگیر عباس منعم

بدانید که اگر این روحانیون و علما که در راس آنها امام هستند نبودند اسلام به این سادگیها به دستمان نمیرسید.

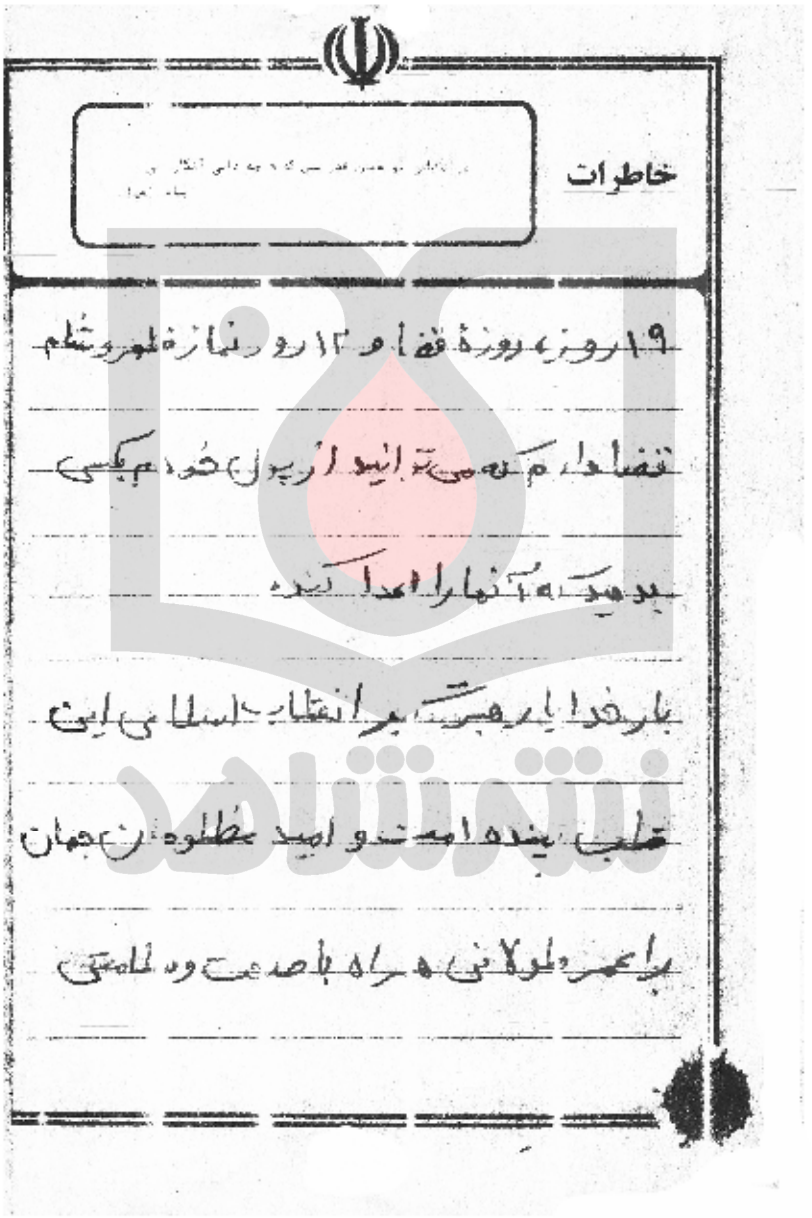

خاطرات

۱۹ روز روزه قضا و ۱۲ رو نماز قضا دارم که می‌تونید از پول خودم یکی

بدهید که آنها را ادا کنند

بار خدایا رهبرت را تا انقلاب اسلامی این

طلب بنده امت و امید مظلومان جهان

را عمر طولانی و راه باصفت و ملامتی

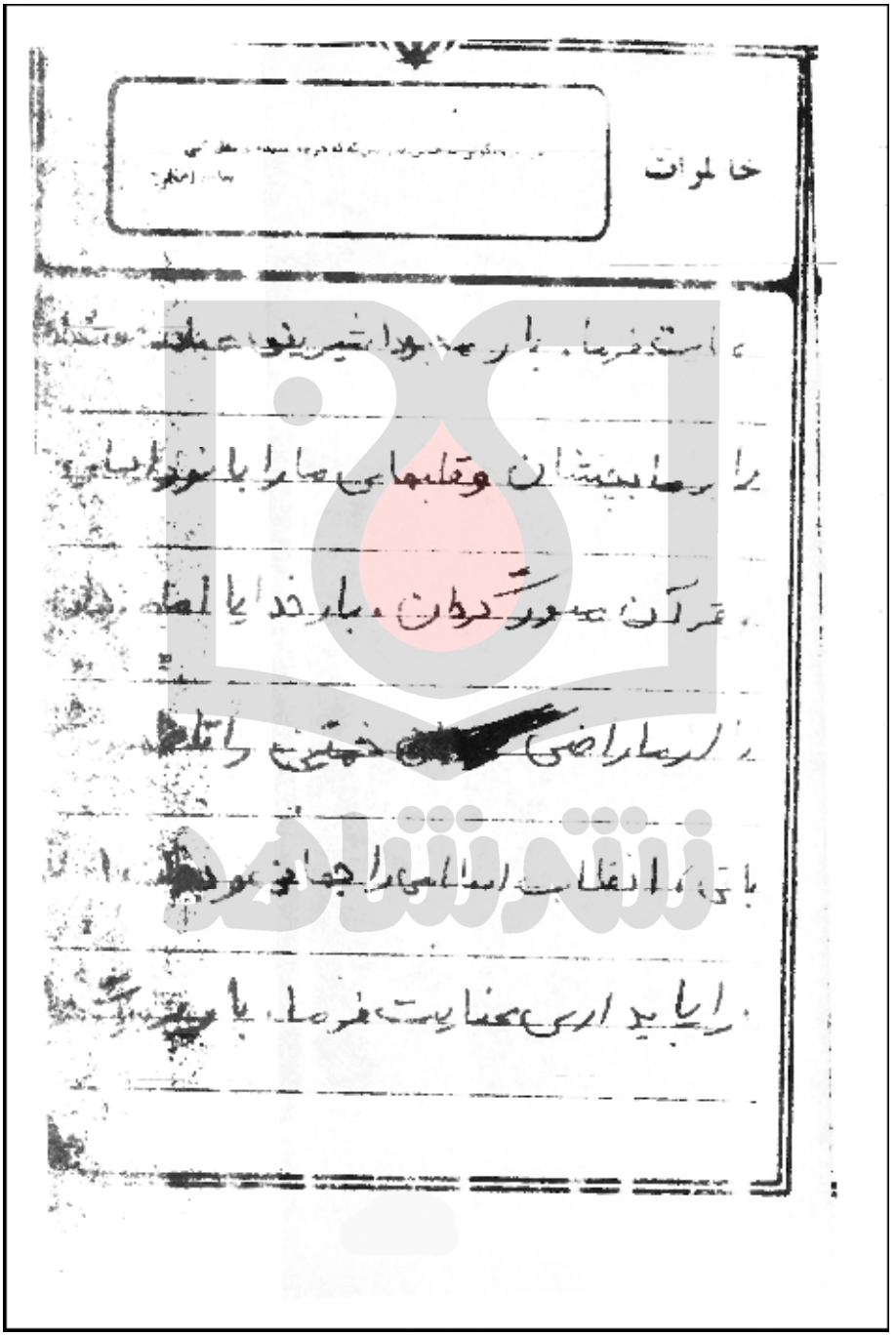

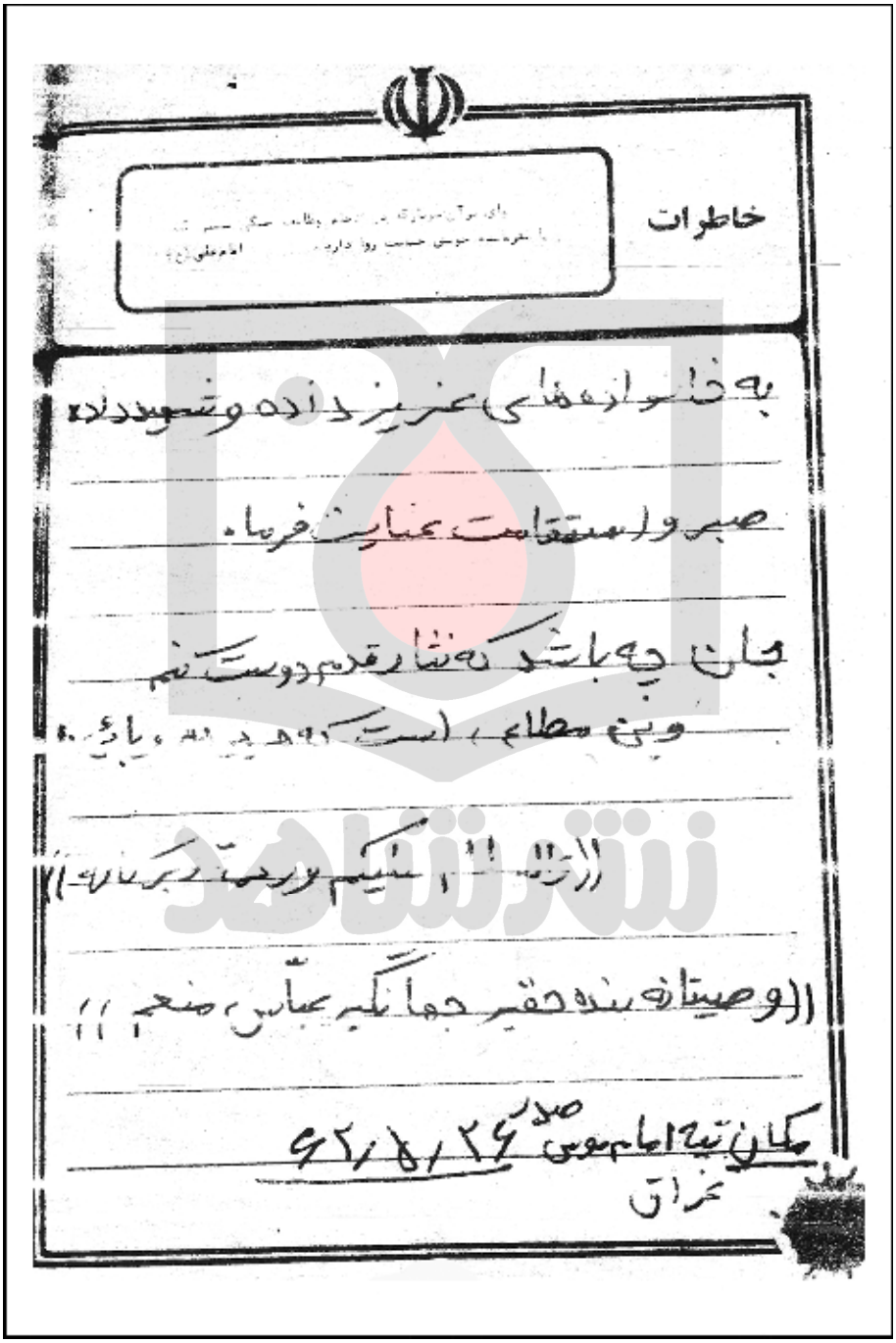

خاطرات

به خانواده‌های عزیز داده و شهید داده

صبر و استقامت بنمایید فرمان

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم

وین مطلب است که هر لحظه به یاد او

[illegible] شکیم و صبر پیشه کنیم

الوصیتانه بنده حقیر جمانگیر عباس صنعم

مکان تپه امام حسین صدر ۶۲/۸/۲۶

نمراق

نام: **بخشایش**
نام خانوادگی: **عباسی**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **نارنج**
تاریخ تولد: **ششم خرداد** 1346
محل تولد: **روستای اوجاق آلازار از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **مفقودالاثر**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا روزیمان کن توفیق اطاعتت و دوری از گناه و صدق در نیت را.
- از امت حزب‌الله و همیشه در صحنه عاجزانه تقاضا می‌کنم که پشتیبان ولایت‌فقیه باشند.
- تقاضای دیگرم از امت حزب‌الله این است که به نمازهای جمعه فوق‌العاده اهمیت قائل شوند.
- در دعاهای کمیل و توسل به یاد رزمندگان اسلام بیافتند.

نشر شاهد

بخشایش عباسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

62/9/8

«انَّ اللَّهَ اشْتَرَی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ قَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِیلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَی بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا[1] بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بَایَعْتُمْ بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» (سوره توبه آیه 111)

به‌نام خداوند بخشاینده مهربان

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را بکشند یا خود کشته شوند این وعدهٔ قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده است و از خدا باوفاتر به عهد کیست؟ ای اهل ایمان شما به خود در این معامله (خریداری بهشت ابد به جان و مال) بشارت دهید که این معامله با خدا به حقیقت سعادت و پیروزی بزرگی است.»

خدایا روزیمان کن توفیق اطاعت و دوری از گناه و صدق در نیت را و شناختن آنچه احترامش است و گرامیمان بهتر است و استقامت و استوار کن ما را به راستگویی و حکمت و پر کن دل‌های ما را به علم و معرفت و پاک و پاکیزه کن دل‌های ما را از حرام و شبهه و بازدار دست‌های ما را از ستم کردن و ببند گوش‌های ما را از شنیدن لغو و غیبت و بر دانشمندان و علمای ما تفضّل فرما. به پارسایی و خیرخواهی بر دانش‌آموزان به کوشش و شوق. خدایا بر پیکارکنندگان به یاری و پیروزی و بر اسیران به رهایی یافتن و آسودگی و بر زمامداران به عدالت رفتار کردن و بر ملت به انصاف و حسن سلوک.

از پدر گرامی می‌خواهم که اگر از بندهٔ حقیر کار ناشایستی مشاهده کرده بنده را حلال کند. پدر جان از جهت اینکه نتوانستم برایتان خدمت شایسته‌ای بکنم. بنده را ببخش اما متأسف نباشید چون فرزندت را در راه خدا دادی و با خدا معامله کردی و چه معامله بهتر

1- در اصل وصیت «فاستبشرو».

از این (معامله با خدا) است؟

مادر گرامی و شیرین‌تر از جانم در سوگم ناراحت نباش چون فرزندت را در راه خدا دادی و این جسم امانت است و باید امانت را به صاحب اصلی برگردانید. مادر جان شیرت را به بنده حلال کن. از برادرم حسین تقاضا می‌کنم که به گفته‌های پدرم گوش فرا دهد و در مورد درسش کوشا باشد.

از امت حزب‌الله و همیشه در صحنه عاجزانه تقاضا می‌کنم که پشتیبان ولایت‌فقیه باشند و از پروردگار احدیت درخواست کنند تا به حضرت ولی‌عصر(عج) اجازه ظهور عنایت عطا بفرماید و به امام خمینی عمر طولانی عطا بفرماید تقاضای دیگرم از امت حزب‌الله این است که به نمازهای جمعه فوق‌العاده اهمیت قائل شوند و به منظور هرچه باشکوه‌تر شدن نمازهای جمعه در نمازهای جمعه و جماعات فعالانه شرکت کنند و در دعاهای کمیل و توسل به یاد رزمندگان اسلام بیافتند.

از برادران هنرجو و استادان عزیز عاجزانه می‌خواهم که اگر از بنده کارهای ناشایستی سرزده باشد به بزرگیشان این ابد ذلیل را ببخشند.

بار الهی در رهت هر کس بمیرد زنده است زندگی بی عشق تو ننگ است نی زنده است

حاضرم در ره تو از تن جدا گردد سرم من بمیرم باک نیست اما بماند رهبرم

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

1362/9/8

بخشایش عباسی

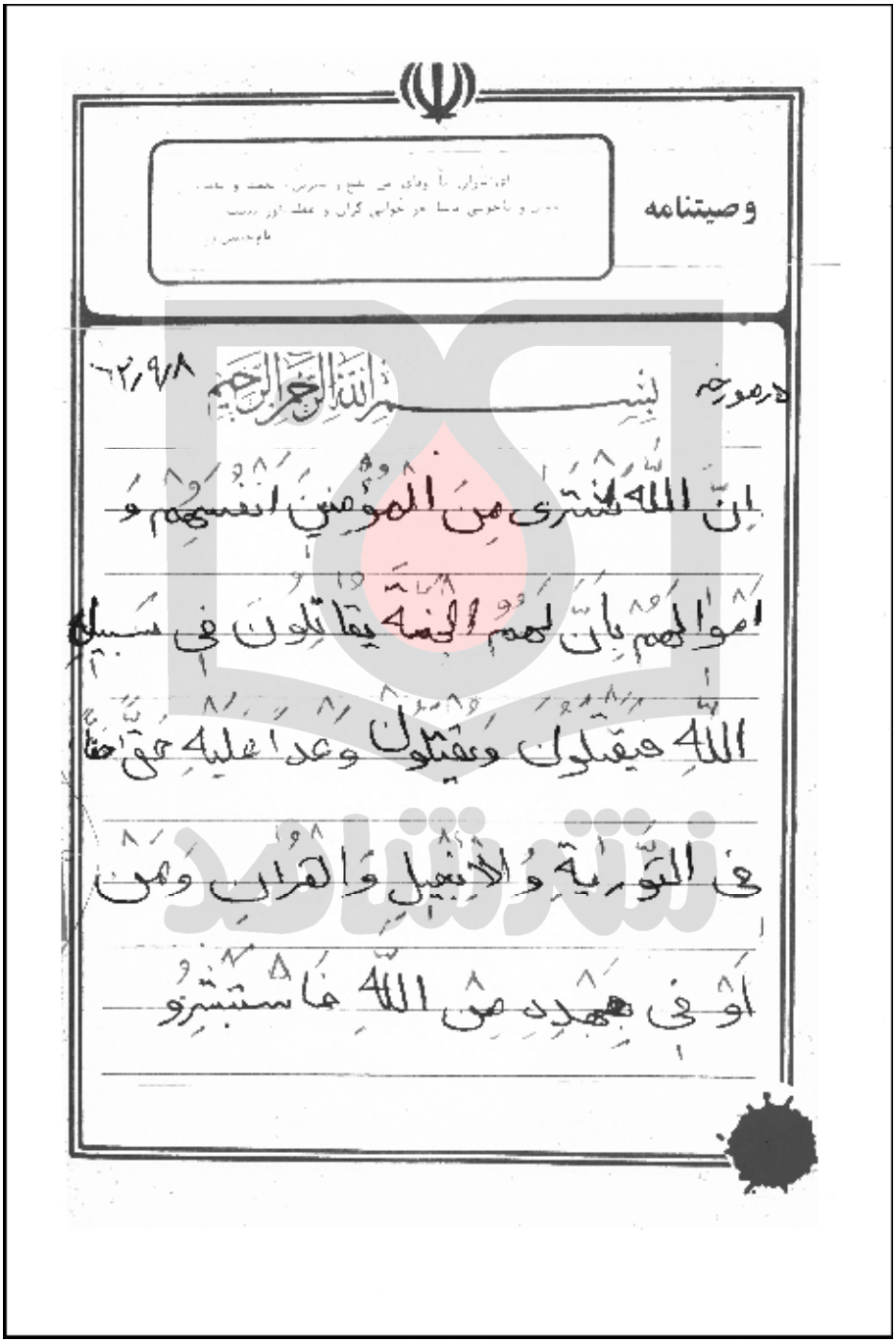

وصیتنامه

به نام خدا ۶۲/۹/۸

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ
أَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا
فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ
أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا

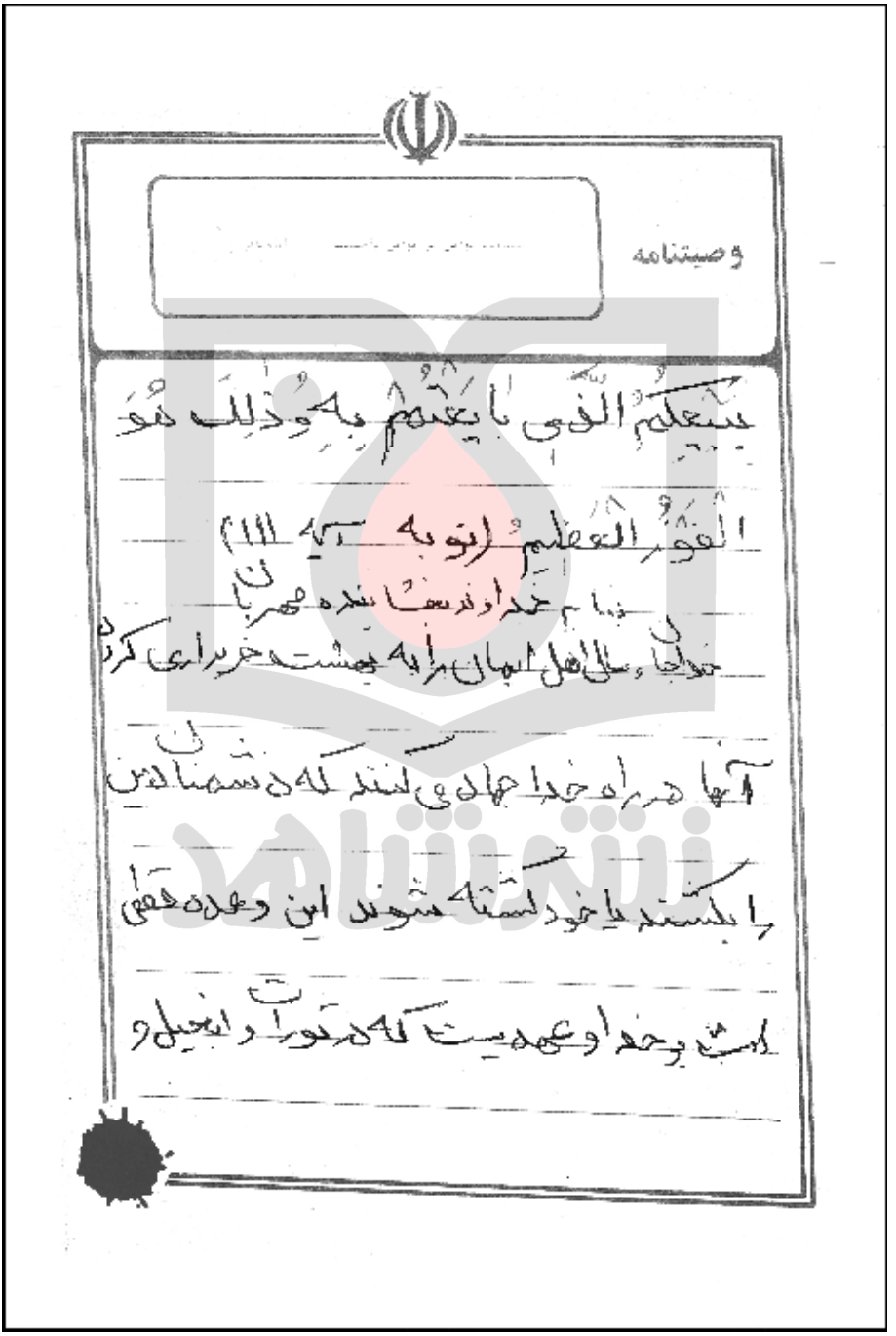

وصیتنامه

بسم الله الذی لا یعتصم به و ذلک هو

الفوز العظیم (توبه آیه ۱۱۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان

خدایا، علی اهل ایمان را به بهشت خریداری کرده

آنها در راه خدا جهاد می کنند که دشمنان دین

را بکشند یا خود کشته شوند این وعده قطعی

است بر خدا و عهدیست که در تورات و انجیل و

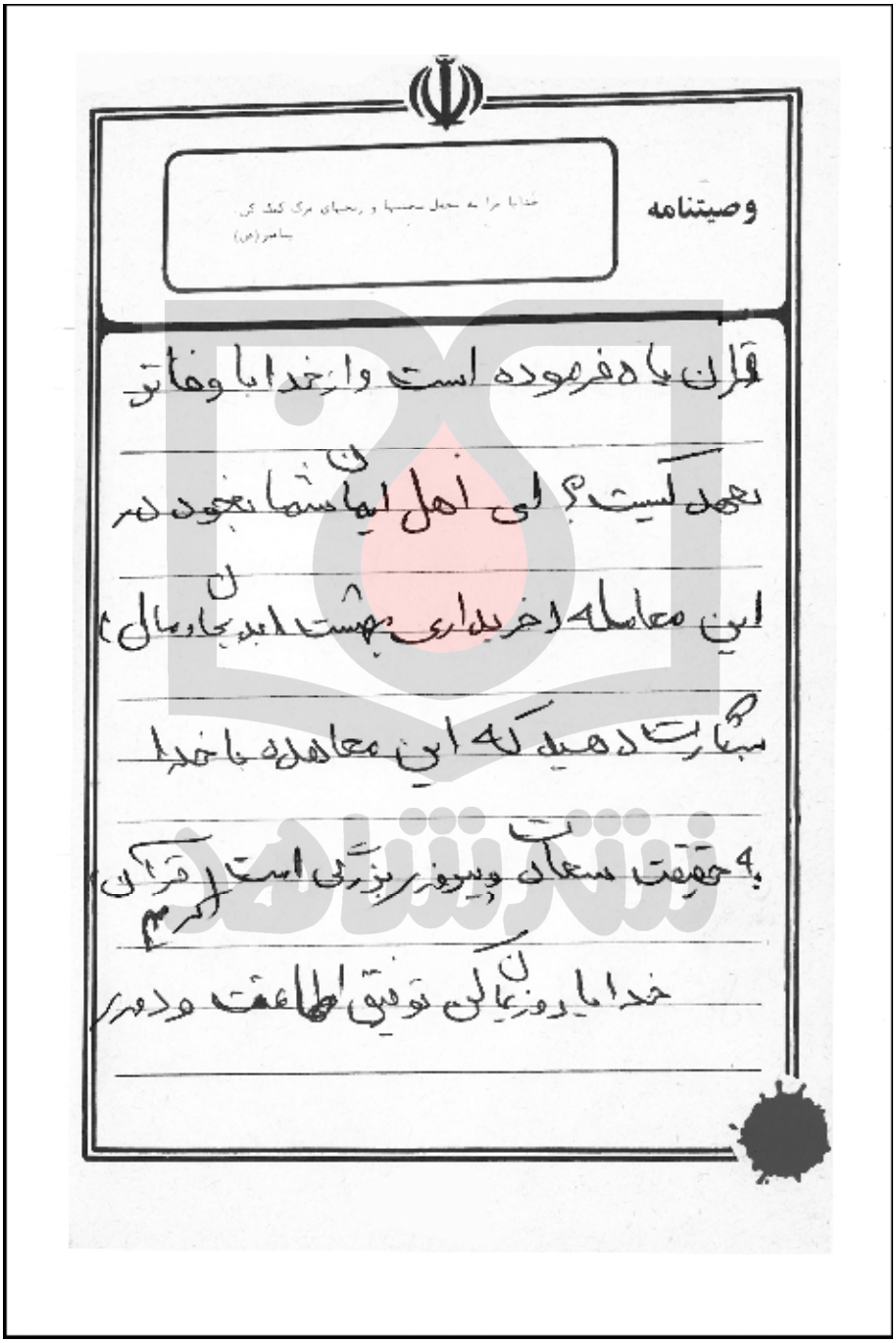

وصیتنامه

خدایا مرا به سجل سجینها و رحمتهای مرگ کشد کی
سامرا(ره)

قرآن یاد فرموده است وا خدایا وفاتر
بعهد کیست؟ ای اهل ایمان شما بخود در
این معامله اخریداری بهشت ابد بجا و مال
بشارت دهید که این معاهده با خدا
و حقیقت سعادت و پیروزی بزرگی است قرآن کریم
خدایا روزی ما توفیق اطاعت و در

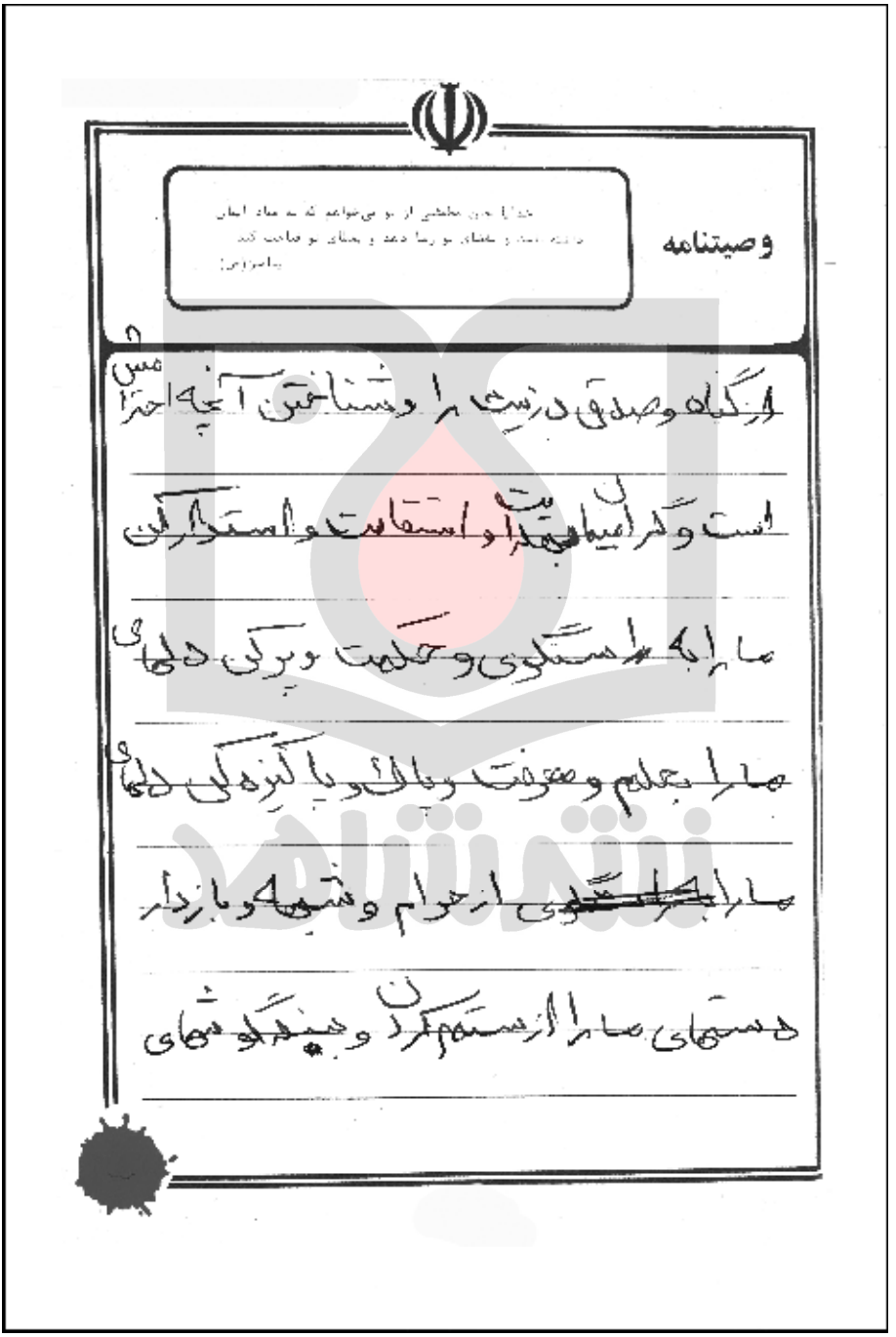

وصیتنامه

خدایا چون بخشش از تو می‌خواهم که به عباد احسان
و به بنده بخشش و عطای تو را دهد و بخشای تو عبادت کند
(امام رض)

از گناه و صدق در نیت را و شناختن آنچه احترا
است و گرامیداشت او استقامت و استوار کن
ما را به راستگوی و حکمت و پرکن دلهای
ما را علم و معرفت و پاک و پاکیزه کن دلهای
ما را به راستگوی از حرام و شبهه و بازدار
دستهای ما را از ستم کردن و بیهوده گوشهای

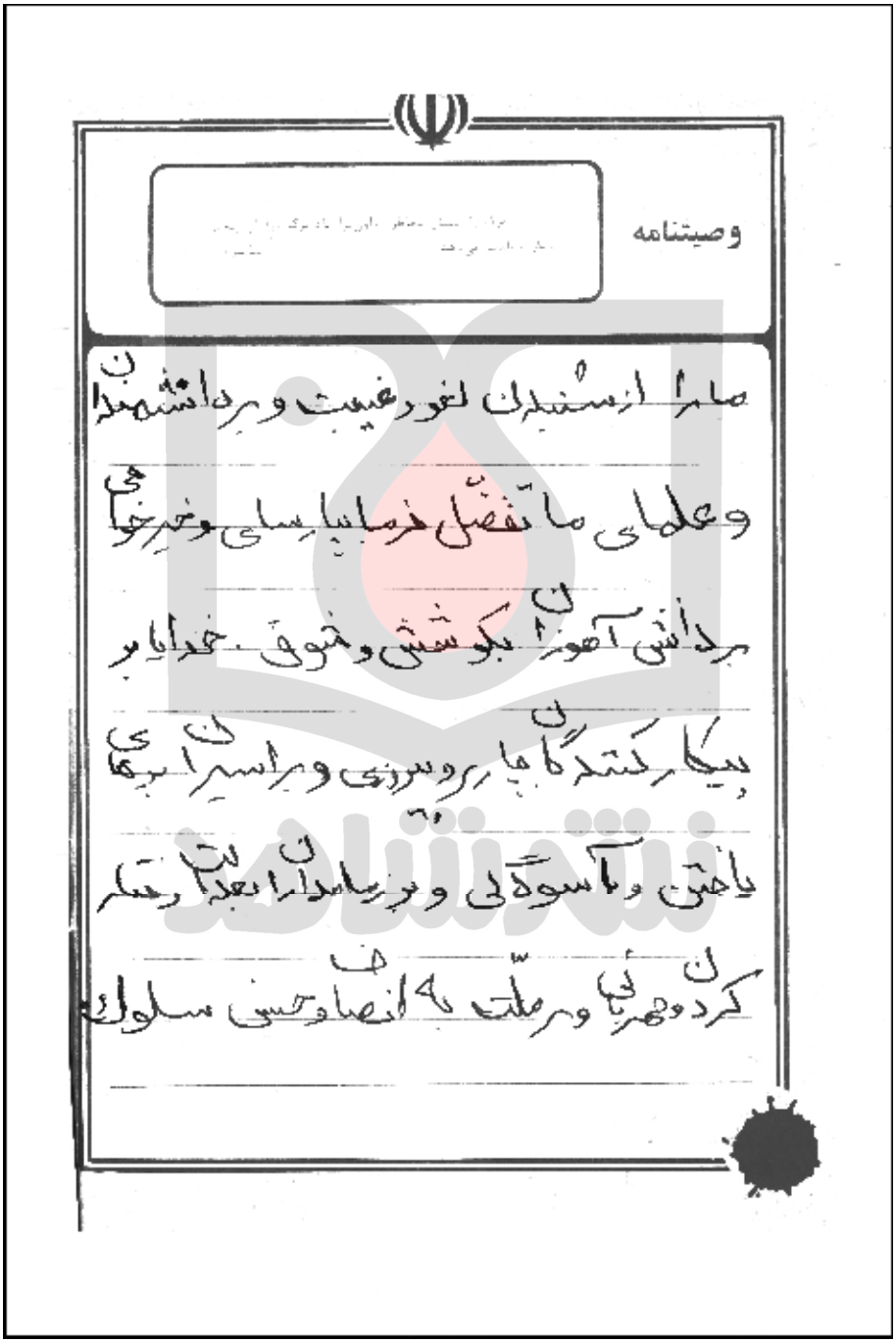

وصیتنامه

ما را از سنگینی غرور غیبت و برداشت شهدا
و علمای ما تفضل فرما با سلی و غرخوا
برداشتن آهوزا بکوشش و خروش خدایا بر
پیکار کنندگان با روسری و براسیرا بهای
یاختن و آسوده لی و برپا ماندا بعد از
کرد و هر با و ملت به انصاف حسن سلوک

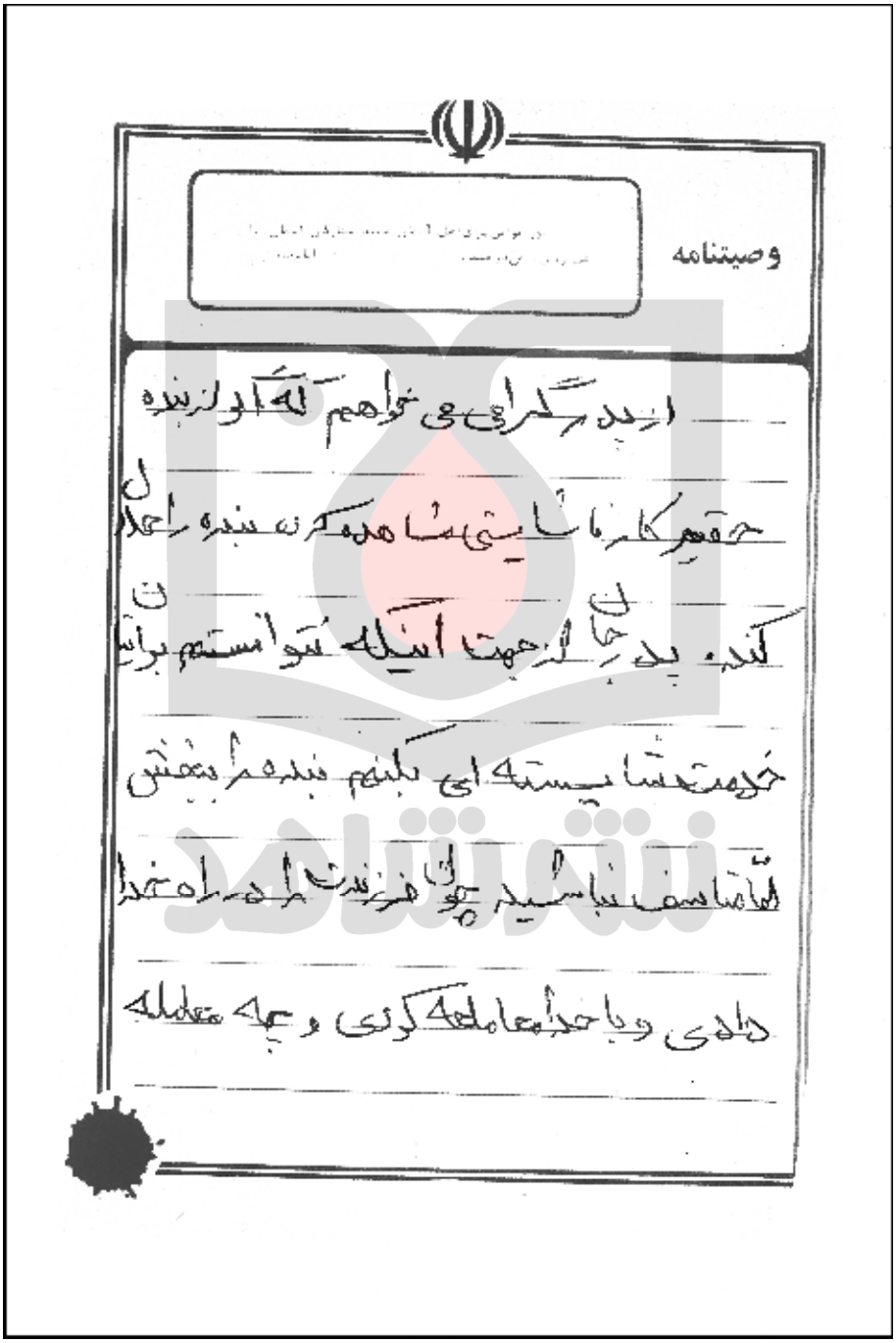

وصیتنامه

از پدر گرامی می خواهم که اگر زنده
حقیر کار ما را شایسته ندیده راحل
کند. بدر حال از جهت اینکه نتوانستم برای
خدمت شایسته ای بکنم ببخشم
امیدوارم که فرزند راه خدا
باشید و با همه معامله کنی و چه معامله

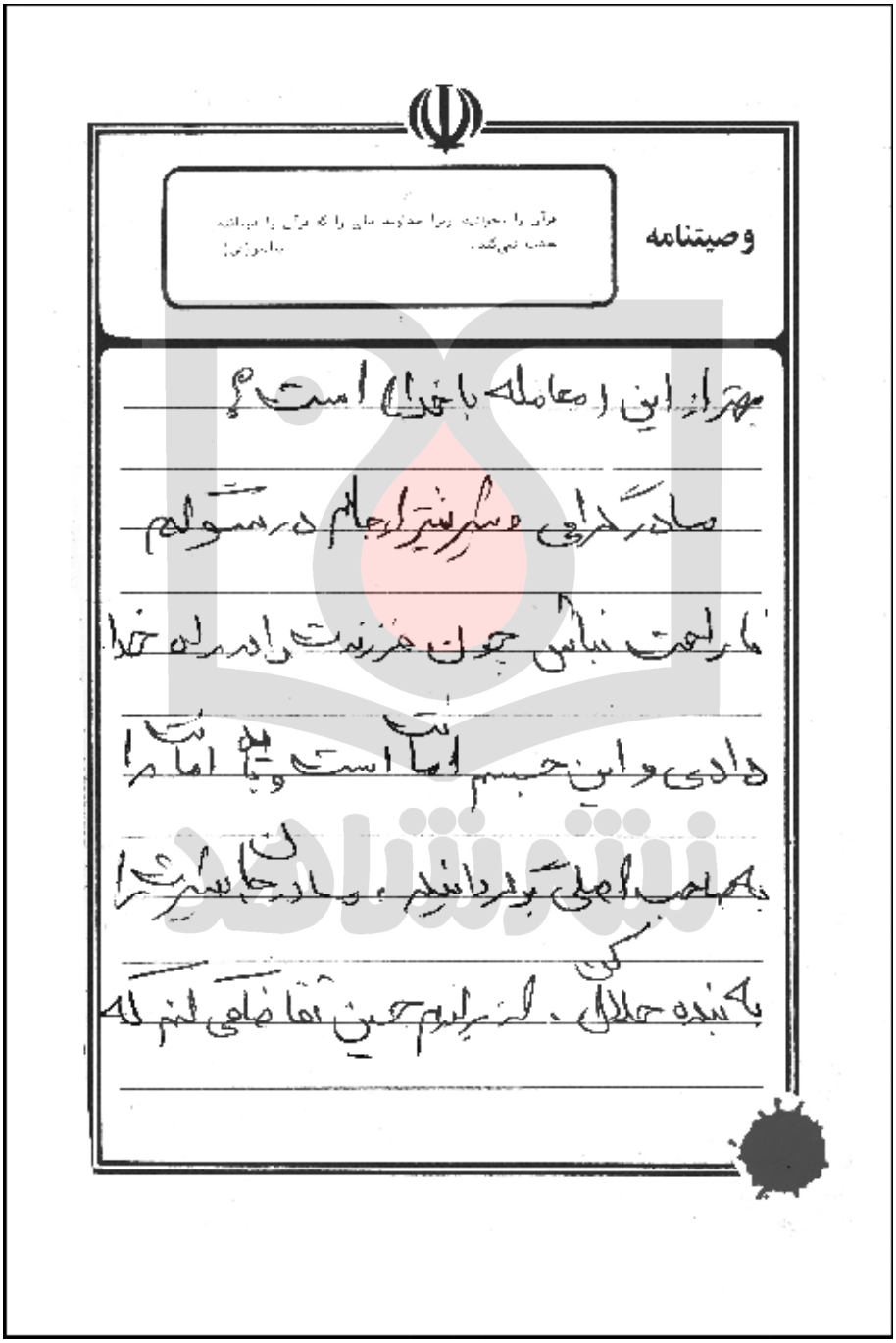

وصیتنامه

قرآن را بخوانید زیرا شفاعت‌کننده‌ای را که قرآن را می‌خواند
محترم می‌شمرد. (پیامبر اکرم)

مهراز این معامله با خدا است؟

مادر گرامی سرنوشت را جام در سوگم

نباش چون مرزنت را در راه خدا

دادی و این جسم امانت است و به امانت

به صاحب اصلی برگرداندم. و مادر جاسیرت را

بنده حلال. که در این حین تقاضایی نداشته

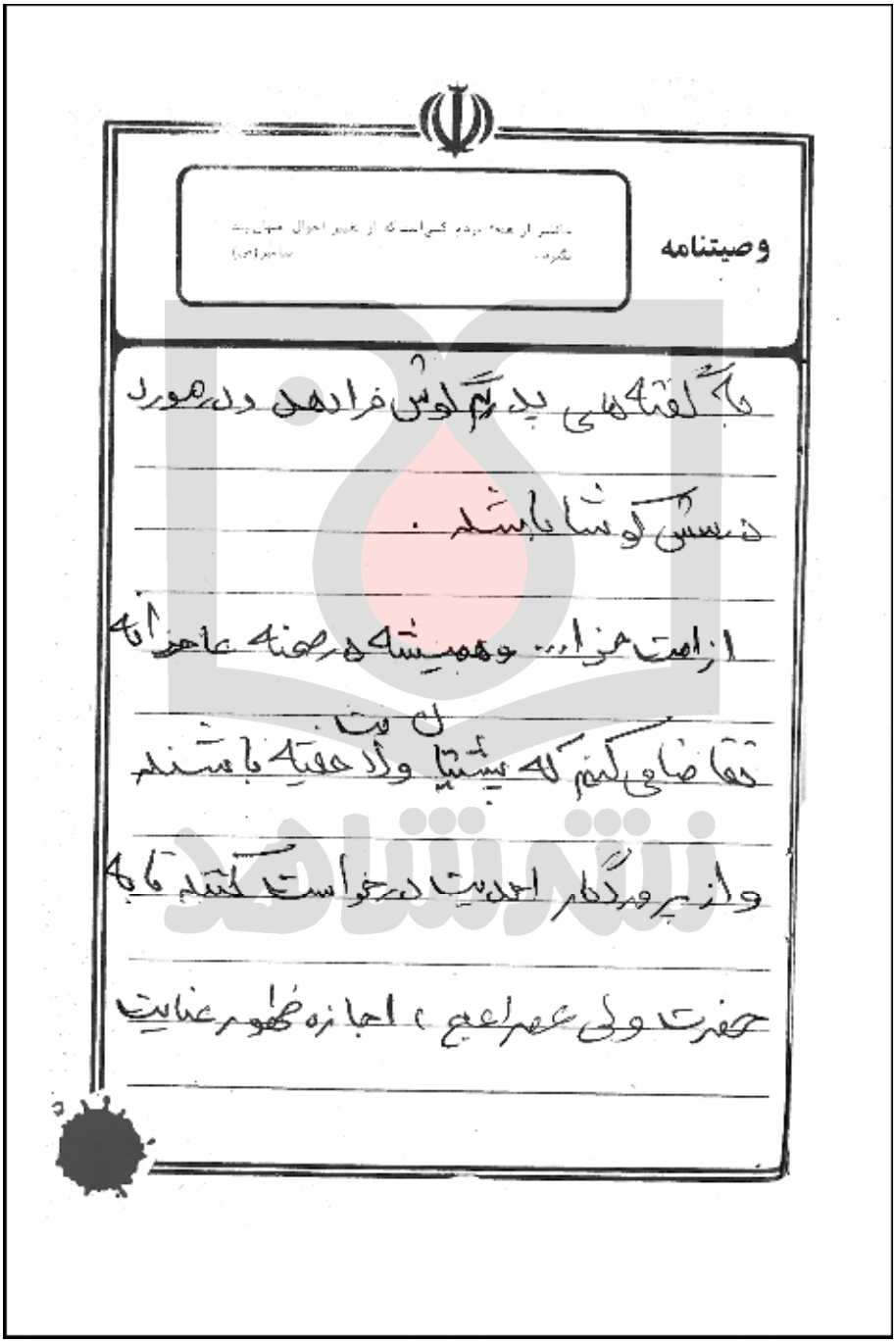

وصیتنامه

که گفته‌ها بد بگوش فرادهد در مورد
دسس کوشا باشد .
از امت عزاد... وهمیشه در صحنه حاضر باشد
تقاضا می‌کنم که بیشتر ولادختیه باشند
واز پروردگار احدیت درخواست کنند که
حضرت ولی عصر عج ، اجازه ظهور عنایت

احوالات روحی خودم (۱)

* آیا نمازها را اول وقت و حتی‌الامکان به جماعت می‌خوانم

بقیه از صفحه ۱۱۷

خدا فرمایم و به امام خمینی عمر طولانی خدا

بفرمایم تقاضای دیگرم از امت حزب این است

که به نمازهای جمعه فوق العاده اهمیت کامل بدهند

و شرکت

و به منظور هرچه باشکوه‌تر نمازهای جمعه

۱ ــ لازم به توضیح است که این قسمت از آن جهت تهیه شده است که شما بعدها بتوانید با مراجعه به دفترچه خاطرات خود حالات عرفانی و روحیات معنوی را که در جبهه داشته‌اید بیاد آورید.

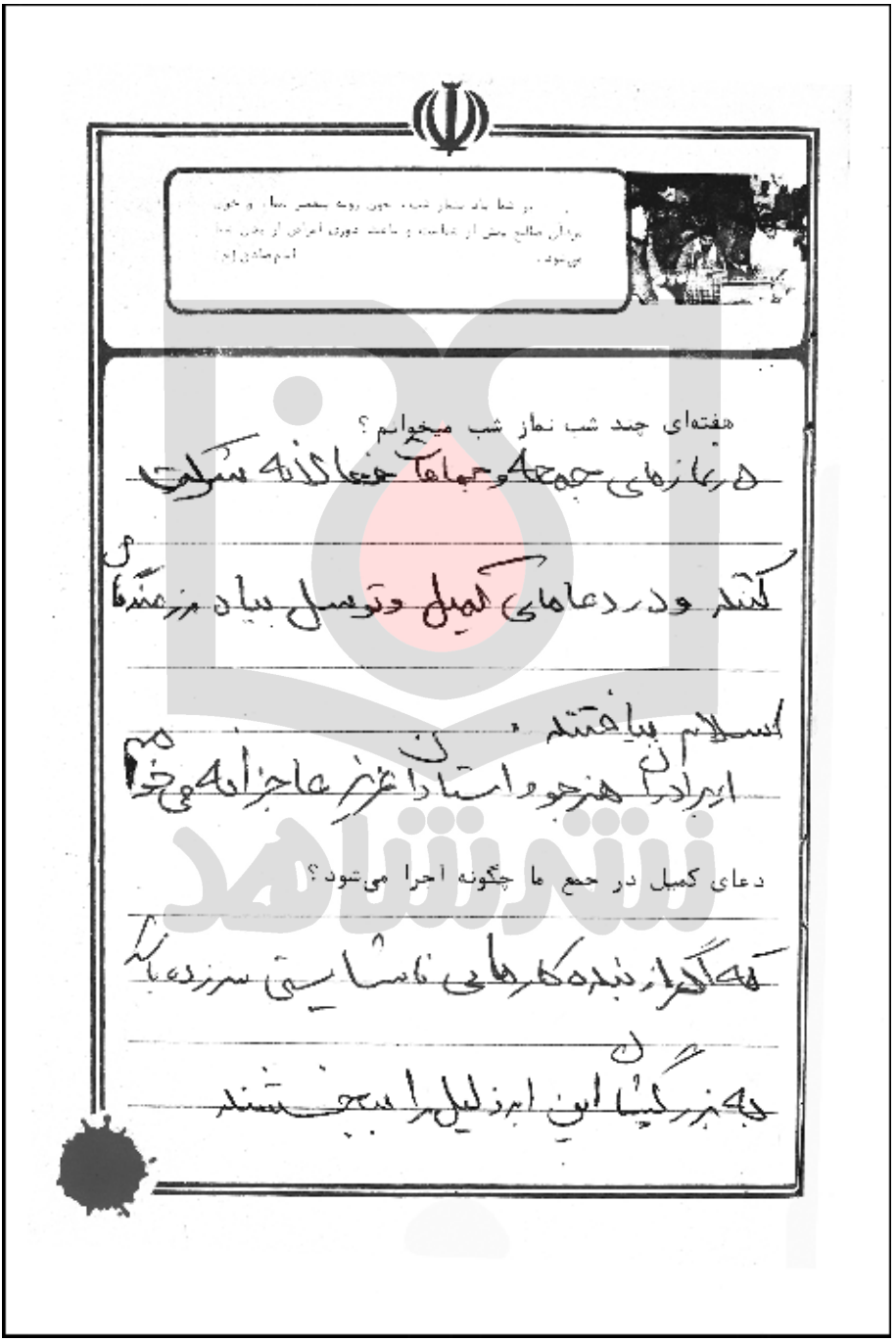

هفته‌ای چند شب نماز شب میخوانم؟

در نمازهای جمعه و جماعت و دعا کردن شرکت

کنم و در دعاهای کمیل و توسل به امام زمانمان

اسلام بیاموزیم.

ایران هم جوان استادان عزیز عاجزانه به خدا

دعای کمیل در جمع ما چگونه اجرا می‌شود؟

که گاهی بنده کارهای ناشایستی سرزده باشد

به بزرگی این ذلیل را ببخشند

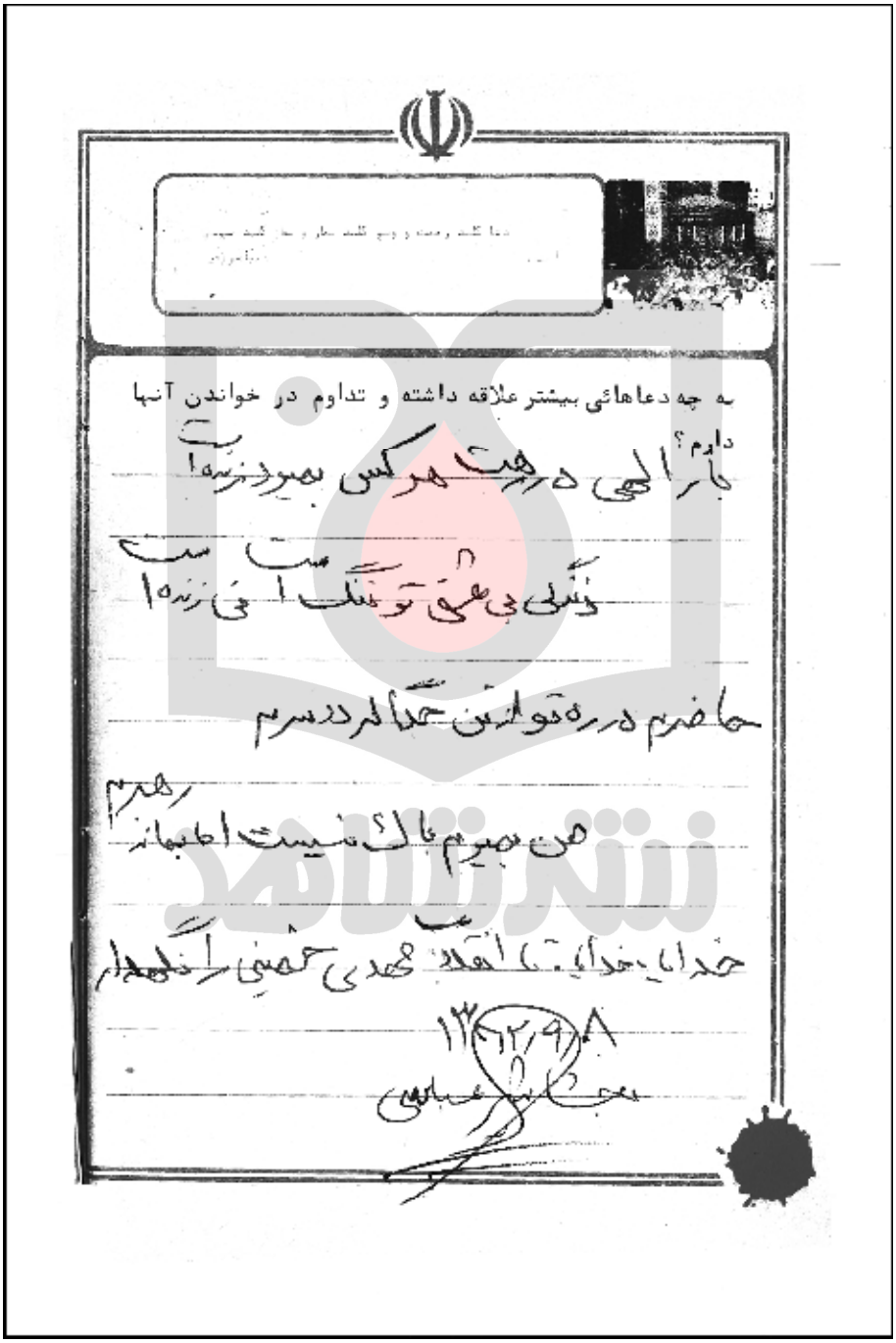

به چه دعاهائی بیشتر علاقه داشته و تداوم در خواندن آنها

دارم؟

بار الها در وقت مرگ بمیرانم

ننگی بی طرفی تو ننگ ابی زنده ا

حاضرم در راه تو این جان را بدهم

من میرم باک نیست اطمینان

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۱۳۶۲/۹/۸

سید کاظم عباسی

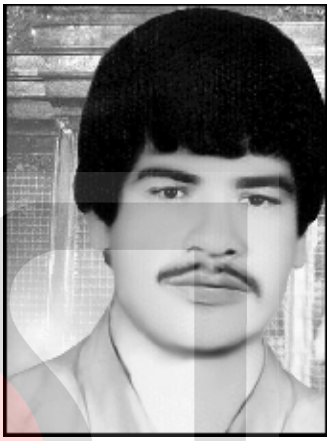

نام: **ناصر**
نام خانوادگی: **عباسی**
نام پدر: **یدالله**
نام مادر: **حورزاد**
تاریخ تولد: **سی‌ام آذر** 1346
محل تولد: **شهرستان اهر**
تحصیلات: **خواندن و نوشتن نمی‌دانست**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سی‌ویکم تیر** 1367
محل شهادت: **سکانیان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای وادی رحمت شهرستان پارس‌آباد**

عبارت‌های کلیدی

- می‌خواهم که بعد از شهادت بنده هیچ‌گونه ناراحت من نشوند. چون ما یک امانتی بودیم در پیش آنان.
- حال که رو به‌سوی جهان آخرت [می‌روم] بالاخره مرا به بزرگی خویش ببخشند.

نشر شاهد

ناصر عباسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

وصیت بنده این است که به پدرم سلام می‌رسانم و می‌خواهم که بعد از شهادت بنده هیچ‌گونه ناراحت من نشوند. چون ما یک امانتی بودیم در پیش آنان حال که رو به‌سوی جهان آخرت [می‌روم][1] بالاخره[2] مرا به بزرگی خویش ببخشند[3] و ضمناً ناصر جان به برادر چه حرفی دارید: وصیت بنده به برادرم این است که چون بنده مادر ندارم که خانواده‌ام رسیدگی کند لذا پس خواهشمند هستم که به برادرزاده‌اش یعنی [...][4] هم نظری کند. او را هم به یاری مادرش بزرگ کند و خواهرانت چه حرف[5] دارید حرفی بنده به خواهرانم این است که بنده از روی لطف و مرحمت شاید آنان در مورد اذیت خویش قرار داده باشم[6] وی بنده آنان با بزرگی خویش ببخشند: آخرین حرف من این است وصیت بنده به همسر این است که بچه‌ها را خودش در زیر نظرش بزرگ کند و به هیچ کس دیگر هم مربوط نیست و امیدوار هستم که برای آنان هم مادر و پدر باشد اگر وصیت بنده را قبول کند امیدوار هستم که مورد قبول هم باشد.

ناصر عباسی

67/4/30

وصیت شهید قبل از شهادتش مورد تأیید این یگان می‌باشد.
فرماندهٔ گروهان،ستوان یکم [...][7]

1- در اصل وصیت واژه «می‌روم» از قلم افتاده است.
2- در اصل وصیت «بلاخره».
3- در اصل وصیت «ببخشنید».
4- خوانا نیست. اسم فرزند شهید است.
5- در اصل وصیت «حرفی».
6- در اصل وصیت «قرار دهم».
7- خوانا نیست.

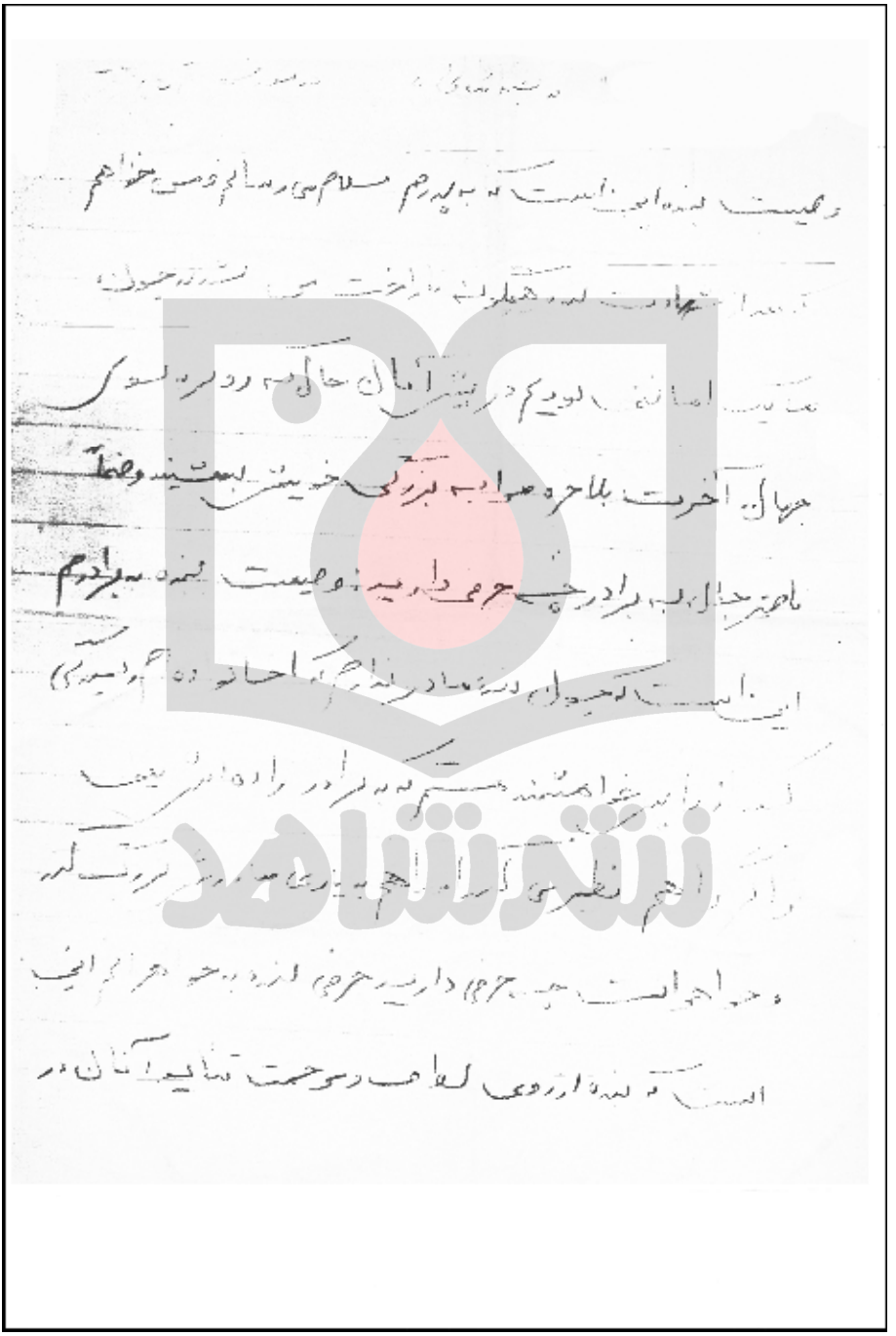

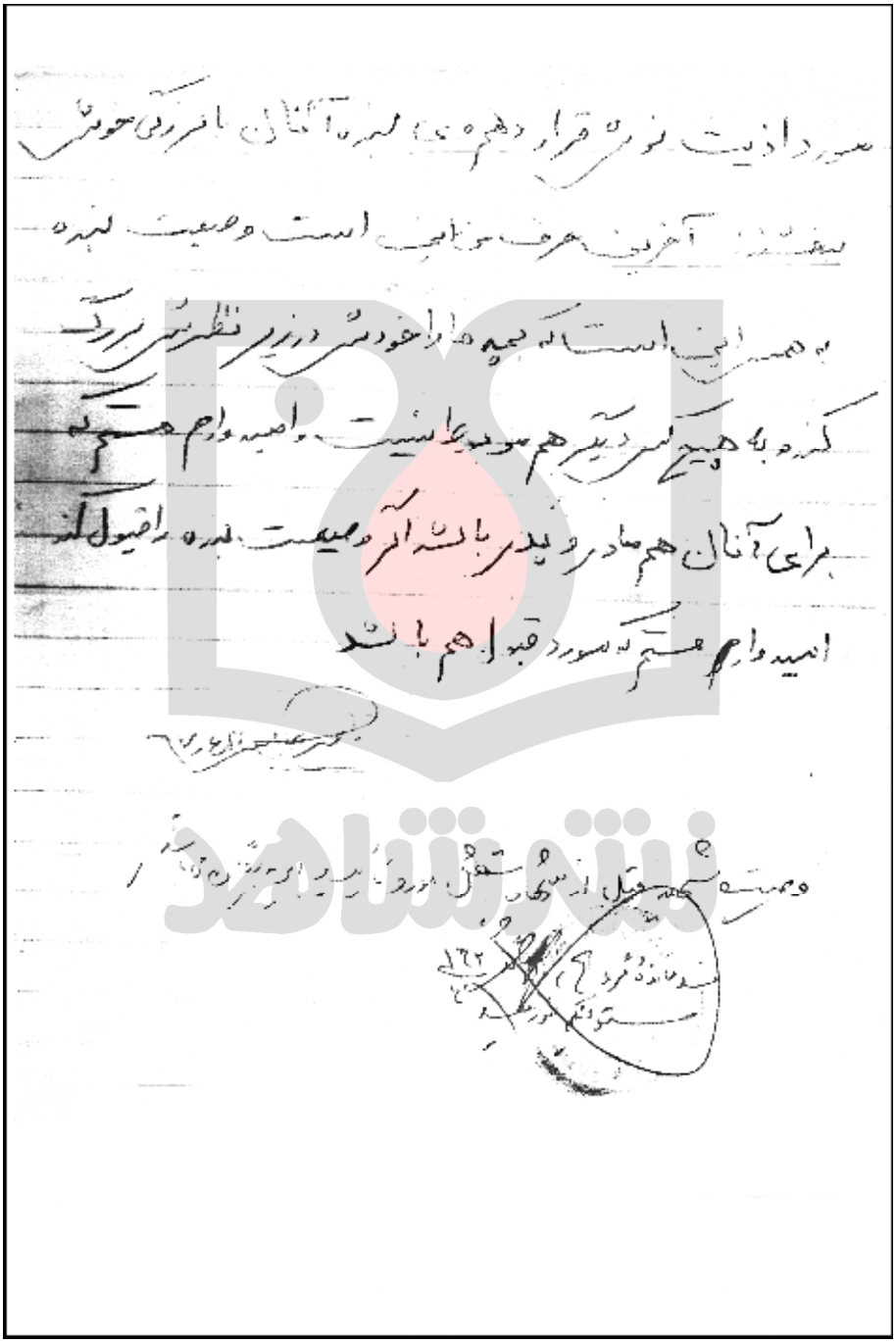

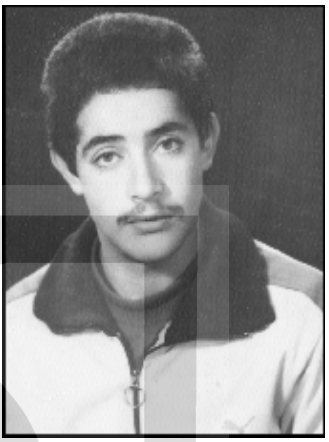

نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **عباسی گیلانده**
نام پدر: **یدالله**
نام مادر: **اینجی**
تاریخ تولد: **سوم تیر** 1343
محل تولد: **روستای تازه‌کند رضا آباد از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهفتم اردیبهشت** 1365
محل شهادت: **دشت ذهاب (تپه سنگی)**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- حیات ابدی و قبای سرمدی منحصر به ذات اقدس باریتعالی می‌باشد.
- هر شخص عاقل و با ایمانی که این جهان را گذرگاهی به‌سوی جاویدان می‌داند.
- می‌خواهم به آرزوی خود که عاشق راه حسین(**7**) هستم برسم.
- سفارش من به ملت شهیدپرور و خانوادهٔ عزیز خود این است که حافظ انقلاب جمهوری اسلامی و خاک مقدس وطن و پیر جماران باشند.
- جنگ جنگ تا پیروزی همچنان که امام حسین(**7**) فرمودند که خون بر شمشیر پیروز است.

غلامرضا عباسی گیلانده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

حیات ابدی و قبای سرمدی منحصر به ذات اقدس باریتعالی می‌باشد. هر شخص عاقل و با ایمانی که این جهان را گذرگاهی به‌سوی جاویدان می‌داند. لازم است که به فکر مرگ باشد و چه بهتر که در راه خدا شربت شهادت بنوشد و حسین‌وار به شهادت برسد و به حسین زمان پیر جماران[1] امام خمینی لبیک بگوید مثل قاسم[2](7) و حبیب‌ابن‌مظاهر[3](7) جهاد کند و به شهادت پر افتخار نایل آید در حالی‌که وصیت خود را می‌نویسم هر کلمه که بر روی صفحهٔ کاغذ می‌آید به اندازهٔ یک کوه بزرگ از سنگینی دوشم سبک می‌شود و می‌خواهم به آرزوی خود که عاشق راه حسین(7) هستم برسم. سفارش من به ملت شهیدپرور و خانوادهٔ عزیز خود این است که حافظ انقلاب جمهوری اسلامی و خاک مقدس وطن و پیر جماران باشند چه بسا که من همراه با همرزمان خود خاک کشور خود را وجب به وجب و قدم به قدم با خون خودمان رنگین کرده پیش خواهیم رفت و جواب دندان‌شکن به دشمنان خود خواهیم داد. جنگ جنگ تا پیروزی همچنان که امام حسین(7) فرمودند که خون بر شمشیر پیروز است.

و چند کلمهٔ سفارش به خانواده خود که مادر شما مثل زینب(3) و پدر شما مثل امام حسین(7) هستید که پسرتان به درجهٔ رفیع شهادت رسید. مادر، پدر و خواهران و برادرانم هر وقت که بر سر خاک من آمدی با یک گل روحم را شاد کن. مادر عزیز نباید گریه کنی، خودت به پدرم تسلی بدهید و در ضمن خواهرم و برادرم من از یک شما می خواهم که بعد از من مواظب پدرم و مادرم باشید چون اگر آنها ناراحت باشند من ناراحت خواهم شد.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

و چند کلمه‌ای هم با اهالی محل و دوستان خود و با همشهری‌های خود دارم که امیدوارم در کارهای خود موفق بوده باشید و در مدتی که گذشت و خطاهایی که از من سر زده ببخشید و حلالم کنید خداوند از شما راضی باشد.

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»[1]

خداحافظ: غلامرضا عباسی

نشر شاهد

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

بسم الله الرحمن الرحیم

حیات ابدی و بقای سرمدی مخصوص ذات اقدس باریتعالی می باشد هر شخص عاقل و با ایمانی که این جهان را گذرگاهی بیش نمی داند لازم است که آخر مرگ باشد و چه بهتر که در راه خدا و در راه شهادت باشد و حسین وار به شهادت برسد و به حسین زمان پیر جهان امام خمینی لبیک بگوید مثل قاسم و حبیب ابن مظاهر جهاد کند و به شهادت پر افتخار نایل آید و حال که وصیت خود را می نویسم هنوز لحظه ای نگذشته که از آن به اندازه یک کوه سنگ از سنگینی دوشم سبک می شود و می خواهم به آرزوی خود که عاشق راه حسین هستم برسم مبارزش من به ملت شهید پرور و خانواده عزیز خود این است که فدا ارتقاء جمهوری اسلامی و خاک مقدس وطن و پیر جهاد باشد چه بسا که من همراه با همرزمان خود خاک کشور خود را وجب به وجب و قدم به قدم با خون خودمان رنگین کرده پیش خواهیم رفت و جواب دندان شکن به دشمنان خود خواهیم داد جنگ جنگ تا پیروزی همچنان که امام حسین (ع) فرمود که خون بر شمشیر پیروز است.

و چند کلمه ای مطالبش به خانواده خود که مادر شما مثل زینب و پدر شما مثل امام حسین هستند که تبریان به درجه رفیع شهادت رسید مادر پدر خواهران و برادرانم هر وقت که بر سر خاک من آمدی با یک گل روهم را شاد کن مادر عزیز نباید گریه کنی خودت به پدرم تسلی بدهید و در صف خواهم داد برادرم من از کنار یک شهید خواهم گذشت برادرم مواظب پدرم و مادرم باشید چون آنها ناراحت نشوند من ناراحت خواهم شد

و چند کلمه ای هم با اهالی محل و دوستان خود دارم همشهریهای خود دارم که امیدوارم در کارهای خود موفق بوده باشید و در مدتی که نیست خطاهائی که از من سرزده ببخشید و حلالم کنید خداوند از شما راضی باشد

انا لله و انا الیه راجعون

خدا حافظ: غلامرضا عباسی

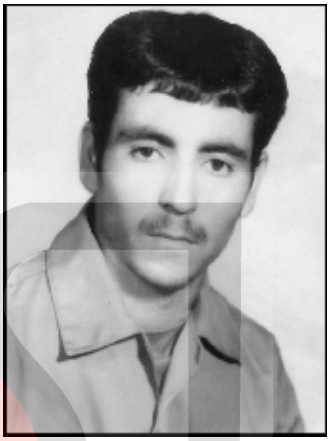

نام: **میرسلیمان**
نام خانوادگی: **عباسی**
نام پدر: **میرفتاح**
نام مادر: **قیزبس**
تاریخ تولد: **دهم تیر** 1344
محل تولد: **روستای لاچین دره‌سی از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **موج انفجار**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید.
- استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست.
- همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید.
- در امام دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را دریابید.
- سلام مرا به رهبر عزیز برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد.
- با خداوند پیمان می‌بندم که در تمام عاشوراها و در تمام کربلاها با حسین(**7**) همراه باشم.
- ما مرد جنگیم و از جنگ نمی‌هراسیم.

میرسلیمان عباسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهداء والصدیقین

آنقدر به جبهه می‌روم و می‌جنگم تا شهید شوم.

وصیت‌نامه میرسلیمان عباسی

بار پروردگارا من بنده گناهکار تو هستم و می‌خواهم که قلم عفوت را به گناهان بنده بکشی و مرا از آتش دوزخ برهانی. ای پروردگار بخشاینده بار دیگر به درگاهت آمده‌ام که آنچه که تو فرموده‌ای لیاقت داشته باشم عمل نمایم. وصیت خود را به‌خاطر الله شروع می‌کنم.

ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(**7**) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی(**7**) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر[1] حسین(**7**) در راه حسین(**7**) و با هدف شهید شد.

ای مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب(**3**) را بدهید که تحمل 72 شهید را نمود، مثل خاندان وهب[2] جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را تحویل نگیرید. زیرا مادر وهب فرمود سری را که در راه خداوند داده‌ام پس نمی‌گیرم. برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیاندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست. حضورتان را در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه‌دارید، در امام دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را دریابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید.

اگر فیض شهادت نصیبم گشت آنانکه پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند و به ولایت او

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

اعتقاد ندارند بر من نگریند و به جنازه من حاضر نشوند اما باشد که در دما، شـهدا آنـان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند.

سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سـنگر اسـلام را تـرک نخواهم کرد و با خداوند پیمـان مـی‌بنـدم کـه در تمـام عاشـوراها و در تمـام کربلاهـا بـا حسین(**7**) همراه باشم و سنگر او را خالی نکنم تا هنگامی که همه احکام اسلام در زیـر پرچم اسلامی امام زمان(عج) به اجرا درآید.

ما مرد جنگیم[1] و از جنگ نمی‌هراسیم. اگر شهید شدم مـرا در روسـتای خودمـان دفـن کنید و برادران کوچکم می‌خواهم که اسلحه خونین مرا بردارند. و به راه بنده در راه اسـلام ادامه دهند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

1- تعبیر ما مرد جنگیم از سخنان حضرت امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 11، ص 38).

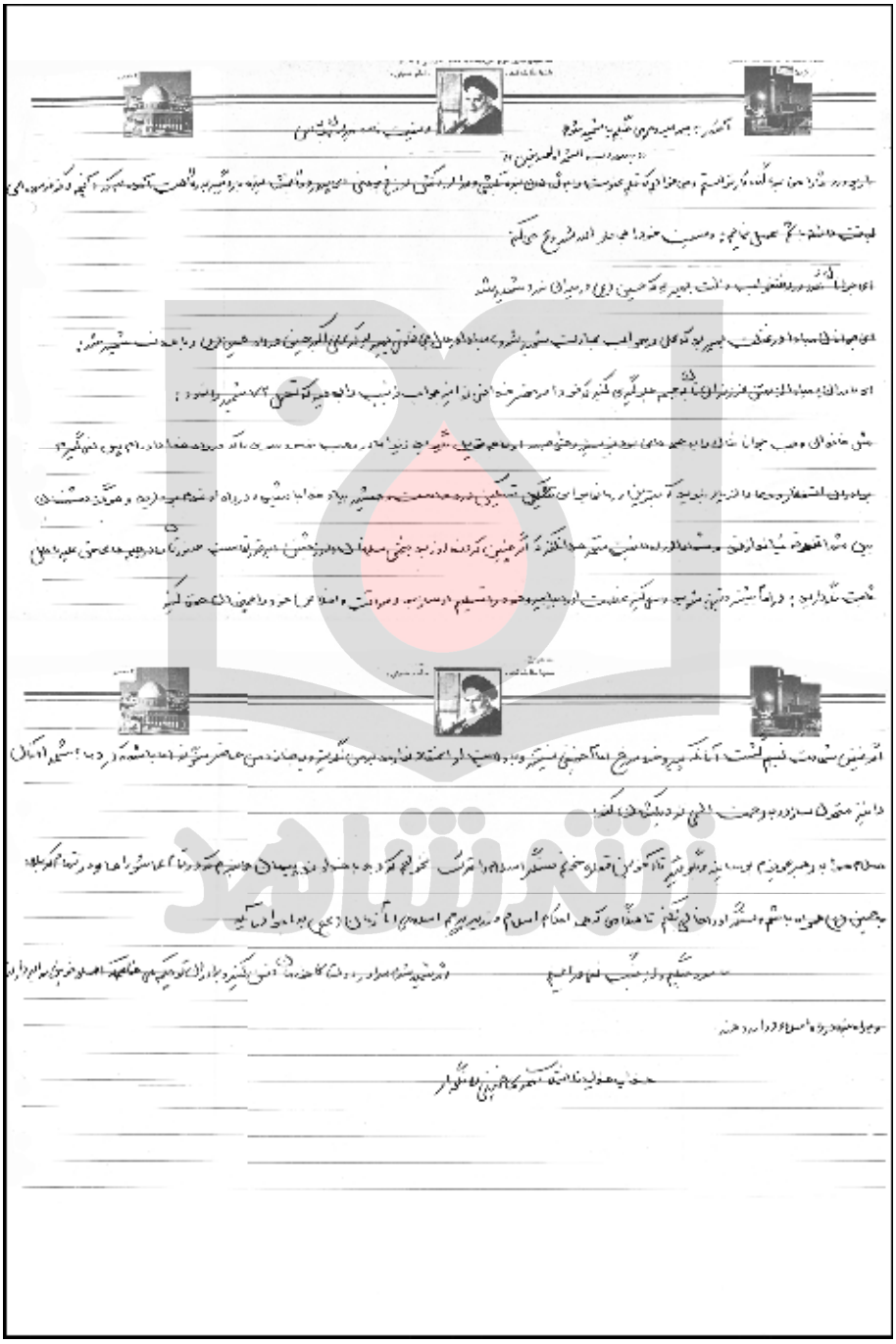

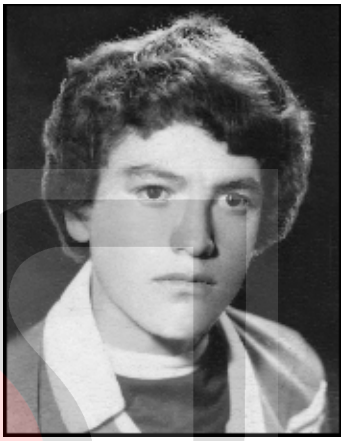

نام: **مقدس**
نام خانوادگی: **عبدالعظیمی‌شام‌اسبی**
نام پدر: **فیروز**
نام مادر: **رحیمه**
تاریخ تولد: **یکم‌اردیبهشت** 1345
محل تولد: **روستای شام‌اسبی از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اردیبهشت** 1365
محل شهادت: **حاج‌عمران عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادر مهربانم من اگر در این راه به درجه رفیع شهادت نایل گردم و خداوند متعال این مقام را به من عطا فرماید.
- هیچ‌گونه غم و اندوه به خود راه ندهید چون هیچ‌وقت خون شهید هدر نمی‌رود.
- خون شهید به زمین نمی‌ریزد بلکه هر قطره‌اش به صدها قطره بلکه به دریایی از خون تبدیل می‌شود و به پیکر اجتماع وارد می‌گردد.
- خواهر عزیزم مثل زینب کبری(**3**) صبر کن و ادامه‌دهنده راهم باش و مواظب حجاب اسلامی باش چون حجاب تو بیشتر از خون سرخ من دشمن را به زانو در می‌آورد.
- مبادا مثل اهل کوفه باشید و امام را در صحنه تنها گذارید.
- مساجد را پر کنید و مواظب این سنگر دشمن‌شکن باشید.

مقدس عبدالعظیمی‌شام‌اسبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

وصیت‌نامه شهید مقدس عبدالعظیمی

«مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِیلًا»[1].

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب امید مستضعفان جهان که با رهنمودهای پیامبر گونه خویش ملت شهیدپرور ایران را از ظلمات و تاریکی شب به روز روشن و از دریای پرتلاطم[2] به سوی سواحل نجات هدایت فرمودند و با درود و سلام بر شهیدان گلگون‌کفن اسلام از هابیل[3] گرفته تا کربلای[4] خونین ایران که با نثار خون سرخ خویش درخت برومند اسلام را آبیاری نموده و جان تازه‌ای به اسلام و قرآن به ارمغان آوردند و ضمن سلام به تمامی خانواده‌های شهداء که بنا به فرمایش امام «چشم و چراغ این ملت هستند»[5] و با سلام به رهروان طریقت حسینی که به ندای ملکوتی «هل من ناصر ینصرنی»[6] امام بزرگوارمان که از پشت بلندگوهای جماران[7] طنین می‌اندازد لبیک گفته و راهی جبهه‌های حق علیه باطل شدند.

1- احزاب/ 23. در اصل وصیت «...اعهدالله...ومنهم...قضا...». ترجمه «در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند، بعضی پیمان خود را به آخر بردند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندارند».

2- در اصل وصیت «تلاتم».

3- ر. ک. تعلیقات.

4- ر. ک. تعلیقات.

5- صحیفه امام، ج 14، ص 80.

6- ر. ک. تعلیقات.

7- ر. ک. تعلیقات.

پدر و مادر بزرگوارم این راهی که من انتخاب کرده‌ام راهی است که امام حسین(7) در روز عاشورا به خاطر احیای دین مبین اسلام 72 تن[1] از یاران باوفای خود را تقدیم نمود. این راهی است که امیدوارم به رهبری امام عزیز بتوانم در این راه مقدس که انتخاب کرده‌ام ثابت‌قدم بمانم و به جهاد مقدس خود ادامه داده و با سعی روز افزون زمینه را برای قیام نهایی و ظهور صاحب عصر آماده‌تر سازم و به مقام قرب الهی نایل گردم.

پدر و مادر مهربانم من اگر در این راه به درجه رفیع شهادت نایل گردم و خداوند متعال این مقام والا را به من عطا فرماید هیچ‌گونه غم و اندوه به خود راه ندهید چون هیچ‌وقت خون شهید هدر نمی‌رود و خون شهید به زمین نمی‌ریزد بلکه هر قطره‌اش به صدها قطره بلکه به دریایی از خون تبدیل می‌شود و به پیکر اجتماع وارد می‌گردد.

پدر عزیزم در این راه مقدس صبر و شکیبایی را پیشه خود کن و سعی کن چون کوه استوار در برابر منافقین[2] مقاوم باشی که خداوند صابران را دوست دارد و این یادت باشد که ما از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت «**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**»[3].

خواهر عزیزم مثل زینب کبری(3) صبر کن و ادامه‌دهنده راهم باش و مواظب حجاب اسلامی باش چون حجاب تو بیشتر از خون سرخ من دشمن را به زانو در می‌آورد.

دوستان من مبادا مثل اهل کوفه[4] باشید و امام را در صحنه تنها گذارید مساجد را پر کنید و مواظب این سنگر[5] دشمن‌شکن باشید در آخر شما را سفارش می‌کنم که امام را دعا کنید.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

سرباز شهید مقدس عبدالعظیمی

1- ر. ک. تعلیقات.

2- ر. ک. تعلیقات.

3- بقره/ 156. در اصل وصیت «... انّا اله...».

4- ر. ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت حرف «س» در واژه «سنگر» با دو دندانه نوشته شده است.

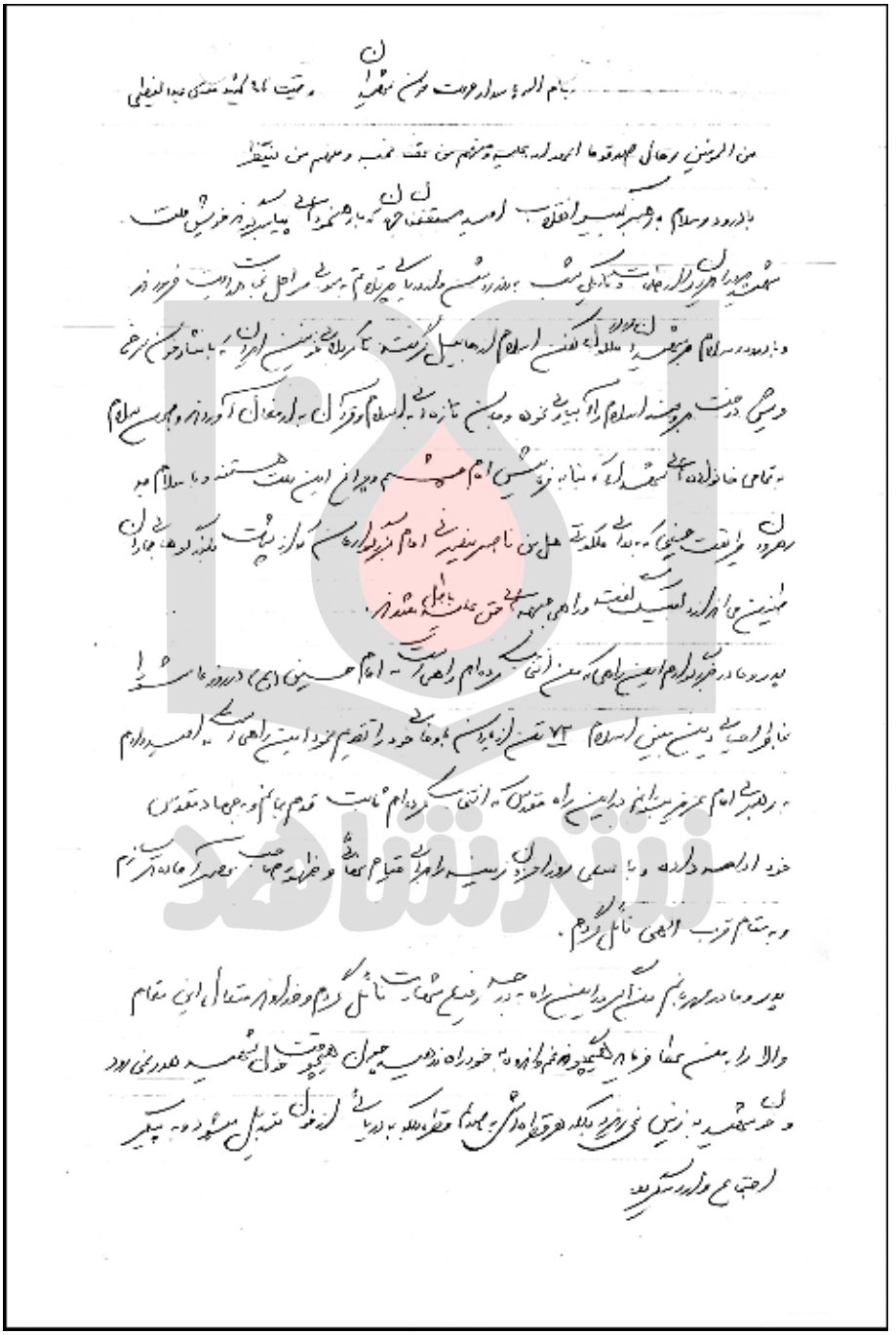

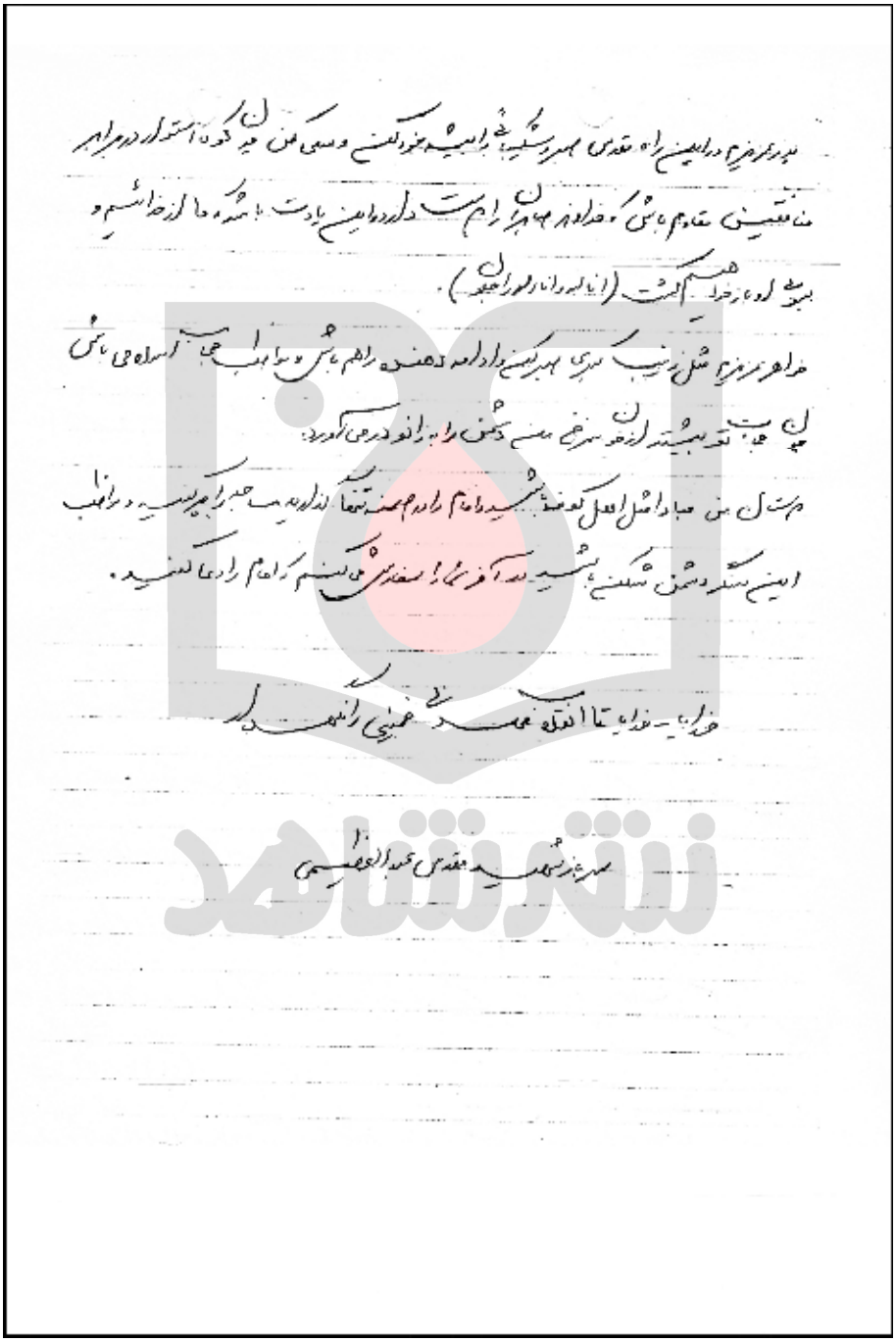

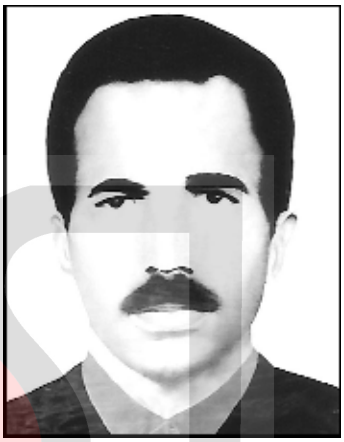

نام: **جعفرآقا**
نام خانوادگی: **عبدالله‌زاده**
نام پدر: **تیمور**
نام مادر: **ایلقمه**
تاریخ تولد: **یکم خرداد** 1314
محل تولد: **روستای سبلان‌کندی از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم دی** 1359
محل شهادت: **سوسنگرد**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و سوختگی**
مزار: **گلزار شهدای عاشورای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

نشر شاهد

جعفرآقا عبدالله‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه جعفر عبدالله‌زاده

«اشهد ان لا اله الّا الله و اشهد انَّ محمداً عبده رسوله و اشهد انَّ امیرالمؤمنین اولاد احد عشره اولاد حق»[1].

اینجانب جعفر عبدالله زاده ساکن قریه سبلان‌کندی وصیت و وصیی قیوم حاجی جلیل توحید را از داراییهای[2] منقول و غیر منقول به مبلغ (7000) هفت هزارتومان خرج و مابقی بین[3] وراث[4] تقسیم می‌شود زن با پسرانم برادر و ذی سهم هستند غیر از حق و مهریه خود و اموال حق و الصراط حق النار حق و [...][5].

مراتب فوق را [...][6]

امضاء جعفر عبدالله‌زاده

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «اشهداً اله الله و اشهد محمداً عبده ....الاد احد ...».

2- در اصل وصیت «دارایت».

3- در اصل وصیت «تعلوق به».

4- در اصل وصیت «وارث».

5- خوانا نیست.

6- خوانا نیست.

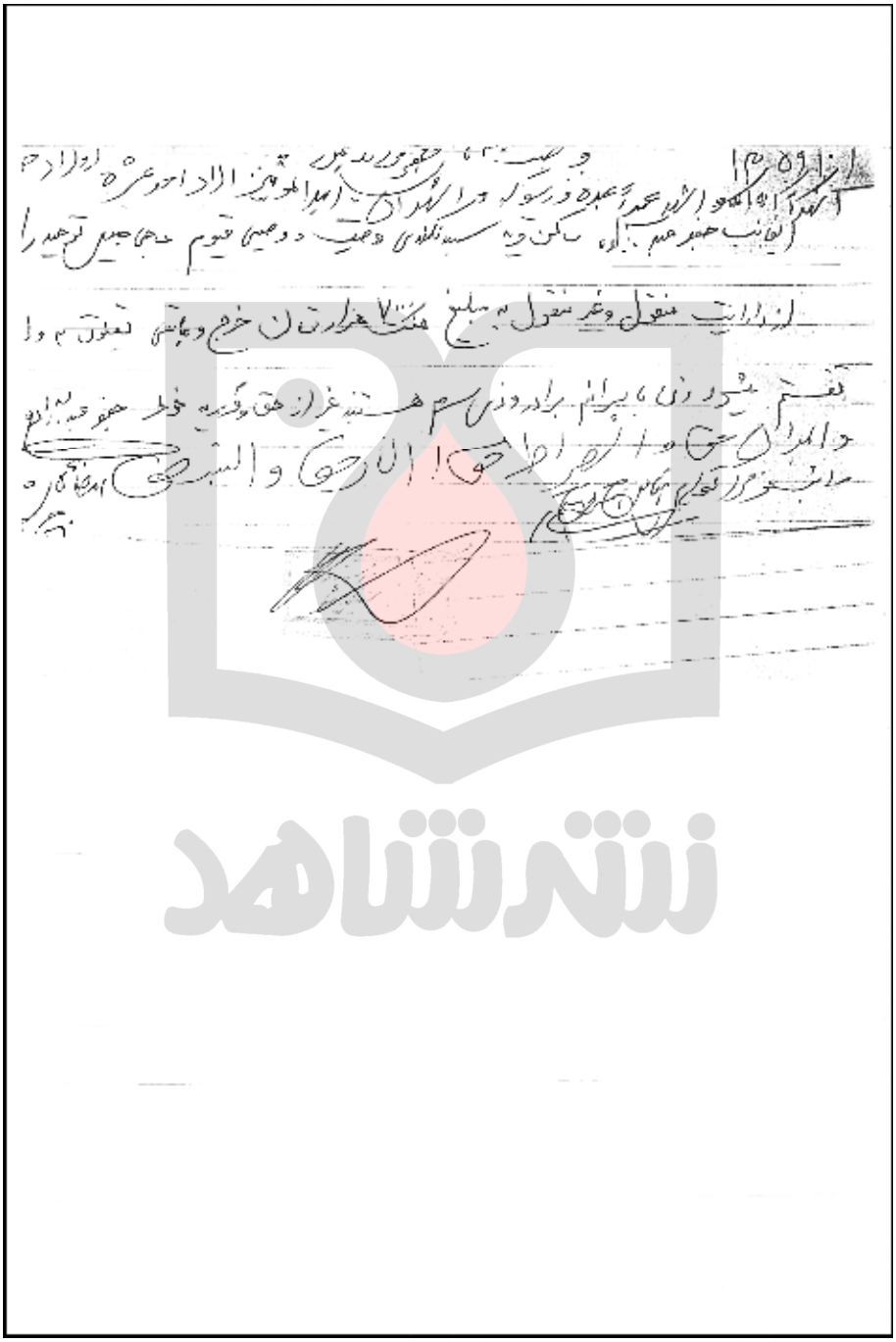

نام: **ذوالفقار**
نام خانوادگی: **عبدالّهی**
نام پدر: **عبدالله**
نام مادر: **شکوفه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1342
محل تولـد: **روستای هشتجین از توابـع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نهم آبان** 1361
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شکر می‌کنم خدای بزرگ را که به من توانایی داد و به من جسم سالم عطا فرمود تا مـن بتـوانم در راه اسلام کوشش کنم و با کافران بجنگم و بتوانم ادامه‌دهنده و پیرو راه انبیـاء و ائمـه(:) باشم.
- پدرم و مادرم افتخار بکنید که من را در راه اسلام قربانی داده‌اید.
- ای جوانان محل ما و دوستان حزب‌الله، امیدوارم که شما ادامه‌دهندهٔ شهدا باشید.
- امام را دعا کنید.
- مبادا شما مساجد را خالی بگذارید.

ذوالفقار عبدالّهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

یا امام زمان(عج) ادرکنی...

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[1].

شکر می‌کنم خدای بزرگ را که به من توانایی داد و به من جسم سالم عطا فرمود تا من بتوانم در راه اسلام کوشش کنم و با کافران بجنگم و بتوانم ادامه‌دهنده و پیرو راه انبیاء و ائمه(:) باشم من در تاریخ 1361/5/31 به سوی جنگ حق و باطل حرکت کردم. در این جنگ که بر همه مسلمانان واجب است و باید شرکت کرد تا اینکه بتوانند بر کفار خوک‌صفتان[2] که به قول امام روی مغول[3] را سفید کردند غلبه کرد و تا اینکه به آنها ثابت بشود ما مرد جنگیم.

سلام بر امام زمان(عج) و سلام به نایب او حضرت امام خمینی که این چنین درسی را به ما داد و سلام به پدر بزرگوارم و مادر داغدیده‌ام و خواهران عزیزم و برادرم. امیدوارم که مرا ببخشید و پدرم و مادرم امیدوارم که حقتان را به من حلال کنید و افتخار بکنید که من را در [راه][4] اسلام قربانی داده‌اید. در آخر اگر من شهید شدم مرا در محل خودم به خاک بسپارید و ای جوانان محلِ ما و دوستان حزب‌الله[5]، امیدوارم که شما ادامه‌دهندهٔ شهدا باشید و امام را دعا کنید و مبادا شما مساجد را خالی بگذارید و هر چقدر توانایی دارید اسلام را به ناآگاهان تبلیغ کنید. و در آخر دعای من چنین است.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

امضای شهید ذوالفقار عبدالهی

1- بخشی از سوره بقره آیهٔ 156. ترجمه «همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».

2- در اصل وصیت «صغتان».

3- در اصل وصیت «موقول».

4- در اصل وصیت واژه «راه» از قلم افتاده است.

5- در اصل وصیت «حزب‌اله».

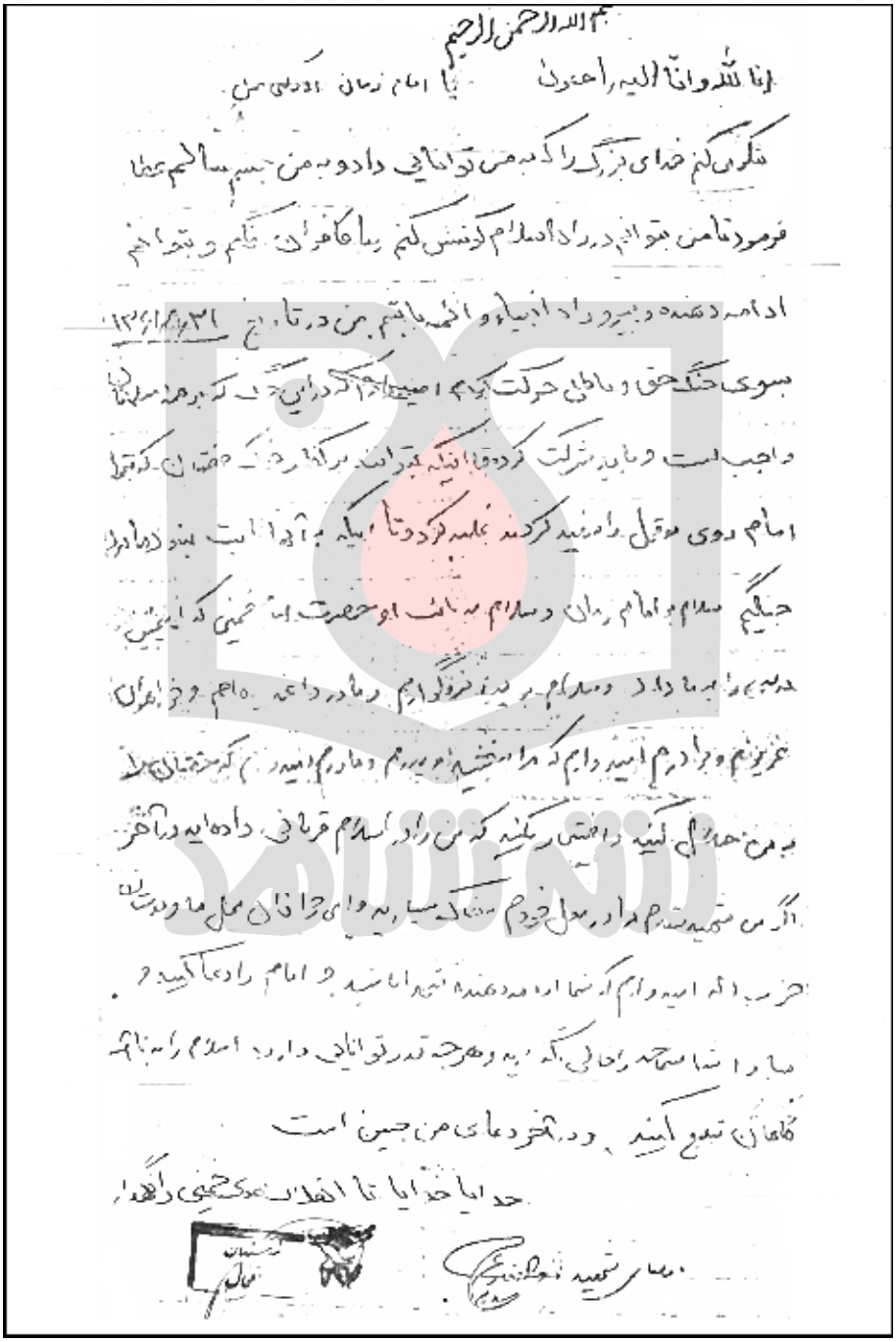

نام: **رزاق**
نام خانوادگی: **عبدالّهی**
نام پدر: **ابوالفضل**
نام مادر: **حبیبه**
تاریخ تولد: **دهم تیر** 1346
محل تولد: **شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن** 1364
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای عاشورای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- وصیت بنده حقیر به تمام مسلمین این است که همیشه وحدت را حفظ کنند.
- هر موقع فرمانی‌ها از طرف امام امت صادر شد به نحو احسن وظیفهٔ خودشان را انجام دهند تا در آخرت روسفید باشند.
- با قامتی استوار دنباله‌رو شهدایمان هستیم که تا آنجایی که جان در بدن داریم.
- تقاضای من از امت شهیدپرور و همیشه در صحنه این است که به توطئه‌های منافقین گوش ندهند.
- کسی که می‌خواهد از اسلام دفاع کند فقط [با] زبان نمی‌شود باید عمل داشته باشد.
- از آدم تا خاتم همه‌اش با هزاران مشکلات اسلام را تبلیغ کرده‌اند.
- امام عزیزمان این درس را به ما آموخت که مسلمان باید شجاعت داشته باشد.

رزاق عبدالّهی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه[2] رزّاق عبدلّهی عضو سپاه مشکین‌شهر

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[3].

«خدایا سالهاست در عشق شهادت می‌سوزم و دلم برای[4] مظلومیت شهدایمان تنگ شده است».

با درود فراوان به منجی عالم بشریت آقا امام زمان(عج) و نایب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن با درود به رزمندگان کفر ستیز اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل و با درود به اسرای حزب‌الله ایران در دست عراقیها و با درود به خانواده‌های شهدا که بهترین فرزندانشان را فدای اسلام و رهبر عزیزشان می‌کنند.

وصیت[5] بندهٔ حقیر به تمام مسلمین این است که همیشه وحدت را حفظ کنند و همیشه گوش به فرمان باشند هر موقع فرمانی از طرف امام امت صادر شد به نحو احسن وظیفهٔ خودشان را انجام دهند تا در آخرت رو سفید باشند.

ما به ابرقدرتها اعلام خطر می‌کنیم که اگر چه ما یک عده [از] عزیزانمان را فدای اسلام کرده‌ایم ولی با قامتی استوار دنباله‌رو شهدایمان هستیم که تا آنجایی که جان در بدن داریم به وصیت شهیدانمان عمل می‌کنیم و جنگمان را تا صدور اسلام در [به همه][6] جهان ادامه خواهیم داد و کفار و منافقین[7] را زیر [و] رو خواهیم کرد تقاضای من از امت شهیدپرور و

1- در بالای وصیت به صورت تایپی نوشته شده «عزیزانم همیشه به یاد خدا باشید و به فرامین او عمل کنید. (شهید مهدی باکری)».

2- در اصل وصیت «وصیعت‌نامه».

3- آل‌عمران/ 169. ترجمه «هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مردگانند ، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند». در اصل وصیت «...قتلو...».

4- در اصل وصیت «به».

5- در اصل وصیت «وصیعت».

6- در اصل وصیت «طنین».

7- ر. ک. تعلیقات.

همیشه در صحنه این است که به توطئه‌های[1] منافقین گوش ندهند و با هشیاری کامل همهٔ شایعه پراکنی‌ها و توطئه‌ها[2] را با یاری خداوند نقش بر آب کرده و با مشتی گره کرده به دهان آنها بزنند ملتی که به همه مشکلات انقلاب غلبه[3] کرده‌اید دشمن همیشه می‌خواهد با یک اشکال تراشی شما را از انقلاب بدبین کند[4] و بگوید این اسلام شما همه چیز سهمیه‌بندی شده و غیره. اینها همه توطئه[5] هستند [...] انقلاب سختیها و مشکلات دردها و رنجها و از همه سخت‌تر[6] بهترین فرزندان شما را از دست می‌گیرد انقلاب به این آسانی نیست که فوراً بر تمام وسائل زندگی مادی را در اختیار مردم بگذارد به این انقلاب نمی‌گویند کسی که می‌خواهد اسلام را به دنیا صادر کند باید اول از جان و مال و خانوادهٔ خودش بگذرد[7] بعد از آن می‌تواند دفاع از اسلام و نوامیس مسلمین کند و کسی که می‌خواهد از اسلام دفاع کند فقط با زبان نمی‌شود باید عمل داشته باشد و تمام رنج و مشقتی که بر او می‌رسد باید صبر و تحمل کند این انسان می‌تواند دفاع از اسلام کند طوری که اگر ما تاریخ را مطالعه کنیم که از آدم تا خاتم همه‌اش با هزاران مشکلات اسلام را تبلیغ کرده‌اند و ما می‌توانیم بهترین مثال امام عزیزمان را بزنیم که با تمام مشکلات دوری از وطن دوری از خانواده از دست دادن بهترین فرزند اسلام آقا مصطفی[8] و تحمل کردن به مشقات آنها توانست اسلامی که به روضه‌خوانی تمام شده بود به اسلام واقعی تبدیل کند و زمان طوری شده بود که یک نفر نمی‌توانست به زنش بگوید حجابت را حفظ کن و امام عزیزمان این درس را به ما آموخت که مسلمان باید شجاعت داشته باشد از هیچ موجودی نترسد این است دین حضرت محمد(6) به تمام ملتها ارزش می‌دهد ملت ما در زمان طاغوت عروسک شده بود در دست کثافت‌کاران آمریکا و اسرائیل آیا این برای یک فرد مسلمان ننگ نیست و ملت ما با درس گرفتن از الله و سخنرانیهای امام دست به

1- در اصل وصیت «توطعه‌های».
2- در اصل وصیت «توطعه‌ها».
3- در اصل وصیت بخشی از واژه «غلبه» از قلم افتاده است.
4- در اصل وصیت «می‌کند».
5- در اصل وصیت «توطعه».
6- در اصل وصیت «سختر».
7- در اصل وصیت «بگذارد».
8- ر. ک. تعلیقات.

دست هم داده‌اند تا مملکت خودشان را از دست اجانب [در آورند.][1] برادرانم جایی که اسلام در خطر است باید جان بدهیم تا درخت اسلام را آبیاری کنیم تا بتوانیم [...][2] ثمره بگیریم. عزیزانم امام خمینی نوری است که از طرف خداوند در یک زمان بحران او را فرستاده تا زمین بدون خلیفه نباشد و مردم را از شکم‌پرستیها و از ظلمات نجات بدهد هر کس از امام خمینی بیعت کند از حضرت پیامبر(6) و ائمه اطهارش(:) اطاعت کرده هر کس از او اطاعت نکند از دستورات الهی رو گردانده است. آتش جهنم او را فرا گرفته است، برادرانم حقانیت امام خمینی برای من از روشنایی خورشید و ماه روشن‌تر است باید از او اطاعت کنیم و فرمان او را از دل و جان پذیرفته و عمل کنیم.

وصیت به پدرم و مادرم و برادرانم و خواهرانم. به پدرم از سوگ من گریه نکنید و جنازه مرا باز کرده و به او نگاه کنید حتی [اگر][3] تکه پاره هم باشد و برادرانم را طوری نصیحت کن که همگی به دین مقدس اسلام روی آورند و احکام الهی را به پا دارند. مادرم گرچه زحمتهای زیادی برای بزرگ کردن من [تحمل][4] کرده‌ای امیدوارم همگی به احترام حضرت زهرا(3) حلال کرده باشید. برادرم عزت، من از شما حلالیت می‌کنم و از شما تقاضا دارم پدرم را تنها مگذار به او احترام کرده و هرچه بگوید عمل کن.

دل او می‌خواهد که پیغمبر ببیند دمی با ساقی کوثر نشیند

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار.

تا تجاوز هست[5] مبارزه هم هست اگر چه تمامی‌مان از بین برویم.

در روستای جوئیده آبادان[6]- 64/11/10

1- به سیاق کلام «در آورند» درست می‌باشد.

2- خوانا نیست.

3- به سیاق کلام «اگر» درست می‌باشد.

4- در اصل وصیت واژه «تحمل» از قلم افتاده است.

5- در اصل وصیت «است».

6- شهید در آخر وصیت در حاشیه سمت چپ نوشته «تا تجاوز است مبارزه هم هست اگرچه تمامی‌مان از بین برویم».

بسم الله الرحمن الرحیم

عزیزانم همیشه به یاد خدا باشید و به فرامین او عمل کنید

(شهید مهدی باکری)

وصیت‌نامه

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.

هدیهٔ مؤسسهٔ چاپ آثار شهید به روحیه کان شجاع اسلام

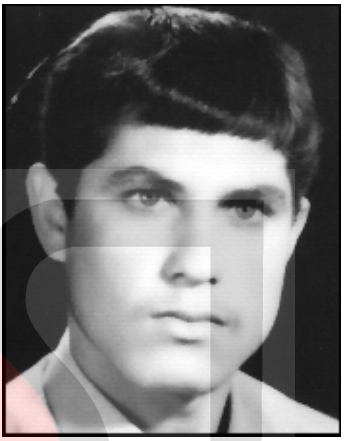

نام: **عظیم**
نام خانوادگی: **عبدالّهی**
نام پدر: **شیردل**
نام مادر: **ترگل**
تاریخ تولد: **دوازدهم مهر** 1346
محل تولد: **روستای پیرازمیان از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **ششم فروردین** 1365
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- همانند زینب(**3**) زندگی را بگذرانید.
- پیرو امام امت باشید و در هم‌کوبنده ستمگران و منافقین داخلی و خارجی باشید.
- مرا حلال کنید از اینکه بدون اجازه شما به جبهه آمده‌ایم ولی تکلیف است و در این حین اجازه ضرورت ندارد.
- من آزادانه این راه را انتخاب نموده‌ام و آزادانه [به] شهادت رسیده‌ام.
- بر منافقین بگویید که لعنت خدا بر شما باد که سیاهی قلبتان را گرفته است.
- من از خدای خود خواهانم که مرا بعد از شهید شدن چندین بار زنده نماید تا بتوانم در جبهه‌های دیگری شرکت کنم.

عظیم عبدالّهی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود بی‌کران به مهدی موعود(عج) و با درود بی‌کران بر تمامی شهدای (والفجر8-9)[2].

وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم:

برادران و خواهران گرامی مبادا گریه کنید و ناله سر دهید که دشمنان از این گریه زیادش خوشحال می‌شوند گریه هم حد و اندازه‌ای دارد و همانند زینب[3](**3**) زندگی را بگذرانید و پیرو امام امت باشید و درهم کوبنده ستمگران و منافقین[4] داخلی و خارجی باشید و مرا حلال کنید از اینکه بدون اجازه شما به جبهه آمده‌ایم ولی تکلیف است و در این حین اجازه ضرورت ندارد:

جنگ جنگ است عزت و شرف ما در گرو این جنگ است[5] ماندن از غافله بر فرد مسلمان ننگ است.

و همچنین برادران و خواهران عزیزم مبادا ناراحت باشید چون میلیونها جوان[6] مثل من در راه حفظ میهن و بخاطر قرآن به خونشان آغشته شده‌اند و حضرت علی‌اکبر[7](**7**) و

1- بالای وصیت نوشته شده به دست خط شهید «وصیت‌نامه پاسدار شهید اسلام برادر: عظیم عبدالهی، روستای پیرازمیان».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «همانند زینب‌وار».

4- ر. ک. تعلیقات.

5- (صحیفه امام، ج 13، ص 243).

6- در اصل وصیت «جوانی».

7- ر. ک. تعلیقات.

قاسم[1](**7**) چگونه به شهادت رسیده[اند][2] در مورد اینکه مرا چگونه دفن کنند به حاجی اسکندر مراجعه کنید و در آخرین[3] لحظه‌ها که آماده و عازم نبرد هستیم سلام گرم خود را به خواهر کوچکم (پاکیزه) و برادر کوچکم (حافظ) می‌رسانم و از حاجی اسکندر می‌خواهم ترتیب دفن و محل دفن مرا بدهد و از مهر و محبت‌های ایشان کمال تشکر را دارم و در آخر از برادران بزرگم خواهانم که برادران کوچکم را مثل علی‌اکبر[4](**7**) و از خواهرِ بزرگم خواهانم که خواهران کوچکم را زینب‌وار تربیت نمایند و هیچ غمی در دل راه ندهند من آزادانه این راه را انتخاب نموده‌ام و آزادانه [به] شهادت رسیده‌ام و بر منافقین[5] بگویید که لعنت خدا بر شما باد که سیاهی قلبتان را گرفته است و چگونه جوانهای مثل من بخاطر عشق به امام حسین(**7**) عشق به میهن و عشق به قرآن جان خود را فدا می‌کنند. من از خدای خود خواهانم که مرا بعد از شهید شدن چندین بار زنده نماید تا بتوانم در جبهه‌های دیگری شرکت کنم و در آزادی قدس[6] و در جنگ لبنان و فلسطین و جهت رهایی از دست صهیونیست اسرائیل کافر شرکت جویم. (قلب در تپش است و لحظه به لحظه آماده باش بگوش می‌رسد قلب تپنده جهت پیشبرد اسلام).

سنگرم داشدان اولدی یولداش یولداشی وان اولدی
صدام گوزن کورالسون باجی قارداشدان اولدی[7]

وصیت‌نامه برادر پاسدار شهید عظیم عبدالهی

1- ر. ک. تعلیقات.
2- در اصل وصیت «رسیده است».
3- در اصل وصیت «آخر».
4- در اصل وصیت «علی‌اکبروار».
5- ر. ک. تعلیقات.
6- ر. ک. تعلیقات.
7- ترجمه به فارسی «سنگر من از سنگ ساخته شده است/ وای دوستم دوستم کشته شد/ صدام الهی چشمانت کور شوند/ خواهر از داغ برادرش درگذشت».

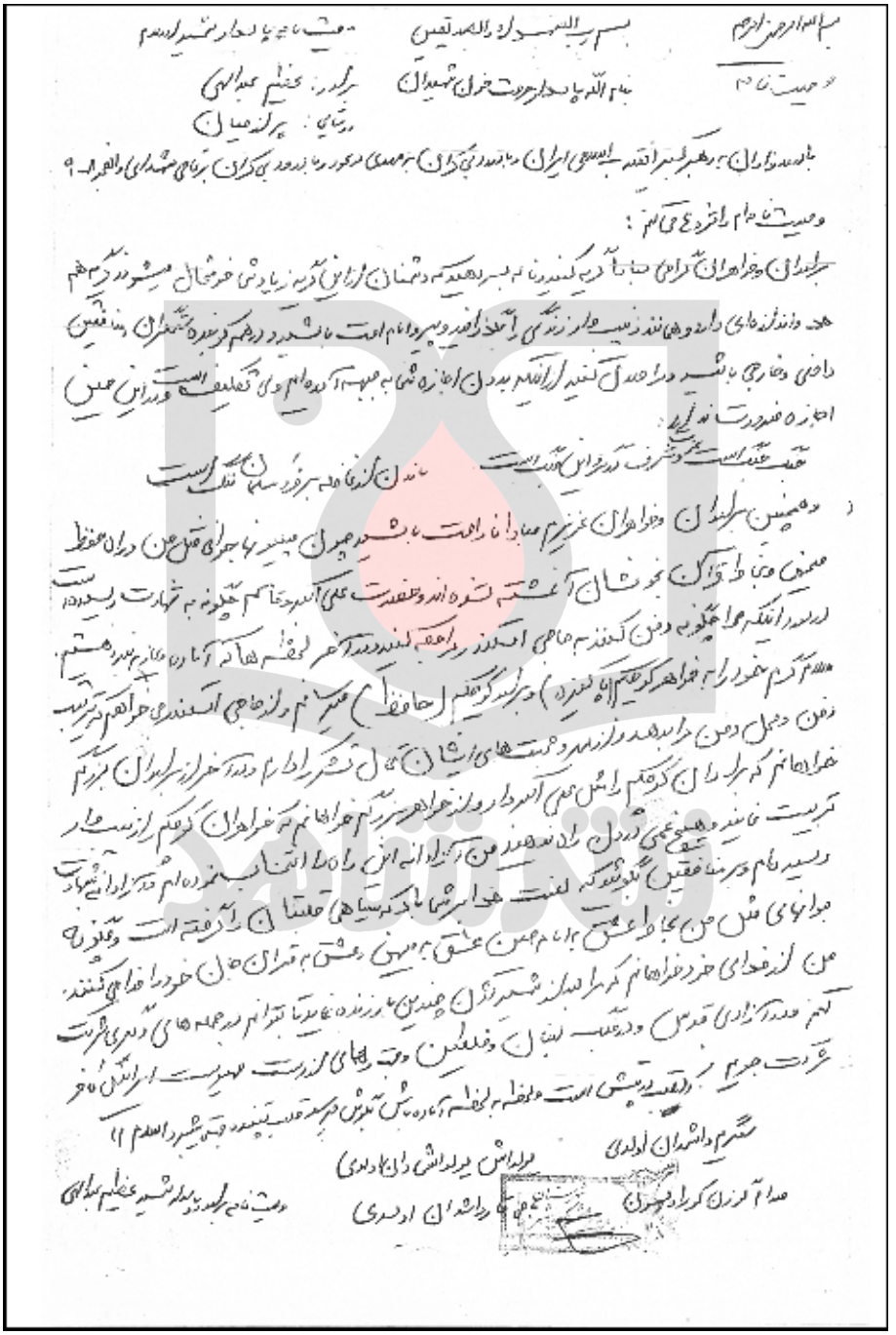

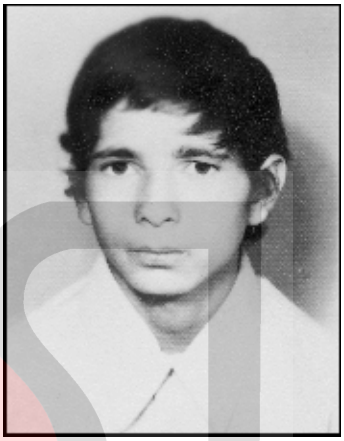

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **عبدالّهی‌لگرانی**
نام پدر: **اختیار**
نام مادر: **فیروزه**
تاریخ تولد: **سیزدهم مرداد** 1349
محل تولد: **روستای لگران از توابع مشکین‌شهر**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای عاشورای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سلام بر سنگرنشینان مدارس که قلمهایشان مثل مسلسل کینه دشمن را می‌کشد.
- عزیزان اینکه مومن باشید و صابر باشید.
- قسم به خدا راه ولایت فقیه خط سرخ شهیدان و اسلام است.
- اخلاق اسلامی پیشه کنید و جذابیت اسلامی داشته باشید سنگرهای مدارس و مسجد را که مرکز تبلیغ اسلام است خالی نگذارید.
- اتحاد و یگانگی را حفظ بفرمایید.
- ای عزیزان گام در جای پای ما بنهید و پرچم پرافتخار اسلام را بعد از ما بر دوش گیرید.

محمد عبدالّهی‌لگرانی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه‌تعالی

با درود و سلام گرم بر تنها منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر امام مهدی(عج) و با درود و سلام و صلوات بر ارواح شهدای مطهر اسلام که درخت تنومند اسلام را با عزیزترین مایهٔ وجودشان آبیاری کرده و سیراب نمودند. سلام بر حضرت امام خمینی رهبر بت‌شکن و آزاده و مبارز ایران که در راه احیای دین جاوید اسلام تلاش مستمرّ خود را بکار گرفته و نیروهای خفته انسانها را احیاء کردند و قادر سبحان را سپاس [که موجود برتر و با فضل یعنی انسان را موجب دگرگونی این جهان عطا کرد] و سلام بر رسول گرامی حضرت پیامبر(6) نبی آخر امت. سلام بر قلمهای محصلان که فرهنگ اسلامی را در جهان گسترش خواهند داد و دنیای جهل را از وابستگی فرهنگی و جاهلیت نجات خواهند بخشید. سلام بر سنگرنشینان مدارس که قلمهایشان مثل مسلسل کینهٔ دشمن را می‌کشد و چشم ناسازگار بعث[2] را دگرگون می‌سازد برادران عزیز دانش‌آموز پیامی که من به عنوان پاسدار حافظ دین بر شما دارم شاید و حتماً پیامی است که تمام رزمندگان برای شما نسل[3] آینده مملکت [بر شما][4] دارند. ای عزیزان اول اینکه مؤمن باشید و صابر باشید و با اخلاق اسلامی رفتار نمایید و ثانیاً پیرو ولایت فقیه باشید که قسم به خدا راه ولایت فقیه خط سرخ شهیدان و اسلام است و ثالثاً نماز جماعت را ترک نکنید زیرا اگر از فکر خداوند روی برگردانید از غافلین خواهید بود اخلاق اسلامی پیشه کنید و جذابیت اسلامی داشته باشید سنگرهای مدارس و مسجد را که مرکز تبلیغ اسلام است خالی نگذارید. عناصر مشکوک را به مراکز دینی و اسلامی راه ندهید در پشت جبهه در سنگر مدرسه

1- در بالای وصیت شهید نوشته «63/12/5».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «نسایل».

4- در اصل وصیت واژه «بر شما» اضافه است.

هوشیار باشید و با هوشیاری خویش به قول امام عزیزمان «خفتگان[1] را بیدار سازید». در تشییع[2] جنازه شهدا شرکت کنید زیرا که آنان مشعل فروزان اسلام هستند. اتحاد و یگانگی را حفظ بفرمایید و «**فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ**»[3] هر آن چه از قرآن برایتان مؤثر باشد بخوانید و یاد [بگیرید][4] چون‌که قرآن سخن خدا است و برنامهٔ سعادت شما در آن است. «ای عزیزان گام در جای پای ما بنهید و پرچم پرافتخار اسلام را بعد از ما بر دوش گیرید و زائران کربلای حسینی باشید».

دیگر عرضی مخصوص ندارم.

[...] شما

محمد عبدالهی

63/12/15

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «خفته‌گان».

2- در اصل وصیت «تشیع».

3- بخشی از آیه 20 سورهٔ المزمل.

4- در اصل وصیت «بگیرد».

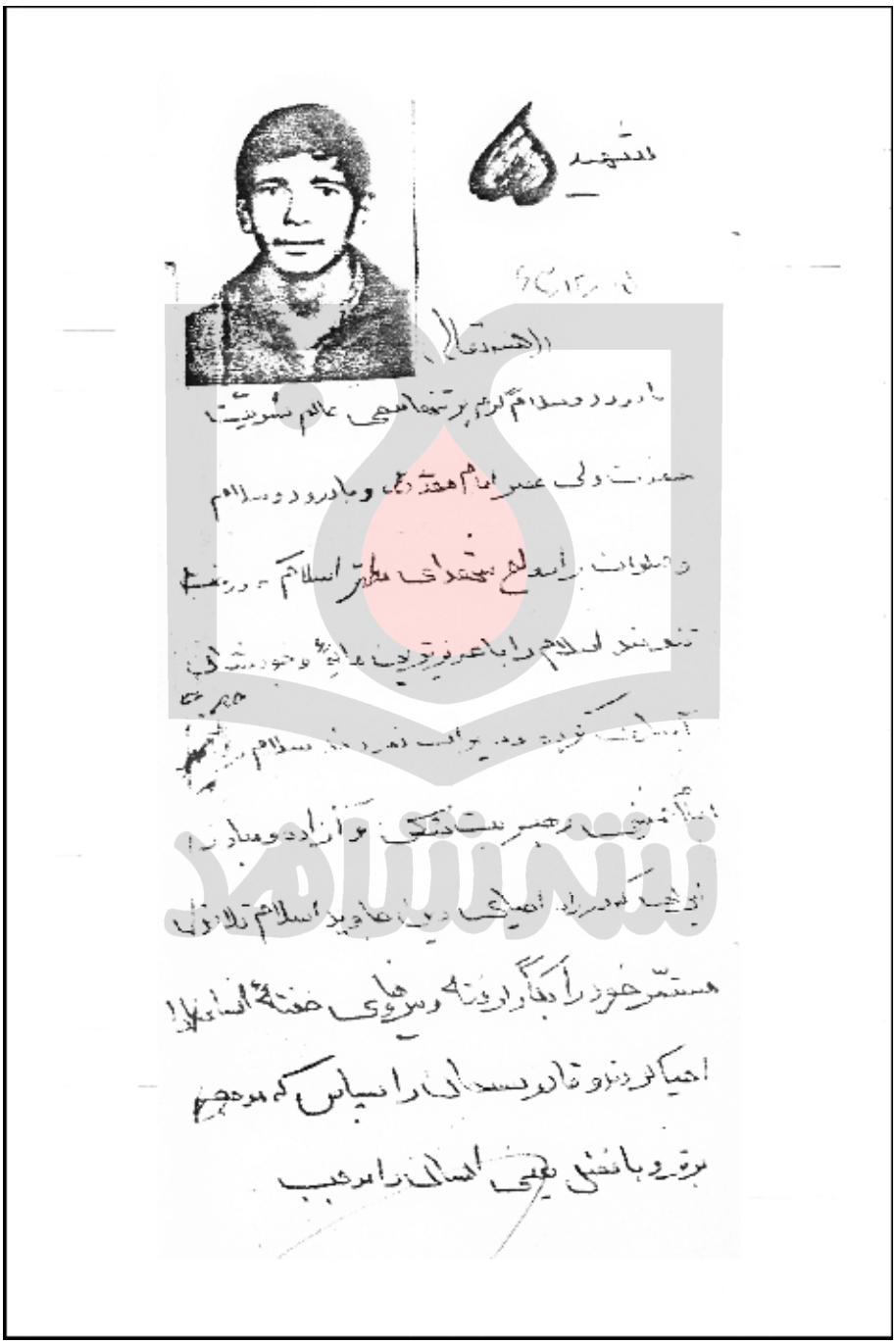

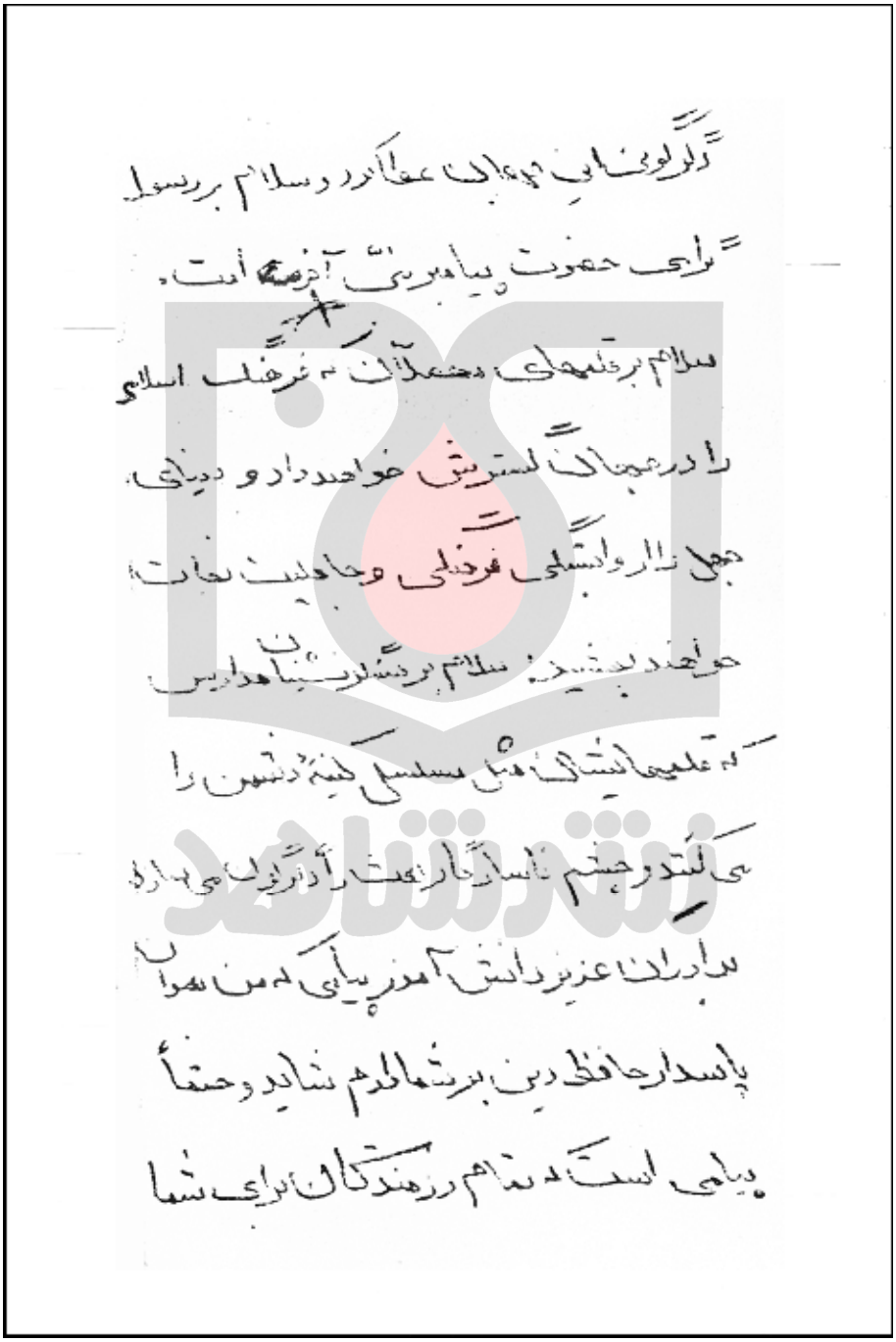

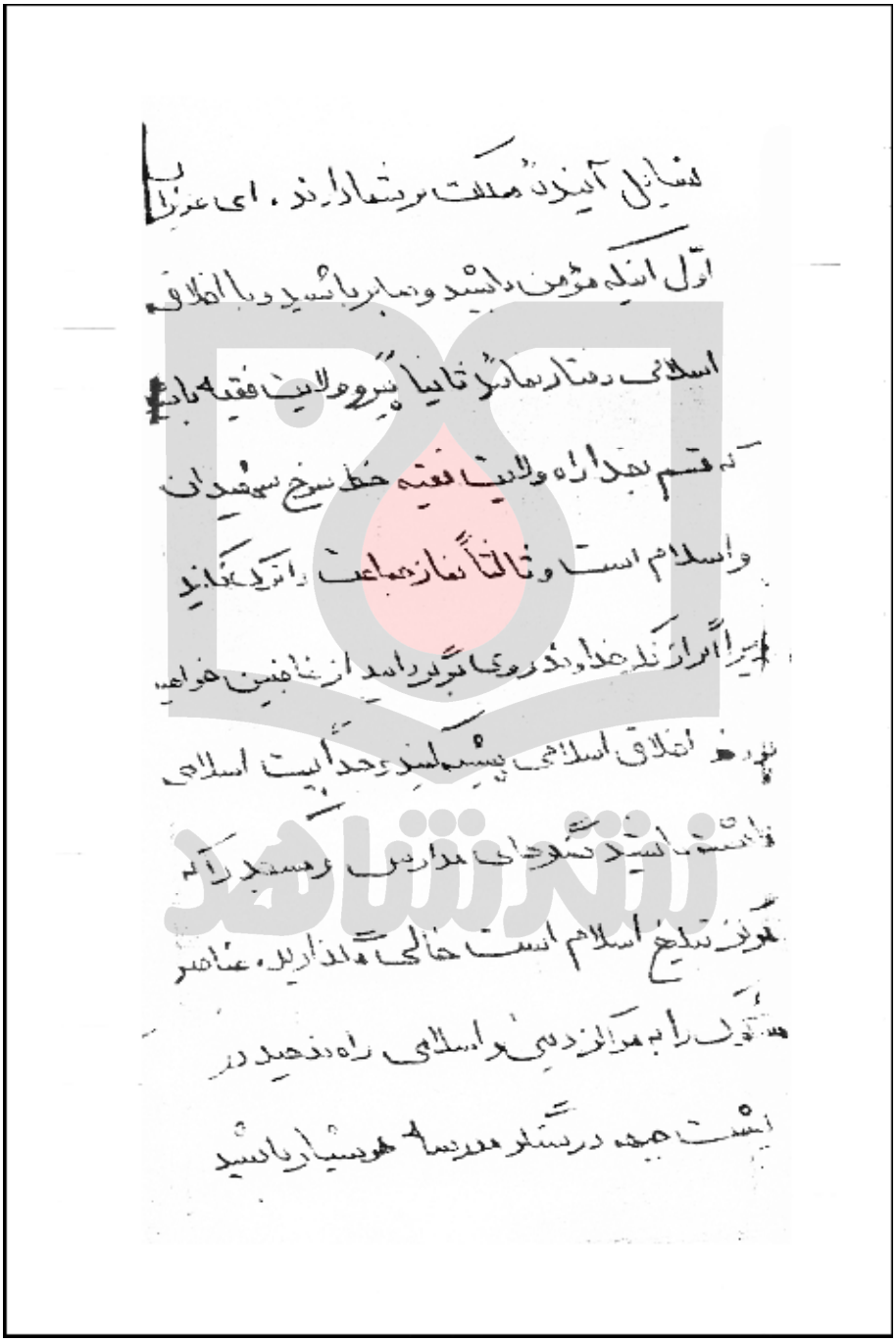

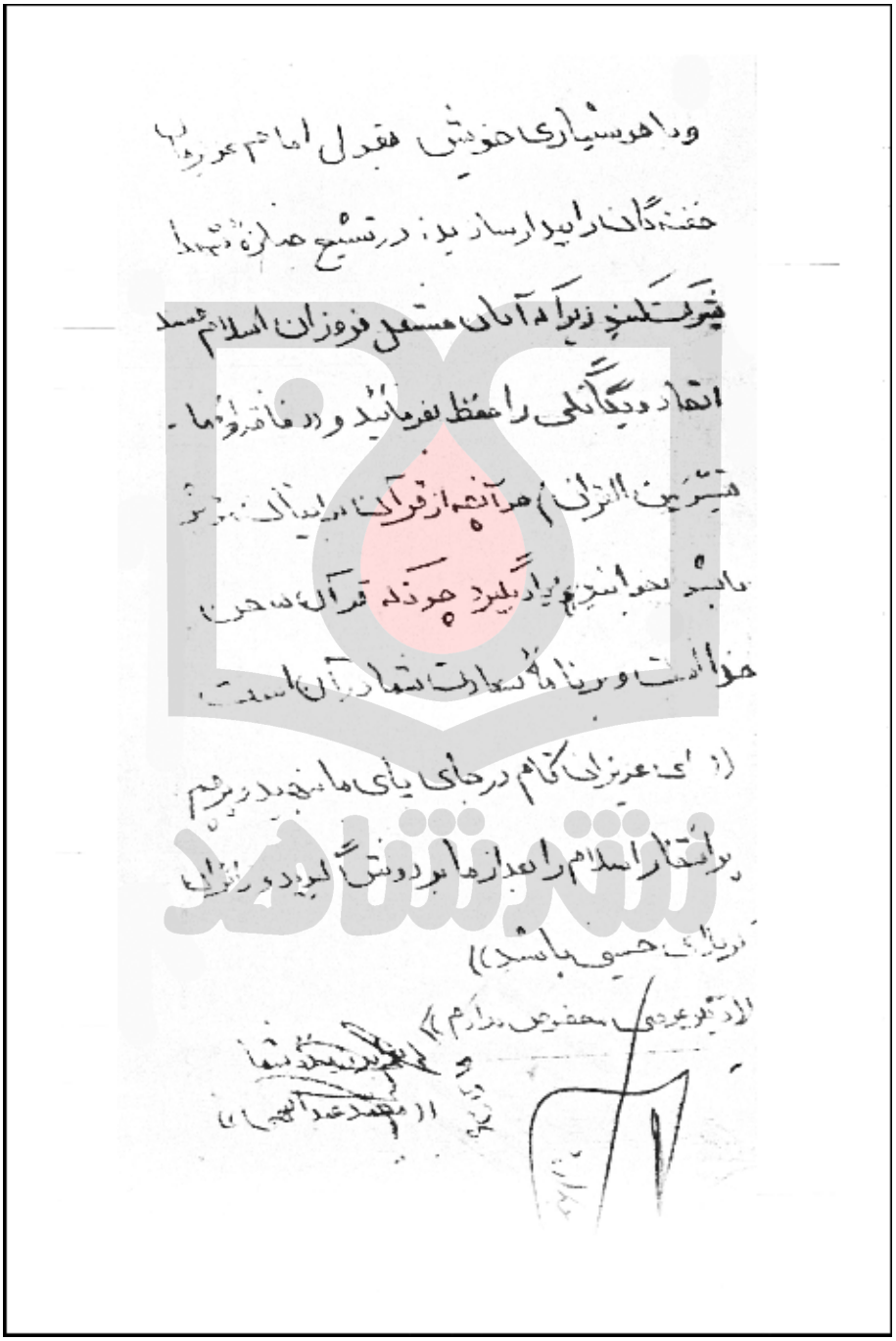

نام: **الله‌شکر**
نام خانوادگی: **عبدلی‌موئیلی**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **نوش‌آفرین**
تاریخ تولد: **یازدهم اردیبهشت 1323**
محل تولد: **روستای موئیل از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم دی 1365**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت:**اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای کربلای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این راهی است که انتخاب نموده‌ام با آگاهی کامل برگزیده‌ام و می‌دانم که «جنگ اسلام با کفر است».
- ما مسلمانیم باید از اسلام عزیز دفاع نماییم.
- خدا را صد هزار شکر که ما را در مهد کشور اسلامی پرورش داده‌ای.
- از خداوند منان خواهانم که ما را برای اطاعت نمودن از رهنمودهای این امام بزرگوار بیش از این موفق فرماید.
- از خداوند متعال پیروزی اسلام و اسلامیان و نابودی کفر و کفار را خواستارم به امید زیارت کربلای حسینی.

الله‌شکر عبدلی‌موئیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

وصیت‌نامه اینجانب شکر عبدلی[1]

حمد و سپاس و ستایش به خدای یکتا که ما را از نیستی به هستی آورد اینجانب مزاج صحیح و سالم و کاملاً در حالت عادی بدون مرض یا عدم حالت اغماء وصیت می‌نمایم در مرحلهٔ اول اقرار به وحدانیت خداوند عالمیان و اقرار به رسالت حضرت محمدبن‌عبدالله(**6**) وصی بلافصل مولای متقیان علی امیرالمؤمنین(**7**) و یازده فرزندش و اقرار بر اینکه معاد و عدل و قیامت مردن و زنده شدن برحق است. این راهی است که انتخاب نموده‌ام با آگاهی کامل برگزیده‌ام و می‌دانم که «جنگ اسلام با کفراست». و ما مسلمانیم باید از اسلام عزیز دفاع نماییم و خدا را صد هزار شکر که ما را در مهد کشور اسلامی پرورش داده و رهبری چون امام خمینی (مدضله‌العالی) عطا نموده [است] و ما را از ظلمات جهل و جهالت به سوی نور هدایت نموده از خداوند منان خواهانم که ما را برای اطاعت نمودن از رهنمودهای این امام بزرگوار بیش از این موفق فرماید و دشمنان این رهبر عظیم‌الشأن را اگر قابل هدایت نیستند قلع و قمع بگرداند.

و اما وصیت به خانواده‌ام و مخصوصاً برادرم الله‌وردی[2] عبدلی وصیّ اینجانب هستند و خانواده‌ام موظفند به این وصیت عمل نمایند و به برادرم احترام و ارج نهاده و آنچه که به برادرم وصیت می‌نمایم انشاءالله تخلف ننمایند برادر الله‌وردی[3] مستطیع هستم و یک حج عمره بر ذمه‌ام باقی است از مال شخصی اینجانب، این واجب الهی را بجا آورید بقیه ماترک طبق موازین شرعی فی مابین وراث تقسیم شود. سه هزار تومان از بابت خمس

1- در اصل وصیت «عبدیلی».

2- در اصل وصیت «الهوردی».

3- در اصل وصیت «الهوردی».

بدهی دارم. مخفی نماند هرچه از مال دنیا داریم با بـرادرم الله‌وردی[1] شـریک هـستیم حتـی ملک و ساختمان و غیره امید است طبق فرمودهٔ شارع مقدس عمل نماید.

در خاتمه برادر بزرگوارم الله‌وردی[2] متکفل هستند بر اینکه از بچه‌ها مواظبـت نمـوده و مانند فرزندان خودش تربیت نمایند.

و اما درباره همسرم ضمن درخواست حلالیت[3] اگر فـیض شـهادت نـصیبم شـد مخیّـر هستند بر اینکه بمانند مواظب بچه‌ها باشند و یا خواستند بروند اختیاردارند و نیـز مهریـه و آنچه که به ایشان از ما ترک تعلق دارد طبق قانون شرعی با ایشان مدارا نماینـد. از خداونـد متعال پیروزی اسلام و اسلامیان و نابودی کفر و کفار[4] را خواستارم به امید زیارت کـربلای حسینی.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام»[5]

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «الهوردی».
2- در اصل وصیت «الهوردی».
3- در اصل وصیت «حلیت».
4- در اصل وصیت «کفریان».
5- وصیت به دست خط و امضا چند شهید گواهی شده است.

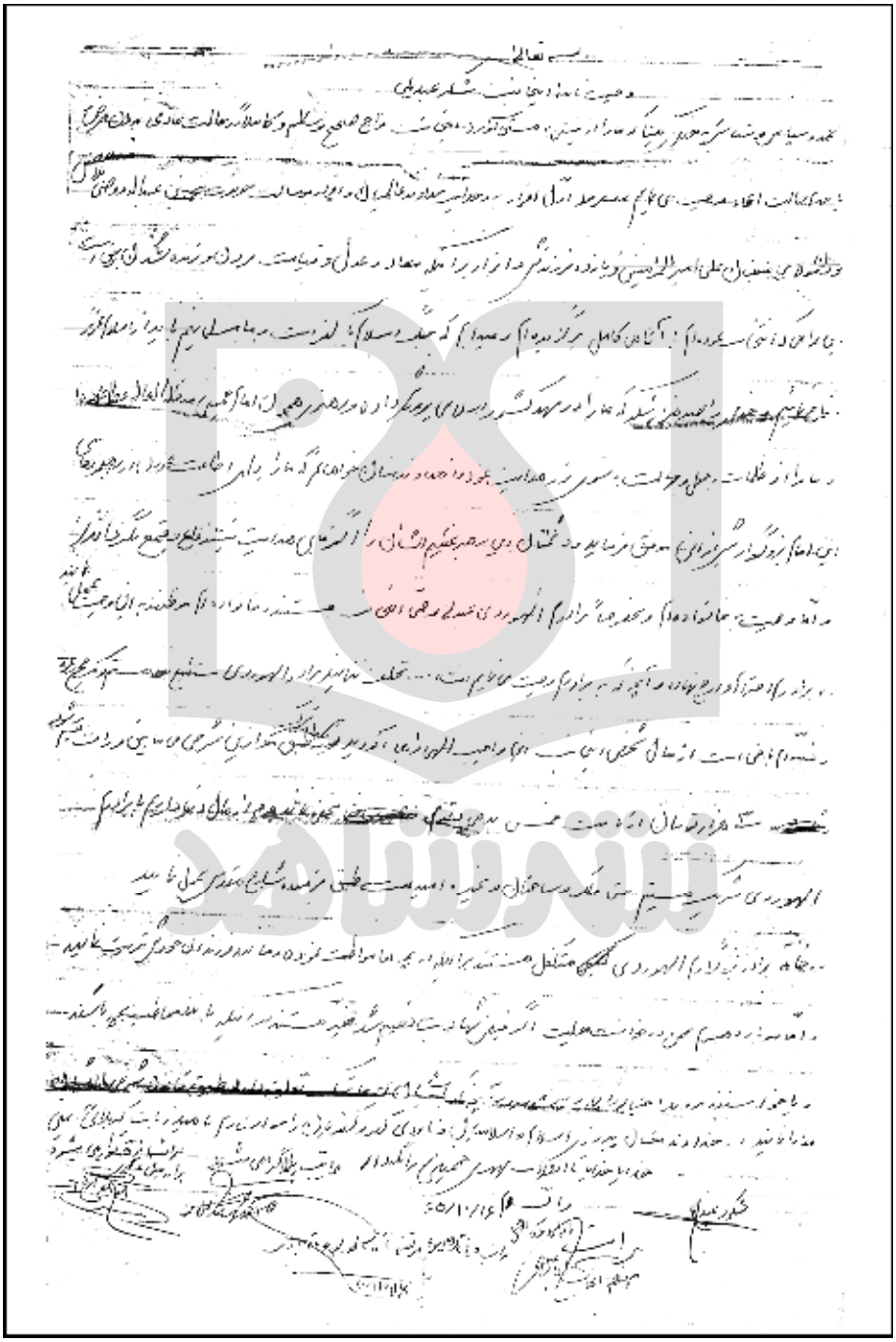

نام: **موسی**
نام خانوادگی: **عبدلی‌نیاری**
نام پدر: **لطفعلی**
نام مادر: **هاجر**
تاریخ تولد: **دوم اسفند** 1345
محل تولد: **روستای نیار از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی**
نحوهٔ شهادت:-
مزار: **بوستان کوثر زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- آری دست گفته‌اند دانشگاه کربلا دانشجو می‌پذیرد.
- خدایا، عملکرد ما برای این است که قرآن و اسلام تو در جهان حاکمیت یابد.
- خدایا آمدن من به جبهه حق علیه باطل به خاطر تو و به خاطر قرآن و اسلام عزیز است.
- من از شما امت حزب‌الله می‌خواهم که امام را تنها نگذارید.
- همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- راه شهیدان اسلام را ادامه بدهید.
- به منافقین از خدا بی‌خبر فرصتی ندهید که نقشه‌های شومشان را عملی سازند.
- من که درس شهادت و شهامت را از حسین‌بن‌علی(**7**) آموختم.
- خدایا من هرچند که لیاقت پیوستن به لقاءالله را ندارم ولی تا اندازه‌ای شاید بتوانم در راه تو قدمی بردارم و امیدوارم که مرا در این راه یاری نمایی تا در راه تو ثابت قدم باشم.
- ای کاش می‌توانستم صدها بار بمیرم و دوباره زنده شوم تا این انقلاب اسلامی نوپای ایران بتواند بر سایر کشورهای جهان صادر شود و نسلهای آینده بتوانند در آسایش کامل به زندگی خود ادامه بدهند.
- این دعاهاست که رزمندگان اسلام را به پیروزی می‌رساند.

موسی عبدلی‌نیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّ اللَّهَ یُدْخِلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِینَ کَفَرُوا یَتَمَتَّعُونَ وَیَأْکُلُونَ کَمَا تَأْکُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ». (قرآن مجید سوره محمد آیه 12)

«به درستی که خدا داخل می‌گرداند آنان را که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته در بهشتهایی که میرود از زیرشان نهرها و آنان که کافر شدند کامرانی می‌کنند و می‌خورند همچنان که می‌خورند چهارپایان و آتش است مقام مر ایشان را».

«یَا أَیُّهَاالَّذِینَ آمَنُوا إِنْتَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ». (قرآن‌مجید سوره محمد آیه7)[1]

«ای آنان که ایمان آوردید اگر یاری کنید خدا را یاری کند شما را و ثابت گرداند قدمهای شما را».

با درود و سلام بر امام زمان(عج) و نایب برحق امام امت این قلب طپنده مستضعفان جهان و اسلام بر شهیدان و مجروحین و معلولین جنگ تحمیلی آمریکای جهان‌خوار.

خدایا، خدایا تو را به حق مهدی(عج) تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه دار.

اکنون که به فرمان امام امت خمینی بت‌شکن این حسین زمان امید مستضعفان جهان و قلب طپنده امت حزب‌الله جهان لبیک گفته و به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام می‌شوم خیلی خوشحال هستم. چون امام امت گفته بود که بر هر فرد مسلمان ایرانی واجب شرعی است که در این جنگ شرکت کند و من هم برای خودم یک تکلیف شرعی دانستم و به دانشگاه [کربلای][2] ایران رهسپار شدم آری درست گفته‌اند دانشگاه کربلا دانشجو می‌پذیرد. دانشجویی که «با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح را برداشت»[3] و بر قلب دشمن حمله می‌برد و همیشه هم پیروز است. «من دست و بازوی این رزمندگان اسلام را که

1- در اصل وصیت «سوره محمد آیه 9».

2- در اصل وصیت «کربلا».

3- (صحیفه امام، ج 12، ص 203).

دست خداوند در بالای آن است می‌بوسم و به این بوسه افتخار می‌کنم»[1]. (امام خمینی)

من که درس شهادت و شهامت را از حسین‌بن‌علی(7) آموختم و راه حسین(7) و حسینیان را ادامه می‌دهم، و از شما ملت حزب‌الله می‌خواهم که زینب‌وار عمل بکنید. خدایا من هرچند که لیاقت پیوستن به لقاءالله را ندارم ولی تا اندازه‌ای شاید بتوانم در راه تو قدمی بردارم و امیدوارم که مرا در این راه یاری نمایی تا در راه تو ثابت قدم باشم.

ای کاش می‌توانستم صدها بار بمیرم و دوباره زنده شوم تا این انقلاب اسلامی نو پای ایران بتواند بر سایر کشورهای جهان صادر شود و نسلهای آینده بتوانند در آسایش کامل به زندگی خود ادامه بدهند و ما رزمندگان اسلام تا مستکبر هست[2] در دنیا ساکت نخواهیم شد تا این انقلاب اسلامی به[3] انقلاب حضرت مهدی(عج) متصل شود. خداوندا[4] تو خودت می‌دانی که عملکرد ما نه برای آن است که به سیاست و سلطنت دست یابیم و یا از روی دشمنی و یا کینه‌توزی سخن بگوییم عملکرد ما برای این است که قرآن و اسلام تو در جهان حاکمیت یابد. خدایا تو خودت می‌دانی که دلیل[5] آمدن من به جبهه حق علیه باطل چه است، آمدن من به جبهه بخاطر تو و به خاطر قرآن و اسلام عزیز است و حاکمیت بخشیدن به جمهوری اسلامی نوپای تو در جهان است. تو به من توفیق بده که در این راه ثابت‌قدم باشم. «چه بکشید و چه کشته شوید پیروزید»[6].(امام خمینی)

و من از شما امت حزب‌الله می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید و راه شهیدان اسلام را ادامه بدهید. و در رساندن پیام شهیدان و رسالتهای جمهوری اسلامی به سایر کشورهای جهان تلاش بیشتری بکنید و نگذارید که این نهال نوپای جمهوری اسلامی ایران که با خون شهیدان آبیاری می‌شود از بین برود و در رساندن پیام شهیدان کوشا باشید تا این انقلاب به[7] انقلاب حضرت مهدی(عج) متصل شود و از

1- (صحیفه امام، ج 21، ص 85).

2- در اصل وصیت «است».

3- در اصل وصیت «بر».

4- در اصل وصیت «خداوند».

5- در اصل وصیت واژه «دلیل» از قلم افتاده است.

6- این جمله برداشتی از (صحیفه امام، ص 268، ج 5) می‌باشد

7- در اصل وصیت «بر».

شماها می‌خواهم که در نماز جمعه‌ها و دعای توسلها و دعای کمیلها شرکت بکنید، چون این دعاهاست که رزمندگان اسلام را به پیروزی می‌رساند. و همیشه دعاگوی رزمندگان به خصوص امام عزیزمان باشید. امامی که تمام مستضعفان جهان چشم به این امام و انقلاب اسلامی ایران دوخته‌اند و به منافقان[1] از خدا بی‌خبر فرصتی ندهید که نقشه‌های شومشان را عملی سازند. ای منافقان کمی فکر بکنید که دارید با چه کسانی طرف می‌شوید و یا با شهید کردن عزیزانی مثل بهشتی[2]ها می‌خواهید که چراغ[3] اسلام را خاموش بکنید. بدانید چراغی را که خداوند آن را روشن کرده است خاموش نمی‌شود. و من از شما می‌خواهم که هرچه زودتر به دامان اسلام برگردید و اگر این کار[4] را نکنید این امت حزب‌الله [با شما] رفتارشان با شما عوض خواهد شد.

و از پدر و مادرم و برادرانم و خواهرانم[5] می‌خواهم که مرا حلال بکنند مخصوصاً از پدر و مادر عزیزم که زحمت زیادی کشیده‌اند و مرا بزرگ کرده‌اند تا یک کمی به اسلام و قرآن خدمتی بکنم و از پدر و مادر عزیزم می‌خواهم که وقتی که خبر شهادت مرا آوردن صبر و استقامت زیادی از خودشان داشته باشند و زیاد گریه برای من نکنند[6]، گریه بر حسین(**7**) و علی‌اصغر[7](**7**) و علی‌اکبر[8](**7**) بکنند[9] و در مقابل منافقان از خدا بی‌خبر صبور باشند تا آنها شاد نشوند و من از برادرانم می‌خواهم که اسلحه مرا به زمین نگذارند و راه مرا ادامه بدهند. و من از مادر و پدر عزیزم می‌خواهم که مثل خانواده‌های دیگر شهیدان صبر و استقامت داشته باشند و هیچ ترسی برای خودشان راه ندهند چون «شهید قلب تاریخ است»[10] یعنی «شهید همیشه زنده است و در پیش خداوند روزی

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تلیقات.

3- در اصل وصیت «چراخ».

4- در اصل وصیت «کارا».

5- در اصل وصیت بخشی از واژه «خواهرانم» از قلم افتاده است.

6- در اصل وصیت «نکند».

7- ر.ک. تلیقات.

8- ر.ک. تلیقات.

9- در اصل وصیت «بکند».

10- جمله‌ای از کتاب «حسین وارث آدم نوشته دکتر علی شریعتی».

دارند»[1] و من از تمام دوستان و آشنایان و فامیل‌هایم می‌خواهم که مرا حلال بکنند[2] و از اهالی نیار می‌خواهم که مرا حلال بکنند و آخرین وصیتم به شما این است که همیشه دعاگوی رزمندگان اسلام باشید و دعای همیشگی را از یاد نبرید[3] خدایا خدایا تو را به حق مهدی(عج) تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه دار. چون تمام قشرهای مستضعف جهان چشم به این امام امت و حکومت جمهوری اسلامی دوخته‌اند و با آرزوی حاکمیت یافتن حکومت عدل[4] الهی در جهان و هرچه نزدیکتر شدن تعجیل امام زمان(عج) تا آن حضرت تمام مستضعفان جهان را نجات بدهد. و دیگر عرضی ندارم و شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و از شما می‌خواهم که این شعار[5] همیشگی را از یاد نبرید. خدایا، خدایا تو را به حق مهدی(عج) تا انقلاب مهدی(عج) خمینی [را نگه‌دار][6]. و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید. و همیشه دعاگوی رزمندگان اسلام باشید.

«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»[7]

عبدلی‌نیاری - 61/9/19

نشر شاهد

1- اشاره دارد به بخشی از آیه 169 سوره آل عمران.

2- در اصل وصیت «بکند».

3- در اصل وصیت «همیشگی را از یاد نبری».

4- در اصل وصیت «عدو الهی».

5- در اصل وصیت «شعاره».

6- در اصل وصیت عبارت «را نگه دار» از قلم افتاده است.

7- در اصل وصیت «و سلام..و برکات».

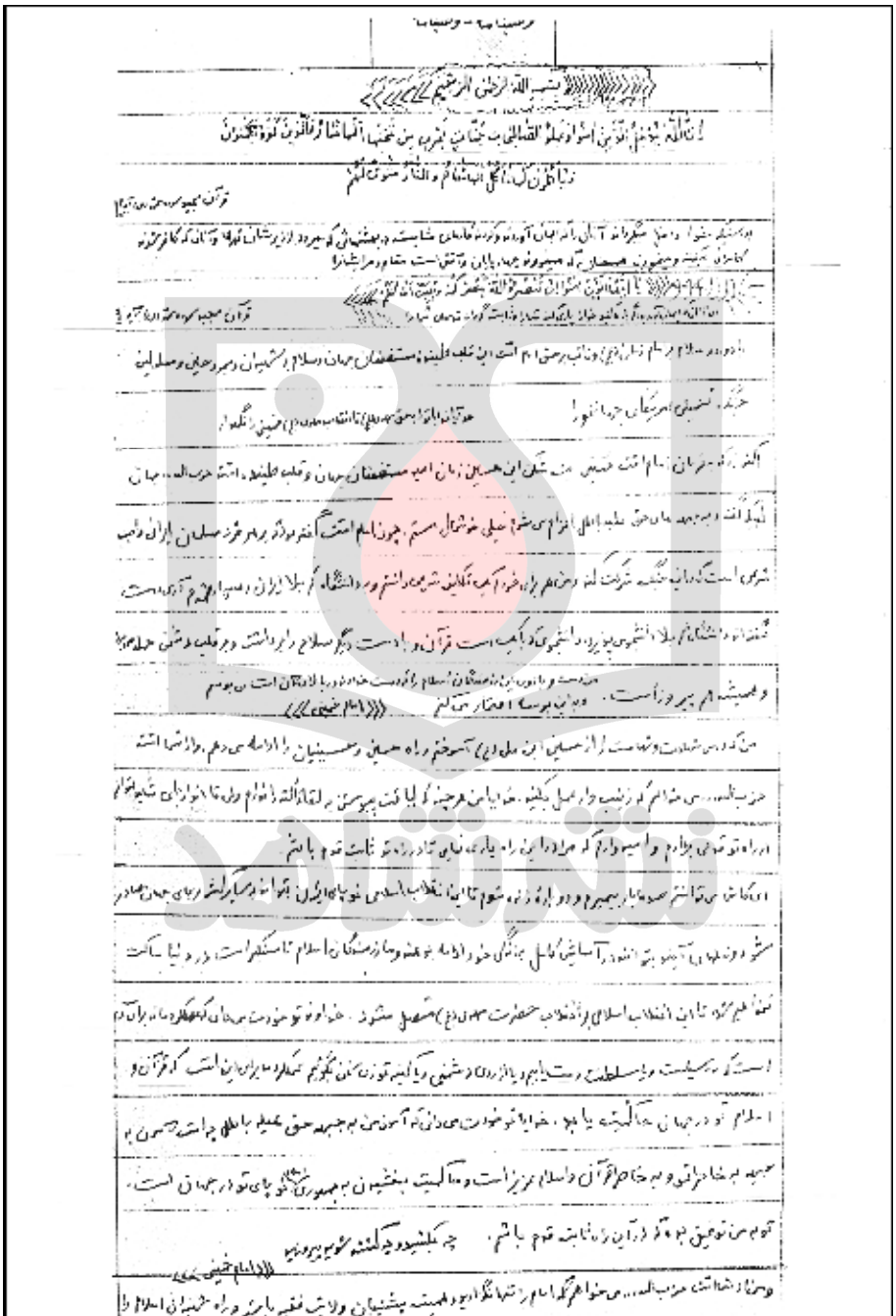

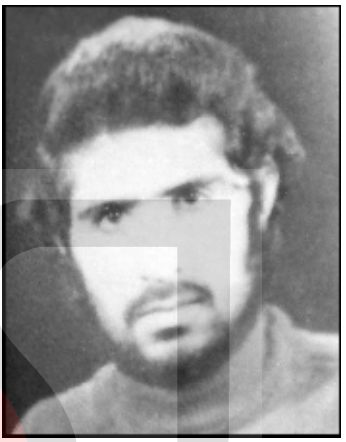

نام: **علی**
نام خانوادگی: **عبدی**
نام پدر: **سهراب**
نام مادر: **گل‌ننه**
تاریخ تولد: **هفتم مهر 1335**
محل تولد: **روستای اوماسلان از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم اردیبهشت 1361**
محل شهادت: **گیلانغرب سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای امام حسین(ع) گرمی**

عبارت‌های کلیدی

- می‌روم تا بار دیگر پاسداری از انقلاب را در بعدی دیگر آغاز کنم.
- من درس شهادت را از آموزگار شهادت امام حسین(**7**) آموخته‌ام.
- شماها باید فرامین و نصایح پیرجماران را مو به مو اجرا کنید و قدر این نعمت الهی را بدانید و در نمازهایتان این رهبر گرانمایه را دعا کنید.
- از یادتان نبرید زیرا دشمنان ما از وحدت و اجتماع مسلمانان به وحشت افتاده و می‌ترسند و هیچ موقع مبارزه با منافقان و ضد انقلابیون و مبارزه با دشمنان اسلام را از یادتان نبرید.
- این وجودی که ما داریم خداوند به ما داده است و باید آن را در راه خودش بکار ببریم و دوباره به طرف او برگردانده شویم «ما از آن خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت».
- ای مادر قهرمان آفرین بر شما. آفرین بر شما که شیری حلال به من دادی و آفرین بر شما که مرا اینطور تربیت کردی تا توانستم حق مادریت را با عمل نشان بدهم.
- به این مکان مقدس آمده تا با دشمنان اسلام و قرآن جهاد بکنم.
- مادر مهربان بگویید بارالها تو را شکر که یک قربانی هم در راه اسلام و قرآن از ما قبول کردی.
- پدر بزرگوارم، ای مرد با ایمان ای پیر مؤمن سلام من بر شما باد.

علی عبدی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه علی عبدی

ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت (شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی[2])

«**إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ**»[3].

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران این ابراهیم زمان و حسین دوران و با درود به روان پاک شهیدان گلگون‌کفن کربلای حسینی و کربلاهای ایران و با درود فراوان به معلولین جنگ حق علیه باطل.

ای خوشا با فرق خونین[4] در لقای یار رفتن
سر جدا پیکر جدا در محضر دادار رفتن

قاموس شهادت چه دریاهای بیکرانی از معنویات که دل عاشقان الله را به هیجان آورده و آنان در صراطی مستقیم که می‌راند امیدوارتر و پای بر جای‌تر می‌کند.

«جهاد دری است از درهای بهشت»[5] (علی(**7**)).

دشمنان انقلاب ما بی‌توجه به وجود شهادت در مکتب حیات‌بخش اسلام از هر طرف به ما هجوم آورده و بر جنایات [خودشان][6] [می‌افزایند][7] و در این موقعیت طبقه‌ای از طبقهٔ مستضعفان حامی این انقلابند و از این میهن اسلامی و انقلاب اسلامی پاسداری می‌کنند بنابراین من هم می‌روم تا بار دیگر پاسداری از انقلاب را در بعدی دیگر آغاز کنم و در

1- در بالای وصیت نوشته شده: «خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار،61/10/17».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- توبه/ 111. در اصل وصیت «...اموالهم و انفسهم»، ترجمه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است».

4- در اصل وصیت «خونی».

5- ترجمه «انَّ الجهاد بابٌ من ابواب الجنة» (نهج‌البلاغه، خطبه 27، ص 27).

6- در اصل وصیت «خودش».

7- در اصل وصیت «می‌افزاید».

و در کربلایی از کربلاهای ایران به جهاد در راه خدا بپردازیم و در هنگام جهاد به آرزوی نهایی خویش که همانا شهادت است آنهم در راه خدا[1] برسم.

راستی من درس شهادت را از آموزگار شهادت امام[2] حسین (7) آموخته‌ام و نمونه این گونه شهادتها را در دانشگاه جنگ ایران با چشمان خویش دیده‌ام و شکر خدای را که به من چنین بینشی عطا کرد تا اینکه حق را از باطل تشخیص داده و الان برای نابودی باطل کارزار می‌کنم.

اگر باشد قرار آخر بمیرم — نمی‌خواهم که در بستر بمیرم
نمی‌خواهم که همچون شمع سوزان — بریزم اشک و در آخر بمیرم
همی خواهم که در فصل جوانی — برای یاری رهبر بمیرم

«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»

توصیه‌ای[3] دارم به پدرم و برادران و خواهران حزب‌الله.

شماها باید فرامین و نصایح پیر جماران[4] را مو به مو[5] اجرا کنید و قدر این نعمت الهی را بدانید و در نمازهایتان این رهبر گرانمایه را دعا کنید و از خداوند تبارک و تعالی طول عمر رهبر مستضعفان را خواستار باشید. و رفتن و شرکت کردن در نمازهای جمعه و نمازهای جماعات را از یادتان نبرید زیرا دشمنان ما از وحدت و اجتماع مسلمانان به وحشت افتاده و می‌ترسند و هیچ موقع مبارزه با منافقان[6] و ضد انقلابیون و مبارزه با دشمنان اسلام را از یادتان نبرید با کارهایتان و عملهایتان و جنگ کردنتان به دشمن بفهمانید که اسلام دینی است انسان‌ساز و هر کس به این دین روی آورد اسارت ندارد

1- در اصل وصیت «خد».
2- در اصل وصیت واژه «امام» از قلم افتاده است.
3- در اصل وصیت «توسعه‌ای».
4- ر. ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «موبه موبه».
6- ر. ک. تعلیقات.

یعنی «مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد»[1] سرلوحه این دین مقدس جهاد در راه خدا است و نباید آن را از یاد برد[2] و حالا که بهترین موقع برای امتحان دادن و بهترین موقع برای سنجش [و] دیانت یک مسلمان واقعی می‌باشد تا اینکه با شرکت کردن در میدانهای جنگ و یا با از دست دادن پسر یا برادر و یا کسان دیگر در راه خدا قوت ایمان خود را امتحان بکند.

مرگ با عزت اگر خونین بود بهتر از زندگی ننگین بود

«بهشت زیر سایه شمشیرهاست» (محمد(6)).

و شما ای برادران و خواهران من بعد از مرگ من مبادا ناراحت بشوید یا غمگین باشید این جنگ، جنگ الهی است و جهت آزمایش بندگان مؤمن خدا است که چگونه امانتهای الهی را تحویل می‌دهید «جنگ جنگ است و عزت و شرف ما در گرو همین مبارزات می‌باشد»[3] (امام خمینی).

این وجودی که ما داریم خداوند به ما داده است و باید آن را در راه خودش بکار ببریم و دوباره به طرف او برگردانده شویم «ما از آن خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت»[4] چه خوب باشد چه بد حالا بهتر این است در راه او جهاد کنیم و در میدان کارزار کشته شویم و اینطور به طرف او برگردیم آیا این بهتر نیست چرا؟ به گفته امامان از همه مردان، شهید والاتر است. هم در این دنیا هم در آن دنیا مقامش محترم می‌باشد پس ای برادران و خواهران من اگر من در این راهی که می‌روم که همانا جهاد می‌باشد اگر کشته شدم در سوگ من غمگین و ناراحت نباشید فقط خدا را شکر کنید و امام را دعا کنید و از دعاهای کمیل و توسل دست برندارید و ای خواهر حجاب تو از خون من کوبنده‌تر است اگر

1- در آثار امام خمینی چنین عبارتی نیست اما نزدیکترین عبارت امام این است «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است». (صحیفه امام، ج13، ص187).

2- در اصل وصیت «بر».

3- صحیفه امام، ج 13، ص 243.

4- بخشی از آیه 156 سوره بقره. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

می‌خواهی مرا یاد کنی با حجابت یاد کن تا من حتی در آن دنیا هم [افتخار][1] به وجود شما فرزندان پاک افتخار کنم.

آفرین بر مادرم چون داد شیری را حلال تا کنم جان را فدا در راه قرآن با جلال
مادرم زحمت کشیدی در حدود بیست سال آفرین ای مادر صابر نمودی تربیت را با ملال

مفتخر باشم هم این دنیا هم آن دنیا وجود این‌چنین مادر که حقّا[2] مادرم فرزند پاک فاطمه باشد

ای مادر قهرمان آفرین بر شما. آفرین بر شما که شیری حلال به من دادی و آفرین بر شما که مرا اینطور تربیت کردی تا توانستم حق مادریت را با عمل نشان بدهم احسن بر شما ای مادر با ایمان من امیدوارم فرزندان دیگرت را هم مثل من تربیت بکنی و مانند لیلا[3] هر تک تک آنان را به میدان نبرد با دشمنان اسلام به مبارزه بفرستی مادرم یادت هست به بنده در رژیم طاغوت گفتی پسرم اگر راه اسلام را در پیش نگیری[4] و همیشه طرفدار حقّ و حقیقت نباشی شیرم را برای تو حلال نخواهم کرد و من نیز با اطاعت از شما مادر مؤمن و با بدرقهٔ چهره خندان شما به این مکان مقدس آمده تا با دشمنان اسلام و قرآن جهاد بکنم و اگر در این جهاد کشته شدم مبادا ذره‌ای از غبار غم و اندوه را به دل پاکت راه بدهی و ای مادر مهربان بعد از مرگ من مبادا همیشه سیاه پوش[5] شوی چون شما باید افتخار کنید و سجده شکر بجای بیاورید و بگویید بارالها تو را شکر که یک قربانی هم در راه اسلام و قرآن از ما قبول کردی. مثل سایر مادران شهدا صبور باش. تا شما یک الگویی باشی در بین مادران و به آنها درس بدهی که راه حق و حقیقت همین است باید یک فرزندی پاک بوجود آورد و آن را در راه خدا قربانی داد. مادرم گریه نکن، باز می‌گویم مادرم اگر پسرت را دوست می‌داری گریه مکن و نگذار برادران و خواهرانم گریه کنند خنده را جایگزین

1- در اصل وصیت واژه «افتخار» اضافی است.
2- در اصل وصیت «حقی».
3- ر. ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «پیشگر نگیری».
5- ر. ک. تعلیقات.

گریه بکنید و در مجلس سوگ من با چهرهٔ خندان با میهمانان برخورد کن تا سایرین از شما درس عبرت بگیرند.

«إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولَئِکَ یَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ»[1].

«به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند و آنان که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نمودند اینانند که امید به رحمت پروردگار خود دارند».

پدر بزرگوارم، ای مرد با ایمان ای پیر مؤمن سلام من بر شما باد. ای شخصی که قوّت ایمانت را من می‌دانم و ای کسی که پسرت را با چهرهٔ خندان روانهٔ میدان مبارزه کردی و شادمان برگشتی و ای کسی که همیشه درس اسلام‌شناسی به ما می‌آموختی و می‌گفتی فرزندان من همه از این دنیا رفتنی هستند و انسان باید کاری بکند تا اینکه در آن دنیا پیش پیامبرش جای گیرد نه اینکه کاری کند در دوزخ به آن جای دهند و ای آنکه همیشه به ما از جهاد و نماز و شهادت می‌گفتی خدا همه شما را اجر بدهد انشاءالله. و حالا که فرزندت را روانه میدان کارزار کرده‌ای و در آیه فوق خداوند مقام جهاد کنندگان را تعیین[2] می‌نماید چه راه و چه مقام خوبی است پدر جان حالا منِ گنهکار به این فریضهٔ الهی دست یافته‌ام و در این مکان مقدّس به سربازان امام زمان(عج) پیوستم اگر در این جهاد مقدّس کشته شدم بعد از مرگ من شما باید غمگین نباشی و شما با طرز رفتارت در پیش جنازهٔ پسرت حسین‌وار بایست و هیچ عکس‌العمل دیگری از خودت نشان مده شما باید افتخار کنید که بارالها من چنین فرزندی ببار آوردم و آن را در راه مبارزه با دشمنان دینت قربانی دادم و بعد از آن اگر احتیاج باشد با سایر فرزندانم نیز حاضر به جهاد هستم باری پدر جان شما باید بعد از مرگ من به مادرم و برادران و خواهرانم درس مقاومت یاد بدهی و نگذاری آنها در سوگ من گریه بکنند و خودت نیز صبور باش که «خدا صبر کنندگان را دوست می‌دارد»[3].

1- بخشی از آیه 218 سوره بقره. در اصل وصیت «یرجعون».

2- در اصل وصیت «تأئین».

3- بخشی از آیه 146 سوره آل عمران. «وَاللَّهُ یُحِبُّ الصَّابِرِینَ».

باری پدر جان بعد از کشته شدن پسرت در میدان جهاد و مبارزه آن بلبلی که من گنهکار آن را در قفس کرده‌ام آن بلبل بهار ندیده را از قفس آزاد کن تا اینکه زندگی تازه‌ای را از سرگیرد و چون پدرش با ما آشتی نکرده به هر قیمت و به هر طریقی که شد با میرحمدالله[1] آشتی کن تا اینکه بعد از مرگ من آن بیچاره بتواند به خانهٔ پدرش برود و امکان دارد خودش میل نداشته باشد که از خانهٔ ما برود ولی نگذار مدّت زیادی در خانهٔ ما بماند چون جوان است و بالاخره احتیاج به زندگی دارد بوسیله امام جمعه یا بوسیله فرماندهٔ سپاه پاسدارن ایشان را دوباره به پدرش تحویل بدهید مبادا ایشان را در خانه خودت نگهداری و یا خودت او را به شوهر بدهی باید ایشان به خانهٔ پدرش برگردد هرچقدر خودش بخواهد بگذار در خانه بماند ولی به مدت چند سال. خلاصه این مسئله را حل کن.

ای همسر خوب و مهربانم سلام و درود فراوان بر شما که واقعاً یک فرد شایسته‌ای هستی و امیدوارم در آن دنیا از یاران زینب(**3**)، اولیاء و فاطمه(**3**) نامزد حضرت قاسم[2](**7**) جدا نیفتی و با آنها محشور[3] بشوی ای زنی که در مدت زندگی با من هیچ از لذت دنیا خبردار نشدی و یک بار هم لااقل نگفتی تا کی خون دل خوردن. من واقعاً شما را تأیید می‌کنم که شما یک زن با ایمان و مبارز هستید و امیدوارم همیشه مبارز باشید همسر عزیزم اگر همسرت در جهاد با کافران و در راه خدا کشته شد هیچ‌وقت غم و غصه نکنی خداوند عالم بر تمام اعمال [و] کردار ما ناظر و آگاه است خدا هرچه بخواهد آن می‌شود اگر من از این سفر برنگشتم شما [هر]چقدر در خانه می‌مانی بمان هیچ کس مزاحم شما نیست و به پدرم نوشته‌ام که شما را بوسیله امام جمعه و فرماندهٔ سپاه پاسداران به خانه خودتان ببرند سعی کن مقاومت خود را که تا این لحظه نگه‌داشته‌ای همیشه نگه‌داری ضعفی از خودت نشان مده و بعد از مدتی به خانهٔ پدرت برگرد تا زندگی تازه را از سر بگیری و همیشه پشتیبان انقلاب و پشتیبان و ادامه‌دهندهٔ راه زینب(**3**) باش این دنیا

1- در اصل وصیت «حمداله».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «مشهور».

دنیای فانی است همه رفتنی هستند ولی مسأله‌ای که در پیش است[1] این است که وقتی ما دو تا همدیگر را خواستیم و با خواست خودمان ازدواج کردیم پدرت با ما آشتی نکرد و امکان دارد این مسأله شما را ناراحت بکند که من چطور دوباره به آن خانه برگردم آری یک انسان مسلمان و مؤمن باید هرگونه زجر[2] و شکنجه و سختی را در راه خدا بکشد و قبول کند خدا انسان را با هر نوع و به هر وسیله‌ای به امتحان می‌کشد باید صبور باشی و استقامت از خودت نشان بدهی و امتحان الهی را با کشیدن رنج و فشار قبول بکنی بعد از مرگ من از این وصیت‌نامه یک برگ فتوکپی بردار و همیشه با خودت نگهدار و یکی را به دخترم زهرا بده و به او درس مبارزه را یاد بده و وقتی بزرگ شد پیرو ولایت فقیه باشد ای همسر محترم حجاب تو از خون من کوبنده‌تر و استقامت تو از استقامت من برتر می‌باشد همیشه حجاب خودت را حفظ کن.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام»

این بود وصیت‌نامه اینجانب عبدالعلی عبدی

1- در اصل وصیت «هست».

2- در اصل وصیت «ذجر».

۶۱/۱۰/۱۷

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

وصیت نامه

ما دینگان مه تنگان تدرت (دشمن نظدم کتب الله حق)

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم باان لهم الجنة

یادمرد فرزندان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران ابراهیم زمان و همنوردان و یاورد بدران پاکدین شهیدان گلگون کن کربلای همیشی کربلاهای ایران و یادمرد خوبان شب جمعه بیاد

ای همرشما با توان خونی — در لحای یار رفتن

موجدا پیکر جدا — در حضور دادار رفتن

تا دمی شهادت مه دریاچه ای بی کرانی از محبت که دل عاشقان الله را به هیجان آورده و آنان را در حوالی خستگی ناپذیر امیدوار و برای جهاد بی امان می کند

جهاد در راه خدا پرارزش ترین کار در تمام دوران زندگی است از دریچه های بهشت علی (ع)

روشنفکران اندک مایی توجه به وجود شهادت در کتاب حیات بخش اسلام از خود نشان داده و با هجوم آورده به عرصه های مختلف فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه ما نقش مؤثری ایفا کرده اند و با استفاده از این اختناق و در این عصر انقلابی و انقلاب اسلامی پاسداری می کنند

خانواده من هم می رود تا بار دیگر یاری از انقلاب و رهبری دیگر آثار کم و بیش مثبتی از خود بجای گذارد

کربلای ایران با بجا در راه خدا میرایم و در هنگام جهاد به کوری چشمان خودش که

همانا شهادت است گام بر راه حق بردارم

راستی فرمان شهادت را از آموزگار شهادت حسین (ع) آموخته ام و شیوه این گونه شهادتها در راستگاه عشق ایران با چشمان خودش دیده ام و حکم خدایی را که به من

منتی عظیم عطا کرد تا اندکه حق را از باطل دستخوش داده والآن برای ناجوری باطل کارزار می دهم.

اگر باشد تو را آموزیم — نی خواهم که در بزم

نی خواهم که چون شمع سوزان — بزرم اشک در آمیزم

نی خواهم که در محفل جوانی — برای یاری رهبرم

و السلام علیکم و الرحمة الله و برکاته

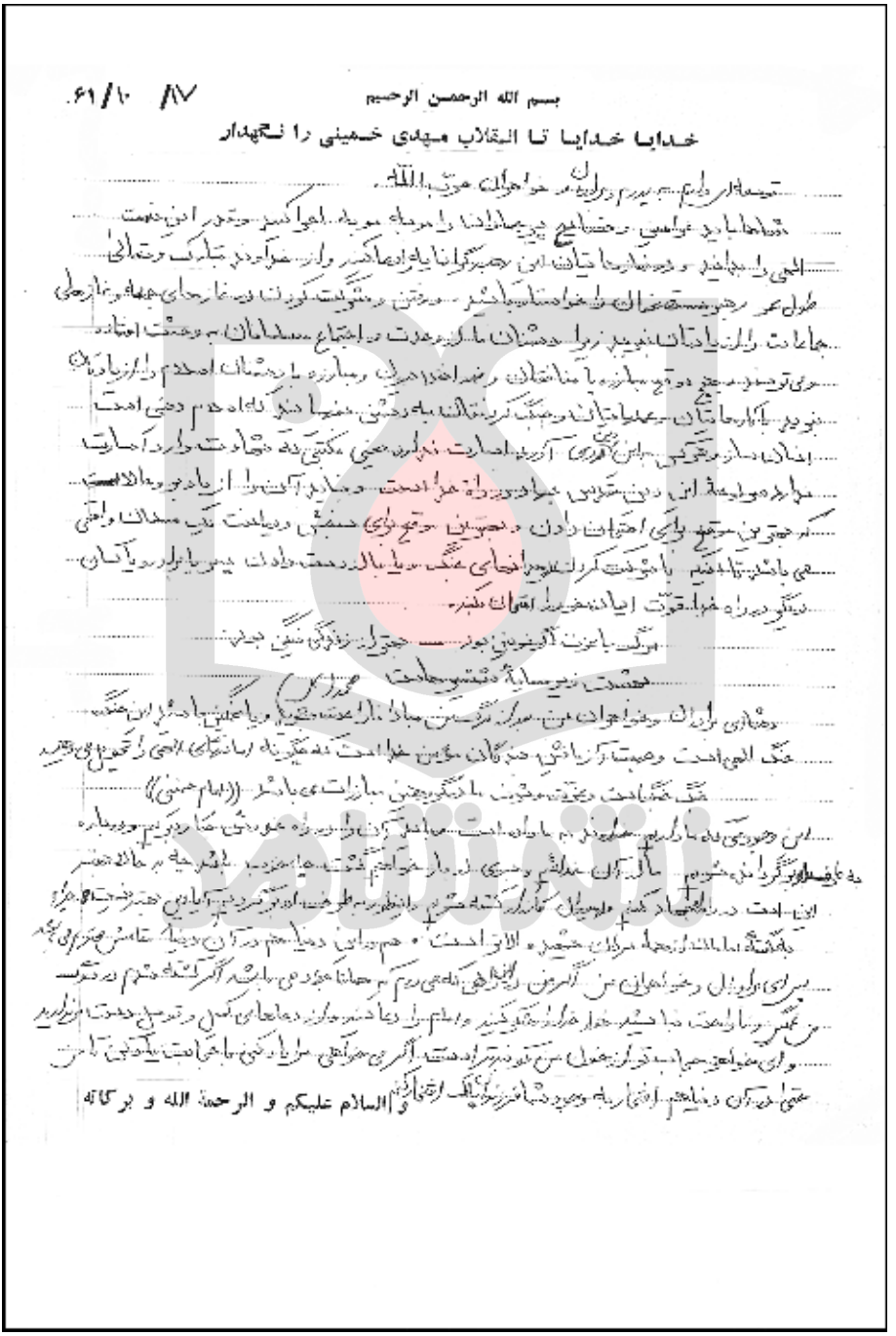

۶۱/۱۰/۱۷

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

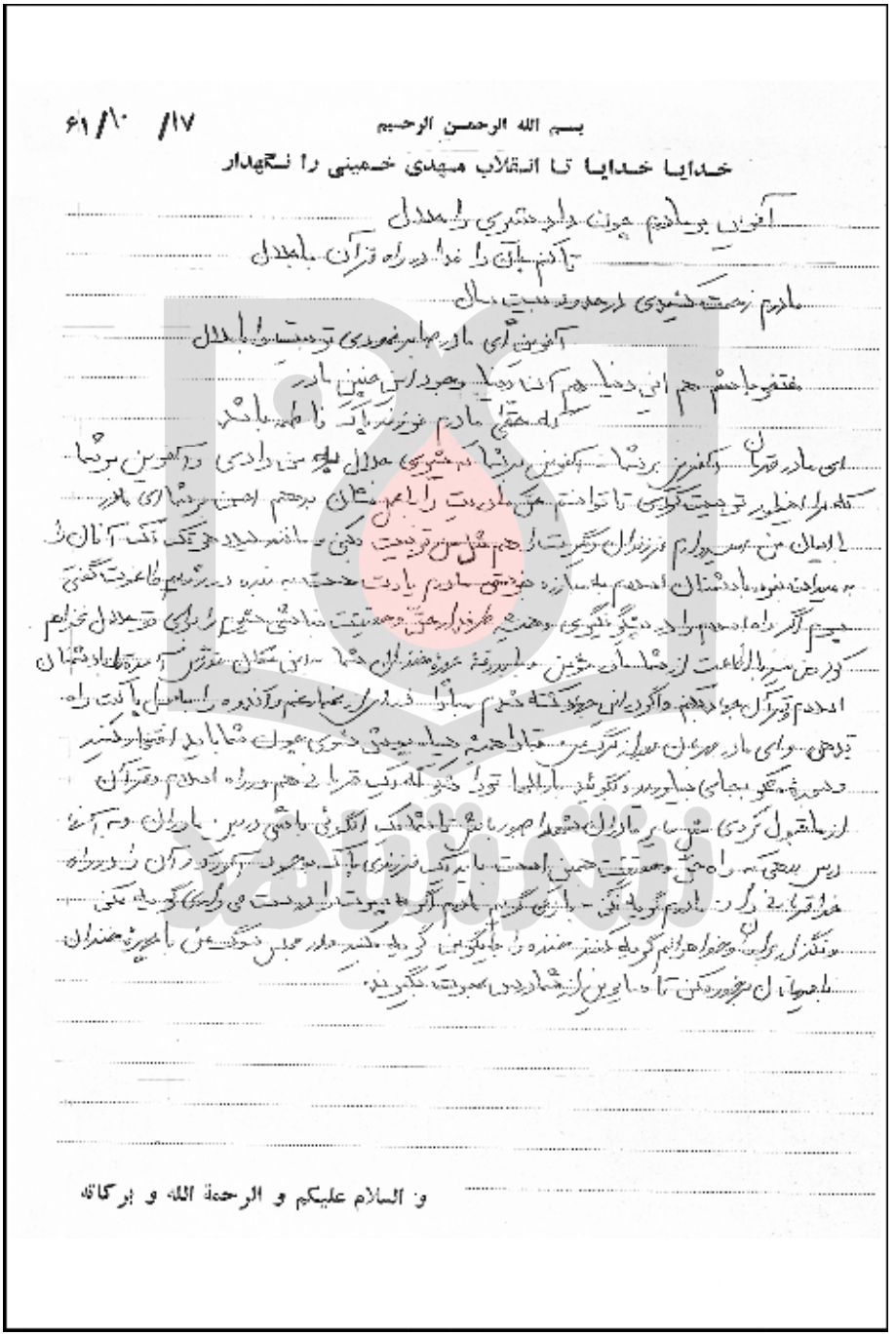

۶۱/۱۰/۱۷

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

آنچنان بزیستم چون دلبر مختاری با عدل
تا کنم جان را فدا در راه قرآن با جدل
مادرم زحمت کشیدی در حدود سی و سه سال
آنچنان آری مادر مهربانی تو بستوه با جدل
مفتخرم هم این دنیا هم آن دنیا بود از این مادر
که حق مادرم نوشد جان تا ظهر با شر

ای مادر قهرمان، دلیر، پرتلاش، کنون برنما که من دادی و دگر این بر شما
که را اخلاص توجیت کردی تا توانستم حق مادریت را با هم شان برجهم امین برنما ای مادر
با ایمان من بس بودم فرزندان دگر تا هم مثل من تربیت دهی و باشند چون تک تک آنان ز
به میدان نبرد با دشمنان اسلام بشتابند و خود نیز با مادرت همچنین شانه به شانه چون
چون گذشته با هم به مبارزه خویش ادامه دهیم یاری حضرت حق را طلبیم و با عزت گوئی

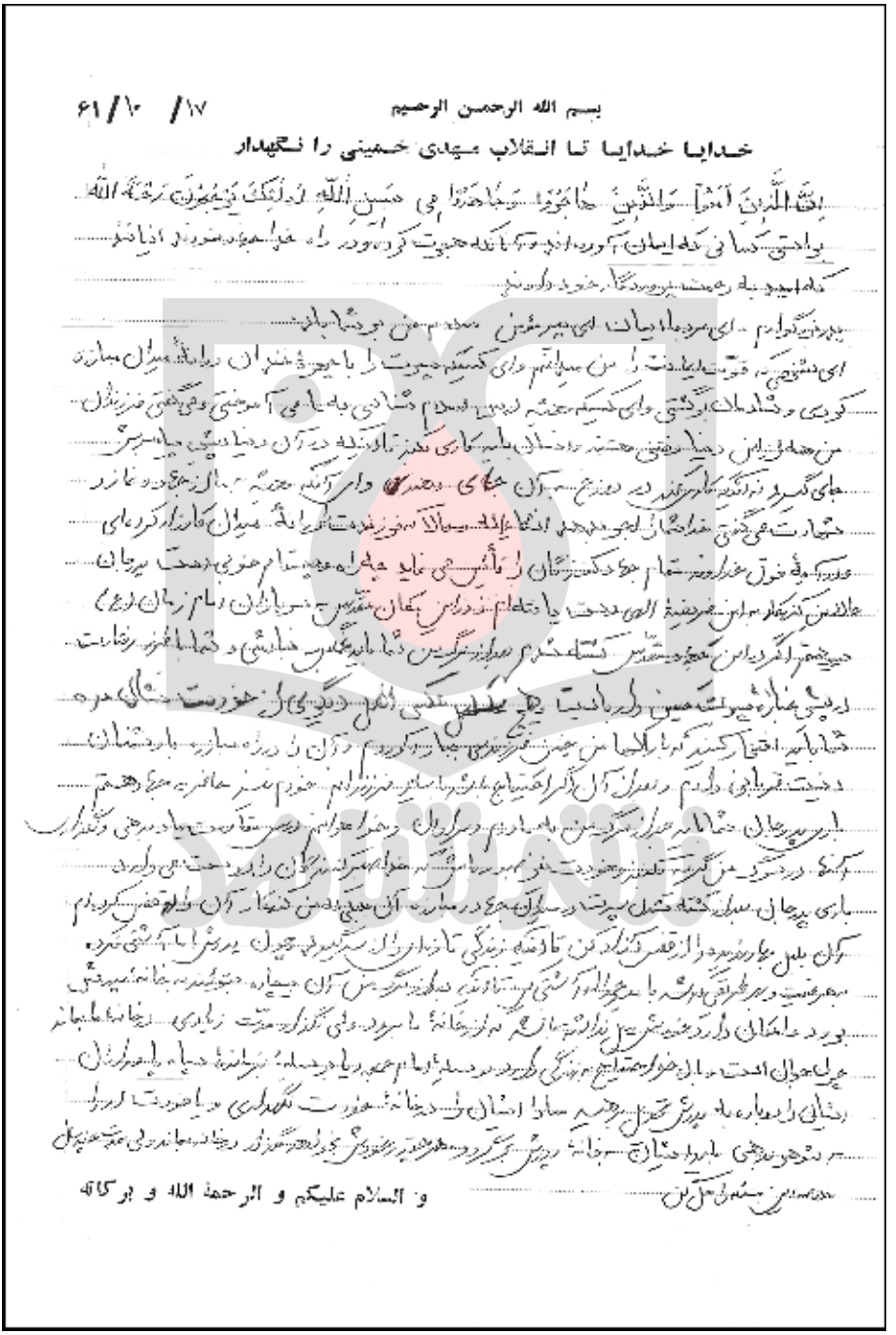

۶۱/۱۰/۱۷ بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۶۱/۱۰/۱۷

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

و السلام علیکم و الرحمة الله و برکاته

نام: **محمود**
نام خانوادگی: **عبدی**
نام پدر: **خیرالله**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **نهم تیر** 1341
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت‌فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- حمد و سپاس بیکران مر جمیلی را که حبیب جمال و غایت مراد و غافر ذنوب، ساتر عیوب و آن دلیل هر برگشته و نهایت کمال است.
- سلام بر سالکان طریق سعادت و شیران روز شیفتگان عبادت و فاتحان قله رفیع هدایت.
- حمد و سپاس خدایی را که جز فضلش امیدی نیست و جز عدلش از هیچ ترس ندارم.
- پناه می‌برم به تو ای خدای مهربان از وسوسه‌های شیاطین و هواهای نفسانی و از جهل و نادانی که ما را در ماسوای تو مشغول می‌دارد.
- انسان صرفاً به خاطر عبادت و بندگی آفریدگارش خلق شده است.
- یکی از زمینه‌ها و بوته‌های آزمایش همین جنگ و جهاد و مسایل جنبی آن است که انسان باید به این سختیها و مشکلات تن دهد و خداوند انسانها را بدینوسیله می‌آزماید.
- خدایا به این بنده مذنب که از ضعیف‌ترین موجودات مخلوق تو می‌باشم، رحم کن و به احترام رسولانت و به مقربان درگاهت ما را از بندگان صالح و با اخلاص قرار ده.
- از مسئولین و امت اسلامی می‌خواهم درباره تربیت نسلهای آینده و بچه‌های خردسال زیاد اهمیت بدهند.

محمود عبدی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِینَ»[2].

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[3].

حمد و سپاس بیکران مر جمیلی را که حبیب جمال و غایت مراد و غافر ذنوب، ساتر عیوب و آن دلیل هر برگشته و نهایت کمال است و صلوات و سلام بر محمد(**6**) و آل او و سراج هدی و ائمه اطهار(**:**) به خصوص بر بقیةالله السلف مهدی موعود(عج) و نایبش روح‌الله‌الخمینی رهبر قافله سالار قله سعادت و سلام بر سوداگران جانان و شوریدگان از عشق محبوب که جز خداوند همه چیز را هیچ انگاشته و به لقاء یار واصل گردیده و به دیار حق شتافته‌اند و نیز سلام بر سالکان طریق سعادت و شیران روز شیفتگان عبادت و فاتحان قله رفیع هدایت و رزمندگان پرتوان اسلام و کفرستیزان جبهه‌های نور و معرفت علیه ظلمت و جهل.

و باز حمد و سپاس خدایی را که جز فضلش امیدی نیست و جز عدلش از هیچ ترس ندارم و جز به حکم او اعتماد ندارم و به غیر او به رشته دیگری چنگ نزنم. ای دارای گذشت و خشنودی[4]، به تو پناه می‌برم از ستم و دشمنی خلق و از دگرگونی‌های روزگار و پی در پی آن و حوادث ناگوار شب و از سپری شدن عمر قبل از آمادگی و توشه‌گیری و تنها از تو استعانت می‌خواهم برای آنچه صلاح و اصلاح من در آن نهفته است که از تو یاری می‌خواهم و پناه می‌برم به تو ای خدای مهربان از وسوسه‌های شیاطین[5] و هواهای

1- در بالای وصیت نوشته شده «وصیت‌نامه محمود عبدی».

2- بقره/ 155. ترجمه «و البته شما را به سختیها بیازماییم چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و صابران را بشارت و مژده بده»، در اصل وصیت «و لبنونکم...النقص...».

3- بخشی از آیه 156 سوره بقره. ترجمه «ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

4- در اصل وصیت «خوشنودی».

5- برگرفته از آیه 4 سوره ناس «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ».

نفسانی و از جهل و نادانی که ما را در ماسوای تو مشغول می‌دارد.

خدایا، من به سوی تو می‌آیم و همان‌طوری که بازگشت همه خلایق به سوی توست و «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**»[1] «و فقط تو را سزاوار ستایش می‌دانم و فقط از تو یاری می‌طلبم». و انسان صرفاً به‌خاطر عبادت و بندگی آفریدگارش خلق شده است.

و خداوند خود می‌فرماید: «**وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**»[2] «و من خلق نکردم جن و انس را مگر که مرا بندگی و پرستش کنند» و بطور کلی بشر بخاطر حق تعالی پا به عرصه وجود گذارده و در این راستا همواره در معرض آزمایش و امتحان قرار دارد و یکی از زمینه‌ها و بوته‌های آزمایش همین جنگ و جهاد و مسایل جنبی آن است که انسان باید به این سختیها و مشکلات تن دهد و خداوند انسانها را بدینوسیله می‌آزماید و نیز از راههای گوناگون آزمایش می‌کند و ارزیابی می‌کند تا به خود انسانها نشان دهد که چگونه می‌توان آزادانه راه سعادت را از راه شقاوت بازیابد و در آن طریق گام بردارد و تا از این مسیر به خزاین نور و معرفت و انسانیت دست یافته و عاقبت به سعادت ابدی نائل گردد.

بار خدایا این بندهٔ عاصی و روسیاه جز عفو و بخشش تو امیدی به کسی یا چیزی یا به اعمال خود ندارم، خدایا [به] این بنده مذنب که از ضعیف‌ترین موجودات مخلوق تو می‌باشم، رحم کن و به احترام رسولانت و به مقرّبان درگاهت ما را از بندگان صالح و با اخلاص قرار ده و ما را از امت حضرت ختمی مرتبت محمد(**6**) و از شیعیان علی(**7**) و از یاران با وفای امام حسین(**7**) قرار بده و ما را در روز قیامت با آنان محشور[3] بدار خدایا، به عزت و جلالت قسمت می‌دهم ما را در دنیا و آخرت از نعمتهای بیکران خود بی‌نصیب مفرما و ما را نزد اولیایت روسیاه مگردان و در صفوف رهروان طریق خود و در جوار رحمت خویش جای ده.

خدایا گر چه در زندگی و حیاتم نتوانستم وظیفه یک عبد واقعی و خالص را بجای آورم و حتی بصورت جزئی، ولی تو بیش از آنچه تصور می‌شود بزرگ و رحمانی و بسیار

1- فاتحه/ 5.

2- الذاریات/ 56.

3- در اصل وصیت «مشحور».

بسیار بخشنده هستی. تو خود می‌دانی که من برای جلب رضای تو به این مکان مقدس قدم گذاشته‌ام و نیز عشق به لقای تو ما را به این دیار کشیده است و این عشق و ایثار را از اباعبدالله‌الحسین(7) آموخته‌ایم، بار خدایا، محبت پیامبر و اهل بیت او را در قلبهای ما بجوشان تا شیرینی شهادت را خوب درک کنیم.

از ملت بزرگوار می‌خواهم هر کس که توفیق جهاد در راه خدا را پیدا کرد خود را به این دیار عاشقان الله برساند و از مسئولین و امت اسلامی می‌خواهم دربارهٔ تربیت نسلهای آینده و بچه‌های خردسال زیاد اهمیت بدهند و آنان را تحت لوای اسلام به بزرگ‌ترین سرمایه‌های عالی انسانیت برسانند و بدانید زندگی کردن برای خوشی و لهو و لعب پوچ است و طبق فرمودهٔ قرآن زندگی دنیا لهو و لعب بیش نیست و سعادت هر دو جهان با مال و ثروت و مقام بدست نمی‌آید، بلکه همان راهی که ائمه اطهار(:) انتخاب کرده‌اند و آن صراط مستقیم است، عمل کردن به وظیفه که از طرف خداوند تعیین شده و فرایض و واجبات است که انسان را نجات می‌دهد. البته من کوچکتر از آنم که به کسی پیام و توصیه‌ای بنمایم ولکن از باب یادآوری ذکر نمودم. خدایا، تو خوب می‌دانی که من از صالحین نیستم ولی اُحبُّ الصالحین هستم و این صفات پسندیده و کسانی را که مزیّن به آن هستند دوست می‌دارم. باری پدر و مادر عزیزم بنده بی‌چیز نتوانستم آنچه وظیفه خودم بود ادا نمایم از این جهت خیلی خیلی عذر می‌خواهم و عاجزانه می‌خواهم مرا حلال کنید، به خصوص مادر مهربانم امیدوارم که در سرای دیگر همدیگر را در آغوش بگیریم. بالاخره از تمام خویشاوندان و دوستان بخواهید که مرا حلال کنند و از خدا بخواهند که گناهانمان را بیامرزد و در دعاهای خود ما را فراموش نفرمایند. خواست این بنده کوچک در این آخرین لحظات زندگی این است که در زندگی صبور و متّقی و آزاده باشید و برای تحقق آرمان جمهوری اسلامی و طول عمر امام عزیزمان دعا کنید.

«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»

الحقیر المذنب محمود عبدی

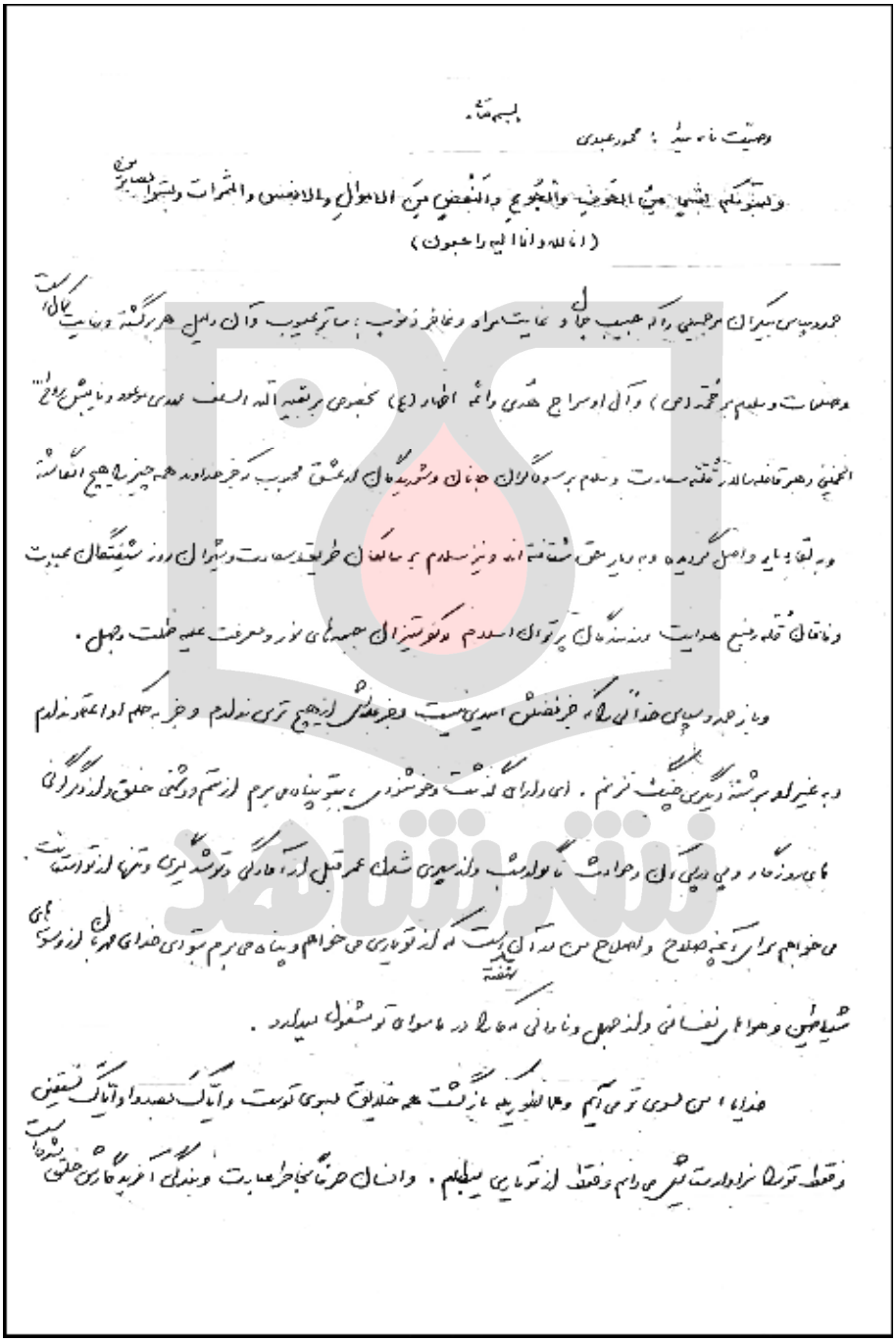

بسم الله

وصیت نامه : محمود عبدی

ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرین

(انا لله وانا الیه راجعون)

حمد و سپاس بیکران مر خدایی را که حبیب جان و غایت مراد و ناظر قلوب ، ساتر عیوب و آن دانای هر پوشیده و نهایت کمال

و صلوات و سلام بر محمد (ص) و آل او سراج هدی و ائمه اطهار (ع) خصوص بر بقیه الله الاعظم مهدی موعود و نایب برحق

الحجتی و هر ناطق بالحق تحیت سعادت و سلام بر سروران جهان و شهیدان ره عشق محبوب که جز خداوند هیچ چیز را هیچ انگاشته

و به لقاء یار واصل گردیده و در راه حق شتافته اند و نیز سلام بر سالکان طریق سعادت و پیران روشن ضمیر که محبت

و ناقان قافله هدایت در سنگر ان پر توان اسلام و کوشیدن در جبهه های نور و معرفت عمیق ظلمت و جهل .

و باز حمد و سپاس خدائی را که فرضش امید بیست و فرعدش از هیچ ترس ندارم و جز به حکم او اعتماد ندارم

و به غیر او بر شانه دیگری خیمه نزنم . ای دارای گذشت و خوشنودی ، تو پناه های بزرگ از ستم و دشمنی خلق و لذتهای گذرای

های روزگار و بی وفایی آن و عادت ما و لذت و لذتهای شدن عمر قبل از آنکه گذشت و توشه گیری و من از تو استعانت

می خواهم برای تهذیب و اصلاح من در آنچه که از تو داریم می خواهم و پناه می برم تو ای خدای مهربان از وسوسه های

شیطان و هوا و نفسانی و لذتهای دنیا که ما را در ماسوای تو مشغول میدارد .

خدایا ، من سوی تو می آیم و با توبه بازگشت به خلایق پشت کرده و آنگاه تصدا و آنگاه تشفین

و فقط تو را سزاوار است شکر می دانم و فقط از تو یاری میطلبم . و آنان که از جاده عبادت و بندگی تو منحرف گشته اند از خلق شرمسار است

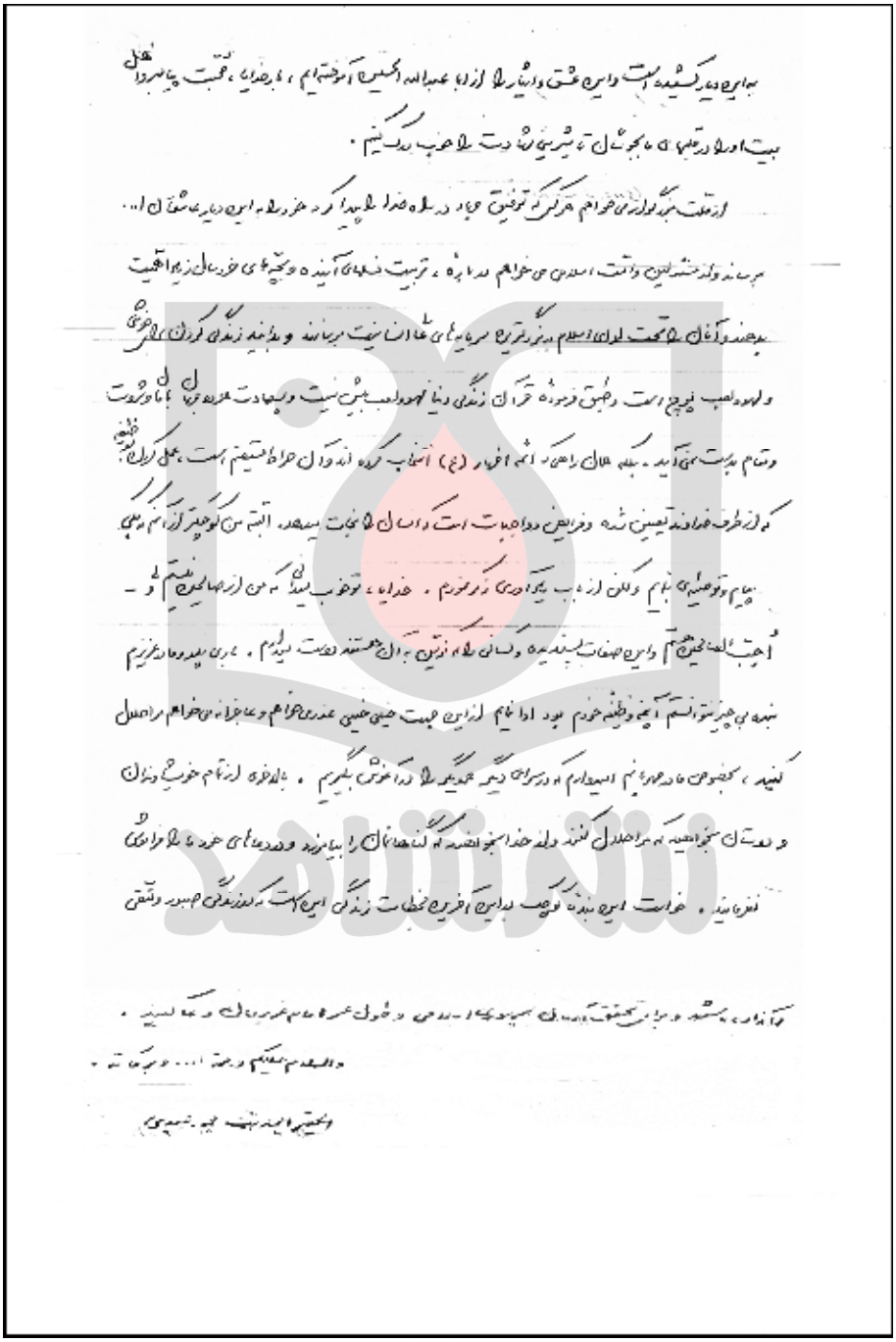

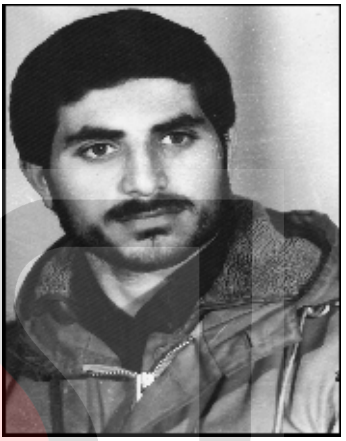

نام: **یوسف**
نام خانوادگی: **عبدی**
نام پدر: **ایماش**
نام مادر: **جواهر**
تاریخ تولد: **ششم آبان 1339**
محل تولد: **روستای تازه‌کند از توابع شهرستان پارس‌آباد**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ویکم فروردین 1361**
محل شهادت: **بازی‌دراز**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا به ما توانایی و فهمیدن و یا رساندن امدادهای خود را نسبت به انقلاب اسلامی عنایت بفرما.
- خداوندا به ما توفیق ده که فکر و اندیشه روح و ذهن و تمام جهان را همواره برای فکر کردن به تو صرف کنیم.
- بار خدایا در این لحظه که وصیت‌نامه را می‌نویسم در خط مقدم جبهه با قلب پاک و منزه عاشقانه در انتظار پیوستن به تو هستم.
- پروردگارا اگر لیاقت شهادت داشته باشم نصیبم بفرمایید.

یوسف عبدی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

خدایا به ما توانایی و فهمیدن و یا رساندن امدادهای خود را نسبت به انقلاب اسلامی عنایت بفرما و این پاسدار پیر جماران[2] ابراهیم زمان خمینی بت‌شکن را برای ادامه راه انبیاء نگه‌دار. خداوندا به ما توفیق ده که فکر و اندیشه روح و ذهن و تمام جهان را همواره برای فکر کردن به تو صرف کنیم و از فکرهای غلط و مادی به دور باشیم تا نور هدایت تو را ببینیم و عاشقانه و با آغوش باز و شهادت خود به طرف تو حرکت نماییم بار خدایا در این لحظه که وصیت‌نامه را می‌نویسم در خط مقدم جبهه با قلب پاک و منزه عاشقانه در انتظار پیوستن به تو هستم ممکن است به این سنی که رسیدم گناه کرده باشم و از راه تو منحرف شده باشم. ای ارحم‌الراحمین[3] خودت در کتاب مقدس قرآن گفتی که «هر کس توبه کند می‌بخشم»[4] من هم به عنوان یک مخلوق تو از درگاهت می‌خواهم که گناهان مرا ببخشی و مرا به راهت که همان راه صراط مستقیم است هدایت کنی پروردگارا اگر لیاقت شهادت داشته باشم نصیبم بفرمایید. وصیتی که برای خانواده خود دارم به ترتیب زیر می‌باشد:

1- [...][5] از اقساط [...][6] سهمیه من در بانک کشاورزی می‌باشد و از طرف آقا عزیز آقا [...][7] 10 هزار تومان نقداً [...][8] اقساط تراکتور سهمیه ایشان را دادم و تقریباً 2 دو هزار تومان به ایشان بدهکار هستم و به تراکتور [...] شریک می‌باشم قبل از جبهه آمدن تراکتور

1- در اصل وصیت به دست خط شهید بالای وصیت نوشته شده «در مورخه 61/1/18».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «ارحمن الراحمین».

4- ترجمه بخشی از آیه 82 سوره طه است «وَإِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَاب»

5- خوانا نیست.

6- خوانا نیست.

7- خوانا نیست.

8- خوانا نیست.

را با ایشان حساب کردم که 7500 هفت هزار و پانصد تومان بـه مـن بـدهکار اسـت و بـه ایشان هیچ قرضی ندارم و همچنین 7 هفت هزار تومان بعد از عید از بابت فرش بـه فـرش فروش مقروض هستم و 1320 هزار و سیصد و بیست تومان هم به بـرادر سـتار اصـغرزاده بدهکارم و به مدرسه راهنمایی [...][1] چهارصد یا پانصد تومان بدهکارم و [...][2] تومـان هـم به صغرا بدهکارم. غیر از اینها به هیچ‌کس بدهکار نیستم.

2- اگر به شهادت برسم تمام حقوق دریافتی من به همسرم می‌رسد تـا بدینوسـیله زنـدگی خود و فرزندانم تأمین شود و خود او [...][3] شرعی [...][4] مدت معینی می‌تواند ازدواج نماید در صورت ازدواج حقوقم به ایشان قطع و به مادرم داده شود کـه فرزنـدانم را اول خـدا و دوم ایشان سرپرستی نماید و از همسرم گل‌بس در اینجا تقاضا دارم که مرا حلال نماید.

3- تراکتور و خرمن‌کوب و تمام امـوالی کـه در خانـه هـست و همچنـین زمـین مزروعـی سهمیه بنده در صورت ماندن همسرم در خانـه مـی‌توانـد طبـق مـوازین شـرعی از بـرادرم یعقوب عبدی دریافت نموده و زندگی نماید در غیر اینصورت تمام مـوارد گفتـه شـده بـه مادرم داده شود.

شهید یوسف عبدی

بسمه‌تعالی

این وصیت‌نامه را خودم در تاریخ 61/1/18 [...][5]

«والسلام»

یوسف عبدی

61/1/18

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

و از داماد عزیزم می‌خواهم و استدعا دارم که این وصیت‌نامه را [نزد] خود نگه‌دارد.

یوسف عبدی

61/1/18

4- طبق موازین شرعی مبلغ [...][1] تومان از کلیه اموال اینجانب جهت خرج و مخارج برداشته شود.

یوسف عبدی

61/1/18

نشر شاهد

1- خوانا نیست.

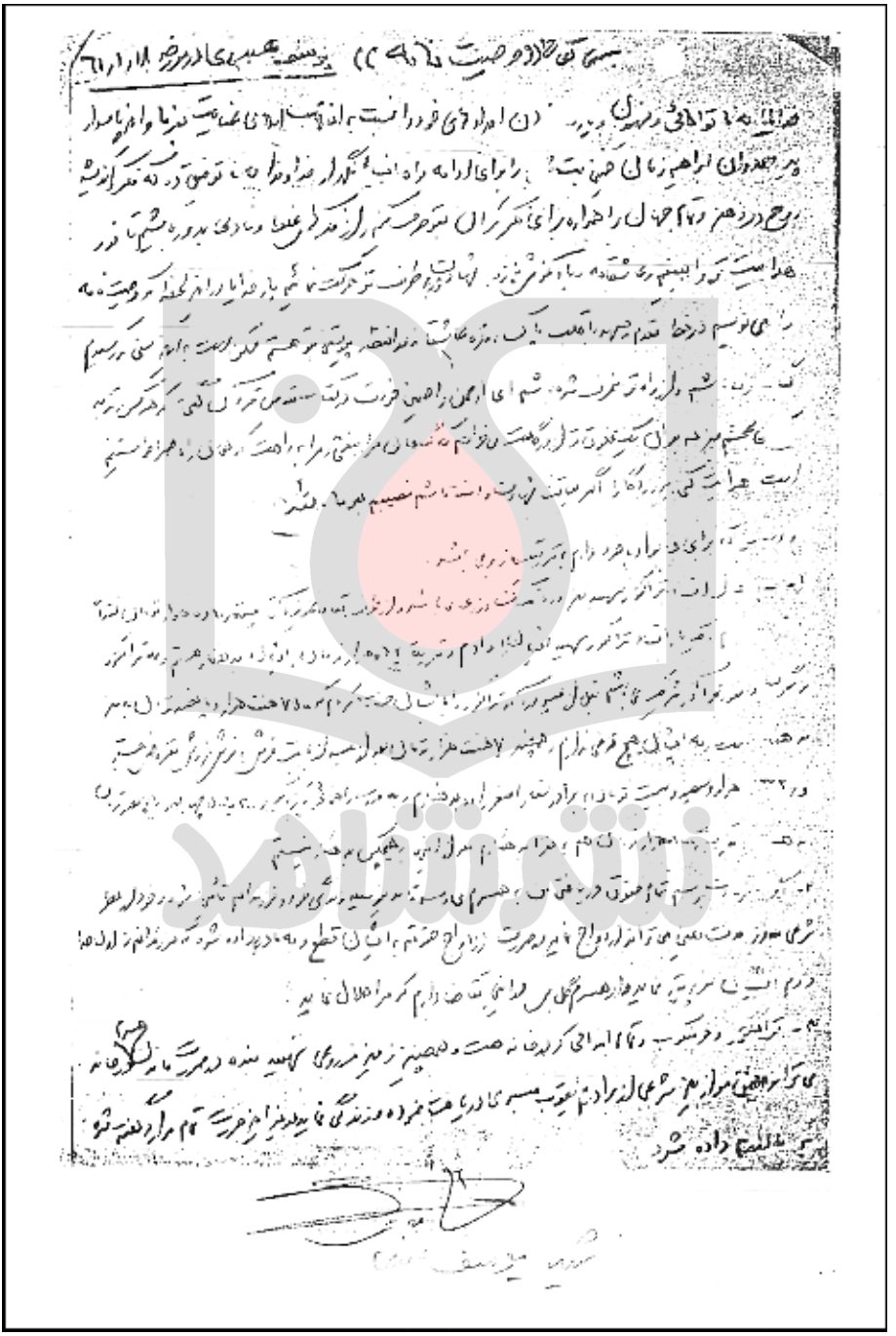

نشر شاهد

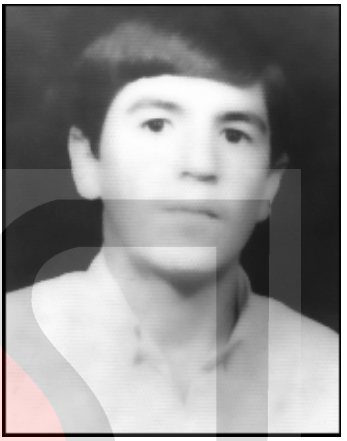

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **عبدی‌خانقاه**
نام پدر: **شیرینعلی**
نام مادر: **خانم**
تاریخ تولد: **دوم خرداد 1350**
محل تولد: **روستای خانقاه‌بفراجـرد از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهفتم دی 1366**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت:-
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من حالا که در حال نوشتن وصیت‌نامه هستم مقصودی جز خدا و برنامـه حـق او را بـه خـاطر ندارم و نمی‌خواهم درباره مسایل دیگر فکری کنم.
- مادر جان خواهش می‌کنم که در سـوگ و عـزاداری مـن گریـه [و] زاری مکـن چـون مـن راه علی‌اکبر(**7**) امام حسین(**7**) را رفته‌ام.
- به مرگی عزت‌آفرین دست یافته‌ام و به این نعمت ارجمند الهی شکرگزارم.
- از کلیه آشنایان تقاضا دارم که در مجلس من برای من گریه نکنند بلکه شادی کنند.
- من برای عزت و عظمت مکتب و مملکت به جبهه رفته و آماده شهادت شده‌ام.
- تقاضا دارم که در پر کردن سنگر شهدا کوشا باشید.
- از برادران و خواهران دینی‌ام عاجزانه تقاضـا دارم کـه در حفـظ حجـاب و نگـاه خودشـان کـه حاصل خون هزاران هزار شهید است دقت کنند.

حسین عبدی‌خانقاه[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه شهید حسین عبدی از عاشقان حسین‌ابن‌علی(7) و یاران امام امت خمینی کبیر.

هر قطره از خون شهید می‌ریزد به جای آن رزمنده برمی‌خیزد

سلام بر کلیه به خون‌خفتگان پهنه‌های میدان نبرد، سلام بر دلاورمردان سنگرهای توحید، سلام بر لبیک‌گویان حسین(7) و سلام بر سربازان و پاسداران و بسیجیان جان برکف که برای پاسداری از حرمت خون شهدا با قلبی پاک و بی‌آلایش در میدانهای نبرد و جنگ دلیرانه می‌جنگند[2]. من حالا که در حال نوشتن وصیت‌نامه هستم مقصودی جز[3] خدا و برنامه حق او را به خاطر ندارم و نمی‌خواهم درباره مسایل دیگر فکر می‌کنم فقط می‌خواهم چندی وصیت بنویسم که مورد توجه خویشان و آشنایان قرار گیرد.

در درجه اول از پدر عزیزم که حدود هفده سال برایم زحمت کشیده حلالیت می‌طلبم و از مادر مهربانم که شب‌های طول درازی برای شیر دادن به من بیدار مانده است عاجزانه تقاضا دارم که مرا حلال کند. و برادران عزیزم که بزرگتر از من هستند حلالیت می‌طلبم.

بالاخره[4] از کلیه آشنایان تقاضا دارم که در مجلس من برای من گریه نکنند بلکه شادی کنند و مادر جان خواهش می‌کنم که در سوگ و عزاداری من گریه [و] زاری مکن چون من راه علی‌اکبر[5](7) امام حسین(7) را رفته‌ام در این راه به مرگی عزت‌آفرین دست یافته‌ام و به این نعمت ارجمند الهی شکرگزارم که نصیب بنده‌ای از بندگان ایزد یکتا گردیده است.

1- در بالای وصیت به دست خط شهید نوشته شده «66/9/14».

2- در اصل وصیت «می‌جگنده».

3- در اصل وصیت «جزه».

4- در اصل وصیت «بلاخرة».

5- ر. ک. تعلیقات.

پدرم همواره پوزش[1] می‌طلبم[2] که مرا ببخشید[3] و حلالم کنید[4] چون من برای عزت و عظمت مکتب و مملکت به جبهه رفته و آماده شهادت شده‌ام.

و شما ای برادرانم ضمن این که از شما حلالیت می‌خواهم باز تقاضا دارم که در پرکردن سنگر شهدا کوشا باشید و در آخر از برادران و خواهران دینی‌ام عاجزانه تقاضا دارم که در حفظ حجاب و نگاه خودشان که حاصل خون هزاران هزار شهید است دقت[5] کنند.

خداحافظ شما

حسین عبدی

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «پوذش».
2- در اصل وصیت «می‌طلم».
3- در اصل وصیت «بخشید».
4- در اصل وصیت «حالم کند».
5- در اصل وصیت «حفظ».

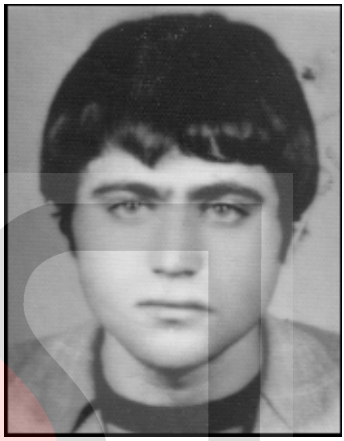

نام: **شمس‌الدین**
نام خانوادگی: **عبدی‌میراشرف**
نام پدر: **اسدالله**
نام مادر: **لطیفه**
تاریخ تولد: **سی‌ام فروردین** 1340
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **سیکل**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم شهریور** 1361
محل شهادت: **مهاباد**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- انسان کشته خواهد شد پس چه بهتر که در راه اسلام و به طور شرافتمندانه شهید شود.
- آرزوی من این است که با فعالیت بیشتر در راه اسلام و قرآن تا آن قدر که توان دارید بکوشید.
- دست از نایب برحق امام زمان(عج) نکشید.
- با این شعار چشم منافقین را کور کنید: خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

نشر شاهد

شمس‌الدین عبدی‌میراشرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه‌تعالی

«خداوند دوستدار جنگاورانی است که در راه او صف بسته و چون دژ نفوذناپـذیری در راه او نبرد می‌کنند»[1].

انسان کشته خواهد شد پس چه بهتر که در راه اسلام و به طور شرافتمندانه شهید شود.

پدر و مادرم اگر شهادت افتخار من شد آرزوی من این است که با فعالیت بیـشتر در راه اسلام و قرآن تا آن قدر که توان دارید بکوشید و دسـت از نایـب برحـق امـام زمـان(عـج) نکشید بر سر قبرم گریه نکنید و با این شعار چشم منافقین[2] را کور کنید: خـدایا، خـدایا تـا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علیکم و رحمةالله برکاته»

شمس‌الدین عبدی

نشر شاهد

1- صف/ 4. ترجمه «إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیَانٌ مَرْصُوصٌ».

2- ر. ک. تعلیقات.

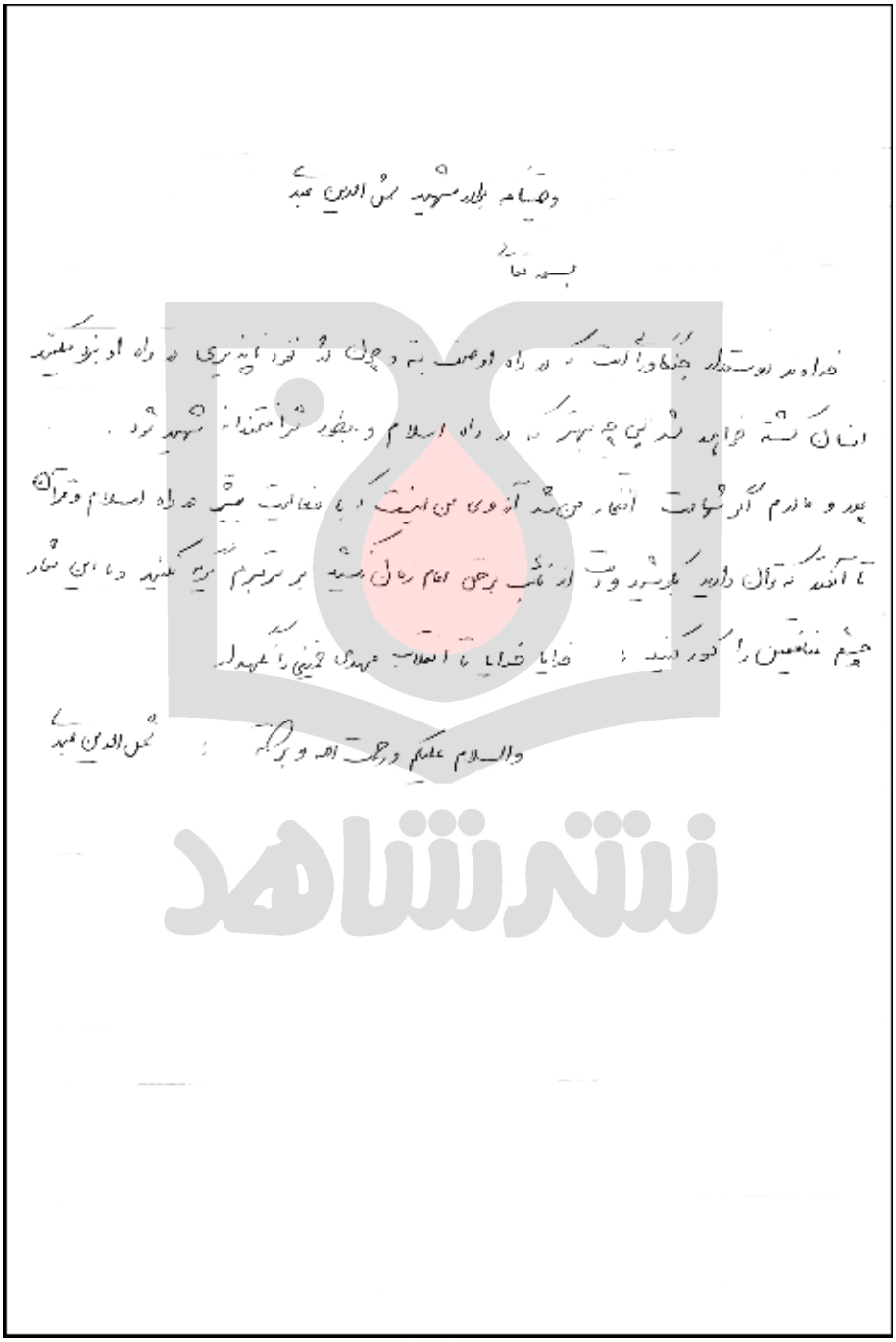

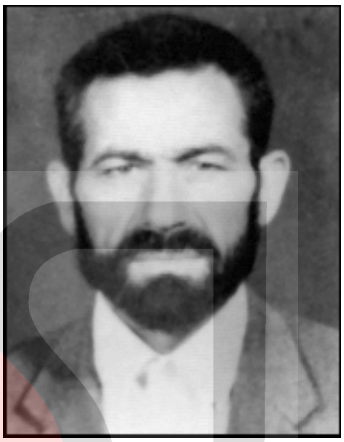

نام: **عبادالله**
نام خانوادگی: **عبدی‌هشتجین**
نام پدر: **کریم‌الله**
نام مادر: **فیروزه**
تاریخ تولد: **دوم دی 1315**
محل تولـد: **روستای هشتجین از توابـع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **سوم اسفند 1362**
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برای کمک به اسلام و حفاظت از کشور اسلامی عازم جبهه حق علیه باطل شدم.
- از فرزندانم می‌خواهم که راه مرا که خدمت به اسلام است ادامه دهند.
- بر همه واجب است که ادامه‌دهنده راه شهیدان باشیم.
- انشاءالله هرچه زودتر پرچم پر افتخار اسلام را بر فراز کربلا و قدس عزیز بزنیم.
- اسلام همیشه پیروز است.

شهرشاهد

عبادالله عبدی‌هشتجین[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسم قاصم‌الجبّارین

اینجانب عبادالله عبدی فرزند کریم به شماره 222 تاریخ تولد 1315 ساکن و متولد هشتجین دستور امام را لبیک گفته و برای کمک به اسلام و حفاظت از کشور اسلامی عازم جبهه حق علیه باطل شده و اموال و دارایی خود را به شرح زیر اعلام می‌دارم یک باب ساختمان و وسایل زندگی که دارم اگر شهید شدم این اموال طبق دستور شرع اسلام بین آنها تقسیم خواهد شد که نام آنها به ترتیب 1- کریم عبدی 2- فرشته عبدی 3- ماهده عبدی 4- مدینه عبدی 4 چهار نفر فرزند وجیحونه حسین‌پور همسر است که به غیر از اینها کسی وارث نداشته که ادعای ورثه نماید. من به کسی قرض ندارم و از کسی هم طلب ندارم و فقط به بانک استان آذربایجان شرقی شعبه هشتجین مبلغ دوازده هزار تومان وام کشاورزی دارم آن هم به یاری خداوند اگر از جبهه سالم برگشتم پرداخت خواهم کرد و گرنه هر چه خدا خواست آن خواهد شد. اگر شهید شدم از فرزندانم می‌خواهم که راه مرا که خدمت به اسلام است ادامه دهند.

«والسلام علیکم و رحمةالله»

عبادالله عبدی[2]

1- در بالای وصیت به دست خط شهید نوشته شده «61/5/18».

2- در انتهای وصیت دو نفر وصیت شهید را گواهی نمودند «مراتب فوق مورد گواهی است(تورج کارگر)، مراتب بالا را گواهی می‌نمایم (محمدباقر حقگو)».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

به نام خدا پاسدار حرمت خون شهیدان

وصیت‌نامه عبادالله عبدی خدمت خانواده[1] محترم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»[2].

«گمان نکنید آنهایی که جهاد در راه خدا کرده‌اند و کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

وصیتی[3] کرده به من عزیز همسنگرم که من شهید اگر شدم بگو تو با مادرم
طلب نماید از خدا سلامت رهبرم گریه مکن مادرم با رفقا می‌روم

با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام و درود بر ارواح مقدس[4] شهدا و با سلام به تمام رزمندگان اسلام که به راستی با دشمن زبون در حال ستیزند.

با سلام و دعای خیر خدمت خانواده[5] و ملت غیور[6] و حزب‌الله مملکت اسلامی ایران، به عنوان یک رزمنده وصیتی[7] کوچک دارم که خدمت شما عرض می‌نمایم.

به نام خدا پاسدار حرمت خون شهیدان

سلام می‌دانیم که این انقلاب با خون شهیدان رشد کرده و تا به حال جوانان زیادی در این راه تقدیم اسلام عزیز که دست‌رنج امام عزیز است داده‌ایم و بر همه ما واجب است که ادامه‌دهنده راه شهیدان باشیم. می‌دانیم که این راه خیلی دست‌انداز دارد عین آن است که یک کشتی نزدیک به ساحل است ولی سوخت آن را هرچه زودتر برسانند زودتر به ساحل

1- در اصل وصیت «خوانواده».
2- آل عمران/ 169. در اصل وصیت «...قتلو فی سبیله».
3- در اصل وصیت «وصیعتی».
4- در اصل وصیت «مقدسه».
5- در اصل وصیت «خوانواده».
6- در اصل وصیت «قیرور».
7- در اصل وصیت «وصیعتی».

می‌رسد فعلاً [ما][1] همه جوانانمان از پیر و جوان [که][2] وظیفه خود می‌دانند باید به جبهه‌ها رو آورند[3] و نگذارند سلاح این پاک شهیدان بجا ماند که خدای ناکرده فردا[4] روز قیامت از یقه[5] ما گرفته و بگویند که ما را به بازی گرفته بودید و آن وقت است که دیگر آب از آسیاب گذشته روزی بر خود آییم و پیرو امام عزیز باشیم که تنها راه نجات در این راه است مردم حزب‌الله کمکهایتان را به جبهه هر[چه] که [در][6] توان دارید زیادتر کنید تا این صدام[7] ابله[8] روزی از بین برود انشاءالله هرچه زودتر پرچم پر افتخار اسلام را بر فراز کربلا و قدس[9] عزیز بزنیم و با امامت امام گرانمایه‌مان[10] نماز جماعت به پا کنیم و این مستکبران [و] ابرجنایتکاران شرق[11] و غرب[12] بدانند که اسلام همیشه پیروز است در آخر دعا به جان امام و رزمندگان [کنید] و [شرکت][13] در برنامه‌های انقلاب و دعای کمیل و نماز جمعه‌ها شرکت کنید تا این انقلاب را همان‌طوری که امام فرموده‌اند [تقدیم][14] [به] صاحب عصرمان(عج) تحویل دهیم. پسر عزیزم کریم عبدی امیدوارم و وصیت[15] می‌کنم به تو که بعد از شهادت من ادامه[16] راه من که انتخاب کرده‌ام بروی دیگر عرض قابلی ندارم خداحافظ.

1- در اصل وصیت «ما» اضافه است.
2- در اصل وصیت «که» اضافه است.
3- در اصل وصیت «آوند».
4- در اصل وصیت «فر».
5- در اصل وصیت «یخه».
6- در اصل وصیت «هر که».
7- ر. ک. تعلیقات.
8- در اصل وصیت «ابلهی».
9- ر. ک. تعلیقات.
10- در اصل وصیت «گرانمایمان».
11- ر. ک. تعلیقات.
12- ر. ک. تعلیقات.
13- در اصل وصیت «شرکت» اضافی است.
14- در اصل وصیت واژه «تقدیم» اضافی است.
15- در اصل وصیت «وصیعت».
16- در اصل وصیت «ادادمه».

خانواده[1] عزیزم[2] وصیت[3] می‌کنم که اول به دستور اسلام مال [و][4] من را بین خانواده‌ام[5] تقسیم کنید ولی به این شرح یک حیاط[6] دارم که مال خودم است و یک مقدار پول در بانک دارم که آن هم مربوط به خودم است مادرم تا آخر پیش خانواده[7] من خواهد ماند و به جز او هیچ کس حقی در مال من نداشته و نباید داشته باشد چون به هیچ کس طلب قرض ندارم اگر زنم تا آخر عمرش پیش خانواده[8] من به سر ببرد از مال من عین یک پسرمان بردارد ولی [اگر] پیش خانواده[9] من نباشد آن وقت به دستور اسلام عمل کنید.

از مال من حیاط و پول که در بانک دارم یک ثلث از آن را برای جلسات من خرج کنید و اگر اضافی بماند بین خودتان تقسیم کنید و [همان‌طور][10] وثیقه مال من را [که][11] همان‌طور که در بالا شرح دادم عین یک سهم پسر که می‌تواند ببرد زنم بردارد و بقیه را بین فرزندان تقسیم کنند. و از آن پول که در بانک دارم چهار هزار تومان به مادرم بدهید.

عبادالله عبدی
1362/11/26

1- در اصل وصیت «خوانواده».
2- در اصل وصیت «عزیم».
3- در اصل وصیت «وصیعت».
4- در اصل وصیت «و» اضافه است.
5- در اصل وصیت «خوانواده‌ام».
6- در اصل وصیت «حیات».
7- در اصل وصیت «خوانواده».
8- در اصل وصیت «خوانواده».
9- در اصل وصیت «خوانواده».
10- در اصل وصیت واژه «همان‌نطور» اشتباه و اضافی است.
11- در اصل وصیت واژه «که» اضافی است.

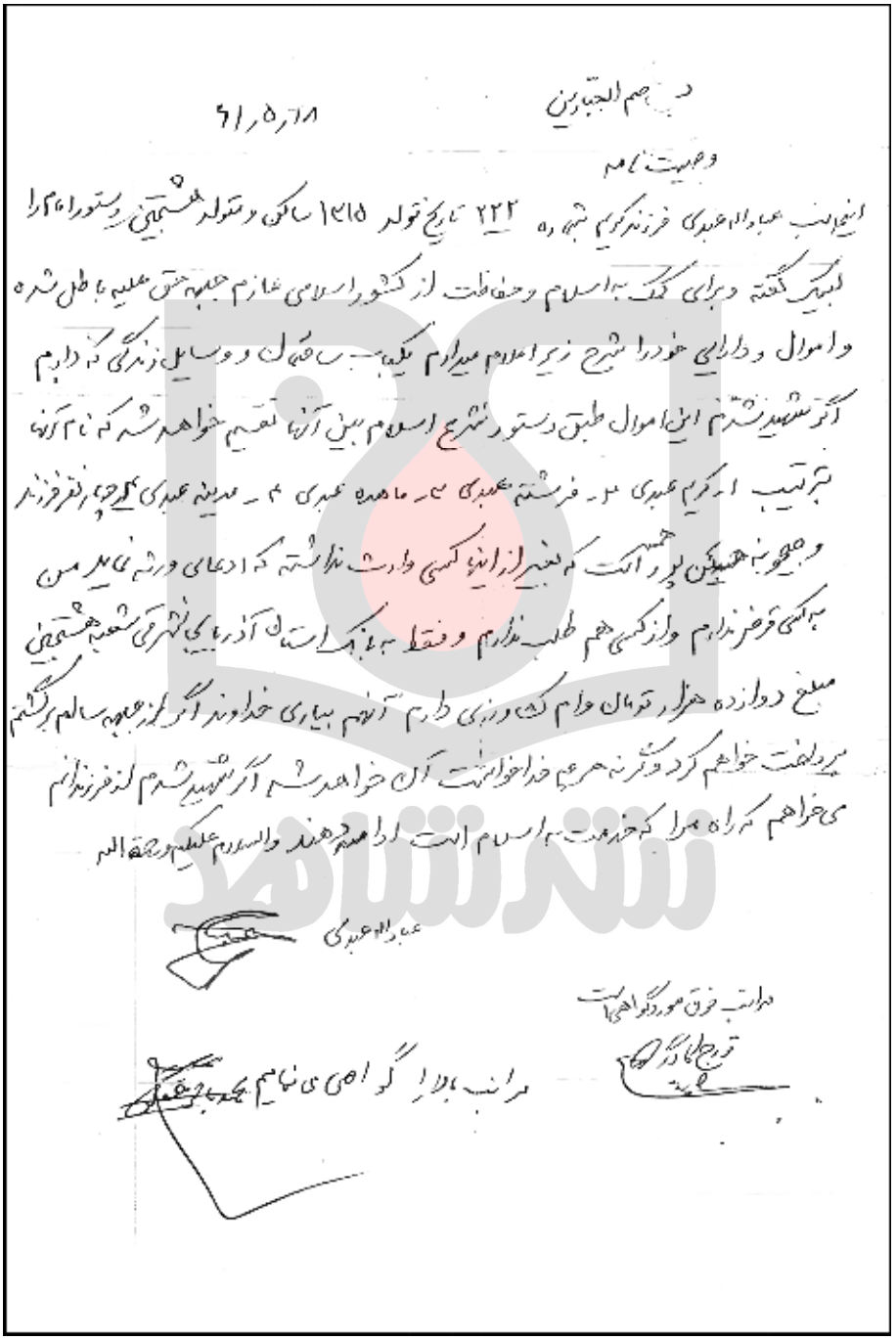

بسم الله الجبارین

۶۱/۵/۱۸

وصیت نامه

اینجانب عبدالله عبدی فرزند کریم شماره ۲۲۲ تاریخ تولد ۱۳۱۵ ساکن و متولد شیبانی دستورات اکیدا را لبیک گفته و برای کمک به اسلام و حفاظت از کشور اسلامی عازم جبهه حق علیه باطل شده و اموال و دارایی خود را شرح زیر اعلام میدارم بگیرید ساعت و وسایل زندگی که دارم اگر شهید شدم این اموال طبق دستور شرع اسلام بین آنها تقسیم خواهد شد که نام آنها بترتیب از کریم عبدی ۲ - فرشته عبدی ۳ - ماهده عبدی ۴ - مدینه عبدی که چهار فرزند و همچو بنا هستند پدر است که غیر از اینها کسی وارث نداشته که ادعای ورثه بنماید من هیچکسی قرضدارم و از کسی هم طلب ندارم و فقط به بانک استان آذربایجان شعبه شیبانی مبلغ دوازده هزار تومان وام کشاورزی دارم انشاالله بیاری خداوند اگر از جبهه سالم برگشتم پرداخت خواهم کرد و گرنه هرچه خداخواست آن خواهد شد اگر شهید شدم که فرزندانم می خواهم که راه مرا که خدمت به اسلام است ادامه دهند والسلام علیکم ورحمة الله

عبدالله عبدی

شهادت فوق مورد گواهی است

قریحه کارگر

شهادت بالا را گواهی می نمایم

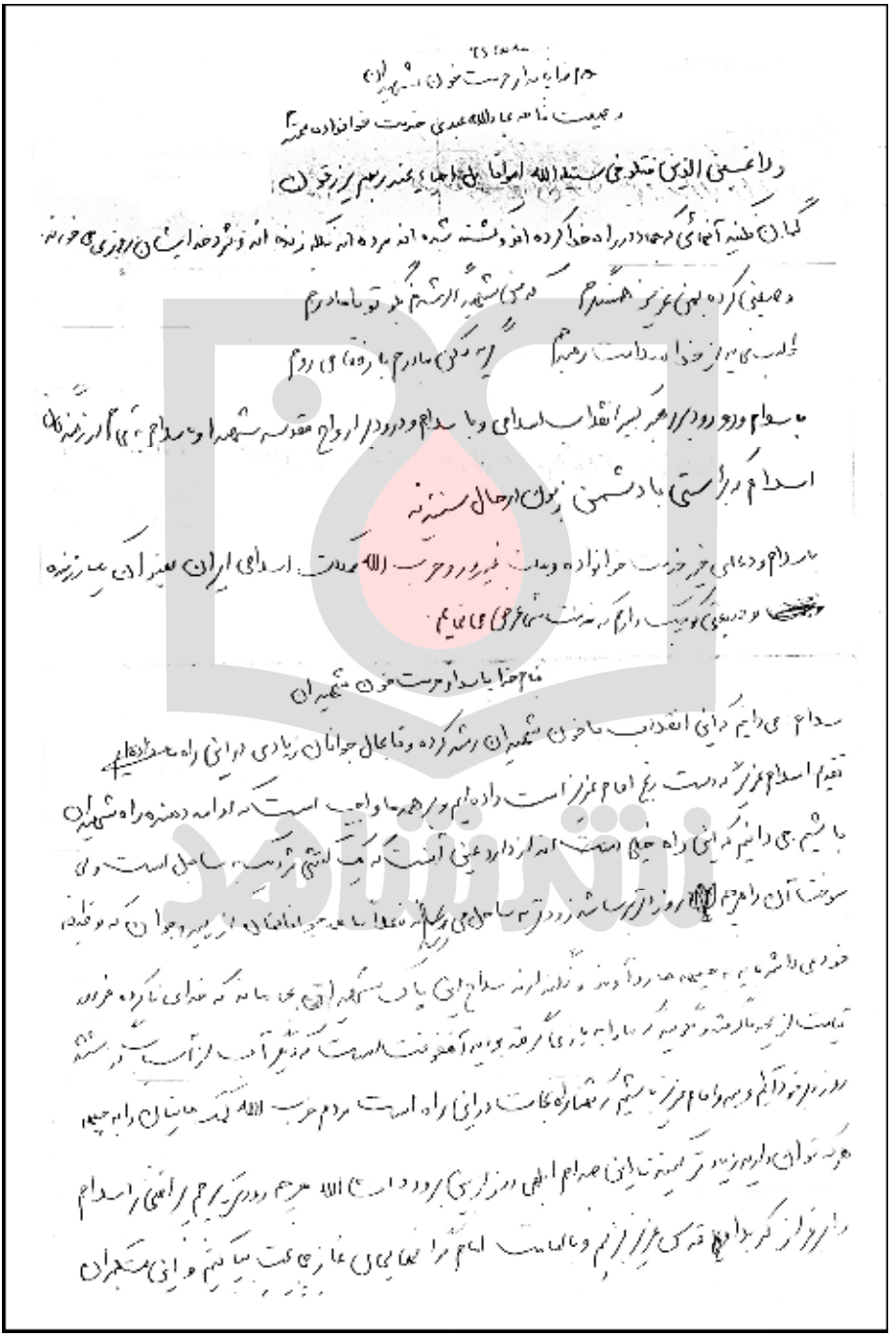

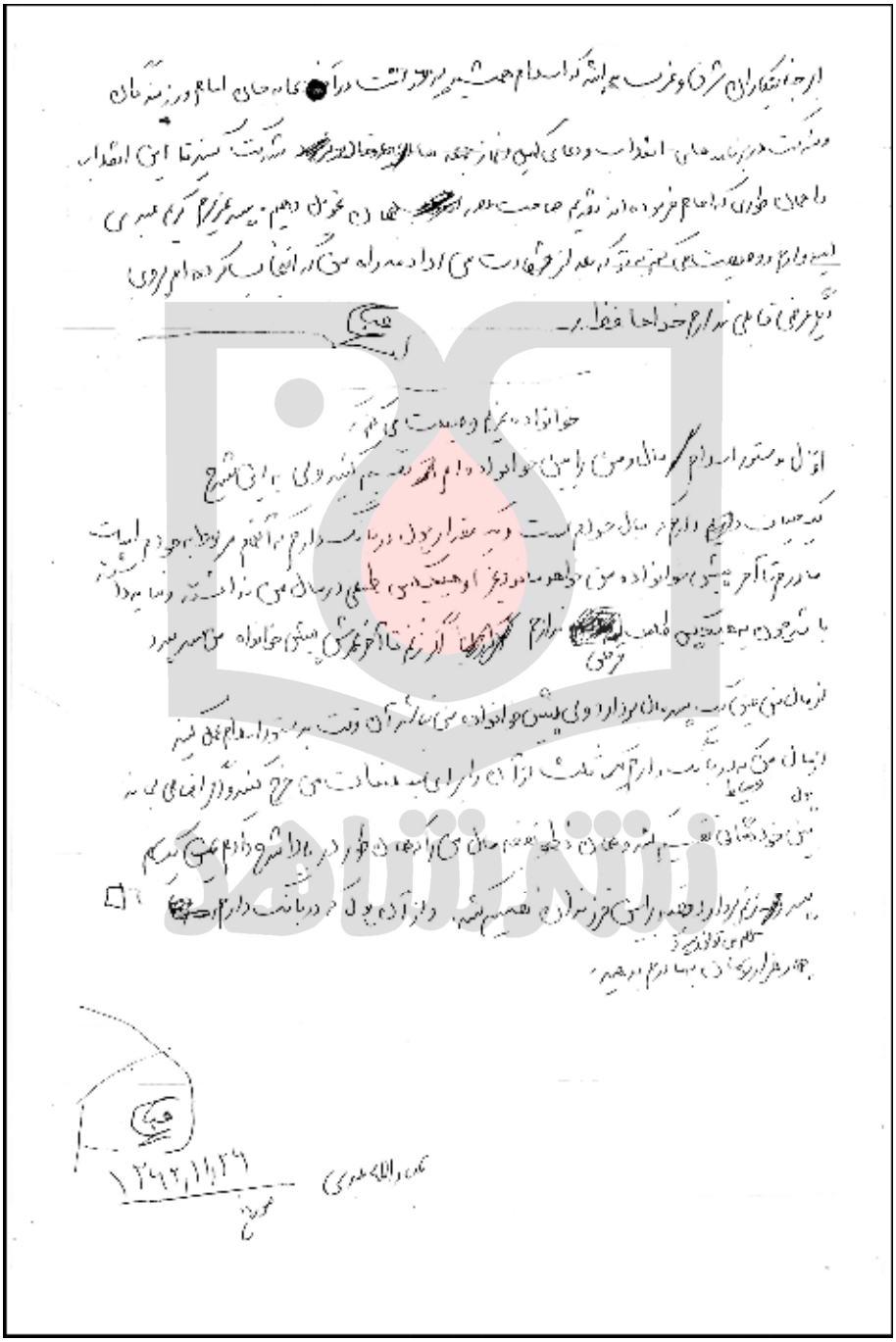

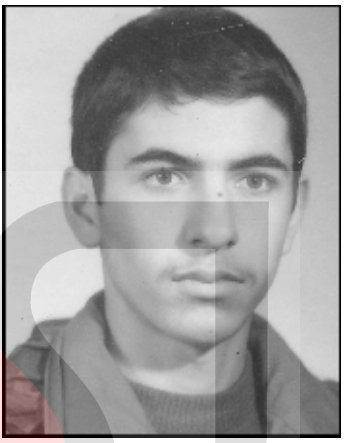

نام: **رجب**
نام خانوادگی: **عدلی‌ساری‌نصیرلو**
نام پدر: **محمدباقر**
نام مادر: **عادله‌خانم**
تاریخ تولد: **دوم آبان 1346**
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم اسفند 1365**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت‌فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بار الهی از فرصتی که نصیب من کردی و مرا در این آزمایش شرکت دادی بسیار به درگاهت شکر گزارم.
- از اینکه توانستم در صف جهادگران راه خودت باشم بسیار خرسندم.
- خدایا تو خود شاهد باش که می‌خواهم رضای ترا جلب کنم.
- ای اهل خانواده، از شما می‌خواهم همیشه به یاد خدا باشید.
- همه کارهایتان برای رضای خدا باشد تصمیم‌هایتان برای خدا باشد سخن‌هایتان نگاه‌هایتان فکر کردن‌هایتان برای رضای خدا باشد.
- بدانید که اسلام تنها راه نجات و سعادت است همیشه به یاد خدا باشید و فرامین خدا را عمل کنید و اهمیت زیاد به نماز و دعاها بدهید که راه سعادت و توشه آخرت است و اگر اینگونه باشید رستگارید.

رجب عدلی‌ساری‌نصیرلو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه بنده گنه‌کار رجب عدلی

چه حیف است انسان در بستر بمیرد.

«**وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ**»[1]. (قرآن کریم)

«و هرگز مرده حساب نکنید شهیدان در راه خدا را بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

درود پاک خداوند بر سید المرسلین، خاتم النبیین حضرت رسول اکرم محمدبن عبدالله(**6**) و خاندان پاک و مطهرش.

خدایا چگونه وصیت‌نامه بنویسم در حالی که سراپا نقص و نافرمانی و گناهم، گرچه از رحمت و بخشش تو ناامید نیستم ولی ترسم از این است که نیامرزیده از دنیا بروم.

خدایا می‌ترسم رفتنم خالص نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم (یارب العفو) بارخدایا از تو می‌خواهم بر تمام جرایم و گناهانم قلم عفو بکشی و مرا ببخشی[2].

بارالهی از فرصتی که نصیب من کردی و مرا در این آزمایش شرکت دادی بسیار به درگاهت شکرگزارم و از اینکه توانستم در صف جهادگران راه خودت باشم بسیار خرسندم. خدایا تو خود شاهد باش که می‌خواهم رضای ترا جلب کنم، چرا که تو چقدر دوست داشتنی هستی که نفهمیدم و آنچنان‌که شایسته است ترا بشناسیم و ترا عبادت کنیم نشناختم و عبادت نکردم.

آه چقدر لذت‌بخش است انسان آماده باشد برای دیدار ربّش ولی چه کنم تهیدستم و دست خالی هستم خدایا قبولم کن. ای عاشقان اباعبدالله(**7**) بایستی شهادت[3] را در آغوش گرفت گونه‌ها بایستی از حرارت و شوقش سرخ شود و ضربان قلب تندتر بزند.

1- آل‌عمران/ 169. در اصل وصیت «...قتلو...».

2- در وصیت تایپی «بخششی».

3- در وصیت تایپی «شهدات».

یاران، برادران و خواهران و ای اهل خانواده، از شما می‌خواهم همیشه به یاد خدا باشید و همه کارهایتان برای رضای خدا باشد تصمیم‌هایتان برای خدا باشد سخن‌هایتان نگاه‌هایتان فکر کردن‌هایتان و موضعگیری‌هایتان برای رضای خدا باشد و خلاصه لحظه، لحظهٔ عمرتان برای خدا باشد. بدانید که اسلام تنها راه نجات و سعادت است همیشه به یاد خدا باشید و فرامین خدا را عمل کنید و اهمیّت زیادی به نماز و دعاها بدهید که راه سعادت و توشه آخرت است و اگر این‌گونه باشید رستگارید در این جا از همه کسانی که شاید در طول زندگیم آنها را رنجانده‌ام می‌خواهم مرا حلال فرمایند و نیز اگر کسانی فرصتی دارند برای من یس[1] بخوانند و برای من طلب مغفرت نمایند.
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

اجرکم عندالله
رجب عدلی
[2]65/10/4

نشر شاهد

1- یکی از سوره‌های قرآن کریم است.
2- در پایان وصیت‌نامه تایپی آمده است: انجمن اسلامی پایگاه مقاومت شهید احمدی (فاطمیه) و خانواده شهید.

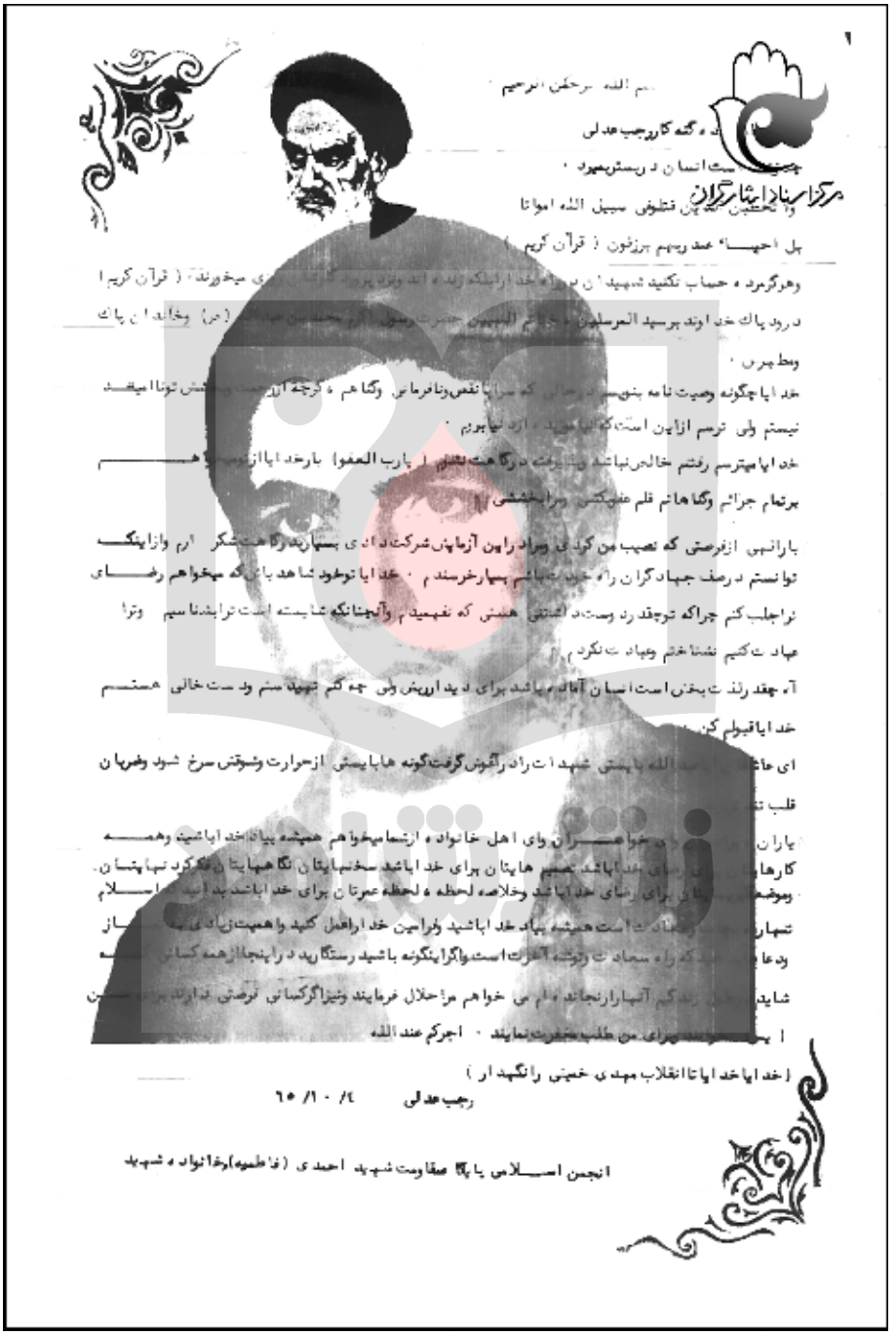

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] گنه کار رجب عدلی

[illegible] است انسان در بستر بیمار ...

[illegible] فقط وفقط سبیل الله اموالنا

بل احیاء عند ربهم یرزقون (قرآن کریم)

وهرگز مرده حساب نکنید شهیدان بر راه خدا را بلکه زنده اند ونزد پروردگارشان روزی میخورند (قرآن کریم)

درود پاک خداوند پرسید المرسلین و خاتم النبیین حضرت محمد بن عبدالله (ص) وخاندان پاک

وعطهرین .

خدایا چگونه وصیت نامه بنویسم در حالی که سراپا نقص ونافرمانی وگناهم گرچه از [illegible] بیشتر توانا میشد

نیستم ولی ترسم ازاین است که [illegible] از دنیا بروم .

خدایا میترسم رفتنم خالص نباشد و [illegible] درگاهت نشوم (یارب العفو) یارخدایا از [illegible] گناهم

برتمام جرائم وگناهانم قلم عفو بکش ومرا ببخشی .

باراالها ازفرصتی که نصیب من کردی وبرادران آزمایش شرکت دادی بسیار بسیار خشنودم واز اینکه

توانستم در صف جهادگران راه خودت باشم بسیار خرسندم . خدایا تو خود شاهد باش که میخواهم رضای

تراجلب کنم چراکه توچقدر دوست داشتنی هستی که نفهمیدم وآنچنانکه شایسته است ترا نشناسیم وترا

عبادت کنیم نشناختم وعبادت نکردم .

آه چقدر لذت بخش است انسان آماده باشد برای دیدارت ولی چه کنم شهید نشدم ودست خالی هستم

خدایا قبولم کن

ای عاشقان [illegible] بیائید شهادت را در آغوش گرفت گونه ها بایستی از حرارت وشوقش سرخ شود وطپان

قلب تند

یاران [illegible] خواهران وای اهل خانواده ازشما میخواهم همیشه یاد خدا باشید وهمه

کارهایتان برای خدا باشد تصمیم هایتان برای خدا باشد سخنهایتان نگاههایتان فکرتان تنهایتان

وموضع گیریتان برای رضای خدا باشد وخلاصه لحظه لحظه عمرتان برای خدا باشد بدانید اسلام

تنها راه سعادت است همیشه یاد خدا باشید وبراحسن خدا را عمل کنید واهمیت زیادی به نماز

ودعا بدهید که راه سعادت وتوشه آخرت است واگر اینگونه باشید رستگارید در اینجا از همه کسانی

شاید [illegible] که با من آشنا رابطه داشتند ویا من خواهم مراحلال فرمایند ونیز اگر کسانی قرضی [illegible]

[illegible] برای من طلب مغفرت نمایند . اجرکم عندالله

(خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار)

رجب عدلی ۶۵/۱۰/۱۴

انجمن اسلامی پایگاه مقاومت شهید احمدی (فاطمیه) خانواده شهید

نام: **عقیل**
نام خانوادگی: **عرش‌نشین**
نام پدر: **قدرت**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **چهارم آذر** 1342
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت‌فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این نامه از دل برآمده را برای کسانی می‌نویسم که دوست دارند تمامی هستی خود را نهاده و تنها خشنودی رب‌العالمین را طالب باشند.
- بار پروردگارا: معصومین و پاکان تو از چه می‌نالند و ما خود باختگان از چه می‌نالیم.
- خدایا: هر چند که گناهان زیاد باعث سیه‌رویی ماست لکن از رحمت و مهر تو ناامید نیستیم.
- مصیبت بزرگی است که در این دنیای فانی ربّ و پرورش‌دهندهٔ خودمان را از یاد بریم.
- اگر می‌خواهیم زندگی دنیایی و اخروی ما همیشه خوش و شیرین و با لطافت و عطرآگین باشد آنچه را خدا و پیامبران خدا و ائمه معصومین(:) و نایبان برحقّ آنها می‌گویند مو به مو عمل نماییم.
- اگر می‌خواهیم در راه نمانیم باید توشه برداریم و خودمان را آماده نماییم.
- بیایید به خود آییم و زندگی را اینگونه سرسری نگیریم.
- انسان همیشه در تکاپو و پویندگی است هم می‌تواند از حیوان پست‌تر گردد و هم می‌تواند از فرشته به درگاه خدا مقرب‌تر گردد.
- بیایید عاشقانه به سوی خدا گام برداریم.
- اگر می‌خواهید انسان باشید صادقانه و بی‌غرضانه قرآن را مطالعه نمایید.

عقیل عرش‌نشین[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

امام را دعا کنید

[این][2] نامه از دل برآمده را برای کسانی می‌نویسم که دوست دارند تمامی هستی خود را نهاده و تنها خشنودی رب‌العالمین را طالب باشند [این] نامه درد دل حقیری است که مدتها در غفلت و خواب بوده و ناگهان صدایی آشنا او را از خواب گران بیدار نموده است.

[نامه‌ای] است از بنده ذلیل و عاجز که در منجلاب و لجن بوده و می‌خواهد به لطف و رحمت بی‌پایان معبود بی‌همتا خودش را از منجلاب نجات و به سوی نور بی‌پایان او گام بردارد.

آیا خواهم توانست ذره‌ای از عظمت و جلال و بزرگواری او را دریابم، یا همچنان در گمراهی ذلت‌بار به سر خواهم برد.

آیا خواهم توانست شهوت و حرص و عُجْب و ریا و حب نفس را از خود دور ساخته و آماده پذیرفتن نور حقیقت باشم.

[از] ناتوانی و ذلت خود چگونه بنالم. چگونه در راه تو گام بردارم. آیا تا به حال آنچه را که تو گفته‌ای توانسته‌ام به نحو احسن انجام دهم؟

[یار] پروردگارا: معصومین و پاکان تو از چه می‌نالند و ما خودباختگان از چه می‌نالیم. ای قادر بی‌همتا، اگر به تو روی نیاوریم و از تو [یاری] نجوییم پس به که درد بی‌درمانمان را بازگو نماییم.

[خدایا]: هر چند که گناهان زیاد باعث سیه‌رویی ماست لکن از رحمت و مهر تو ناامید نیستیم. زیرا که رحمان و رحیمی. [و تو] با عظمت بی پایان خود و با بزرگواری خود همچنان آزرده‌دلان را می‌پذیری و خواهی پذیرفت چون تو مهربان‌ترین مهربانانی.

1- در بالای وصیت‌نامه «سمت راست آمده: شماره پرونده 35278 و در سمت چپ: وصیت‌نامه شهید عقیل عرش‌نشین».

2- مواردی که در [] گذاشته شده در وصیت‌نامه به سیاق عبارات جایگزین گردیده است.

[خدایا]: در هنگامی که ما در حال مرتکب شدن به گناهان بودیم تو با آن همه عزت و عظمت چگونه بر ما می‌نگریستی و صبر می‌کردی.

[روی] سیاه ما و قلب تاریک و ظلمت‌زده ما چگونه تو را دریابد در حالی که تو نور بی‌پایانی و دلهای ما همچنان تاریک و تیره.

[خدایا]: هرچند که اعمال زشت ما باعث شده در حضور تو شرمگین و سرافکنده باشیم ولی به عزت و شوکت تو قسم یاد می‌کنیم [که] از گناهان ما درگذری و ما را یک لحظه به حال خود وامگذاری که اگر ما را به حال خود رها کنی همچنان ویلان و [سرگـ]ردان باقی خواهیم ماند.

[یا مقلب] القلوب: ما فقط خشنودی تو را می‌خواهیم و تنها آرزوی ما رضوان توست هرچند که اعمال ما باعث خشم و غضب توست.

[خدایا]: هر لحظه ما بی تو بی‌معنی و ننگین است هرچند که نفس خبیث ما لحظه‌های شیطانی را دوست می‌دارد لکن عقل ما تو را خواستار است و بس.

[خدایا]: دیده‌ام کسانی را که آنچنان به دنیا چسبیده‌اند که حاضرند شرف و ناموس خود را بدهند ولی از دنیا چشم نپوشند [احساس] کرده‌ام که نفس من نیز چگونه مرا به طرف دنیا کشانده و ما جاهلان چشم و گوش بسته را فریب داده به سوی خواسته‌های خود کشیده است، نتیجه این همه غفلت و دنبال نفس خود رفتن همان گم کردن توست و از یاد بردن تو.

[خدایا]: از نفس امّاره خود چگونه به تو شکایت کنم از بیگانگی خود چگونه ناله و زاری نمایم. نمی‌توانم یک لحظه آمادهٔ عذاب کشیدن و دیدن اعمال خود باشم. پس پروردگارا به اعمال گذشته نکبت‌بار قلم عفو بکش و گناهان زیاد ما را بیامرز و در دنیا و آخرت از رحمت بی‌پایان خود ما را بی‌بهره مگردان.

ای قابل و کامل: ناقصان به سوی تو گام برداشته‌اند و تشنه رسیدن به کمال مطلق می‌باشند ولی همچنان [به دور] خود طواف می‌کنند تو خواهان رشد و آگاهی را به سوی خود بکشان و دل‌خستگان را همتی عنایت [بفرما] تا همچنان در راه تو گام بردارند.

[خدایا]: آیا ضعیفان و گنه‌کاران را چاره‌ای نیست و آیا خواستاران و عاشقان تو که قبلاً در تاریکی و گمراهی بوده‌اند چاره‌ای نیست. اگر جواب منفی است پس مرگ زودرس

مایه آسودگی آنهاست و یا اگر چاره‌ای [است] پس راه چاره را نشانشان بده که بیش از این در گمراهی و نادانی غوطه‌ور نشوند.

[خدایا]: نه پاک می‌باشیم که خشنود شویم و نه می‌خواهیم در تباهی و گمراهی به سر بریم ولی می‌خواهیم تو را دریابیم و جز تو را قابل و کامل نپنداریم.

الهی من را غیر تو بخشنده‌ای نیست تو را هم، همچو من شرمنده‌ای نیست

[خدایا]: به خود ستم کردم چون نافرمانی تو را کردم و همه اوج گرفتند و من ذلیل و پر شکسته گردیدم پس تو فریاد رسم باش.

پروردگارا چگونه کسی با تو اُنس می‌گیرد آن کس از [...][1] وحشت ندارد.

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است[2]

در سجده: «اَتَینا وَ رَحمنا وَ اشفعنا مَحنا وَ اَغفِر ذنوبنا وَ اَهدی قلوبِنا وَ اقَضی حَوائِجنا وَ اُنظُر عَلینا وَ استر عیوبِنا یا اَرحَمَ الراحِمین». «یا دَلیلَ المُتَحَرین یا غِیاثَ المُستَغیثین یا سَریعَ الحساب یا مُجیبُ الدَعواة المُظطَ+رین»[3].

«[ای] رب من رحم کن عنان مرا به گردنم نینداز و گناهانم راببخش و قلبم را هدایت کن و حاجتم را بیاور و حاجتم تویی نظری کن و بپوشان عیوب مرا ای مهربان ترین مهربانان و ای دلیل حیرت زدگان و یا دستگیر از [پا] افتادگان و ای اجابت کننده دعای پریشان خاطران».

[تا] توانی از این درگه بنال.

«[اذا] لَتَبَستُ عَلَیکُم الفَتنَ کقطَعَ الیلِ المُظلِم»[4].

«[...] الطَریق» و «اَعلَم الهَدی» و «سامَة العِباد».

1- خوانا نیست.

2- شعر از سعدی شیرازی است.

3- قسمت اول دعایی است که شهید از مجموعه ادعیه کنار هم آورده است، اما بقیه آنچه به عنوان سجده آورده از «یا دلیل المتحیرین یا...» تا آخر فرازهایی از دعای کمیل است. (مفاتیح‌الجنان).

4- قال رسول‌الله(6) اصول کافی، ج 2، ص 459.

«اِنی تارَک فیکُم الثَقَلَین کِتابَ اللهُ و عِترَتی ما اَن تَمَسَکتُم بِهِما لَن تُظَلوا»[1].
«وَ اَما مَن کانَ مِن الفُقَهاءِ صائِناً لِنَفسِه حافظاً لدِینَه مُخالِفا علی هَواه مُطیعاً لِاَمرِ مَولاهُ فِللعِوامِ اَن یَقلَّدُوهُ»[2].
«[...][3] از نو بسازد و از نو آدمی»
[پرواز] در ملکوت، شرح دعای سحر، و سر الصلواة.

این [نوای] نای از دلهای اوست های و هوی (روح) از قلبهای اوست[4]

[...] هرچه سوخته‌تر، شهد وصال در فراق جانش شیرین‌تر و آدمی هرچه تشنه‌تر، ماء معین در کامش گواراتر است.

[آب] کم جو تشنگی آور بدست تا بجوشد آبت از بالا و پست[5]
تا سقا هم ربهم آید خطاب تشنه باش الله اعلم بالصواب

*****

هر کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدهر بماند
هر کس که نداند و بداند که نداند لنگان خرک خویش به منزل برساند
هر کس که بداند و بداند که بداند در چرخ فلک توسن خود را بدواند

*****

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ در یمن دعای شب و ورد سحری بود[6]

1- حدیث ثقلین. (بحارالانوار، ج 2، ص 225، باب 29).
2- وسائل‌الشیعه، ج 27، ص 131. ترجمه «هر کدام از فقها که صیانت نفس دارد از دینش محافظت می‌نماید، با هوای نفس مخالفت می‌کند و امر مولای خود را اطاعت می‌کند پس بر مردم است که از او اطاعت کنند».
3- خوانا نیست.
4- شعر از مولوی است.
5- شعر از مولوی است.
6- شعر از حافظ است.

1- 110 مرتبه «سُبحانَ الله العظیم وَ بحمده و استغفرالله»[1].

2- 110 مرتبه «صلوات و عجّل و فرجهم و فرجنابهم».

3- [...][2] مرتبه «یا حی یا قیوم یا حی لایموت یاحی لا اله الا اَنت اَسئَلُکَ اَن تُهی قَلبی صلوات».

توفیق من بتدریج می‌رسد.

سعیدیا گرچه سخندان و مصالح‌گویی به عمل کار برآید به سخندانی نیست[3]

*****

دو صد گفته چون نیم کردار نیست مردان به سعی و رنج به جایی رسیده‌اند[4]

تو بی هنر کجا رسی از نفس پروری

میان خالق و مخلوق یک دریای خون وجود دارد باید از آن دریا بگذری آن دریا خون مردم است

*****

می‌شود پرده چشمم پر کاهی گاهی دیده‌ام هر دو جهان را به نگاهی گاهی

وادی عشق بسی دور و دراز است ولی[5] طی شود جاده صد ساله[6] به آهی گاهی

قابل توجه آیه قرآن: «**فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ**»[7] «زمانی که فراغت حاصل کردی خود را به زحمت بینداز».

برادران بزرگوارم و ای کسانی که این نوشته سوختهٔ ذلیل را می‌خوانید بیایید عظمت بزرگی و بزرگواری و رحمت و بخشش او را به اندازهٔ محدودهٔ فکر خود دریابیم. این

1- شهید در بالای صفحه نوشته «1- نوافل4، 2- زیارت عاشورا، 3- جامعهٔ کبیر، 4- مناجات خمس‌عشر، 5- معراج‌العبادة نوشته ملا احمد نراقی».

2- خوانا نیست.

3- شعر از سعدی است.

4- شعر از سعدی است.

5- در اصل وصیت «منزل دوست ره دور و درازی دارد».

6- در اصل وصیت «سالی».

7- الشرح/ 7.

مصیبت بزرگی است که در این دنیای فانی ربّ و پرورش دهندهٔ خودمان را از یاد بریم. اگر می‌خواهیم زندگی دنیایی و اخروی ما همیشه خوش و شیرین و با لطافت و عطرآگین باشد آنچه را خدا و پیامبران خدا و ائمه معصومین(:) و نایبان برحقّ آنها می‌گویند مو به مو عمل نماییم.

اگر می‌خواهیم در ره نمانیم باید توشه برداریم و خودمان را آماده نماییم. بسیاری از ما راه خودشان را پیدا کردند و به وصال معشوق رسیدند ولی ما همچنان در فکر فخر فروشی و شهوترانی و بی‌بند و باری و بی‌میلی به مذهب و دین و دلخوش بودن به زندگی دنیایی هستیم و روزی به خود خواهیم آمد که خیلی دیر شده است. پروردگار عالم که به عبادت و بزرگواری و خوشبختی ما چشم دوخته است. او آنچنان رئوف و مهربان است که یک لحظه نمی‌خواهد ما در گناه و از خود بی‌خبری به سر بریم عزت[1] و عظمت الهی بالاتر از اینها است. آیا تا به حال فکر کرده‌اید چرا خدا توبه‌پذیر است. اگر فکر بکنید خواهید فهمید که خدا همچنان انتظار دارد که بنده‌ای را که پشیمان شده به راه راست هدایت فرماید. عاملهای کوچک و [ناملا]یمات زندگی ما را دچار خشم و نفرت نسازد و ما را از خدای خود دور نسازد که اگر از خدا هم دور باشیم به خدا هیچ ضرری نزده‌ایم تنها خودمان هستیم که ضربهٔ ذلت‌بار و سهمگین این خشم شیطانی را خواهیم خورد.

[باید] قبول کنیم که همه ما در ساختن محیط کثیف شاهنشاهی و همه پدران و مادران ما دخالت داشته‌ایم نه تنها دخالت [بلکه] کمک شایانی هم کرده بودیم و باز این خود ما هستیم که می‌توانیم محیط الهی و دور از کینه و شهوت و خشم بسازیم «[همه] ما از خاکیم و دوباره به خاک خواهیم رفت» و تنها اعمال ماست که هنگام بیدار باش عمومی به درد ما خواهد خورد [عشق] ما در این باشد که با خدا باشیم و ناراحتی ما از این باشد که چرا از خدا فاصله گرفته‌ایم. خدا با آن عظمت لایزال آماده شنیدن ناله و زاری بندهٔ گناهکاری است که مدتها حرف او را گوش نکرده و در دنیا به خوشگذرانی پرداخته است آیا ما کسی را که به حرف ما گوش نکند و هر چه که می‌گوییم نه تنها عمل نکرده بلکه مسخره نیز نماید او را می‌پذیریم؟ آیا تا به حال اندیشیده‌ایم که خدا تمام اعمال زشت و ناپسند ما را

1- از سیاق جمله مشخص است که کلمه «عزت» از قلم افتاده است.

می‌بیند تمام گفته‌های ناپسند ما را می‌شنود؟ آیا تا به حال توجه داشته‌ایم که اگر در هنگام خوشگذرانی و خشم و غضب از این جهان چشم بپوشیم جوابمان برای خدا چه خواهد بود؟

برادران بزرگوارم: آیا اگر ما را به مجلسی که همه بزرگان و عارفان در آن مجلس حضور دارند ، دعوت نمایند، در حضور آنها [می‌توانیم] خوشگذرانی کنیم و حرفهای تند و رکیک بر زبان آوریم و آیا می‌توانیم در حضور آنها به گناهان مرتکب شویم و آیا می‌توانیم با صدای بلند و باقهقهه بخندیم؟ اگر می‌توانیم پس از حیوان پست‌تریم و اگر نمی‌توانیم پس چرا در حضور عارفِ عارفان و پروردگار عارفان بزرگواران به چنین خطاهایی مرتکب شویم. آیا فکر می‌کنیم که اگر در برابر خدا و بزرگان دین و همهٔ کسان [دیگر] بی‌تفاوت باشیم و هر آنچه را که نفس ما می‌خواهد انجام بدهیم، خوشبختیم؟! آیا واقعاً معنی خوشبختی این است که [به] دنیا بچسبیم که در حال فنا و نابودی است. آیا ما می‌توانیم به دنیا دلخوش باشیم در حالی که دنیا چون سایه گذران است [تا کی] می‌خواهیم به دور خود طواف کنیم و در دنیا بی‌تفاوت باشیم و مغرورانه و جاهلانه زندگی را پشت سر گذاریم در صورتی که می‌توانیم این زندگی [جهان] را با رشد فکری و آگاهی و عزّت و کرامت به پایان برسانیم که نفع و منفعت این عمل ما برای خود ماست.

بیایید به خود آییم و زندگی را اینگونه سرسری نگیریم.

[انسان] همیشه در تکاپو و پویندگی است هم می‌تواند از حیوان پست‌تر گردد و هم می‌تواند از فرشته به درگاه خدا مقرب‌تر گردد.

ساعتی در[1] خود نگر تا کیستی[2] — از کجایی و ز چه جایی چیستی[3]
آخر از خود یک‌قدم برتر گذار — این خیالات حباب از سرگذار
در جهان بهر چه عمری زیستی — جمع هستی را بزن بر نیستی
کام دنیا را به گاو و خر گذار — یک نماز از شوق چون جعفر گذار

1- در اصل وصیت «بر خود».

2- در اصل وصیت «چیستی».

3- برگرفته از سروده صفی‌علیشاه و طبق دست خط شهید از گفته‌های حاج منعم. در اصل وصیت «کیستی»

از حسابت تا خبردارت کنم — تا به خلد عشق طیّارت کنم
گر زمن خواهی دم عشق ای پسر — بدهمت دم تا شوی آدم ای پسر
غافلی تا کی دمی در کار شو — وقت مستی نیست حین هشیار شو
[تاج] شاهانت نهم افسر به سر — ور شوی مغرور باز از یک نظر
وقت برگشت است هله بیدار شو — کاروان رفتند دست بار شو
افسرت را گرم افسارت کنم — تا به همراهان خود یارت کنم[1]

شعر از گفته‌های حاج منعم.

[همه] برادران و سروران گرامی توجه داشته باشند که این سخنان به خاطر این نیست که [بگویید] چقدر پشیمان بوده و چقدر خوب [خواسته]هایش را نوشته است البته پشیمانم که پشیمانی من در تمام عمر خواهد بود. ولیکن همه این گفتارها به خاطر این است که متوجه [باشیم] که چه عمر گرانبهایی را پشت سر می‌گذاریم و هیچ از گذر عمر افسوس نمی‌خوریم. روزگار و عمر می‌گذرد و ما همچنان به دور خود طواف می‌کنیم [نمی‌توانیم] هدف آفرینش را درک کنیم البته این نوشته‌های من به خاطر دلسوختگی من است. به خاطر غفلت چندین سالهٔ من است.

[بیایید] عاشقانه به سوی خدا گام برداریم. تمام عمرمان را در عیش و نوش و خوشگذرانی و غفلت و شهوترانی و دلتنگی و غم‌گساری گذرانده‌ایم [تمام] این همه اعمال زشت، بی‌توجهی به خداست. اگر می‌بینید در جایی از گفته‌هایم چیزی گفته شده که به دلتان نمی‌چسبد [بدانید که] که آن سخن از دل من بر نیامده بلکه برای خودنمایی و نشان دادن خودم بوده است چون گر سخن از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. [می‌خواستم] خیلی چیزها بنویسم ولی از سویی می‌ترسم که گفته‌هایم به خاطر خدا نباشد و از سوی دیگر عجب و ریا در من بیچاره باعث شود تمام گفته‌هایم [...][2] شود. فکر کردم که اگر چیزی نگویم و نوشته‌ای به یادگار باقی نگذارم بهتر از این است که چنین نوشته‌هایی را بنویسم ولی خدا شاهد است که همه نوشته‌ها به خاطر این است که خدا را دریابیم. اعمال

1- سروده میرزا حسن اصفهانی(صفی‌علی‌شاه).
2- خوانا نیست.

دیگران برای ما شرط نیست. اگر می‌خواهیم که خالصانه در راه خدا گام نهیم [...][1] راه را بر ما نشان خواهد داد ولی اگر با همه محبتها و گذشتهایی که خدای مهربان در حق ما می‌کند راه او را گم کرده و راه دنیا دوستان را [پیش] بگیریم آنچنان ذلیل و گرفتار می‌شویم که حدی ندارد. اگر می‌خواهید انسان باشید صادقانه و بی‌غرضانه قرآن را مطالعه نمایید همه خواسته‌ها و نیازها در قرآن جمع است هر چند که نفس شوم ما نمی‌گذارد به این نکات توجه داشته باشیم [قبل] از این که دنیا را وداع گوییم توجه داشته باشیم که برای چه کاری آمده‌ایم و خداوند بزرگ چه منظوری از خلقت ما داشت.

[...][2] و حرص و شهوت و خودخواهی باعث نشود که راه خدا را که راه رستگاری بشر است از یاد برده و گم کنیم. تمام کسانی که [...][3] و طمع و شهوت و تکبّر و بی‌میلی و بی‌بند و باری را از خود دور نساخته‌اند هرگز نخواهند توانست خدا را دریابند. خدای مهربان و [...][4] و بزرگوار را کسی می‌فهمد که دلش پاک بگرداند. آیینه کثیف و زنگ زده هیچ‌وقت نگاه کننده را به خود نشان نمی‌دهد مادامی که زنگ زده است [...][5] هیچ شیئی را نشانمان نخواهد داد و ما هر چقدر عصبانی و غضبناک بشویم که چرا خودمان را در آیینه نمی‌بینیم به جایی نخواهیم [رسید] مگر به یک راه که آن راه هم این است که اصلاً بگوییم که آیینه‌ای وجود ندارد. ما مادامی که نتوانیم دلمان و روحمان را صاف [و پاک] بگردانیم هیچ‌کس را نشان نخواهیم داد و هیچ موجودی را درک نخواهیم کرد و در این حال است که خشمگین شده و می‌پنداریم که من [همه چیز را] را می‌فهمم و درک می‌کنم و دیگران هستند که مرا درک نمی‌کنند و این همان غرور و تکبّر و رذالت ماست. قلب صاف و [پاک] آدمی انسان را یک لحظه آرام نمی‌گذارد. اگر می‌خواهی در زندگی دنیایی و اخروی پیروز گردی خدا را دریاب.

1- خوانا نیست.
2- خوانا نیست.
3- خوانا نیست.
4- خوانا نیست.
5- خوانا نیست.

[...][1] ما و روح ما به خاطر این در ما به وجود آمده که هر چیزی را که می‌گوییم و هر چیزی را که می‌شنویم بتوانیم خوب و بد بودن آن چیز را درک [کنیم و یا] تشخیص دهیم. اگر بخواهیم لذت زندگی را بچشیم باید در هر کاری خدا را در نظر داشته باشیم. این امر برای من [ثابت] شده که اگر خدا را از یاد ببریم خدا نیز ما را از یاد خواهد برد و این نهایت بدبختی و بیچارگی ماست.

[ما نمی‌دانیم] که چقدر در این دنیا زندگی خواهیم کرد آیا از خود مطمئن هستیم که فردا را خواهیم دید؟ اگر چنین بپنداریم که [زندگی] و لذت و خوشگذرانی و بی‌بند و باری ما همیشگی است سخت در اشتباهیم چون هیچ‌کس تا به حال حتی پیامبران [این را] نمی‌دانستند که دقیقه‌ای دیگر زنده هستند یا نه و اگر می‌دانیم که این هم لذت و طمع و خوشگذرانیها و خود بزرگ‌بینیها و شهوت‌رانیها [تمام] شدنی است و باید روزی حساب پس بدهیم پس چرا این‌همه به زندگی دنیایی دلخوش بوده و چرا این همه تکبّر و مقام‌دوستی و [دنیا]دوستی و کینه‌توزی در ما به وجود آمده نمی‌گویم من دل مرده دچار خشم و تکبّر و حرص و خودباختگی نشده‌ام. می‌خواهم به حضورتان [برسانم] که اگر هدف آفرینش را درک نکنیم به همه این مصیبتها دچار می‌شویم. چنانکه شده‌ایم و اگر خدا یاری نفرماید [کماکان] دلخوش به این بدبختیها و مصیبتها خواهیم شد.

[خدای] بزرگ: عاجزانه از تو می‌خواهیم که هرچند که تا این لحظه نتوانسته‌ایم امر تو را و تذکرات بی‌شمار تو را از جان و دل قبول کرده و بدانها عمل نماییم. ولی می‌خواهیم نوری در قلب سیاه و تاریک ما بیفشانی که هر لحظه‌ای که در این [دنیا] هستیم به فکر تو باشیم و ترا هیچ وقت فراموش نکنیم.

[خدایا]: ما را چنان نیرویی ببخش که بتوانیم بعد از این در مقابل حوادث ناگوار و در مقابل ناملایمات زندگی خودمان را [فراموش کنیم] و به تو توجه داشته باشیم که تنها توجه به تو ما را از این زندگی ذلت‌بار و ننگ‌آفرین نجات خواهد داد.

یعنی انسانی که آزاد آفریده شده باشد و آزاد به دنیا آمده چرا امروز غلام حلقه به گوش و نوکر این و آن شود.

1- خوانا نیست.

امروز برده نفس شیطانی و غرور و تکبر و از خود بیگانگی هستیم. مادامی که مبدا اصلی و نور حقیقی و ذات بی‌همتای او را [درک] نکنیم همچنان بردهٔ زشتیها و بدیها خواهیم بود.

[برادران] عزیزم: باید همگی تلاش کنیم که قدرت الهی را درک نماییم و انقلابی که به حول و قوهٔ الهی در ایران به وجود [آمده درک] نموده و درباره آن فکر کنیم. امام بزرگوارمان را که همیشه رهبر این انقلاب اسلامی بوده و همیشه در تکاپو و حرکت است دریابیم. به خداوند بزرگ و قادر قسم یاد می‌کنیم که به ما لطفی عنایت فرماید که قدر این انقلاب [دین] و رهبر بزرگوارمان را درک کنیم.

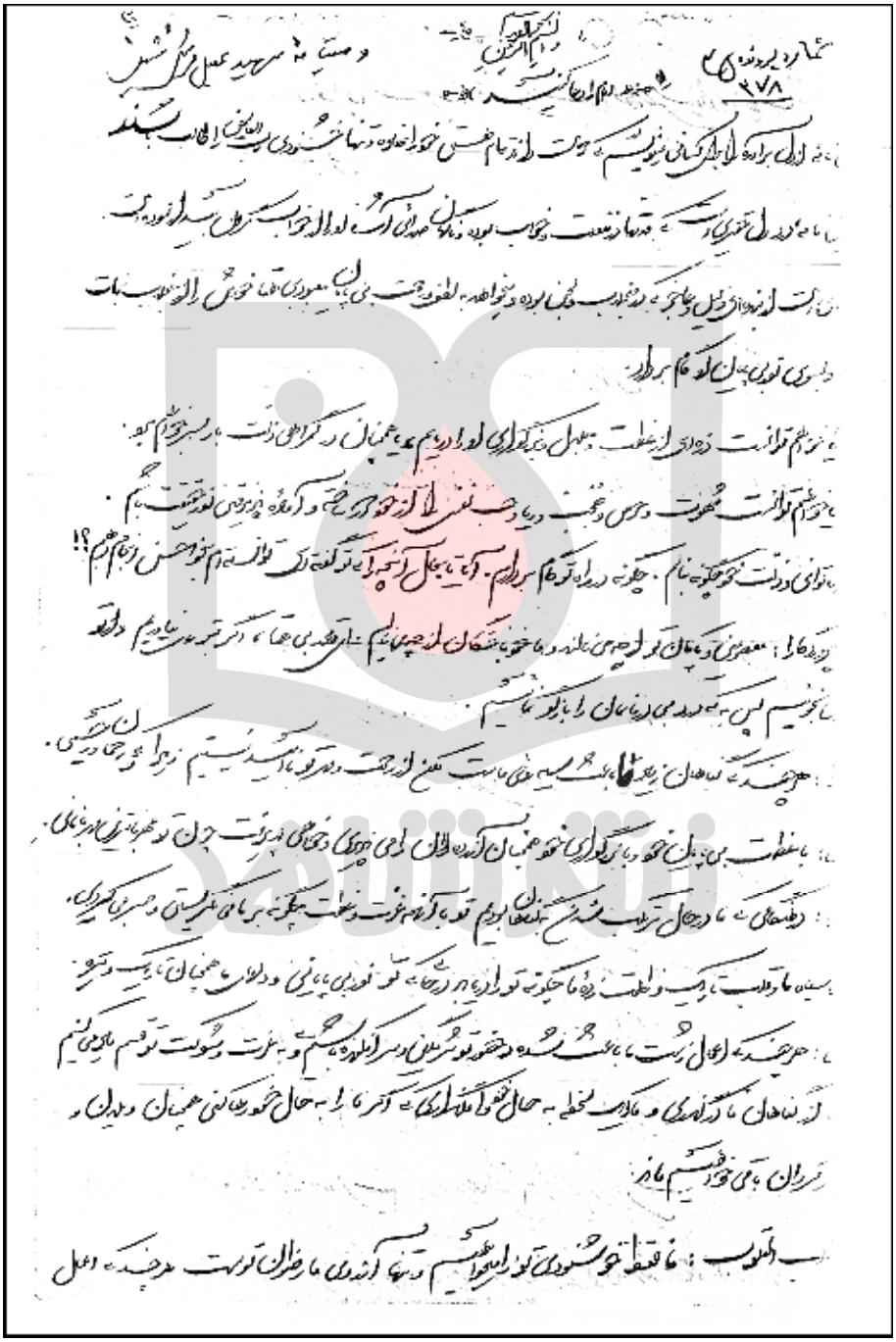

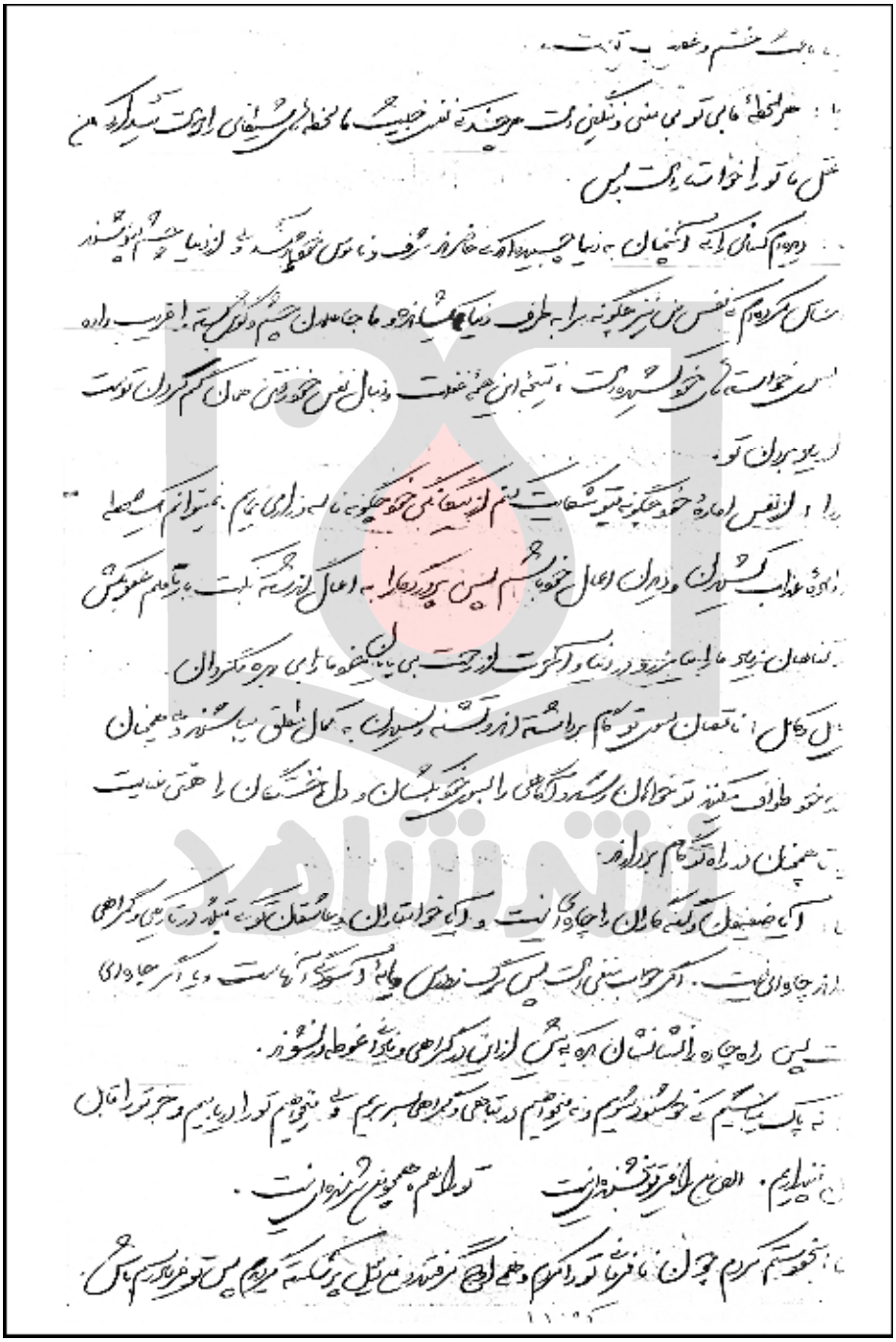

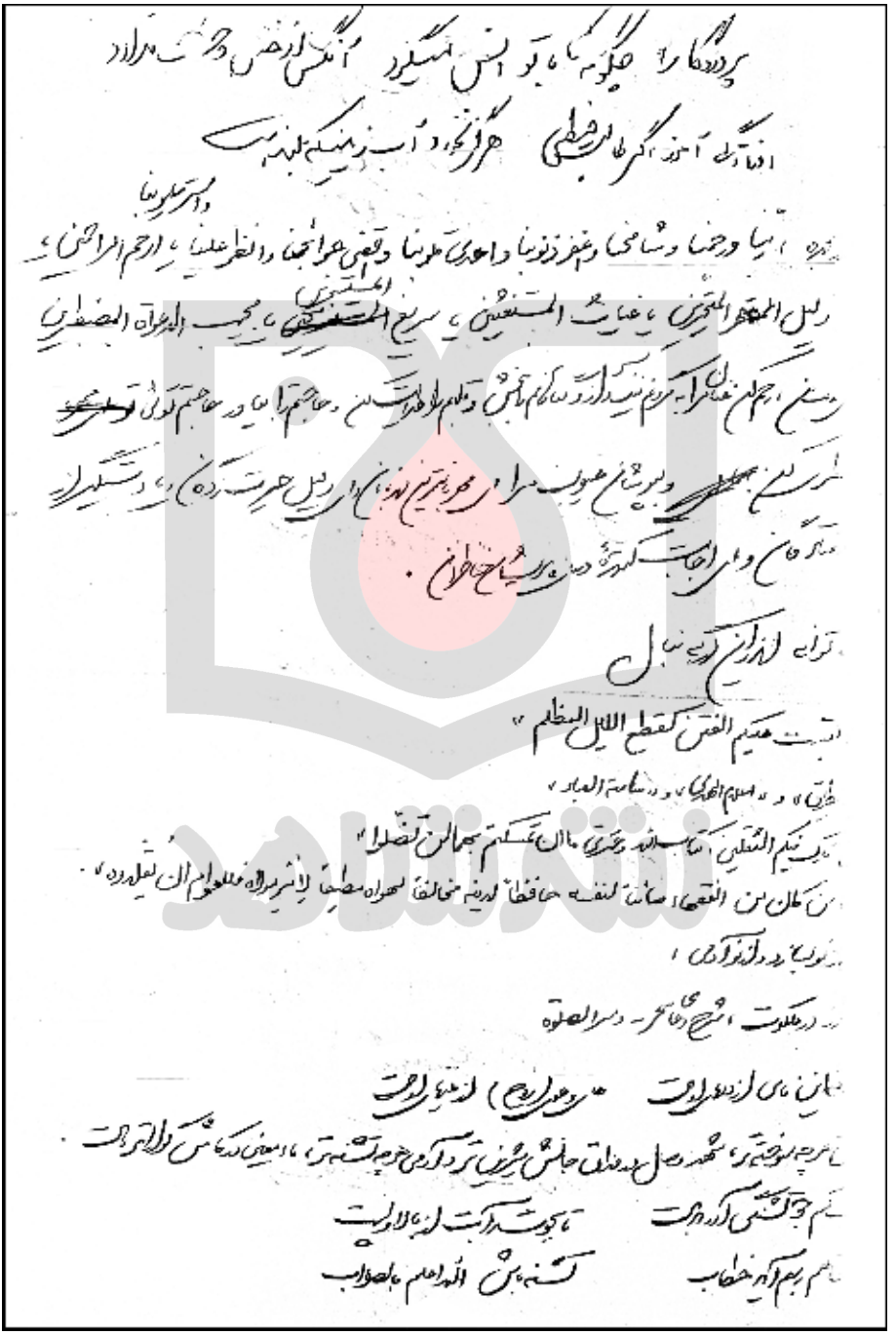

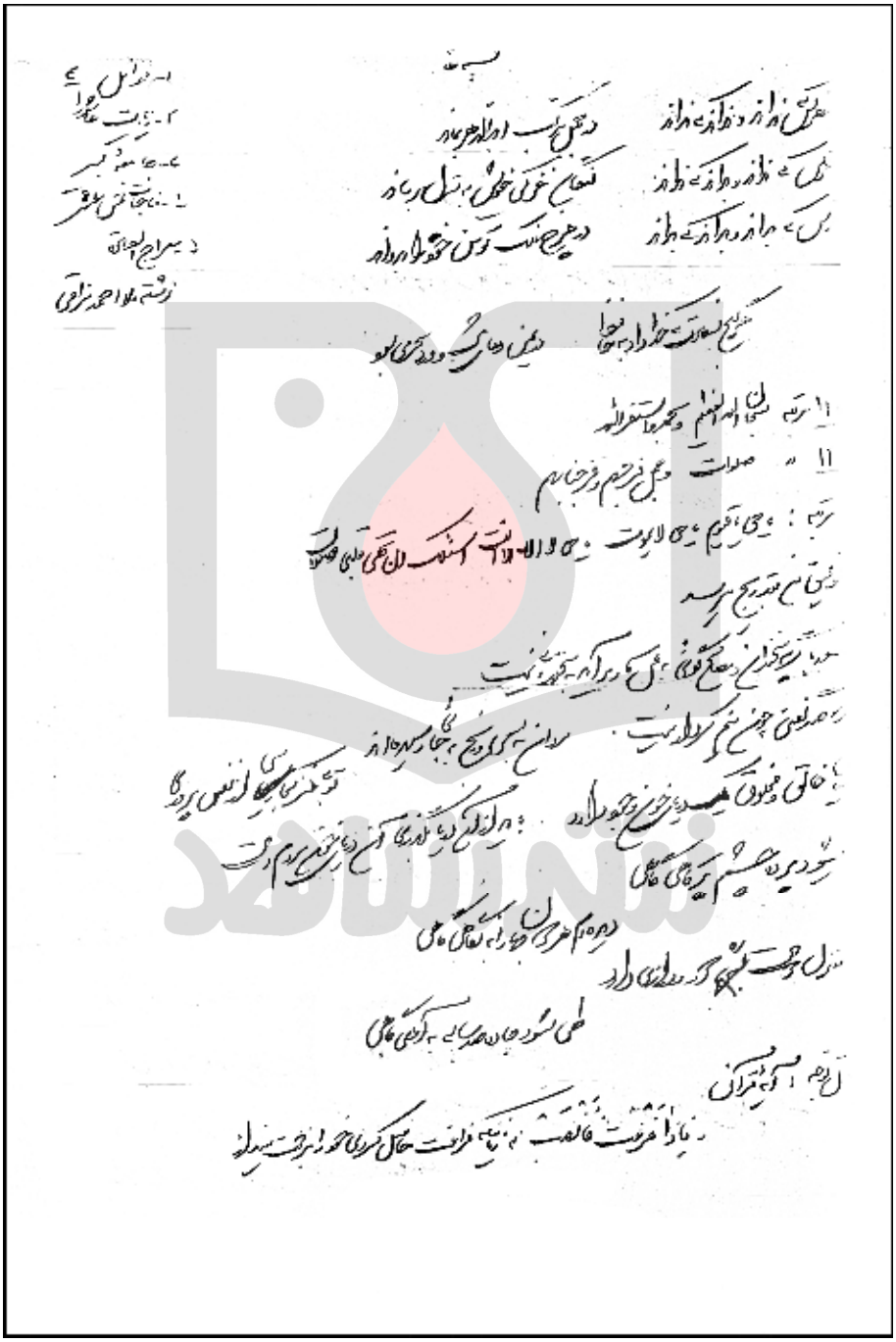

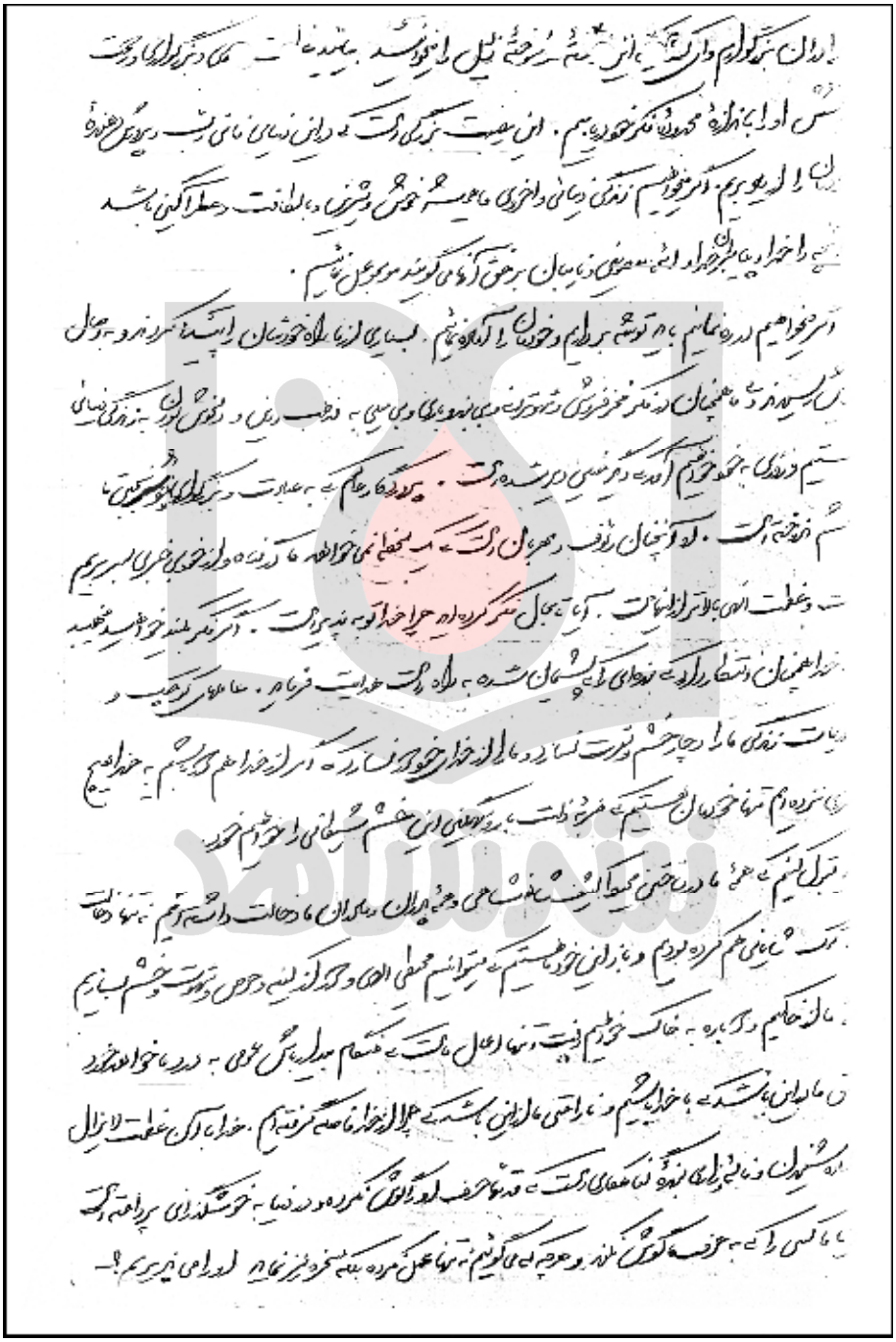

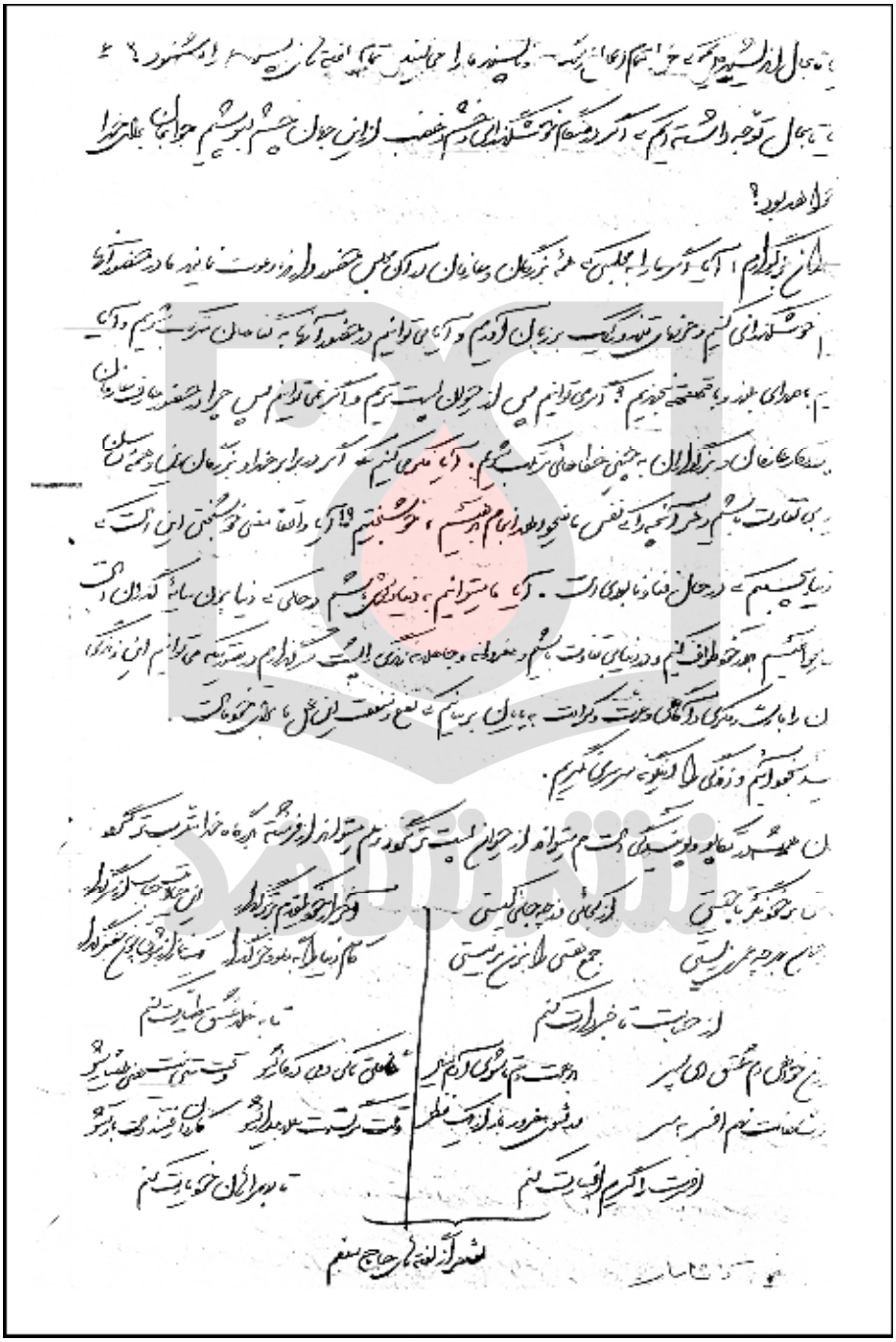

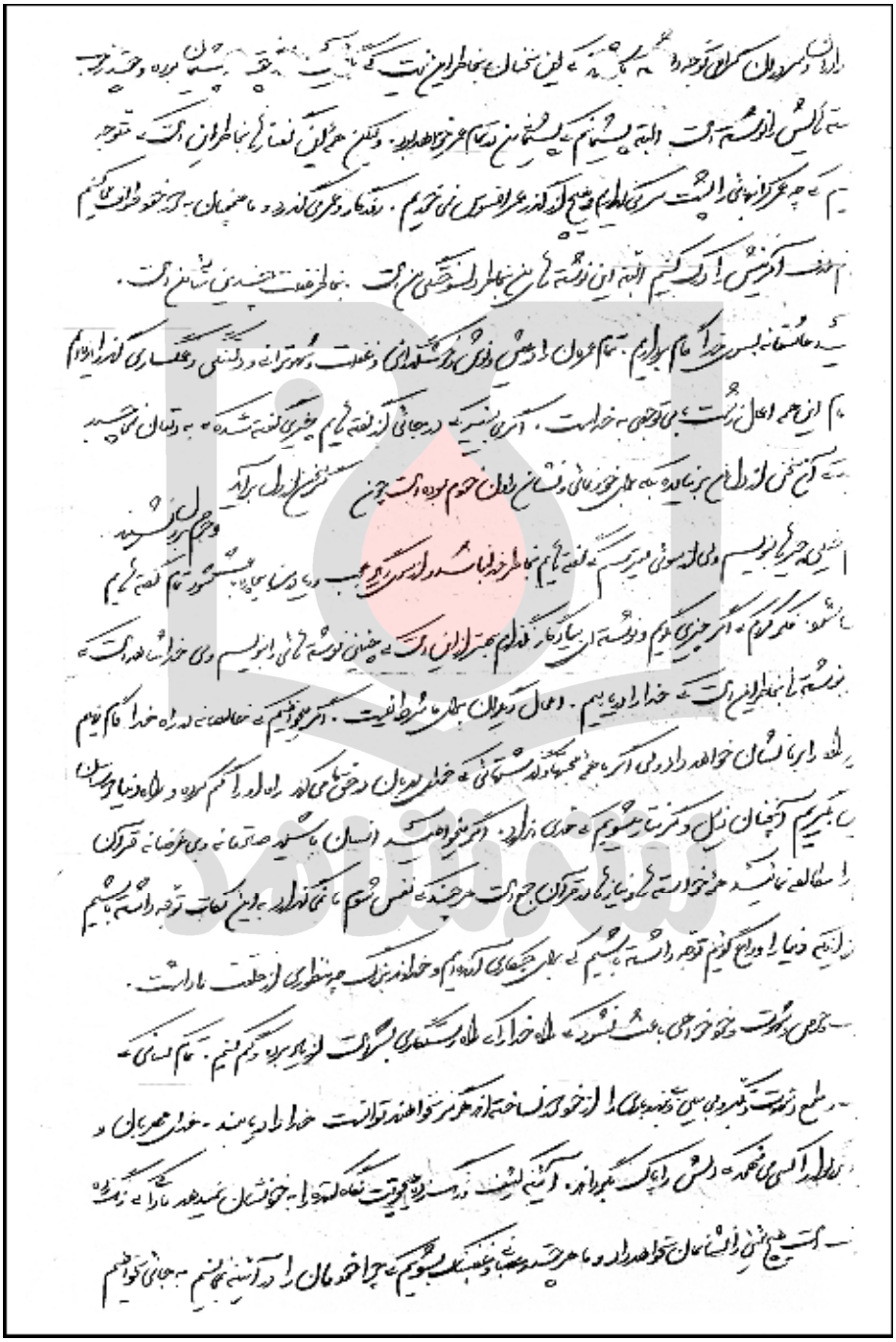

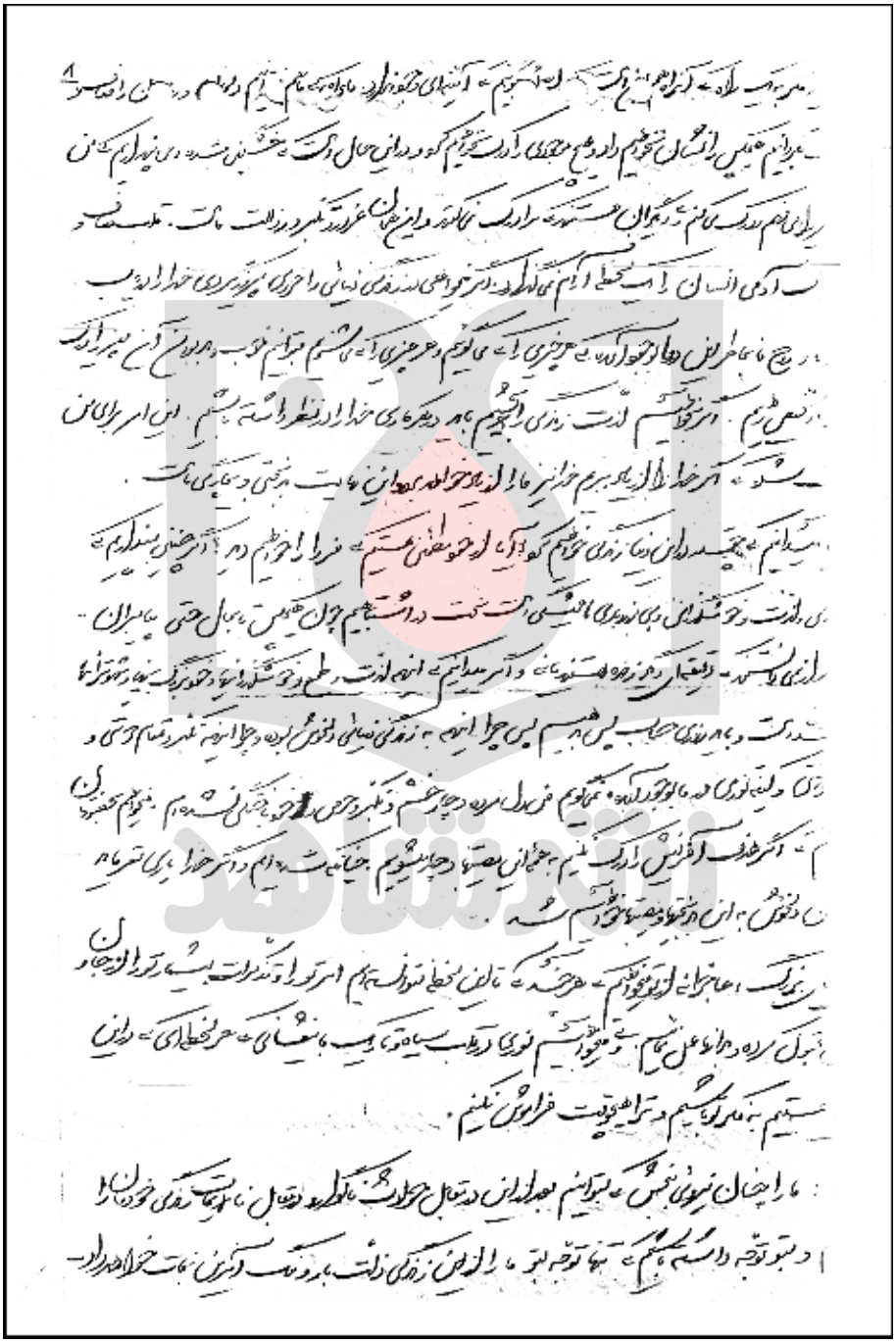

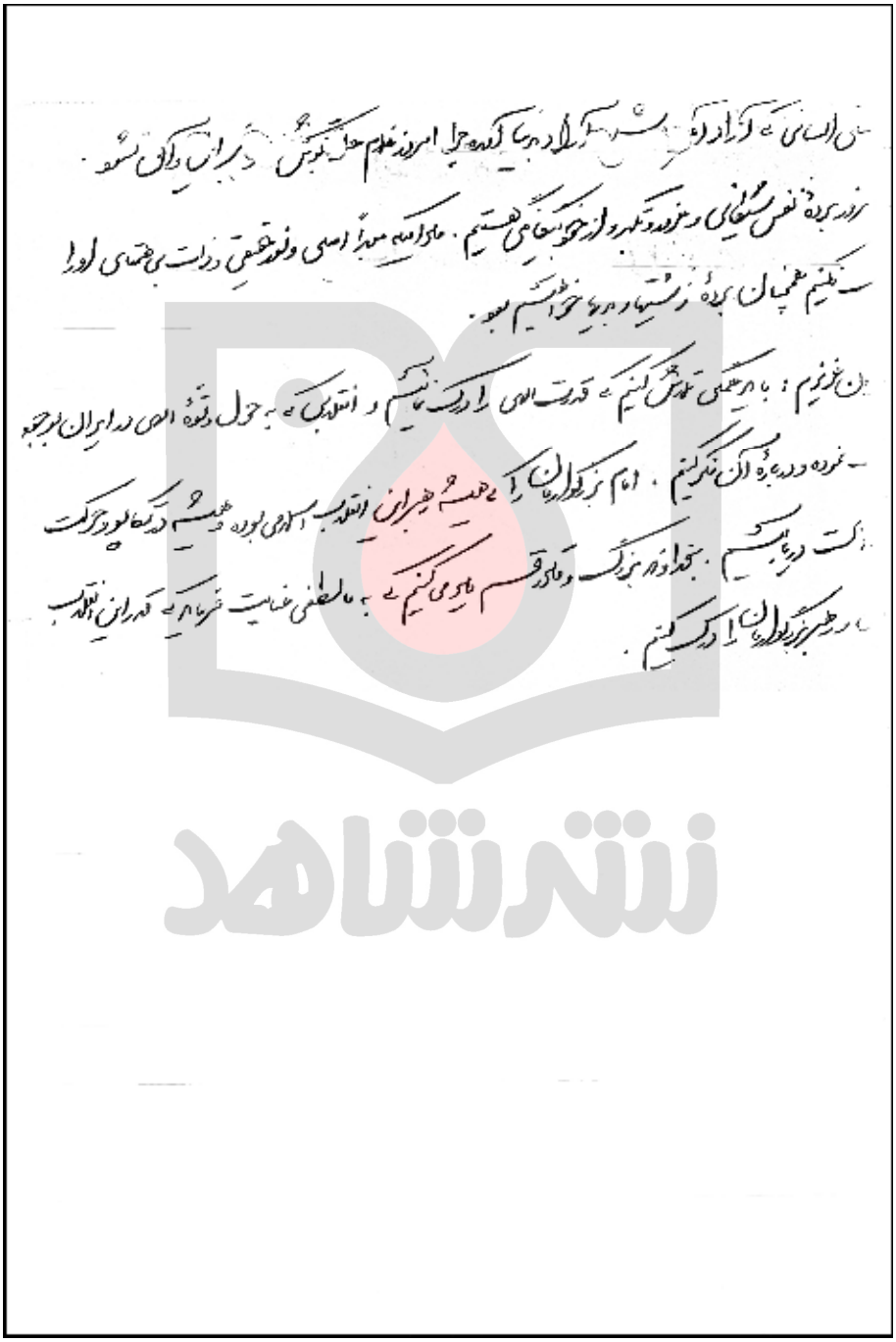

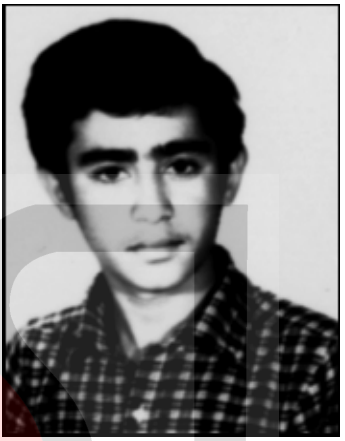

نام: **سیاوش**
نام خانوادگی: **عزتی‌نصیرآباد**
نام پدر: **صاحبعلی**
نام مادر: **عاتکه**
تاریخ تولد: **سی‌ام شهریور** 1345
محل تولد: **سنجبد از توابع شهرستان کوثر**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم بهمن** 1364
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان کوثر- گیوی‌علیا**

عبارت‌های کلیدی

- ای برادران حزب‌الله و خواهران زینب‌وار امام را تنها نگذارید.
- در نمازهای جماعت شرکت کنید که این نماز جماعت‌ها شیاطین و منافقین را خوار خواهد ساخت.
- دوستان امیدوارم که راه شهدا را ادامه دهید.
- آنهایی که درس می‌خوانند با خواندن درس راه شهدا را ادامه دهند.
- روزی از این دنیا خواهیم رفت چه بهتر که راه حقیقت را ادامه بدهیم.
- نگذارید که پرچم «لا اله الّا الله» و «محمداً رسول‌الله» بر زمین بیفتد.
- مادر جان راهی که ما در پیش گرفته‌ایم راهی است که به حیات جاودانی می‌پیوندد.
- برادران شاد باشید و افتخار کنید که برادری را در راه اسلام قربانی داده‌اید.
- خواهرم امیدوارم زینب‌وار باشید و مانند زینب(**3**) صبر کنی تا برای خواهران دیگر الگو باشی.
- برادر جان برادرانم را طوری تربیت کن که راه شهدا را ادامه دهند و الگو باشند.

سیاوش عزتی‌نصیرآباد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه برادر شهید سیاوش عزّتی

«**وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ**»[1].

«و آن کس را که در راه خدا کشته شود مرده نپندارید بلکه او زنده ابدی است و لکن شما این حقیقت را نخواهید یافت».

قال النبی(**7**) «للشَّهید عِندَ الله ستَّ خِصال».

1- اولین لحظه شهادت گناهانش بخشیده می‌شود.

2- جای خود را در بهشت می‌بیند.

3- از عذاب قبر آزاد و از سختیهای روز قیامت در امان است.

4- تاج وقاری بر سر شهید نهاده می‌شود که یک یاقوت آن از تمام دنیا و آنچه در آن است بهتر است.

5- هفتاد و دو نفر از حوریان بهشتی را به عقد او درآورند.

6- و برای هفتاد نفر از نزدیکان خود شفاعت می‌کند.

«**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**»[2]. «از اوییم و به سوی او بر می‌گردیم».

«آنان که رفتند کار حسینی کردند و آنان که ماندند باید کار زینبی کنند»[3].

سلام علیکم: با درود فراوان بر امام زمان(عج) که خداوند ظهور او را زود گرداند و نایب برحقش امام خمینی بت‌شکن و با سلام به شهدای راه حق و حقیقت و با سلام به خانواده‌های آنها و با سلام بر امت حزب‌الله و همیشه در صحنه ایران. وصیت من این است. ای برادران حزب‌الله و خواهران زینب‌وار امام را تنها نگذارید و همیشه و در هر لحظه از زندگی امام را دعا کنید که [خداوند] امام را از بلیّات حفظ کند و همیشه امام را

1- بقره/ 154.

2- بخشی از آیه 156 سورهٔ بقره.

3- این عبارت از دکتر علی شریعتی است.

یاری کند. به خدا قسم که این انقلاب انقلابی است مردمی که استکباریها را به زبالـه‌دان تاریخ خواهد افکند از شما می‌خواهم که منافقین[1] را خوار سازید و نگذارید که دست به توطئه بزنند و در نمازهای جماعت شرکت کنید که این نماز جماعتها شیاطین و منافقین را خوار خواهد ساخت و دست آنان را قطع خواهد کرد و این نماز جماعتهاست که لرزه بر جان ایادی خارجی در ایران می‌اندازد و از شما برادران می‌خواهم که در انجمن و بسیج شرکت کنید و پیام من به همسایه‌ها این است که به خانواده‌های شهدا عملی را نشان ندهند که باعث ناراحتی آنها شود. باید خانواده شهدا را دلجویی بدهند و نگذارند که خانواده‌های شهدا غمگین و ناراحت شوند و در آخر سلام به دوستانم است. ای دوستان امیدوارم که راه شهدا را ادامه دهید آنهایی که درس می‌خوانند با خواندن درس راه شهدا را ادامه دهند و آنهایی که در بسیج هستند راه شهدا را با ارشاد کردن مردم ادامه دهند. ای دوستان شما باید راهی را ادامه بدهید که برای کوچکترها راه و روش شما الگو باشد و برادران عزیز ما را از یاد نبرید هر هفته بر سر قبر شهدا بیایید فاتحه‌ای بخوانید تا در آن دنیا از شما ناراحت نشوند و روح آنها را شاد کنید طوری راه خود را ادامه دهید که منافقین سوء استفاده نکنند.

پیام من به خانواده‌ام این است که ناراحت نباشید مادر جان ما بندگان امانت هستیم در دست شماها هر وقت که صاحبش بخواهد باید تحویل دهید پس مادر جان همه ما یک روزی از این دنیا خواهیم رفت چه بهتر که راه حقیقت را ادامه بدهیم. مادر جان «ما اگر بمیریم هم[2] پیروز هستیم و اگر هم زنده بمانیم پیروز هستیم»[3] و مادر جان از تو می‌خواهم که شیرت را بر من حلال کنی و می‌دانم که خیلی زحمت کشیده‌ای تا مرا بزرگ کنی. امیدوارم که عوض این زحمتها را خداوند بدهد. مادر جان امیدوارم موقعی که من شهید شدم ناراحت نباشی چون که با ناراحتی شما منافقین دلشاد می‌شوند چه بهتر که صبر کنی تا منافقین ضد خلق غمگین و ناراحت شوند. مادر جان تو را قسمت می‌دهم به چهارده

1- ر. ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «هم بمیریم».

3- سخن شهید برگرفته از سخنان امام خمینی است (صحیفه امام، ج 4، ص 492).

معصوم(:) که با رفتن من ناراحت نشوی. تو باید برادرانم را طوری تربیت کنی کـه راه ما را ادامه دهند و نگذارید که پرچم «لا اله الا الله و محمـداً رسـول الله» بـر زمـین بیفتـد و نگذارند که اسلحه‌های ما به زمین بیفتد. مادر جان راهی که مـا در پـیش گرفتـه‌ایـم راهـی است که به حیات جاودانی می‌پیوندد و پیام من به برادرانم این اسـت کـه نگذاریـد مـادرم ناراحت شود و هرچه گفت گوش کنید و غیر از اسلام راه دیگری را ادامه ندهید و غمگین نباشید زیرا با غمگین شدن شما دیگران دلشاد می‌شوند. پس برادران شـاد باشـید و افتخـار کنید که برادری را در راه اسلام قربانی داده‌اید و پیام من به خواهرم این است کـه خـواهرم امیدوارم زینب‌وار باشید و مانند زینب(3) صبر کنی تا برای خواهران دیگر الگو باشـی و مبادا بی‌صبری کنی. خواهرم تو باید زینب‌وار زندگی کنی و در آخر پیام من به برادر بزرگم این است، برادر جان تو خیلی زحمت می‌کشی و پدر هستی برای ما. امیدوارم که نگـذاری برادران کوچکم و خواهرام ناراحت شوند. برادر جان برادرانم را طوری تربیت کـن کـه راه شهدا را ادامه دهند و الگو باشند برای خانواده‌های دیگر و امیدوارم که مرا حلال کنی.

پیام من به فامیلهایم این است که فامیلهایم مرا حلال کنید و اگر از من بدی دیده‌ایـد بـه بزرگی خودتان و به خاطر خدمت خون شهیدان حلال کنید و بعضی مواقع به خانه مـا سـر بزنید و نگذارید که خانواده‌ام در سوگ من ماتم بگیرند و امیدوارم که تمـام خالـه‌هـایم بـه خصوص حلیت سعیدی مرا ببخشند و از عیسی دایی هم حلالیت می‌خـواهم او پـدر بـود برای ما، او ما را به راه مستقیم هدایت می‌کرد و از برادرانم می‌خـواهم کـه بـه حرفهـای او گوش بکنند. از [عمه]هایم حلالیت می‌خواهم از تمام اهالی روستا حلالیـت مـی‌خـواهم از دختر عمه‌هایم حلالیت می‌خواهم و ساعت را به صاحبش تحویل دهید.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام.

«والسلام»

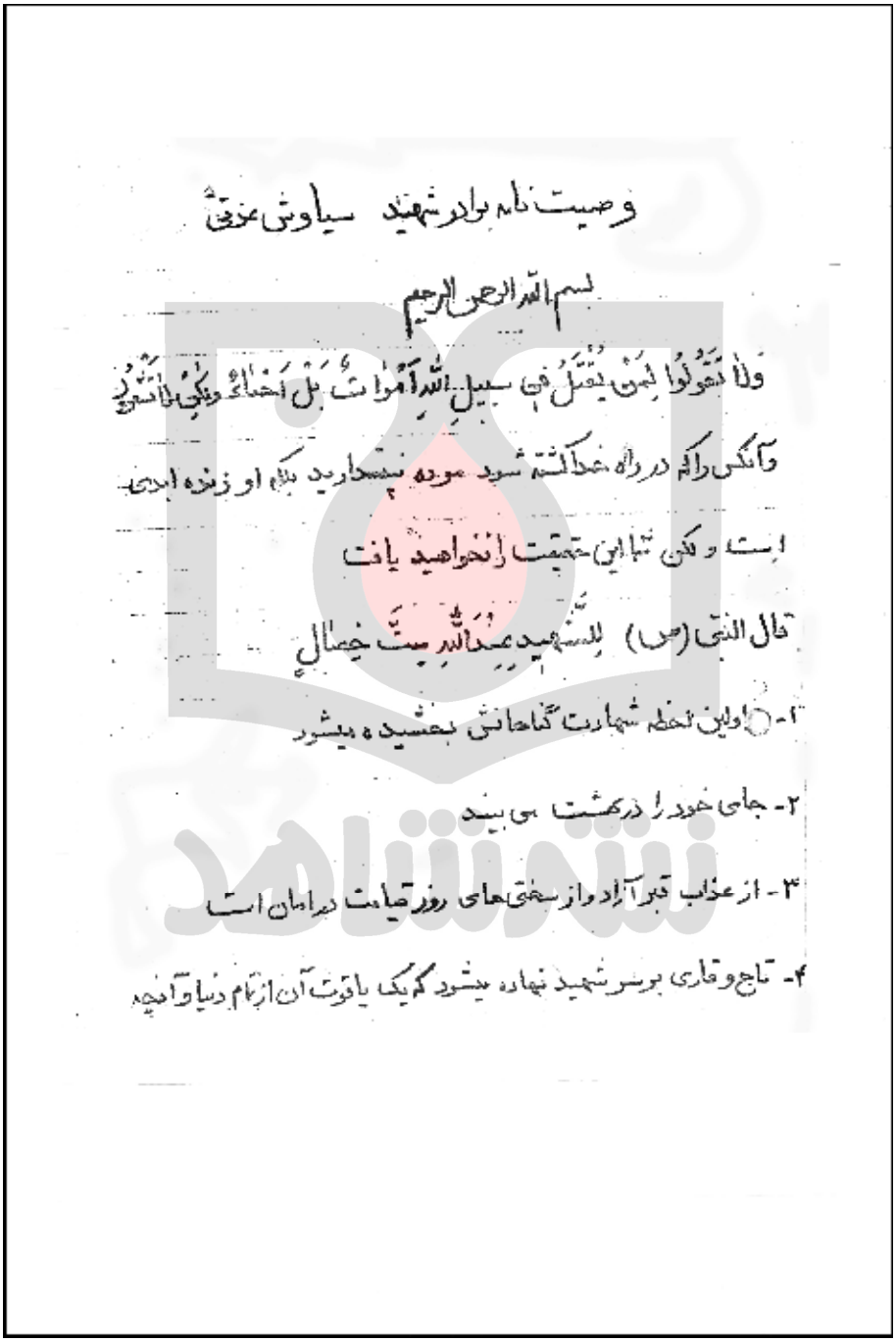

وصیت نامه برادر شهید سیاوش عزتی

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاءٌ ولکن لا تشعرون

وآنکس راکه در راه خدا کشته شود مرده نپندارید بلکه او زنده ابدی

است ولکن شما این حقیقت را نخواهید یافت

قال النبی (ص) للشهید عند الله ست خصال

۱- اولین لحظه شهادت گناهانش بخشیده میشود

۲- جای خود را در بهشت می بیند

۳- از عذاب قبر آزاد و از سختی های روز قیامت در امان است

۴- تاج وقاری بر سر شهید نهاده میشود که یاقوت آن از تمام دنیا و آنچه

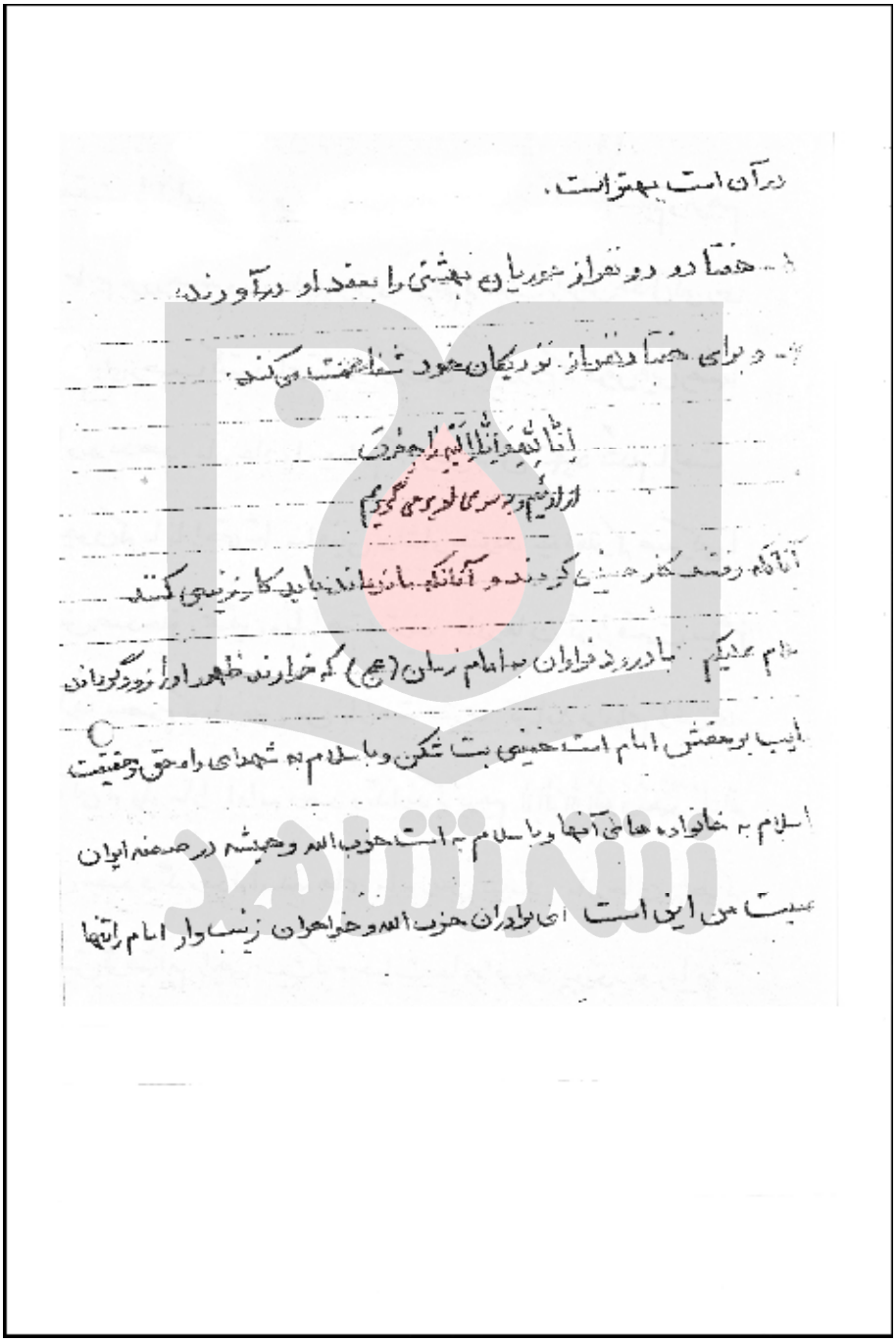

درآن است بهتر است.

۱- همه ما دو نفر از خوبان بهشتی را بعقد او درآورند.

۲- و برای همه ما دو نفر از نوریان خود شفاعت می کند.

إنّا لله وإنّا إليه راجعون

از اوئیم و به سوی او برمی گردیم

آنانکه رفتند کار خود کردند و آنانکه ماندند باید کار خود کنند

سلام علیکم یاوران و یاران امام زمان (عج) که خواهند ظهور او را زودگردان

ایب بر عهده امام است خمینی بت شکن و با سلام به شهدای راه حق و حقیقت

اسلام به خانواده های آنها و با سلام به است حزب الله و همیشه در صحنه ایران

عهد من این است ای یاوران حزب الله و خواهران زینب وار امام را تنها

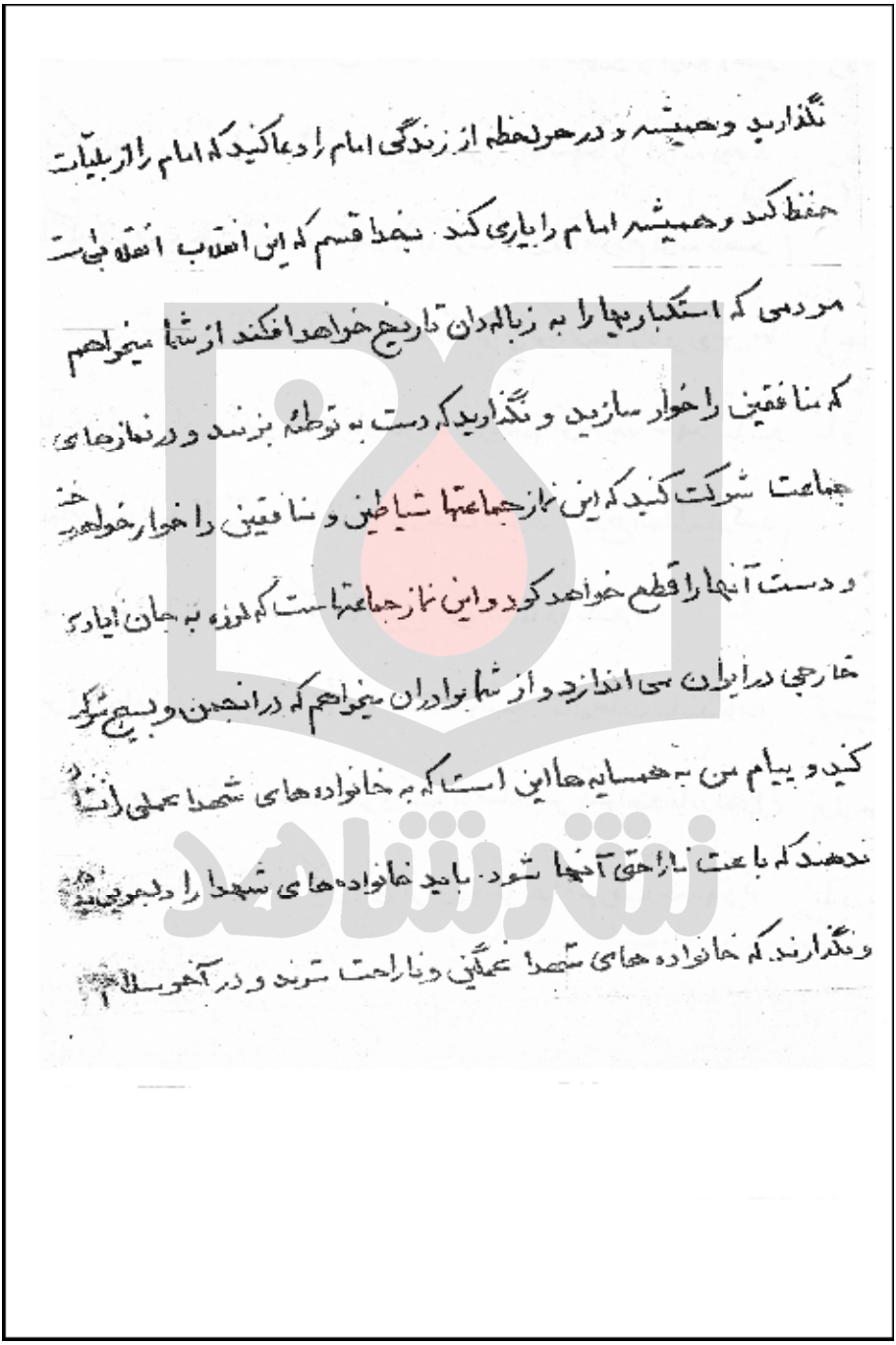

نگذارید و همیشه و در هر لحظه از زندگی امام را دعا کنید که امام را از بلیات
حفظ کند و همیشه امام را یاری کند. بخدا قسم که این انقلاب انقلابی است
مردمی که استکبار بپا را به زباله‌دان تاریخ خواهد افکند از شما میخواهم
که منافقین را خوار سازید و نگذارید که دست به توطئه بزنند و در نمازهای
جماعت شرکت کنید که این نماز جماعتها شیاطین و منافقین را خوار خواهد
و دست آنها را قطع خواهد کرد و این نماز جماعتهاست که لرزه به جان ایادی
خارجی در ایران می اندازد و از شما برادران میخواهم که در انجمن و بسیج شرکت
کنید و پیام من به همسایه‌ها این است که به خانواده‌های شهدا عملی را انجام
ندهند که باعث ناراحتی آنها شود. باید خانواده‌های شهدا را دلجویی کنید
و نگذارند که خانواده‌های شهدا غمگین و ناراحت شوند و در آخر سلام

به دوستانم است: ای دوستان امیدوارم که راه شهدا را ادامه دهید

آنهایی که درس میخوانند با خواندن درس راه شهدا را ادامه دهند

آنهائیکه در بسیج هستند راه شهدا را با ارشاد کردن مردم ادامه دهند

ای دوستان شما باید راهی را ادامه بدهید که برای کوچکترها راه و روشن

الگو باشد و برادران عزیز ما را از یاد نبرید هرهفته بر سر قبر شهدا بیاید

فاتحه‌ای بخوانید تا در آن دنیا از شما ناراحت نشوند و روح آنها را شاد کنید

همه‌ی راه خود را ادامه دهید که منافقین سوء استفاده نکنند.

پیام من به خانواده‌ام این است که ناراحت نباشید مادرجان ما بندگان

امانت هستیم در دست شما ها هروقت که صاحبش بخواهد باید تحویل

دهید. پس مادرجان همه ما یکروزی از این دنیا خواهیم رفت چه بهتر که

راه حقیقت را ادامه بدهیم و مادرجان ما آنوقت میمیریم پیروز هستیم و آنوقت هم
زنده هستیم پیروز هستیم و مادرجان از تو می خواهم که شیرت را برمن حلال کنی و می
دانم که خیلی زحمت کشیده ای تا مرا بزرگ کنی امیدوارم که عوض این زحمتها
را خداوند بدهد. مادرجان امیدوارم که بوقتی که من شهید شدم ناراحت
نباشی چون که با ناراحتی شما منافقین دلشاد میشوند چه بهتر که صبر کنی تا
منافقین ضدخلق نجس و ناراحت شوند. مادرجان تو را قسمت میدهم
به چهارده معصوم که با رفتن من ناراحت نشوی. تو باید برادرانم را طوری
تربیت کنی که راه ما را ادامه دهند و نگذارند که پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله
برزمین بیفتد و نگذارند که اسلحه های ما بر زمین بیفتد. مادرجان راهی که
ما در پیش گرفتیم راهی است که حیات معاویه ای پیروز و پیام بر

به برادرانم این است که نگذارید مادرم ناراحت شود و هرچه گفت گوش کنید
و هیچ از اسلام راه دیگری را ادامه بدهید و نمگین نباشید زیرا با غمگین شدن
شما دیگران دلشاد میشوند. پس برادران شکیبا باشید و افتخار کنید که برادرتان
را در راه اسلام قربانی داده اید و پیام من به خواهرم این است که خواهرم
امیدوارم که زینب وار باشید و مانند زینب صبر کنی تا برای خواهران دیگر
الگو باشی و نیاز بی صبری کنی. خواهرم تو باید زینب وار زندگی کنی و در
آخر پیام من به برادر بزرگم این است برادرجان تو خیلی زحمت میکشی و باید
هستی برای ما. امیدوارم که نگذاری برادران کوچکم و خواهرم ناراحت شوند
برادرجان برادرانم را طوری تربیت کن که راه شهدا را ادامه دهند و الگو باشند
برای خانواده های دیگر و امیدوارم که مرا حلال کنی.

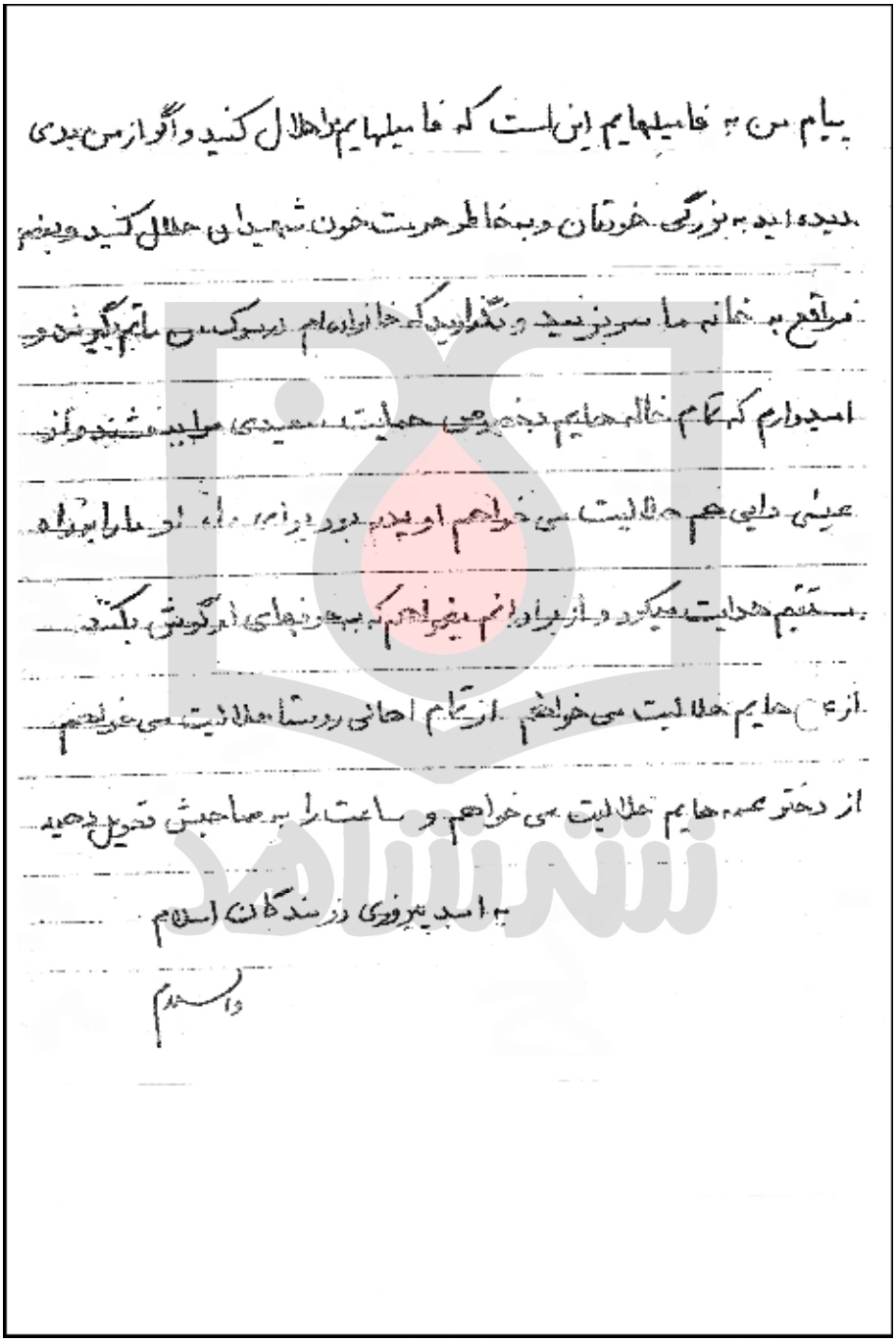

پیام من به خانواده‌ام این است که فامیلهایم را حلال کنید و اگر از من بدی دیده‌اید به بزرگی خودتان و به خاطر حرمت خون شهیدان حلال کنید و بعضی مرا تنها به خانه ما سر بزنید و نگذارید که خانواده‌ام احساس تنهایی کنند و امیدوارم که تمام خانواده‌ها بتوانند از حمایت شهید خود برخوردار شوند و این وظیفه همه ماست که خواهر و برادر شهید بوده و او را راهنما و مستقیم هدایت میکرد و از برادرانم میخواهم که به حرفهای او گوش بکنند از عموها و دایی‌هایم حلالیت می‌خواهم از تمام اهالی روستا حلالیت می‌طلبم از دختر عمه‌هایم حلالیت می‌خواهم و ساعت را به صاحبش تحویل دهید

به امید پیروزی رزمندگان اسلام

والسلام

نام: **سخاوت**
نام خانوادگی: **عزیزی**
نام پدر: **انصاف**
نام مادر: **باغداگل**
تاریخ تولد: **بیستم آبان** 1347
محل تولد: **روستای قزلـدرق از توابـع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان** 1367
محل شهادت: **مریوان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این را یقین بدانید که تنها اعمالی از شما مورد رضایت خداوند متعال قرار خواهـد گرفـت کـه تحت ولایت الهی و رسولش و امامش باشد.
- قدر انقلاب اسلامی را بدانید و در جهت تحکیم مبانی جمهوری اسلامی کوشا باشید.
- آیا این رسم انسانیت است که ما بمانیم یاران همه به سوی لقاءالله بروند.
- برایم قرآن تلاوت نمایید چرا که قرآن بهار دلهاست.
- همسرم زینب‌وار فرزندم علی‌اصغروار امید آینده جامعه اسلامی باشند.
- عموم امت اسلامی نمازهای جماعت را از یاد نبرند و مساجد را همیشه پر کنند.

سخاوت عزیزی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

خدایا چگونه وصیت‌نامه بنویسم در حالی که سرا پا گناه و معصیت و نافرمانی[ام] گر چه از رحمت تو ناامید نیستم ولی ترسم از این است که نیامرزیده از دنیا بروم می‌ترسم رفتنم خالص نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم «الهی العفو الهی العفو».

اینجانب سخاوت عزیزی فرزند انصاف متولد 1347 ساکن روستای قزلدرق در این لحظات آخر عمر وصیت خود را می‌نویسم و علم کامل دارم که در این ماموریت مقدس سربازی جان به پروردگار بزرگ باید تسلیم نمایم و این را یقین بدانید که تنها اعمالی از شما مورد رضایت خداوند متعال قرار خواهد گرفت که تحت ولایت الهی و رسولش و امامش باشد قدر انقلاب اسلامی را بدانید و در جهت تحکیم مبانی جمهوری اسلامی کوشا باشید آیا این رسم انسانیت است که ما بمانیم یاران همه بسوی لقاءالله بروند؟ مگر ما لیاقت آن را نداریم؟

تنها سفارشم در این است که اگر می‌خواهید برایم عزاداری کنید به یاد مظلومیت حسین(**7**) باشید و برای او عزاداری کنید شب جمعه‌ها بر سر قبرم بیایید و برایم قرآن تلاوت نمایید چرا که قرآن بهار دلهاست و هیچ‌وقت با همسایگان و فامیل‌ها[2] بی‌محبّتی نکنید و شکر نعمتهای خدا را از یاد نبرید برای اینکه «هر چه داریم از اوست و آخر به سوی اوییم»[3].

و اما پدرم شما که مرا بزرگ کردید با همه مشکلات و شرمنده شدم در ادای وظیفه فرزندی امید است این پسر گنهکارتان را عفو نمایید و وصیتی دارم به همسرم و فرزندم چرا که نتوانستم در این مدت کوتاه ادای وظیفه بنمایم بنابراین تنها آرزوی من [این] است[4] که همسرم زینب‌وار فرزندم علی‌اصغروار امید آینده جامعه اسلامی باشند و خواهرانم

1- بالای وصیت آمده است «وصیت‌نامه سرباز شهید اسلام برادر شهید سخاوت عزیزی».

2- در اصل وصیت «فامیلین».

3- ترجمه بخشی از آیه 156 سوره بقره «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

4- در اصل وصیت «من است».

الگوی محیط اسلامی روستا باشند و اما سفارشی دارم به مادر و خواهرانم چرا که نتوانستم ادای وظیفه فرزندی و برادری را در قبال زحمات آنان بنمایم و امیدوارم مرا حلال کنند و به خانواده‌های اسرا و مفقودین سرکشی کنید و خانواده‌های شهدا را دلداری دهید و مخصوصاً خانواده‌های مفقودین که هر لحظه در انتظار دیدن فرزند گمنامشان می‌باشند.

و از عموم امت اسلامی به خصوص از هم روستاییان می‌خواهم شعائر اسلامی و نمازهای جماعت را از یاد نبرند و مساجد را همیشه پرکنند و از لحاظ مالی رزمندگان[1] مرزهای توحید را از یاد نبرند و اعتقادتان را به رهبری امام خمینی بیشتر کنید و بیشتر و استوارتر دهان مخالفین ولایت را ببندید.

تمام اقوام و فامیلها[2] یکی یکی مرا حلال کنند و مرا در کنار دایی مهربانم مرحمت سیفی دفن نمایند و همیشه دعاگوی پیروزی رزمندگان مرزهای توحید باشید و از همه حلالیت می‌طلبم.

سخاوت عزیزی
67/7/27

1- در اصل وصیت «رزمنده‌گان».
2- در اصل وصیت «فامیلین».

بسم الله الرحمن الرحیم

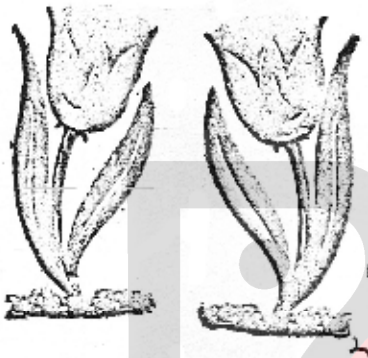

یت نامه سر باز رشید اسلام برادر شهید

خاوت عزیزی

دایا چگونه وصیت نامه بنویسم در حالیکه
سراپا گناه و معصیت و نافرمانی گرچه از
حمت تو نا امید نیستم ولی ترسم از این
ست که نیامرزیده از دنیا بروم می ترسم رفتنم
الم نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم
الهی العفو الهی العفو

ینجانب سخاوت عزیزی فرزند انصاف متولد ۱۳۴۷ ساکن روستای قزلدرق
در این لحظات آخر عمر وصیت خود را مینویسم و علم کامل دارم که در این
اموریت مقدس سربازی جان به سروردگار بزرگ باید تسلیم نمایم و این را یقین
دانید که تنها اعمالی از شما مورد رضایت خداوند متعال قرار خواهد گرفت
که تحت ولایت الهی و رسولش و امامش باشد قدر انقلاب اسلامی را بدانید
و در جهت تحکیم مبانی جمهوری اسلامی کوشا باشید آیا این رسم انسانیت
است که ما بمانیم یاران همه بسوی لقاءالله بروند مگر ما لیاقت آنرا نداریم ؟؟
تنها سفارشم در این است که اگر میخواهید برایم عزاداری کنید به یاد مظلوم
بیت حسین (ع) باشید و برای او عزاداری کنید شب جمعه ها بر سر قبرم
بیائید و برایم قرآن تلاوت نمائید چرا که قران بهار دلهاست و هیچوقت با
همسایگان و فامیلین بی محبتی نکنید و شکر نعمتهای خدا را از یاد نبرید
برای اینکه هرچه داریم از اوست و آخر بسوی اوئیم و اما بدرم شما که مرا
بزرگ کردید با همه مشکلات و شرمنده شدم در ادای وظیفه فرزندی امید
است این پسر گنهکارتان را عفو نمائید و وصیتی دارم به همسرم و فرزندم چرا
که نتوانستم در این مدت کوتاه ادای وظیفه بنمایم بنابراین تنها ارزوی من

است که همسر زینب وار و فرزندم علی اصغر وار امید آینده جامعه اسلامی باشند و خواهرانم الگوی محیط اسلامی روستا باشند و اما سفارشی دارم به مادر و خواهرانم چرا که نتوانستم ادای وظیفه فرزندی و برادری را در قبال زحمات آنان بنمایم و امید وارم مرا حلال کنند و به خانواده های اسرا و مفقودین سر کشی کنید و خانوده های شهدا را دلداری دهید و مخصوصا خانواده های مفقودین که هر لحظه در انتظار دیدن فرزند گمنامشان می باشند .

و از عموم امت اسلامی بخصوص از هم روستائیان میخواهم شعائر اسلامی و نمازهای جماعت را از یاد نبرند و مساجد را همیشه پر کنند و از لحاظ مالی رزمندگان — رزمهای توحید را از یاد نبرند و اعتقادتان را به رهبری امام خمینی بیشتر کنید و بیشتر و استوارتر دهان مخالفین ولایت را ببندید .

تمام اقوام و فامیلین یکی یکی مرا تحلال کنند و مرا در کنار دائی مهربانم مرحوم سیفی دفن نمایند و همیشه دعا گوی پیروزی رزمندگان رزمهای توحید باشید و از همه حلالیت میطلبم

سخاوت عزیزی

۶۷/۷/۲۷

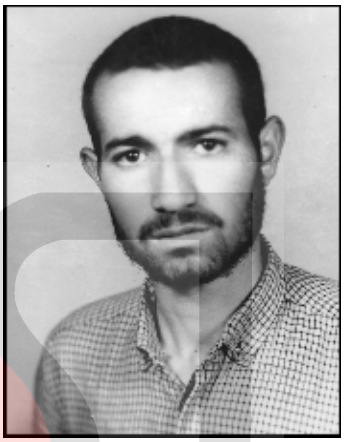

نام: **سیدمسعود**
نام خانوادگی: **عزیزی**
نام پدر: **سیدمسیح**
نام مادر: **مصورخانم**
تاریخ تولد: **پانزدهم آذر** 1341
محل تولد: **روستای زاویه‌سادات از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- بالاخره این زندگی مانند راهی است که باید طی گردد و سفری است که باید به پایان برسد پس چرا پایانمان مانند حسین(**7**) نباشد.
- چرا زندگی ننگین چندین ساله مرگ سرخ ترجیح داده شود.
- آنان که هنوز خود را به گناه آلوده نکرده‌اند فکری به حال خود بکنند و دنیای خالی پر از درد و غم را بر دنیای ابدی نفروشند.
- برادران و خواهران و پدران و مادرانم تا بچه‌ات و جوانت هنوز به گناه آلوده نشده وی را دریاب و حسین‌گونه درس شهامت و شهادت به او یاد بده.
- من این راه را با چشم باز و دیده بصیرت برگزیده‌ام.
- بالاخره این زندگی مانند راهی است که باید طی گردد و سفری است که باید به پایان برسد پس چرا پایانمان مانند حسین(**7**) نباشد.
- سلام مرا به رهبرم برسانید و ادامه‌دهنده راه او باشید.

سیدمسعود عزیزی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام الله پاسدار حرمت خون پاک شهیدان.

«و می‌پندارند آنانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنان زنده و در نزد خدای خود روزی دارند»[2]. اکنون که می‌خواهم خود را برا ی روز امتحان آماده نمایم دل و روانم سر تا پا از یک طرف پر از شور و از طرف دیگر لرزان و اندوهگین [است]. شور و شادی بخاطر شرکتم در حمله و رسیدن به لقاءالله، لرزان به خاطر حاضر نکردن درسم برای امتحان. چرا که عمری را به درس استادم گوش نداده و در لحظه امتحان می‌خواهم با فشار بر خود درس را حاضر کنم امیدوارم که امتحان خوبی داده باشم.

از سنگینی بار گناهانم آن چنان ترسانم که دیگر نمی‌توانم از خدا طلب آمرزش کنم ولی باز امیدوار به رحمت و فضل او می‌باشم. امید دارم آنان که هنوز خود را به گناه آلوده نکرده‌اند فکری به حال خود بکنند و دنیای خالی پر از درد و غم را بر دنیای ابدی نفروشند. برادران و خواهران و پدران و مادرانم تا بچه‌ات و جوانت هنوز به گناه آلوده نشده وی را دریاب و حسین‌گونه درس شهامت و شهادت به او یاد بده و از همان اوان کودکی تا بالغ نشده او را بساز آن هم ساختن چون علی‌اصغر[3](7) و علی‌اکبر[4](7)، به هر حال من این راه را با چشم باز و دیده بصیرت برگزیده‌ام. خدایا به خاطر خون پاک حسین(7) مرا و جمع شهیدان اسلام را بیامرز.

بالاخره این زندگی مانند راهی است که باید طی گردد و سفری است که باید به پایان برسد پس چرا پایانمان مانند حسین(7) نباشد، چرا زندگی ننگین چندین ساله بر مرگ سرخ ترجیح داده شود، ای منافقان[5] از خدا بی‌خبر شما را به آنچه باور دارید قسم می‌دهم

1- بالای وصیت وصیت‌نامه آمده است «وصیت‌نامه برادر شهید سیدمسعود عزیزی‌زاویه».

2- ترجمه آیه 169 سوره آل عمران «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ».

3- ر. ک. تعلیقات.

4- ر. ک. تعلیقات.

5- ر. ک. تعلیقات.

که از روی بصیرت به جبهه نگاه کنید و ببینید که حسین‌گونه‌ها چگونه در جبهه‌ها به شهادت می‌رسند. تا [به][1] دست این برادران[2] عزیز به دَرَک واصل نشده[اید][3] فکری به حال خود بنمایید که عاقبت پشیمان خواهید شد. تا گور خود را به دست خود نکند[اید][4] برگردید و به اسلام روی آورید که نابودید. در خاتمه از خانواده‌ام[5] می‌خواهم که به من گریه نکنند. گریه بر حسین(**7**) کنند و بدانند که گریه بر من مرا اذیت خواهد داد با آرزوی پیروزی اسلام بر کفر و به امید روزی که کربلا از دست کفار بعثی[6] و قدس[7] پاکسازی شود.

دل بر جهان مبند که این بی‌وفا عروس با هیچ کس شبی به محبت بسر نکرد

سلام مرا به رهبرم برسانید و ادامه‌دهنده راه او باشید و اسلحه افتاده مرا به دست بگیرید[8] تا ظهور مهدی(عج) که نزدیک‌تر است.

شهید سیدمسعود عزیزی
به تاریخ 1361/11/18

1- در اصل وصیت «در».
2- در اصل وصیت «بردران».
3- در اصل وصیت «نشده».
4- در اصل وصیت «نکنده».
5- در اصل وصیت «خانوده».
6- ر. ک. تعلیقات.
7- ر. ک. تعلیقات.
8- در اصل وصیت «به گیرد».

بسمه تعالی

وصیت نامه برادر شهید ... سید ... مسعود عزیزی ارسه

بنام الله پاسدار حرمت خون پاک شهیدان

وصی پندارند آنانی که در راه خدا کشته می شوند مرده اند بلکه آنان زنده و در نزد خدای خود روزی دارند • اکنون که می خواهم خود را برای روز امتحان آماده نمایم دل وروانم سر تا پا از یک طرف پر از شور واز طرف دیگر لرزان و اندوهگین شوروشادی بخاطر شرکتم در جبهه ورسیدن به لقاء الله • ولرزان به خاطر حاضر نکردن درسم برای امتحان • چرا که عمری را به درس استادم گوش نداده ودر لحظه امتحان می خواهم با فشار بر خود درسم را حاضر کنم امیدوارم که امتحان خوبی داده باشم از سنگینی بارگناهانم آنچنان ترسانم که دیگر نمی توانم از خدا طلب آمرزش کنم ولی باز امیدوار به رحمت و فضل او می باشم • امید دارم آنان که هنوز خود را به گناه آلوده نکرده اند فکری به حال خود بکنند ودنیای فانی پر از درد وغم را بر دنیای ابدی نفروشند برادران و خواهران وپدران ومادرانم تا بحال و جوانت هنوز به گناه آلوده نشده وی را در رباب و حسین گونه درس شهامت و شهادت به او یاد بده واز همان اوان کودکی تا بالغ نشده اورا بسازاز آن هم ساختن چون علی اصغر وعلی اکبر • به هر حال

(ع)
من این راه را با چشم باز دیده بصیرت برگزیده ام خدایا بخاطر خون پاک حسین
مرا و جمع حسینیان اسلام را بیامرز .

بالاخره این زندگی مانند راهی است که باید طی کرده و سرانجام باید پایان پذیرد
چه بهتر با پایان مانند حسین (ع) نباشد چرا زندگی ننگین چندین ساله بر
یک شوی ترجیح نداده باشیم ای برادران از خدا بی خبر ما به آنچه با ور داریم
می اندیشیم ارزش بصیرت به چیزها نگاه کنید و بینید که حسین (ع) کوچک چگونه
در چهره گاه به جهان می رسد . تا در یابید این بزرگان هیچ یک درک واصل نشده
تقریبی به حال خود نگاه کنید که ما چه بصیران خواهیم بود . تا کور خود را به
تقریبی بزرگ نشان نکنید و بگردید به اسلام روی آورید که دارید . در خانه از خانواده
ام می خواهم که به من گریه نکنند گریه بر حسین (ع) کنند و بدانند که گریه بر من را
این چنین خواهد که در دنیا آرزوی پیروزی اسلام بر کفر چه امید بروزی که کربلا از
لحظه کفر بخش فرشته من پاکسازی شود .

دل بر جهان مبند که این بی وفا عروس یا هیچ کس نمی رود بجهت بسر نکرد
سلام مرا به رهبرم برسانید که راه او یاد امید و اسلحه انداخته مرا بدست به
گیرند تا ظهور مهدی (عج) کمتر یکتواست .
گیرند تا ظهور مهدی (عج)

شهید سید مسعود علیزاده بتاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸

نام: **عطا**
نام خانوادگی: **عزیزی**
نام پدر: **نجفقلی**
نام مادر: **خاور**
تاریخ تولد: **هفتم مهر** 1315
محل تولد: **روستای علی‌کمر از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سوم بهمن** 1361
محل شهادت: **شهرستان زادگاهش**
نحوهٔ شهادت: **ضربه مغزی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- درودهای فراوان به تمام شهداء که با خون سرخ خود نهال آزادی را کاشتند.
- درود به امام کبیرمان امام خمینی که حامی مستضعفان جهان، پشتیبان مسلمانان است.

نشر شاهد

عطا عزیزی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه آقای عزیزی برای خانم [...][2]

با درودهای[3] فراوان به تمام شهداء که با خون سرخ خود نهال آزادی کاشتند و زمین ایران را آبیاری کردند. و به خون خود غلطیدند. و همچنین درود[4] به امام کبیرمان امام خمینی که حامی مستضعفان جهان، پشتیبان مسلمانان است.

این وصیت‌نامه من آقای عطا عزیزی فرزند نجفقلی دارای شناسنامهٔ به شماره 136 متولد 1315 است که در بیمارستان توسط یکی از برادران نوشته می‌شود.

1- حقوق اینجانب عطا عزیزی را کسی به جز[5] زنم حق ندارد بگیرد و استفاده کند او کفیل بنده است.

2- من یک خانه جزئی در اردبیل دارم این خانه از آن خانم من است و کسی در آن حقی ندارد و صاحب اصلی آن او است. و چنانچه اگر از اطراف مزاحم زن بنده شدند او را در فشار گذاشتن می‌توانند خانه را بفروشند.

و مبلغ 200000 ریال بیست هزار تومان باید به خانم همراه دارایی خودش و لباسهایش به او بدهند. و بقیه پول خود را به کسانی که در بیمارستان هستند و مالی و کسی را ندارند بدهید.

1- در بالای وصیت سمت چپ نوشته شده: «تهران بیمارستان 60/11/2».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «دورود».

4- در اصل وصیت «دورود».

5- در اصل وصیت «جزء».

4- اینکه از امام جمعه اردبیل و بنیاد شهید و اهالی مسلمان وانقلابی اردبیل تقاضـا دارم که جنازهٔ[1] مرا نیز همچون دیگر شهدا اسلام تشییع[2] کنند تا مرا شاد کنند. به امید آن که خدا مرا بپذیرد و از گناهان [...][3] من بگذرد[4]. و زنم می‌خواهم که مرا حلال کند. و دیگر عرضی نیست به جز اینکه برایم دعا و طلب[5] رحمت کنید. خداحافظ.

عزیزی

تهران 60/11/2

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «جنازح».
2- در اصل وصیت «تشیع».
3- خوانا نیست.
4- در اصل وصیت «بگذارد».
5- در اصل وصیت واژه «طلب» از قلم افتاده است.

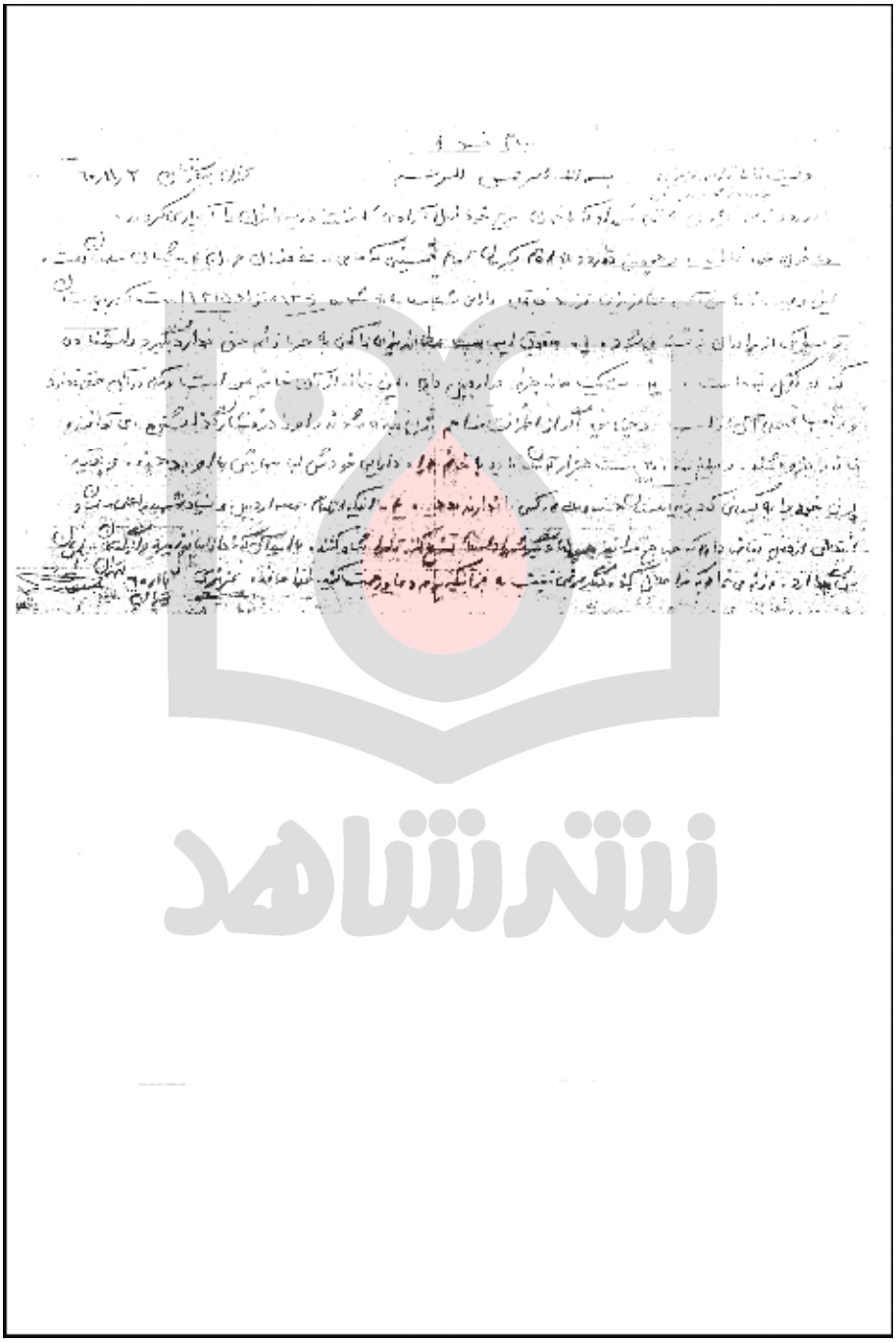

نام: **سیدعلوم**
نام خانوادگی: **عزیزی‌زاویه**
نام پدر: **سیدباقی**
نام مادر: **مرصع**
تاریخ تولد: **چهارم آبان** 1341
محل تولد: **روستای زاویه‌سادات از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم فروردین** 1362
محل شهادت: **ابوقریب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا توفیقم بده که جزو سربازان امام زمانت(عج) باشم.
- خدایا های و هوی بهشت شنیده می‌شود چه غوغایی عاشق حسین(**7**) آماده می‌شود.
- یاران برای وصال باید پروانه‌وار در اشتیاق شمع سوخت تا به ملکوت اعلا عروج نمود.
- برادران و عزیزان برایم دعا کنید تا شاید خداوند من حقیر را هم در جوار رحمت خویش قرار دهد.
- برای نجات اسلام به پا خیزید و رفتن آغاز نمایید و پرچم اسلام را برداشته و به پیش بتازید و بر بلندترین قله‌های جهان و بر فراز بلندترین کاخهای ظلم و استکبار جهان برافراشته سازید.
- عزیزان برای بیداری و نجات مستضعفان و مسلمانان باید غزل‌ها و سازهای هجرت را بنوازیم و سرود پیروزی خون بر شمشیر را بر گوشهایشان بخوانیم.
- همیشه در هر کجا که هستید دعا کنید که خدا تمامی عمر شما را فدای یک لحظه عمر امام کند.
- مادر عزیز مبادا ناشکری کنی خدا [را] شکر کن که خدا چنین سعادتی را به تو نصیب کرد.
- به خدا قسم مادر عزیز هر وقت اسم امام را بر زبان می‌آورم نزدیک می‌شود که روح و جسمم از هم جدا شود.

سیدعلوم عزیزی‌زاویه[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیَانٌ مَرْصُوصٌ»[2].

«خدا دوست می‌دارد آنان را که کارزار می‌کنند و در راه دین خدا درحالی‌که در معرکه پیکار صف زدگانند گویا ایشان ساختمانی استوارند».

«وَالَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ»[3].

«آنان که جهاد می‌کنند با دشمن وبا شیطان در کار ما بی‌گمان بنمایانیم راه خود را».

«سپاهیان به فرمان خدا دژهای محکم امتند». (نهج البلاغه)

«مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد». (قلب امت)[4]

«شهید نظر میکند به وجه الله»[5].

«ما راست قامتان جاودانه تاریخ خواهیم ماند»[6]. (شهید بهشتی)

«شهدا شمع محفل بشریتند». (شهید آیت‌الله مطهری[7])

ای خوشا با فرق خونین[8] در لقای یار رفتن — سر جدا پیکر جدا در محضر دادار رفتن

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم — این متاعی[9] است که هر بی‌سر و پایی دارد

سپاس و ستایش بیکران خدای را که وجودمان بخشید و از حیوانیتمان رهایی داد و به صراط حق راهمان نشان داد. و بر این رفتن آشنایی قرار داد که بهترین درود و گرمترین سلامها بر او و آل پاکش باد و سلام و درود فراوان بر فرزند پاکش امام خمینی، این

1- شهید در بالای وصیت سمت راست نوشته «از هجرت تا شهادت».

2- صف/ 4. «در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند جهاد می‌کنند». در اصل وصیت «...سبیله...».

3- عنکبوت/ 69. در اصل وصیت «...جاهدو ...لنهدینکم...».

4- شهید تعبیر «قلب امت» را برای امام خمینی بکار برده است.

5- صحیفه امام، ج 13، ص 513.

6- در اصل وصیت «آیت شهید دکتر بهشتی».

7- در اصل وصیت «آیت شهید مطهری».

8- در اصل وصیت «خونی».

9- در اصل وصیت «مطاع».

گمشده قرن و ظلمت‌شکاف عصر پایای نالان شب و شیر غـران روز فرزانـه‌مـردی از تبـار نیاکان و پاکان علی‌گونه‌ای بر سرزمین اسـلام بـا چهـره تابـان امـام زمـان(عـج) پیـشگام و زمینه‌ساز حکومت مهدی(عج) این عصاره عصیان ضعیف‌شدگان رادمرد عالم تشیع و چراغ فروزان آسمان اسلام خلاصه مرد خدا.

و سلام بر خونروانانی که عاشقانه در راه اعتلای کلمه توحید به جانان رسیده و به دیـار دوست شتافتند و سلام همراه تحیتمان بر رزمندگانی باد که پروانه‌وار گرد شـمع چرخیدنـد و سوختند و از سوختنشان راه را برایمان روشن نمودند سلامی از بلندای پیـروزی سـلامی از شعله‌های عشق نثار آن عزیزان باد. و سلام و درود فراوان بر شـما مـردم حـزب‌الهـی و همیـشه در صـحنه کـه امـام را یاوریـد و اسـلام را پـشتیبان و ای کـسانی کـه از بهتـرین پشت‌گرمان رزمندگان در جبهه‌ها شمایید خداوند یار و پناهتان باد تـا هرچـه بهتـر وظیفـه خود را نسبت به اسلام و رزمندگانش ادا نمایید.

برادران و یاران در پی مدتها که آرزو[1] داشتم که سفری به جبهه‌های خونین کرده باشـم و از چگونگی تحصیل و پذیرش در این دانشگاه مقدس و درجـه مـدرکش سـخنها شـنیده بودم بالاخره رحمت الهی شامل حالم شد و توفیق این را یـافتم کـه بـه ایـن دانـشگاه کـه درسش ایثار و مدرکش شهادت و دانشجویانش عاشقان الله، شاگردان مکتب حـسین(**7**) مکتب شهادت می‌باشد بیایم.

خدایا توفیقم بده که جزو سربازان امام زمانت(عج) باشم و با سرفرازی و سـربلندی بـا ساختن خود در این محل منزه بدر آیم.

خدایا بیش از این مرا در گناه و گرداب فساد و آلودگیها گرفتارم مساز.

خدایا ماندن دشوار شده است یاران همه یکی پـس از دیگـری پـرواز کـرده و پیـشت[2] می‌آیند ما از نبودن آنها رنج نمی‌بریم ولی از بودن خویش در رنجیم ما مـی‌دانـیم کـه آنهـا هستند ولی ما زندهٔ مرده‌ایم خدایا از هجر گداخته می‌شوم.

یا رب بگـو شـهادت معـراج تـا سـعادت کی می‌شـود نـصیبم پاسـخ بـده سـؤالم

خدایا های و هوی بهشت شنیده می‌شود چه غوغایی عاشق حسین(**7**) آماده می‌شود

1- در اصل وصیت «آرزم».

2- در اصل وصیت «پیش‌ات».

تا به لقای دوست بشتابد[1] و با معشوق خویش دیدار نماید[2] چه صحنه‌ای حسین(7) به پیشواز یارانش آمده است و راهنماییشان می‌کند و واسطه وصال رزمندگان با یار شده است.

ولی یاران برای وصال باید پروانه‌وار در اشتیاق شمع سوخت تا به ملکوت اعلا عروج نمود باید از شعله‌های عشق و عرفان گداخت تا به سوی میعادگاه عشق معراج نمود و برای دریدن پرده‌های تاریکی و ظلمات باید بدنها داد و دست و پا نثار کرد.

برادران و عزیزان برایم دعا کنید تا شاید خداوند من حقیر را هم در جوار رحمت خویش قرار دهد. از تمامی عزیزان می‌خواهم که در مورد آمرزش گناهانم از خدا طلب مغفرت نمایند و اگر این پیروزی عظیم برایم میسر شد به آرزویم رسیده‌ام ولی آرزوی[3] اولم پیروزی اسلام و رزمندگان است که به جای خود. درد و دلهایی چند با شما دارم آخرین گفت و شنودها تذکرات و سفارشهایی[4] با شما برادران عزیز و حزب‌الهی که قدر این اماممان را بدانیم هرچه داریم از اوست و از راهنماییهایش. سالهای سال که قداست[5] [مظلوم] اسلام در تنگنایی[6] از محرومیت همه وجودش در التهاب و انتظار چونان شمع می‌سوخت و می‌گداخت و تنها گاه گاهی تک ستاره‌ای فروزان متجلی می‌شد و با عجله و شتابان به دامان افول می‌گریخت که تاریکی و ظلمت سخت سنگین و فشرده بود و ستاره‌ای یارای شکافتن آن را نداشت ولی این بار ستاره‌ای به تجلی در آمد و شمعی سوختن گرفت که هرگز به خاموشی نخواهد گرایید. بزرگ‌مردی بر آیینه عصر ما ظهور کرد که عالمی از نو و از نو آدمی[7] در نمایشگاه انقلاب اسلامی و کبیرمان به تجلی درآورده

1- در اصل وصیت «بشتابنند».

2- در اصل وصیت «نمایند».

3- در اصل وصیت «آرزویم».

4- در اصل وصیت «سفارشهای».

5- در اصل وصیت «قدامت».

6- در اصل وصیت «تنگنای».

7- اشاره دارد به شعر حافظ «آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست/ عالمی دیگر بباید ساخت و ز نو آدمی».

است رهبری بر خاسته از قلب توده مظلوم و فقیر[1] شده که آلام آنان را در دل و آمالشان بر سر دارد با عزمی راسخ و ایمانی استوار و پولادین پیشاپیش خلایق به نماز ایستاده و مسلمین و مظلومین فوج، فوج صف‌آرایی می‌کنند و زمان مصداق سوره شریف نصر[2] «**إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ**»[3] می‌باشد.

ولی عزیزان مبادا کفران نعمت کنیم که خداوند از ما راضی نخواهد شد و امامان را تنها بگذاریم شما قدر خودتان را بدانید خداوند شما را بر امامی امت قرارداده که سراپای[4] وجودش عشق به اسلام و الله می‌باشد خداوند شما امت ایران را انتخاب کرد که پا به پا با[5] راهنماییهای این مرد خدا پیر جماران[6] برای نجات اسلام به پا خیزید و رفتن آغاز نمایید و پرچم اسلام را برداشته و به پیش بتازید و بر بلندترین قله‌های جهان و بر فراز بلندترین کاخهای ظلم و استکبار جهان برافراشته سازید و بدانید آنان که از سلاحشان ما را می‌ترسانند بر کویر اندیشه باطلشان چیزی نخواهد رویید و آنان[7] که قامتشان از قیام امتمان شکسته بر سوگ زمستانشان نشینند که بهار قیاممان تازه آغاز گشته ما در مکتب حسین(**7**) درس شهادت آموخته‌ایم و در شریعت علی(**7**) علم جهاد و ندای «هل من ناصر ینصرنی»[8] حسین(**7**) که 14 قرن پیش از دهان مبارک حسین(**7**) بدر آمد حالا لبیک گفته می‌شود و می‌بینید که چگونه برادرانمان عاشقانه به دیار دوست می‌شتابند[9] و بر کفر صدامی[10] یورش می‌برند و حماسه‌های صدر اسلام را دوباره تجدید می‌نمایند برادران بدانید تنها صدام نیست که در مقابل دلیر مردان کشور جمهوری اسلامی ایستاده بلکه

1- در اصل وصیت «فقیره».

2- در اصل وصیت «سوره شریف فتح».

3- نصر/ 1. ترجمه «چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد».

4- در اصل وصیت «سرپا».

5- در اصل وصیت «و».

6- ر. ک. تعلیقات.

7- در اصل وصیت «آنکه».

8- ر. ک. تعلیقات.

9- در اصل وصیت «می‌شتابنند».

10- ر. ک. تعلیقات. ذیل «صدام»

تمامی ابرجنایت‌کاران شرق[1] و غرب[2] و کشورهای مرتجع[3] و به اصطلاح مسلمان منطقه مزدوری را به اسم صدام مامور کرده‌اند که به کشور ما هجوم آورد و دست خویش را به خون جوانان ما خونین نماید. کشورهای منطقه از ترس اینکه انقلاب اسلامی جرقه‌ای در منطقه نه بلکه در دنیا ایجاد کرده که به زودی تمام دنیا را در برخواهد گرفت انشاءالله، در درجه اول این کشورها در آتش خشم انقلاب خواهند سوخت و شامل حالشان خواهد شد به این منظور تا آنجا که از دستشان می‌آید برای [به] شکست کشاندن این انقلاب از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌نمایند و هر روز ایستگاه رادیویی جدیدی برای تبلیغات بر ضد این انقلاب و اسلام اختصاص می‌دهند و شب و روز فکرشان این است که چه خوابی ببینند و چه توطئه‌ای طرح نمایند و چه کمکی به این مزدور خود فروخته بنمایند بسی خیال باطل، امت اسلام آگاه‌تر وخروشان‌تر و متحد[4] و بیدارتر از آنند که آنها فکرشان را می‌کنند وانشاءالله به یاری خداوند اسلام در سراسر جهان می‌رود گسترش بیابد و وعده خداوند که مستضعفان وارث اصلی زمین خواهند شد تحقق یابد.

«**وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ**»[5].

ولی اینک ای عزیزان برای بیداری و نجات مستضعفان و مسلمانان باید غزلها و سازهای هجرت را بنوازیم و سرود پیروزی خون بر شمشیر را بر گوشهایشان بخوانیم ما وارث آن برادرانی هستیم که بار مسئولیتشان و تفنگ رزمشان را و نماز و دعای عاشقانه‌شان را به امانت سپرده و رفته‌اند ولی روحشان نظاره‌گر رزم جاودانمان می‌باشد هم اینک میدان رزمی به وسعت تمامی ارض و مسئولیتی بسیار سنگین و کوله‌باری از درد و رنج محرومان را بر دوش داریم.

برخیز از تمام تاریکیها رفتن آغاز نماییم و حماسه ای جاودانه بسراییم و مسئولیتمان را

1- ر. ک. تعلیقات.

2- ر. ک. تعلیقات.

3- این جمله دو بار تکرار شده است.

4- در اصل وصیت «متحدتر».

5- قصص/ 5. ترجمه «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم».

به پایان برسانیم و به فرمایشات امامان که آغشته کردن سلحشوریها با حالات روحانی و عرفانی اسلامی می‌باشد لبیک گفته از آن بهره‌ها جوییم و جرعه‌ها نوشیم و دریای[1] ظلم را با سوختنمان و فدا شدنمان روشنایی بخشیم ولی قبل از اینها باید حرکتی در درون خویش کرده باشیم باید جهاد اکبر[2] را مقدم‌تر و مهم‌تر از جهاد اصغر[3] بدانیم زیرا بدون مبارزه با نفس مبارزه با دشمن اسلام میسر[4] نخواهد شد برای اینکه[5] بتوانیم تا رسیدن به قله پیروزی سعادت برویم و حرکتمان را در صراط مستقیم ادامه دهیم و در خط امام و انقلاب حرکت کرده باشیم و از چشمه‌سار توحید بنوشیم باید که دوباره انقلاب کنیم انقلاب از خود دیروز به خویش فردا از فجور و فسق به سوی پرهیزگاری و تقوا و از مرداب تا دریا و از خود تا خدا و برای اینکه[6] بتوانیم همواره با ظالمان بستیزیم و گردنکشان را گردن زنیم و بر خرابه کاخهایشان امتی نمونه بسازیم باید که ابتدا بر خویشتن بتازیم و خودی نوین و نمونه باز سازیم و اگر هدف و قصدمان این باشد درخت انقلابمان بار دهد و خون عزیزانمان میوه و ثمر [دهد] و دیوار اسارت و ظلم را بشکند و شب جور و فساد برود باید خود را از دلبستگی به خود و به پیوستگی به خدا و محبوبمان تغییر دهیم باید که خود نمونه سازیم و حرکت خویش را در خط امام ممکن بدانیم خط امام خط اصیل و راستین اسلام خطی که رسالت گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای مظلومین و مستضعفین زمین را بر عهده خویش گرفته خطی که پاسدار و حافظ خون رزمندگان دلیر و شهیدان به خون خفته است و از آدم آغاز شده و در تداوم سرخ خویش با دستهای پاک ابراهیم و محمد(**6**) و علی(**7**) و به دست نیرومند امامان به قلبمان رسید تا زحمتکشان و دربند شده‌های زمین را از جور حکومت قابیلیان[7] برهاند.

1- در اصل وصیت «دریا».
2- ر. ک. تعلیقات.
3- ر. ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «مسیر».
5- در اصل وصیت «براینکه».
6- در اصل وصیت «براینکه».
7- ر. ک. تعلیقات.

برادران کوچکترین انحراف از این خط مستقیم به هلاکت و ضلالت شما خواهد انجامید برای اینکه[1] انحرافی پیدا ننمایید از روحانیت مبارز و همیشه در صحنه کمک بطلبید که واقعاً بازوان اسلام و امامند. بدانید که اگر این روحانیون و علما که در [اصل][2] آنها امام هستند نبودند، اسلام به این سادگی به دستمان نمی‌رسید به اینها عشق بورزید[3] دوستشان بدارید یاورشان باشید فرمایشاتشان را با جان و دل که سعادت و خوشبختی شما را تضمین می‌کند قبول نمایید راهنماییتان می‌کنند به راهتان می‌آورند آگاهتان می‌کنند . حافظشان باشید دشمن فکر خوبی کرده است تصمیم جدی گرفته است این دشمنان[4] اسلام و قرآن روحانیون را هدف قرارداده‌اند اینها بهشتی‌ها[5] و مطهری‌ها[6] و صدوقی‌ها[7] و مدنی‌ها[8] و قاضی طباطبایی‌ها[9] و اشرفی اصفهانی‌ها[10] و دیگر روحانیون را شهید می‌کنند. و می‌دانند که اگر بتوانند این آگاهان به اسلام را از بین ببرند اسلام را از بین برده‌اند در صورتی‌که خیالی [پس باطل کرده‌اند][11] از هر قطره خون بهشتی هزاران بهشتی به وجود خواهد آمد کوردلان با گرفتن بهشتی فکر می‌کنند می‌توانند راه و حرکت و خط‌مشی بهشتی را نابود سازند بهشتی را به ظاهر از ما گرفتند ولی هدف بهشتی و مکتب بهشتی و فرمایشات بهشتی را از ما نخواهند توانست گرفت ای روبه‌صفتان از یک نفر بهشتی که این همه ترس [و] وحشت داشتید بر سوگ آن زمانی بنشینید و منتظر آن زمانی باشید که هزاران بهشتی که «امام بهشتی را یک ملت نامید»[12] برای این ملت ما که هزاران ملت به

1- در اصل وصیت «براینکه».

2- در اصل وصیت «منشاء».

3- در اصل وصیت «بوزید».

4- در اصل وصیت این عبارت دو بار تکرار شده است.

5- ر. ک. تعلیقات.

6- ر. ک. تعلیقات.

7- ر. ک. تعلیقات.

8- ر. ک. تعلیقات.

9- ر. ک. تعلیقات.

10- ر. ک. تعلیقات.

11- در اصل وصیت «بسی باطلی کرده‌اند».

12- صحیفه امام، ج 15، ص 201.

وجود خواهد آمد چه قیامتی که به پا خواهد شد آن موقع چه لانه موشی را برخواهید گزید از دست این مظلومان و مستضعفان چه خاکی بر سرتان خواهید ریخت، بهشتی‌ها خاموش نخواهند شد مردم مستضعف و فقیر شده را در تمامی گیتی از آفریقا گرفته تا آمریکا بیدارشان خواهند کرد صدای ملکوتی اسلام به گوششان خواهند رساند چگونه مبارزه کردن با ظلم و استکبار را یادشان خواهند داد. یاران و عزیزان، دیگر چیزی که پشت و کمر آمریکا و شوروی و دیگر شیاطین از آن شکسته و به جانش لرزه افتاده و پایه‌های کاخشان متزلزل گشته از وحدت و برادری شما که دست به دست هم داده و برای پیش بردن این انقلاب اسلامی عظیم و بزرگ می‌کوشید. شرکت فعال و دسته جمعی شما در نماز جمعه‌ها و جماعتها و راهپیماییها و دیگر مجالس دینی و مذهبی که باعث تشکل و وحدت هرچه بیشتر شما شده است. صفوف خود را هرچه مستحکم‌تر و متحدتر نمایید و کوچک‌ترین فرصتی برای نفوذ این خون‌خواران و مزدوران [و] خون‌آشامشان نداده باشید که کوچک‌ترین غفلت شما و کوچکترین سستی و احساس بی‌تفاوتی‌تان و احساس خستگی‌تان برابر با بزرگ‌ترین امتیازی است و بهترین فرصتی است که به دشمن برای ضربه زدن و به شکست و سقوط کشاندن این انقلاب نوپا و اسلام عزیز می‌دهید و این را بدانید تا زمانی‌که در جهان ظلمی هست و ظالمی و جنایت هست و حق‌کشی و خون‌آشامی جنگ[1] جهاد و مبارزه اسلام با کفار وجود دارد و تا عدالت اجتماعی اسلام و احکام و تعالیم نجات بخش و عالیه اسلام در سرتاسر گیتی به اجرا در نیامده و در گوشه‌ای در این جهان پهناور فقیر[2] شده است [و] بیچاره است باید که جنگید تازه هنوز بعد از آزادی مسلمانان عراق از چنگ صدام [عفلقی][3] محرومان جنوب لبنان چشم در انتظارند و اسراییل غاصب از هیچ جرم [و] جنایتی و غارتگری نسبت به این شیعیان مظلوم دریغ نمی‌دارند .هنوز 50 میلیون مسلمان شوروی در زیر چکمه‌های ظلم و استکبار شوروی له می‌گردند و کوچک‌ترین اعتراضشان با بستن به دو ماشین و پاره شدن از وسط جواب داده می‌شود هنوز طغیان و ظلم و جور و به خاک و خون کشیده شدن مردم

1- این عبارت دو بار تکرار شده است.

2- در اصل وصیت «فقیره».

3- ر. ک. تعلیقات. در ال وصیت «افلقی».

مسلمان و قهرمان افغانستان توسط خرس قطبی ادامه دارد این ننگ شده روزگار هنوز جنایتها می‌کند [و] خونهای ناحق می‌ریزد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم[1]

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا»[2].

«ای اهل ایمان سلاح جنگ برگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه به یکباره متفق برای جهاد بیرون روید».

با درود فراوان بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام عزیز نایب به حق حضرت مهدی(عج) و قلب پرتپش میلیونها انسان مستضعف و مظلوم جهان و چراغ پر فروغ راه هدایت انسان بوسیلهٔ خدا خمینی عزیز و ابراهیم زمان و بت‌شکن قرن و فرزند به حق هابیل[3] و سلام بر تمام شهیدان تاریخ اسلام از صدر اسلام تا کنون به خصوص شهدای کربلای ایران و با درود بر تمام رزمندگان جمهوری اسلامی ایران و رزمندگانی که به حق سربازان امام زمانند کسانی که حماسه‌آفرینی‌ها و از خودگذشتگی‌های آنها فداکاری‌های صدر اسلام را در خاطره‌ها زنده می‌کند رزمندگانی که با زبان روزه و با عشق به تنها معشوقشان[4] خدا آن چنان بر دشمن می‌تازند که آگاهان نظامی جهان را گیج و مبهوت ساخته است. پدر و مادر عزیزم اینک زمان آن رسیده که باید حرکت کرد و اینک که اسلام از هرطرف مورد حمله و تجاوز ابرجنایتکاران قرار گرفته اینک که صدام خائن[5] این مزدور آمریکا برادران و خواهران ما را به خاک و خون می‌کشد بر سر یتیمان و بیچارگان[6] بمب می‌ریزد نباید[7] نشست و شاهد چنین جنایات صدام این سرسپرده شرق[8] و غرب[1] شد باید

1- در اصل وصیت شهید بالای وصیت در گوشه سمت راست نوشته «جهاد تا شهادت».

2- نساء/ 71. در اصل وصیت «...آمنو اخذو ...فانفرو...».

3- ر. ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «معشوقه‌شان».

5- ر. ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «بی‌چارگان».

7- این عبارت در وصیت دو بار تکرار شده است.

8- ر. ک. تعلیقات.

در این راه از جان و مال گذشت و تنها سرمایه گرانقیمت مادی که جان آدمی می‌باشد در راه اسلام فدا کرد باید معنویات را بر مادیات ترجیح داد زیرا جان و پول و مال هیچ یک جای خدا را در دل آدمی نمی‌گیرد برادران[2] دیگر کاسه صبرم لبریز شده و تاب و تحمل چنین جنایات دیگر نیست من به اتفاق چند تن از برادران[3] بسیجی روانه جهاد با کفار می‌گردیم می‌رویم تا به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[4] امام حسین(**7**) پاسخ مثبت بدهیم و [...][5] تا مرحله عمل در آورم و به گفته امام عزیزم خمینی بت‌شکن «یا کشته شوم یا بکشم در هر دو حال پیروزیم»[6] ولی شما برادر و پدر و مادر همیشه هدفتان اسلام و قرآن باشد و همیشه و در هر کجا به فکر اسلام [و] امام باشید امامی که همیشه به فکر اسلام و مسلمین است رهبری که یک لحظه عمر خویش بدون در فکر بودن ستمدیدگان و مظلومان جهان نمی‌گذراند امامی که هر وقت لب به سخن می‌گشاید باعث آرامش و آسایش دل مستضعفان می‌گردد کسی [که] تنها امید ستمدیدهاست و اینها با شنیدن اسمش واقعاً پر و بال می‌گیرند و می‌خواهند[7] به آسمان پرواز کنند می‌دانند که حقشان را از ظالمان و ابرجنایتکاران خواهد گرفت برادران اگر قدر چنین رهبری را ندانیم به عذاب دچار خواهیم شد که خدا می‌داند این نعمتی است که خدا به ما بخشیده است برادران مبادا کفران نعمت کنید آن وقت دیگر افسوس و حیفی جای ندارد برادران[8] همیشه در هر کجا که هستید دعا کنید که خدا تمامی عمر شما را فدای یک لحظه عمر امام کند و همیشه از اوامر امام اطاعت کنید که اطاعت کردن از اوامر او اطاعت کردن از خداست و برادران انجمن اسلامی باید توجه داشته باشند و نگذارند این منافقان[9] از خدا [بی‌خبر][10] با تبلیغات

1- ر. ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «بردان».

3- در اصل وصیت «بردان».

4- ر. ک. تعلیقات.

5- خوانا نیست.

6- صحیفه امام، ج 4، ص 152.

7- در اصل وصیت «می‌خواهد».

8- در اصل وصیت «بردان».

9- ر. ک. تعلیقات.

10- در اصل وصیت «بی‌خبران».

سوء و خائنانه خود خط این امام بزرگ را خدشه‌دار سازند و دیگر اینکه خودتان [را] برای جهاد در راه خدا آماده سازید و اسلحه‌هایی[1] را که از دست برادران می‌افتد نگذارید دشمن بردارد پیش روید و صاحب شوید ولی شما ای پدر و مادر منتظر[2] آمدن من نباشید چون من منتظر شهادت بودم و [به آن][3] رسیدم و مبادا گریه کنید که گریه شما باعث خشنودی دشمنان اسلام خواهد شد پدر عزیز می‌دانی که در میان مردم سربلند می‌شوی و می‌توانی سرت را بالا بگیری به این دلیل که توانسته‌ای شهیدی در راه اسلام و قرآن هدیه کنی و تو ای مادر عزیز من در حق [شما] پسری نکردم و تو کاملاً وظیفه مادری را ادا کردی تا آنجا که پسری تربیت کردی که خود عاشقانه به شهادت رسید مادر عزیز مبادا ناشکری کنی خدا [را] شکر کن که خدا چنین سعادتی را به تو نصیب کرد مادرم هر وقت به یادم افتادی به یاد آور مادرانی را که فرزند در آغوش به سوی [مسلسلها][4] شتافتند و تو ای مادر عزیز چون شما به دعا خواندن خیلی علاقه دارید بنابراین از شما می‌خواهم که در مرحله اول امام را دعا کنید که وسیله هدایتمان است به سوی الله (به خدا قسم مادر عزیز هر وقت اسم امام را بر زبان می‌آورم نزدیک می‌شود که روح و جسمم از هم جدا شود).

خداوند بر ما منت نهاده چنین رهبری را که ما لایقش نبودیم ارزانی داشت از شما پدر و مادر عزیزم می‌خواهم بر روی قبرم بنویسید که من عاشق امام بودم و از اینکه درست و حسابی زیارتش نکرده‌ام خیلی افسوس می‌خورم و امیدوارم که در آخرت با شفاعت پیامبر(6) و ائمه‌اطهار(:) بتوانیم با اماممان دیداری داشته باشیم. در مورد محل دفنم پدر و مادر عزیزم مرا اگر امکان داشت حیاط امامزاده دفن بنمایند[5] تا وقتی که عزاداران حسین(7) در روز عاشورا می‌آیند گریه می‌کنند و نوحه می‌زنند و برای حسین(7) سرور شهیدان اشک می‌ریزند و از او شفاعت می‌خواهند من هم بی‌نصیب نگردم و امیدوارم که سیدالشّهدا مرا هم از صف آنها جدا ننماید و تو ای مادر عزیز برایم[6]

1- در اصل وصیت «اسلحه‌های».

2- این عبارت در وصیت دو بار تکرار شده است.

3- در اصل وصیت «بهش».

4- در اصل وصیت «مسلسها».

5- در اصل وصیت «بنماید».

6- در اصل وصیت «برائم».

زیارت عاشورا می‌خوانی[1] و هم‌چنین دعای کمیل و دعای ندبه و سمات و فرج حتماً برایم اگر شد یک‌بار می‌خوانی و از خدا می‌خواهی که گناهان مرا ببخشد و برایم[2] روزه و نماز هم اگر امکان داشت می‌خوانید[3] و حتماً تو ای پدر و مادر عزیز بروی جنازه‌ام عطر و شیرینی می‌پاشید و خصوصاً این وصیت مرا حتماً عمل کنید تا روحیه دیگر پدر و مادر که فرزندشان در جبهه هستند بالا رود کتابهای درسی مرا می‌دهید به دیگر برادران محصل که بخوانند پدر عزیز اگر افرادی از شهر برای تشییع جنازه‌ام به ده آمدند از آنها تشکر می‌کنی با روی گشاده و با خوشحالی خاص که حاکی از قوی بودن روحیه شما است از ایشان استقبال می‌کنی و از حضرت آیت یکتایی هم دعوت می‌کنید که اگر شد در مراسم تشییع جنازه‌ام و اگر نشد [یا] روزهای دیگر که برایم مجلس می‌گذارید سخنرانی بکند و [تو] ای خواهران عزیزم در مجلس که برایم ترتیب می‌دهید شما خودتان شیرینی و دیگر خوردنیها پخش می‌کنید و حالتی مخصوص با خوشحالی به تمام از شرکت کنندگان در مجلس جشن و شادی‌ام استقبال نمایید.

سید علوم عزیزی - 1361/8/1

1- در اصل وصیت «می‌خواینی».

2- در اصل وصیت «برائم».

3- این عبارت دو بار تکرار شده است.

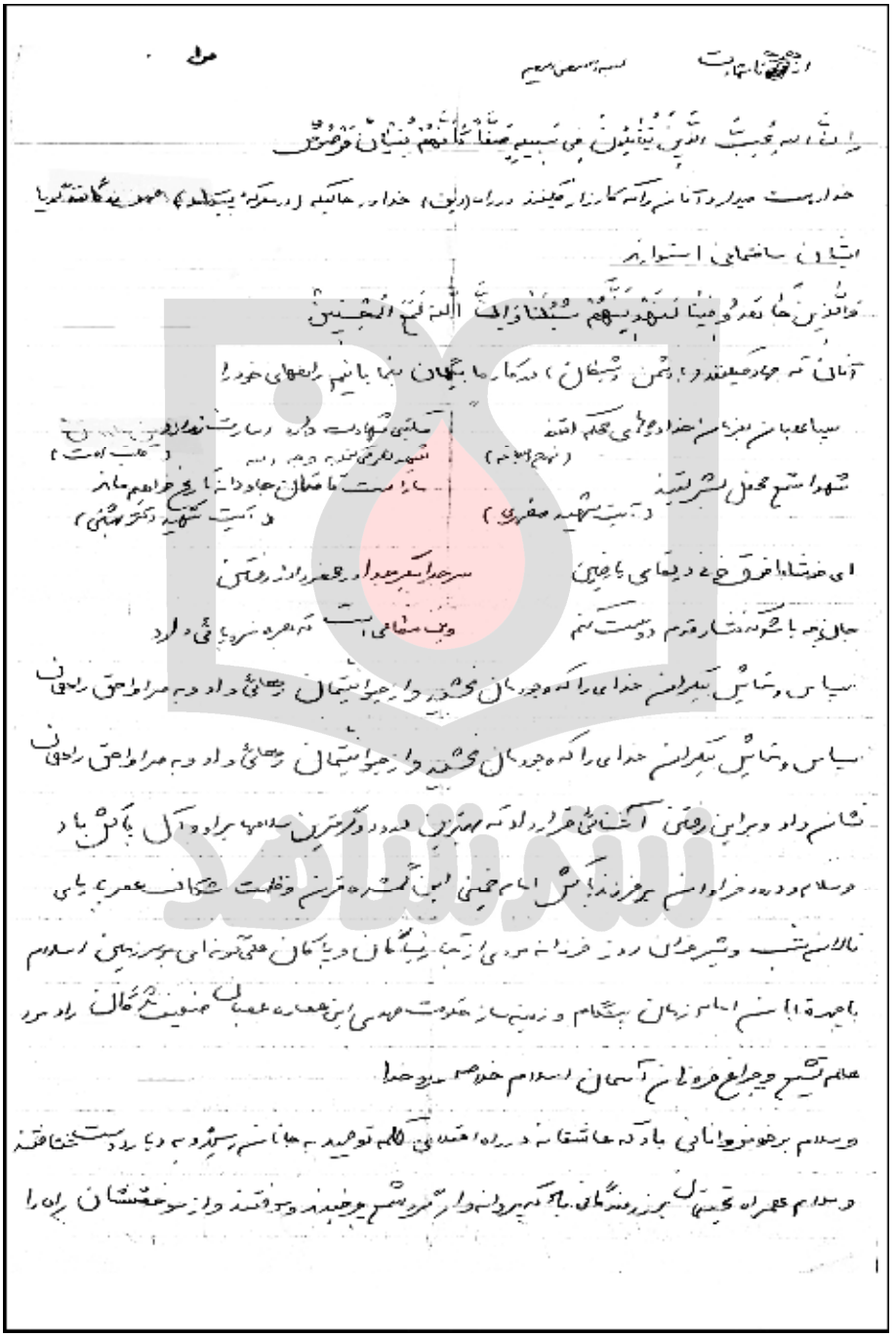

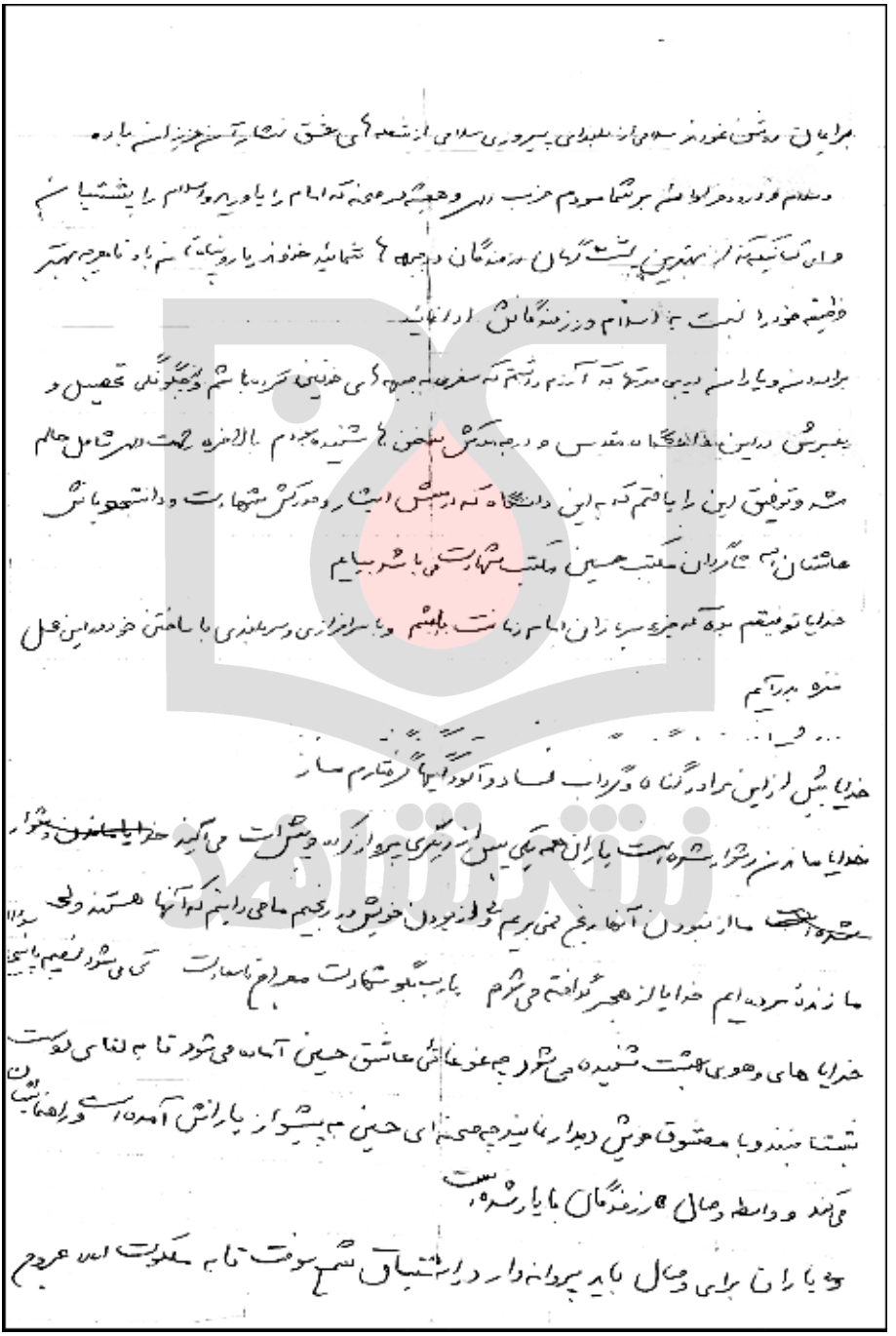

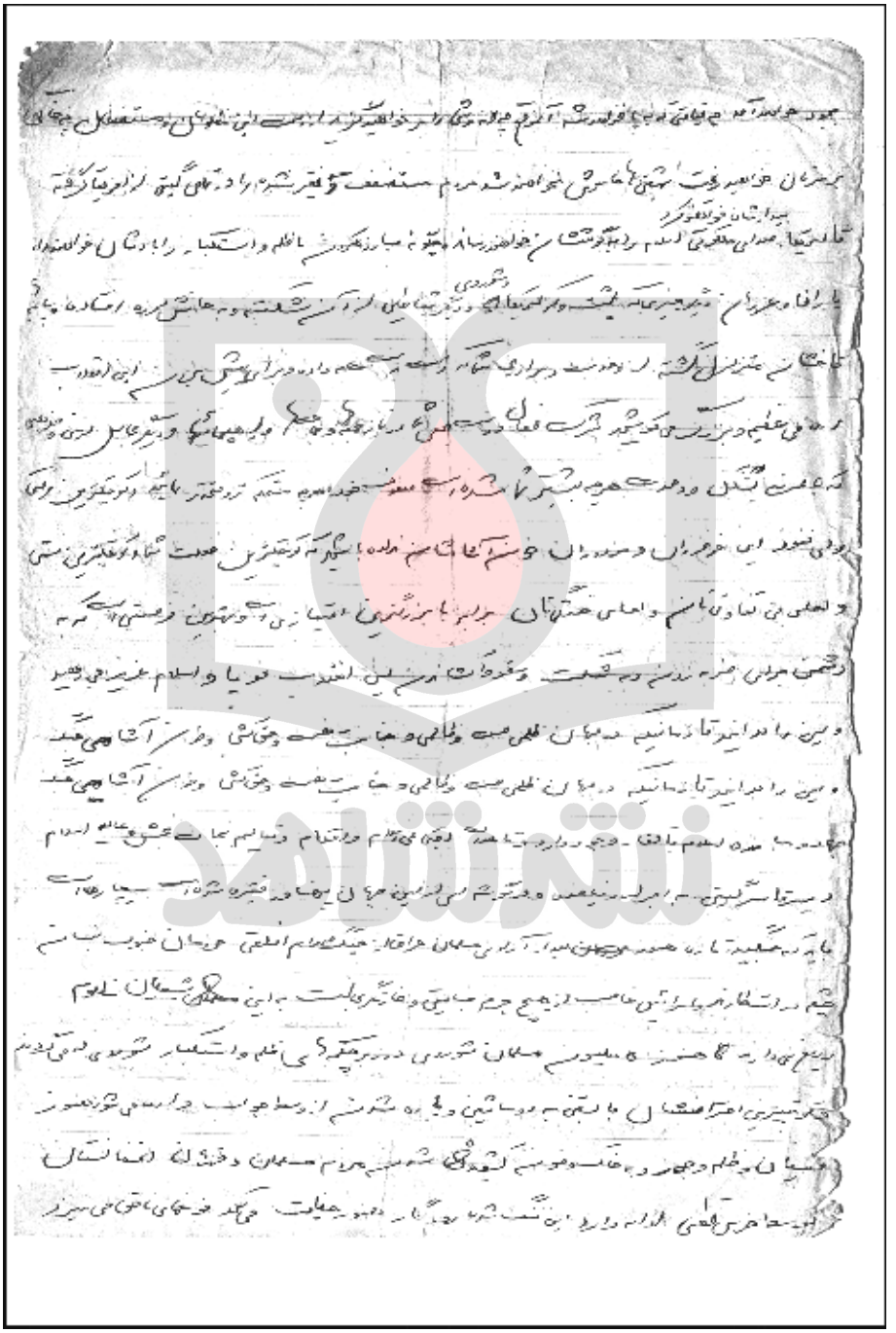

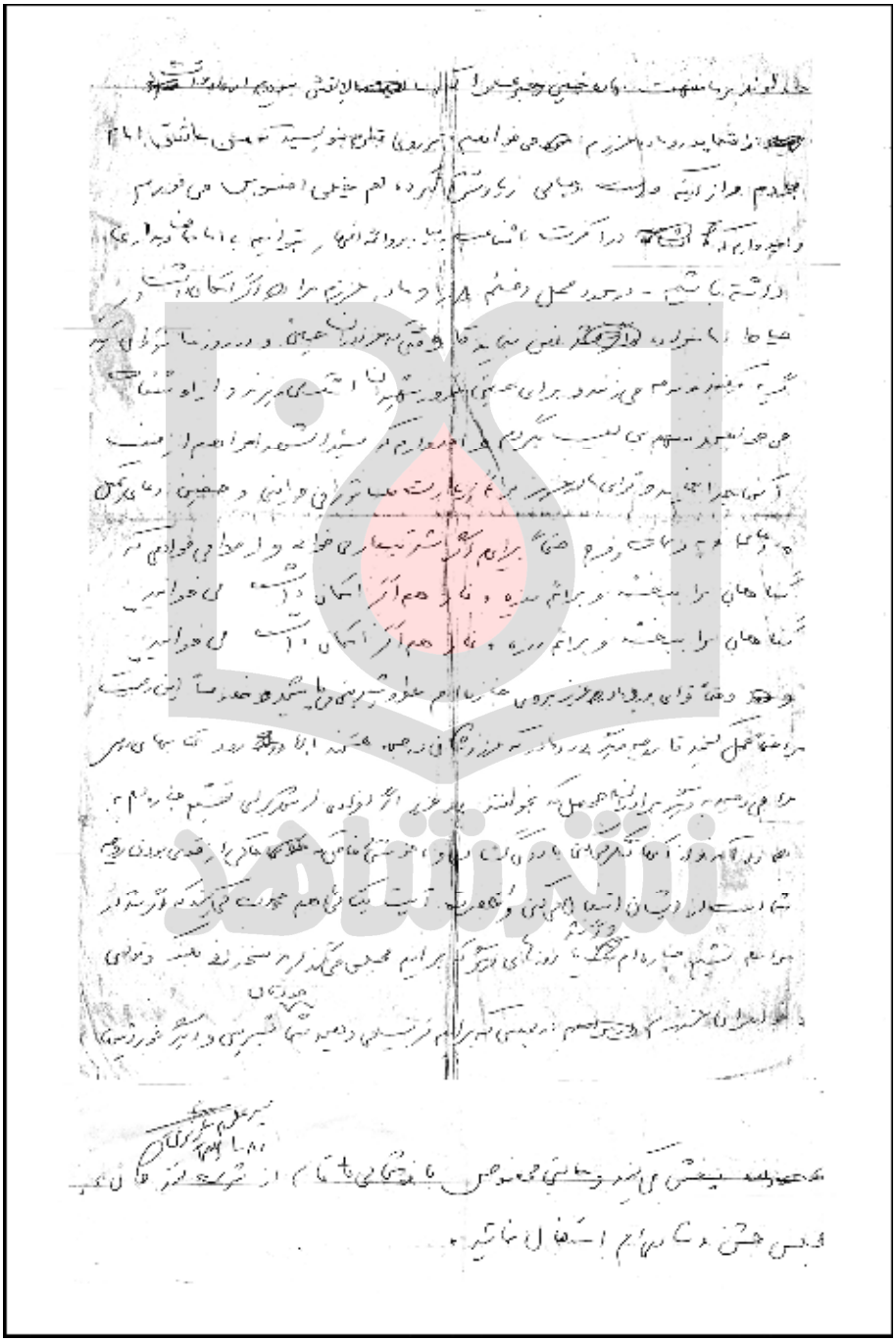

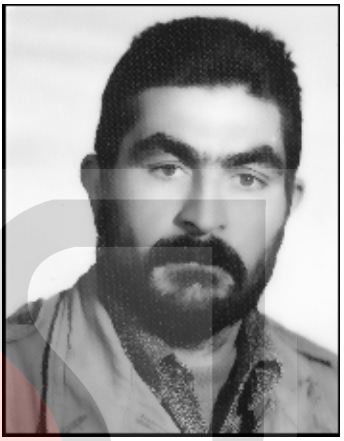

نام: **حیدر**
نام خانوادگی: **عزیزی‌نیاری**
نام پدر: **براتعلی**
نام مادر: **حکیمه**
تاریخ تولد: **نوزدهم آبان** 1339
محل تولد: **روستای نیار از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **بوستان کوثر زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- قدم در راه جبهه‌های حق علیه باطل گذاردم تا با خون ناچیزم بتواند درخت اسلام را ذره‌ای آبیاری کنم.
- از تمامی برادرانم خواهش می‌کنم که به امر امام بزرگوارمان لبیک گویند.
- از تمامی وابستگانم و دوستانم می‌خواهم که برای من ناراحت نباشند و پیرجماران را دعا کنند.

نشر شاهد

حیدر عزیزی‌نیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[1].

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[2].

«به کسانی که در راه خداوند کشته می‌شوند کشته و مرده نگویید که آنها زنده‌اند و در پیشگاه خداوند روزی می‌خورند».

با درود فراوان به حضور مبارک امام زمان حضرت مهدی(عج) وبا درود بر نایب بر حق آن حضرت امام خمینی و با درود بر ارواح مقدس شهدا از صدر اسلام تا جنگ تحمیلی.

به دنبال فرمایش امام امت که در آن «شرکت در جنگ را برای مسلمانان واجب کفایی فرمودند»[3]. قدم در راه جبهه‌های حق علیه باطل گذاردم تا با[4] خون ناچیزم بتواند درخت اسلام را ذره‌ای آبیاری کنم و از تمامی برادرانم خواهش می‌کنم که به امر امام بزرگوارمان لبیک گویند و به جبهه‌ها روی آورند از تمامی وابستگانم و دوستانم می‌خواهم که برای من ناراحت نباشند و پیرجماران[5] را دعا کنند.

در آخر وصیت‌نامه‌ام از تمامی آشنایانم بالخصوص پدر و اولادم خواستارم که مرا حلال کنند تا خداوند متعال از گناهانم در گذرد.

«والسلام علیکم و رحمة‌الله»

وصیت‌نامه بنده حقیر حیدر عزیزی

62/11/22

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

2- آل‌عمران/ 169.

3- تبیان دفتر 24، جنگ و دفاع در اندیشه امام، ص 165.

4- در اصل وصیت «با» از قلم افتاده است.

5- ر. ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله... امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

خوشبختانی که در راه خداوند کشته می شوند گمان مبرید که آنها مرده اند در پیشگاه خداوند روزی می خورند

با درود فراوان بر حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان حضرت مهدی (عج) و با درود بر نایب برحق

آن حضرت امام خمینی و با درود بر ارواح تابناک شهدا از صدر اسلام تا جنگ تحمیلی

پیشاپیش پوزش امام امت که در آن شرکت در جنگ را برای مسلمانان واجب کفایی

فرمودند قدم در راه جبهه های حق علیه باطل گذاردم ملغون ناچیزم میتواند در خدمت اسلام از دستهای

آبیاری کنم از تمامی برادرانم خواهش می کنم که به امر اسلام پیرو گوش ما نی لبیک گویند به جبهه ها روی آورند

از تمامی وابستگانم و دوستانم می خواهم که برای من ناراحت

نباشند و صبر پیشه کنند و دعا کنند

در آخر وصیت نامه ام از تمامی آشنایانم بالخصوص

پدر و مادرم خواستارم که حلال کنند تا خداوند متعال

از گناهانم در گذرد

والسلام علیکم ورحمة الله...

وصیت نامه بنده حقیر حمید رضا زی

۶۲/۱۱/۲۲

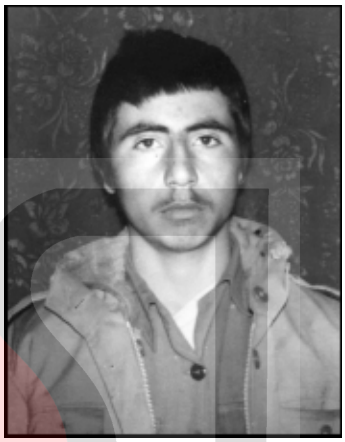

نام: **علی**
نام خانوادگی: **عزیزی‌وندگیگلو**
نام پدر: **میروردی**
نام مادر: **سریه**
تاریخ تولد: **سوم فروردین** 1349
محل تولد: **روستای قصابه از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **پنجم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام بهمن** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای چهارده‌معصوم زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سلام بر شهیدان سلام بر امام شهیدان درود بر رزمندگان و جانبازان.
- من به خاطر خدا می‌جنگم.
- همه اهدافم فی‌سبیل‌الله است.
- اگر من شهید شدم از دولت هیچ توقعی نداشته باشید.

سند شاهد

علی عزیزی‌وندگیگلو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

سلام بر شهیدان سلام بر امام شهیدان درود بر رزمندگان و جانبازان توصیه می‌کنم پدر و مادرم را اطاعت از رهبری حمایت از انقلاب و ادامه راه شهیدان و حلالیت می‌خواهم از مادرم که زحمت زیادی کشیده است من به خاطر خدا می‌جنگم همه اهدافم فی‌سبیل‌الله است اگر من شهید شدم از دولت هیچ توقعی نداشته باشید بر کسی منت نگذارید و زیاد شیون و زاری نکنید.

نشر شاهد

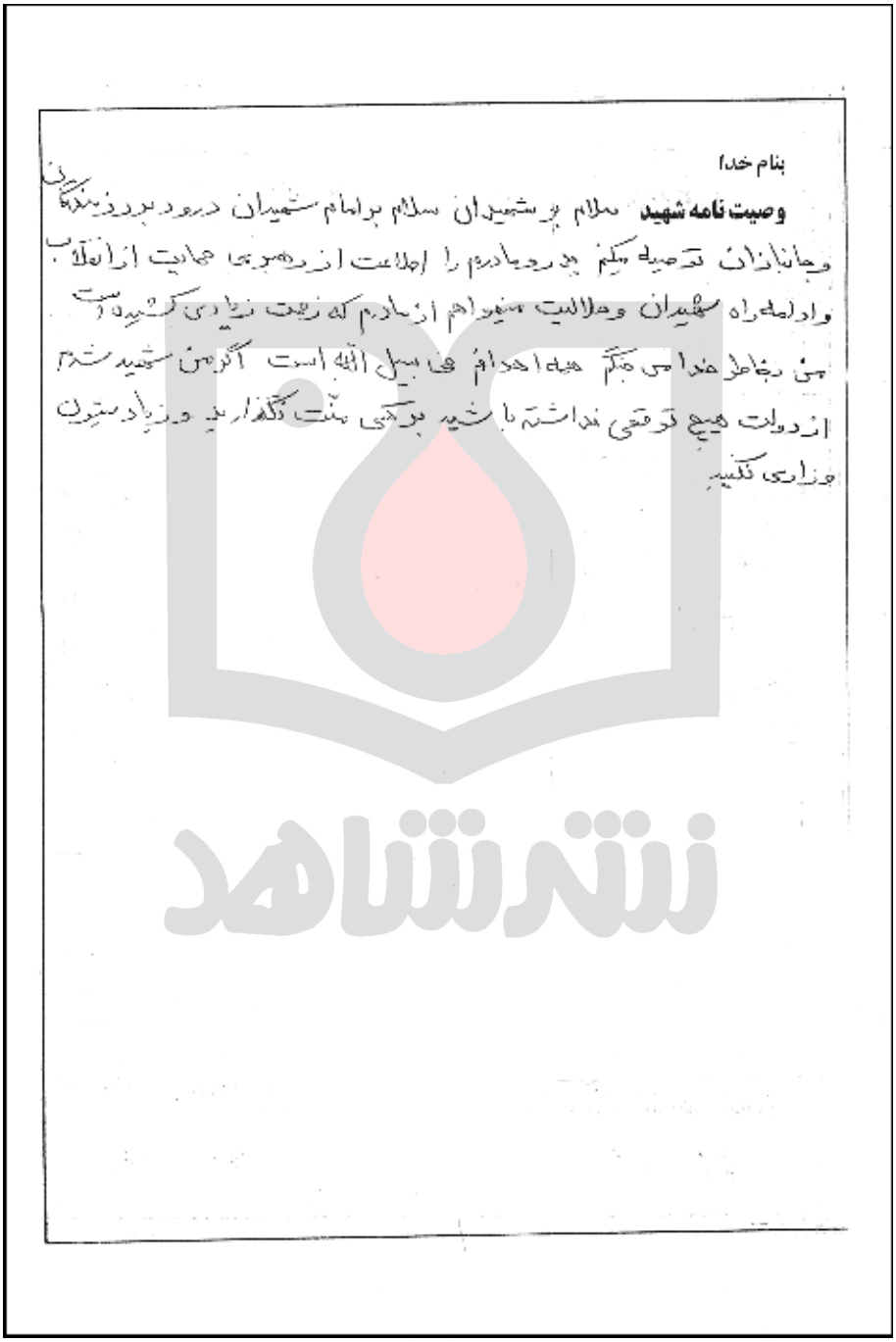

بنام خدا

وصیت نامه شهید سلام بر شهیدان سلام بر امام شهیدان درود بر روح پدر و مادرم و جانبازان توصیه میکنم پدر و مادرم را اطاعت از رهبری حمایت از انقلاب و ادامه راه شهیدان و صالحیت میخواهم از مادرم که زحمت زیادی کشیده است من بخاطر خدا می‌رم همه اعدام فی سبیل الله است اگر من شهید شدم از دولت هیچ توقعی نداشته باشید برگه منت نگذارید و زیاد سوگوار نکنید

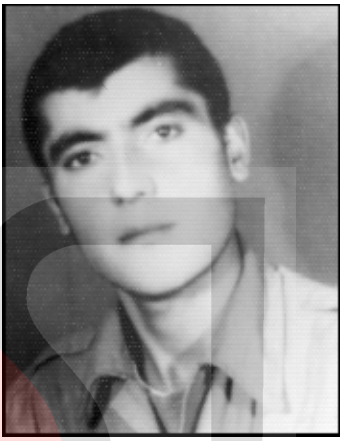

نام: **علی**
نام خانوادگی: **عسگری**
نام پدر: **باب‌الله**
نام مادر: **راضیه**
تاریخ تولد: **هشتم مهر** 1343
محل تولد: **روستای دیز از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم اسفند** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- دشمنان مکتبم ببینند که گرچه چشمهایم دستها و پاها و قلب و سینه و سرم را از من گرفته‌اند اما یک چیز را نتوانسته‌اند که بگیرند و آن ایمان و هدفم می‌باشد که عشق به الله و معشوقم و به مطلق جهان هستی و عشق به شهادت و عشق به امام و اسلام است.
- سلاح بر زمین افتاده این شهیدان را برگرفته و بر دشمنان تاخته عازم جبهه‌های حق علیه باطل گشتم تا خونم در این راه ریخته شود و با ریخته شدن خون من درخت برومند اسلام ریشه‌دارتر گردد و قوی‌تر و سالم‌تر بماند.
- اگر دین محمد(**6**) جز با کشته شدن من پایدار نمی‌گردد پس ای گلوله‌های آتشین هرچه زودتر بیایید و این بندهٔ حقیر را در برگیرید تا به خون خود غلطان شوم و به لطف و عنایت خداوندی گناهان بنده بخشیده شود.
- نور دو چشم من، هیچ‌وقت در شهادتم ناراحتی به خود راه مده و سیاه به تن مکن و گریه و زاری نکن و اگر هم گریه کردی طوری گریه کن که دشمن سوء استفاده نکند.
- مادرم حلالم کن و صبر و استقامت داشته باش که در دنیا و آخرت سربلند هستید من راه حسین(**7**) را انتخاب کردم که جز آن راهی نیست.

علی عسگری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[1].

شهادت در راه خدا از عسل[2] شیرین تر باشد سلام بر تمام شما سروران من با امام خمینی میثاق بسته‌ام و به او وفا دارم زیرا که او به اسلام و قرآن وفادار است و اگر چندین بار مرا بکشند و زنده‌ام کنند دست از او نخواهم[3] کشید. راه سعادت بخش امام حسین(7) را ادامه دهید و زینب‌وار زندگی کنید. خدایا، بارالها معبودا معشوقا مولایم من ضعیف و ناتوان دوست دارم چشمهایم را دشمن در اوج دردش از حدقه در بستان[4] درآورد و دستهایم را در تنگه چزابه[5] قطع کند پاهایم را در خونین‌شهر[6] از بدن جدا کند و قلبم را در سوسنگرد[7] آماج رگبارهایش کنند و سرم را در شلمچه[8] از تن جدا نمایند تا در کمال فشار و آزار، دشمنان مکتبم ببینند که گرچه چشمهایم دستها و پاها و قلب و سینه و سرم را از من گرفته‌اند اما یک چیز را نتوانسته‌اند که بگیرند و آن ایمان و هدفم می‌باشد که عشق به الله و معشوقم و به مطلق جهان هستی و عشق به شهادت و عشق به امام و اسلام است.

در امام بیشتر دقیق شوید وسعی کنید عظمت او را بیابید وخود را تسلیم او سازید و

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره. ترجمه «ما از خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم». در اصل وصیت «نا لله ...».

2- در اصل وصیت « به از عسل».

3- در اصل وصیت «نخواهیم».

4- ر. ک. تعلیقات.

5- ر. ک. تعلیقات.

6- ر. ک. تعلیقات.

7- ر. ک. تعلیقات.

8- ر. ک. تعلیقات.

صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید اگر فیض شهادت نصیبم گشت و صدامیان[1] نفس کشیدن را [از] ما گرفت آنان که پیرو خط [امام] خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند بر من نگریند و بر جنازهٔ من حاضر نشوند اما باشد که (دماء شهداء) آنان[2] را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. سلام مرا به امام و رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خون[3] سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد با خداوند پیمان بسته‌ام که در تمام عاشوراها و در تمام کربلاها با حسین(**7**) همراه باشم[4] و سنگر او را خالی نگذارم تا هنگامی که همه احکام اسلام در زیر پرچم اسلامی امام زمان(عج) به اجرا در آید برای اینکه بتوانم دینم را نسبت به خدای یگانه انجام دهم راه شهدا و راه سرخ حسین(**7**) و راه شهدای روستای خودم را ادامه داده و سلاح بر زمین افتادهٔ این شهیدان را برگرفته و بر دشمنان تاخته عازم جبهه‌های حق علیه باطل گشتم تا خونم در این راه ریخته شود و با ریخته شدن خون من درخت برومند اسلام ریشه‌دارتر گردد و قوی‌تر و سالم‌تر بماند خدایا به مقام و بزرگی این شهدا خصوصاً شهدای روستای خودم به بنده نیز توفیق چنین سعادتی را عنایت کن که دنیا بهر دلم تنگ است و سیاه حتی راضی به ماندن یک لحظه که همراه با ظلم و جنایت صدامیان[5] و کلیه ابرجنایتکاران و بمباران هوایی و کشته شدن جوانان در جبهه و سنگر و شهادت رساندن طفلان معصوم در مدارس و کشتن مردم بی‌گناه در شهرها توسط دشمن نمی‌باشم. اگر دین محمد(**6**) جز با کشته شدن من پایدار نمی‌گردد پس ای گلوله‌های آتشین هرچه زودتر بیایید و این بندهٔ حقیر را در بر گیرید تا به خون خود غلطان شوم و به لطف و عنایت خداوندی گناهان بنده بخشیده شود. پروردگارا حالا که مرا دعوت کرده‌ای و اینک این سعادت را نزد تو یافتم و خونم را در رگهایم به جوشش آوردی پس مرا نیز در صف شهدای بزرگ صدر اسلام قرار بده و شهدای کشور اسلامی را از من خشنود[6] و راضی بگردان.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «آنا».

3- در اصل وصیت بخشی از واژه «خون» افتاده است.

4- در اصل وصیت بخشی از واژه «باشم» افتاده است.

5- ر. ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «خوشنود».

و چند گفتاری ناچیز با شما خانوادههای عزیز دارم: خود را برای تحمل رنجها و مصیبتها و ناکامیها و ناروواییها آماده سازید و دل قوی دارید که قادر یکتا پشتیبان شماست و تنها اوست که شما را از شر دشمنان نجات میبخشد و عاقبت شما را به خیر میگرداند و دشمنان شما را به انواع عذابها و شکستها دچار میگرداند و این مصیبتها و سختیها زودگذر و تمام شدنی است ولی به پاداش این جانفشانیها و فداکاریها به نعمتهای ابدی و بیپایان خداوندی خواهید رسید و بر سریر کرامت و بزرگواری تکیه خواهید زد اگر میخواهید در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود هیچگاه زبان به شکایت نگشایید و آنچه را که از قدر و منزلت الهی شما میکاهد بر زبان نیاورید.

پدرم سلام علیکم ناراحت مباش و گریه مکن که فرزندت کشته شد درست است داغ پسر سخت [است] ولی شما پنج پسر داری و میبایستی خمس پسرانت را به خداوند میدادی صبر و استقامت را پیشه کن و با خدا باش و مبادا برای من سیاه بپوشید و برایم گریه کنید وفادار به امام باشید که او راه حسین(7) را به ما نمایانید.

مادرم سلام: نور دو چشم من، هیچوقت در شهادتم ناراحتی به خود راه مده و سیاه به تن مکن و گریه و زاری نکن و اگر هم گریه کردی طوری گریه کن که دشمن سوء استفاده نکند من مدیون آن زحمات شما هستم حلالم کن و صبر و استقامت داشته باش که در دنیا و آخرت سربلند هستید من راه حسین(7) را انتخاب کردم که جز آن راهی نیست مادر جان دوست داشتید که من در بستر بیماری میمردم یا بر اثر تصادف کشته میشدم آن موقع هم من پشیمان بودم وهم شما. مادر جان هر شب جمعه بر سر مزارم بیا و یک شمع و گل بر مزارم بگذار چون فصل گل است بلبلان بیایند و نغمه سر دهند و با من صحبت کنند امام را دعا کن و برایش طول [عمر] از خداوند بطلب و پیروزی رزمندگان را بخواه که من راهم را انتخاب کردم مادرم ناراحت مباش که ناکام از دنیا رفتم کام من شهادت در راه خدا بود که [به آن] رسیدم مادرم هرگز از یادم نخواهی رفت و شبهای جمعه فراموشم نکنید. ای مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمیتوانید.

خواهرانم: صبور باشید و در شهادتم نگریید و شادی کنید تا خاری باشد در چشم دشمنان و حفظ حجاب داشته باشید که از خون هزاران شهید گمنام به عمل آمده است و فرزندانتان را خوب تربیت کنید و راه حسین(7) و زینب(3) را به آنان بیاموزید و هر بدی که از بنده دیده باشید حلالم کنید.

برادرانم: پیرو خط امام باشید و امام را تنها مگذارید فقط خدا را در نظر داشته باشید این دنیا پوچ است و فانی و با مردم برخورد انقلابی داشته باشید سنگر شهدای انقلاب را خالی نگذارید و اسلحهٔ افتاده شهید را بردارید و به ضد دشمنان اسلام بجنگید.

و سخنی حقیرانه با دوستان و رفیقان: ای برادران نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(7) در میدان نبرد شهید شد و ای دوستان مبادا [در] غفلت بمیرید که علی(7) در محراب عبادت شهید شد و یاران مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر[1](7) حسین(7) در راه حسین(7) و با هدف شهید شد برادران دوستان و رفیقان اگر چه بدی از بندهٔ حقیر دیده‌اید به خاطر خدا حلالم کنید، خواهران و برادران همشهری از کوچکتان اگر ناراحتی دیده باشید مورد عفوم قرار بدهید.

بسیجی دیده بیدار عشق است بسیجی پیر میدان‌دار عشق است
اگر چه کوچک [و] کم سن و سال است ولیکن در عمل سردار عشق است

خدایا جندالله را که با سوگند به ثارالله در لشکر روح‌الله برای شکست عدوالله و استقرار حزب‌الله و زمینه‌ساز حکومت جهانی بقیةالله(عج) است حمایت کن در پایان آرزوی پیروزی نهایی اسلام و رزمندگان را از خداوند خوا[ستارم] و از همگی شما حلالی می‌طلبم. جواب زینب(3) را بدهید که تحمل 72 شهید نمود شجاع باشید فرزندانتان را مثل علی‌اکبر(7) بیارایید و به میدان نبرد بفرستید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«و سلام علی عبادالله الصالحین»[2]

دوستدار همه شما عزیزان برادر کوچکتان علی عسگری - 65/12/1

1- ر. ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «وسلام»

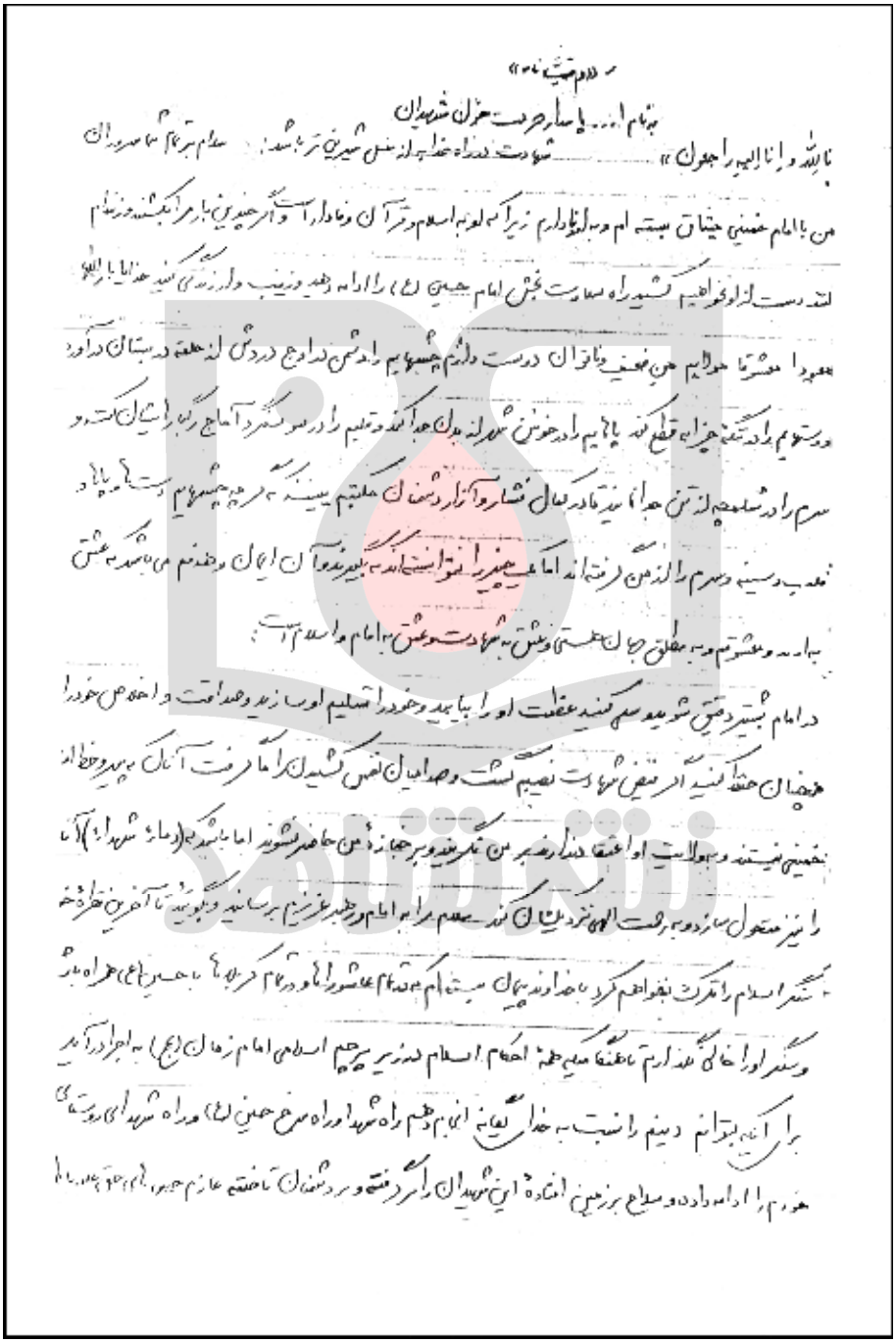

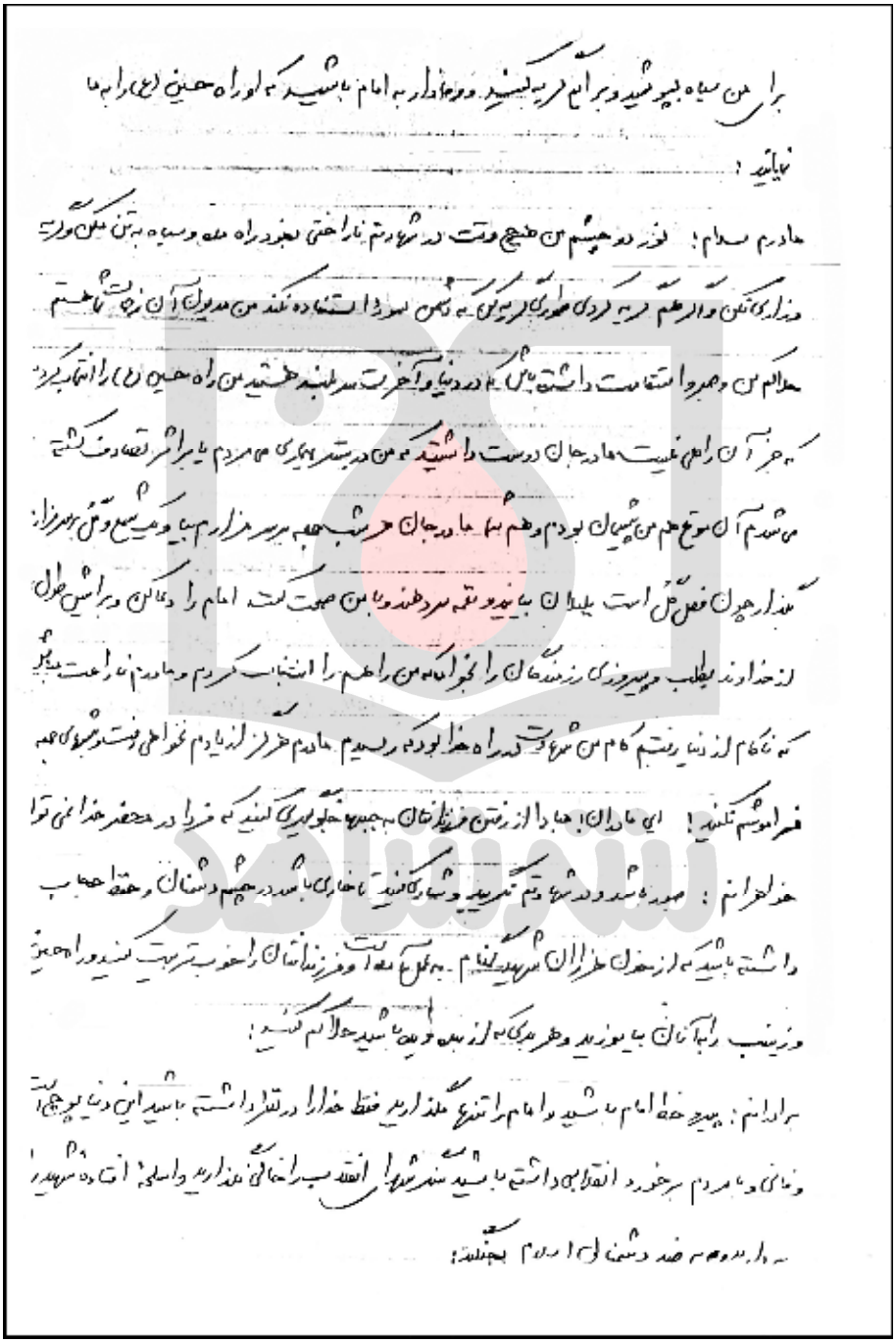

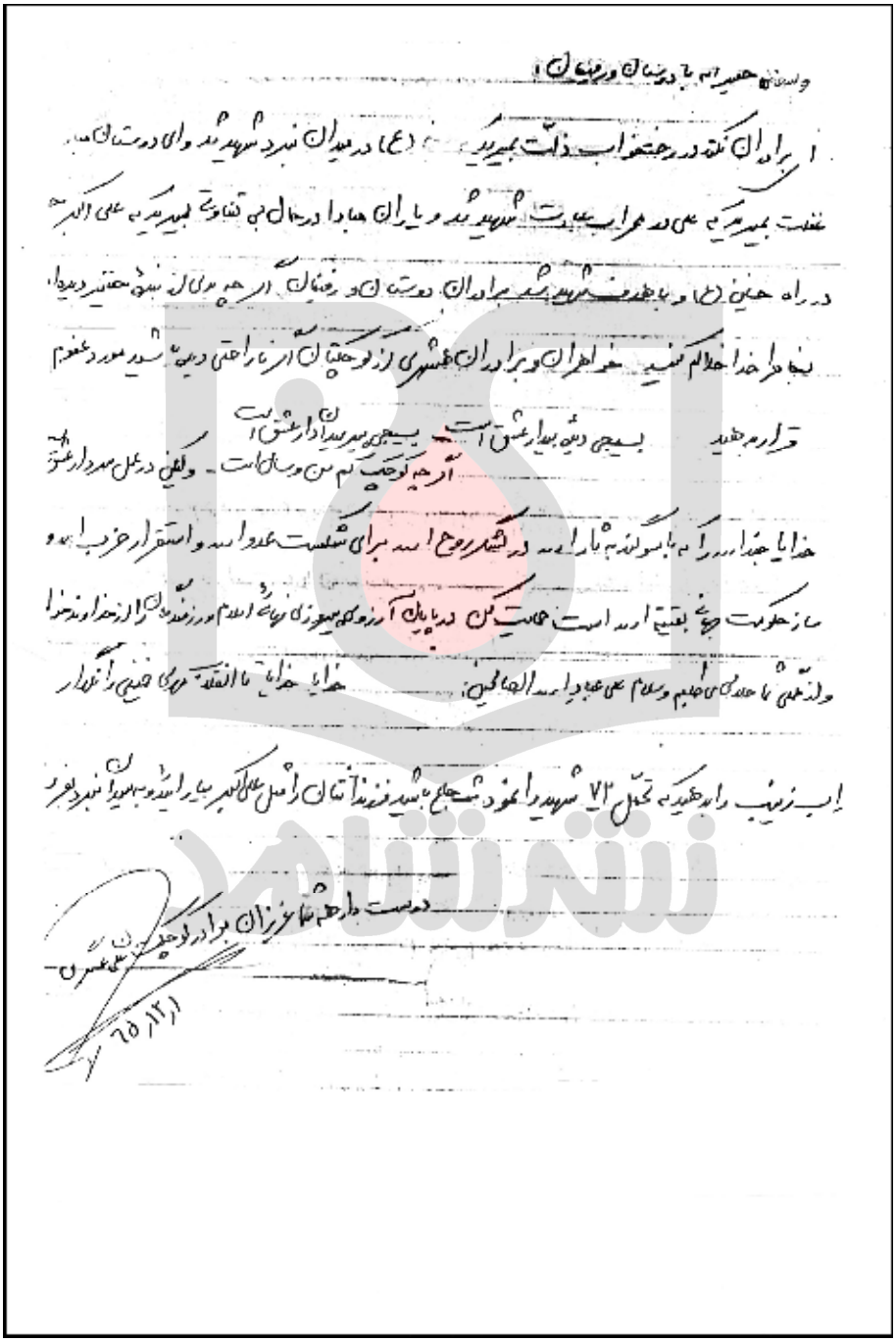

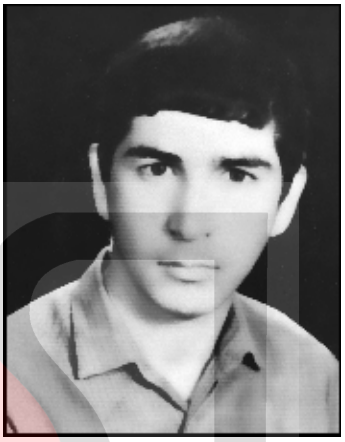

نام: **بایرام**
نام خانوادگی: **عصایی‌جدید**
نام پدر: **اسدالله**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **دوم خرداد** 1348
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم بهمن** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای ججین زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت روان شدن به سوی سعادت است.
- افسوس خوردن به شهادت یک انسان روا نیست.
- زندگی آخرت را پیشه خود سازید و به مادیات فکر نکنید.
- برادرم و خواهرم همیشه به یاد مولا حسین(**7**) باشید چون اگر در فکر امام حسین(**7**) باشید حتماً راهی را می‌روید که امام حسین(**7**) رفت.
- مرا در زادگاهم به خاک بسپارید که بوی خاک وطن بوی عشق دارد.

شهرشاهد

بایرام عصائی‌جدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

حال عرضی با پدر و مادر عزیزم: سعادتی که نصیبم شد حاصل تعلیم و تربیت در دامان پرمحبت شما هست شهادت روان شدن به سوی سعادت است پدر و مادرم ببخشید که در این مدت نتوانستم کار با ارزشی برایتان انجام دهم ولی پدر جان حلالم کن و همین‌طور مادر جان تو هم شیرت را حلالم کن امیدوارم که برایم گریه نکنید چون افسوس خوردن به شهادت یک انسان روا نیست اگر می‌خواهید گریه کنید فقط به یاد امام حسین(**7**) و 72 تن از یاران شهیدش گریه کنید.

پدر و مادر عزیزم سختی زندگی را تحمل کنید همان‌طور که می‌کنید و سعی کنید که زندگی آخرت را پیشه خود سازید و به مادیات فکر نکنید زندگی پر از درد و رنج است ولی صبور باشید چون خداوند می‌فرماید «**إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِینَ**»[1] «خدا با صبر پیشگان است» سعی کنید همیشه با خدا باشید همان‌طور که هستید و بیشتر از این باشید و به نام او زندگیتان را بگذرانید[2] و هر ماه محرم که مرثیه‌خوانی می‌شود در خانه‌مان[3] امیدوارم که قطع نکنید همان‌طور که می‌دانم نمی‌کنید و همیشه به یاد سالار شهیدان حسین‌ابن‌علی(**7**) باشید خصوصاً برادرم[4] و خواهرم همیشه به یاد مولا حسین(**7**) باشید چون اگر در فکر امام حسین(**7**) باشید حتماً راهی را می‌روید که امام حسین(**7**) رفت و راه حسین(**7**) راه خداست همان‌طور که «خداوند می‌فرماید من از حسینم و حسین(**7**) از من است»[5]. مرا در زادگاهم به خاک بسپارید که بوی خاک وطن بوی عشق دارد.

«والسلام» - 66/9

1- بخشی از آیه 153 سوره بقره. در اصل وصیت «...صابرین».

2- در اصل وصیت «بگذارنید».

3- در اصل وصیت «خانمان».

4- در اصل وصیت «بردارم».

5- روایتی از پیامبر(**6**) است.

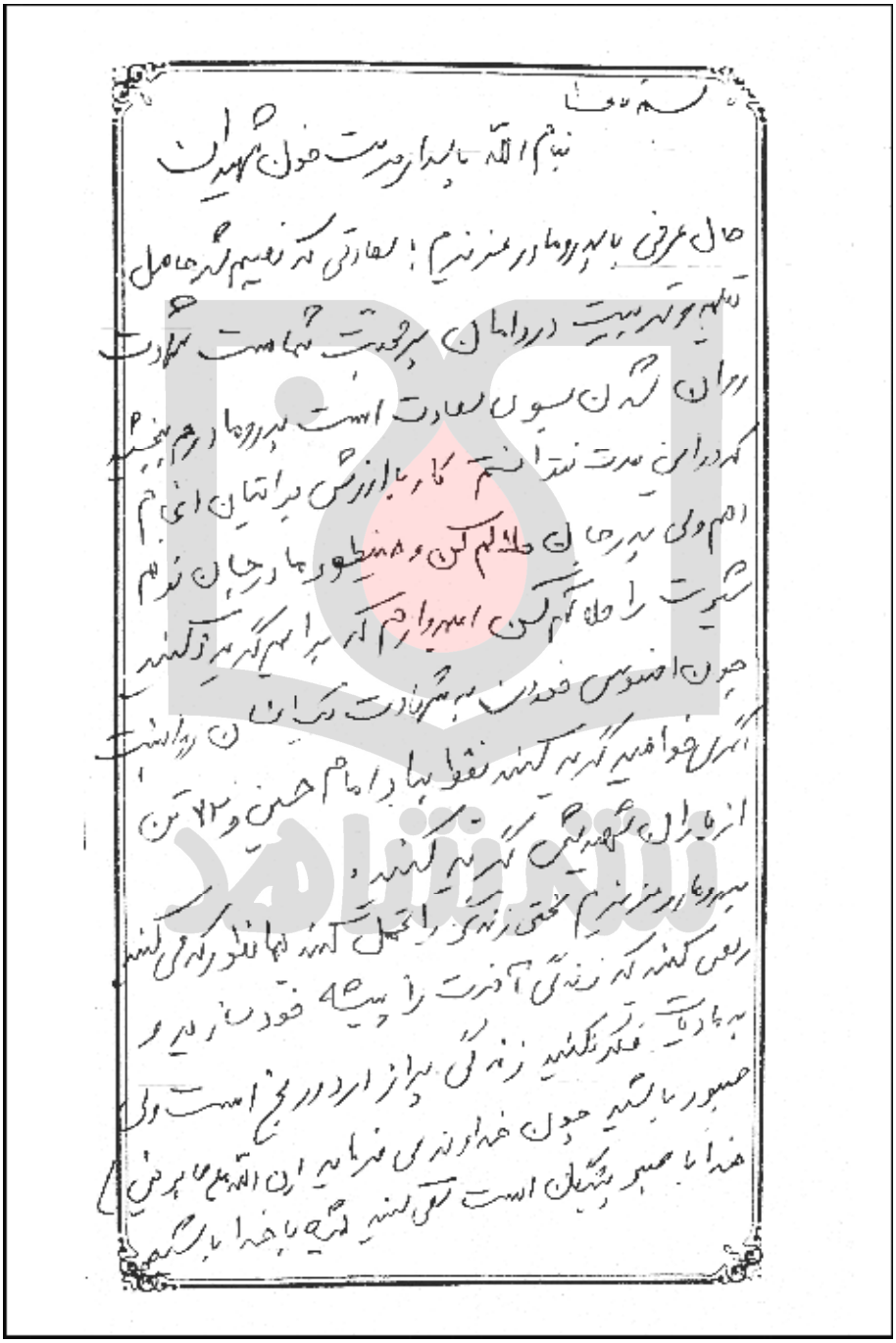

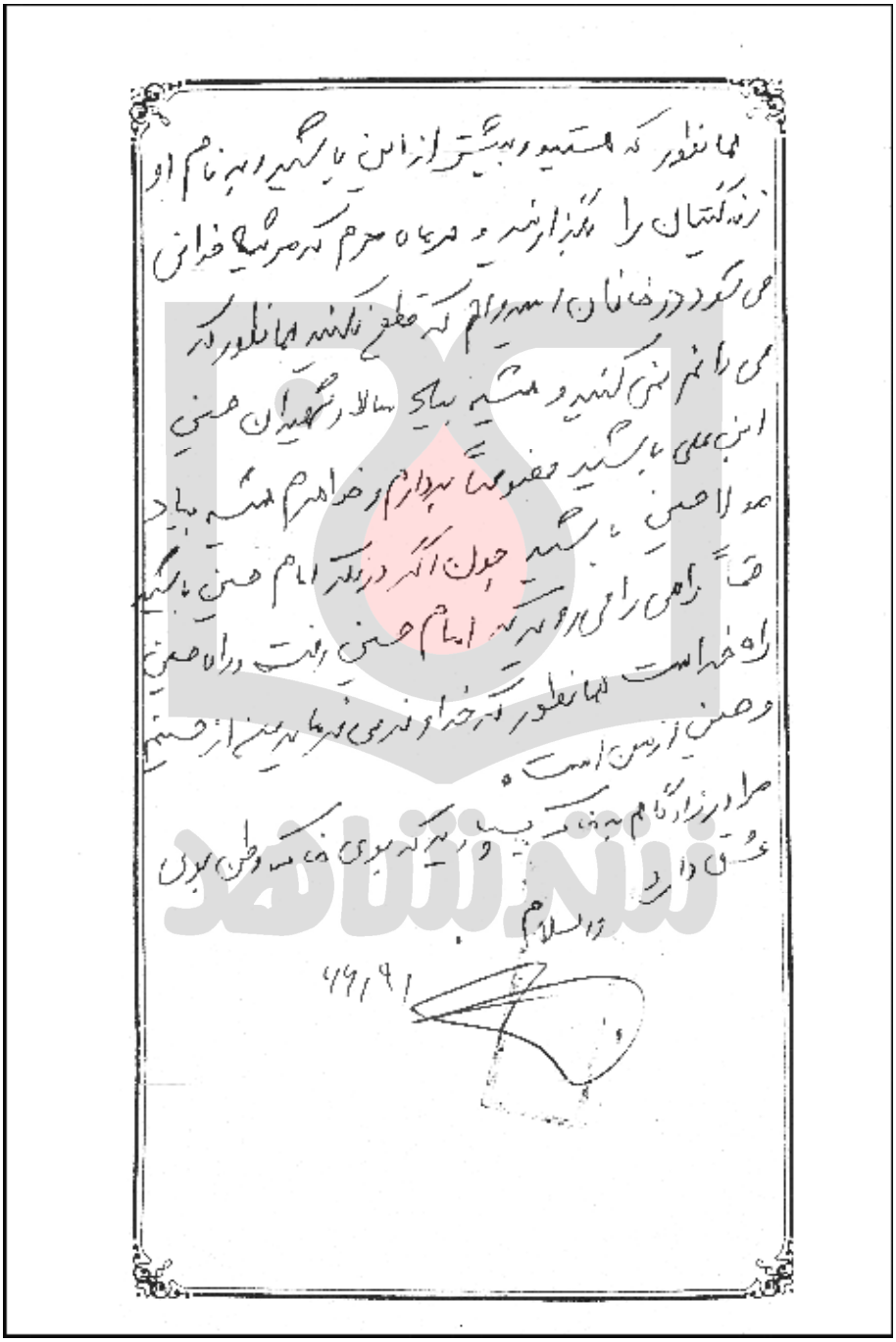

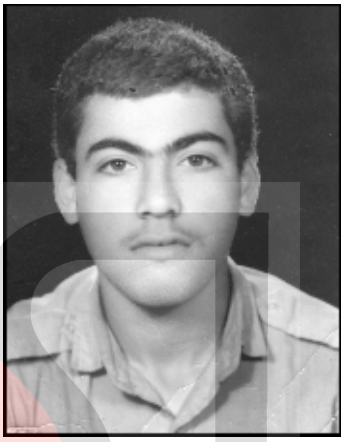

نام: **هاشم**
نام خانوادگی: **عطایی**
نام پدر:
نام مادر:
تاریخ تولد:
محل تولد:
تحصیلات:
ارگان اعزام‌کننده:
تاریخ شهادت:
محل شهادت:
نحوهٔ شهادت:
مزار:

عبارت‌های کلیدی

- ما تا آخرین قطره خونمان از دین و قرآن و دستاورد انقلاب دفاع می‌کنیم.
- اگر شهادت قسمت شد از آن استقبال می‌کنم.
- عاقبت پیروزی از لشکریان اسلام است.

نشر شاهد

هاشم عطایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام خدا

درود و سلام بر شهیدان و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ما تا آخرین قطره خونمان از دین و قرآن و دستاورد انقلاب دفاع می‌کنیم و اگر شهادت قسمت شد از آن استقبال می‌کنم وصیت می‌کنم دین و قرآن را و انقلاب و رهبری را. پدر و مادر عزیزم شما در حق من زیاد زحمت کشیدید و من نتوانستم آن را جبران کنم مرا حلال کنید دعا کنید رزمندگان را پشتیبانی کنید از رزمندگان و جبهه و جنگ که عاقبت پیروزی از لشکریان اسلام است.

بنام خدا

وصیت نامه شهید بسم الله الرحمن الرحیم

درود وسلام برشهیدان وسلام بررهبر کبیرانقلاب اسلامی ما تا آخرین قطره خون مان از دین وقرآن ودستاورد انقلاب دفاع می کنیم واگرشهادت نصیب شد از آن استقبال می کنم وصیت می کنم دین وقرآن و انقلاب ورهبری را . پدر ومادرعزیزم شما درحق من زیاد زحمت کشیدید ومن نتوانستم آنرا جبران کنم مرا حلال کنید دعا کنید فرزندگان را پشتیبانی کنید از زرمندگان وجبهه وجنگ که عاقبت پیروزی از لشکریان اسلام است .

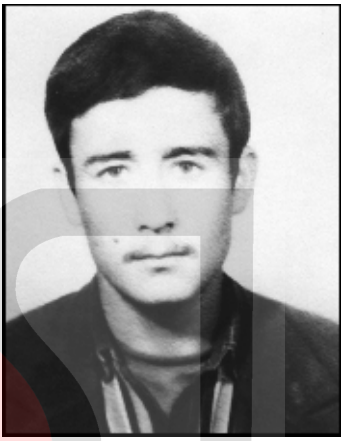

نام: **محمدعلی**
نام خانوادگی: **عطایی‌آتشگاه**
نام پدر: **مظفر**
نام مادر: **شاه‌بیگم**
تاریخ تولد: **ششم مرداد** 1345
محل تولد: **روستای آتشگاه از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم فروردین** 1367
محل شهادت: **مریوان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- انسان یک روز به دنیا آمده است و یک روز هم از دنیا می‌رود و چه بهتر بود در راه خدا شهید شود.
- من آرزوی شهادتی که در پیش داشتم و آرزوی او را می‌کردم به آن آرزو رسیدم.
- پدر و مادر عزیزم طلب حلالیت می‌خواهم انشاءالله شیری که به من دادی حلالم کنید.

نشر شاهد

محمدعلی عطایی‌آتشگاه[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام خداوند بخشنده مهربان

با سلام [و] درود بر امام امت خمینی بت‌شکن و با سلام [و] درود فراوان به رزمندگان کفر ستیز اسلام درود فراوان بر روح پاک شهیدان. باری وظیفه هر مسلمان است که وصیت‌نامه‌ای قبل از مرگ برای خود بنویسد و بنده در نوبت خودم وظیفه دانستم که وصیتم را بنویسم.

سلام گرم به تمام خانواده عزیزم و پدر و مادر عزیزم خیلی خیلی متأسفم که نتوانستم فرزند خوبی برای شما عزیزان باشم و در این دنیای روشن جز زحمت و زجر به شما، نتوانستم خدمتی به شماها انجام دهم و همچنین برادرانم و خواهرانم تا زمانی که پیش شما سلامت بودم نتوانستم هیچ خدمتی برای شما عزیزان انجام دهم و نتوانستم خوبی‌های شما را جبران کنم برادرانم و خواهرانم از شما خواهش می‌شود نگذارید پدر و مادرمان ناراحت شوند بگویید که خداوند این‌طور خواسته بود و پیامبرمان[2] هم فرموده است که انسان یک روز به دنیا آمده است و یک روز هم از دنیا می‌رود و چه بهتر بود در راه خدا شهید شود و خلاصه خودتان اصلاً ناراحت به دل ندهید به گفتن این حرفها قلب پدر و مادر را تسکین کنید باری من درخواست دیگری داشتم که بنده عکس که در توی امامزاده انداخته بودم و همان عکس توی قاب است هنگام تشییع[3] جنازه با همان عکس تشییع[4] کنید و همان عکس را سر قبرم بگذارید و در آخر سخنی داشتم که می‌خواهم بعد از رفتن من از این دنیا که همسرم خواست از خانه برود و از شما خواهش می‌کنم که به کمال احترام و با خوشرویی و راضی از خانه برود.

1- بالای برگه وصیت آمده است: «وصیت‌نامه سرباز تکاور محمدعلی عطائی».

2- در اصل وصیت «پیامبران».

3- در اصل وصیت «تشیع».

4- در اصل وصیت «تشیع».

بنده خیلی خوشحالم که به نوبهٔ[1] خودم به آرزوی شهادتی که در پیش داشتم و آرزوی او را می‌کردم که به آن آرزو می‌رسیدم آرزویی که چندین وقت در انتظارش بودم و چنان که امام حسین(7) می‌فرماید «برای مرد کشته شدن در راه خدا افتخار است» و من هم افتخار داشتم[2] که در راه خدا شهید شدم. در پایان پدر و مادر عزیزم طلب حلالیت می‌خواهم انشاءالله شیری که به من دادی حلالم کنید و[3] از تمام فامیلهایم و پدر و مادر و خواهرانم و برادرانم و دوستان و آشنایان و[4] از تمام فامیلهایم طلب حلالیت می‌خواهم مرا حلال کنید چون دنیا همین است.

شب ساعت 9/5

سرباز وظیفه تکاور در گروهان یکم گردان تکاور 28 لشگر پیاده کردستان

سرباز تکاور محمدعلی عطائی

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «بوبهٔ».

2- در اصل وصیت «دانستم».

3- در اصل وصیت «و» تکرار شده است.

4- در اصل وصیت «و» تکرار شده است.

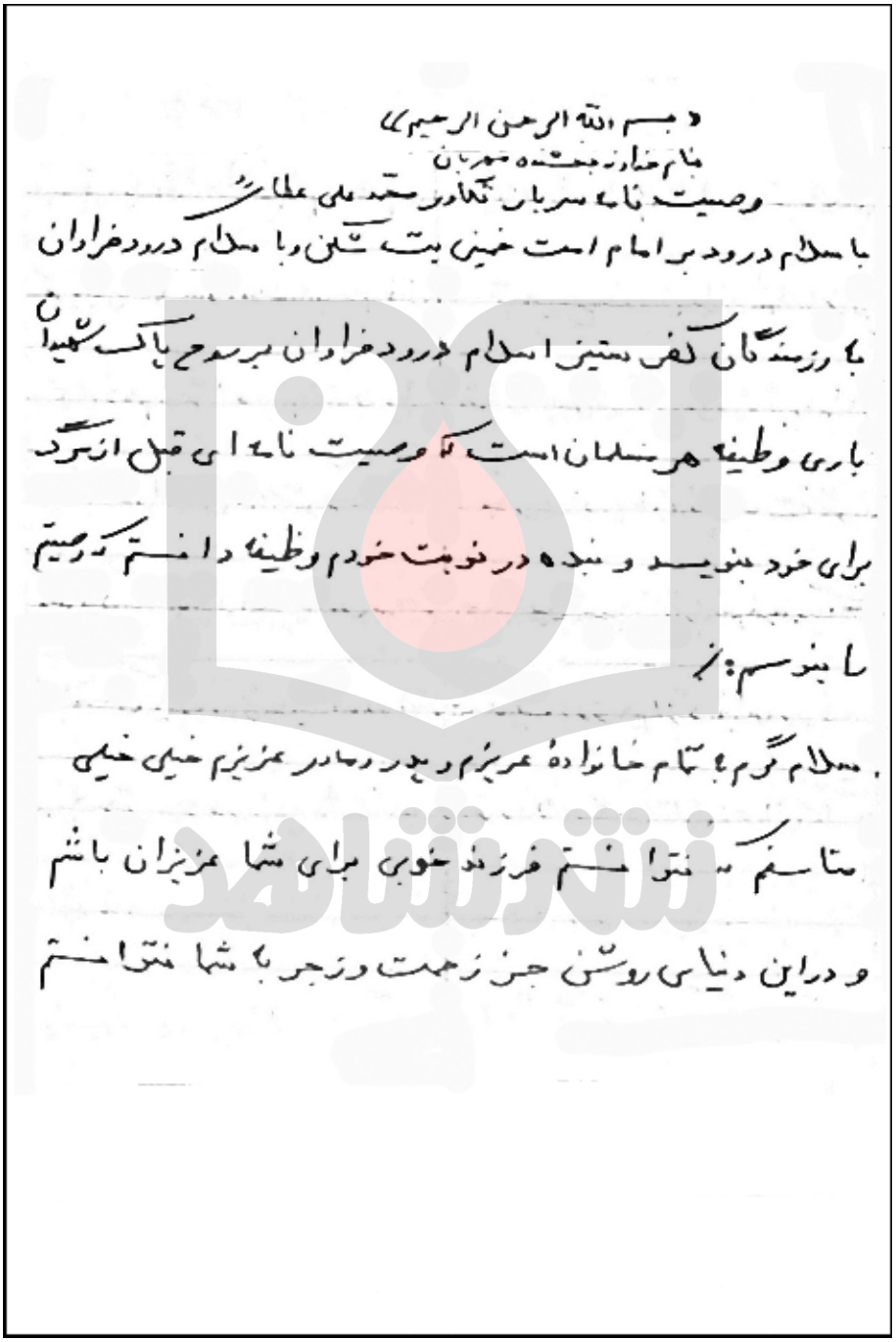

«بسم الله الرحمن الرحیم»
مادر عزیز و مهربان
وصیت نامه سربازی شهید مدافع حرم سید علی علائی
با سلام درود بر امام امت خمینی بت شکن و با سلام درود فراوان
به رزمندگان کفر ستیز اسلام درود فراوان بر سردخی پاک گلبدان
باری وظیفه هر مسلمان است که وصیت نامه ای قبل از مرگ
برای خود بنویسد و بنده در نوبت خودم وظیفه دانستم که وصیتم
را بنویسم:
سلام گرم به تمام خانواده عزیزم و پدر و مادر عزیزم خیلی خیلی
متاسفم که نتوانستم فرزند خوبی برای شما عزیزان باشم
و در این دنیای روشن جز زحمت و زجر به شما نتوانستم

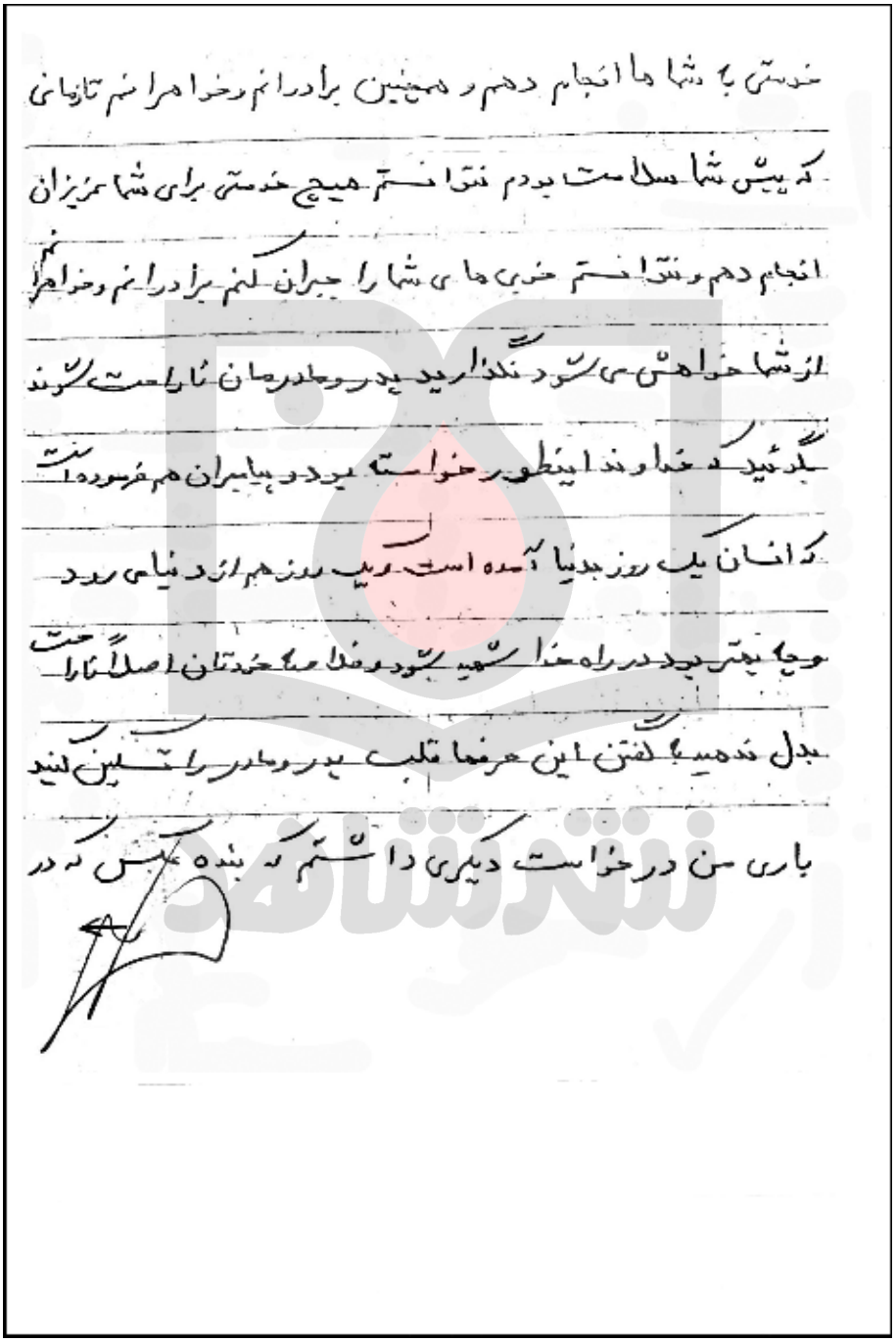

خدمتی به شما ها انجام دهم و همچنین برادرانم و خواهرانم تا توانی
که پیش شما سلامت بودم نتوانستم هیچ خدمتی برای شما عزیزان
انجام دهم و نتوانستم خوبی های شما را جبران کنم برادرانم و خواهرانم
از شما خواهش می شود فکر نکنید پدر و مادرمان ناراحت شوند
بگذارید که خداوند اینطور خواسته بود و همه ایران هم فرموده است
که انسان یک روز بدنیا آمده است و یک روز هم از دنیا می رود
و چه بهتر بود در راه خدا شهید شود و خدا همه خودتان اصلاً ناراحت
بدل ندهید با گفتن این حرفها قلب پدر و مادر را تسلی دهید
باری من درخواست دیگری داشتم که بنده عکس که در

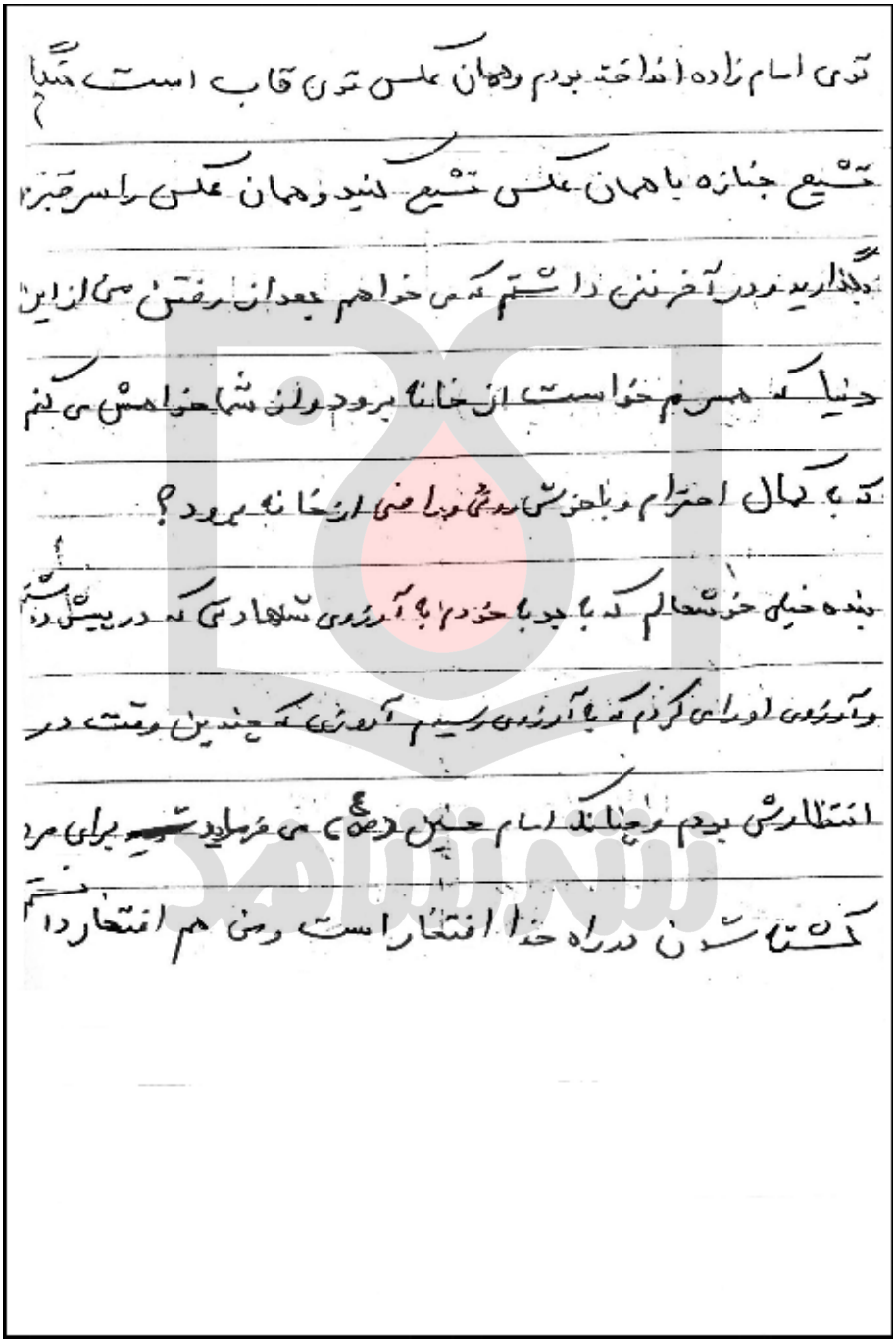

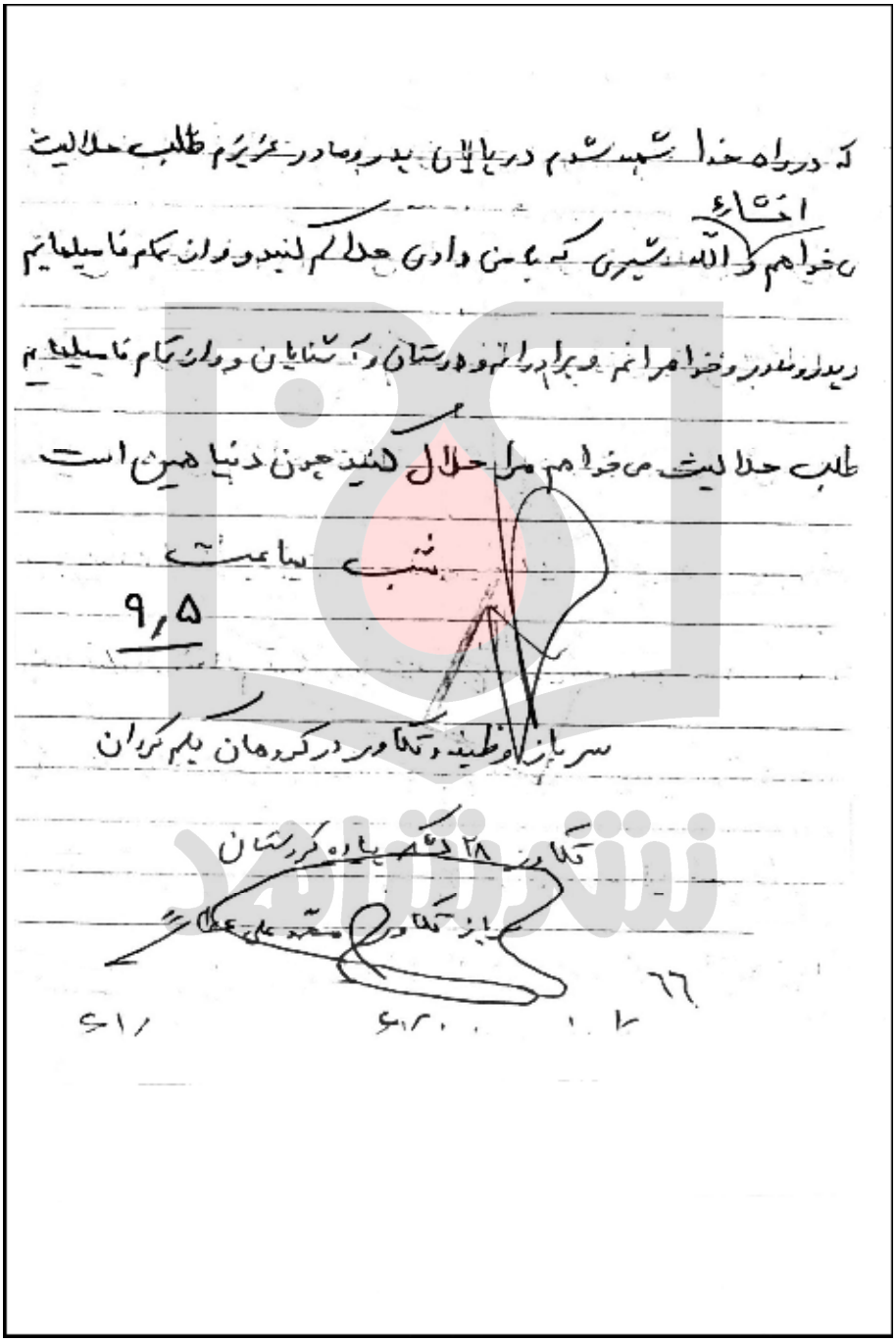

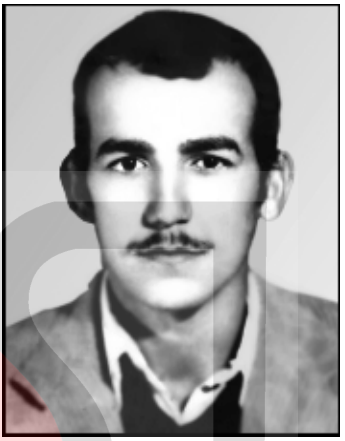

نام: **پرویز**
نام خانوادگی: **عظیم‌پورنیاری**
نام پدر: **موسی**
نام مادر: **خانم‌گل**
تاریخ تولد: **پانزدهم مرداد** 1341
محل تولد: **روستای نیار از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم مرداد** 1361
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **جاویدالأثر**

عبارت‌های کلیدی

- ای مسلمانها اگر اسمتان را مسلمان گذاشته‌اید باید همچون علی(**7**) و حسین(**7**) در مقابل کافرین و منافقین بایستید.
- ما باید در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی روسفید باشیم.
- من شهادت را برای خود یک پیروزی می‌دانم.
- از خانواده‌ام می‌خواهم در شهادت من ناراحت نشوند چرا که من در راه خدا و اسلام به لقاءالله پیوسته‌ام.
- در راه اسلام قدم برداشته و همیشه پشتیبان روحانیت و ولایت فقیه باشید.

پرویز عظیم‌پور نیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«فَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَأُوذُوا فِی سَبِیلِی وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»[1].

«آن قدر در خون شنا می‌کنیم تا به ساحل پیروزی برسیم». (امام علی(**7**))

«مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد»[2]. (امام خمینی)

اینک قلم به دست گرفته می‌خواهم چند کلمه وصیت بنویسم و امروز اسلام در خطر است جهان‌خواران کمر به نابودی اسلام عزیز بسته‌اند چرا که خوب می‌دانند تنها اسلام است سد راه آنان. ما امروز باید دست وحدت و یگانگی تحت رهبری امام خمینی و روحانیت به هم داده، باید در مقابل آنها بایستیم و تا آخرین قطره خونمان مقاومت کنیم. ای مسلمانها اگر اسمتان را مسلمان گذاشتید باید همچون علی(**7**) و حسین(**7**) در مقابل کافرین و منافقین[3] بایستید.

این را بدانید که در آخرت حساب پس خواهیم داد. و ما باید در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی رو سفید باشیم و ما هر چه در این دنیا بکنیم نتیجه عمل را درآخرت خواهیم دید. من که به جبهه‌های جنگ علیه کفر صدامی[4] اعزام شده‌ام تنها این برای من یک وظیفه بود وظیفه‌ای که خداوند بزرگ برگردن من نهاده بود امکان زیاد دارد که در این راه به شهادت نایل گردم اگر لیاقت داشته باشم من شهادت را برای خود یک پیروزی می دانم از خانواده‌ام می‌خواهم در شهادت من ناراحت نشوند چرا که من در راه خدا و اسلام شهید

1- آل‌عمران/ 195. در اصل وصیت «...سبیل... قتلوا... دخلنم حیات...». ترجمه: «پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شدند بدیهاشان را از آنها می‌زدایم و آنان را در باغهایی که از زیر آن نهرها روان است در می‌آورم این پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست».

2- این عبارت در صحیفه امام یافت نشد، اما اشاره دارد به این سخن امام که فرموده است: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است». (صحیفه امام، ج 13، ص 182).

3- ر. ک. تعلیقات.

4- ر ک. تعلیقات. ذیل «صدام».

شده‌ام به لقاءالله پیوسته‌ام شما هم همه باید برادران و خواهرانم را به راه اسلام تربیت کنید. برادران عزیز خواهران گرامی‌ام بدانید که برادر شما در راه خدا و اسلام به شهادت رسیده است. شما هم در راه اسلام قدم برداشته و همیشه پشتیبان روحانیت و ولایت فقیه باشید و دست از اسلام برندارید از پدر مهربانم می‌خواهم مرا ببخشد از اینکه بدون اجازه ایشان به جبهه آمده‌ام. در پایان از همه فامیلها و دوستان و آشنایان حلالی می‌طلبم. به امید پیروزی حق بر باطل.

خدایا هدایتم کن. خدایا مرا در راهت ثابت قدم بدار. خدایا گناهانم را بیامرز. آمین.

پرویز عظیم‌پورنیاری[1]

1- در سمت چپ صفحه آخر وصیت‌نامه به دست خط شهید نوشته شده: «وصیت‌نامه پرویز عظیم‌پور نیاری اعزامی از اردبیل».

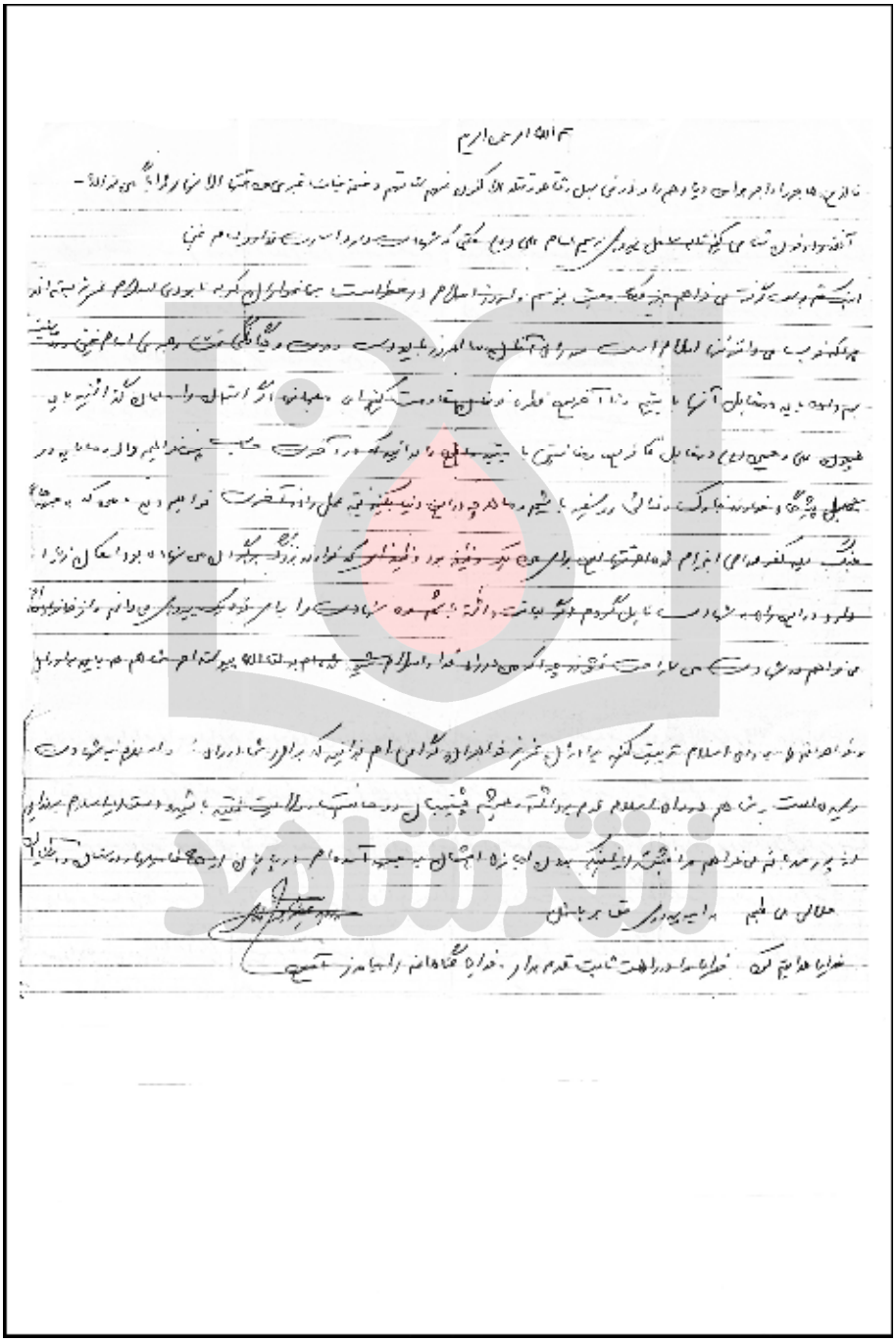

نام: **نظرعلی**
نام خانوادگی: **عظیم‌پور نیاری**
نام پدر: **موسی**
نام مادر: **خانم‌گل**
تاریخ تولد: **هفدهم دی** 1343
محل تولد: **روستای نیار از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از برادرانم می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه دهند و همیشه دعاگوی امام باشند.
- بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی(عج) شد.

نشر شاهد

نظرعلی عظیم‌پور نیاری[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی به خدمت پدر بزرگوار رسیده ملاحظه فرمایند.

پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم حال شما خوب بوده باشد و من سلامتی شما را از درگاه ایزد منان خواستار و خواهانم و اگر بخواهی از حال ما جویا باشی سلامتی حاصل و برقرار است و جای هیچ‌گونه نگرانی نیست به جز دوری شما پدر عزیز.

پدر عزیزم حالتان چطور است حتماً شاد و خرم هستی و هیچ‌گونه نگرانی نداری انشاءالله. پدر جان من عاجزانه از شما طلب بخشش می‌کنم و امیدوارم که مرا ببخشی من می‌دانم که بر اثر نادانی، شما را اذیت داده‌ام[2] ولی حالا پشیمانم و از راههای دور از شما طلب بخشش می‌کنم حتماً مرا ببخشی و حلالم کنی چرا که «بهشت زیر پای پدر و مادر است»[3]. و از طرف ما هیچ‌گونه ناراحت مباش تا این که این جنگ تمام شود و اسلام بر تمام جهان حاکمیت پیدا کند. دیگر وقت گرامی شما را نمی‌گیرم و خاک پایت را می‌بوسم. سلام مرا به همه اعضای خانواده برسان به خصوص کرم و یاور. «منتظر جواب نامه هستم».

از دوستان و آشنایان می‌خواهم که از امام پیروی کنند و راه شهیدان گلگون‌کفن اسلام را ادامه دهند.

برادر حقیر نظرعلی عظیم‌پور[4]

61/11/15

1- در بالای وصیت به صورت چاپی نوشته شده است: «خداوندا... تو خود می‌دانی عملکرد ما نه برای آن است که به ریاست و سلطنت دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه‌توزی، سخن بگوییم، لیکن، پیکار ما برای این است که پرچم آیین تو را برافراشته گردانیم» (حضرت امام حسین علیه‌السلام). «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». (امام خمینی).

2- در اصل وصیت «داده‌ایم».

3- حدیث نبوی این است «الجنة تحت اقدام الا ممات». در هیچ حدیثی نیامده که بهشت زیر پای پدر و مادر است.

4- در پایین وصیت‌نامه به صورت چاپی نوشته شده: «والسلام علیکم و الرحمة الله و برکاته. تعاون سپاه پاسداران لشکر 31 عاشورا».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم[1]

وصیت‌نامه نظرعلی عظیم‌پور اعزامی از اردبیل نیار[2]

«إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیَانٌ مَرْصُوصٌ»[3].

«خدا آن مومنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین هم‌دست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد».

«ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد»[4]. (امام خمینی)

اکنون [که] من خودم را مسئول می‌دانم که به جبهه بروم و با این عمل خود می‌خواهم به قدرتهای شیطانی بفهمانم که ما مرد جنگیم و از قدرتهای شیطانی آنها هراسی نداریم زیرا پشتیبان ما خداست و هیچ قدرتی مافوق قدرت خدا نیست و من با اتکاء به خداوند متعال و با فرمان رهبر کبیر انقلاب و برای دفاع از حریم اسلام و برای پاسداری از خون شهیدان به جبهه حق شتافتم و اگر در این راه مقدس کشته شوم سعادت بزرگی نصیب من شده است زیرا «بازگشت همه به سوی خداوند متعال است»[5] و چه بهتر که در پیشگاه خداوند روسفید باشم و از خانواده‌ام می‌خواهم که هیچ‌گونه ناراحتی به دل راه ندهند چرا که صاحب اصلی ما خداست و من پیش شما امانت بودم.

از پدر بزرگورام می‌خواهم که هیچ‌گونه ناراحت نباشد و همچون کوهی استوار در مقابل منافقان[6] بایستد و صبور باشد چرا که «خدا دوستدار صابرین است»[7] پدرم من می‌دانم

1- در بالای وصیت به صورت چاپی نوشته شده است: «خداوندا... تو خود می‌دانی عملکرد ما نه برای آن است که به ریاست و سلطنت دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه‌توزی، سخن بگوییم، لیکن، پیکار ما برای این است که پرچم آیین تو را برافراشته گردانیم. (حضرت امام حسین علیه‌السلام)». «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. (امام خمینی)».

2- در بالای وصیت سمت چپ نوشته شده «1362/1/1».

3- صف/ 4.

4- اشاره به این سخن امام است «ملت که شهادت برای او افتخار است پیروز است». (صحیفه امام، ج 13، ص 187).

5- ترجمه بخشی از آیه 156 سوره بقره «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ».

6- ر. ک. تعلیقات.

7- ترجمه بخشی از آیه 146 سورهٔ آل‌عمران است «وَاللَّهُ یُحِبُّ الصَّابِرِینَ».

که فرزند لایقی برای شما نبودم ولی حالا که پیش شما نیستم از شما طلب بخشش می‌کنم امیدوارم که مرا ببخشی و حلالم کنی. از برادرانم می‌خواهم که راه شهیدان [را] ادامه دهند و همیشه دعاگوی امام باشند و در آخر ای کسانی که وصیت مرا گوش می‌کنید من حالا در بین شما نیستم ولی روح من شما را نظاره می‌کند پس ای دوستان و آشنایان به خاطر خدا مرا حلال کنید و «نیز به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید»[1] و همیشه دعاگوی امام باشید چرا که بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی(عج) شد و نیز اگر یکی از فرزندانتان را از دست می‌دهید ناراحت نباشید چرا که حسین ابن‌علی(**7**) پیرو می‌خواهد نه عزادار.

«والسلام»

نظرعلی عظیم‌پور

1362/1/1

1- ترجمه بخشی آیه 103 سوره آل‌عمران. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۳۶ / /

خداوندا... تو خود میدانی عملکرد ما، نه برای آن است که به ریاست و سلطنت

ست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه توزی، سخن بگوئیم، لیکن، پیکار ما برای این است که

پرچم آئین تو را بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

(امام خمینی)

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و تحیات و آرزوی سلامتی و موفقیت برای شما و همه برادران و خواهران مبارز و انقلابی

پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم حال شما خوب و به کار و زندگی و مبارزه مشغول باشید

و خواهان و گفتگو با شما برادران مبارز و انقلابی هستم

و بعد عزیزان مدتی است که با شما صحبتی نکرده‌ام و همچنین نامه‌ای هم

برای شما ننوشته‌ام و علت آن هم این است که مطالبی که می‌خواستم بنویسم

و اندیشه داشتم ولی حالا نمی‌توانم آنها را بنویسم و علت آن هم این است

که شرایط و اوضاع و احوال طوری است که ما هیچ نامه‌ای نباید بنویسیم تا اینکه

پیام حضرت امام خمینی را شنیدم و گریه کردم و دیدم که ما هیچ کاره هستیم

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

تعاون سپاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا

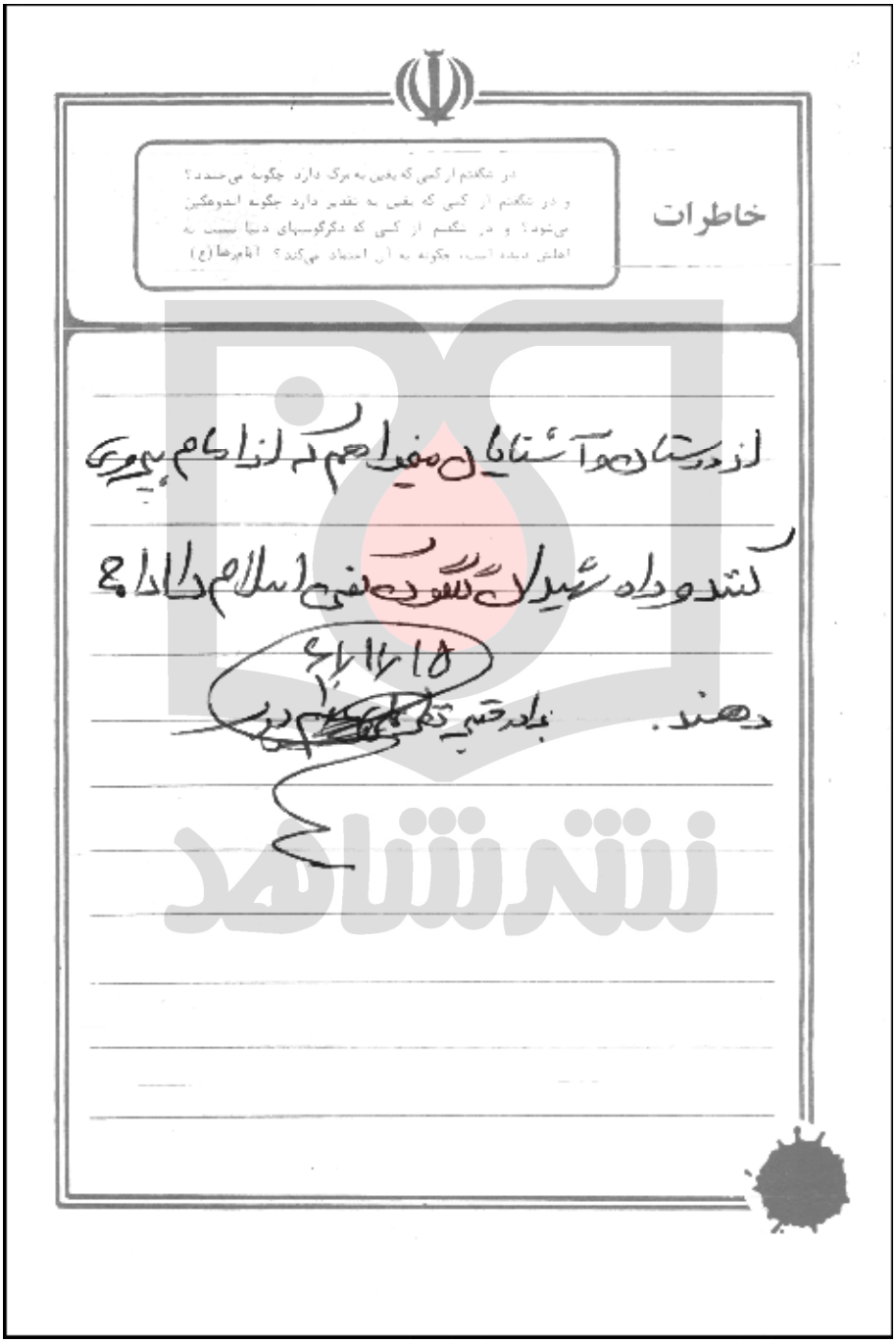

خاطرات

در شگفتم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه می‌خندد؟
و در شگفتم از کسی که یقین به تقدیر دارد چگونه اندوهگین
می‌شود؟ و در شگفتم از کسی که دگرگونیهای دنیا نسبت به
اهلش دیده است، چگونه به آن اعتماد می‌کند؟ امام‌رضا(ع)

نشر شاهد

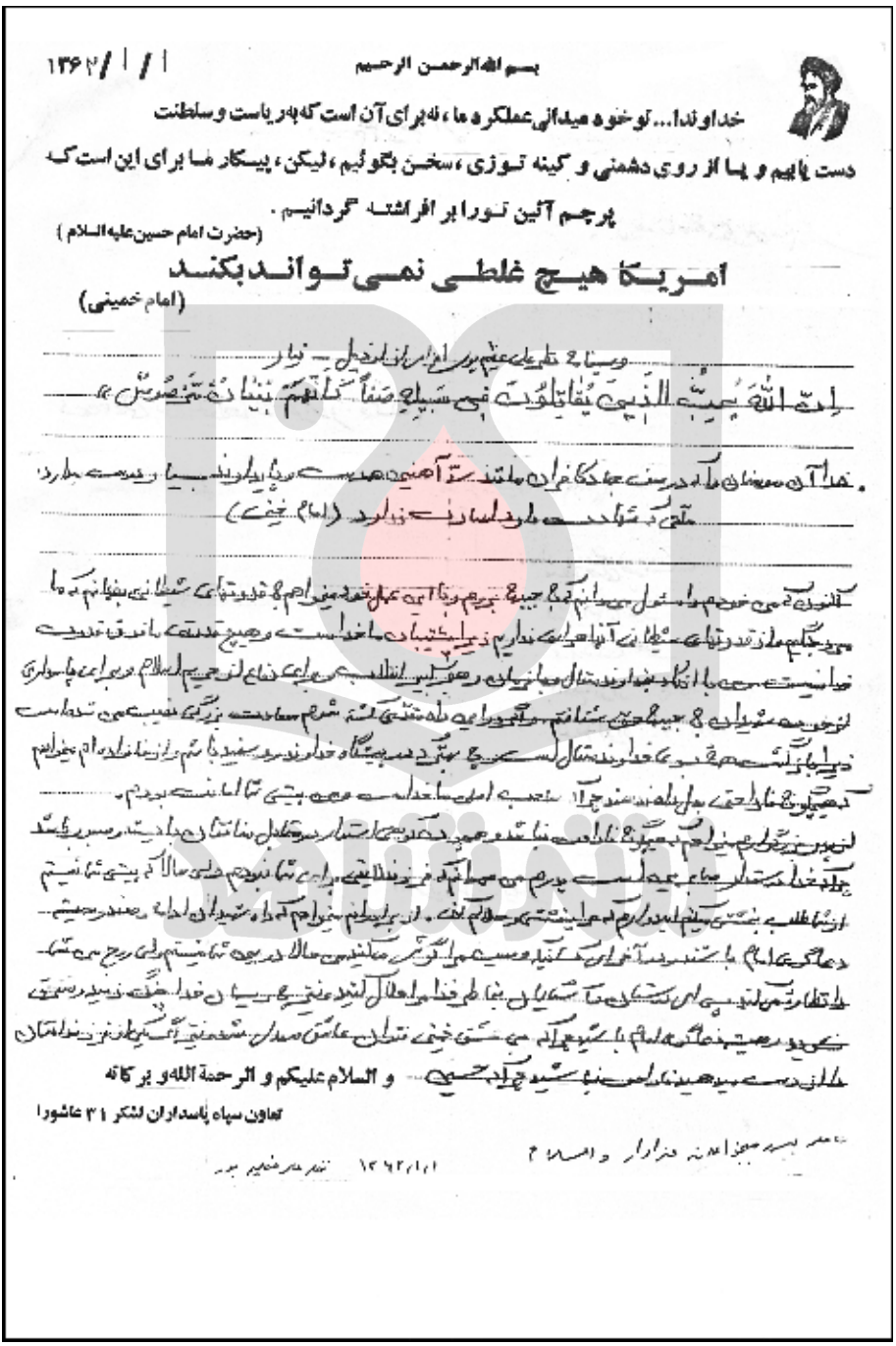

۱۳۶۲/ / /

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوندا... تو خود میدانی عملکرد ما، نه برای آن است که به ریاست و سلطنت دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه توزی، سخن بگوئیم، لیکن، پیکار ما برای این است که پرچم آئین تو را بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

(امام خمینی)

و سپاه ظلم عظیم پیروان ابلیس - نیار

إنّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنيَانٌ مَّرْصُوصٌ

خدا آن سپاهیان را که در صف جنگ کافران مانند سدّ آهنین همه سرباز و همه مدافع حق و شهادت طلب و استوار باشند دوست دارد (امام خمینی)

آنروز که من خودم را مسئول میدانم که با جبهه برویم و با این عمل خدمتی بنمائیم که ما میدانیم که ما از قدرتهای شیطانی آنها هیچ نداریم و لیکن با خدا است و هیچ قدرتی با قدرت خدا نیست ما با اتکاء به خداوند متعال میرزمیم و هر کس که با اسلام و جمهوری اسلام درافتد با خداوند متعال درافتاده است و هر کس که با ملت ما درافتد با خداوند متعال درافتاده است و ما از هیچ قدرتی نمی‌ترسیم و از هیچ قدرتی نمی‌هراسیم و

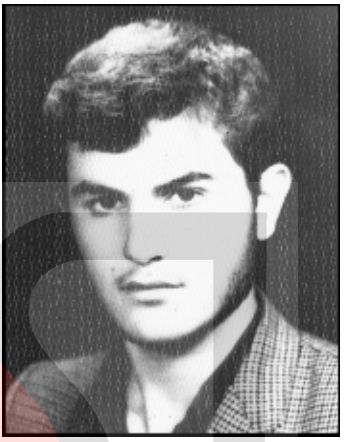

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **عظیمی‌ججین**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **بیگم**
تاریخ تولد: **یازدهم آبان** 1348
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم بهمن** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای ججین زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مادر جان اگر شهید شدم همچنان استوار و صبور باشی که کوهها برایت رشک ببرند.
- مرا حلال کنید و از من درگذرید مرا گذشت کنید برادران من همیشه آزاده باشید و زیر بار ذلت و خواری نروید.
- برای اینکه روح مرا شاد گردانید مؤمن و رستگار باشید.

نشر شاهد

محمد عظیمی‌ججین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

«بسم الله الرحمن الرحیم و بسم الله القاصم الجبارین و بسم الله و بسم رب الشهداء و الصدیقین».

«**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ**»[1].

«همانا آنان که ایمان آوردند و کردارشان شایسته شد (و کردار شایسته کردند) ایشان را باغهائی است که از زیرشان نهرهایی جاری است و این است رستگاری بزرگتر».

با سلام به یگانه منجی عالم بشریت حضرت بقیةالله و نایب برحقش حضرت روح‌الله و امت پاکش ملت حزب‌الله و سلامی دیگر برای شهیدان. شهیدان از صدر اسلام تا کنون به هفتاد و دو یار وفادار و شهید اُحد[2] به سیدی حمزة ابن عبدالمطلب[3](**7**) به هفتاد و دو دلاور شهید دشت کربلا به سیدی حسین‌ابن‌علی(**7**) و به هفتاد و دو جان برکف شهید ایران به سیدی محمدحسین بهشتی[4] رحمةالله و با سلامی دیگر به اولیاء و اوصیا انبیا اصفیا کبریا از خداوند متعال خواستاریم که در این هنگام بندهٔ حقیر و صغیر و فقیرش را یاری عنایت فرماید تا وصیت‌نامه خودم را بنویسم[5]:

پدر و مادر مهربان و دلسوز، من عاجزانه خواستارم که این فرزند ناچیزتان را عفو[6] فرمایید و از گناهانش درگذرید فرزندی که به جز ناراحتی شما برایتان عملی انجام نمی‌داد. پدر جان ای که روزان و شبان در فکر ما هستی امیدوارم از بنده بگذری و حلالم کنی و هرگز برایم ناراحت نباشی پدر جان اگر شما برای از دست دادن من نگران باشید پس

1- البروج/ 11. در اصل وصیت «..آمنو و عملو... النهار...الغفور...».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- ر. ک. تعلیقات.

4- ر. ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «بنویسیم».

6- در اصل وصیت «عف».

فرقی بین شما که خانواده شهید خواهید شد با خانواده دیگر کشته شدگان [وجود ندارد][1] پدر جان امیدوارم که خداوند به شما صبر جزیل عنایت فرماید و در قیامت با ائمه‌اطهار(:) محشورتان فرماید و از امین خوب مواظبت کنید.

و اما مادر جان ای مادر مهربان ای مادر غمگین ای مادر دلسوز ای مادر حزین ای مادر نالان ای مادر گریانم می‌خواهم که در این وادی که از شماها دهها فرسنگ فاصله دارم نزد من می‌بودی تا بسان شمعی در محفلت بسوزم تا از آن نفسهایت بوی امید و محبت بگیرم، مادر جان امید دارم بعد از من زینب‌وار باشی لیلا[2]وار باشی رباب‌وار[3] باشی و هرگز نگران نباشی و بگویی که فرزندم را فدای فداییان راه خدا کردم. مادر جان حقیرانه می‌خواهم که مرا عفو[4] و حلال کنی مادر جان اگر شهید شدم همچنان استوار و صبور باشی که کوهها برایت رشک ببرند و از امین مواظب باش و برایش درس آزادی بده تا بداند که برادری داشت که آزادانه مرد و بعد از من او را هم محمد صدا کنید ولی شما برادران و خواهران من شما نیز مرا حلال کنید و از من در گذرید مرا گذشت کنید برادران من همیشه آزاده باشید و زیر بار ذلت و خواری نروید مؤمن و مردانه باشید پدر و مادرم را اذیت نکنید به حرف یکدیگر گوش کنید و با یکدیگر مانند دوست رفتار کنید نه برادر، چون که برادر نیز دوست به است از برادر کوچکمان امین بیشتر مواظبت کنید و همچنان که بر مادرم نیز توصیه می‌کنم به شما هم می‌گویم که بعد از من امین را محمد صدا کنید. ولی شما خواهران عزیز من هرگز نپندارید که من مرده‌ام بلکه فکر کنید که من زنده‌ام و در پیش شماها هستم و هرگز به من نگران نباشید و رقیه‌وار[5] و سکینه‌وار[6] و صغراوار[7] باشید و امین را با جان و دل سلامت نگهدارید.

1- در اصل وصیت «فرقی ندارید».
2- ر. ک. تعلیقات. ذیل «ام لیلا»
3- ر. ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «عف».
5- ر. ک. تعلیقات.
6- ر. ک. تعلیقات.
7- ر. ک. تعلیقات.

و اما دوستان عزیز من مهربانان و شفیقان، رفیقان، صدیقان برای اینکه روح مرا شاد گردانید مؤمن و رستگار باشید و هر پنج‌شنبه با خواندن فاتحه‌ای بر روی قبرم مرا نوازش فرمایید. استاد جان عوض‌آقا و دوست مهربان جبراییل جان خواهشم از شماها این است که مرا عفو[1] فرمایید. خلیل جان و حافظ جان مرا حلال فرمایید و از من بگذرید. چون که امکان دارد به جز عکس من دیگر چیزی از من نبینید. پس در این جا ازهمه حلالیت می‌خواهم از دوستان آشنایان همسایگان و استادان و همکلاسان و دیگران و می‌خواهم که برای[2] من نگران نباشند زیرا «**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**»[3] «همه از خدائیم و به سوی او بر می‌گردیم». و روی قبرم بنویسید تا شاد باشید که «ان الله شاء ان یراک قتیلا»[4] «به راستی که خدا خواست تو را این چنین مرده ببیند».

«والسلام»

66/9/26

محمد عظیمی

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «عف».

2- در اصل وصیت «به».

3- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

4- بحارالانوار، چاپ موسسه بیروت، ص 364، ج 44.

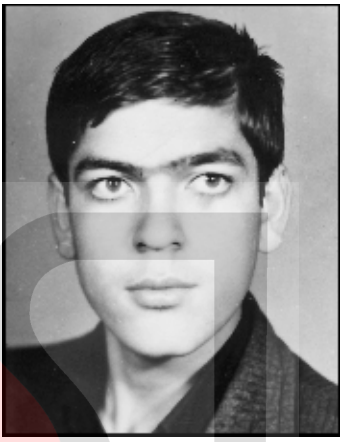

نام: **حضرتقلی**
نام خانوادگی: **عقلمندی**
نام پدر: **عظیم**
نام مادر: **رحیمه**
تاریخ تولد: **یکم اسفند** 1345
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهفتم آذر** 1361
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من آرزو داشتم در راه خدا بمیرم و به آرزوی خود رسیدم (من شرم دارم که راحت بمیرم) کربلای من همان جبهه و منطقه‌ای است که در آن شهید شدم.
- روز شهادت من روز سعادت و روز عروسی من است روزی که من به لقاءالله پیوستم.
- شهادت فی‌سبیل‌الله شهادتی است که برای من سعادت بجای گذاشت.
- من در آن دنیا به سعادت رسیدم.

نشر شاهد

حضرتقلی عقلمندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّالَّذِینَ قَالُوا رَبُّنَااللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ»[1].

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[2].

وصیت‌نامه حضرتقلی عقلمندی

اولین وصیت‌نامه من این است که مرا در نزدیکی شهیدان دفن کنید. و از خانواده و مادر و خواهر و برادرم تقاضا می‌کنم که گریه نکنند.

من آرزو داشتم در راه خدا بمیرم و به آرزوی خود رسیدم (من شرم دارم که راحت بمیرم) کربلای من همان جبهه و منطقه‌ای است که در آن شهید شدم روز شهادت من روز سعادت و روز عروسی[3] من است روزی که من به لقاءالله پیوستم روزی که من شهید شدم آن روز شادترین روز زندگی من است.

از خانواده‌ام تقاضا[4] می‌کنم که در کنار قبر من گریه نکنند و ضمناً من یک سال نمازم را به قضا داده‌ام و لطفاً قضای نماز مرا بخوانید و همین‌طور فوتبال دستی دوست مرا به او بدهید دوستی که برای من مثل پدر و مادر و برادر و خواهر بود.

و از خواهرم خواهش می‌کنم اگر آن بر سر قبر [من] می آید به او چیزی نگویید. من به آرزوی خودم رسیدم شهادت فی سبیل‌الله شهادتی است که برای من سعادت بجای گذاشت و من در آن دنیا به سعادت رسیدم و از شما تقاضا می‌کنم (هر قدر که بعد از شهادت بگیرید نصفش را در راه خدا خرج کنید). خداحافظ.

لطفاً بعد از مرگ من بازش کنید و بخوانید.

«والسلام»

وصیت‌نامه حضرتقلی عقلمندی - در تاریخ 61/9/23

1- آیات 13 و بخشی از آیه 14 سوره احقاف. ترجمه «محققاً کسانی که گفته‌اند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کرده‌اند بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد، آنان اهل بهشتند». در اصل وصیت «...ثمه...».

2- بخشی از آیه 156 سوره بقره. ترجمه «همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».

3- در اصل وصیت «عروسس».

4- در اصل وصیت «تقضا».

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون اولئک اصحاب الجنه

انا لله و انا الیه راجعون

وصیت نامه حضرتقلی عقلمندی

اولین وصیت نامه من این است که مرگ در نزد یکی شهیدان دفن کنید .
واز خانواده و مادر و خواهر و برادر تقاضا میکنم که گریه نکنند . من آرزو داشتم در راه خدا بمیرم و به آرزوی خود رسیدم (من شروم دارم که راحت بمیرم) کربلای من همان جبهه و مدطقهای است که در آن شهید شدم روز شهادت من روز سعادت و روز عروسی من است روزی که من به لقاالله پیوستم روزی که من شهید شدم آن روز شادترین روز زندگی من او است از خانواده ام تقضا میکنم که در کنار قبر من گریه نکنند و ضمنا" من یک سال نمازم را به قضا دادم و لطفا" قضای نماز مرا بخوانید و همینطور فوتبال دستی وصیت مرا به او بدهید دوستی که برای من مثل پدر و مادر و برادر و خواهر بوده واز خواهرم خواهش میکنم اگر آن بر سر قبر می آید به او چیزی نگوید . من به آرزوی خودم رسیدم شهادت فی سبیل الله شهادتی است که برای من سعادت بجای گذاشت و من در آن دنیا به سعادت رسیدم واز شما تقاضا میکنم (هر قدر که بعد از شهادتم بگیرید نصفش را در راه خدا خرج کنید .

خدا حافظ

وصیت نامه حضرت قلی عقلمندی

در تاریخ ۶۱/۹/۲۳

لطفا" بعد از مرگمن بازش کنید میخواهید .

والسلام.

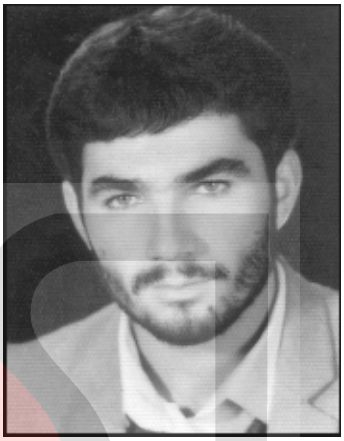

نام: **غفور**
نام خانوادگی: **علائی‌زاده اردبیلی**
نام پدر: **بابا**
نام مادر: **شاه‌بیگم**
تاریخ تولد: **یکم خرداد** 1344
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- آه خدایا، معبودا، وجودم، جانم، روحم شعله از عشق تو می‌باشد.
- معبودا چندین مدت طولانی است که راه رسیدن به تو و رضای تو را در سر می‌پرورم.
- معبودا می‌آیم به سویت با دلی مالامال از عشق به دیدارت و با چهره‌ای خونبار تا در محضرت آرام بگیرم.
- بعد از شهادت من با نام خانواده شهید بودن سوءاستفاده نکنید.

شهرشاهد

غفور علائی‌زاده اردبیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

یا الله یا رسول‌الله(6) و یا ولی‌الله(7) و یا فاطمه‌الزهرا(3) یا حسین مظلوم(7) یا علی‌بن‌موسی الرضا(7) یا صاحب الزمان(عج).

«**الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ**»[1].

سلام بر حسین زمان، سلام بر خمینی نایب زمان، سلام بر خانواده‌های شهدا و اسرا، سلام بر خانواده‌های مفقودین و مجروحین و رزمندگان کفرستیز اسلام.

آه خدایا، معبودا، وجودم، جانم، روحم شعله از عشق تو می‌باشد. خدایا در هر برهه‌ای از زمان عزیزانی از دست داده‌ایم. خدا چه همسنگرانی داشتیم و رفتند و به لقایت رسیدند، معبودا چندین مدت طولانی است که راه رسیدن به تو و رضای تو را در سر می‌پروم، خدایا چه مشقّتها و چه رنجهایی که در راه رضای تو نکشیدم معبودا همه این آمال و آرزوها[2] برای یک لحظه دیدن روی زیبای حسین مظلوم(7) نوش باد بر من.

الهی بنده عاصی و گنهکار درگاهت هستم. خدایا ما خود را در اختیارت قرار داده‌ایم، هرچه صلاح دانی آن برای ماست و بس. معبودا می‌آیم به سویت با دلی مالامال از عشق به دیدارت و با چهره‌ای خونبار تا در محضرت آرام بگیرم و از ائمه معصومین(:) شرمنده نباشم، الهی، هرچه قبولم کنی به آغوشت پر خواهم کشید.

خانواده گرامی و عزیزم، مادر از جال گذشته‌ام که از بدو تولد زحمات حقیر را کشیده‌ای و همچنان در مشقات زندگی مرا تحمل کرده‌ای. مادر عزیز خیلی به شما زحمت داده‌ایم واقعاً شرمنده‌ام از زحمات شما، انشاءالله در آن دنیا خداوند جزای خیر و جنت رضوان به شما عنایت نماید، برادرانم و خواهرانم و تمامی فامیل و آشنایانم وصیت می‌کنم

1- توبه/ 20. ترجمه: «کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند». در اصل وصیت «...اموالکم و انفسکم».

2- در اصل وصیت «رزوها».

شما را اول به تقوای الهی و بزرگی خداوند و در خط انقلاب باشید[1] وصیت دومم این که بعد از شهادت من اگر خداوند شامل حالم و جسمم نماید تأکیداً وصیت می‌کنم با نام خانواده شهید بودن سوءاستفاده نکرده و آبروی یک خانواده شهید را حفظ کنید، مادر پیر و زحمت کشم حدود 80 روز روزه دارم، انشاءالله چهل روز قضای روزه را خواهرم معصومه و چهل روز دیگر را خواهرم زینب بگیرد و وسایل شخصی و تمامی اموال و دارایی‌ام هم در اختیار مادرم قرار می‌گیرد و از همه شما می‌خواهم که مادرم، تا زنده است به خوبی از او مواظبت نمایند. خلاصه [از] تمامی امت چه دوست و چه غیر دوست و چه اهل محلی و چه افرادی که بنده با آنها برخورد کرده‌ام مخصوصاً همسایه‌هایمان حلالیت می‌طلبم و بنده همه را حلال کرده‌ام. امیدوارم که بنده حقیر را نیز حلال نمایید. دیگر عرضی ندارم به جز پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و سلامتی امام عزیزمان همگی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم. سعی کنید قبرم را نزدیک شهید کوه کمری[2] و محمدزاده[3] و طهماسبی‌پور[4] و جودی[5] باشد.

خدا یا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما آمین یا رب العالمین.

بنده حقیر فدای اسلام غفور علائی‌زاده اردبیلی

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «بوده».
2- از اسامی شهدایی است که از دوستان و همرزمان شهید بوده‌اند.
3- از اسامی شهدایی است که از دوستان و همرزمان شهید بوده‌اند.
4- از اسامی شهدایی است که از دوستان و همرزمان شهید بوده‌اند.
5- از اسامی شهدایی است که از دوستان و همرزمان شهید بوده‌اند.

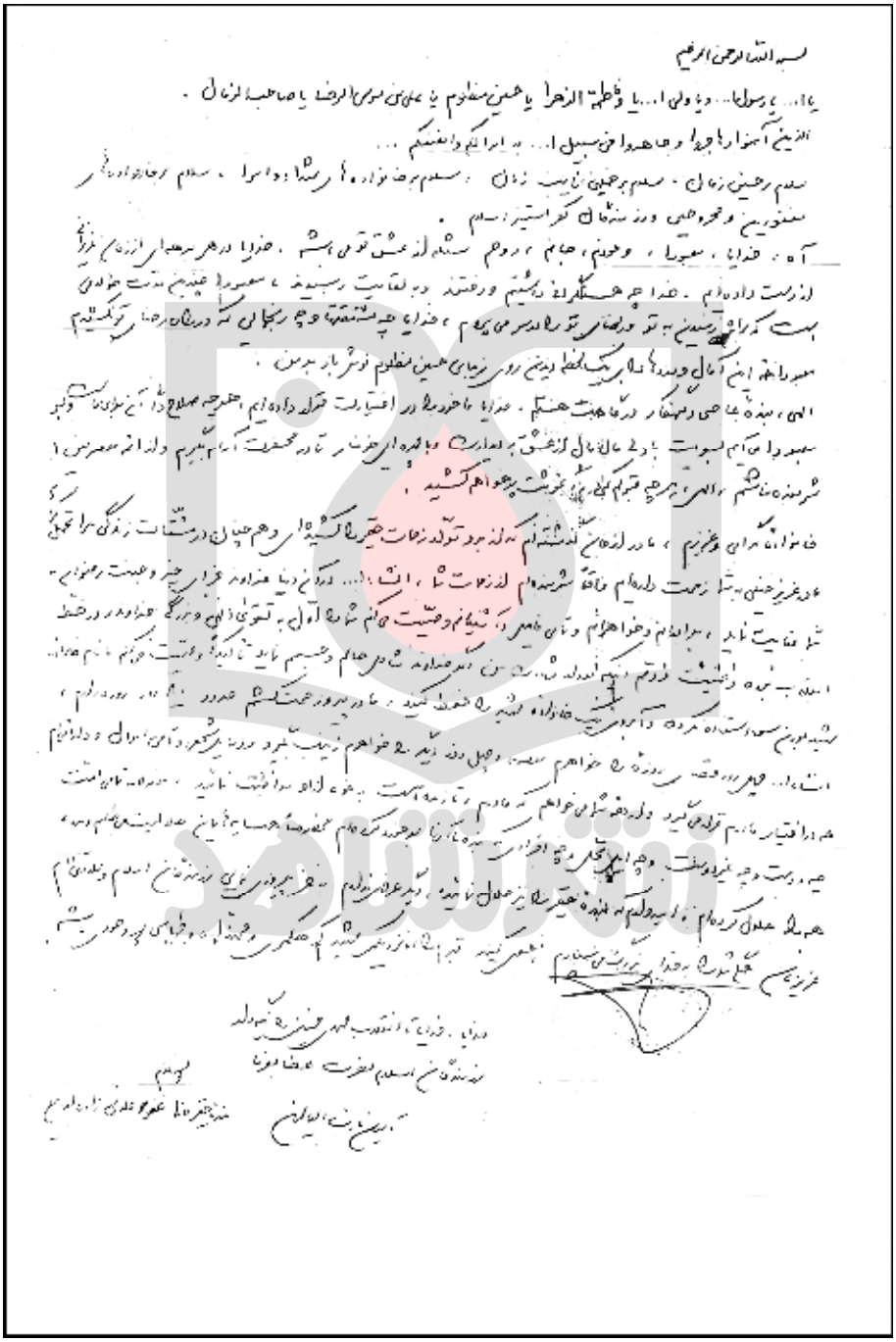

نام: **حسن**
نام خانوادگی: **علفیان**
نام پدر: **مرتضی**
نام مادر: **منیجه**
تاریخ تولد: **دوم آذر** 1342
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم آبان** 1361
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای علی‌آباد زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا به ما توفیق عطا فرما که در راه تو و به همراه ولی تو کشته بشویم و به فیض شهادت برسیم.
- امید داریم که از دعاهای خود ما را بی‌فیض قرار ندهید تا بلکه خداوند متعال از گناهان ما گنهکاران بگذرد.

نشر شاهد

حسن علفیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

خدمت خانواده گرامی رسیده ملاحظه فرمایید.

«مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِیلًا»[1].

«بعضی از مؤمنین به پیمانی که با خدا بسته‌اند وفا کردند و از آنها گذشتند و رفتند و رها شدند و شهید شدند و عده‌ای دیگر نوبت می‌کشند تا نوبت آنها نیز برسد».

خدایا به ما توفیق عطا فرما که در راه تو و به همراه ولی تو کشته بشویم و به فیض شهادت برسیم.

ضمن سلام گرم بر پدر و مادر عزیز و برادران و خواهران گرامی امیدوارم در زیر سایه خداوند متعال صحت کامل خود را داشته باشید. باری مادر و پدر گرامی خبر سلامتی خود و کلیه برادران را به شما می‌رسانم و امید داریم که از دعاهای خود ما را بی‌فیض قرار ندهید تا بلکه خداوند متعال از گناهان ما گنهکاران بگذرد.

مادر جان: اگر نسبت به تو مادرم عاق والدین باشم ولی امیدوارم که نسبت به مادر آموزگارمان حسین عاق والدین نبوده بلکه روحش را شاد کرده باشم. و همچنین پدر جان در ضمن از خبر ازدواج داداش بسیار خوشحال شدم و امیدوارم زیر درگاه خداوند متعال زندگی خوبی را شروع بکنند و تبریک متقابل.

اگر چه وقت نوشتن نامه به آبجی مهربانم را ندارم ولی سلام گرم را به خواهرم، عزیز و مهربانم و آقا محرم و شه خانم و آقا یدالله و خانواده‌شان برسانید.

در آخر از طرف من به ننه و خانواده‌اش و رسول آقا و فریده خاله و بچه‌هایش و همچنین به آقا میراشرف و خانواده‌اش و به زن داداش و مسعود و یعقوب و رباب باجی و

1- احزاب/ 23. ترجمه «از مومنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بستند وفا کردند بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند و بعضی چشم به راهند و هیچ پیمان خود دگرگون نکردند».

دیگر دوستان و آشنایان سلام برسان. ضمناً اگر از یعقوب داداش خبری بود به من اطلاع بدهید.

و همچنین از بچه‌های ما دو نفر زخمی شده که یکی جواد خوشروزی می‌باشد که زخم سطحی دارد و شما سعی کنید که به خانواده‌اش نگویید تا اینکه خودشان بفهمند. خیلی متشکر

حسن علفیان

نشر شاهد

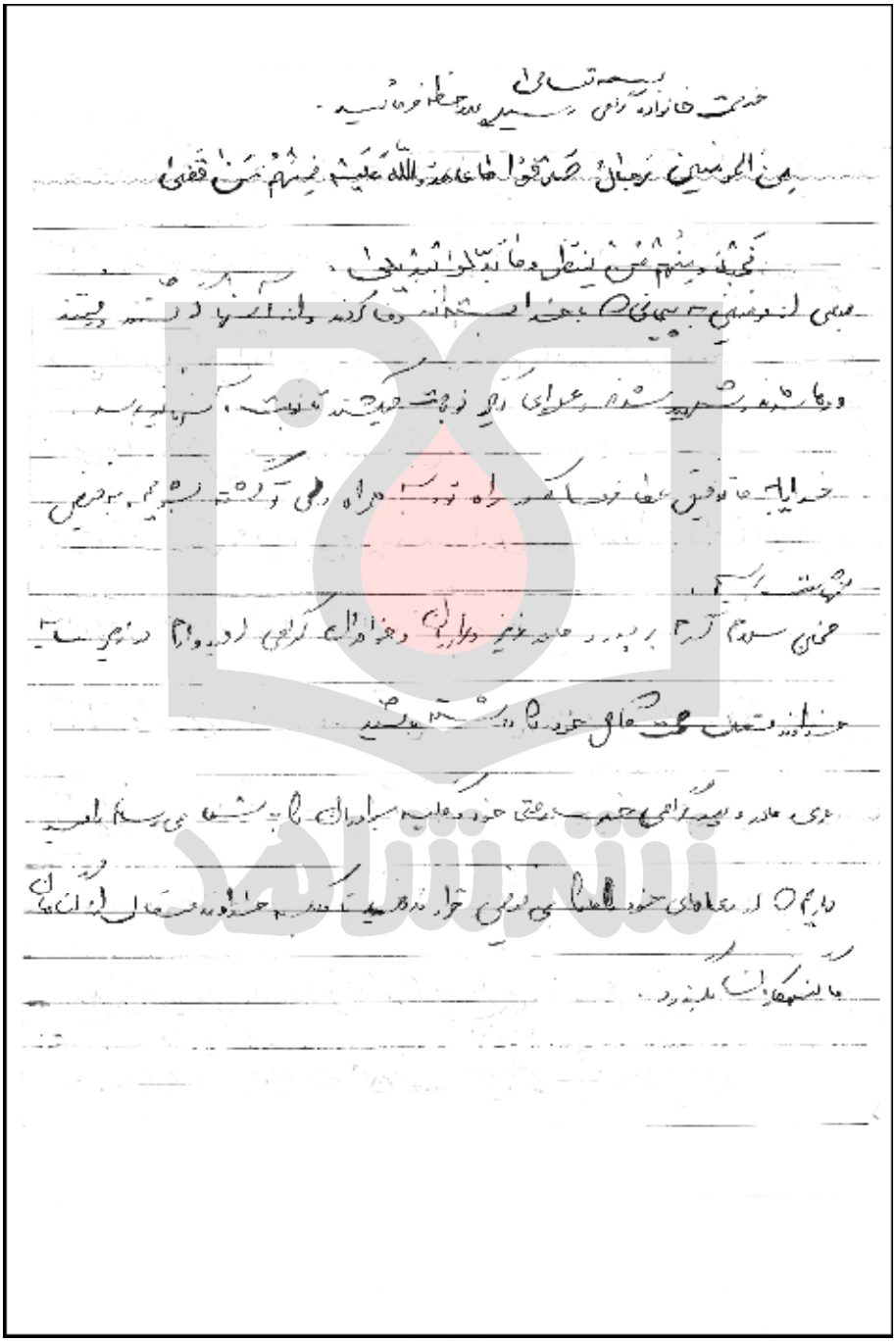

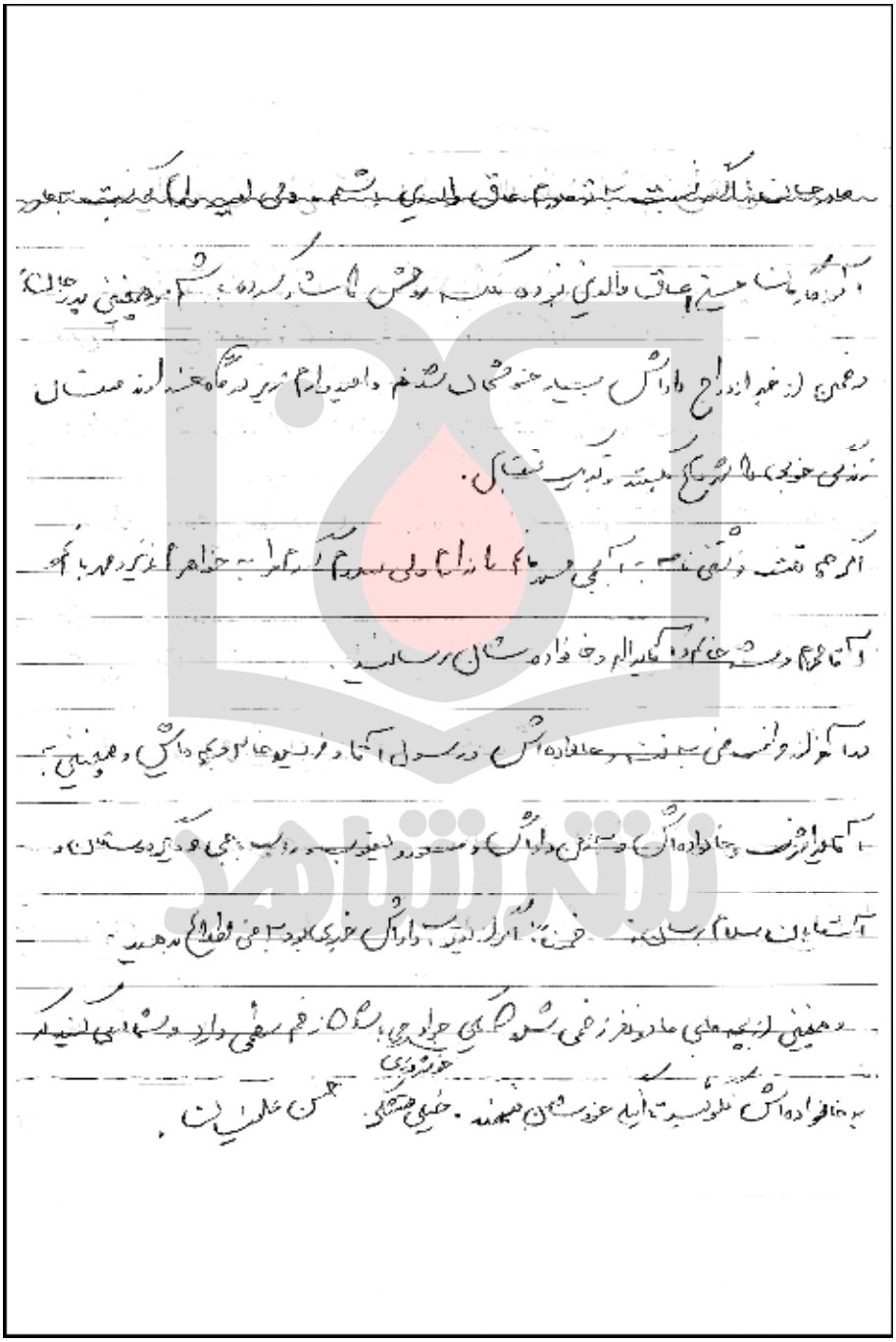

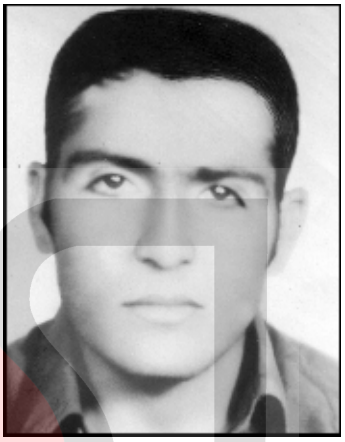

نام: **بهروز**
نام خانوادگی: **علمی میزان**
نام پدر: **غنی**
نام مادر: **سیاره**
تاریخ تولد: **چهاردهم مهر** 1342
محل تولد: **روستای ساطی‌میزان از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیجی**
تاریخ شهادت: **هشتم مهر** 1361
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- چه شهید بشوم و چه سالم بمانم برایم فرق نمی‌کند.
- بنا به گفته حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و امید مستضعفان جهان «جوانها باید جبهه‌ها را پر کنند».
- خدایا در این دل شب این وصیت‌نامه نوشته می‌شود نه یک جان بلکه چند جان داشتم فدای رهبرم می‌کردم.
- اگر من شهید شدم آرزویم بوده [و] هیچ کس ناراحت نشود.
- فرمایشات حضرت امام خمینی رهبر معظم انقلاب اسلامی «اسراییل باید از بین برود».

بهروز علمی میزان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

سلام علیکم به همه خانواده خودم و تمامی رزمندگان دلیر اسلام در همه جبهه‌های حق علیه باطل وصیت‌نامه اینجانب حقیر بهروز علمی فرزند غنی که یکی از برادران رزمنده در جبهه پیرانشهر [می‌باشد] نوشته می‌شود من خوشحالم که اینجانب را سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشکین‌شهر قبول کرده و به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام نموده و حالا در مرز عزیز اسلام به نگهبانی مشغول هستم چه شهید بشوم و چه سالم بمانم برایم فرق نمی‌کند و خدا شاهد است این‌قدر خوشحالم که عین پرنده پر می‌زنم و بنا به گفته حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و امید مستضعفان جهان «جوانها باید جبهه‌ها را پر کنند»[1] این فرمایشات حضرت امام را شنیدم فوری خودم را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشکین‌شهر معرفی کردم آن برادران نیز مرا قبول کرده به منطقه کردستان اعزام کرده‌اند.

و خواهش من از برادران خودم و تمامی اقوام و حتی[2] پدرم این است اگر من شهید شدم جلو چشم خلق مسلمانها و منافقین[3] کور دل گریه نکنند اسلحه من را برداشته به جبهه‌های حق علیه [باطل][4] اعزام شوند.

خدایا در این دل شب این وصیت‌نامه نوشته می‌شود نه یک جان بلکه چند جان داشتم فدای رهبرم می‌کردم و از برادر جمشید اسماعیلی هم راضی هستم که من را فوری اعزام به جبهه کرد و از برادران خودم نیز این خواهش را دارم که از پدر و مادرم مواظب باشند اگر من شهید شدم آرزویم بوده [و] هیچ کس ناراحت نشود.[5]

1- صحیفه امام، ج 18، ص 44.

2- در اصل وصیت «حتا».

3- ر. ک. تعلیقات.

4- به سیاق کلام «باطل» درست است.

5- شهید در پایین صفحه اول وصیت‌نامه را امضاء نموده و نوشته «بهروز علمی».

باز هم بنا به فرمایشات حضرت امام خمینی رهبر معظم انقلاب اسلامی «اسراییل باید از بین برود»[1]. و «آمریکا نیز هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»[2].

ما در جبهه‌های کردستان این فرمان رهبر عزیزمان را شنیدیم و خیلی خوشحال شده‌ایم و آخرین کلمه من به پدر [و] مادر عزیزم این است که من برای شما اگر هر موقع صدا کرده‌اید بلی نگفتم مرا ببخشید جوان بودم و آخرین سلام من به برادران عزیزم و به فرزندان آنها می‌باشد.

«وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى»[3] و علیه تکلان
شب در جبهه حق علیه باطل پیرانشهر
پایگاه شهید مدنی
بهروز علمی
61/5/18

1- صحیفه امام، ج 6، ص 75.
2- صحیفه امام، ج 10، ص 515.
3- بخشی از آیه 47 سوره طه. ترجمه: «درود بر کسی باد که از هدایت حق پیروی کند».

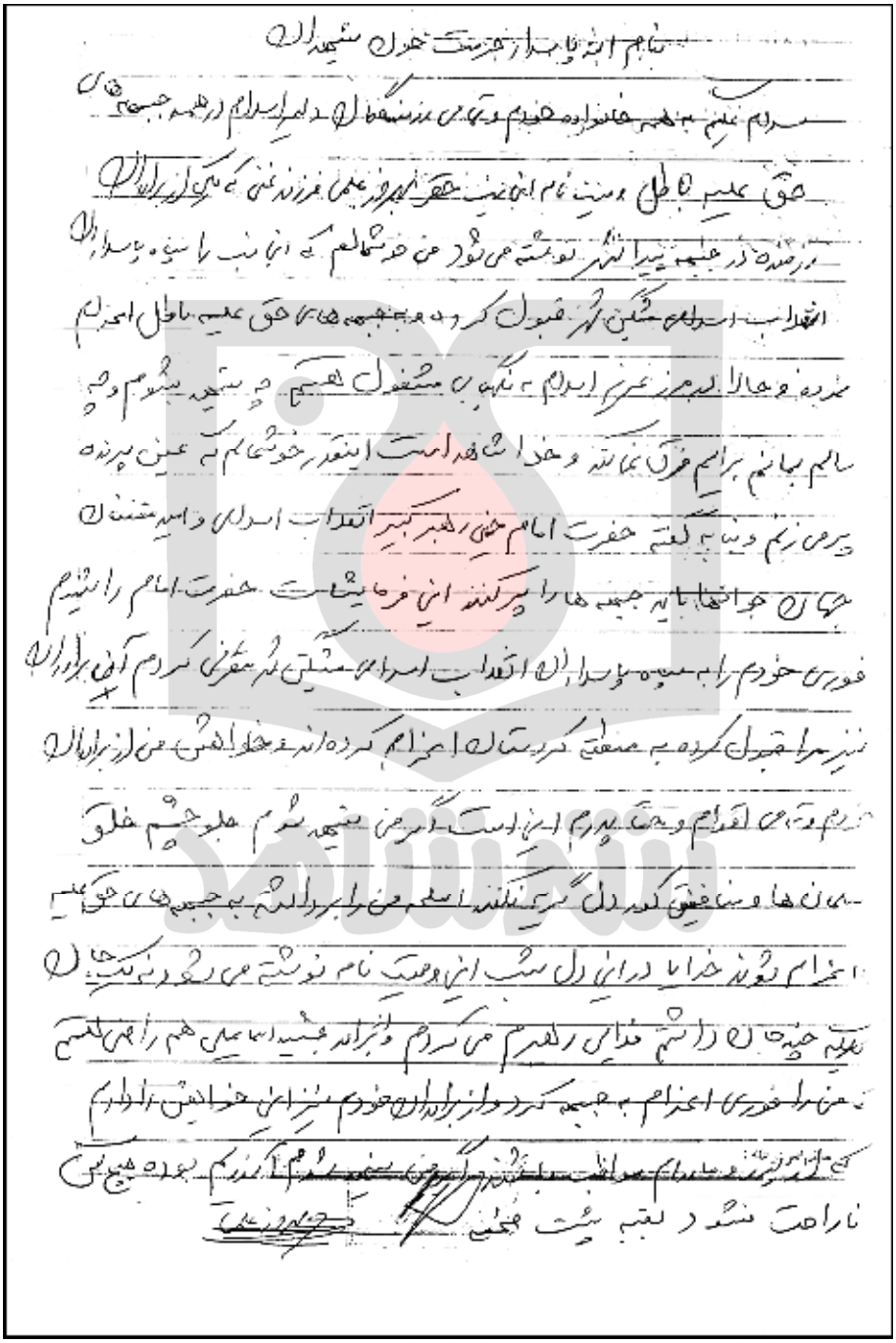

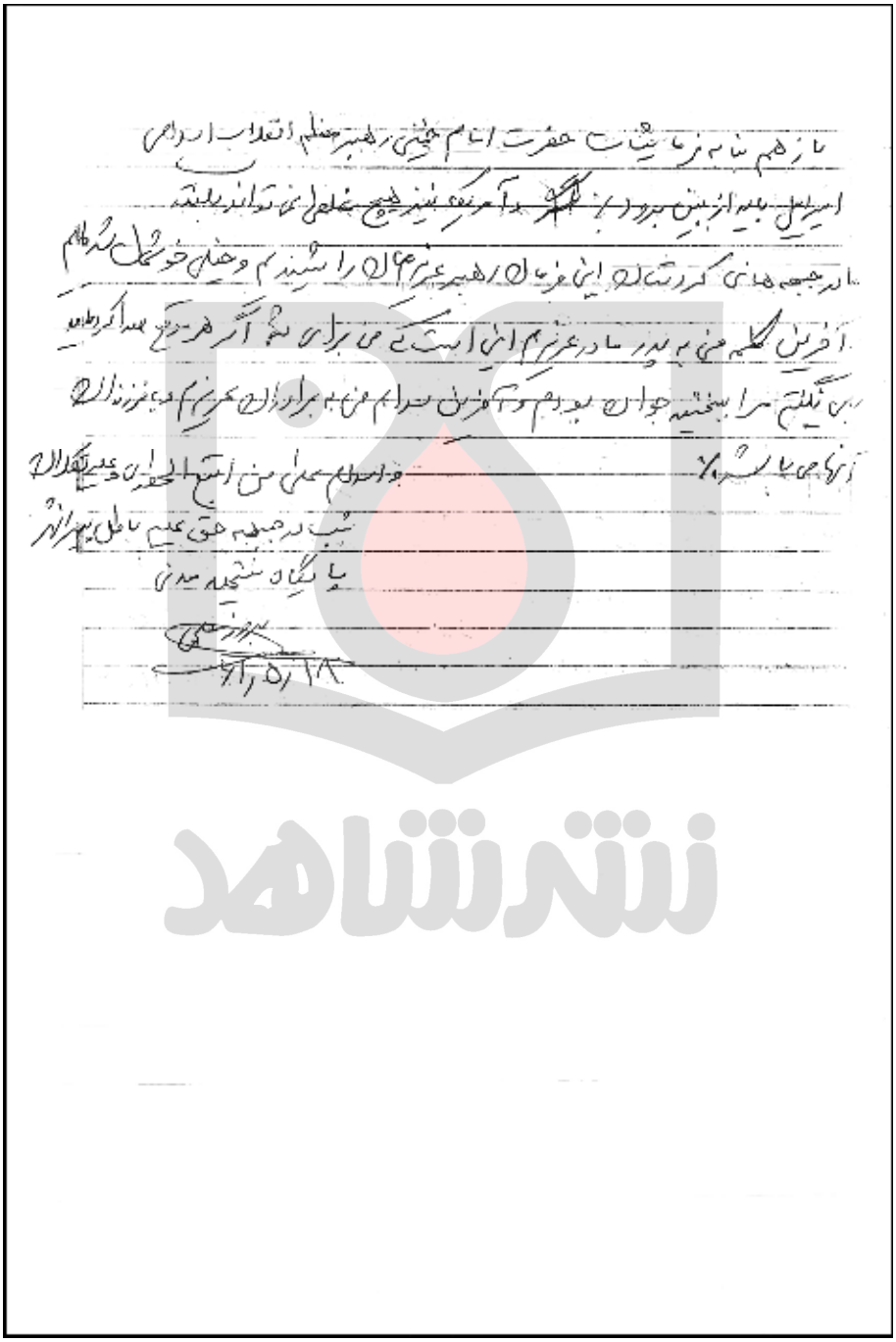

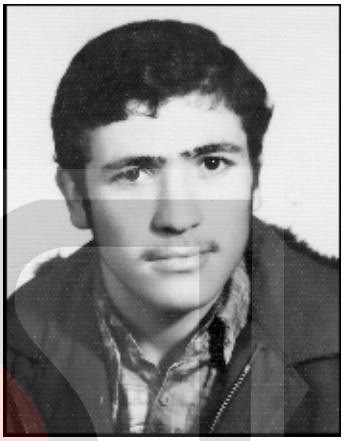

نام: **میرناصر**
نام خانوادگی: **علوی**
نام پدر: **میرمجتبی**
نام مادر: **زلیخا**
تاریخ تولد: **هجدهم مرداد** 1341
محل تولد: **روستای نقدی‌علیا از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی**
نحوهٔ شهادت: **بر اثر سوختگی**
مزار: **گلزار شهدای بهشت‌فاطمه اردبیل**

عبارت‌های کلیدی

- باید بدانید که ما تا آخرین قطره خون خود خواهیم جنگید و از اسلام دفاع خواهیم کرد.
- تنها خواهشی که از شما مردم اردبیل و نقدی‌علیا دارم این است که برای رزمندگان جبهه دعا کنید.
- دواطلبانه به جبهه بروید و سنگرهای شهیدان را پر کنید.
- باید بدانیم که ایران تنها کشور اسلامی است که با آمریکا می‌جنگد.
- بنده از امام امت و اسلام و مکتب خود دست نخواهم کشید.
- به ندای خمینی نور چشم لبیک گفتم.
- جشن بگیرید که فرزند و برادر خود را تقدیم به اسلام کردید.
- از پدر و مادر می‌خواهم که اگر بنده شهید شدم افتخار کنید.
- همیشه در نمازهایتان امام را دعا کنید.
- همیشه در نماز جماعت و نماز جمعه و دعای کمیل و دعای توسل شرکت کنید.
- از برادران اعضای انجمن اسلامی و پایگاه مقاومت محله امام خمینی اردبیل و هسته مقاومت شهید محمد عالمی نقدی‌علیا می‌خواهم که اخلاق اسلامی داشته باشید.
- خدایا ظهور امام زمان(عج) را هرچه زودتر نصیب این امت بگردان.

میرناصر علوی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[2].

درود به امام امت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و سلام بر ملت شهیدپرور ایران و مردم اردبیل و روستای نقدی‌علیا سلام بر شما پدر و مادر عزیزم و برادرانم که حالتان خوش و خرم بوده باشد[3] و از اینکه فرزندتان و برادرتان به جبهه می‌رود ناراحت نباشید دلم می‌خواهد خوشحال باشید و ناراحت نشوید چون ما برای اسلام و قرآن می‌جنگیم اگر شهید هم شدم جایمان بهشت است و این دنیا قابلی ندارد و نباید به فکر هواهای نفسانی و مادی خود باشید بلکه باید کمی هم به آخرت خود بیاندیشیم[4] زیرا زندگی از آنجا شروع می شود پس چه بهتر که از این دنیا دست خالی نرویم و این امتحانی را که خداوند از ما می‌کند قبول شویم[5] و [به] بزرگترین مدرک تحصیلی خودم که شهادت است دست پیدا کنم انشاءالله[6] صدام[7] یزید و کومله و دمکرات[8] را سرنگون کنیم و این را باید بدانید که ما تا آخرین قطره خون خود خواهیم جنگید و از اسلام دفاع خواهیم کرد و تمام مستکبران جهان را نابود خواهیم کرد و اسلام عزیز ایران خودمان را در سرتاسر جهان گسترش خواهیم داد و حالا من چند وصیتی دارم که برایتان می‌نویسم.

1- از پدرم و مادرم و برادرانم می‌خواهم که اگر من شهید شدم به آرزویم رسیدم برایم گریه نکنند و خوشحال باشند زیرا اگر گریه کنند این منافقین[9] خوشحال خواهند شد و

1- بالای وصیت سمت چپ نوشته شده: «61/7/1».

2- آل‌عمران/ 169. «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده نپندارید بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

3- در اصل وصیت «باشید».

4- در اصل وصیت «به‌اندیشم».

5- در اصل وصیت «شوم».

6- در اصل وصیت «انشااله».

7- ر. ک. تعلیقات.

8- ر. ک. تعلیقات.

9- ر. ک. تعلیقات.

روح من آزرده خواهد شد.

2- از تمام خواهران و برادران شهر اردبیل و مردم روستای نقدی‌علیا می‌خواهم کـه امـام را تنها نگذارند و دعا کنید که طول عمر امام تا ظهور حضرت مهدی(عج) ادامه داشته باشـد و برای رزمندگان هم [دعا] کنید که به پیـروزی برسـند هـر چنـد پیـروزی نزدیـک اسـت و انشاءالله صدام سرنگون است وباید برود.

3- از پدرم و برادرانم می‌خواهم که مرا در کنار قبر پدر بزرگوار دفن نمایید.

4- از برادرانم می‌خواهم که اگر شهید شدم در شب جمعه برای [من] دعای کمیل بخواننـد برایم دعا کنید تا گناهانم آمرزیده شود.

5- دلم می‌خواهد در تشییع[1] جنازه‌ام کسی گریه نکند تـا ایـن منـافقین کومله و دمکـرات بفهمند با کشته شدن جوان 20 ساله به خود بیایند و به راه اسلام برگردند.

6- تنها خواهشی که از شما مردم اردبیل و نقدی‌علیا دارم این اسـت کـه بـرای رزمنـدگان جبهه دعا کنید و به جبهه کمک کنید که پیروزی نزدیک است.

7- مقداری پول در بانک ملی دارم و آن را با حـساب بازسـازی منـاطق جنگـی کردسـتان واریز نمایید.

8- از پایگاه مقاومت امام خمینی اردبیل و هسته مقاومـت شـهید محمـد عـالی نقـدی‌علیـا می‌خواهم که این سنگرها را حفظ کنید و همه حرکات شما بـرادران بایـد اسـلامی بـوده و اخلاق اسلامی داشته باشید.

9- از تمام مردم حزب‌الله اردبیل و روستای نقدی‌علیا محل خودم می‌خواهم که رابطه خود را با سپاه و بسیج قطع نکنید و داوطلبانه به جبهه بروید و سنگرهای شهیدان را پـر کنیـد و دیگر عرضی ندارم و باید بدانیم که ایران تنها کشور اسلامی است که با آمریکا می‌جنگد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگهدار.

خدایا خدایا ترا به حق زهرا(**3**) رزمندگان ما را پیروزشان بفرما.

برادر شما- خدمتگزار شما- میر ناصر علوی

1361/7/1

1- در اصل وصیت «تشیع».

خدمت برادر میر ودود علوی

برادر جان وصیت‌نامه بنده به تو می‌فرستم آن را نگه‌دار و سلام به خانواده‌ام و دوستان و آشنایان برسان.

برادر کوچک شما میر ناصر علوی

1361/7/10

آذربایجان غربی- اشنویه- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- پایگاه چهار شهید باهنر- میر ناصر علوی.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه میر ناصر علوی اعزامی از اردبیل ساکن روستای نقدی‌علیا از منطقه مشکین‌شهر.

«ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است»[1]. (امام خمینی)

«چرا از شهادت می‌ترسید مگر کودکی سراغ دارید که از پستان مادرش بترسد». امام حسین(**7**)

با درود فراوان بر امام امت و سلام بر تو امت شهیدپرور و سلام بر تو ای خانواده عزیزم، خداوند انسان را زنده و مرده می‌کند انسان چه خوش از این دنیا بهره‌مند باشد که این بهره‌ها همواره برای خدا باشد و باید خدا را ستایش کنیم، این خداوند است[2] که انسان را آزمایش می‌کند خوشا به حال کسانی که در[3] این آزمایش قبول شوند و این جنگ نوعی از آزمایش خداوند برای انسان است و ما باید در پیشگاه خدا آزمایش بدهیم و انسان نباید به مادیان فکر بکند باید به فکر معنویات[4] باشیم کسانی در[5] این آزمایش قبول شوند

1- صحیفه امام، ج 13، ص 187.

2- در اصل وصیت «هست».

3- در اصل وصیت «از».

4- در اصل وصیت «معنوی».

5- در اصل وصیت «از».

شهادت نصیب آنها[1] می‌شود و این را توجه داشته باشید اگر دشمن بنده را هزار قطعه، قطعه کند و هر قطعه آنرا در آتش بسوزاند و خاکستر آن را به باد دهد و خانواده بنده را به اسارت بگیرند بنده از امام امت و اسلام و مکتب خود دست نخواهم کشید و بنده حقیر در دفعه قبل در غرب بودم و حالا در لشگر 31 عاشورا گردان تخریب هستم و بنده با ایفای وظیفه شرعی به ندای خمینی نور چشم لبیک گفتم و عازم جبهه گشتم و از پدر و مادر و برادرانم و سایر اقوام و آشنایان و کسانی که با بنده برخورد دوستی داشتند[2] طلب آمرزش می‌طلبم و چند وصیت دارم امیدوارم به آنها جامهٔ عمل[3] بپوشانید[4].

1- از پدرم می‌خواهم مرا در کنار قبر پدر بزرگ دفن کند.

2- از پدر و مادر و برادرانم می‌خواهم اگر شهادت نصیب بنده حقیر شد برای بنده گریه نکنند و شاد باشند[5] و افتخار کنید و جشن بگیرید که فرزند و برادر خود را تقدیم به اسلام کردید[6] و بنده می‌دانم که برای بنده گریه خواهید کرد در آن موقع به بنده گریه نکنید به امام حسین(7) وعلی‌اکبر[7](7) و جوان قاسم[8](7) و علی‌اصغر[9](7) و به اسیران کربلا گریه کنید چون آنها در آن زمان خیلی مظلوم واقع شده‌اند.

3- از پدر و مادر می‌خواهم که اگر بنده شهید شدم افتخار کنید و موقعی که رزمندگان اسلام پیروزمندانه راه کربلای حسین(7) را آزاد کردند به زیارت امام حسین(7) رفتید از طرف بنده زیارت نمایید که آرزوی بنده هم زیارت کربلا بود که بروم قبر شش گوشه امام حسین(7) [را] در بغل بگیرم برای او گریه کنم و بگویم که ما از آن امت نیستیم که تو را تنها گذاشتند. 4- از پدرم می‌خواهم که بنده مقداری پول مبلغ به 20000 ریال معادل

1- در اصل وصیت «او».

2- در اصل وصیت «داشتم».

3- در اصل وصیت «العمل».

4- در اصل وصیت «به‌پوشانید».

5- در اصل وصیت «باشید».

6- در اصل وصیت «گردند».

7- ر. ک. تعلیقات.

8- ر. ک. تعلیقات.

9- ر. ک. تعلیقات.

دو هزار تومان در تضمین علی بصیری دارم مبلغ 1000 تومان آن را به خود آنها بدهید و مبلغ 1000 تومان [باقیمانده] و مبلغ 100 تومان در بانک ملی دارم تحویل گرفته به حساب جنگ‌زدگان و به فقیران بدهید و به غیر از اینها از کسی هیچ چیزی نمی‌خواهم و به کسی بدهی ندارم. 5- از برادران و خواهران اهل اردبیل و روستای نقدی‌علیا مشکین‌شهر می‌خواهم همیشه در نمازهایتان امام را دعا کنید و از خداوند بخواهید که قلب امام امت تا ظهور حضرت عصر(عج) سلامت بوده باشد همیشه در نماز جماعت و نماز جمعه و دعای کمیل و دعای توسل شرکت کنید و به فکر مادّیات نباشید، 6- از برادران اعضای انجمن اسلامی و پایگاه مقاومت محله امام خمینی اردبیل و هسته مقاومت شهید محمد عالمی نقدی‌علیا می‌خواهم که اخلاق اسلامی داشته باشید و با مردم با اخلاق اسلامی رفتار کنید که مردم اسلام از شما می‌خواهد. 7- از پدرم و مادرم می‌خواهم از اینکه برای بنده جشن عروسی نگرفتی ناراحت نباشید مگر از علی‌اکبر(**7**) و جوان قاسم(**7**) عزیزتر هستم که برای آنها جشن عروسی نگرفتند و دیدیم که لیلا[1] و نو[2] عروس قاسم(**7**) چقدر صبر و شکیبایی داشت و شما هم صبر شکیبایی داشته باشید.

در پایان از خداوند می‌خواهم که امام امت [را] تا ظهور حضرت عصر(عج) سلامت بدارد، خدایا به مجروحین جنگی شفا عنایت فرماید، خداوند به بازماندگان صبر و شکیبایی عنایت فرماید، خدایا گناهان ما را ببخش و به ما توفیق بده که بیشتر خدا را عبادت[3] کنیم، خدایا امام زمان(عج) از ما راضی بگردان. خدایا ظهور امام زمان(عج) [را] هرچه زودتر نصیب این امت بگردان[4]، خداوند رزمندگان اسلام را در سرتاسر جهان به خصوص در ایران صحت و سلامت بدار، خداوند درجه شهدا عالی است عالیتر بگردان[5].

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

1- ر. ک. تعلیقات. ذیل «ام لیلا».

2- در اصل وصیت «نور».

3- در اصل وصیت «عبارت».

4- در اصل وصیت «به‌گردان».

5-در اصل وصیت «به‌گردان».

از عمرما بکاه[1] و بر عمر رهبر افزای. از صحنه روزگار منافقین را بردار. رزمندگان ما را پیروزشان بگردان[2]. به مجروحین جنگی شفا عنایت فرما. زیارت کربلا نصیب ما بگردان[3]. صدام و لشکرش را نابودشان بگردان[4]. اسلام و لشکرش را پیروزشان بگردان[5]. اسیران جنگی را آزادشان بگردان[6].

«والسلام»

به امید پیروزی رزمندگان اسلام، به امید زیارت قبر شش گوشه امام حسین(**7**) در کربلا، و به امید برافراشته شدن پرچم اسلام در سرتاسر جهان.

فرزند- برادر شماها- میرناصر علوی

1361/12/26

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «به کاهو».
2- در اصل وصیت «به‌گردان».
3- در اصل وصیت «به‌گردان».
4- در اصل وصیت «به‌گردان».
5- در اصل وصیت «به‌گردان».
6- در اصل وصیت «به‌گردان».

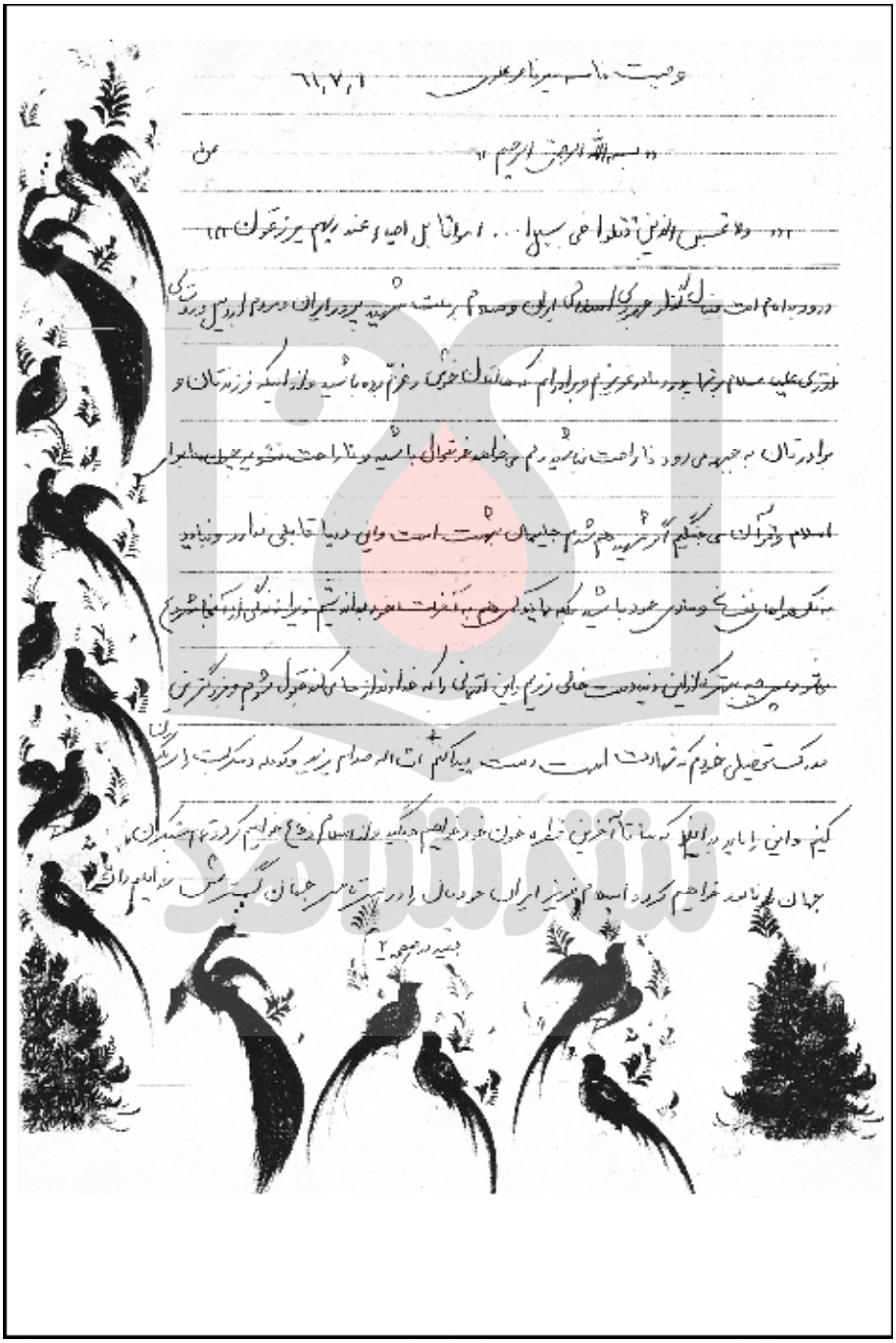

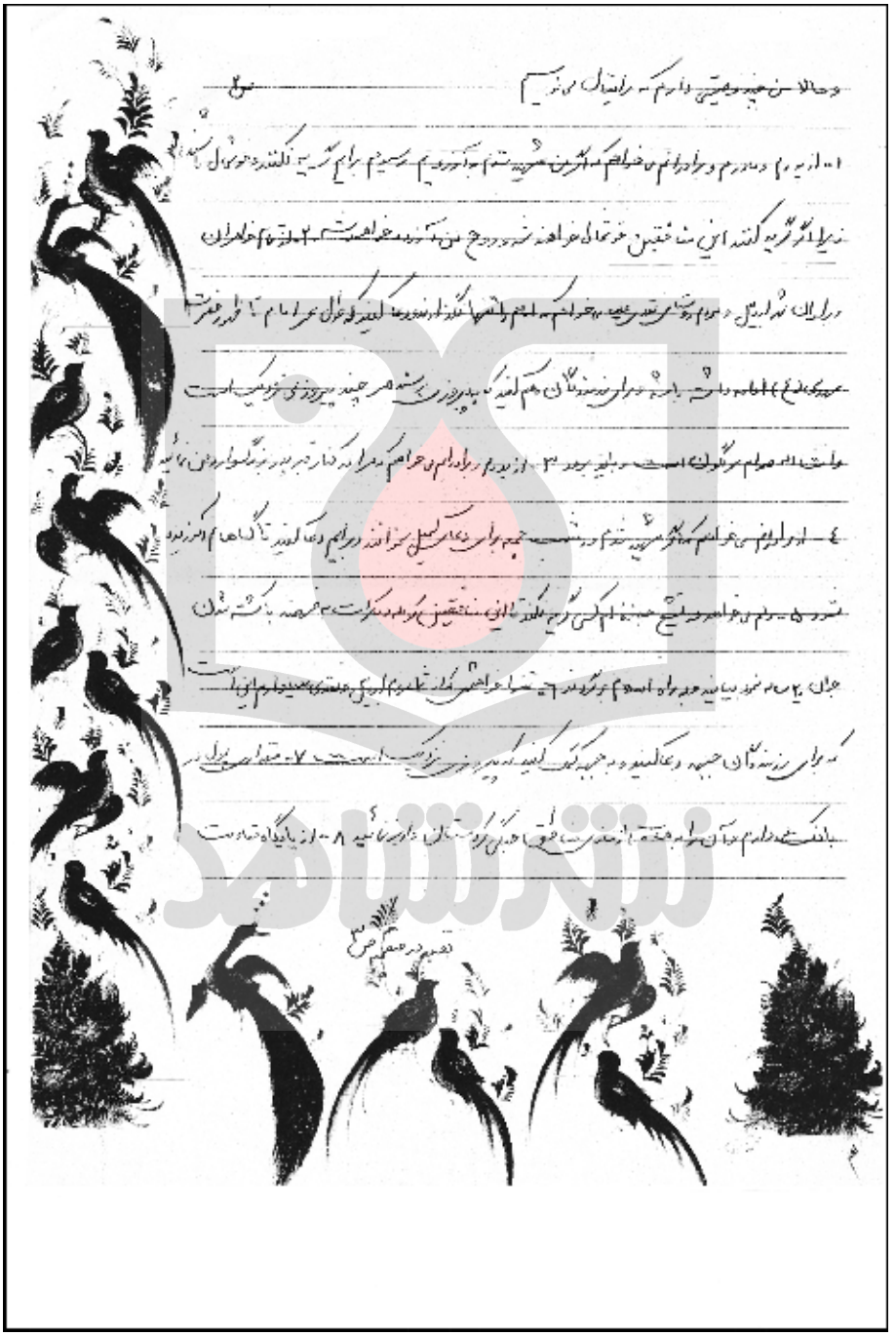

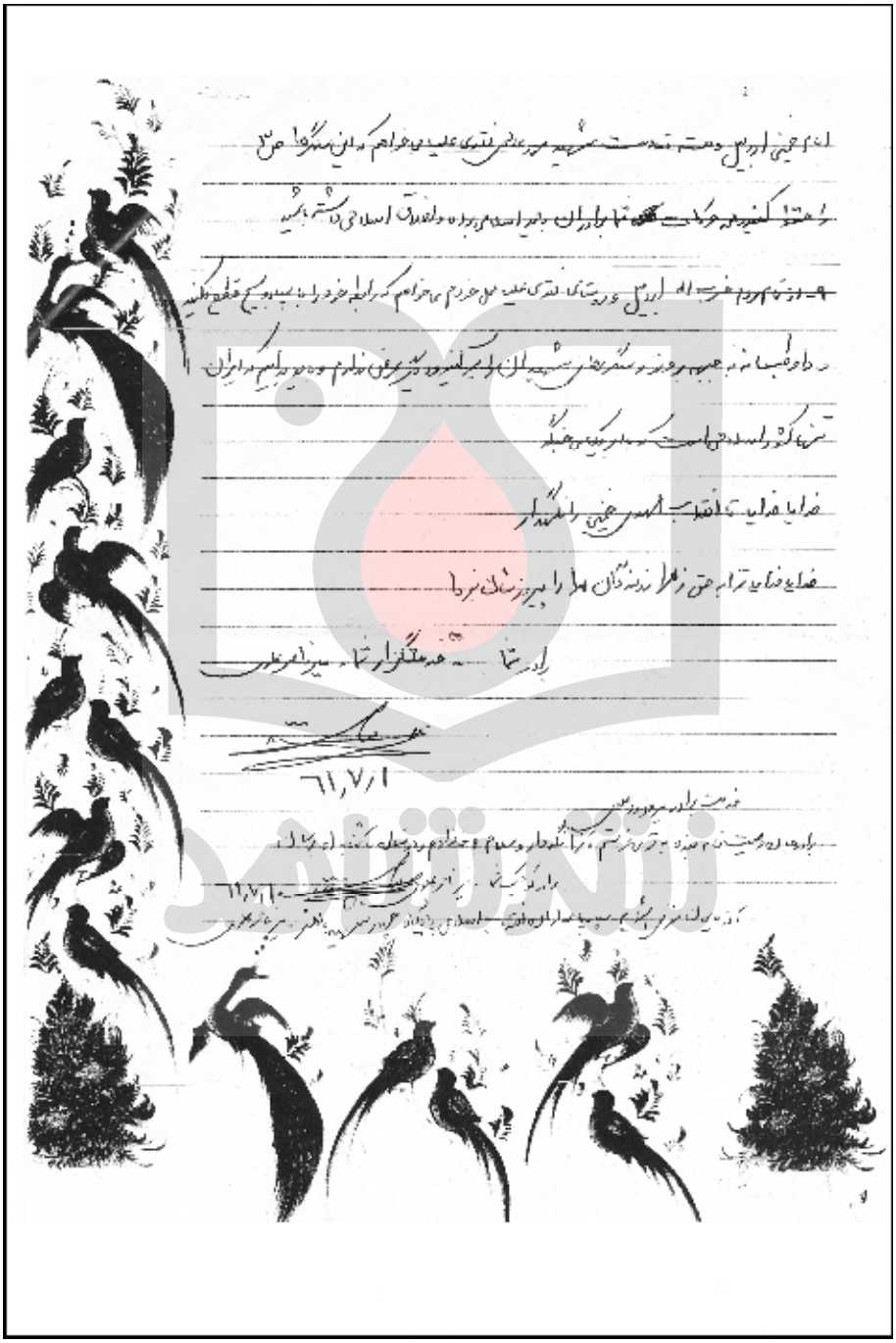

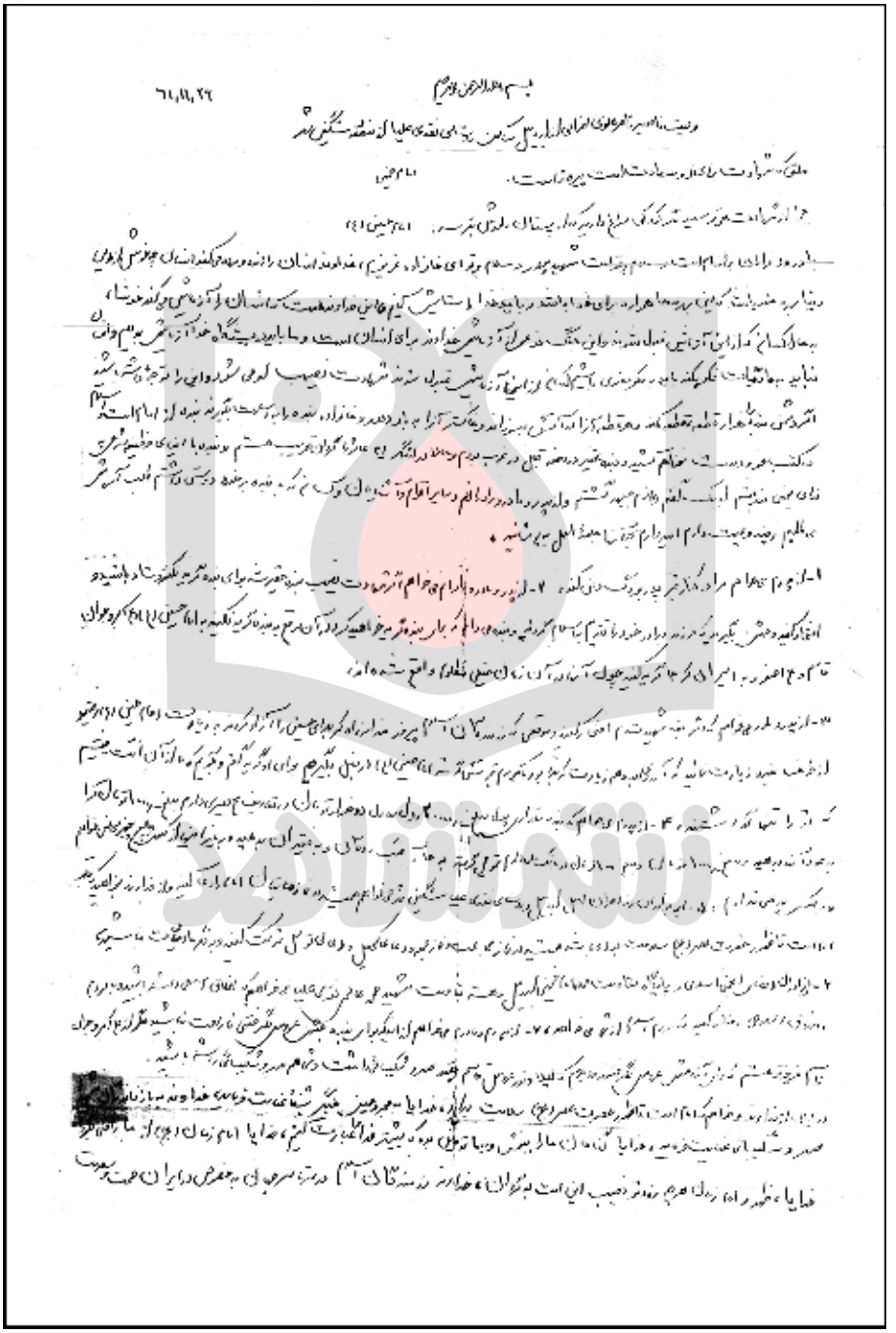

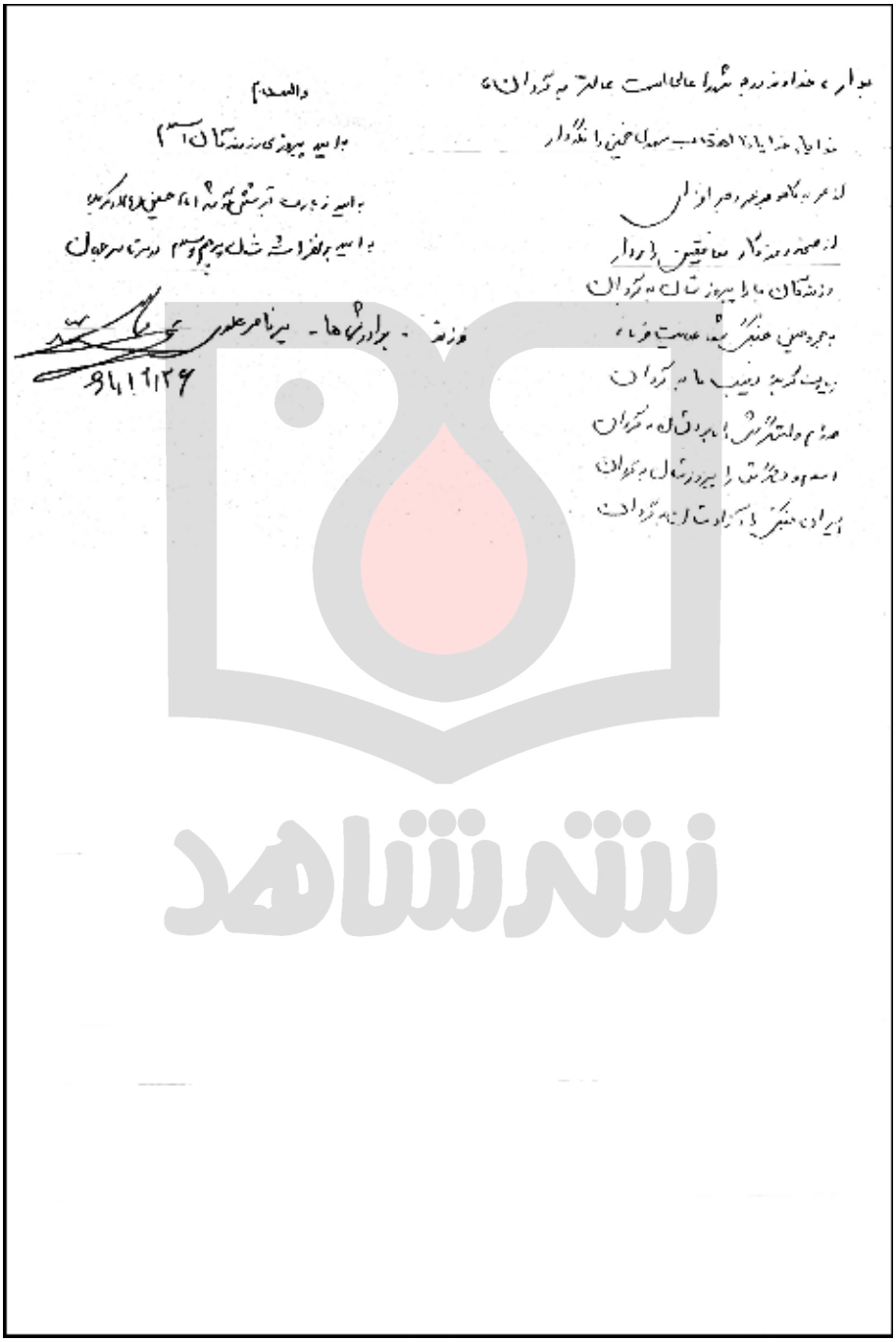

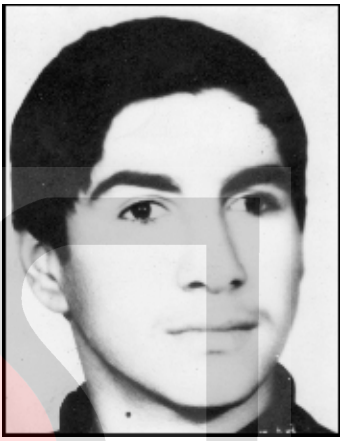

نام: **سیدعلی‌اصغر**
نام خانوادگی: **علوی‌مجدر**
نام پدر: **سعید**
نام مادر: **حبیبه**
تاریخ تولد: **یکم خرداد 1345**
محل تولد: **قم**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم فروردین 1362**
محل شهادت: **چزابه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار شهدای علی‌آباد اردبیل**

عبارت‌های کلیدی

- خداوندا مرا ببخش که نتوانسته‌ام تا به حال کار نیکی نسبت به تو و برای تو انجام دهم، امیدوارم که جهاد در راه تو برای اولین بار کار خوبی و عمل نیکی نسبت به تو باشد.
- پروردگارا شکر می‌کنم که مرا از حزب‌الله قرار داده‌ای و رستگارم کردی.
- من از مال دنیا چیزی ندارم و تنها جان من که، بخشیدم به صاحبش.
- در شهادت من فخر کنید و من نیز افتخار می‌کنم که چنین پدر و مادری دارم.
- پیامی که به تمام همشهریان و دوستان خود دارم این است که ادامه‌دهندهٔ راه شهدا باشند و مانند حزب‌الله رهرو راه ولایت فقیه باشند.
- در ادامه راه شهدا بسیار کوشا باشید.
- پیامی که به دانش‌آموزان خود دارم این است که مانند دیگر برادران و خواهران ادامه‌دهندهٔ شهدا باشند به هیچ وجهی امام را تنها نگذارند.
- ای متفکران آینده ایران، ای دانشمندان آینده ایران سنگرهای خود را حفظ کنید.
- با سلاحتان یعنی قلمهایتان کمر این دشمنان کشور اسلامی را بشکنید.
- ای دبیران محترم، در امر پرورش این محصلین حزب‌الله بکوشید.

سیدعلی‌اصغر علوی‌مجدر[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاةَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِیزُ الْغَفُورُ»[2].

خداوندا، از اینکه بار دیگر مرا در آزمایش سخت قرار داده‌ای به درگاهت شکر گزارم[3] و از تو می‌خواهم که مرا از آن سربلند و پیروز و روسپید بیرون بیاوری.

درود به حضرت ولی‌عصر(عج) و نایب برحقش امام خمینی و درود بر حزب‌الله که از 15 خرداد تا کنون یار و مددکار امام خمینی هستند و بوده‌اند و درود بر تمامی شهیدان راه الله.

پروردگارا، از اینکه ایمان مرا نسبت به خود زیاد فرمودی تا بتوانم در این جنگ تحمیلی شرکت کنم و سهمی در این عمل داشته باشم، شکر گزارم[4]. خداوندا مرا ببخش که نتوانسته‌ام تا به حال کار نیکی نسبت به تو و برای تو انجام دهم. امیدوارم که جهاد در راه تو برای اولین بار کار خوبی و عمل نیکی نسبت به تو باشد.

پروردگارا، مرا ببخش که تمام عمرم را با گناه به سر رسانده‌ام. اکنون به سویت روی آورده‌ام و از تو می‌خواهم که مرا بیامرزی. پروردگارا پاکم کن از گناه. پروردگارا شکر می‌کنم که مرا از حزب‌الله قرار داده‌ای و رستگارم کردی. که همانا حزب‌الله همیشه پیروز است.

شاید امشب آخرین شب باشد که در این جا می‌گذرانم و من وصیت می‌کنم: من از مال دنیا چیزی ندارم و تنها جان من که، بخشیدم به صاحبش. پیام من به پدر و مادرم این است

1- در اصل وصیت نوشته شده «61/11/17- 17/ یازده/ شصت‌ویک- علی‌اصغر علوی».

2- ملک/ 2. ترجمه: «همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده».

3- در اصل وصیت «شکر گذارم».

4- در اصل وصیت «شکر گزارم».

که در هر حال صبور باشند، و در شهادت من گریه نکنند[1] و سیاه نپوشند چون دشمنان ما از آن استفاده می‌کنند[2] و در نتیجه خوشحال خواهد شد و کار شما این است که جلوی خوشحالی دشمن را بگیرید.

پدر و مادر بزرگوارم مرا حلال کنید. اعمال ناروا و زشتی نسبت به شما انجام داده‌ام، این گناهان و اعمال زشتم را ببخشید. ما در این حملهٔ سرتاسری انشاءالله به [شهادت می‌رسیم][3] پس ،پس از شهادت من بروی[4] قبرم پرچم سرخ اباعبدالله‌الحسین(**7**) را که روی آن یا حسین مظلوم(**7**) نوشته شده است نصب[5] کنید و با این کارتان به دشمنانتان ثابت کنید که ما نیز زینب زمان هستیم و راه سرخ شهدا را ادامه خواهیم داد. در شهادت من فخر کنید و من نیز افتخار می‌کنم که چنین پدر و مادری دارم. پیامی که به خواهران و برادران خود دارم این است که ادامه‌دهندگان راه شهیدان باشید. و به این دشمنان کافر و این منافقان[6] ثابت کنید که واقعاً حزب‌الله هستید و می‌توانید به دهن این یاوه‌گویان منافق بزنید که شما هیچ غلطی نمی‌توانید بکنید. پیامی که به تمام همشهریان و دوستان خود دارم این است که ادامه‌دهندهٔ راه شهدا باشند و مانند حزب‌الله رهرو[7] راه ولایت فقیه باشند و امام را به هیچ‌گونه رها نکند و همیشه پیش‌مرگ امام باشند، ای برادران و خواهران گرامی در ادامهٔ راه شهدا بسیار کوشا باشید که این اینها هم با عمل به کارهایتان امکانپذیر خواهد بود.

«والسلام علیکم و الرحمة الله و برکاته»

درود بر شما ای آینده سازان ایران و درود بر شما مربیان [و] آینده سازان.

1- در اصل وصیت «می‌کند».
2- ر. ک. تعلیقات.
3- در اصل وصیت «شهادت می‌رسیم» از قلم افتاده است.
4- در اصل وصیت «روی سر».
5- در اصل وصیت «نسب».
6- ر. ک. تعلیقات.
7- در اصل وصیت «راهروی».

پیامی که به دانش‌آموزان خود دارم این است که مانند دیگر برادران و خواهران ادامه‌دهندهٔ شهدا باشند به هیچ وجهی امام را تنها نگذارند اینها هستند که آیندهٔ ایران عزیز و اسلامی را می‌سازند آینده ایران به دست این دانش‌آموزان عزیز است که کنترل خواهد شد. پس ای دانش‌آموزان عزیز، ای متفکران آینده ایران، ای دانشمندان آینده ایران سنگرهای خود را حفظ کنید. و با سلاحتان یعنی با قلمهایتان کمر این دشمنان کشور اسلامی را بشکنید. اگر شما یک کلمه به نفع اسلام و ضد این ابرقدرتها چیزی بنویسید بهتر از این است که مانند ما در این جبهه جنگ کنید. باز از شما می‌خواهم که این سنگرها را حفظ کنید. مدارس را ترک نکنید. درست است که ما درس را دور انداختیم و به جبهه آمدیم ولی شما در پشت جبهه بمانید و چراغ اسلام را برای آیندگان این جهان روشن نگه دارید.

و شما ای دبیران محترم، در امر پرورش این محصلین حزب‌الله بکوشید. و آنها را طوری پرورش دهید که مفید برای اسلام واقع شوند نه اینکه مضّر.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

دعا گوی امام باشید و حمایت‌کنندگان از ولایت فقیه باشید.

به امید پیروزی و آزاد کردن کربلا.

برادر و دوستدار شما علی‌اصغر علوی

61/11/17

«و السلام علیکم و رحمةالله و برکاته»

چند روز قبل از شب حمله هفده /یازده /شصت‌ویک

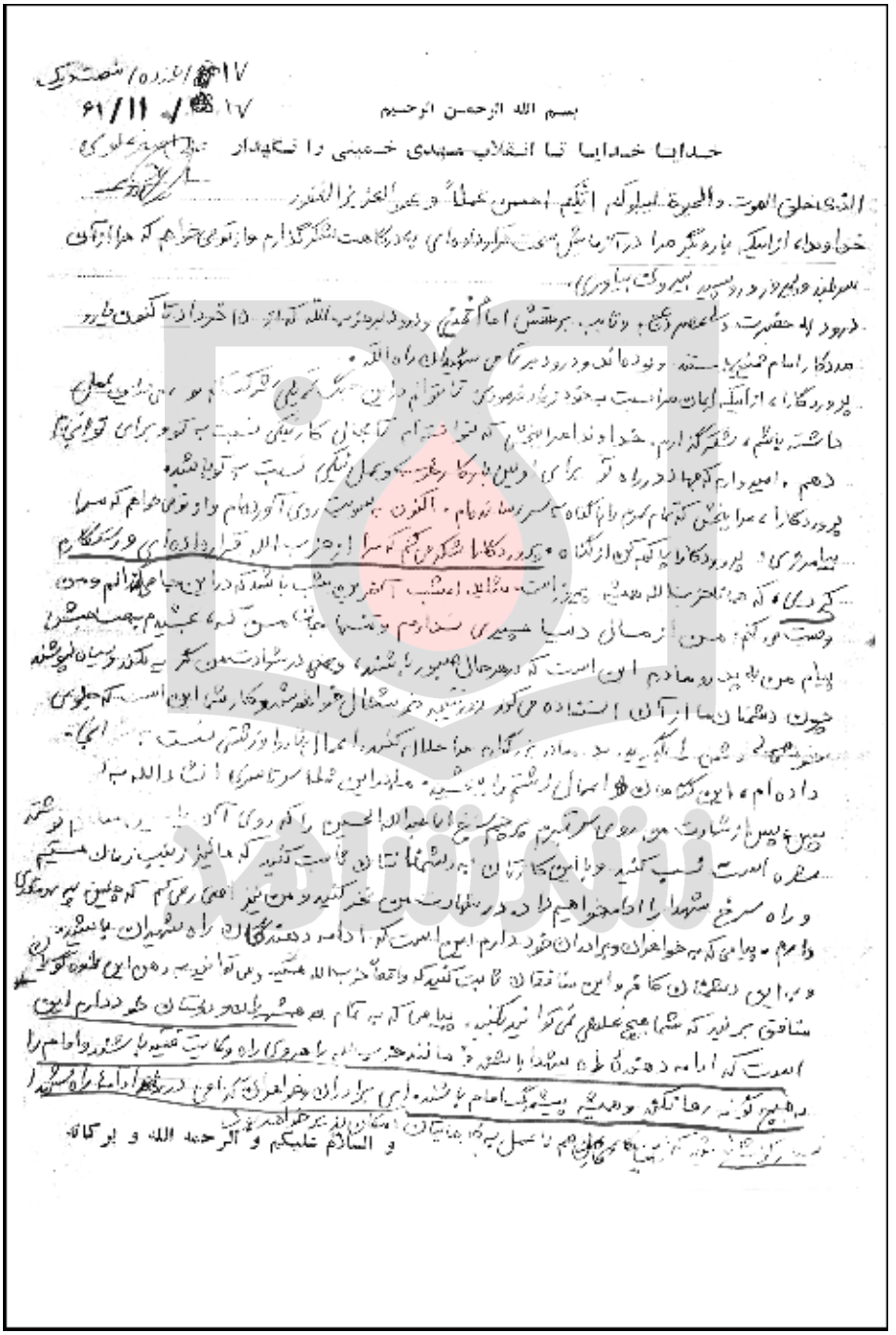

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملاً و هو العزیز الغفور

خداوندا، ازاینکه بار دیگر مرا در آزمایش بسیار دشوار دیگری یاری نمودی شکرگذارم و از تو می‌خواهم که مرا از آن سربلند و پیروز و سپید بیرون بیاوری.

درود بر حضرت ولی‌عصر (عج) و نائب برحقش امام خمینی و درود بر رزمندگان اسلام که از خرداد تاکنون مردانه با دشمن جنگیده و خون‌های پاک خود را نثار اسلام و انقلاب نموده‌اند و درود بر تمامی شهیدان راه الله.

پروردگارا، از آنجایی که ایمان مرا نسبت به خودت زیاد نمودی تا توانم در این جنگ تحمیلی شرکت کنم و من نیز عمل داشته باشم و شرمنده نباشم. خداوندا اعترافم این است که توانایی کارهای بسیار بزرگ نسبت به تو برایم آسان است.

دهم، امیدوارم که بتوانم در راه تو برای دین و مکتب و رهبر و امت اسلام قدمی بردارم و از تو خواهانم که مرا در این راه یاری نمائی.

پروردگارا، مرا بیامرز که تمام عمرم را با گناه سپری نموده‌ام. اکنون به سوی تو روی آورده‌ام و از تو می‌خواهم که مرا ببخشی و از گناهانم درگذری.

پروردگارا، پاکم کن از گناه. پروردگارا شکرگزار کسی که مرا از حزب‌الله قرار داده‌ای و شرمنده‌ام که در این جایگاه قرار گرفته‌ام.

وصیت می‌کنم من از سال دشمن تنها هستم و تنها می‌جنگیدم بعضی شبها

پیام من به برادرانم این است که همچنان صبور باشند و همچون شهدا مقاوم و در شهادت من کمر به انتقام خون شهید بندند و چون دشمنان ما از آن استفاده می‌کنند در تشییع جنازه شهدا شرکت نکنند و این است که چون

داده‌ام، این کار را انجام دهند و از شهادت نترسند و بدانند این عمل سرتاسری از دین و الله و

پس از شهادت من دو سه نفر بیایند و عکس امام را که در دست دارم بگیرند و در مقابل دوربین قرار گیرند و بگویند که ما پیرو راه این شهید هستیم و راه او را ادامه می‌دهیم و از شهادت نترسید و من نیز همین‌گونه که خون به پیکرم

و راه سرخ شهدا را ادامه خواهیم داد و در شهادت من خیر کنید و من نیز همین‌گونه که خون به پیکرم

دارم، پیامی که به خواهران و برادران خود دارم این است که ادامه دهندگان راه شهیدان باشید و

و بدانید دشمن از کار ما این سان وحشت دارد که با ما این‌گونه برخورد می‌کند و با ما این‌گونه

شقاوت می‌ورزد که شما هیچ غفلتی نکنید. پیام آخر من به همه شما این است که همیشه یاد خدا را در قلب خود داشته باشید و از خدا بخواهید که شما را در راه خود ثابت‌قدم بدارد و از خدا بخواهید که ما را در راه خود شهید بپذیرد و از خدا بخواهید که ما را در راه خود شهید بپذیرد و از خدا بخواهید که ما را در راه خود شهید بپذیر

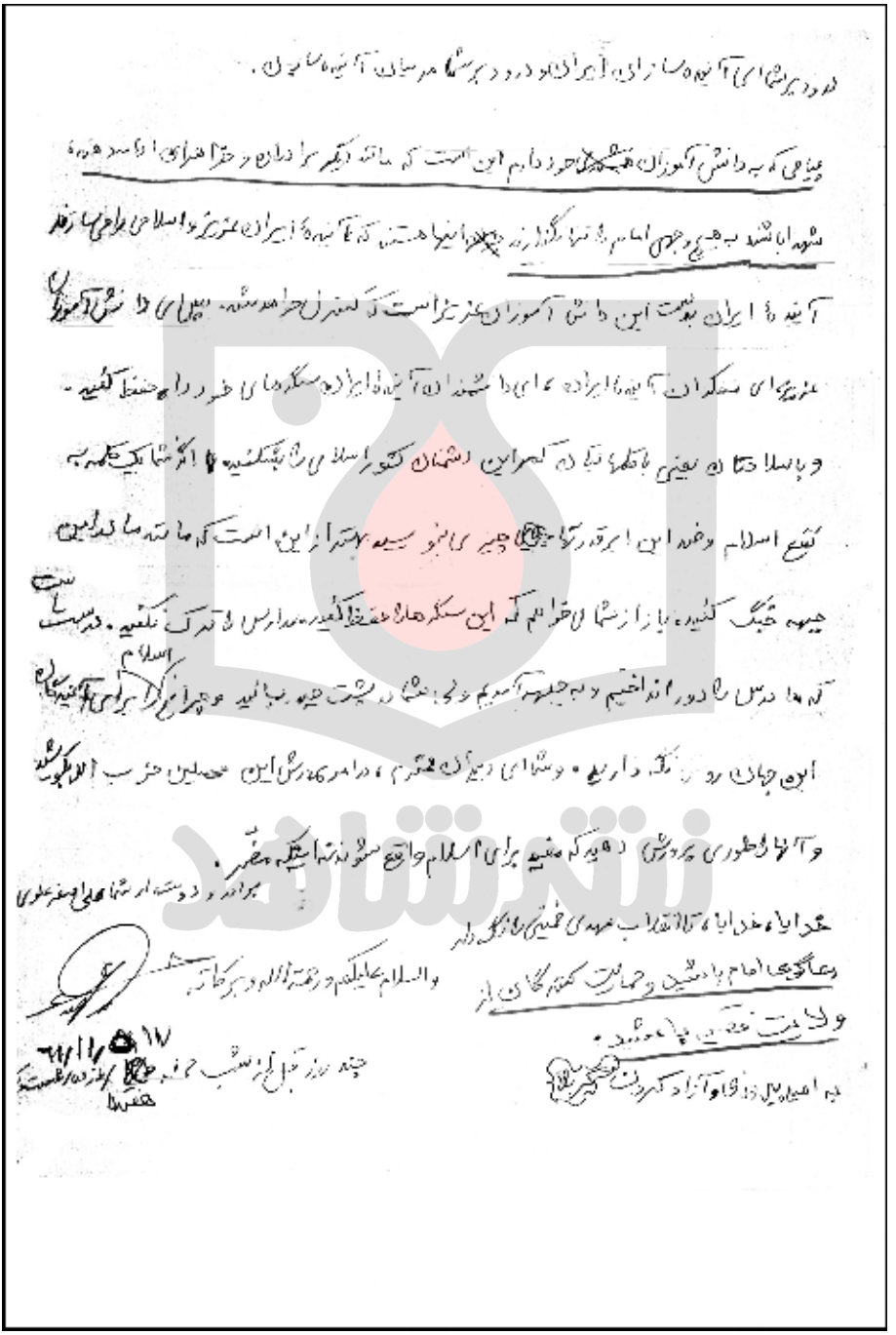

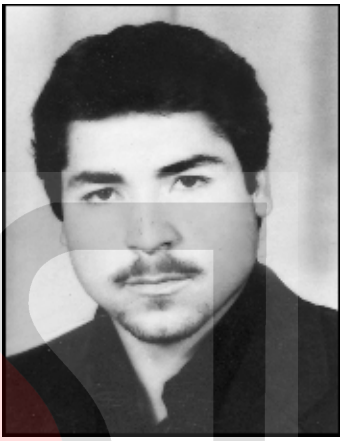

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **علی‌اوغلی**
نام پدر: **محمدتقی**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **یکم خرداد** 1347
محل تولد: **روستای میرکندی از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سپاس و ستایش خداوندی را که ما را در ایران اسلامی زندگی بخشید و رهبری بزرگ به عطا فرمود.
- من به فرمان آن لبیک گفته و رو به سوی جبهه حق علیه باطل گذاشتم.
- خداوندا من گناهان بسیار کرده‌ام و آرزوی آن را دارم که تو از گناهانم درگذری چون تو بخشنده و مهربانی.
- پدر و مادر عزیزم که زحمت زیادی برای بزرگ کردن من کشیده‌اید افتخار کنید فرزندتان را برای حفظ اسلام و انقلاب اسلامی و حاکمیت دین خداوند در جهان رهسپار میدان نبرد کردید.
- این انقلاب ادامهٔ انقلاب و نهضت آقا اباعبدالله‌الحسین(**7**) است.

احمد علی‌اوغلی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[2].

«و گمان مبرید آنهایی که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند بلکه نزد خدایشان روزی می‌طلبند». (قرآن کریم)

سپاس و ستایش خداوندی را که ما را در ایران اسلامی زندگی بخشید و رهبری بزرگ به ما عطا فرمود تا از گمراهی و جهل نجاتمان دهد و در مسیر اسلام به حرکت درآورد. و من به فرمان آن لبیک گفته و رو به سوی جبهه حق علیه باطل گذاشتم تا از این انقلاب اسلامی دفاع کنم. خداوندا من گناهان بسیار کرده‌ام و آرزوی آن را دارم که تو ازگناهانم درگذری چون تو بخشنده و مهربانی و بندگان گنهکاری که به سوی تو بیایند هرگز از خودت دور نمی‌گردانی. خداوندا نمی‌دانم چگونه به این انقلاب و اسلام خدمت کنم و تنها راهی که یافتم آمدن به جبهه و دفاع از آیین مقدس اسلام بود. خداوند تو شاهد باش که من به خاطر تو از پدر و مادر و برادران خود دور شدم و چشم و امیدم به رحمت توست چرا که کسانی که در راه تو قدم می‌گذارند پاداش نیک دریافت خواهند کرد.

پدر و مادرم امیدوارم اگر در راه اسلام به شهادت رسیدم ناراحت نشوید و همان‌گونه که مرا برای خدمت به اسلام راهنمایی کردید برادران دیگر را نیز به پیروی از راه شهدا ترغیب کنید.

پدر و مادر عزیزم که زحمت زیادی برای بزرگ کردن من کشیده‌اید افتخار کنید فرزندتان را برای حفظ اسلام و انقلاب اسلامی و حاکمیت دین خداوند در جهان رهسپار میدان نبرد کردید چرا که این انقلاب ادامهٔ انقلاب و نهضت آقا اباعبدالله‌الحسین(**7**) است.

1- در اصل وصیت «وصیت‌نامه برادر احمد علی اوغلی».

2- آل‌عمران/ 169.

و کسی که عاشق حسین(7) است عاشق علی‌اکبر[1](7) حسین(7) و عاشق قاسم[2](7) نیز هستند[3] دیگر جایی را در این دنیا ندارد وباید راه آنان [را] ادامه دهد و به سوی آنان پرواز کنند.

خوشا آنان که با عشق حسینی شهادت را پذیرفتند و رفتند
به هنگام شهادت به جای گریه خندیدند و رفتند

پس ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی(7) در محراب عبادت به شهادت رسید و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر(7) حسین(7) در راه حسین(7) با هدف شهید شد.

برادرانم، امیدوارم در مسیر اسلام همان‌گونه که حرکت کرده‌اید، حرکت کنید و شما خوب می‌دانید همه ما در این دنیا مسافریم و باید به جایگاه ابدیمان برویم پس خوشا به حال کسانی که روسفید در برابر خدای خویش ایستاده باشد.

خواهرانم زینب‌وار اسلام را یاری کنید و بعد از شهادت من طلب بیشتری برای آمرزش من از درگاه خداوندی بکنید. و با حفظ حجاب خود پاسدار خون شهدا باشید و در تمام کارها خداوند متعال را در نظر بگیرید.

ای امت شهیدپرور به ندای امام امت لبیک گویید و از فرامین آن پیروی نمایید چرا که تنها کسی که می‌تواند انقلاب رهبری نماید ایشان هستند و [در] نمازهای خود امام را دعا کنید.

1- ر. ک. تعلیقات.

2- ر. ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «است.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

کنند شب را به خون با خنجر نور — به پا خیزد همی با رهبر نور
چو شیری بر سپاه خصم تازد — بسیجی عاشقی از سنگر نور[1]

با سلام به شکوفه‌های خونین که لاله‌های معشوق را آبیاری می‌کنند و نیز بر عاشقانی که سعادت را بر شقاوت ترجیح می‌دهند به [عرض] مادر عزیزم می‌رسانم که ای قهرمان‌پرور امروز فرزند دلیر تو در جبهه نور علیه باطل با لباس عشق شربت شهادت را می‌نوشد و نیز به دنبال آن این پیام را به شما می‌رساند.

پدر و مادر جان با آنهایی که من رفت و آمد دارم از آنجا عفو و بخشش مرا بخواهید. و گفتار با همسرم:

من از تو طلب آمرزش می‌خواهم و بعد از شهادت من هیچ‌گونه ناراحت نباشید و پیش دشمنان اسلام خودتان را آزار ندهید و همیشه شجاع مانند یک زن مجاهد استوار و شکیبا باشید و اگر بعد از من بچه‌ای به دنیا آمد اگر او پسر بچه‌ای به نام فرزند شهید شد نام او را قاسم بخوانید که پدرش قربان حضرت قاسم(**7**) گردید و اگر دختر بود اسم آن را معصومه بگذارید. و مادر جان از طرف من به چشمهای ایشان که نوه شما می‌باشد بوسه بگیرید.

«والسلام علیکم و رحمةالله برکاته»

1- سراینده شعر مشخص نیست.

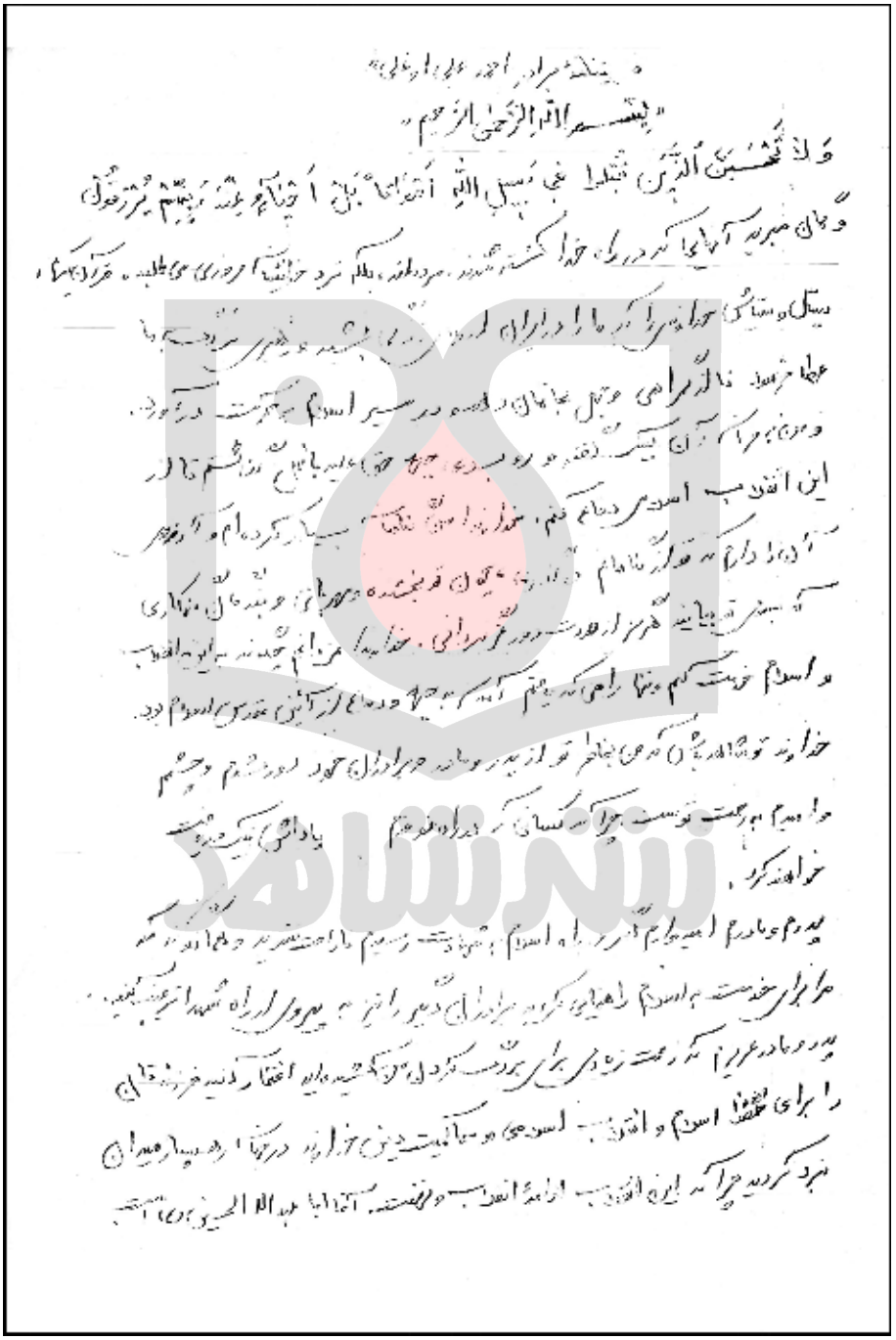

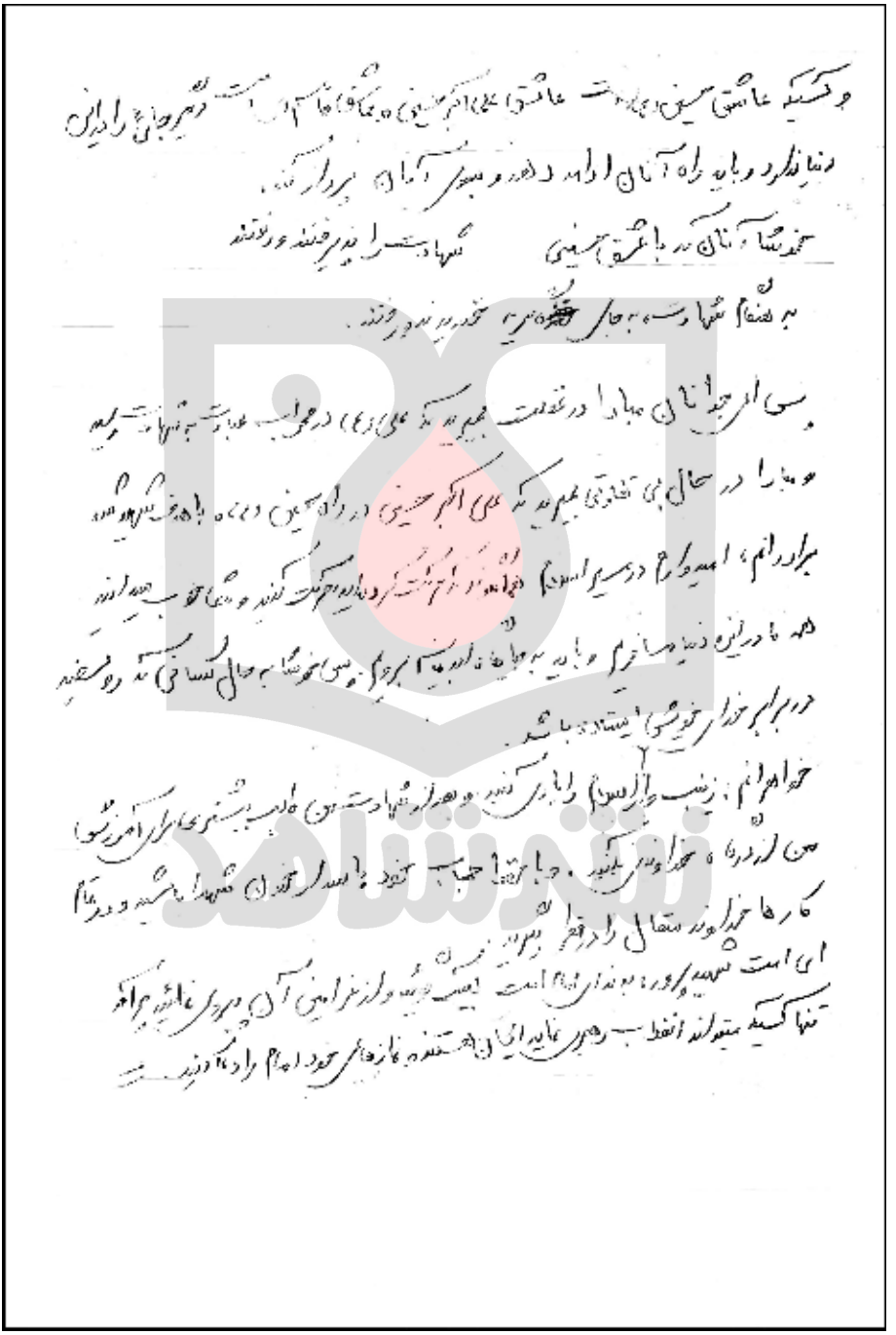

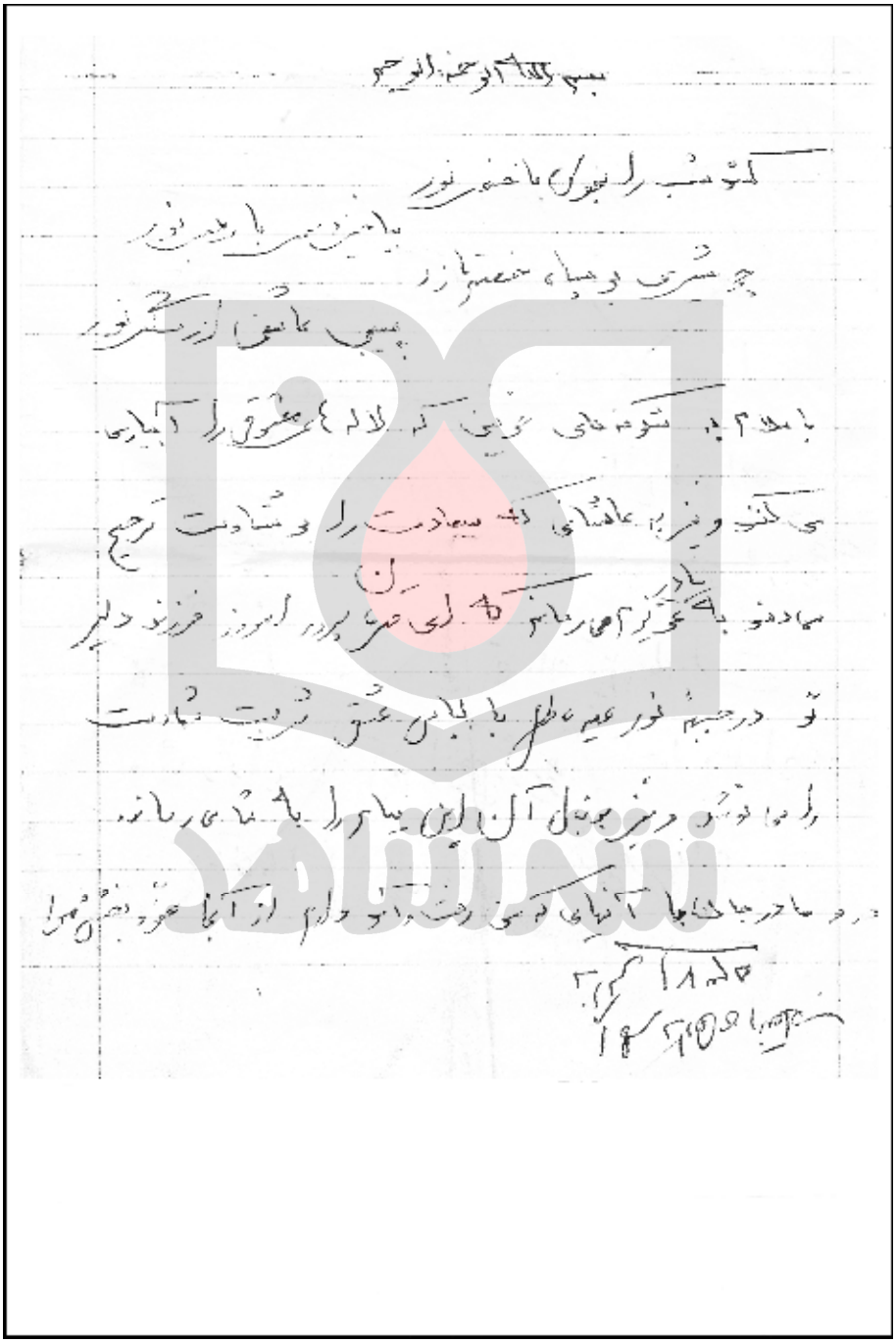

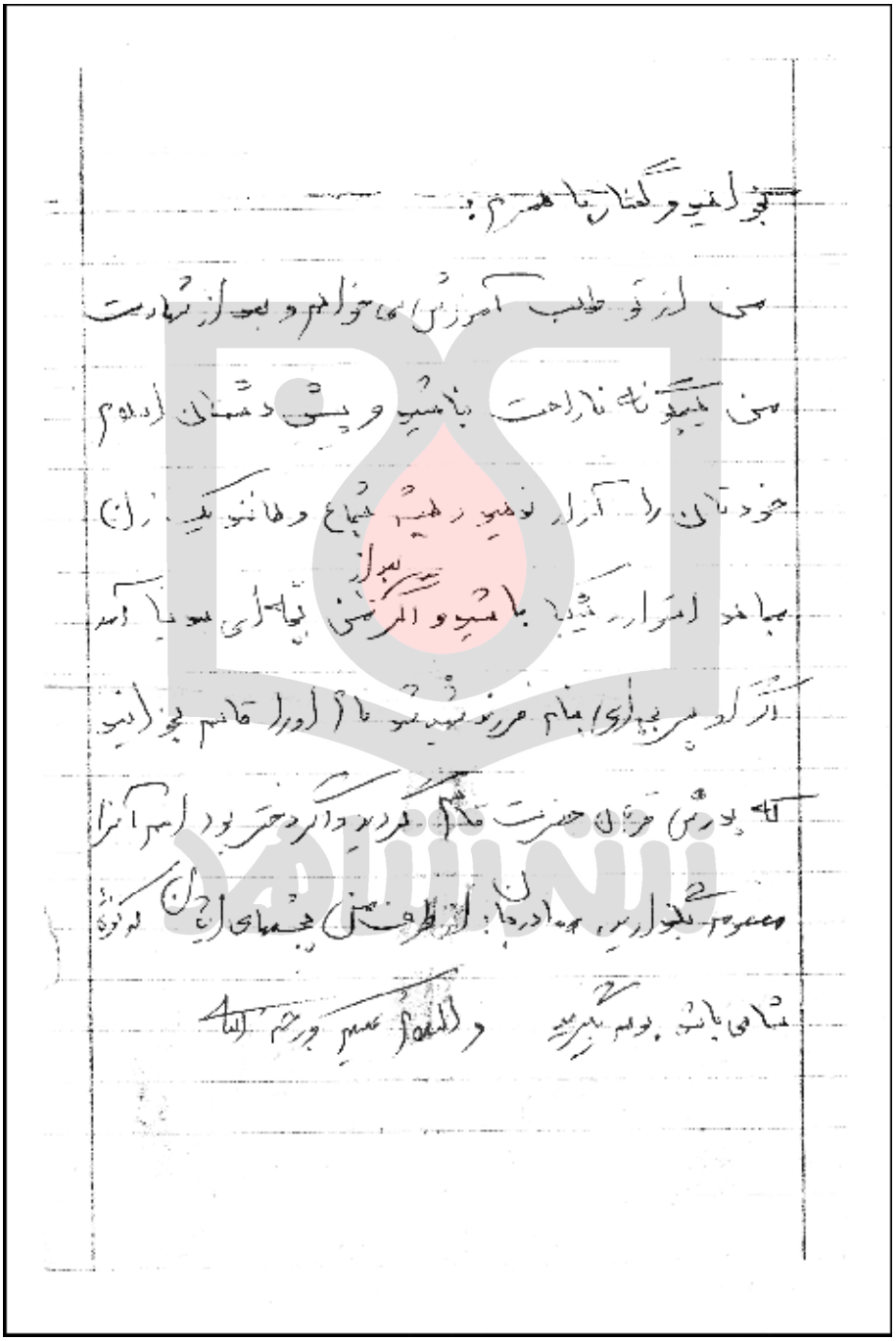

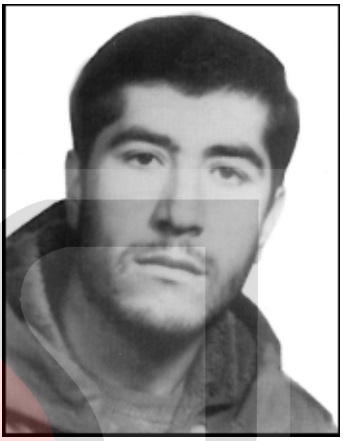

نام: **بصیر**
نام خانوادگی: **علی‌پور**
نام پدر: **تسلا**
نام مادر: **هاجر**
تاریخ تولد: **دهم آبان** 1346
محل تولد: **روستای خانقاه‌بفراجرد از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اگر خدا شما را یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید و اگر بخواری واگذارد آن کیست که بتواند از آن پس شما را یاری کند.
- بار الها به [ما] عنایت فرما تا در راه تو ثابت‌قدم مانده و در راه تو جهاد کنیم.
- ای ملت حزب‌الله ایران قدر این رهبر را بدانید که این نعمتی است که خداوند به شما و ما عنایت کرده.
- به پندهای پیامبرگونه ایشان گوش فرا دهید چون که حرف ایشان همان حرف قرآن است.
- جبهه‌ها را هم از یاد نبرید همیشه در فکر جبهه باشید و از جان خود و مال خود در مبارزه در راه خدا دریغ نکنید.
- حالا وظیفه شرعی است که به جبهه آمده‌ام و اگر در این راه شهید شدم امیدوارم که مرا حلال کنید.
- حاصل زحمت شما در راه خدا رفت امیدوارم که شهادت بنده مورد قبول خداوند بشود.

نشر شاهد

بصیر علی‌پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»[1].

«بار پروردگارا ما را به باطل میل مده پس از آن که به حق هدایت فرمودی و به ما از لطف خویش رحمتی عطا فرما [که تو خود بخشایشگری]».

«إِنْ یَنْصُرْکُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَکُمْ وَإِنْ یَخْذُلْکُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِی یَنْصُرُکُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»[2].

«اگر خدا شما را یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید و اگر به خواری واگذارد آن کیست که بتواند از آن پس شما را یاری کند و اهل ایمان تنها به خدا (قدرت و رحمت او) باید اعتماد کنند».

بار الها به [ما] عنایت فرما تا در راه تو ثابت‌قدم مانده و در راه تو جهاد کنیم و شهادت در راه خودت را به ما عنایت بفرما. با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی بت‌شکن قرن و تنها رهبر الهی که بر علیه تمام کفر جهانی و قدرتهای جنایتکار قیام کرده و مردم را نیز دعوت می‌کند و با درود به شهیدان اسلام از صدر تا کربلای حسینی و از کربلای حسینی تا کربلای[3] ایران و با سلام به رزمندگان اسلام.

ای ملت حزب‌الله ایران قدر این رهبر را بدانید که این نعمتی است که خداوند به شما [و] ما عنایت کرده و باید قدر این را بدانیم تا بتوانیم با رهبری ایشان اسلام را به تمام جهان صادر کرده و انقلاب اسلامی را به انقلاب جهانی مهدی(عج) متصل نماییم[4] انشاءالله و به حرفهای دلنشین رهبر گوش کرده و به پندهای پیامبرگونه ایشان گوش فرا دهید چون که حرف ایشان همان حرف قرآن است و روایت خلاصه از قرآن و روایت به شما پند می‌گوید و جبهه‌ها را هم از یاد نبرید همیشه در فکر جبهه باشید و از جان خود و مال خود در مبارزه در راه خدا دریغ نکنید تا می‌توانید به جبهه‌ها هجوم آورده و همیشه جبهه‌ها را

1- آل‌عمران/ 8.

2- آل‌عمران/ 160.

3- در اصل وصیت «کربلا».

4- در اصل وصیت «نمایید».

تقویت کنید و همچنین اگر این امکان وجود نداشته باشد در پشت جبهه کمک مالی نمایید.

سلام به پدر و مادرم ای والدین گرامی ای پدر عزیز می‌دانم که در تربیت بنده زحمت کشیده و آرزو[1] داشتی که روزی کمک کنم به شما ولی حالا وظیفه شرعی است که به جبهه آمده‌ام و اگر در این راه شهید شدم امیدوارم که مرا حلال کنید و از گناهان بنده که نسبت به شما کرده‌ام و [اگر] کارهای بدی کرده و باعث ناراحتی شما شده بگذری و بنده حقیر را مورد بخشش خود قرار دهید و خلاصه ای مادر گرامی شما هم باید از بنده راضی شوید و این فرزند[2] حقیرت را حلال کنید.

مادرم در نبودم احساس غم و ناراحتی نکنید چون که زحمت شما که برای بزرگ کردن بنده کرده، هدر نرفته و بلکه حاصل زحمت شما در راه خدا رفت. امیدوارم که شهادت بنده مورد قبول خداوند بشود و شما نیز روز قیامت در برابر حضرت زهرا(**3**) روسفید شوید انشاءالله.

و از طرف بنده از برادر[3] بزرگم حلالیت بخواهید[4] و از سایر افراد خانواده می‌خواهم که مرا حلال کنند باز از همسر مهربانم که مدتی کوتاه است با هم ازدواج کرده‌ایم[5] و اگر در این مدت از بنده اذیت و آزاری دیده‌اید حلال کنید و باز از تمام دوستان حلالی می‌خواهم در آخر از تمام کسانی که از بنده ناراحتی و اذیّت دیده‌اند حلالیّت می‌خواهم.

پدرجان از طرف بنده 500 پانصد تومان به مسجد و همان قدر به جبهه پرداخت نمایید و 100 هزار تومان هم به میرزآقا قرض دارم و به امیر سفارش کرده‌ام که از سپاه حقوقم را بگیرد و آن را پرداخت نماید اگر پرداخت نکرده باشد[6] حتماً پرداخت نمایید.

«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»

بصیر علی‌پور - 63/12/9

1- در اصل وصیت «آزو».
2- در اصل وصیت «فرزندت».
3- در اصل وصیت «برادرم».
4- در اصل وصیت «می‌خواهم».
5- در اصل وصیت «ازدواج کردام».
6- در اصل وصیت «کرده نباشد».

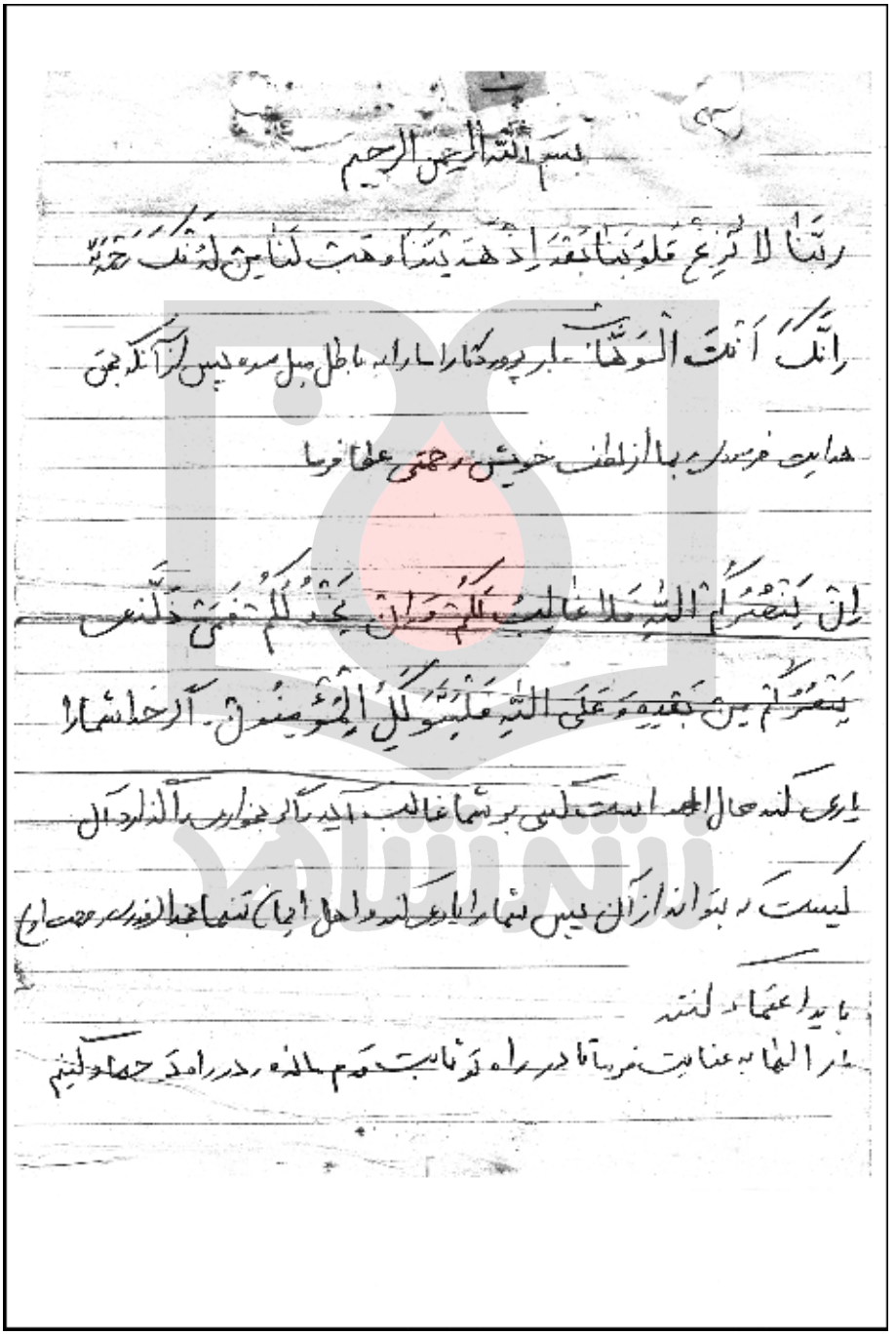

بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة
انک انت الوهاب. پروردگارا دلهای ما را پس از آنکه ما را
هدایت فرمودی به الطاف خویش رحمتی عطا فرما

ان ینصرکم الله فلا غالب لکم وان یخذلکم فمن ذا الذی
ینصرکم من بعده وعلی الله فلیتوکل المؤمنون. اگر خدا شما را
یاری کند هیچ کس بر شما غالب نخواهد آمد و اگر شما را واگذارد چه کسی
هست که بتواند از آن پس شما را یاری کند و اهل ایمان تنها خدا را
باید اعتماد کنند

خدایا ما به عنایت تو نیازمندیم و تو نسبت به همه ما دارای رحمت و لطفی

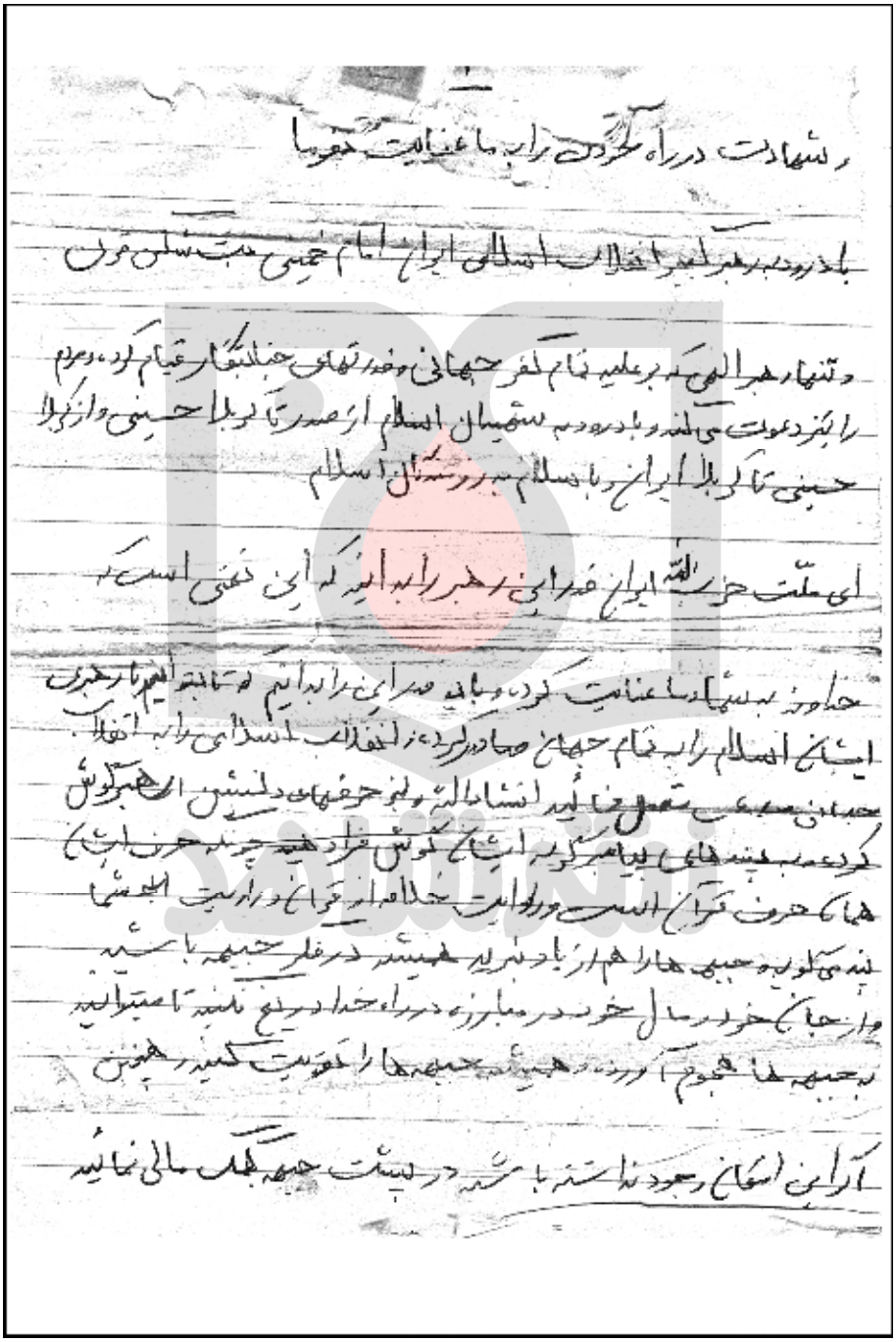

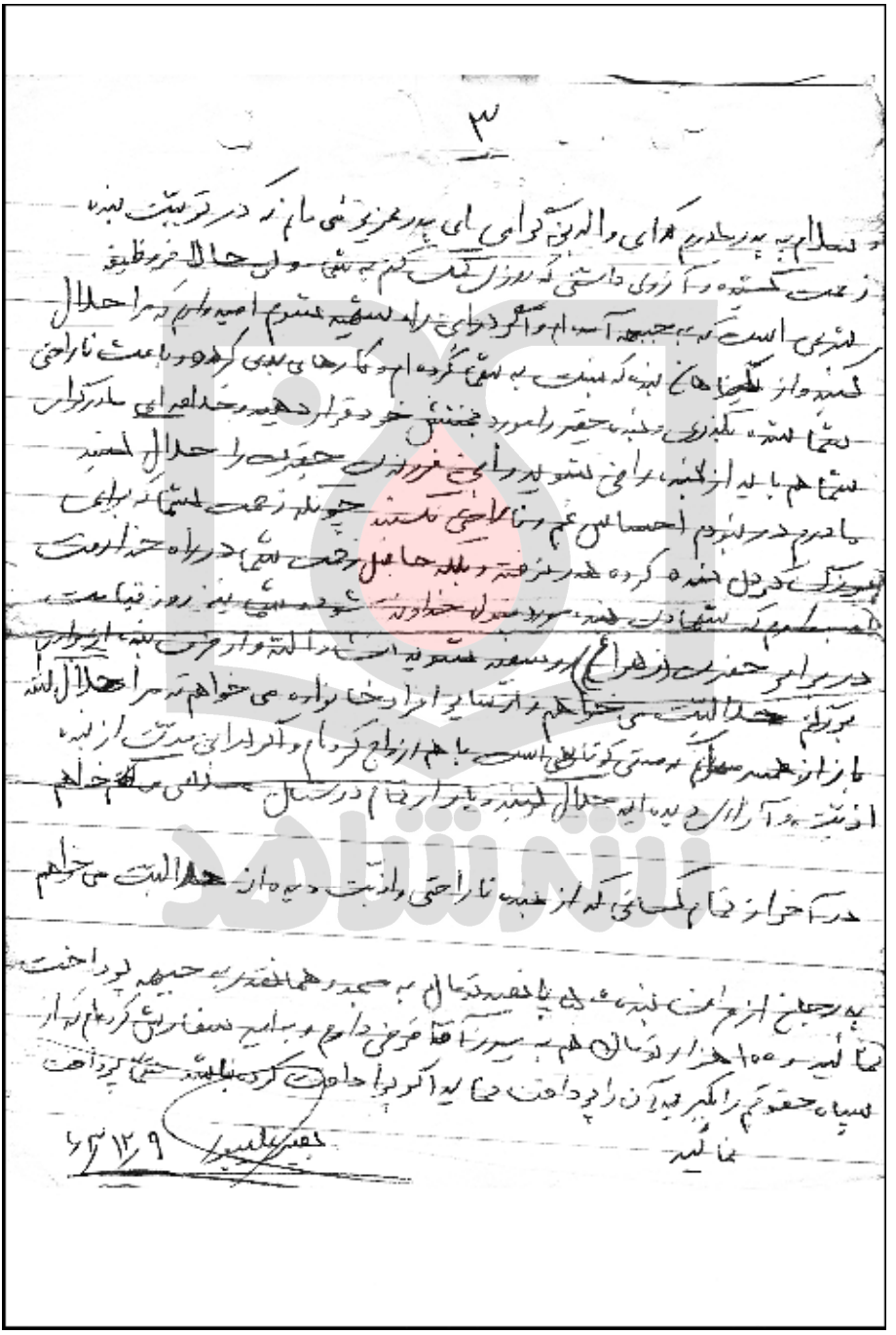

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **علی‌پور**
نام پدر: **قدرت**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **پنجم اسفند** 1312
محل تولد: **روستای میرکنـدی از توابـع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم بهمن** 1365
محل شهادت: **دزفول**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای عاشورای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

نشر شاهد

حسین علی‌پور[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه قبلی شهید حسین علی‌پور [...][2]

«الحمدالله الذین امرنا باالوصیة و صلی الله علی محمد و آله».

و بعد جناب آقا مشهدی حسین شهرت علی‌پور فرزند قدرت ساکن قریه مشکین‌شهر در حال صحت و اختیار خودش من دون اکراه و اجبار وصیّ خودم گردانند. بنا به اظهار خودش مشهدی حسین فرزند بزرگش محمد علی علی‌پور وصیّ و قیوم نموده و برای این که بعد از ممات [...][3] ثلث تمام داراییها[4] منقول و غیر منقول در راه واجبات و مندویات و مجالس قرآن خوانی و عزاداری به مصرف[5] برساند و بقیه [را] هرچه باشد، یعنی زاید بر مخارج [و] احسان بکند [و بین] وراث تقسیم نمایید و توضیح این که از تمام داراییها[6] به مقدار سهم مماتم و یک اطاق در جلو در حیاط[7] دارم به زن خودم واگذار نمودم تا شوهر نکرده ولی هر موقع شوهر کرد اجازه ندارد[8]، از سهم خود ساقط[9] می‌شود و علاوه مهرش[10] داده‌ام هیچ‌گونه بدهی ندارم.

حسین علی‌پور

1- در بالای وصیت نوشته شده «62/7/14».

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «دارایت».

5- در اصل وصیت «بهصرف».

6- در اصل وصیت «دایت».

7- در اصل وصیت «حیات».

8- در اصل وصیت «ندارم».

9- در اصل وصیت «ساقت».

10- در اصل وصیت «مهترش».

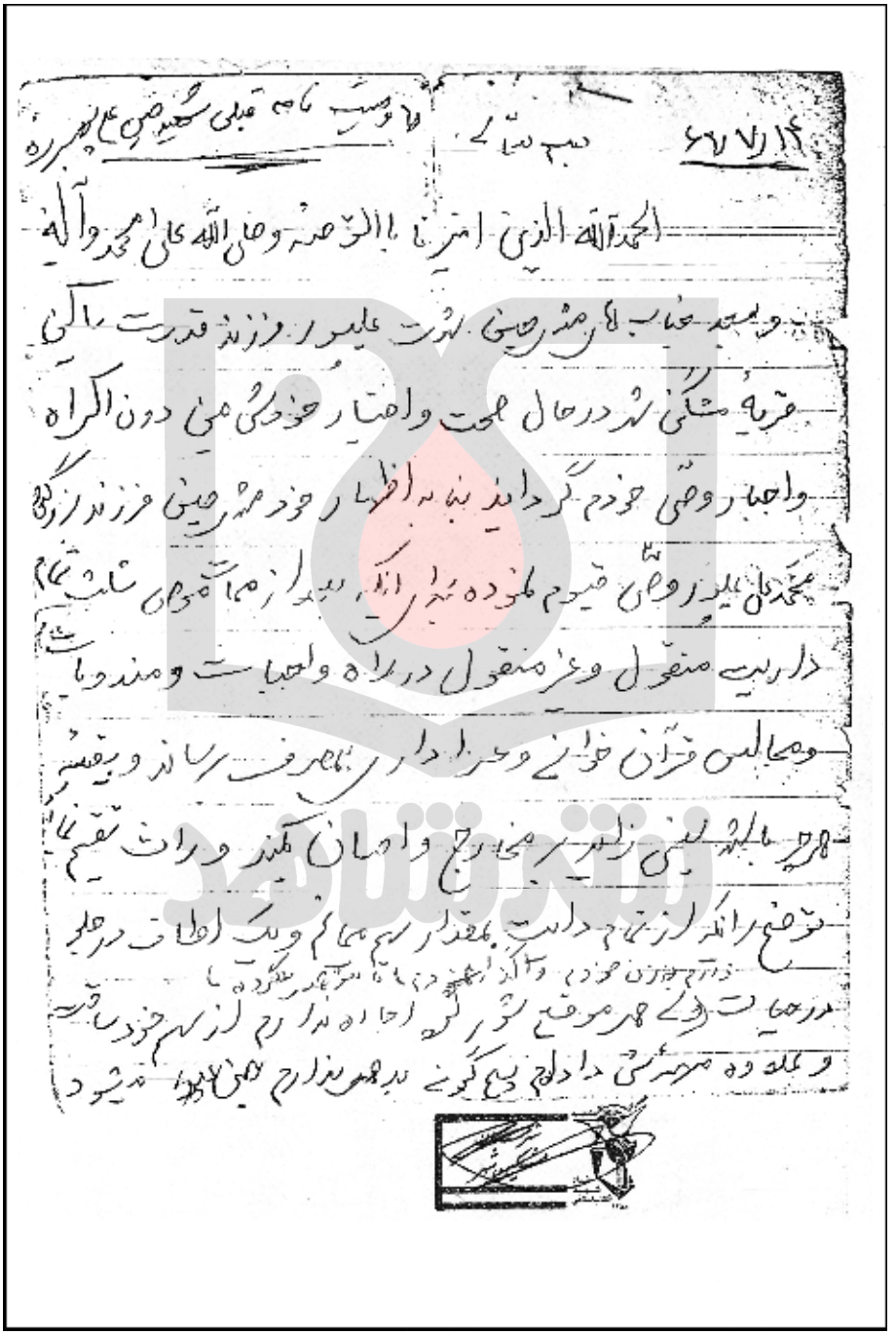

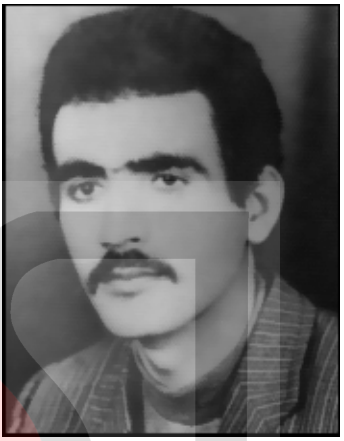

نام: **صاحب**
نام خانوادگی: **علی‌پور**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **حدیقه**
تاریخ تولد: **پانزدهم فروردین** 1343
محل تولد: **روستای اندبیل از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم فروردین** 1363
محل شهادت: **گوران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خدا جوانان و کسانی که تواب باشند دوست می‌دارد.
- ای کسانی که همچون من مات و مبهوت به دنبال گمشده خویش می‌گردید بدانید برای گم کردن خویش باید از بودن خویش در این وضع فکری و روحی بگریزید و به چراغ روشن و آگاهی بخش درونی فطرت پناه برند.
- وصیت من به پدر و مادرم این است که مبادا سرخورده و خموده و خاموش شوید که رفتن به سوی آن ملکوت اعلی کمال است رسیدن به خود خویشتن است.
- خدایا تو مرا دریاب و به سوی خود بخوان.
- خداوندا مرا به سوی خود بخوان ای ملت قهرمان و شهیدپرور ایران خویش را بشناسید خدایتان را بشناسید مکتب خویش و پیامبران الهی فرستاده.
- مهر آقا امام زمان(عج) بر وجودم شعله‌ور است و هرچه بیشتر خود را منتظر ظهور او می‌یابم.

صاحب علی‌پور[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام خداوند بخشنده مهربان

«یا سریع‌الرّضا». «ای خدایی[2] که زود راضی و خشنود[3] می‌شوی از بندگانت»

به نام خدا وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم.

روز موعود فرا رسیده است هجرت دیگر آغاز می‌شود باید از خود کنده شوم و برای آرمان مقدس مکتب[4] خویش همانا اسلام، دگرگون شوم و خویش را باز یابم و نمی‌دانم که آیا این نیت بندهٔ گناهکاری همانند من [در] پیشگاه خدا مؤثر افتد یا خیر، ولی خدا جوانان و کسانی که تواب باشند دوست می‌دارد اما او می‌داند من چه کردم چقدر بر خویش ظلم کردم چقدر خود را در کابوس وحشت و ترس از خویش انداختم زیرا نمی‌دانم که گناهانم زیاد است اما به لطف و کرم او ایمان دارم و همین مرا امیدوار ساخته است.

وصیت من در باب اول به جوانان روستا ای کسانی که در جستجوی خویش هستید ای کسانی که همچون من مات و مبهوت به دنبال[5] گمشده خویش می‌گردید بدانید برای گم کردن خویش باید از بودن خویش در این وضع فکری و روحی بگریزید[6] و به چراغ روشن و آگاهی بخش درونی فطرت پناه برید[7] تا خود را در پناهگاهی بزرگ گمشده خویش را که همانا خداوند عالمین است باز یابید و ایمان خویش را مستحکم کنید و دعا،

1- در بالای وصیت به صورت تایپی نوشته شده: «ای یاران باوفای من تلخ و شیرینی، نعمت و نقمت خوش و ناخوشی دنیا جز خوابی گران و غفلت‌آور نیست. امام حسین(**7**)».

2- در اصل وصیت «خدای».

3- در اصل وصیت «خوشنود».

4- در اصل وصیت «کتب».

5- در اصل وصیت «دنبا».

6- در اصل وصیت «بگریزند».

7- در اصل وصیت «جوید».

ذکر [و] نیایش او بر لب جاری سازید که «او از رگ گردن بر ما نزدیک‌تر است»[1] و کلام و اندیشه و نیت ما را می‌داند و می‌فهمد و در هر کجا و هر زمان که باشیم او [به] ندای درونی ما را پاسخ می‌دهد.

وصیت من در باب دوم به پدر و مادرم است مبادا خون‌بهای یک شهید را با گریه و زاری در پیش ضد انقلابیون و منافق[2] و چریک فدایی[3] و دموکرات[4] و غیره از بین ببرید مبادا سرخورده و خمود، و خاموش شوید که رفتن به سوی آن ملکوت اعلی کمال است رسیدن به خود خویشتن است همان[5] که همه برایش تلاش می‌کنیم و به سوی او می‌ایستیم و دعا و عبادت و طلب مغفرت می‌کنیم و به سوی او خواهیم رفت و همانا او حسابگر ماهری است و باید جواب‌گوی همان اعمالمان باشیم و من چیزی در دست و توشه از این دنیا ندارم که با خود ببرم من باری از گناهانم[6] پدر و مادرم برای کم شدن گناهانم و[7] آرامش روحم در پیشگاه خداوند دعا کنید نمی‌دانم با چه رویی در برابر آن ایزد یکتا سربلند کنم خدایا تو مرا دریاب و به سوی خود بخوان. می‌دانم مستحق مجازات الهی می‌باشم ولی چه فرقی بین من و بندگان[8] کافرت و بی‌ایمان تو است آیا من هم باید مانند آنها در آتش دوزخ بسوزم اما نه، تو رحیم هستی تو رحمان هستی تو رئوف و سریع‌الرضا هستی

خداوندا مرا به سوی خود بخوان ای امت قهرمان و شهیدپرور ایران خویش را بشناسید خدایتان را بشناسید مکتب خویش و پیامبران الهی فرستاده امت از طرف پروردگار عالمین را به خوبی بشناسید و از همه مهمتر امام حاضر در زمان خویش که امام خمینی می‌باشد

1- اشاره به بخشی از آیه 16 سوره ق. «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ».
2- ر. ک. تعلیقات.
3- ر. ک. تعلیقات.
4- ر. ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «اوی».
6- در اصل وصیت «گناهان».
7- در اصل وصیت «با».
8- در اصل وصیت «بنده‌گان».

بشناسید این عارف بوستان این عابد راهبر و مومن متقی مخلص درگاه را بشناسید و از او راهنمایی‌های او پیروی کنید که سعادت را همراه می‌آورد کمال می‌آموزد که اگر امام خویش در زمان حاضر را نشناسی کافر از دنیا رفته‌ای چه کنم چه کرده‌ام چه باید می‌کردم و انجام نداده‌ام دیر یا زود می‌باید در مقابل آن یکتا عالم جهان بشریت سر خویش را بلند کنم و پاسخ‌گو باشم ولی چه دارم بگویم از چه بگویم از گناهانی که مرتکب شده‌ام از حق‌کشیها که کرده‌ام از بی‌حرمتیها که انجام داده‌ام ولی با همه این کارها به آن موعد و معبود بزرگم ایمان دارم و باید نیت خویش را خالص گردانم و می‌دانم که او مرا خواهد بخشید و به جوار رحمت خویش خواهند خواند اما چرا دیر شروع کردم همیشه در تب و تاب می‌سوختم و خودم به رو نمی‌آورم اما اینک سراسیمه‌ام به دنبال وصال به او هستم با توشه‌ای[1] از گناهانم و امیدوارم که بر من مرحمت و لطف فرمایند[2] و از طرفی مهر آقا امام زمان(عج) بر وجودم شعله‌ور است و هرچه بیشتر خود را منتظر ظهور او می‌یابم اما نه، من لیاقت حتی بر زبان آوردن نام او را ندارم چه برسد که در ظهور آقایم و مولایم امیدوار باشم اما هرچه که باشد به نام او بادا و خدایا شاد هستم و روحم آرامش گرفته و قلب روشنایی یافته چشمان بی‌نور ما لیاقت دیدار او را ندارد و نخواهد داشت. خداحافظ شما باد.

«والسلام»

خداحافظ به امید دیدار

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه پاسدار اسلام برادر شهید صاحب علی‌پور

روز موعد فرا رسیده است، هجرتی دیگر آغاز می‌شود باید از خود کنده شوم و برای آرمانهای مقدس مکتب خویش همانا اسلام، دگرگون شوم و خویش را باز یابم و نمی‌دانم که آیا این نیت بنده گناه‌کاری هم در پیشگاه خداوند مؤثر افتد یا خیر ولی خدا جوانان و

1- در اصل وصیت «توشه».

2- در اصل وصیت «می‌فرمایند».

کسانی که تواب باشند دوست می‌دارد اما او می‌داند من چه کرده‌ام؟ چقدر بر خویش ظلم کرده‌ام؟ چقدر خود را در کابوس وحشت و ترس خویش انداخته‌ام زیرا نمی‌دانم گناهانم زیاد است اما به لطف و کرم او ایمان دارم و همین مرا امیدوار ساخته است وصیت من در باب اول به جوانان روستا است: ای کسانی که در جستجوی خویش هستید[1] ای کسانی که همچون من مات و مبهوت به دنبال گمشده خویش می‌گردید. بدانید برای گم کرده خویش باید از بودن خویش در این وضع فکری و روحی بگریزید و به چراغ روشن و آگاهی بخش درونی فطرت پناه جویید تا خود را در پناهگاهی بزرگ گمشده خویش را [که] همانا بازیابید و ایمان خویش را مستحکم کنید و دعا و ذکر و نیایش او بر لب جاری سازید که او از رگ گردن بر ما نزدیکتر است و کلام و اندیشه و نیّت ما را می‌داند و می‌فهمد و در هر کجا و هر زمان که باشیم او به ندای درونی ما پاسخ می‌دهد.

وصیت من در باب دوم به پدر و مادرم است. مبادا خون‌بهای یک شهید را با گریه و زاری در پیش ضد انقلابیون و منافق[2] و فدایی[3] و دموکرات[4] وغیره از بین ببرید مبادا سرخورده و خمود و خاموش شوید که رفتن به سوی آن ملکوت اعلاء کمال است رسیدن به خود خویشتن است همان که همه ما برایش تلاش می‌کنیم و به سوی او می‌رویم و دعا و عبادت و طلب مغفرت می‌کنیم و به سوی او خواهیم رفت همانا حسابگر ماهری است و باید جوابگوی همان اعمالمان باشیم. من چیزی در دست و توشه‌ای از این دنیا ندارم که با خود ببرم. من باری از گناهان پدر و مادرم، برای کم شدن گناهانم با آرامش روحم در پیشگاه خداوند دعا می‌کنم نمی‌دانم با چه رویی در برابر آن ایزد یکتا سربلند کنم. خدایا تو مرا دریاب و به سوی خود بخوان می‌دانم مستحق مجازات الهی می‌باشم، ولی چه فرقی بین من و بندگان کافر و بی‌ایمان به تواست؟ آیا من هم باید در آتش دوزخ بسوزم اما نه تو رحیم هستی تو رحمان هستی تو رئوف و سریع‌الرضا هستی خداوندا مرا به سوی خود بخوان.

1- در اصل وصیت «هستند».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

اما ای امت قهرمان و شهیدپرور ایران خویش را بشناسید و خدایتان را بشناسید. مکتب خویش و پیامبران الهی فرستاده شده از طرف پروردگار عالمین را به خوبی بشناسید. از همه مهمتر نایب امام حاضر در زمان خویش که امام خمینی می‌باشد، [را] بشناسید این عارف بوستان این عابد راهبر و مؤمن متقی و مخلص درگاه را بشناسید و راهنماییهای او را پیروی کنید که سعادت را همراه می‌آورد. کمال می‌آموزد که دیگر رهبر خویش در زمان حاضر را نشناسی کافر از دنیا رفته‌ای؟ چه کنم و چه کرده‌ام چه باید می‌کردم و انجام نداده‌ام؟ دیر یا زود می‌باید در مقابل آن یکتا عالم جهان بشریت سر خویش را بلند کنم و پاسخگو باشم چه دارم بگویم؟ از چه بگویم؟ از گناهانی که مرتکب شده‌ام از گناهانی که کرده‌ام از بی حرمتیها که انجام داده‌ام؟ ولی با همه این کارها به آن روز موعد و معبود بزرگم ایمان دارم و باید نیّت خویش را خالص گردانم و می‌دانم او مرا خواهد بخشید و به جوار رحمت خویش خواهد[1] خواند اما چرا دیر شروع کرده‌ام، همیشه در تب و تاب می‌سوختم. اما اینک سراسیمه به دنبال وصال او هستم. با توشه‌ای از گناهانم و امیدوارم که بر من رحمت و لطف فرماید. از طرفی مهر آقا امام زمان(عج) بر وجودم شعله‌ور است و هر چه بیشتر خود را منتظر ظهور او می‌یابم. اما من لیاقت حتی بر زبان آوردن نام او را ندارم چه برسد که در ظهور آقایم و مولایم امیدوار باشم، اما هرچه باشد به نام او یاد خدایا شاد هستم و روحم آرامش گرفته و قلبم روشنایی یافته است. دیگر مزاحم نمی‌شوم. خداحافظ. به امید جهانی شدن حکومت اسلامی.

پاسدار اسلام صاحب علی‌پور

مورخه 62/8/6

خدایا من نمی‌خواهم که در بستر بمیرم دوست دارم تا براهت در دل سنگر بمیرم

با عرض سلام به عالم منجی بشریت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه و سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران نایب آن حضرت و با درود و سلام بر شهدای صدر اسلام و با سلام به شهدای عزیز انقلاب اسلامی ایران و با آرزوی شفای عاجل برای مجروحین و معلولین انقلاب و با آرزوی پیروزی نهایی رزمندگان پرتوان

1- در اصل وصیت «خواهند».

اسلام و آرزوی کربلای عزیز و نابودی لشکر کفر جهانی من اکنون پاره کاغـذی در مقـابلم می‌باشد و می‌خواهم به عنوان وصیت‌نامه به حضورتان هدیه نمایم.

بـــه جبهـــه مـــی‌روم بهـــر شـــهادت　　بـــه راهـــی مـــی‌روم راه[1] ســـعادت
مسلـــسل مـــن غـــریبم یـــاورم بـــاش　　بـــه جـــای مـــادر[م] غـــم پـــرورم بـــاش[2]

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «راهی».

2- در اصل وصیت در گوشه سمت چپ پایین برگه جمله‌ای با بسمه تعالی آغازشده و در کل ناخواناست.

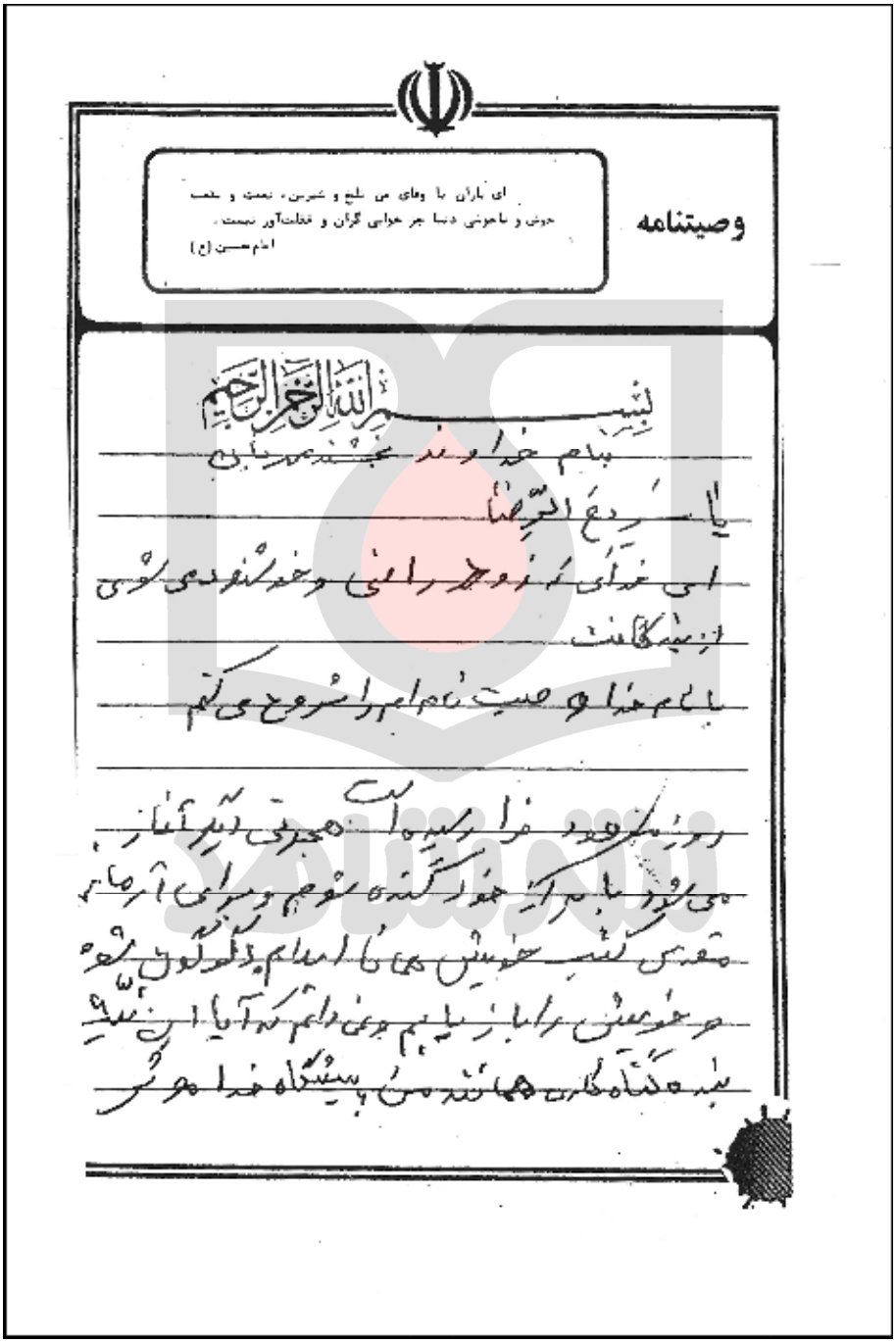

وصیتنامه

ای یاران با وفای من بلیغ و شیرین، نعمت و عشق
خوش و ناهوشی دنیا چو حوایی گران و غفلت‌آور نیست.
امام حسن (ع)

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند جنگ و صلح

یا رفیع الرضا

ای خدای که زنده راهی و خفته نمودی نوشی
از بیگانگانت

با نام خدا وصیت نامه را شروع می کنم

روزی می رود فرا رسیده است که چرخ دنیا آغاز
می پوید با امر آفریدگار شوم و برای آرمان
مقدس کشت خویش ما با اسلام دلگون شده
و خویش را با زیبایی می دانم که آیا این بنده
بنده گناه کار همانند من پیشگاه خداوند

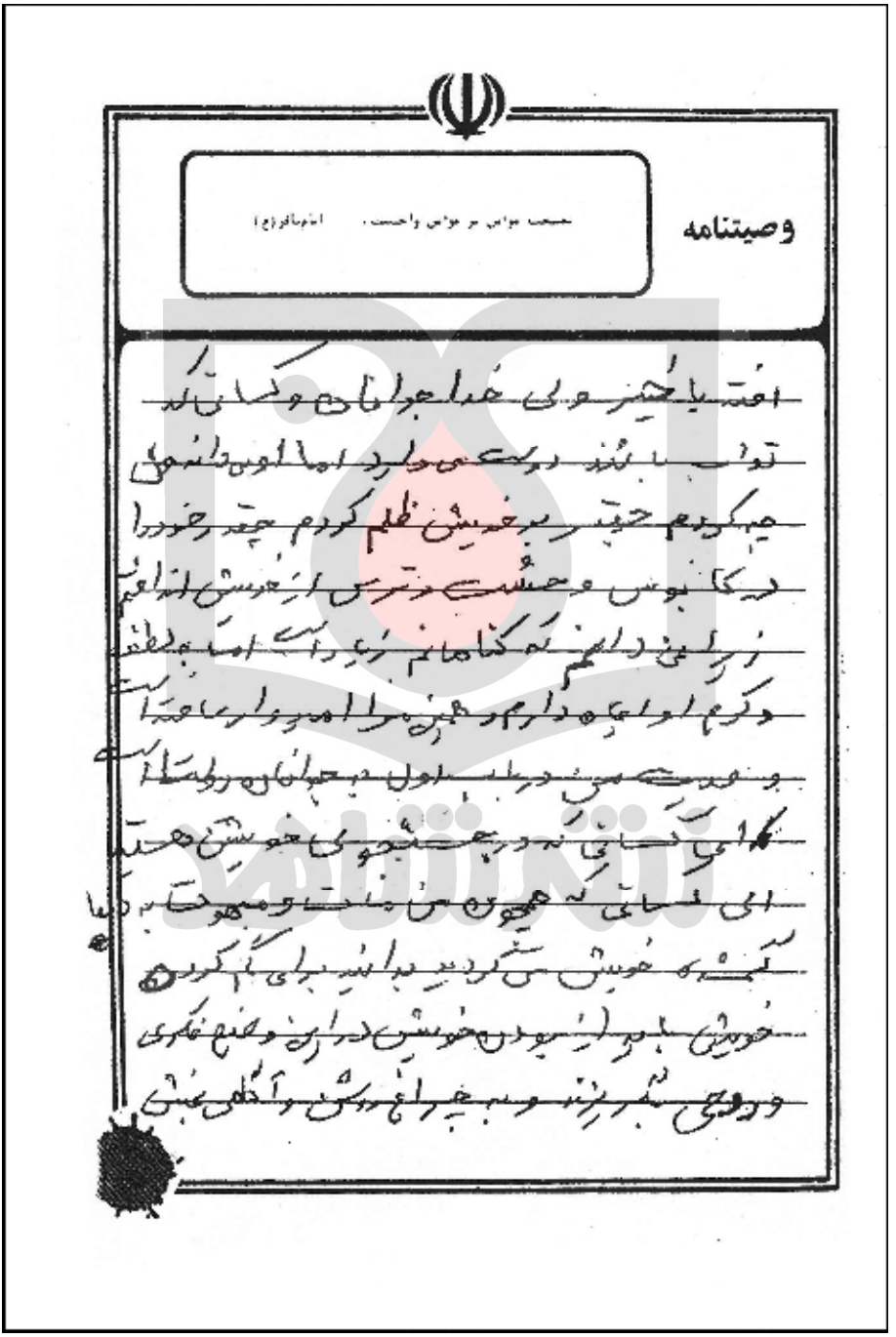

وصیتنامه

بسمه تعالی هر نفس را چشنده است ... (امام خمینی (ره))

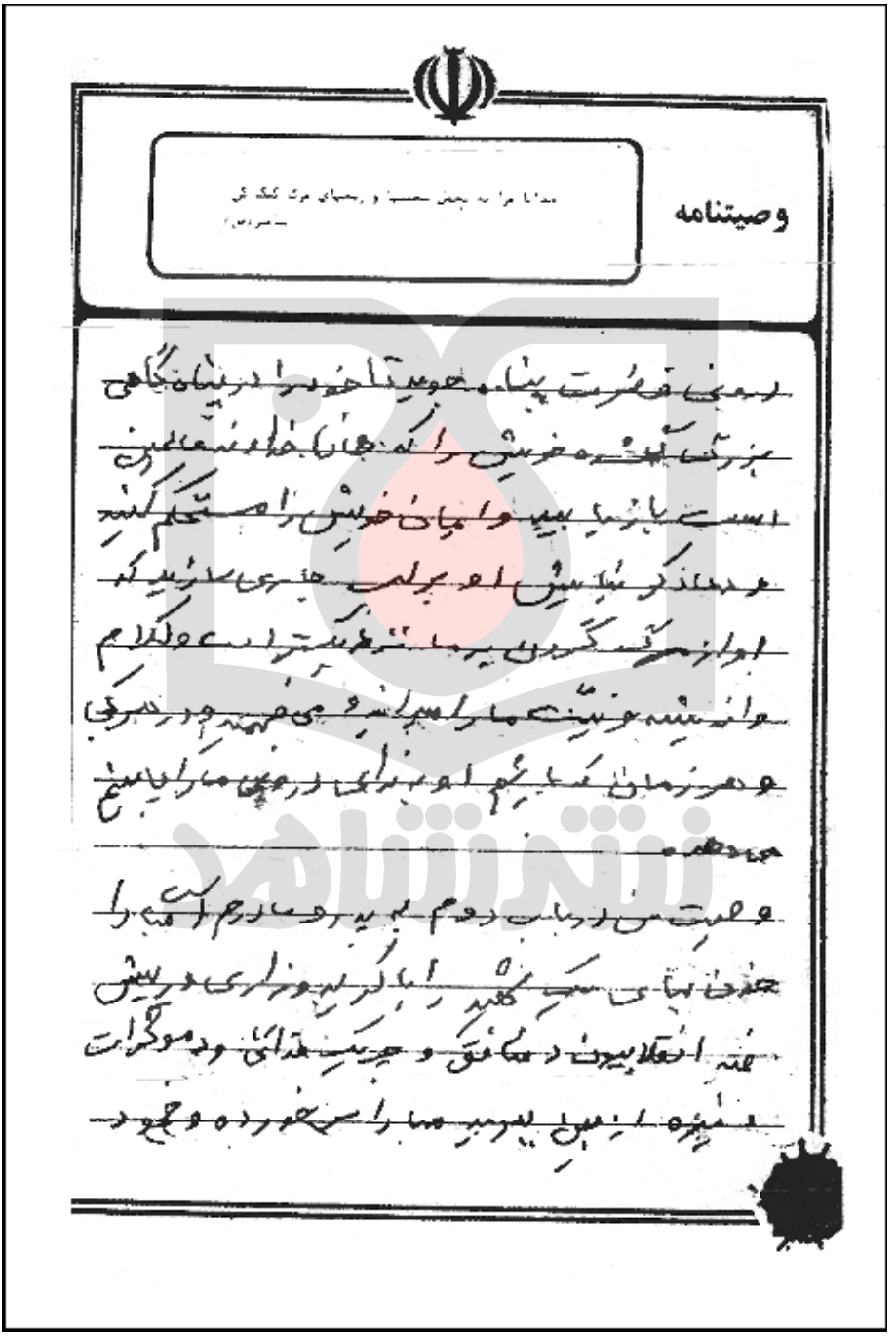

وصیتنامه

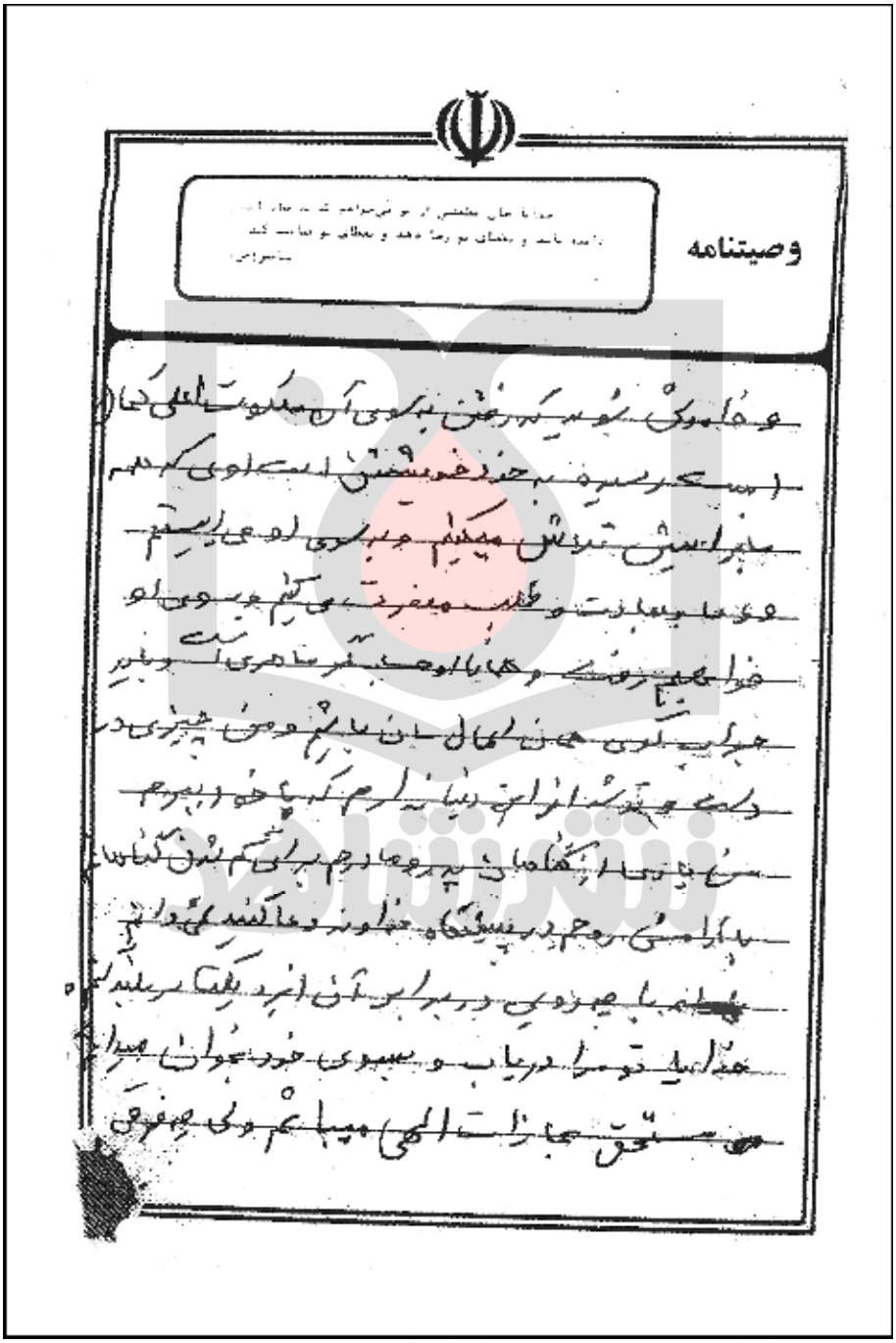

وصیتنامه

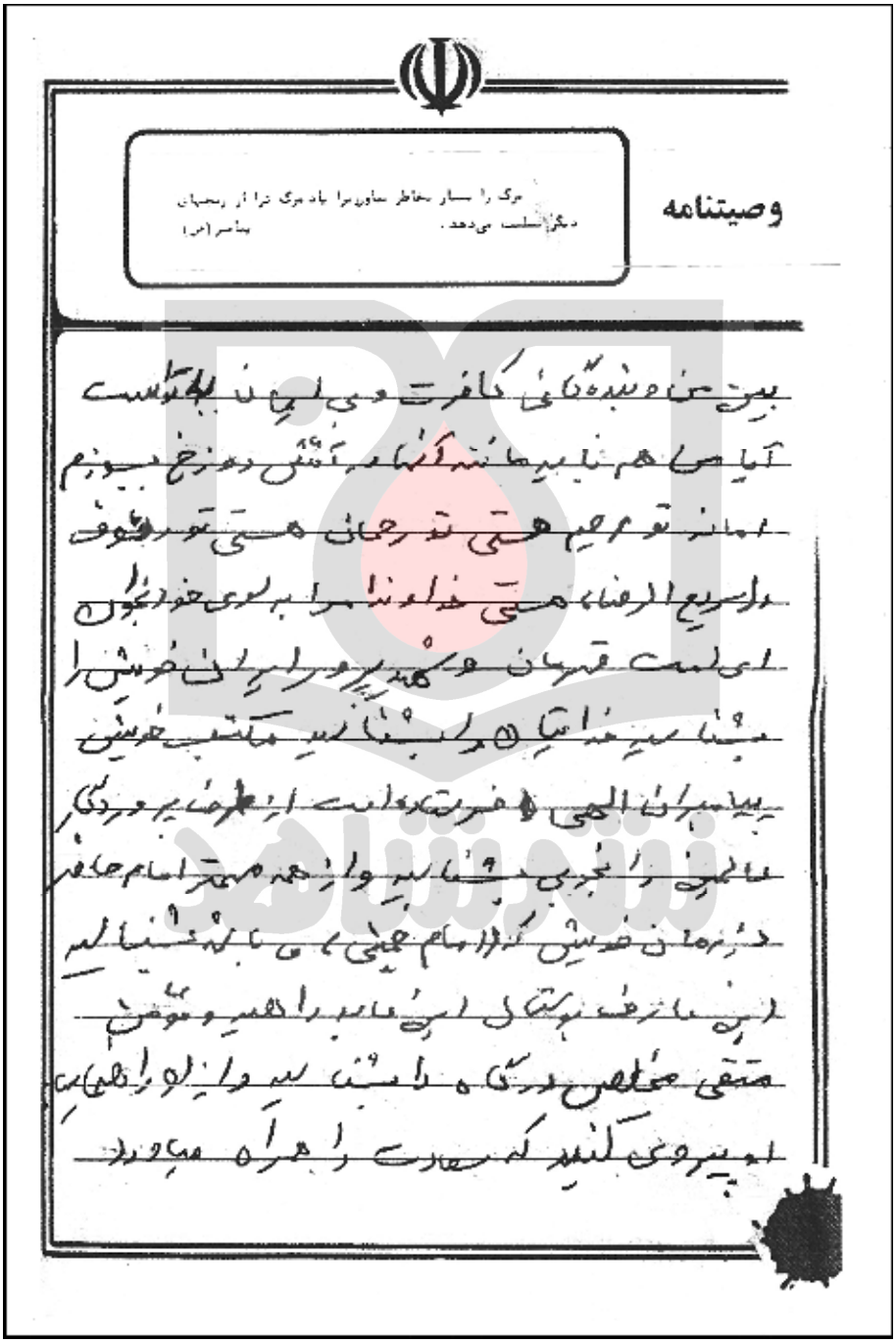

وصیتنامه

مرگ را بسیار بخاطر بیاور برای تو از پایان دیگر است می‌دهد. پیامبر (ص)

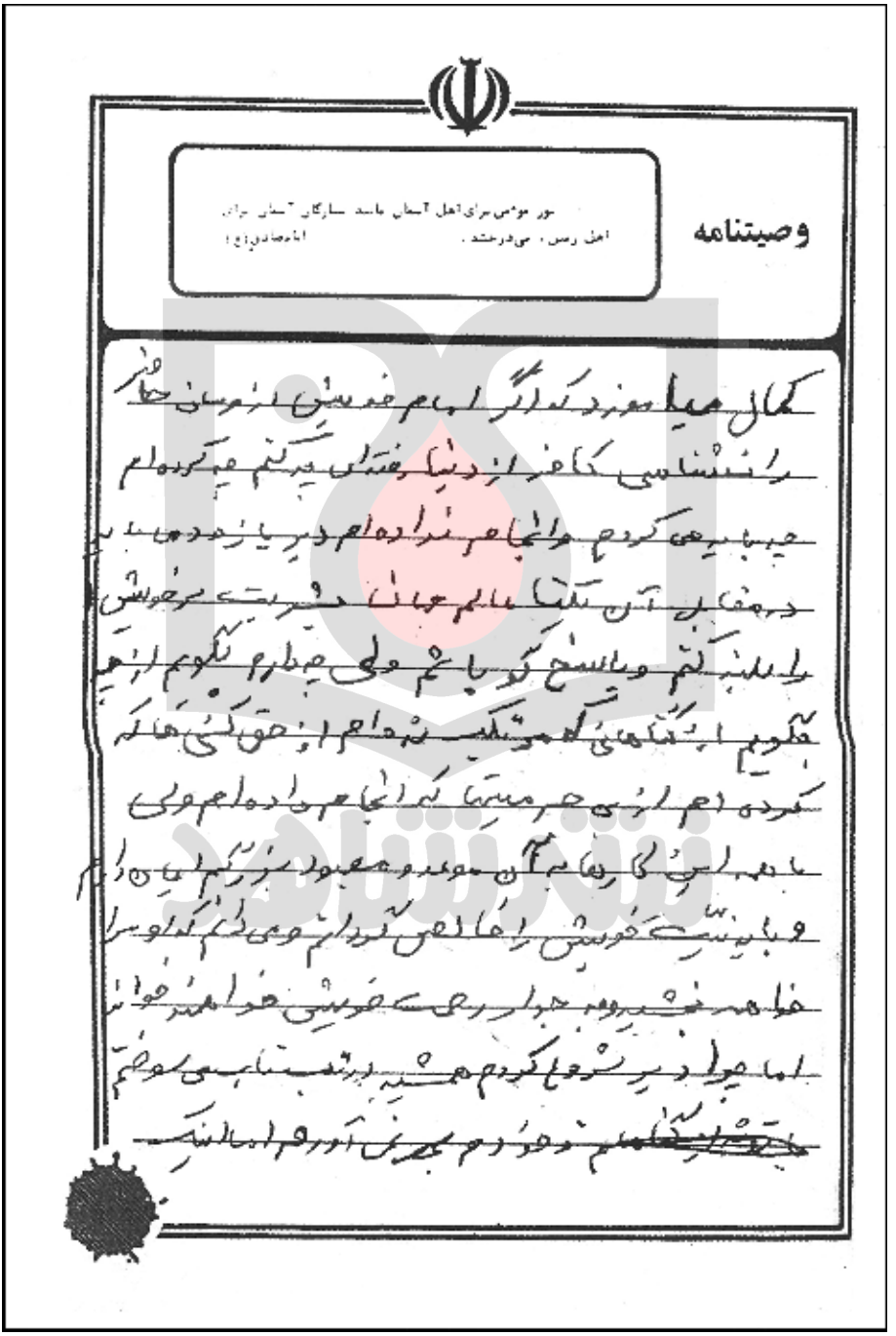

وصیتنامه

نور مؤمن برای اهل آسمان مانند ستارگان آسمان برای
اهل زمین می‌درخشد. امام صادق(ع)

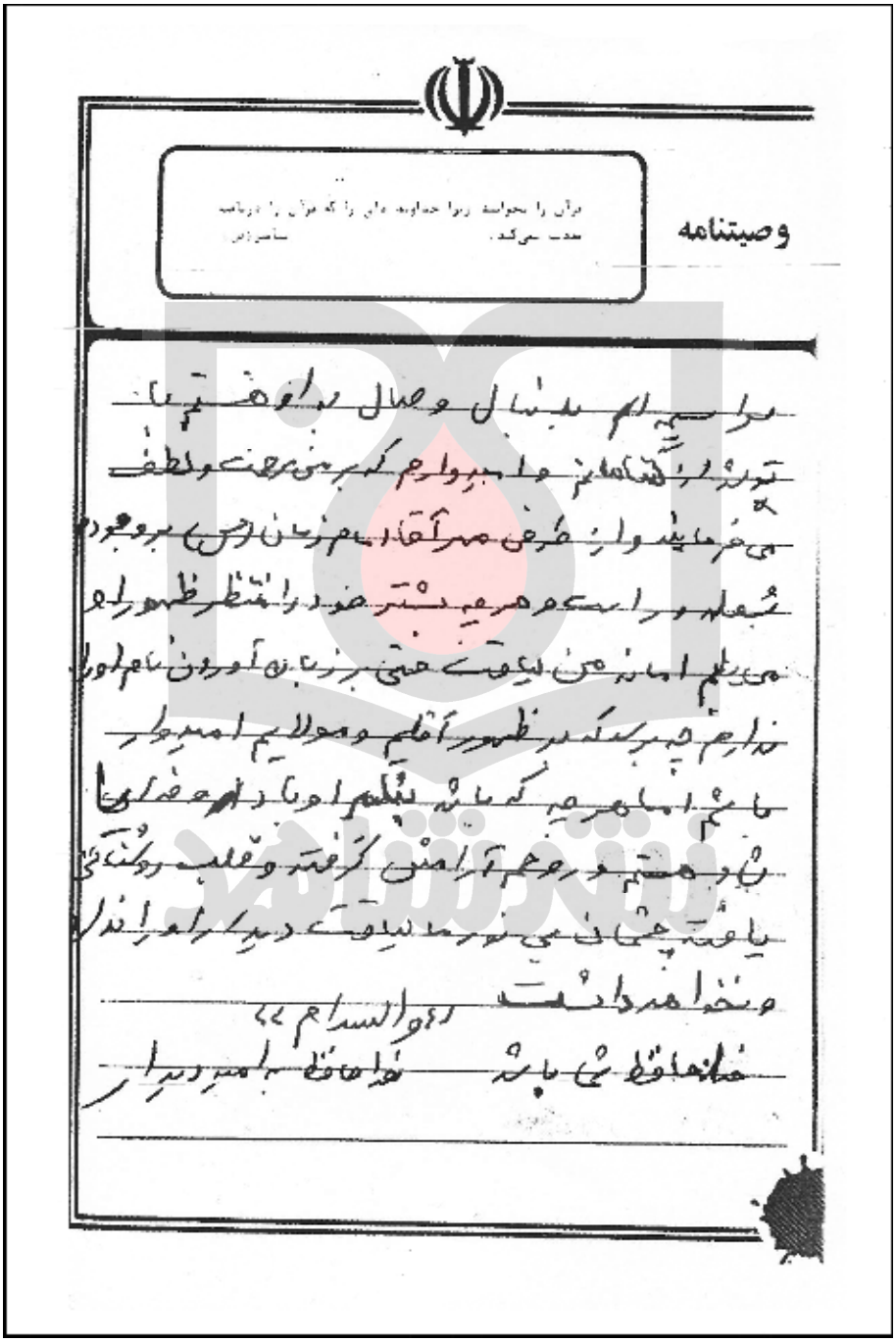

وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیتنامه باسدار اسلام برادر شهید صاحب علی پور

روز موعود فرا رسیده است هجرتی دیگر آغاز میشود باید از خود گذشته شوم وبرای آرمانهای مقدس مکتب خویش همانا اسلام دگرگون شوم وخویش را باز یابم و نمیدانم که آیا این نیت بد ده گناه کاری مطمئن در پیشگاه خداوند موثر افتد یا خیر ولی خدا جوانان وکسانی که ثواب باشند دوست میدارد واما امید است من چه کردم چقدر برخویش ظلم کردم چقدر خود را دور از کابوس وحشت وترس از خویش انداختم زیرا نمیدانم گناهانم زیاد است اما به لطف کرم او ایمان دارم وهمین مرا امیدوار ساخته است وصیت من در باب اول به جوانان روستا است ای کسانی که درجستجوی خویشتن هستید ای کسانی که همچون من سالها در جهالت بدنبال گمشده خویش میگردید بدانید برای گم کرده خویش باید از بدن خویش در این وضع فکری وروحی بگریزید وچراغ روشن آگاهی بخش درونی فطرت پناه جویید تا خود را در پناه آگاهی بزرگ گمشده خویش را که همانا باز یابید پایمان خویش را مستحکم کنید مدام به ذکر ونیایش او بپردازید سازید که او از رگ گردن برما نزدیکتر است و کلام واحد بیشه و نیک ما رامیداند و میشنود در هرکجا وهر زمان که باشیم او به ندای درونی ما پاسخ میدهد وصیت من در باب دوم به پدر ومادرم است.

مبادا خون بهای یک شهید را با گربه وزاری در پیش خدا نقلا بیون و منافق وقداشی ودلکات وغیره از بین ببرید مبادا سرخورده وخمود وخاموش شوید که رفتن به سوی آن ملکوت اعلاء کمال است وسیدنی به خویشتن راستین، گمشده ما برایش طلب سکوم به سوی او میاندیشیم ودعا میکنیم وبیاد او بسر میبریم میکنیم بسوی او خواهیم رفت همانا حسابگر ماهری است وباید جوابگوی همان اعمالمان باشیم من چیزی در دست وتوشه‌ای ازاین دنیا ندارم که باخود ببرم من باری ازگناهان نباید روماد رم برای کم شدن گناهانم باآرامش روحم در بهشت گاه خداوند دعا نمایید نمیدانم باچه رویی دربرابر ایزد یکتا سربلند کنم خدایا تمرا دریاب وبسوی خود بخوان نه میدانم مستحق مجازات الهی میباشم ولی چه فرقی بین من وبندگان کافره پس ایمان به تواست آیا من هم باید ملتهد در آتش دوزخ بسوزم امانه تورحیم هستی ترحمان هستی تو رئوف و سریع الرضا هستی خداوندا مرا به سوی خود بخوان.

اما ای امت قهرمان و شهید پرور ایران خویش رابشناسید و خدایتان رابشناسید مکتب خویش وپیامبران الهی فرستاده گان از طرف پروردگار عالمیان رابخوبی بشناسید ازهمه بیشتر امام را حاضر در زمان خویش که آیت‌الله خمینی میباشد بشناسید این عارف بیمثال این عابد زاهد و مومن ومتقی ومخلص درگاه رابشناسید و راهنمائیهای اوپیروی کنید که سعادت را همراه میاورد کمال میاموزد که دیگر رهبر خویش درزمان حاضر را نشناسی کافر از دنیا رفتنی چه کنم وچه گردنام چه باید میکردم وانجام ندادم دیر یا زود میباید درمقابل آن یکتا عالم جهان بشریت بزرگ رابلند کنم و پاسخگو باشم چه دارم بگویم ازچه

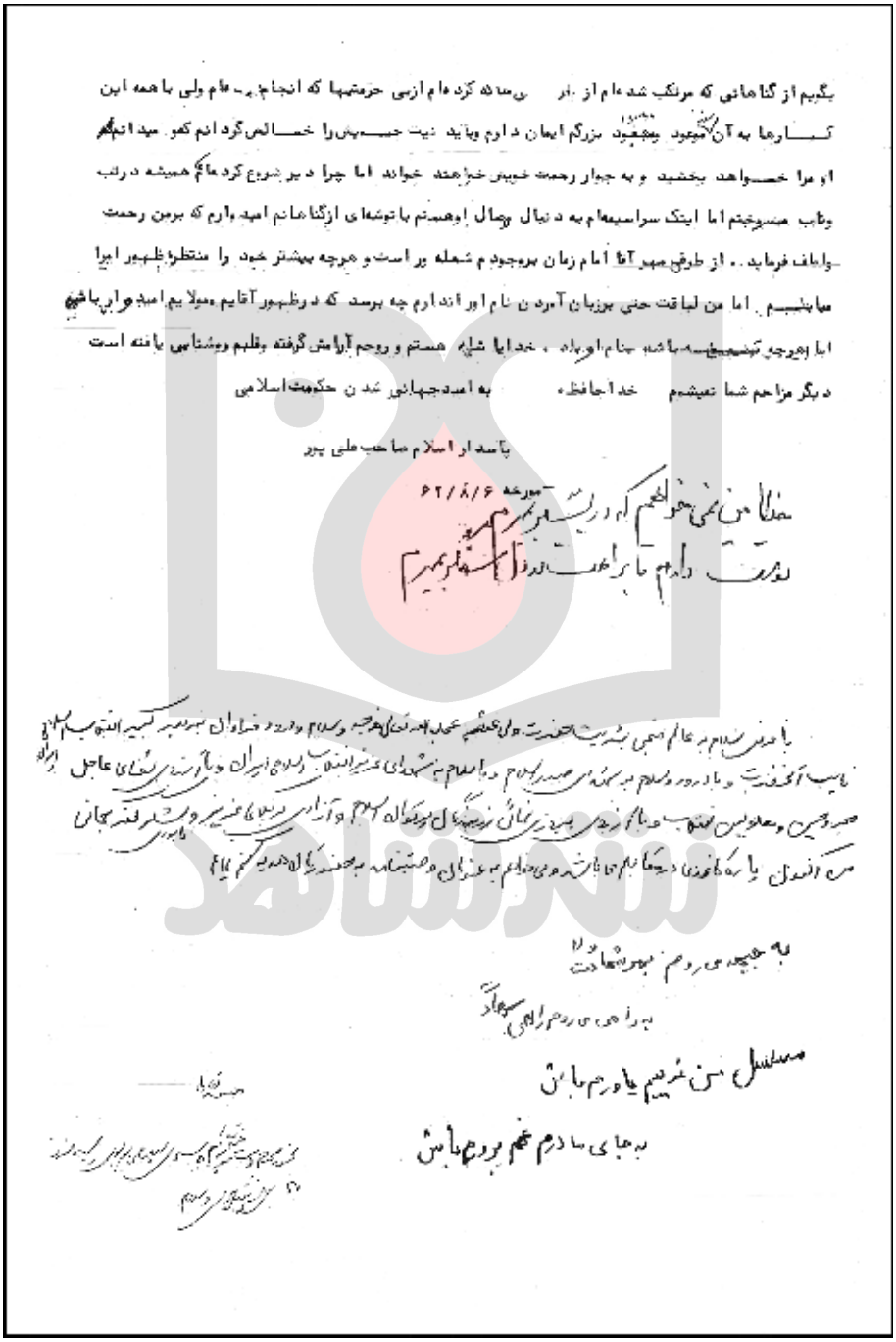

نام: **سلطانعلی**
نام خانوادگی: **علی‌پورجغناب**
نام پدر: **التفاتعلی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **نهم تیر** 1344
محل تولد: **روستای جغناب از توابع شهرستان کوثر**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خداوندا شهادت در راه تو برای رزمندگان از عسل شیرین‌تر است.
- ما همچون مولایمان امام حسین(**7**) و علی‌اکبر(**7**) وارد میدان نبرد شده‌ایم.
- تا آخرین قطره خون خواهیم جنگید.
- ما سربازان قرآن و امام زمان(عج) غسل شهادت داده و در سنگر خود محکم و استوار تا شهادت خواهیم ایستاد.

شهرشاهد

سلطانعلی علی‌پورجغناب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«ملتی که شهادت را سعادت می‌داند پیروز است»[1]. (امام خمینی)

«**وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ**»[2]. (قرآن کریم)

«کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

«**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ**»[3].

«ما از اوییم و به سوی او باز می‌گردیم».

امام خمینی: این شهادتهاست که بر ملت ما وعده پیروزی نهایی می‌دهد[4].

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران منجی عالم بشریت بت‌شکن زمان حامی مستضعفان جهان. و با درود فراوان به روان پاک شهدای گلگون‌کفن اسلام از نهضت حسینی تا نهضت خمینی و در رأس آنها حسین(**7**). و با درود فراوان به رزمندگان جان بر کف و با درود فراوان به ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه ایران. و اگر شهادت در راه خدا نصیبم شود به شما عزیزان مطالبی به صورت وصیت‌نامه می‌نویسم: در مراسم ختم من نگذارید مادرم برای من گریه کند و پدرم ناراحت [نباشد] و برادرانم همچون کوه استوار و سرافراز بمانند و راه ما را ادامه دهند[5].

گر جهد کنی و عازم راه شوی — از شیب و فراز راه آگاه شوی
بر قله فتح مبینی تو اگر — فریاد گر نصر من الله شوی

***

1- (صحیفه امام، ج 9، ص 495).
2- آل‌عمران/ 169.
3- بخشی از آیه 156 سوره بقره.
4- (صحیفه امام، ج 16، ص 367).
5- در اصل وصیت «دهید».

ای خلق به هوش باش تا که خامت نکنند با وسوسه رخنه در مرامت نکنند

باز هم استکبار جهانی شرق[1] و غرب[2] در کردستان دست به جنایت زده و هر روز بر رزمندگان اسلام حمله‌ور می‌شوند[3].

خدایا خداوندا از تو می‌خواهم که مرا در موقع شهادت یار و یاورم باش که در دست افراد دیو صفت گرفتار نشوم. بار پروردگارا شهادت در راه خودت را بر ما نصیب بفرما. خداوندا شهادت در راه تو برای رزمندگان از عسل شیرین‌تر است.

بار پروردگارا بعد از شهادتم به اعضای خانواده‌ام صبر و استقامت عطا بفرما. مادر مهربان من تنها وصیتی که بر تو دارم این است که زیاد برای من گریه مکن و همانند زینب(**3**) استقامت داشته باش. ای اگر چه تمام فرزندان تو فدای قرآن شوند. رسول خدا نسبت به [...][4] به ما زیاد توصیه کرده است یکی قرآن و دیگری عترت او. و ما نیز باید حافظ و نگهبان آن دو باشیم (عترت و قرآن).

خدایا خود آگاهی که ما همچون مولایمان امام حسین(**7**) و علی‌اکبر[5](**7**) وارد میدان نبرد شده‌ایم و مانند آنان نیز تا آخرین قطره خون خواهیم جنگید. و در این راه هر وظیفه‌ای که بر گردنم داشتم انجام داده‌ام. وقتی راحت می‌شوم که این کوله‌بار خود را بسته و به دنیای ابدی بروم. و اگر نیز شهید بشوم به خدا قسم [...][6] از میدان نبرد سلامت برگشتم به قرآن قسم وظیفه‌ای را که بر گردن دارم انجام خواهم داد.

ما سربازان قرآن و امام زمان(عج) غسل شهادت داده و در سنگر خود محکم و استوار تا شهادت خواهیم ایستاد. و کار سربازان امام زمان(عج) وقتی به اتمام می‌رسد که به وظیفه خود عمل نموده و دنیا را به صاحب اصلی خود بازگردانیم (به ولی‌عصر(عج)) به خدا قسم وقتی راحت[7] می‌شوم که به معشوق خود (خدا) برسم و به ندای «هل من ناصر

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «می‌شرند».

4- خوانا نیست.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- خوانا نیست.

7- خوانا نیست.

ینصرنی»[1] حسینی لبیک گویم. به گفته امام حسین(7) که فرمود از دریای خون شنا کنید تا به ساحل حق برسید و به برادران اعضای انجمن اسلامی وصیت می‌کنم که در تابوت من یک ورق قرآن [...][2].

پایان وصیت‌نامه شهید سلطانعلی علی‌پور[3]

شهیدان هدیه‌های نینوایند ز خاک کربلای عشق آیند
شفق را تا که در آغوش گیرند سرود سرخ خون را می‌سرایند

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی کنار مهدی خمینی را نگه‌دار ستارگان که رفتند خورشید را نگه‌دار.

خدایا خدایا رزمندگان ما را پیروزشان بفرما. به مجروحین جنگی شفا عنایت فرما. اسیران جنگی را آزادشان بفرما.

«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»

نشر شاهد

1- ر.ک. تعلیقات.

2- خوانا نیست.

3- در بالای وصیت نوشته شده «رحمت خداوند بر شهیدانی بزرگ که با خون خود درخت پر برکت اسلام عزیز را آبیاری و بارور نمودندو...(امام خمینی)».

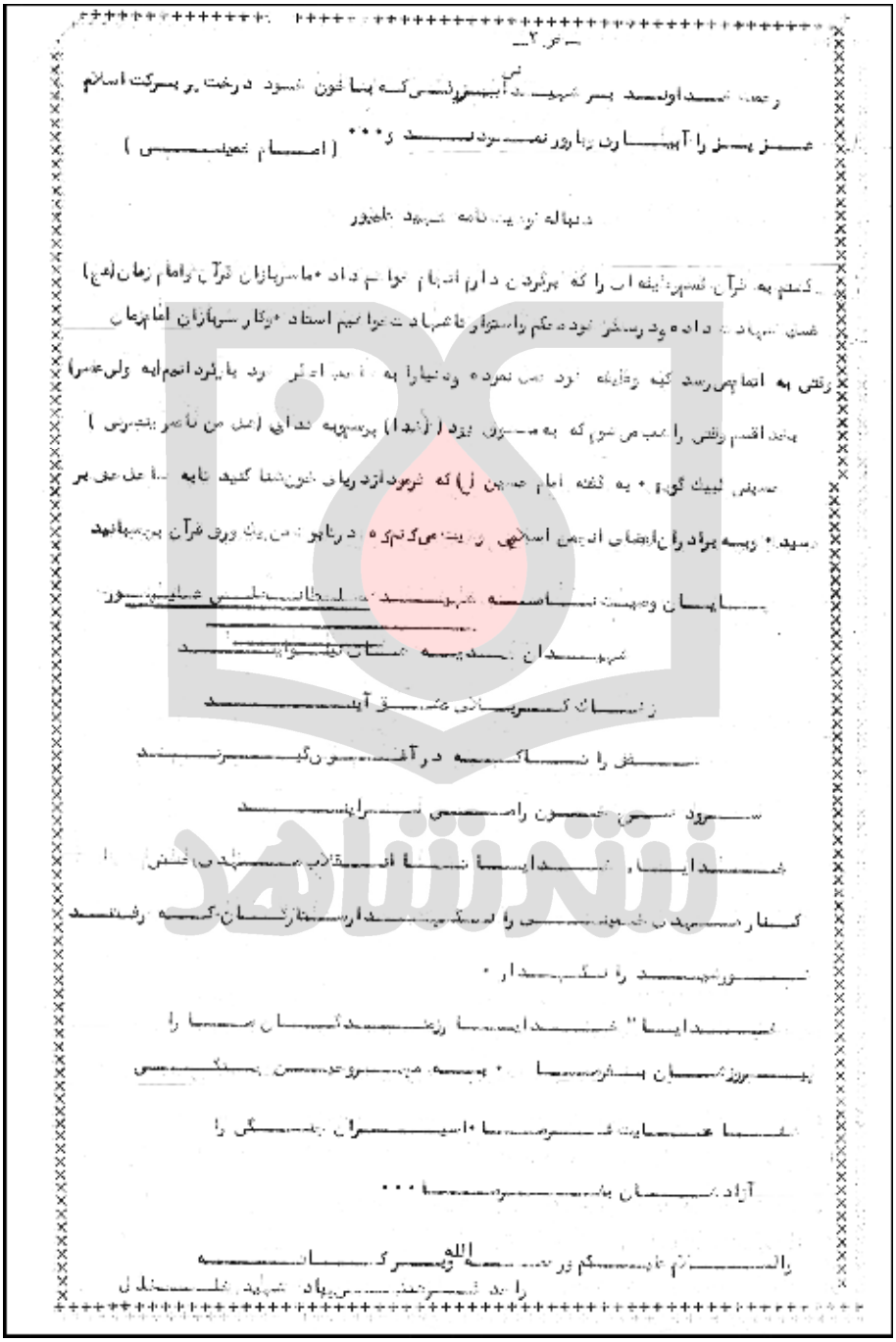

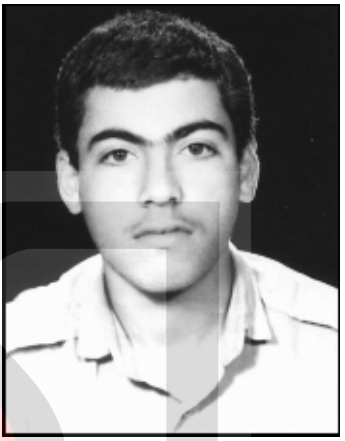

نام: **اسدالله**
نام خانوادگی: **علی‌پوردوکش**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **بیستم خرداد** 1351
محل تولد: **روستای دوکش از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم خرداد** 1367
محل شهادت: **گرده‌رش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای عاشورای شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- وصیتم به مردم حزب‌الله این است که پشتیبان ولایت فقیه باشند.
- از خانواده شهدا و اسراء و مفقودین می‌خواهم که صبر پیشه کنند چرا که همه از دنیا خواهند رفت.
- اینجانب خواهشمندم که موفقیت و پیروزی اسلام را در نظر بگیرید و صبر بیشتری داشته باشید و توجه داشته باشید که در مشکلات است که انسانها آزمایش می‌شوند.
- امیدوارم که ادامه‌دهندهٔ راه تمام شهدای اسلام و قرآن باشید.
- من راهی را انتخاب کرده‌ام که راه حسین(**7**) است و راه شهدای کربلا و ایران است و راه پدر که شهید شده به خاطر اسلام و قرآن.
- احسنت به شما مادرانی که چنین فرزندانی را برای قربانی شدن در راه اسلام آماده کرده‌اید.
- دوستان همیشه به یاد خدا باشید.
- همکلاسانم درسهایتان را خوب بخوانید و اگر لازم شد به جبهه بروید.
- آه چقدر لذت‌بخش است که انسان خویشتن را آماده کند به دیدار ربّش.

اسدالله علی‌پوردوکش[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[2].

اینجانب اسدالله علی‌پور خود را لایق وصیت نمی‌دانم ولی بنابر اینکه وصیت بعد از رفتن هر کس از این دنیای فانی راهنمای راه او و بیانگر هدف اوست و من هم بر حکم وظیفه چند کلمه‌ای وصیت برای شماها می‌نویسم.

وصیتم به مردم حزب‌الله این است که پشتیبان ولایت فقیه باشند و راه شهدای ما راه حق است و اول می‌خواهم که آنها مرا بخشیده و شفاعت ما را در روز جزا کنند و از خداوند می‌خواهم که ادامه‌دهندهٔ راه آنها باشم آنهایی که با بودنشان به ما درس عشق آموختند.

و از خانواده شهدا و اسراء و مفقودین می‌خواهم که صبر پیشه کنند چرا که همه از دنیا خواهند رفت چه خوب و بد، و ما معتقد به معاد هستیم از تمام اقشار ملت اعم از کسبه و علما و سپاهی و غیره اینجانب خواهشمندم که موفقیت و پیروزی اسلام را در نظر بگیرید و صبر بیشتری داشته باشید و توجه داشته باشید که در مشکلات است که انسانها آزمایش می‌شوند کاری نکنید که خدای نیاورد آن روزی را که شما در مقابل شهداء و خانواده محترمشان جوابی نداشته باشید که بدهید.

و اما ای مادر عزیز و مهربانم امیدوارم که مرا حلال بکنی و مرا ببخشی. چرا که شما با زحمت زیاد مرا بزرگ کرده‌ای با رنج زیاد وسایل راحتی و تحصیل ما را فراهم کردی حال که من در انجام وظایفم در مورد شما کوتاهی کردم شما ببخشی مرا که شما مادر من هستی و من فرزند شما و امیدوارم که حضرت زینب(**3**) را برای خودت الگو قرار بدهی تا در روز قیامت در پیش خانم زینب(**3**) رو سفید باشی.

و حدیثی داریم که: «**الجنة تحت اقدام الامهات**»[3] «بهشت زیر پای مادران است»

1- در بالای وصیت آمده است «وصیت‌نامه برادر اسدالله علی‌پور».

2- بخشی از آیه 156 سورهٔ بقره. ترجمه «همه از خداییم و به سوی او بازخواهیم گشت».

3- بحارالانوار، ج 27، ص 116.

بخصوص شما مادری که در تمام احوال و اوقات مراقب اعمال و رفتار من بودید.

مادر مرا حلال کن و از تمام دوستان و آشنایان برای من حلالیت بطلب و شما خواهران و برادران عزیزم که اگر شما را اذیتی داده‌ام مرا ببخشید و اگر از سخنان شما سرپیچی کرده‌ام و گوش نداده‌ام عذر می‌خواهم و امیدوارم که ادامه‌دهندهٔ راه تمام شهدای اسلام و قرآن باشید و برای من زیاد گریه نکنید و من راهی را انتخاب کرده‌ام که راه حسین(7) است و راه شهدای کربلا و ایران است و «راه پدرم که شهید شده» به خاطر اسلام و قرآن.

و احسنت[1] به شما مادرانی که چنین فرزندانی را برای قربانی شدن در راه اسلام آماده کرده‌اید و فدای علی‌اکبر[2](7) و قاسم[3](7) می‌کنید مادرم و خواهران و برادرانم صحیح است[4] که من شماها را بیشتر از چشمان خودم دوست دارم ولی اسلام را بیشتر از شما دوست دارم.

چند کلمه وصیتی به همکلاسانم و هم پایگاهی‌هایم:

دوستان همیشه به یاد خدا باشید و تمام کارهایی را که انجام می‌دهید به محض [رضای][5] خدا و برای خدا انجام دهید و راه این شهدای گرانقدر را ادامه دهید که این راه، راه امام حسین(7) است.

همکلاسانم درسهایتان را خوب بخوانید و اگر لازم شد به جبهه بروید و [هم]پایگاهیم[6] همیشه شب جمعه در دعای کمیل شرکت کنید و در هر پنجشنبه به مزار شهدا بروید و قبر شهدا را زیارت کنید و من از تمام دوستان و آشنایان و هم‌وطنانمان طلب مغفرت می‌کنم.

1- در اصل وصیت «احسن».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- ر. ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «هست».

5- در اصل وصیت واژه «رضای» از قلم افتاده است.

6- در اصل وصیت بخشی از واژه «هم‌پایگاهیم» از قلم افتاده است.

و در آخر از خداوند متعال می‌خواهیم که به امام خمینی طول عمر بدهد و رزمندگان کفر ستیر اسلام را به پیروزی [...][1] برساند آه چقدر لذت‌بخش است که انسان خویشتن را آماده کند به دیدار ربّش.

«والسلام»

بنده حقیر و گناهکار شما

اسدالله علی‌پور

مورخه 67/3/9

ضمناً 25 روز نماز و 12 روز روزه‌ام مانده است و به قضا رفته است. اگر شهید شدم در مزار شهدای مشگین‌شهر دفن نمایید.

«بسم رب الشهداء والصدیقین»

نشر شاهد

1- خوانا نیست.

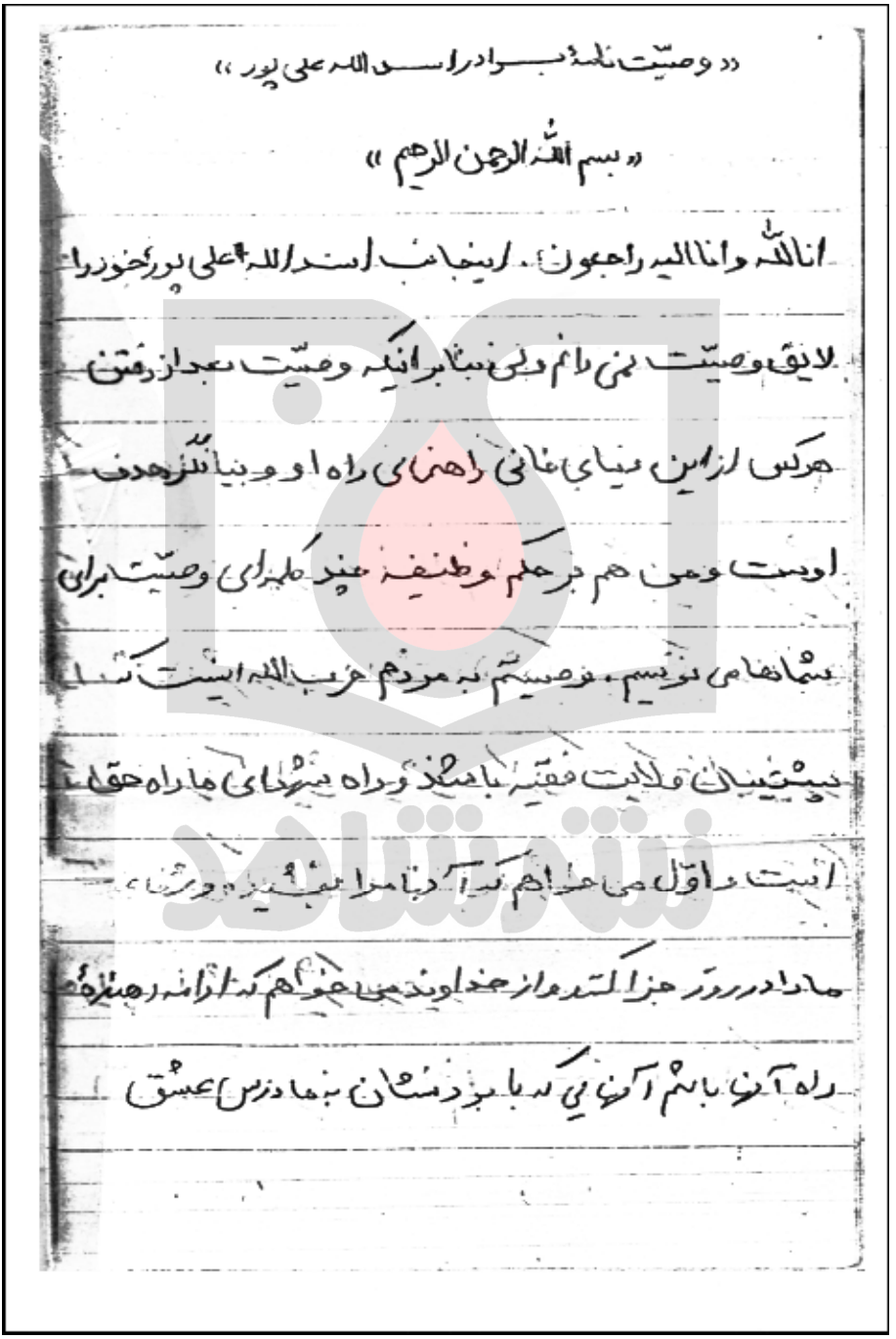

«وصیت نامه برادر اسدالله علی پور»

«بسم الله الرحمن الرحیم»

انا لله و انا الیه راجعون. اینجانب اسدالله علی پور خود را
لایق وصیت نمی دانم ولی بنا بر اینکه وصیت بعد از رفتن
هرکس از این دنیای فانی راهنمای راه او و بنا بر نذر هدف
اوست و من هم بر حکم وظیفه هیچ گاه برای وصیت برای
شما ها می نویسم. وصیتم به مردم عزیز الله این است که
پیشتیبان ولایت فقیه باشید و راه شهدای ما راه حق
است و اول می خواهم که آنها را فراموش نکنید و برای
ما دعا کنید و از خداوند می خواهم که ادامه دهنده
راه آنها باشیم آمین یا رب العالمین بنا مادرس عشق

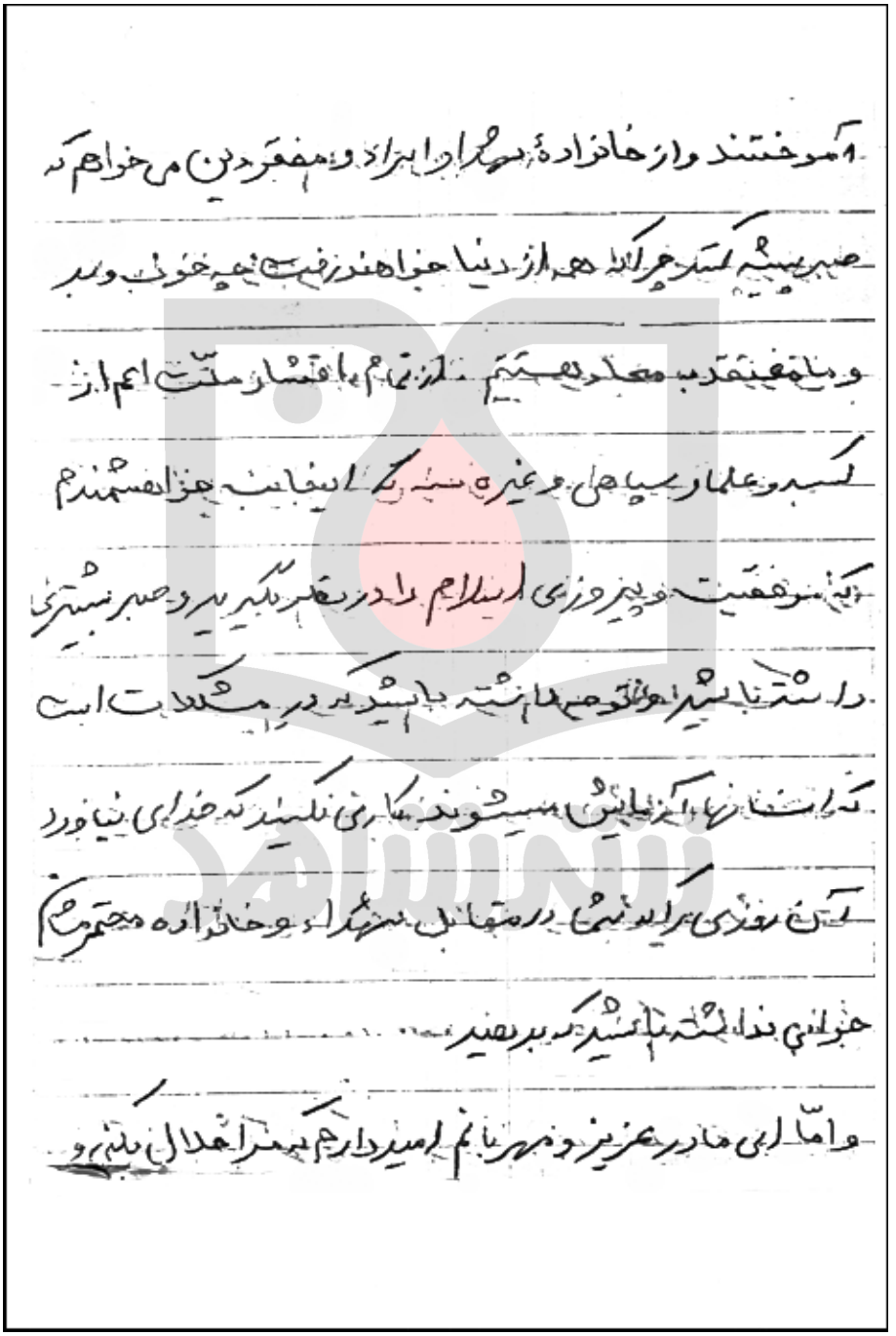

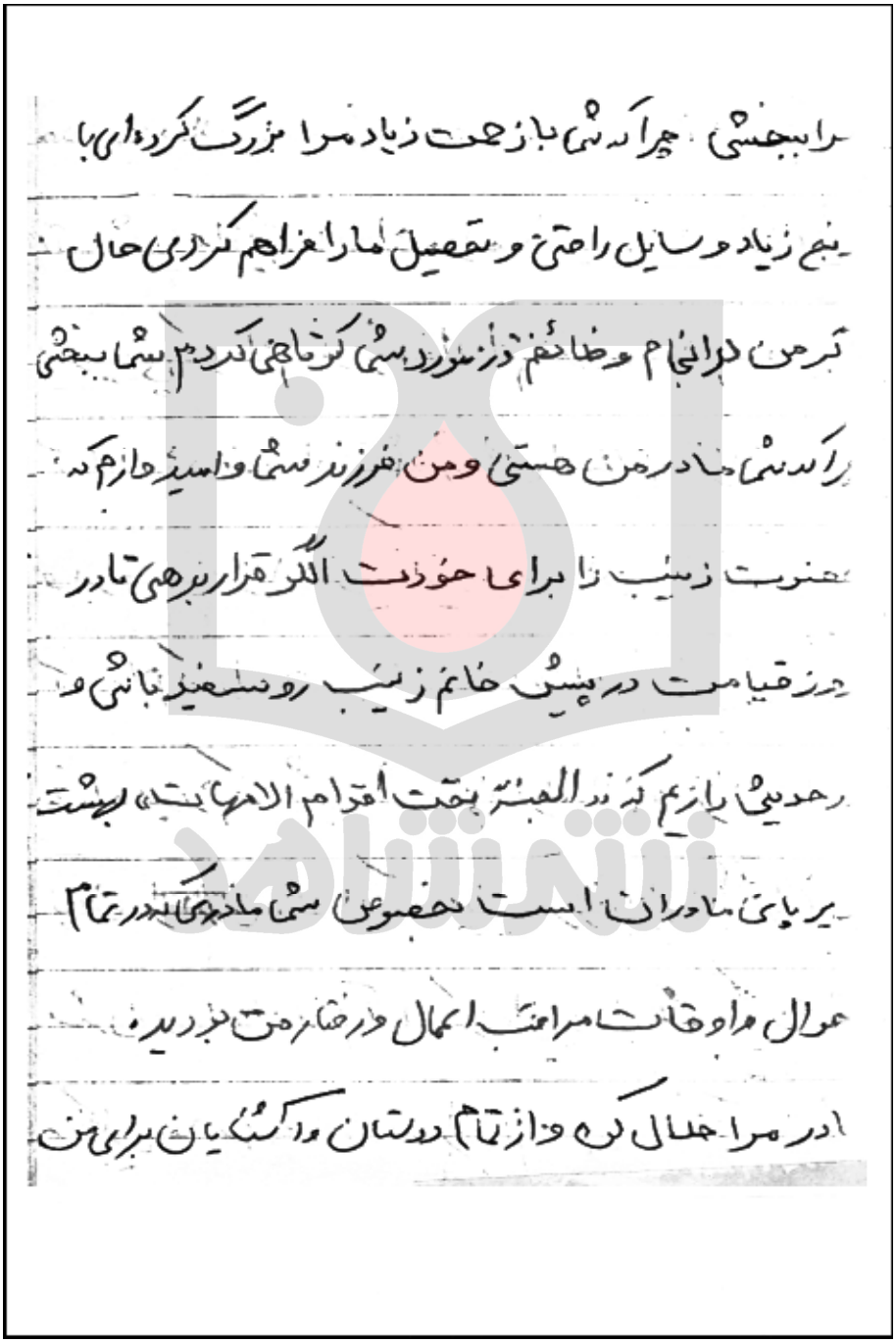

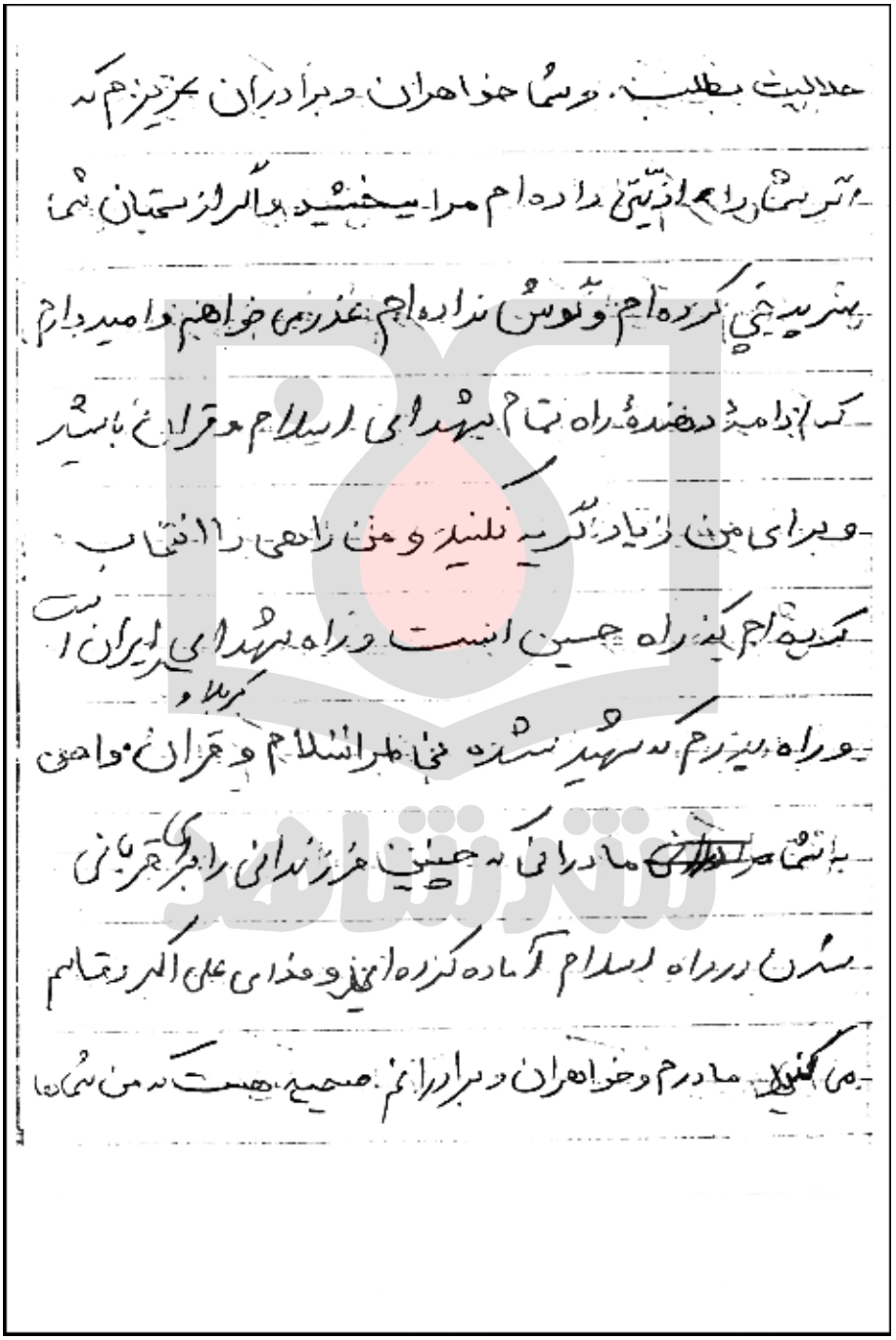

عدالت بطلبید. و شما خواهران و برادران عزیزم که
آثر من را از دنیا داده‌ام مرا ببخشید و اگر از دستان شما
بدرستی نکرده‌ام و توشه نداده‌ام عذر من خواهید و امیدوارم
که راه امام خمینی راه تمام شهدای اسلام و قرآن باشید
و برای من زیاد گریه نکنید و من راهی را انتخاب
کرده‌ام که راه حسین است و راه شهدای ایران است
و راه پیرزم که شهید شده تا اسلام و قرآن و ناموس
شما حفظ شود ما دریای که چنین مردانی را در جهان دارد
شکست در راه اسلام آماده کرده‌ایم و خدای علی اکبر و تمام
من کنیز مادرم و خواهران و برادرانم صحیح هست که من شما

از نیز از جیشان خوزم دوست دارم و لی اسلام را بیشتر از شما دوست دارم.

«سید که وصیتی به هکلاسانم و هم پایه‌ای‌هایم»

دوستان همیشه بیاد خدا باشید و قیام کارهایی را که انجام می‌دهید به محض خدا و برای خدا انجام دهید و راه این شهدای گرانقدر را ادامه دهید که این راه راه امام حسین است، هکلاسانم در رشته‌هایتان را خوب بخوانید که لازم شد اگر به جبهه بروید و با پایه‌هم همیشه شب جمعه دعای کمیل شرکت کنید و در هر پنجشنبه به مزار شهدا بروید و قبر شهدا را زیارت کنید. و من از تمام دوستان و کسانی که هم وطنانم طلب مغفرت می‌کنم.

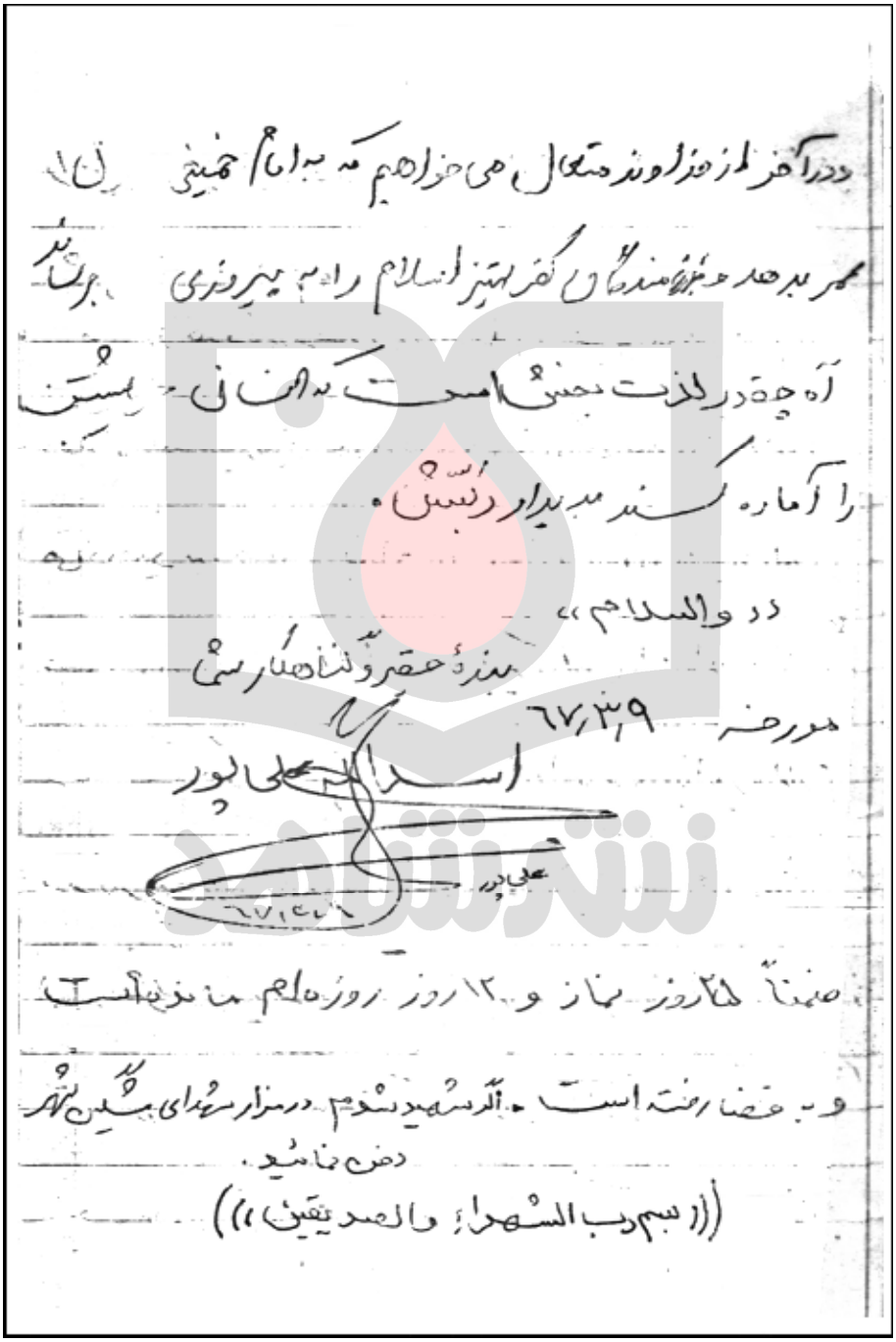

در آخر از خداوند متعال می‌خواهم که به امام خمینی
ما را بدهد و ما را از یاران راستین راه پیروزی
آنچه در لذت جنس است کمان نیست
را آماده کنند به دیدار رئیس
و السلام
بنده حقیر و ناچیز شما
مورخه ۶۷/۳/۹
اسدالله علی‌پور
علی‌پور
۶۷/۳/۹
صفتاً ۱۵ روز نماز و ۱۲ روز روزه‌ام قضا است
و قضا رفته است. اگر شهید شدم در مزار شهدای شهر
دفن نمایید.
((بسم رب الشهداء والصدیقین))

نام: **نادر**
نام خانوادگی: **علی‌پور عموقین**
نام پدر: **احمدعلی**
نام مادر: **مینا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1350
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم بهمن** 1364
محل شهادت: **فاو عراق اروند**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ما اکنون به سوی آزمایشی بزرگ می‌رویم که پذیرفته‌شدگان آن به درجه شهادت می‌رسند.
- اگر می‌خواهید در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود هیچ‌گاه زبان به شکایت نگشایید و آنچه را که از قدر و منزلت الهی شما می‌کاهد بر زبان نیاورید.
- برای من شهادت در راه خدا خیلی گواراتر از مرگ با ذلت و خواری در رختخواب است.
- زمانی که رفتن به جبهه یک تکلیف الهی است همه کسانی که توان رزم دارند باید به جبهه بروند.
- سلام مرا به رهبر برسانید و بگویید تا زنده هستم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد چون تو به ما مرد کارزار لقب داده‌ای و ما باید لایق این کلام باشیم.

نادر علی‌پور عموقین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[1].

«کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید چرا که آنان زنده‌اند و در نزد خدایشان روزی می‌خورند». (قرآن کریم)

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و یاور محرومان و مستضعفان و سلام بر مهدی(عج) منجی عالم بشریت و سلام بر رهبر عظیم‌الشأن و شجاع انقلاب اسلامی و امید مسلمانان جهان و سلام به روان پاک شهدای حقّ و حقیقت از صدر اسلام تا به امروز. و سلام بر خانواده گرامی خود و آشنایانم. از آنجا که بر مسلمین واجب است وصیّت نمایند من نیز به آن عمل می‌نمایم چرا که پیامبر اکرم(6) فرموده: هر که وقت مرگ وصیت خوب و کامل نکند در مروّت او نقصانی وجود دارد و به شفاعت نایل نشود. ما اکنون به سوی آزمایشی بزرگ می‌رویم که پذیرفته‌شدگان آن به درجه شهادت می‌رسند. در این جا من از خانواده خود می‌خواهم که خود را برای تحمل سختیها و مصیبتها آماده سازید و توصیه می‌کنم که دل قوی دارید که خداوند پشتیبان شماست و تنها اوست که دشمنان را به انواع عذابها و شکستها دچار می‌گرداند.

اگر می‌خواهید در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود هیچ‌گاه زبان به شکایت نگشایید و آنچه را که از قدر و منزلت الهی شما می‌کاهد بر زبان نیاورید. همه باید مثل مادر وهب[2] باشید که حتی برای تحویل گرفتن جسد فرزندش هم راضی نشد و فرمود: «سری که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم». برای من شهادت در راه خدا خیلی گواراتر از مرگ با ذلت و خواری در رختخواب است کسی که سرورش حسین(7) باشد و حسین(7) در صحرای کربلا بی‌سر بماند شیعهٔ او چگونه می‌تواند در آرامش بمیرد. تا زمانی که رفتن به جبهه یک تکلیف الهی است همه کسانی که توان رزم دارند باید به جبهه

1- آل‌عمران/ 169. در اصل وصیت «...ان ربهم...».

2- ر.ک. تعلیقات.

بروند. من عقیده دارم که شرکت در جنگ سن و سال به خصوصی[1] نمی‌خواهد و همه باید به نحوی به اسلام کمک نمایند، چرا که در عاشورای حسین(7) از فرزند شش ماه‌اش یعنی علی‌اصغر[2](7) گرفته تا حبیب ابن‌مظاهر[3] نود ساله برای زنده ماندن آیین محمدی و حفظ اسلام قربانی شدند. چه خوب است که من و امثال من شهید شوند اما بزرگترها فرزندانشان یتیم نمانند. در خاتمه مانند همه رزمندگان آرزو دارم سلام مرا به رهبر برسانید و بگویید تا زنده هستم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد چون تو به ما مرد کارزار لقب داده‌ای و ما باید لایق این کلام باشیم. در اینجا از همه شما و کسانی که بر گردن من حقی دارند حلالیت می‌طلبم و وصیت‌نامه را به اتمام می‌رسانم و همه شما را به خداوند توانا می‌سپارم.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند　　فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی[4] و هر دو جهانش بخشی[5]　　دیوانه تو هر دو جهان را چه کند[6]

«والسلام»

نادر علی‌پور

64/11/25

1- در اصل وصیت «خصوص».
2- ر. ک. تعلیقات.
3- ر. ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «کن».
5- در اصل وصیت «بخش».
6- از اشعار مناجات‌گونه خواجه‌عبدالله انصاری.

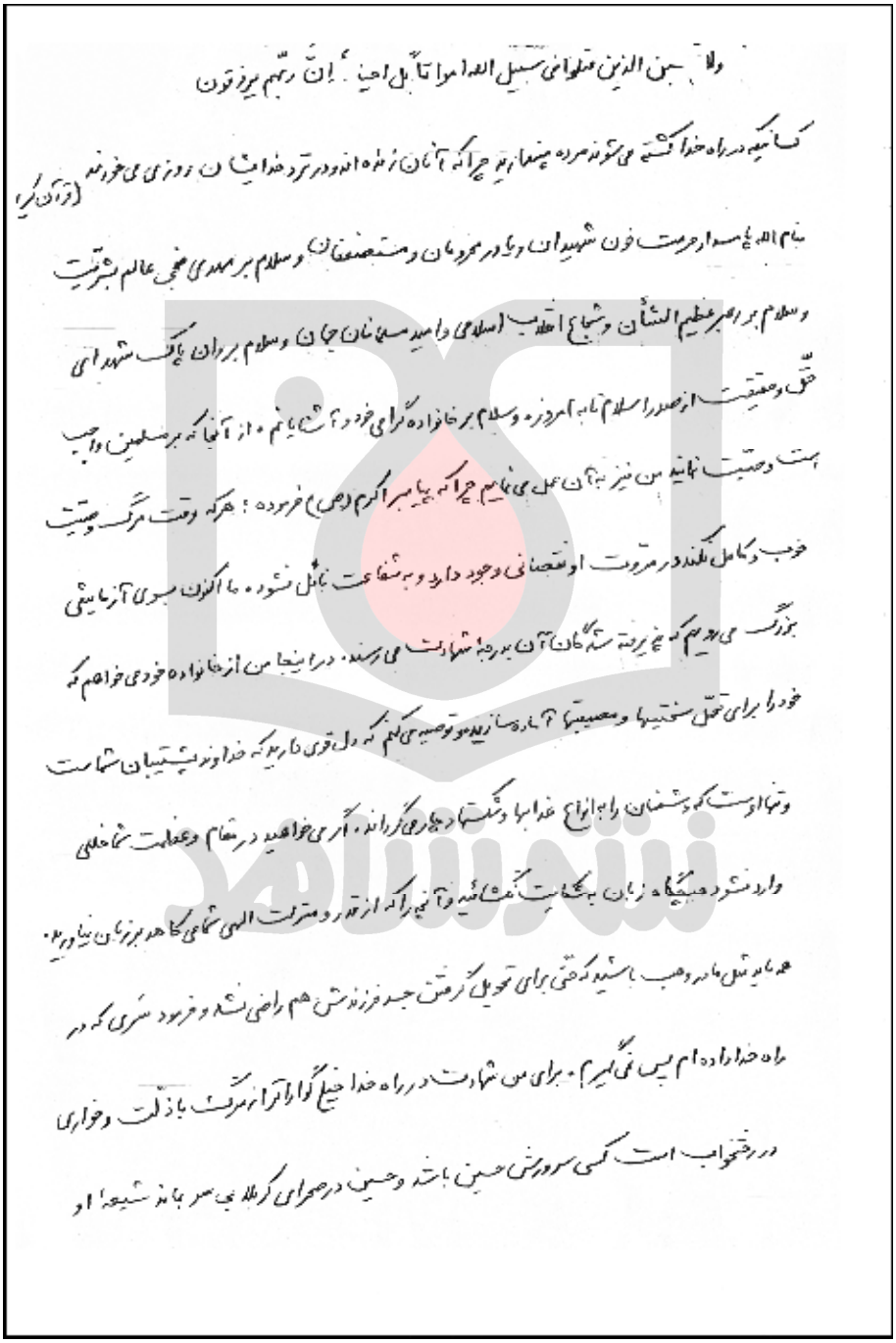

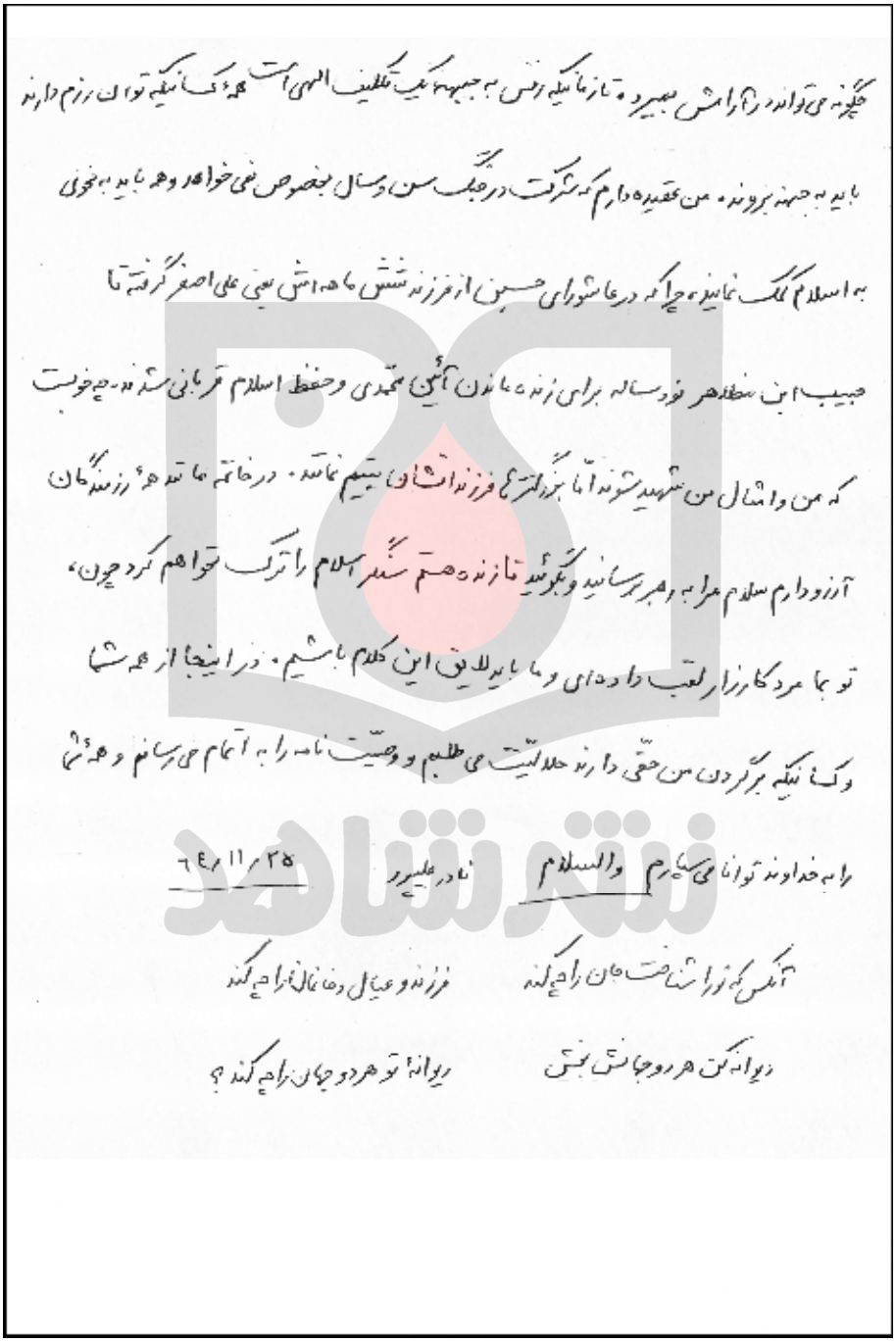

چگونه می‌تواند در آرامش بمیرد. تا زمانی که نفس به جسم است تکلیف الهی است هیچ کس نمی‌تواند رزم دارند
باید به جبهه بروند. من عقیده دارم که شرکت در جنگ سن و سال مخصوص نمی‌خواهد و همه باید به نحوی
به اسلام کمک نمایند، چرا که در عاشورای حسین از فرزند شش ماهه‌اش یعنی علی اصغر گرفته تا
حبیب ابن مظاهر نود ساله برای زنده ماندن آئین محمدی و حفظ اسلام قربانی شدند. چه خوب
که من و امثال من شهید شوند اما بزرگترین فرزندانشان یتیم نماند. در خاتمه ما تمام رزمندگان
آرزو دارم سلام مرا به رهبر برسانید و بگوئید تا زنده هستم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد چون،
تو با مرد کارزار لعب داده‌ای و ما باید لایق این کلام باشیم. در اینجا از همه شما
و کسانیکه برگردن من حقی دارند حلالیت می‌طلبم و وصیت نامه را به اتمام می‌رسانم و همه شما
را به خداوند توانا می‌سپارم والسلام نادر علیپور ۶۴/۱۱/۲۵

آنکس که ترا شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کند هر دو جهانش بخشد دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند؟

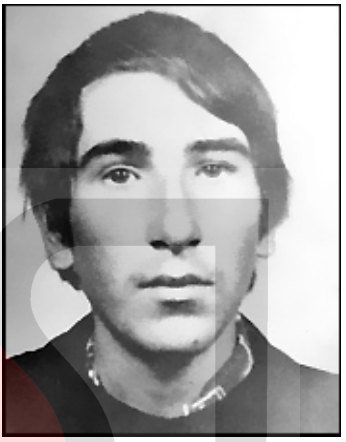

نام: **علی**
نام خانوادگی: **علیخانی**
نام پدر: **نصرت**
نام مادر: **علمناز**
تاریخ تولد: **پنجم بهمن** 1348
محل تولد: **روستای موئیل از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **در حد خواندن و نوشتن**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام بهمن** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای کربلای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

ا اگر بنده به شهادت نائل آمدم هیچ‌گونه ناراحت نباشید.

نشر شاهد

علی علیخانی[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

درود[2] فراوان به[3] امام امت و سلام بر شهیدان راه حقی[4].

پدر جان از من نگران نباشید و ازمادرم و برادر کوچک که دارم از آنها مواظب باشید. و اگر بنده به شهادت نائل[5] آمدم هیچ‌گونه ناراحت نباشید[6]. «**کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ**»[7] و از مادر مواظبت باش که خیلی گریه نکند و به[8] هیچ کس قرضی ندارم به غیر[9] از حاج‌حسین رستگاری که چهل تومان قرض دارم.

در عملیات خیبر[10] علی‌خانی
روستای موئیل
مورخه 2/11/28
اعزامی[11] از مشگین‌شهر[12]

1- بالای وصیت آمده است «وصیت‌نامه علی علیخانی».

2- در اصل وصیت «دورد».

3- در اصل وصیت «با».

4- در اصل وصیت «راهی حقی».

5- در اصل وصیت «نائیل».

6- در اصل وصیت «نه‌باشید».

7- بخشی از آیه 185 سوره آل‌عمران. ترجمه «هر جانداری چشنده مرگ است».

8- در اصل وصیت «از».

9- در اصل وصیت «قیر».

10- ر. ک. تعلیقات.

11- در اصل وصیت «عظام».

12- در انتهای وصیت پدر شهید علیخانی وصیت را به دست خط و اثر انگشت خود تأیید نموده است «صحت دست خط فرزند شهیدم علی علیخانی را گواهی می‌نمایم. نصرت».

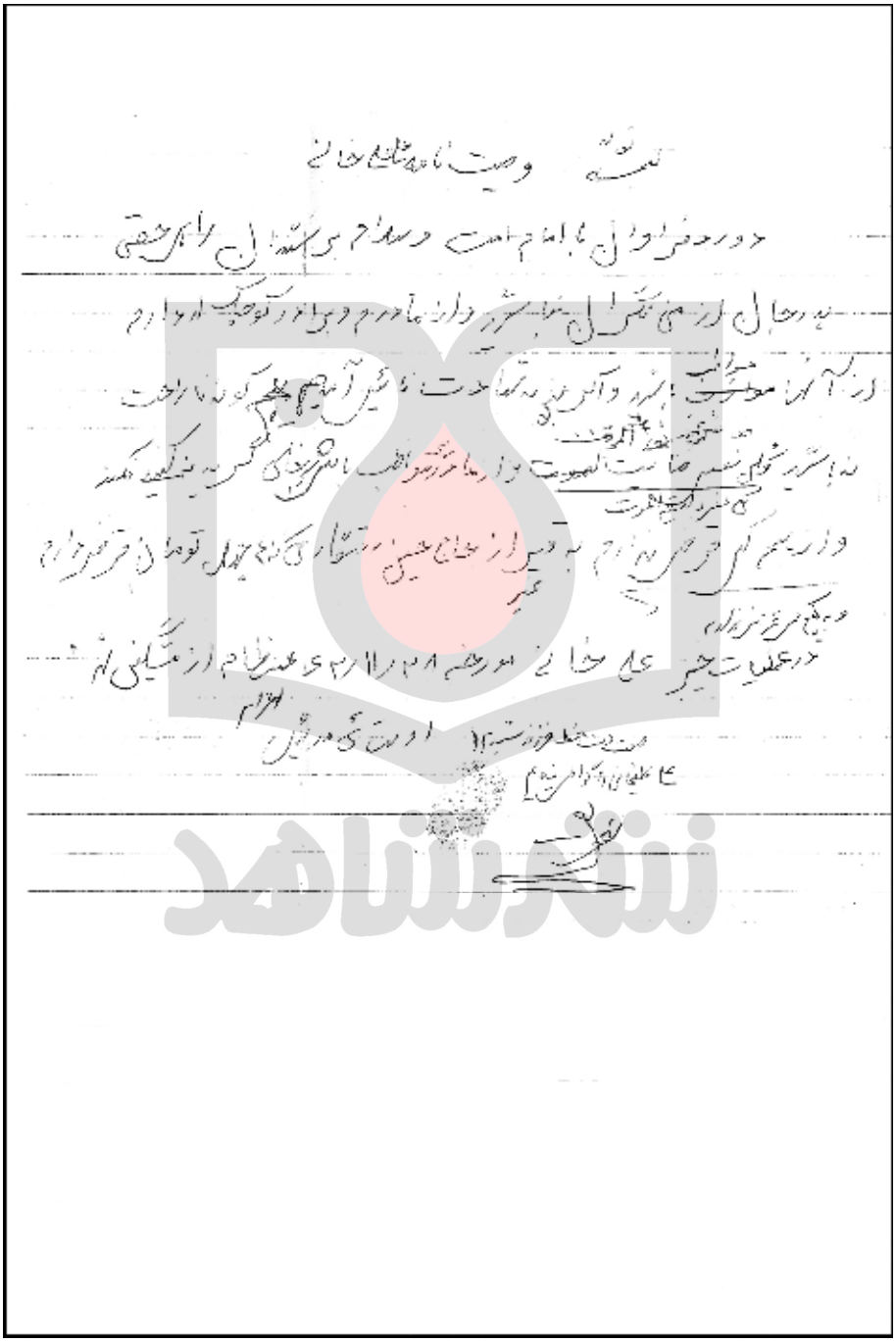

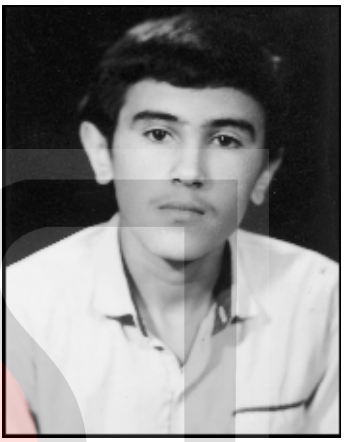

نام: **حمدالله**
نام خانوادگی: **علی‌خواه مغانلو**
نام پدر: **قدرت**
نام مادر: **تلی‌بیگم**
تاریخ تولد: **سوم شهریور** 1349
محل تولد: **روستای یوزقویی از توابع طایفه مغانلو پارس‌آباد**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای غریبان اردبیل**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا تو خود می‌دانی که هدف ما برای آن است که پرچم اسلام را زنده نگه داریم.
- من این راه را که می‌روم آنرا آزادانه و آگاهانه انتخاب کرده‌ام و امیدوارم که موجب خشنودی خداوند باشد.
- از پدر و مادر خودم و برادرانم و از شما ملت ایران می‌خواهم که همیشه دعاگوی امام امت و رزمندگان اسلام باشید.
- مسجدها را خالی نگذارید.
- سعی کنید در خط امام باشید.
- سخنان امام را گوش کنید.
- قرآن را بخوانید و به آن عمل کنید.

حمدالله علی‌خواه‌مغانلو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

آیه: «**وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ**»[1].

«مپندارید[2] آنان که در راه خداوند کشته می‌شوند مردگانند[3] بلکه آنان زنده هستند و در نزد پروردگار خودشان روزی می‌خورند[4]».

«آنان[5] که هجرت کردند و در راه خداوند جهاد نمودند از جان و مالشان در راه خداوند گذشتند برای آنان پاداش[6] بزرگی وجود دارد»[7]. «خدایا تو خود می‌دانی که هدف ما نه برای آن است که به ریاست و یا به سلطنت برسیم بلکه برای آن است که پرچم اسلام را زنده نگه داریم.(امام حسین(**7**))

من این راه را که می‌روم آ نرا آزادانه و آگاهانه انتخاب کرده‌ام و امیدوارم که موجب خشنودی خداوند باشد، و من راهی را انتخاب کرده‌ام و آن را بر همه چیزم[8] ترجیح دادم همان راهی است که در حدود 1400 سال پیش امام حسین(**7**) با شهادت خود و یارانش جهت پا برجا ماندن اسلام عزیز و دادن درس آزادگی بر ملتها آن را انتخاب کرد.

خداوندا ما جز[9] ذره‌ای چیز دیگری در پیشگاه با عظمت تو نیستیم و فقط تو مهربان پادشاه جهان و جهانیان هستی و تو هستی که گناهان ما را می‌بخشی و راه بزرگت را برای انسانها نشان می‌دهی، پس خدایا ما انسانها را به راه راست هدایت بفرما و عمر امام امت را

1- آل عمران/ 169. در اصل وصیت «...قتلو...».

2- در اصل وصیت «گمان مپندارید».

3- در اصل وصیت «مرده‌گانند».

4- در اصل وصیت «می‌خورنند».

5- در اصل وصیت «آنا».

6- در اصل وصیت «پادش».

7- ترجمه آیه 20 از سورهٔ توبه. «الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ».

8- در اصل وصیت «...آن را بر چیزم...».

9- در اصل وصیت «جزء».

طولانی و رزمندگان اسلام را پیروز بفرما و مظلومین را بر ظالمین پیروز بگردان.

اگر من مورد قبول ایزد متعال شدم و در این راه شهید شدم چشمان و دستهای مرا باز بگذارید تا دنیا بداند که من با دست خالی از این دنیا رفتم. پدر و مادر عزیزم بر من گریه نکنید و اگر گریه کردید بر امام حسین(**7**) و یاران با وفای او گریه کنید چرا که می‌گویند[1] در روز قیامت دو دسته در صف امام حسین(**7**) قرار می‌گیرند یک دسته شهیدان هستند و دسته دیگر کسانی هستند که با قلب پاک، با خلوص نیت بر امام حسین(**7**) گریه می‌کنند.

از پدر و مادر خودم و برادرانم و کسانی که بنده آنها [را][2] می‌شناختم از آنها می‌خواهم که مرا حلال بکنند و از شما ملت ایران می‌خواهم که همیشه دعاگوی امام امت و رزمندگان اسلام باشید و مسجدها را خالی نگذارید و سعی کنید در خط امام باشید.

به سخنان امام، گوش کنید و قرآن را بخوانید و به آن عمل کنید. امیدوارم که ملت ایران [در] این جنگ که بر ما تحمیل شده است پیروز بشوند و پرچم عزیز اسلام را بر روی این بلندگوهای[3] این فاسقان که خودشان را مسلمان جلوه می‌دهند به اهتزاز بیاورند تا اسلام در سرتاسر جهان حاکم بشود و احکام و دستورات قرآن در تمام جوامع بشری مورد اجرا قرار گیرد و ملتها بر سرنوشت اجتماعی خودشان حاکم بشوند.

«والسلام»

خداوند یارویاورتان باشد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار از عمر ما بکاه[4] و بر عمر امام بیفزا!

این حسین کیست که همه عالم دیوانه اوست این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست[5]

1- در اصل وصیت بخشی از واژه «می‌گویند» از قلم افتاده است.

2- در اصل وصیت «را» از قلم افتاده است.

3- در اصل وصیت «بلندگویهای».

4- در اصل وصیت «بکاهو».

5- در اصل وصیت مصرع دوم «این حسین کیست که جانها همه پروانه اوست».

بسم الله الرحمن الرحیم

آیه: ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون
گمان مبرید آنانکه در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه آنان زنده هستند
و در نزد پروردگارشان روزی داده میشوند.

آنانکه عاشقانه در راه خدا و با نهایت جانبازی و جانفشانی در راه خدا و به خاطر
بیان آنان پاداش بزرگی وعده داده‌اند.
خدایا تو فقط میدانی که هدف ما نه بیان آن است که به ریاست و یا به سلطنت برسیم
نکته بالای آن است که پرچم اسلام را زنده نگه داریم امام حسین (ع).
من این راه را که می‌روم آنرا انتخاب کرده‌ام انتخاب کرده‌ام که موجب خشنودی
خداوند شده و من راه را انتخاب کرده‌ام و آنرا بر چیزهای دیگر ترجیح داده‌ام
چهارده سال پیش، امام حسین (ع) با شهادت خود و یارانش فقط پایه‌های
اسلام را پی‌ریزی کردند و ما آنرا انتخاب کرده‌ایم.
خداوندا ما را در راه پیروزی و پیشبرد اهداف مقدس انقلاب اسلامی و حفظ و تقویت
پایه‌های آن و جهاد در راه تو یاری فرما و ما را در راه عزت و ارتقای اسلام
و مسلمین یاری فرما و ما را از شر منافقین و کفار حفظ فرما.
خدایا ما را در راه اسلام و انقلاب اسلامی ثابت قدم بدار و ما را از پیروان
واقعی امام زمان (عج) قرار بده.
آنرس مرا قبل از دستگیر شدم در این راه شهید شدم چشمان و دستهای

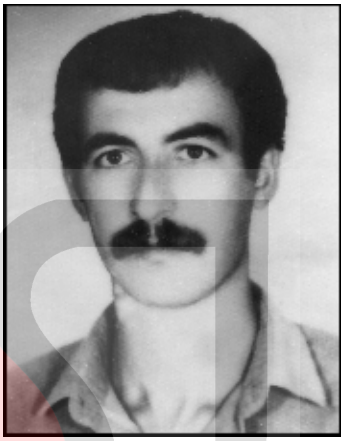

نام: **اصلان**
نام خانوادگی: **علی‌زاده**
نام پدر: **قربانعلی**
نام مادر: **طیبه**
تاریخ تولد: **دوم خرداد** 1340
محل تولد: **روستای بنیادآباد از توابع شهرستان کوثر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم مهر** 1360
محل شهادت: **دب‌حردان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- فقط یک چیز به شما ملت ایران توصیه می‌کنم و آن هم حمایت از ولایت فقیه است.
- شما ای فرزندان میهن اسلامی ایران! در زندگی سعی کنید فرد مفیدی برای جامعهٔ اسلامی باشید.
- این انقلاب را به صاحب اصلیش امام عصر(عج) تحویل دهید.

نشر شاهد

اصلان علی‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

ای خوشا با فرق خونین در لقای یـار رفـتن سر جدا پیکر جدا در محفـل یـار رفـتن

***

عاشقان را عشق فرمان می‌دهد منزل به منزل گه بـه خـاک تیـره گـه فـراز دار رفـتن

با درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایـران و ملـت آگـاه و فهـیم و همیـشه در صحنه ایران اسلامی.

هنگامی که این وصیت‌نامه را می‌نویسم در دلم یاد از امام حسین(**7**) مـی‌کـنم یـاد از مصیبتهای کربلایی او و به این نتیجه می‌رسم که هرچند نمی‌توانیم حتی خاک پای او باشیم ولی از ادامه‌دهندگان راهش می‌توانیم باشیم هنگامی که شما وصیت‌نامه‌ام رامی‌خوانیـد مـن درمیان شما نیستم و به سرای باقی شتافته‌ام فقط یک چیز به شما ملت ایران توصیه می‌کـنم و آن هم حمایت از ولایت فقیه است چرا که اسلام با او زنـده اسـت و شـما ای فرزنـدان میهن اسلامی ایران! در زندگی سعی کنید فرد مفیدی برای[1] جامعهٔ اسلامی باشید و همـواره در پیشرفت و توسعه این آب و خاک بکوشید و این انقـلاب را بـه صـاحب اصـلیش امـام عصر(عج) تحویل دهید.

بنده و خاک پای اسلام و قرآن

اصلان علی‌زاده

[2]65/7/30

1- در اصل وصیت «به».

2- علت مغایرت زیاد تاریخ تحریر وصیت با تاریخ شهادت می‌تواند این باشد که شهید به همـان وصـیت اولیـه اکتفـا کرده یا وصیت دیگری از او بدست نیامده است.

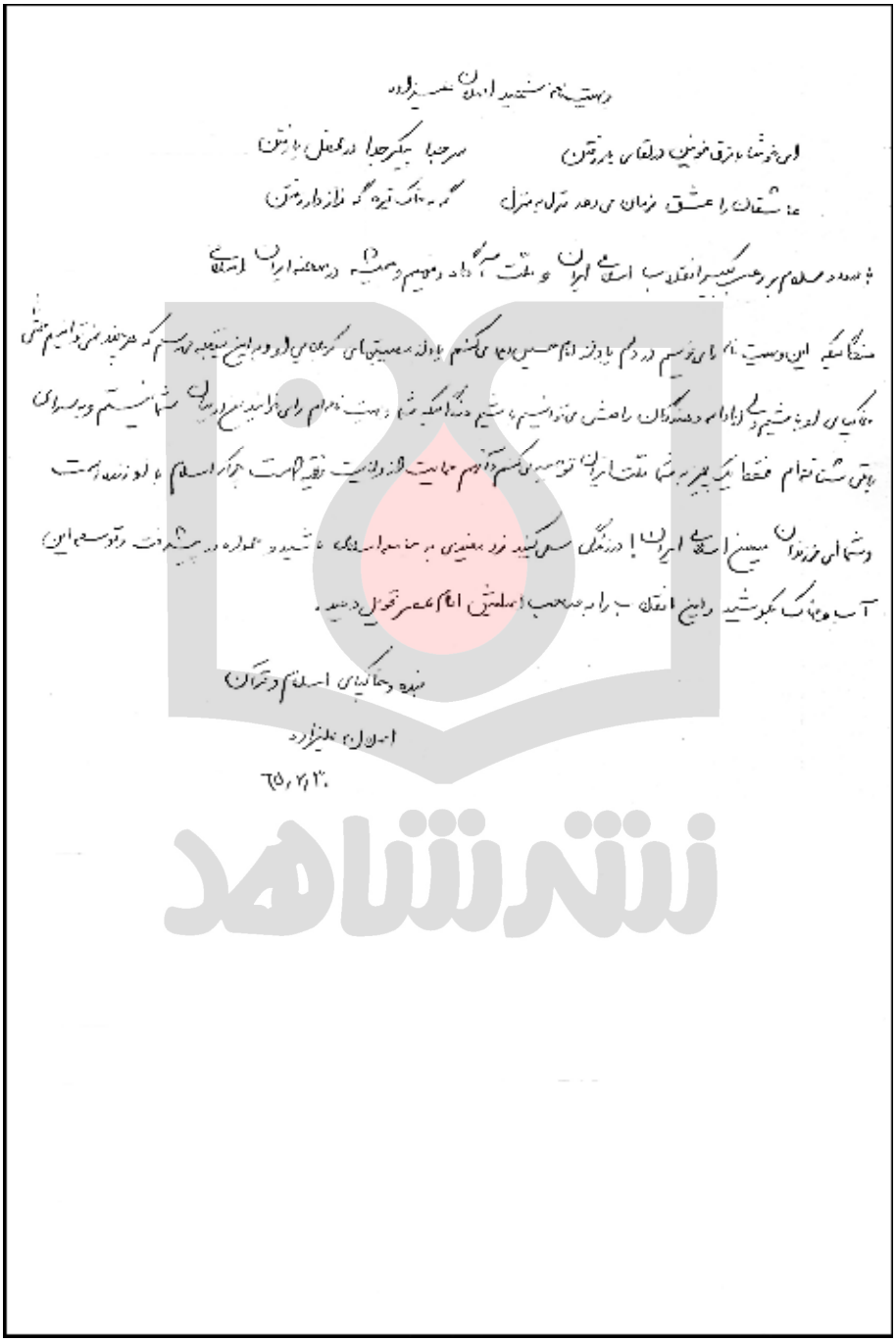

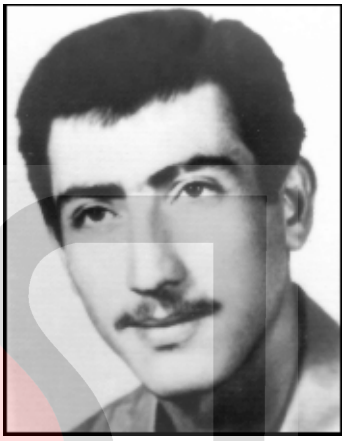

نام: **قدمعلی**
نام خانوادگی: **علی‌زاده**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **تازه‌گل**
تاریخ تولد: **سوم اردیبهشت** 1339
محل تولد: **روستای یل‌سویی‌انگوت از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **چهارم شهریور** 1361
محل شهادت: **مهاباد**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- تبارم به حسین(**7**) می‌رسد و رهبرم خمینی است راهمان راه علی(**7**) به صفحه تاریخ حک کرده است و همراهان و یارانم رزمندگان هم رکاب امام زمان(عج) است.
- هر لحظه امکان شهادت هست و آن چه لذتی دارد که انسان در راه اسلام شهید بشود.
- در اینجا شما کاملاً حماسه بچه‌ها را احساس می‌کنید بدون اینکه احساس خطر کنند می‌جنگند و از مرگ هراسی ندارند.

شهرشاهد

قدمعلی علی‌زاده[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«رَبَّنَا آمَنَّا[2] بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا[3] الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ[4] الشَّاهِدِينَ»[5]

پروردگار به آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و پیامبر را پیروی کردیم پس نام ما را در گروه[6] شاهدان بنگار.

نامم قدمعلی است، نام خانوادگی‌ام علیزاده، تبارم به حسین(**7**) می‌رسد و رهبرم خمینی است راهمان راه علی(**7**) به صفحه تاریخ حک کرده است و همراهان و یارانم رزمندگان هم رکاب امام زمان(عج) هستند در این لحظات با غرور عقاب و سربلندی خورشید کفر جهانی غرب[7] و شرق[8] و نوکر جیره‌خوارشان[9] صدام[10] یزید[11] کافر و یاران داخلی مرتجعش منافقین[12] و ضد انقلاب[13] کُرد کثافت را به نبردی جانانه آنچنان که لایق رزمندگان مسلمان است می‌خوانم برادران و خواهران عزیزم و دوستان مهربانم از خدای متعال سعادت شما را خواستارم من به‌مدت 22 ماه است که در جبهه حق علیه باطل در کردستان هستم تا [آخرین] پایان خدمتم را در اینجا[14] باقی می‌مانم و چند بار هم با منافقین

1- در بالای وصیت سمت چپ شهید نوشته «61/5/9».
2- در اصل وصیت «آما».
3- در اصل وصیت «اتبنا».
4- در اصل وصیت واژه «مع» از قلم افتاده است.
5- آل‌عمران/ 53.
6- در اصل وصیت «گره».
7- ر.ک. تعلیقات.
8- ر.ک. تعلیقات.
9- در اصل وصیت «جیرخوارشان».
10- ر.ک. تعلیقات.
11- در اصل وصیت «یزد».
12- ر.ک. تعلیقات.
13- در اصل وصیت «اینقلاب».
14- در اصل وصیت «اینجاه».

[را][1] درگیر شدم و چند تا از دوستانم [را] شهید کردند و آن وقت‌من هم آرزوی شهادت می‌کردم ولی آن موقع نصیب ما نشد و عده‌ای از ضد انقلابیون[2] را به جهنم واصل کردیم تعدادشون خیلی زیاد بود برادران و خواهران عزیزم مایل نبودم که نامه بنویسم ولی دلم نیامده شما در نگرانی باشید و این‌آخرین نامه ما خواهد بود که برای شما می‌فرستم چون در اینجا نمی‌توانی بگویی آیا زنده خواهی بود یا نه هر لحظه امکان شهادت هست و آن چه لذتی دارد که انسان در راه اسلام شهید بشود برادر بزرگوارم، پدرم و مادرم زنده نیستند به آنها نامه بنویسم پدرم و مادرم مدت 17 سال است که از دنیا رفته شما به جای پدرم بودی و خیلی برای ما زحمت کشیدی من نتوانستم برای شما برادر خوبی باشم برادر جان اگر بدی از من دیدید مرا ببخشی من خودم را در مقابل شما خیلی مقصر می‌بینم ولی چه کنم حال دیر شده انشاءالله در آینده جبران آن می‌شود در هر صورت در اینجا شما کاملاً حماسه بچه‌ها را احساس می‌کنید بدون اینکه احساس خطر کنند می‌جنگند و از مرگ هراسی ندارند برادرجان اگر من شهید شدم مرا ببخشی و [به] دوستانم و تمام فامیلهایم[3] بگویید[4] مرا ببخشند.

خدایا خدایا تا انقلاب[5] مهدی خمینی را نگه‌دار

با اجازه‌ات به پایان می‌رسانم امید دیدار.

سرباز احتیاط قدمعلی علیزاده

«والسلام»[6]

1- واژه «را» در اصل وصیت اضافه است.

2- در اصل وصیت «اینقلابیون».

3- در اصل وصیت «فامیلانم».

4- در اصل وصیت «بگوید».

5- در اصل وصیت «اینقلاب».

6- در اصل وصیت «واسلام».

وصیتنامه شهید قدمعلی علیزاده

بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا الشاهدین پروردگارا به آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و پیامبر را پیروی کردیم پس نام ما را در گروه شاهدان بنگار =

نامم قدمعلی است = و نام خانوادگی‌ام علیزاده = تبارم به حسینی میرسد و همبرم حسینی است راهمان راه علی (ع) در صفحه تاریخ حک کرده است و همراهان و یارانم رزمندگان هم رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند دران لحظات با غرور عقاب و سربلندی خورشید کفر جهانی غرب و شرق و نوکر جیره خوارشان صدام یزد کافر و یارانِ داخلی مرتجعش منافق را در خط انقلاب گرد کشانده است را به نبردی جانانه آنچنانکه لایق رزمندگان مسلمان است میخوانم برادران و خواهران عزیزم و دوستان مهربانم از خدای متعال سعادت شما را خواستارم من به مدت ۲۲ ماه هست که در جبهه حق علیه باطل در کردستان هستم تا آخرین پایان خدمتم را در اینجا باقی می‌مانم و چند بار هم با منافقین از درگیر شدم و چندتا از دوستانم شهید کردند و آنوقت من هم آرزوی شهادت میکردم ولی آن موقع نصیب ما نشد و هدیه‌ای از رزمندگان انقلاب بیوان را به جهنم واصل کردیم تعداد شون خیلی زیاد بود برادران و خواهران عزیزم مایل نبودم که نامه بنویسم ولی دلم نیامده شما در نگرانی باشید و این آخرین نامه ما خواهد بود که برای شما میفرستم چون در اینجا نمی توان بگوید آیا زنده خواهی بود یا نه هر لحظه امکان شهادت هست و آن چه لذتی دارد که انسان در راه اسلام شهید بشود و برادر بزرگوارم پدرم و مادرم زنده نیستند به آنها نامه بنویسم پدرم و مادرم مدت ۱۷ سال است که از دنیا رفته شما بجای پدرم بودی و خیلی برای ما زحمت کشیدی من نتوانستم برای شما برادر خوبی باشم برادران اگر بدی از من دیدید مرا ببخشید من خودم را در مقابل شما خیلی مقصر می بینم ولی چه کنم حال دیر شده (انشاالله در آینده جبران آن میشود (در هر صورت در اینجا شما کاملا حس سه بعد ما را احساس می کنید بدون آنکه احساس خطر کنید می جنگند و از مرگ هراسی ندارند برادران اگر من شهید شدم مرا ببخشید و دوستانم و تمام فامیلانم بگوید مرا ببخشند و اسلام =

خدایا خدایا تمام انقلاب مهدی خمینی را نگهدار با اجازه ات به پایان میرسانم امید دیدار

سرباز احتیاط قدمعلی علیزاده

نام: **کیان**
نام خانوادگی: **علی‌زاده**
نام پدر: **التفات**
نام مادر: **تاج‌سر**
تاریخ تولد: **پانزدهم اردیبهشت** 1347
محل تولد: **شهرستان پارس‌آباد**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **سی‌ام تیر** 1366
محل شهادت: **سردشت**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای وادی‌رحمت زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سپاس خدای را که بر ما منت گذاشت و چنین نعمت بزرگی را نصیب ما کرد و ما را از ظلمت به نور هدایت کرد تا بتوانم چنین تحول عظیمی را نه تنها در کشور خود بلکه در جهان به وجود آوریم.
- این بزرگترین افتخار برای ماست که فرماندهی لشکریانمان را حضرت مهدی(عج) به عهده دارد.
- با آگاهی بر اینکه چه راهی را می‌روم و با ایمان به تو و طرفداری از حق و [در] مبارزه با کفر آمده‌ام.
- جنگ را همان گونه که امام امت گفته در رأس مسائل خود بدانید.
- قدر این امام را بدانید و مبادا با سخنان خود قلب وی را برنجانید.
- امیدوارم از شهادت من ناراحت نباشید بلکه با دلداری دادن به خانواده‌های دیگر شهدا خوشحال بوده باشید چرا که شما هم با قربانی نمودن یک فرزند خود در ردیف خانواده‌های شهدا قرار گرفتید.
- مساجد را خالی نگذارید.
- بار خدایا رضای من رضای توست.

نشر شاهد

کیان علی‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به نام الله یار و یاور مستضعفان و در هم‌کوبنده مستکبران، به نام خدا که همه چیزم از اوست به نام او که زندگیم در خدمت اوست، به نام او که زنده به او و از اویم، به نام او که زندگیم به خاطر اوست او که شدنم در جهت اوست، بودنم از اوست، رفتنم به اوست و مقصود و مرادم از اوست.

سپاس خدای را که بر ما منت گذاشت و چنین نعمت بزرگی را نصیب ما کرد و ما را از ظلمت به نور هدایت کرد تا بتوانم چنین تحول عظیمی را نه تنها در کشور خود بلکه در جهان به وجود آوریم این بزرگترین افتخار برای ماست که فرماندهی لشکریانمان را حضرت مهدی(عج) به عهده دارد، سلام بر مهدی(عج) و سلام بر نایب برحقش امام خمینی و سلام بر پیروان راستین اسلام و سلام بر شهیدان اسلام از کربلای حسینی تا کربلای خمینی. الحمدالله که توفیق الهی شامل حالم شد و در زمان ولایت و امامت نایب برحق امام زمان(عج) خمینی بت‌شکن در جنگ سپاه اسلام با سپاه کفر تحت فرماندهی مولا امام زمان(عج) با آگاهی تمام راه حق و حقیقت را انتخاب و به این نعمت عظیم[1] (شهادت) که سعادت دو جهان در آن نهفته است برسم و با درود و سلام بر تمام شهدای راه اسلام. اول رو به خدا کرده می‌گویم که پروردگارا من با چشمانی روشن و با آگاهی بر اینکه چه راهی را می‌روم و با ایمان به تو و طرفداری از حق و [در] مبارزه با کفر [و] آمده‌ام نه به خاطر ریا و تکبر و خودنمایی و برای مبارزه با نفس و کامل کردن ایمان خود این راه را انتخاب کردم پس پروردگارا تو خود مرا بیامرز و از گناهانم در گذر و جزو[2] اولیای خود قرار ده.

اما سخنی با ملت قهرمان و شهیدپرور ایران عزیز [که][3] به عنوان تذکر می‌باشد نه به عنوان پیام بلکه ما لیاقت پیام دادن را نداریم و پیام را شهیدان و جوانان عزیز شما دادند و

1- در اصل وصیت «عظیمی».

2- در اصل وصیت «جزء».

3- در اصل وصیت واژه «که» از قلم افتاده است.

در واقع پیام را شهدای هویزه[1] و شلمچه[2] و دزفول و خرمشهر سایر شهیدان دادند به جوار حق تعالی پیوستند و این سخنان پیام آنها است[3] و آن اینکه امام را تنها نگذارید و در راهپیمایی‌هایتان با امام امت تجدید و پیمان نمایید.

جنگ را همان‌گونه که «امام امت گفته در رأس مسائل خود بدانید»[4] و دیگر وصیتم عمل به قرآن و نهج‌البلاغه و سخنان دیگر ائمه معصومین می‌باشد، آن کسانی که ایمان آوردند پیکار می‌کنند در راه خدا و کسانی که کفر ورزیدند پیکار می‌کنند در راه طاغوت[5] چرا که پیکار ما به امر خدا است و پیکار انسان به امر هوای نفس و شیطان است پس ای برادران جهاد کنید در راه خدا با جان و مال[6] [وصیتم به شما] این است که سرای من و امثال من طلب استغفار نمایید وصیت دیگرم این است که تقوای[7] خدا را پیشه کنید «اوصیکم به تقوی‌الله و نظم امر منکم» علی(7)[8].

و مبادا با گریه و شیون راه را برای ستون پنجم دشمن هموار سازید و امیدوارم که راه شهیدان را ادامه داده و هیچ [...][9] نشان ندهید و مرا حلال کنید و به همه می‌گویم قدر این امام را بدانید و مبادا با سخنان خود قلب وی را برنجانید و حتماً به تمام گفته‌های وی عمل کنید.

اما بعد سخنی با پدر و مادر عزیزم: من می‌دانم که شما عزیزان در بزرگ کردن و تربیت نمودن من زحمات بی‌شماری تحمل کرده‌اید و بیشتر اوقات گرانبهای[10] خود را در تربیت

1- ر. ک. تعلیقات.

2- ر. ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «هستند».

4- (صحیفه امام، ج 20، ص 321).

5- برداشتی است از آیه 76 سوره نساء «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ».

6- اشاره دارد به آیه 20 سوره توبه «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».

7- در اصل وصیت «تقوی».

8- فرازی است از وصیت‌نامه حضرت علی(7) به امام حسن(7) و امام حسین(7). (شرح نهج‌البلاغه، ص 47، ج 5).

9- خوانا نیست.

10- در اصل وصیت «گرنبهای».

من صرف نموده‌اید و امیدوارم مرا حلال کنید چرا که من نتوانستم تمام زحمات شما را جبران نمایم و امیدوارم از شهادت من ناراحت نباشید بلکه با دلداری دادن به خانواده‌های دیگر شهدا خوشحال بوده باشید چرا که شما هم با قربانی نمودن یک فرزند خود در ردیف خانواده‌های شهدا قرار گرفتید و از تمام برادران و خواهران مهربانم تقاضای حلالیت می‌نمایم و در آخر از تمام برادران و خواهران غیور ایرانی درخواست می‌نمایم مساجد را خالی نگذارید و در نمازهای جمعه و جماعت با تمام توان و با شکوه بیشتر شرکت نمایید چرا که تمام دشمنان از صفوف فشرده شما ملت غیور می‌هراسند. بار خدایا رضای من رضای توست پروردگارا مخواه دشمنان تو بر ما پیروز شوند، بار خدایا تو خود روح‌الله را این مظهر پاکی و شهامت را این نشانه اسلام راستین را این فرزند پاک محمد(**6**) این تنها امید مستضعفان جهان را این منجی ایران و بنیان‌گزار جمهوری اسلامی را این مرد و مرد دین و سیاست را این خمینی نمونه دینت را یاری فرما و او را تا ظهور حضرت مهدی(عج) برای[1] ما نگه‌دار و بار پروردگارا در ظهور آقا امام زمان(عج) تعجیل عنایت فرما. خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علی عبادالله‌الصالحین»

التماس دعا

کیان علی‌زاده

61 /7 /20

1- در اصل وصیت «بر».

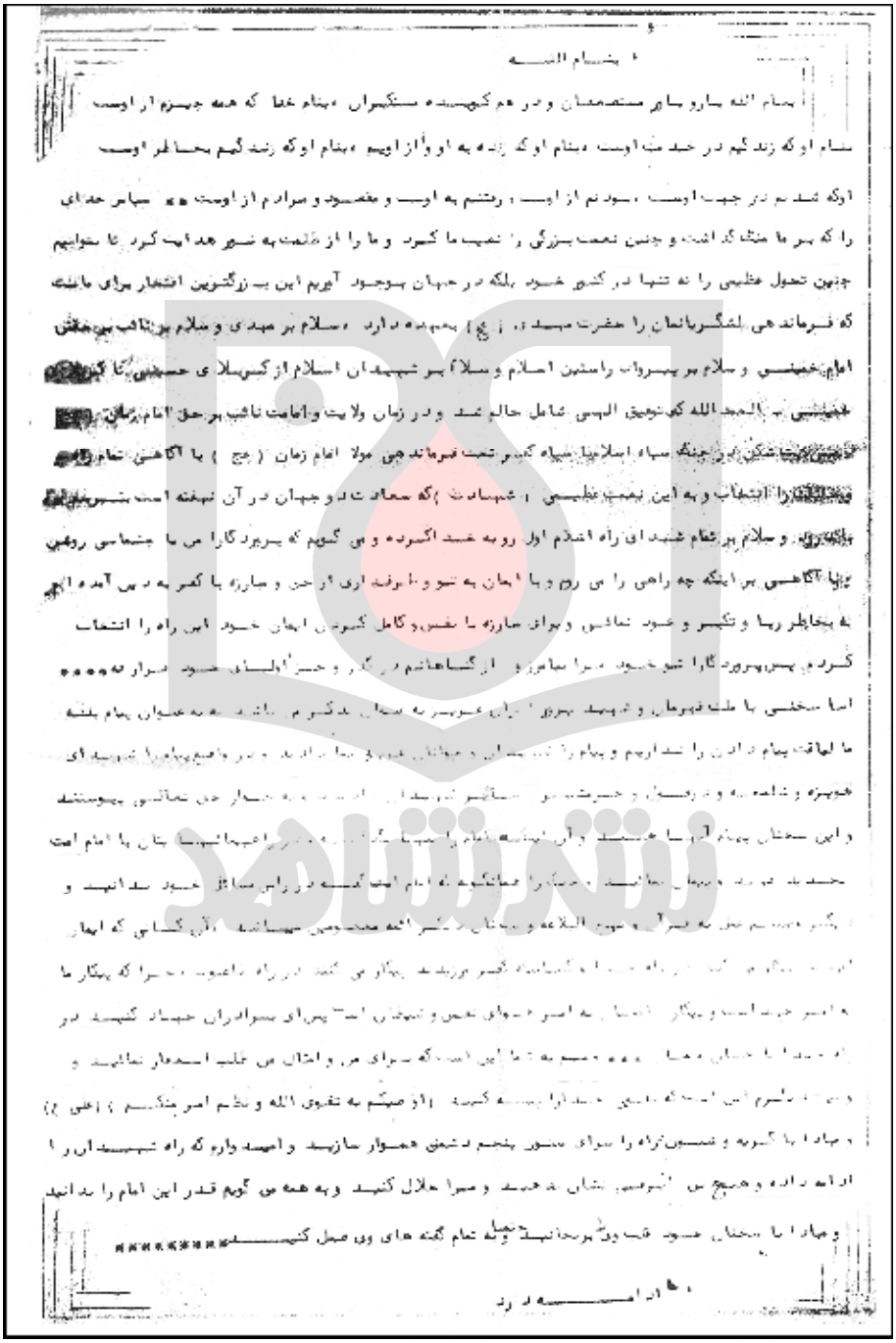

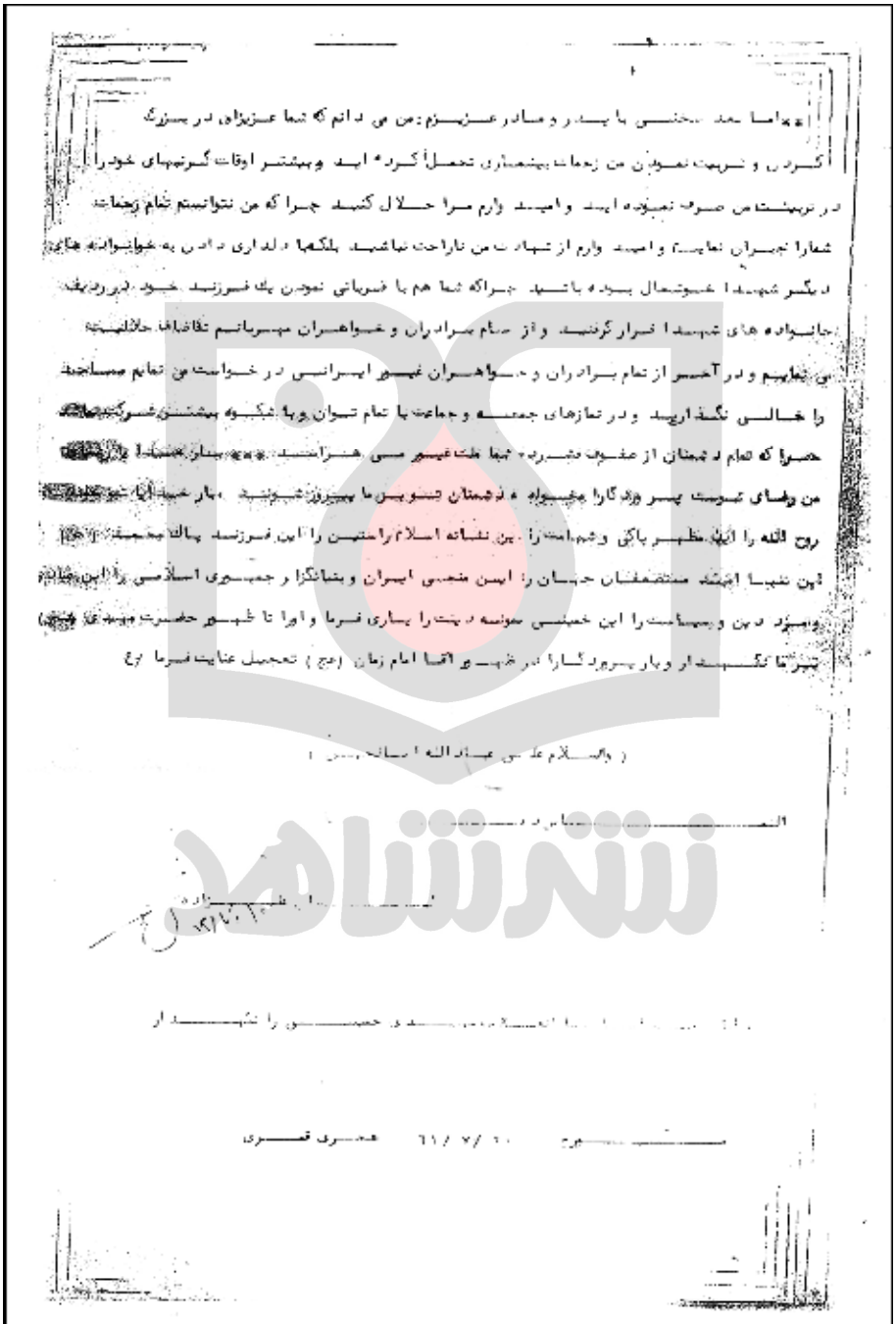

بسم الله الرحمن الرحیم

پدر و مادر عزیزم: من می دانم که شما عزیزان در بزرگ کردن و تربیت نمودن من زحمات بیشماری تحمل کرده اید و بیشتر اوقات گرسنگی خودرا در تربیت من صرف نموده اید و امید دارم مرا حلال کنید چرا که من نتوانستم تمام زحمات شمارا جبران نمایم و امید دارم از شهادت من ناراحت نباشید بلکه با دلداری دادن به خانواده های دیگر شهدا خونسرد باشید چرا که شما هم با قربانی نمودن یک فرزند خود در ردیف خانواده های شهدا قرار گرفتید و از تمام برادران و خواهران مبارزم تقاضا دارم که نماز و در آخر از تمام برادران و خواهران غیور ایرانی در خواست من تمام مساجد را خالی نگذارید و در نمازهای جمعه و جماعت با تمام توان و با شکوه بیشتر شرکت نمایید چرا که تمام دشمنان از صفوف دشمن قبا طلبان غیور می هراسند و به پیروزی اسلام و من وفای به عهد پروردگار پیروز شوید و دشمنان قسم خورده را نابود کنید یار خدایا تو خود روح الله را از این مظهر پاکی و شهامت را بین نشانه اسلام راستین را از این فرزند پاک محمد (ص) این تنها آرزوی مستضعفان جهان را از این منجی ایران و بشارتگر جمهوری اسلامی را از این بنده و بیچاره ات را از این خمینی سوخته دلت را یاری فرما و او را تا ظهور حضرت مهدی (عج) تنها نگذار و یار و پروردگارا در ظهور آقا امام زمان (عج) تعجیل عنایت فرما ع ع

والسلام علی عباد الله الصالحین

التماس دعا

۶۱/۷/۱۰ همسر قهری

نام: **عبدالرسول**
نام خانوادگی: **علی‌زاده‌شال**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **قره‌قز**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1348
محل تولد: **روستای شال از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **حوزه علمیه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیستم اسفند** 1366
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مرگ سرخ هزاران هزار برابر بسی ارجح‌تر از زندگی زیر بار ظلم است.
- (شهادت) را من افتخار می‌دانم زیرا که سرور شهدای نینوا افتخار می‌کرد.
- خدایا شکر می‌کنم از این که غرق در منجلاب فساد نشدم و این سعادت از این بود که پدر و مادرم مرا با احکام خدایی در زمان شکوفایی عقلم راهنما شدند و بر گردنم خیلی حق دارند.
- لحظات زندگی فراموش می‌شود آنچه ثبت می‌شود و تاریخ آن را به آیندگان منتقل می‌سازد لحظات زندگی پر از معنویت است.

عبدالرسول علی‌زاده‌شال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»[1]. (توبه آیه 41)

به نام او و برای او و به خاطر او که هستی بخش این گیتی فناپذیر است حمد بنده عاصی بر یکتای عالمیان[2] و صلوات بر رسول خدا رحمةللعالمین و آل او و خصوصاً بر محضر مبارک آقا امام عصر(عج) و سلام بر قلب تپنده مستضعفان جهان رهبر انقلاب و شهیدان به خون غلطان.

خدایا با چه بیانی و قلمی بنگارم با چه زبانی تکلم کنم و با چه رویی به درگه رحمانیت رو آورم در حالی که یک بنده سرا پا تقصیر و شرمسار عاشق توست و دست نیاز به سویت دراز کرده است. «**اللهم فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا**»[3] خدایا در محضر تو چقدر مرتکب به گناه شده‌ایم از تو طلب عفو می‌کنم اکنون در بحبوحه[4] جنگ تحمیلی نایب امام عصر(عج) همچون حسین(**7**) بانگ «هل من ناصر»[5] می‌زند که تمام نیروی تبلیغاتی، نظامی، اقتصادی دشمنان اسلام بسیج شده‌اند برای ریشه‌کن کردن قوانین [...][6] ممکن است! هیهات، مرگ سرخ هزاران هزار برابر بسی ارجح‌تر از زندگی زیر بار ظلم است و این مرگ (شهادت) را من افتخار می‌دانم زیرا که سرور شهدا[ی][7] نینوا افتخار می‌کرد.

حال وقت امتحان کجایید ای آنانی که [...][8] دلها را می‌خراشد و گوشها را کر می‌کند. میدان جنگ مرد میدان می‌خواهد و آرزوهایتان را برآورید و شهادت را در آغوش بگیرید

1- ترجمه «سبکبار و گرانبار، بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید این برای شما بهتر است». در اصل وصیت «... ذالکم ...».

2- در اصل وصیت «عالمین».

3- بخشی از آیه 16 سورهٔ آل‌عمران. در اصل وصیت «... اعفرلنا».

4- در اصل وصیت «بحبوهه».

5- ر. ک. تعلیقات.

6- خوانا نیست.

7- در اصل وصیت «شهدا».

8- خوانا نیست.

تا در جوار اولیای خدا مسکن گزینید.

خدایا شکر می‌کنم از این که غرق در منجلاب فساد نشدم و این سعادت از این بود که پدر و مادرم مرا با احکام خدایی در زمان شکوفایی عقلم [مرا][1] راهنما شدند و بر گردنم خیلی حق دارند. برادرم: لحظات زندگی فراموش می‌شود آنچه ثبت می‌شود و تاریخ آن را به آیندگان منتقل می‌سازد لحظات زندگی پر از معنویت است.

خواهرم! ادامه‌دهنده راهم کسی است با حجاب همراه با تقوا. و هیچ چیزی در دنیا ندارم فقط 25 روز روزه‌ام قضا شده و مبلغ 1000 ریال به کمیته امداد بدهید. امیدوارم ادا نمایید و [از] هر کسی که از جانبم مزاحمتی یا آزاری دیده امیدوارم مرا ببخشد[2]. در پایان التماس دعا دارم.

کاروان شوق

در سحرگاهان عروجی جاودان خواند مرا — روح خورشید از بلندای زمان خواند مرا
می‌برم جان از کویر شب برون با اشتیاق — جلوه صبح ظفر با صد زبان خواند مرا
کاروان شوق دارد در دلم پای شتاب — کربلای عشق با آوای جان خواند مرا
تا به گوش نه فلک خوانم اذان آفتاب — مأذن[3] گلدسته‌های آسمان خواند مرا
جذبه جاوید مهرم روح سبز رویشم — عمر بی‌پایان، بهار بی‌خزان خواند مرا
نکهت گلهای عطرآگین عرفانم بهار — با گلوی چاک چاک ارغوان خواند مرا
در همه رگهای من جاریست خون نوبهار — از دل باغ بهاران باغبان خواند مرا
میزنم بانگ انا الحق بر فراز دار عشق — لحظه سرخ شهادت بی‌امان خواند مرا
جرعه نوش وحدتم میخانه توحید را — نغمه‌های ارجعی از لامکان خواند مرا
جاده آتش، توشه ایمان، رهنما باشد خلیل — کاروان سالار این ره شادمان خواند مرا

جبهه جنوب(شلمچه)[4]

حقیرتان- عبدالرسول علی‌زاده - 65/10/30

1- در اصل وصیت واژه «مرا» اضافی است.
2- در اصل وصیت «ببخشید».
3- در اصل وصیت «مؤذن».
4- ر. ک. تعلیقات.

مرکز اسناد ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحیم

و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف الیکم و انتم لا تظلمون

برگه ۴۱

سلام او و درود بر او و خاطرات او که هستی بخش این گفتگو ما بشیر است. عمده دعای و آقای عالمین و صلوات بر رسول خدا رحمة للعالمین و آل او و خصوصاً بر محضر مبارک آقا امام عصر (عج) و سلام و قدردانی بر مستضعفان جهان رهبر انقلاب و شهیدان بخون غلطان. خدایا با چه بیانی و قلمی بنگارم با چه زبانی تکلم کنم و با چه رویی به درگه رحمانیت رو آورم در حالیکه یک بنده سراپا تقصیر و شرمسار سر عاشق تو است و دست نیاز به سویت دراز کرده است. اللهم اغفرلنا ذنوبنا. خدایا در محضر تو چقدر مرتکب گناه شدیم از تو طلب عفو می‌کنم اکنون در بحبوحه جنگ تحمیلی نائب امام عصر هجران حسین (ع) با تمسل بس یاوری زندگه تمام نیروی تبلیغاتی. تمامی. اقتصادی دشمنان اسلام بسیج شده‌اند برای ریشه کن کردن قرآن

مرکز اسناد ایثارگران

[illegible] ممکن است! هیهات، مرگ سرخ هزاران هزار مرا سرشی
ارجمندتر از زندگی زیر بار ظلم است و این مرگ (شهادت) را من افتخاری دانم
زیرا که سرور شهدا سیدالاحرار می‌گوید: حال وقت امتحان کجائید ای آنانی که
ندای یاران دلدارم را می‌شنوید و گوش شهادت نگوش می‌کند. میدان جنگ مردمیدان
میخواهد و آرزوهایش را بر روی سعادت را در آغوش بگیرد تا در جوار
اولیاء الله مسکن گزینید خدایا! شکر می‌کنم از این که عرق در جلباب فساد
نشدم و این سعادت از این بود که پدر و مادرم مرا با احکام خدا و قرآن شکوفا
نمودند و مرا راهنما شدند و بر اوردن فرمین حق دانند. برادرم! لحظات زندگی فراموش
میشود آنچه ثبت میشود و تاریخ آنرا ما سنگران مسئل میسازد لحظات زندگی پر
از معنویت است. خواهرم! ادامه دهنده راهم کسی است با حجاب همراه با تقوی

مرکز اسناد ایثارگران

وصیتی در دنیا ندارم فقط ۲۵ روز روزه‌ام قضا شده و مبلغ ۱۰۰۰ ریال

به بنیه امداد بدهید. امیدوارم ادامه‌دهنده راهی که از جانم مراحمی

آزاری دیده امیدوارم مرا ببخشید در پایان التماس دعا دارم.

[illegible] حزب‌الله خویشان عبدالرسول [illegible]

۶۵/۱۰/۲۰

[illegible] اوراد شوق

[illegible] روح خویشه از لبهای زمان خواندیم

[illegible] جلوه صبح ظفر با همدیگر خواندیم

[illegible] کربلای عشق آواز جان خواهر را

[illegible] مژده گلهای آسمان خواهر را

[illegible] عصر پاییز هجر جاودان خواهر را

[illegible] بانوی گلپیکر ایران خواهر را

[illegible] از دل داغ [illegible] خواندیم خواهر را

[illegible] گفت سرخ شهادت بدان خواهر را

[illegible] نغمه‌ای از لاکمان خواهر را

[illegible] کاروان صالحان شهدا خواهر را

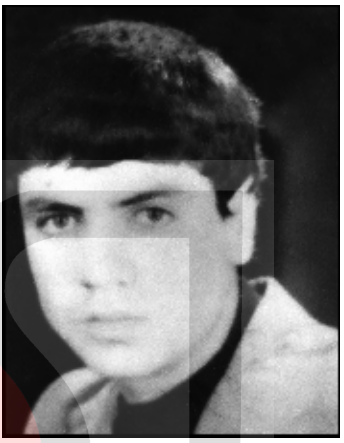

نام: **علی**
نام خانوادگی: **علی‌زاده کریم‌کندی**
نام پدر: **حاجی‌بابا**
نام مادر: **گلی‌بیگم**
تاریخ تولد: **هفتم تیر** 1344
محل تولد: **روستای کریم‌کندی از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **ژاندارمری**
تاریخ شهادت: **هشتم مهر** 1364
محل شهادت: **دهلران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت سهوی گلوله**
مزار: **گلزار شهدای بهشت فاطمه زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برادران عزیز تا حال که این انقلاب را حفظ نمودید از این به بعد هم مواظب این انقلاب باشید و نگذارید جهانخواران به این انقلاب اسلامی ما صدمه وارد کنند پس سعی کنید این انقلاب را به ثمر برسانید.
- جبهه‌ها را گرم نگه دارید که این پیام امام امت است.
- امام را هرگز تنها نگذارید که چنین رهبری پیدا نمی‌شود و قدر این رهبر را بدانید.
- سنگرها را خالی نگذارید.
- خواهران مهربانم حجاب خود را حفظ نمایید که حجاب شما بزرگترین اسلحهٔ شماست.

نشر شاهد

علی علی‌زاده کریم‌کندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با درود فراوان بر امام امت و امت امام و رزمندگان پرشور اسلام که جهت اجرای احکام اسلام، جان در کف نهاده‌اند.

سلام بر پیامبران الهی که برای رساندن فرمان الهی از جان ومال خویش دریغ ننموده‌اند و پیام الهی را به گوش مخلوقات الهی رساندند.

برای این که وصیت نوشتن وظیفه هر مسلمان است، من هم می‌خواهم چند کلمه‌ای را به ملت مسلمان ایران و خانواده‌ام بگویم.

برادران عزیز تا حال که این انقلاب را حفظ نمودید از این به بعد هم مواظب این انقلاب باشید و نگذارید جهانخواران به این انقلاب اسلامی ما صدمه وارد کنند پس سعی کنید این انقلاب را به ثمر برسانید، «جبهه‌ها را گرم نگه‌دارید که این پیام امام امت است»[1] و امام را هرگز تنها نگذارید که چنین رهبری پیدا نمی‌شود و قدر این رهبر را بدانید و در همه حال پشتیبان او باشید اما پدر و مادرم، در مرگ من گریه نکنید و ناراحت نباشید که عزیزی را از دست می‌دهید که حسین(**7**) تمام عزیزان خود را فدا نمود. برادران گرامیم سنگرها را خالی نگذارید و در پشت جبهه‌ها پشتیبان رزمندگان باشید که این وظیفه شما در پشت جبهه‌هاست و خواهران مهربانم حجاب خود را حفظ نمایید که حجاب شما بزرگترین اسلحهٔ شماست.

دیگر عرضی ندارم امیدوارم که در همه حال سلامت و دعاگوی امام امت و پشتیبان اسلام باشید.

فرزندتان علی علی‌زاده

1- برگرفته از این سخن امام خمینی است «این جوانهای ایران هستند که باید تنور جنگ را گرم نگه دارند». (صحیفه امام، ج 18، ص 43).

با درود فراوان بر امام امت و ادامه‌دهنده راه ایشان رزمندگان پرشور اسلام که جهت
اجرای احکام اسلام، جان در کف نهاده‌اند.
سلام بر پیام‌آوران الهی که برای رساندن فرمان الهی از جان و مال خویش
دریغ ننموده و در قیام الهی را به گوش مستضعفان جهان رساندند.
برای اینکه وصیت نوشتن وظیفه هر مسلمان است، من هم می‌خواهم چند
کلمه‌ای را با ملت مسلمان ایران و خانواده‌ام بگویم.
برادران عزیز تا حال که این انقلاب را حفظ نموده‌اید از این به بعد هم مواظب
این انقلاب باشید و نگذارید عده‌ای غرب‌زده یا این انقلاب اسلامی ما مبارزه
و لطمه کنند. سعی کنید این انقلاب را به ثمر برسانید، جبهه‌ها را گرم نگه دارید
که این پیام امام امت است و امام را هرگز تنها نگذارید که چنین رهبری پیدا نمی‌شود
و قدر این رهبر را بدانید و در هر حال پشتیبان او باشید. اما پدر و مادرم، در مرگ
من گریه نکنید و راحت باشید که عزیزی را از دست می‌دهید که همین امر انجام
عزیزان خود را فدا نمود. برادران گرامیم سنگرها را خالی نگذارید و در پشت جبهه‌ها
پشتیبان رزمندگان باشید که این وظیفه شما در پشت جبهه‌هاست و خواهران
هم حجاب خود را حفظ نمایند که حجاب شما بزرگترین اسلحه شماست.
دیگر عرض ندارم امیدوارم که در همه حال سلامت و نگهدار امام امت و پشتیبان
اسلام باشید.

فرزندتان علی علیزاده

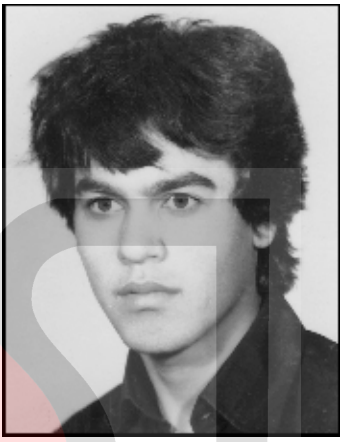

نام: **یاور**
نام خانوادگی: **علی‌زاده کوزه تپراقی**
نام پدر: **امیر**
نام مادر: **زهره**
تاریخ تولد: **نوزدهم مرداد** 1346
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **ششم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **بوستان کوثر روستای نیار زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به دنبال امر امام بزرگوار مبنی بر اینکه به جبهه رفتن واجب کفایی است وظیفه خود دیدم که به جبهه عزیمت کنم و به خاطر اسلام جان ناچیز خود را فدا کنم.
- پدر و مادر عزیزم ای شمایی که بعد از الله تمامی وجودم را فرا گرفته‌اید می‌دانم که در خدمت به شما کوتاهی کرده‌ام اما شما بزرگی کنید و از گناهانم درگذرید.

نشر شاهد

یاور علی‌زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»[1].

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»[2].

با درود فراوان بر حضرت حجت امام زمان(عج) و با درود بر امام امت رهبر کبیر انقلاب و با درود بر ارواح پاک و مقدس شهدای اسلام.

به دنبال امر امام بزرگوار مبنی بر این که به جبهه رفتن واجب کفایی است وظیفهٔ خود دیدم که به جبهه عزیمت کنم و به خاطر اسلام جان ناچیز خود را فدا کنم و از تمامی برادران عزیزم که قدرت و توان رزمی در بدن دارند می‌خواهم که به جبهه بروند و امام را یاری کنند.

پدر و مادر عزیزم ای شمایی که بعد از الله تمامی وجودم را فرا گرفته‌اید می‌دانم که در خدمت به شما کوتاهی کرده‌ام اما شما بزرگی کنید و از گناهانم درگذرید تا خداوند از انبوه گناهانم درگذرد و مرا رحمت کند.

در آخر وصیت‌نامه‌ام از تمامی برادرانم می‌خواهم که مرا حلال کنند و خطاهایم را نادیده گیرند و دعایم کنند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علیکم»

وصیت‌نامه بنده حقیر یاور علیزاده

62/10/25

1- بخشی از آیه 156 سوره بقره. ترجمه «همه از اوییم و به سوی او باز می‌گردیم».

2- آل عمران/ 169. ترجمه: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند». در اصل وصیت «...قتلو...».

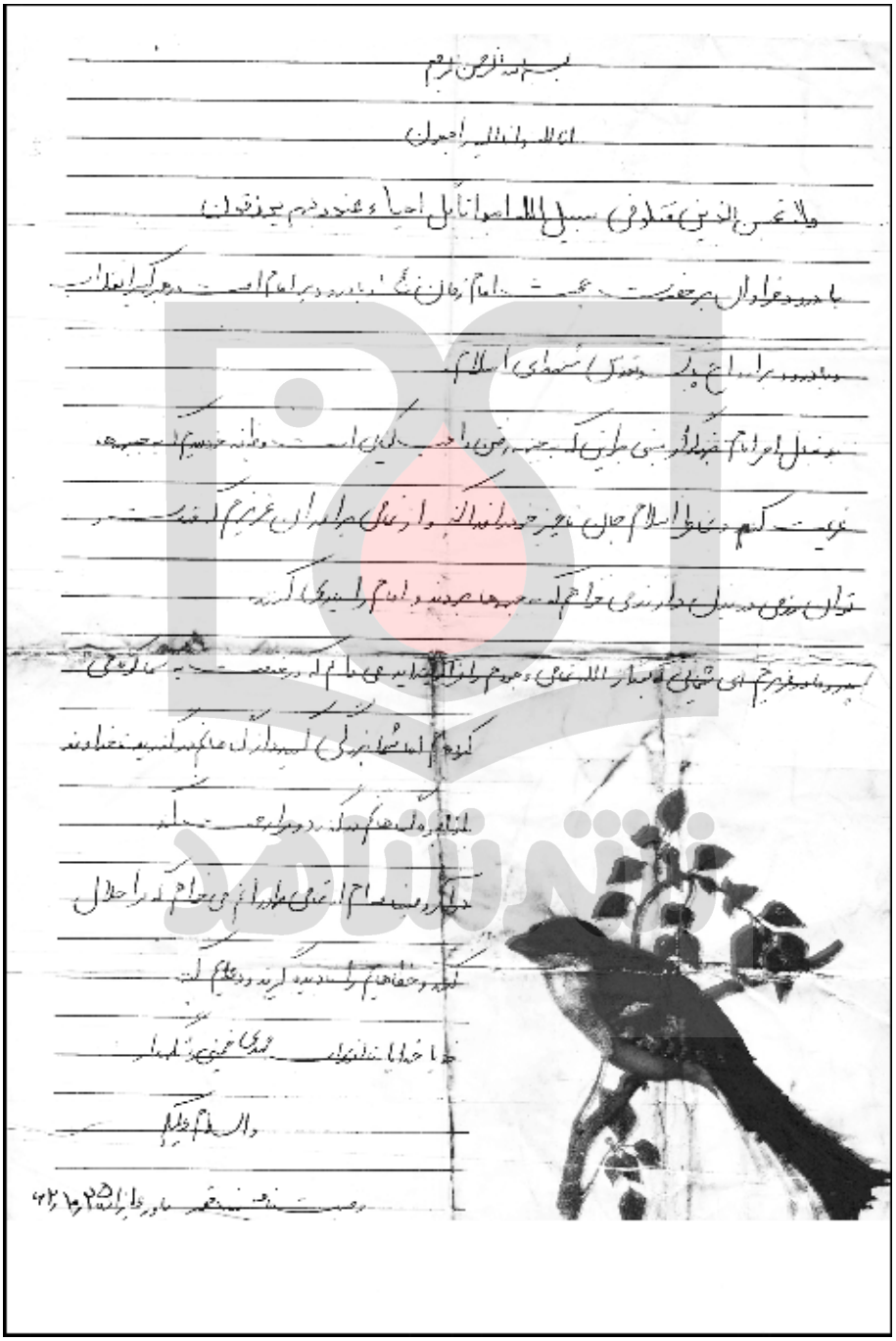

نام: **سلیم**
نام خانوادگی: **علی‌محمدی‌احمدآباد**
نام پدر: **سعادتعلی**
نام مادر: **ترخانم**
تاریخ تولد: **سوم شهریور** 1315
محل تولد: **روستای احمدآباد از توابع شهرستان مشکین‌شهر**
تحصیلات: **بی‌سواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هجدهم فروردین** 1366
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **بر اثر سوختگی**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- باید از اسلام و ایمان و قرآن و کشورمان همگی دفاع کنیم پس برادران و خواهرانم سعی کنید به جبهه‌ها هجوم آورید تا کار دشمنان را یکسره کنیم.
- اگر در این راه به فیض عظیم شهادت نایل آییم که آرزوی هر رزمنده و مسلمانی است هیچ ناراحت نباشیم.
- امام حسین (**7**) با 72 یار و انصار خود شهید شدند تا اسلام بماند.
- خانواده عزیزم من به خاطر خدا و اسلام و قرآن قدم در این راه گذاشته‌ام و اگر احیاناً به فیض عظیم شهادت که برایم گواراتر از عسل است رسیدم هیچ ناراحت نباشید.
- از خداوند متعال می‌خواهم که به شما صبر دهد تا در فراق من صبور باشید و به شما ایمان کامل عنایت کند تا به کمک اسلام عزیز بشتابید.

سلیم علی‌محمدی‌احمدآباد[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت‌نامه بنده حقیر خداوند سلیم علی‌محمدی‌احمدآباد.

سپاس خدای را که بر بندگانش منت نهاد و ما را به سوی اسلام متنعم ساخت و سلام بر مبشر حریت و اسوهٔ بشریت محمد مصطفی(6) و اهل بیت طهارت و اصحاب با فضیلت او.

با درود بی‌کران به محضر مبارک آقا امام زمان(عج) و با درود و سلام به پیشگاه نایب برحقش بت‌شکن زمان پیر جماران[2] در هم کوبندهٔ ستمگران امام امت خمینی کبیر و با سلام حضور مبارک کفرستیزان اسلام که خالصانه با هدفی مقدس به سوی مکانی مقدس در سرزمینی به پاکی پاکترین چیزها در حرکتند تا ریشهٔ کفار و استکبار جهانی را در هم بشکنند.

باری عزیزانم از آنجا که «وصیت‌نامه یک امر الهی است و شرعاً بر تمام مسلمین واجب است»[3] که این امر مهم را انجام دهند لذا من نیز به عنوان یک بنده و عبد خداوند متعال لازم می‌دانم که وصیت‌نامه‌ام را بنویسم.

پس [هم اکنون][4] که اسلام نیاز مبرم به ما و ما نیز به اسلام عزیز محتاجیم باید دفاع از اسلام را بر خود واجب گردانیم همانطور که امام عزیزمان این[5] حامی اسلام و قرآن حجت را بر تمام مسلمین و امت شهیدپرور ایران تمام کردند که الان اسلام در خطر است و باید از اسلام و ایمان و قرآن و کشورمان همگی دفاع کنیم پس برادران و خواهرانم سعی کنید

1- در بالای وصیت سمت چپ شهید نوشته «66/1/10». و همچنین در سمت راست بالای وصیت نوشته «امام را دعا کنید».

2- ر. ک. تعلیقات.

3- به برخی از احادیث نبوی اشاره دارد از جمله «قال رسول‌الله(6): «من مات بغیر وصیة مات میت الجاهلیه». (وسایل‌الشیعه، ج 19، ص 259).

4- در اصل وصیت «در حال کنونی».

5- در اصل وصیت «از».

به جبهه‌ها هجوم آورید تا کار دشمنان را یکسره کنیم که خداوند وعده پیروزی را در قرآن به ما داده است و اگر در این راه به فیض عظیم شهادت نایل آییم که آرزوی هر رزمنده و مسلمانی است هیچ ناراحت نباشیم چرا که امام حسین(7) با 72 یار و انصار خود شهید شدند و خانواده آن حضرت به اسارت رفتند تا اسلام بماند پس سعی کنید الان شرکت کنیم که بعداً پشیمانی هیچ سودی نخواهد داشت و انشاءالله در روز رستاخیز در پیش رهبران اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن(6) اسلام رو سفید باشیم.

دیگر وصیت من به شما خانواده مخصوصاً این است که از اسلام دفاع کنید در ضمن من خودم هر چقدر زنده‌ام امورات زندگی خود را اداره خواهم کرد و بعد از من پسرم مرشد را به عنوان جانشین انتخاب می‌کنم تا امورات خانه را اداره کند و دیگر یک اتاق را به همسرم (زنم) اختصاص می‌دهم تا هر چقدر که می‌خواهد در آنجا بماند در آن اطاق زندگی کند و یا احیاناً اگر خواست جدا شود آزاد است و فقط طلاق او را بدهید و یک عدد گاومیش نیز به او بدهید تا او از ما راضی باشد و نیز 4 عدد دختر دارم که با مرشد همگی برادر می‌باشند و همگی یک سهم خواهند برد.

در ضمن من 100هزار تومان به خود اختصاص می‌دهم تا اگر شهید شدم خرج شود و هیچ‌کس حق ندارد از جمهوری اسلامی مبلغی دریافت دارد و از مرشد می‌خواهم که اگر کسی از طرف من طلب کاری کرد از 100 هزار تومان خودم طلب او را بدهد در ضمن من هیچ طلبی و قرضی به کسی ندارم. در ضمن من 3 تا خواهر دارم که شرعاً آنها را پیش روحانی بردم و از آنها خواستم که اگر حقی بر گردن من دارند بگویند تا بدهم ولی آنها چیزی نگفتند و [اگر] احیاناً باز از آنها بپرسید اگر حقی در من داشتند بگویند تا بدهید و من در آن دنیا راحت باشم.

دیگر خانواده عزیزم من به خاطر خدا و اسلام و قرآن قدم در این راه گذاشته‌ام و اگر احیاناً به فیض عظیم شهادت که برایم گواراتر از عسل است رسیدم هیچ ناراحت نباشید و اگر از من تک تک خانواده‌ام ناراحتی دیده است از همه‌شان حلیّت می‌خواهم و از خواهرانم تک به تک حلیّت می‌خواهم شاید آنها را ناراحت کرده‌ام که امیدوارم مرا ببخشند.

و از پدر زنم می‌خواهم هرچند که آنها و همسرش و خانواده‌اش را شاید ناراحت کرده‌ام ولی چون اسلام به ما احتیاج داشت قدم در[1] این راه گذاشتم و از همه آنها حلیّت می‌خواهم و از خدماتشان سپاسگزاری[2] می‌کنم.

و دیگر از جمشید اسماعیلی می‌خواهم که از عوض من از تمام دوستان و آشنایان حلیت بخواهد و در مجلس عزاداری من از همه که شرکت خواهند نمود حلیّت بخواهد و در آخر از خداوند متعال می‌خواهم که به شما صبر دهد تا در فراق من صبور باشید و به شما ایمان کامل عنایت کند تا به کمک اسلام عزیز بشتابید و آخر همه شما عزیزان را به خدای متعال می‌سپارم.

بنده حقیر خدا سلیم علی‌محمدی‌احمدآباد[3]

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «را».

2- در اصل وصیت «سپاسگذاری».

3- در اصل وصیت در انتهای صفحات وصیت‌نامه شهید در صفحه اول نوشته «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار»، در صفحه دوم شهید نوشته «از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا»، در صفحه سوم وصیت شهید به گواهی رسیده است «شاهد عینی: برادر حاج امام قلی صفری».

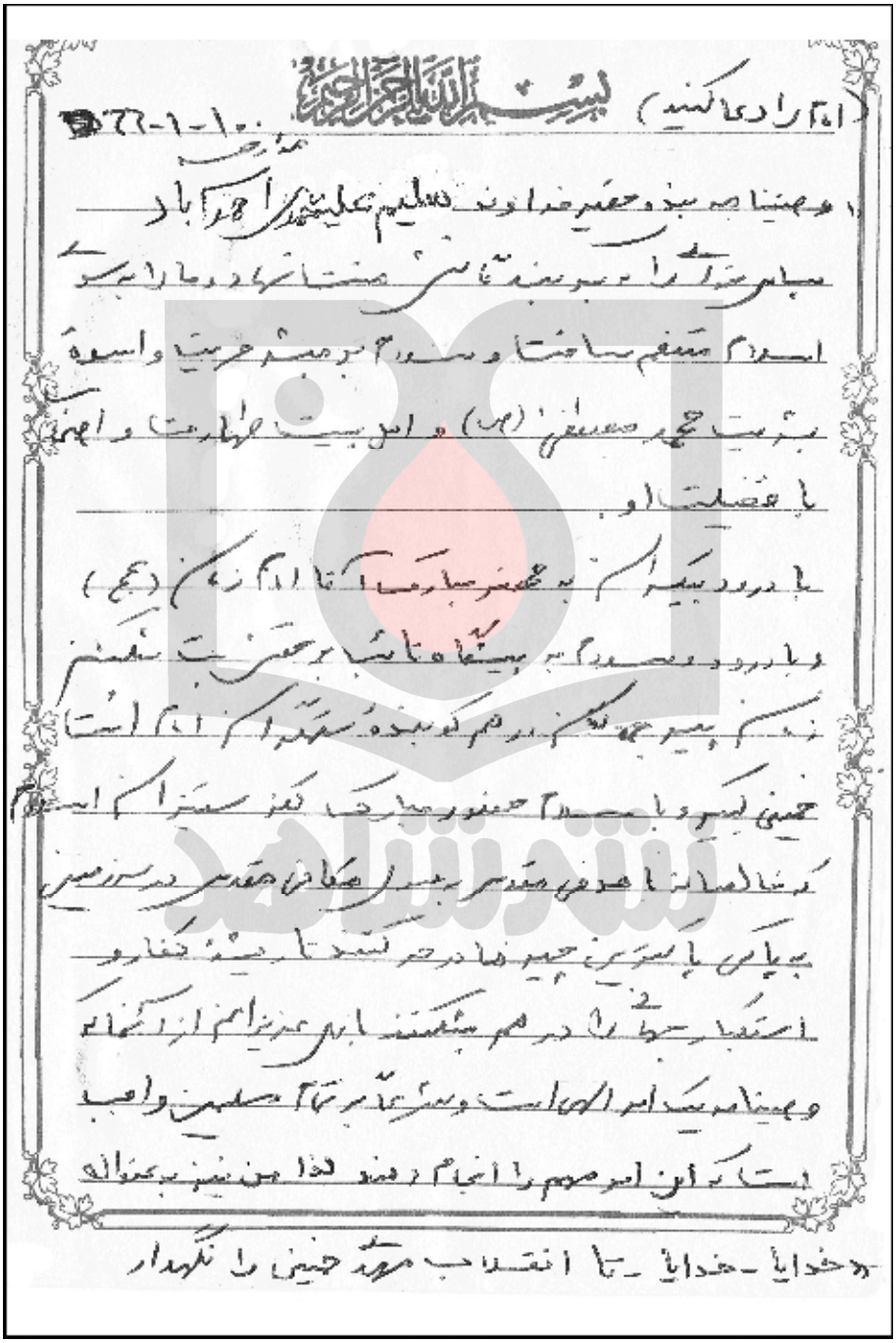

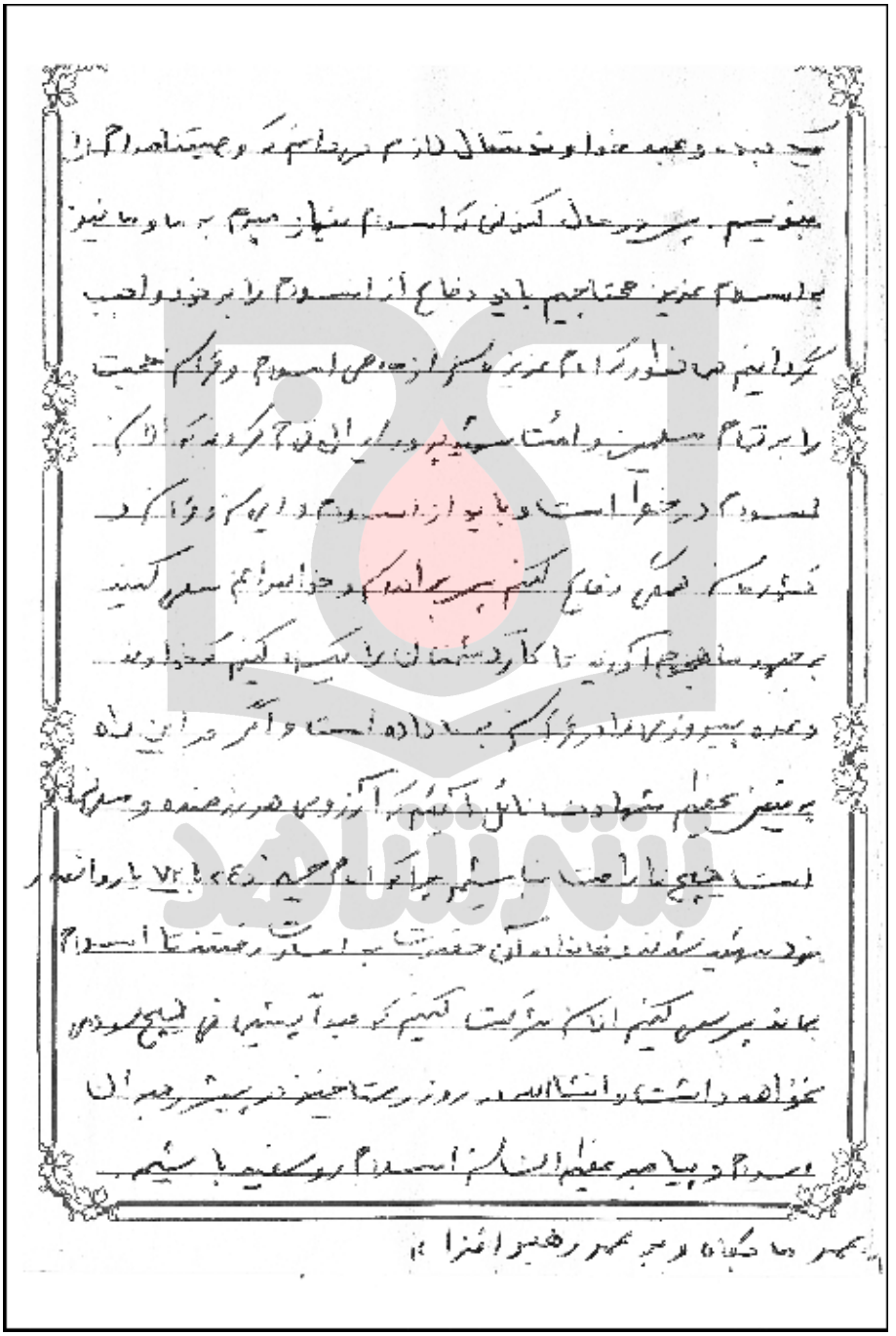

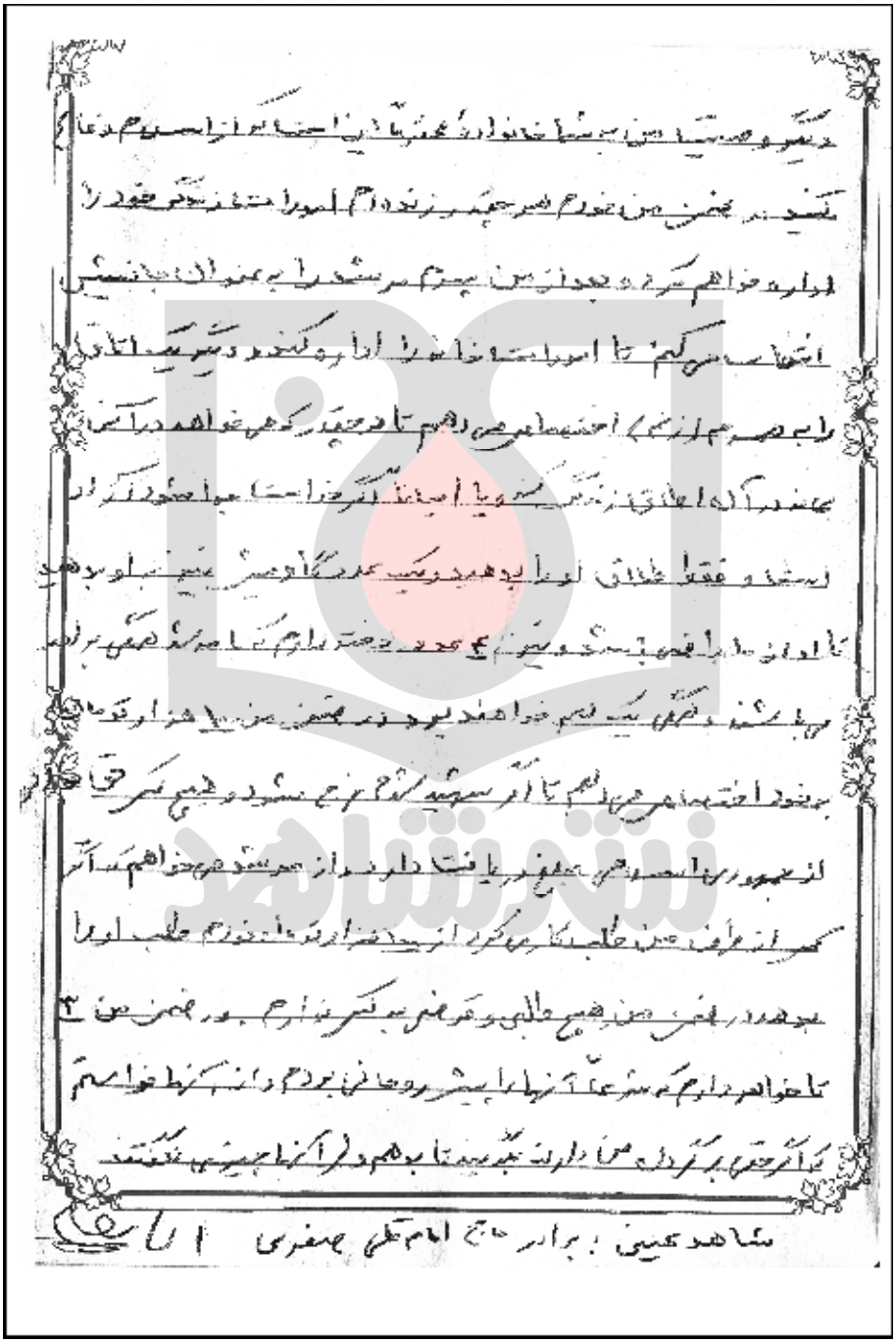

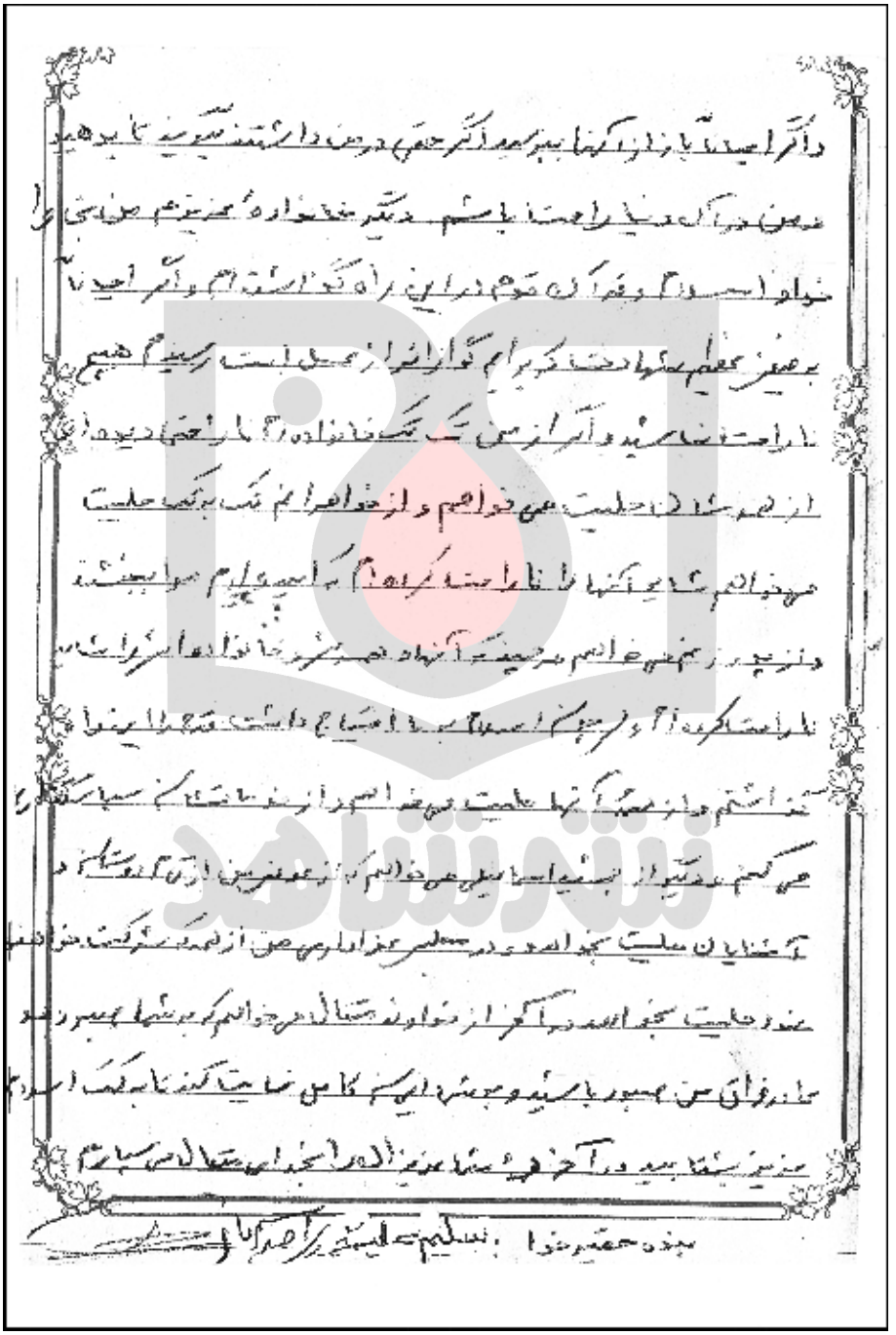

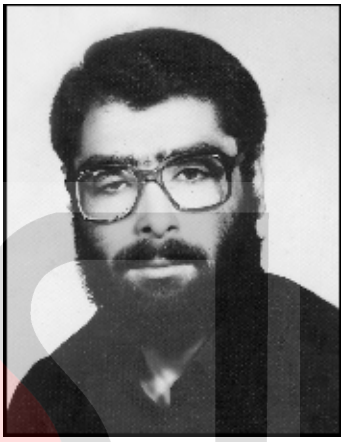

نام: **علی**
نام خانوادگی: **علی‌محمدی سلطان‌آبادی**
نام پدر: **زلفعلی**
نام مادر: **شاه‌خانم**
تاریخ تولد: **نهم تیر** 1342
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **بیسواد**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **روستای کرکرق زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اگر شربت شهادت نوشیدم برای بنده خوش است چون آرزوی سالهای سال است که به سر می‌رسد.
- این را بدانید امام خمینی راهنمای زمان ماست.
- من خودم این راه را انتخاب کرده و آن راه را تا آخرین نفس می‌پیمایم.
- از شما هم می‌خواهم سنگر ما را خالی نگذارید امیدوارم که همیشه در جبهه‌ها حضور پیدا کنید و تا کربلا را نگیرید از پا ننشینید.
- از مادرم می‌خواهم صبر داشته باشد و در روز قیامت پیش فاطمه‌زهرا(**3**) روی سفید باشد.
- مادرم شجاع باش و افتخار کن که فرزندی در راه خدا داده‌ای.

علی علی‌محمدی سلطان‌آبادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

بسمه تعالی

وصیت‌نامه اینجانب علی علی‌محمدی بدین شرح است: اول سلام به امام زمان(عج) و سلام به امام امت خمینی کبیر و سلام به امت شهیدپرور ایران علی‌الخصوص[1] مردم شهیدپرور[2] قریه سلطان‌آباد و اما برادران بنده از اینکه[3] در پیشاپیش رزمندگان[4] هستم برای این نعمت که خداوند برای بنده عنایت فرموده است شکرگزارم[5] و امیدوارم خداوند متعال این بنده گناهکار را ببخشد.

و بنده که خود را لایق نمی‌دانم اما خداوند بزرگ و رحیم است شاید خداوند بزرگ این بنده حقیر و گناهکار بخشید و شهادت نصیب[6] کند اگر شربت شهادت نوشید[م] برای بنده خوش است چون آرزوی سالهای سال است که به سر می‌رسد.

بنده به عنوان پیام برای شما مردم شهیدپرور می‌گویم[7] اولاً از همه چیز مهم‌تر امام را تنها نگذارید [که امام] پس از 1400 سال[8] به ندای حسین(**7**) لبیک گفته شما هم به ندای حضرت امام خمینی لبیک بگویید و از او پیروی کنید تا خدا در روز قیامت شفاعت[9] دهد.

1- در اصل وصیت «الخصوص».
2- در اصل وصیت «شهیدپروری».
3- در اصل وصیت «بر اینکه».
4- در اصل وصیت «رزمنده‌گان».
5- در اصل وصیت «شکورگذار».
6- در اصل وصیت «نسب».
7- در اصل وصیت «می‌دهم».
8- در اصل وصیت «نگذارید و پس از 1400 سال».
9- در اصل وصیت «شفااتان».

و این را بدانید امام خمینی راهنمای زمان ماست با پیروی با او پیروی با انبیاست[1] و دیگر من خودم این راه را انتخاب کرده و آن راه را تا آخرین نفس می‌پیمایم[2] از شما هم می‌خواهم سنگر ما را خالی نگذارید امیدوارم که همیشه در جبهه‌ها حضور پیدا کنید و تا کربلا [را][3] نگیرید از پا ننشینید انشاءالله.

و اما به خانواده‌ام می‌گویم اگر خداوند متعال برای این بنده گناهکار عنایت فرمود شربت شهادت[4] بنوشانید برای من زیاد گریه [و] زاری نکنید شجاع[5] باشید و دشمن را برای خودتان نخندانید و دیگر از مادرم می‌خواهم صبر داشته باشد و در روز قیامت پیش فاطمه زهرا(**3**) روی سفید باشد و شیر خود را برای بنده حلال کند اگر شهید شدم مادرم شجاع[6] باش و افتخار کن که فرزندی در راه خدا داده‌ای از برادرانم و از خوهرانم برای من حلالیت[7] بطلبید[8].

در پایان از کلیه اهل سلطان‌آباد تقاضا دارم مرا حلال کنند[9] در پایان شما را به خدا و امام امت خمینی را به[10] شما می‌سپارم.

خدایا خدایا[11] تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

«والسلام علیکم و رحمةالله»[12]

اینجانب علی علی‌محمدی بنده گناهکار خدا

1- در اصل وصیت «عنب بیاست».
2- در اصل وصیت «می‌پیمودم».
3- در اصل وصیت «را» از قلم افتاده.
4- در اصل وصیت «شهاد».
5- در اصل وصیت «شجا».
6- در اصل وصیت «شجا».
7- در اصل وصیت «حلالی».
8- در اصل وصیت «بتلبید».
9- در اصل وصیت «کند».
10- در اصل وصیت «برای».
11- در اصل وصیت «خدا».
12- در اصل وصیت «و سلام علکم و رحمت الله».

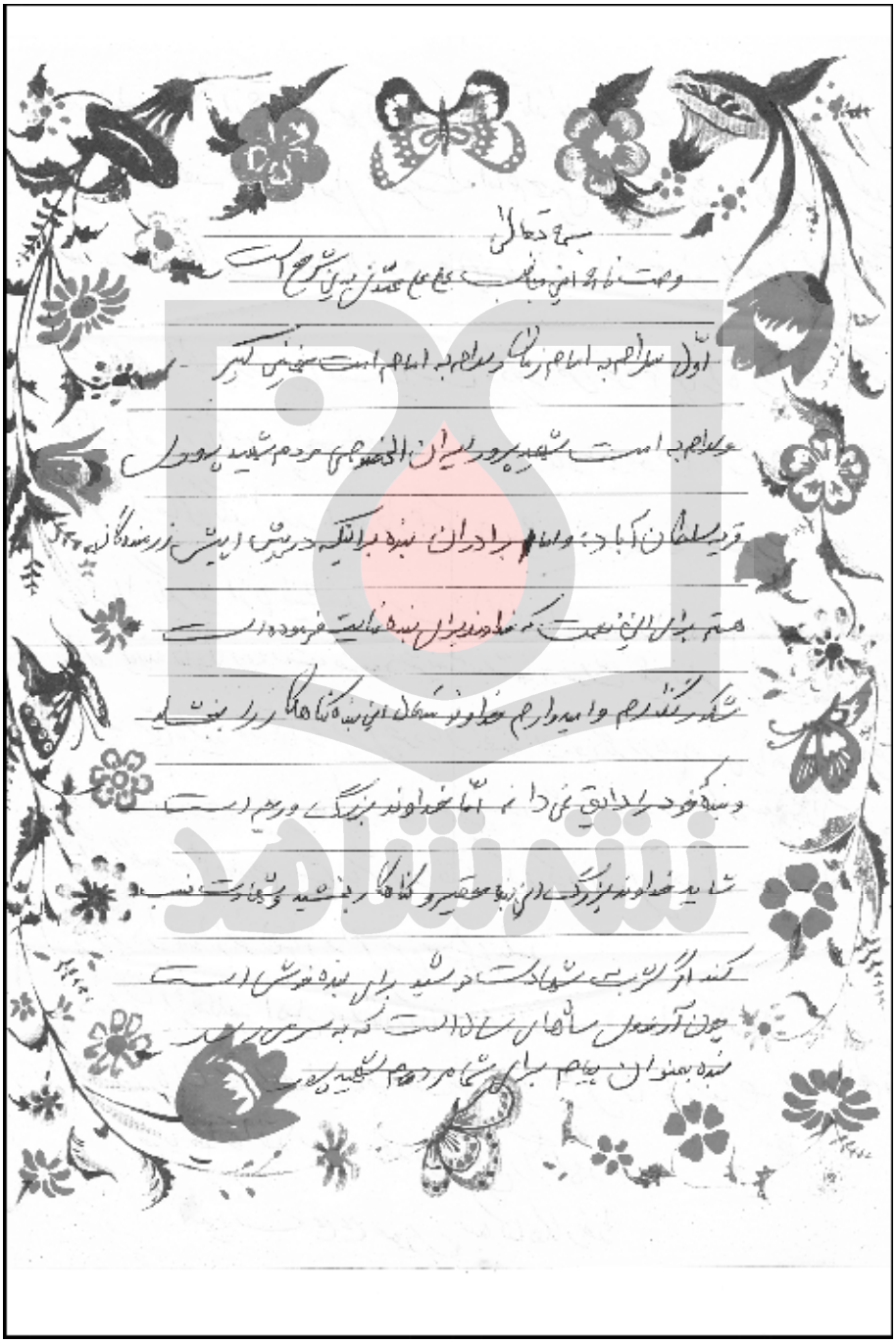

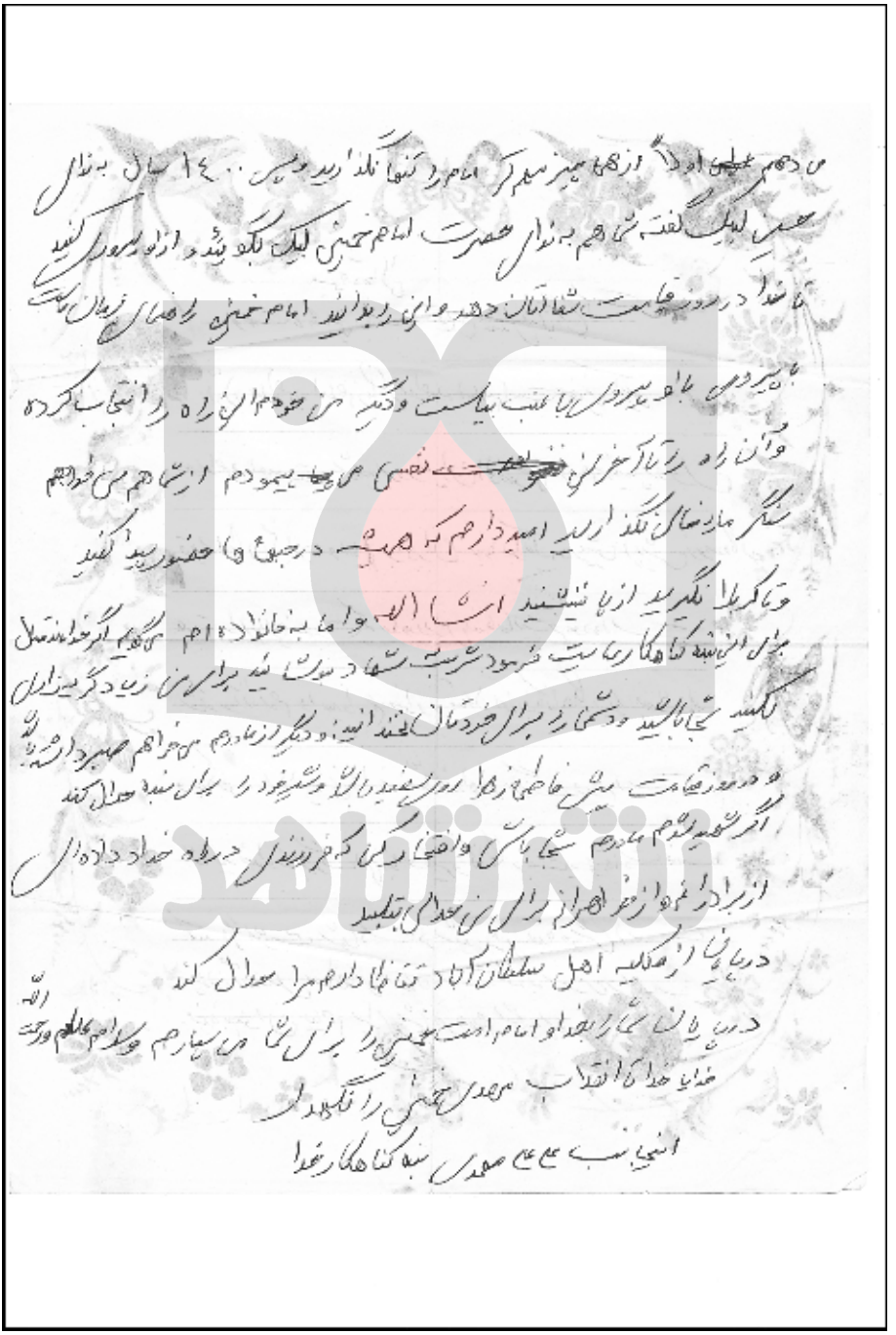

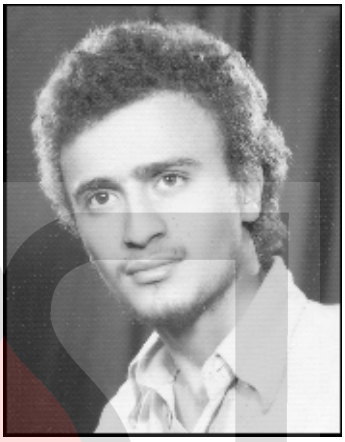

نام: **رئوف**
نام خانوادگی: **علی‌محمدیان**
نام پدر: **حاج‌آقا**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **هفدهم بهمن** 1340
محل تولد: **شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **دانشجو**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نهم مهر** 1361
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **بهشت‌زهرای تهران**

عبارت‌های کلیدی

- گریزی نیست از مرگ، پس شما به سراغ مرگ در میدان جنگ بروید و نگذارید مرگ سراغتان در بستر راحت بیاید.
- بار الها به من این موقعیت را بده تا مطیع و فرمانبردار تو باشم.
- بار الها: پناهی جز تو نمی‌یابم پس به من پناه ده.
- بار الها: بر من منت نه و چشم بپوش از لغزشهایم و بیامرز گناهانم را، ای آمرزنده مهربان.
- بار الها: جز تو آمرزنده‌ای برای گناهانم نمی‌یابم و پوشنده‌ای برای زشتیهایم نمی‌یابم، پس بیامرز گناهانم را و بپوشان زشتیهایم را.
- الهی تو را سپاس می‌گویم که به من توان دادی که در راه تو و برای تو جان خویش را که از آن تو بود نثار کرده تا شاید اگر لایق بودم شهید در راه تو باشم.
- عازم جبهه حق علیه باطل هستم الهی ترا سپاس می‌گویم که به من منت نهادی که در میدان جنگ روحم را از بدنم جدا کردی.
- ترا به خون این شهیدان زنده واقعی، به حقوق مردم احترام بگذارید و ریا و ریاکاری از جامعه بزدایید به حرف این ملت مستضعف گوش کنید که پست و مقامتان، این ملت است.
- ترا به خون شهیدان این صحنه را بر این ملت تنگ نکنید و بگذارید که این ملت قهرمان آزادانه فکر کنند تا در آینده بتوانند از استقلال و آزادی، جمهوری اسلامی خود دفاع نمایند.

رئوف علی‌محمدیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

وصیت نامه رئوف علی‌محمدیان به تاریخ 61/1/28 در پادگان اسلام‌آباد غرب

«**أَیْنَمَا تَکُونُوا یُدْرِکْکُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ کُنْتُمْ فِی بُرُوجٍ مُشَیَّدَةٍ**»[1].

«هر جا باشید دریابد شما را مرگ و اگر چه در دژهای استوار باشید».

پس گریزی نیست از مرگ، پس شما به سراغ مرگ در میدان جنگ بروید و نگذارید مرگ سراغتان در بستر راحت بیاید که بازگشت همه به سوی اوست «**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ**»[2].

با درود به محمد(**6**) آخرین پیامبر و درود بر ملت مسلمان ایران.

وصیت‌نامه‌ام را قبلاً نوشته‌ام و به برادر گرامی‌ام[3] عبدالعلی علی‌محمدیان داده‌ام اما چون امروز عازم خط مقدم هستم می‌خواهم چند دعایی در رابطه با آمرزش گناهانم و چند نکته راجع به ملت بزرگ و مسئولین گرامی تذکر بدهم.

بار الها به من این موقعیت را بده تا مطیع و فرمانبردار تو باشم.

بارالها: از تو خواهش می‌کنم، التماس می‌کنم، که مرا به خود نزدیک سازی و مرا از گناهان و کارهای زشت دور بداری.

بار الها: پناهی جز تو نمی‌یابم پس به من پناه ده.

بار الها: می‌دانی که من از گنهکارترین و پست‌ترین بندگان تو هستم، گناهانم را ببخش و توبه‌ام را بپذیر.

بار الها: بر من منت نه و چشم بپوش از لغزشهایم و بیامرز گناهانم را، ای آمرزنده مهربان.

بارالها: جز تو آمرزنده‌ای برای گناهانم نمی‌یابم و پوشنده‌ای برای زشتیهایم نمی‌یابم، پس بیامرز گناهانم را و بپوشان زشتیهایم را.

1- نساء/ 78.

2- بخشی از آیه 156 سورهٔ بقره.

3- در اصل وصیت «گرامیم».

بار الها: بیامرز گناهانی که فرو آرند بدبختیها و بلاها را و بدرند پرده‌ها را و جلو گیرند دعاهایم را.

بارالها: می‌دانم که گناهانی که در خلوتها و دیگر جاها کرده‌ام تو مرا رسوا نکردی و در عذاب و شکنجه‌ام شتاب نکردی چون بهتر می‌دانی که من طاقت شکنجه و عذاب تو را ندارم.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم[1]

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»[2].

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»[3].

الهی تو را سپاس می‌گویم که به من توان دادی که در راه تو و برای تو جان خویش را که از آن تو بود نثار کرده تا شاید اگر لایق بودم شهید در راه تو باشم. خدایا از تو می‌خواهم که به من منت گذاشته و از گناهانم بگذری، الهی تو می‌دانی که من به خاطر اسلام و به خاطر خون شهیدان این خاک و بوم و به خاطر نابودی کفر و الحاد که در رأس آن امپریالیسم آمریکا، عازم جبهه حق علیه باطل هستم الهی ترا سپاس می‌گویم که به من منّت نهادی که در میدان جنگ روحم را از بدنم جدا کردی که چه خوب می‌گوید امام علی(**7**): «خوشحال باشید که روحتان (در جنگ) از بدن جدا گردد و به آسانی به سوی مرگ بروید» (خطبه 25)

و می‌خواهم از وصیت امام علی(**7**) به امام حسن(**7**) را بنویسم که نیکوترین وصیت‌هاست:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم وصیت و سفارشم را دریاب، و بدان آنکه مرگش در اختیار او می‌باشد زندگی هم در اختیار اوست آفریننده و میراننده است، نیست کننده و باز گرداننده

1- در بالای وصیت سمت چپ شهید نوشته «1361/5/4 چهارم مردادماه هزار و سیصدوشصت‌ویک»، و در پایین صفحه اول وصیت نوشته «رئوف علی‌محمدیان».

2- بخشی از آیه 156 سوره بقره.

3- بقره/ 193. ترجمه «با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمگران روا نیست».

است، گرفتار کننده و رها کننده است و دنیا پا برجای نیست مگر بر آنچه خدا برای آن قرار داده از بخششها و آزمایش و پاداش در روز رستخیز»[1] و در جای دیگر می‌فرماید: «و بدان که تو آفریده شده‌ای برای آخرت نه برای دنیا، برای نیستی، نه برای هستی و برای مردن نه برای زندگانی، و تو در جای کوچ می‌باشی و در سرای موقت و در راه به سوی آخرت هستی و تو را رانده مرگی که گریزنده از آن رهایی نمی‌یابد و جوینده آن را از دست نمی‌دهد، و ناچار مرگ او را در می‌یابد پس بر حذر باش و ترس از این که مرگ ترا در یابد در وقت گناه کردن که با خود می‌گفتی از آن توبه می‌نمایم و بین تو و اندیشه‌ات جدایی اندازد که در این حال خود را تباه ساخته‌ای».

و اما پیامم: من کوچکتر از آنم که به این ملت بزرگ پیام بدهم اما چند نکته‌ای به نظرم می‌رسد که می‌خواهم با ملت ایران در میان بگذارم.

ای ملت مسلمان، ای ملت قهرمان، ای ملتی که قدرتت و خروشت ابر قدرتها را می‌لرزاند و آنها را به وحشت می‌اندازد (به خصوص ابرقدرتهای آمریکا و شوروی را) و باعث واکنش بچگانه و انتقام جویانه آنها می‌شود، با همین قدرت در مقابل ستمگران تاریخ و جنایت‌کاران و جهانخواران بایستید و مبارزه کنید در راه خدا و مردم ستمکشیده و مستضعف چنانچه خداوند در این آیه می‌فرماید: «**وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ**»[2]. (سوره نساء/ 75) «چیست شما را که پیکار نمی‌کنید در راه خدا و مستضعفین از مردان و زنان و کودکان»

پس قیام کنید در راه خدا و مردم تا پوزه امپریالیسم را به خاک مالیده تا در جهان نه ستمگر باشد و نه ستمکش.

پشتیبان اسلام و انقلاب اسلامی و رهبر و مرجع گرامی‌مان امام باشید. چون این انقلاب اسلامی است که ستمگران و جهانخواران را به وحشت انداخته که هر روز در پی انتقام بر آمده و جنایتها می‌کنند ای ملت بزرگ ایران و ای ملل مستضعف جهان قیام کنید و از حقوق خود دفاع نمایید و همچنین از حقوق دیگر مستضعفین زمین که وارثین به حق

1- آنچه شهید به‌عنوان ترجمه عبارت قرآنی آورده از بخش‌ها و سوره‌های گوناگون است. از آنجمله‌اند: الاعراف/ آیه 158- التوبه/ آیه 116- یونس/ آیه 56 و... که «هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ» بکار رفته است. بخشی هم ترجمه آیه 27 از سوره الرحمن است.

2- در اصل وصیت «...لما تقاتلون ...». بخشی از آیه 75 سورهٔ نساء.

زمین هستند.

با همدیگر مهربان باشید و اخلاق اسلامی را رعایت کنید. بـه حقـوق همـدیگر احتـرام بگذارید و امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکنید.

و اما مسئولین: ای کسانی که زمام امور مسلمین را در دست دارید، ای کسانی کـه امیـد ملت هستید، تو را به خون شهیدان، شهیدان گلون‌کفن، شـهیدانی کـه هنـوز خـون آنهـا در جنوب[1] و غرب[2] کشور می‌جوشد و بر قدرتهای بزرگ فریاد استقلال و جمهـوری اسـلامی سر می‌دهد. ترا به خون این شهیدان زنده واقعی، به حقوق مردم احتـرام بگذاریـد و ریـا و ریاکاری از جامعه بزدایید، به حرف این ملت مستضعف گوش کنید کـه پـست و مقامتـان، این ملت است، با مردم به عدل و قسط رفتار کنید و از راه اسلام و قـرآن منحـرف نـشوید. که چه خوب این سرباز اسلام به خلیفه وقت می‌گوید: «که اگر از راه اسلام کسی به راست یا چپ منحرف شدی خودم با این شمشیر راستت خواهم کرد».

ترا به خون شهیدان صحنه را بر این ملت تنگ نکنید و بگذارید کـه ایـن ملـت قهرمـان آزادانه فکر کنند تا در آینـده بتواننـد از اسـتقلال و آزادی، جمهـوری اسـلامی خـود دفـاع نمایند.

به مردم سخت نگیرید و ستم نکنید که اگر در جامعه به کسی ظلم و ستم شود شـما در پیشگاه خدا مسئولید و نمی‌توانید این را انکار کنید که علی(**7**) می‌فرماید: «اگر خاری بـه پای کنید سپاه یهودی برود و من خودم را در پیشگاه خدا مسئول می‌دانم پس مواظب [...][3] باشید و با مردم به عدل و قسط رفتار نمایید».

در آخر دوباره تکرار می‌کنم ترا به خون شهیدان، ایـن ریاکـاران را از جامعـه بردایـد، کارها را به کسانی بسپارید که واقعاً دلسوز جامعه هستند و نه به کسانی که ظاهراً دلسوزند. که خداوند می فرماید: «وای بر ریاکاران».

در ضمن می‌خواستم اواخر شهریور ماه به تهران برگردم و استخاره کردم و این آیـه کـه آمد:

1- ر. ک. تعلیقات.

2- ر. ک. تعلیقات.

3- خوانا نیست.

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». (94/ عنکبوت)

«و نیست این زندگانی دنیا جز هوسرانی و بازی و همانا خانه واپسین است زندگانی اگر بدانند».

و اما پدر و مادر بزرگوارم: زحماتی که شما برای من در طول زندگیم کشیده‌اید نمی‌توانم شمارش کنم از شما می‌خواهم و تقاضا دارم آن کوتاهیها و اشتباهاتی که تا به حال از من سر زده است بگذرید و مرا ببخشید تا انشاءالله خداوند مرا ببخشد، مرا حلال کنید و در مرگ من گریه نکنید که راهی که من به پیش گرفته‌ام به سوی خداست از دیگر برادران و خواهران و دیگر دوستان و آشنایان می‌خواهم که مرا حلال کنند و همه را به خدای بزرگ می‌سپارم.

«والسلام»

رئوف علی‌محمدیان

60/6/28

وصیت نامه شامل 4 صفحه و بدون قلم خوردگی می باشد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

حضور پدر بزرگوارم

سلام و درود بی‌پایان خود را از غرب (جبهه خونین و محفل عاشقان خدا که جز الله به هیچ چیزی نمی‌اندیشند و درصدد خوشنودی و رضای او هستند به حضور پدر بزرگوارم می‌رسانم امیدوارم در سایهٔ خداوند متعال خوش و خرم بوده باشید. سلامتی شما را و طول عمرتان را از خداوند خواستارم. باری چون تا به حال نتوانسته‌ام نامه‌ای به حضورتان ارسال دارم شرمنده‌ام چون جایم به طور کامل مشخص نبوده است. پدر بزرگوارم من تا به حال به آن صورتی که در اینجا خدا را درک و کاملاً احساس می‌نمایم در تمام عمر سر تا پا مادی و بی‌خبر از خداوند، درک نکرده بودم.

این جا دانشگاه اخلاق، ادب، اخلاص است در این دانشگاه دیگر از درسهای تئوری خبری نیست بلکه تمام درسها عملی است، اینجا درس ایثار و از جان‌گذشتگی و فداکاری به انسان می‌آموزد. انسان احساس تنهایی نمی‌کند همیشه خداوند خویش را از همه بیشتر

به خود نزدیک می‌داند، در اینجا آن مشیت الهی کاملاً درک و لمس می‌شود.

پدر بزرگوارم می‌دانید چه جوانانی و چه پیرمردانی و چه بچه‌هایی اینجا هستند. جوانانی پاک- متعهد و با ایمان که جز به خاطر الله به اینجا نیامده‌اند وجز [برای][1] او نمی‌جنگند و جز به سوال «هل من ناصر ینصرنی»[2] امام حسین(**7**) که در آن آخرین لحظات حیات این جهانیش از [...][3] و تاریخ بشریت می‌کند نمی‌جنگند چنان که شاهد هستید این از خدا بی‌خبران بعثی[4] هر روز چه بلایی به سر مسلمانان آبادانی و شهرهای دیگر، می‌آورند و چه خرابی‌هایی می‌آفرینند و چه خرابی‌هایی که تا به حال کرده و چه کشت و کشتاری کرده‌اند که اگر ملت ایران بخواهد قصاص کند، باید تمام عراق را با خاک یکسان کند. اما افسوس که مردم عراق مسلمان هستند و ما نمی‌خواهیم به آنها لطمه‌ای وارد شود.

خداوند انشاءالله به تمام مسلمین جهان این توفیق را بدهد تا در مقابل جنایتکاران تاریخ و ابرقدرتهای شرق[5] و غرب ایستاده و حق خویش را بگیرند و این جنایتکاران و تبهکاران را به جای خویش بنشانند و تا اسلام از شر این شیاطین و راهزنان عقل و فکر انسان رهایی یافته و استقلال فکری و عقیدتی و سیاسی خود را بازیابند. سلام گرم مرا به مامان وحید آقا، راضیه خانم، مجید آقا، صادقه خانم و دیگر دوستان و آشنایان برسانید.

«والسلام»

با تقدیم احترام رئوف علی محمدیان -61/6/21

1- به سیاق کلام واژه «برای» از قلم افتاده است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- خوانا نیست.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

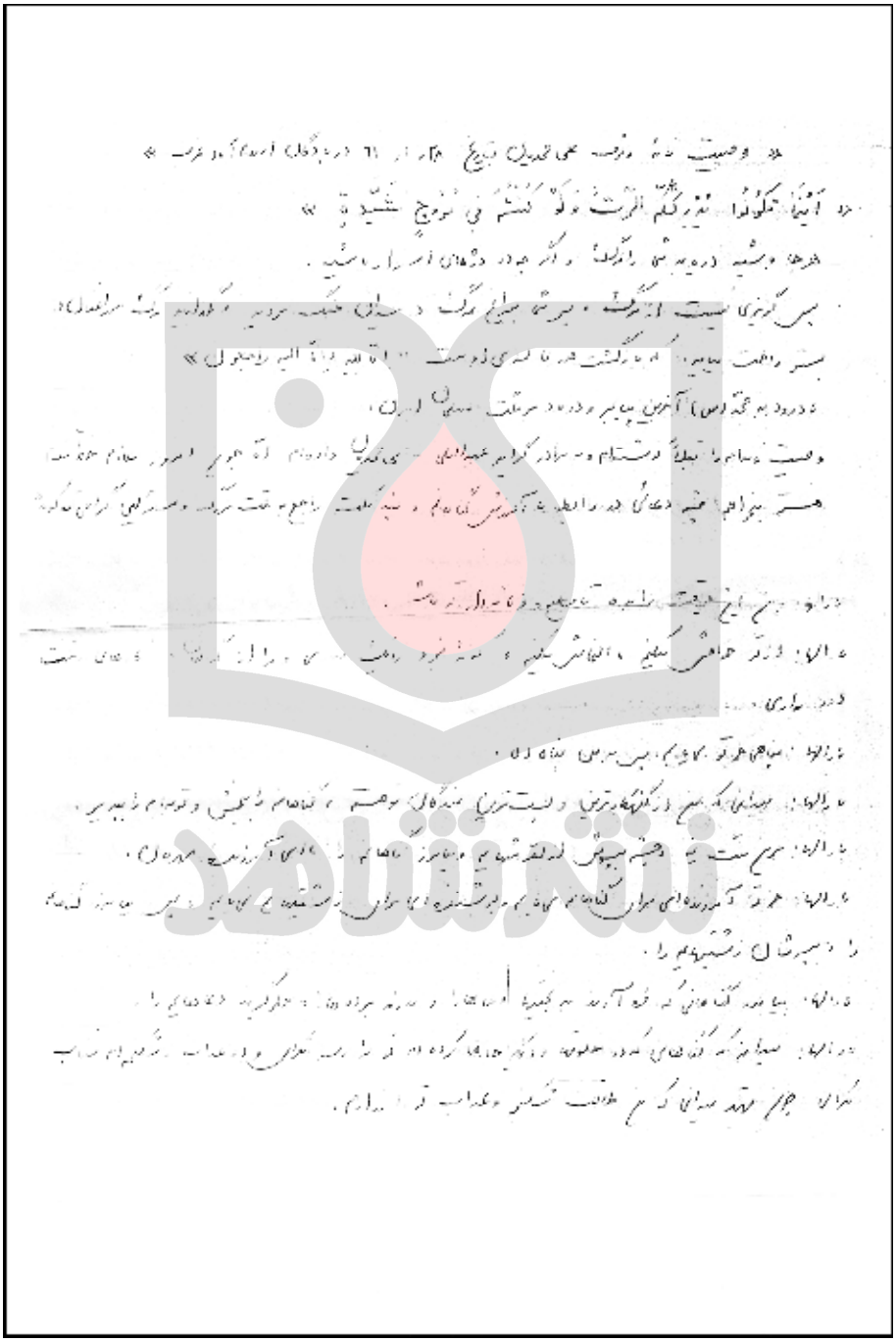

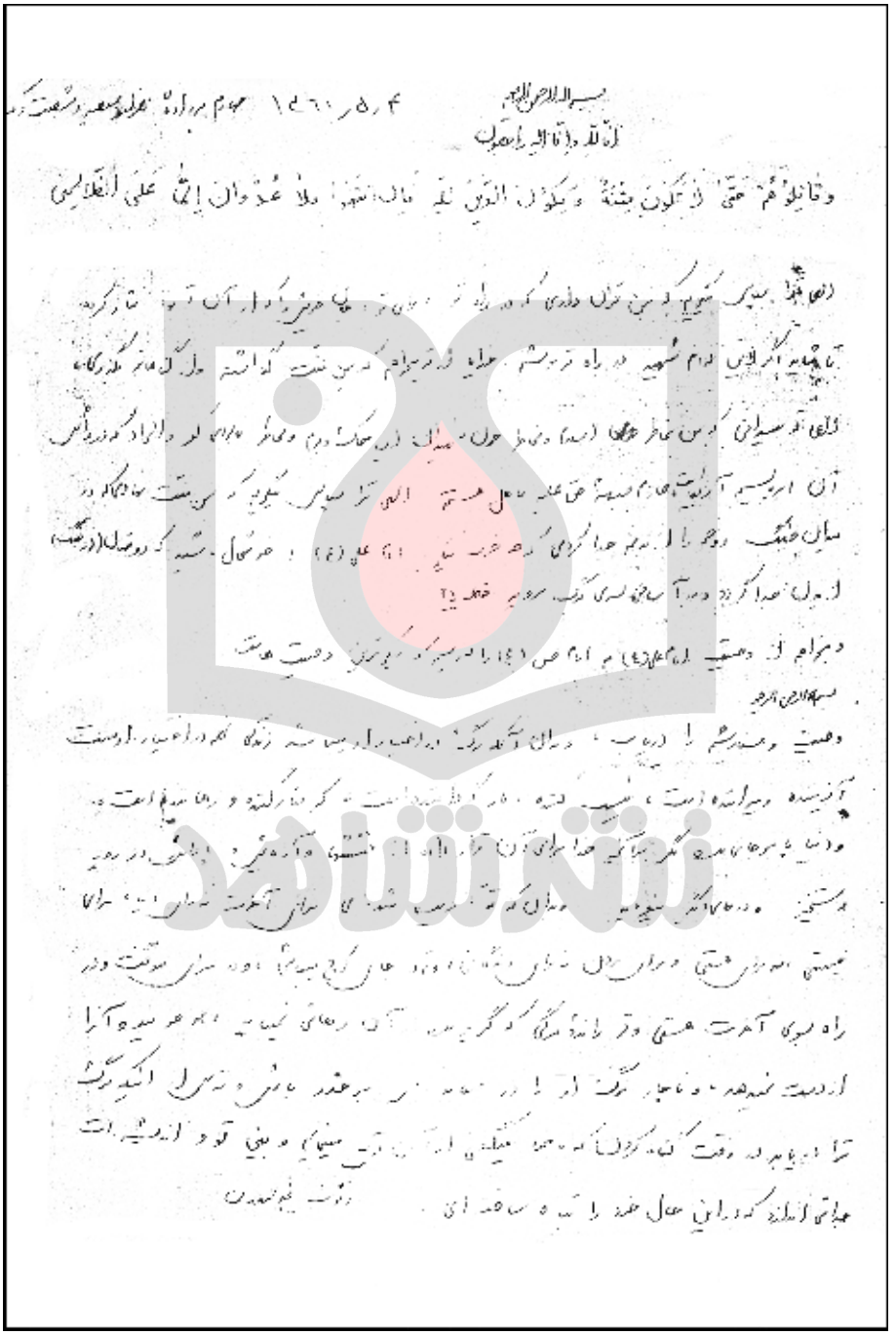

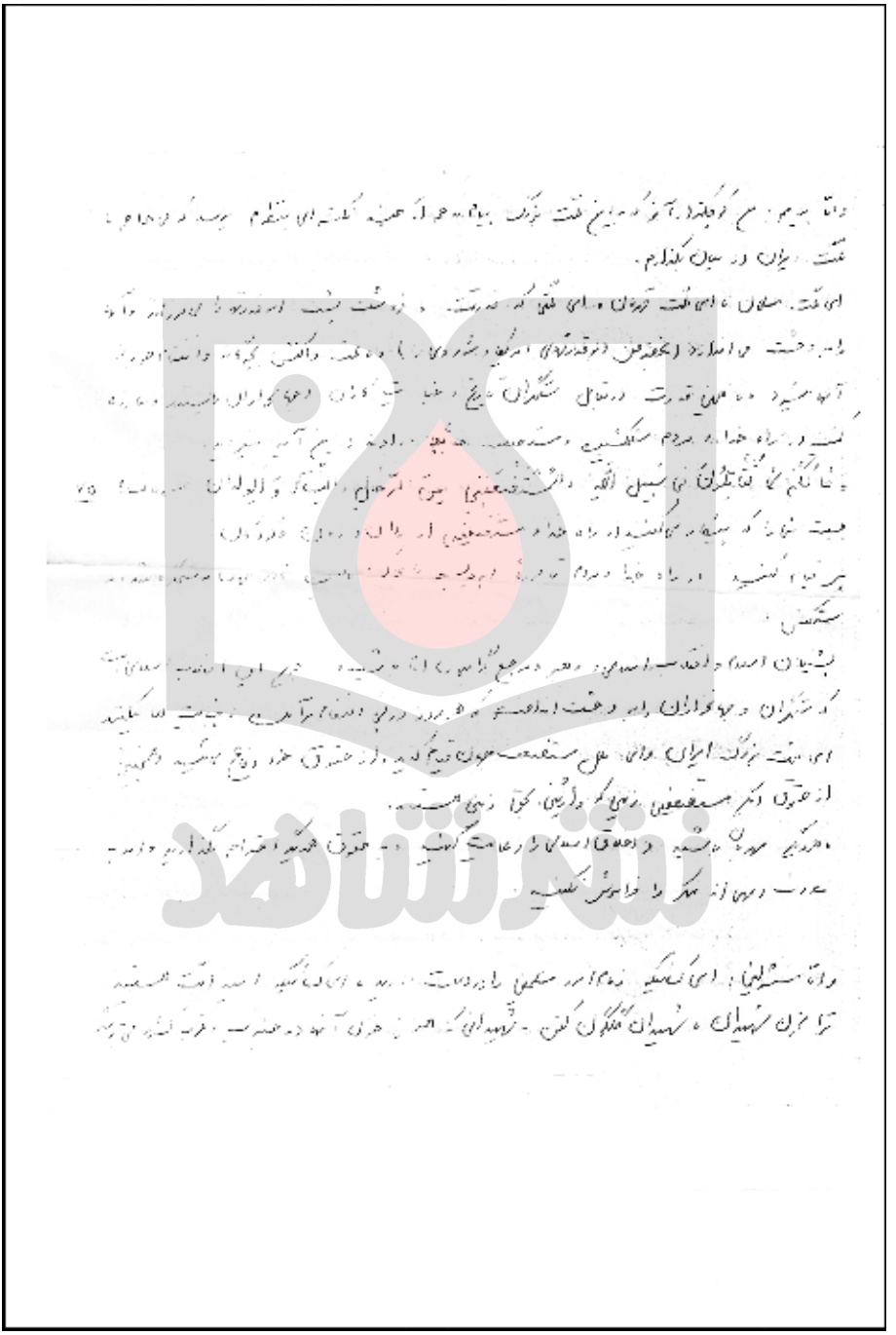

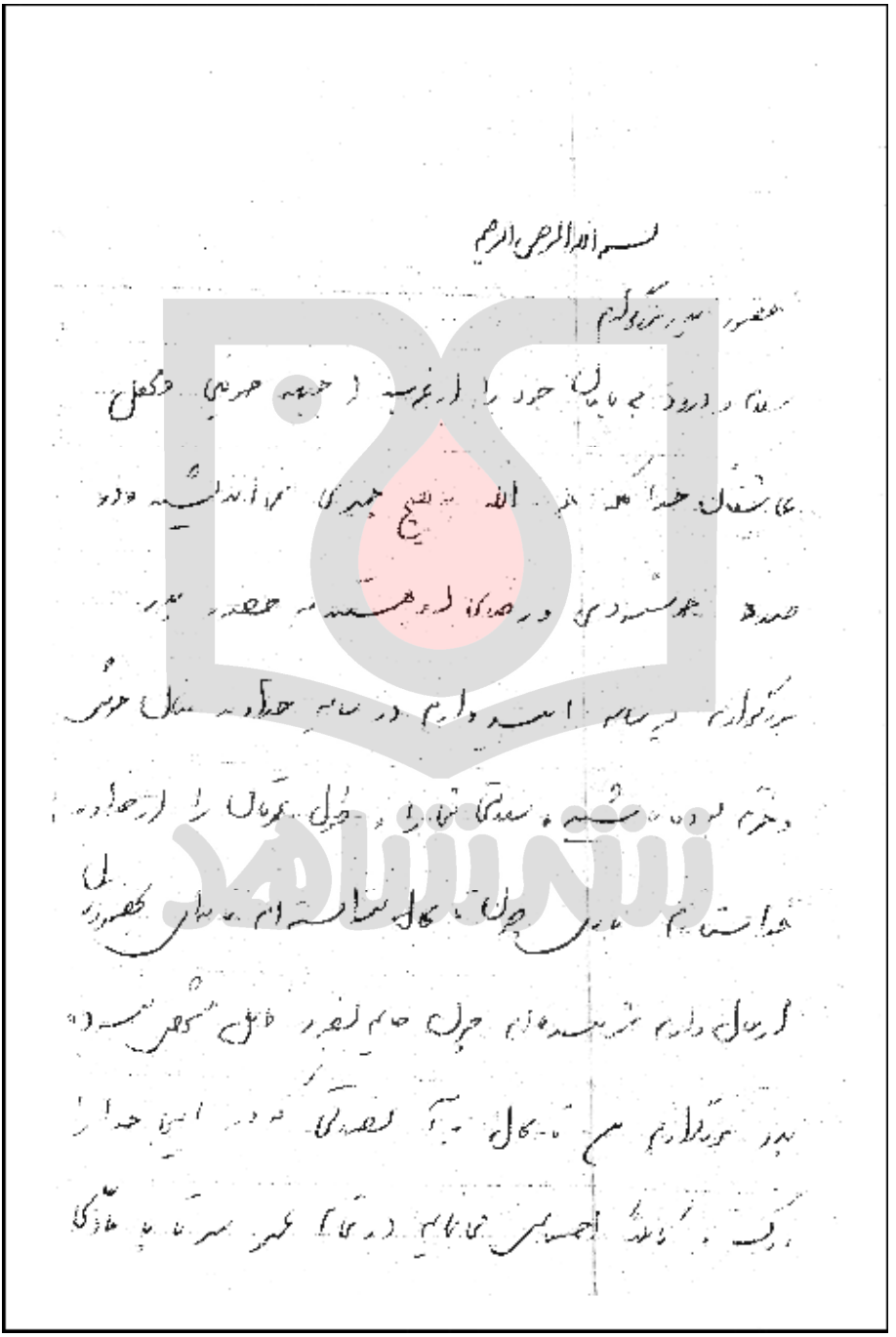

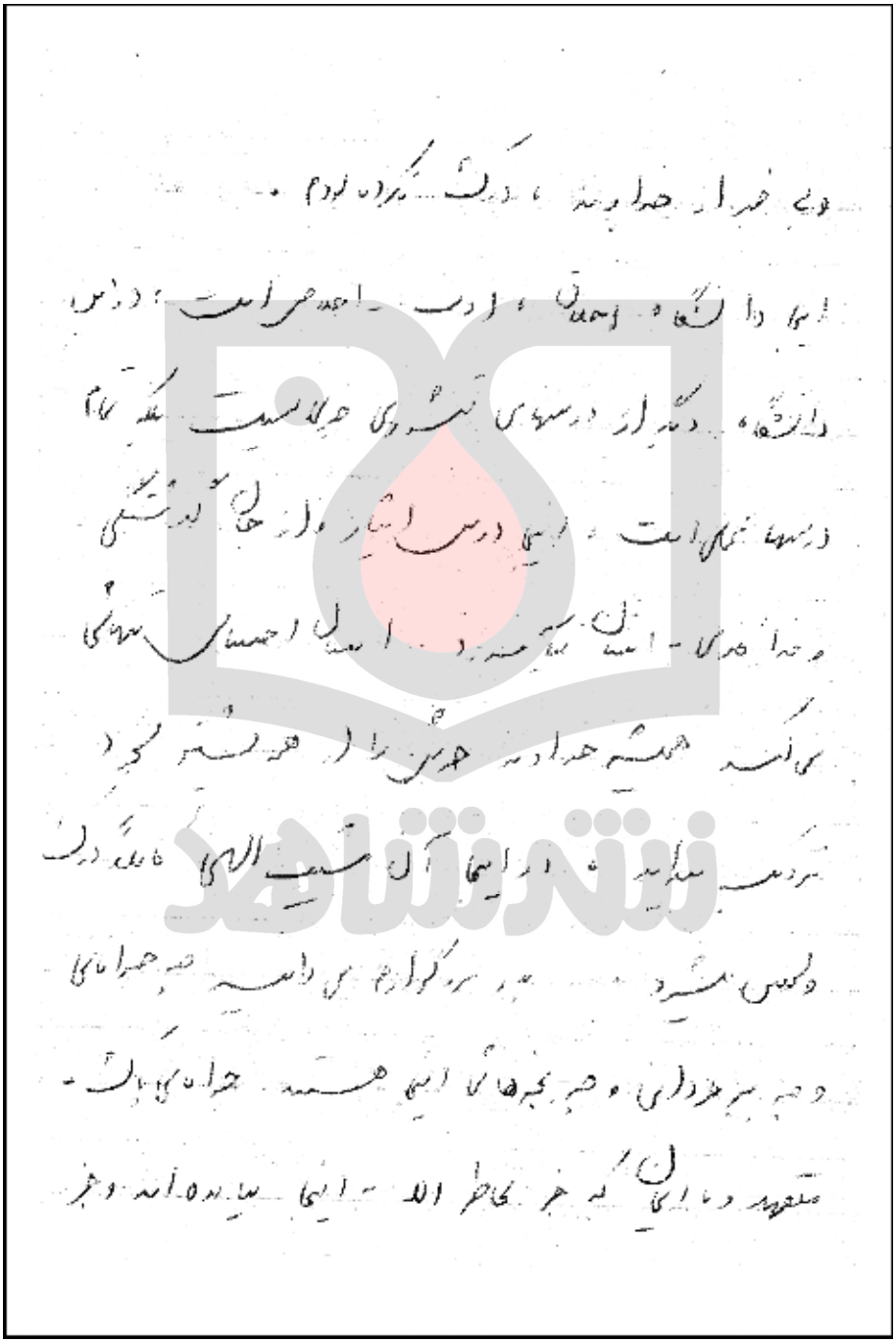

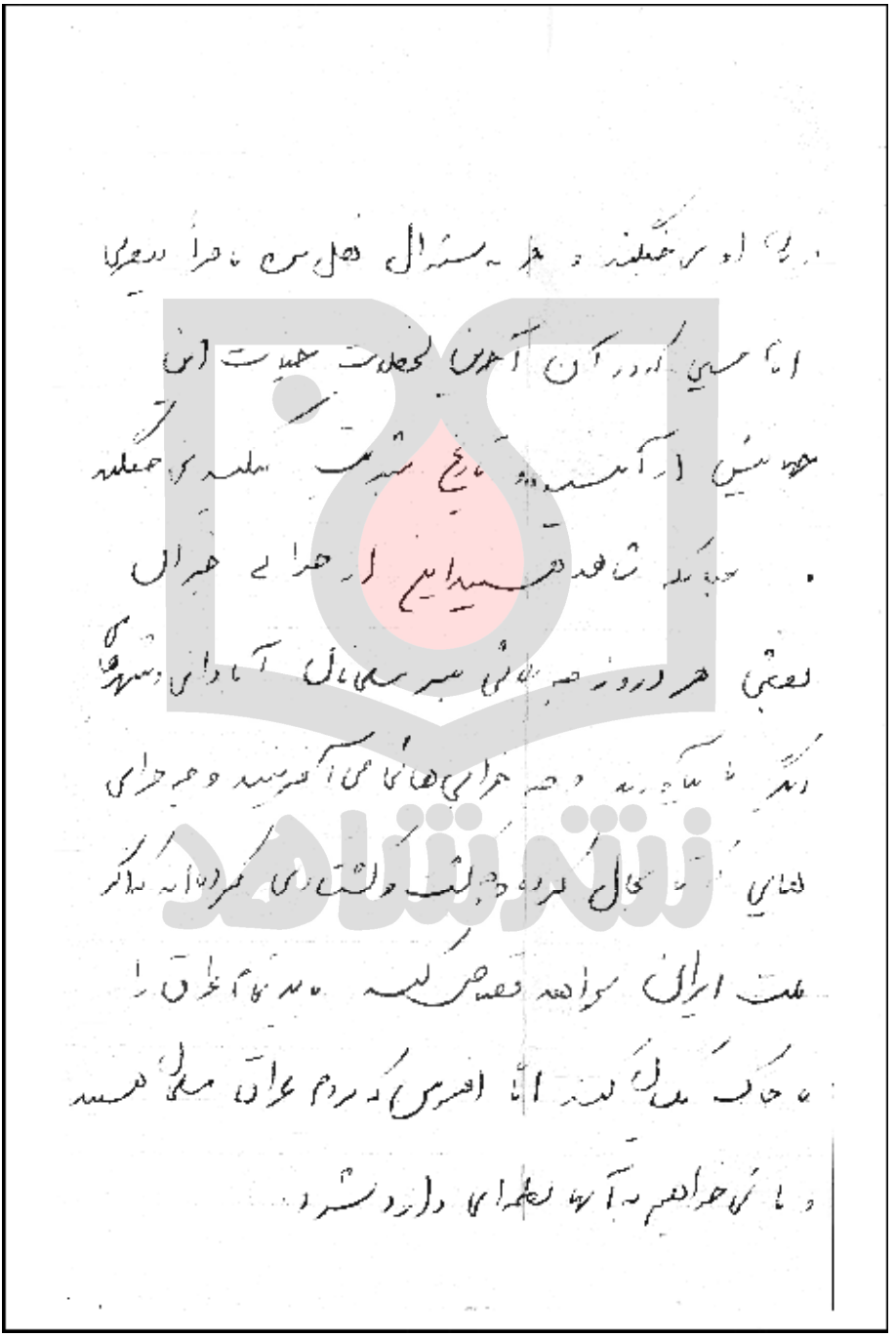

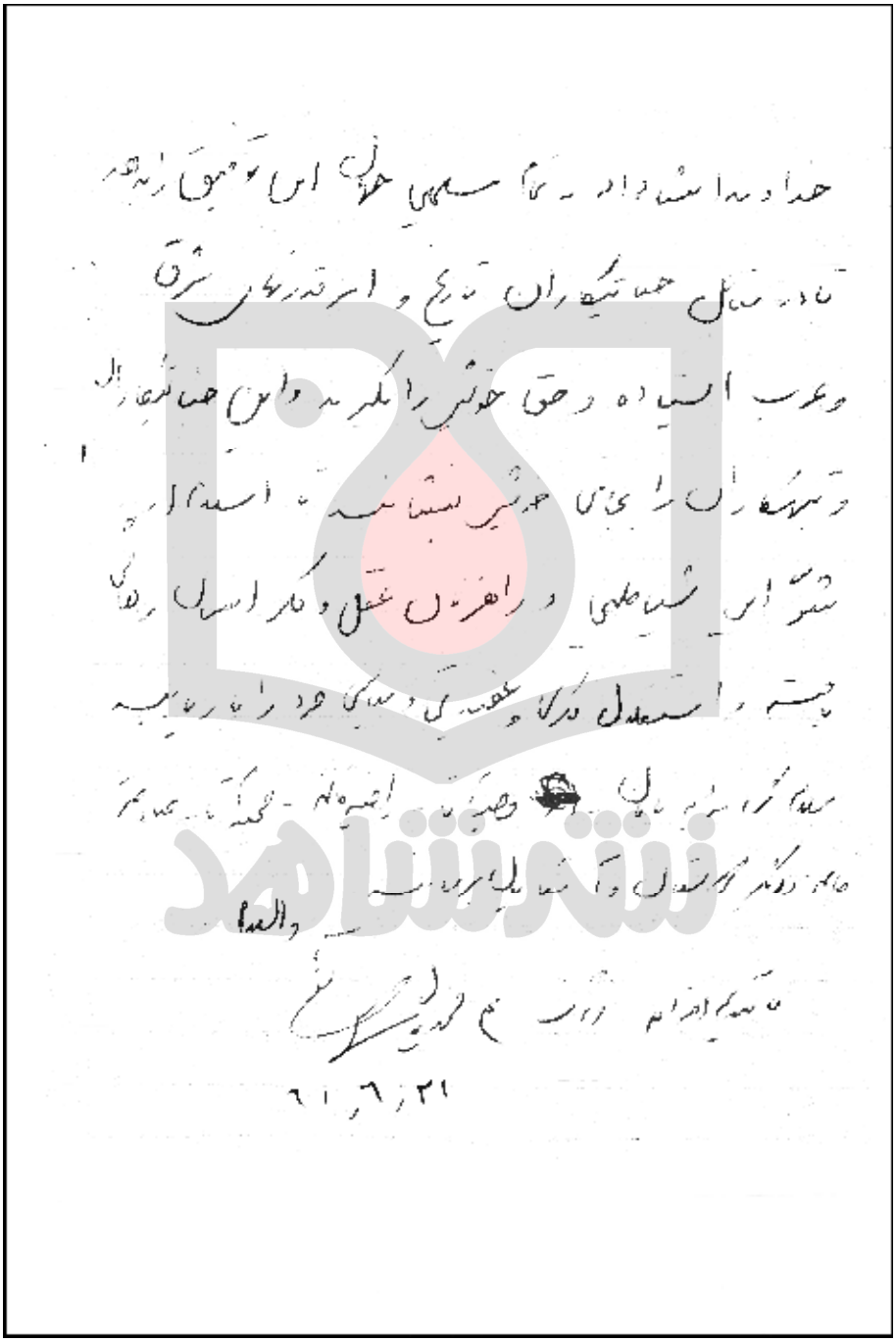

نام: **اکبر**
نام خانوادگی: **علی‌نژاد**
نام پدر:
نام مادر:
تاریخ تولد:
محل تولد:
تحصیلات:
ارگان اعزام‌کننده:
تاریخ شهادت:
محل شهادت:
نحوهٔ شهادت:
مزار:

عبارت‌های کلیدی

- رحمت خدا بر شما باد ای راهیان بهشت ای پدر و مادر عزیزتر از جانم.
- چه سعادت و خوشبختی بالاتر از شهادت در راه خدا می‌باشد.
- خرسند باشید از این که فرزندتان را خوب و نیکو تربیت کردید.
- خدمتگزار اسلام باشید و امیدوارم که صبر داشته باشید.
- من تا آخرین قطره خون در این راه می‌جنگم.

نشر شاهد

اکبر علی‌نژاد[1]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با درود [و] سلام به امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و با درود [و] سلام به شهیدان ایران و با سلام به ملت شهیدپرور ایران.

بسم ربِّ الشُّهداء و الصدیقین

پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام[2] به خصوص برادران عزیزم سلامٌ علیکم پس ازعرض گرمترین سلام حضور محترم شما از بارگاه تعالی خواستار[3] سلامتی و طول عمر و همچنین صبر و استقامت شما در قبال مشکلات دنیوی می‌باشم. پدر و مادر بزرگوارم شما ای اسطوره‌های[4] صبر و مقاومت شما ای بزرگان گرامی‌ام[5] که متحمل [و][6] زحمات و رنجهای فروانی بودید در طی این چندین سال مهر و محبت پدر و مادر از من دریغ نکردید.

درود و رحمت خدا بر شما باد ای راهیان بهشت ای پدر و مادر عزیزتر از جانم محبت شما را مهمترین و پرکارترین اشیاء عالم نمی‌تواند جبران کند. گرامی‌ترین سپاس مرا بپذیرید[7].

پدر و مادر گرامی‌ام[8] هر کودکی که متولد می‌شود و پا به عرصهٔ این جهان می‌گذارد تنها آرزوی پدر و مادرشان این است که فرزندشان را به طرز[9] صحیح تربیت کنند تا او به سعادت و خوشبختی برسد. ولی چه سعادت و خوشبختی بالاتر از شهادت در راه [خدا][10] می‌باشد و همچنین فرزندان امانتی هستند در دست پدر و مادر پس شما ای مهربانان باید

1- بالای برگه تایپی آمده: «وصیت‌نامه برادر اکبر علی‌نژاد، این جنگ اگر بیست سال هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم».
2- در اصل وصیت «گرامیم».
3- در اصل وصیت «خواستارم».
4- در اصل وصیت «استوره‌های».
5- در اصل وصیت «گرامیم».
6- واژه «و» اضافه است.
7- در اصل وصیت «بپرزید».
8- در اصل وصیت «گرامیم».
9- در اصل وصیت «و به طرز».
10- در اصل وصیت واژه «خدا» از قلم افتاده است.

خوشحال و خرسند[1] باشید از این که [فرزندتان را][2] خوب و نیکو تربیت کردید و امانت خود [را][3] سالم[4] و نیکو به دست صاحب آن رساندید.

من از شما خواهش می‌کنم که در جمع و در مجالس سعی کنید که کمتر گریه کنید و اشک بریزید [با] این کارتان چشم دشمنان اسلام را کور کنید و در خاتمه[5] از شما ای بزرگواران تقاضامندم که هر بدی و تندی و تندخویی[6] که از بنده دیدید حلال کرده برایم دعا کنید که سخت به دعاهای شما محتاجم ضمن آن که سلام گرم [را] به [کلیه] فامیلهایم و دوستان و آشنایان می‌رسانم و حلالیت بنده را از آنان بطلبید و به خصوص سلام گرم به برادرانم می‌رسانم.

و از برادرانم حلالیت می‌خواهم و از برادرانم می‌خواهم که جای من را خالی نگذارند و همیشه راه من را ادامه دهند و اگر از من بدی دیدند مرا حلال کنند و همیشه دعاگوی امام باشند و از پدر و مادر می‌خواهم که برادرانم را خوب تربیت کنند و بگذارند[7] در این راه خدمت کنند و خواهشم این است که جای من را خالی نکنند و همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم خداوند نگه‌دارتان[8]. و سلام من را به امام امت و به خصوص خانوادهٔ شهیدان برسانید.

و همسر مهربانم من در این یک سال که با شما ازدواج کردم امیدوارم اگر از من بدی [دیدی] به بزرگی خودت ببخشی و تو باید پسر را که جانشین من است بزرگ کنی تا راه من را ادامه دهد و چه کنم که [در] این مدت کوتاه [که] با هم زندگی می‌کردیم [ولی] این وظیفه سنگینی که بر دوش من بود نتوانستم در پیش شما بمانم. و انسان [را] خداوند یک دفعه می‌آفریند[9] و یک دفعه هم از دنیا می‌برد[10]. و توباید طوری در مقابل مردم چون هر

1- در اصل وصیت «خرسُند».
2- در اصل وصیت «فرزنتان و».
3- در اصل وصیت «و».
4- در اصل وصیت «سلام».
5- در اصل وصیت «خاتم».
6- در اصل وصیت «تندخوی».
7- در اصل وصیت «بگذارند».
8- در اصل وصیت «نگدارتان».
9- در اصل وصیت «می‌آوردید».
10- در اصل وصیت «می‌بری».

جا[1] انسان دشمن یا دوست دارد شما باید همیشه صبر و استقامت خود را از دست ندهی و همیشه صبر [و] مقاومت داشته باشی و شما باید همیشه به حرفهای پدر و مادرم گوش کنی و فرزندم را چنان تربیت کنی که بتواند راه اسلام [را] پیدا کند و برود به راه اصلی و همیشه خدمتگزار[2] اسلام باشد و امیدوارم که صبر داشته باشید و امیدوارم که این وصیت را که من نوشتم مورد قبول شماها باشد و شماها را به خدای بزرگ می‌سپارم.

سلام رساندم پیش از آن سلام مرا به برادرانم برسان
سلام رساندم علی‌الخصوص[3] روی فرزندم را ببوس

ضمن تقدیم عرض سلام به عموهایم[4] و به خصوص به دایی‌هایم وبه خانواده‌هاشان می‌رسانم و امیدوارم که مرا حلال کنند امیدوارم که عموهای[5] بزرگوارم و دایی جان بزرگوارم [مرا حلال کنند][6] و تمام این مدتی که با شماها بودم اگر از من بدی یا تندخویی[7] دیدید حلال کنید و حلالیت مرا از یک به یک فامیلهایم بخواهید و سلام مرا یک به یک[8] دوستان و آشنایان برسانید ولی من تا آخرین[9] قطرهٔ خون در این راه می‌جنگم امیدوارم هرچه زودتر این جنگ تمام شود. شما عزیزان را به خدای بزرگ می‌سپارم.

تقدیم کننده اکبر علی‌نژاد

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «که هر جای».
2- در اصل وصیت «خدمتگذار».
3- در اصل وصیت «ال خصوص».
4- در اصل وصیت «عمویم‌هایم».
5- در اصل وصیت «عمویان».
6- به سیاق جمله عبارت «مرا حلال کنند» از قلم افتاده است.
7- در اصل وصیت «تندخوی».
8- در اصل وصیت «به یک یک».
9- در اصل وصیت «آخر».

نام: **الله‌شکر**
نام خانوادگی: **علی‌نژاد**
نام پدر: **حسینعلی**
نام مادر: **نارنج**
تاریخ تولد: **دهم اسفند** 1348
محل تولد: **روستای چلک از توابع شهرستان گرمی**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نوزدهم آبان** 1362
محل شهادت: **مرز ایران و عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از کسی ترسی ندارم چون علی یار من است.
- ناراحت نباشید اگر شهید شدم.

نشر شاهد

الله‌شکر علی‌نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

بسمه تعالی

سلام مرا به پدرم و مادرم برسانید. سلام مرا به برادرانم برسانید. سلام مرا به خواهرم برسانید. سلام مرا به همسران برادرانم برسانید. سلام مرا به عموهایم برسانید. سلام پر محبت بنده را به حسن و فردین برسانید. سلام مرا به همسران عموهایم برسانید. سلام مرا به همسایه‌مان برسانید. از دهان بنده از صورت حسن و فردین ببوسید. از دهان بنده از صورت لیلا را ببوسید. ای کاش در خانه‌مان بودم از صورت برادرانم یک به یک می‌بوسیدم. ای کاش در خانه‌مان بودم با پدرم صحبت می‌کردم. ای کاش در خانه‌مان بودم از صورت حسن و فردین می‌بوسیدم. ولی چاره نیست مرگ بر صدام[1] که مرا از خانه‌مان دور کرده. از کسی ترسی ندارم چون علی(**7**) یار من است. ناراحت نباشید اگر شهید شدم شده‌ام[2] یا نشده‌ام می‌آییم.

الله‌شکر علی‌نژاد

1- ر. ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «شدوارم».

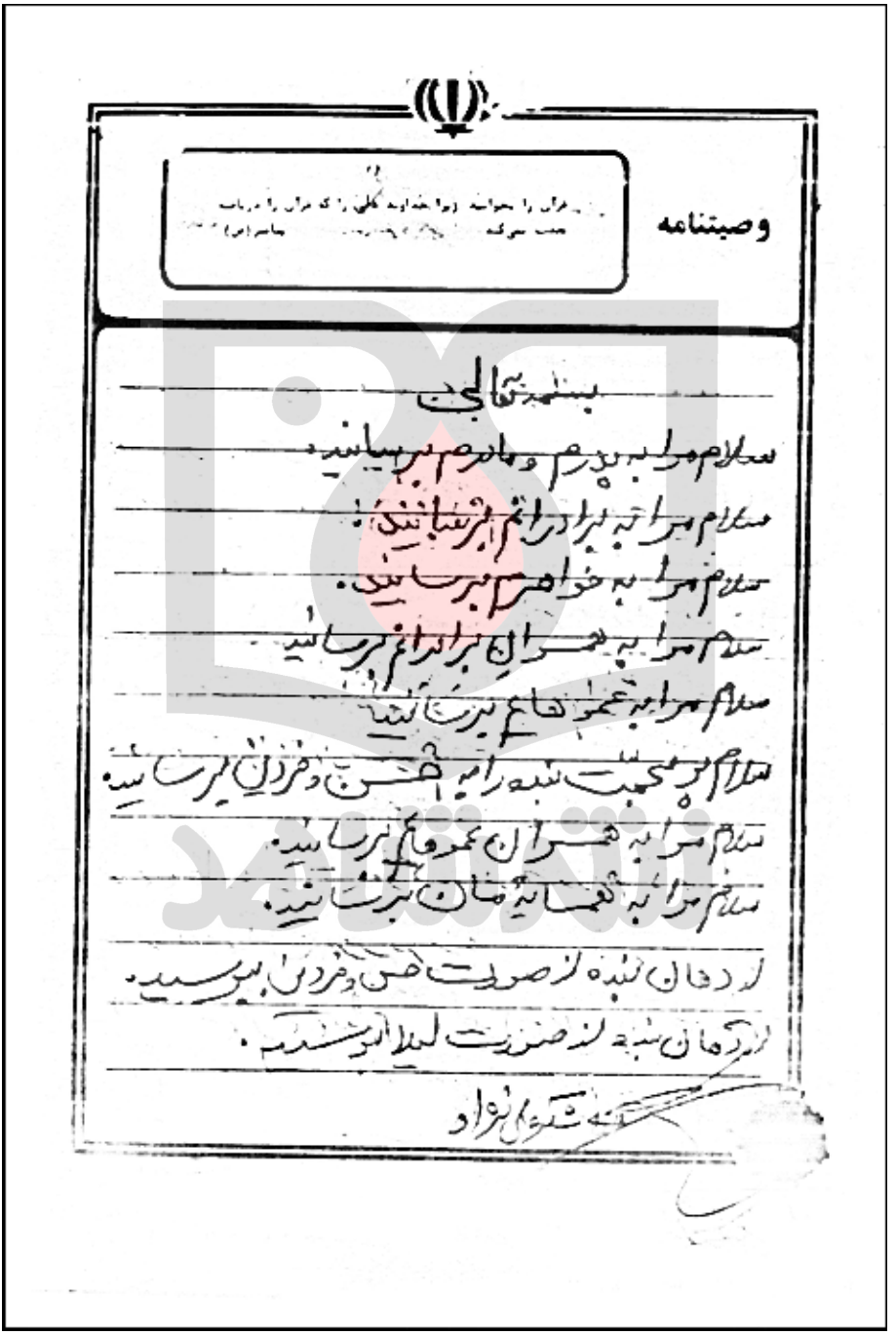

وصیتنامه

بسمه تعالی

سلام مرا به پدرم و مادرم برسانید.

سلام مرا به برادرانم برسانید.

سلام مرا به خواهرم برسانید.

سلام مرا به همسران برادرانم برسانید.

سلام مرا به عموها و عمه‌ها برسانید.

سلام مرا به محبت بنده را به حسن و مزدن برسانید.

سلام مرا به همسران عموها برسانید.

سلام مرا به همسایه‌مان برسانید.

از دهان بنده از صورت حسن و مزدن ببوسید.

از دهان بنده از صورت لیلا ببوسید.

شهید الله شکر علی‌نژاد

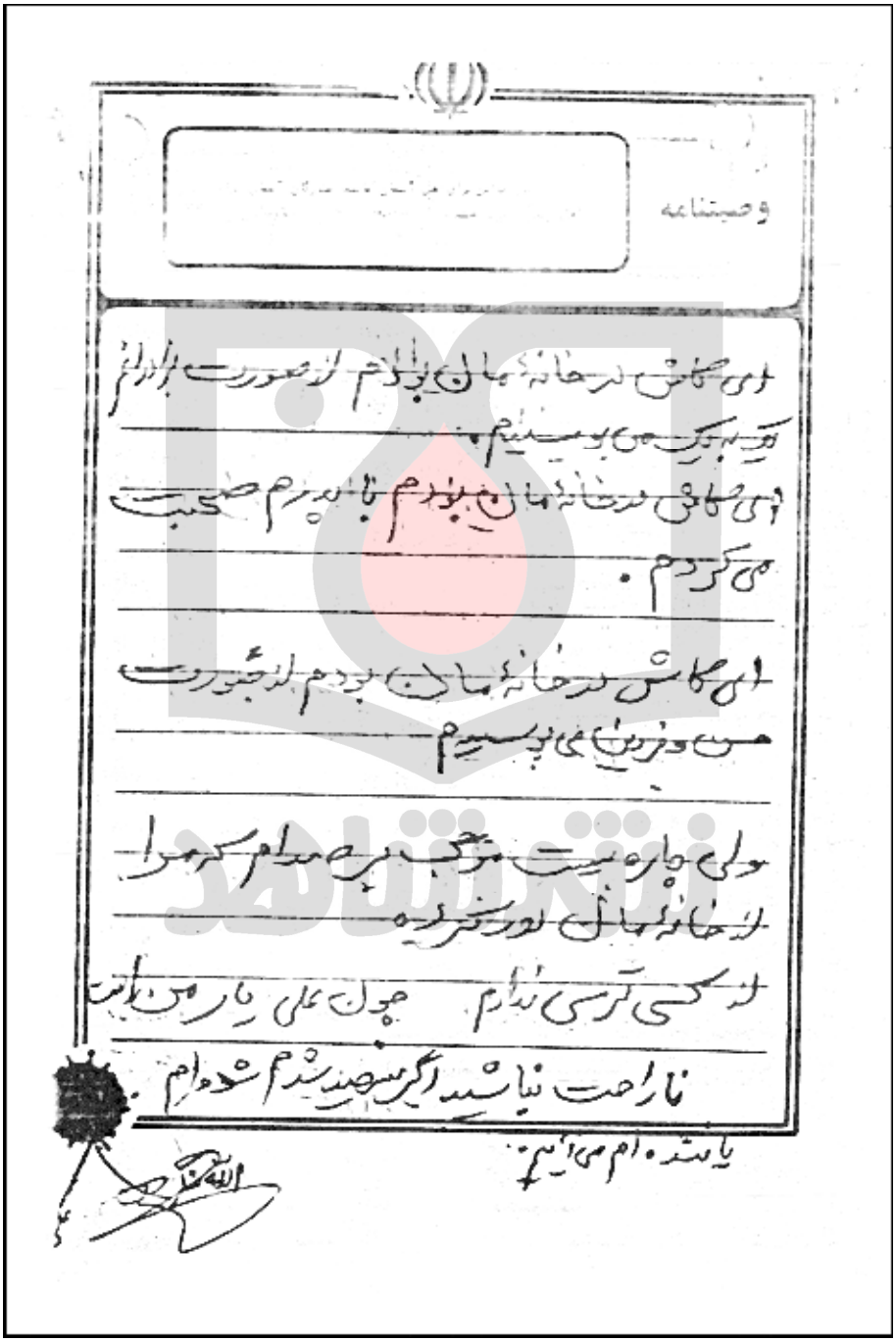

وصیتنامه

[illegible]

ای کاش در خانه مان بودم از صورت برادرانم
که به یک من بوسیدم.

ای کاش در خانه مان بودم با پدرم صحبت
می کردم.

ای کاش در خانه مان بودم از عشورت
من و مادرم می پرسیدم

ولی چاره نیست موجب بر صدام کرمرا
از خانه و اهل و دور کرده
از کسی ترسی ندارم چون علی یار من است

ناراحت نباشید اگر من صدیقه شده ام.

یا شده ام می آیم.

نام: **ولی**
نام خانوادگی: **علی‌نژاد**
نام پدر: **کریم**
نام مادر: **ارکناز**
تاریخ تولد: **یازدهم مرداد** 1340
محل تولد: **روستای ورگهـان از توابـع پارس‌آباد**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم تیر** 1361
محل شهادت: **شملچه**
نحوهٔ شهادت: -
مـزار: **گلـزار شـهدای وادی رحمـت شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ما در جبهه حق علیه باطل می‌باشیم و خداوند بزرگ انشاءالله مـا را یـاری خواهـد نمـود و بـه پیروزی نهایی نایل خواهد آمد.
- از طرف جنگ ناراحت نباش دشمنان از آغاز این مکتب اسلام با آن به جنگ برخواسته‌اند.
- وظیفه شرعی هر مسلمان است که باید جلوی این تجاوزگران را بگیرد که خون این شـهیدان از بین نرود.
- ما باید راه آنها را ادامه بدهیم تا اجری از طرف خداوند برایمان حاصل شود.

ولی علی‌نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

به سلاح و صلاح مجهز شوید که خدای بزرگ با شماست[1]. (امام خمینی)

به خدمت برادر بزرگوارم و نور چشم عزیزم تقدیم شود.

پس از تقدیم و ابلاغ عرض[2] [و][3] سلام امیدوارم در سایهٔ خداوند بزرگ سلامت بوده باشید برادر جان اگر می‌خواهید از طرف برادر کوچکت اطلاع داشته باشید الحمدالله سلامتی حاصل و جای هیچ‌گونه نگرانی در پیش نیست و فقط نگرانی بنده از طرف شما می‌باشد.

برادر جان وقت را غنیمت شمرده می‌خواستم از طریق برادر سلطاوند به شما نامه بفرستم. با اینکه سخنی نداشتم اما شما به خاطر این که گفتید در تلفن به بنده که نامه کم ارسال می‌کنید بنده به خاطر آن[4] این نامه را به شما ارسال می‌کنم تا ناراحتیتان برطرف[5] شود.

برادر جان اگر وقت داشته باشید به من نامه و تلگراف ارسال کنید[6] چون وقتی که نامه‌های دوستانم به دستشان می‌رسد[7] خوشحال می‌شوند اما من ناراحت می‌شوم. می‌گویم در دل خودم کاش به من هم نامه می‌نوشتند[8]. تا خوشحال باشم. و چند قطعه عکس هم به شما ارسال می‌کنم. تا آن را یادگاری در پیش خودت نگه‌دارید.

1- صحیفه امام، ج12، ص144.

2- در اصل وصیت واژه «عرض» از قلم افتاده است.

3- در اصل وصیت واژه «و» اضافه است.

4- در اصل وصیت «به آن خاطر».

5- در اصل وصیت «حل».

6- در اصل وصیت «کن».

7- در اصل وصیت «می‌رسند».

8- در اصل وصیت «می‌فرستند».

ما هم در جبهه حق علیه باطل می‌باشیم و[1] خداوند بزرگ انشاءالله ما را یاری خواهد نمود و به پیروزی نهایی نایل خواهیم آمد. اصلاً از طرف جنگ ناراحت نباش دشمنان از آغاز این مکتب اسلام با آن به جنگ برخواسته‌اند. تا الان هم ادامه دارد. بنابراین وظیفه شرعی هر مسلمان است که باید جلوی این تجاوزگران را بگیرد که خون این شهیدان از بین نرود. و ما باید راه آنها را ادامه بدهیم تا اجری از طرف خداوند برایمان حاصل شود[2]. برادر تلفن خواهرم را هم به من بفرستید تا با آنها صحبت بکنم چون شمارهٔ تلفن آنها را فراموش نموده‌ام نمی‌دانم و ماه رمضان را به شما تبریک می‌گویم امیدوارم موفق و پیروز باشید. به تمامی دوستان و خانواده‌ام عرض و سلام دارم. فقط چون وقت نداشتم به شهزاد عرض [و] سلام مخصوص سپردم.

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «تا».

2- در اصل وصیت «کنیم».

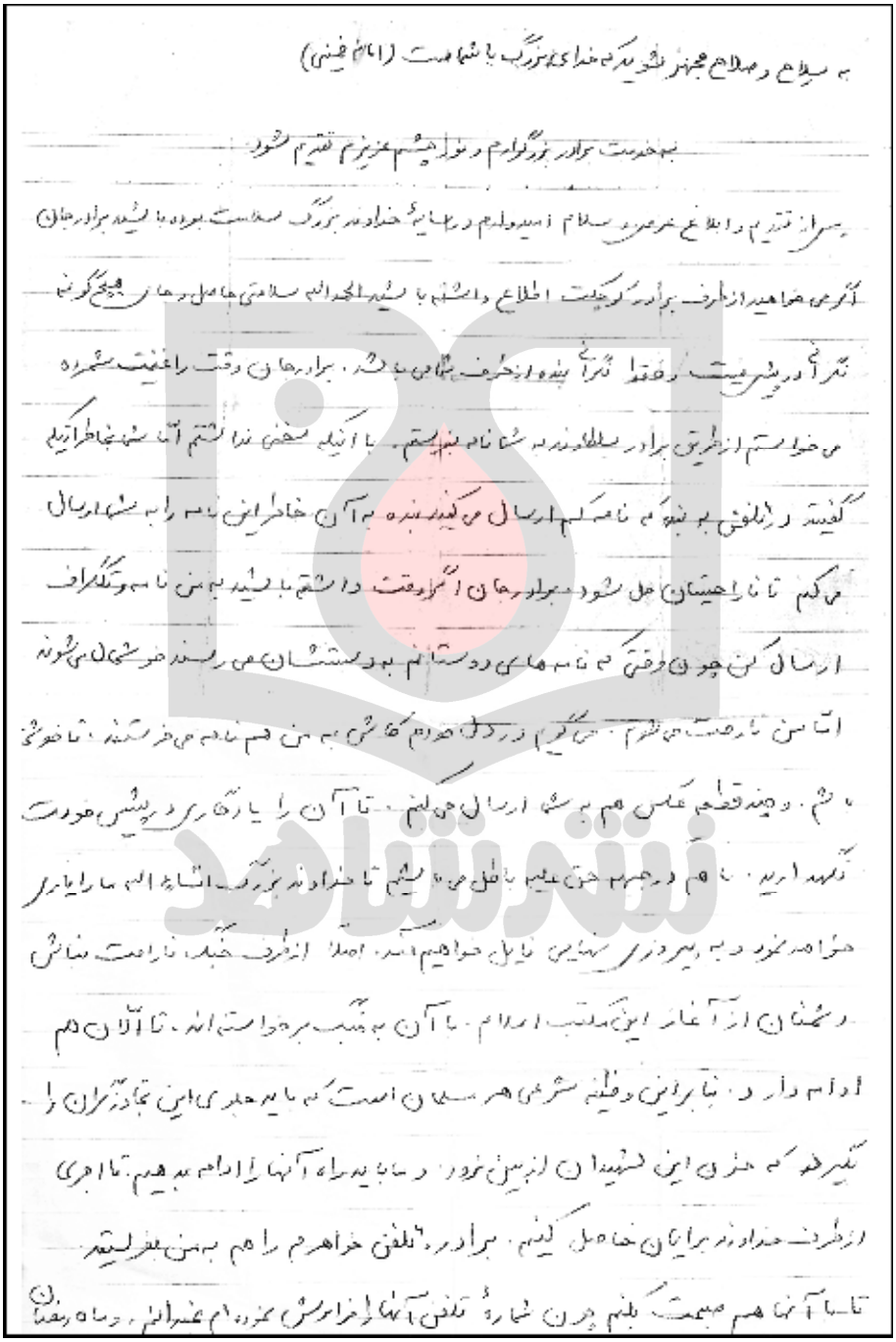

به سلام و صلاح مجبور نشوید که خدای بزرگ با شما صلح (امام خمینی)

به خدمت برادر بزرگوارم و مولای عزیزم تقدیم شود

پس از تقدیم و ابلاغ عرض سلام امیدوارم در پناه خداوند بزرگ سلامت بوده باشید برادرجان اگر می خواهید از طرف برادر کوچکت اطلاع داشته باشید الحمدالله سلامتی حاصل و همگی گونه نگرانی در بیش نیست و فقط نگرانی بنده از طرف شما می بود. برادرجان وقت را غنیمت شمرده می خواستم از طریق برادر سلطانی به شما نامه بنویسم. با اینکه سخنی نداشتم آن شب خاطر آنکه گفته بود تلفنی به نیمه کم نامه کم ارسال می کنید بنده به آن خاطر این نامه را به شما ارسال می کنم تا ناراحتیان حل شود. برادرجان اگر وقت داشتید به من نامه و نگران ارسال کنید چون وقتی که نامه های دوستانم به دستشان می رسد خوشحال می شوند اما من نادست می نگرم. در دل خودم گاهی به من هم نامه می فرستند تا خوشحال باشم. و چند قطعه عکس هم به شما ارسال می کنم. تا آن را یادگاری در پیش خود نگهدارید. نام و مرحوم حق علیم حاصل می کنم تا خداوند بزرگ انشاءالله ما را یاری خواهد نمود و به پیروزی نهایی نایل خواهیم شد. اصلا از طرف خبث نداشت نباشد دشمنان از آغاز این مکتب اسلام با آن به ستیز برخواسته اند. تا آنان هم ادامه دارد. بنابراین وظیفه شرعی هر مسلمان است که با یاری این نهاد نگران را یگیرد که جزئی از این شهیدان از بین نرود و ما باید راه آنها را ادامه بدهیم. تا اجری از طرف خداوند برایمان حاصل کنیم. برادر به تلفن خواهرم را هم به من بفرستید تا با آنها هم صحبت کنم چون شماره تلفن آنها را فراموش نموده ام عنوان و نشانی

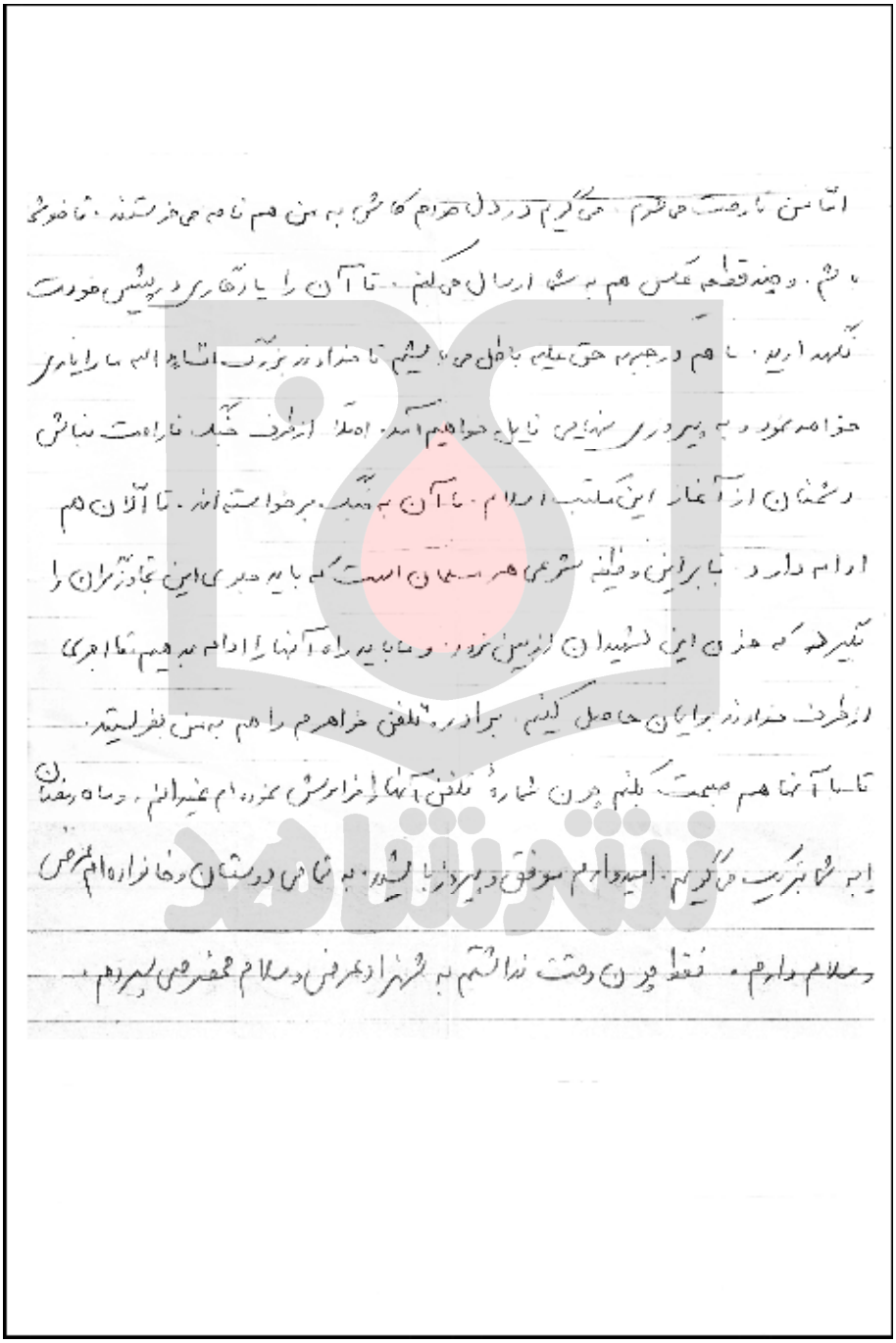

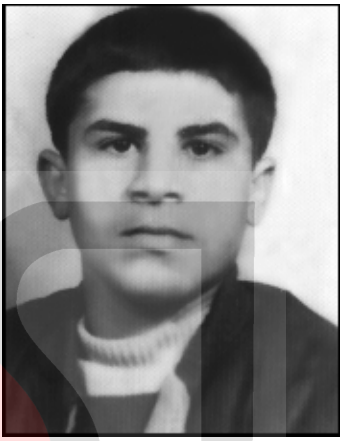

نام: **پرویز**
نام خانوادگی: **عمرانی**
نام پدر: **خداداد**
نام مادر: **زرین‌تاج**
تاریخ تولد: **نهم شهریور** 1346
محل تولد: **روستای گلوجه از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- وصیتم به مردم مسلمان ایران این است از امام بزرگوارمان این حسین زمان لحظه‌ای دور نشوید و او را تنها نگذاشته و به فرمایشاتش نکته به نکته عمل نمایید.
- برادران و خواهران عزیز در هیچ موقعیتی به دشمنان اسلام و امام اجازه ندهید که به ادارات و نهادها نفوذ کنند که با نفوذ آنها قداست انقلاب از بین خواهد رفت.
- از همه شما عاجزانه خواستارم که مساجد را گرم نگه دارند.
- در نمازهای جمعه و جماعات حضور بهم رسانید.
- در همه صحنه‌های انقلاب حاضر باشید.
- توصیه‌ام به خواهران این است که حجاب را رعایت نمایید.

پرویز عمرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

پدر و مادر وصیت‌نامه پرویز عمرانی

«**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ**»[1].

«السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا ابا عبدالله السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره»[2].

حسین(**7**) جان سلام شیفتگان و رهروانت را از صحرای خونین کربلای ایران که پس از 14 قرن به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[3] تو لبیک می‌گویند بپذیر. حسین(**7**) جان ای کاش بودیم در دشت خونین کربلا و ندای ملکوتی تو را که 14 قرن پیش از حلقوم خونینت سر دادی لبیک می‌گفتیم ولی افسوس که نبودیم و تو در آن صحرای کربلا تنهای تنها ماندی و آغوش به سوی تیرهای زهر آگین دشمن باز کردی تا دین جد بزرگوارت محمد(**6**) زنده بماند. حسین(**7**) جان بیا و بنگر که امروز «یا لیتنا کنا معکم»[4] گویان واقعی به زیر بیرق خونین اسلام که در دست سلاله پاک حضرت زهرا(**3**) حضرت امام خمینی است گرد آمده‌اند با صدام[5] و صدامیان [که][6] از نوادگان یزید ملعون است می‌جنگند. سپاس خدای را که من هم در زمره[7] آنانم.

وصیتم به مردم مسلمان ایران این است از امام بزرگوارمان این حسین زمان لحظه‌ای دور نشوید و او را تنها نگذاشته و به فرمایشاتش نکته به نکته عمل نمایید و پس از اعتقاد

1- صف/ 4. ترجمه: «خدا کسانی را دوست دارد که صف‌زده در راه او جهاد می‌کنند (و از ثابت قدمی) گویی بنایی پولادین و استوارند».

2- فرازهایی از زیارت عاشورا.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- حزبی از زیارت ششم حضرت امام حسین(**7**) است. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص511).

5- ر.ک. تعلیقات.

6- در اصل وصیت «که» از قلم افتاده است.

7- در اصل وصیت «زمریه».

عملی به ولایت فقیه به نمازهایتان توجه کنید و به قرآن به عنوان برنامه زندگی بنگرید و به آن عمل کنید و جهاد را دری از درهای رحمت الهی بشمارید.

برادران و خواهران عزیز در هیچ زمان و در هیچ موقعیتی به دشمنان اسلام و امام اجازه ندهید که به ادارات و نهادها نفوذ کنند که با نفوذ آنها قداست انقلاب از بین خواهد رفت و از همه شما عاجزانه خواستارم که مساجد را گرم نگه‌داشته و در نمازهای جمعه و جماعات حضور بهم رسانید و در همه صحنه‌های انقلاب حاضر باشید توصیه‌ام به خواهران این است که حجاب را رعایت نمایید.

از خواهران و برادرانم خواستارم که پیرو حقیقی حضرت امام بوده[1].

پرویز عمرانی

نشر شاهد

1- در اصل وصیت این جمله مخدوش و ناتمام است.

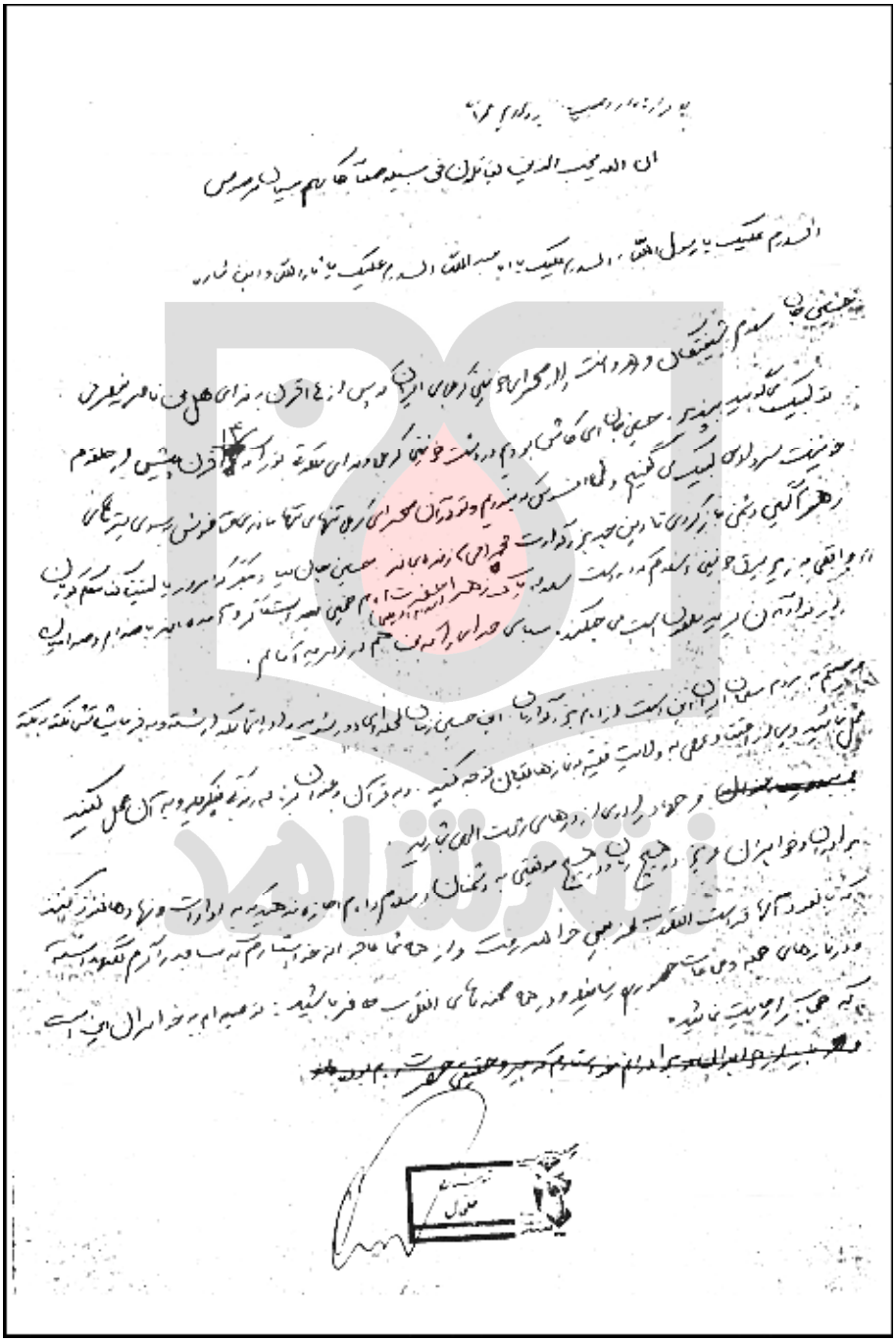

نام: **شیرالله**
نام خانوادگی: **عموزاده**
نام پدر: **شکرالله**
نام مادر: **جانباجی**
تاریخ تولد: **بیستم فروردین** 1347
محل تولد: **روستای آل‌هاشم سفلا از توابع شهرستان خلخال**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هجدهم اردیبهشت** 1366
محل شهادت: **چنگوله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **مزار زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت مرگ نیست رسالت است رفتن نیست جاودانه ماندن است، جان دادن نیست جان یافتن است، به اجبار رفتن نیست به اختیار رفتن است، مرگ نیست تولد است، سکوت نیست فریاد است، تنفر نیست عشق است.
- پروردگارا قدم به صحنه جهاد علیه کفر می‌گذارم بدان امید می‌روم که یا مرا به فیض شهادت برسانی.
- پدر جان و مادر عزیزم شاید از کشته شدن من ناراحت شوید اما این را بدانید که افتخار بزرگی نصیب شما شده است.
- مادر عزیزم قرص و محکم باشید و مثل کوه استوار پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- مواظب خط امام و راه امام باشید و از آن خارج نشوید که خط او همان خط انبیاء الهی است.
- پشتیبان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی باشید.

شیرالله عموزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با درود و سلام بر مهدی موعود امام زمان(عج) و نایب برحقش بت‌شکن زمان خمینی کبیر و با سلام و درود بر امامان و انبیای الهی و آقا اباعبدالله الحسین(7) سرور شهیدان و سلام بر شهدای کربلاها از صدر اسلام تا کربلای ایران و سلام بر تمامی پویندگان راه امامت و ولایت و تمامی رزمندگان اسلام در تمامی جبهه‌های حق علیه باطل.

اینجانب شیرالله عموزاده فرزند شکرالله چند خطی را به عنوان وصیت به امت اسلام و خانواده محترم می‌نویسم باشد که بعد از بنده گناهکار مورد توجه سروران قرار گیرد.

شهادت مرگ نیست رسالت است، رفتن نیست جاودانه ماندن است، جان دادن نیست جان یافتن است، به اجبار رفتن نیست به اختیار رفتن است، مرگ نیست تولد است، سکوت نیست فریاد است، تنفر نیست عشق است، پروردگارا اینک که برای رضای تو و برای خشنودی تو و به امر خلیفه بر حق تو که نایب امام زمان(عج) نیز می‌باشد قدم به صحنه جهاد علیه کفر می‌گذارم بدان امید می‌روم که یا مرا به فیض شهادت برسانی تا شاید کفاره‌ای باشد برای محو گناهانم و ادای دین در مقابل جمهوری اسلامی و یا مرا بیامرزی و توبه‌ام را بپذیری که حال به تو نیازمندم و غیر از تو کسی را ندارم.

ای خدای من بسیار در تلاش بوده‌ام تا برای تو باشم و بنده‌ای مخلص در راه تو هر چند که لطف تو شامل حالم بوده ولی شرمنده و سرافکنده‌ام و امید بخشش دارم خداوندا می‌دانی که از مردن هیچ هراسی ندارم و برای من شهادت در راه خدا خیلی شیرین است.

الهی به محمدت[1](6) و خمینی‌ات سوگند که گرانبهاتر از خونم متاعی ندارم که بدهم و اینک گلگون شده و تکه تکه مرا بپذیر خدایا من، تا آخرین نفسی که دارم در سنگرم خواهم ماند و در تمام کربلاها و عاشوراها با حسین(7) همراه خواهم بود.

1- در اصل وصیت «محمدات».

[و اما][1] خانواده‌ام و تو پدر جان و مادر عزیزم شاید از کشته شدن من ناراحت شوید اما این را بدانید که افتخار بزرگی نصیب شما شده است پدر جان و مادر جان می‌دانم که حق فرزندی را در قبال شما انجام نداده‌ام و از شما شرمنده‌ام لکن امیدوار هستم مرا ببخشید و از من راضی باشید و در شهادت من صبر پیشه کنید و اگر گریه کردید به حسین(**7**) و یارانش بگریید. مادر عزیزم قرص و محکم باشید و مثل کوه استوار پشتیبان ولایت فقیه باشید.

برادران عزیزم به شما سفارش و وصیت می‌کنم که از رفتن من هرگز ناراحت نباشید و سیاه نپوشید و بدانید راهی که رفتم درست و برای خدا بوده است و از شما می‌خواهم راه مرا ادامه دهید و نگذارید اسلحه‌ام زمین بیفتد[2] و به قول آن بزرگ «آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان که ماندند کار زینبی بکنند»[3] که خودآگاه‌تر از من هستی و لکن جهت سفارش و یادآوری عرض می‌کنم که حجابت و زینتت را حفظ کن و به دیگران نیز بیاموز خواهرم برای من سیاه مپوش[4] و ناراحت نباش راهم را با اسلامیت و اخلاق و رفتار پسندیده‌ات ادامه بده که شهدا از شما خواهران همین را می‌خواهند.

در پایان سلام مرا به زن داداش عزیزم و تمامی فامیل دوستان و آشنایان برسانید و به همه آنها و همه کسانی که مرا می‌شناسند سفارش می‌کنم که مواظب خط امام و راه امام باشید و از آن خارج نشوید که خط او همان خط انبیا الهی است. پشتیبان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی باشید آنهایی که می‌توانند به جبهه بروند و کسانی که نمی‌توانند در پشت جبهه خدمت نمایند.

پدر و مادر و خانواده عزیزم اگر لطف بی‌کران الهی نصیب من شد و بنده گناهکار به فیض شهادت نایل گردیدم حقیر را در روستای آل‌هاشم و نزد شهید خاندان عصمت امیر نعمت الله و در جوار برادرم دفن کنید.

1- در اصل وصیت «و اما» از قلم افتاده است.

2- در اصل وصیت «باش».

3- جمله‌ای از دکتر علی شریعتی.

4- ر.ک. تعلیقات.

بارالهی اسلام و مسلمین و امام عزیز را یاری بفرما. بارالها به خانواده[1] محترم شهدا صبر و به شهدایشان رحمت و مغفرت عنایت بفرما. بارالهی انقلاب اسلامی را تا ظهور امام عصر(عج) از هر گونه توطئه محفوظ بفرما. بارالهی دشمنان انقلاب و اسلام اگر قابل هدایت نیستند محو و نابود بفرما.

«والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته»[2]

دوازدهم اسفندماه سال شصت‌وسه

دست‌خط بنده گنهکار درگاه شیرالله عموزاده

63/12/12

نشر شاهد

1- در اصل وصیت «خوانواده».

2- در اصل وصیت «...رحمت‌اله و برکاتو».

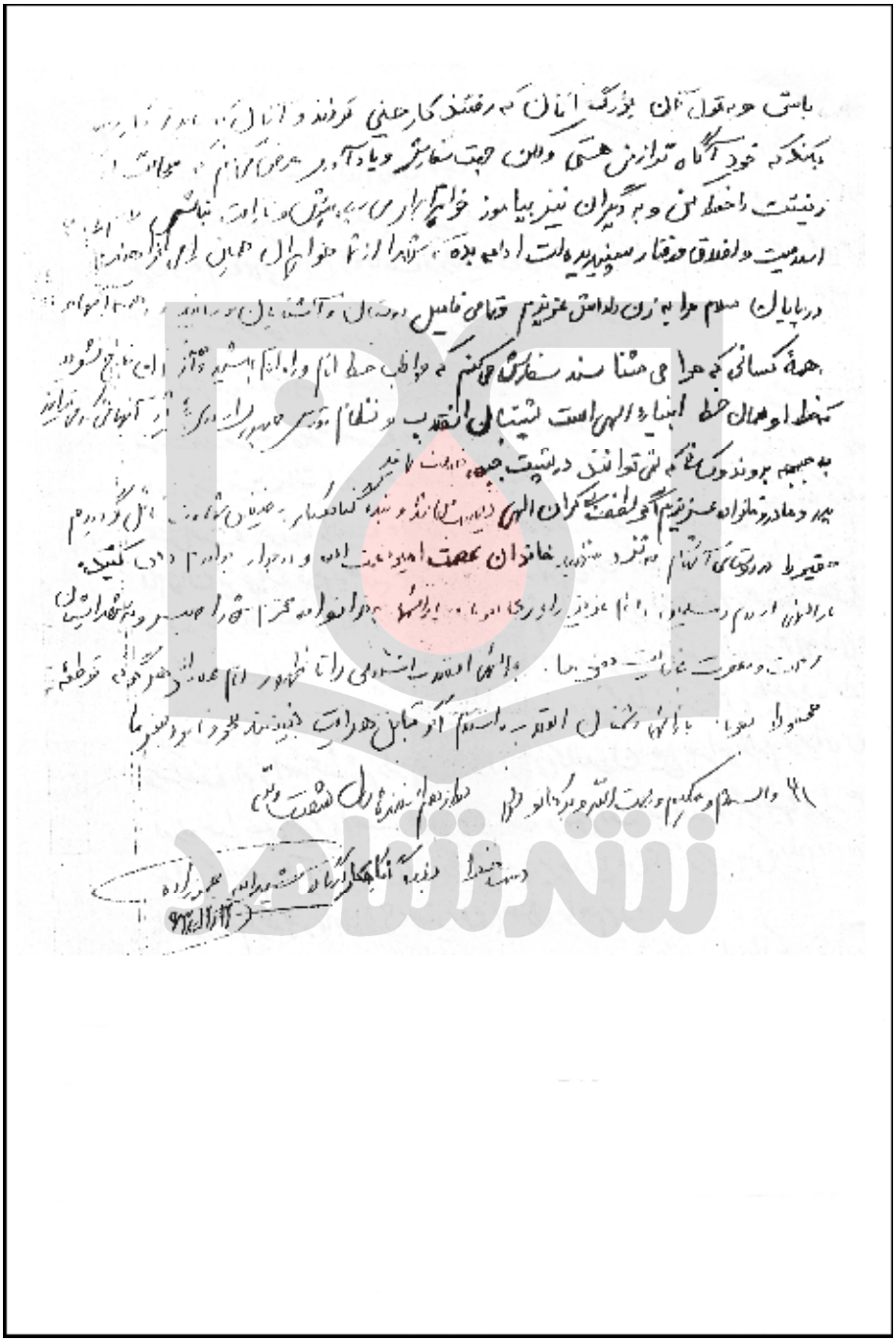

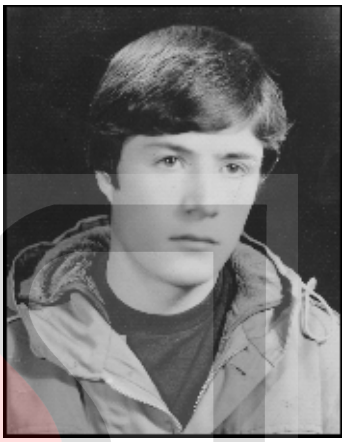

نام: **آقامحمد**
نام خانوادگی: **عمویی‌ایوریق**
نام پدر: **محمدآقا**
نام مادر: **رخساره**
تاریخ تولد: **یکم دی** 1344
محل تولد: **روستای کلخوران فولادلـو از توابع شهرستان اردبیل**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هشتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر عزیز و مادر مهربانم اگر افتخار شهادت پیدا کردم و در راه مقدس کشورم شهید شدم هیچ غم و اندوهی به دلتان راه ندهید که شهید همیشه جاوید است و فکر کنید که یکی از فرزندانتان را در راه خداوند قربانی داده‌اید و از خداوند بخواهید که قربانیتان را قبول فرماید.
- در ضمن یک پیام به ملت غیور و همیشه در صحنه ایران عزیز دارم که ای ملت شریف امام امت را دعا کنید و به حرف امام لبیک بگویید و مسجد را خالی نگذارید.
- به قول امام «مسجد سنگر است» سنگرها را باید حفظ کرد.
- تا آخرین قطرهٔ خون از پا نخواهیم نشست راه شهداء را ادامه دهید.
- خودتان را از نظر جانی و مالی در راه اسلام بگذارید.

آقامحمد عمویی‌ایوریق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

«مپندارید آنان که در راه خداوند شهید شده‌اند مرده‌اند بلکه آنان زنده هستند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند»[1].

سلامٌ علیکم، با درود[2] و سلام فراوان به ولی عصر امام زمان(عج) و نایب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن. با درود[3] و سلام فراوان به ملت غیور همیشه در صحنه ایران اسلامی در اول وصیت‌نامه می‌نویسم.

پدر و مادرم شما که 18 سال با زحمت و رنج و کوشش فراوان مرا بزرگ کرده‌اید و مرا همیشه به راه راست هدایت نموده‌اید ابتدا[4] از شما خیلی تشکر می‌کنم که همیشه راهنما و معلم و سرپرست خوبی بوده‌اید که [آرزوی] سلامتی و طول عمر با عزت شما را از خداوند منّان خواستارم.

پدر عزیز و مادر مهربانم اگر افتخار شهادت پیدا کردم و در راه مقدس کشورم شهید شدم هیچ غم و اندوهی به دلتان راه ندهید که شهید همیشه جاوید است و فکر کنید که یکی از فرزندانتان را در راه خداوند قربانی داده‌اید و از خداوند بخواهید که قربانیتان را قبول فرماید.

پدر و مادرم و برادرم و خواهرم و عمویم و پسر عموی عزیزم هر چند که به همه شما عزیزان زحمت داده‌ام این بنده حقیر خدا را به خاطر خداوند حلال کنید و از دوستان و اقوام [طلب] حلالیت مرا بخواهید.

در ضمن یک پیام به ملت غیور و همیشه در صحنه ایران عزیز دارم که ای ملت شریف امام امت را دعا کنید و به حرف امام لبیک بگویید ومسجد را خالی نگذارید که به قول امام

1- ترجمه آیه 169 سوره آل عمران. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ».

2- در اصل وصیت «دورود».

3- در اصل وصیت «دورود».

4- در اصل وصیت «ابتداء».

«مسجد سنگراست سنگرها را باید حفظ کرد»[1] و به حرف منافقان[2] گوش ندهید با مشت محکم به دهان منافقان بکوبید ثابت کنید که ما مسلمانان با حرف منافقین و گروهکهای[3] کوردل گمراه نمی‌شویم و تا آخرین قطرهٔ خون از پا نخواهیم نشست راه شهداء را ادامه دهید و خودتان را از نظر جانی و مالی در راه اسلام بگذارید تا پیروزی نهایی را به شما اعطا فرماید که انشاءالله قرآن و دین مبین اسلا در تمام [...][4] آرزو می‌دارم که همیشه موفق و سربلند و پیروز باشید.

«والسلام[5] علیکم رحمة الله وبرکاته»

وصیت‌نامه محمد عموئی

در مورخ 62/11/28

نشر شاهد

1- صحیفه امام، ج 12، ص 313.

2- ر. ک. تعلیقات.

3- ر. ک. تعلیقات.

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «و سلام».

تعلیقات

- **آدولف هیتلر**: (زاده 20 آوریل 1889- درگذشته 30 آوریل 1945) رهبر کاریزماتیک حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان (حزب نازی) بود. او بین سال‌های 1933 تا 1945 صدر اعظم آلمان و از 1934 به بعد، هم‌زمان در مقام پیشوای رایش آلمان بزرگ نیز حکومت کرد. هیتلر به عنوان یک کهنه‌سرباز نشان‌دار جنگ جهانی اول در سال 1920 میلادی به حزب نازی پیوست و در سال 1921 به ریاست آن رسید. او در سال 1923 به خاطر شرکت در کودتایی نافرجام معروف به «کودتای آبجوفروشی مونیخ» به تحمل 5 سال زندان محکوم شد و در همین دوران کتاب نبرد من را نوشت. او پس از آزادی از زندان، با ترویج ایده‌های ملی‌گرایی، ضدکمونیستی، یهودستیزی و ایراد سخنرانی‌های پرشور بر ضد پیمان ورسای، حامیان بسیاری در کشور آلمان به‌دست آورد. هیتلر در سال 1933 به مقام صدراعظمی رسید. یکی از دلایل نخست و عمده وقوع جنگ جهانی دوم تهاجم به لهستان در 1939 بود که در نتیجه، بریتانیا و فرانسه به آلمان اعلام جنگ کردند. هیتلر در 29 آوریل 1945 در روزهای پایانی نبرد برلین با اوا براون که برای سال‌های طولانی معشوقه او بود ازدواج کرد. در 30 آوریل یعنی یک روز پس از ازدواجش، به همراه همسرش خودکشی کرد.
- **ابوذر غفاری**: از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را بزدند و او کوچک‌ترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی‌داد. ابوذر را نفی

بلد کردند به ربذه. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول‌الله نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزهد چون عیسی بن مریم است(7). عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد. (دهخدا)

- **ابوسفیان**: صخربن حرب بن امیر بن عبد شمس از قبیله قریش بود. پدر معاویه و یزید و عُتبه و برادران دیگر داشت. در ده سال پیش از عام‌الفیل متولد شد. از اشراف قریش در جاهلیت بود. در جریان فتح مکه مسلمانی پذیرفت. نقل است که ابوسفیان در زیر لوای پسر خود یزید جنگ می‌کرد. برخی گویند او به زمان جاهلیت مانوی و پس از قبول مسلمانی ملجأ و کهف همهٔ منافقین بود. ابوسفیان مردی جاه‌طلب بود. ابوسفیان در دوران خلافت عثمان در سال 33 هجری درگذشت. گویند سبب اصلی جنگ اُحُد و غزوه احزاب ابوسفیان بوده است. (دهخدا).
- **ابوموسی اشعری**: عبدالله بن قیس بن سلیم صحابی است از مردم قریه رِمَع یکی از قرای یمن واز قبیلهٔ اشعر یمن است. پیش از هجرت از یمن به مکه شد و اسلام آورد. پس از فتح خیبر به یمن برگشت. سال دهم هجرت به امر رسول(6) والی قسمتی از یمن گردید. در خلافت عمر سال 17 ه.ق والی بصره و سال 22 ه.ق حکمران کوفه شد. در خلافت علی(7) حکم گردید و عمرو بن عاص او را فریب داد. پس از آن به مکه گریخت و پس به کوفه برگشت و در همانجا درگذشت. (دهخدا)
- **اتیوپی**: از کشورهای آفریقای شرقی بین سودان، کنیا، اریتره و سومالی است. پایتخت آن آدیس‌آبابا، دارای حکومت جمهوری فدرال با جمعیت هفتادوسه میلیون و پانصد هزار نفر است. سال‌ها مستعمرهٔ ایتالیا بود. در سال 1941م پس از شکست ایتالیا در جنگ دوم جهانی از مستعمره ایتالیا آزاد شد. فقر و عقب‌ماندگی میراث سال‌ها استعمار این کشور است.
- **اروج‌قشلاق حاج‌عمران**: روستایی است که در استان اردبیل، شهرستان پارس‌آباد، بخش مرکزی، دهستان قشلاق شمالی قرار دارد.
- **اسلام فقاهتی**: تعبیر اسلام فقاهتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط

در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به‌خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی- اقتصادی و... به‌نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه دراز مدت از مبانی اصلی دوری شدند و به‌نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقاهتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقاهتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقاهتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام تمام حرف‌ها و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید (صحیفه امام، دوره 22 جلدی).

- **اسماعیل (ذبیح‌الله)**: اسماعیل فرزند بزرگ حضرت ابراهیم از هاجر بود سال تولدش را 2085 قبل از میلاد نوشته‌اند. شاخص‌ترین نکته در زندگی حضرت اسماعیل این است که وقتی خداوند حضرت ابراهیم را مبنی بر میزان اطاعت و فرمانبری او از خود امتحان کرد از ابراهیم خواست که فرزندش را قربانی کند. حضرت ابراهیم بدون کوچکترین درنگ کارد بر گلوی فرزند نهاد. اما خداوند چون اخلاص ابراهیم را دید، به‌جای قربانی اسماعیل پذیرفت که گوسفندی قربان کند. سنت قربانی در اعمال حج تمتع به همان موضوع برمی‌گردد. حضرت اسماعیل در تجدید بنای کعبه به پدر کمک می‌کرد.
- **اشرفی‌اصفهانی، آیت‌الله عطاالله**: آیت‌الله اشرفی اصفهانی در سال 1281 ش در خمینی‌شهر اصفهانی در خانواده‌ای روحانی متولد شد. شهید اشرفی تحصیلات ابتدایی مقدماتی را در خمینی‌شهر گذرانده و در سن 12 سالگی جهت ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و طی حدود ده سال از محضر علمایی چون آیت‌الله سیدمهدی درچه‌ای، آیت‌الله سیدمحمد نجف‌آبادی، مرحوم فشارکی و مرحوم مدرس استفاده کردند. در سال 1302ش در سن بیست‌سالگی جهت ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه و دینی رهسپار حوزه علمیه قم گردید. اشرفی اصفهانی 12 سال در محضر آیت‌الله خوانساری کسب فیض کرد و تمام دروس ایشان را نوشت و در سن 40

سالگی اجازه اجتهاد خود را از ایشان دریافت کـرد. و پـس از آن از جملـه مدرسـین نامی و برجسته حوزه علمیه قم بشمار می‌آمد. در سال 1335ش شهید اشـرفی بنـا بـه دستور مرحوم آیت‌الله بروجردی جهت تبلیغ و نشر معارف و احکـام دیـن و تقویـت بنیه دینی و مذهبی اهالی کرمانشاه به آنجا اعزام و رحل اقامت افکنـد و پـس از ورود به کرمانشاه طلاب و شاگردان بسیاری را تربیـت نمـود. آیـت‌الله اشـرفی اصـفهانی از سوی حضرت امام‌خمینی به امامـت جمعـه و نماینـدگی ایـشان در اسـتان کرمانـشاه منصب شد و پس از 80 سال زندگی پرافتخار و خدمت به اسلام و قرآن توسط یکـی از منافقین کوردل در ساعت 12/15 ظهر 23 مهرماه سال 1361 در سنگر نمـاز جمعـه در کرمانشاه و در سنگر محراب نماز به افتخار شهادت نائل آمد. ایشان پنجمین شـهید محراب هستند.

- **الیاس**: نام پیغمبری است مشهور و او پسر زادهٔ سام بن نوح و عمه خضر است. همراه او آب حیات خورده از این رو همیشه زنده است. الیاس از پیـامبران بنـی‌اسـرائیل اسـت پانزده سال دورهٔ نبوتش را نوشته‌اند. الیاس صاحب کتاب نبود. پیامبری شجاع، امـین، غیور و متعصب بود. از اهالی بعلبک بود 9 قرن قبل از میلاد می‌زیست. بنی‌اسرائیل را به ترک بت‌پرستی دعوت می‌کرد ولی قوم دعوت او را اجابت نمی‌کردنـد و او را آزار می‌رساندند تمام خوارق عادت و معجزاتش را انکار می‌کردنـد. در قـرآن از او چنـین یاد شده است و «انّ الیاسَ لَمن المرسلین». (دهخدا).
- **ام‌البنین**: همسر علی‌بن ابی‌طالب اسـت. دختـر عامریـه از خانـدان آل وعیـد کـه در روز عاشورا چهار فرزند ایشان به‌نامهای (عبدالله، جعفـر، عثمـان و عبـاس) یکـی پـس از دیگری در رکاب امام حسین(7) شجاعانه جنگیدند تا شهید شدند.
- **ام‌کلثوم**: دختر علی بن ابیطالب(7) از حضرت فاطمه(3) است. بنـا بـه مـشهور بـه همسری عمر خلیفه دوم درآمد. در تنقیح‌المقال آمده است که ام‌کلثـوم کنیـه حـضرت زینب کبری(3) دختر حضرت علـی(7) اسـت کـه در کـربلا بـا بـرادرش امـام حسین(7) همـراه بـود. سـپس بـه شـام و مدینـه رفـت. برخـی گوینـد حـضرت علی(7) دو دختر داشت که کنیهٔ هر دو ام کلثوم بود.

- **ام لیلی (لیلا)**: لیلی دختر ابومرة ثقفی، همسر امام حسین(7) و مادر حضرت علی‌اکبر(7) از زنان فاضل عصر خویش بوده است. برخلاف آنچه مشهود است در کتاب‌های معتبر و مقتل‌ها نامی از ایشان در جریانات کربلا و کوفه و شام نیست. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- **ام وهب**: همسر عبدالله بن حباب کلبی، یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند. پس از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج 17، ص17).
- **امینی، عبدالحسین**: علامه عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی صاحب الغدیر در سال 1320 هجری قمری در روستای سروها از توابع شهرستان سراب به‌دنیا آمد. خاندانش اهل علم و فضل بود. مقدمات علوم را در تبریز خواند و عاقبت از تبریز راهی نجف شد. از مراجع بزرگی چون سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی بهره علمی برد. علاوه بر ده‌ها اثر عمیق، دقیق و ارزشمند علمی، از جمله: کامل الزیارات، سیرتنا، سیره نبینا، شهدای راه فضیلت، مدت چهل سال عمرش را به تألیف کتاب بی‌مانند الغدیر در 20 مجلد صرف کرد. برای اثبات حقانیت علی(7) و خاندان عصمت و طهارت و دفاع علمی از جایگاه علمی و ولایی آنان به ده‌ها کشور و شهر در شرایط سخت سفر کرد. در نهایت امساک و ورع و زهد بسر می‌برد و شبانه‌روز حدود 20 ساعت به تحقیق و تفحص و پژوهش می‌پرداخت. سرانجام در 12 تیرماه 1349 در آستانهٔ 70 سالگی دارفانی را وداع گفت و در محل کتابخانهٔ عمومی خود به‌خاک سپرده شد.
- **انسان‌سازی**: تعبیر «انسان‌سازی» را حضرت امام خمینی برای قرآن و اسلام بارها و به مناسبت‌های گوناگون به‌کار برده است از آن‌جمله‌اند: «اسلام مکتب انسانی‌سازی است» (صحیفه امام، ج 3، ص 237). اسلام یک مکتبی است که برای انسان‌سازی آمده. (صحیفه امام، ج 4، ص 8) قرآن کتاب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ج 5، ص 326).

ابرقدرت‌ها از او [مکتب اسلام] می‌ترسند. از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است. (صحیفه امام، ج 6، ص 278) رزمندگان تحت‌تأثیر سخنان امام این تعابیر را قلمی کرده‌اند که«جبهه‌ها کارخانه انسان‌سازی است».

- **انصاریان، حسین**: در 18 آبان‌ماه سال 1323 در شهر خوانسار متولد شد. در سه سالگی به تهران مهاجرت کرده و در منطقه خیابان خراسان سکونت گزید. از اوان جوانی در محضر آیت‌الله برهان کسب فیض کرد. علاوه بر ایشان از محضر آیت‌الله سیدمحمد تقی غضنفری خوانساری و آیت‌الله سیدحسین علوی خوانساری بهره‌مند شد. تحصیلات حوزوی خویش را در حوزهٔ علمی تهران و قم ادامه داد. از محضر آیت‌الله میرزا علی فلسفی که پس از فوت آیت‌الله برهان در مسجد لُرزاده اقامه نماز می‌کرد و نیز آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی بهره‌ها برد. آقای انصاریان از جمله خطبای معروف تهران محسوب می‌گردد.
- **ان کان دین محمد**: تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سوف و خذینی» را به صراحت به حضرت امام حسین(**7**) بدانند. در موسوعة کلمات الامام الحسین(**7**) و در کتاب دایرة المعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (1335- 1305ق) فرزند حاج محمد حونری حائری آل ابی‌الحب، از اعاظم خطبا و شعرای شیعه و صاحب دیوان شعری به نام الحائریات است. قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین(**7**) دارد که چنین است:

اعطیت ربی موثقاً لاینتهی — الا بقتلی فاصعدی و ذریتی
ان کان دین محمد لم یستقم — الا بقتلی یاسیوف خذینی

- **بازرگان، مهدی**: (1286 تهران- 30 دی 1373 ژنو) معروف به مهندس بازرگان، سیاستمدار، استاد دانشگاه و پژوهشگر مذهبی بود. او نخستین نخست‌وزیر ایران پس از پیروزی انقلاب 1357ش (رئیس دولت موقت) و نخستین دانشیار دانشگاه تهران بود. بازرگان، در کنار آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و یدالله سحابی، یکی از بنیادگذاران نهضت آزادی ایران و هم‌چنین از فعالان در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در

دانشکده فنی دانشگاه تهران بود. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سلطانیه تهران و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رساند و سپس در سال 1306 در میان نخستین گروه محصلان ممتاز اعزامی دولت پهلوی قرار گرفت و به کشور فرانسه رفت. او در مدرسه حرفه‌وفن شهر پاریس در رشتهٔ ترمودینامیک و نساجی تحصیل کرد و پس از هفت سال در سال 1313 به ایران بازگشت. بازرگان در دادگاه نظامی حکومت طاغوت به ده سال زندان محکوم شد. در پانزدهم بهمن 1357 با حکم حضرت امام خمینی به سمت وزیری منصوب شد.

- **باکری، مهدی**: مهدی باکری در سال 1333 در میاندوآب و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. نقش مهمی در برپایی تظاهرات شهر تبریز در 15 خرداد 1354 و 1355 داشت. پس از اخذ دیپلم وارد دانشگاه شد و در رشته مهندسی مکانیک شروع به تحصیل کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، باکری نقش فعالی درسازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشت. مدتی هم شهردار ارومیه بود و مدتی هم دادستان دادگاه انقلاب ارومیه شد. او همزمان با فعالیت در سپاه، مسئولیت شهرداری ارومیه را نیز بر عهده گرفت. با شروع جنگ ایران و عراق ازدواج کرد و بلافاصله پس از ازدواج (روز بعد از ازدواجش) عازم جبهه‌ها شد. مهدی باکری در مدت کوتاهی مدارج ترقی را در جبهه طی کرد. در عملیات فتح‌المبین با عنوان معاون تیپ نجف اشرف توانست در کسب پیروزی موثر باشد. در همان عملیات از ناحیه چشم مجروح شد. پس از بهبود به جبهه بازگشت و در عملیات‌هایی چون عملیات بیت‌المقدس، رمضان، مسلم‌بن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر1 تا 4 و عملیات خیبر در سمت‌های مختلف شرکت کرد. در مجموعه عملیات‌های والفجر باعنوان فرمانده لشکر عاشورا در جبهه حضور داشت. در عملیات بدر مهدی باکری با نیروهای تحت امرش به محاصره نیروهای عراقی درآمد و در حالی که می‌توانست با طی فاصله 700 متری و عبور از دجله جان خود را نجات دهد، اما حاضر به ترک محل نشد و در اثر اصابت تیر مستقیم از سوی نیروهای عراقی به شهادت رسید. در حالی که یاران باکری پیکر او را با قایق به عقب حمل می‌کردند، در اثر اصابت مستقیم آرپی‌جی به قایق توسط یکی از

سربازان بعثی قایق به همراه پیکر باکری در اروند غرق شد و هیچگاه جسد باکری و همراهانش یافت نشد و از ایشان به‌عنوان جاویدالاثر نیز می‌توان یاد کرد.

- **باهنر، محمدجواد**: (1312- 1360ش) در سال 1312 در کرمان متولد شد و در سال 1342 در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در رشتهٔ الهیات نیز حائز درجهٔ دکترا شود. شهید باهنر در سال 1327 به‌علت سخنرانی علیه رژیم اسراییل دستگیر شد و از سال 1341 فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 در حادثهٔ انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید رجایی به شهادت رسید.
- **بختیار**: در سال 1293. ه. ش در شهرکرد متولد و در سال 1370 در پاریس درگذشت. از جمله بنیان‌گذاران نهضت مقاومت ملی بود. در 16 دی‌ماه 1357 با محمدرضا شاه بر سر پست نخست‌وزیری به توافق رسید. با پذیرش نخست‌وزیری از ورود هواپیمای حضرت امام به ایران ممانعت کرد. بختیار با هماهنگی آمریکا و شاه موقتاً در آن سمت قرار گرفت تا آمریکا و عوامل داخلی و سران رژیم پهلوی بتوانند از آتش خشم ملت مسلمان وانقلابی ایران بکاهند و با تسلط مجدد شاه ایشان را مجدداً به خارج از کشور بفرستند. به اصول مذهب و اعتقادات خاصی پای‌بند نبود. بختیار در دوران کوتاه مسولیت مذکور از عهدهٔ کار برنیامد و در برابر رهبری [...] امام و طوفان خشم مردم انقلابی نتوانست دوام بیاورد. پس از 6 ماه زندگی مخفیانه در تیر 1358 به پاریس گریخت و به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. در سال 1370 در پاریس درگذشت. بی‌تردید بختیار از مهره‌هایی بود که سال‌ها در آب نمک خوابیده بود تا در فرازی به‌عنوان یک مهره به‌درد آمریکا و شاه بخورد اما در بهمن‌ماه 1357 با اعلام بی‌طرفی ارتش شاه، عملاً دولت او سقوط کرد و از قدرت برکنار شد.

- **بلال حبشی**: بلال ابن ریاح حبشی مکنی به ابوعبدالله بود. مادر وی حماته نام داشت. مؤذن و خزانه‌دار بیت‌المال رسول خداوند(6) بود. از سابقان و پیشی‌گیرندگان در اسلام بود. رنگ پوست او به‌شدت گندم‌گون بود. در غزوه‌های مختلف از قبیل بدر، احد و خندق از همراهان پیامبر اکرم(6) بود. آخرین بار هنگام رحلت پیامبر(6) اذان گفت. از آن پس برای احدی اذان نگفت. در سال 20 قمری در سن 60 سالگی در دمشق و مرض طاعون درگذشت. مجموعاً از وی چهل و چهار حدیث نقل شده است. (دهخدا)
- **بنی‌صدر، ابوالحسن**: متولد 1312 همدان. در بهمن سال 1358به‌عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی انتخاب شد. خیلی سریع به علت مواضع مخالف با نظام و خروج از مسیر حرکت انقلاب، هم‌صدا با منافقین و برخی مخالفان نظام به نوعی مقاومت مسلحانه علیه نظام روی آورد. عدم کفایت سیاسی او از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. با تأیید حکم مجلس، از سوی حضرت امام و اجرای حکم، خلع مسئولیت شد. از کشور گریخت و با سایر مزدوران و معاندان و مخالفان ضد انقلاب همسو شد.
- **بهمن‌شیر**: بهمن‌شیر همان شاخه اصلی کارون است که ابتدا بهمن اردشیر و به مرور زمان بهمن‌شیر نام گرفت. این رود که 85 کیلومتر طول دارد در شمال جزیره آبادان جاری است و به خلیج‌فارس می‌ریزد و از آن نهرهای متعددی منشعب می‌شود که کرانه‌های دو طرف رود را آبیاری می‌کند. با آغاز جنگ، ارتش عراق که برای تصرف جزیرهٔ آبادان قادر نبود که از اروندرود عبور نماید، با قوای زرهی از شمال شلمچه وارد خاک ایران شد و پس از عبور از کارون، در 1359/8/8 به ساحل شمالی بهمن‌شیر رسید و آبادان را محاصره نمود. محاصره زمینی جزیره آبادان هرچند بسیار با اهمیت بود اما هدف اصلی عراق، یعنی تصرف کامل جزیرهٔ آبادان و حضور در سواحل اروندرود، هنوز به‌طور کامل تحقق پیدا نکرده بود؛ لذا نیروهای عراقی می‌بایست از رودخانه بهمن‌شیر عبود کرده و وارد جزیرهٔ آبادان می‌شدند. پس از عبور بخشی از نیروهای دشمن از بهمن‌شیر در منطقه کوی ذوالفقاری، بلافاصله مدافعان آبادان در عملیات کوی ذوالفقاری دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کردند و نیروهای دشمن

هیچگاه موفق به عبور مجدد از این رودخانه نشدند. پس از جنگ، بخش‌هایی از این رودخانه برای تردد شناورهای باری و صیادی (با ظرفیت 5 هزارتن) لایروبی و پاکسازی شد. (خوزستان در جنگ، اطلس جغرافیای حماسی، ج1، پژمان پورجباری).

- **بیت‌المقدس**: «قدس»، نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم(6) از آنجا آغاز شده است و به‌عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال 445 قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.
- **پادگان الغدیر**: از پادگان‌هایی است که به‌عنوان مرکز آموزشی نیروهای بسیجی وابسته به لشکر عاشورا در مراغه دایر بود. نیروهای داوطلب آذربایجان قبل از اعزام به مناطق عملیاتی و جبهه‌های جنگ دوره‌های آموزش را در پادگان مذکور طی می‌کردند. اعم از اینکه به جبههٔ غرب یا جنوب اعزام می‌شدند.
- **پادگان دوکوهه**: در حدود بیست کیلومتری شهر اندیمشک واقع شده است. این پادگان در اصل خانه‌های سازمانی پادگانی از ارتش به همین نام بود که در شمال این ساختمان‌ها قرار دارد و مرکز پشتیبانی نیروی زمینی ارتش است و در دوران دفاع مقدس به‌طور موقتی در اختیار تیپ 27 محمد رسول‌الله قرار گرفت که بعدها به لشکر ارتقا یافت و تا پایان جنگ در همین مکان و ساختمان‌ها مستقر بودند و اکنون نیز در اختیار همان لشکر است.
- **پایگاه**: منظور پایگاه‌های بسیج و مقاومتی بود که از دوران دفاع مقدس به‌عنوان مراکز پشتیبانی و جذب نیرو تحت مدیریت و فرماندهی بسیج تشکیل شده است. بی‌تردید مردمی‌ترین مراکز نظامی و انتظامی در روزگار ماست که با ابتکار حضرت امام خمینی به‌عنوان فرمانده کل قوا تشکیل شد.
- **جبهه ملی**: از احزاب سیاسی ایران بود که نطفه اولیه آن از دوران فعالیت‌های دکتر محمد مصدق بسته شد. این سازمان تاکنون به علت نوسانات مختلف بیش از پنج بار تجدید

حیات کرده است. فعالیت‌های این جبهه به علت تعارض و مواضع مخالف با نظام جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است. در سال‌های دفاع مقدس نهضت آزادی و سایر تشکل‌های سیاسی جزو مخالفان جدی جنگ بودند. وابستگی شدید آنان به جریان‌های سیاسی- حقوقی غرب، مواضعشان را از نظام جمهوری اسلامی بسیار دور کرده است. (مصحح)

- **جزایر مجنون**: جزایر شمالی و جنوبی واقع در شرق هورالهویزه و نزدیکی منطقه طلائیه است. منطقه طلائیه یکی از محورهای اصلی ورود عراق به خوزستان بود. در جنوب جزایر مذکور عراق استحکامات نظامی و خاک‌ریزهای مثلثی شکل بسیار محکمی را برای جلوگیری از حمله نیروهای اسلام برپا کرده بود. از آنجا که منطقه هورالهویزه و به‌خصوص جزایر مجنون منطقه‌ای کاملاً باتلاقی بود برای انجام عملیات و خروج عراق از مناطق اشغالی و نیز حمله به نیروهای عراقی توسط نیروهای پشتیبانی و مهندسی جهاد سازندگی جاده‌هایی در این مناطق زده شد از آنجمله جاده عظیم و تاریخی سیدالشهدا و همت را می‌توان نام برد. آزادسازی جزایر و قسمت‌های اشغالی بسیار مهم بود زیرا رسیدن و تصرف طلائیه به مثابه پیشروی و دسترسی ساده به هورالهویزه و نزدیک شدن به حومه اهواز بود. شهید حاج ابراهیم همت فرمانده لشکر 27 محمد رسول‌الله(6) در باز پس‌گیری و آزادسازی جزایر مذکور به شهادت رسید. (خوزستان در جنگ، اطلس جغرافیای حماسی، ج1، پژمان پورجباری).
- **جهاد اصغر**: اشاره دارد به حدیث مشهوری از پیامبر نقل شده است: «قال امیرالمومنین علیه‌السلام: ان رسول‌الله صلی الله علیه و آله بعث سریه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر قیل: یا رسول‌الله و ما الجهاد الاکبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلی‌الله علیه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنبیه (الامالی ص553)، ترجمه: گفت امیرالمومنین(7) که رسول خدا(6) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند.

- **جهاد اکبر (جهادنفس)**: اصطلاحی است در اخلاق اسلامی به معنای تهذیب نفس و هر نوع مبارزه و مخالفت با خواست‌های مذموم نفسانی. این تعبیر در مواردی به معنای اعم کلمه هم جهاد با کفار و هم مشتمل بر جهاد نفس گرفته شده است. در آیه 218 از سورهٔ بقره مفهوم جهاد نفس از مصادیق جهاد در راه خدا دانسته شده است. مشهورترین بیان درباره جهاد نفس از پیامبر(6) نقل شده است. مشهورترین بیان درباره جهاد نفس از پیامبر(6) نقل شده است. کلینی از امام صادق(7) روایت کرده است پیامبر اکرم گروهی را به جهاد (سَرِیّه) فرستاد و چون آنان بازگشتند به ایشان فرمود: آفرین بر گروهی که جهاد کوچکتر (اصغر) را پشت سر گذاشته‌اند و اینک جهاد بزرگ‌تر (جهاد اکبر) بر عهدهٔ آنان مانده است. سپس توضیح دادند که مراد از جهاد بزرگتر همان جهاد با نفس است. ابن‌بابویه در ادامه حدیث از پیامبر اکرم(6) نقل کرده است: «افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنبیه» (نقل از دانشنامه جهان اسلام، ج11، باتلخیص).
- **چپ و راست (اصطلاح)**: این تعبیر بعد از انقلاب فرانسه رواج یافت. در مجمع ملی نمایندگان فرانسه به نمایندگان تندرو که در طرف چپ پارلمان مستقر بودند «چپ» و به نمایندگانی که در طرف راست پارلمان بودند و با تندروها مخالف بودند «راست» می‌گفتند. بعدها به گروهی که خواهان حرکت‌های تند و انقلابی بودند جناح یا جریان چپ گفتند و به گروه مقابل و مخالف این سیاست‌ها جناح یا جریان راست گفتند. این اصطلاح در سایر کشورها هم به نوعی جای خود را باز کرد و خود مصادیقی یافت. البته هر دو جریان سیاسی در ایران تعاریف خاص بومی داشتند چپ‌ها و چپگرایان و راست‌ها و راستگرایان ایران، مانند فرانسه و سایر کشورها نبودند. ادبیات سیاسی روی کار آمده و نوع تعامل این دو جناح، با دولت‌ها و موضعگیری‌های آنان در ایران با سایر کشورها اگر نگوییم مغایر است، حداقل باید بپذیریم که متفاوت است. «مصحح»
- **چریک‌های فدایی خلق، گروه پیکار**: این گروه کوچک از دل سازمان مجاهدین خلق (سازمان منافقین هکی) زاییده شد. ایدئولوژی اسلام را به مارکسیسم نینیسم تغییر داد. تحت تأثیر شدید کشورهای کمونیستی و بلوک شرق در سال 1351 در انشعابی

ایدئولوژیک عملاً مارکسیست شدند. سازمان پیکار برخلاف برخی از احزاب و جریان‌های چپ مارکسیستی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف گرفت. برنامه‌ای در زمان دولت موقت مشابه برنامهٔ جمهوری دموکراتیک خلق چین ارائه دادند. نشریه‌ای به‌نام پیکار چاپ می‌کردند. حتی اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا را که امام آن را انقلاب دوم می‌دانست تائید نکردند. انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کردند. در برابر انقلاب اسلامی مَشی مسلحانه را پیش گرفتند. این سازمان به گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. شدیداً از سوی امت مسلمان و انقلابی مورد تنفر بودند و به‌علت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی از صحنهٔ سیاسی ایران حذف شدند. برخی از افراد آن نیز به کشورهای بیگانه پناهنده شدند. (مصحح)

- **چمران، مصطفی**: در سال 1311 در خیابان 15 خرداد تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه انتصاریه پامنار آغاز کرد و در مدارس دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. وی در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال 1336 در رشتهٔ الکترونیک فارغ‌التحصیل شد. در سال 1337 با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و با درجهٔ ممتاز علمی از دانشگاه برکلی مدرک دکترای خود را در رشتهٔ الکترونیک و فیزیک پلاسما اخذ نمود. وی در زمان اقامت در آمریکا، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را تأسیس کرد که این اقدامات منجر به قطع بورسیه وی توسط رژیم شاه شد. شهید چمران از ابتدای نوجوانی از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری استفاده کرد. با آنکه او در آمریکا یکی از دانشمندان مطرح محسوب می‌شد، اما بدون توجه به این درجهٔ علمی از آمریکا به مصر رفت و دورهٔ آموزش نظامی را در آنجا تعلیم دید و از آنجا رهسپار لبنان شد و با کمک امام موسی صدر، سازمان امل را براساس اصول و مبانی اسلام پی‌ریزی کرد. این شهید بزرگوار از قلب بیروت تا قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌های بسیاری به یادگار گذاشته است. با پیروزی انقلاب پس از 21 سال دوری از وطن به ایران بازگشت و تمام تجربیات خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد. پس از حضور وی و خاتمه دادن غائله کردستان، از سوی حضرت امام(;) به وزارت دفاع منصوب شد. او پس

از چندی به نمایندگی حضرت امام خمینی(;) در شورای عالی دفاع منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی با تشکیل گروه‌های داوطلب و استفاده از رزمندگان مخلص به جنگ‌های نامنظم و چریکی با ارتش بعثی در مناطق جنوب پرداخت و موفقیت‌های بسیاری را نیز کسب کرد. این شهید بزرگوار سرانجام در 31 خرداد 1360 بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقهٔ دهلاویه به فیض شهادت نائل آمد. شهید چمران نمایندهٔ مردم تهران در دورهٔ اول مجلس شورای اسلامی نیز بود.

- **چزابه**: چزابه منطقه‌ای است در 17 کیلومتری شمال‌غربی شهر بستان به عرض متغیر دو تا چهار کیلومتر که از شمال به منطقه فکه، از جنوب به شهر بستان، از غرب به خط مرزی ایران و عراق و از شمال شرق به ارتفاعات میشداغ محدود می‌شود و بین تپه‌های رملی و هورالهویزه و بر سر جاده مرزی فکه- بستان قرار دارد. پاسگاه مرزی سوبله ایران و شیب عراق در غرب آن واقع است. این منطقه به علت قرارگیری در بین هور و تپه‌های رملی یک گلوگاه محسوب می‌شود و به دلیل قرار داشتن در مسیر دستیابی به شهرهای بستان و سوسنگرد از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل این منطقه یکی از پنج معبر اصلی هجوم ارتش عراق به خوزستان بود. در هجوم 1359/6/31 به چزابه، با وجود مقاومت مدافعان اندک آن، ارتش عراق توانست موقعیت خود را تا 1359/7/2 در چزابه تثبیت کند. دشمن سرانجام در روز 1359/7/3 با عبور از چزابه به طرف تپه‌های الله‌اکبر پیش‌روی کرد. از آن زمان تنگ چزابه در اختیار دشمن بود تا اینکه در 1360/9/8 در جریان عملیات طریق‌القدس آزاد شد. در روز 17 بهمن 1360، ارتش بعث عراق دو تیپ، یک لشکر و یک گردان را در آستانه عملیات فتح‌المبین با هدف جلوگیری از انجام عملیات از نقاط مختلف عراق به تنگ چزابه روانه کرد و حدود سیصد متر در عمق مواضع خودی نفوذ کرد. در تاریخ 1360/12/1 چهار گردان از سپاه به فرماندهی شهید حسن باقری و دو گردان از ارتش، در عملیاتی با نام مولای متقیان(ع) وارد عمل شدند و این منطقه پس از چهارده‌روز نبرد طاقت‌فرسا به‌طور کامل آزاد شد. اکنون یادمان شهدای چزابه که در محل تنگ چزابه و در غرب جاده فکه- بستان قرار دارد، میزبان هشت شهید گمنام این منطقه است.

- **حبیب‌بن مظاهر**: از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی(7) بود و در جنگ جمل و صفین و نهروان کنار امام علی(7) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین(7) نامه نوشت و هنگامی که مسلم‌بن عقیل، نمایندهٔ امام، به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم‌بن عوسجه در کوفه برای امام حسین(7) بیعت می‌گرفت و در واقعهٔ عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید. (دهخدا)
- **حربن یزید ریاحی**: سردار طلیعه سپاه عبیدالله‌بن زیاد بود. روز عاشورا به ناگهان به سپاه اباعبدالله حسین بن علی(7) پیوست، در رکاب او به یوم الطف شهادت یافت. او را اول قتیل روز عاشورا به کربلا می‌دانند. بعدها حُر به عنوان نماد آزادگی مشهور شد. یقیناً وجود فطرت پاک حُر در تغییر موضع او و خروج از صف باطل و پیوستن به صف حق بسیار مهم بوده است. (دهخدا).
- **حزب بعث عراق**: (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) نام حزبی سیاسی بود که با کودتای سال 1347 (1968م) که منجر به حکومت درازمدت حزب بعث شد بر سر قدرت آمد. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. صدام حسین تکریتی یکی از اعضای برجسته حزب بعث محسوب می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل دست آمریکا و با همکاری و حمایت سایر قدرت‌ها به قصد تجزیه ایران و شکست و جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد. پس از تلفات و خسارات بسیار به دو کشور جای پای آمریکا و لشکرکشی و حضورش را در منطقه باز کرد. و سرانجام از ایران و نیروهای رزمنده ایران به تعبیر حضرت امام سیلی خورد که هرگز از جایش برنخاست. این حزب در طول تاریخ در خدمت اهداف استکبار بوده است از هر دو جریان شاخص شرق و غرب. (مصحح)
- **حزب توده**: این حزب در مهرماه 1320 تأسیس شد. در ابتدا به جهتی که چندین نفر از افسران ارتش شاه به عضویت این حزب درآمده بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند و به مجازات‌های حتی اعدام رسیدند. در طول حیات دچار انشعاب‌هایی شد. از قوی‌ترین تشکیلات سیاسی ایران بود که متکی بر خط و مشی سیاسی- سوسیالیستی

بود. شدیداً وابسته به مشی سیاسی حزب کمونیست شوروی بودند و به تصورشان رسیدن به جامعه‌ای مانند شوروی سوسیالیستی تنها راه نجات ایران بود. با وجودی که به ظاهر خودشان را با نظام جمهوری اسلامی همراه می‌دانستند، اما هرگز نمی‌توانستند به لحاظ مشی سیاسی- عقیدتی با حکومتی که متکی بر اسلام و توحید بود همراه باشند. برخی از سران تئوریسین این حزب به جهت مخالفت با نظام اسلامی دستگیر و پس از تبیین جایگاه نظام، نسبت به عملکرد خود احساس شرمساری و حتی ندامت کردند، تا آنجا که احسان طبری به‌عنوان مغز متفکر تئوریسین شاخص این حزب از راه‌های رفته این حزب در طول تاریخ ایران به «کج‌راهه» یاد کرد. به‌علت موضع‌گیری‌های مخالف اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شده است. (مصحح)

- **حزب جمهوری اسلامی**: مهم‌ترین تشکل مسلمانان انقلابی، با محوریت روحانیت محسوب می‌شد. در 29 بهمن 1357 اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گذاران آن روحانیونی چون آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و دکتر محمدجواد باهنر بودند. علاوه بر هیأت مؤسس، آقایان شهید حسن آیت، اسدالله بادامچیان، دکتر عبدالله جاسبی، مهندس میرحسین موسوی، آقای مهدی کروبی، حبیب‌الله عسگراولادی، دکتر سیدمحمود کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی حزب بودند. با انفجار دفتر مرکزی حزب در 7 تیر 1360، تعدادی از اعضای اصلی حزب شهید شدند. پس از آن فاجعه، در 8 شهریور هم دکتر باهنر شهید شد. دبیر کل حزب پس از شهید بهشتی و شهید باهنر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. این حزب در دوران کوتاه حیات و فعالیت خود در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب نقش شایان توجهی را ایفا می‌کرد و در اکثر استان‌ها دارای دفتر نمایندگی بود. تشکل‌های سیاسی چپ و ملی‌گرا حزب جمهوری اسلامی را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب سیاسی خود تا قبل از تعطیلی محسوب می‌کردند.
- **حسینی بهشتی، سیدمحمد**: (1360-1307ش) در محلهٔ لومبان اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی

تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشتهٔ الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجهٔ دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

- **حسینیه جماران**: این حسینیه توسط سید ابراهیم جمارانی در دهکده‌ای به نام جماران وقف شده است. در سال 1355 توسط اهالی دهکده بازسازی شد. تولیت این حسینیه با حجةالاسلام امام جمارانی بود. از سال 1358 در اختیار حضرت امام خمینی قرار گرفت. این حسینیه محل دیدارها، ملاقات‌ها، سخنرانی‌ها و تمام مراسمی بود که مردم با امام داشتند. پس از استقرار امام در این حسینیه بود که وجهه و شهرت جهانی یافت. حتی برخی از شعرا به تناسب سکونت امام از امام به «پیر جماران» یاد می‌کردند.
- **حضرت علی‌اصغر**: فرزند شیرخوار امام حسین(7) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی‌تاب شده بود. امام حسین(7) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمله تیری به‌سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی‌اصغر(7) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی‌اصغر را باب‌الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)
- **حضرت علی‌اکبر**: فرزند ابی‌عبدالله الحسین(7) بود و در سال 43 قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق‌وخوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم(6) بود. علی‌اکبر(7) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین(7) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد

روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمربن سعد را بـه هلاکـت رسـاند. پـس از آنکـه توسط مرة بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کـرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شـریف وی برخـی 19 سـال و برخـی 25 سال نوشته‌اند.

- **حضرت قاسم**: قاسم(7) فرزند امام حسن(7) در واقعه عاشورا از امام حسین(7) اذن میدان گرفت. به‌قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمربن نفیل اسدی به شهادت رسید.
- **خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی**: از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسـی- مبـارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به‌عنوان یکـی از مبـارزان شـاخص خطـه خراسان فعالیت‌های چـشمگیری داشـت. بارهـا از سـوی رژیـم پهلـوی بازداشـت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. مـسئولیت‌هـای مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهـران، نماینـده امـام در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حـضور فعالانـه در جبهه‌های جنگ، ترور توسط منافقین در 1360، رئیس جمهـوری اسـلامی پـس از شهادت شهید رجایی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئـیس مجمـع تـشخیص مصلحت نظـام را بـر عهـده داشـت. سـرانجام در 14 خـرداد 1368، پـس از رحلـت حضرت امام خمینی، توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مـسلمان ایـران را عهده‌دار شد. (مصحح)
- **خلقی‌ها**: پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران گروه‌هـای متعـدد متکثـری کـه اکثراً وابسته به کشورها و قدرت‌های دیگر بودند با شعار دفاع از حقـوق خلـق ایـران مانند قارچ قـد کـشیدند. بـه هـر بهانـه‌ای بـرای مـسئولین نظـام جمهـوری اسـلامی مانع‌تراشی می‌کردند. هریک با پسوند مُضائی از جمله خلق مسلمان، خلق کرد، خلـق عرب، خلق ترکمن، خلق قهرمان، خلق زحمتکش، خلق مستضعف، خلق انقلابـی بـه فریب برخی از افراد پرداخته حتی در مقابل نظام جمهوری اسلامی با بهانه‌های واهـی

قد علم کردند. به‌خصوص با اشغال لانه جاسوسی آمریکا مشخص شد بسیاری از آنها مزدور بیگانگان بوده و در جهت اهداف دشمنان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند. یکی از این گروهک‌ها هم سازمان مجاهدین خلق بود که از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی با پیگیری خط نفاق به مواضع معاندانه با نظام پرداختند و سرانجام در درون جنگ و پس از آن به‌عنوان سرسپردگان مزدور آمریکا کاملاً در خدمت اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها به دشمنی آشکار و مسلحانه در مقابل نظام جمهوری اسلامی پرداختند. اشاره شهیدان به این گروهک‌های به اصطلاح «خلقی» است. (مصحح)

- **خلیل‌زاده‌مروج، میرزا بیوک**: از علما و فقهای دارالارشاد اردبیل است که در سال 1348 هجری قمری 1309 شمسی در خانواده‌ای متدین و شریف در اردبیل دیده به جهان گشود از شش سالگی علاوه بر تحصیل در مدارس دولتی مقدمات و بخشی از علوم حوزوی را از محضر اساتید وقت حوزه علمیه اردبیل فرا گرفت و در سال 1326 شمسی راهی حوزه علمیه قم گردید و سطوح عالیه را آموخت. در جریان نهضت اسلامی از ارکان انقلاب در منطقه محسوب می‌شدند و مجاهدت‌های بی‌دریغی در به ثمر رسیدن مبارزات مردم مسلمان نمودند بعد از انقلاب به حکم رهبر فقید و کبیر انقلاب حضرت امام خمینی به سمت نمایندگی ایشان و امام جمعه اردبیل منسوب شدند و نیز این مسئولیت پس از رحلت امام با حکم ولی فقیه و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استمرار یافت. در طول بیش از بیست سال پس از انقلاب علاوه بر امامت جمعه، نمایندگی مردم آذربایجان شرقی و اردبیل را در مجلس خبرگان رهبری عهده دار گشت. ایشان در 21 محرم الحرام 1421 هجری قمری 27 فروردین سال 1380 شمسی دارفانی را وداع گفت. پیکر پاکش در قبرستان بهشت فاطمه اردبیل بخاک سپرده شد.
- **خوارج (مارقین)**: نام فرقه‌ای است از مسلمانان که بعد از جنگ صفین و مسئله حکمیت به مخالفت خلیفه وقت برخاستند. به علی(7) اعتراض کردند که چرا به حکمیت گردن نهاده‌ای و فرقه‌ای شدند و به مخالفت علی(7) پرداختند. روزبه‌روز به شمار آنان افزوده شد. یک‌بار در حزورا گرد آمدند، با علی(7) جنگیدند و شکست سختی از حضرت علی(7) خوردند. در دوره بنی‌امیه قدرت بسیار به‌دست آوردند.

به دو قسمت شدند قسمتی در عراق و فارس و کرمان تسلط پیدا کردند و دسته‌ای در جزیرةالعرب. این فرقه در عهد امویان یکی از مشکلات بزرگ دولت اسلامی بودند. در نهروان هم بین آنها و حضرت علی(7) جنگ افتاد و سرانجام شکست خوردند. در آخر یکی از خوارج نهروان به‌نام عبدالرحمن‌ابن ملجم، علی(7) را در مسجد کوفه در حین نماز به شهادت رساند. (دهخدا، با تلخیص).

- **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل داخلی استکبار جهانی به‌خصوص امریکا به کارهای ایذایی، توطئه، آشوب و تفرقه، ترور و حتی طرح کودتا و تخریب شخصیت‌های انقلاب و شایعه‌پراکنی متعدد می‌پرداخت. به تحریک قومیت‌ها و ناامنی در برخی مناطق از جمله کردستان و گنبد و مناطق مرزی و غیره می‌پرداخت. دانشجویان متعهد و انقلابی با تیزهوشی متوجه شدند این جریان‌ها باید یک مرکز فرماندهی و اطاق فکر داشته باشد پس از بررسی دریافتند که سرنخ همهٔ این مخالفت‌ها و دشمنی و تحرکات ضد انقلابیون در سفارت امریکاست. عده‌ای از دانشجویان متعهد، جان برکف و انقلابی و شجاع را که برای خنثی کردن شیطنت‌های امریکا حاضر بودند شهادت را به جان بخرند به‌عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» هم پیمان شدند و با نوشتن وصیت‌نامه با شور انقلابی به سفارت امریکا حمله کردند. سفارت امریکا را اشغال، و اسناد و مدارک بسیار مهم و ارزشمندی از به اصطلاح سفارت امریکا به‌دست آمد. باوجودی که اسناد مهمی را در داخل سفارت خُرد کردند اما بعدها با حوصله و شکیبایی خارق‌العاده مدارک رشته رشته شده را کنار هم گذاشتند کوس رسوایی امریکا و بسیاری از عوامل داخلی و خارجی آن زده شد. از آن تاریخ به بعد به سفارت آمریکا «لانه جاسوسی» می‌گویند. ضمناً امام خمینی با وجود مخالفت آقای مهدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر، حرکت انقلابی دانشجویان را انقلاب دوم نامید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در آن برهه خدمت بزرگی به انقلاب اسلامی کردند. (مصحح)
- **داود**: از انبیاء بنی‌اسرائیل بود که سلطنت را هم در خور جمع ساخت. در سال 1071 یا 1086 قبل از حضرت مسیح در بیت‌لحم متولد شد. ابتدا شبانی گوسفندان ایشا می‌کرد. در 15 سالگی دختر طالوت را نامزد کرد. بسیار خوش‌صدا بود. چون زبور

خواندی، از خوش آوازی او مرغان هوا فرود می‌آمدند. در سال دوازدهم سلطنت او خداوند لقمان را حکمت داد و لقمان سی‌سال در خدمت داود نبی بود. داود استعداد فطری عالی داشت. با سخاوت و عدالت و تقوی و شجاعت و دلیری و ثبات حلم رفتار می‌کرد. زره را نیک می‌ساخت. (مصحح)

- **در مسلخ عشق جز نکو را نکشند**: این شعر را پس از انقلاب به افراد متعدد نسبت دادند. از زندان سیاسی مخصوص افرادی که از سوی رژیم طاغوت اعدام می‌شدند تا برخی از شاعران. اما تاکنون مشخص نشده است شاعر و سراینده واقعی این شعر حماسی و مقاومت در ساحت مبارزات سیاسی کیست.
- **دستغیب، عبدالحسین**: (1292- 1360ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب، در خانوادهٔ اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن 12 سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فرا گرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامهٔ نماز جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلای وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال 1321، دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال 1342، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال 1356 مدتی در خانهٔ خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعهٔ شیراز و ریاست حوزهٔ علمیهٔ فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه 1360 به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوءقصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.
- **دشت آزادگان- شهرستان**. شهرستان دشت آزادگان به مرکزیت شهر سوسنگرد در سال 1323 تشکیل شد. دارای سه بخش هویزه، بستان و مرکزی است. از شرق با اهواز از شمال شرق با شوش و از شمال غرب با استان ایلام و از غرب و جنوب غربی با کشور عراق هم مرز است. با آغاز رسمی جنگ، سپاه سوم ارتش عراق به این

شهرستان هجوم آورد. وجود منطقه وسیع رملی و هور بزرگ هویزه و نیز وجود رودخانه بزرگ کرخه و انشعابات آن از جمله کرخه، نور، سابله، نیسان و مالکیه مانع پیشروی ارتش عراق شد. در آبان 1359 تیپ زرهی 35 عراق دوبار بستان و سوسنگرد را محاصره کرد. و در دی ماه همان سال پس از چهار ماه جنگ هویزه را اشغال کرد. در سال 1361 طی عملیات بزرگ فتح‌المبین و والفجر مقدماتی و طریق‌القدس و بیت‌المقدس و بدر و خیبر شهرستان دشت آزادگان و مناطق اطراف آن از عراق بازپس گرفته شد.

- **دمکرات**: این تشکیلات تحت عنوان «حزب دمکرات کردستان ایران» فعالیت داشته است. مأموریت اصلی این حزب از آغاز تأسیس، فعالیت خودمختاری برای کردستان بوده است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از جریان‌هایی بود که آرامش را از کردستان سلب می‌کرد. وابستگی‌های شدید آن به سایر قدرت‌ها موجب شد که با نظام جمهوری اسلامی ایران به تقابل بپردازد. حضور قدرتمند و با تدبیر و کارایی خاص نظام در کردستان فلسفه وجودی حزب را از بین برد و نبود پایگاه مردمی آن را به انحلال کشید. بارها با نیروهای مردمی و مسلح درگیر شد. اینک در ایران فاقد پایگاه است و بیشتر در عراق مستقر است.
- **رُباب**: رباب دختر امروالقیس عدی، همسر سیدالشهدا(7) مادر سکینه و علی‌اصغر(7) بود. او در سفر کربلا حضور داشت و همراه اسیران به شام رفت. سپس به مدینه بازگشت و مدت یک‌سال برای سیدالشهدا(7) عزاداری کرد. مرثیه‌هایی هم در سوگ آن حضرت سرود. خواستگارانی از اشراف و بزرگان قریش را رد کرد و حاضر نشد با کسی ازدواج کند. در سوگ اباعبدالله(7) پیوسته گریان بود و زیر سایه نمی‌رفت، از فرط گریه و اندوه بر شهادت امام حسین(7) یک‌سال بعد (در سال 62 هجری) جان باخت. امام حسین(7) نیز حضرت سکینه و مادرش رُباب را بسیار دوست می‌داشت. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)
- **رجایی، محمدعلی**: (1312- 1360ش) در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامهٔ ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال 1338 وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات

خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشتهٔ ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول به کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال 1359 نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به‌دست منافقین کوردل به شهادت رسید.

- **رجوی، مسعود**: در سال 1327 در طبس به‌دنیا آمد. به عضویت سازمان منافقین درآمد. پس از دستگیری به جهت همکاری صمیمانه با عوامل رژیم طاغوت به‌خصوص در معرفی شبکه سازمان با تخفیف به حبس ابد محکوم شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ابتدا به موضعگیری علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. پس از آن که رهبری سازمان منافقین را به‌عهده گرفت، سعی کرد هواداران سازمان را علیه جمهوری اسلامی به صحنهٔ عمومی کشور بکشاند. با عزل قانونی بنی‌صدر همراه او به پاریس گریخت و به فعالیت‌های سازمانی علیه ایران ادامه داد. دولت فرانسه فعالیتشان را غیرقانونی اعلام کرد. با هماهنگی و همکاری آمریکا برای مقابله با ایران به عراق کوچ کرد و در حواشی بغداد برایشان اردوگاهی موسوم به اشرف از سوی صدام حسین ساخته و در آنجا مستقر شدند. با دریافت کمک از سوی عراق و آمریکا عواملشان را در جبهه‌های جنگ به جمع‌آوری اخبار بسیج کرد. عملیاتی را علیه جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص رزمندگان دلاور اسلام طراحی و اجرا کردند، در این عملیات متحمل شکست بسیار سنگینی شدند. با سازمان‌دهی مجدد از آن تاریخ تاکنون در خدمت منویات آمریکا و عوامل مزدور حزب بعث عراق به مزدوری مشغولند. در جریان ترورهای کور خیابانی و سازمانی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست‌وزیری شخصیت‌هایی چون شهید بهشتی، شهید باهنر و شهید رجائی را ترور کردند. علاوه بر این ائمه جمعه بسیاری و نیز پاسداران و نیروهای انقلابی و متعهد دیگری را از نظام جمهوری اسلامی ایران ترور کردند.

اینک جزء نیروهای مورد حمایت سازمان سیا و کشورهای اقمار آمریکا است که به مزدوری علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. (مصحح)

- **رقیه**: دختر امام حسین(**7**) بود. وی همان است که در خرابه شام پس از شهادت پدر، امام حسین را خواب دید. هنگامی که بیدار شد از حضرت زینب(**3**) پدرش را خواست. همه اسرا در خرابه شام به شیون و گریه آمدند. ناله و شیون طفلان را یزید شنید و دستور داد سر امام حسین(**7**) را در خرابه شام به اسرا مخصوصاً اطفال نشان دادند. وقتی حضرت رقیه(**3**) سر پدر را دید، به قدری منقلب و مضطرب گشت که از شدت گریه و اضطراب روح از تنش جدا شد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)
- **روز 13 آبان**: 13 آبان‌ماه از روزهای فراموش نشدنی در تاریخ معاصر ایران است. پیوند رویدادهای این روز به‌گونه‌ای است که به خوبی می‌توان از خلال آن تولدی دیگر را یافت. ریختن به بیت حضرت امام خمینی در قم و تبعید ایشان از ایران، حمله به تظاهرات دانشجویان و به خاک و خون کشیدن آنها و بالاخره در نهایت نیز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در این روز روی داد تا برگ دیگری از تاریخ ایران رقم بخورد. آنچه که از خلال این رویدادها به چشم می‌خورد کهنه نشدن آن است و زندگی‌ای که دوباره از کنار این نعمت همیشگی نصیب مردم ایران شد. 13 آبان نشان داد که هنوز دانشجویان و دانش‌آموزان در تمام امور پیشقدم هستند. (مصحح)
- **روز 15 خرداد** 1342: کفن‌پوشان ورامین در لبیک به ندای انقلاب حضرت امام به‌سوی تهران حرکت کردند و نیروهای امنیتی و مسلح شاه بسیاری از آنان را شهید کردند. پانزده سال بعد از آن، خون شهیدان به ثمر نشست و امام با افتخار از تبعید بازگشت و در 22 بهمن 1357 انقلاب به پیروزی رسید. (مصحح)
- **روز 17 شهریور**: در 17 شهریور 1357 جمعیت عظیمی از مردم مومن و انقلابی تهران حکومت نظامی ران نادیده گرفتند و با از جان گذشتگی در میدان ژاله (شهدا) تجمع کرده و مزدوران رژیم شاه آنها را به گلوله بستند و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را به خاک و خون کشیدند. بدین‌ترتیب این روز به‌نام جمعه خونین یا جمعه سیاه در

تاریخ انقلاب اسلامی ثبت شد براساس شواهد و قراین تاریخی در آن روز رژیم سفاک پهلوی از مزدوران رژیم صهیونیستی جهت کشتار مردم مومن استفاده کردند.

- **روز 22 بهمن**: پس از اعلان حکومت نظامی، حضرت امام خمینی(ره) اعلام کرد که مردم به حکومت نظامی اعتنایی نکنند. مردم نیز همچنان به یورش خود به مراکز دولتی و نظامی و انتظامی ادامه دادند و تقریباً تمام این مراکز با اندک درگیری و مقاومت، تسخیر شد و به دست مردم افتاد. این درگیری‌ها در روز بعد نیز به شدت ادامه یافت و در این روز هزاران زن و مرد و پیر و جوان، هر یک به اندازه توان خود برای سرنگونی نهایی رژیم ظلم و جور، کوشش کردند. آنها با سنگربندی در خیابان‌ها، سینه سپر کردن در برابر تانک‌ها و با فداکاری و جانفشانی، انقلاب را به پیروزی رساندند. نه فقط در تهران، بلکه در تمامی شهرهای ایران، درگیری مردم با بقایای رژیم شاه جریان داشت. هنگامی که خبر حرکت نیروهای نظامی از شهرهای مختلف ایران به سمت تهران برای سرکوب قیام مردم پخش شد، مردم شهرهای مسیر به درگیری با نیروهای نظامی پرداختند و با بستن راه، مانع حرکت آنها به سمت تهران شدند. برخی از فرماندهان رده بالای ارتش در این درگیری‌ها به دست مردم کشته شدند تا سرانجام، ارتش، بی‌طرفی خود را اعلام کرد. سرانجام روز سرنوشت فرا رسید و در 22 بهمن 1357، نظام پوسیده ستمشاهی فرو ریخت و ریشه‌های فاسد دودمان سپاه پهلوی از این کشور اسلامی، کنده شده. مبارزه پانزده ساله ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی(;) به ثمر رسید و با سرنگونی نظام 2500 ساله شاهنشاهی، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران پیروز گردید.
- **زین‌الدین، مهدی**: در سال 1338 در تهران در خانواده‌ای مقید و مذهبی دیده به جهان گشود. در دوران کودکی با قرآن آشنا و مأنوس بود. در سال 1356 موفق به ورود به دانشگاه شیراز شد اما چون پدرش کتاب فروش بسیار فعالی بود او را به خرم‌آباد و سقز و پس از آن به اقلید تبعید کردند. مهدی به تبع خانواده مجبور شد از ادامهٔ تحصیل در دانشگاه شیراز منصرف شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زین‌الدین به عضویت واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در این رسته سازمانی تا عالی‌ترین درجه یعنی مسئولیت فرماندهی اطلاعات عملیات در

منطقه دزفول و سوسنگرد و پس از آن به فرماندهی تیپ علی ابن ابی‌طالب دست یافت. زین‌الدین فرماندهی خود ساخته، متخلق، مقاوم، خودساخته، باتقوا و صبور بود. همین ویژگی‌های والای اخلاقی او موجب شده بود که بسیاری از اطرافیانش نیز از او و سیرهٔ اخلاقی او تبعیت کنند. در آبان ماه سال 1363 مهدی زین‌الدین به همراه برادرش در منطقهٔ سردشت کرمانشاه با گروههای مسلح مخالف جمهوری اسلامی ایران درگیر شود و هر دو به فیض شهادت نایل آیند.

- **سامری**: موسی‌بن ظفر، قریب مهتر حضرت موسی(7) بود. او گوساله‌ای زرین و مرصع از جواهر ساخته بود. خاک نعل براق جبرئیل(7) که در روز غرق فرعون به دست آورده بودند در اندرون آن دردمیده هر بانگی که ملایم گاو است از او برآمده با همین حیله، گروهی از قوم یهود گوساله پرست شدند. داستان سامری و گوساله او در قرآن ذیل داستان حضرت موسی(7) آمده است. در این داستان، سست اعتقادی قوم یهود نسبت به حضرت موسی مشهود است. «دهخدا»
- **ساواک**: سر واژه (سازمان امنیت و اطلاعات کشور). این سازمان اطلاعاتی و امنیتی در اواسط دهه 1320 در دورهٔ حکومت پهلوی تأسیس و تا سال 1357 برقرار بود. این سازمان برای اهداف شوم و استعماری رژیم پهلوی با همکاری مشترک موساد و سیا در ایران شکل گرفت. کارشناسان سیا و موساد شیوه‌های خبرچینی و جمع‌آوری اطلاعات از مخالفان حکومت پهلوی را به اعضای آموزش می‌دادند. هم در دانشنامه ایرانیکا و هم در کتابی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط حسین فردوست- از مقامات بلندپایه ایران- نگاشته شده به نقش بارز عوامل اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل در شکل‌گیری ساواک تأکید شده است. مأموران و مقامات ساواک عمدتاً از فرمانداری نظامی و رکن دو ارتش و شهربانی تأمین می‌شدند. مأموریت اصلی این سازمان شناسایی، مبارزه و نابود کردن کسانی بود که به نحوی با حکومت شاه مخالف بودند. برای این منظور از هر نوع شکنجه و ابزاری استفاده می‌شد. علاوه بر عملیات برون مرزی، این سازمان با اقشار مختلف و تفکرات گوناگون از جمله: دانشجویان دانشگاهها، طلاب و روحانیون مبارز، اتحادیه‌های کارگری، نویسندگان، ژورنالیست‌ها و حتی دانشجویان مبارز خارج از ایران را در دستور کار خود داشت. در شکنجه

مبارزان از تکنیک‌های شکنجه‌گری شامل: شوک الکتریکی، شلاق زدن، ناخن کشیدن، داخل نمودن افراد در خرده شیشه یا آب جوش و داغ کردن برای اقرار و تنبیه مبارزان استفاده می‌شد. توسط این سازمان دهها زندانی مبارز مسلمان و انقلابی اعدام شدند. با پیروزی انقلاب اسلامی در 1357 نسبت به انحلال این سازمان مخوف اطلاعاتی اقدام شد.

- **ستون پنجم**: به نیروها، جریان‌ها و تشکل‌های رسمی یا غیررسمی می‌گویند که پس از انقلاب‌ها از سوی شکست‌خوردگان انقلاب سازماندهی، مدیریت، هدایت و حمایت می‌شوند تا به مقابله با جریان‌های پیروز بپردازند. این ستون پنجم می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فکری باشد. نگاه منفی و تند و انتقادآمیز به هر حرکت، تصمیم و پیشرفت، سیاست و جریان حاکم را در دستور کار خود دارند. همیشه از سوی بیگانگان خارجی و حتی داخلی حمایت خاص می‌شوند تلاش می‌کنند که اطلاعات و اخبار و آمار داخلی را در جهت اهداف مخالفان و دشمنان تنظیم و نگارش کنند. بسیاری از کودتاها در کشورهای انقلاب کرده از سوی این افراد و نیروها سازماندهی می‌شود. (مصحح)
- **سعیدی، سیدمحمدرضا**: در سال 1308 شمسی به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در مشهد و قم به پایان رسانید. او از محضر آیت‌الله بروجردی و حضرت امام خمینی بهره برد و پس از وقایع 15 خرداد 1342 بر دامنه فعالیت‌های خود علیه شاه افزود. از این رو از جانب ساواک ممنوع‌المنبر گردید. مسجد او در خیابان غیاثی تهران کانونی برای مبارزه علیه رژیم پهلوی بود. آیت‌الله سعیدی در سال 1345 شمسی در پی سخنرانی علیه رژیم اشغالگر قدس مدت 61 روز در زندان‌های ساواک به سر می‌برد اما پس از آزادی فعالیت‌های خود را از سرگرفت و این بار به دلیل مخالفت با سیاست‌های استعمار رژیم پهلوی و آمریکای جنایتکار، دستگیر و به سبب شکنجه‌های شدید به شهادت رسید. از آثار این شهید مبارز می‌توان به «اتحاد اسلام»، «آزادی زن»، «کار در اسلام» و «چاپ و نشر جزوات آموزشی» اشاره کرد.
- **سفینه نوح**: نام یک کشتی در داستان‌های کتب مقدس در دین‌های ابراهیمی است. بنا بر این داستان‌ها، نوح پیامبر به فرمان خدا این کشتی را ساخت تا خود، خانواده خود،

کسانی که بوی ایمان آورده بودند و نمونه‌ای از هر حیوان را از پیامدهای طوفان نوح نجات دهد. براساس تورات و قرآن، نوح پیامبر دستور ساخت کشتی بزرگی را از سوی یهوه (الله در قرآن) دریافت کرد که ساخت آن سالها طول کشید، کشتی می‌بایست آنقدر بزرگ می‌بود که علاوه بر آدمیان (خویشان و پیروان نوح) از همه گونه جاندار، جفتی نیز در کشتی جای بگیرد تا بعد از پایان سیل بزرگ ادامه حیات بر روی زمین ممکن باشد. کشتی بعدها بر روی قله کوه آرارات نشست. هنوز برخی از باستانشناسان به جستجو برای یافتن بقایایی از این کشتی ادامه می‌دهند. در بین تمدنهای میانرودان نیز داستانی مشابه وجود داشته است. این داستان در بخش‌های 6 تا 9 کتاب پیدایش، اولین کتاب از تورات یهودیان، کتاب مقدس مسیحیان و قرآن (سوره‌های 11 و 71) آمده و نسخه‌ای دیگری از آن نیز دیگر منابع دیده می‌شود. داستان مذکور منجر شده تا تحقیقات بسیاری از سوی پیروان ادیان ابراهیمی برای یافتن بقایای کشتی نوح، به‌خصوص در منطقه آرارات انجام شود. و در سال 2007 کشتی در ارتفاعات قله آرارات در ترکیه پیدا شد که همه باستان‌شناسان می‌پندارن که این کشتی همان کشتی حضرت نوح است. (دهخدا)

- **سکینه**: دختر بزرگوار سیدالشهدا(7) بود. نام اصلی او را آمنه، امینه، امیمه یا امامه هم نوشته‌اند. لقب سَکینه یا (سُکینه) از طرف مادرش رباب به او داده شد. او که خواهر علی‌اصغر(7) بود در کربلا حضور داشت. در عاشورا سن او را حدوداً ده تا سیزده سال نوشته‌اند. امام حسین(7) روز عاشورا به او لقب «خیرة النّسوان» داده است. همراه کاروان اسرای کربلا به کوفه و شام رفت و پس از شهادت سیدالشهدا(7) تحت کفالت امام سجاد(7) قرار گرفت. وی محضر سه امام (امام حسین، امام سجاد و امام باقر) را درک کرد. سکینه در پنجم ربیع‌الاول سال 117 هجری در زمان هشام‌بن عبدالملک در سن هفتاد سالگی در مدینه درگذشت و قبرش در مدینه است. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).
- **سلطنت‌طلب**: به کسی اطلاق می‌شود که از پادشاهی خاص یا سلسله پادشاهی وی، به‌عنوان حاکم یک کشور مشخص، حمایت کند. سلطنت‌طلبی با واژه سلطنت‌خواهی که به معنی هواداری از نظام پادشاهی به‌عنوان دولت حاکم بر یک کشور است،

تفاوت دارد. عموماً سلطنت‌طلب به حامی پادشاه حاکم کنونی یا پادشاهی که توسط یک دولت جمهوری‌خواه برکنار شده است، گفته می‌شود. سلطنت‌طلب‌ها در خارج از کشور به فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی مشغول هستند بی‌تردید از سوی ابرقدرت‌ها و سایر اقمارشان، مورد حمایت مالی - اقتصادی قرار می‌گیرند. (مصحح)

- **سمیه**: از جمله نخستین زنانی است که به اسلام ایمان آوردند. سمیه جزء مشهورترین مؤمنانی است که از سوی اشراف مکه شدیداً شکنجه شدند. سمیه همسر یاسر، نخستین شهید زن و اولین شهید در تاریخ اسلام است. (غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، چاپ اول، 1378).
- **سومار**: شهر مرزی سومار در 95 کیلومتری جنوب قصر شیرین و 10 کیلومتری مرز عراق قرار دارد و با شهر مندلی عراق تنها 18 کیلومتر فاصله دارد. سومار در میان دره‌ای بین ارتفاعات سارات، چغاامان و اردوبان واقع است و ارتفاعات گیسکه و کهنه‌ریگ همچون دیوار بلندی در غرب آن قرار دارد. بیشتر مردم این شهر از مردمان ایل کلهر ایوان غرب هستند. با شروع جنگ، این شهر به همراه روستاهای اطراف آن به اشغال ارتش عراق درآمد. نحوه خروج و آوارگی زنان و بچه‌ها و پیران و جوانان این منطقه و مظلومیت‌ها و سختی‌های آن در جریان اشغال قابل توصیف نیست. پس از عقب‌نشینی سراسری ارتش عراق از منطقه تحت اشغال (بعد از آزادی خرمشهر) عراق سومار را تخلیه کرد ولی ارتفاعات گیسکه و کهنه‌ریگ را در اشغال خود نگه داشت که عملاً سومار را ناامن و غیرقابل استفاده کرده بود. سرانجام در تاریخ 1363/7/9 در عملیات مسلم‌بن عقیل، ارتفاعات گیسکه آزاد شد و سومار در حالی که کاملاً تخریب شده بود، از اشغال دشمن خارج شد. (خوزستان در جنگ، اطلس جغرافیای حماسی، ج1، پژمان پورجباری).
- **شرق**: وقتی دنیا از جهت سیاسی به دو قطب غرب و شرق تقسیم شده بود و هریک از این قدرت‌ها برای سلطه بر کشورها و مناطق بیشتری در جغرافیای جهان تلاش می‌کردند جنگ‌های متعددی را راه می‌انداختند تا با روشن شدن ماشین جنگی آنها سلاح‌های بیشتری را به کشورهای وابسته و اقماری خود بفروشند. به قدرتی که زیر سلطه شوروی سابق بودند بلوک شرق می‌گفتند.

- **شریعتی، علی**: جامعه‌شناس و از نویسندگان معاصر در 29 خرداد 1356 به طرز مرموزی در لندن درگذشت و با کمک دوستانش در سوریه به خاک سپرده شد. وی در سال 1312ش در مزینان به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات متوسطه به دانشگاه تهران راه یافت. در جریان مبارزه علیه رژیم پهلوی در سال 1326ش دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی از زندان رژیم به قصد ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و در آنجا مبارزه علیه ظلم را با پیوستن به سازمان آزادیبخش الجزایر ادامه داد. سرانجام پس از اخذ درجه دکتری در رشته جامعه‌شناسی و تاریخ اسلام به ایران مراجعت نمود و مبارزه با حکومت پهلوی را با برگزاری جلسات و سخنرانی در حسینیه ارشاد دنبال کرد. اما این شیوه مبارزات چندان به طول نینجامید و مأموران رژیم پهلوی مانع از برگزاری این جلسات شدند. از وی بیش از 200 اثر شامل مقاله و سخنرانی و 37 کتاب باقی مانده است. «تشیع سرخ، تاریخ تمدن، اسلام‌شناسی، علی تنهاست، فاطمه فاطمه است و حسین وارث آدم» از جمله آثار این اندیشمند می‌باشد. در دوران اختناق، آثار دکتر شریعتی به‌خصوص بین دانشگاهیان برای آگاهی از اسلام بسیار نقش‌آفرین بود.
- **شلمچه**: شلمچه منطقه‌ای در حد فاصل شهرهای خرمشهر و بصره است که بخشی از آن در خاک ایران و بخشی دیگر در خاک عراق قرار دارد. مرزهای سرزمینی شلمچه از شمال به کانال ادب و پاسگاه بوبیان، از جنوب به اروندرود، از شرق به نهر عرایض و از غرب به کانال زوجی محدود می‌شود. از اوایل سال 1358 آغاز و در مرداد و شهریور 1358به اوج خود رسید. در این ماه‌ها، اقدامات مهندسی عراق در ایجاد مواضع، سنگرها و گسترش نیروهای نظامی در منطقه، نمودی آشکار از زمینه‌سازی تجاوز و انتخاب شلمچه به‌عنوان محور اصلی تهاجم به خوزستان بود. با هجوم سراسری ارتش عراق در 1359/6/31 پاسگاه شلمچه به اشغال دشمن درآمد؛ اما اندک نیروهای خودی، پاسگاه را بازپس گرفته و بیست‌تن از نیروهای دشمن را اسیر کردند. از بامداد 1359/7/1 ارتش عراق تلاش نمود تا با شکستن خط تأمین دژ و عبور از شلمچه به سمت خرمشهر پیش روی نماید اما با مقاومت سرسختانه مدافعان، فاصله پاسگاه شلمچه تا پل نو را در مدت چهار روز طی کرد. با دستیابی دشمن به حاشیه خرمشهر، منطقه شلمچه به اشغال کامل عراق درآمد. اگرچه خرمشهر در

1361/3/3 در مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس آزاد شد، اما حاشیه مرزی شلمچه تا آغاز عملیات کربلای 5 در 1365/10/19 در اشغال نیروهای عراقی باقی ماند. در طول جنگ، منطقه شلمچه صحنه عملیات‌های بیت‌المقدس، رمضان، پشتیبانی والفجر 8، کربلای4، کربلای5، کربلای8 و بیت‌المقدس7 بود که در این میان، نبرد کربلای5 از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (خوزستان در جنگ، اطلس جغرافیای حماسی، ج1، پژمان پورجباری).

- **شوروی**: سالها که جهان به نظام دو قطبی تقسیم شده بود، کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متشکل از روسیه فعلی و دهها کشور دیگر از جمله ترکمنستان، گرجستان، تاجیکستان، اکراین، داغستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و... همگی ذیل اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یک کشور اداره می‌شدند. اما پس از اتمام سال سلطه بلامنازع شوروی بر این کشورها که هر یک ایالتی از ایالات شوروی محسوب می‌شدند، نظام کمونیستی از هم پاشیده شد و حضرت امام در پیام تاریخی که برای گورباچف رئیس جمهور وقت شوروی سابق فرستاد، اعلام کرد که من صدای شکستن استخوان‌های کمونیسم را در جهان می‌شنوم و به زودی کمونیسم موزه‌های تاریخ خواهد پیوست. پس از فروپاشی شوروی کشور آمریکا سعی کرد برخی از کشورهای تازه تأسیس شده را به‌سوی خود بکشاند و علیه سلطه روسیه به تحرکات مختلف فرهنگی، سیاسی دست زد. در واقع نقشه جهان تغییر کرد و هم اینک در برخی از انقلاب‌های مخملی ردپای آمریکا و عوامل وابسته به آن به‌خوبی مشهود است گرچه بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته هنوز از ابعاد مختلف به روسیه فعلی وابسته و جزء کشورهایی هستند که با روسیه منافع مشترک دارند، اما دارای کرسی و پرچم و جایگاه مستقل در سازمان ملل متحد هستند.
- **شهدای محراب**: حضرت علی(7) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی(7) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربهٔ مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی(7) فرمود: «فُزت و رب الکعبه» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور

شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن‌جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی(**7**) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.

- **شیخ بهاءالدین**: محمدبن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی دانشمند بنام دوره صفویه است. اصل وی از جبل عامل شام بود. بهاءالدین محمد ده ساله بود که پدرش عزالدین حسین عاملی از بزرگان علمای شام به‌سوی ایران رهسپار گردید و چون به قزوین رسیدند و آن شهر را مرکز دانشمندان شیعه یافتند، در آن سکنی گزیدند و بهاءالدین به شاگردی پدر و دیگر دانشمندان آن عصر مشغول گردید. مرگ این عارف بزرگ و دانشمند را به سال 1030 و یا 1031 هجری در پایان هشتاد و هفتمین سال حیاتش ذکر کرده‌اند. وی در شهر اصفهان روی در نقاب خاک کشید و در جوار حرم هشتمین امام شیعیان به خاک سپردند. شیخ بهایی به تایید و تصدیق اکثر محققین و مستشرقین، از نوادر روزگار و یکی از مردان یگانه دانش و ادب ایران بود که پرورش یافته فرهنگ آن عصر این مرز و بوم و از بهترین نمایندگان معارف ایران در قرن دهم و یازدهم هجری قمری بوده است. شیخ بهایی شاگردانی تربیت نموده که به نوبه خود از بزرگترین مفاخر علم و ادب ایران بوده اند، مانند فیلسوف و حکیم الهی ملاصدرای شیرازی و ملاحسن حنیفی کاشانی و عده‌ای دیگر که در فلسفه و حکمت الهی و فقه و اصول و ریاضی و نجوم سرآمد بوده و ستارگان درخشانی در آسمان علم و ادب ایران گردیدند که نه تنها ایران، بلکه عالم اسلام به وجود آنان افتخار می کند. از کتب و آثار بزرگ علمی و ادبی شیخ بهایی علاوه بر غزلیات و رباعیات دارای دو مثنوی بوده که یکی به نام مثنوی «نان و حلوا» و دیگری «شیر و شکر» می باشد و آثار علمی او عبارتند از: «جامع عباسی، کشکول، بحرالحساب و مفتاح الفلاح والاربعین و شرح، اسرارالبلاغه والوجیزه». سایر تالیفات شیخ بهایی، بالغ بر هشتاد و هشت کتاب و رساله می‌شود.

- **شیخ زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی**: معروف به **شهید ثانی**، از بزرگان فقهاء شیعه. زین‌الدین شهید ثانی در روز 13 شوال سال 911 هجری قمری، برابر 27 اسفند 884، در دهکده جبع (یا جباع) جبل عامل، در یک خاندان علمی به دنیا آمد و در 966 قمری، برابر 938 خورشیدی، کشته شده‌است. وی به مصر، دمشق، حجاز، اورشلیم، عراق و استانبول مسافرت کرده‌است. تنها اساتید سنّی او را دوازده تن نوشته‌اند. او به مذاهب پنج گانه جعفری، حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی مسلط بود و اولین بار فقه تطبیقی را تدریس کرد. شیخ علی بن عبدالعالی میسی (م 938 ه.ق) و سید جعفر کرکی، نویسنده کتاب المحجه البیضا در فقه و شیخ محمد بن مکی استاد حکمت و هیات و ... از اساتید او بودند. علما وی را از جهات معنوی ستوده و شخصیت معنوی او را ویژه دانسته اند. او تألیفات زیادی دارد، معروفترین تألیف او در فقه الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه نام دارد که شرح مزجی کتاب لمعه دمشقیه از آخوند شهید اول است و دیگر مسالک الافهام است که شرح شرایع الاسلام از محقق حلی است.
- **شیخ صدوق**: محمد بن علی بن بابِویَه در حدود سال 306 ق. در شهر قم متولد شد. ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق از پیشتازان علم حدیث و از مردان نامی جهان اسلام در سال 305 ه.ق چون ستاره‌ای در آسمان روایت و فقاهت در شهر مقدس قم طلوع کرد. صدوق از بزرگترین محدثان عصر خود به شمار می‌آید که علاوه بر ضبط و نقل حدیث، در علوم دیگر نیز تبحر داشته و تألیفات بسیاری از خود به جای گذاشته است. شیخ صدوق در سه زمینه روایت، مباحث کلام و فقه برجسته و ممتاز بوده است. شیخ صدوق این عالم بزرگ و محدث گران قدر تألیفات با ارزش بسیاری از خود به جا گذاشت. شیخ طوسی در این باره می‌نویسد: «او سیصد کتاب تألیف کرده است» کتاب‌های شیخ صدوق همه در نهایت نیکویی و استحکام و در زمینه‌های متنوعی نوشته شده‌اند، که این خود نشانگر قدرت علمی و آشنایی گسترده او با علوم اسلامی است. برخی از مهمترین آثار ایشان عبارتند از: 1- من لا یحضره الفقیه (دومین کتاب از کتب اربعه) 2- علل

الشرایع (درباره فلسفه احکام و علت تشریع آن‌ها است) 3- کمال الدین و تمام النعمه (درباره اثبات وجود امام زمان و غیبت طولانی آن حضرت از نظر عقلی و نقلی).

- **صانعی، آیت‌الله شیخ یوسف**: از مراجع تقلید متولد 1316ش در خانواده‌ای روحانی در روستای نیک‌آباد اصفهان است. پدرشان آقای شیخ محمدعلی صانعی عالمی وارسته و پرهیزکار بود. آیت‌الله صانعی در سال 1325ش وارد حوزه علمیه اصفهان شد و در سال 1330 برای ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم و با جدیت و علاقهٔ وافر دروس حوزه را تا سطح عالی با رتبه اول خواندند. از همان سال وارد درس خارج حضرت امام خمینی شدند و با جدیت تا سال 1342 مستمراً در دروس اصول و فقه و مبانی متقن حضرت امام حاضر بودند. محضر درس آیات عظام بروجردی، محقق داماد و اراکی را درک کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب از سوی امام خمینی به سمت دادستان کل کشور و شورای نگهبان و شورایعالی قضایی منصوب شدند. (سایت آیت‌الله صانعی)
- **صدام حسین**: رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می‌کرد ایرانِ پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.
- **صدوقی، شیخ محمد**: در سال 1327 قمری برابر با 1287 شمسی در یزد متولد شد. حدود سی سال در حوزه علمیهٔ اصفهان و قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت، شهید صدوقی در مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) حضور فعالی داشت و در مبارزات مردم یزد همواره به‌عنوان اولین نفر پیشگام بود، در 31 مرداد سال 1358 از سوی امام خمینی به‌عنوان امام جمعهٔ یزد و نمایندهٔ ولی فقیه منصوب شد. از تألیفات ایشان می‌توان به شرحی بر «مختصر النافع» محقق اول و «حاشیه بر مدارک» اشاره کرد. در آخرین نماز جمعه‌ای که اقامه کرد در 11 تیر 1361 بعد از اقامه نماز

جمعه فرد منافقی با در آغوش کشیدن ایشان و رها کردن ضامن نارنجک وی را به شهادت رساند.

- **صهیونیسم (صهیونیزم)**: این جریان سیاسی و ملی‌گرا در اواخر قرن 19 میلادی تشکیل شد. عمده‌ترین هدف آن تشکیل یک کشور یهودی است. بر منابع تاریخی و مذهبی یهود تهیه دارد. این جریان به اشغال سرزمین فلسطین و مناطقی از لبنان پرداخته و سعی دارد یهودیان افراطی دنیا را در سرزمین واقعی فلسطن البته با عنوان اسرائیل گرد آورد. این جریان حتی از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان تشکلی نژادپرستانه معرفی شده است. واژه صهیونیسم برگرفته از صهیون نام تپه‌ای است در اورشلیم که در تورات بدان اشاره شده است. این جریان در واقع جریانی سکولار است و برای رسیدن به اهداف شوم خود به هر کاری دست می‌زند. از سوی ثروتمندان و قدرتمندان آمریکا و انگلیس و سایر کشورهای اروپایی و حتی روسیه مورد حمایت قرار می‌گیرد. با بهانه واهی و بی‌اساس رسیدن به «ارض موعود» یهودیان افراطی را به مناطق اشغال شده فلسطین فرا می‌خوانند و هر روز در همان مناطق اشغالی به شهرک‌سازی پرداخته و به تخریب خانه‌ها و اشغال زمین‌های مردم در فلسطین و لبنان می‌پردازند. پیروزی انقلاب اسلامی و مواضع قاطعانه و حق‌طلبانه حضرت امام خمینی همواره صهیونیست‌ها را به خوف واداشته و جریان بیداری اسلامی که در واقع استمرار و صدور انقلاب اسلامی در منطقه است هر لحظه حیات اشغالگران را به خطر انداخته است. همکاری و وابستگی برخی از سران کشورهای عربی منطقه با دولت غیرقانونی اسرائیل موجب تقویت صهیونیست‌ها شده است.
- **طالقانی، سیدمحمود**: در سال 1289 ش در روستای گلیرد طالقان دیده به جهان گشود. موفق به کسب اجازه‌نامه اجتهاد از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. ایشان در کنگره جهانی شعوب‌المسلمین که در کراچی تشکیل می‌شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یک‌بار برگزار می‌شد، دوبار در مقام ریاست هیأت نمایندگی ایران به بیت‌المقدس سفر کرد. پس از تشکیل «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» که در نزدیکی تشیع و تسنن

سهمی به سزا داشته، آیت‌الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت به آن دیار سفر کرد. به پیروی از امام به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیت‌های زیاد در همان سال به زندان افتاد. در زندان با نوشتن تفسیر «پرتوی از قرآن» سعی در آشنا کردن افراد به عظمت قرآن کرد. آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب کرد. وی در انتخابات مجلس خبرگان قانونگذاری از سوی مردم تهران به‌عنوان نماینده انتخاب شد. اولین نماز جمعه در پنجم مرداد 1358 به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد. سرانجام در نوزدهم شهریور 1358 مرحوم طالقانی پس از سال‌ها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم ستم‌شاهی و عمری تلاش خستگی‌ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلامی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

- **طباطبایی، سیدمحمدحسین**: در سال 1281ه.ش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در 23 سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست‌وچهار آبان سال 1360 درگذشت.
- **طفلان مسلم**: محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم‌بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن‌زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ مدت یک‌سال در زندان بودند با کمک «مشکور» زندانیان که هوادار اهل بیت بود، شبانه از زندان گریختند. به خانه زنی پناه بردند که شوهرش در سپاه ابن‌زیاد بود وقتی شوهرش حادث فهمید که آن دو را کنار رود فرات برد و بی‌رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات افکند. سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن‌زیاد برد، گویند قبر محمد و ابراهیم پسران مسلم بن‌عقیل در چهار فرسنگی کربلا در شهر مسیّب است. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- **عباس‌بن علی‌بن ابیطالب(7)**: فرزند حضرت علی(7) از ام‌البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر, عبدالله و عثمان نوبت به حماسه‌آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه‌اش از امام حسین(7) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی‌که با حضرت امام حسین(7) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن‌که قطره‌ای آب بنوشد. به‌سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به‌خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی‌هاشم» شهرت داشت. «حسین‌بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»
- **عبدالله بن جعفر**: همسر زینب کبری و داماد علی(7) و پسر جعفر طیار. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایامی که پدرش جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیار در جنگ موته، به همسری ابوبکر، سپس علی‌بن ابی‌طالب(7) درآمد. عبدالله بن جعفر، مورد عنایت خاصّ پیامبر اکرم(6) بود، به‌ویژه که پدرش سردار بزرگ شهید جبههٔ اسلام به‌شمار می‌آمد. عبدالله جعفر، از جمله کسانی بود که به سیدالشهدا نامه نوشت و از او خواست که از سفر به عراق منصرف شود. گرچه خود در کربلا حضور نداشت، اما دو پسرش عون و محمد را همراه مادرشان حضرت زینب(8) به کربلا فرستاد و این دو فرزند، در رکاب سالار شهیدان روز عاشورا به شهادت رسیدند. او از اینکه نتوانسته بود در واقعهٔ کربلا شرکت کند تأسف می‌خورد. پس از حادثهٔ عاشورا و شهادت حسین بن علی(7) وی در مدینه به سوگ نشست و مردم برای تسلیت‌گویی نزد او می‌آمدند. وی در سن 90 سالگی، در سال 80 هجری درمدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.م برخی هم درگذشت او را در شام و قبر وی را در «باب الصغیر» دمشق، کنار قبر بلال می‌دانند.

- **عبیدالله بن زیاد**: والی کوفه در زمان حادثهٔ عاشورا، که شهادت امام حسین(7) و یارانش به دستور او انجام گرفت. ابن زیاد را «ابن مرجانه» هم می‌گویند، زیرا نام مادرش کنیزی زناکار و مجوسی به‌نام «مرجانه» بود. در کوفه پس از عاشورا که اسرای اهل‌بیت را وارد دارالاماره کردند، حضرت زینب(8) در خطاب به ابن زیاد، او را «یابن مرجانه» خواند و این اشاره به نسبت ناپاک او بود و رسواگر حاکم مغرور کوفه. او از سرداران مشهور اموی بود که در سال 54 هجری از طرف معاویه به حکومت خراسان منصوب شد. در سال 56 از آنجا معزول و به حکمرانی بصره منصوب گشت. پس از مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، وقتی نهضت مسلم بن عقیل در کوفه آغاز شد، با حفظ سمت، والی کوفه نیز شد و اوضاع را تحت کنترل درآورد و مسلم بن عقیل را به شهادت رساند. پس از حرکت امام حسین(7) از مکه به‌سوی عراق، وی عمر سعد را با لشکری گسیل داشت تا با آن حضرت بجنگد یا او را به بیعت با یزید وا دارد. فرمان کشتن سیدالشهدا و یارانش و اسیر گرفتن اهل‌بیت او را به عمرسعد (که فرماندهٔ سپاه کوفه در کربلا بود) داد. در یکی از درگیری‌ها با سپاه مختار، در سال 76 هجری خودش و جمعی از همراهانش کشته شدند. وی از کسانی است که در زیارت عاشورا، مورد لعن قرار گرفته است: «لعن الله ابن مرجانه» و «والعن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه». «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی».
- **عماربن یاسر**: از قبیله ثعلبه بود، پدرش از نخستین کسانی بود که به اسلام گروید و در راه نشر دین خداوند رنج و عذاب فراوانی متحمل شدند. در مهاجرت پیامبر اکرم(6) از مکه به مدینه همراه رسول‌الله بود. در جنگ صفین و جمل همراه علی(7) بود. در سال 37 ه.ق در سن 93 سالگی در جنگ صفین به شهادت رسید. عمار به سبب زهد و تقوای بسیار در ادب فارسی نماد تعبد و پرهیزکاری است.
- **عمروعاص**: عمرابن عاص واثل سهمی قریشی، مکنی به ابوعبدالله از دُهات عرب. وی ابتدا از دشمنان سرسخت اسلام بود، سپس اسلام آورد واز جانب پیغمبر(6) به فرماندهی در چند غزوه فرستاده شد. از طرف خلیفهٔ دوم والی فلسطین و پس از فتح مصر والی مصر گشت. خلیفهٔ سوم وی را برکنار کرد. در جنگ صفین بین حضرت علی(7) و معاویه از سوی معاویه برای حکمیت معرفی شد. به‌علت تیزهوشی،

ابوموسی اشعری نمایندهٔ حضرت علی(7) را فریب داد. در سال 38 (هـ. ق) از جانب معاویه والی مصر گشت و سال 43 (هـ . ق) درگذشت. «دهخدا»

- **عملیات بدر**: نام عملیاتی است که با رمز یا فاطمه‌الزهرا(3) در تاریخ 63/12/19 در شرق رودخانه دجله (حد فاصل بین قلعه صالح- الفزنه) انجام شد. این عملیات به آزادی بسیاری از مناطق مهم و نفت‌خیز هور الهویزه و ده روستا و تصرف جاده معروف به خندق شد.
- **عملیات بستان**: عملیات طریق‌القدس (بستان)، این عملیات در تاریخ هشتم آذرماه 1360 با رمز «یا حسین فرماندهی» در منطقه عمومی غرب شهرستان سوسنگرد و منطقه عمومی بستان انجام گرفت. آزادسازی شهر بستان و تأمین نوار مرزی و دسترسی به هورالهویزه از اهداف شاخص این عملیات بود. علاوه بر آزادسازی بستان و 70 روستای منطقه و 5 پاسگاه مرزی تنگه بسیار مهم چزابه نیز آزاد شد و حدود 800 کیلومتر مربع از خاک کشور از لوث وجود دشمن پاکسازی شد. مدت عملیات چهارده روز بود. بین نیروهای دشمن در شمال غرب و جنوب غربی خوزستان (جاده فکه، جفیر) نیز قطع ارتباط شد. در این عملیات تعدادی از نیروهای اسلام هم به شهادت رسیدند.
- **عملیات بیت‌المقدس**: در دوران دفاع مقدس سلسله عملیاتی که به این نام موسوم بود 6 عملیات بود. رمز این عملیات یا علی‌بن ابیطالب(7) بود. تاریخ عملیات از 1361/2/10 الی 61/3/3 بود. محور عملیات: غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر. علاوه بر آزادسازی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمیدیه، جاده مهم و تدارکاتی اهواز- خرمشهر، کرخه خور، جاده سوسنگرد- هویزه، آزاد ساختن بخش وسیعی از مناطق جنوب میهن اسلامی در زیر آتش دشمن و تصرف و تأمین 8 پاسگاه مرزی نیز فراهم شد.
- **عملیات خیبر**: این عملیات در تاریخ 1362/12/3 ساعت 20/30 دقیقه با رمز عملیات یا رسول‌الله(6) در محور عملیاتی هورالهویزه و جزایر مجنون آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: جزایر مجنون به وسعت 160 کیلومترمربع که دارای 50 حلقه چاه نفت بود و چندین روستای منطقه نقش بسیار مفید و کارآمد

واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات شایان توجه است به‌خصوص در احداث صدها کیلومتر خاکریز، احداث جاده، احداث 1322 مورد انواع سنگرهای انفرادی و جمعی. و سکوهای متعدد تـوپ و ضـدهوایی، احـداث قرارگـاه کربلا و ترسیم اسکله‌های شماره 1 و 2 در جزایر مجنون را می‌توان یادآور شد.

- **عملیات رمضان**: این عملیات با رمز یا صاحب‌الزمان(عج) ادرکنی، در تاریخ 1361/4/23 در محور شرق بصره انجام گرفت. از جملـه منـاطق آزاد شـده پـس از ایـن عملیـات پاسگاه زید عراق و محورهـای شـمالی و شـمال غـرب ایـن پاسـگاه اسـت. در ایـن عملیات 1315 نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند، تعداد زخمی و کشته‌شدگان بیش از 7 هزار و 400 نفر بودند.
- **عملیات فتح‌المبین**: این عملیات با رمز یا زهرا(**3**) در تـاریخ دوم فـروردین 1361 بـا هدف تصرف ارتفاعات منطقه عملیاتی به‌منظور آزادسازی بخـش وسـیعی از جنـوب غربی میهن اسلامی از دست نیروهای بعثـی انجـام گرفـت. وسـعت منطقـه عملیـات حدود 2 هزار و پانصد کیلومتر مربع بود. مناطقی چون جاده دهلران، دشت عبـاس، و مناطق دشت چنانه و زمین‌های سرخه و ارتفاعات شمال غربی خوزستان آزاد شـدند. مناطقی چون شهرستان دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم شکاری دزفول، جاده سراسری اندیمشک- اهواز و صدها روستا از زیر آتش سـنگین دشـمن بعثـی خـارج شدند. به چاه‌های نفتی ابوغریب در ارتفاعات تینه دستیابی شد. در این عملیات بسیار مهم و سرنوشت ساز بیش از 25 هزار نفر از نیروهای دشمن کـشته و زخمـی شـدند. تعداد اسرای این عملیات را پانزده هزار نفر ثبت کرده‌اند.
- **عملیات کربلای 1**: این عملیات در تاریخ 55/4/10 ساعت 22/30 دقیقه با رمز عملیـاتی یا ابوالفضل العباس(**7**) ادرکنی در منطقه مهران آغاز شد. مناطق آزاد شده از اشـغال دشمن بعثی عبارتند از: شهر مهران، جاده‌های دهلران مهـران و مهـران ایـلام، چنـدین روسـتا و شـهرک نیـز در اثـر همـین عملیـات آزاد شـدند. پاسـگاه‌هـای فـرخ‌آبـاد و پاسگاه‌های تعاون و محمدقاسم و دراجی نیز در اختیار نیروهای ایـران قـرار گرفـت. ده‌ها کیلومتر جاده و خاکریز و احداث جاده‌های متعدد و بکارگیری انواع ماشین‌آلات

و سکوی تانک‌های زرهی و فعالیت گروه نیروهای امدادی و پشتیبانی را از سوی واحد رزمی جنگ جهاد سازندگی نباید در توفیق عملیات نادیده گرفت.

- **عملیات کربلای** 5: این عملیات در تاریخ 65/10/19 با رمز یا زهرا(**8**) در محور شلمچه و شرق بصره آغاز شد. از عملکرد پشتیبانی و مهندسی رزمی بسیار عظیم گسترده‌ای برخوردار بود. مناطق مهم آزاد شده در نتیجهٔ این عملیات عبارتند از: جزایر بوارین، فیاض، ام‌الطویل، ده‌ها روستا و تصرف دریاچه بوبیان و بخشی از کانال ماهیگیری 14 کیلومتر پیشروی به طرف بصره و آزادسازی 150 کیلومترمربع از مناطق اشغالی، آزادسازی پاسگاههای بوبیان شلمچه، کوت‌سوادی و خین.
- **عملیات نصر**7: این عملیات توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ 1366/5/14 در منطقه عملیاتی غرب شهرستان سردشت به منظور آزادسازی ارتفاعات «دوپازا» انجام گرفت. رمز عملیات «یا فاطمه الزهرا (**3**)» بود. مناطقی که پس از انجام عملیات نصر 7 آزاد شدند عبارت‌اند از: ارتفاعات دوپازا و بلفت، جادهٔ آسفالته سردشت- قلعه‌دیزه، پاسگاه مرزی بلفت. وسعت مناطق آزاد شده بالغ بر 30 کیلومتر مربع بود. نیروهای پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی برای انجام این عملیات بیش از 45 کیلومتر جاده عملیاتی و مواصلاتی و 215 کیلومتر خاکریز و چند دهنه پل آب‌رو و ده‌ها سنگر جمعی و انفرادی احداث کرد.
- **عملیات والفجر** 1: این عملیات در تاریخ 62/1/20 ساعت 23/10 دقیقه با رمز یاالله یاالله یا الله در منطقه عملیاتی شمال غرب فکه شروع شد. هدف عملیات انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی بخشی از اراضی نوار مرزی بود. ارتفاعات متعدد و چندین روستا در حاشیه رودخانه دویریج و پاسگاه پیچ‌انگیزه آزاد شد. در این عملیات 25 نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و هزاران نفر مجروح و زخمی و کشته شدند. فعالیت واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی و به‌کارگیری نیروها و ادوات جنگی، رزمی، پشتیبانی و امدادی در پیروزی نیروهای اسلام نقش شایان توجهی داشت.
- **عملیات والفجر** 3: این علمیات با رمز یا فاطمة الزهرا در تاریخ 1362/5/7 ساعت 23/15 دقیقه در منطقه عملیاتی مهران آغاز شد. هدف عملیات تصرف و تأمین ارتفاعات «زالوآب» 343 و نمه کلان بوی کوچک و بزرگ بود. علاوه بر مناطق مورد نظر

پاسگاه‌های ایران فرح‌آباد، رضاآباد، پاسگاه‌های عراقی زالوآب و دراجی و سد رودخانه کنجانجم و آزادسازی چندین روستای منطقه و خارج نمودن بخش وسیعی از جاده مهران، دهلران از کنترل دشمن انجام شد. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی در پیروزی این عملیات نقش مهمی داشت.

- **عملیات والفجر** 5: این عملیات در تاریخ 62/11/27 در ساعت 24 با رمز یا زهرا(**3**) در منطقه عملیاتی چنگوله (حد فاصل مهران- دهلران) انجام شد. ارتفاعات مختلفی و پاسگاه‌های متعددی در اثر این عملیات در اختیار نیروهای ایرانی قرار گرفت. واحد پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی با احداث پل، کانال و بازسازی جاده‌های منطقه در پیروزی این عملیات نقش بسیار مهمی ایفا کرد.
- **عملیات والفجر** 8: این عملیات در تاریخ 1366/11/20 در ساعت 22 در منطقه عملیاتی فاو با رمز یا زهرا(**3**) آغاز شد. مناطق آزاد شده در اثر این عملیات عبارتند از: شهر بندری فاو، اسکله‌ها و تأسیسات نفتی شمال و غرب شهر فاو، اسکه‌های قشله و رأس‌البیشه و کارخانه تصفیه نمک عراق و پاسگاه‌های نیروهای دریای دشمن در 3 سکوی پرتاب موشک سطح به دریا. در این عملیات حدود 2 هزار نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و کشته‌ها و زخمی‌ها بیش از 50 هزار نفر می‌شد. صدها کیلومتر جاده خاکی و برپایی ده‌ها اسکله و سد خاکی و پل و برپایی ده‌ها دکل دیده‌بانی از سوی واحد مهندسی رزمی جنگ جهاد سازندگی را باید یادآور شد.
- **عون بن جعفر**: از شهدای کربلاست. پسر جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار)، مادرش اسماء بنت عُمَیس بود. در حبشه متولد شد. در جنگ خیبر به حضور رسول(**6**) معرفی شد. در جنگ «موته» پیامبر فرزندان او را فراخواند، عبدالله، عون و محمد را حاضر کردند. پیامبر دربارهٔ عون فرمود: در خلقت و اخلاق شبیه من است. در دوران حکومت علی(**7**) به آن حضرت پیوست. علی(**7**) دخترش ام‌کلثوم را به همسری او درآورد. عون در زمان امام حسن مجتبی(**7**) و امام حسین(**7**) از یاران آن دو امام بود. همراه همسرش در کربلا حضور داشت. روز عاشورا به میدان رفت و در نبردی دلاورانه به شهادت رسید. هنگام شهادت 56 ساله بود. «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی»

- **غرب**: در ادبیات سیاسی جهان در سال‌هایی که جهان از نظر سیاسی به دو بلوک و قدرت غرب و شرق تقسیم شده بود، به آمریکا و کشورهای وابسته به آن از جهت سیاست‌های اقتصادی و نظامی بلوک غرب می‌گفتند. بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، ایتالیا، فرانسه، آلمان و... به قطب غرب وابسته و گرایش داشتند. در مقابل این بلوک و جناح، کشورهایی هم بودند که به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق (روسیه فعلی و کشورهای تازه استقلال یافته) وابسته بودند. مثل لهستان، مجارستان، یوگسلاوی و حتی برخی از کشورها بر سر این تقسیم به جهان دوقطبی تفکیک شدند به دو کشور. از آنجمله آلمان شرقی و آلمان غربی، کره جنوبی و کره شمالی. این کشورها در موضعگیری و روابط دیپلماتیک و نظامی و فرهنگی و اقتصادی تابع قدرت برتری بودند که بدان وابستگی و تعلق داشتند. صنایع و تجهیزات نظامی کشورهای وابسته را نیز همان قدرت برتر تأمین و پشتیبانی می‌کرد. در خاورمیانه و آسیا هم کشورها از سیاست مذکور تبعیت می‌کردند. یکی از چالش‌های اساسی و اصلی دو قدرت مذکور در واقع وابسته کردن کشورهای دیگر به خود بود، حتی برخی در همین اوان به فکر این افتادند که خود را مستقل اعلام کنند که و از آنها به کشورهای عدم تعهد یاد می‌شد. ایران و عربستان، قطر و کویت و اردن و حتی مصر هم در جناح بلوک غرب آمریکا قرار می‌گرفتند. عراق و سوریه و لیبی و یمن خود را از جهت سیاسی و نظامی به شوروی مرتبط کرده بودند. در تحولات سیاسی و کشاکش روزگار حتی برخی از این کشورها تغییر وابستگی می‌دادند مثلاً پس از فروپاشی شوروی سابق برخی از کشورها از زیر سلطه و حکم شوروی (روسیه) فعلی خارج و به آمریکا وابستگی نشان دادند. ایران از جمله استثناء کشورهایی بود که پس از پیروزی انقلاب استقلال خود را حفظ و به هیچ قدرتی از دو بلوک سابق و یا قدرت‌های فعلی جهان وابستگی ندارد.
- **غزوهٔ احد**: یکی از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام(**6**) بود که در دامنه کوه احد در 4 کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری بین مشرکان قریش و سپاه اسلام رخ داد. در این جنگ دندان رسول خدا شکست، 74 تن از مسلمانان از

جمله حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مجروح شدند. این جنگ به دلیل غفلت محافظان تنگه احد با شکست مسلمانان مواجه شد. (دهخدا)

- **غزوهٔ بدر**: به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم(6) اشاره دارد که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با 313 تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی(7) بر دوش داشت. از سوی دیگر، وقتی سپاه ابوسفیان از حرکت مسلمانان آگاه شد، با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی 950 نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند. ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی(7) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت، به‌طوری که گفته می‌شود 36 تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ 14 تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد 1، سیره ابن‌هشام، معجم‌البلدان، ج1، تاریخ طبری، ج2).
- **غزوهٔ حُنین**: حُنین محلی است بین طائف و مکه مکرمه که یکی از غزوات رسول خدا(6) بدان مکان بود. در این غزوه بزرگ جمعی کثیر از صحابه به شهادت رسیدند. در همین محل بار دیگر لشکریان اسلام با تدبیر خاص و مقاومت وصف‌ناپذیر رسول خدا توانستند شکست سختی به کفار بدهند و غنائم و اسیران فراوان گرفتند. گروهی از فرماندهان لشکر کفار به طائف گریختند. حضرت رسول(6) آنها را تا طائف تعقیب کرد. (دهخدا)
- **غزوهٔ خندق**: عزوهٔ احزاب همان غزوهٔ خندق است. این غزوه در سال پنجم از هجرت اتفاق افتاد. در آن غزوه عمرو بن عبدود به‌دست امیرالمؤمنین علی(7) کشته گشت. وقتی یهود بنی‌نصیر و ابوسفیان و مشرکین به مخالفت با حضرت رسالت(6) عهد بستند و قبایل بسیاری را با خویش همراه ساختند از مکه به‌سوی مدینه حرکت کردند. در حالی‌که ابوسفیان چهارهزار کس با هزار و پانصد نفر شتر و سیصد رأس

اسب به‌طرف مدینه حرکت کردند حصرت رسول(6) با مشورت سلمان فارسی حکم به کندن خندق کردند و با سه هزار نفر از مهاجرین و انصار در دامن کوه سلع که به مدینه متصل بود خندقی حفر کردند. علی(7) در نهایت رشادت و شجاعت عمربن عبدود را کشت و پیامبر اکرم(6) در تحسین علی(7) فرمود: «لمبارزة علی بین ابیطالب یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامة». نکتهٔ دیگر اینکه در همین غزوه بود که مردی از غطفان نام او نعیم بن مسعود بود از مهتران عرب بود، خدای او را مسلمانی اندر دل افکند به خدمت رسول‌الله(6) رفت و مسلمان شد و نیروهای مخالف و مشرکین را به ترک جنگ با رسول‌الله(6) تشویق کرد. در جریان همین غزوه نیز آیاتی نازل شد که پیامبر(6) فرمود دیگر قریش به حرب ما نیایند. (دهخدا با تلخیص)

- **غزوهٔ خیبر**: از غزوه‌های پیامبر اکرم(6) است که در سال هفتم هجری انجام گرفت. منطقه خیبر امروزه در 165 کیلومتری شمال مدینه در جاده منتهی به شام (جادهٔ تبوک) واقع و مرکز آن شهر الشریف است. در جنگ خیبر بود که از حضرت علی(7) رشادت‌های مهم صورت پذیرفت، از آنجمله است که مردی ضربه‌ای به حضرت علی(7) زد و سپر از دست آن حضرت افتاد و آن حضرت ناگزیر در پناه در قلعه خیبر، پناه گرفت و در همان حال با دشمنان می‌جنگید تا آنکه خداوند قلعه را به دست علی(7) گشود و مژده فتح قلعهٔ خیبر به پیامبر اکرم (6) رسید. نقل است دری که حضرت علی(7) گشود و لشکریان اسلام از آن وارد قلعه خیبر شدند، چهل یا هفتاد تن توانستند آن در را جابجا کنند. در واقع یهودیانی که در قلعه خیبر سنگر گرفته بودند با فتح قلعه شکست خوردند محاصر و فتح قلعه حدود یک‌ماه به طول انجامید. در این جنگ بین پانزده تا هجده تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. و از قوم یهود هم 93 نفر کشته شدند. پیامبر(6) پس از فتح خیبر به یهودیان اجازه داد در مزارع و اراضی اطراف خیبر به پرورش نخل بپردازند و طی قراردادی آنها را موظف کرد که نیمی از محصول خرما و زراعت خیبر را برای خود بردارند و نیم دیگر را به مسلمانان تحویل دهند. گفته شده تعبیر قرآنی «فتحاً قریباً»

که خداوند در سوره فتح آیه 18 به آن مژده داده، همان فتح خیبر و «مغانم کثیرة» نیز همان غنایم غزوه خیبر است. (دانشنامهٔ جهان اسلام، ج16، باتلخیص).

- **غزوهٔ صفین**: از مهم‌ترین نبردهای زمان خلافت امام علی(7) بود که در سال 37 هجری بین ایشان و معاویه‌بن ابی‌سفیان در سرزمین صفین- که در ناحیه غربی عراق بین رقه و بالس قرار دارد- رخ داد و به جنگ صفین شهرت یافت. این جنگ به سبب نقشه شوم عمروبن عاص و توسل او به قرآن بر سر نیزه کردن و ماجرای حکمیت با شکست سپاه امام علی(7) به پایان رسید. (دهخدا با تلخیص)
- **فکه**: منطقه‌ای بیابانی در شمال غربی استان خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام است که از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به ارتفاعات میشداغ و رقابیه، از شمال غرب به عین‌خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به برعازه و از غرب به استان‌العماره عراق منتهی می‌شود. فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که بخش جنوبی آن جزو استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود و بخش شمالی آن جزو استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران است. فکه یکی از محورهای اصلی تجاوز و حمله ارتش عراق به شمال خوزستان بود. لشکر 1 مکانیزه عراق از این محور به سمت شوش تهاجم کرد. اما مقاومت یک گروه رزمی از تیپ 37 زرهی شیراز و گروهی از سپاه پاسداران موجب شد دشمن به سختی و با تأخیر از فکه عبور کند. پس از عملیات فتح‌المبین که به آزادسازی غرب شوش و دزفول انجامید، منطقه فکه همچنان در اشغال دشمن باقی ماند. (خوزستان در جنگ، اطلس جغرافیای حماسی، ج1، پژمان پورجباری).
- **فهمیده، محمدحسین**: نوجوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهای اولیه برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه 1359 اتفاق افتاد به‌عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت

گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجه قم می‌باشند در زمان جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشتند که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.

- **قابیل**: فرزند آدم و حوا و برادر هابیل است. قابیل و اقلیما از حوا متولد شدند. بار دیگر که حوا باردار شد هابیل و لبودا را به‌دنیا آورد. حکم خدا این بود که هریک با دختری که از بطن دیگر متولد شده ازدواج کنند، یعنی هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا. چون قابیل این حکم را نپذیرفت و خواهان ازدواج با خواهر بطنی خود بود. خدا گفت قربانی کنند، قربانی هرکس مقبول افتاد حق با اوست. قربانی قابیل پذیرفته نشد و خشمگین شد و برادرش هابیل را به مرگ تهدید کرد. سرانجام با ضربه سنگی هابیل را کشت و او را دفن کرد. خداوند به سزای عمل زشت و گناه برادرکشی او را از درگاه لطف و مرحمت خود و از وطن و خانواده‌اش راند. (دهخدا)
- **قارون**: از افراد بنی اسرائیل (مصر باستان)، معاصر موسی پیامبر و به قولی پسر عموی وی بود. او جاه‌طلب، بخیل، حسود و بسیار ثروتمند بود. آنچنانکه چند تن زورمند زیر بار کلیدهای مخازن و دفاتر حساب اموالش زانو میزدند. هر چند او را اندرز می‌دادند که به مال دنیا مغرور نشود، و آن را در راه خیر مردم صرف کند، نمی‌پذیرفت. وی در پرداخت زکات بخل ورزید و عاقبت حیله‌ای اندیشید تا موسی را با سلاح تهمت مغلوب کند. پس با زنی تبهکار تبانی کرد تا وی در حضور قوم از موسی تظلم کند و او را به زنا متهم سازد. موسی زن را احضار کرد و او را قسم داد تا حقیقت امر را در حضور قوم بیان کند. زن گفت: آنچه قارون می‌گوید تهمت و افترا است، و من گواهی می‌دهم که قارون دروغگو است. آنگاه موسی دربارهٔ او نفرین کرد و خدا زلزله‌ای سخت پدید آورد و زمین«قارون، خانه و گنجش» را به کام خود کشید. دربارهٔ تشخیص هویت قارون با رجال تاریخی میان محققان اختلاف است. داستان قارون در سوره قصص، آیه‌های 76 تا 82 آمده است.

- **قاسطین**: لقب آن دسته از اهل صفین که در صف معاویه بودند. امیرالمؤمنین علی(7) می‌فرماید: «امرت بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین». و این لقبی است که گویند رسول خدا به آنان داده است. در یکی از روایات است که پیغمبر(7) علی(7) را فرمود: تو پس از من با قاسطین و ناکثین و مارقین جنگ خواهی کرد. (نهج‌البلاغه، شرح ابی الحدید چاپ بیروت).
- **قیام 19 دی**: قیام 19 دی‌ماه 1356 سرآغاز مرحله نوینی از انقلاب اسلامی می‌باشد که طی آن نخستین تظاهرات گسترده مردم مسلمان ایران بعد از قیام 15 خرداد 1342 علیه رژیم طاغوت در شهر قم برپا شد. این قیام به علت درج مقاله‌ای توهین‌آمیز در یکی از روزنامه‌های عصر تهران آغاز شد. روحانیون و مردم با گردهمایی در مسجد اعظم قم، آشکارا سرنگونی حکومت پهلوی را خواستار شدند و همین امر سرآغاز اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران شد و عاقبت در بهمن‌ماه 1357 به پیروزی منتهی گشت.
- **کاخ سفید**: اقامتگاه رسمی و محل کار رئیس جمهور آمریکا در واشینگتن دی.سی
- **کاخ‌های کرملین**: محل استقرار روسای جمهور کشور شوروی است. سال‌ها به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان مرسوم به جناح «کمونیستی و چپ» در سیطره بر برخی از کشورهای دنیا در همین مرکز تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. در واقع نماد قدرت شوروی در برابر آمریکا می‌بود که از طریق کاخ سفید مدیریت می‌شد.
- **کارتر، جیمی**: سی‌ونهمین رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا بود، از سال 1981- 1977 در این سمتبود. از جناح حزب دمکرات از مهمترین مسائل دوره ریاست جمهوری او، پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران و کودتای نافرجام طبس را می‌توان نام برد.
- **کاشانی، سیدابوالقاسم**: روحانی مبارز و شخصیت معروف سیاسی تاریخ معاصر ایران در گذشته پس از فرار رضاشاه از ایران مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد که در نتیجه این مبارزات توسط نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر و زندانی شد اما پس از آزادی در مقام نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت. با حمایت ایشان از دکتر مصدق و تشویق مردم در کمک به دولت صنعت نفت در سراسر کشور ملی اعلام

شد. بعد از روی کارآمدن دولت سرکوب قوام‌السلطنه آیت‌الله کاشانی مردم را دعوت به قیام کرد که این قیام موسوم به 30 تیر بار دیگر دولت مردمی مصدق را به قدرت رساند. اما پس از کودتای آمریکایی زاهدی و بازگشت شاه، آیت‌الله کاشانی نیز خانه‌نشین شد تا اینکه سرانجام بعد از عمری مبارزه با استعمار در 80 سالگی بدرود حیات گفت.

- **کمونیسم**: ایدئولوژی است که می‌کوشد براساس مالکیت مشترک روش‌ها و ابزارهای تولید و در غیاب مالکیت خصوصی یک سازمان اجتماعی ضد دولت‌گرایی فاقد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را ترسیم کند. کمونیسم را شاخه‌ای از مکتب سوسیالیسم می‌دانند. اشکال اولیه سازمان‌های اجتماعی انسانی در مکتب مارکسیسم به «کمون اولیه» مشهور است. با این وجود، کمونیسم یک نوع سازمان اجتماعی را ترسیم می‌کند. این مکتب سال‌های سال به‌عنوان ایدئولوژی روسیه، چین و بسیاری از کشورهای وابسته بدان‌ها در برابر قدرت دیگر یعنی آمریکا بر مناطقی از جهان سلطه داشته است. این مکتب ساختار اجتماعی - اقتصادی را تبلیغ می‌کرد که در آن دولت (هیئت حاکمه) براساس مکتب اشتراکی ابزار تولید را ترویج می‌کرد. پس از فروپاشی روسیه و تغییر موضع و جهت اقتصادی چین این مکتب تا حدی در جهان تضعیف شده است.
- **کودتای نوژه**: پس از پیروزی انقلاب اسلامی تنی چند از افسران ارتش شاهنشاهی به منظور بازگرداندن شاپور بختیار به قدرت و شکست انقلاب اسلامی کودتایی را طراحی کردند که به اشتباه به‌نام شهید نوژه معروف شد. نام واقعی این کودتا عملیات «نقاب» بوده است. کودتا در 18 تیر سال 1359 با دستگیری تعدادی از عوامل آن فاش شد. مرکز فرماندهی آن در پایگاه هوایی شاهرخی سابق، در شهر کبودرآهنگ از توابع همدان بود. فرماندهی کل کودتا را سپهبد سعید مهدیون (فرمانده سابق نیروی هوایی ایران) به‌عهده داشت. از جمله مراحل کودتا حمله به منزل حضرت امام خمینی و از بین بردن وی و سپس حمله به برج مراقبت فرودگاه مهرآباد بوده است. طبق روایت‌های معتبر یکی از خلبانان موضوع کودتا را با مادرش در میان می‌گذارد و مادرش به او حکم می‌کند که حتماً باید موضوع را به اطلاع مسئولین کشور برساند.

خلبان حمید نعمتی قبل از انجام کودتا به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای می‌رود و ایشان را از جریان مطلع می‌سازد. دو روز پس از اطلاع از موضوع، دو تیمسار (مهدیون و آیت‌محققی) دستگیر شدند و در بازجویی به همکاری با بختیار برای انجام کودتا اعتراف کردند. بلافاصله به‌دستور شورای انقلاب اسلامی ایران مرزهای کشور برای جلوگیری از فرار کودتاگران بسته شد. پس از دستگیری سایر عوامل موثر در کودتا آنان را دادگاه انقلاب محاکمه و احکام صادره در مورد مجرمان به اجرا درآمد.

- **کومله**: در سال 1357 گروه کومله از ادغام سه گروه چیگرای کرد تشکیل شد به‌نام‌های گروه زحمتکشان کردستان ایران، گروه چاوه و گروه اتحادیه کشاورزان و بعدها با اسامی حزب کمونیست ایران، اتحاد سوسیالیستی کارگری و حزب اتحاد کمونیست کارگری و با تعدد انشعاب فعالیت می‌کردند. در ابتدا پیرو اندیشه و مشی سیاسی مائوسیسم بودند. این گروه از آغاز در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران موضع مخالف داشت. حتی زمانی که به‌نام «سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» فعالیت می‌کرد به‌ظاهر از خلق کرد دفاع می‌کرد اما به‌علت وابستگی به قدرت‌ها و کشورهای کمونیست بیگانه از منطقهٔ کردستان ایران سلب آرامش و آسایش می‌کرد. در برابر فعالیت‌های سازندگی نیروهای انقلاب در منطقه موضع مخالف داشتند. در تمامی آشوب‌های منطقه دست داشتند. به بهانهٔ استقلال کردستان بسیاری از نیروهای انقلابی پاسدار را به شهادت رساندند. به جنگ مسلحانه در برابر ارگان‌های انتظامی و نظامی پرداختند از جمله گروه‌هایی بود که نظام جمهوری اسلامی آنان را غیرقانونی اعلام کرد.
- **لباس سیاه**: از احادیثی که در کراهت سیاه وارد شده و شیخ حر عاملی در رسائل الشیعه نقل کرده است یکی این حدیث است: «قال امیرالمومنین(**7**) فیما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون» (ج4، ص382) ترجمه: «امیرالمومنین در تعلیم یارانش گفت: سیاه نپوشید که رنگ لباس فرعون است. اما بعضی دیگر از احادیث پوشیدن رنگ سیاه در کفش و عمامه و کساء را روا دانسته‌اند.
- **لشکر 31 عاشورا**: لشکر عاشورا از جمله یگان‌های رزمی مقتدر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد. طی جنگ تحمیلی زبان‌زد همگان بود. همین امر و نیز

اهمیت موقعیت حساس و استراتژیک شمال غرب ایران، به‌ویژه آذربایجان موضوعی بود که فرماندهان مسئول سپاه به این لشکر توجه ویژه‌ای کنند و نقش‌های حساس و کلیدی به آن واگذار نمایند. لشکر 31 عاشورا با فرماندهی سرلشکر مهدی باکری نقش خارق‌العاده‌ای در دفاع مقدس و نیز امنیت منطقه شمال غرب کشور داشت. لشکر عاشورا در دوران دفاع مقدس اردوگاهی مستقل در اطراف دزفول داشت که در آن اردوگاه نیروهای تحت امر این لشکر، آموزش‌های مختلف رزمی و آموزش‌های آبی- خاکی متناسب با وضعیت منطقه پدافندی، غواصی، بلم‌سواری، تیراندازی روی قایق را فرا می‌گرفتند. این لشکر دارای واحدهای پشتیبانی مانند بهداری، تعاون، مهندسی بود. استعداد این لشکر دارای 3500 نفر پاسدار رسمی و نیروهای وظیفه بسیجی بود. لشکر عاشورا در عملیات متعدد در منطقه عملیاتی جنوب کشور ایفای نقش می‌کرد. شهیدان بسیاری تقدیم اسلام کرد. علاوه بر این یگان‌هایی از این لشکر در آذربایجان‌های غربی و استان اردبیل مستقر بودند که علاوه بر حضور مستمر در جبهه‌های جنگ، مأموریت امنیت منطقه شمال غرب کشور را نیز برعهده داشتند.

- **لیبرالیسم**: به جریان و تفکری مرتبط با دولت، اطلاق می‌شود که آزادی شخصی را مهم‌ترین هدف سیاسی می‌دانند. لیبرالیسم مدرن در عصر روشنفکری ریشه دارد. به‌صورت کلی، لیبرالیسم به ظاهر بر حقوق افراد و برابری فرصت تأکید دارد. شاخه‌های مختلف لیبرالیسم ممکن است سیاست‌های متفاوتی را پیشنهاد کنند. لیبرال‌ها در نظام جمهوری اسلامی با وجودی که به قدرت رسیدند در ادامه نسبت به برخی مواضع و فتاوای امام موضع‌گیری کردند. از جهت مشی سیاسی چندان پایبندی به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ندارند.
- **مُحمّد بن مُحمّد بن نَعمان**: ملقب به **شیخ مُفید** و معروف به ابن المعلّم، فقیه و متکلم و از علمای برجسته شیعه سده 5 هجری قمری بود. در ذیقعده سال 336 (قمری) در نزدیکی بغداد متولد شد. وی استاد شیخ طوسی و سید مرتضی علم الهدی بود. او فقیه و کلامی شیعی که بیشتر در علم کلام تبحر داشت و مکتب کلامی شیعه در عصر او به اوج کمال رسید. او در مناظرات دینی مهارت خاصی داشت و مناظراتش با قاضی عبدالجبار رئیس فرقه معتزله بغداد و قاضی ابوبکر باقلانی رئیس اشاعره

معروف بود. از متکلمان امامیه است. درعصر خویش ریاست و مرجعیت شیعه به او منتهی گردید. در فقه و کلام بر هر کس دیگر مقدم بود. حافظه خوب و ذهن دقیق داشت و در پاسخ به سؤالات حاضر جواب بود. او بیش از 200 جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد. گفته‌اند لقب «مفید» را علی بن عیسی معتزلی در عهد جوانی، در نتیجه مباحثه با وی به او داد. شیخ مفید در شب جمعه 3 رمضان 413 در بغداد، در سن 75 سالگی درگذشت. هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشییع کردند و سید مرتضی علم الهدی بر او نمازگزارد و در پائین پای جواد استادش ابن قولویه مدفون گردید. برخی از آثار او عبارت‌اند از: ایضاح، الامالی، وجوه اعجاز القرآن، البیان فی تألیف القرآن، الارشاد العیون، الفوائض و...

- **مدرس، سیدحسن**: روحانی مبارز و عالمی آزادی‌خواه بود که در پی مبارزات خود علیه ظلم حکومت داخلی و دخالت‌های بیگانگان در زمان کودتای 1299 رضاخان دستگیر و زندانی شد. وی پس از سقوط کابینه سیدضیاء از زندان آزاد و به‌عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یافت. سرانجام در پی تشدید مخالفت‌های خود علیه حکومت رضا شاه به خواف تبعید و سپس به کاشمر منتقل شد و همان جا به دست عوامل دولتی به شهادت رسید. مدرس از جمله حرفه‌ای‌ترین پارلمانتاریست‌های ایرانی بود که با وجود اقلیت همیشگی، با سخنان خود اکثریت را به سمت خود می‌کشید. شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ماست» از شهید مدرس است.
- **مدنی، سیداسدالله**: در سال 1293 هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزهٔ علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نمایندهٔ مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور 1360 پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.

- **مردم کوفه**: از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.
- **مسجد الاقصی**: در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود(7) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال 585 میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجدالاقصی در قرآن مجید آیه اول از سورهٔ اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام(6) آمده است: «سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال 1969 میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.
- **مسلم‌بن عَوسَجَه اسدی**: اولین شهید عاشورا که در حملهٔ نخست به شهادت رسید از طایفه بنی‌اسد و از چهره‌های درخشان کوفه و هواداران اهل‌بیت بود. از اصحاب پیامبر(6) و مسلمانان با سابقه به‌شمار می‌رفت. فردی پارسا، شجاع و سوارکاری نامی بود. در همهٔ جنگ‌های امیرالمؤمنین(7) بیعت می‌گرفت. در کربلا پس از آنکه امام حسین(7) از یاران خواست تا با استفاده از تاریکی شب از صحنه خارج شوند مسلم برخاست و سوگند خورد اگر هفتاد بار کشته شوم سوزانده شوم و خاکسترم بر باد رود هرگز تو را رها نخواهم کرد. سپاه دشمن چون یارای تن‌به‌تن جنگیدن با او را نداشت او را در سنگ باران کردند. در لحظه‌های آخر که حبیب‌بن مظاهر بالای سر او رفت او را توصیه کرد که مبادا حسین(7) را تنها گذارد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی).

- **مشکینی (فیض)، علی‌اکبر**: آیت‌الله علی‌اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 در روستایی از توابع بلوک مشکین و در خانواده‌ای متدین و اهل علم دیده به جهان گشود. پدر وی نیز روحانی و اهل علم و تقوی بود. ایشان پس از کسب مقدمات علوم دینی در نجف به ایران بازگشت و پس از رحلت پدر به اردبیل مهاجرت کرد و در آنجا ادامه تحصیل داد. ایشان از نخستین افرادی بود که در نهضت سخنرانی از قیام روشنگرانه امام دفاع کرده و به همراه 27 نفر از اساتید حوزه به نقاط مختلفی مثل کاشمر، ماهان کرمان و گلپایگان تبعید شد. ایفای نقش ایشان در جریانات مختلف بعد از انقلاب در مسئولیت‌هایی چون عضویت در خبرگان، تدوین قانون اساسی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی مشهود است. در کارنامه علمی و فرهنگی ایشان تأسیس مؤسسه الهادی و تألیف، تصحیح و ترجمه ده‌ها جلد کتاب و مقاله را می‌توان مشاهده کرد.
- **مصدق، محمد**: دکتر محمد مصدق در اردیبهشت 1258 به‌دنیا آمد. در مدرسهٔ سیاسی تازه تأسیس به تحصیل پرداخت. در دوره اول به نمایندگی اصفهان وارد مجلس شورای ملی شد. از مدرسهٔ علوم سیاسی پاریس و از دانشگاه نوشاتل درجهٔ دکترای حقوق و جواز وکالت گرفت. در کابینهٔ مشیرالدوله به‌عنوان وزیر دادگستری معرفی شد. مدتی از سوی مردم فارس، والی (استاندارد) ایالت فارس شد. در کابینهٔ قوام‌السلطنه به وزارت دارایی منصوب شد. مدتی والی آذربایجان شد. با وجودی که در کابینهٔ سردار سپه به وی پست نخست‌وزیری پیشنهاد شد نپذیرفت و رحل اقامت در احمدآباد مستوفی افکند. مدتی به بیرجند تبعید شد اما به‌علت بیماری مجدداً او را به احمدآباد برگرداندند. در جریان سی تیر دولت قوام برکنار شد و دکتر مصدق با تصدی وزارت جنگ نخست‌وزیر شد و در 25 آذر تلفن را ملی اعلام کرد و پس از کودتای 25 مرداد 1332 که منجر به فرار شاه از ایران شد. در کارنامهٔ دکتر محمد مصدق ملی اعلام کردن صنعت نفت قابل توجه است. پس از 28 ماه زمامداری و کودتای دیگر شاه به ایران برگشت و مصدق برکنار و محاکمه شد، سرانجام در 14 اسفند سال 1345 چشم از جهان فروبست. «دهخدا»

- **مطهری، مرتضی**: (1298- 1358ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزهٔ علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال 1331 بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال 1342 بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیتهای فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پا ننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در 11 اردیبهشت 1358 به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.
- **معاویه**: معاویة بن ابی‌سفیان زمامداری خودکامه و طاغوتی جبار بود پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بود از زمان عثمان والی شام گشت و با علی(7) جنگید. و همواره علیه او توطئه می‌کرد. معاویه به هیچ یک از تعهدات صلح‌نامه‌ای که به امام حسن(7) تحمیل کرد وفا نکرد. از جمله بدعت‌های معاویه بیعت اجباری از مردم گرفتن برای ولایت عهدی فرزند شرابخوار و نالایقش یزید بود. قوی‌ترین گروه مخالفان بیعت با یزید حسین‌بن علی(7) که هرگز در برابر آن پدر و پسر سکوت نکرد. امام حسین(7) دربارهٔ بنی‌امیه فرمود: «انا وهم الحضمان الذّان اختصمانی ربهم» «ما و آنان در خصمی هستیم که نزاعمان برسر مسئله خداست». معاویه در تحکیم سلطه بنی‌امیه بر مسلمانان و روی کار آمدن یزید و جنایتهای بعدی سهم عمده داشت.
- **مفتح، محمد**: در سال 1307 (هـ. ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر 1357 بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را

مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در 27 آذرماه 1358 به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه(**3**) به خاک سپرده شد.

- **من طَلَبَنی وجَدَنی وَ مَن وَجَدَنی عَرَفَنی وَ مَن عَرَفَنی اَحَبَّنی و من اَحَبَّنی عَشَقَنی وَ مَن عَشَقَنی عَشَقْتَهُ وَ مَن عَشَقْتَهُ قَتَلْتَهُ وَ مَن قَتَلْتَهُ فَعَلَیَّ دیتُهُ وَ مَن دیتُه فانا دیته**: در هیچ‌کدام از کتب روایی حدیث یا عبارتی دقیقاً مثل این عبارت که به‌خصوص در سال‌های دفاع مقدس به «حدیث قدسی» مشهور بود یافت نشد. در وسائل‌الشیعه حدیثی شبیه به این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی احیتة و من سألنی اعطیته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیة و من عرفنی خیرته و من احبّنی ابتلیته و من احبتُه قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علیّ دیته فأنا دیته» (ج 18، ص 419).
- **مظاهری، حسین**: آقای حاج‌شیخ حسین مظاهری، در سال 1312 هجری شمسی در «تیران»، یکی از شهرستان‌های استان اصفهان و در خانواده‌ای مذهبی و روحانی پا به عرصهٔ وجود نهادند. آیت‌الله مظاهری، با پایان دادن به تحصیلات غیر حوزوی، در سال 1326 هجری شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزهٔ علمیه اصفهان شدند. در سال 1330 هجری شمسی، به منظور تکمیل تحصیلات خود و بهره‌مندی از محضر استادان حوزهٔ علمیهٔ قم، به این حوزه سترگ پای نهادند. هشت سال در دروس خارج فقه حضرت آیت‌الله بروجردی و ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضرت امام خمینی«قدس‌سرّه» شرکت کردند. همچنین اسفار ملاصدرا، شفای بوعلی سینا و دروس تفسیری و اعتقادی را نزد علامهٔ طباطبایی فرا گرفتند. آیت‌الله مظاهری سالیان بسیاری در حوزه‌های علمیه علاوه بر دروس اخلاق به تدریس دروس مختلف فقهی، اصولی، فلسفی و... پرداخته‌اند. درس‌های اخلاق ایشان در دوران جنگ مورد توجه رزمندگان قرار گرفت.

- **منافقین**: در سال 1344 با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد 1360 علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.
- **منتظری، حسین‌علی**: در سال 1364 از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در 1368 به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقهٔ رزمندگان و مردم بودند.
- **موسوی، میرحسین**: در سال 1360 با رأی مجلس شورای اسلامی به نخست‌وزیری جمهوری اسلامی انتخاب شد و تا سال 1368 در این سمت بود. در مدتی که وی نخست‌وزیری را به‌عهده داشت مورد احترام و علاقه رزمندگان اسلام و مردم بود.
- **موسوی‌اردبیلی، سیدعبدالکریم**: در 8 بهمن 1304 در شهر اردبیل به دنیا آمده است. پدرش میرعبدالرحیم، روحانی بود و مادرش را در کودکی از دست داد. وی تحصیلات خود را در دوران کودکی و در مکتب‌خانه آغاز کرد و در سال 1319 وارد مدرسهٔ علمیهٔ ملاابراهیم در شهر اردبیل شد. از مراجع تقلید ایرانی شیعه است. او از 1360 تا 1368 رئیس شورای عالی قضایی و عالی‌ترین مقام قضایی ایران بود. او اکنون ریاست دانشگاه مفید را برعهده دارد. موسوی اردبیلی پیش از انقلاب ایران (1357) به اداره و سرپرستی روحانیت اردبیل، عضویت هیئت مدیرهٔ مجلهٔ «مکتب اسلام»، تدریس و تألیف مشغول بود. از مشاغل و مسئولیت‌های او پس از انقلاب اسلامی می‌توان به عضویت در شورای انقلاب، عضویت در مجلس خبرگان قانون

اساسی، ریاست دیوان عالی کشور و عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی و مسئولیت اجرای فرمان شش‌ماده‌ای حضرت امام خمینی(;) اشاره کرد. در سال 1322 برای خواندن درس حوزوی در مراتب بالاتر وارد شهر قم شد و حدوداً سه سال در این شهر اقامت گزید. وی در قم شاگرد کسانی چون سید محمدرضا گلپایگانی، سید احمد خوانساری بود. حدوداً دو سال در نجف اقامت داشت. در زمان جنگ شش روزه اعراب و اسراییل بود که در آن زمان حکومت ایران از اسراییل حمایت و بر ضد اعراب خبر منتشر می‌کرد، که موسوی اردبیلی در منبرهای خود به حمایت از اعراب سخنرانی کرد و باعث شد که حکومت پهلوی تصمیم به دستگیری وی بگیرد. در اوایل انقلاب وی رئیس دستگاه قضایی کشور بود و وظیفه تدوین قوانین کیفری، جزائی و حقوقی دادگستری و انطباق آنها با موازین شرع و فقه اسلامی را داشت. وی در سال 1368 قم رفت و هم اکنون در شهر قم اقامت دارد. یکی از اقدامات وی در مراجعت به قم تاسیس دانشگاه مفید است.

- **میثم ابن یحیی از موالی**: بنی اسد از اجلّهٔ اصحاب حضرت علی(7) بود. وی بردهٔ زنی از بنی‌اسد بود و حضرت علی(7) او را خرید و آزاد کرد و میثم نزد علی(7) باقی ماند سپس در کوفه سکونت گزید و به‌سبب علاقه و ارتباطی که با حضرت علی(7) داشت عبیدالله بن زیاد امیر کوفه او را زندانی ساخت و سپس بر چوبی به صلیب کشید و او در آن حال شروع به بیان فضایل بنی‌هاشم کرد و چون خبر آنرا به ابن زیاد دادند بدو گفتند که این برده شما را مفتضح ساخت، امر کرد که او لجام نهادند و این نخستین‌بار بود که در تاریخ اسلام کسی را لجام می‌زدند و سپس با نیزه او را بقتل رساندند و آن در سال 60 هـ.ق. و ده روز پیش از ورود امام حسین(7) به عراق بوده است. (از الاعلام زرکلی، ج8، ص294). ابوسالم میثم از ایرانی‌های کوفه و از اجلهٔ اصحاب حضرت امیرالمومنین علی(7) بوده و او را عبیداله زیاد ده روز قبل از آنکه حضرت امام حسین به عراق وارد شود در کوفه به قتل رساند. «دهخدا»
- **میثم تمار**: از صحابه خاص حضرت امام علی(7) بود. میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین «نهروان»- منطقه‌ای میان عراق و ایران- بود. بعضی او را ایرانی و از مردمان

فارس دانسته‌اند. به او «ابوسالم» هم می‌گفتند. لقب «تمار» (خرمافروش) را هم از آن جهت به او می‌گفتند، که در کوفه خرمافروش بود. ابتدا غلام زنی از طایفه «بنی‌اسد» بود. حضرت علی(7) او را از آن زن خرید و آزاد کرد که بعد از آن از یاران و صحابه آن حضرت شد. هم‌چنین وی از اصحاب پیامبر اکرم(6) به‌شمار آمده است، هرچند از جزئیات زندگی او در سال‌های نخستین حیاتش و در روزگار صدر اسلام، اطلاع مبسوطی در دست نیست. آشنایی میثم با علی(7) برای او توفیقی بزرگ بود. ازاین‌رو به شاگردی در مکتب علی(7) مشغول شد. علی(7) هم با مشاهده استعداد روحی و زمینه مناسب وی دانش و آگاهی‌های بسیاری را به او آموخت. میثم، علم تفسیر قرآن را نزد مولای خود علی(7) فرا گرفت. و از معارفی که از او آموخته بود کتابی تدوین کرد که کتابش را پسرش از او روایت کرد. به همین جهت، میثم یکی از مؤلفان شیعه به‌حساب می‌آید. نقل است که علی(7) چگونگی کشته شدن میثم را پیشگویی و به وی گفت: «تو را بعد از من دستگیر می‌کنند و به دار خواهند زد. در روز سوم از بینی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت». میثم در آخر سال 60 هجری، ده روز قبل از ورود امام حسین(7) به عراق، توسط عبیدالله‌بن زیاد دستگیر شد و به همان نحوی که امام علی(7) خبر داده بود به دار آویخته شد و کشته شد.

- **میرزا کوچک جنگلی**: از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل. نامش یونس معروف به میرزا کوچک‌خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت در سال 1298 ه.ق دیده به جهان گشود. مقدمات علوم دینی را در مدرسه صالح‌آباد رشت و مدرسه محمودیه شمیران فرا گرفت. پس از فراز و نشیب‌های بسیار تصمیم به تأسیس نهضت جنگل گرفت. با دکتر شمس‌الاطباء و میرزا کریم‌خان و سردار محیی‌الدین و سایر مجاهدین گیلان برای اخراج بیگانگان از ایران به مبارزه پرداخت. فردی معتقد به احکام شریعت بود. مدتی طلبه علوم دینی بود، اما از مقدمات فراتر نرفت. سرانجام در سال (1300 ش) با مرگ مشکوک او نهضت جنگل هم خاتمه یافت. «دهخدا با تلخیص»
- **میرلوحی، سیدمجتبی (نواب صفوی)**: مشهور به نواب صفوی از رهبران اصلی سازمان فدائیان اسلام همراه سه تن از همرزمانش شهید شد. بدین‌ترتیب رژیم طاغوت

مبارزی متعهد و انقلابی را که فقط بر مبنای اسلام‌خواهی سخن گفته بود بـه شـهادت رساند. شهید نواب صفوی در سال 1305 هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی متولد شد و تحصیلات متداول را در کنار تحصیلات حوزوی ادامه داد. وی بنیانگذار اولـین سازمان انقلابی - مکتبی است که راه‌گشای مبـارزات مـسلحانه اسـلامی بـود. فـداییان اسلام مبارزه با شاه و عوامل او را در داخل و نیز مبارزه با استعمارگران و قدرت‌هـای خارجی و روشنفکرنماهای وابسته به غرب را سرلوحه اهداف خود قرار داده بودند!

- **ناکثین**: لقبی است که امیرالمؤمنین علی(7) به اهل واقعهٔ جمل می‌دهد. کـسانی کـه در مدینه با علی‌ابن ابیطالب(7) بیعت کردند و در بصره عهـد خـود را شکـستند و بـه جنگ با وی برخاستند.
- **نوری، فضل‌الله**: (حاجی‌شیخ) بن ملا عباس نوری مازندرانی معـروف بـه شـیخ نـوری از فقهای امامیه و از مراجع تقلید اوایل قرن چهاردهم است. پس از تحصیل علـوم دینـی مقیم تهران گشت و در وقایع مشروطیت از اندیشه مشروطه مشروعه دفاع کـرد و بـه همین جرم از سوی طرفداران مشروطه به شهادت رسید.
- **نهضت آزادی**: حزبی سیاسی بود که در سال 1340 با جدایی از جبهه ملی ایران و تأکیـد بر هویت ایرانی - اسلامی تأسیس شد. اولین دبیرکل آن آقای مهدی بازرگان بـود. کـه تا هنگام مرگ در این سمت قرار داشت. بعدها به‌علت خروج از مسیر کلـی و جهـت حرکتی جمهوری اسلامی و اخذ مواضع مخالف از سوی نظـام فعالیتـشان غیرقـانونی اعلام شد.
- **واجب کفایی**: آن است که با فعل بعضی از مکلفان منظور حاصل شود، هرکه باشد فـرق نمی‌کند (عدهٔ مکلفان معین نیست) مانند جهاد. در هر صورت اگر افرادی در زمینـه‌ای که حکم واجب کفایی بدان تعلق می‌گیرد انجام وظیفه نمایند، تکلیـف از عهـده بقیـه ساقط می‌گردد. (لغت‌نامهٔ دهخدا).
- **واقعه طبس**: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در 13 آبان‌ماه 1358 سفارت آمریکا را که در واقع محل و مرکـز توطئـه و جاسـوس بـود اشـغال کردنـد. آمریکـا بـرای آزادی جوساس‌ها برنامه‌ریزی‌ای را درنظر گرفت. از جملـه «دلتـافورس» و عملیـات «ایگـل کل» به نیمه عقاب را می‌توان نام برد. عملیـات را بـا 132 نفـر نیـرو در 1359/2/5 رد

صحرای طبس شروع کردند. با همکاری بنی‌صدر و تعطیلی حوزه‌های راهداری هوایی ایران نیروهای آمریکایی ابتدا با 6 دستگاه هلی‌کوپتر را در طبس فرود آمدند. از آنجا که خداوند همواره انقلاب اسلامی را مورد لطف قرار داده است یکی از هلی‌کوپترها در حین برخاستن به هواپیمای سی- 130 مستقر در محل برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد. جیمی‌کارتر رئیس جمهوری وقت آمریکا عملیات را مستقیماً تحت نظر داشت. شهید محمد منتظرقائم فرماندهٔ خبیر و شجاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیرو خود را به محل فرود نیروهای آمریکا می‌رساند تا از مدارک و اسناد موجود و همراه آمریکایی‌ها استفاده کند. پس از انفجار و آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپترها ازسوی کاخ سفید اعلامیه توقف و عملاً شکست عملیات و کودتای طبس اعلام شد. بنی‌صدر که در موضع فرماندهی کل‌قوا بود دستور داد تا هلی‌کوپترهای به‌جای مانده آمریکایی‌ها را بمباران کنند. بسیاری از اسناد محرمانه در این خیانت آشکار بنی‌صدر در آتش سوخت و محمد منتظرقائم که از هلی‌کوپترها پس از فرار آمریکایی‌ها حفاظت می‌کرد به شهادت رسید. متأسفانه از قبل بنی‌صدر جریانی ناسالم را در نیروی هوایی به‌خصوص نیروهای بازمانده از رژیم شاه سازماندهی کرده بود. علاوه بر ازبین رفتن اسناد مهم و شهادت محمد منتظرقائم پنج فروند هلی‌کوپتر مدرن و پیشرفته نیز می‌توانست غنیمتی ارزشمند و تاریخی برای ایران باشد. شکست کودتا سند مبرهنی بر دخالت و رسوایی آمریکا در ایران و در برابر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

- **وراثت زمین**: تعبیر وراثت ارض در آیه‌های متعددی در قرآن به‌کار رفته است با دو نگاه ویژه: الف) وراثت زمین به آنان‌که هدایت شده‌اند. ب) بازپس‌گرفتن زمین از آنان که از پیشینیان آن را به ارث برده‌اند. در آیه 74 سورهٔ زمر چنین آمده است: «وقالوا الحمدلله الذی صَدَقَنا وَعدَهُ و اورثنا الارض...» ترجمه: «و گویند سپاس و ستایش خدای راست که وعده خویش را به ما راست داشت و زمین (بهشت) را به ما میراث داد.
- **هابیل**: فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی

نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سراندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)

- **هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر**: از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.
- **هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم**: در سال 1313 در بهشهر متولد گردید. از سن 14 سالگی در محضر آیت‌الله کوهستانی، سپس در قم نزد آیات عظام بروجردی و امام خمینی(ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از همان اوایل انقلاب در سال 1341 مبارزات خویش را علیه رژیم ستمشاهی آغاز نمود و با خطبه‌ها و سخنرانی‌های پرشور و انقلابی در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی تمامی توان خود را به کار برد. کتاب مشهور وی «مناظره دکتر وپیر» یکی از کتب ممنوعه در زمان طاغوت به شمار می‌رفت. او پس از پیروزی انقلاب انقلاب اسلامی به عنوان نماینده خبرگان مشهد مقدس در مجلس قانونگذاری انتخاب و مسئولیت دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را عهده‌دار شد. از دیگر آثار این عالم مجاهد می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: هستی‌بخش، مشکلات مذهبی روز، مسائل عصر ما، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت.
- **هشت شهریور**: در 8 شهریور 1360 دفتر نخست‌وزیری بر اثر انفجار بمب که توسط منافقان کار گذاشته شده بود، دو هم‌رزم دیرینه، شهید محمدعلی رجایی به‌عنوان

رئیس جمهوری اسلامی و دکتر محمدجواد باهنر به‌عنوان نخست‌وزیر در این حادثه دلخراش به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

- **هفت تیر (سرچشمه)**: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر 1360 به‌وسیلهٔ بمب منفجر گردید و بیش از 72 تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی - که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت - به درجهٔ رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هل من ناصر ینصرنی**: عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین(7)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص 506) ترجمه: آیا دلرحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول(6) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول(3)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول(6) دفاع کند؟
- **هویزه**: شهر هویزه جنوبی‌ترین شهر دشت آزادگان و مرکز بخش هویزه یا هوزگان است و در 10 کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. هویزه کلمه‌ای عربی است و از «هیازت» به‌معنی آباد کردن مشتق شده است. این شهر و حومه آن در دورهٔ خلفای اسلامی، آباد و سرسبز بود و کوشک هویزه و کوشک بصره دو قلعه محکم و دژ دفاعی این سرزمین به شمار می‌آمد. بخش هویزه با رودخانه کرخه نور آبیاری می‌شود و آب و هوای آن گرم و خشک است. نژاد مردم هویزه آریایی و سامی است و به زبان فارسی و عربی سخن می‌گویند و اغلب شیعه دوازده امامی هستند. باتوجه به مقاومت دلاورانه شهید حسین علم‌الهدی و یارانش که در پاسداری از کیان و خاک میهن اسلامی به شهادت رسیدند، شهر هویزه که در تاریخ 1359/10/27 در حمله سراسری عراق به اشغال دشمن بعثی درآمده بود در عملیات بیت‌المقدس در تاریخ

1361/2/19 آزاد شد. (خوزستان در جنگ، اطلس جغرافیای حماسی، ج1، پژمان پورجباری).

- **هیهات من الذله**: از روایت‌ها مشهور و شعار حضرت امام حسین(7) است که در مقابل دشمنان خویش بیان شده است. (نفس‌المهموم، ص131، متقل خوارزمی، ج2، ص7، بحارالانوار، ج45، ص83). مفهوم این عبارت برای شاعران مایه سرایش اشعار حماسی بلندی شده است. ترجمه «از من دور است که به ذلت تن بدهم». البته این تعبیر جزیی از سخنان گهربار آن حضرت است که در روز عاشورا فرمود: «الا و ان الدعی من الدعی قد رکزنی بین السلهٔ و الذله و هیهات له ذلک من، هیهات منا الذله...» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص505).
- **یاسر**: پسر عامر از نخستین شهیدان تاریخ اسلام، پدرِ عمار یاسر و همسر سمیه بود. یاسر از اعراب عنسی مذحجی قحطانی یمن بود که همراه دو برادرش «حارث» و «مالک» از یمن به مکه راه افتاد تا برادر چهارمش را که بر اثر قحطی و خشکسالی و فساد اوضاع حکومت یمن، آواره شده بود، پیدا کند. پس از آنکه سه برادر از پیدا کردن برادر گمشده خود ناامید شدند، مالک و حارث بازگشتند، ولی یاسر در مکه ماند و با رئیس قبیله بنی‌مخزوم- ابی‌حذیفة بن مغیره- هم‌پیمان شد. ابوحذیفه، سمیه دختر خباط را، که بزرگوارترین و پاکدامن‌ترین کنیز وی بود، به ازدواج یاسر درآورد و پس از آن سمیه را نیز آزاد کرد و بنا گذاشت که فرزندان این زن و شوهر نیز جزء آزادگان (احرار) شناخته شوند. از این ازدواج، پسری به‌نام «عمار» زاده شد، که بعدها به یکی از یاران نزدیک پیامبر(6) تبدیل شد و در راه اسلام کشته شد. هنگامی‌که حضرت محمد(6) به پیامبری برگزیده شد و آیین اسلام را به‌طور ناآشکارا وارد مکه نمود، یاسر و سمیه و فرزندشان عمار که در آن هنگام، جوانی رشید و قوی بود، جزء نخستین نفراتی بودند که به دین اسلام گرویدند و تمام خطرات احتمالی را با جان و دل پذیرا شدند. با اسلام آوردن این خانواده و پذیرش آیین توحید و یکتاپرستی و نفی و طرد کفر و شرک، آزار و اذیت‌ها و شکنجه‌های کفار قریش نسبت به آنها آغاز شد و روزبه‌روز فزونی می‌یافت و شدت می‌گرفت. هنگامی که یاسر و همسرش سمیه به پیشنهاد پسرشان عمار اسلام آوردند، مغیره، ابوحذیفه،

حکم پسر هشام، و ابوجهل او و همسرش را به شکنجه گرفتند. مشرکان این سه نفر را در گرمترین مواقع مجبور می‌کردند که خانه خود را ترک بگویند، و در زیر آفتاب گرم و باد سوزان بیابان به‌سر ببرند. ابوجهل می‌گفت: یکی از این سه امر موجب رهایی و آسایش شما خواهد بود: 1. ناسزاگویی (سب و شتم) به حضرت محمد(6)؛ 2. بیزاری (تبری) جستن از او؛ 3. بازگشت به لات و عزی. ولی از زبان آنها سخنی جز «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و بد گفتن به لات و عزی و یاد کردن نام حضرت محمد(6) با کمال احترام چیزی شنیده نمی‌شد. حضرت رسول(6) برای همدردی و جویا شدن از حال آنها به نزدشان می‌آمد و با رأفت و مهربانی می‌گفت: «ای افراد خاندان یاسر شکیبا باشید! موعد شما بهشت است».

- **یحیی، ابوزکریا**: از امرای دولت موحدین است. مدتی والی‌گری آفریقا را دشات. در همانجا به فکر استقلال افتاد. به شکایات مردم و محاکمات می‌پرداخت، با لباس مبدل شب‌ها به گردش و کنجکاوی احوال مردم می‌رفت وارزاق میان مردم محتاج و نیازمند توزیع می‌کرد. به سرپرستی علما و دانشمندان و حمایت از ارباب علم و هنر می‌پرداخت. مدتی در آفریقا فرمانروایی نمود. در سال 647 هجری درگذشت. «دهخدا»
- **یعقوب**: یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم نام پسر اسحاق پیغمبر و او را اسرائیل نیز گویند با عیصو از یک شکم زاییده شدند. نام پیغمبری که پدر یوسف بود. یعقوب دارای دوازده فرزند بود، یعقوب یوسف را که از سایر فرزندان نیکوکارتر بود به جانشینی خود برگزید و همین امر موجب حسادت سایر فرزندان شد. داستان تعامل برادران یوسف با او در قرآن آمده است. یعقوب در 2206 پیش از میلاد مسیح بدنیا آمده است. در فراق فرزندش یوسف سالها گریست تا نابینا شد. وقتی یوسف به عزیزی مصر برگزیده شد پدر را از کنعان به نزد خویش فرا خواند و در آنجا چشمان یعقوب روشن گشت. نوشته‌اند که یعقوب 147 سالگی روح پاک را تسلیم کرد و جسد مبارکش را در حنوط نمودند و در مصر به‌خاک سپردند. (دهخدا).
- **یکتایی، آیت‌الله هبت‌الله**: در سال 1302 هجری شمسی در روستای کرین از توابع شهرستان خلخال در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشود. والد بزرگوار وی

آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالخالق یکتایی عالمی بافضیلت بود. تحصیلاتش را در حوزه علمیه زنجان شروع کرده و از محضر علما و بزرگان به‌خصوص: آیت‌الله آخوند ملاقربانعلی، آیت‌الله شیخ فیاض الدین، آیت‌الله میرزا عبدالرحیم فقاهتی، بهره‌های فراوان برده و به مدارج عالیه علم و تقوا نائل گردید. ایشان پس از مدتی برای کسب مدارج عالی علمی به شهر مقدس قم عزیمت نموده و از محضر آیات عظام و علمای اعلام به‌خصوص حجت کوه‌کمری(;)، بروجردی(;)، مرعشی نجفی(;)، گلپایگانی(;)، به‌ویژه امام خمینی(;) بهره‌های فراوان برده. بعد از پیروزی انقلاب و در تاریخ 27 محرم 1400 هجری قمری از سوی امام خمینی(;) به امامت جمعه خلخال منصوب گردیدند. معظم‌له در مجلس خبرگان اول نیز از سوی مردم مسلمان آذربایجان شرقی به نمایندگی انتخاب شدند. در طول هشت سال دفاع مقدس نیز ضمن عزیمت به مناطق مختلف جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، موجب تشویق و تقویت روحی رزمندگان می‌شدند. در پشت جبهه نیز با تمام وجود علاوه بر یاری و دفاع از رزمندگان اسلام، در اعزام نیرو به جبهه‌ها نقش بسیار موثر و تعیین‌کننده‌ای داشتند.